



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

سیری در جنگ ایران و عراق ۱-۵

مسائل اجتماعی و سیاسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمد درودیان

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۲	آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق
۲۲	مشخصات کتاب
۲۳	جلد ۱
۲۳	اشاره
۳۶	مقدمه
۴۱	از اشغال تا آزادسازی
۴۱	زمینه های شکل گیری تهاجم
۴۴	اهداف عراق از تهاجم سراسری
۴۷	تهاجم در جبهه جنوبی و زمین گیر شدن دشمن
۴۷	اشاره
۴۸	محور دزفول
۴۹	محور چزابه - سوسنگرد - اهواز
۵۰	محور نشوه - جفیر - اهواز
۵۱	محور شلمچه - خرمشهر - آبادان
۵۲	نبرد در خرمشهر
۵۲	مقاومت رزمندگان و ناکامی دشمن در اشغال سریع شهر
۶۳	عبور از کارون و تشدید نبرد
۶۵	ورود به شهر
۶۶	تغییر خرمشهر به خونین شهر
۶۸	سقوط خرمشهر
۷۰	توقف سراسری دشمن
۷۰	اشاره
۷۲	فرضیات و محاسبات غلط در ارزیابی اوضاع داخلی ایران

۷۳	عدم تطابق اهداف سیاسی با توان نظامی
۷۶	آخرین مواضع اشغالی
۷۷	بررسی وضعیت سیاسی - نظامی کشور
۷۷	اشاره
۷۸	وضعیت سیاسی
۸۰	وضعیت نظامی
۸۷	آزاد سازی مناطق اشغالی و روند شکل گیری آن
۸۷	اشاره
۸۷	تغییر وضعیت داخلی کشور
۸۷	تحول روحی و معنوی در مردم
۸۸	گسترش سازمان رزم سپاه
۸۸	همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه
۸۹	ابتکار و خلاقیت در صحنه های نبرد
۹۱	عدم درک دشمن از وضعیت جدید
۹۲	سلسله عملیات بزرگ
۹۲	اشاره
۹۲	عملیات ثامن الائمه
۹۴	عملیات طریق القدس
۹۶	آثار عملیات طریق القدس
۱۰۰	عملیات فتح المبین
۱۰۱	نتایج داخلی سه عملیات بزرگ
۱۰۳	پس از فتح المبین
۱۰۳	اشاره
۱۰۳	استیصال دشمن
۱۰۶	بازتاب پیروزی های ایران در رسانه های خارجی
۱۰۸	وضعیت سیاسی منطقه خاورمیانه

۱۱۱	آزاد سازی
۱۱۱	منطقه عملیاتی بیت المقدس
۱۱۱	انتخاب منطقه
۱۱۴	زمین منطقه و آرایش دفاعی دشمن
۱۱۹	ویژگی ها و تفاوت های مناطق عملیاتی بیت المقدس و فتح المبین
۱۲۱	طرح ریزی عملیات
۱۲۱	اشاره
۱۲۲	مأموریت و اهداف
۱۲۳	طرح مانور
۱۲۳	اشاره
۱۲۴	تهاجم به دشمن با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر
۱۲۴	عبور از رودخانه کارون
۱۲۷	سازمان رزم و مأموریت قرارگاه ها
۱۳۰	بررسی مانور قرارگاه ها
۱۳۵	طراحی عبور از کارون
۱۳۹	ویژگی های طرح مانور عملیات
۱۴۰	پشتیبانی عملیات
۱۴۰	مهندسی رزمی
۱۴۱	نیروی هوایی و هوا نیروز ارتش جمهوری اسلامی
۱۴۱	توپخانه
۱۴۲	پدافند هوایی
۱۴۲	تک پشتیبانی
۱۴۳	در آستانه عملیات بیت المقدس
۱۴۷	شرح عملیات
۱۴۷	مرحله اول عملیات
۱۴۷	اشاره

۱۴۸	گزارش قرارگاه های تابعه
۱۵۰	عکس العمل دشمن
۱۵۳	دومین شب عملیات
۱۵۴	مرحله دوم عملیات
۱۵۴	اشاره
۱۵۷	عقب نشینی اساسی دشمن
۱۶۰	نتایج مرحله دوم عملیات
۱۶۱	مرحله سوم عملیات
۱۶۱	اشاره
۱۶۳	عکس العمل دشمن
۱۶۳	نتایج مرحله سوم عملیات
۱۶۴	مرحله چهارم عملیات
۱۶۹	نتایج و دستاوردهای عملیات
۱۷۱	بازتاب پیروزی
۱۷۱	اشاره
۱۷۳	تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران
۱۷۳	اشاره
۱۷۶	برتری سیاسی و نظامی ایران
۱۷۷	شکست سیاسی و نظامی عراق
۱۸۰	تغییر ماهیت جنگ
۱۸۳	نگرانی ها و اقدامات آمریکا
۱۸۳	اشاره
۱۸۶	تشکیل جبهه میانه رو عرب
۱۸۸	تلاش برای حفظ صدام و تقویت عراق
۱۹۰	تلاش برای تحمیل صلح به ایران
۱۹۵	جلد ۲

۱۹۵	پیشگفتار چاپ نهم
۱۹۸	مقدمه چاپ چهارم
۲۰۴	مقدمه چاپ اول
۲۱۰	نگاهی اجمالی به جنگ از بیت المقدس تا بدر
۲۱۰	فتح خرمشهر: سرآغاز مرحله ی جدیدی در جنگ
۲۱۰	اشاره
۲۱۲	دلایل عقب نشینی به داخل خاک عراق
۲۱۵	عملیات رمضان: ورود به داخل خاک عراق
۲۱۵	اشاره
۲۱۷	دلایل ورود به داخل خاک عراق
۲۱۸	تهدید شهر بصره
۲۱۹	موقعیت منطقه عملیاتی شهر بصره
۲۲۰	مأموریت و طرح مانور
۲۲۱	شرح عملیات (مراحل اول تا پنجم)
۲۲۷	عملیات محدود: کسب توان و گرفتن زمان از دشمن
۲۲۷	اشاره
۲۳۰	عملیات مسلم بن عقیل
۲۳۲	عملیات محرم
۲۳۸	عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱
۲۳۸	عملیات والفجر مقدماتی
۲۴۲	عملیات والفجر ۱
۲۴۷	عملیات والفجر ۲ و ۳ و ۴
۲۴۷	اشاره
۲۴۸	عملیات والفجر ۲
۲۵۲	عملیات والفجر ۳
۲۵۹	عملیات والفجر ۴

۲۶۳	عملیات خیبر: اتخاذ تاکتیک ویژه جهت دستیابی به ابتکار عمل
۲۶۳	اشاره
۲۶۸	شرح عملیات
۲۷۴	پس از خیبر
۲۷۶	عملیات عاشورا (میمک)
۲۸۲	عملیات بدر: بازگشت مجدد به هور
۲۸۲	اشاره
۲۸۶	شرح عملیات
۲۹۰	تلفات و خسارات وارده به دشمن
۲۹۱	ویژگیهای قابل ملاحظه در طراحی عملیات
۲۹۲	پس از بدر
۲۹۳	جمع بندی تجربیات و اتخاذ تدابیر لازم
۲۹۵	تبیین استراتژی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه»
۲۹۷	نظری بر سلسله عملیات محدود پس از بدر
۲۹۸	مشخصه های عملیات محدود
۳۰۱	سلسله عملیات قدس: قدس ۱ تا ۵ و عاشورای ۴
۳۰۱	عملیات قدس ۱ و ۲
۳۰۵	شرح عملیات
۳۰۶	عملیات قدس ۳
۳۱۱	عملیات قدس ۴
۳۱۵	عملیات قدس ۵
۳۱۷	عملیات عاشورای ۴
۳۲۰	نتایج و ارزیابی عملیات محدود
۳۲۴	عملیات والفجر ۸
۳۲۴	بررسی اجمالی وضعیت دشمن
۳۳۹	والفجر ۸: ضرورت انجام عملیات بزرگ

۳۳۹	اشاره
۳۴۱	عوامل انتخاب منطقه
۳۴۴	مشخصات طبیعی منطقه
۳۴۷	ویژگیهای نظامی و منطقه ای عملیات فاو
۳۵۴	پاره ای از تدابیر عملیاتی
۳۶۸	شرح عملیات
۳۷۲	مقاومت در محور ساحلی
۳۷۵	درگیری با لشکر گارد
۳۸۱	نتایج بدست آمده در عملیات
۳۸۴	فاو از حضور تا تثبیت
۳۸۴	اشاره
۳۸۵	مشکلات باز پس گیری فاو برای دشمن
۳۹۰	تلاشهای نیروهای خودی در فاو
۳۹۱	احداث خاکریز و تقویت عقبه ها
۳۹۲	احداث پل
۳۹۳	ارزیابی و نتایج عملیات والفجر ۸
۳۹۳	اشاره
۳۹۳	علل موفقیت عملیات والفجر ۸
۳۹۴	بازتاب و انعکاس عملیات در رسانه ها و مطبوعات غربی
۴۰۱	آموختنی های والفجر ۸
۴۰۳	نگاهی به سرانجام استراتژی دفاع متحرک
۴۰۳	اشاره
۴۰۵	مقاومت مناسب و تحمیل تلفات انبوه بر دشمن
۴۰۶	اهداف عراق از اتخاذ «استراتژی دفاع متحرک»
۴۰۹	نگرشی اجمالی بر سلسله تعرضات نظامی دشمن
۴۲۴	آزادسازی شهر مهران (عملیات کربلای ۱)

۴۲۴ اشاره
۴۲۷ شرح عملیات
۴۳۸ جلد ۳
۴۳۸ اشاره
۴۴۳ پیشگفتار چاپ ششم
۴۴۵ مقدمه
۴۵۱ تحولات سیاسی - نظامی پس از فتح فاو
۴۵۱ نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸
۴۵۷ بازتاب موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی
۴۶۰ اعتراف به شکست
۴۶۳ توجه به برتری نظامی رزمندگان اسلام
۴۶۴ تغییر در ماهیت سیاسی جنگ
۴۶۶ بررسی مواضع آمریکا و شوروی پس از فتح فاو
۴۶۶ اشاره
۴۶۷ مواضع آمریکا
۴۷۷ مواضع شوروی
۴۸۶ تشدید فشار به جمهوری اسلامی
۴۸۶ اشاره
۴۸۷ استراتژی دفاع متحرک
۴۹۲ افزایش حملات هوایی
۴۹۳ کاهش قیمت نفت
۴۹۶ رویارویی با وضعیت جدید
۴۹۶ اشاره
۴۹۸ بسیج نیروها و امکانات
۵۰۴ طرح ریزی و اجرای عملیات محدود
۵۰۶ طرح ریزی عملیات سرنوشت ساز

۵۱۳	افشای ماجرای مک فارلین
۵۱۳	اشاره
۵۱۴	تلاش برای برقراری روابط پنهانی
۵۱۹	عکس العمل شوروی
۵۲۲	موضع گیری عراق
۵۲۴	نتایج و پیامدها
۵۲۸	تنش در روابط عراق و آمریکا
۵۳۳	گسترش تهاجمات هوایی عراق
۵۳۷	عملیات کربلا ۴
۵۳۷	نگاهی به عملیات
۵۳۸	علل عدم موفقیت عملیات
۵۴۰	بازتاب عملیات کربلا ۴
۵۴۴	عملیات کربلا ۵
۵۴۴	اشاره
۵۴۴	ضرورت انجام عملیات
۵۴۶	انتخاب منطقه
۵۴۹	طرح ریزی عملیات
۵۵۴	آغاز تهاجم به دشمن
۵۵۶	تحرکات دشمن
۵۵۷	هشت روز نبرد در شرق نهر جاسم
۵۶۲	توقف عملیات
۵۶۳	بازتاب عملیات کربلا ۵
۵۶۶	آخرین تحرک نظامی در جنوب
۵۶۶	عملیات کربلا ۸
۵۶۷	وضعیت خودی و دشمن
۵۷۲	کلیات طرح مانور

۵۷۴	شرح عملیات کربلای ۸
۵۸۱	پاتک گسترده دشمن با استفاده از سلاح شیمیایی
۵۸۳	ارزیابی و جمع بندی
۵۸۷	تلفات دشمن
۵۹۰	بازتاب عملیات کربلای ۸
۵۹۳	ضمیمه
۵۹۳	نقش و موقعیت سپاه در سال ۱۳۶۵
۶۰۱	جلد ۴
۶۰۱	اشاره
۶۱۲	پیشگفتار چاپ پنجم
۶۱۴	مقدمه
۶۱۸	جنگ در آستانه سال ۶۶
۶۱۸	اشاره
۶۲۰	بازتاب تحولات سیاسی - نظامی جنگ در سال ۶۵
۶۲۴	تلاش ایران برای بهره برداری از موقعیت برتر
۶۳۰	بررسی مواضع امریکا و شوروی (سابق)
۶۳۰	اشاره
۶۳۴	امریکا
۶۴۶	شوروی
۶۵۷	گسترش جنگ در خلیج فارس
۶۵۷	زمینه های تشدید بحران در خلیج فارس و گسترش حضور امریکا در منطقه
۶۶۰	واکنش امریکا و توافق با کویت برای اسکورت نفتکشها
۶۷۵	حمله عراق به ناو امریکایی استارک
۶۷۹	بررسی واکنشهای احتمالی ایران و تصویب اسکورت نفتکشها در کنگره امریکا
۶۸۸	واکنش شوروی نسبت به حضور امریکا در منطقه
۶۹۱	آغاز اسکورت نفتکشها و برخورد کشتی امریکایی با مین

۷۰۰	تصویب قطعنامه ۵۹۸
۷۱۷	تداوم درگیری در خلیج فارس با از سرگیری حملات هوایی عراق
۷۲۱	تلاشهای سیاسی ایران
۷۲۳	از سرگیری مجدد حملات عراق
۷۲۶	اصابت موشک به کویت
۷۲۸	رویارویی ایران و امریکا در خلیج فارس
۷۳۰	حمله امریکا به کشتی ایران اجر
۷۳۶	عملیات خفجی
۷۳۸	تداوم درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس
۷۴۲	اصابت موشک به کشتی امریکا
۷۴۵	حمله امریکا به سکوی نفتی ایران
۷۵۱	اصابت موشک به اسکله الاحمدی کویت
۷۵۷	تحریم اقتصادی ایران
۷۵۹	جنگ در غرب کشور و آزادسازی حلبچه
۷۵۹	اشاره
۷۶۲	عملیات کربلای ۱۰
۷۶۲	اشاره
۷۶۳	موقعیت منطقه
۷۶۳	استعداد و آرایش دشمن
۷۶۵	طرح مانور عملیات
۷۶۷	در آستانه عملیات
۷۶۸	اجرای عملیات
۷۷۲	طرح ریزی و اجرای عملیات در مرحله جدید
۷۷۴	عملیات فتح ۵
۷۷۴	اشاره
۷۷۴	بازتاب عملیات کربلای ۱۰

۷۷۶	از ماووت تا حلبچه
۷۷۸	عملیات نصر ۴
۷۷۸	اشاره
۷۷۸	موقعیت منطقه
۷۷۹	طرح مانور
۷۷۹	اجرای عملیات
۷۸۲	عملیات نصر ۷
۷۸۲	اشاره
۷۸۲	موقعیت منطقه
۷۸۲	طرح مانور
۷۸۳	اجرای عملیات
۷۸۳	عملیات نصر ۸
۷۸۳	اشاره
۷۸۴	طرح مانور
۷۸۴	اجرای عملیات
۷۸۵	عملیات بزرگ بیت المقدس ۲
۷۸۵	اشاره
۷۸۷	موقعیت منطقه
۷۸۷	طرح مانور
۷۸۸	وضعیت دشمن
۷۸۸	اجرای عملیات
۷۹۱	عملیات بیت المقدس ۳
۷۹۱	اشاره
۷۹۲	تلاشها و اقدامات دشمن
۷۹۳	تلاش برای اجرای عملیات
۷۹۴	تغییر در طرح مانور عملیات

۷۹۵	طرح مانور عملیات
۷۹۶	اجرای عملیات
۸۰۰	عملیات والفجر ۱۰، آزاد سازی حلبچه
۸۰۰	اشاره
۸۰۱	موقعیت منطقه
۸۰۱	تأسیسات نظامی، اقتصادی و شهرها
۸۰۳	سابقه عملیاتی منطقه
۸۰۴	آماده سازی منطقه
۸۰۵	اهداف عملیات
۸۰۵	سازمان رزم
۸۰۶	طرح مانور
۸۰۷	شرح عملیات
۸۰۹	مرحله ی دوم عملیات
۸۱۰	مرحله ی سوم عملیات
۸۱۱	مرحله ی چهارم و پنجم عملیات
۸۱۱	نحوه ی تبلیغات و اعلام عملیات
۸۱۲	اقدامات و واکنش دشمن
۸۱۴	تلفات دشمن و غنائم
۸۱۴	بازتاب عملیات والفجر ۱۰
۸۱۵	انعکاس چهارمین مرحله از جنگ شهرها
۸۱۸	واکنش رسانه های خبری
۸۲۱	بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه در رسانه های خارجی
۸۲۷	نتیجه گیری
۸۳۳	جلد ۵
۸۳۳	اشاره
۸۴۲	پیشگفتار چاپ چهارم

۸۴۳	پیشگفتار
۸۴۶	مقدمه
۸۵۰	زمینه های تغییر در موازنه جنگ
۸۵۰	اشاره
۸۵۲	تغییر استراتژی نظامی عراق
۸۵۵	افزایش خرید و انباشت سلاح
۸۵۵	اشاره
۸۵۶	کمک های شوروی به عراق
۸۵۸	کمک های امریکا به عراق
۸۶۲	کمک های فرانسه به عراق
۸۶۳	کمک های انگلیس به عراق
۸۶۳	کمک های آلمان به عراق
۸۶۴	کمک های کویت و عربستان به عراق
۸۶۷	تحولات ارتش عراق
۸۶۷	ایجاد زیرساخت فن آوری تولید موشک
۸۶۹	حمله موشکی عراق به تهران
۸۷۴	بازسازی و تحول در سازمان رزم
۸۷۶	تلاش مهندسی عراق
۸۷۸	فراخوانی و آموزش
۸۸۰	گسترش سازمان رزم عراق
۸۸۲	مانورهای دشمن
۸۸۳	اجرای عملیات محدود در منطقه جنوب
۸۸۶	آغاز تحولات و تغییر در موازنه جنگ
۸۸۶	اشاره
۸۹۱	تهاجمات استراتژیک عراق
۸۹۱	سقوط فاو

- ۸۹۹ ارزیابی علل سقوط فاو
- ۹۰۵ دیگر دلایل سقوط فاو
- ۹۰۶ آثار و بازتاب سقوط فاو
- ۹۱۳ سقوط شلمچه
- ۹۱۵ بازتاب سقوط شلمچه
- ۹۲۴ سقوط جزایر مجنون
- ۹۳۲ حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایران
- ۹۳۹ فراخوانی عمومی نیروهای بسیجی
- ۹۴۲ تداوم تهاجمات عراق و بازپس گیری زبیدات
- ۹۴۶ بازتاب و نتایج بازپس گیری مناطق تصرف شده به وسیله عراق
- ۹۵۳ تلاش ایران برای مهار حملات عراق
- ۹۵۳ اشاره
- ۹۵۶ عقب نشینی از حلبچه
- ۹۶۲ افزایش تحرکات دیپلماتیک
- ۹۶۹ قطع نامه ۵۹۸ از تصویب تا اجرا
- ۹۶۹ اشاره
- ۹۶۹ قطع نامه ۵۹۸ و مواضع جهانی
- ۹۸۴ پاسخ رسمی جمهوری اسلامی ایران به قطع نامه ۵۹۸
- ۹۸۵ بازتاب پذیرش قطع نامه ۵۹۸ در ایران
- ۹۹۳ واکنش عراق در برابر پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸
- ۹۹۹ تجاوز مجدد عراق و پاسخ جمهوری اسلامی
- ۹۹۹ تجاوز به مناطق جنوب، میانی و غرب
- ۱۰۰۷ تجاوز مشترک ارتش عراق و نیروهای منافقین به غرب
- ۱۰۱۲ عملیات مرصاد
- ۱۰۱۴ بازتاب و پی آمدها
- ۱۰۱۶ تغییر اوضاع به سود ایران

- ۱۰۲۲ تلاش برای برقراری آتش بس -
- ۱۰۳۹ از آغاز مذاکرات صلح تا پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق -
- ۱۰۳۹ اشاره -
- ۱۰۴۰ بازتاب پی آمدهای احتمالی پایان جنگ -
- ۱۰۴۰ اشاره -
- ۱۰۴۱ ارزیابی دست آوردهای جنگ -
- ۱۰۴۵ فرآیند تحولات و توازن منطقه ای -
- ۱۰۴۷ تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران -
- ۱۰۵۱ آغاز مذاکرات بی حاصل زیر نظر دبیرکل سازمان ملل -
- ۱۰۵۱ اشاره -
- ۱۰۵۱ نخستین مذاکرات در ژنو -
- ۱۰۵۳ ادامه مذاکرات در نیویورک -
- ۱۰۵۵ ادامه مذاکرات در ژنو -
- ۱۰۶۰ مذاکرات مجدد در نیویورک -
- ۱۰۶۱ مذاکرات جدید در ژنو -
- ۱۰۶۳ تلاش عراق برای به دست گرفتن ابتکار عمل -
- ۱۰۶۳ تلاش تهدید آمیز -
- ۱۰۶۷ تلاش صلح جویانه -
- ۱۰۶۸ زمینه های تلاش صلح جویانه -
- ۱۰۷۲ آغاز صلح جویی با فرستادن نامه برای رهبران ایران -
- ۱۰۷۲ نخستین نامه رئیس جمهور عراق -
- ۱۰۷۴ پاسخ رئیس جمهور ایران به نامه رئیس جمهور عراق -
- ۱۰۷۶ دومین نامه رئیس جمهور عراق -
- ۱۰۷۷ دیدار نمایندگان دو کشور -
- ۱۰۷۸ پاسخ آقای هاشمی به نامه دوم رئیس جمهور عراق -
- ۱۰۸۱ پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در پی اشغال کویت -

۱۰۸۱ ----- اشغال کویت و بازتاب های آن

۱۰۹۱ ----- پنجمین نامه صدام و پاسخ رئیس جمهور ایران

۱۰۹۴ ----- پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ در ششمین نامه رئیس جمهور عراق

۱۰۹۹ ----- بازتاب پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در رسانه های خبری

۱۱۰۷ ----- درباره مرکز

آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق

مشخصات کتاب

سرشناسه : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

عنوان و نام پدیدآور : آغاز تا پایان : بررسی وقایع سیاسی- نظامی جنگ از زمینه ساری تهاجم عراق تا آتش بس / محمد درودیان؛ نظارت بهاءالدین شیخ الاسلامی؛ ویرایش مهدی انصاری، احمد نصرتی.

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۲۳ ص.

فروست : سیری در جنگ ایران و عراق؛ ۶.

شابک : ۴۸۰۰۰ ریال : ۷-۵۸-۶۳۱۵-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت : چاپ قبلی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ هفدهم.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷

شناسه افزوده : درودیان، محمد، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده : شیخ الاسلامی، بهاءالدین، ۱۳۳۰ -، ناظر

شناسه افزوده : انصاری، مهدی، ۱۳۳۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : نصرتی، احمد، ۱۳۴۲ -، ویراستار

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

شناسه افزوده : سیری در جنگ ایران و عراق؛ [ج] ۶.

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/س۲س۹ ج. ۶. ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۳۰۴۱۵

ص: ۱

جلد ۱

اشاره

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اندکی بعد از آغاز جنگ تحمیلی به امر تحقیقات جنگ اهتمام ورزیده و همپای گسترش جنگ، کار تحقیقات را توسعه بخشید. پس از پایان جنگ تحمیلی نیز به تنظیم مدارک و اسناد و تکمیل و تدوین تحقیقات انجام شده پرداخت.

این مرکز، در نظر دارد که بخشی از تحقیقات انجام شده درباره ی جنگ ۸ ساله ایران و عراق را جهت استفاده عموم، به صورت کتاب های مرجع تاریخ جنگ، که در آن روند جنگ به صورتی تفصیلی و مستند دنبال شده است. منتشر کرد. این کار، در مراحل مقدماتی است، که ان شاء الله ارائه آن تا جایی که فاصله آغاز تا پایان جنگ را کاملاً پر کند، به تدریج انجام خواهد شد. البته مرکز ضمن پیگیری آنچه گفته شد، تاکنون به انتشار کتاب هایی که خارج از چارچوب یاد شده قرار داشته و هر کدام بنا به ضرورتی خاص و با مضمون و محتوایی مشخص تدوین و ارائه گردیده، نیز پرداخته است. از جمله کتاب های یاد شده، می توان به کتاب «خرمشهر تا فاو» که در اسفند ۱۳۶۶ منتشر شده، اشاره کرد. کتاب

مزبور، در واقع یک سیر تحلیلی و فشرده سیاسی - نظامی از چهار سال جنگ (تیر ۱۳۶۱ تا مرداد ۱۳۶۵) می باشد که در آن شیوه و روشی خاص، اهم مقولات مطروحه در جنگ، با هم ترکیب و ارائه شده اند، به نحوی که خواننده می تواند در اندک فرصتی رویدادهای بسیاری از سال های پر حادثه ی جنگ تحمیلی را مرور کرده و به مهمترین حوادث و نکات آن، نگاهی داشته باشد.

از نظر این مرکز، این گونه آثار می تواند تا زمان تهیه و ارائه متون تفصیلی و کامل جنگ، نیازهای اهل تحقق و نیز کسانی را که به پیگیری مسائل و حوادث جنگ تحمیلی علاقه دارند، هر چند به صورتی اجمالی، پاسخ گوید. همین ویژگی باعث شد که مرکز، ارائه تاریخچه ای از ابتدا تا انتهای جنگ را با همین شیوه، مناسب بداند و نشر کتاب حاضر نیز در همین راستا می باشد.

این کتاب، در واقع جلد اول از مجموعه ای سه جلدی (۱) با مشخصات ذکر شده است که جلد دوم آن «خرمشهر تا فاو» قبلا ارائه گردیده و در نظر است که جلد سوم آن نیز با عنوان «فاو تا حلبچه» (فاصله زمانی تصرف فاو به دست سپاه اسلام تا عملیات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه) در آینده ارائه شود. چنانچه این توفیق به دست آید، سیری سیاسی - نظامی که هر چند اجمالی از آغاز تا پایان جنگ تحمیلی که در ادبیات و تاریخ جنگ، بسیار ارزشمند خواهد بود، در اختیار خوانندگان محترم قرار می گیرد.

کتاب حاضر شامل سه فصل است:

در فصل اول، تحت عنوان «از اشغال تا آزادسازی» ابتدا به زمینه های شکل گیری تهاجم سراسری عراق و اهداف آن اشاره شده، سپس چگونگی

ص: ۱۵

۱-۱. این مجموعه به شش جلد رسیده که توضیح آن در پیشگفتار ذکر شد.

اشغال خرمشهر مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی علل توقف دشمن مبحث دوم است که پس از آن، وضعیت سیاسی - نظامی کشور، در مقطع پر التهاب دوران اشغال، تحلیل و بررسی شود. مبحث بعدی به چگونگی روند آزاد سازی مناطق اشغالی اختصاص یافته و نیز مروری بر چند عملیات سپاه اسلام دارد. آخرین قسمت این فصل با عنوان «پس از فتح المبین» حاوی مسائلی درباره موقعیت ضد انقلاب داخلی و نیز دشمن خارجی در برابر توانایی های خودی، در فاصله زمانی بین دو عملیات فتح المبین و بیت المقدس می باشد.

در فصل دوم، تحت عنوان «آزادسازی» به چگونگی آزادسازی خرمشهر پرداخته شده است. این فصل که طولانی ترین فصل کتاب می باشد، در واقع گزارشی است از عملیات بیت المقدس، از نخستین مراحل طراحی تا پایان کار. ضمن این گزارش، تجزیه و تحلیل هایی مربوط به سطوح مختلف جنگ، از سیاست گذاری و برنامه ریزی های کلان گرفته، تا اجرای مراحل مختلف عملیات، به همراه فشرده ای از روند حوادث، ارائه شده است. طی این فصل خواننده در جریان چگونگی انتخاب منطقه عملیاتی بیت المقدس قرار گرفته، با ویژگی ها و مشخصات این منطقه نیز آشنا می گردد. در ادامه فصل دوم مراحل چهار گانه نبرد بزرگ و نسبتا طولانی بیت المقدس توضیح داده شده و خواننده از منظری مشرف بر صحنه، در فضای پر تب و تاب ناشی از افت و خیزهای مراحل مختلف این عملیات، قرار می گیرد.

فصل سوم کتاب، با عنوان «بازتاب پیروزی»، نتایج حاصله از پیروزی عملیات بیت المقدس و آزادی خرمشهر را مورد بحث قرار داده است. در بخشی از این فصل، «تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران» و آثار آن توضیح داده می شود. در این فصل به مبحث «تغییر ماهیت جنگ» نیز

پرداخته شده و تشریح گردیده است که چگونگی این پیروزی باعث شد تا جنگ ایران و عراق، ماهیت جدیدی پیدا کند.

کتاب حاضر، در عین این که حاوی بررسی جنگ در دو دوره ی اشغال و آزادسازی خرمشهر می باشد، اما مسئله خرمشهر در آن یک مسئله محوری است به این ترتیب که فصل اول کتاب خواننده را از شروع جنگ تا آستانه عملیات خرمشهر همراهی می کند و در آستانه عملیات فتح خرمشهر تا حد مطلوبی و در جریان وقایع جنگ و تحولات اردوی خودی قرار می گیرد؛ تحولاتی که ضعف های منجر به سقوط خرمشهر را به قوت های منجر به باز پس گیری تبدیل نموده است. فصل سوم نیز، حاوی تأثیرات و بازتاب های فتح خرمشهر است. محور بودن «خرمشهر» در کتابی که می خواهد زمانی نسبتاً طولانی و پر حادثه از جنگ را در مجموعه ای فشرده ارائه کند، امری الزامی است، زیرا تا پایان دوره اشغال، خرمشهر، چه در نزد دشمن و چه در نزد خودی، مهمترین مسئله جنگ بوده است.

کتاب «خونین شهر تا خرمشهر» در جایی به پایان می رسد که کتاب «خرمشهر تا فاو» شروع شده است. کتاب اخیر، تبعات پیروزی خرمشهر را به انتقال جنگ در خاک عراق (عملیات رمضان و...) متصل کرده است.

در این جا لازم است که برادر سردار سر لشکر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که هم با ارائه تحلیل ها و جمع بندی های دقیق و موشکافانه در مصاحبه اختصاصی مربوط به کتاب حاضر و هم با حمایت های متعدد و همه جانبه، از آغاز شروع کار مرکز تا کنون، نقش اساسی در تهیه این کتاب و سایر آثار مرکز داشته است، سپاس گزاری شود. و نیز ضروری است که از همکاری برادران، سردار

سرتیپ غلامعلی رشید، معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، که در زمینه های مختلف مرتبط با مضامین کتاب، این مرکز را یاری نموده و بهاءالدین شیخ الاسلامی، که ویرایش محتوایی کتاب را به عهده داشته، قدردانی شود. همچنین لازم است از همکاری مسئولان دفتر سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه و معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح و نیز از زحمات راویان و مسئولان سابق مرکز، برادران هادی نخعی و غلامرضا ظریفیان شفیعی تشکر شود.

اما مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ لازم می داند که بیش از همه، از برادر محمد درودیان، راوی و کارشناس سابق مرکز، قدردانی نماید که با وجود پیوستن به سنگری دیگر، در تهیه کتاب «خونین شهر تا خرمشهر» همانند کتاب «خرمشهر تا فاو»، نقش اصلی را ایفا کرده و با انگیزه ای قابل ستایش به استخراج، تنظیم و تدوین تحقیقاتی که توسط خود ایشان و دیگر راویان مرکز انجام شده بود، پرداخت و موفق به تألیف این دو کتاب شد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

دی ماه ۱۳۷۲

ص: ۱۸

انقلاب اسلامی، پس از یک سال و اندی که از پیروزی آن می گذشت، با توجه به ستیزه جویی و معارضه ذاتی با اهداف و منافع استکبار جهانی و نیز نفی هر گونه مصالحه و سازش، به نحوی گسترده و شدید تحت فشارهای داخلی و خارجی قرار داشت. ادامه ی نگهداری گروگان های آمریکایی نیز بر خصومت آمریکا با انقلاب اسلامی می افزود. به ویژه این که سیاست خارجی آمریکا و موقعیت دمکرات های این کشور برای پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری، عمیقاً تحت تأثیر ماجرای گروگان گیری قرار داشت و عامل زمان برای کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، از اهمیت ویژه ای برخوردار بود.

بدین ترتیب، با فرا رسیدن سال ۱۳۵۹، روند تحولات داخلی و خارجی وضعیتی جدید به خود گرفت. تشنج در مرز ایران و عراق به طور چشمگیری تشدید شد و در تاریخ ۱۸ / ۱ / ۱۳۵۹، تنها یک روز قبل از اعلام قطع رابطه آمریکا با ایران، صدام، رئیس جمهور عراق، اعلام کرد که ایران باید از سه جزیره ی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی خارج شود. (۱).

وی همچنین اظهار داشت:

ص: ۱۹

۱-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

«عراق آماده است با زور، تمام اختلافات خود با ایران را حل کند.»

یکی از مقامات کاخ سفید نیز در همین ایام گفت:

«آمریکا به بررسی عملیات احتمالی نظامی از قبیل محاصره دریایی و هوایی ایران و جنگ در بیابان پرداخته است.» (۱).

عملیات طبس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹، بخشی از تلاش های آمریکا برای آزاد کردن گروگان ها بود که با شکست آمریکا و به ویژه کارتر همراه شد. برژینسکی، بعد از این واقعه اظهار داشت:

«آمریکا قادر است تمام کوشش های لازم را به عمل آورد و تمام وسائل لازم را نیز در اختیار دارد تا ایران را به قبول نظریات آمریکا وادار سازد.» (۲).

در همین ایام، عراق علاوه بر ادامه و تشدید درگیری مرزی با ایران، در برخی از شهرهای مرزی از جمله خرمشهر، توسط عوامل خود مبادرت به بمب گذاری و خرابکاری نمود. اوضاع جدید، دو کشور را در آستانه جنگ قرار داد طوری که محافل سیاسی - نظامی جهان به ارائه تحلیل های مختلفی در این باره پرداختند. اشپیگل در این زمینه گفت:

«دلایل بسیاری وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران، در یک جنگ مسلحانه با عراق شکست خواهد خورد، زیرا عراق دارای یک ارتش مجهز و تعلیم یافته است. به همین دلیل دولت عراق سعی نمی کند که از عصبانیت قبلی بکاهد.» (۳).

هرالد تریبون نیز طی تحلیلی نوشت:

ص: ۲۰

۱- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۲- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۳- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

«... تحلیل گران آمریکایی معتقدند که در حال حاضر ارتش ایران قادر نیست از مرزهای کشور علیه هر گونه تهاجم مشخص دفاع نموده و در یک جنگ سخت و سنگین بیش از چند روز و شاید یک یا دو هفته دوام بیاورد.» (۱).

تأثیر جنگ بر اوضاع داخلی و تغییر موقعیت لیبرال ها نیز بخش دیگری از تحلیل های مرتبط با بحران و مناقشه ایران و عراق را شامل می شد. مجله الحوادث در این زمینه نوشت:

«بنی صدر می داند ارتش وی که اکنون فاقد تسهیلات مناسب است، قادر به رویارویی با ارتش عراق نمی باشد و از آن گذشته رهبران ارتش یا اعدام شده و یا فرار کرده اند و تکنسین ها کنار گذاشته شده اند، اما خوب می داند که اگر ارتش عراق بخواهد وارد ایران بشود، برای وی فرصتی خواهد بود تا نیروهای ملی و ارتش را به شکل مناسبتری به دور خود گرد آورد.» (۲).

آمریکا پس از عدم حصول نتیجه لازم و مطلوب از تشدید فشارهای داخلی و خارجی به جمهوری اسلامی، به ویژه پس از شکست عملیات طبس، کودتای نوژه را که از مدت ها قبل طرح ریزی شده بود به اجرا گذارد. بنا به اطلاعات واصله، آمریکایی ها پس از اجرای طبس، طرح کودتا و جنگ را بررسی کرده و بنا به دلایلی، کودتا را در اولویت قرار می دهند، لیکن یکی از عناصر کودتا در قسمتی از اعترافاتش می نویسد:

«بحث بود که بین جنگ و کودتا، ابتدا کدام یک شروع شود. در صورت شکست کودتا، جو حاکم بر ارتش و بی اعتمادی و غیره، زمینه خوبی جهت ایجاد جنگ فراهم می نمود.» (۳).

همزمان با کودتا، عراق در ۲۰ منطقه مرزی درگیری ایجاد کرد (۴) و اوضاع را به گونه ای متشنج نمود که نظرها از داخل به مسائل مرزی معطوف شود. ضمن این که بر اساس شواهد و قرائن، عراق و برخی دیگر از

ص: ۲۱

۱-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۲-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۳-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۴-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

کشورهای منطقه، در کمک و حمایت از عناصر کودتای نقش فعال داشتند.

متعاقب شکست کودتا، صدام مجدداً برای آغاز جنگ اعلام آمادگی کرد. وی در یکی از سخنرانی‌های خود گفت:

«اینک برای استرداد سه جزیره واقع در خلیج (فارس) که توسط شاه اشغال شده است، توانایی نظامی لازم را داریم. هرگز از زمان اشغال این سه جزیره، ساکت ننشسته ایم و پیوسته از نظر نظامی و اقتصادی برای پس گرفتن سه جزیره مذکور، آمادگی داشته ایم.» (۱).

واگذاری نقش جدید به عراق، (۲) به منظور وادار کردن ایران به پذیرش خواسته‌ها و نظریات آمریکا، (۳) چنان که برژینسکی پیش از این مورد اشاره قرار داد و موجب گردید تا عراق بلافاصله پس از شکست کودتا، مقدمات لازم را با انتقال نیرو به مرز و گسترش درگیری در نوار مرزی، فراهم سازد.

اهداف عراق از تهاجم سراسری

دولت عراق، براساس این باور، که توازن نظامی به نفع این کشور تغییر نموده است و تمامی عوامل از جمله اوضاع ایران، (۴) وضعیت منطقه و

ص: ۲۲

۱- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی‌ها را بر سر عقل آورده باشد.

۲- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی‌ها را بر سر عقل آورده باشد.

۳- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی‌ها را بر سر عقل آورده باشد.

۴- ۱۳. طارق عزیز طی مقاله‌ای در مجله الوطن مورخ ۱۵ مه ۱۹۸۰ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)، اوضاع داخلی ایران را چنین ارزیابی می‌کند: علائم برجسته اوضاع ایران که در سایه این حکمفرمایان می‌گذرد، چنین است: ۱- تشتت نیروهای انتظامی. ۲- (تعدد) مراکز تصمیم‌گیری و وجود اختلاف میان رهبران سیاسی و مذهبی که هر کدام از آنها به یکدیگر اتهاماتی نسبت می‌دهند. ۳- کشمکش‌هایی میان اقلیت‌ها و رهبران حاکم و عدم توانایی حل مشکلات آنها. ۴- وجود هرج و مرج و نا امنی. ۵- توقف کارخانه‌های تولیدی، تزلزل اقتصادی، افزایش اشخاص بیکار و نبودن بسیاری از مواد غذایی در بازار. ۶- آشفته‌گی در روابط خود با کشورهای منطقه و جهان.

مناسبات بین المللی، به تحقق اهداف حاکمان بغداد کمک خواهد کرد، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - پس از آن که صدام قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲۶ شهریور ۱۳۵۹) لغو و تسلط کامل عراق بر آبراه اروند را اعلام کرد - تهاجم سراسری خود را از هوا، دریا و زمین، به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد.

استعداد زمینی عراق در آغاز تهاجم، بالغ بر ۴۸ یگان می شد که عبارت بود از ۱۲ لشکر (شامل ۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه) و همچنین ۱۵ تیپ مستقل (شامل ۱۰ تیپ پیاده، ۱ تیپ زرهی، ۱ تیپ مکانیزه و ۳ تیپ نیروی مخصوص)، به اضافه تیپ ۱۰ گارد ریاست جمهوری و نیز نیروهای گارد مرزی که شامل ۲۰ تیپ مرزی می شد.

ماشین نظامی عراق با بهره مندی کامل از تجهیزاتی نظیر ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی کوپتر، از آمادگی عملیاتی مناسبی برخوردار بود.

اهداف عراق در این تهاجم، با توجه به همسویی منافع این کشور با

آمریکا، در مورد مهار کردن و کنترل انقلاب اسلامی، و همچنین تمایلات توسعه طلبانه رژیم بعثی برای بهره برداری از خلأ ناشی از رژیم شاه، در سه سطح قابل تقسیم بندی است. (۱).

۱ - لغو قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر.

۲ - تجزیه ایران با جدا کردن استان خوزستان.

۳ - براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران.

در این میان، به نظر می رسد لغو قرارداد الجزایر و تسلط کامل عراق بر رودخانه اروند، نازلترین بخش از اهداف رژیم عراق بود که در صورت تحقق آن، براندازی حکومت و تجزیه ایران نیز عملاً پیگیری می شد.

گرچه لغو قرارداد، بدون حمله سراسری نیز امکان پذیر نبود. قطعاً هدف عراق، همان طور که گفته شد، فراتر از موارد ذکر شده بود، لیکن حاکمان عراق چنین می پنداشتند که پس از تهاجم، دست کم قادر خواهند بود که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو کرده و بدین ترتیب، معضل راه یابی عراق به شمال خلیج فارس را حل نمایند.

ص: ۲۴

۱-۱۴. ادواردوود لاک یکی از کارشناسان برجسته مسائل دفاعی آمریکا و استاد دانشگاه جرج تاون واشنگتن، تنها ۴ روز پس از آغاز تجاوز عراق، طی تجزیه و تحلیلی از اهداف عراق از تجاوز به جمهوری اسلامی، که در روزنامه کریستین ساینس مانیفور درج شد، نوشت: «احتمالاً- عراق در جنگ با ایران سه هدف را در نظر داشت: اولین هدف عراقی ها تسلط بر شط العرب و کنترل این شاهراه آبی دهانه خلیج فارس است. هدف دوم عراقی ها استان خوزستان، و سومین هدفشان، سرنگونی رژیم (امام) خمینی است. وی در مورد مکانیزم تحقق اهداف عراق، به صورت مرحله ای می نویسد: پس از نیل اولین هدف، یعنی برقراری سلطه و برتری عراق بر شط العرب، جنگ را برای رسیدن به دومین هدف، یعنی خوزستان ادامه داده و آنگاه برای نیل به هدف سوم، پافشاری می کند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۳۵۹ / ۷ / ۵ به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۵۹ / ۷ / ۴).

استان خوزستان، (۱) از لحاظ ویژگی های استراتژیکی خاص خود، می توانست بخش مهمی از اهداف عراق در تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ایران را تأمین نماید. چرا که دشمن، در صورت تسلط بر استان خوزستان و تجزیه آن، علاوه بر این که می توانست در مسیر براندازی نظام گام اساسی بردارد، در صورت عدم موفقیت در ساقط کردن حکومت مرکزی، قادر بود با تجزیه استان خوزستان، تسلط خود بر شمال خلیج فارس را اعمال و کاملاً تثبیت نماید.

استراتژی عراق برای تحقق اهداف مورد نظر، علاوه بر این که براساس «عملیات سریع، برق آسا و قاطع» طرح ریزی شده بود، (۲) عمدتاً معطوف به منطقه جنوبی کشور بود. لذا با توجه به اهداف یاد شده، فرماندهان نظامی عراق، نزدیک به دو سوم توان نظامی خود را برای عملیات در مناطق جنوبی کشور سازمان دهی کردند. به این ترتیب که منطقه جنوب، حد فاصل خرمشهر تا دهلران، به سپاه سوم عراق واگذار گردید. نهایتاً، با توجه به معابر وصولی منتهی به منطقه و موقعیت زمین، طرح اشغال خوزستان براساس اهداف از پیش تعیین شده، به صورت زیر در دستور کار قرار گرفت:

ص: ۲۵

۱- ۱۵. نظر به این که برای تشریح وقایع خرمشهر نیازی به بررسی اوضاع جبهه های میانی و شمالی غرب نبود لذا در این کتاب، مباحث مربوط به جبهه های یاد شده مورد اشاره قرار نگرفته است. در این زمینه به کتاب «گذری بر دو سال جنگ» از انتشارات دفتر سیاسی سپاه مراجعه کنید.

۲- ۱۶. بر همین اساس بود که علی رغم اشغال برخی از مناطق ایران، کارشناسان و تحلیل گران نظامی، صدام را در تحقق اهداف خود ناکام قلمداد کردند.

نظر به گستردگی منطقه و طولانی بودن فاصله بین مرز تا اهداف دشمن در این محور، لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق مأموریت داشتند تا با استفاده از معابر وصولی منطقه، شامل دو معبر «فکه - دوسلک - پل نادری - دزفول» و «شهرانی - عین خوش - پل نادری - دزفول» و با عبور از رودخانه کرخه و قطع جاده اهواز - اندیمشک، محاصره اهواز (از شمال) و دزفول (از جنوب) را کامل کنند.

بر این اساس، لشکر ۱۰ زرهی در محور شهرانی - عین خوش - امام زاده عباس به سمت پل نادری پیشروی کرد و سرانجام در پشت پل نادری و غرب رودخانه کرخه متوقف شد. لشکر ۱ مکانیزه در محور فکه - دوسلک به سمت شوش پیشروی کرد و توانست تا پشت رودخانه کرخه را زیر نفوذ خود قرار دهد.

در این محور، علاوه بر تیپ ۲ زرهی (از لشکر ۹۲ زرهی اهواز) که بنا به مأموریت سرزمینی در این منطقه استقرار داشت، نیروهای سپاه پاسداران شوش و دزفول، و نیز تیپ ۳۷ زرهی ارتش جمهوری اسلامی در برابر تهاجم دشمن صف آرایی نمودند، لیکن پس از اشغال عین خوش توسط قوای دشمن، نیروهای خودی به شرق رودخانه کرخه عقب نشینی کردند.

دشمن طی کمتر از یک هفته به ساحل غربی رودخانه کرخه رسید. عدم الحاق کامل لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی و وسعت و عمق زمین منطقه و نیز وجود موانع طبیعی همچون رودخانه کرخه، موجب زمین گیر شدن دشمن در پشت این رودخانه گردید. (۱) البته پس از الحاق دو لشکر

ص: ۲۶

۱- ۱۷. علاوه بر این، عدم موفقیت لشکر ۳ زرهی عراق برای عبور از رودخانه کارون و تصرف آبادان و خرمشهر و همچنین ناکامی لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی در تصرف اهواز، نقش مهمی در توقف دشمن داشت.

مذکور، دشمن توانست کل منطقه شوش و دزفول را پوشش داده و تأمین نماید.

محور جزابه - سوسنگرد - اهواز

لشکر ۹ زرهی ارتش عراق مأموریت داشت تا با عبور از معبر وصولی جزابه، با تصرف شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه، به سمت شهر اهواز پیشروی نماید. در واقع محور سوسنگرد - بستان - حمیدیه از یک سو و محو نشوه - طلائی - جفیر از سوی دیگر، با هدف تصرف اهواز طراحی شده بود.

لشکر ۹ زرهی، با حرکت از العماره، از معبر وصولی جزابه عبور کرد و ضمن اقدام برای تأمین جناح چپ خود و الحاق با لشکر ۱ مکانیزه به سمت اهواز پیش رفت. بدین ترتیب که نخست برای تأمین جناح خود و الحاق با لشکر ۱ مکانیزه، از سمت شمال کرخه به سوی تپه های الله اکبر در شمال بستان تک کرده و همزمان با عبور از رودخانه کرخه و با اتکا به جاده اصلی بستان - سوسنگرد - حمیدیه، حرکت اصلی خود را به سمت اهواز ادامه داد. این لشکر توانست ضمن اشراف و تسلط کامل بر منطقه، جناح چپ خود را با تصرف ارتفاعات الله اکبر، تأمین نماید. در برابر محور اصلی تهاجم دشمن به سمت اهواز، علی رغم غافلگیری کلی نیروهای خودی، مقاومت هایی در شهر بستان، پل سابل و سایر محورها صورت گرفت، لیکن به دلیل سنگینی تهاجم دشمن، نیروهای خودی، به تدریج برای استقرار در مواضع مناسبتر، عقب نشینی کردند. در نتیجه، دشمن با یک خیز بلند، خود را به دروازه حمیدیه رساند و شهر اهواز را در

معرض تهدید قرار داد. (۱) در این وضعیت ۲۸ تن از برادران پاسدار و بسیجی به فرماندهی شهید «غیور اصلی» از برادران سپاه اهواز - در حالی که فقط چند قبضه آرپی جی ۷ در اختیار داشتند - شبانه، آماده یورش به دشمن شده، پس از خروج از شهر، در چند کیلومتری آن، در کنار جاده حمیدیه - اهواز به کمین دشمن نشستند. ساعت ۴ بامداد ۹ / ۷ / ۱۳۵۹ شلیک هماهنگ به سوی تانک های عراقی آغاز شد. نیروهای عراقی که در طول این مسیر تا آن هنگام، با موانع و مقاومتی اساسی رو به رو نشده بودند، بلافاصله پس از تهاجم غافلگیرانه رزمندگان اسلام، با وحشت و نگرانی فراوان اقدام به عقب نشینی کردند. برخی از تانک های دشمن در زمین های مزروعی اطراف حمیدیه به گل نشسته و برخی منهدم شدند. بعد از این حادثه، دشمن چند بار اقدام به پیشروی در این محور کرد و سرانجام، در حوالی دیوارهای غربی شهر سوسنگرد، در غرب رود نیسان، زمین گیر شد.

محور نشوه - جفیر - اهواز

مأموریت عملیات در این محور بر عهده لشکر ۵ مکانیزه ارتش عراق بود که باید ضمن پاکسازی منطقه، جاده اهواز - خرمشهر را قطع می کرد و پس از محاصره خرمشهر از قسمت شمال، با حرکت به سمت اهواز، محاصره این شهر را نیز کامل می نمود و بعد از آن نیز به لشکر ۹ زرهی - که قرار بود در محور چزابه، با هدف تصرف بستان و سوسنگرد، به سمت

ص: ۲۸

۱- ۱۸. متعاقب این وضعیت و اطلاع حضرت امام از احتمال سقوط قریب الوقوع اهواز، ایشان چنین فرمودند که: «مگر جوانان اهواز مرده اند؟» رسیدن این خبر به سپاه خوزستان موجب تحول و اقدامات شجاعانه جوانان رزمنده علیه دشمن و نهایتاً نجات اهواز از خطر سقوط گردید. (سند شماره ۷۸۵۲۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ).

اهواز حرکت کند - در شهر اهواز ملحق می شد.

لشکر ۵ ارتش عراق، با تصرف پاسگاه های طلائییه و کوشک، به سمت اهواز پیشروی کرد و در محور کوشک، تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز به همراه برادران سپاه، در برابر دشمن مقاومت نموده و برای مدت کوتاهی پاسگاه کوشک را آزاد کردند. سرانجام، لشکر ۵ مکانیزه عراق، در ۱۵ کیلومتری اهواز، در منطقه «نورد» با مقاومت مردمی مواجه شد که موجب توقف دشمن در آن منطقه گردید. از سوی دیگر، به علت عدم موفقیت لشکر ۹ زرهی عراق در تصرف سوسنگرد و حمیدیه، دشمن از پیشروی بیشتر به سمت اهواز عاجز ماند. لشکر ۵ مکانیزه نیز پس از این، با عبور از محور طلائییه، با یک فلش به سمت جاده اهواز - خرمشهر و با یک فلش به سمت جفیر حرکت کرد و پس از عبور از جفیر، در جنوب رودخانه کرخه متوقف شد. بعدها با ملحق شدن لشکرهای ۹ زرهی و ۵ مکانیزه در منطقه هویزه، بین نیروهای بخش شمالی و بخش جنوبی دشمن در جبهه جنوب، الحاق حاصل شد.

محور شلمچه - خرمشهر - آبادان

لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص ارتش عراق، مأموریت داشتند ضمن محاصره و تصرف خرمشهر، با عبور از رودخانه کارون، شهر آبادان را محاصره و سپس اشغال نمایند. لشکر ۳ زرهی، به همین منظور با عبور از ۱۵ کیلومتری شمال خرمشهر، به سمت رودخانه کارون حرکت کرد و همزمان نیز تیپ ۳۳ نیروی مخصوص برای تصرف خرمشهر، پیشروی خود را آغاز نمود.

مقاومت در خرمشهر موجب شد تا حرکت لشکر ۳ با تأخیر و در نتیجه با شکست روبه رو شود. (۱) این لشکر، در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ از کارون عبور کرد

ص: ۲۹

۱- ۱۹. نظر به این که موضوع کتاب، «خرمشهر» و حوادث مربوط به آن می باشد و از آن جا که نحوه اشغال خرمشهر و مقاومت مدافعان آن فصل درخشان و برجسته ای در تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می باشد، لذا این موضوع، به صورت مفصل تری در ادامه کتاب، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

و پس از قطع جاده اهواز - آبادان، توانست آبادان را محاصره کرده و با عبور از رودخانه بهمن شیر، وارد کوی ذوالفقاری آبادان شود، لیکن به دلیل مقاومت مردمی در کوی ذوالفقاری، سرانجام مجبور به عقب نشینی شد و در شمال رودخانه بهمن شیر استقرار یافت.

نبرد در خرمشهر

مقاومت رزمندگان و ناکامی دشمن در اشغال سریع شهر

خرمشهر، ماه ها قبل از آغاز رسمی تجاوز عراق، دستخوش بحران سیاسی - امنیتی شده بود. عراقی ها از مدت ها قبل اقدام به سازمان دهی نیروهای وابسته به خود در داخل خرمشهر نموده و با توزیع سلاح و مهمات و تشدید تبلیغات سیاسی - روانی، زمینه را برای بهره برداری از نیروهای موسوم به «خلق عرب» آماده کردند. (۱) درگیری های مرزی که در گذشته نیز کم و بیش رخ می داد، در شش ماهه ی اول سال ۱۳۵۹ شکل جدیدی به خود گرفت و در حجم و فواصل آن تغییرات محسوسی به وجود آمد و همین امر سبب اعزام بخشی از نیروهای سپاه به مرز خرمشهر شد.

در پی طرح ریزی تهاجم نظامی عراق به جمهوری اسلامی، لشکر تقویت شده ی ۳ زرهی عراق، پس از آن که تیپ ۳۳ نیروی مخصوص نیز

ص: ۳۰

۱- ۲۰. برای مطالعه اوضاع خرمشهر بعد از پیروزی انقلاب، بحران های قومی و جنگ انفجارات قبل از هجوم سراسری عراق و حماسه مقاومت خرمشهر و چگونگی اشغال خرمشهر به کتاب «خرمشهر در جنگ طولانی» از انتشارات مرکز مطالعات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مراجعه نمایید.

تحت امر آن قرار گرفت، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به دنبال ۱۰ روز درگیری در مرز خرمشهر و همزمان با حمله سراسری عراق، حمله خود به خرمشهر را آغاز کرد.

مأموریت تصرف و پاکسازی خرمشهر به گردان های هشتم و نهم از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص واگذار شده بود. این نیروها بر مبنای توجیحات فرماندهی سپاه سوم، مدافعان شهر را اندک و فاقد روحیه پنداشته و تصور می کردند که مأموریت پاکسازی را حداکثر طی چند ساعت و با موفقیت به پایان خواهند رساند. گردان هشتم نیروی مخصوص، در خط مقدم درگیری و به دنبال آن گردان نهم، پس از چند روز درگیری در منطقه مرزی، در تاریخ ۷/۷/۱۳۵۹ به پانصد متری پل نو رسیدند. اولین مقاومت های شدید رزمندگان اسلام در این منطقه، ضایعات و خسارات قابل توجهی به نیروهای دشمن وارد ساخت. ایجاد موانع متعدد و به دنبال آن کندی در پیشروی، موجب شد تا دشمن گردان هشتم را مأمور تثبیت منطقه نموده و ادامه پیشروی در خرمشهر را به گردان نهم محول کند. علاوه بر این، به این منظور تصرف پل نو و تسهیل در پیشروی به سمت خرمشهر، گردان تانک الحسن، وابسته به تیپ ۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه عراق، به منطقه اعزام شد و به پیشروی به سمت پل نو و درگیری در حوالی «سوله ها» اقدام کرد. اما تلاش جدید نیز نتیجه مطلوبی در پی نداشت.

یکی از فرماندهان تیپ ۳۳، پس از عبور از پل نو می گوید:

«ما تصور کردیم که مقاومت ها از بین رفته و دیگر شهر در چنگال ماست و لذا این موقعیت را به لشکر گزارش کردیم که مأموریت ما به درستی پایان یافت.» (۱).

لشکر ۳ عراق، برای عبور از رودخانه کارون، در انتظار پیشروی

ص: ۳۱

تیپ ۳۳ نیروی مخصوص و گردان تانک الحسن به سمت خرمشهر و تأمین جناح چپ لشکر بود. عدم موفقیت تیپ ۳۳ در انجام مأموریت خویش از یک سو و ضرورت پیشروی سریعتر به سمت خرمشهر از سوی دیگر، وضعیت جدیدی را برای دشمن به وجود آورد. لذا فرماندهان تیپ ۳۳ در تاریخ ۸ / ۷ / ۱۳۵۹ قبل از طلوع آفتاب، به تشکیل جلسه مبادرت کردند. در این جلسه، عدم آشنایی با شهر، عدم برآورد صحیح از استعداد نیروهای موجود و همچنین مقاومت رزمندگان اسلام به عنوان عوامل مؤثر در عدم تحقق اهداف تیپ ۳۳ مورد اشاره قرار گرفت. مهمترین نتیجه این بررسی، بروز ابهام و تردید نسبت به موفقیت تیپ ۳۳ در اجرای مأموریت محوله بود. سرانجام پس از بررسی راه کارهای مناسب، بندر خرمشهر به عنوان محور پیشروی در دستور کار قرار گرفت. یکی از فرماندهان عراقی در این مورد می گوید:

«محور بندر (خرمشهر) به دلایل زیر انتخاب شد:

۱ - تأمین جناح راست یگان های خودی.

۲ - با توجه به منتهی شدن بند به مصب رود کارون، دسترسی به پل حتمی خواهد بود.

۳ - خودداری از ورود به مرکز شهر، چرا که این کار سختی ها و مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت.

۴ - تأمین اصل غافلگیری.» (۱).

جمع بندی نیروهای مهاجم در اولین مرحله از تهاجم و مواجه شدن با مقاومت نیروهای خودی در مرز خرمشهر و در حد فاصل مرز تا پل نو و نیز در پل نو، نشان دهنده ی تغییر ذهنیت نیروهای دشمن است که در ابتدا، دست یابی به شهر را سهل پنداشته و مقاومت را بسیار ناچیز و اندک برآورد می کردند.

ص: ۳۲

بدین ترتیب، گردان هشتم، حمله خود را به سوی بندر خرمشهر آغاز کرد. عدم حضور مدافعین خرمشهر در بندر، موجب سهولت پیشروی نیروهای دشمن در ابتدای حمله در این محور گردید. فرماندهی لشکر ۳ - که در این زمان ضمن پیشروی در شمال سیل بند خرمشهر، در انتظار گشودن دروازه های شهر بود - با دریافت گزارش پیشروی در بندر ضمن استقبال از وضعیت به وجود آمده، دستور ادامه پیشروی در همین محور را صادر کرد. همچنین مقرر گردید که درگیری های محدودی در جاده شلمچه به سمت خرمشهر انجام شود تا نیروهای داخل بندر بتوانند به سهولت به حرکت خود ادامه دهند.

مدافعین خرمشهر نیز، بلافاصله پس از اطلاع از ابعاد و گسترش تحرکات جدید دشمن، بخشی از نیروهای خود را به داخل بندر اعزام و به حمله و مقاومت در برابر دشمن مبادرت کردند. در این هنگام، عملاً درگیری با نیروهای دشمن به تناسب محورهای تهاجم، در سه منطقه زیر متمرکز شده بود:

۱ - روی جاده شلمچه در شرق پل نو، در برابر گردان تانک الحسن و گردان نهم تیپ ۳۳ نیروی مخصوص.

۲ - در داخل بندر خرمشهر، در برابر گردان هشتم تیپ ۳۳.

۳ - روی سیل بند خرمشهر، در شمال ساختمان های پیش ساخته واقع در شمال شهر، در برابر لشکر ۳.

فرمانده قوای دشمن که پس از مواجهه با مقاومت شدید رزمندگان اسلام، امید قبلی خود را به پیشروی در بندر خرمشهر را از دست رفته می دید، وضعیت خود را چنین گزارش کرد:

«در آغاز کار، مقاومت چندان شدید نبود. همچنین ستون ما در محور بندر، سعی در پیشروی داشت که به دلیل مقاومت بسیار شدید

نیروهای ایرانی، تنها در مسافت بسیار ناچیزی موفق به پیشروی شد.» (۱).

رزمندگان اسلام در بند خرمشهر، با حمله به نیروهای دشمن، موجب عقب نشینی آنها تا پل نو شدند و در نتیجه ی این یورش دلیرانه، رعب و وحشت شدیدی بر دشمن مستولی شد. در این وضعیت، فرمانده نیروهای دشمن در خرمشهر، ضمن تقاضای کمک از لشکر ۳، عدم توانایی در اجرای مأموریت خود را اظهار نمود. لشکر ۳، ضمن قول مساعدت مبنی بر اعزام نیروی کمکی، بر لزوم حفظ موقعیت مذکور تأکید نمود و دستور پیشروی به داخل شهر را به نیرویی مرکب از گردان تانک الحسن و گردان ۳ مکانیزه از تیپ ۱۵ مکانیزه و گردان ۱ از تیپ ۴۹ ابلاغ کرد.

بدین ترتیب، نیروهای تقویت شده دشمن، در حالی که در پیشاپیش آنها گردان تانک الحسن حرکت می کرد و پشت سر آن نیز گردان مکانیزه و به دنبال آنها نیروی پیاده در حرکت بود، موفق به ورود در مدخل شهر شدند. در همین زمان، نیروی دشمن ر داخل بندر نیز همچنان به تلاش برای پیشروی ادامه می داد.

ورود دشمن به دروازه خرمشهر، سبب تغییر محورهای مقاومت شد. طوری که بخشی از نیروها در کشتارگاه و بخشی دیگر در ساختمان های کوی طالقانی و بخشی نیز در راه آهن درگیر شدند. تصور دشمن تا این زمان، این بود که با ورود به دروازه خرمشهر، مقاومت مدافعان شهر در هم شکسته و شهر سقوط خواهد کرد. یکی از فرماندهان عراقی در این مورد می گوید:

«ما در این گمان بودیم که شهر به دست نیروهای عراقی سقوط کرده است، در حالی که عکس این قضیه به وقوع پیوست. به گونه ای که مدافعان به نیروهای ما اجازه دادند تا داخل شهر شوند، سپس آنها را به محاصره خود

ص: ۳۴

در آوردند و با تمامی سلاح های در دسترس خود، بیش از دو سوم تانک های گردان الحسن و بیش از نیمی از خودروهای گردان مکانیزه را منهدم ساخته و ضمن کشتن تعدادی از نیروهای گردان پیاده، بعضی از آنان را نیز به اسارت خود درآوردند.» (۱).

این فرمانده عراقی، در توصیف وضعیت نیروهای مهاجم چنین می گوید:

«در ساعت ۱۶:۱۵ همان روز (۱۰ / ۷ / ۱۳۵۹) با چشمان خود مشاهده کردم که نیروهایی که به وسیله تانک و خودرو در محور اصلی شهر پیشروی کرده بودند، با وضعیتی تأسف بار و حزن انگیز و با روحیه ای بسیار متزلزل که به هیچ وجه قابل کنترل نبودند، شکست خورده و در حال عقب نشینی بودند... تلفات و ضایعات سنگین بود، طوری که گردان تانک الحسن، بیش از ۲۳ تانک خود را از دست داده بود؛ ۱۷ دستگاه خودرو از نوع اسکات ساخت چکسلواکی، متعلق به گردان مکانیزه نیز منهدم شد و ده ها نفر کشته و اسیر شده و باقی شکست خورده بودند...» (۲).

روز دهم مهر، برای مدافعین خرمشهر علی رغم سختی و دشواری فراوان، روز موفقی محسوب می شود. در این روز، جنگ تن و تانک در آستانه خرمشهر در گرفت. در میدان راه آهن، مدافعین شهر، چون صاعقه بر تانک های دشمن فرود آمده و با پرتاب نارنجک و کوکتل مولوتف، آنها را یکی پس از دیگری منهدم کردند و دشمن که با تقویت نیروهایش، در نظر داشت با یک خیز بلند، شهر را تصرف نماید، علی رغم تصرف کشتارگاه و ورود به میدان راه آهن، مجدداً متحمل شکست شد و اقدام به عقب نشینی کرد.

یکی از حماسه سازان و مدافعین غیور خرمشهری، در این مورد چنین اظهار داشت:

ص: ۳۵

۱- ۲۴. پیشین، ص ۴۰.

۲- ۲۵. مأخذ شماره ۱۱.

«روز ۱۰ مهر، روزی خونین برای خرمشهر بود، آن روز عراقی ها از کشتارگاه به داخل شهر آمدند و وقتی راه آهن را گرفتند، بچه ها یکی از حماسه های عظیم را در فلکه راه آهن به وجود آوردند.» (۱).

شدت و سرعت عمل رزمندگان اسلام، کنترل نیروهای شکست خورده و متوحش دشمن را از دست فرماندهان آنها خارج کرده بود. برخی از عناصر دشمن تا حوالی پل نو فرار کرده بودند. هر چند شهامت رزمندگان اسلام در تمام دوران مقاومت در خرمشهر ستودنی و غیر قابل توصیف بود، اما روز ۱۰ مهر جلوه دیگری داشت. در این روز شکستی تلخ و ناگوار به نیروهای دشمن تحمیل و در جمع رزمندگان جشن و سروری معنوی حاکم شد.

در پی پیدایش وضعیت جدید، فرمانده قوای دشمن به منظور تقویت روحیه فرمانده و نیروهای تیپ ۳۳ و تسهیل در ادامه پیشروی به داخل شهر، به اقدامات زیر دست زد:

۱ - با توجه به انهدام تعداد زیادی از تانک های دو گردان «الحسن» و «۳ مکانیزه»، تانک های باقی مانده به استعداد یک گردان را تحت امر تیپ ۳۳ قرار داد.

۲ - گردان ۳ تیپ ۱۵ مکانیزه را نیز برای بازسازی به سازمان اصلی خود در خارج از منطقه منتقل کرد.

۳ - چهار گردان کماندویی را از طریق فرماندهی نیروهای کماندویی خالد (کماندوهای لشکر ۲)، وارد منطقه کرد تا در محور بندر مستقر شوند.

۴ - گردان ۱ تیپ ۴۲۹ نیز مأمور به استقرار در سمت چپ بندر شد.

پس از سازمان دهی و استقرار نیروها در مواضع جدید، تلاش اصلی دشمن بر ممانعت از توقف به هر شکل ممکن، متمرکز شده بود.

ص: ۳۶

۱ - ۲۶. سند شماره ۵۵۲۲. پ. ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه با برادر همایون سلطانی فر (از رزمندگان مقاومت خرمشهر).

بدین منظور دشمن مصمم بود پیشروی را هر چند در قالب خیزهای کوتاه، ادامه دهد. (۱) لذا، براساس طرح ریزی جدید، در سپیده دم ۱۳ / ۷ / ۱۳۵۹ تهاجم سنگینی را آغاز کرد و پس از تلاش فراوان، تنها موفق به ۵۰ متر پیشروی در داخل بندر شد و این بار نیز، تحمل ضایعات فراوان از یک سو و یورش رزمندگان اسلام به قرارگاه تیپ ۳۳ از سوی دیگر، دشمن را از پیشروی باز داشت.

با این وضعیت، دشمن مجددا اقدام به تقویت نیروهای خود کرد. بدین ترتیب که گردان ۲ (۲) نیروی مخصوص تیپ ۳۱ و گردان ۲ از تیپ ۲ لشکر ۲ پیاده را همراه با ۴ گروهان کماندویی دیگر، تحت امر تیپ ۳۳ قرار داد. تعجیل لشکر ۳ برای اشغال شهر و پیوستگی این اقدام با عبور نیروهایش از رودخانه کارون و تصرف آبادان، موجب شد تا فرماندهان این لشکر، در پایان روز ۱۳ مهر با تشکیل یک جلسه فوری، بر ضرورت پیشروی سریع و اشغال شهر تأکید نمایند. یکی از فرماندهان دشمن، طرح مجدد اشغال شهر را که در همین جلسه مورد بحث و بررسی و تصویب قرار گرفت، چنین تشریح می کند:

الف) استقرار گردان ۲ نیروی مخصوص تیپ ۳۱ در سمت چپ جاده اصلی و آمادگی برای پیشروی پس از صدور دستور.

ب) استقرار گردان ۲ تیپ ۲ در سمت راست جاده اصلی و گسترش و

ص: ۳۷

-
- ۱- ۲۷. شاید بتوان یکی از دلایل عدم پیشروی دشمن با خیزهای بلند را، علاوه بر تأثیرات ناشی از مقاومت مدافعین خرمشهر، نگرانی و هراس دشمن از غافلگیری و دور خوردن نیروهایش ارزیابی کرد.
- ۲- ۲۸. این گردان قبلاً مأموریت داشت که طی عملیاتی وارد اهواز شود، لیکن موفق نشد و پس از بازسازی استعداد خود، در مأموریت جدید، به خرمشهر اعزام گردید و تحت امر تیپ ۳۳ نیروی مخصوص قرار گرفت.

ج) استقرار گردان ۸ نیروی مخصوص در سمت راست گردان ۲ از تیپ ۲ و گسترش و آمادگی برای ادامه پیشروی.

د) استقرار گردان ۱ تیپ ۴۹ در سمت راست گردان ۸ نیروی مخصوص، به اضافه ۶ گروهان کماندویی و آمادگی برای ادامه پیشروی.

ه) استقرار یک گروهان از گردان ۹ نیروی مخصوص، به اضافه ۶ گروهان کماندویی در بندر و استقرار ۲ گروهان نیروی مخصوص و ۲ گروهان کماندویی در نزدیکی ورودی بندر، به عنوان احتیاط برای مواقع ضروری. علاوه بر اینها، کلیه توپ های لشکر ۳ در پشتیبانی این عملیات قرار گرفت. همچنین توافق شد که عملیات، در سپیده دم روز ۱۵ / ۷ / ۱۳۵۹ آغاز گردد. (۱) حمله نیروهای عراقی برابر طرح فوق آغاز گردید، اما مقاومت رزمندگان بار دیگر دشمن را متوقف کرد، و عراقی ها به میزان بسیار محدودی نسبت به مواضع قبلی خود پیشروی کردند.

در پی این وضعیت، سرلشکر ستاد اسماعیل تابه النعیمی، فرمانده سپاه سوم ارتش عراق، به منظور بررسی علل توقف مجدد یگان هایشان، قرارگاه اصلی تیپ ۳۳ را مورد بازدید قرار داد. همچنین، سرلشکر ستاد عبدالرحمن عبدالواحد (معروف به عبدالرحمن سیاوه) به عنوان مشاور یگان ها و به منظور ترسیم وضعیت و گزارش آن به قرارگاه سپاه، وارد منطقه شد.

مشکلات اصلی دشمن در این مرحله برای ورود به داخل خرمشهر، چند علت اساسی داشت:

۱ - عدم شناخت دقیق از اوضاع داخل شهر.

۲ - حضور رزمندگان اسلام در داخل شهر و مشکلات ناشی از

ص: ۳۸

مقاومت آنان و نیز هراس دشمن از جنگ شهری.

۳ - خالی شدن پشت سر یگان ها، در صورت ورود به داخل شهر و امکان دور خوردن و محاصره نیروها در داخل شهر و نیز احتمال تفرقه یگان ها از یکدیگر.

با توجه به مشکلات فوق و وضعیت موجود، سرلشکر عبدالرحمن پیشنهاد کرد نیروهایی از جیش الشعبی برای کنترل مناطق اشغالی در نظر گرفته شود و تیپ ۲۶ زرهی نیز تحت امر او قرار گیرد. این طرح پس از بررسی مجدد و تجدید نظر، به صورت زیر مورد تصویب قرار گرفت:

۱ - محور بندر: ستونی مرکب از کماندوها و ۲ گروهان نیروی مخصوص.

۲ - محور سمت چپ بندر: ستونی از گردان ۱ تیپ ۴۹ پیاده.

۳ - محور سمت راست جاده اصلی: گردان هشتم نیروی مخصوص از تیپ ۳۳.

۴ - محور مرکزی روی جاده اصلی: گردان ۲ از تیپ ۲ پیاده.

۵ - محور سمت چپ جاده اصلی واقع در سمت چپ گردان دوم از تیپ ۲: گردان ۲ نیروی مخصوص از تیپ ۳۱.

۶ - محور سمت چپ شهر: یک گردان از تیپ ۲۳ با پشتیبانی تیپ ۲۶ زرهی.

ویژگی اصلی این مرحله از تهاجم، استفاده دشمن از آتش پشتیبانی پر حجم، همزمان با آغاز حمله در ۱۶ / ۵ / ۱۳۵۹، بود. اجرای آتش سنگین، خسارات فراوانی را بر خرمشهر وارد کرد و ستون های عظیم دود حاصل از آتش سوزی های متعدد، آسمان شهر را سیاه نمودند.

طی این مرحله، نیروهای دشمن ضمن پیشروی در داخل بندر، به مرکز شهر نیز نزدیک شده و ساختمان های پیش ساخته را به تصرف

در آوردند؛ اما جاده خرمشهر - اهواز، همچنان در تصرف نیروهای خودی قرار داشت.

به دنبال پیشروی نیروهای عراقی در ساختمان‌های پیش ساخته، در شمال و در فاصله حدود یک کیلومتری پلیس راه خرمشهر، تدریجا مقاومت در خرمشهر ابعاد تازه‌ای به خود گرفت، چرا که ساختمان‌های پیش ساخته که در حد فاصل سیل بند خرمشهر و پلیس راه واقع شده بود، از یک سو مانع رسیدن نیروهای عراقی به پادگان دژ و اشغال آن و همچنین دست‌یابی عراقی‌ها به پلیس راه و جاده کمربندی خرمشهر بود و از سوی دیگر می‌توانست نیروهای عراقی (تیپ‌های ۶ و ۲۶ زرهی) که از شمال سیل بند خرمشهر به قصد عبور از رودخانه کارون در حال پیشروی بودند را مورد تهدید قرار داده و ضربه پذیر نماید.

در ابتدای امر، کمتر از ۱۰ نفر از مدافعین خرمشهر در ساختمان‌های پیش ساخته علیه دشمن مقاومت می‌کردند، (۱) ولی با آغاز پیشروی عراقی‌ها در این محور، نیروهای تکاور ارتش و افراد بومی خرمشهر به همراه سایر نیروها روانه منطقه شدند. فشار سنگین دشمن در این محور که از اهمیتش برای عراق ناشی می‌شد، موجب گردید تا مدافعین خرمشهر، سرانجام اقدام به عقب‌نشینی کرده و در حوالی پلیس راه خرمشهر استقرار یابند.

ص: ۴۰

۱- ۳۰. شهید جمشید برون که یکی از حماسه‌آفرینان مقاومت خرمشهر بود، در خصوص وضعیت نیروها در این محور و امکانات دفاعی آنها چنین می‌گوید: «شب، در آن هوای سرد پاییزی، بدن آدمی می‌لرزید ما، روی آسفالت طرف پلیس راه می‌خوابیدیم. یک گونی کثیف که بوی لجن می‌داد و آدم دلش نمی‌آمد به آن دست بزند را شبها، هنگام استراحت، می‌انداختیم روی خودمان. در جایی می‌خوابیدیم که هر لحظه امکان حمله عراقی‌ها به آنجا وجود داشت.» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۵۶۵۳ / پ. ن).

دشمن، بین روزهای ۱۴ تا ۱۶ مهر، پس از تقویت نیرو و سازمان دهی جدید، توانست به داخل شهر نفوذ کند، ولی مسجد جامع شهر به صورت پایگاه مقاومت و سازمان دهی نیروها، همچنان در اختیار رزمندگان اسلام بود. پل خرمشهر نیز به عنوان محل اتصال بخش های غربی و شرقی شهر جهت تأمین عقبه نیروهای خودی، در تسلط مدافعین شهر قرار داشت.

پیشروی دشمن با خیزهای کوتاه، با وجود تحمل خسارت و ضایعات سنگین، ادامه داشت و مدافعین شهر علی رغم تغییر مواضع، همچنان مقاومت می کردند.

دشمن نیز به دلیل عدم موفقیت قابل توجه و چشمگیر نیروهایش در سایر محورهای تهاجم در جبهه ی جنوب، و از طرفی نیاز حاکمان بغداد به دستاوردی که بتواند بر مبنای آن، تهاجم به جمهوری اسلامی را توجیه نماید، همچنان برای تصرف خرمشهر تعجیل داشت و اصرار می ورزید.

عبور از کارون و تشدید نبرد

عراقی ها تا ۱۹ مهر، همچنان در مدخل خرمشهر و حوالی آن درگیر بودند. تا این زمان در برابر دشمن جبهه ای به امتداد بندر، میدان راه آهن تا کشتارگاه و پلیس راه و کمی بالاتر از آن، به وجود آمده بود. عقبه نیروهای خودی نیز با استفاده از پل خرمشهر، همچنان باز و کماکان تردد در آن صورت می گرفت. نیروهای دشمن، تدریجاً پیشروی نموده و با ایجاد درگیری در ساختمان های پیش ساخته، در واقع جناح راست تپ های ۲۶ و ۶ زرهی را تأمین کردند تا پس از قطع جاده اهواز - خرمشهر، به سمت کارون پیشروی و با قطع جاده اهواز - آبادان، محاصره خرمشهر را از شمال کامل نمایند.

گرچه مقاومت در داخل خرمشهر، نیروهای عراقی را با تلفات زیادی و

کندی در پیشروی رو به رو ساخت، ولی در عین حال، عدم تقویت نیروهای خودی و نبودن آتش پشتیبانی و... موجب گردید که دشمن به هنگام عبور از رودخانه کارون، خود را از تهدید قوای جمهوری اسلامی در امان دانسته و با اطمینان کامل از رودخانه عبور کند (۱). رادیو بی بی سی در تاریخ ۱۹ / ۷ / ۱۳۵۹ به نقل از اطلاعیه فرماندهی ارتش عراق، خبر عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون را با تردید منتشر ساخت. دیگر منابع خارجی، از جمله روزنامه واشنگتن پست نیز در تاریخ ۲۲ / ۷ / ۱۳۵۹، عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون را دلیل ضعف این کشور در تصرف خرمشهر ذکر کردند:

«عراقی ها که پس از سه هفته محاصره خرمشهر، هنوز نتوانسته اند تمام قسمت های آن را در اختیار بگیرند، اکنون می کوشند با عبور از کارون، شهر را دور زده و آن را با قطع ارتباط، در محاصره بگیرند و همچنین آبادان را به محاصره اندازند.»

دشمن از این پس برای ورود به مرکز شهر، به تقویت نیرو مبادرت

ص: ۴۲

۱- ۳۱. یکی از فرماندهان ارتش عراق که در درگیری های خرمشهر حضور داشته، درباره علل سقوط خرمشهر چنین می نویسد: این امکان برای نیروهای ایرانی وجود داشت که در خرمشهر مقاومت کرده و مانع اشغال آن به وسیله واحدهای عراقی شوند. این، در صورتی بود که تقویت واحدهای عمل کننده در داخل شهر، هر چند وقت یک بار صورت می گرفت و عکس العمل خیلی کند و سست برابر پیشروی نیروهای عراقی که حدود ۲۶ روز به طول انجامید، روی نمی داد و اگر فرماندهی ایران در طول جنگ فقط هزار رزمنده در شهر مستقر می کرد، واحدهای عراقی تار و مار شده و بیشتر آنها به اسارت در می آمدند. من به خاطر حضورم در طول عملیات، این حرف را با اطمینان کامل می گویم.» (سند شماره ۱۰ / ۵۱۰۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراقی»، اطلاعات ستاد کل سپاه).

ورزید در حالی که برای ورود به شهر، خود را با مشکلات عدیده ای مواجه می دید. استقرار رزمندگان اسلام در محورهای مختلف، امکان غافلگیری یا محاصره توسط نیروی موجود دشمن - که به علت عدم آشنایی کافی با شهر، نیروی خود را از دست داده و متحمل تلفات زیادی گردیدند - را از بین برد. لذا دشمن به منظور تقویت بیشتر نیروهایش دو واحد جیش الشعبی از سپاه سوم ارتش عراق، برای استقرار در مواضع تصرف شده، در اختیار فرماندهی جبهه خرمشهر قرار گرفت و گردان سوم نیروی مخصوص گارد ریاست جمهوری نیز برای اجرای عملیات به منطقه اعزام شد.

علاوه بر موانع یاد شده که بر سر راه دشمن قرار داشت، پیمودن مسافت کشتارگاه (در ابتدای جاده شلمچه) تا ساختمان های بلند کوی طالقانی که میدان نسبتا وسیعی را در بر می گرفت و در اختیار مدافعین خرمشهر قرار داشت، برای دشمن نگران کننده بود.

ورود به شهر

در ۲۱ مهر ۱۳۵۹، توان اصلی دشمن معطوف به تصرف ساختمان های کوی طالقانی گردید چرا که در صورت تصرف این ساختمان ها، این امکان برای آنها فراهم می شد که در ابتدای شهر، با برخورداری از یکی موقعیت مناسب، جاده کمربندی و منطقه پلیس راه را در کنترل خود قرار دهند.

یکی از فرماندهان ارتش عراق در مورد این اقدام و نتایج می گوید:

«بدین وسیله نیروهای ما می توانستند در ورودی شهر، برای خود جای پای باز کرده و موقعیت خود را تثبیت کنند، به طوری که این محل، نقطه تحولی در روند عملیات به حساب می آمد (۱)».

ص: ۴۳

دشمن در نظر داشت که با تقویت نیرو به منظور حفظ مناطق اشغالی و آزاد شدن نیروهای تک و، خود را برای ورود به داخل خرمشهر مهیا کند. روز ۲۲ مهر، به عبارتی، روز سرنوشت ساز برای خرمشهر به شمار می رود، زیرا موقعیت دشمن، بیانگر سقوط قریب الوقوع شهر بود. دشمن با تسلط بر ساختمان های کوی طالقانی و استقرار در ابتدای خیابان چهل متری، مسافتی زیاد از خیابانی که به مرکز شهر ختم می شد را در تیررس خود داشت، نیروهای دشمن، امکان تحت کنترل درآوردن جاده کمربندی را نیز داشتند و علی رغم آنکه مقاومت در تمامی محورها، از جمله بندر و پلیس راه، همچنان ادامه داشت، ارتباط نیروهای مستقر در پلیس راه با توجه به حضور دشمن در ساختمان های بلند کوی طالقانی دشوار شده و حضور نیروهای خودی رو به کاهش گذارده بود.

با آغاز پیشروی نیروهای عراقی به داخل شهر در ۲۳ مهر ۱۳۵۹، از مقاومت بندر و پلیس راه کاسته شد و پادگان دژ نیز به طور کامل سقوط کرد. این، در واقع مقدمه کنترل کامل دشمن بر منطقه شمال پلیس راه و جاده کمربندی بود.

تغییر خرمشهر به خونین شهر

نیروهای دشمن با پیشروی در عمق شهر و نفوذ در داخل خیابان فردوسی، به مسجد جامع نزدیک شدند. قلب شهر در معرض تهاجم و یورش دشمن قرار گرفت. تا کنون همه مسائل در مسجد جامع حل و فصل می شد. عقبه نیروها و محل تدارک، سازمان دهی، استراحت و مداوای مجروحین در مسجد جامع واقع شده بود. به عبارت دیگر، مسجد جامع با قدرتمندی، نقش ستاد عملیات و فرماندهی و مرکز پشتیبانی و تغذیه کننده روحی و معنوی رزمندگان اسلام را ایفا می کرد. از این پس،

مدافعین شهر برای مقاومت، با دشواری های بسیاری مواجه بودند. به نیروهای داخل شهر نه تنها افزوده نمی شد، بلکه تدریجا با شهادت و مجروح شدن نیروهای موجود، هر لحظه از تعداد آنها کاسته می شد. در این وضعیت، هر چند ادامه مقاومت بسیار دشوار بود، اما ترک شهر برای حماسه آفرینانش دشوارتر به نظر می رسید، به همین خاطر مقاومت قدم به قدم سلحشوران مسلمان ادامه یافت تا روز بیست و چهارم مهر ماه، که خرمشهر، شهر خون شد و «خونین شهر» نام گرفت (۱).

اخباری که از داخل به خارج شهر منتقل می شد، همگی حکایت از وضعیت بحرانی و سقوط قریب الوقوع شهر داشت.

فرماندهان دشمن، طی جلسه ای در تاریخ ۲۷ / ۷ / ۱۳۵۹، تصرف هر چه سریعتر پل خرمشهر را ضروری دانسته و طی گزارشی به مقرر لشکر ۳، چنین اعلام کردند:

«با توجه به سقوط پادگان دژ به دست یگان های ما و با توجه به این که تدارکات نیروهای ایرانی از طریق پلی که خرمشهر را به آبادان متصل می کند

ص: ۴۵

۱- ۳۳. آلکس افنای، خبرنگار آسوشیتدپرس درباره آزادی خونین شهر می گوید: «مدافعان ایرانی چنان مقاومت سرسختانه ای در اکتبر ۱۹۸۰ از خود نشان دادند که پس از سقوط شهر، ایران نام خرمشهر را به خونین شهر تغییر داد. بلافاصله پس از سقوط خرمشهر سرفرماندهی عراق برنامه ای برای بازدید خبرنگاران غربی ترتیب داد. خبرنگاران شدت وحدت نبردی را که صورت گرفته بود احساس کردند، در شهر یک صد و پنجاه هزار نفری، به سختی می توان خانه ای را یافت که آثار خمپاره و گلوله بر دیوارهای اتاق های آن نباشد، و این شواهد، حاکی بود که مدافعان ایرانی چگونه خانه به خانه، از این شهر دفاع کرده اند یک فرمانده ارشد عراقی در آن زمان اذعان کرد که ایرانی ها که اغلب آنها جوانان عضو سپاه پاسداران و فاقد تجربه هستند، تا پای جان برای دفاع از خرمشهر پایداری کردند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۱).

به شهر می رسد، تسلط بر پل مذکور و محاصره نیروها در داخل شهر باید از مهم ترین اهداف ما باشد.» (۱).

از این پس پیشروی دشمن در مرکز شهر به سمت قلب شهر، یعنی مسجد جامع و روی جاده کمربندی به سمت پل خرمشهر ادامه یافت. یکی از فرماندهان دشمن در این باره می گوید:

«دلیل اجرا و ادامه این طرح، همان طور که گفتم، ابتدا جلوگیری از رسیدن تدارکات به نیروهای ایرانی و نیز غافلگیر کردن آن ها بود، چون اکثر مقاومت های آنها در حوالی مسجد جامع انجام می گرفت.» (۲).

دشمن تاریخ ۲۹ مهر را به عنوان زمان اجرای طرح تعیین کرد و برای رعایت اصل غافلگیری، به یگان ها ابلاغ کرد که از بی سیم های خود استفاده نکنند.

با آغاز تهاجم دشمن و پیشروی آنها به سمت پل خرمشهر، درگیری به حوالی فرمانداری، رو به روی پل، کشیده شد. از این پس پل خرمشهر که عقبه تدارکاتی نیروهای خودی بود، مورد تهدید قرار گرفت. نیروهای دشمن از شروع اجرای مانور خود، با مقاومت شدید مدافعین مظلوم خرمشهر مواجه شده و موفق به تأمین اهداف خود نشدند. تحمل چنین وضعیتی برای فرماندهان دشمن بسیار دشوار بود، به همین علت، لشکر ۳ به منظور تحقق اهداف تعیین شده اش، برای نیروهای تحت امر خود ضرب العجل ۴۸ ساعته ای را معین کرد.

سقوط خرمشهر

در دوم آبان ۱۳۵۹، دشمن با قوای بسیاری اقدام به پیشروی کرد و علی رغم خالی شدن مسجد جامع از مدافعین خرمشهر، عظمت و نقش بی نظیر این میعادگاه در مقاومت و دفاع طولانی خرمشهر مانع نزدیکی دشمن به

ص: ۴۶

۱- ۳۴. پیشین، ص ۲۳.

۲- ۳۵. مأخذ شماره ۱۶، ص ۲۳.

آن می گردید. پل خرمشهر نیز متعاقب وضعیت جدید، به طور کامل مسدود گردید. از این پس، نه تنها ورود به داخل شهر امکان پذیر نبود، بلکه راه خروج از شهر نیز مسدود شده بود. در این اوضاع، نیروها با استفاده از بلم و با عبور از زیر جداره های پل خرمشهر، تردد می کردند، با مسدود شدن پل، فرماندهی دشمن، روز دوم آبان را روز اشغال خرمشهر اعلام کرد و این در حالی بود که هنوز مقاومت نیروها ادامه داشت و دشمن نتوانسته بود بر تمامی شهر تسلط یابد. سقوط پل خرمشهر حتمی و قریب الوقوع بود. بر این اساس، دستور عقب نشینی به نیروهای خودی صادر شد و مجروحین برای انتقال به منطقه ی امن و دور از دسترس دشمن، به ساحل رودخانه کارون منتقل شدند.

بدین ترتیب، مدافعین خرمشهر تا آخرین لحظات با دشمن جنگیدند و با مقاومت، ایثار و جانفشانی خود، حدیثی حماسی و انقلابی و در عین حال غم انگیز و مظلومانه ای را رقم زدند و تاریخی پر افتخار و درخشان از خود بر جای نهادند.

دشمن بعضی که در ابتدا تصرف خرمشهر را بسیار ساده و در دسترس پنداشته و بر همین اساس تنها دو گردان از نیروی مخصوص را جهت اجرای مأموریت و تصرف خرمشهر اختصاص داده بود، عملاً مجبور شد که به منظور مقابله با مدافعین سلحشور و مظلوم خرمشهر، بیش از ۲ لشکر را به کار گیرد. بخشی از نیروهای دشمن که در طی ۳۴ روز جنگ، برای اجرای مأموریت به خرمشهر اعزام شدند، طبق اسناد و مدارک موجود به شرح زیر می باشد:

۱ - لشکر ۳ زرهی

۲ - گردان های هشتم و نهم از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص

۳ - گردان تانک الحسن وابسته به تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه

ص: ۴۷

۴ - گردان ۳ مکانیزه از تیپ ۱۵ مکانیزه

۵ - گردان یکم از تیپ ۴۹

۴ - ۶ گردان کماندو از فرماندهی نیروهای کماندویی خالد از لشکر ۲

۷ - گردان یکم از تیپ ۴۲۹

۸ - گردان های دوم و سوم از تیپ ۳۱ نیروی مخصوص

۹ - گردان های دوم و سوم تیپ ۲ پیاده از لشکر ۲

۱۰ - ۲ واحد از نیروهای جیش الشعبی

۱۱ - گردان سوم نیروی مخصوص گارد ریاست جمهوری

۱۲ - گردان یکم از تیپ ۲۳

توقف سراسری دشمن

اشاره

به دنبال تهاجم سراسری عراق، به تناسب درک انقلابی اقشار مختلف مردم از ابعاد تهاجم و نتایج ذلت بار آن، مقاومت مردمی، به ویژه در شهرهای مرزی ایران شکل گرفت. نیروهای نظامی، علی رغم ضعف ها و کاستی های موجود، با اندکی امکاناتی که در اختیار داشتند، به مقاومت پرداختند.

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، تنها چند روز پس از تهاجم سراسری عراق، دو سکوی نفتی العمیه و البکر را مورد تهاجم قرار داد و منهدم کرد. بدین ترتیب، صادرات نفتی عراق از خلیج فارس با معضل اساسی روبه رو شد.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، بلافاصله پس از آغاز جنگ، با به پرواز درآوردن ۱۴۰ فروند هواپیما، مراکز حساس و استراتژیک عراق را مورد تهاجم قرار داد.

تهاجم سراسری عراق پس از گذشت یک هفته، با رکود چشمگیری

مواجه شد. در بیشتر مناطق، نیروهای عراقی موفق به تصرف اهداف و اجرای کامل مأموریت خود نشده بودند. مدافعان شجاع خرمشهر نیز همچنان خرمشهر را در اختیار داشتند و در حفظ آن پافشاری می کردند. لذا صدام بلافاصله پس از جمع بندی اوضاع جنگ، در تاریخ ۷ / ۷ / ۱۳۵۹ طی سخنانی خطاب ملت عراق اعلام کرد: «عراق با مقاصد ارضی خود نائل شده و کشورش مایل است خصومت ها را کنار گذاشته و به مذاکره پردازد.»

تفسیرهایی که کارشناسان و تحلیل گران نظامی تنها یک هفته پس از شروع جنگ ارائه کردند، علی رغم آن که عراق در اکثر محورهای هجوم در حال پیشروی بود، گویای شکست استراتژی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی بود (۱). اعلام آتش بس یک جانبه از سوی صدام نیز مبین همین موضوع بود.

در عین حال، عدم تناسب توانایی عراق با اهداف زمان بندی شده جنگ، یکی دیگر از عواملی است که در ناکامی اهداف عراق (۲) نقش تعیین کننده ای داشته است؛ در نتیجه، عراق علی رغم بهره گیری از استراتژی پر تحرک و محدودی که همراه با سرعت و قاطعیت و غافلگیری بود، نتوانست به اهداف خود نائل شود، و برای همین ناخواسته به استقرار در مواضع دفاعی نامناسبی مجبور شد. عواملی که در زمین گیر شدن و

ص: ۴۹

۱-۳۶. رادیو لندن، به نقل از روزنامه گاردین در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۵۹، گفت: «نیروهای مسلح عراق هفته خوبی را پشت سر نگذاشتند. عراق، نه به پیروزی های قابل توجهی دست یافته و نه به پیروزی های سطحی.»

۲-۳۷. روزنامه انقلاب اسلامی، به نقل از رادیو آلمان در این زمینه می نویسد: «عراق در جنگ بی حاصل فعلی که هدف آن سرنگونی رژیم (امام) خمینی بود، به هیچ وجه به نتیجه نرسیده است. این جنگ بر عکس تصور عراق، وضع ایران را به شدت تحکیم بخشیده است.» (روزنامه انقلاب اسلامی ۲۴ / ۷ / ۱۳۵۹).

فرضیات و محاسبات غلط در ارزیابی اوضاع داخلی ایران

دستگاه‌های اطلاعاتی عراق با مساعدت کشورهای مرتجع منطقه، آمریکا و غرب، اطلاعات وسیعی از اوضاع داخلی ایران جمع آوری کرده بودند. یکی از فرماندهان دشمن درباره اخبار و اطلاعات رسیده به عراق می نویسد:

«به عراق اطلاعات بسیار دقیقی از اوضاع اقتصادی، سیاسی و مشکلات داخلی و درگیری‌های سیاسی گروه‌های مخالف داده شده بود. همچنین عراق به دقیقترین جزئیات وضعیت نظامی (حجم نیروهای نظامی) و از هم گسیختگی بدنه ارتش در اثر انفصال از خدمت هزاران نظامی، اعم از افسر و درجه دار، دست یافته بود و از عدم انضباط و آشفتگی در داخل یگان‌های نظامی اطلاع کامل داشت. همچنین عربستان سعودی از آغاز پیروزی انقلاب ایران، رژیم عراق را از توان نظامی ایران قدم به قدم آگاه ساخته بود. سعودی‌ها این اطلاعات را از طریق سازمان اطلاعات آمریکا گرفته بودند، چرا که تعداد بسیاری از مزدوران و اعضای ساواک را در اختیار داشتند و همچنین در مورد وضعیت نیروهای مسلح ایران، اطلاعاتی از طریق بعضی از سفارت‌خانه‌های خارجی و از طریق افراد سیاسی و نظامی که به عراق فرار کرده بودند، به دست آمده بود. بدین شکل، رهبران عراق وضعیت نظامی ایران و تحولات آن را پیگیری می کردند.» (۱).

در این میان، تنها مسئله‌ای که مورد توجه فرماندهان عراق قرار نگرفت، روحیه و توانی بود که از پیروزی انقلاب اسلامی حاصل شده بود. (۲) در حقیقت، مبنای تصمیم‌گیری حاکمان عراق برای حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی، ارزیابی دستگاه اطلاعاتی عراق و

ص: ۵۰

۱- ۳۸. واحد اطلاعات ستاد کل سپاه پاسداران «تحلیل نبردهای بین ایران و عراق»، ص ۸.

۲- ۳۹. رادیو لندن، به نقل از تایمز مالی در تاریخ ۹ / ۷ / ۱۳۵۹ گفت: «آنچه را که رهبران عراق از نظر دور داشتند، ظرفیت و آمادگی مردم ایران و جمع شدنشان به دور مظاهر انقلابشان بود که هنوز در شور و هیجان یک رستاخیز مذهبی و سیاسی به سر می بردند.»

اطلاعات واصله به آن کشور بود، بدون این که میزان مقاومت مردمی و تبعات عدم دست یابی به اهداف تعیین شده مورد توجه آنها قرار گرفته باشد.

یکی از فرماندهان عراقی ضمن تجزیه و تحلیل عدم موفقیت ارتش عراق، با تأکید بر عدم دسترسی آنها به اطلاعات صحیح، در مورد مقاومت مردمی چنین می گوید:

«اگر فرماندهی می خواست تصمیمی مبنی بر حمله به ایران بگیرد، لازم بود که اطلاعات خیلی دقیقی به واحدهای حمله کننده رسیده باشد، اطلاعات داده شده از مقاومت های احتمالی، درست نبود. (۱).

فرمانده یکی از یگان های دشمن مأمور در خرمشهر نیز در این باره می گوید:

«اطلاعاتی که به تیپ ما داده شد، اطلاعاتی شفاف و سریع بود و خلاصه ی آن، این بود که در شهر (خرمشهر) نیروی اندکی با روحیه ای بسیار ضعیف وجود دارد و اجرای مأموریت فقط چند ساعت به طول خواهد انجامید» (۲).

در هر صورت، عراق با این تهاجم خود، بهای سنگینی را برای نادیده انگاشتن روحیه انقلابی ملت مسلمان ایران پرداخت کرد.

عدم تطابق اهداف سیاسی با توان نظامی

توان نظامی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی به دلیل مقاومت انقلابی

ص: ۵۱

۱- ۴۰. پیشین، ص ۲۶.

۲- ۴۱. مأخذ شماره ۱۱، ص ۳۶.

مردم، موقعیت زمین و عمق خاک جمهوری اسلامی و سایر موانع طبیعی، با اهداف مورد نظر دشمن مطابقت نداشت. لذا ماشین جنگی عراق از نخستین هفته های آغاز جنگ در سرزمین وسیع خوزستان پراکنده شد و از این رو، توان لازم را برای ادامه مؤثر تهاجم از دست داد.

ارتش عراق که تمرکز قوای خود را از دست داده و با کمبود نیروی احتیاط رو به رو بود، نتوانست جبهه جنوب را تقویت نماید و لشکر ۳، هرگز توانایی و فرصت لازم را برای عبور از رودخانه بهمن شیر به دست نیاورد و این پراکندگی قوا، کمبود نیرو، و گرفتاری در جبهه ای گسترده - که مشکل عمومی و فراگیر قوای دشمن محسوب می شد - مانع هر گونه پیشروی مؤثر شد و آنها را با فرو بردن در لاک دفاعی، به احداث استحکامات و تحکیم مواضع دفاعی خود وادار کرد.

به دنبال درخواست آتش بس از سوی صدام (۱) و عدم انعطاف جمهوری اسلامی، دشمن بین دو راه حل مخیر گشت:

۱ - عقب نشینی از مواضع و ادعاهای اولیه، به ویژه لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر:

با توجه به تمهیدات گسترده سیاسی - نظامی که عراق به اجرای آن

ص: ۵۲

۱- ۴۲. یکی از فرماندهان عراقی در این باره گفت: «صدام، وقتی درخواست آتش بس را در روز ۲۸ / ۹ / ۱۹۸۰ (۶ / ۷ / ۱۳۵۹) ابراز نمود، کاملاً متقاعد شده بود که ارتش عراق توانایی انجام وظیفه را ندارد» (واحد اطلاعات ستاد کل سپاه پاسداران، «تحلیل نبردهای بین ایران و عراق»، ص ۸) روزنامه تایمز مالی نیز در تاریخ ۲۶ / ۷ / ۱۳۵۹ در این مورد نوشت: «جنگ ایران و عراق، چه از نقطه نظر تاکتیکی و چه از نظر استراتژیکی به بن بست رسیده است، به همین دلیل، عراق به هر دری می زند تا بلکه کشوری واسطه آتش بس بین دو طرف مخاصمه شود.»

مبادرت کرد، عقب نشینی از مناطقی که در پیشروی های اولیه به عنوان اهرم فشار در تصرف خود داشت، در واقع برای صدام به منزله خودکشی تلقی می شد و دور از منطق و غیر قابل قبول به نظر می رسید.

۲ - حفظ وضع موجود، به منظور وادار کردن جمهوری اسلامی به مذاکره سیاسی:

رژیم عراق چنین ارزیابی می کرد که جمهوری اسلامی علی رغم مقاومت در برابر تهاجمات عراق، فاقد توان لازم برای آزادسازی مناطق اشغالی می باشد و تحکیم و تثبیت آن در آینده، جمهوری اسلامی را به دادن امتیاز (لغو قرارداد ۱۹۷۵) وادار کند.

عراق راه دوم را برگزید و بدین ترتیب با استقرار نیروهای مهاجم در مواضع پدافندی ناقص، دشمن مرتکب دوامین اشتباه استراتژیکی خود شد و با توجه به فرا رسیدن فصل بارندگی و سرما، این نیروها بدون این که در مواضع مناسبی استقرار یابند یا ضربه اساسی به نیروها و ظرفیت نظامی جمهوری اسلامی بزنند، زمان و فرصت مطلوبی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دادند تا به موازات حل مشکلات در داخل، مهیای آزاد سازی مناطق اشغالی شود. (۱).

ص: ۵۳

۱- ۴۳. مجله اشپیگل چاپ آلمان، در مورد شکست عراق و کسب زمان برای آمادگی بیشتر و بهتر رزمندگان اسلام، می نویسد: «جنگ، آن طور که صدام امیدوار بود، نه باعث سقوط رژیم ایران شد و نه طغیان اعراب خوزستان به جانبداری از بغداد علیه حکومت ایران را سبب گردید، نیروهای عراق ماه هاست که در مناطق مرزی عملیاتی، بدون هدف مشغولند... بی برنامه بودن عراقی ها، فرصت لازم را در اختیار ایرانی ها گذاشت تا بر اوضاع درهم و برهم زمان انقلاب مسلط شده و تدارکات لازم را به جبهه ها برسانند...».

عراق علی رغم شکست اهداف نظامی و عدم موفقیت در وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش آتش بس تحمیلی، بنا به دلایل زیر اقدام به تحکیم مواضع در مناطق اشغالی کرد:

۱- اوضاع بی ثبات داخلی کشور و افزایش تلاش گروه های ضد انقلاب در معارضة مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی.

۲- ارزیابی توانایی نظامی ایران و مشاهده عدم تحرک اساسی از طرف نیروهای مسلح.

۳- مناسبات جهانی، که علی رغم شکست استراتژی نظامی عراق در حمله به جمهوری اسلامی، تقریباً به طور یکپارچه از این کشور حمایت (نظامی و سیاسی) می کردند.

بنابراین، یکی از علل عمده حضور نیروهای عراقی در مناطق اشغالی را باید تجزیه و تحلیل آنها از اوضاع داخلی کشور دانست. در این خصوص یکی از فرماندهان عراقی می گوید:

«رهبری عراق نظریات خود را روی اوضاع آشفته داخل ایران و اختلاف شدید بین سیاستمداران ایران (یعنی جریان بنی صدر از یک طرف و جریان اصیل اسلامی از طرف دیگر) بنا نهاده بود و به این خاطر تصور می کرد که تأمین نیروهای لازم برای بیرون راندن نیروهای عراقی در سایه این پراکندگی داخلی، برای ایران دشوار خواهد بود.» (۱).

همچنین ویلیام اف هیکمن از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی بروکینگز در این باره می گوید:

«در مرحله دوم (جنگ) که اول ماه نوامبر تا، تابستان ۱۹۸۱ (آبان ۱۳۶۰

ص: ۵۴

۱- ۴۴. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه «فصلنامه بررسی های نظامی» شماره ۴، ص ۱۲.

تا، تابستان ۱۳۶۱) را در بر می گیرد، از سویی جنگ در بن بست قرار داشت و در طول آن، نیروهای عراقی در مواضع دفاعی مستقر شدند و از سوی دیگر، تلاش های ایران برای تنظیم امور کارهای جبهه ها، به دلیل وجود جنگ قدرت در تهران ناکام ماند.»

پیدایش چنین وضعیتی، یعنی ناتوانی عراق برای تحمیل خواسته های خود و عدم توانایی جمهوری اسلامی در باز پس گیری مناطق اشغالی، به لحاظ مشکلات سیاسی در داخل، جنگ را با بن بست جدی رو به رو ساخت و بدین علت، تصمیم گیری عراق در این وضعیت، به تداوم استقرار در مناطق اشغالی منجر شد.

بررسی وضعیت سیاسی - نظامی کشور

اشاره

جمهوری اسلامی ایران، به دلیل اوضاع خاص سیاسی - نظامی خاکم بر کشور در آستانه تهاجم عراق، به هیچ وجه از آمادگی و قابلیت لازم برای رویارویی و در هم کوبیدن ماشین نظامی دشمن برخوردار نبود. در عین حال، درک مردم از ماهیت تجاوز دشمن و تبعات آن بر سرنوشت انقلاب و کشور، موجب شد تا مقاومت نیروهای مردمی، دشمن را از تحقق کامل اهداف سیاسی و نظامی اش باز دارد. در این مرحله، علی رغم فراز و نشیب های بسیاری که وجود داشت در هر صورت دشمن به امید دست یابی به امتیازات مورد نظر، یا تحمیل صلح به جمهوری اسلامی، در مواضع پدافندی ناقص مستقر شد و به تحکیم مواضع خود مبادرت ورزید.

نظر به اوضاع بی ثبات سیاسی و وضعیت خاص جبهه های نبرد، سؤال اساسی این است که جمهوری اسلامی، در حد فاصل تهاجم دشمن تا شکل گیری روند آزاد سازی مناطق اشغالی، در چه وضعیتی قرار داشت؟

به عبارت دیگر، اوضاع سیاسی - نظامی کشور از چه مشخصه و ویژگی هایی برخوردار بود و به دنبال آن، تلقی و باور دشمن از این اوضاع چه بود؟ این اوضاع چه تأثیری بر مواضع و عملکرد آنها در تداوم حضورشان در مناطق اشغالی داشت؟ برای پاسخ به سؤالات ذکر شده، بررسی اوضاع و روند تحولات سیاسی - نظامی کشور در حد فاصل زمین گیر شدن دشمن تا آغاز آزاد سازی مناطق اشغالی - که نزدیک به یک سال و اندی به طول انجامید - ضروری است.

وضعیت سیاسی

اوضاع سیاسی کشور و تحولات آن، اساساً معطوف به تلاش های سازمان دهی شده داخلی یا حمایت های خارجی به منظور حذف نیروهای انقلابی و جابه جایی در قدرت سیاسی کشور بود. بدین شکل که روند تحولات انقلاب طی سال ۱۳۵۸، به ویژه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، ضمن افشای ماهیت سیاست های آمریکا در داخل کشور و منطقه، ماهیت جریان های وابسته به آمریکا را نیز آشکار ساخت. بخشی از نتایج این تحول شگرف و عمیق، تضعیف بیش از پیش نیروهای مخالف انقلاب اسلامی بود.

بدین ترتیب کلیه عناصر و جریان هایی که بقا و حیات سیاسی خود را در صحنه داخل کشور در معرض تهدید تلقی می کردند، کوشش مضاعفی را در معارضة هماهنگ و سازمان یافته با نیروهای انقلابی آغاز کردند. ماهیت این جریان ها و اهداف سیاسی - نظامی ای که دنبال می کردند، به گونه ای غیر قابل انکار، منجر به همسویی آنها با تلاش و سیاست های آمریکا در داخل ایران شد.

در روند تحولات داخل کشور، انتخاب بنی صدر به مقام ریاست

جمهوری، نقطه عطفی در شکل‌گیری حوادث بعدی و انسجام و سازمان‌دهی عناصر و جریان‌های معارض با انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. با فرا رسیدن سال ۱۳۵۹ به ویژه حوادث و رخداد‌های نیمه اول این سال، (۱) تنش سیاسی در داخل کشور نیز تشدید شد.

با آغاز تجاوز دشمن و پیدایش وضعیت جدید در کشور، اوضاع داخلی تا اندازه‌ای بهبود یافت و کلیه نظر‌ها به مقابله با دشمن معطوف شد. لیکن اهداف سیاسی بنی‌صدر و تلاش‌های وی برای بهره‌گیری از اوضاع بحرانی به منظور حذف نیروهای انقلابی، موجب گردید که پس از زمین‌گیر شدن دشمن، مجدداً درگیری‌های داخلی تشدید شده و در شکل و ابعاد جدیدی ظهور نماید.

بنی‌صدر تا پیش از این درصدد حذف نیروهای انقلابی بود که پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا، تحت عنوان نیروهای خط امام متشکل شده بودند. لیکن تحولات جنگ و موقعیت جدید نیروهای خط امام در داخل کشور و جبهه‌های نبرد، موقعیت را برای بنی‌صدر و تحقق اهداف سیاسی او دشوار کرد. در وضعیت جدید، بنی‌صدر بهبود موقعیت سیاسی - نظامی خود را وابسته به خاتمه جنگ و حصول صلح می‌دانست و در این زمینه نیز مورد حمایت کشورهای غربی قرار داشت. وی همچنین با بهره‌گیری از اهرم‌های مختلف، سعی می‌کرد که حمایت مردم را نیز به عنوان یک عامل تعیین‌کننده به همراه داشته باشد. علی‌رغم تلاش‌های وی در سازمان‌دهی ارتش و اجرای عملیات نظامی به منظور کسب پیروزی سیاسی - نظامی، این اقدامات با شکست و ناکامی همراه شد. به عبارت دیگر، خاتمه بخشیدن به جنگ از طریق مذاکره سیاسی، ضمن این که تنها

ص: ۵۷

راه حلی بود که وی در پیش رو داشت، می توانست در صورت تحقق، تا اندازه ای به ارتقاء موقعیت رو به تنزل سیاسی - نظامی او منجر شود. لیکن ناکامی وی، برنامه دیگری را پیش روی نیروهای شناخته شده مخالف بنی صدر قرار داد. در این روند، حادثه ۱۴ اسفند در دانشگاه تهران، نشانه ی سر فصل جدیدی از تلاش های ضد انقلاب در داخل کشور محسوب می شد. به عبارت دیگر، این حادثه منجر به وقوع حوادث و رخدادهایی شد که سرانجام منتهی به درگیری مسلحانه در داخل کشور و در نهایت شکست و هزیمت ضد انقلاب و حذف آنها از صحنه سیاسی شد.

وضعیت نظامی

تغییر و اصلاحات اساسی در ساختار سیاسی - نظامی کشور، پس از پیروزی انقلاب و بازتاب طبیعی آن، موجب گردید تا در کنار بی ثباتی سیاسی، وضعیت نامساعدی برای نیروهای نظامی مستولی شود. ایجاد تردید و ابهام در مورد فلسفه وجودی ارتش و تلاش هایی که در خصوص تعلیق خریدهای نظامی صورت گرفت و به ویژه، عناصر ضد انقلاب با سر دادن شعار انحلال ارتش، موقعیت نیروهای نظامی را به شدت تضعیف کرد.

به موازات این نابسامانی ها در عین حال، ضرورت برخورد با حرکت های ضد انقلاب در داخل کشور و برخی از مناطق به ویژه گنبد، کردستان، خوزستان، بلوچستان و غیره، محسوس بود. بنابراین، تدریجا هسته اصلی نیروهای سپاه، با ویژگی انقلابی، شکل گرفت و در اردیبهشت ۱۳۵۸ در پی تصویب شورای انقلاب، رسمیت یافت. نیروهای انقلابی سپاه، با مأموریت حفظ انقلاب و دستاوردهای آن، در صحنه های مختلف کشور حضور یافته و به مبارزه با ضد انقلاب پرداختند.

در این روند، امام خمینی با دور اندیشی و درک ضرورت حفظ ارتش،

ضمن حمایت های همه جانبه از این نیرو، نمایندگان ویژه ای را به منظور بررسی وضع ارتش و اصلاح آن اعزام نمودند. در کنار این اقدام، نظر به برخورد احتمالی آمریکا با ایران و دورنمای ستیز با استکبار جهانی که از جوهره انقلاب اسلامی ناشی می شد، رهبر کبیر انقلاب، علاوه بر تقویت و حمایت همه جانبه از سپاه، در آذر فرمودند:

«هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید. هر چه تظاهرات دارید بر ضد آمریکا بکنید. قوای خودتان را مجهز کنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و به دوستان تعلیم دهید... مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد.» (۱).

بیانات امام به شکل گیری بسیج و تعلیم و آموزش نظامی مردم توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجامید. حضرت آیت الله خامنه ای نماینده وقت حضرت امام در سپاه، طی مصاحبه ای چنین اظهار نمودند:

«آموزش نظامی همگانی به برادران و خواهران، در مراکزی که سپاه پاسداران معین خواهد نمود و آن را از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی به مردم ابلاغ خواهد کرد، عملی خواهد شد.» (۲).

بدین ترتیب، ساختار نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در آستانه تهاجم عراق، بدین شکل بود که از یک سو، ارتش به عنوان نیروی کلاسیک و منظم کشور، همچنان درگیر مسائل داخلی خود به ویژه تأثیرات روحی - روانی ناشی از کودتای نوژه در تیر ۱۳۵۹ (تنها چهل روز قبل از آغاز تهاجم رسمی عراق) قرار داشت و از سوی دیگر، نیروهای انقلابی سپاه و نیروهای مردمی بسیج بودند که با توجه به استعداد و امکانات موجود خود و عدم برخورداری از موقعیت های مناسب، تا تقبل پذیرش مسئولیت دفاع همه جانبه از کشور، فاصله زیادی داشتند.

ص: ۵۹

۱- ۴۶. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۰ (تهران، وزارت ارشاد اسلامی)، سخنان ۶ / ۹ / ۱۳۵۸، ص ۲۳۹.

۲- ۴۷. روزنامه اطلاعات، ۱۷ / ۶ / ۱۳۷۲، ویژه نامه بیست هزارمین شماره انتشار.

در عین حال، ترکیب نیروی دفاع کشور از نیروهای کلاسیک و نیروهای انقلابی و مردمی، در برخی از بحران‌ها، به ویژه در کردستان، بازدهی نسبتاً خوبی را از خود نشان داد. لیکن، اوضاع ناشی از تلاش‌های مزورانه بنی صدر، مانع از همکاری همه جانبه این نیروها بود، ضمن این که در رده‌های مختلف ارتش، عناصر مومن و معتقد در بسیاری از مواقع، حمایت‌های مناسبی را در تسلیح و آموزش نیروهای انقلابی و مردمی به عمل می‌آوردند. در عین حال، تهاجم همه جانبه دشمن در ۳۱ شهریور و هرگونه ضعف و کاستی که در نیروهای مسلح کشور وجود داشت، در مقابل پیدایش وضعیت جدید، تا حدودی جبران شود. طی این روند، به دلیل فقدان کارآیی سیستم کلاسیک نظامی کشور و نیز فقدان فرماندهی متمرکز و توانا در به کارگیری نیروها، مقاومت اساسی در برابر متجاوزین، بیشتر در شهرها و با اتکا بر نیروهای مردمی و انقلابی شکل گرفت. در سایر مناطق، تلاش عمده‌ای که منتهی به توقف دشمن بشود، صورت نپذیرفت.

گذر از این دوران پر تلاطم و بحرانی، با اتکا به مقاومت نیروهای مردمی صورت گرفت و سرانجام دشمن ضمن این که دیگر توانایی لازم را برای پیشروی نداشت، به امید دست‌یابی به صلح، در مناطق اشغالی مستقر گردید. به مدت یک ماه و اندی پس از زمین‌گیر شدن دشمن، دو طرف درگیری تحریک‌قابل توجهی از خود نشان ندادند و تنها آتش توپخانه و حملات هوایی محدود، آتش جنگ را شعله‌ور نگاه می‌داشت و در بعضی مواقع، عراق سعی می‌کرد که موقعیت خود را گسترش داده و مناطق متصرفه را تأمین نماید. در این روند، ارتش جمهوری اسلامی به تدریج اقدام به تحرکاتی کرد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۱۳۵۹، در محور دزفول، ارتش جمهوری اسلامی با اجرای یک عملیات کلاسیک، تلاش کرد تا دشمن را از کل منطقه غرب رودخانه کرخه عقب براند و با بهره برداری از موفقیت، ضمن تعاقب دشمن به سمت فکه و العماره پیشروی کرده، عراقی ها را تا مرز تعقیب کند، لیکن نتایج مطلوب از این عملیات حاصل نشد.

در فاصله بین ماه های مهر تا دی ۱۳۵۹، یعنی قریب به سه ماه، جمهوری اسلامی هیچ گونه اقدامی به عمل نیاورد و رکود کاملی بر جبهه حاکم گردید. در این مدت، درگیری های سیاسی در داخل کشور نیز به طور نامطلوبی تشدید شده بود. ارتش جمهوری اسلامی ایران با طراحی دومین عملیات کلاسیک خود، آن را در تاریخ ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۵۹، از محور هویزه، تحت عنوان «عملیات نصر» به اجرا درآورد. این عملیات با شرکت نیروهای ارتش، نیروهای مردمی و سپاه، با هدف شکست دشمن در جنوب اهواز، آزادی خرمشهر و پدافند در ساحل شط العرب انجام شد. گرچه در مرحله اول عملیات، نیرو و تجهیزات قابل توجهی از دشمن منهدم و غنایمی نیز به دست آمد، لیکن با پاتک دشمن، نیروهای خودی عقب رانده شدند و از نظر تجهیزات و نیرو متحمل تلفاتی گردیدند.

سومین عملیات در تاریخ ۲۰ / ۱۰ / ۱۳۵۹ تنها ۵ روز پس از عملیات هویزه، از سوی ارتش جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «عملیات توکل»، روی جاده ماهشهر - آبادان، به منظور شکستن حصر آبادان طراحی و انجام شد. اما این عملیات نیز سرانجام مطلوبی نداشت و جاده، همچنان در دست عراقی ها باقی ماند.

عدم حصول نتیجه موفقیت آمیز در اقدامات نظامی که طی این مدت انجام گرفت، برای دشمن این باور را به همراه داشت که جمهوری اسلامی فاقد قابلیت و توانایی لازم برای طراحی و اجرای عملیات اساسی می باشد.

در این خصوص یکی از فرماندهان عراقی می گوید:

«ما تصور می کردیم که نیروهای ایرانی از اجرای یک عملیات دقیق و برنامه ریزی شده در سطحی گسترده، ناتوان هستند، لذا بر موضع خود کاملاً اصرار داشتیم... ما این ذهنیت را از شکست نیروهای ایرانی در تاریخ ۱۹۸۱ / ۱ / ۵ (۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹) در هویزه به دست آوردیم.» (۱).

پیدایش این وضعیت و عدم موفقیت در بیرون راندن نیروهای اشغالگر از سرزمین های اشغالی، زمزمه هایی مبنی بر صلح با دشمن را نیز به همراه داشت. با توجه به مجموع اوضاع و احوالی که وجود داشت، به نظر نمی رسید که تحول عمده ای در جنگ صورت پذیرفته و منتهی به شکسته شدن بن بست جنگ و تغییر موازنه به سود جمهوری اسلامی شود.

در چنین موقعیتی و حدود دو ماه پس از آخرین عملیات ناموفق ارتش در هویزه، نیروهای سپاه در محور سوسنگرد، عملیات محدودی را با نام مبارک حضرت مهدی (عج) طرح ریزی و اجرا کردند. طی این عملیات، موفقیت قابل توجهی حاصل شد که بیش از نتایج مادی آن، عواقب و نتایج روحی و معنوی آن مورد نظر می باشد. در این عملیات، نیروهای تک ور قریب به ۲۰۰ نفر سپاهی و بسیجی بوده و برابر هماهنگی های پیشین، مقرر گردید که توپخانه ارتش به مدت ۱۰ دقیقه اجرای آتش تهیه نماید. عملیات در ساعت ۷:۳۰ صبح آغاز شد غافلگیری دشمن و در نتیجه، پیشروی سریع نیروها، منجر به انهدام بخشی از نیروهای زرهی و مکانیزه دشمن و کشته شدن قریب ۱۰۰ نفر و نیز اسارت ۶۸ نفر از آنان گردید. گرچه پس از عملیات نیروهای تک ور برابر طرح قبلی به مواضع خود بازگشتند، ولی آنچه که در این عملیات و در آن وضعیت خاص سیاسی - نظامی کشور و جبهه ها اهمیت داشت، پیدایش باور و اعتقاد برای شکستن بن بست سیاسی و نظامی جنگ بود.

ص: ۶۲

خلاقیت و ابتکار نیروهای مردمی، به طرح تاکتیک جدیدی از پیکار و جنگ با دشمن منجر گردید. در واقع، نتایج این عملیات بیانگر آن بود که حل معضلات انقلاب تنها با ابزار انقلابی و خارج از روش های مرسوم امکان پذیر است.

بدین ترتیب، مرحله جدیدی آغاز گردید که طی آن عمدتاً نیروهای مردمی و سپاه با استفاده از روش و تاکتیک های مبتنی بر روحیه انقلابی و با امکانات محدود، مجموعه عملیات های جدیدی را سازمان دهی و تدارک دیدند. بر این اساس پس از عملیات امام مهدی (عج) در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹، تا عملیات شکسته شدن حصر آبادان در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۶۰ طی ۷ ماه، چندین عملیات محدود و موفق و اغلب در مناطق عملیاتی خوزستان، انجام گرفت.

آزادسازی مناطق اشغالی و روند شکل گیری آن

از زمان تجاوز و سرانجام زمین گیر شدن دشمن در مناطق اشغالی، تا آغاز تهاجم گسترده رزمندگان اسلام که به آزاد سازی مناطق اشغالی منتهی شد، یک سال و نیم طول کشید. طی این مدت، اساساً تداوم حضور نیروهای اشغالگر در مناطق اشغالی بر این فرض قرار داشت که نیروهای نظامی جمهوری اسلامی فاقد قابلیت و توانایی لازم برای انهدام و بیرون راندن آنها از مناطق متصرفه می باشند. ضمن این که طی این مدت، تحرک چشمگیری که منجر به آزادسازی این مناطق بشود، صورت نگرفت و همین امر در شکل گیری ذهنیت دشمن مؤثر بود. در این زمینه، سردار سرتیپ غلامعلی رشید، مسئول معاونت اطلاعات، و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، طی توضیحاتی اظهار داشت:

«دشمن، یک سال در خاک ما به سر می برد بدون این که ما حرکت آفندی

گسترده و موفق‌تری علیه او انجام دهیم. این مسئله، دشمن را به این نتیجه رساند که ما فاقد توان آفندی بوده و قادر نیستیم که زمین‌های اشغالی را از دشمن باز پس بگیریم.» (۱).

علاوه بر مسئله فوق، امیدواری دشمن به تحولاتی که در جبهه داخلی صورت می‌گرفت، (۲) منجر به این باور و تلقی شده بود که تأثیرات ناشی از بی‌ثباتی داخلی، به هیچ وجه امکان سازمان‌دهی مناسب نظامی را برای جمهوری اسلامی، فراهم نخواهد کرد. ضمن این که عراقی‌ها تمایل به همکاری با گروه‌های ضد انقلاب داخلی را رسماً اعلام داشتند. در آذر ۱۳۶۰، نیویورک تایمز نوشت:

«صدام حسین رئیس‌جمهور عراق، پیشنهاد کرده است که در کوشش برای سرنگونی آیت‌الله خمینی، همکاری بدون قید و شرطی را با هر یک از گروه‌های ایرانی مخالف رژیم، آغاز کند.»

بنابراین، تحولاتی که منجر به آزادسازی مناطق اشغالی شد، از یک سو باورها و امیدهای دشمن را که اساساً با تکیه بر تداوم حضور در مناطق اشغالی تأکید داشت، درهم ریخت و از سوی دیگر، وضعیتی را به وجود آورد که دشمن می‌بایست در مورد تداوم حضور در مناطق اشغالی و یا عقب‌نشینی از این مواضع، تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کرد.

نکته اساسی که در این مبحث باید بدان پرداخت، این است که جمهوری اسلامی چگونه و تحت چه شرایطی، وضعیت حاکم بر جبهه‌های نبرد را دگرگون ساخت و چگونه با بیرون‌راندن دشمن از مناطق اشغالی، توازن سیاسی - نظامی را به سود خود به چرخش درآورد. لازمه روشن شدن این موضوع، تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده در روند

ص: ۶۴

۱- ۴۹. سند شماره ۳۱۴۰۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و سند شماره ۳۱۴۰۰ / پ. ن مصاحبه اختصاصی با سردار سرتیپ غلامعلی رشید.

۲- ۵۰. تلاش‌های جبهه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر.

آزاد سازی مناطق اشغالی می باشد که به پاره ای از موارد آن اشاره می شود:

تغییر وضعیت داخلی کشور

پیش از این، در تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی و نظامی کشور، مفصلاً به این موضوع اشاره شده است. (۱).

تحول روحی و معنوی در مردم

فضای ناشی از تشنج و منازعات سیاسی در جامعه امکان توجه و پرداختن به امور معنوی را ضعیف و کم رنگ کرده بود لذا با پیدایش اوضاع جدید و به موازات حذف منافقین و لیبرال ها از صحنه سیاسی کشور و متقابلاً اقداماتی که منافقین با ترور مسئولان نظام و مردم آغاز کردند، زمینه حضور مجدد مردم در صحنه ی سیاسی کشور فراهم شد.

آغاز روند تأمین ثبات سیاسی در کشور و معنویت برخاسته از اوضاع جدید، در عمل امکان افزایش حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ را فراهم ساخت و فرهنگ معنوی موجود در جبهه های جنگ و پیروزی های نظامی، بر گسترش دامنه ی تحولات روحی در مردم افزود. بر همین اساس و در پی تأثیرات حضور فراگیر مردم و کسب پیروزی های نظامی، امام خمینی به منشأ این تحول اشاره و از آن به عنوان «فتح الفتوح» یاد کردند:

«آنچه برای این جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان، که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فدا هستند، می باشد. این است «فتح الفتوح» (۲).

ص: ۶۵

۱- ۵۱. رجوع کنید به صفحه ۴۷.

۲- ۵۲. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵ (تهران، وزارت ارشاد اسلامی) سخنان ۸ / ۹ / ۱۳۶۰.

«در دنیا شاید بی نظیر باشد و شاید در طول تاریخ هم نظیری برایش نتوانیم پیدا کنیم که بچه های کوچک و جوان های نیمسال و زن ها، پیرزن ها، عروس ها و دامادها همه با هم در جبهه حاضرند و صحنه جنگ صحنه ای است که ملت در آن حاضر هستند.» (۱).

گسترش سازمان رزم سپاه

تأثیرات ناشی از تحول روحی در مردم به افزایش حضور آنها در جبهه های جنگ انجامید و وضعیت جدیدی را در میدان های رزم به وجود آورد. پیش از این، در زمان فرماندهی بنی صدر بر قوای مسلح، سپاه پاسداران از تجهیزات و امکانات و توجه اندکی برخوردار بود و مورد بی مهری بسیار قرار داشت، لیکن با تغییر اوضاع، سپاه پاسداران توانست توان خود را افزایش داده و ظرفیت به کارگیری متمرکز نیروهای مردمی را ایجاد کرده و از این عامل اساسی در جهت پیشبرد اهداف نظامی استفاده کند، به نحوی که ظرف مدت کوتاهی، سپاه توانست چهار تیپ سازمانی تشکیل دهد که هر کدام دارای ۸ تا ۱۲ گردان عملیاتی بودند.

همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه

در پی حذف بنی صدر، مقدمات همکاری جدی نیروهای نظامی (ارتش و سپاه) فراهم شد و عملیات ثامن الائمه که در نتیجه این همکاری و با تلاش شهیدان کلاهدوز و نامجو طراحی شد، پس از تصویب رئیس شورای عالی دفاع به اجرا درآمد. در پی نتایج حاصله از این عملیات، همکاری این دو سازمان (ارتش و سپاه) به همراه ترکیب جدیدی از تلفیق نیروها و اتخاذ استراتژی عملیاتی و تاکتیک های رزمی نوین، آغاز شد. همکاری های متقابل سپاه و ارتش در جوی سرشار از تفاهم، به رفع بسیاری از توهمات و تبلیغات سوء گذشته انجامید.

ص: ۶۶

شهادت فرماندهان بلند پایه سپاه و ارتش، (۱) علی رغم سنگینی سایه فقدان آنان بر سپاه و ارتش، موجب پیوند عمیق معنوی در میان نیروهای مسلح گردید.

همچنین، با اتخاذ استراتژی هجوم و با استعانت از روحیه شهادت طلبی نیروهای انقلابی و توان سازمان دهی مردمی آنها، روند جدید از شتاب بیشتری برخوردار گردید. در این مرحله، خلاقیت و ابتکار عمل مبتنی بر واقعیات موجود، در کنار تخصص و تجهیزات ارتش جمهوری اسلامی، تأثیر ویژه ای در تغییر سریع وضعیت صحنه های جنگ داشته است.

ابتکار و خلاقیت در صحنه های نبرد

فضای بسیار مناسبی که در این برهه از انقلاب اسلامی و در پی تحول روحی - معنوی مردم حاصل شد، به گسترش ابتکار و خلاقیت در صحنه های جنگ منجر گردید. در واقع، تا پیش از این، همه نوع امکانات و تجهیزات لازم در صحنه جنگ وجود داشت، لیکن هیچ کدام عاملی جهت حصول موفقیت در بیرون راندن دشمن از مناطق اشغالی نگردید ولی با تغییر اوضاع حاکم بر کشور، بار دیگر روح ابتکار و خلاقیت بر فضای جبهه ها حاکم شد که یکی از دستاوردهای بزرگ آن را باید تغییر توازن نظامی به سود جمهوری اسلامی دانست.

سردار سرلشکر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران در این باره می گوید:

ص: ۶۷

۱- ۵۴. به هنگام بازگشت فرماندهان ارشد نظامی ارتش و سپاه از منطقه عملیاتی ثامن الائمه، بر اثر سانحه هوایی که در تاریخ ۱۳۶۰ / ۷ / ۸ رخ داد، کلیه سرنشینان از جمله: سرلشکر فلاحی، سرتیپ فکور، سرتیپ نامجو و برادران کلاهدوز و جهان آرا به شهادت رسیدند.

«یکی از اشکال ظهور و حضور نیروهای مردمی و سپاه که از اهمیت ویژه ای برخوردار است، مسئله ابتکار و تاکتیک های جدید است. حضور نیروی مردمی در جنگ، پاسخی بود که در صحنه و عمل، به ناتوانی روش های کلاسیکی که تا کنون به نتیجه نرسیده بودند، داده شد. اولین اقدام آنها، با ابتکاراتشان صورت گرفت.» (۱).

همان طور که در مباحث پیشین اشاره شد، عملیات امام مهدی (عج) که در اسفند ۱۳۵۹ طراحی و اجرا شد، به عنوان سرآغاز مرحله جدیدی از تاکتیک های ابتکاری نیروهای مردمی به شمار می رود. بعدها این ابتکارات در مقیاس وسیعتری مورد بهره برداری قرار گرفت، چنان که به هنگام طراحی عملیات «بیت المقدس»، با عنایت به تفکر کلاسیک نظامی، مسئله عبور از رودخانه کارون، با شک و تردید نگریسته می شد.

در همین زمینه سردار سرلشکر محسن رضایی می گوید:

«اتفاقاً همین مسئله (ابتکار و خلاقیت) در خرمشهر خیلی بارز شد. برای این که همه به حمله از روی جاده آسفالت اهواز - خرمشهر معتقد بودند. می گفتیم چرا، گفته می شد که عرف کلاسیک این گونه دیکته می کند. اصلاً قانون جنگ این است، شما مگر می توانید این همه تجهیزات زرهی و سایر امکانات را از روی رودخانه عبور بدهید! این امکان پذیر نیست. پل ها را هواپیما مورد هدف قرار می دهد و... اما فرماندهی، این مسئله را قبول نکرده و همچنان معتقد به عبور از رودخانه بود. چرا فرماندهی این گونه فکر می کرد؟ روشن است، چرا که «فرماندهی متأثر از یک روحیه و تحرک مردمی» بود و به این خاطر یک ایده مردمی را ارائه می کرد و گرنه از نظر کلاسیک، حصول این نتیجه امکان پذیر نبود. این جا، در حقیقت عبور از رودخانه یک ابداع و خلاقیت مردمی بود و پیروزی ما در عملیات نیز درست به همین مسئله مربوط بود.» (۲).

ص: ۶۸

۱- ۵۵. سند شماره ۳۱۴۰۲ / پ. ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه اختصاصی دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ ستاد کل نیروهای مسلح با فرمانده محترم کل سپاه، فروردین ۱۳۷۱.

۲- ۵۶. پیشین.

دشمن از روند شکل گیری تحولات جدید - که اساسا بر حضور مردم در صحنه متکی بود و به حذف جبهه ضد انقلاب از صحنه سیاسی کشور انجامید - درک صحیحی نداشته و همین مسئله موجب شد تا عراق، علی رغم اطلاع از عملیات ثامن الائمه، به لحاظ باور و ذهنیت غلط گذشته در مورد توانایی بالقوه رزمندگان اسلام از نظر تاکتیک، غافلگیر شده و به ناچار به اسارت نیروها و انهدام تجهیزاتش تن دهد. این عملیات را می توان اولین و بزرگترین ضربه روانی به دشمن، پس از آغاز مرحله جدید جنگ، به شمار آورد.

در این مبحث، به طور اجمال به سلسله عملیاتی که منجر به آزادسازی مناطق اشغالی کشور شد، اشاره می شود:

عملیات ثامن الائمه

تحرك اصلی رزمندگان در این مقطع، عمدتاً معطوف به دو عملیات گردید که هر دو، در محور آبادان طراحی و اجرا شد.

«عملیات ولایت فقیه» از مدت ها پیش طراحی و بلافاصله پس از حذف بنی صدر، با رمز «فرمانده کل قوا - خمینی روح خدا»، در ۲۳ خرداد ۱۳۶۰ در جبهه آبادان و از محور دارخوین به اجرا درآمد.

طراحی و پیشنهاد شکستن حصر آبادان، با تأکید حضرت امام که فرمودند: «حصر آبادان باید شکسته شود»، از مدت ها پیش مورد نظر طراحان جنگ و فرماندهان سپاه بود، لیکن کارشکنی بنی صدر مانع از تحقق آن می گردید. پس از حذف بنی صدر، زمینه عملی شدن این طرح با نام «عملیات ثامن الائمه» به وجود آمد و در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۶۰ اجرا شد. بدین ترتیب اولین همکاری سپاه و ارتش در این عملیات و در مقیاس وسیع، به منصفه ظهور رسیده و تحقق یافت.

انهدام و پاکسازی شرق رودخانه کارون از نیروهای دشمن و شکستن محاصره آبادان، بخشی از نتایج و دستاوردهای عملیات ثامن الائمه به شمار می رود. تداوم محاصره آبادان، برای دشمن از ارزش سیاسی بالایی برخوردار بود و از مقاصد عمده رژیم عراق برای به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی محسوب می شد. با این عملیات، دشمن علاوه بر این که یک امتیاز با ارزش سیاسی را از دست داد، از نظر روحی و روانی و

همچنین نیروی انسانی و تجهیزات متحمل خسارات بسیاری شد.

حضور ناقص دشمن در شرق رودخانه کارون، همان طور که اشاره شد، عمدتاً ناشی از باورهای ذهنی غلط دشمن در مورد توانایی رزمندگان از یک سو، و رجحان اهداف سیاسی بر اهداف نظامی، از سوی دیگر بود. اطلاعاتی که پس از عملیات «فرماندهی کل قوا» از اسرای دشمن به دست آمد، حاکی از آن بود که تعدادی از فرماندهان عراقی نیز استقرار در شرق رودخانه کارون را از لحاظ نظامی، غیر اصولی ارزیابی کرده بودند. لیکن فرماندهی کل ارتش عراق، با توجه به اهداف سیاسی رژیم عراق، بر تداوم حضور نیروهایش در شرق رودخانه کارون تأکید داشت.

نتایج حاصله از دو عملیات «فرماندهی کل قوا» و «ثامن الائمه (ع)»، باورهای غلط دشمن درباره توان رزمندگان اسلام را در هم ریخت و امنیت دشمن را که مدت ها بدون دغدغه اساسی در قسمت بزرگی از مناطق اشغالی مستقر شده بود، سلب کرد، ضمن این که موجب نمایان شدن هر چه بیشتر آسیب پذیری دشمن نیز گردید. علاوه بر این، اعتماد رزمندگان اسلام به اتخاذ تاکتیک های ابتکاری در جنگ و همچنین شکل گیری همکاری ارتش و سپاه و باور و اعتقاد نیروهای نظامی کلاسیک به نیروهای انقلابی، بخشی از نتایج آن بود که تحقق یافت.

بر این اساس، برادران سپاه و ارتش به منظور اتخاذ استراتژی عملیاتی جلساتی به صورت جداگانه تشکیل دادند و حاصل آن جلسات در نشست های مشترک مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در جمع بندی این جلسات، ۱۲ طرح عملیاتی، به عنوان طرح های کربلای ۱ تا کربلای ۱۲ تدوین و به شورای عالی دفاع ارائه شد و ضمن آن بر موارد ذیل تأکید گردید:

- بهره گیری از همه امکانات و ابتکارات در جنگ (اصل تمرکز قوا)

- انهدام نیروهای دشمن و بیرون راندن آنها از میهن اسلامی

- صرفه جویی در قوا و آزادسازی نیروهای خودی

- آماده شدن برای حمله های تعیین کننده و نهایی

طرح های عملیاتی مورد نظر، به گونه ای طراحی شده بود که بر اساس اصل صرفه جویی، در قوا، بلافاصله پس از هر عملیات، خط پدافندی خودی احتیاج به نیروی کمتری برای تأمین داشته باشد.

عملیات طریق القدس

عملیات طریق القدس، دو ماه پس از عملیات ثامن الائمه طراحی شد و در تاریخ ۸ / ۹ / ۱۳۶۰ به اجرا درآمد. ویژگی های مهم این عملیات عبارت بودند از:

۱ - افزایش وسعت منطقه عملیات: اعتماد به نفس رزمندگان و درک صحیح از نقاط ضعف و ناتوانی دشمن، همراه با افزایش ظرفیت به کارگیری تمامی امکانات موجود، که به انتخاب منطقه عملیاتی طریق القدس با وسعتی بیش از دو برابر منطقه عملیاتی ثامن الائمه انجامید.

۲ - گسترش اهداف عملیاتی: رسیدن به مرزهای بین المللی، قطع کردن ارتباط بخش شمالی دشمن با بخش جنوبی آن (در منطقه اشغالی جنوب)، آزادسازی شهر مرزی بستان، انهدام دشمن و پاکسازی مناطق، آزادسازی نیروهای خودی و... بخشی از اهداف و نتایج عملیات را تشکیل می داد. افزایش سطح اهداف عملیاتی، نشان دهنده ظرافت، دقت برنامه ریزی در تدبیر و طراحی عملیات و همچنین حاکی از افزایش توان عملیاتی رزمندگان اسلام بود.

۳ - افزایش ظرفیت سازمان دهی نیروهای مردمی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به طور مشخص در عملیات طریق القدس و به دنبال

ص: ۷۲

افزایش جذب نیروهای مردمی، سازمان رزم خود را گسترش داد. یکی از فرماندهان سپاه پاسداران، گسترش سازمان رزم سپاه را نتیجه تغییر وضعیت و فضای کار دانسته، می گوید:

«به خوبی توانستیم با تجدید نظر و سازمان دهی نیروهایمان، بخش وسیعی از نیروهای مردمی که عامل مؤثری در این عملیات بودند را وارد صحنه کرده و تجارب با ارزشی به دست آوریم.» (۱).

به عبارت دیگر، عملیات طریق القدس، تجلی گاه بارز حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ بود که به دنبال پاکسازی جبهه انقلاب از عناصر آلوده و خائن، به منصفه ظهور رسید.

۲- اتخاذ تاکتیک ویژه: طراحی عبور از رمل، به عنوان محور شمالی عملیات، یکی از ویژگی های عملیات و ناشی از خلاقیت و ابتکار متأثر از گسترش حضور نیروهای مردمی در جنگ بود که موجب دور خوردن دشمن و تضمین کننده پیروزی عملیات گردید. این طرح به قدری دور از انتظار دشمن بود که حتی اسرای دشمن همواره تأکید داشتند که رزمندگان اسلام به صورت «هلی برد»، در این محور وارد عمل شدند - چرا که رمل به طور طبیعی مانعی اساسی و غیر قابل عبور است - و این در حالی بود که رزمندگان جهت رسیدن به اهداف مورد نظر، هیچ استفاده ای از هلی کوپتر نکرده بودند.

«افرایم کارش» یکی از کارشناسان برجسته نظامی، در ارزیابی عملیات طریق القدس ضمن تأکید بر شکل گیری تاکتیک جدید رزمندگان اسلام، می نویسد:

«عملیات طریق القدس، نتایج مهم عملیاتی در برداشت. با این تلاش وسیع ایرانی ها در جنگ، تا این مرحله، قدرت برنامه ریزی عملیاتی و مهارت های فرماندهی و کنترلشان تا حدود زیادی افزایش یافت در واقع،

ص: ۷۳

این عملیات بیسانگر لیاقت ایرانی ها در ایجاد و کنترل عملیات نظامی مختلف در سطح وسیع بود. ثانيا، پاتک بستان، ایران را قادر ساخت که برای اولین بار با موفقیتی چشمگیر، تاکتیک های موج انسانی (۱) را که بعدها تاکتیک حاکم بر جبهه های جنگ شد، به مرحله آزمایش بگذارد. (۲).

آثار عملیات طریق القدس

دشمن اگر چه شکست نیروهایش در عملیات ثامن الائمه را ناشی از «نحوه استقرار ناقص نیروها» و محدود بودن عقبه آنها به دو پل روی رودخانه کارون»، عنوان کرد، لیکن در عملیات طریق القدس، نظر به این که از لحاظ نظامی توجیهی برای شکست خود نداشت، مجبور به پذیرش واقعیات جدید گردید.

بنابراین، از یک سو شکل گیری تاکتیک جدید عملیاتی و از سوی دیگر تغییر ذهنیت غلط دشمن و باور کردن توانایی رزمی رزمندگان از عواملی بود که تأثیرات خود را در صحنه های نبردهای آتی، باقی گذاشت. دشمن، از این پس با شک و تردید به ادامه حضور خود در مناطق اشغالی می نگریست، زیرا استقرار ناقص نیروهای عراقی آنان را در برابر توانایی جدید رزمندگان و حمله های احتمالی آنان، در معرض انهدام و آسیب پذیری جدی قرار داده بود. به اعتماد صاحب نظران جنگ، حمله دشمن به پل سابله پس از گذشت چند روز از عملیات طریق القدس

ص: ۷۴

۱- ۵۸. نظر به این که غربی ها، از درک حضور نیروی مردمی در سطح وسیع و روحیه شهادت طلبی آنها عاجز بوده اند، بر این حضور گسترده مردم در جبهه های نبرد حق علیه باطل، عنوان «تاکتیک های امواج انسانی» نهادند.

۲- ۵۹. نشریه ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷ (۱۳۶۶).

و سپس عقب نشینی آنها از شمال رودخانه نیسان، اولین تحول در باور و نگرش دشمن بود، چرا که از این پس نیروهای عراقی برای ادامه حضور در مناطق اشغالی، نیاز به تصمیم گیری تازه ای داشتند.

از این پس «تهاجم» و «ابتکار عمل» در صحنه نبرد، در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت. «تداوم عملیات» و «سرعت عمل» در اجرا، مهمترین عامل در مختل کردن سیستم تصمیم گیری دشمن بود. از نظر دشمن، صحنه داخل کشور که یکی از مبانی و فرضیات اساسی عراق در ارزیابی ضعف های جمهوری اسلامی محسوب می شد، دگرگون شده و جبهه های جنگ نیز شاهد حماسه آفرینی رزمندگان و بیرون راندن متجاوزین بود. دشمن از این پس نیاز به «زمان» و «حفظ وضع موجود»، برای اتخاذ تصمیم نهایی در مورد ادامه استقرار در مناطق اشغالی یا فرار و عقب نشینی داشت، لذا اقدامات مشروحه زیر را انجام داد:

۱ - حمایت از نیروهای ضد انقلاب داخلی: جبهه متحد ضد انقلاب که در حال تلاشی و هزیمت بود، در تحلیل های خود، ادامه پیروزی های رزمندگان اسلام را به منزله تثبیت جمهوری اسلامی محسوب می کرد. از سوی دیگر، دشمن نیز واگذاری مناطق اشغالی را قبل از کسب امتیاز سیاسی، نوعی شکست فاحش سیاسی - نظامی برای خود می دانست، در نتیجه بقا و حیات «ضد انقلاب داخلی» و «نیروهای متجاوز» از سوی رزمندگان اسلام، در معرض تهدید قرار گرفته بود. بر این اساس، پیوند میان ضد انقلاب و رژیم عراق، از وجه اشتراک بنیادی ترین برخوردار شده بود. لذا تجدید نظر در مورد بهره برداری از اهرم ضد انقلاب داخلی به نحوی جدی تر، از همین زمان آغاز شد و بعدها با ورود سرکرده و فراری منافقین به بغداد، شکل جدیدی به خود گرفت.

۲ - تلاش برای ایجاد تأخیر و تعویق در عملیات آتی رزمندگان اسلام: با تجاربی که

دشمن از دو عملیات «ثامن الائمه» و «طریق القدس» اندوخته بود، زمان اجرای عملیات آتی رزمندگان اسلام را در نزدیک «۲۲ بهمن» پیش بینی کرده و با توجه به تجمع رزمندگان اسلام در منطقه شوش، در مورد اجرای عملیات در این محور حساس شده بود. یکی از فرماندهان دشمن، در مورد نگرانی آنها از تجمع رزمندگان اسلام در محور شوش - دزفول، گفت:

«تجمع نیروهای ایرانی در محور شوش، ذهن فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق را به طور عمده ای به خود مشغول کرده بود، چرا که شکست فاحش عراق در شرق کارون و بستان، هنوز در مقابل چشم هایشان جلوه گر بود و از این خوف داشتند که چنین شکست هایی مجدداً تکرار شود.» (۱).

دشمن، براساس درک جدید از تحرکات رزمندگان اسلام، تهاجم به تنگه چزابه را با اهداف ذیل انجام داد:

- انهدام نیروهای اسلام

- برهم زدن سازمان دهی نیروها

- تأخیر در اجرای عملیات آتی رزمندگان

- تقویت روحیه نیروهای خود که در اثر عملیات رزمندگان اسلام، تضعیف شده بود. برادر غلامعلی رشید، فرمانده عملیات طریق القدس که پس از عملیات همچنان در منطقه حضور داشت، در مورد تحرکات دشمن، اظهار داشت:

«ما نسبت به تهاجم دشمن در تنگه چزابه، قدری ابهام داشتیم، به این معنی که وقتی دشمن توان پیشروی به سمت بستان را دارد، چرا توقف می کند.»

بحث و بررسی های متعددی در زمینه اهداف احتمالی دشمن انجام گرفت. فرمانده کل سپاه طی تحلیلی در همین زمینه، هدف دشمن را

ص: ۷۶

ایجاد تأخیر در عملیات بعدی (فتح المبین) دانسته و بر فعالیت بی وقفه در این منطقه، تأکید کرد. بدین ترتیب، پس از آشکار شدن اهداف دشمن در حمله به تنگه چزابه، بار دیگر در جبهه خودی، ضرورت اجرای عملیات فتح المبین مطرح شد.

۳- ارائه پیشنهاد صلح: نظر به این که طرح های صلحی که پس از تهاجم به زمین گیر شدن دشمن به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شد، هیچ کدام متضمن حقوق واقعی جمهوری اسلامی نبود و اغلب ضمن شباهت های عمده با هم، آتش بس را بر عقب نشینی دشمن از مناطق اشغالی مقدر داشته و تعیین متجاوز را نادیده می گرفتند، از سوی دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرد که اگر هیئت های صلح، طرح جدیدی برای ارائه ندارند، ضرورتی برای مذاکره و ورود آنها به ایران وجود ندارد. به موضع گیری و نیز اظهارات رئیس جمهور شهید رجایی مبنی بر این که «من سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین می کنم»، عملاً تلاش های صلحی که با هدف به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی انجام می شد عقیم و متوقف گردید.

با پیدایش موقعیت جدید، بر نگرانی دشمن نیز افزوده شد، لذا در پیشنهاد های جدید خود که به صورت مخفیانه ارائه می کرد، در خصوص عقب نشینی با شرط حذف تعیین متجاوز، موافقت کرد. در این مورد نشریه واشنگتن پست به نقل از نشریه لویل میل چاپ بریتانیا در تاریخ ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۰ نوشت:

«عراق، مخفیانه پیشنهاد کرده است که نیروهای خود را از ایران خارج ساخته و غرامت مالی نیز بپردازد، به شرط آن که ایران حاضر به اعطا امتیازاتی، از جمله لغو درخواست خود جهت تشکیل هیئتی به منظور تعیین مسئول شروع جنگ باشد.»

تعمیل و شتال در طراحی و اجرای عملیات فتح المبین، اساسا مبتنی بر این تحلیل انجام گرفت که فرصت لازم برای «تصمیم گیری» و «تجدید سازمان» و همچنین «تقویت پدافندی» از دشمن گرفته شود، لذا نیروها پس از بازسازی فراخوانی شده، بر اساس مأموریت های جدید توجیه و سازمان دهی شدند.

افزایش حضور نیروهای مردمی، گسترش همکاری ارتش و سپاه، تجارت مناسب نظامی بر پایه ی تاکتیک های جدید و... موجب گردید تا عملیات فتح المبین در تاریخ ۲ / ۱ / ۱۳۶۱ آغاز شود. دشمن که پیش از این برای ایجاد تأخیر در اجرای عملیات تلاش های گوناگونی را انجام داده بود، در برابر وسعت تهاجم رزمندگان تسلیم شده، تن به شکست داد و با فرار از صحنه نبرد، بخشی از نیروهای خود را از مهلکه نجات داد.

تعداد اسرای دشمن و غنائمی که به دست آمد، نشان دهنده ی میزان موفقیت عملیات، استیصال و انهدام دشمن و برتری نظامی جمهوری اسلامی بود. در این میان «ویلیام اف. هیکمن»، از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی بروکینگر، می گوید:

«پیروزی های ایران، نشان دهنده ی تجدید قوای نیروهای مسلح، نیروی انسانی بیشتر و هماهنگی بهتری بین ارتش و سپاه پاسداران انقلاب بود.»

«افزایش کارش» یکی دیگر از کارشناسان نظامی، با نگاهی عمیق به عملیات فتح المبین، اقدامات بعدی دشمن یعنی عقب نشینی و فرار به پشت مرزهایش را متأثر از همین عملیات دانسته و می نویسد:

«عملیات فتح المبین، خفت بارترین شکست را از آغاز جنگ تا کنون

نصیب عراق نمود. این تهاجم، به عقب نشینی عراق در سرتاسر خط جبهه، در طول مرز ایران و عراق و نابودی سه لشکر عراق منجر شد.» (۱).

نتایج داخلی سه عملیات بزرگ

به موازات کسب پیروزی نظامی در جبهه های نبرد که از نیمه دوم سال ۱۳۶۰ آغاز شد و با عملیات فتح المبین به اوج رسید، موقعیت سیاسی - نظامی کشور در سال ۱۳۶۱، در وضعیت نوینی قرار گرفت. تدریجا موج گسترده ترور از سوی منافقین فروکش کرده و متقابلا تلاش هائی به منظور انهدام بقایای ضد انقلاب در داخل کشور طرح ریزی و اجرا شد که نقش مهمی در شکست قطعی منافقین در این مرحله داشت.

تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای برقراری امنیت شهری در تهران، سبب شکسته شدن جو رعبی گردید که منافقین با انجام ترورهای متعدد، قصد ایجاد آن را داشتند. اقدام یاد شده، عملکرد ضد انقلاب را در داخل با بن بست جدی مواجه ساخت، ضمن این که با اجرای طرح جمع آوری اطلاعات مردمی، خانه های تیمی منافقین نیز در معرض شناسایی قرار گرفت. علاوه بر این، اجرای عملیات روی خانه های تیمی که طی چند نوبت در اسفند سال ۱۳۶۰ و فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۱ انجام گرفت، به کشته شدن برخی از کادرهای اصلی منافقین، از جمله موسی خیابانی (نفر دوم سازمان) به همراه اشرف ربیعی (همسر رجوی و از اعضای مؤثر سازمان) منتهی شد. بدین ترتیب، سازمان که در توجیه نیروهایش، جمهوری اسلامی را ناتوان و فاقد سیستم اطلاعاتی و توانایی عملیاتی ارزیابی می کرد، در مواجهه با روند وسیع عملیات روی خانه های تیمی در تهران و سایر شهرستان ها غافلگیر شده و بلافاصله اقدام به خروج کادرهای خود از کشور کرد.

ص: ۷۹

هزیمت و شکست جبهه متحد ضد انقلاب در داخل کشور، امیدهای آمریکا در مورد جا به جایی قدرت در داخل کشور و اجرای عملیات براندازی را با ناکامی و شکست همراه ساخت. در این حال پیروزی های رو به گسترش نظامی - سیاسی نیز منجر به افزایش نگرانی آمریکا و غرب از دورنمای روند تحولات گردید. بنابراین، آمریکایی ها با استفاده از زمینه های متعدد در داخل کشور، مجدداً جبهه جدیدی را که از صبغه ملی - مذهبی برخوردار بود، گشودند. رهبری و هدایت جبهه جدید به شریعتمداری واگذار گردید. رادیوهای بیگانه به منظور موجه جلوه دادن جلوه دادن جبهه جدید ضد انقلاب، تعداد طرفداران شریعتمداری را بالغ بر ۱۰ میلیون نفر ذکر کردند.

پس از کشف و خنثی شدن کودتا، مشخص گردید که جریان مزبور فاقد هر گونه پایگاه مردمی بوده است و بدین ترتیب، مجدداً خط آمریکا در داخل کشور با شکست و بن بست مواجه شد.

با شکست توطئه های مختلف، ضد انقلاب خارج نشین یک جمع بندی تحت عنوان «اپوزیسیون از نفس افتاده»، ارائه کرد که به نحوی مبین اضمحلال و هزیمت آنها در چنین اوضاعی است:

«در موقعیت کنونی، هیچ نشانه ای از نرمش یا انعطاف در برابر مخالفان، از سوی حکومت به چشم نمی خورد. رژیم تا حد زیادی در سرکوب مخالفان فعال خود موفق می شود و مقاومت های مسلحانه پراکنده و بی هدف را مهار می کند. در عمل می بینیم که شبکه تروریستی مجاهدین خلق و دیگر گروه های مارکسیست - تروریست، تقریباً منهدم شده است و هر روز ضرباتی مرگبارتر و نابودکننده تر بر آنان وارد می شود. در چنین شرایطی، مخالفان و مبارزان با رژیم جمهوری اسلامی، ناگزیر باید در روش های مبارزه و راه های مناسب برای برانداختن چنین رژیمی تجدید نظر کنند.

فراموش نکنیم که بسیاری از اقدامات اپوزیسیون در این سه سال اخیر، نه تنها خللی در ارکان حکومت پدید نیاورده، که به آن فرصت داده تا سنگرهای خود را مستحکم نماید. در یک نتیجه گیری واقع بینانه در می یابیم که وسائل و امکانات اپوزیسیون خارج از کشور و تاکتیک هایی که آنان برای مقابله با رژیم جمهوری اسلامی برگزیده اند...، اکنون کاملاً بی اثر شده است. به هر حال، نخستین گام دریافتن و پیمودن این راه ها، پذیرش ناتوانی و ناکارایی ترکیب کنونی اپوزیسیون است. این حقیقی است که در هر حال، هر روز آشکارتر و ملموس تر جلوه می کند، چه بهتر که چشم بر آن نبندیم.» (۱).

پس از فتح المبین

اشاره

عملیات فتح المبین که از آغاز تا پایان، یک هفته طول کشید، (۲) همراه با دستاوردها و نتایج فراوان و چشمگیر، موقعیت برتر سیاسی را نیز برای جمهوری اسلامی در پی داشت. مروری بر رخدادها و وقایع سیاسی داخلی و منطقه ای، وضعیت و موقعیت دشمن پس از عملیات فتح المبین و انعکاس پیروزی رزمندگان اسلام تا آغاز عملیات بیت المقدس در تاریخ ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱ در رسانه های خارجی تصویر مناسبتری از اوضاع عمومی در آستانه عملیات بزرگ رزمندگان اسلام را ترسیم خواهد کرد.

استیصال دشمن

نیروهای دشمن پس از یک سال و اندی استقرار در مواضع دفاعی، در برابر تحقق «استراتژی بزرگ نظامی جمهوری اسلامی» که در مناطق مختلف

ص: ۸۱

۱- ۶۲. نشریه «ایران آزاد» شماره ۱۰۵، ۱۳۶۱ (منتشره در خارج از کشور).

۲- ۶۳. عملیات فتح المبین، ۱۳۶۱ / ۱ / ۲ آغاز شد و ۱۳۶۱ / ۱ / ۹، با پاکسازی منطقه به اتمام رسید.

به مرحله اجرا گذارده می شد، «سازمان و کنترل فرماندهی» خود را از دست دادند، در نتیجه، علی رغم داشتن نیرو، تجهیزات و امکانات مناسب در مناطق مختلف عملیاتی، به علت استیصال روحی قادر به بهره گیری از استعداد موجود خود نبودند. در این میان، ضعف روحی و درماندگی نیروهای دشمن به گونه ای افزایش یافته بود که آنها حتی در مواقع پاتک، بلافاصله پس از مواجهه با عکس العمل رزمندگان اسلام، به فرار و عقب نشینی و یا تسلیم مبادرت می کردند.

از مشکلات دیگر دشمن در این مرحله از جنگ، نداشتن نیروی احتیاط بود. دشمن به خاطر انتخاب اهداف وسیع و نیز تعیین مأموریت برای کلیه یگان های خود، پس از ناکامی و شکست، می بایست تمامی توان و استعداد خود را در مواضع پدافندی به صورت ناکافی گسترش دهد. این امر، موجب گردید که دشمن، فاقد نیروی احتیاط کارآمد بوده و در مواقع ضروری عکس العمل مناسبی را در برابر حملات رزمندگان اسلام از خود بروز ندهد.

سردار غلامعلی رشید، در این باره می گوید:

«وضعیت دشمن به گونه ای بود که تقریباً مکانی را که تصرف داشت، به دلیل حیاتی بودن آن، بخشی از نیروهایش را در آن منطقه مستقر کرده بود. در نتیجه، وقتی ما، فرضاً در منطقه عملیاتی ثامن الائمه با دشمن می جنگیدیم، یقین داشتیم که لشکر ۱۰ زرهی و لشکر ۱ مکانیزه در آن منطقه با ما نخواهد جنگید.»

سازمان رزم دشمن، متعاقب سلسله عملیات رزمندگان اسلام، از هم گسیخت، تا آنجا که در عملیات ثامن الائمه، لشکر ۳ زرهی و یگان های تحت امر آن، که پس از اشغال خرمشهر و محاصره آبادان، در منطقه استقرار داشتند، در معرض تهاجم و انهدام قرار گرفتند. در عملیات

طریق القدس، باقی مانده لشکر ۹ زرهی از بین رفت و همچنین تیپ ۲۶ زرهی و چندین یگان دیگر منهدم شدند. در عملیات فتح المبین، علاوه بر لشکرهای ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه، نیروهای موجود در منطقه، به همراه سایر نیروهایی که دشمن از سایر مناطق جمع کرده و به منطقه اعزام نموده بود، منهدم شدند. در مجموع، تا قبل از عملیات بیت المقدس، انهدام وسیعی از نیروها و تجهیزات دشمن صورت گرفت و تعداد بسیاری از نیروهایش اسیر شدند و امکانات زیادی به غنیمت گرفته شد.

بنابراین، دشمن در آستانه عملیات بیت المقدس در معرض از هم گسیختگی کامل قرار داشت. این مسئله، علاوه بر این که موجبات نگرانی حاکمان بغداد را فراهم کرده بود، از دید حامیان منطقه ای و جهانی عراق نیز پنهان نبود و سبب تشویق خاطر آنها شده بود.

ضعف و استیصال دشمن و روند رو به تغییر توازن نظامی به سود جمهوری اسلامی، در رسانه های خارجی نیز منعکس شد. به عنوان مثال، رابرت فیکس خبرنگار روزنامه تایمز در بیروت نوشت:

«تنها نتیجه گیری ممکن از وقایع اخیر، که عراق نیز شدیداً از آن بیم دارد، این است که با توجه به عدم توازن در نیروهای دو طرف، شاید ایران در آینده نزدیک در جنگ پیروز شود... اکنون صدام بر حاکمیت شط العرب اصرار نمی ورزد و احتمالاً حاضر است که در صورت آغاز مذاکره با ایران، نیروهایش را در چند مرحله از خاک ایران بیرون بکشد.»

تقاضای برقراری صلح (!) که رژیم بعث از مدت ها قبل برای نجات خود ابراز کرده بود، با شروع عملیات فتح المبین و بروز آثار پیروزی رزمندگان، مجدداً مطرح شد (۱). متعاقب آن، برای نجات صدام و توقف

ص: ۸۳

۱- ۶۴. خبرگزاری رویتر به نقل از خبرگزاری عراق، خبر زیر را در تاریخ ۷ / ۱ / ۱۳۶۱ مخابره کرد: «صدام حسین، امروز خواستار آتش بس و حل و فصل مناقشه با ایران، از راه های صلح آمیز که حقوق عادلانه تاریخی و قانونی را تضمین نماید، شد.

جنگ، تلاش های وسیعی از سوی کمیته منتخب کنفرانس کشورهای غیر متعهد، کمیته حسن نیت کنفرانس اسلامی، کمیته کنفرانس اسلامی جهان اسلام و نیز تنی چند از شخصیت های سیاسی - مذهبی جهان اسلام صورت گرفت.

بازتاب پیروزی های ایران در رسانه های خارجی

فقدان برخورداری ایران از امکانات و تجهیزات نظامی پیشرفته و همچنین ناتوانی نیروهای نظامی ایران، از مسائل عمده ای بود که رسانه های خارجی و کارشناسان و تحلیل گران امور نظامی، همواره در بررسی جنگ ایران و عراق و مقایسه وضعیت دو کشور مورد اشاره و تأکید قرار می دادند. براساس این تحلیل ها، طبعاً نه تنها برای حاکمان عراق امکان درکی درست از تحولاتی که منتهی به پیدایش وضعیت جدید در مرحله آزادسازی شده بود، وجود نداشت، بلکه غفلت رسانه های خارجی و کارشناسان نظامی آنها را نیز موجب گردید، اما با وجود این، سلسله عملیات رزمندگان اسلام توانست به طور قطع، باور و ذهنیت عراقی ها و کارشناسان رسانه های خارجی را مورد سؤال قرار دهد. زیرا صحنه عمل و نتایج حاصل از تحرکات نظامی رزمندگان اسلام، گویاتر از همه چیز خودنمایی می کرد. رادیو بی بی سی، به دنبال آزادسازی کامل منطقه عملیاتی فتح المبین چنین گفت:

«نظر متخصصان امور اطلاعاتی غرب روشن است که ایران در درگیری های اخیر با عراق (فتح المبین)، دست برنده را دارد. متخصصان نظامی در غرب

این عملیات را پیروزی بزرگ ایران می دانند. نیروهای مسلح ایران، نفرات بیشتری در اختیار داشته و از روحیه بسیار خوبی برخوردارند.»

رادیو بی بی سی، طی دو روز متوالی با تأکید بر پیروزی رزمندگان اسلام، نتایج و ابعاد رو به گسترش آن را در منطقه مورد اشاره و تأیید قرار می دهد.

«چشم انداز پیروزی نهایی ایران و سرانجام سقوط رژیم صدام حسین را باید زنگ خطری برای بسیاری از کشورهای منطقه تلقی کرد. چنین شکستی برای صدام، می تواند ملاحظات صرفاً نظامی را بر تمامی منطقه ای حاکم کند که اهمیت سیاسی و استراتژیک آن بسیار قابل توجه است.» (۱).

نگرانی در مورد تأثیرات ناشی از پیروزی های رو به گسترش ایران در منطقه، به ویژه در صورت سقوط رژیم صدام و تأثیرات فزاینده آن بر تهدید منافع آمریکا و غرب، مهمترین مسئله ای است که در رسانه ها به آن اشاره می شد و محور تلاش های دیپلماتیک کشورهای منطقه، آمریکا و غرب محسوب می شدند؛ لذا، علاوه بر حمایت سیاسی - تبلیغاتی از رژیم صدام، تدابیری برای کمک به این کشور اتخاذ شد که از جمله آنها، اعزام نیرو از مصر و اردن برای یاری رساندن به صدام بود.

به موازات این اقدامات، تلاش برای بازگرداندن مصر به جهان عرب و ایجاد تشکل عربی در حمایت از صدام به همراه آمادگی برای رویارویی با تحولات غیر منتظره در عراق و منطقه، در دستور کار حامیان عراق قرار گرفت. ابوغزاله وزیر دفاع مصر، از آمریکا درخواست کرد تا برای خنثی کردن نتایج احتمالی پیروزی های اخیر ایران در جبهه جنگ با عراق، اقدامات لازم را به عمل آورد. (۲) حیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نیز اظهار داشت:

«اوضاع خاورمیانه به مرحله بسیار جدی و خطرناکی رسیده است.»

ص: ۸۵

۱- ۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی «گزارش های ویژه» نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۱.

۲- ۶۶. هفته نامه اکتبر، چاپ قاهره.

به موازات روند تغییر و تحولات جنگ ایران و عراق در منطقه خلیج فارس، مناسبات اعراب و اسرائیل اشغالگر نیز با اتخاذ سیاست های تهاجمی رژیم صهیونیستی، وارد مرحله جدیدی شد؛ بدین شکل که برابر تعهدات پیشین رژیم نامشروع اسرائیل می بایست در ادامه قرار داد کمپ دیوید و در پاداش به سفر سادات خائن به فلسطین اشغالی، زمین های مصر در صحرای سینا که به اشغال رژیم اسرائیل در آمده بود، تدریجا به مصر واگذار شود. برابر این قرارداد، در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۸۲ (۵ / ۲ / ۱۳۶۱)، زمان اجرای مرحله سوم خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از صحرای سینا فرا می رسید.

نظر به این که قرارداد کمپ دیوید، در پایان دهه ۱۹۷۰ و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر توازن موجود در منطقه امضا شده بود، این طور به نظر می رسید که رژیم صهیونیستی در حالی که به اجرای مرحله سوم خروج، موظف بود، با عنایت به تحولات موجود در منطقه همچنان به اجرای طرح های توسعه طلبانه خویش چشم دوخته و مترصد بهانه مناسب بوده است. در همین راستا، اوضاع منطقه نیز با توجه به پیروزی های ایران که عمیقا آمریکا و غرب و نیز کشورهای عرب منطقه را نگران ساخته و ایران را در کانون توجهات قرار داده بود، توانست مورد بهره برداری رژیم غاصب اسرائیل قرار بگیرد. البته در این ضمن صهیونیست ها با نگرانی تحولات انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق را دنبال نموده و همواره از فروپاشی دیوار شرقی اعراب - که همانند قلعه ای، رژیم صهیونیستی را در مرکز خود قرار داده بود - بیم داشتند. بر این اساس، از آغاز سال جدید میلادی، اظهارات و تحرکاتی از سوی مقامات رژیم اشغالگر صورت

گرفت که جای احساس خطر و نگرانی داشت. تا آنجا که یاسر عرفات در ارزیابی خود اظهار داشت:

«قبل از تحویل صحرای سینا، حمله اسرائیل به جنوب لبنان آغاز خواهد شد.» متن سخنرانی آریل شارون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، در مؤسسه بررسی های استراتژیک وابسته به دانشگاه تل آویو، تحت عنوان «مشکلات استراتژیکی اسرائیل در دهه ۸۰» که البته به شکل سخنرانی ایراد نشد و بعدها در روزنامه صهیونیستی المعاریو به چاپ رسید، حاوی برنامه و تفکر رژیم صهیونیستی طی دهه ۸۰ (۱۹۸۰ - ۱۹۹۰) می باشد. در این مقاله آمده است:

«منافع استراتژیکی اسرائیل در دهه ۸۰، چنین اقتضا می کند که این کشور از رویارویی های تقلیدی درآمده و به جغرافیای جدیدی دست یابد. از آن به بعد، جهان نباید اقدامات و اعمال اسرائیل را که تحت عنوان حفظ امنیت و آرامش اسرائیل انجام خواهد گرفت، شوخی بیندارد.»

در یک ارزیابی کلی، همان طور که اشاره شد، رژیم صهیونیستی روند تحولات در دهه ۸۰ را به زیان خود ارزیابی می کرد. (۱) چرا که از یک سو رژیم سلطنتی ایران به عنوان متحد استراتژیک اسرائیل، با پیروزی انقلاب اسلامی سرنگون شد و از سوی دیگر، انقلابی جدید، مبارزه با اسرائیل را به عنوان شعار استراتژیک و محوری خود تعیین کرده بود. طبعاً تأثیرات ناشی از این پیروزی، در صحنه سیاسی منطقه، به ویژه لبنان، از دید صهیونیست ها پنهان نبود. به این خاطر نگرانی اسرائیل و اقدامات احتمالی این کشور به ویژه در صحنه لبنان، قابل پیش بینی بود. به نظر می رسد که بخشی از اهداف اسرائیل برای تهاجم به لبنان، موارد زیر باشد:

- انهدام پایگاه های نظامی و سیاسی سازمان آزادی بخش فلسطین تا

ص: ۸۷

حد امکان، تضعیف و کاستن از قدرت فلسطینی ها در جنوب لبنان.

- انهدام پایگاه های موشکی سوریه در داخل سرزمین لبنان و به دنبال آن تضعیف ارتش سوریه که نزدیک به چهل هزار نفر از سربازانش در لبنان استقرار داشتند.

بدین وسیله، رژیم صهیونیستی امیدوار بود که بخشی از امنیت خود در مرزهای شمالی را با انهدام پایگاه های سیاسی - نظامی سازمان آزادی بخش فلسطین در لبنان و تضعیف نقش سوریه در این کشور تأمین نماید.

ص: ۸۸

انتخاب منطقه

پس از عملیات ثامن الائمه و به هنگام «تبیین استراتژی هجوم»، برای نخستین بار بحث های گسترده (۱) و قابل توجهی بین طراحان نظامی جنگ در مورد انتخاب منطقه عملیاتی و اولویت بندی آنها صورت گرفت. محتوای مباحث و آنچه که در صحنه عمل طی مراحل آزادسازی مناطق اشغالی انجام گرفت، همگی دلالت بر آن دارند که چند عامل اساسی در بررسی های عملیاتی و انتخاب مناطق مختلف برای عملیات نقش داشته اند، از جمله:

۱ - نحوه استقرار و استعداد دشمن و وسعت منطقه

۲ - ارزش سوق الجیشی منطقه

۳ - توان و استعداد نیروهای خودی

۴ - ابتکار و خلاقیت نظامی

ص: ۸۹

۱- ۶۸. این مباحث، منجر به دو طرح عملیاتی براساس معیارهای متفاوتی شد که سرانجام در جلسات مشترک بین نیروها و حسن نظر فرماندهان سپاه و ارتش، طرح نهایی به تصویب رسید.

طراحان نظامی، در تجزیه و تحلیل کلی از نحوه استقرار دشمن در منطقه جنوب، چنین ارزیابی می کردند که ارتش عراق بر دو منطقه اساسی در جنوب چنگ انداخته است که آزادسازی آنها به فروپاشی مواضع دفاعی دشمن منتهی خواهد شد. این دو منطقه عبارت بود از: «جفیر» (در جنوب غربی اهواز) و «چنانه» (در جنوب غربی دزفول) بدین صورت که «جفیر» مرکز قوای دشمن محسوب شده و تمام جاده های مواصلاتی و عقبه قوای عراقی به این منطقه منتهی می گردید و «چنانه» نیز مرکزیت دشمن در منطقه عمومی عملیات فتح المبین را شامل می شد.

بنابراین اگر چه دو منطقه یاد شده دارای ارزش حیاتی بودند و ضرورتاً می بایست مورد تهاجم رزمندگان اسلام قرار می گرفتند، لیکن محدودیت توان در مقایسه با وسعت منطقه عملیاتی ثامن الائمه، مانع انتخاب این منطقه شد. منطقه عملیاتی ثامن الائمه که اولین تجربه نظامی رزمندگان اسلام بود، بیش از ۲۰۰ کیلومتر مربع وسعت نداشت. استعداد دشمن را نیرویی کمتر از یک لشکر که در شرق رودخانه کارون مستقر بود، تشکیل می داد. ضمن این که نیروهای دشمن به دلیل وجود عارضه رودخانه کارون دچار محدودیت در مانور بودند، در صورتی که مناطق عملیاتی فتح المبین و بیت المقدس، در حدود ۲۵ برابر منطقه عملیاتی ثامن الائمه وسعت داشتند. با این وصف به طور طبیعی می بایست در انتخاب منطقه عملیاتی معیارهایی نظیر وسعت منطقه، استعداد دشمن، استعداد خودی و توان طرح ریزی و فرماندهی عملیات را در نظر گرفت. به همین منظور، جلسات مشترکی بین ارتش و سپاه تشکیل شد و برای انتخاب منطقه عملیاتی تبادل نظر به عمل آمد. برادر غلامعلی رشید در این زمینه اظهار داشت:

«بعد از کسب پیروزی در عملیات ثامن الائمه، بحثی جدی بین فرماندهان

ارتش و سپاه به وجود آمد که آیا عملیات بعدی در منطقه غرب کارون و خرمشهر باشد یا جای دیگر. بعضی از فرماندهان ما که خیلی کلاسیک فکر می کردند و انعطافی نداشتند، اظهار می کردند عملیات در این منطقه صورت بگیرد و ما باید از اهواز حمله کرده و به سمت خرمشهر برویم و آن منطقه را آزاد کنیم. وقتی برادران سپاه بحث عملیات طریق القدس را مطرح کردند، برخی از برادران ارتشی می گفتند که چگونه ممکن است دشمن را که در ۲۵ کیلومتری غرب اهواز موضع گرفته و تا هویزه آرایش دارد، در این جناح طولانی رها کرده و به عمق منطقه تا مرزها پیشروی کنیم، چه تضمینی وجود دارد که این ریسک را بپذیریم که دشمن به ما حمله نکرده و مجدداً با پیشروی به سمت اهواز تمام یگان هایی که در منطقه غرب اهواز و سوسنگرد حضور دارند، محاصره نکند. برادران سپاه، استدلال می کردند که ما باید با تمام توانمان بی وقفه با دشمن بجنگیم. ما الان قادر نیستیم در این زمین بزرگ (منطقه غرب کارون) وارد بشویم، دشمن هم جرأت نمی کند که در شرایطی که ابتکار عمل آفندی در اختیار ماست، به این سادگی از مواضع پدافندی خودش که مانند دژهای بسیار قوی و مستحکمی است، خارج شده و به ما حمله کند.»

پس از اتمام عملیات طریق القدس، مجدداً منطقه عملیاتی غرب کارون مورد توجه واقع شد، لیکن بنا به دلایلی از اجرای عملیات در منطقه مورد نظر خودداری شد و نظرها به منطقه عمومی فتح المبین - که زمین آن دارای عوارض طبیعی و ناهمواری بود - معطوف گشت. این تصمیم، با قابلیت های نیروی پیاده که بخش اعظم توان رزمندگان اسلام را تشکیل می داد، هماهنگی و تطابق داشت.

اجرای سلسله عملیات آفندی علیه دشمن که شامل «ثامن الائمة» در منطقه شرق رودخانه کارون، «طریق القدس» در غرب منطقه اهواز و

«فتح المبين» در منطقه عمومی شوش در غرب جاده اندیمشک - اهواز می شد، نتایج مهمی به بار آورد. این نتایج که عملاً زمینه انتخاب منطقه عملیاتی غرب کارون را برای آزادسازی خرمشهر فراهم کرد، عبارت است از:

۱ - انهدام بخش قابل توجهی از نیروی زمینی دشمن.

۲ - آزادسازی بخش مهمی از مناطق اشغالی در جنوب کشور.

۳ - آزادسازی نیروهای پدافندی خودی در مناطق اشغالی.

۴ - افزایش توانایی طرح ریزی و عملیاتی رزمندگان اسلام.

بر این اساس، انتخاب منطقه عمومی غرب رودخانه کارون برای آزادسازی خرمشهر و مراکز مهم و حیاتی آن، طی یک روند تکاملی صورت پذیرفت. در این مرحله، دشمن تدریجاً منهدم شده و به ویژه از نظر روحی در وضعیتی به شدت بحرانی قرار داشت، اما در مقابل، رزمندگان اسلام ضمن برخورداری از هماهنگی فوق العاده ای در طراحی و فرماندهی، دارای روحیه ای بالا و معنویتی چشمگیر بودند.

زمین منطقه و آرایش دفاعی دشمن

منطقه عمومی جنوب غربی اهواز و غرب رودخانه کارون، در میان چهار مانع طبیعی محصور است، که به ترتیب، از شمال به رودخانه کرخه کور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هورالهویزه و شط العرب منتهی می شود. در واقع، گذشته از وجود علائم اعتباری مرزی که از کوشک تا طلائیه و از آن جا تا شلمچه ترسیم شده است، زمین منطقه به خاطر برخورداری از موانع طبیعی از چهار جهت، زمینی به هم پیوسته و مستطیل شکل می باشد، که به لحاظ اهمیت حیاتی آن برای دو کشور ایران و عراق، همواره از ارزش

استراتژیکی برخوردار بوده است.

این مهم، موجب گردید تا پدافند منطقه عمیقا مورد توجه فرماندهان نظامی عراق قرار بگیرد. زیرا پدافند از این منطقه برای دشمن، در مقایسه با سایر مناطق اشغالی از اهمیت بیشتری برخوردار بود و علاوه بر این که ادامه اشغال خرمشهر، دشمن را از یک موضع قوی در روند مذاکرات صلح برخوردار می کرد، متقابلا از دست دادن خرمشهر نیز در واقع به مثابه شکسته شدن تنها سد دفاعی بصره، دومین شهر مهم عراق پس از بغداد و در معرض تهدید جدی قرار گرفتن آن شهر بود و لذا این دو مسئله با یکدیگر آن پیوند خورده بودند.

با عنایت به وضعیت ذکر شده، دشمن مصمم بود که با چنگ و دندان و به هر شکل ممکن منطقه را در اشغال خود نگه دارد، بدین سبب برای احداث استحکامات دفاعی به ویژه در شهر خرمشهر، با استفاده از تجارب حاصله از جنگ اقدام به سرمایه گذاری اساسی نمود.

آرایش دشمن در منطقه، تحت دو عنوان «آرایش عمومی در کل منطقه» و «تدابیر پدافندی ویژه در داخل خرمشهر» قابل بررسی می باشد. آرایش عمومی دشمن، به شکل هلال و متکی به عوارض طبیعی منطقه بود، بدین ترتیب که از شمال و شرق به رودخانه کرخه کور (۱) و هور الهویزه محدود می شد. اقدامات مهندسی بسیار گسترده ای که دشمن در جنوب رودخانه کرخه کور، پس از عملیات فتح المبین، انجام داد (۲) نشان دهنده ی

ص: ۹۳

۱- ۶۹. این رودخانه بعدها در میان رزمندگان اسلام به کرخه نور مشهور گردید.

۲- ۷۰. فعالیت مهندسی دشمن با بیش از ۵۰ دستگاه لودر و بلدوزر شکل گسترده ای داشت. احداث خاکریزهای چند جداره و نصب سیم های خاردار، میدان های مین متعدد، از جمله این فعالیت ها می باشد. به عنوان نمونه، در نزدیکی هویزه اقدام به احداث هفت ردیف سیم خاردار با هفت میدان مین نمود. تخریب پادگان حمید نیز در همین راستا صورت گرفت.

این است که عملیات رزمندگان اسلام علیه خود را صرفاً در همین منطقه و از شمال به جنوب پیش بینی می کرد زیرا در این محور، علاوه بر عامل مهمی چون جاده اهواز - خرمشهر، داشتن عقبه ای چون شهر اهواز از امتیازاتی بود که رزمندگان اسلام در سایر محورها فاقد آن بودند. منطقه جفیر نیز که به مثابه مرکزیت قوای دشمن در غرب کارون بود، به علت فاصله اندک تا خط پدافندی کرخه کور، به سهولت می توانست با یک خیز بلند در دسترس رزمندگان اسلام قرار گیرد. بدین علت، دشمن برای حفظ آن نیز تدابیر پدافندی خاصی را اتخاذ کرده بود. عواملی نظیر وجود منطقه آبگرفته در جنوب غربی اهواز، که از رودخانه کرخه منشعب شده و به رودخانه می ریخت، تحلیل دشمن از عدم توانایی رزمندگان اسلام برای عبور از کارون و محدودیت نیروهای پیاده برای عملیات در عمق و نیز عمق منطقه، از رودخانه کارون تا جاده اهواز - خرمشهر و از آنجا تا مرز بین المللی، همگی موجب غفلت دشمن از منطقه کارون گردید، تا جایی که دشمن - که جناح خود را به رودخانه کارون داده بود - تنها به احداث مواضع پدافندی اقدام کرد تا در صورت لزوم با استقرار نیرو در آن مواضع، از خود دفاع نماید.

اما در جنوب که مواضع دشمن به شهر خرمشهر و بخشی از رودخانه های کارون و اروند محدود می شد، نظر به ارزش حیاتی و استراتژیک خرمشهر برای دشمن، اقدامات مهندسی ویژه ای در این منطقه طراحی و اجرا شد. (شهید) معینیان مسئول اطلاعات قرارگاه نصر، در این زمینه اظهار داشت:

«عراق برای پدافند خرمشهر، یک طرح شبیه طرحی که اسرائیل برای کانال سوئز داده بود، ایجاد کرد، بدین شکل که مقابل خرمشهر را از طرف رودخانه، کاملاً از لحاظ پدافندی تقویت کرد تا از عبور رزمندگان اسلام

از آن رود به داخل خرمشهر ممانعت به عمل آورد.»

دشمن پس از عملیات فتح المبین، بلافاصله تخریب مناطق مسکونی خرمشهر را به طور جدی آغاز کرد، به گونه ای که صدای انفجارهای مهیب به طور مکرر در شرق رودخانه کارون شنیده می شد. احداث استحکامات در داخل شهر و نحوه تخریب و مین گذاری آن، عمدتاً به منظور ممانعت از ورود نیروهای اسلام به داخل شهر از شمال و شرق، به طور جدی دنبال شد. همچنین، برای مقابله با هلی برد نیروهای اسلام و اجتناب از جنگ شهری، دشمن تلاش های مهندسی ویژه ای انجام داد. بنابراین، ارتش عراق در نظر داشت با ایجاد استحکامات و میدان های دید و تیر عالی و میدان های مین و سایر موانع، خرمشهر را به درستی مستحکم و غیر قابل نفوذی تبدیل نموده و به هر نحوه ممکن از باز پس گیری آن جلوگیری کند.

استعداد نیروهای دشمن در منطقه، تا قبل از آغاز عملیات بیت المقدس به ترتیب زیر بود:

- لشکر ۶ زرهی از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه

- لشکر ۵ مکانیزه از غرب اهواز تا روستای سید عبود

- لشکر ۱۱ پیاده از سید عبود تا خرمشهر. تیپ های ۴۸،۲۲ و ۴۴ از لشکر ۱۱ پیاده، مأمور حفاظت از خرمشهر بودند.

- لشکر ۳ زرهی در شمال خرمشهر.

کلیه این نیروها، بعد از عملیات تحت کنترل عملیاتی لشکر ۳ قرار داشتند، ضمن این که تیپ ۱۰ زرهی در شرق بصره نیز در احتیاط این نیروها بود.

براساس اسناد و مدارک قرارگاه مرکزی کربلا، برآورد کلی استعداد دشمن در این منطقه، قبل از عملیات بیت المقدس به شرح زیر بود:

ص: ۹۵

- نیروی پیاده: ۳۶۰۰۰ نفر

- نیروی زرهی: ۴۱ گردان تانک (۱۴۳۵ دستگاه تانک)

- نیروی مکانیزه: ۳۸ گردان (۱۳۳۰ دستگاه نفربر)

- توپخانه: ۵۳۰ قبضه توپ.

کیفیت و استعداد دشمن در منطقه، مشخص کننده دو نکته می باشد: یکی محدودیت دشمن از بعد نیروی انسانی و دیگر اتکای دشمن در پدافند و مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام به نیروی زرهی و مکانیزه، علاوه بر اتکا به استحکامات. چرا که عمق و عرض زمین منطقه و فقدان ناهمواری و ارتفاعات، موقعیت مناسبی را برای مانور زرهی و مکانیزه دشمن فراهم کرده بود. در هر صورت، دشمن با توجه به درک و تحلیلی که از سمت هجوم رزمندگان اسلام داشت و نیز استحکامات و مواضع پدافندی که احداث کرده بود، به حفظ و تأمین مناطق تحت تصرف خود امیدوار بود.

دشمن با وجود برخورداری از امتیاز زمین هموار و وسیع و نیز استحکامات و مواضع برتر در برابر رزمندگان اسلام، در عین حال با دشواری ها و محدودیت های مختلفی رو به رو بود، از جمله:

- دفاع از سرزمین وسیع و عریض

- کمبود نیروی انسانی برای پدافند از منطقه

- وجود موانع طبیعی و مصنوعی در درون منطقه برای مانور.

تمرکز قوای دشمن، متناسب با نقاط استراتژیک و حیاتی منطقه در خرمشهر و جفیر، عمدتاً متوجه عمق و جنوب منطقه بود. در عین حال دشمن به موازات تلاش برای حفظ خرمشهر، در تدبیر کلی خود عملاً حفظ بصره را نیز مدنظر داشت. محور نشوه - جفیر و شلمچه - تنومه، علاوه بر تأمین عقبه نیروهای دشمن در منطقه به عنوان محورهای پاتک

ص: ۹۶

دشمن نیز تلقی می شد. از این رو، به هنگام طراحی مانور عملیات بیت المقدس، علاوه بر تجزیه و تحلیل کلی از دشمن و استعدادش در منطقه، محورهای احتمالی پاتک دشمن نیز مورد توجه قرار گرفت.

ویژگی ها و تفاوت های مناطق عملیاتی بیت المقدس و فتح المبین

منطقه عملیاتی بیت المقدس در روند آزادسازی مناطق اشغالی، در واقع آخرین منطقه ای بود که کماکان در اشغال دشمن قرار داشت. همچنین در جریان تکاملی جنگ، رزمندگان اسلام در اوج قله پیروزی و به کارگیری تجارب حاصله از سایر عملیات ها قرار داشتند. دشمن نیز، متقابلاً نسبت به تاکتیک جدید رزمندگان اسلام هوشیار شده و تدریجاً تغییراتی را در خطوط دفاعی، نحوه استقرار نیرو در خط و به کارگیری نیروی احتیاط، ایجاد کرده بود.

منطقه عملیاتی بیت المقدس در مقایسه با منطقه عملیاتی فتح المبین، از ویژگی ها و تفاوت های آشکاری برخوردار بود که عبارتند از:

۱ - فقدان عارضه و ناهمواری در زمین منطقه: عوارض طبیعی موجود در منطقه عملیاتی فتح المبین موجب گردید تا قوای نظامی ایران - که اساساً با اتکا بر نیروی پیاده عمل می کردند - با استفاده از این عوارض، از قدرت مانور بیشتری در برابر دشمن برخوردار باشند. در صورتی که فقدان عوارض طبیعی در منطقه عملیاتی بیت المقدس، مشکلات فزاینده ای را فرا روی رزمندگان اسلام قرار می داد و متقابلاً دشمن برای مانور زرهی زا برتری قابل توجهی نسبت به منطقه عملیاتی فتح المبین برخوردار بود.

۲ - افزایش وسعت منطقه: منطقه عملیاتی بیت المقدس از نظر وسعت، تقریباً سه برابر منطقه عملیاتی فتح المبین بود. بنابراین، افزایش نیروی عملیاتی، سازمان دهی مناسب و همچنین دقت و ظرافت در طرح ریزی و

فرماندهی و هدایت عملیات ضرورت داشت. البته دشمن نیز از لحاظ کمبود نیروی انسانی با معضلات بسیاری دست به گریبان بود.

۳- بهره گیری دشمن از موانع طبیعی در ایجاد استحکامات: منطقه عملیاتی فتح المبین و نحوه استقرار دشمن در آن، امکان تهدید و دستیابی به عقبه دشمن را برای نیروهای خودی فراهم می کرد که این مسئله در فروپاشی خط مقدم دشمن نقش ویژه ای داشت. در صورتی که استحکامات دشمن در منطقه عملیاتی بیت المقدس با اتکا به موانع طبیعی همچون رودخانه های کرخه کور در شمال، کارون در شرق و اروند در جنوب و هورالهویزه در غرب، عملاً رزمندگان اسلام را برای رخنه به مواضع دشمن، در وضعیت دشواری قرار می داد.

۴- سرعت عمل رزمندگان اسلام در کسب آمادگی لازم: فاصله ی زمان اجرای عملیات طریق القدس تا عملیات فتح المبین دو ماه و نیم بود (۱)، در حالی که زمان آمادگی رزمندگان اسلام در عملیات بیت المقدس به ۴۰ روز تقلیل یافت و این موضوع یکی از عوامل مؤثر در غافلگیری دشمن محسوب می شد.

۵- عملیات عبور از رودخانه: طراحی عملیات عبور از رودخانه کارون (۲) علاوه بر این که یکی از ویژگی های عملیات بیت المقدس به شمار می آید، در واقع از تفاوت های بارز رزمندگان اسلام با نیروهای دشمن و توان کیفی فوق العاده آنان در این مرحله حکایت می کند. ضمن این که، «عملیات

ص: ۹۸

۱- ۷۱. قابل ذکر است که تهاجم دشمن به تنگه چزابه در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۶۰ موجب تأخیر در اجرای عملیات فتح المبین گردید، این عملیات قرار بود در اسفند ۱۳۶۰ اجرا شود.

۲- ۷۲. موضوع عبور از رودخانه کارون، از لحاظ ویژگی ها و تأثیرات آن در پیروزی عملیات، در مبحث «طرح ریزی عملیات» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سر پل گیری» در عمق ۱۴ تا ۲۵ و عرض ۳۵ کیلومتری همزمان با توسعه سر پل که در طراحی عملیات منظور شده، از تفاوت های ویژه ی این عملیات محسوب می شود.

طرح ریزی عملیات

اشاره

بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین، در تاریخ ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۱ جلسه مشترکی با حضور فرماندهان سپاه و ارتش تشکیل شد و به کلیه یگان ها ابلاغ گردید که طی دو هفته، «بازسازی یگان ها» و «طرح ریزی عملیات» را انجام داده و نتیجه را اعلام نمایند. همچنین فرمانده کل سپاه مقرر کرد که تا روز دوشنبه ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۱ اقدامات زیر انجام شود:

۱ - مشخص کردن مانور کلی عملیات

۲ - مشخص کردن محل های سر پل

۳ - تعیین و استقرار قرارگاه های لشکری و تعیین محل های تیپ ها و برقراری سیستم ارتباط «قرارگاه مرکزی کربلا» با قرارگاه های تابعه تا رده لشکر

۴ - حل مشکلات و نارسایی های مهندسی قرارگاه ها از طریق قرارگاه مرکزی کربلا

۵ - مشخص کردن نحوه اعزام نیرو و نیروهای احتیاط

۶ - تکمیل کردن سازمان ستاد قرارگاه های لشکری و همکاری با قرارگاه های ارتش.

متعاقب در کی که از ضرورت تعجیل در عملیات وجود داشت، تلاش برای آمادگی، شتاب چشمگیری به خود گرفت، چرا که هر گونه تعلل با فرا رسیدن فصل گرما در منطقه جنوب و هوشیاری دشمن در مورد عملیات همراه بود و می توانست لطمه های جبران ناپذیری را به

دنبال داشته باشد. ضمن این که آشفستگی روانی نیروهای دشمن، به دنبال ضربات ناشی از عملیات فتح المبین، وی را در موقعیت بحرانی قرار داده بود و انجام هر چه سریعتر عملیات در این وضعیت ضریب موفقیت عملیات را افزایش می داد.

مأموریت و اهداف

به دنبال بحث ها و بررسی های فراوانی که صورت گرفت، سرانجام قرارگاه مرکزی کربلا، مأموریت و اهداف عملیات را به شرح زیر اعلام کرد:

مأموریت:

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، مأموریت دارند که در ساعت (س) روز (ر) در منطقه عمومی جنوب رودخانه کرخه و غرب رودخانه کارون تک نموده و ضمن انهدام نیروهای موجود دشمن و آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه، خط مرز بین المللی را تأمین نموده و از حمله مجدد احتمالی به کشور اسلامی جلوگیری نمایند.

اهداف:

۱ - انهدام نیروی دشمن، حداقل با استعدادی بیش از ۲ لشکر

۲ - آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه و پادگان حمید

۳ - آزاد سازی حدود ۶۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های اسلامی با بیرون راندن نیروهای دشمن.

منظور:

۱ - خارج نمودن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از برد توپخانه

ص: ۱۰۰

۲- ترمیم مرز بین المللی کشور اسلامی و رفع اشغال کشور

۳- آزاد شدن جاده مواصلاتی اهواز - خرمشهر و خارج شدن جاده اهواز - آبادان از زیر برد توپخانه.

علاوه بر اهداف فوق، اهداف دیگری نیز مورد توجه طراحان عملیات بود که در صورت تأمین آن، دست یابی جمهوری اسلامی به موضع برتر در برابر دشمن و احقاق حقوق حقه کشور جمهوری اسلامی تسهیل می شد.

طرح مانور

اشاره

در بررسی های اولیه طرح مانور، عوامل زیر، نقش تعیین کننده ای داشتند:

- اهداف بسیار مهم در عمق منطقه

- ضرورت سرعت عمل در دست یابی به اهداف

- آرایش نیروها و استقرار قوای دشمن

- تلقی دشمن از دست حرکت رزمندگان اسلام.

گروه های طرح ریزی برادران ارتش و سپاه، به طور جداگانه طی بررسی های عملیاتی، به ارائه راهبردهای مورد نظر پرداختند و در جلسات مشترک، به طرح مسائل عملیات مبادرت ورزیدند. به طور کلی، دو راه کار برای عملیات بیت المقدس (۱) پیشنهاد شد و در جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه مورد بحث و بررسی قرار گرفت که اجمالا به آن اشاره می شود:

ص: ۱۰۱

۱- ۷۳. براساس سلسله طرح های عملیاتی که پس از شکسته شدن حصر آبادان در دستور کار قرار گرفت، عملیات مورد نظر به عنوان کربلای ۳ نامگذاری شد، لیکن با توجه به اوضاع سیاسی منطقه و سایر عوامل در زمان اجرای عملیات، نام بیت المقدس برای آن نهاده شد.

از جمله محاسن این راه کار پیشنهادی، استفاده از شبکه های جاده ای که در منطقه وجود داشت، بود، ضمن این که موجب تأمین جناح منطقه عملیاتی نیز می شد. پیشنهاد مزبور که براساس تفکر کلاسیک برادران ارتش ارائه شده بود، معایبی نیز به همراه داشت، از جمله این که دشمن براساس این تلقی که سمت تک حرکت رزمندگان از شمال و با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر می باشد، استحکاماتی را در منطقه ایجاد کرده بود و به طور طبیعی عبور از سد دشمن، بدون تلفات سنگین ممکن نبود، ضمن این که با فرض عبور از خط مستحکم دشمن، دست یابی به هدف اصلی عملیات یعنی آزادسازی خرمشهر، بدون انجام مراحل عملیاتی متعدد که نیاز به زمان طولانی داشت، میسر نمی شد.

عبور از رودخانه کارون

از جمله معایب این راه کار، پیچیدگی های مربوط به عملیات عبور از رودخانه کارون و نصب پل بود. همچنین ضرورت سر پل گیری و گسترش سر پل به به طور همزمان نیز دشواری های عبور از رودخانه کارون را افزایش می داد. کاهش فاصله تا دست یابی به اهداف در عمق مواضع دشمن و ضعف مقاومت نیروهای عراقی در این منطقه، از محاسن پیشنهاد دوم محسوب می شود. پیشنهاد نخست دقیقاً براساس تفکر کلاسیک و اصول جنگ طراحی شده بود (۱) طبعاً راه کار اول با تحلیل دشمن از حرکت آتی

ص: ۱۰۲

۱- ۷۴. برادر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «متخصصین آموزش دیده مجرب و متخصصین نظامی بالاتفاق می گفتند نمی شود از رودخانه کارون عبور کرد و باید تلاش اصلی از روی جاده اهواز - خرمشهر باشد.»

رزمندگان تطابق بیشتری داشت، طرح پیشنهادی طراحان نظامی سپاه با ویژگی عبور از رودخانه کارون، علی رغم معایبی که ذکر گردید، به دلیل آن که مبتنی بر خلاقیت و ابداع نیروهای انقلابی و مردمی طراحی شده بود و با تفکر کلاسیک دشمن نیز فاصله بسیار داشت، ضریب «غافلگیری» دشمن در تاکتیک را به شدت افزایش می داد.

رزمندگان اسلام، در واقع با عملیات عبور از رودخانه برخلاف آرایش دشمن، وارد زمین منطقه اشغالی شده و از پهلو به دشمن حمله می کردند. این اقدام به عنوان وارد ساختن شوک و ایجاد تردید و تزلزل روحی در نیروهای عراقی ارزیابی می شد و عکس العمل دشمن را به شدت ضعیف می کرد.

بر این اساس، به منظور تحقق اهداف مورد نظر، با عنایت به توان موجود و درکی که از واکنش احتمالی دشمن وجود داشت، طرح ریزی عملیات با اتکا به دو موضوع بسیار جدی و اساسی صورت گرفت:

۱ - نحوه ی عبور از رودخانه کارون، سر پل گیری و تأمین و توسعه آن

۲ - مرحله بندی عملیات

طراحان نظامی جنگ، در تعیین سازمان قرارگاه ها و مرحله بندی عملیات، عمدتاً به این مسئله توجه داشتند که به هنگام تهاجم و تأمین اهداف کلی عملیات، علاوه بر سرعت عمل در دست یابی به اهداف، به طور ویژه باید از جابه جایی و تمرکز دشمن نیز ممانعت به عمل آید. بدین ترتیب، سه قرارگاه اصلی به شرح زیر در نظر گرفته شد:

۱ - قرارگاه قدس در بخش شمالی منطقه عملیات با مأموریت عبور از رودخانه کرخه.

ص: ۱۰۳

۲- قرارگاه فتح در بخش میانی منطقه عملیات با مأموریت عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر.

۳- قرارگاه نصر در بخش جنوبی منطقه عملیات با مأموریت عبور از کارون و پیشروی به سمت خرمشهر.

همچنین در جمع بندی جلسه، بر دنبال کردن مانوری که منجر به رسیدن به نقاط استراتژیک یا آزادسازی خرمشهر و تأمین نیروها بشود، تأکید شد.

ضرورت مرحله بندی عملیات نیز موجب گردید تا مراحل عملیات به شکل زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- عبور از رودخانه کارون توسط قرارگاه های نصر و فتح و پیشروی تا محور جاده اهواز - خرمشهر.

۲- شکستن خاکریز اول توسط قرارگاه قدس بدون در نظر گرفتن هدفی جز درگیری و توجه دادن قرارگاه های فتح و نصر به طرف غرب و جنوب برای تأمین مرز و آزادسازی خرمشهر.

۳- حرکت قرارگاه های فتح و نصر به طرف ساحل اروند، پس از تصرف هدف ها.

براساس طرح مذکور، قرارگاه قدس عمدتاً دشمن را مشغول درگیری می کند تا قرارگاه های فتح و نصر تلاش اصلی برای سرپل گیری و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر را به اجرا درآورند. طی بحثهایی که در جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه صورت گرفت، مرحله بندی عملیات براساس فرض های مختلف مبتنی بر سه حالت کلی، مورد بررسی قرار گرفت که عبارت بودند از:

۱- نخست قرارگاه قدس وارد عمل شود و پس از آن که دشمن متوجه تلاش محور شمالی عملیات شد، با توجه به حساسیتی که به این

ص: ۱۰۴

محور دارد و آن را تلاش اصلی تلقی می کند، قرارگاه های فتح و نصر وارد عمل شوند.

۲- فرض دوم عکس فرض اول بود، بدین صورت که ابتدا قرارگاه های فتح و نصر وارد عمل شوند و سپس قرارگاه قدس عمل نماید.

۳- در فرض سوم، همزمانی عملیات هر سه قرارگاه قدس، فتح و نصر مورد نظر بود.

سرانجام طی بحثهایی که صورت گرفت، به منظور تجزیه دشمن و جلوگیری از جابه جایی و ممانعت از تمرکز قوای دشمن، مقرر گردید که هر سه قرارگاه همزمان تهاجم خود را آغاز نمایند.

سازمان رزم و مأموریت قرارگاه ها

برای فرماندهی و اجرای عملیات بیت المقدس با عنایت به تجارب پیشین، قرارگاه ها به صورت مشترک سازمان دهی شد. قرارگاه مرکزی کربلا هدایت عملیات را عهده دار شد. قرارگاه های تحت امر قرارگاه مرکزی و یگان های تحت امر هر یک عبارت بود از:

قرارگاه قدس در محور شمالی عملیات، متشکل از چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یک لشکر و یک تیپ مستقل از نیروی زمینی ارتش که به صورت زیر ادغام شده بودند:

قرارگاه قدس ۱: تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی ارتش، با تیپ ۳۱ عاشورا از سپاه.

قرارگاه قدس ۲: تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی ارتش، با تیپ ۲۱ امام رضا (ع).

قرارگاه قدس ۳: تیپ ۳ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش، با تیپ نور از سپاه.

قرارگاه قدس ۴: تیپ مستقل ۵۸ ذوالفقار از ارتش، با تیپ ۴۱ ثارالله از سپاه.

قرارگاه فتح در محور میانی عملیات، متشکل از سه تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و دو تیپ از نیروی زمینی ارتش که به صورت زیر ادغام شده بودند:

قرارگاه فتح ۱: تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه.

قرارگاه فتح ۱: تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه.

قرارگاه فتح ۲: تیپ ۲ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، به عنوان نیروی احتیاط قرارگاه فتح.

قرارگاه فتح ۳: تیپ ۳ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۸ نجف اشرف از سپاه.

قرارگاه فتح ۴: تیپ ۳۷ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد از ارتش، با تیپ ۲۵ کربلا از سپاه.

قرارگاه نصر در جناح چپ عملیات متشکل از چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و یک تیپ از ارتش که به صورت زیر ادغام شده بودند:

قرارگاه نصر ۱: تیپ ۱ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۷ ولیعصر (عج) از سپاه.

قرارگاه نصر ۲: تیپ ۲ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) از سپاه.

قرارگاه نصر ۳: تیپ ۳ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۴۶ فجر از سپاه.

قرارگاه نصر ۴: تیپ ۴ از لشکر ۲۱ حمزه (س) به عنوان نیروی احتیاط قرارگاه نصر.

قرارگاه نصر ۵: تیپ ۲۳ نوهده از ارتش، با تیپ ۲۲ بدر از سپاه.

در مجموع استعداد نیروها به شرح زیر بود:

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با یازده تیپ مستقل پیاده (۱) و یک لشکر زرهی (۲).

ص: ۱۰۷

۱-۷۵. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حد فاصل عملیات فتح المبین تا بیت المقدس در تلاش برای گسترش سازمان رزم، چند تیپ جدید تشکیل داده و سازمان دهی کرد تا توان جذب نیروی مردمی خود را افزایش دهد. در عملیات بیت المقدس هر یک از تیپ های سپاه ۷ تا ۱۲ گردان نیرو داشتند و هر چند تا این زمان به لشکر تغییر نام نیافته بودند، ولی هر یک استعداد و توانی در حد یک لشکر داشتند. لازم به ذکر است که در مرحله چهارم عملیات بیت المقدس تیپ های المهدی و امام سجاد از سپاه پاسداران و تیپ ۳ لشکر ۷۷ ارتش به یگان های عمل کننده افزوده شدند.

۲-۷۶. برادر فتح الله جعفری فرمانده وقت یگان زرهی سپاه پاسداران درباره چگونگی شکل گیری این یگان و شرکت آن در عملیات بیت المقدس نوشت: زمان شکل گیری یگان زرهی سپاه را می توان بعد از عملیات شکستن حصر آبادان (عملیات ثامن الائمه) و در آستانه اجرای عملیات طریق القدس ذکر کرد. پس از عملیات ثامن الائمه بنا به دستور مسئول وقت عملیات سپاه (برادر سید رحیم صفوی) با تانک ها و نفربرهایی که در این عملیات از دشمن به غنیمت گرفته شده بود (۱۰ دستگاه تانک و ۳۵ دستگاه نفر بر) و با همکاری ۲۰۰ تن از برادران پاسدار، یک گردان مستقل مکانیزه با مسئولیت اینجانب (فتح الله جعفری) تشکیل گردید. این گردان در عملیات طریق القدس شرکت کرد و پس از این عملیات همگام با گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران، با نظر برادر غلامعلی رشید و شهید بزرگوار سرلشکر حسن باقری با گسترش سازمان به تیپ ۳۰ زرهی تبدیل گردید و در عملیات فتح المبین شرکت نمود. با توجه به غنایم بسیاری که یگان های سپاه در عملیات فتح المبین به دست آوردند، مجموع دستگاه های زرهی غنیمتی سپاه به بیش از ۵۰۰ تانک و نفر بر رسید و تعداد ۱۰۰ نفر بر بی ام پی (۱) هم از ارتش تحویل گرفته شد و با اقداماتی که در زمینه آموزش نیرو و خدمه ی تجهیزات زرهی صورت گرفت و همچنین تعمیرگاه زرهی که ایجاد شد، این یگان به حد لشکر رسید و در مجموع ۴۰۰ تانک و نفر بر برای عملیات فتح خرمشهر (بیت المقدس) آماده و سازماندهی شد. لشکر ۳۰ زرهی سپاه در قالب چهار گروه رزمی و یک یگان پشتیبانی کلی قرارگاه کربلا، فعالانه در عملیات بیت المقدس شرکت کرد و تا پایان عملیات سازمان خود را گسترش داد و تعداد دیگری دستگاه های زرهی به غنیمت گرفت. این یگان در جریان عملیات ۳۰۰ شهید تقدیم کرد که از جمله ی آنها جانشین یگان (شهید مجیدی) و چند فرمانده گروهان (شهید غرضی، شهید حسین نژاد، شهید چراغی و...) بودند. فرماندهان محورهای عملیاتی را در این عملیات برادران شهید امانی، لاوی، جعفرزاده و حری به عهده داشتند. (سند شماره ۴۱۴۷۶۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: زرهی سپاه و نحوه ی شکل گیری آن).

- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با دو لشکر زرهی، یک لشکر پیاده و چهار تیپ مستقل.

آمار نیروهای شرکت کننده، بر حسب گردان، به شرح زیر می باشد:

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۸۵ تا ۹۵ گردان پیاده که تا آغاز عملیات به ۱۰۰ گردان رسید و همچنین ۱۲ گردان زرهی و مکانیزه (جمعا ۱۱۲ گردان)

- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با ۲۴ گردان زرهی و مکانیزه و ۲۱ گردان پیاده (جمعا نزدیک به ۴۵ گردان).

بنابراین، استعداد نیروهای جمهوری اسلامی در این عملیات جمعا ۱۵۷ گردان پیاده، مکانیزه و زرهی بود.

بررسی مانور قرارگاه ها

قرارگاه قدس مأموریت داشت تا با حمله به خاکریزهای مقدم دشمن در جنوب رودخانه کرخه نور و تصرف پل مناسب در جنوب این رودخانه، دشمن را درگیر نگاه دارد تا دو قرارگاه فتح و نصر فارغ از توجه و تمرکز نیروهای دشمن، به سمت اهداف خود پیشروی کنند. قرارگاه قدس همچنین بایدی از آمادگی لازم برخوردار باشد تا پس از دریافت دستور،

ص: ۱۰۸

تهاجم را ادامه داده و خط عمومی جفیر - پادگان حمید را تأمین و نیروهای دشمن را در منطقه منهدم کند.

قرارگاه قدس به منظور تأمین اهداف تعیین شده. نیروهای تحت امر خود را به پنج محور کلی قدس ۱، قدس ۲، قدس ۳، قدس ۴ و قدس ۵ تقسیم کرد.

چنین پیش بینی می شد که قرارگاه در اجرای مأموریت خود دچار معضلات و مشکلاتی شود که بخشی از آن اساساً به خاطر استحکامات قابل توجه دشمن و نیز موقعیت طبیعی منطقه و موانع موجود بود. دشمن با توجه به نکاتی که ذکر شد، استحکامات بسیاری را در پشت رودخانه کرخه کور تدارک دیده بود، و همچنین در تمام محورها رده دوم و سوم، حتی در بعضی محورها، چهار رده خاکریز احداث نموده و تا سه رده آن نیز نیرو مستقر کرده بود. در واقع یک خط مقدم و دو رده نیروی احتیاط داشت. در حد فاصل خط مقدم تا رده دوم و رده سوم با توجه به موقعیت زمین، کانال تعبیه شده بود. در مقابل خط مقدم علاوه بر نصب سیم خاردار به اشکال مختلف ضربداری و حلقوی، از مین های ضد تانک، ضد خودرو و ضد نفر نیز استفاده شده بود.

وجود نقاط حساس تاکتیکی در منطقه، مانند: هویزه، حمیدیه و جفیر، موجب شده بود تا منطقه علاوه بر استحکامات قابل توجه، از تجمع و تمرکز نیرو نیز برخوردار گردد (لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۶ زرهی ارتش عراق در این منطقه گسترش داشتند).

معضل دوم قرارگاه قدس، محدودیت معابر وصولی در منطقه مأموریت این قرارگاه بود. همان طور که ذکر شد، وجود رودخانه کرخه و استحکامات ایجاد شده، مانع رخنه و نفوذ به مواضع دشمن بود.

از سوی دیگر، قرارگاه قدس امیدوار بود که در پی عبور قرارگاه های

فتح و نصر از رودخانه کارون و تهدید عقبه ی لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۶ زرهی، از فشارهای دشمن در این منطقه کاسته شود و در تأمین مأموریت و اهداف قرارگاه قدس تسهیلاتی فراهم گردد.

قرارگاه فتح در بخش میانی منطقه عملیات مأموریت داشت که با عبور از رودخانه کارون، سرپلی تصرف کند و در همان خیز اول تا جاده اهواز - خرمشهر پیشروی نماید و در مراحل بعدی به منظور تأمین مرز، تک را ادامه دهد.

یگان های تحت امر قرارگاه فتح برای تأمین اهداف تعیین شده، به چهار محور کلی فتح ۱، فتح ۲، فتح ۳، فتح ۴ تقسیم شده بودند.

مأموریت این قرارگاه از لحاظ اهداف مورد نظر، نقش تعیین کننده ای را در موفقیت عملیات بیت المقدس ایفا می کرد، زیرا براساس طرح مانور، تلاش اصلی عملیات پس از عبور از رودخانه کارون (۱) و گسترش سرپل آغاز می شد و قرارگاه فتح عهده دار این مأموریت خطیر بود. مشکلات قرارگاه فتح بر خلاف قرارگاه قدس، استحکامات دشمن نبود، چرا که دشمن در مورد عبور از رودخانه کارون جز به عنوان یکی تلاش فرعی، تصور دیگری نداشت.

دشمن علی رغم حساسیت به منطقه قرارگاه فتح، هیچ عکس العمل قابل توجهی از خود نشان نداد و تنها به احداث برخی استحکامات جدید اقدام نمود و تا زمان شروع عملیات، این مواضع جدید را اشغال نکرد. گستردگی این منطقه، نیرو و نیز وضعیت حاشیه رودخانه کارون، مانع از حضور جدی و فعال دشمن در حاشیه ساحل رودخانه می گردید

ص: ۱۱۰

۱- ۷۷. بحث عبور از رودخانه کارون با توجه به حساسیت و ویژگی خاص خود، به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

که این مسئله خود به عنوان عاملی مثبت در امر سرپل گیری تلقی می شد. البته این نگرانی همچنان وجود داشت که دشمن تدریجا با افزایش هوشیاری در کناره های ساحل کارون به استقرار نیروی گشت و تأمین اقدام نماید.

وجود آبگرفتگی در جناح شمالی قرارگاه فتح، به طور طبیعی جناح راست قرارگاه را تأمین می کرد. همچنین وجود زمین و فضای گسترده در برابر قرارگاه فتح سرپل گیری را تسهیل می کرد و در توسعه آن و پیشروی در عمق بسیار مؤثر بود.

قرارگاه فتح در این عملیات با مشکلات و معضلاتی نیز روبه رو بود که در جای خود می توانست موانعی را در تحقق و تأمین اهداف این قرارگاه به وجود آورد. برخی از این مشکلات عبارت بود از:

۱ - فقدان هر گونه عارضه در حد فاصل کارون تا جاده اهواز - خرمشهر، برای هماهنگی نیرو در پیشروی و همچنین برای پدافند مناسب در صورت اجرای پاتک از سوی دشمن.

۲ - تأمین جاده اهواز - خرمشهر همزمان با سرپل گیری که علی رغم فاصله ی ۱۵ تا ۲۰ کیلومتری رودخانه کارون تا جاده، از حساسیت ویژه ای برخوردار بود. محدودیت زمان عبور با توجه به تابش ماه و روشن شدن هوا به صورتی بود که هر گونه تعلل در پیشروی به علت نبودن مواضع پدافندی، نیروها را قبل از رسیدن به عارضه جاده در معرض تهاجم دشمن قرار می داد.

۳ - عدم امکان عبور وسائل سنگین در مراحل اولیه عملیات برای احداث خاکریز.

۴ - پاتک سنگین دشمن، با توجه به تمرکز نیروهای احتیاط دشمن در شمال خرمشهر و تهدیدی که دشمن طبعا بلافاصله پس از روشن شدن

هوا در روز اول عملیات از این جناح احساس خواهد کرد.

قرارگاه فتح، امید داشت که با توجه به غافلگیری دشمن نسبت به تاکتیک عملیات عبور و حساسیتی که در مورد جبهه شمالی نشان می داد، پس از برداشتن خیز اول در تصرف جاده اهواز - خرمشهر و تثبیت آن، اهداف خود را تأمین کند.

قرارگاه نصر در جبهه جنوبی مأموریت داشت تا از رودخانه کارون عبور کرده، سر پل را تأمین کند و بنا به دستور با ادامه پیشروی، ضمن انهدام دشمن و تأمین شهر خرمشهر و مرز، جناح چپ عملیات را پوشش دهد. یگان های تحت امر این قرارگاه برای تأمین اهداف واگذاری، به پنج محور کلی نصر ۱، نصر ۲، نصر ۳، نصر ۴ و نصر ۵ تقسیم شده بودند.

قرارگاه نصر نیز همانند قرارگاه فتح می بایست از رودخانه عبور می کرد، لذا علاوه بر مشکلات عمومی و ضرورت انجام هماهنگی های لازم برای عبور، به دلیل داشتن مأموریت تأمین خرمشهر و حساسیت دشمن در این منطقه، با مشکلات ویژه ای روبه رو بود. این قرارگاه بر خلاف قرارگاه فتح که یگان های با کیفیت بالاتری را تحت امر خود داشت، برای تأمین خرمشهر از نیروی کیفی و مناسبی برخوردار نبود.

قرارگاه نصر در این مأموریت امید داشت که با توجه به پیشروی قرارگاه فتح و تصرف جاده، مشکلات خاصی را در جناح شمالی خود نداشته باشد و برای رخنه به داخل خرمشهر نیز وجود نیروهای بومی در یگان های مأمور به این قرارگاه، می توانست اهداف مورد نظر را بهتر تأمین نماید.

در مجموع، همان گونه که اشاره گردید، در طراحی مانور، عبور از رودخانه عامل تعیین کننده در پیروزی عملیات محسوب می شد و به همین دلیل در ادامه بحث به بررسی دقیق تر این موضوع می پردازیم.

در مرحله جدید جنگ مشکل اصلی دشمن، غافلگیری در برابر تاکتیک های ابتکاری رزمندگان اسلام بود. دشمن برابر تفکرات کلاسیک خود، اساساً نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را فاقد توانایی برای اجرای عملیات ارزیابی می کرد. طرح ریزی عبور از رودخانه کارون، علاوه بر اینکه به کلی در تفکرات کلاسیک دشمن و ارزیابی ای که از توان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی داشت، نمی گنجید، بلکه برای رزمندگان اسلام که از دو ترکیب متفاوت برخوردار بودند نیز پذیرش عبور از رودخانه کارون قدری دشوار بود. لذا طی جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه، بحث های فراوانی در این زمینه صورت گرفت. برخی از برادران ارتشی همان طور که پیش از این ذکر شد، به تک از جبهه شمالی با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر و با عقبه ی اهواز، اعتقاد داشتند. در بحث مربوط به عبور، اساساً برخی بر این عقیده بودند که با توجه به مشکلات عبور و ضرورت همزمانی با پیشروی به عمق و نیز معضلات ناشی از هوشیاری دشمن و کمبود پل و غیره، ضروری است که ابتدا سر پل کوچکی تصرف شده، سپس در مرحله بعد گسترش یابد. دلایلی که برای این نظریه مطرح می شد عمدتاً حول محورهای زیر بود:

۱ - پیچیدگی و مشکلات عبور از رودخانه در مقایسه با سایر عملیات ها.

۲ - فقدان آموزش و تجربه یگان های عبور کننده برای عبور از رودخانه.

۳ - محدودیت زمینه امکانات عبور، به ویژه پل های شناور.

۴ - محدودیت در امکانات مهندسی با سرعت عمل لازم برای

۵ - احتمال هوشیاری دشمن و عقب رانده نیروها.

یکی از فرماندهان سپاه ضمن اشاره به وجود دو نظر در مباحث عبور، چنین می گوید:

«عده ای از برادران گروه طرح ریزی در نظریات خود می گفتند که ابتدا سر پل کوچکی بگیریم و بعد از توسعه سر پل به سمت جاده اهواز - خرمشهر پیشروی شود. برخی معتقد بودند که سرپل باید بزرگی بوده و بلافاصله پس از عبور در همان مرحله تصرف سر پل، پیشروی تا جاده اهواز - خرمشهر ادامه یابد. از محاسنی که برای این ذکر می شد، وجود فضای مانور کافی برای عبور لشکرها بود که موجب می شد تا مراحل بعدی با قدرت کافی انجام پذیرد، ضمن این که این خوف نیز وجود داشت که اگر سر پل کوچک باشد، دشمن با بخش عمده ای از قوایی که در محور شمالی (لشکر ۵ عراق) داشت به همراه نیروهای احتیاط مربوطه، منطقه سر پل را مورد تهاجم قرار دهد. در این صورت امکان عبور مجدد نیز وجود نداشت و عملاً عملیات با شکست مواجه می شد.»

طی بحث های بسیاری که در این زمینه صورت گرفت، سرانجام در میان فرماندهان در مورد سر پل گیری و گسترش آن وحدت نظر حاصل شد که جمع بندی آن چنین اعلام گردید:

«نتیجه ای که گرفتیم این بود که اگر بخواهیم از رودخانه عبور کنیم باید خود را تا جاده و راه آهن جلو بکشیم تا به اهداف زیر برسیم:

۱ - دشمن متوجه شده و به گسترده گی حمله پی برد.

۲ - دشمن را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کنیم.»

پس از تبادل نظر و تفاهم در مورد عبور از رودخانه کارون، رکن ۳ قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در جنوب، طی

تجزیه و تحلیلی ضمن ارجح دانستن سر پل بزرگ، عبور از رودخانه کارون و ویژگی های آن را چنین توصیف کرد:

«عبور ما از رودخانه کارون تلفیقی از یکی «عبور تعجیلی» و یک «عبور با فرصت» است که البته بیشتر جنبه تعجیلی دارد. مشخصات آن عبارتند از: سرعت، غافلگیری، حداقل توقف هنگام رسیدن به ساحل نزدیک رودخانه، حداقل تمرکز نیرو، عدم نیاز به پاک کردن ساحل نزدیک از وجود دشمن، پدافند ضعیف دشمن در ساحل رودخانه، بالا بودن توان رزمی یگان خودی چه از نظر روحیه و چه از نظر استعداد برای درهم شکستن موقعیت پدافندی دشمن در آن سوی رودخانه، طرح ریزی مشروح و به پای کار آوردن تجهیزات عبور از قبل در حد مقدماتی که فعلا موجود است و همچنین یکی عبور با فرصت، به دلیل این که رودخانه مانع بزرگی محسوب شده و عملیات آفندی ما در این خط آغاز می شود.»

تعیین ابعاد سر پل و وجود فضای کافی برای عبور دو قرارگاه با برخورداری از قابلیت و امکان مانور مناسب برای نیروهای تک ور، بحث عمده ای بود که به دنبال توافق بر همزمانی عبور و گسترش سر پل، مورد بررسی قرار گرفت.

حد شمالی سر پل، ایستگاه آهو - که به عنوان تنها عارضه در این محور محسوب می شد و در حدود کیلومتر ۶۰ جاده اهواز - خرمشهر، واقع بود - در نظر گرفته شد. عمق سر پل ۱۴ تا ۲۰ کیلومتر و عرض آن ۴۰ کیلومتر منظور شد که در مجموع مساحت سر پل مورد نظر بالغ بر ۷۰۰ کیلومتر مربع می شد.

«رعایت غافلگیری» و «سرعت عمل در توسعه سر پل»، موضوعی بود که پیوسته به هنگام طرح ریزی مانور عملیات عبور از رودخانه، مورد تأکید قرار می گرفت. براساس شواهد و قرائن موجود، با اقداماتی که از

سوی دشمن انجام می گرفت، این احتمال وجود داشت که در صورت هوشیاری نیروهای عراقی موضوع عبور از رودخانه منتفی شده و یا به شکست بینجامد. دشمن در غرب کارون (محور میانی) اقدام به احداث یک خط ممتد در فاصله ۷ کیلومتری رودخانه کارون کرده بود. این اقدام ضمن این که به عنوان نشانه هوشیاری دشمن در مورد سمت اصلی تک ارزیابی می شد، می توانست موجب بروز مشکلاتی به هنگام عبور و پیشروی نیروهای خودی شود. لذا در طرح مانور ضمن اصرار بر رعایت غافلگیری، بر تسریع و تعجیل در اجرای عملیات نیز تأکید شده بود.

ضرورت همزمانی عبور، گرفتن سر پل و توسعه آن و نیز پیوستگی آنها با یکدیگر، موجب گردیده بود که در مورد سرعت عمل در عبور و توسعه سر پل توجه خاصی صورت بگیرد. بر این اساس، قسمت هایی از رودخانه که عرض کمتری داشت و از ساحل رودخانه تا جاده اهواز - خرمشهر دارای فاصله کمتری بود، به عنوان محل نصب پل انتخاب گردید. همچنین در زمینه سرعت عمل برای پیشروی در عمق بر این موضوع نیز تأکید گردید که نیروهای تک ور، هر چه سریع تر و با حداکثر توان خود، به عارضه جاده خرمشهر - اهواز رسیده و آن را تأمین نمایند تا بدین وسیله گذرگاهها از تیررس دشمن مصون بماند و امکان نصب پل های شناور و انتقال سریعتر و بیشتر نیرو و امکانات به آن سوی رودخانه فراهم شود. بنابراین، سه پل برای نصب در محل های مناسب پیش بینی گردید و برای زمان بندی عبور نیروها با توجه به عمق منطقه، روشن شدن هوا و رعایت اصل غافلگیری، مقرر گردید که نفرات پیاده از ساعت ۶ بعد از ظهر حرکت کرده و با تاریک شدن هوا، خودروهای سبک به وسیله شناورها از رودخانه عبور نمایند تا با پیشروی نیروهای پیاده و تأمین منطقه سر پل، شرایط برای نصب پل و عبور خودروهای سنگین مهیا شود.

طرح مانور عملیات، علی رغم دشواری و پیچیدگی هایی که به لحاظ عبور از رودخانه کارون داشت، از ویژگی های برجسته و بارزی برخوردار بود که عبارت بودند از:

۱ - غافلگیری در تاکتیک: همان طور که در مباحث پیش اشاره شد، دشمن براساس تفکر کلاسیک و درکی که از توان رزمندگان اسلام داشت، عبور از رودخانه را به عنوان تلاش اصلی قوای خودی پیش بینی نمی کرد و همچنین به غافلگیر شدن قوای دشمن در هنگام عملیات کمک شایانی می کرد.

۲ - تهاجم به جناح دشمن: اطلاعات صحیح و جامع رزمندگان اسلام از چگونگی آرایش دشمن و نقاط ضعف و قوت آن باعث شد که نقطه ضعف دشمن به خوبی شناخته شود و بر همین اساس تاکتیک ویژه عملیات تعیین گردد. عبور از رودخانه کارون هجوم به جناح دشمن بود و به همین خاطر آسیب پذیری او را تشدید می کرد.

۳ - برآورد صحیح از توان و استعداد دشمن: به دنبال تجارب گذشته، در این مرحله طراحان نظامی جنگ از ضعف های فیزیکی و روحی دشمن آگاه بودند و همین امر از دلایل عمده پافشاری بر عبور از رودخانه کارون محسوب می شد. برادر محسن رضایی در این باره می گوید:

«یکی از عوامل وادار کننده ما به عبور از رودخانه و کسب دل و جرأت لازمه، داشتن شناخت و اطلاع کافی از دشمن و این که نیروی احتیاط او بیشتر از یک لشکر نیست و آن نیرویی که برای جاده اهواز - خرمشهر با ما خواهد جنگید همین یک لشکر است.»

۴ - در نظر گرفتن واقعیات و پذیرش خطر احتمالی: طرح مانور عملیات با

در نظر گرفتن واقعیات و با علم به کلیه محدودیت ها، تهیه شده بود. فرماندهی عملیات، پس از مواجهه با راه کارهای مختلف و استماع کلیه نظریات، خطر کردن احتمالی برای موفقیت عملیات را پذیرفته و تصمیم نهایی را اتخاذ کرد.

پشتیبانی عملیات

مهندسی رزمی

منطقه عملیات بیت المقدس از لحاظ موقعیت طبیعی و همچنین پیش بینی احداث پل روی رودخانه کارون، نیاز به کار مهندسی گسترده و ویژه ای در مقایسه با عملیات فتح المبین داشت. جهاد سازندگی که از ابتدای جنگ مجاهدت و تلاش های وسیعی را انجام داده بود، در این عملیات نیز حضور گسترده و چشمگیری داشت و محور اصلی در اقدامات مهندسی را به عهده گرفته بود، ضمن این که مهندسی سپاه و ارتش نیز، به ویژه در زمینه عبور و نصب پل، فعالانه مشارکت داشتند.

ترکیب جهاد سازندگی، ارتش و سپاه در امر مهندسی و ضرورت هماهنگی آنها با فرماندهی قرارگاه های سه گانه، ترکیب جدیدی از سازمان مهندسی را ایجاد کرده بود که به شرح زیر، تحت امر قرارگاه ها فعالیت می کردند:

نام قرارگاه:، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد:، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه:، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش:، جمع:

نام قرارگاه: قرارگاه فتح، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد: ۴۵، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه: ۲۲، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش: ۱۸، جمع: ۸۵ دستگاه

نام قرارگاه: قرارگاه نصر، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد: ۲۷، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه: ۱۸، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش: ۳، جمع: ۴۸ دستگاه

نام قرارگاه: قرارگاه قدس، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد: ۲۳، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه: ۲۲، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش: ۱۴، جمع: ۵۹ دستگاه

جمع کل: ۱۹۲ دستگاه

ص: ۱۱۸

نیروی هوایی به منظور انجام مأموریت، وظایف خود را به سه محور تقسیم و به طرح عملیاتی کربلای ۳ (بیت المقدس) پیوست نمود:

۱ - پوشش هوایی منطقه عملیات با استفاده از دو پایگاه موشکی زمین به هوا و همچنین به کارگیری هواپیماهای اف - ۴ و اف - ۱۴.

۲ - پشتیبانی نزدیک که به دو بخش ارتفاع بالا و ارتفاع پایین تقسیم شد. همچنین ۲۰ سورتی پرواز برای روز اول عملیات و ۶ سورتی برای روزهای بعد پیش بینی گردید.

۳ - به منظور ترابری سنگین برای حمل مجروحین، ۳ پایگاه در نظر گرفته شد که روزانه ۱۲ تا ۲۰ سورتی پرواز هواپیمای سی - ۱۳۰ در نظر گرفته شده بود.

فرماندهی هوانیروز برای اجرای مأموریت محوله، در طرح پیشنهادی خود توان عملیاتی هوانیروز را به شکل های رزمی، پشتیبانی و مستقیم تقسیم کرد و استعداد زیر را به کار می گرفت: ۲۴ فروند هلی کوپتر کبری، ۲۲ فروند هلی کوپتر ۲۱۴، ۱۶ فروند هلی کوپتر شنوک و ۶ فروند هلی کوپتر ۲۰۶.

توپخانه

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی به منظور تأمین آتش پشتیبانی عملیات، علاوه بر توپخانه ی لشکرها، گروه ۲۲ توپخانه و گروه ۲۳ توپخانه را هم تحت امر گرفت، ضمن این که سلاح های نیمه سنگین و ضد زره سپاه پاسداران نیز با برخورداری از استعداد بالا در عملیات شرکت داشتند.

با توجه به مشکلات و محدودیت هایی که در زمینه پدافند هوایی (به کارگیری سیستم هاگک) وجود داشت، پس از هماهنگی فرماندهی سپاه با ریاست محترم جمهوری، مقرر شد که به دستور ایشان موانع موجود مرتفع گردد.

تک پشتیبانی

پس از اتمام عملیات فتح المبین و واگذاری مأموریت جدید در منطقه عملیات بیت المقدس به قرارگاه های قدس، فتح و نصر، به علت این که دشمن پس از عقب نشینی از منطقه فتح المبین همچنان با استقرار نیروهایی از لشکر ۱ مکانیزه و لشکر ۱۰ زرهی، ارتفاعات ۱۸۱ و ۱۸۲ را که مشرف بر منطقه بود در اختیار داشت، قرارگاه فجر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استعداد دو تیپ مستقل، شامل تیپ های ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) و ۳۳ المهدی (عج) و نیز دو گردان از نیروهای لشکر ۷۷ ارتش جمهوری اسلامی مأموریت یافت تا در منطقه مستقر شود.

به هنگام طرح ریزی عملیات بیت المقدس، به قرارگاه مستقر در منطقه عملیاتی فتح المبین مأموریت داده شد تا همزمان با عملیات بیت المقدس، برای انهدام دشمن و تصرف دو ارتفاع ۱۸۱ و ۱۸۲ و درگیر نگاهداشتن قوای دشمن و نیز ممانعت از جابه جایی و اعزام آنها به منطقه عملیاتی بیت المقدس، اقدام به تک نماید.

مانور عملیات پشتیبانی با استعداد ۷ گردان از سپاه پاسداران و ۲ گردان از نیروی زمینی ارتش طراحی شد. گردان های تلفیقی سپاه و ارتش می بایست با تهاجم به نیروهای دشمن از روبه رو، آنها را به خود مشغول نمایند تا نیروهای تیپ ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) پس از ۲۵ کیلومتر

پیاده روی، دشمن را دو زده و خود را به جاده آسفالت فکه - چنانه برسانند. از جنوب نیز نیروهای تیپ المهدی (عج) می بایست پس از ۲۵ کیلومتر راهپیمایی و عبور از مناطق رملی، دشمن را دور زده و خود را به جاده فکه - چنانه برسانند و ضمن الحاق با نیروهای تیپ ۱۷، به انهدام دشمن بپردازند.

در آستانه عملیات بیت المقدس

به دنبال ۲۵ روز تلاش پیگیر و مداوم برای آماده سازی مقدمات عملیات بیت المقدس، سرانجام با آغاز اردیبهشت ۱۳۶۱، قرارگاه ها و یگان ها آخرین جلسات بررسی مانور عملیات را برگزار کردند. امکانات مورد نیاز عملیات از جمله پل، ماشین آلات مهندسی، تانک، نفربر و... نیز به تدریج با حجم تردد چشمگیری به منطقه سرازیر شد. دشمن که از مدت ها قبل، تهاجم رزمندگان اسلام برای آزادسازی خرمشهر را پیش بینی می کرد، به انتظار عملیات این مجاهدان جان برکف نشسته بود. التهاب و شور و نشاط زاید الوصفی سراپای وجود نیروهای رزمنده را فرا گرفته بود. به ویژه باقی مانده رزمندگانی که با تهاجم سبعانه دشمن به خرمشهر، به مقابله با آن برخاستند و طی ۳۵ روز نبرد و مقاومت مظلومانه، بسیاری از طرح های دشمن را به شکست کشاندند، اکنون در یگان های مأمور به نفوذ در خرمشهر سازمان دهی شده و در آرزوی ورود به خرمشهر، برای آغاز عملیات لحظه شماری می کردند.

آخرین جلسه بررسی طرح مانور عملیات در تاریخ ۵ / ۲ / ۱۳۶۱ برگزار گردید. سپس فرمانده قرارگاه مرکزی کربلا برای بررسی «میزان آمادگی قرارگاه های تابعه» و رفع نواقص طرح مانور و مشکلات مربوطه و همچنین تعیین تاریخ و ساعت شروع عملیات، از قرارگاه های قدس،

فتح و نصر بازدید کرد و پس از شور و بررسی، تصمیمات نهایی را اتخاذ نمود.

شهید معینان مسئول اطلاعات قرارگاه مرکزی کربلا، ۲۴ ساعت قبل از شروع عملیات، در تاریخ ۸ / ۲ / ۱۳۶۱ طی جلسه ای ضمن بررسی آخرین وضعیت دشمن، چنین اظهار داشت:

«در طول دو هفته، دو تیپ زرهی و یک تیپ پیاده از پایین آبگرفتگی (در شمال شرقی منطقه عملیات) تا شمال خرمشهر آرایش گرفته است (در غرب جاده آسفالت اهواز - خرمشهر، در حد فاصل ایستگاه حمید تا خرمشهر).

فعالیت مهندسی دشمن در جنوب کرخه کور تا مواضعش در جنوب غرب اهواز، از جنوب آبگرفتگی تا شمال سیل بند خرمشهر در غرب کارون، چشمگیر بوده است. دشمن پادگان حمید را به کلی منهدم کرده است.»

شهید معینان در ادامه، به هوشیاری دشمن در مورد عملیات اشاره کرد و گفت:

«دشمن اطلاع پیدا کرده است که ما می خواهیم از رودخانه عبور کنیم و به همین خاطر سعی دارد کم کم به ساحل رودخانه بیاید و آن وقت است که می تواند همه چیز ما را زیر کنترل داشته باشد.»

برابر اطلاعات واصله، دشمن نسبت به عبور رزمندگان از کارون حساس شده و پیش بینی می کرد که منطقه عبور رزمندگان، روبه روی ایستگاه سلمانیه باشد (۱) این مسئله از جهت اجرای عملیات می توانست

ص: ۱۲۲

۱- ۷۸. یک خلبان عراقی که در این عملیات اسیر شده بود، در اظهارات خود گفت: «ما احتمال پل زدن شما در روبه روی سلمانیه را می دادیم، بدین خاطر آنجا بمباران شد.» ضمناً زرهی دشمن نیز عمدتاً روبه روی سلمانیه در غرب رودخانه کارون استقرار یافته بود.

از حساسیت ویژه ای برخوردار باشد.

فرماندهی قرارگاه کربلا پس از استماع اطلاعاتی که شهید معینان ارائه داد و با توجه به سایر شواهد و قرائن اعلام کرد که باید تا ۴۸ ساعت دیگر پل احداث و سر پل تصرف شود. طبعاً در صورت پیشروی دشمن و نزدیکی به ساحل رودخانه، از لحاظ دید و تیر و تسلطی که بر ساحل رودخانه به دست می آورد، عملیات تصرف سر پل با دشواری رو به رو می گردید و به عبارت دیگر از هم اکنون می بایست عملیات منتفی و یا شکست خورده فرض می شد. با توجه به وضعیت پیش آمده و پیش بینی بروز اوضاع اضطراری در صورت پیشروی دشمن، فرمانده قرارگاه بر حفظ آمادگی کامل برای آغاز عملیات در شب بعد و یا همان شب تأکید کرد.

قرارگاه مرکزی کربلا، در این جلسه ضمن ارزیابی دشمن و بررسی احتمالات، به مسائل مهم دیگری چون پشتیبانی قرارگاه های تابعه و افزایش آمادگی آنان پرداخت. در همین زمینه برای واگذاری و مأمور کردن هلی کوپتر به قرارگاه ها نیز تصمیماتی اتخاذ شد و قرارگاه مرکزی برای رفع کمبود مهمات قرارگاه فتح، رأساً این مسئله را پیگیری و اقدام نمود.

اعلام آماده باش برای اقدام در صورت پیدایش وضعیت اضطراری نیز از نتایج دیگر این جلسه بود. قرارگاه مرکزی در اوج التهاب ناشی از حساسیت عملیات در آستانه شروع آن، از بررسی مسائل سیاسی غافل نبود. به همین جهت، اوضاع سیاسی منطقه و اوج گیری مسئله فلسطین مورد بحث قرار گرفت. جمع بندی اوضاع سیاسی منطقه و نیز تأیید متقابل حرکت رزمندگان اسلام بر مبارزات ضد اسرائیلی، قرارگاه را به این نتیجه رساند که نام «بیت المقدس» را برای عملیات برگزیند. انتخاب این نام و پیروزی محتمل رزمندگان اسلام، برای رژیم صهیونیستی به شدت

ص: ۱۲۳

شکننده و عکس العمل آنان کاملاً قابل پیش بینی بود (۱) اندیشه های اعتقادی و فرهنگی حاکم بر فرماندهان عملیاتی موجب شده بود تا سیزدهم ماه رجب، روز میلاد مولای متقیان علی علیه السلام، به عنوان روز شروع عملیات انتخاب شود. برای همین و متناسب با این تصمیم، رمز مقدس «یا علی بن ابی طالب (ع)» نیز برای عملیات انتخاب گردید. با نزدیکی زمان عملیات، بزرگانی چون آیت الله مشکینی و آیت الله شهید صدوقی وارد منطقه شده و در قرارگاه کربلا حضور یافتند.

بدین ترتیب، با به پایان رسیدن روز و فرار رسیدن تاریکی شب، لحظات آغاز عملیات بزرگ رزمندگان اسلام، که قطعاً پیروزی یا شکست آن تأثیرات شگرف و تعیین کننده ای بر سرنوشت جنگ، انقلاب و منطقه داشت (۲)، نزدیک شد.

ص: ۱۲۴

۱- ۷۹. برادر رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این باره اظهار داشت: «این احتمال وجود دارد که همزمان با عملیات بیت المقدس، اسرائیل به جنوب لبنان حمله نماید.»

۲- ۸۰. فرمانده سپاه در واپسین لحظات باقی مانده، به خاطر پیدایش وضعیت ویژه و اضطراری اظهار داشت: «من امروز گفتم حالا که تصمیم قطعی شده است، ولی هنوز نسبت به دو چیز ابهام دارم. رفتن به سمت خرمشهر و پاتک دشمن به چه صورت خواهد بود. لذا استخاره کردم که چه می شود. در آیه، قصه حضرت موسی ذکر شده بود و انتهایش چنین بود: نترسید، ما شما را از قوم ظالمین نجات خواهیم داد.»

نهم اردیبهشت ۱۳۶۱، شب از نیمه گذشته بود، نیروها از ساعت ها قبل در محورهای مختلف، پس از استقرار در مواضع مناسب از آمادگی لازم برای درگیر شدن با دشمن برخوردار بودند. شور و نشاط زاید الوصفی در قرارگاه کربلا حاکم بود. شهید صدوقی و آیت الله مشکینی نیز در کنار فرماندهان سپاه و ارتش حضور داشتند. در حالی که ساعت، گذشت ۱۵ دقیقه از نیمه شب را نشان می داد آیاتی از سوره مبارکه فتح تلاوت شد و سرانجام ۳۰ دقیقه پس از ساعت ۲۴ (۳۰:...)، فرمانده قرارگاه کربلا- با قرائت رمز عملیات فرمان آغاز یورش به دشمن را صادر کرد. نیروها که از ساعت ها قبل در انتظار فرمان حمله به سر می بردند، در تمام محورهای عملیات به دشمن حمله ور شدند و بدین ترتیب عملیات سرنوشت ساز رزمندگان اسلام شروع گردید.

هدایت عملیات به همراه طنین دعای ملکوتی توسل، معنویت خاصی را بر قرارگاه مرکزی حاکم کرده بود. شهید صدوقی و آیت الله مشکینی به طور جداگانه، پیام هایی را به وسیله بی سیم خطاب به رزمندگان اسلام قرائت می کردند.

اولین خبر درگیری، از چهارمین محور قرارگاه فتح به قرارگاه کربلا رسید. تیپ ۲۵ کربلا (۱) در ساعت ۵۵ / ۰۰ دقیقه با مداد درگیر شده بود. در پی آن، به تدریج اخبار درگیری سایر یگان ها با دشمن به قرارگاه مرکزی

ص: ۱۲۵

۱- ۸۱. فتح ۴، شامل تیپ ۲۵ کربلا از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تیپ های ۳۷ زرهی و ۵۵ هوابرد از ارتش جمهوری اسلامی بود.

می رسید. تقریباً ۳ ساعت پس از آغاز عملیات، کلیه یگان‌ها با دشمن درگیر شده بودند. تا قبل از آغاز عملیات، میزان هوشیاری دشمن مورد سؤال و ابهام بود. تنها یکی از بی سیم‌های دشمن، در ساعت ۲۱ فعالیت شدیدی را آغاز کرد، لیکن شبکه ارتباط بی سیمی دشمن همچنان عادی بود و دشمن هیچ گونه آماده باش فوق العاده‌ای اعلام نکرد. شواهد و قرائن حاکی از غافلگیری دشمن به ویژه در محور قرارگاه فتح بود. با پیشروی نیروهای قرارگاه فتح، دست یابی به جاده اهواز - خرمشهر به قدری سریع و غافلگیرانه صورت گرفت که بسیاری از خودروهای دشمن با اعلام ایست و توقف رزمندگان اسلام بلافاصله متوقف می شدند!

گزارش قرارگاه‌های تابعه

یگان‌های تابعه قرارگاه قدس، در ۵ محور مختلف (قدس ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵) با دشمن درگیر شدند، اما هوشیاری دشمن در مورد سمت تک رزمندگان و همچنین استحکاماتی که دشمن ایجاد کرده بود، عملاً منجر به کندی و عدم هماهنگی در پیشروی یگان‌های قرارگاه قدس شد. در این بین تنها تیپ بیت المقدس (قدس ۵) و تیپ ۴۱ ثارالله (قدس ۴) موفق به عبور از مواضع دشمن و تصرف سرپل در جنوب رودخانه کرخه کور شدند. فقدان پوشش جناحین یگان‌های نامبرده، به علت عدم پیشروی یگان‌های مأمور در سایر محورها موجب گردید تا فشار سنگین و پر حجمی از دشمن متوجه سرپل شود.

یگان‌های قرارگاه فتح، ضمن درگیری با دشمن و انهدام قوایش در غرب کارون، خود را به جاده اهواز - خرمشهر رساندند (۱) تنها معضل

ص: ۱۲۶

۱- ۸۲. شهید حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) درباره عملیات این لشکر (محور فتح ۱) و انهدام نیروهای دشمن در غرب رودخانه کارون گفت: «در خاکریز اول حدود ۸۰ نفر نیرو و ۳ تانک وجود داشت. به جز یک نفر، همه کشته شدند و خاکریز به تصرف نیروهای اسلام درآمد، احتیاط رده دوم آنها که قریب به ۲۰۰ نفر بودند در حال فرار و حین درگیری تماماً کشته شدند و صبح بچه‌ها به جاده رسیده و در آنجا پدافند کردند. در شرق جاده، دشمن یک خاکریز به ارتفاع ۳ متر احداث کرده بود که نیروها در پشت آن استقرار یافتند، ما تعداد ۶ توپ و ۱۳۰ را منهدم کرده و تعدادی هم به غنیمت گرفتیم.»

قرارگاه فتح، عدم الحاق با قرارگاه نصر بود. تیپ ۸ نجف اشرف در جناح چپ قرارگاه فتح، می بایست با تیپ ۷ ولی عصر (عج) در جناح راست قرارگاه نصر الحاق می کرد. عدم الحاق بین این دو قرارگاه موجب بروز نگرانی جدی در جبهه خودی شده بود.

یگان های قرارگاه نصر در ساعت مقرر با دشمن درگیر شدند. تیپ ۴۶ فجر (محور نصر ۲) و تیپ ۲۲ بدر (محور نصر ۵) می بایست از سمت شرق، خرمشهر را محاصره نموده و تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) همراه با تیپ ۲۱ حمزه (محور نصر ۲) در غرب خرمشهر، از سمت نهر عرایض، محاصره را تکمیل می کرد تا در مرحله بعد تیپ های ۴۶ و ۲۲ بتوانند وارد خرمشهر شوند.

تأخیر در حرکت و پیشروی یگان های قرارگاه نصر و نیز وجود باتلاق در کنار جاده اهواز - خرمشهر (در شمال شرقی سیل بند احداث شده توسط عراقی ها) و همچنین تمرکز نیروهای دشمن (۱) در منطقه شمال خرمشهر موجب گردید که اهداف قرارگاه نصر تأمین نگردد و درگیری به روز کشیده شود.

نیروهای محور نصر ۱ شامل تیپ ۱ از لشکر ۲۱ حمزه (س) به همراه

ص: ۱۲۷

۱- ۸۳. تیپ ۸ مکانیزه دشمن در برابر تیپ ۷ ولی عصر (عج) و تیپ ۶ زرهی دشمن در مقابل تیپ ۲۷ آرایش گرفته بودند.

تیپ ۷ ولی عصر (عج)، تا ۳ بعد از ظهر در برابر دشمن مقاومت کردند ولی پس از آن به ناچار تا حدودی عقب نشینی کردند. نیروهای نصر ۲ شامل تیپ ۲ از لشکر ۲۱ و تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) نیز علی رغم انهدام دشمن، در ۳ کیلومتری شرق جاده مستقر شدند.

همچنین بین دو تیپ ۲۲ و ۴۶ فاصله وجود داشت و این دو تیپ هنوز به اهدافشان نرسیده بودند. همچنین تیپ های ۴۶ و ۲۷ نیز موفق به الحاق نشده بودند و فشار سنگینی از دشمن روی تیپ ۲۷ وارد می شد. عدم الحاق بین یگان ها و فشار دشمن موجب گردید که کل منطقه متصرفه قرارگاه نصر در معرض تهدید قرار گیرد.

در پایان روز اول، وضعیت کلی عملیات بدین ترتیب بود که قرارگاه های نصر و فتح، سر پلی به مساحت ۸۰۰ کیلومتر مربع در غرب کارون تصرف کرده بودند و نیروهای قرارگاه قدس به غیر از دو محور، در بقیه محورها موفق به عبور از رودخانه کرخه کور نشدند. با این وصف، به علت این که یگان های خودی توانستند فراتر از محاسبات و برآوردهای دشمن از نیروی انسانی بسیاری در پای کار استفاده نمایند، در پی وارد کردن اولین ضربه تعادل دشمن بر هم خورد و پس از آن، دشمن در این عملیات نتوانست در برابر رزمندگان اسلام ابتکار عمل را به دست گیرد.

عکس العمل دشمن

شواهد و قرائن موجود نشان می دهد که دشمن قبل از شروع عملیات در مورد تهاجم رزمندگان اسلام تا حدودی هوشیار شده بود، لیکن در زمینه «زمان» و «تاکتیک عملیات»، غافلگیر گردید. دشمن در بررسی های خود، تلاش اصلی عملیات رزمندگان را از محور شمالی (محور قرارگاه قدس) پیش بینی کرده بود. در محاسبات دشمن عبور از رودخانه کارون

به عنوان تک فرعی و تنها با نصب یک پل پیش بینی شده بود.

پس از مرحله اول عملیات، دشمن بلافاصله با درک جدیدی که از محورهای عملیات رزمندگان اسلام و اهداف آنها پیدا کرده بود، اقدام به پاتک نمود که به ترتیب قرارگاه های خودی به آن اشاره می شود:

در محور قرارگاه قدس، به خاطر حضور ناقص نیروهای خودی در منطقه سرپل، دشمن بلافاصله نیروهایش را سازمان دهی و اقدام به پاتک کرد. اولین پاتک سنگین دشمن از جنوب رودخانه کرخه در منطقه قیصریه شروع شد. تیپ های ۱۶ زرهی، ۴۹ پیاده و نیروهای لشکر ۵ مکانیزه به کمک یک گردان نیروی مخصوص در این پاتک شرکت داشتند. دشمن پس از ۴۸ ساعت فشار، سرانجام موفق به عقب راندن نیروها و اشغال مجدد منطقه شد.

در محور قرارگاه فتح، در حالی که نیروهای خودی در حاشیه جاده خرمشهر - اهواز استقرار داشتند، با آگاهی از عدم الحاق بین دو قرارگاه فتح و نصر، در این شکاف رخنه کرد و فشار زیادی به نیروهای خودی وارد نمود طوری که تیپ ۷ ولی عصر (عج) مجبور به عقب نشینی شد.

در محور قرارگاه نصر، از یک سو عدم پیشروی و نفوذ در مواضع دشمن (واقع در خرمشهر) و از سوی دیگر عدم الحاق بین یگان هایی که موفق به پیشروی شده بودند، موجب گردید تا دشمن تلاش خود را معطوف به فشار از طریق رخنه های موجود کند.

در ادامه درگیری، دشمن نیروهایش را در غرب جاده اهواز - خرمشهر و در نزدیکی مرز و حوالی شلمچه سازمان داد و باقی مانده نیروهای لشکر ۳ و تیپ ۲۶ زرهی را برای پاتک آماده کرد. علاوه بر آن از نیروی مخصوص و واحدهای تکاور نیز با توجه به حضور پر تراکم نیروهای پیاده خود، بهره

گرفت. تیپ ۱۹ پیاده نیز بعداً برای پاتک، به نیروهای دشمن ملحق شد. صدام به نیروهای آماده پاتک چنین پیام داد:

«کلیه نیروهایی که مواضع و استحکامات خود را از دست داده اند باید ظرف امروز و امشب دوباره از دشمن پس بگیرند، در غیر این صورت محاکمه انقلابی خواهند شد.»

تلاش دشمن در پاتک، معطوف به این امر بود که نیروهای خودی را از پشت جاده، عقب رانده و سپس منطقه سر پل را پاکسازی نماید. جاده تنها موضعی بود که نیروهای خودی می توانستند در پشت آن مستقر شده و با پاتک های دشمن مقابله نمایند و در صورت عقب نشینی، به علت فقدان هر گونه عارضه ی دیگر، به سختی قادر به مقاومت در برابر دشمن بودند.

دشمن با از دست دادن جاده، دچار تجزیه شده و علاوه بر تهدید عقبه لشکرهای ۵ و ۶ (که در منطقه قرارگاه قدس مستقر بودند)، نیروهای موجود خود در خرمشهر را نیز در معرض محاصره می دید. بنابراین، جنگ برای باز پس گیری منطقه سر پل و جاده اهواز - خرمشهر از سوی دشمن و حفظ و تأمین آن از سوی رزمندگان اسلام به معنای شکست یا پیروزی برای طرفین درگیر در صحنه نبرد محسوب می شد.

پاتک دشمن با به کارگیری تیپ ۱۰ زرهی (۱) برای تصرف جاده شروع شد. جنگ سختی در گرفت. رزمندگان اسلام که نه از نیروی زرهی کارآمد و نه از آتش پشتیبانی مناسب برخوردار بودند به نبرد با تانک ها پرداختند. در خلال این درگیری، تانک های عراقی توانستند خود را به جاده رسانده و بخشی از آن را تصرف کنند. استقرار تانک ها روی جاده می توانست به منزله سقوط تنها خط دفاعی رزمندگان اسلام محسوب شود و با فروپاشی

ص: ۱۳۰

۱-۸۴. دشمن در این فاصله، باقی مانده تیپ ۱۰ زرهی را از منطقه دزفول به این منطقه آورده بود.

سازمان یگان‌ها، عقب‌نشینی را بر آنها تحمیل کند که بدین ترتیب تمام منطقه آزاد شده‌ی غرب کارون با خطر مواجه می‌شد. اما استقرار دشمن روی جاده دوام نیاورد و مقاومت و مقابله جانانه قوای سلحشور اسلام ضمن درهم‌کوبیدن تانک‌های دشمن، پاتک اساسی او را نیز با شکست مواجه ساخت.

دومین شب عملیات

نیروهای خودی به هنگام استقرار در شرق جاده اهواز - خرمشهر، از یک سو با فشارهای فزاینده دشمن که بعضاً با استفاده از رخنه‌های موجود در نقاط الحاق یگان‌ها صورت می‌گرفت، مواجه بودند و از سوی دیگر، عقبه نیروها به دلیل فاصله ۱۵ تا ۲۵ کیلومتری با رودخانه کارون و فقدان جاده تدارکاتی، به صورت مناسبی تأمین نشده بود، البته علی‌رغم چنین وضعیتی، رزمندگان اسلام با مجاهدت‌های بسیار و نثار خون، از مواضع متصرفه در سرپل حفاظت می‌کردند.

ادامه عملیات در شب دوم، طی جلسه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این زمینه دو نظریه وجود داشت، عده‌ای معتقد بودند که دشمن بنا به تجربه‌ای که از عملیات گذشته دارد، در شب دوم منتظر حمله است و لذا نیروهایش را عقب‌کشیده و صبح مجدداً به مواضع خود باز خواهد گشت. نظریه دیگر این است که رزمندگان در شب دوم استراحت کنند و صرفاً جهت تثبیت سرپل، رخنه‌های موجود را ببوشانند. سرانجام پس از بحث و بررسی‌هایی که در این زمینه صورت گرفت، مقرر شد که در اولویت اول رخنه‌های موجود ترمیم شود. بر این اساس، به تیپ ۸ نجف اشرف (محور فتح ۱) و تیپ ۷ ولی عصر (محور نصر ۲) مأموریت داده شد تا با اجرای عملیات، رخنه‌ای که به طول ده کیلومتر در جاده

اهواز - خرمشهر (از کیلومتر ۸۵ تا ۹۵) به وجود آمده بود را ترمیم کنند. همچنین مقرر گردید که قرارگاه قدس نیز در شب دوم، برای رسیدن به اهداف مرحله اول عملیات اقدام کند.

در شب دوم با عملیاتی که صورت گرفت، در برخی محورهای رخنه‌های موجود ترمیم شد، لیکن تا ۴۸ ساعت بعد همچنان برخی از رخنه‌ها باقی بود تا اینکه سرانجام پس از ۵ روز، خط سرپل از کیلومتر ۶۸ تا کیلومتر ۱۰۳ جاده اهواز - خرمشهر تثبیت و کلیه رخنه‌ها ترمیم شد. عملیات قرارگاه قدس در شب دوم، قرین موفقیت نشد و سرانجام پس از ۴۸ ساعت مقاومت بر اثر فشارهای دشمن، نیروها به موضع پیشین بازگشتند.

مرحله دوم عملیات

اشاره

پس از آن که رخنه‌ای موجود در منطقه‌ی سرپل ترمیم و سرپل تأمین و تثبیت گردید، در قرارگاه مرکزی کربلا با حضور فرماندهان در مورد ادامه عملیات تبادل نظر صورت گرفت. در همین زمینه، سرهنگ صیاد شیرازی (فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی) در جمع فرماندهان چنین اظهار داشت:

«اهداف مأموریتی که من و برادر رضایی نشستیم و در مورد آن صحبت کردیم، عبارتند از:

انهدام قوای دشمن، بیرون راندن دشمن از مناطق اشغالی، متمایل شدن به طرف شلمچه برای محاصره کردن خرمشهر.»

برای محاصره و تصرف خرمشهر سه راه کار وجود داشت:

راه کار اول: عملیات از شرق جاده اهواز - خرمشهر: براساس بررسی‌های به عمل آمده و تجارب مرحله اول عملیات، استدلال شد که

ص: ۱۳۲

به خاطر وجود استحکامات زیاد دشمن و عدم توانایی کافی تیپ ۲۲ بدر برای عبور از زمین های باتلاقی منطقه، باید راه کار مناسبتری انتخاب گردد.

راه کار دوم: عملیات روی جاده اهواز - خرمشهر: آرایش دشمن به سمت شمال و تمرکز در معبر وصولی خرمشهر و نیز هوشیاری دشمن در مورد سمت تک، مانع از موفقیت در دست یابی به هدف از این طریق بود.

راه کار سوم: تک از غرب جاده اهواز، محاصره خرمشهر با دور زدن دشمن از نزدیک نهر عرایض و مسدود کردن عقبه دشمن.

پس از بررسی راه کارهای مختلف در مورد محاصره و تصرف خرمشهر، در زمینه هدف عملیات در مرحله دوم، دو نظر کلی وجود داشت:

الف - پیشروی به سمت مرز و دسترسی بیشتر به عقبه دشمن

ب - پیشروی به سمت خرمشهر از غرب جاده اهواز - خرمشهر

پس از بحث و بررسی های بسیاری که صورت گرفت، سرانجام نظر اول مورد تصویب قرار گرفت. زیرا علاوه بر پیش رو داشتن تجارب ناشی از توقف قرارگاه نصر در مرحله اول، دشمن تمرکز نیروی شدیدی در محدوده غرب جاده اهواز - خرمشهر و در منطقه عمومی شلمچه داشت. بنابراین، بدون انهدام دشمن در غرب جاده و تهدید بیشتر عقبه دشمن، تلاش برای ورود به خرمشهر بی نتیجه بود.

بدین ترتیب، مقرر شد که مرحله دوم عملیات با دو قرارگاه فتح و نصر انجام گیرد. در این مرحله قرارگاه قدس مأموریت داشت که با عملیات ایذایی نیروهای دشمن را درگیر نگه دارد.

کانال آب در ۵ کیلومتری زیر جاده گرمدشت، که به صورت شرقی - غربی و در حدود کیلومتر ۶۴ قرار داشت، به عنوان خط حد قرارگاه فتح و

نصر تعیین شد و مقرر گردید که قرارگاه نصر با تیپ های ۷ ولی عصر (عج)، ۲۷ حضرت رسول (ص) و قرارگاه فتح با تیپ های ۸ نجف اشرف و ۱۴ امام حسین (ع) عملیات را آغاز کنند.

مرحله دوم عملیات در ساعت ۲۳:۳۰ روز ۱۶/۲/۱۳۶۱، با هدف رسیدن به مرز بین المللی و محاصره ی خرمشهر آغاز شد (۱). نیروهای قرارگاه فتح در همان ساعت های اول عملیات به جاده مرزی رسیدند. نیروهای قرارگاه نصر در جناح چپ عملیات به شدت تحت فشار دشمن قرار گرفتند. در ساعت ۳ بامداد، برخی از یگان ها رسیدن به مرز بین المللی را اعلام کردند. به هنگام پیشروی، نیروها ابتدا به خاکریز بزرگی که در حد فاصل جاده تا دژ مرزی وجود داشت رسیده و اعلام کردند به دژ مرزی رسیده اند، لیکن به آنها دستور پیشروی داده شد. در جناح راست منطقه عملیات، جاده ای قرار داشت که از ایستگاه حسینیه تا پاسگاه زید عراق امتداد می یافت. در طول شب عملیات نیز یک خاکریز در حاشیه جنوبی این جاده احداث شد و تیپ های ۲۵ کربلا و ۵۵ هوآبرد در پشت آن آرایش گرفتند. با روشن شدن هوا درگیری همچنان ادامه یافت. تأخیر برخی از یگان ها در رسیدن به مرز و تأمین اهداف و نیز وجود رخنه دشمن موجب شد که با روشن شدن هوا، دشمن فشارهای موضعی را در برخی محورها به نیروهای خودی وارد نماید. در این بین، کانالی که خط حد قرارگاه های فتح و نصر را تشکیل می داد، موضع مناسبی برای مقابله با پاتک های

ص: ۱۳۴

۱- ۸۵. همزمان با مرحله دوم عملیات، قرارگاه فجر در محور فکه عملیات خود را روی ارتفاعات ۱۸۱ و ۱۸۲ آغاز کرد و موفق شد که طی چند شب متوالی، یک گردان تانک دشمن را منهدم نموده و غنایمی بدست آورد و نیز ضمن کشتن و مجروح کردن تعداد زیادی از نیروهای دشمن، ۸۰۰ نفر از آنان را به اسارت درآورد.

دشمن بود.

با شروع مرحله دوم عملیات، نیروهای دشمن در غرب جاده اهواز - خرمشهر که از تأمین عقبه خود احساس نگرانی می کردند، اقدام به عقب نشینی نمودند. قوای عراقی در حین عقب نشینی به خاطر وجود دژ مرزی و خندق های متعدد دچار مشکل شده و تعدادی از تانک هایشان نیز به داخل خندق افتادند.

عقب نشینی اساسی دشمن

دشمن با شروع مرحله اول عملیات اقدام به اعزام نیرو به منطقه و تقویت نیروهایش در شلمچه و خط مرزی کرد. ضمن این که همچنان از مشکلاتی چون کمبود نیروی پیاده، ضعف ارتباطات، کمبود مهمات، ضعف استحکامات در برخی محورها و... رنج می برد. دشمن ابتدا تلاش کرد با تهاجم، منطقه سر پل را باز پس گیرد و یا حداقل سازمان دهی نیروهای خودی را بر هم زده و علاوه بر ممانعت از اجرای مرحله دوم عملیات، مانع از تثبیت منطقه سر پل شود.

تاکتیک رزمندگان اسلام در عبور از رودخانه، دشمن را کاملاً غافلگیر کرده بود، به گونه ای که دشمن ابتکار عمل را از دست داده بود و از نظر روحیه در وضعیتی بحرانی به سر می برد. در چنین موقعیتی، با توجه به تحلیلی که از وضعیت کلی عملیات وجود داشت (۱) و تأکیدی که بر

ص: ۱۳۵

۱- ۸۶. فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پس از انجام مرحله اول عملیات، با توجه به اطلاعات به دست آمده از دشمن اظهار داشت: «دشمن که رو به روی ما قرار دارد از ضعف های زیادی برخوردار است، کمبود مهمات در جبهه آنها به شدت دیده می شود، در ارتباطات ضعف دارند، استحکامات و اتصالات آنها دچار اشکال است. دشمن هیچ فکر نمی کرد که ما تا جاده بیابیم و حالا فشار می آورد که جاده را پس بگیرد.»

تداوم عملیات صورت می گرفت، مرحله دوم عملیات طرح ریزی شد و رزمندگان اسلام با موفقیت به مرزهای بین المللی رسیدند. دشمن به دنبال پیدایش وضعیت جدید در برابر سمت تک رزمندگان اسلام، در مورد تلاش و هدف اصلی آنان دچار ابهام بود، چرا که با تأمین اهداف مرحله دوم عملیات، دشمن از سه طرف احساس تهدید می کرد، بدین ترتیب که عقبه لشکرهای ۵ و ۶ در معرض تهدید جدی قرار داشت. عقبه کلیه نیروهایی که در خرمشهر استقرار داشتند، تهدید می شد، ضمن این که شهر بصره در حالی که هیچ گونه مواضع دفاعی مستحکم برای حفظ آن وجود نداشت، در برابر رزمندگان اسلام قرار داشت.

فرماندهی دشمن از این پس مورد ادامه تلاش برای حفظ منطقه و بازپس گیری مناطق متصرفه دچار ابهام شد و بین دو امر یعنی «تلاش برای حفظ منطقه اشغالی و خرمشهر یا حفظ بصره» مردد مانده اگر دشمن تصمیم می گرفت منطقه اشغالی و خرمشهر را حفظ کند، با توجه به وضعیتی که داشت، علاوه بر انهدام نیروهایش بصره را نیز از دست می داد و اگر تصمیم به حفظ بصره می گرفت، می بایست سریعاً برای نجات نیروهای خود در مناطق اشغالی، اقدام می کرد.

پس از مرحله دوم عملیات، برتری رزمندگان اسلام نسبت به دشمن قطعی شد و ابتکار عمل به طور کامل در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت. از این پس تصمیم گیری در جبهه خودی به آسانی صورت می گرفت و در جبهه دشمن با سختی و سردرگمی همراه بود. نیروهای ما به راحتی پیشروی می کردند و دشمن مردد و مرتب در حال عقب نشینی و فرار بود. علی رغم این وضعیت، دشمن قبل از تصمیم گیری قطعی از صبح ۱۸ / ۲ / ۱۳۶۱، با توجه به این که در برخی محورها هنوز الحاق به طور کامل صورت نگرفته بود، پاتک شدید و سنگینی را آغاز کرد. و فشار

عراق از صبح تا ساعت ۵ بعد از ظهر به طول انجامید و دشمن در این پاتک توانست ۶ کیلومتر از مواضع متصرفه را باز پس بگیرد. در این موقعیت تلاش های دشمن تا اندازه ای مبهم به نظر می رسید، تا این که بنا به اخبار واصله از قرارگاه قدس نیروهای دشمن در مقابل این قرارگاه (شامل لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی) از ساعت ۱۲ نیمه شب تا ساعت ۶ بامداد اقدام به عقب نشینی کردند. تعجیل دشمن در عقب نشینی به گونه ای بود که برخی از نیروهایش به علت خواب بودن در هنگام عقب نشینی و نبودن فرصت کافی برای اطلاع دادن به آنها، به اسارت نیروهای خودی در آمدند. دشمن برای ممانعت از انهدام کامل نیروهایش به هنگام فرار، علاوه بر عقب نشینی شبانه، یک گردان را به عنوان تأمین در مقابل نیروهای خودی قرار داده بود.

نیروهای قرارگاه قدس، صبح ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱، بلافاصله پس از اطلاع از عقب نشینی دشمن، اقدام به پیشروی و تعقیب عراقی ها کردند. با عقب نشینی دشمن در این محور، قسمت شمالی جاده اهواز - خرمشهر از تصرف دشمن آزاد شد. نیروهای قرارگاه قدس، پس از حضور در مناطق آزاد شده، بلافاصله بریدگی ایجاد شده در جاده اهواز - خرمشهر را ترمیم کردند که در پی آن، ارتباط بخش شمالی و بخش میانی منطقه عملیات برقرار شد و در حوالی ظهر قرارگاه های قدس و فتح به یکدیگر ملحق شدند. دشمن در روز ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱، تا جفیر عقب نشینی کرد و با استقرار در ۲ کیلومتری پاسگاه شهابی در حد فاصل کوشک و طلائیه، به صورت پراکنده نیروی تأمین گذاشت.

برادر رحیم صفوی (مسئول معاونت عملیات قرارگاه کربلا) در مورد علل عقب نشینی دشمن، طی مصاحبه ای در تاریخ ۲۴ / ۳ / ۱۳۶۱،

ص: ۱۳۷

اظهار داشت:

« ۱ - ما با یک خیز به جاده خرمشهر - اهواز رسیدیم و با خیز دوم به مرز، لذا دشمن پیش بینی می کرد که با خیز سوم، عقبه اش بسته خواهد شد، بدین علت برای نجات نیروهایش عقب نشینی کرد.

۲ - دشمن، جهت تک ما را به سمت بصره مشاهده می کرد، لذا حضور نیروهایش در شمال و جنوب منطقه، فلسفه حضورش را از دست داد و به این خاطر نیروهایش را برای پدافند بصره عقب کشید.»

از این پس، مقاومت نیروهای دشمن در خرمشهر که در محاصره نیروهای خودی قرار داشتند، بی حاصل بود.

نتایج مرحله دوم عملیات

۱ - رسیدن به مرز بین المللی و پایان دادن به ماه‌ها اشغال خاک مقدس جمهوری اسلامی

۲ - تشدید محاصره خرمشهر و وادار نمودن دشمن به تخلیه تدریجی نیروهایش از داخل خرمشهر

۳ - عقب نشینی لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی دشمن از هویزه، پادگان حمید و حومه اهواز

۴ - آزاد شدن جاده اهواز - خرمشهر

۵ - حل شدن بخشی از مشکلات عقبه نیروهای خودی که متکی به رودخانه کارون بودند، با بهره برداری از جاده اهواز - خرمشهر.

طی مرحله اول و دوم عملیات، مجموعاً نزدیک به ۵۰۰۰ کیلومتر از مناطق اشغالی آزاد شد و علاوه بر کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از نیروهای دشمن، ۹۰۷۵ نفر نیز به اسارت درآمدند.

ص: ۱۳۸

اشاره

با پیدایش اوضاع جدید و آگاهی از اضمحلال دشمن، بلافاصله جلسه فرماندهان در قرارگاه مرکزی کربلا تشکیل شد تا علاوه بر تجزیه و تحلیل و بررسی علل عقب نشینی دشمن و موقعیت جدید، در مورد ادامه عملیات نیز تدابیر لازم اتخاذ گردد.

در این جلسه شهید حسن باقری فرمانده قرارگاه نصر سپاه پاسداران، با توجه به اطلاعات دریافت شده، خبر تخلیه خرمشهر از نیروهای دشمن را ارائه داد. برادر رشید فرمانده قرارگاه فتح سپاه پاسداران نیز نتیجه گیری کرد که تمام تلاش های دشمن در روز گذشته برای جلوگیری از پیشروی نیروهای خودی به سمت شلمچه متمرکز شده بود. بر این اساس، با توجه به اوضاع جدید و خبرهای واصله از فرار و عقب نشینی دشمن (۱) تصمیم گرفته شد که در اجرای مرحله سوم عملیات تسریع شود. فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چنین تحلیل کرد که دشمن، این عقب نشینی را به قصد انجام تبلیغات سیاسی مرتکب شده و باید هر چه سریع تر مرحله سوم عملیات انجام شود.

نیروهای دشمن پس از عقب نشینی و فرار، در شلمچه مستقر شدند تا علاوه بر حفظ عقبه نیروهای مستقر در خرمشهر از معبر وصولی بصره نیز دفاع نمایند، لذا ضمن تمرکز شدید، آرایشی جدید به خود گرفتند.

مرحله سوم عملیات، با هدف آزادسازی خرمشهر و با دو قرارگاه فتح و نصر به شکل زیر طرح ریزی و سازمان دهی شد:

ص: ۱۳۹

۱- ۸۷. در ساعت ۱۲:۳۰ همان روز (۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱)، صدام حسین از رادیو بغداد خبر عقب نشینی نیروهایش را اعلام کرد.

قرارگاه فتح: به تیپ های ۱۴ امام حسین (ع) و ۸ نجف اشرف مأموریت داده شد ضمن پاکسازی دشمن در داخل خاک عراق تا عمق ۶ کیلومتری مرز بین المللی، نیروهای دشمن را منهدم نمایند.

قرارگاه نصر: به تیپ های ۴۶ فجر و ۲۲ بدر مأموریت داده شد که از جاده خرمشهر تا رودخانه عریض را پاکسازی و نیروهای دشمن را منهدم نمایند.

تیپ های ۲۵ کربلا و ۵۵ هوآبرد از کنترل عملیاتی قرارگاه فتح خارج شدند و تحت امر قرارگاه نصر قرار گرفتند تا به اتفاق هم، جاده آسفالت شلمچه را تأمین نمایند.

تیپ های ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ۷ ولی عصر (عج)، ۳۱ عاشورا و لشکر ۲۱ حمزه (س) مأموریت یافتند تا ضمن پاکسازی غرب مرز بین المللی، از سمت چپ قرارگاه فتح به سمت شلمچه در جنوب پیشروی نمایند.

قرارگاه قدس هم مأموریت یافت به پیشروی خود ادامه داده و تا پشت مرز بین المللی (کوشک - طلائی) دشمن را عقب بزند. مرحله سوم عملیات در حالی که طرح ریزی می شد که رزمندگان اسلام پس از چند مرحله پیشروی و جنگ شبانه روزی با دشمن در خستگی مفرطی به سر می بردند، لیکن اوضاع جدید و ضرورت های گوناگون ایجاب می کرد که مرحله سوم عملیات به سرعت طرح ریزی و اجرا شود.

مرحله سوم عملیات در ساعت ۲۲ مورخ ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱، آغاز شد. برابر طرح عملیات، یگان ها در محورهای مختلف با دشمن درگیر شدند، لیکن حضور پر حجم دشمن در منطقه شلمچه از یک سو و خستگی شدید رزمندگان اسلام از سوی دیگر، مانع از پیشروی در این منطقه بود. مجدداً در تاریخ ۲۰ / ۲ / ۱۳۶۱، رزمندگان اسلام برای آزادی خرمشهر به

دشمن حمله ور شدند، اما نتایج مطلوب حاصل نشد. در عین حال نیروها پس از پیشروی، در ۳ کیلومتری شلمچه استقرار یافتند.

عکس العمل دشمن

دشمن پس از مرحله سوم عملیات در تاریخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۱، به پاسگاه شهابی (۱) - که شب قبل از آن به تصرف نیروهای خودی در آمده بود - حمله کرد. به نظر می رسد که دشمن قصد دارد که مانع جاگیر شدن رزمندگان در منطقه شمالی و گسترش آنها به سمت جنوب بشود. در هر صورت بلافاصله در شب بعد، رزمندگان اسلام طی حمله ای به دشمن، مجدداً پاسگاه شهابی را به تصرف خود در آوردند.

نتایج مرحله سوم عملیات

در این مرحله از عملیات، علاوه بر خستگی نیروها، تعجیل در عملیات نیز موجب ناقص ماندن شناسایی های لازم و به روز کشیده شدن درگیری ها شد. این عملیات در عین حال دو نتیجه مهم داشت:

۱ - انهدام دشمن: در محورهای مختلف بخشی از نیروهای دشمن که متعاقب تهاجم پی در پی رزمندگان اسلام دچار ضعف شدید روحی و جسمی شده بودند، از ادامه مقاومت بازمانده و منهدم شدند. شهید حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در این باره گفت:

«ما نیروی مقابل خود را، بنا به گفته خود اسرا، در حدود ۷۰ تا ۹۰ درصد

ص: ۱۴۱

۱- ۸۸. با توجه به این که قرار بود شورای همکاری کشورهای خلیج فارس یک روز بعد، یعنی در ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱، تشکیل جلسه دهند، به نظر می رسد که تلاش های دشمن در تاریخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۱، با مسئله سیاسی فوق مرتبط بوده است.

منهدم کرده و در حدود ۱۰۰ تانک و نفر بر دشمن را از بین بردیم.»

۲- پی بردن به نحوه آرایش دشمن: طی مرحله سوم عملیات، تیپ ۳۱ عاشورا همراه با تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه (س) که به صورت ادغامی عمل می کردند، موفق شدند ضمن پیشروی به سمت جنوب، در پشت سیل بند شمال خرمشهر پدافند نمایند. علی رغم این که زمین در این منطقه باتلاقی و پیشروی و پشتیبانی نیروها با مشکلاتی همراه بود، نیروهای دشمن هیچ گونه عکس العملی برای عقب راندن نیروهای خودی نشان ندادند. بدین سبب، این تجربه حاصل شده در مرحله سوم عملیات، در طرح ریزی آزادسازی خرمشهر مؤثر واقع شد.

مرحله چهارم عملیات

بلافاصله پس از مرحله سوم عملیات و در پی تلاش هایی که برای دست یابی به جاده شلمچه صورت گرفت، فرصت لازم در اختیار یگان ها گذارده شد تا به بازسازی و تجدید سازمان نیروهای خود پردازد. در این حال، قرارگاه فجر همراه با تیپ های ۳۳ المهدی و امام سجاد (ع) و تیپ ۳ از لشکر ۷۷ وارد منطقه شدند.

طی این مدت، جلساتی برگزار گردید که در بخشی از آن به بررسی مشکلات و تصمیم گیری برای آینده پرداخته شد. تجارب به دست آمده حکایت از آن می کرد که سازمان رزم سپاه پاسداران می بایست به منظور گسترش ظرفیت جذب و به کارگیری نیروهای بسیجی گسترش یابد. همچنین لازمه عمق بخشیدن به عملیات برخورداری از پشتیبانی آتش توپخانه و به کارگیری نیروی زرهی بود، چرا که تداوم درگیری و پیش بینی چندین مرحله عملیات، صرفا با اتکا به نیروی پیاده عملی نبود و با مشکلات عدیده ای رو به رو می گردید. همچنین آموزش کادر برای

ص: ۱۴۲

جایگزینی افرادی از فرماندهان و دیگر نیروهای کادر که به شهادت نایل شده بودند و نیز جبران ضعف های موجود در امر مهندسی، آتش، زرهی، بهداری، شناسایی و غیره، طی همین جلسات مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در بخش دیگری از این نشست ها، طرح مانور مرحله چهارم عملیات و تلاش های دشمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این جلسات افراد غالباً بر این نظر بودند که مقاومت دشمن در خرمشهر اساساً بدین منظور صورت می گیرد که بتواند زمان لازم را برای تخلیه نیروهایش به دست آورد. ضمن این که مواضع دفاع در برابر بصره و حفظ جاده شلمچه، به عنوان عقبه نیروهای دشمن در خرمشهر و معبر وصولی بصره، بخش دیگری از تلاش های دشمن را تشکیل می داد. بر این اساس و با در نظر گرفتن سایر شرایط و عوامل، مرحله چهارم عملیات بیت المقدس با هدف آزادسازی خرمشهر، با سه قرارگاه به شرح زیر طراحی شد:

- قرارگاه فتح، با تیپ های ۱۴ امام حسین (ع) و ۸ نجف اشرف، در جناح چپ منطقه عملیات مأمور تأمین و پاکسازی شرق و غرب جاده آسفالته اهواز - خرمشهر و ورود به شهر خرمشهر و پاکسازی آن شد.

- قرارگاه فجر، با تیپ ۳ از لشکر ۷۷ خراسان و تیپ های امام سجاد (ع) و ۳۳ المهدی (ع) در بخش میانی منطقه عملیات، مأمور تأمین و پدافند غرب نهر عرایض، جلوگیری از فرار نیروهای دشمن از خرمشهر و تأمین پل نو شد.

- قرارگاه نصر، با دو تیپ ادغام شده ی ارتش و سپاه تحت عنوان نصر ۲ و نصر ۳، در جناح راست منطقه عملیات، مأمور پاکسازی خاکریزهای شمال جاده آسفالته خرمشهر - شلمچه و تأمین مرز تا جاده و در صورت موفقیت، تأمین نهر خین -

اروند رود و قطع کامل راه ورودی دشمن در شلمچه شد.

مرحله چهارم عملیات، با هدف محاصره و آزادسازی خرمشهر در ساعت ۲۲:۲۵ مورخ ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، آغاز شد. یگان های قرارگاه فتح پس از درگیری با دشمن و پیشروی موفق شدند که با روشن شدن هوا در پلیس راه خرمشهر، دشمن را منهدم نمایند. همچنین نیروهای قرارگاه فجر با عملیات خود توانستند پل نو را تصرف کنند و به سمت شط العرب (۱) پیشروی نمایند. نیروهای قرارگاه نصر نیز در امتداد مرز پیشروی کردند و با پاکسازی و انهدام دشمن، به سمت جنوب به حرکت درآمدند. بدین ترتیب، محاصره خرمشهر کامل شد، اما همچنان نیروهای دشمن در داخل شهر مقاومت می کردند. یکی از سندهای به دست آمده از سنگرهای دشمن در خرمشهر، بیانگر اهمیت این شهر برای دشمن و علت مقاومت آنان است:

«دفاع از محمره (خرمشهر) نگهبانی از پیروزی است، دفاع از محمره، شرافت آزادگان عراقی را به همراه خواهد داشت، دفاع از محمره، نابودی دشمن فارسی را تضمین می کند.»

دستور اکید فرماندهی قوای عراقی برای مقاومت در خرمشهر و وعده های فرمانده نیروهای دشمن در این شهر (سرهنگ احمد زیدان) مبنی بر ارسال کمک و پشتیبانی و همچنین تشویق آنها به مقاومت - که از طریق شنود رادیویی شنیده می شد - نقش زیادی در ایستادگی نیروهای عراقی داشت. در این وضعیت، دشمن نیروهایش را از مثلث کارون - جاده خرمشهر فراخوانی کرد تا پس از سازماندهی آنها اقدام به شکستن

ص: ۱۴۴

محاصره خرمشهر کند، لیکن ضعف روحی قوای دشمن بیش از آن بود که بتوانند به پاتک و شکستن محاصره اقدام نمایند.

روز ۲ / ۳ / ۱۳۶۱، حلقه محاصره خرمشهر تنگ تر شد و بخشی از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. دشمن ناامید از شکستن محاصره، مذبوحانه برای نجات نیروهایش تلاش می کرد. در این حال، احمد زیدان فرمانده نیروهای مستقر در خرمشهر، روی مین رفت و کشته شد. برخی از نیروهای دشمن با استفاده از هر وسیله ممکن نظیر (تیوپ چرخ ماشین و کلمن آب)، برای عبور از رودخانه اروند تلاش می کردند (۱). برخی از آنها نیز در میان آب غرق شده و به هلاکت رسیدند، برخی دیگر نیز همچنان در انتظار بودند. طولی نکشید که صدای رزمندگان اسلام از بلندگوها پخش شد و باقی مانده نیروهای دشمن - که از هر گونه ارسال کمک و یا عبور از رودخانه اروند نا امید شده بودند - را دعوت به تسلیم کرد. به دنبال آن، از حدود ساعت ۱۰ صبح ۳ / ۳ / ۱۳۶۱ از گوشه و کنار شهر، عراقی ها در حالی که دست ها را بر سر نهاده بودند و برخی هم قرآن و عکس امام خمینی را در دست داشتند و الموت لصدام می گفتند، فوج فوج خود را تسلیم کردند.

رزمندگان اسلام در تاریخ ۳ / ۳ / ۱۳۶۱ (۲)، بر خلاف تصور دشمن که

ص: ۱۴۵

۱- ۹۰. انبوه کلاه ها و پوتین ها به طرز حیرت آوری در بندر خرمشهر و کنار رودخانه اروند روی زمین ریخته بود و از فرار سربازان عراقی از رودخانه اروند حکایت می کرد.

۲- ۹۱. شایان ذکر است با تصمیم فرمانده عملیات، رزمندگان از ساعت ۱۳ روز ۳ / ۳ / ۱۳۶۱ وارد خرمشهر شدند و (تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سمت پل نو و رزمندگان یگان خرمشهر از طرف آبادان) پاکسازی شهر را شروع کردند ساعت ۱۶:۴۵ هلی کوپتر دشمن - که برای یاری نیروهای باقی مانده ی عراقی بر فراز شهر پرواز می کرد - هدف گلوله رزمندگان قرار گرفت و سقوط کرد. با سرنگونی هلی کوپتر عراقی باقی مانده ی نیروهای دشمن در خرمشهر که عمدتاً بعضی بودند، خود را تسلیم کردند. سایر یگان ها نیز قبل از تاریکی شب وارد - خرمشهر شدند و بدین ترتیب تا شامگاه سوم خرداد خرمشهر به طور کامل از وجود اشغالگران پاکسازی شد.

از دروازه های شرقی و شمالی و جنوبی در کمین بود، از دروازه های غربی (از همان جایی که دشمن وارد خرمشهر شده بود)، شهر را آزاد و نیروهای دشمن را منهدم کردند و بسیاری از آنان را به اسارت در آوردند. بدین ترتیب، خرمشهر که پس از ۳۴ روز مقاومت در برابر دشمن سقوط کرده بود، بعد از ۵۷۵ روز اشغال، ظرف کمتر از ۴۸ ساعت آزادی و به طور کامل از لوٹ وجود اشغالگران پاکسازی شد. رزمندگان اسلام در اولین اقدام خود پس از آزادسازی شهر، نماز شکر (۱) را در مسجد جامع خرمشهر به جای آوردند.

اعلام خبر آزادسازی خرمشهر در ساعت ۱۴ از صدای جمهوری اسلامی ایران، امت حزب الله را که مدت ها در آرزوی چنین لحظه ای بودند، مسرور ساخت. شهرهای کشور غرق در شادی و سرور شدند. حضور مردم در خیابان ها، پخش شیرینی و برقراری جشن و شادی به قدری وسیع بود که تنها با شادی مردم در روز فرار شاه قابل مقایسه بود.

ص: ۱۴۶

۱- ۹۲. این عکس العمل رزمندگان دلیر اسلام ناشی از همان صبغه الهی است که بر تمام زوایای روح و جان آن پاکبختگان حاکم بود و سراسر حیات شرافتمند آنها را به جلوه های خلوص و عرفان منور می نمود. مصداق اعلای این خضوع و خلوص در برابر خالق متعال را می توان در رفتار حضرت امام خمینی آنگاه که خبر سقوط خرمشهر در آغاز تهاجم رژیم بعثی به ایشان رسید و آن بزرگوار که آماده برای اقامه نماز و در آستانه تکبیره الاحرام بودند، فرمود: «جنگ است دیگر» و ادامه دادند «الله اکبر» به نظاره نشست و نیز زمانی که در آستانه آزادسازی خرمشهر به دست رزمندگان اسلام یکی از فرماندهان به محضر ایشان رفته بود، امام فرموده بودند: «آیا خرمشهر را می توانید بگیرید؟» پاسخ داده شده بود: «بله»، امام فرموده بودند: «الحمد لله» سپس دعا کرده و فرموده بودند: «ما باید به خدا توکل کنیم». آری «الله اکبر و الحمد لله»، این است تمام حقیقت و مقصدی که همه انبیا و اولیای الهی به دنبال آن می شتافتند و سر از پا نمی شناختند.

در پایان آن روز، امت شهید پرور ایران با حضور در مساجد، نماز شکر به جای آورده و با فرا رسیدن شب، به یمن پیروزی رزمندگان اسلام و غلبه حق بر باطل، بر پشت بام ها ندای الله اکبر سر دادند.

نتایج و دستاوردهای عملیات

فتح خرمشهر به منزله بزرگترین پیروزی نظامی - سیاسی جمهوری اسلامی در جنگ تلقی شده و در مقابل دشمن و حامیانش (آمریکا، شوری، اروپا و کشورهای مرتجع عرب) نیز بزرگترین ضربه سیاسی - نظامی را متحمل شدند. واحد اطلاعات قرارگاه مرکزی کربلا، خسارات وارد به یگان های دشمن و میزان آن را به شرح زیر اعلام کرد:

الف) لشکرها

- لشکرهای ۳ زرهی، ۱۱ و ۱۵ پیاده که در محور خرمشهر استقرار داشتند، به میزان ۸۰٪ منهدم شدند.

- لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی که در برابر قرارگاه قدس، در محور شمالی عملیات استقرار داشتند، با فرار و عقب نشینی به میزان ۲۰٪ آسیب دیدند.

- لشکرهای ۹ و ۱۰ زرهی، هر یک به میزان ۵۰٪، لشکر ۷ پیاده ۴۰٪ و لشکر ۱۲ زرهی به میزان ۲۰٪ منهدم شدند.

در واقع کلیه یگان های سازمانی دشمن که در تهاجم به خاک جمهوری اسلامی نقش داشته و طی عملیات های مختلف دچار صدمات قابل توجهی گردیده و مجددا بازسازی شده بودند، در عملیات فتح خرمشهر برای چندمین بار در معرض تهاجم رزمندگان اسلام قرار گرفته و دچار صدمات و خسارات اساسی شدند.

ص: ۱۴۷

ب) تیپ های مستقل:

- تیپ ۱۰ زرهی به میزان ۴۰٪ منهدم و تیپ های ۳۳،۳۲،۳۱ نیروی مخصوص که به هنگام تهاجم سراسری نقش اصلی را در اشغال خرمشهر داشتند، ضربات سنگینی را متحمل شدند.

- تیپ های ۱۰،۹ و ۲۰ گارد مرزی و همچنین تیپ های ۲۳۸ و ۵۰۱ پیاده ۱۰۰٪ منهدم شده و نیروهای آنها همگی به اسارت درآمدند.

- تیپ های ۶۰۵ و ۴۱۷ پیاده به میزان ۱۰۰٪، تیپ ۱۰۹ پیاده ۶۰٪ و تیپ های ۴۱۹،۴۱۶،۶۰۲،۶۰۱ پیاده به میزان ۵۰٪ منهدم شدند. همچنین گردان شناسایی حطین و گردان شناسایی حنین نیز به طور کامل متلاشی شدند.

در مجموع طی چهار مرحله عملیات بیت المقدس، ۱۹۰۰۰ تن از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند و بالغ بر ۱۶۰۰۰ نفر کشته و زخمی شدند.

ص: ۱۴۸

عملیات بیت المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر شد، در روند سلسله عملیات رزمندگان اسلام از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که ضربه اساسی و تعیین کننده ای بر پیکر دشمن وارد ساخت و تمامی معادلات، باورها و ذهنیت هایی را که در مورد توانایی و قابلیت های نظامی جمهوری اسلامی و عراق وجود داشت، تغییر داد.

بسیاری از کارشناسان نظامی و تحلیل گران رسانه های خارجی، همانند نیروهای عراقی، در برابر «سرعت عمل» و «ویژگی های عملیاتی» رزمندگان اسلام به هنگام فتح خرمشهر، غافلگیر، مبهوت و شگفت زده شدند. معضل اصلی اینان علاوه بر عدم باور به توانایی های رزمندگان اسلام، بیشتر ناشی از کراهت باطنی آنها از پذیرش موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی ایران بود که با فتح خرمشهر و نتایج ناشی از آن در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه حاصل می شد. چنانکه در پی شروع عملیات بیت المقدس، همگی، پیشروی رزمندگان اسلام و درهم شکستن استحکامات را همراه با تردید و ناباوری مطرح

می کردند. رادیو مونت کارلو، باز پس گیری خرمشهر را به سبب موانع بسیاری که عراقی ها به وجود آورده اند، برای ایران غیر ممکن قلمداد نمود (۱). رادیو بی بی سی ضمن تأکید بر دشواری باز پس گیری خرمشهر به خاطر تبدیل شهر به صورت سنگر دفاعی مستحکم توسط عراقی ها، می گوید:

«چنانچه ایرانیان در صدد باز پس گرفتن خرمشهر برآیند، سخت ترین «گردو» را برای شکستن برگزیده اند.»

با آغاز عملیات بیت المقدس، تایمز مالی نوشت:

«خرمشهر کلید پیروزی جنگ است، این شهر تنها نشانه واقعی پیروزی عراق و مظهر مقاومت سرسختانه ایران به شمار می رود.» (۲).

روزنامه الشعب چاپ الجزایر نیز، ضمن تأکید بر روند رو به گسترش پیروزی های نظامی ایران، از آن به عنوان نقطه عطفی یاد می کند که «تعیین کننده آینده رژیم عراق» خواهد بود. (۳).

روزنامه دویچه سائتونگ چاپ آلمان نیز به نقل از «کارل بوچالا»، خبرنگار خود، با اشاره به تبعات فتح خرمشهر می نویسد:

«خطر پیروزی ایران و در نتیجه در هم ریختن عراق، نظام های حاکم منطقه را پس از سقوط رژیم بعثی بغداد تهدید می کند و احتمال مداخله ابر قدرت ها را نیز به دنبال دارد.» (۴).

نظر به اهمیت نتایج و تبعات فتح خرمشهر، به ویژه انعکاس و بازتاب آن در رسانه های خارجی، در این فصل بخشی از بازتاب های خارجی فتح خرمشهر، در سه عنوان زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد:

- تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران

تغییر ماهیت جنگ

- نگرانی ها و اقدامات آمریکا در منطقه

ص: ۱۵۰

۱- ۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۹۴. پیشین.

۳- ۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱.

اشاره

به دنبال سلسله عملیات رزمندگان اسلام و کسب پیروزی های بزرگ، از جمله فتح خرمشهر، تغییر توازن سیاسی - نظامی در جنگ و منطقه خلیج فارس به سود جمهوری اسلامی، مهمترین و برجسته ترین نتیجه ای بود که به دست آمد و بلافاصله علاوه بر بروز آثار آن در اظهارات مقامات رسمی کشورهای منطقه، آمریکا و اروپا، در رسانه های خارجی از سوی کارشناسان و تحلیل گران سیاسی - نظامی نیز مورد ارزیابی قرار گرفت.

گرچه با پیروزی انقلاب اسلامی و بر هم خوردن توازن در منطقه به زیان آمریکا، تحولات برجسته ای در منطقه به وقوع پیوست و تحمیل جنگ براساس این فرض طراحی و اجرا شد تا با مهار و تعدیل جمهوری اسلامی مجددا توازن در منطقه به سود آمریکا برقرار شود، لیکن «فتح خرمشهر» که در نظر استکبار جهانی و وابستگان آن به منزله سقوط رژیم عراق و فروپاشی کشورهای منطقه مورد ارزیابی قرار می گرفت (۱)، در واقع خط بطلانی بر نقشه های استکبار و ارتجاع کشید. در این مورد کیسینجر و ثورسین های سیاسی آمریکا می گویند:

«اگر عراق جنگ را برده بود امروز نگرانی و وحشت در خلیج (فارس) نبود و منافع ما در منطقه، به آن اندازه که اینک در خطر قرار دارد، دچار مخاطره

ص: ۱۵۱

۱- ۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از مجله استرالیایی بولیتن در تاریخ ۱۲ / ۲ / ۱۳۶۱ در این زمینه نوشت: «قوت گرفتن این اعتقاد که ایران توانسته است جریان جنگ را به نفع خود تغییر دهد برای آمریکا و شوروی و همسایگان عرب ایران تحول شومی است، دولت های عرب خلیج فارس نیز نگرانند که ایران با پیشروی به سوی عراق، با اعتماد به نفس بیشتری در تدارک سرنگونی آنها برخواهد آمد.

نمی شد. در هر حال، با توجه به اهمیتی که توازن قوا در این منطقه دارد، این به نفع ما است که هر چه زودتر آتش بس برقرار کرده و به تدریج به رژیم سازشکاری که در آینده احیانا جایگزین رژیم ایران می شود، نزدیک شویم.» (۱).

به نظر می رسد که به دنبال برتری موقعیت ایران پس از فتح خرمشهر، در میان آمریکایی ها دو دیدگاه کلی در مورد برخورد با ایران و عراق و مسئله جنگ وجود داشت:

۱ - کیسینجر و برخی دیگر بر این نظر بودند که با توجه به تبعات ناشی از پیروزی های ایران و تأثیرات آن بر تغییر موازنه در منطقه، لزوما می باید با دادن امتیاز به ایران، «هر چه زودتر در این منطقه آتش بس برقرار کنیم». این دیدگاه ناظر بر این بود که در موقعیت کنونی برای مهار و کنترل اوضاع، علاوه بر این که برقراری آتش بس یک امر ضروری و اجتناب ناپذیر است، در عین حال می تواند مقدمات تقویت جناح سازشکار در داخل ایران که تحت الشعاع تحولات جنگ، فاقد قدرت و منزوی شده است را فراهم کند.

۲ - برخی دیگر از صاحب نظران آمریکایی عقیده داشتند در حالی که ایران نسبت به عراق در موضع برتری قرار گرفته و نوعی اضطراب و نگرانی در سراسر منطقه مستولی شده است و همچنین با توجه به وضعیت نامطلوب روحی و روانی ارتش عراق، برقراری هر گونه آتش بس همراه با دادن امتیاز به ایران منجر به تشدید بی ثباتی در منطقه و عراق و به عبارتی گسترش انقلاب اسلامی خواهد شد و این مسئله چنان که ژنرال هیگ (وزیر خارجه وقت آمریکا) اظهار می دارد، مسئله ای نیست که آمریکا نسبت به آن بی تفاوت باشد:

«آمریکا در برابر هر گونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از

ص: ۱۵۲

جنگ ایران و عراق باشد، بی تفاوت نخواهد بود.» (۱).

یک دیپلمات آمریکایی نیز ضمن اشاره به سیاست آمریکا مبنی بر مقابله با گسترش انقلاب اسلامی و تأثیرات پیروزی های ایران و عواقب سقوط رژیم عراق می گوید:

«تغییر رژیم عراق به یک کشور انقلابی از نوع ایران، دارای عواقبی به مراتب وخیم تر از حفظ رژیم کنونی عراق برای منافع غرب است... ما می خواهیم که جلوی صدور انقلاب آیت الله خمینی به کشورهای منطقه مثل شیخ نشین های خلیج فارس و پادشاهی سعودی را بگیریم.» (۲).

خبرگزاری رویتر نیز با اشاره به این که اگر ایران بتواند رژیم جدیدی را جایگزین رژیم بعث عراق نماید، چه عواقب و نتایج خواهد داشت، می گوید:

«ایران اگر بتواند تأسیس رژیمی همچون ایران را در عراق تسریع و تسهیل نماید، آن وقت در موضع حتی قوی تر از موضع فعلیش قرار خواهد گرفت تا جریان آینده و حوادث منطقه را دیکته کند.» (۳).

بنابراین احتمال «فروپاشی رژیم عراق» و تبعات ناشی از آن در سطح منطقه خلیج فارس، چنان ابعاد گسترده ای به خود گرفت که جلوگیری از آن، محور همه تلاش ها و اقدامات نظامی و دیپلماتیک کشورهای حامی عراق قرار گرفت. (۴).

ص: ۱۵۳

۱- ۹۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۱، خبرگزاری آلمان، به نقل از روزنامه مصری الاهرام.

۲- ۱۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۳- ۱۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱.

۴- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۱ به نقل از روزنامه واشنگتن پست گزارش داد: «مقامات آمریکایی، از این که ایران توانسته به فاصله کمی از حمله ماه مارس (عملیات فتح المبین در فروردین ۶۱) چنین ضربه بزرگی بر عراق وارد آورد، اظهار تعجب نمودند و افزودند که ایران تاکتیک حمله زمینی را به نحو احسن انجام داده است. بر طبق محاسبات پنتاگون، تا به حال ایران چهار حمله عظیم داشته است، لیکن این حمله اخیر (عملیات بیت المقدس) قاطع ترین آنهاست.».

با توجه به این که ابتکار عمل در صحنه نبرد در اختیار رزمندگان اسلام قرار داشت و عراق نیز تحت تأثیر نتایج ناشی از حملات پیروزمندانه ایران در یک روند نزولی در فرسایش و اضمحلال روحی و فیزیکی قرار گرفته بود، تداوم عملیات، مطلوب عراق و حامیان این کشور به ویژه آمریکا نبود.

عکس العمل کشورها در برابر پیروزی رزمندگان اسلام، علاوه بر این که نشان دهنده ی غافلگیری آنها و همچنین عدم درک روشن آنها از ناتوانی عراق بود، بر این مهم نیز دلالت داشت که طی مراحل مختلف جنگ و عملیات، قابلیت ها و توانایی های غیر منتظره ای از رزمندگان اسلام بروز کرده است و این چیزی نبود (۱) که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت.

رسانه های خارجی و تحلیل گران سیاسی و نظامی در این زمینه به چند عامل اساسی اشاره کرده و برتری سیاسی - نظامی ایران را با تکیه بر این عوامل مورد تأکید قرار دادند:

۱ - خاستگاه اجتماعی رزمندگان اسلام و تعهد و اعتقاد آنها به آرمان های انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی که نجات محرومین و مستضعفین را سرلوحه اهداف خود قرار داده بود.

۲ - روحیه شهادت طلبی رزمندگان اسلام و تأثیرات آن در کسب

ص: ۱۵۴

۱-۱۰۳. رادیو آمریکا به نقل از یک کارشناس و تحلیل گر نظامی در خاورمیانه که طی تحلیلی در روزنامه نیروهای مسلح آمریکا توان نظامی جمهوری اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، می گویند: «با توجه به مشکلات تدارکاتی، ناآرامی های ناشی از انقلاب و کاهش تدریجی قدرت عملیات نیروی هوایی ایران، ماشین نظامی ایران به گونه ای اعجاب آور عمل کرده.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش ویژه، ۸/۳/۱۳۶۱).

پیروزی و غلبه بر مشکلات و موانع.

۳ - برخورداری ایران از اراده مصمم و عزم راسخ برای جنگیدن.

۴ - افزایش هماهنگی و همکاری بین نیروهای سپاه و ارتش و کسب تجربه و تخصص نظامی.

۵ - برتری استراتژیکی و تاکتیکی ایران بر عراق.

۶ - احیای مجدد توان نظامی ایران که پس از پیروزی انقلاب اسلامی رو به ضعف نهاده بود و تأثیرات پیروزی های نظامی بر تثبیت موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه.

شکست سیاسی و نظامی عراق

نابسامانی و بی ثباتی در داخل ایران و تسلط عراق بر مناطق اشغالی و در مقابل فقدان انسجام و یکپارچگی در نیروهای نظامی ایران، از جمله شاخص هایی بود که محافل سیاسی - نظامی جهان مبتنی بر آن سازش و تسلیم جمهوری اسلامی را در برابر شرایط عراق امری مسجل و قطعی می پنداشتند و پیش بینی تحول در روند موجود و رهایی جمهوری اسلامی از کمند حیل و توطئه دشمنان انقلاب اسلامی، بسیار دور از انتظار می نمود.

خشنودی و رضایت آمریکا و غرب از پیدایش چنین وضعیتی و امیدواری آنها به تسلیم شدن جمهوری اسلامی موجب گردید که علاوه بر حمایت همه جانبه نظامی از عراق، کلیه ابزارهایی که در سطح بین المللی دستاویز استکبار جهانی برای تحمیل منافعش (از جمله سازمان ملل) می باشد، به کار گرفته شود تا شاید از این رهگذر مطلوب سیاسی غربی ها با اتکا به اهرم نظامی عراق حاصل شود. بنابراین، تغییر این روند و استیصال عراق در برابر تهاجمات رزمندگان اسلام نه تنها غیر منتظره، بلکه به

هیچ وجه برای استکبار جهانی قابل قبول نبود، زیرا این مسئله به منزله تهدید منافع آمریکا در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه ارزیابی می شد. استکبار جهانی که در حمایت از عراق به هیچ وجه کوتاهی نکرده و از هر گونه حمایت مالی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی دریغ نورزیده بود، نمی توانست آثار و نتایج این سرمایه گذاری عظیم را در معرض نابودی و اضمحلال مشاهده کند، لذا کشورهای ذی نفع تلاش های وسیعی را برای حفظ عراق شروع کردند. به نظر می رسد که در میان تحولات نظامی جنگ، «فتح خرمشهر» و فرار دشمن تا پشت مرزها نقش تعیین کننده ای در ارزیابی و تحلیل صاحب نظران سیاسی و نظامی جهان در مورد توان عراق داشته است.

در بررسی آزاد سازی خرمشهر، «تاکتیک نظامی ایران»، طرح ریزی عملیات عبور از رودخانه کارون»، «سرعت عمل در تصرف خرمشهر» و مقایسه آن با زمان تهاجم عراق به خرمشهر و تأخیری که در اشغال شهر صورت گرفت، بیش از سایر مسائل مورد اشاره قرار گرفت و همه این شواهد و قرائن، دلالت بر ضعف و ناتوانی روحی و فیزیکی عراق می کرد. ضمن این که خرمشهر به عنوان آخرین برگ برنده عراق برای مذاکرات به اصطلاح صلح بود و دشمن نیز برای حفظ آن سرمایه گذاری وسیعی کرده بود. در نتیجه، وقتی که عراق نتوانست خرمشهر را حفظ کند و شهر با این سرعت آزاد شد، در واقع علائم آشکاری از اضمحلال عراق نمایان شد. در این زمینه، روزنامه زود دویچه سایتونگ چاپ آلمان نوشت:

«بدین ترتیب، بغداد آخرین تکیه گاهش را برای مذاکره جهت حفظ آبرویش از دست داده است و از نظر نظامی دیگر صدام نجات دادنی نیست، حتی اگر ایرانی ها به عراق وارد نشوند.» (۱).

روزنامه گاردین نیز در این باره می نویسد:

ص: ۱۵۶

«سقوط خرمشهر یعنی سقوط آخرین و مهمترین افتخار جنگی عراق که ایرانی‌ها با بازپس گرفتن آن، این برگ برنده که به وسیله آن عراق می‌کوشید ایران را به پای میز مذاکره بکشاند را از دست بغداد ربودند.» (۱).

برخی دیگر از تحلیل‌گران، پیدایش وضعیت جدید را نشانه‌ی «بی‌کفایتی و محاسبات اشتباه صدام» ارزیابی کردند. روزنامه دیولت چاپ آلمان، با اشاره به شکست عراق و درک جدید کشورهای عربی از موقعیت جدید نوشت:

«عراق در جنگ خلیج (فارس) علیه ایران و انقلاب اسلامی آیت‌الله خمینی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی باخت است، این نظریاتی است که در تمام پایتخت‌های عربی به دست آمده است.» (۲).

فرار نیروهای عراقی از ایران که عراقی‌ها آن را «عقب‌نشینی تاکتیکی» نام نهادند، به منزله آخرین پیام که در بطن آن شکست قطعی عراق و فروپاشی نظام آن نهفته بود، از سوی حامیان این کشور دریافت شد. خبرنگار روزنامه وال استریت ژورنال در واشنگتن، در این زمینه می‌گوید:

«عقب‌نشینی تحقیرآمیز عراقی‌ها دوباره در مورد بقای سیاسی صدام حسین، شک و تردید ایجاد کرده است.» (۳).

فرار نیروهای عراقی، فلسفه و علل تهاجم به سرزمین جمهوری اسلامی و اهدافی را که این کشور دنبال می‌کرد، زیر سؤال برد، چنان که روزنامه الاهرام چاپ قاهره، ضمن تأکید بر این که «هیچ کس انتظار نداشت خرمشهر با این سرعت به دست ایرانیان بیفتد»، می‌نویسد:

«اگر قرار بود نیروهای عراقی اکنون از خاک ایران عقب‌نشینی کنند، پس انگیزه حمله به ایران و آغاز جنگ چه بود؟» (۴).

تحلیل‌گران، آثار و نتایج وضعیت جدید برای عراق و منطقه را بسیار

ص: ۱۵۷

۱- ۱۰۵. روزنامه اطلاعات، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

۳- ۱۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۱۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری یونایتد پرس.

وسیع تر از آن چه مشهود بود، پیش بینی می کردند. خبرگزاری فرانسه از بغداد در این زمینه می گوید:

«آگاهان نظامی در پایتخت عراق می گویند که احتمالاً عراق از نظر تاکتیکی در جنگ، که بیست ماه پیش شروع کرد، شکست خورده است و موقعیت نظامی ایرانی ها عواقبی را به بار خواهد آورد که از روابط دو کشور فراتر رفته و کشورهای منطقه را نیز در بر خواهد گرفت.» (۱).

به طور کلی آن چه که رسانه های خارجی و کارشناسان و تحلیل گران نظامی درباره وضعیت جدید عراق و ضعف و ناتوانی این کشور مورد توجه قرار دادند، عمدتاً شامل محورهای زیر بود:

۱ - شکست سیاسی - نظامی عراق از نظر استراتژی و تاکتیک.

۲ - از دست دادن برگ برنده برای مذاکرات صلح.

۳ - ضعف روحی نیروهای عراقی و تحقیرهای ناشی از شکستها و عقب نشینی های پی در پی.

۴ - فزونی یافتن مشکلات اقتصادی عراق، به ویژه پس از مسدود شدن خط لوله صدور نفت از این کشور توسط سوریه.

۵ - تردید کشورهای عربی در مورد توانایی نظامی عراق، علی رغم کمک های همه جانبه مالی (۲۵ میلیاردی دلاری)، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی.

۶ - ابهام حامیان عراق در مورد سرنوشت رژیم این کشور و حیات سیاسی صدام.

تغییر ماهیت جنگ

جمهوری اسلامی ایران در فاصله زمانی شهریور ۱۳۵۹ تا قبل از شکسته شدن محاصره آبادان (مهر ۱۳۶۰)، در حالتی انفعالی و عمیقاً تحت تأثیر

ص: ۱۵۸

ابعاد و اهداف تهاجم عراق قرار داشت. «بی ثباتی در جبهه ی داخلی» و «فقدان قابلیت نظامی» لازم برای باز پس گیری مناطق اشغالی دو مشخصه بارز وضعیت جمهوری اسلامی در این دوره بود. چنین وضعیتی امکان هر گونه تحرک و فعالیت گسترده را از نیروهای نظامی ایران سلب کرده بود و عوامل ذی نفع در تحمیل جنگ به ایران امیدوار بودند که جمهوری اسلامی سرانجام تحت فشار مشکلات یاد شده، صلح تحمیلی را نیز بپذیرد. با توجه به اهداف آمریکا و عراق (۱) از تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران، جنگ در این دوره به منزله اهرم فشار سیاسی و نظامی به ایران، برای سقوط نظام جمهوری اسلامی و یا مهار و تعدیل این نظام، قلمداد می شد. ابزار لازم برای تحقق هدف یاد شده، علاوه بر حضور نیروهای نظامی عراق در مناطق اشغالی، اعمال فشارهای سیاسی - نظامی در داخل و نیز در سطح منطقه و بین الملل به ایران بود.

در پی تحولات در جبهه داخلی و سپس تأثیرات آشکار آن بر جبهه نظامی، روند تحولات با شکسته شدن محاصره آبادان به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد. به گونه ای که آزادسازی مناطق اشغالی در خوزستان و بخشی از استان ایلام (۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع) و فتح خرمشهر، منجر به پیدایش موقعیت جدیدی شد که برتری سیاسی -

ص: ۱۵۹

۱- ۱۱۰. سفیر سابق آمریکا در عربستان طی مقاله ای که در مجله نیوزویک به چاپ رساند، در مورد هدف عراق از تهاجم به جمهوری اسلامی ایران، نوشت: «عراق می خواست که با هجوم به سرزمین های ایران، شاهد سقوط جمهوری اسلامی ایران باشد.» تلویزیون آلمان نیز طی تفسیری در همین زمینه گفت: «عراقی ها می خواستند ایران را که به زعم آنها با انقلاب اسلامی ضعیف شده بود، سریعاً تسخیر کرده و جمهوری اسلامی را ساقط نمایند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱).

نظامی ایران بر عراق را مسجل و قطعی کرد ضمن این که دورنمای مبهم و تاریکی فرا روی حامیان عراق قرار داد، و این به معنای گسترش نتایج ناشی از پیروزی های سیاسی - نظامی ایران در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه تلقی می شد. با تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران و پیدایش موقعیت جدید، در واقع ماهیت جنگ تغییر کرد. بدین معنا که پیش از این ایران در برابر تهاجم نسبتاً غافلگیرانه عراق، در موضع تدافعی قرار داشت و بخشی از سرزمین هایش نیز در اشغال دشمن قرار گرفته بود. در آن موقعیت ایران از یک سو فاقد توان لازم برای باز پس گیری مناطق اشغالی بود و از سوی دیگر نیز پذیرش صلح تحمیلی را مغایر با اهداف انقلاب اسلامی و ضرورت های اساسی در حفظ موجودیت سیاسی - نظامی خود قلمداد می کرد. تداوم این وضعیت، با توجه به حضور نیروهای نظامی عراق در مناطق اشغالی، اساساً به زیان جمهوری اسلامی ایران بود.

در موقعیت جدید قوای اسلامی با به دست گیری ابتکار عمل در جبهه های نبرد و هجوم های پی در پی به نیروهای عراق، اوضاع را عمیقاً به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر دادند. در واقع عنصر اصلی و تعیین کننده در این مرحله که منجر به تغییر ماهیت جنگ نیز شد، توانمندی رزمندگان اسلام برای حمله به نیروهای دشمن و آزادسازی مناطق اشغالی بود. این مهم با جذب و سازمان دهی نیروهای مردمی، گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران و تجدید قوای نیروهای ارتش و همکاری و هماهنگی این نیروها با یکدیگر حاصل شد. روزنامه لوموند طی تفسیری در این زمینه نوشت:

«جنگ به رژیم ایران اجازه داد که ضمن برقراری مجدد اتحاد مقدس، از آن نوع که به وی فرصت داد تا رژیم سلطنتی را سرنگون کند، به پاسداران بازوی نیرومند انقلاب اسلامی و عمده ترین نیروی نظامی کشور، اهمیت

خاصی داده شد و جناح های مختلف «لیبرال» یا «چپی» تصفیه شوند و این خود نشانه ی یکی از عمده ترین موفقیت های جمهوری اسلامی در مقابل رژیم بعثی بغداد است.»

در وضعیت جدید با توجه به برتری موازنه سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی و نتایج ناشی از آن، جنگ از این پس با اهداف مهاجمین و حامیان آنها هماهنگی و مطابقت نداشت، زیرا روند تحولات و دورنمای آن نه تنها نشانه ای از بهبود اوضاع به نفع عراق نداشت، بلکه با توجه به برتری سیاسی و نظامی ایران و وضع نامطلوب روحی و روانی ارتش عراق، احتمال فروپاشی این کشور نیز وجود داشت و در نتیجه جنگ پس از فتح خرمشهر به منزله اهرم فشار جمهوری اسلامی ایران به عراق و کشورهای مرتجع منطقه و تهدید منافع آمریکا و غرب تلقی می شد.

از این پس ایران در موضعی قرار داشت که آمریکایی ها ارائه امتیاز به ایران را به زیان خود ارزیابی می کردند و توانایی نظامی ایران و برتری آن نسبت به عراق و پافشاری بر احقاق حقوق را نگران کننده می دانستند. بر همین اساس و مبتنی بر درکی که غرب و شرق از وضعیت جدید و تبعات ناشی از آن داشتند، اقدامات گسترده ای به منظور تغییر مجدد اوضاع به سود عراق در دستور کار خود قرار دادند.

نگرانی ها و اقدامات آمریکا

اشاره

آمریکایی ها بنا به اظهارات کارتر (رئیس جمهور وقت آمریکا) امیدوار بودند که جنگ، ایران را بر سر عقل آورد و نیز پیش بینی آنها مبنی بر این که روند فرسایشی جنگ و بی ثباتی داخل ایران، سرانجام منجر به فرسایش و اضمحلال جمهوری اسلامی و پذیرش شرایط صلح تحمیلی خواهد شد،

در برابر پیدایش وضعیت جدید کاملاً غافلگیر و به صورت فزاینده ای نگران شدند. روزنامه های پرتیراژ آمریکا مانند نیویورک تایمز، واشنگتن پست و شیگاگو تریبون، تماماً طی تجزیه و تحلیل های متعدد، وضعیت عراق را اسف بار توصیف کرده و نگرانی خود را از پیروزی های قریب الوقوع جمهوری اسلامی در سطح منطقه اظهار و به دست اندرکاران آمریکایی ضرورت برخورد فعال با روند تحولات منطقه را خاطر نشان کردند. در این زمینه لوس آنجلس تایمز نوشت:

«هر گونه تحولی در منطقه منافع آمریکا را بع خطر می اندازد، بنابراین حمله ایران که روز جمعه آغاز شد برای آمریکا از اهمیت بسیاری برخوردار است. چنین به نظر می رسد که پیروزی ایران، آرامش دوستان آمریکا را در منطقه به خواهد زد.» (۱)

واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا، ضمن ابراز نگرانی از پیروزی های نظامی ایران، نگرانی کشورهای منطقه را مورد اشاره قرار داد و گفت:

«پیروزی ایران در جنگ با عراق، به نفع آمریکا خواهد بود... عربستان و عمان، دو متحد وفادار آمریکا در خاورمیانه نگرانی های موجهی درباره تعرض ایران دارند و از نتایج آشکار پیروزی ایران در جنگ با عراق نگران هستند... ما خواهان آن هستیم که این جنگ به طریقی پایان یابد که ثبات منطقه را بر هم نزند، چون پیروزی ایران یقیناً در جهت منافع ملی ما نخواهد بود.» (۲)

روزنامه کریستین ساینس مانیور نیز با اشاره به نظریات تحلیل گران آمریکایی نوشت:

«تحلیل گران واشنگتن معتقدند پیروزی های نظامی ایران بر عراق می تواند عواقب مهمی از جمله سقوط صدام حسین را به دنبال داشته باشد.»

از طرف دیگر، علنی شدن حمایت آمریکا از عراق - که حاکی از رو در

ص: ۱۶۲

۱- ۱۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۶ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری رویتر.

رویی مستقیم آمریکا با انقلاب اسلامی بود - با منافع آمریکا در منطقه مغایرت داشته و به همین سبب سعی می شد حتی المقدور آمریکا در اتخاذ مواضع رسمی در مورد جنگ، بی طرف جلوه کند. با توجه به آنچه گفته شد، روزنامه مزبور در ادامه مقاله خود اضافه کرد:

«ایالات متحده مایل نیست هیچ کدام از این دو کشور به موقعیت برتری در منطقه نفت خیز خلیج (فارس) برسند، لیکن واشنگتن خصوصا از این نگران است که ایران به برتری بر عراق نایل آمده و سپس به امر متزلزل ساختن عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس مبادرت ورزد. (۱)»

بنابراین، از این پس نگرانی آمریکا اساسا به نتایج تغییر توازن در جنگ به سود ایران و تغییرات ناشی از آن، یعنی سقوط رژیم عراق و متزلزل شدن کشورهای منطقه معطوف شد. به ویژه این که عراق و کشورهای منطقه برای مقابله با وضعیت جدید، شدیداً امیدوار به کمک ها و مساعدت های آمریکا بوده و پیام هایی را آشکار و پنهان به واشنگتن ارسال می کردند.

آمریکا برای رویارویی با وضعیت جدید و مهار آن در جهت منافع خویش، نیاز به تجدید نظر در استراتژی و سیاست منطقه ای خود داشت. زیرا عملاً با تغییر توازن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه مواجه بوده و طبعاً حوادث منطقه تأثیرات متقابلی بر یکدیگر داشتند. رادیو آمریکا به نقل از روزنامه کریستین ساینس مانیتور، در این زمینه گفت:

«خطر گسترش جنگ به خارج از مرزهای ایران، ثبات منطقه را مورد تهدید قرار داده و آمریکا به بررسی سیاست استراتژیکی اش در خلیج فارس پرداخته است» (۲).

همچنین اظهارات الکساندرهیگ وزیر خارجه اسبق آمریکا، به خوبی بیانگر تلاش های همه جانبه آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و ارتباط مسائل آن با یکدیگر می باشد. وی در این مورد گفت:

ص: ۱۶۳

۱- ۱۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱.

«آمریکا برای حفظ صلح خاورمیانه، به سه ابتکار دیپلماتیک دست خواهد زد، اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت آمیز بین المللی امیدی داشته باشیم، باید وقایع خاورمیانه را شکل دهیم و اکنون لحظه ورود آمریکا در خاورمیانه است. آمریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، فعال کردن مذاکرات خودمختاری فلسطین، رفع تهدید از آغاز جنگ، حدود مرزی لبنان و اسراییل اقدام خواهد کرد... این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهد بود... بیم آن می رود که این درگیری (جنگ ایران و عراق) به کشورهای همسایه گسترش پیدا کرده و موجب تغییرات گسترده و غیر قابل پیش بینی در توازن نیروهای منطقه بشود.» (۱).

تلاش ها و اقدامات بعدی آمریکا، در پی درک و تحلیلی که از اوضاع بحرانی منطقه خلیج فارس و خاورمیانه داشت، در اولویت اول «تشکیل جبهه میانه رو عرب» و ممانعت از بی ثباتی این کشورها و تقویت این جبهه در برابر جبهه پایداری عرب بود، به علاوه، تلاش برای حفظ صدام و کمک و تقویت همه جانبه این رژیم، به منظور مهار و کنترل پیروزی های ایران و همچنین سازمان دهی تلاش های دیپلماتیک برای تحمیل صلح به ایران، بخش دیگری از کوشش ها و اقدامات آمریکا را تشکیل می داد.

تشکیل جبهه میانه رو عرب

حمایت های جبهه پایداری عرب از مواضع و اقدامات جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب و در طول جنگ موجب گردید که پیروزی های نظامی ایران مواضع جبهه پایداری را تقویت نماید. این امر طبعاً نتایجی را در زمینه تغییر توازن در منطقه خاورمیانه در پی داشت و شکاف موجود میان کشورهای محافظه کار و میانه رو عرب با جبهه رادیکال را تعمیق کرد.

آمریکا برای مقابله با تغییر توازن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

ص: ۱۶۴

مبادرت به تقویت جبهه میانه رو عرب کرد، بدین ترتیب که با ایجاد جو روانی - تبلیغاتی، بر نگرانی این کشورها افزود به گونه ای که منطقه را در آستانه یک تحول عظیم که نتایج آن عمدتاً به سود انقلاب اسلامی و یا شوروی ها خواهد بود، برای افکار عمومی اعراب و سران وابسته این کشورها جلوه داد. وزیر دفاع کشور سعودی که به شدت متأثر از جو ناشی از تبلیغات آمریکا و غرب بود، به منظور توجیه سیاست های آتی آمریکا در منطقه اظهار داشت:

« ۹۹ درصد جریان جنگ به نفع شوروی می باشد!... به زودی شوروی حمایت مستقیم و علنی خود را از ایران در زمینه های معنوی و نظامی در جنگ آن کشور با عراق را اعلام خواهد کرد... ایالات متحده نیز نمی تواند صحنه را برای دخالت شوروی تنها بگذارد!» (۱).

نگرانی و اضطراب کشورهای منطقه، علاوه بر این که بخشی از آن متأثر از جو روانی - تبلیغاتی آمریکا محسوب می شد، عمدتاً ناشی از عملکرد این کشورها در طول جنگ نیز بود که به نوعی سرنوشت آنها را با سرنوشت رژیم بعث و صدام پیوند زده بود، ضمن این که ماهیت وابسته این رژیم ها و عدم اتکای آنان به نیروهای مردمی موجب می گردید تا حاکمیت این کشورها هر چه بیشتر در معرض تهدید و سقوط قرار گیرد، حضرت امام خمینی با توجه به این مطلب و این که آمریکا در پی ایجاد یک انسجام عمومی از کشورهای منطقه و حمایت جدی آنان از عراق است، بلافاصله پس از شروع عملیات و در آستانه فتح خرمشهر، به کشورهای منطقه خاطرنشان ساختند که اگر از عراق حمایت نکنند دلیلی برای این که بیم و هراسی به دل راه دهند، وجود ندارد. امام خمینی همچنین به کشورهای منطقه هشدار دادند که سرنوشت خود را با صدام پیوند نزنند.

آمریکا به دنبال تشدید نگرانی کشورهای منطقه از نتایج پیروزی های

ص: ۱۶۵

ایران و بهره برداری روس ها از وضعیت جدید تلاش کرد تا کشور مصر را - که پس از امضای قرارداد کمپ دیوید از سوی کشورهای عربی طرد و منزوی شده بود - به جرگه اعراب بازگرداند و بدین وسیله با بهره برداری از موقعیت سیاسی - نظامی مصر، علاوه بر تقویت جبهه میانه رو عرب در برابر جبهه پایداری، با اتکا به توازن نظامی این کشور، منطقه را در برابر حوادث غیر مترقبه حفظ نماید، رادیو بی بی سی به نقل از پاتریک سیر مفسر روزنامه آبرور، در این زمینه گفت:

«به نظر بسیاری از اعراب، فقط دخالت نظامی مصر و یا دست کم تهدیدش به دخالت نظامی است که می تواند عراق را از شکست نجات دهد.» (۱).

بخش دیگر تلاش آمریکا، به تشکل کشورهای حاشیه خلیج فارس که از مدت ها قبل شورایی تحت عنوان کشورهای همکاری خلیج (فارس) تشکیل داده بودند، معطوف شد. در این خصوص، قبل از فتح خرمشهر به درخواست کویت و در حمایت از صدام حسین، کنفرانس اضطراری وزرای امور خارجه کشورهای عربی به منظور بررسی آخرین تحولات جنگ ایران و عراق و امنیت خلیج فارس و مسائل مربوط به آن برگزار گردید. بخشی از نتایج این کنفرانس علاوه بر تسهیل در بازگشت مصر به جرگه کشورهای عربی، اساساً تأکید بر افزایش کمک های مالی و نظامی به عراق بود، چنانکه روزنامه النهار چاپ بیروت، در این زمینه نوشت:

«اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) احساس می کنند که دیگر نقش آنها نمی تواند منحصر به پشتیبانی مالی از عراق باشد.»

تلاش برای حفظ صدام و تقویت عراق

بافت قومی مردم عراق و گرایش های مذهبی آنها از یک سو و موقعیت

ص: ۱۶۶

جغرافیای این کشور از سوی دیگر، به گونه ای است که ثبات در این کشور، تنها در صورت وجود یک مرکزیت قوی امکان پذیر است. بخشی از علل تداوم حیات سیاسی صدام و حزب بعث نیز برخاسته از همین وضعیت است. (۱) بنابراین، در موقعیتی که بر اثر پیروزی های نظامی ایران وضعیت به سود جمهوری اسلامی تغییر کرد و ضعف و ناتوانی عراق بر حامیان این کشور آشکار شد، غربی ها و حامیان منطقه ای صدام در مورد ادامه بقای سیاسی او دچار ابهام و تردید شدند. زیرا صدام علی رغم حمایت های غرب و شرق و در حالی که جمهوری اسلامی ایران در اوضاع نابسامان پس از انقلاب به سر می برد، نه تنها اهداف مورد نظر آمریکا را تأمین نکرد، بلکه با شکست های پی در پی وضعیتی را فراهم آورد که منافع آمریکا در سطح منطقه عمیقاً مورد تهدید قرار گرفت. در واقع، قابلیت و توانایی صدام برای مقاومت در برابر موج های توفنده رزمندگان اسلام در هاله ای از ابهام قرار گرفته بود. در عین حال، آمریکایی ها با توجه به عواقب سقوط و فروپاشی عراق در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، نمی توانستند در این مورد بی تفاوت باشند. بر همین اساس، از این پس آمریکا جلوگیری از سقوط احتمالی صدام را به عنوان یکی از اصول محوری سیاست و اقدامات خود قرار داده (۲) و متعاقب آن، کمک های همه جانبه و گسترده غرب و شرق به عراق سرازیر گردید که در

ص: ۱۶۷

۱- ۱۱۸. علت حمایت آمریکا از صدام پس از جنگ عراق علیه کویت و تلاش آنها برای حفظ حزب بعث نیز اساساً برخاسته از همین مسئله می باشد.

۲- ۱۱۹. بعدها پس از جنگ خلیج فارس، آمریکایی ها در توجیه کمک به عراق - طوری که در روزنامه نیویورک تایمز در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲ (۶ بهمن ۱۳۷۰) منتشر شد - چنین استدلال کردند: «تصمیم آمریکا بر کمک حیاتی به بغداد آن هم در اوایل جنگ هشت ساله با ایران نتیجه اخطار آژانس های (متعدد) جاسوسی آمریکا درباره این مطالب بود که عراق در آستانه ساقط شدن توسط ایران است.».

زیر به برخی از موارد آن اشاره می شود:

الف - خارج کردن عراق از فهرست کشورهای تروریست و لغو تحریم فروش تجهیزات به عراق (۱) (وزارت بازرگانی آمریکا با فروش هواپیمای باربری به عراق موافقت کرد).

ب - افزایش حمایت آشکار سیاسی - تبلیغاتی از عراق در برابر ایران.

ج - توافق برای برقراری روابط دیپلماتیک با عراق.

د - ترغیب مصر به ارسال کمک های نظامی به عراق.

ه - تلاش برای تجهیز عراق به تکنولوژی برتر نظامی، به ویژه در زمینه هواپیما.

و - ترغیب کشورهای عرب منطقه به افزایش کمک های همه جانبه به عراق، به ویژه کمک های مالی.

ز - کمک های اطلاعاتی به عراق، چنان که ویلیام کیسی رییس اسبق سیا، طی سفرهای محرمانه به بغداد، سطح کمک و نحوه آن را بررسی و سازمان دهی کرد.

تلاش برای تحمیل صلح به ایران

کلیه تلاش های صلح - در مدت زمانی که نیروهای اشغالگر در بخشی از مناطق مرزی و شهرهای ایران اسلامی حضور داشتند، اساسا به گونه ای طراحی و پیشنهاد می شد که جز تسلیم و نادیده گرفتن حقوق حقه

ص: ۱۶۸

۱ - ۱۲۰. مشاور کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در توضیح علت این اقدام آمریکا می گوید: «این عمل آمریکا به منظور تنبیه ایران و باز کردن راهی برای عراق از بن بست موجود می باشد و ایران در جنگ با عراق از برتری محسوسی برخوردار است و این واقعه ناخوشایند برای آمریکاست.»

جمهوری اسلامی، نتیجه گیری به دنبال نداشت. در حالی که حداقل خواسته ایران «تقدم عقب نشینی بر آتش بس» بود، لیکن در تمامی پیشنهادهای صلح «آتش بس بر عقب نشینی تقدم داشت». طبعاً پذیرش چنین پیشنهادی از سوی ایران، این نتیجه را به همراه داشت که عراقی ها پس از حمله به جمهوری اسلامی و شکست در دست یابی به اهداف مورد نظر خود، در پی برقراری آتش بس، بدون این که از مناطق اشغالی عقب نشینی کنند در کمال آرامش در این مناطق استقرار می یافتند تا امتیازات لازم را از طریق مذاکره اخذ و سپس اقدام به عقب نشینی کنند. بر همین اساس بود که شهید رجایی رییس جمهور وقت، پس از عملیات فرمانده کل قوا که در تاریخ ۳ / ۳ / ۱۳۶۰، در محور دارخوین واقع در جبهه جنوبی، انجام گرفت، اظهار داشت:

«ما سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین خواهیم کرد.»

با شکل گیری روند آزادسازی مناطق اشغالی، هیئت های صلح با استنباط و درکی که از شرایط و مواضع جمهوری اسلامی داشتند، تلاش های خود را به تدریج کم رنگ کردند، اما به دنبال فتح خرمشهر و پیدایش اوضاع جدید و احتمال سقوط صدام، یکی از راه حل های فوری برای گریز از نتایج ناشی از پیروزی های نظامی ایران را توقف جنگ ارزیابی می کردند. (۱) روزنامه لیبراسیون در این زمینه نوشت:

«پس از بازپس گیری خرمشهر توسط ایرانیان، آمریکا، اروپا و برخی از کشورهای منطقه خلیج (فارس)، ابتکارات متعددی را برای پایان دادن به جنگ به کار گرفته اند تا به این ترتیب از سقوط صدام جلوگیری کنند.» (۲).

ص: ۱۶۹

۱- ۱۲۱. کیسینجر، در اظهارات خود، که در تاریخ ۳ / ۴ / ۱۳۶۱ در روزنامه واشنگتن پست منعکس شده، می گوید: «این به نفع ماست که در منطقه، آتش بس برقرار کنیم.»

۲- ۱۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۷ / ۳ / ۱۳۶۱.

روزنامه نیویورک تایمز نیز به نقل از مقامات وزارت خارجه آمریکا نوشت:

«ایالات متحده از کشورهای اسلامی خواسته است تا جمهوری اسلامی را برای رسیدن به توافق با بغداد، تحت فشار قرار دهند.» (۱).

درخواست آمریکا از کشورهای منطقه، مبنی بر اعمال فشار به ایران برای پذیرش آتش بس، نشان دهنده ی نحوه نگرش آمریکایی ها به ماهیت صلح می باشد. در واقع مفهوم صلح در نظر آمریکایی ها و کلیه تلاش هایی که غرب و کشورهای منطقه دنبال می کردند، اساساً معطوف به «ممانعت از سقوط صدام» و اعمال فشار به ایران برای انصراف از حقوق حقه اش بود. همچنین، تداوم جنگ در این موقعیت نیز با توجه به اوضاع نابسامان روحی و روانی ارتش عراق و برتری غیر قابل انکار رزمندگان اسلام، به زیان منافع غرب و آمریکا در منطقه می انجامید. اظهارات فهد، شاه عربستان مبنی بر تأثیرات جنگ بر گسترش بی ثباتی در منطقه، نشان دهنده ی اضطراب و نگرانی حامیان منطقه ای از تداوم جنگ می باشد، وی می گوید:

«ادامه جنگ و یا گسترش دامنه آن، تنها به قیمت بی ثباتی و ناامنی در منطقه امکان پذیر است... به همین علت است که بایستی به هر طریق ممکن، بر تلاش های صلح آمیز تأکید شود.» (۲).

وزرای خارجه کشورهای خلیج فارس در پی برگزاری اجلاس فوری سران کشورهای حاشیه خلیج فارس، ضمن بررسی اوضاع منطقه و وضعیت بی ثبات عراق اعلام کردند که پایان جنگ را برای حفظ ثبات و امنیت این منطقه حیاتی می دانند. همان طور که گفته شد صلح و ثبات بدان معنا که از آمریکا و کشورهای منطقه بیان می کردند، تفاوت ماهوی با معنای حقیقی این مفاهیم داشت. ثبات مورد نظر آمریکا یعنی مقابله با

ص: ۱۷۰

۱- ۱۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو آمریکا.

۲- ۱۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از آسوشیتد پرس.

هر گونه عاملی که در اندیشه یا عمل با منافع آمریکا در منطقه تضاد و مغایرت داشته باشد بر پایه این مفهوم امریکایی ها موقعیت جدید ایران را برای منافع این کشور تهدیدآمیز ارزیابی می کردند و پیشنهاد صلح و برقراری آتش بس نیز بر همین اساس دنبال می شد.

سیاست های تبلیغاتی و روانی آمریکا و اقدامات دیپلماتیک این کشور، به گونه ای جو و فضای کشورهای منطقه را مخدوش کرده بود که اگر آمریکا صلح به معنای واقعی را نیز دنبال می کرد، تحقق آن در چنین اوضاعی امکان پذیر نبود، حال آن که آمریکا به دنبال اهداف دیگری بود.

در نظر گرفتن واقعیات و توجه به منافع و حقوق حقه جمهوری اسلامی در جنگ، لازمه برقراری صلح و ثبات به معنای واقعی در منطقه بود. سکوت آمریکا در برابر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی که حاکی از هماهنگی های پنهانی با عراق بود، طبعاً عراقی ها را به ادامه تجاوز ترغیب می کرد.

درخواست عقب نشینی بدون قید و شرط و رفع اشغال فوری خاک میهن اسلامی و سپس برقراری آتش بس، کمترین و طبیعی ترین حق مسلم کشوری است که در موقعیتی کاملاً نامساعد، وحشیانه مورد تجاوز واقع شد و نیز درخواست تعیین متجاوز و پرداخت غرامت، لازمه برقراری ثبات در منطقه بود، لیکن آمریکا و حامیان عراق همواره از پذیرش شرایط جمهوری اسلامی طفره رفتند (۱) و فقط سعی کردند که با تحمیل صلح به

ص: ۱۷۱

۱-۱۲۵. البته پس از اتمام جنگ، آمریکا که «مأموریت صدام» را تمام شده می دانست، به تدریج مسائلی را در مورد متجاوز بودن عراق مطرح کرد که به شدت مورد اعتراض عراق مطرح کرد که به شدت مورد اعتراض عراق و ناخشنودی صدام واقع شد، لیکن بیان این حقایق تنها در هنگامی صورت گرفت که آمریکا علاوه بر این که دیگر به صدام نیازی نداشت از توانایی نظامی این کشور نیز نگران بود.

ایران، آن چه را که عراق علی رغم حمایت های همه جانبه استکبار جهانی و اذتاب آن نتوانست در میدان نبرد کسب کند، در پشت میز مذاکره به دست آورد.

از این پس، از یک سو تلاش های آمریکا برای حمایت همه جانبه از عراق و تجهیز این کشور و نیز فشارهای وارده به جمهوری اسلامی برای پذیرش صلح تحمیلی و از سوی دیگر تجاوز رژیم اشغالگر به جنوب لبنان که از مدت ها قبل مقدمات آن فراهم شده بود، جمهوری اسلامی را در موقعیتی بسیار دشوار قرار داد که در نتیجه می بایست علاوه بر مقابله با سیاست های آمریکا در منطقه خلیج فارس، در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان نیز تدابیر لازم را اتخاذ کند و به عبارت دیگر، تهاجم های پنهان استکبار، ارتجاع و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی را که تا این زمان رژیم عراق اعمال می کرد، اینک در موارد بسیاری نقاب از چهره افکنده و در جبهه های مختلف به طور آشکار شروع به مقابله با انقلاب اسلامی کردند.

ص: ۱۷۲

جلد ۲

پیشگفتار چاپ نهم

ص: ۱

مجموعه شش جلدی «سیری در جنگ ایران و عراق» از جمله مجموعه های تحقیقاتی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ درباره جنگ هشت ساله ایران و عراق است که عهده دار بررسی و تجزیه و تحلیل این جنگ، از زمینه سازی و آغاز تهاجم عراق به سرزمین ایران اسلامی تا قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و برقراری آتش بس و همچنین پیامدهای آن از جمله تجاوز عراق به کویت و اشغال این کشور و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله دولت عراق، می باشد.

این مجموعه به طور کامل منتشر شده است و در دسترس عموم قرار دارد. کتاب حاضر (خرمشهر تا فاو) جلد دوم از این مجموعه است که قبل از پایان جنگ به نگارش درآمد و منتشر شد. به دلیل استقبال و تقاضای علاقه مندان، این کتاب برای نهمین بار چاپ و منتشر می شود.

در کتاب «خرمشهر تا فاو» ابتدا عملیات های متعدد محدود و گسترده ای که در طول بیش از سه سال پس از آزادی خرمشهر به اجرا درآمد، به اختصار بررسی شده است و سپس به طور نسبتاً مشروح به طرح ریزی و اجرای عملیات والفجر ۸ و نتایج مهم، پیامدها و بازتاب های آن پرداخته شده است. در پایان کتاب به سلسله تحرکات دشمن موسوم به «استراتژی دفاع متحرک» و مهم ترین حاصل آن یعنی اشغال مهران و سپس آزادسازی این شهر با اجرای عملیات کربلای ۱ و در نتیجه شکست این استراتژی دشمن، اشاره شده است.

گفتنی است که این مرکز مجموعه دیگری با عنوان تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق منتشر کرده است که در آن به نحوی عمیق تر و با توجه به جنبه های استراتژیک، به تجزیه و تحلیل جنگ پرداخته شده است. از این مجموعه تاکنون سه جلد (ریشه های تهاجم، جنگ بازیابی ثبات، تنبیه متجاوز) منتشر شده است. در کتاب «جنگ بازیابی ثبات» طی سه فصل (بررسی اهداف و مقاصد سیاسی و نظامی عراق، بن بست نظامی و بحران سیاسی، آغاز تحول در جنگ و آزادسازی مناطق اشغالی) جنگ از آغاز تجاوز عراق تا پایان عملیات بیت المقدس و آزادسازی مناطق اشغالی، از جنبه نظامی و سیاسی تجزیه و تحلیل شده است. در کتاب «تنبیه متجاوز» نیز طی چهار فصل (تحول اساسی در صحنه نبرد، ابتکار نظامی، تغییر موازنه به نفع ایران، تغییر استراتژی عملیاتی و عوامل مؤثر بر آن) جنگ بعد از عملیات بیت المقدس تا پایان عملیات بزرگ والفجر ۱۰ بررسی و تجزیه و تحلیل شده است.

امید است محققان و دست اندرکاران این مرکز بتوانند با انتشار گوشه ای از حقایق این واقعه عظیم، سهمی در حفظ و نشر دستاوردها و آثار آن داشته باشند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۷

ص: ۳

عملیات فتح فاو (والفجر ۸) برجسته ترین تلاش نظامی جمهوری اسلامی ایران پس از فتح خرمشهر است که سپاه پاسداران آن را به طور مستقل (۱) طرح ریزی و اجرا کرد. آثار این پیروزی در تغییر موازنه سیاسی - نظامی جنگ به سود ایران، مهم ترین انگیزه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ برای نگارش کتاب حاضر بود.

در طراحی اولیه کتاب تأکید اصلی بر عملیات والفجر ۸ قرار داشت، لیکن ضرورت توضیح «علل ورود به داخل خاک عراق» پس از فتح خرمشهر، سبب گردید مسائل اساسی جنگ و تحولات سیاسی و نظامی آن مقطع زمانی، در این کتاب مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. ابهام و تردید برخی در مورد ادامه ی جنگ و دامن زدن تعدادی از رسانه های تبلیغاتی جهان به این مسئله و مهم تر از همه فقدان مقاله یا کتاب مناسب در تبیین و تحلیل رخدادهای سیاسی - نظامی جنگ در حد فاصل دو پیروزی بزرگ (فتح خرمشهر تا فتح فاو)، ضرورت این روشنگری را بیشتر کرد.

تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر با ورود ایران به داخل خاک عراق، به بحث های فراوان منجر شده و پرسش هایی را در مورد علل عدم خاتمه جنگ پس از فتح خرمشهر برانگیخته است. همین مسئله ایجاب می کند که با تجزیه و تحلیل همه جانبه ای به این پرسش ها پاسخ داده شود. اجمالا به این نکته اشاره می شود که امریکایی ها و کلیه حامیان منطقه ای و جهانی عراق به دلیل آن که پس از استقرار عراق در مناطق اشغالی و تشدید منازعه سیاسی - نظامی در داخل ایران، امکان برتری نظامی ایران بر عراق را کاملا مردود می دانستند، هیچ گونه آمادگی رویارویی با پیروزی های نظامی ایران و هزیمت و فرار نیروهای عراقی از مناطق اشغالی را نداشتند طوری که بنا به گفته نماینده وقت ایران در سازمان ملل، فتح خرمشهر

ص: ۴

۱-۱. پس از عملیات بدر با تدبیر فرمانده عالی جنگ، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، مقرر شد که ارتش و سپاه هر یک در مناطق جداگانه و مستقلا به طرح ریزی و اجرای عملیات اقدام نمایند. برای اطلاع بیشتر به ضمیمه کتاب «فاو تا شلمچه» از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، مراجعه کنید.

منجر به زلزله سیاسی در سازمان ملل شد و همه با ناباوری در مورد علت و نحوه پیروزی ایران بر عراق سؤال می کردند.

امریکایی ها به دلیل نگرانی هایی که از پیروزی ایران داشتند به هیچ وجه مایل به در نظر گرفتن خواسته های برحق جمهوری اسلامی مبنی بر «تعیین متجاوز» و «پرداخت غرامت» نبودند، لذا تنها بر آتش بس تأکید داشتند. (۱) حال با توجه به اهداف متجاوزان و نیز نظر به برتری نظامی ایران، آیا جمهوری اسلامی می توانست جنگ را بدون تأمین خواسته های خود خاتمه دهد و یک جانبه ترک محاصمه نماید؟

حامیان جهانی عراق با نادیده گرفتن تجاوزات و ویرانی های بسیاری که رژیم صدام به وجود آورده بود، در تلاش بودند جنگ را طوری به سود عراق خاتمه دهند که گویا اصلاً تجاوزی در کار نبوده است و حتی در پی ایجاد وضعیتی بودند که هر گاه خواستند عراق را مجدداً به تجاوز وادار سازند و ایران را در حالت «نه جنگ، نه صلح» و در معرض تهدید دائمی قرار دهند. امام خمینی در مورد ماهیت صلح درخواستی عراق فرمودند: «ما اگر مجرم را امروز رهاش کنیم، امروزی که ما قدرت داریم... این معنای آتش بس نیست، این معنای صلح نیست.» (صحیفه نور، جلد ۱۶، صفحه ۱۹۲) بنابراین راه حل «مذاکره سیاسی برای تأمین صلح» عملی نبود زیرا حقوق ایران به رسمیت شناخته نمی شد تا به خاطر آن مذاکره ای انجام گیرد و نظر امریکا و حامیان جهانی و منطقه ای عراق کسب زمان برای مهار آثار برتری سیاسی - نظامی ایران بود؛ به همین دلیل تغییر وضعیت جنگ از «فعال» به «فرسایشی» در دستور کار آنها قرار داشت.

مهم تر آن که احتمال تقویت روحی و نظامی عراق و حمله مجدد به داخل خاک ایران نیز وجود داشت، چنان که در پایان جنگ، پس از این که جمهوری اسلامی قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت، عراق تلاش نظامی گسترده ای را برای اشغال مجدد اهواز و خرمشهر آغاز کرد که با شکست مواجه شد، با این ملاحظات، تنها راه حلی که در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار داشت، تلاش نظامی برای تأمین حقوق خود و تحقق صلحی شرافتمندانه بود.

ص: ۵

۱-۲. کیسینجر پس از آزادی خرمشهر گفت: «به نفع ما است که هر چه زودتر در این منطقه آتش بس برقرار کنیم.» (واشنگ

تن پست ۳ / ۴ / ۱۳۶۱).

ضرورت تصمیم‌گیری برای «تداوم» یا «پایان جنگ» با در نظر گرفتن اوضاع حاکم بر منطقه و موقعیت سیاسی - نظامی ایران، به برگزاری جلسات شورای عالی دفاع در حضور امام خمینی منجر شد. در این جلسات کلیه مسئولان، با توجه به عدم رعایت حقوق ایران از طرف عراق و حامیان جهانی اش، برای ادامه جنگ اتفاق نظر داشتند؛ اما در مورد نحوه ادامه جنگ و دلایلی که در پاسخ به سؤال حضرت امام درباره‌ی علت ادامه جنگ ارائه می‌شد، دو نظر کلی وجود داشت، برخی بر این نظر بودند که با توجه به موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی، جنگ را تا متقاعد ساختن حامیان عراق به پذیرش حقوق ایران، ادامه دهیم. فرماندهان نظامی نیز اغلب عقیده داشتند که امکان ایستادن در خط مرزی وجود ندارد، زیرا نبودن مواضع استحکامات طبیعی مانع از دفاع در برابر تهاجمات احتمالی عراق خواهد بود؛ ضمن این که خوزستان همواره به دلیل فقدان موانع طبیعی، از منطقه شرق بصره به طور مکرر مورد تهدید و تجاوز قرار گرفته است. لذا باید با تصرف منطقه شرق بصره، موقعیت دفاعی ایران را تحکیم نماییم. سرانجام، با توافق مسئولان سیاسی و نظامی کشور، عملیات رمضان طراحی و اجرا شد که منجر به ورود به داخل خاک عراق، در منطقه شرق بصره شد.

به این ترتیب، استراتژی جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر، کسب یک پیروزی نظامی جهت متقاعد کردن حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق برای پایان بخشیدن به جنگ، با در نظر گرفتن خواسته‌های برحق ایران بود. به عبارت دیگر، استراتژی جنگ پس از فتح خرمشهر، برای تحقق صلح طرح ریزی شده بود. (۱) توقف در پشت دیوارهای دفاعی عراق در شرق بصره و ناکامی در عملیات رمضان، دلایل سیاسی و نظامی متفاوتی دارد ولی بنابر گزارش‌هایی که اخیراً در مورد کمک‌های اطلاعاتی امریکا به عراق منتشر شده است، امریکایی‌ها در ارزیابی خود نسبت به علل شکست‌های پی‌درپی عراق به این نکته پی‌بردند که ضعف مدیریت اطلاعات عراق، منشأ این شکست‌ها می‌باشد زیرا ایرانی‌ها با نفوذ و رخنه در خطوط دفاعی عراق و تاکتیک‌هایی که اتخاذ می‌کنند به سهولت مواضع عراق را در هم شکسته و تصرف می‌کنند، لذا کمک‌های اطلاعاتی به عراق را افزایش دادند.

ص: ۶

ایران در عملیات رمضان با مواضع تدافعی جدیدی مواجه شد که حاصل اندیشه نظامی عراقی ها نبود بلکه کمک اطلاعاتی و نظامی شوروی و امریکا، مواضع دفاعی عراق را سامان بخشیده بود و در برابر تهاجم نظامی ایران حفظ کرد. (۱) عدم موفقیت عملیات رمضان، جنگ را به جنگ فرسایشی کشاند و حامیان منطقه ای و جهانی عراق را در جلوگیری از تحقق خواسته های ایران مصرتر کرد.

تلاش های نظامی ایران در سال ۱۳۶۱ با اجرای عملیات های محدود «مسلم بن عقیل» در غرب سومار و «محرم» در جنوب شرقی دهلران و غرب عین خوش دنبال شد. عملیات والفجر مقدماتی همزمان با دهه مبارک فجر و عملیات والفجر ۱ در شمال غربی منطقه قبلی، هیچ کدام به موفقیت تعیین کننده ای منتهی نشد، از همه مهم تر بروز اختلاف نظر بین ارتش و سپاه درباره طرح های عملیاتی، موجب شد که امام خمینی، آقای هاشمی را به عنوان فرمانده عالی جنگ تعیین نمایند.

ضرورت تغییر استراتژی جنگ با تغییر زمین منطقه عملیات، باعث شد تا فرمانده کل سپاه منطقه هور را به عنوان منطقه عملیاتی انتخاب کند که در پی آن تیم های شناسایی طی یک سال زیر نظر مستقیم فرمانده کل سپاه، منطقه را شناسایی کردند. سپاه سازمان نظامی خود را با آموزش غواص و به کارگیری قایق به تناسب تغییر زمین و تاکتیک، تغییر داد. غفلت دشمن از این تغییر و تحول، امیدهای بسیاری را برای کسب پیروزی در عملیات «خیر» ایجاد کرده بود، اما این ابتکار عمل نیز به علت کاستی های موجود در زمینه پشتیبانی هوایی، پدافند هوایی و توپخانه، مانع از به ثمر نشستن زحمات یک ساله سپاه شد.

در عین حال، حضور نیروهای ایران در شمال بصره و قطع جاده العماره به بصره، موجی از نگرانی و وحشت دشمن را برانگیخت. به موازات این حادثه، انفجار مقر امریکایی ها در بیروت، امریکا را در وضعیت نامطلوبی در منطقه شرق و غرب خاورمیانه قرار داد و همین مسائل فشار بر ایران را تشدید کرد و حمایت سیاسی - نظامی امریکا از عراق را افزایش داد.

ص: ۷

۱-۴. البته عوامل دیگری در این زمینه مؤثر بوده است. از جمله این که ایران با تغییر استراتژی باید تاکتیک های خود را تغییر می داد که چنین تحولی انجام نشد. همچنین روحیه عراقی ها برای دفاع در خاک خود در مقایسه با دفاع از مناطق اشغالی، مسلما بهتر بود.

عملیات «بدر» نیز در ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۶۳ در منطقه هور به اجرا در آمد و گرچه حضور قوای ایران در غرب رود دجله را به همراه داشت ولی همان کاستی های پیشین مانع از تثبیت منطقه متصرفه شد. در عین حال، در سال ۱۳۶۳ نطفه بسیاری از تحولات جنگ که در سال های بعد رخ داد، منعقد گردید.

سپاه در حالی که بیشتر از دو سال بود به ضرورت تغییر استراتژی و زمین منطقه نبرد توجه کرده و با انتخاب منطقه هور و اجرای عملیات خیبر و بدر گام های عملی نیز برداشته بود، به ارزیابی مسائل جنگ و وضعیت موجود سپاه پرداخت. مسئولان کشور نیز که به پیروزی در یک عملیات و سپس مذاکره برای پایان بخشیدن به جنگ امیدوار بودند، پس از دو سال به تدریج به ضرورت تقویت بنیه نظامی نیروی خودی توجه بیشتری کردند. از طرف دیگر، عراقی ها که تصور می کردند با اتخاذ دفاع مطلق در درون مواضع و استحکامات خود از موقعیت مناسبی برخوردار خواهند بود، به موازات پیشرفت های ایران در جنگ، به آسیب پذیری خود پی بردند، لذا سلسله تلاش هایی را برای تضعیف بنیه اقتصادی و تضعیف روحیه مردم ایران با حمله به کشتی ها و تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران و حمله به شهرها آغاز کردند و بدین ترتیب دامنه جنگ نیز گسترش یافت.

در اواسط سال ۱۳۶۴ فرماندهان عالی سپاه در ارزیابی عملیات های پیشین به چند نتیجه کلی دست یافتند: نخست این که سپاه به طور مستقل از ارتش به اجرای عملیات مبادرت نماید و در ثانی کلیه امکانات مورد نیاز برای یک عملیات، در تمام زمینه های انسانی و لجستیکی، به عنوان پیش شرط اجرای عملیات تأمین گردد.

مسئولان کشور که به موازات تشدید فشارها و پیچیدگی های موجود، به ضرورت خاتمه یافتن جنگ با دست یابی به یک پیروزی، بیشتر از گذشته اهمیت می دادند، علاوه بر پذیرش اجرای عملیات سپاه و ارتش به طور مستقل و تأمین برخی از نیازمندی های سپاه برای اجرای عملیات، تلاش های سیاسی جدیدی را آغاز کردند و در همین روند ماجرای خرید سلاح از بازارهای جهانی و نهایتاً اقدامات امریکا برای گشودن باب مذاکره با جمهوری اسلامی، به بهانه تأمین خواسته های ایران، شکل گرفت که اخبار آن نزدیک به یک سال بعد در ۱۳ آبان ۱۳۶۵ برملا شد.

در شهریور ۱۳۶۴ حکم امام خمینی به سپاه پاسداران مبنی بر تشکیل نیروهای سه گانه هوایی، دریایی و زمینی، علاوه بر این که نقطه عطفی در حیات نظامی سپاه پاسداران بود، منشأ تحولات بسیاری در جنگ نیز شد. امام خمینی در موقعیتی حکم خود را ابلاغ فرمودند که بیش از سه سال از تحرکات نظامی ایران در درون خاک عراق می گذشت و با وجود تهاجمات پی در پی نیروهای جمهوری اسلامی، پیروزی تعیین کننده ای حاصل نشده بود.

مجموع این اقدامات و تلاش ها موجب شد که سپاه با انتخاب منطقه عمومی فاو و تأمین بخشی از نیازمندی های عملیاتی و پس از ۶ ماه شناسایی و طرح ریزی های پی در پی، سرانجام در تاریخ ۲۱ بهمن سال ۱۳۶۴ عملیات خود را آغاز نماید. تثبیت منطقه تصرف شده پس از ۷۵ روز جنگ شبانه روزی منشأ تحول در جنگ و برتری سیاسی - نظامی ایران بر عراق شد که در متن کتاب به آن اشاره شده است.

کتاب حاضر در موقعیت حساس پس از فتح فاو در حالی که جنگ همچنان ادامه داشت و تجزیه و تحلیل رخدادهای سیاسی - نظامی جنگ و تهیه گزارش های نظامی با دشواری های زیادی روبه رو بود، نگاشته شد و طبعا دارای نواقصی است، امید است مقطع زمانی فتح خرمشهر تا فتح فاو در فرصت مناسبی بازنگری و نگارش مجدد شود. در عین حال نایاب شدن این کتاب و نیز درخواست مکرر علاقه مندان تاریخ جنگ ایجاب می کند نسبت به چاپ مجدد آن اقدام شود و بازنویسی کتاب به آینده موکول گردد.

این مرکز لازم می داند نهایت تشکر خود را از سردار محسن رضایی فرماندهی محترم کل سپاه و سردار غلامعلی رشید ریاست معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح که ارزیابی کتب منتشره و نظارت بر آنها را تقبل نموده اند و همچنین تیمسار شمشخانی ریاست محترم شورای سیاست گذاری مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که در تعیین خط مشی و حمایت از اهداف مرکز نقش بارزی را ایفا می نماید و نیز مدیریت اطلاع رسانی و مدیریت بهره دهی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که تأمین منابع، آماده سازی و انتشار کتاب ها را به عهده دارند، ابراز نماید.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۷۵

ص: ۹

برجسته ترین ویژگی جنگ، مردمی بودن آن است و این مهم، اثرات خود را در زمینه های مختلف، از جمله: سازمان رزم سپاه، شیوه های جنگ، اتخاذ تاکتیکهای ویژه در مراحل مختلف جنگ و... برجای نهاده است.

در این روند، آنچه حائز اهمیت است و نقش تعیین کننده در حرکتهای کنونی و آتی جنگ دارد، چگونگی استمرار بخشیدن به حضور مردم در جنگ و نیز اتخاذ استراتژی مناسب با توجه به ویژگیهای حضور مردم، می باشد.

از جمله لوازم و مقدمات تحقق امر فوق، ارتقاء بخشیدن به آگاهیهای سیاسی، اجتماعی و نظامی مردم است. قطعا ارائه هر گونه جمع بندی از تجارب جنگ در چند سال گذشته و تبیین نسبی مراحل جنگ و روشن نمودن عوامل و علل توقف، پیشرویها، موفقیت ها و ناکامیها و... می تواند به حضور مردم در صحنه نبرد عمق لازم را بخشیده، طبعا ابعادی جدید را در جنگ و انقلاب ایجاد نماید.

بر این اساس، بر آن شدیم تا ابعاد و زوایای جنگ را پس از انتشار کتاب «دو سال جنگ» از شروع عملیات «رمضان» (پس از فتح خرمشهر) تا فتح «فاو»، بصورت اجمالی و گذرا در دو فصل عمده مورد بررسی قرار دهیم تا بدینوسیله نقاط ضعف قوای خودی و دشمن و نیز چگونگی و کیفیت ارتقاء جنگ در زمینه های سازماندهی و تاکتیک، روشن شود.

بدون تردید سخن گفتن از جنگی که با گسترشی روزافزون در حال تداوم است و هر روز ابعادی تازه می یابد و در زمین و هوا و دریا با شدت دنبال می شود کاری بس دشوار است، آنهم در برخورد با دشمنی که با اتکاء به ابرقدرتها که تماما دشمنی آشکار و کینه توزی مفرطی نسبت به انقلاب اسلامی نشان می دهند، حتی از بکارگیری سلاح شیمیایی و بمباران مناطق مسکونی ابائی ندارد. البته می توان با شیوه های تبلیغاتی ماهرانه تنها نکات خاصی را از جنگ برگزید و با بزرگ کردن آن، افکار عمومی را تنها در جریان موفقیتها و جنبه های مثبت قرار داد. اما بدیهی است که این روش برای مردم ما که بار جنگ تماما بر دوش آنانست و رغبت و رضا و اشتیاق آنان برای دستیابی به آرمانهای انقلابشان، موتور اصلی حرکت جنگ است، روشی نادرست و غیر مفید می باشد. جمهوری اسلامی که بر ویرانه های رژیم طاغوتی شاهنشاهی بنا شده تنها و تنها با اتکاء به حمایت واقعی و قلبی مردم، توانائی و امکان ثبات و پیشرفت را دارد و این امکان نه بوسیله ی سازمان سیاسی و اداری قدرتمند بلکه بدلیل رهبری الهی و فلسفه حکومتی دینی آن پدیدار گشته و ادامه یافته است.

از سوی دیگر مردم، توسط بهترین فرزندانشان در تمامی صحنه های جنگ حضور مستقیم دارند و هیچ سازمانی نمی تواند برای آنان وسیله

تبدیل و تعدیل مشکلات و مصائب جنگ باشد. مردم حزب ا... همانگونه که پیروزیها را لمس می کنند، مشکلات را نیز بخوبی می فهمند و بزرگترین رنج ها و مصائب را نیز بعنوان وظیفه و تکلیف شرعی و آثار و تبعات نعمت امکان جهاد فی سبیل ا... به جان می خرند.

بنابراین، گزارش مستند و واقعی از جنگ یکی از نیازهای مبرم و ضروری مردمی است که باید در کنار انگیزه های دینی و الهی شان به درک و تبیین و تحلیل دقیق سیر جنگ و سرانجام آن نیز قادر باشند. اما از سوی دیگر یک نکته مهم نیز باید لحاظ شود و آن استفاده قطعی دشمن از هر گونه گزارش و نوشته دقیق مربوط به جنگ است. ملاحظه می گردد که از طرفی مردم نیازمند آگاهی و اطلاع مناسب هستند و از سوی دیگر دشمن در صدد است که از همین اطلاعات علیه همین مردم استفاده کند.

در نگارش هر گونه مطلبی در باب جنگ تحمیلی این مشکل بزرگی است که خودنمایی می کند. چاره آن است که بگونه ای عمل شود که هم نیازهای مردم در بیشترین حد ممکنه رفع گردد و هم کمترین استفاده نصیب دشمن بشود.

در تهیه این کتاب که در واقع یک گزارش تحلیلی از چهار سال جنگ (پس از فتح خرمشهر در خرداد ۶۱ تا آزادسازی دوباره مهران در تیر ۶۵) می باشد، دهها گزارش طبقه بندی شده از نبردهای مختلف، هزاران برگ اسناد عملیاتی و دهها هزار نوار مصاحبه، بی سیم و... که بهنگام عملیات توسط راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه بطور زنده تهیه شده، مورد استفاده قرار گرفته است. در سیر یاد شده تقریبا به تمامی عملیات ها و نبردها طی این مدت اشاره و به اهم نکات آن پرداخته شده و

ضعفها و قوت‌های خودی و دشمن، پایای جنگ بررسی گردیده است.

مجموعه‌ی عظیم منابع و مدارک این کتاب که در مخزن مرکزی «مطالعات و تحقیقات جنگ» آرشیو و نگهداری می‌شود در صورت فرارسیدن زمان مناسب و رفع تنگناهای یاد شده می‌تواند دهها جلد کتاب مستند و مفصل را تشکیل بدهد و طبیعی است که استخراج مهم موارد قابل ذکر و ارائه آنها در یک جلد کتاب نمی‌تواند حق مطلب را آنطور که شأن آن است ادا کند و با وجود اجمال و اختصار، عظمت و شکوه چهار سال مقاومت بی نظیر و غیر قابل تصور رزمندگان اسلام را بیان نماید. اما علیرغم این می‌توان گفت آنچه ارائه شده یک مجموعه بی نظیر و منحصر به فرد از مسائل و حوادث چهار سال جنگ می‌باشد.

کتاب حاصل در دو فصل تنظیم گردیده است. در فصل اول تحت عنوان «نگاهی اجمالی به جنگ از بیت المقدس تا بدر» ابعاد و زوایای جنگ از آزادی خرمشهر تا قبل از عملیات والفجر ۸ (خرداد ۶۱ تا مرداد ۶۴) به صورت اجمالی در ۸ مبحث مورد بررسی قرار گرفته است. نقاط قوت و ضعف خودی و دشمن، دست آوردهای نظامی سیاسی و همچنین چگونگی ارتقاء خودی در زمینه‌های سازماندهی و تاکتیک در طول این دوران را از سیر مربوطه می‌توان دریافت، این مباحث عبارتند از:

۱ - فتح خرمشهر: سرآغاز مرحله‌ی جدید در جنگ

۲ - عملیات رمضان: ورود به داخل عراق

۳ - عملیات محدود: کسب توان و گرفتن زمان و ابتکار عمل از دشمن (عملیات مسلم بن عقیل - عملیات محرم)

۴ - والفجر مقدماتی و ۱

۵ - توجه مجدد به عملیات محدود و گسترش جنگ در سراسر مرز

ص: ۱۳

۶ - عملیات خیبر: اتخاذ تاکتیک ویژه جهت دستیابی به ابتکار عمل

۷ - عملیات بدر: بازگشت مجدد به هور

۸ - پس از بدر: گسترش جنگ شهرها و انجام سلسله عملیات محدود (قدس ۱ تا ۵ و عاشورا ۴)

فصل دوم به عملیات بزرگ و سرنوشت ساز والفجر ۸ (پیروزی فاو) اختصاص دارد. این فصل شامل مباحث زیر است:

۱ - بررسی اجمالی وضعیت دشمن - این مبحث در واقع مقدمه ای برای عملیات فاو است و اوضاع و اقدامات دشمن قبل از این عملیات را بررسی کرده است.

۲ - ضرورت انجام عملیات بزرگ، ویژگیهای منطقه عملیاتی فاو.

در این بحث عوامل انتخاب و مشخصات طبیعی منطقه عملیاتی بررسی شده و سپس مزایای منطقه و ویژگیهای مثبت عملیات، موانع و محدودیت های منطقه ای و نظامی و تدابیر متخذه برای استفاده از مزایا و رفع معایب مذکور و نیز طراحی مانور عملیات مورد بحث قرار گرفته است، پس از ذکر مسائلی چون چگونگی شناسایی و جمع آوری اطلاعات از دشمن، به شرح عملیات پرداخته شده و در آخر نتایج بدست آمده ارائه شده است.

۳ - فاو از حضور تا تثبیت.

در این مبحث تلاش ها و اقدامات دشمن برای باز پس گیری فاو و اقدامات خودی برای تثبیت منطقه، سپس نتایج و دستاوردهای نهایی عملیات مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- استراتژی دفاع متحرک عراق بعنوان عکس‌العملی در قبال عملیات پیروز والفجر ۸ و سرانجام آن مورد بحث قرار گرفته و به تعرضات زمینی متعدد دشمن و فرجام آن پرداخته شده است.

نهایتاً با گزارش آزادی مجدد مهران به مثابه‌ی نقطه پایانی تحرکات زمینی چند ماهه‌ی دشمن، این مبحث و همچنین کتاب به پایان می‌رسد.

در آخر باید به این نکته مهم اشاره کرد که: دهها عملیات کوچک و بزرگ همراه با پیروزیها و عدم‌الفتح‌ها در طی چهار سال جنگ که در کتاب به آن اشاره شده، تنها نمود و نشانه‌ای است از عظمت عزم نیروهاییکه ایمانشان از توانائی مادی غیر قابل‌وصف دشمنان جهانی اسلام بزرگتر و کاراتر بوده است و بدلیل اتکاء به قدرت لایزال خداوند، قدرت نمایی دشمنانی جهانی ما، کوچکترین تزلزلی در تصمیم آنها بر ادامه راه صعب و دشوار پیروزی نهائی انقلاب اسلامی نتوانسته وارد کند. در واقع ادامه جنگ طولانی با دشمنی که مجری سیاست‌های کینه‌توزانه ابرقدرتها علیه انقلاب اسلامی است و پشتیبانی همه‌جانبه‌ی سیاسی، نظامی، مالی و تبلیغاتی تقریباً تمام جهان را علیه ما در اختیار دارد، امری است که تنها و تنها از عهده‌ی انقلاب اسلامی و نیروهای مخلص و متعهد به اسلام برآمده است و همین بزرگترین پیروزی نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد. اگر کتاب حاضر توانسته باشد، به میزانی هر چند ناچیز، گوشه‌ای از این مقاومت و پایداری بزرگ و جلوه‌ای از استقامت و صبر و تحمل نیروهای اسلام و نتیجتاً قدرتمند شدن روزافزون آنها نشان بدهد، مقصود تهیه‌کنندگان را برآورده ساخته است.

معاونت سیاسی ستاد کل سپاه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ - اسفند ۶۶

اشاره

تنها چهل روز پس از پیروزی عملیات فتح المبین، عملیات بیت المقدس بمنظور درهم شکستن قوای سازماندهی شده دشمن و آزادسازی بخشی عمده از اراضی اشغالی - در محدوده ی دو رودخانه: کارون و کرخه کور (نور)، هورالهوریزه در جنوب اهواز - و عمدتاً خرمشهر، با پیشروی به سمت بصره (تا تنومه واقع در شرق شط العرب)، آغاز شد و در نهایت با فتح خرمشهر پایان رسید.

فتح خرمشهر در واقع ماحصل و نتیجه شیوه ای خاص از جنگ (مردمی) و تاکتیکهای منحصر بفرد بود که دشمن هیچ گونه آمادگی برای مقابله و مهار آن نداشت. بدین معنا که دشمن برحسب معیارها و اصول جنگ کلاسیک، جمهوری اسلامی را فاقد ویژگیها و توانائی لازم در این زمینه می دید. همچنین موقعیت ویژه ی زمین منطقه، که نوع خاصی از پدافند را دیکته می کرد، موجب آن شد که عراق قادر به حفظ و تأمین پوشش جناحین خود نباشد و این امر نهایتاً آسیب پذیری و از هم پاشیدگی قوای دشمن را در همان ساعات اولیه هجوم، در برداشت.

بهرحال، با فتح خرمشهر، که جدا از ضعفهای دشمن و نقطه قوت‌های نیروهای خودی نبود، مرحله ای از جنگ پشت سر نهاده شد و مرحله جدید می رفت تا بدنبال بازتاب گسترده فتح خرمشهر، شکل نهایی خود را بیابد.

فتح خرمشهر در واقع، غرب را رویاروی پیروزیهای فزاینده انقلاب اسلامی قرار داد و از همین رو بود که خبرگزارها از آن بعنوان بزرگترین پیروزی ایران در جنگ ۲۰ ماهه با عراق یاد کردند (۱) و بعد از آن حتی از سوی آمریکا، چنین تعبیر شد که «پیروزی مصممانه ایران دستهای تهران را برای ایجاد عدم ثبات در کشورهای میانه رو خلیج فارس باز خواهد گذارد» (۲).

اینگونه تحلیل و تعبیرها بخوبی خاطرنشان می سازد که پیروزیهای ایران در میدان نبرد و تأثیرات گسترده آن، غرب را با واقعیاتی رویارو نمود که در چهارچوب پیش بینی های دنیای استکبار جایی نداشت. لذا، غرب ناگزیر بمنظور چاره جوئی و حل مسائل پیش آمده، استراتژی خود را مبتنی بر حفظ صدام قرار داد.

در استراتژی جدید غرب که اساسا در پی هراس از پیروزیهای رو به گسترش ایران و خطر تزلزل و از هم پاشیدن نظامهای وابسته منطقه اتخاذ شده بود، فشارهای سیاسی - تبلیغاتی جهانی به جمهوری اسلامی و تسلیح عراق با جنگ افزارهای پیشرفته، در صدر برنامه قرار گرفت.

بعبارت دیگر، هدف مطلوب غرب در وضعیت جدید، بازداشتن ایران از تعرضات گسترده خود، و بالطبع، ایجاد رکود در جبهه و نیز متوقف

ص: ۱۷

۱-۵. برای نمونه، مراجعه کنید به خبرگزاری آلمان ۴ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲-۶. خبرگزاری فرانسه از واشینگتن ۴ / ۳ / ۱۳۶۱ بنقل از یک دیپلمات آمریکایی.

ساختن قوای نظامی ایران در پشت دیوارهای دفاعی عراق بود.

بدین ترتیب و براساس استراتژی یاد شده، عراق به عقب نشینی سراسری مبادرت ورزید تا شاید بدینوسیله زمینه های لازم را برای اتخاذ روش دفاع مطلق در زمین و هجوم در جبهه سیاسی - تبلیغاتی در پوشش «صلح خواهی» و مظلوم نمایی فراهم آورد.

دلایل عقب نشینی به داخل خاک عراق

ناتوانی نظامی عراق در رویارویی با تهاجمات گسترده و نیز محدود رزمندگان در جبهه های جنگ، فرو رفتن در لاک دفاعی را به این کشور تحمیل نمود. عراق با این اقدام، در واقع به پوشاندن نقاط ضعف خود، مبادرت ورزید.

عراق بهنگام حضور در خاک جمهوری اسلامی، بدلیل اینکه از چند محور تهاجم خود را صورت داده بود و همچنین از پیوستن و الحاق بازوهای نظامی خود در محورهای متعدد ناتوان بود در نتیجه در آرایش استقرار نیروهایش دارای دو ضعف عمده بود: دادن جناح، در دسترس قرار گرفتن عقبه هایش. از اینرو تهاجم رزمندگان اسلام به جناحین دشمن و نیز دور زدن نیروهای عراق و دست یافتن به عقبه های آنها، منجر به فروپاشی و درهم ریختگی خطوط و عقبه های دشمن شده و امکان هر گونه مقاومت و ادامه نبرد را از آنها سلب می کرد. بر این اساس دشمن با عقب نشینی سراسری خود سعی کرد سه ضعف عمده اش را مرتفع کند:

۱- با اتخاذ خطوط پدافندی مناسب، متکی بر عوارض طبیعی نوار مرزی از فکه به بالا، مسئله جناح هایش را حل کرد.

۲ - خطوط پدافندی رسمی خود را عملاً کاهش داد.

ص: ۱۸

۳ - صرفه جوئی در قوا و در نتیجه ایجاد نیروهای احتیاط متحرک، در کنترل سپاهها، را ایجاد کرد.

در این زمینه صدام طی جلسه ای با فرماندهان ارتش عراق، دلایل عقب نشینی و ضرورت‌های نحوه ی ادامه جنگ را چنین ذکر می کند:

«دلایلی که باعث بهبودی وضع ما پس از بازگشت به مرزهای بین المللی شد، عبارتند از:

الف) طولانی بودن راههای مواصلاتی ما به جبهه در خاک ایران که این امر موجب مسایل زیر شد:

۱ - مشکل مانور

۲ - نیروهای خودی به مسائل دفاع در خاک ایران کمتر اهمیت می دادند.

۳ - راههای مواصلاتی تدارکاتی، طویل و در خاک دشمن بود، از سوی دیگر ارتباط مرکز فرماندهی با قرارگاههای میدان جنگ بعثت طولانی بودن، مورد تهدید قرار می گرفت. در این حالت نیروهای جلو در معرض انزوا قرار می گیرند، بخصوص وقتی دشمن بطور مستقیم وارد محل شود (دور می زند)، دشمن بر روی این تاکتیک (جناح گرفتن و دور زدن) خیلی تکیه می کند.

ما مجبور بودیم برای حفظ آن جاده ها (عقبه ها) نیروهای پشتیبانی بیشتری گسیل داریم، این وضع برای مسدود کردن معابر نفوذی بسیار سخت و غیر ممکن است، نیروهای موظف به این امر، چون اکثرا از نیروهای ذخیره اند و آمادگی ندارند، قادر به مسدود کردن همه ی معابر نفوذی نیستند. ولیکن الان کلیه امکانات دفاعی برای حفظ خط مقدم فراهم شده و بخشهای ذخیره نیز تجربه کافی کسب کرده اند.

ب) احساس سربازان و ارتشیان ما در هنگامی که از اراضی و حقوق خود دفاع می کنند، با حالتی که در عمق مثلا هشتاد کیلومتری

ص: ۱۹

سرزمین دشمن دارند، متفاوت است.

ج) یکی از عوامل مهم دیگر این بود که دشمن در سرزمین خود می جنگید و بالطبع آشنائی کامل با محیط داشت. مثلاً دشمن از رود کرخه و انشعابات آن و یا رود کارون استفاده می کرد، و مسایل غیر مترقبه ای را برایمان ایجاد می کرد (اصل غافلگیری)، و نسبت به نیروهای خط مقدم احاطه داشت (۱).

چنانچه از این سخنان استفاده می شود، دشمن با عقب نشینی به مرزهای خود، در واقع به خطوط پدافندیش عمق داد و آنرا از آرایش و استحکامات مناسب دفاعی برخوردار ساخت. گذشته از این، خود را آماده جنگ با تهاجم نیروهای پیاده و مهار و کنترل موجهای تعرضی آنها کرد و همچنین نیروهای اصلی و هجومی خود را که در خط پدافندی قرار داده بود، آزاد کرد و آنها را بعنوان نیروی احتیاط (۲) (به دور از خط مقدم، که امکان آسیب پذیری آنها وجود داشت)، مستقر نمود.

در نتیجه، دشمن با این فرض که جنگ ادامه خواهد داشت و در این روند از تهاجمات پی در پی جمهوری اسلامی ایران در امان نخواهد بود، با عقب نشینی سراسری از برخی نقاط، مبادرت به حفظ ماشین جنگی خود و کسب آمادگی لازم برای ادامه جنگ نمود.

ص: ۲۰

۱-۷. اسناد بدست آمده در عملیات والفجر مقدماتی.

۲-۸. در این زمینه توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

قبل از آغاز عملیات رمضان، مسئولین و دست اندرکاران عمدتاً دو مسئله اساسی را رویاروی خود داشتند: یکی تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان، و دیگری ورود بداخل خاک عراق. طبعاً آنچه در لبنان رخ داد، اساساً بدون ارتباط با پیروزیهای رو به گسترش جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر و نیز فراهم سازی زمینه های فشار به ایران و اختتام جنگ نبود. بدین معنی که تأثیر پیروزیهای ایران اسرائیل را از حضور نزدیک فلسطینیها و شیعیان در کنار مرزهای شمالی خود به وحشت انداخت. اشغال مناطق مسلمان نشین شیعیان جنوب و اردوگاههای فلسطینی نیز برای جلوگیری از وقوع انقلاب اسلامی در لبنان و سپس سرایت آن به فلسطین اشغالی بود. در نتیجه اولاً آمریکا می بایست در برابر پیروزی های جمهوری اسلامی عکس العملی نشان دهد و قدرت خود را بنمایاند و ثانیاً انقلاب اسلامی برحسب هویت خود، به هیچ روی نمی تواند و نخواهد توانست مسایل خاورمیانه، بخصوص رژیم اشغالگر قدس را نادیده بگیرد.

ثالثاً، عراق که پس از فتح خرمشهر بدنبال مفری جهت اتمام

جنگ بود، قطعاً می‌توانست به بهانه قرار دادن مسئله حمله اسرائیل، بصورتی ادامه جنگ را به زیر سؤال ببرد.

پس از فتح خرمشهر دست اندرکاران جنگ طراحی عملیات رمضان را در دست داشتند، لیکن پیش آمد بحران تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در ۱۳۶۱ (مصادف با ۱۹۸۲ میلادی) اذهان را متوجه لبنان کرد.

از سوی دیگر، پیش‌بینی می‌شد که جای پا و حضور مناسبی که در لبنان ایجاد شده بود، پس از حل عاجل مسئله جنگ، گسترش و توسعه خواهد یافت و انقلاب اسلامی در مرحله‌ی جدید، بگونه‌ای جدیدتر و اساسی‌تر با اسرائیل و آمریکا درگیر بشود.

نگرش یاد شده نسبت به مسائل لبنان و از طرفی فروکش کردن تب و تاب انجام عملیات در جبهه‌ها، آنهم در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی و در خاک عراق، خصوصاً پس از فتح خرمشهر، طبعاً خطرات فزاینده‌ای را برای جنگ و انقلاب در پی داشت. عبارت دیگر، این وضع، بیم‌گرفتاری ایران در دام استکبار جهانی را می‌داد.

در این مرحله، فرمانده کل قوا امام خمینی با تبیین استراتژی «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، عملاً جهت اصلی تحرکات و اقدامات اساسی جمهوری اسلامی را خاطر نشان فرمودند.

بر این اساس و نیز مبتنی بر واقعیات برآمده از عملیات رمضان و پس از آن ۳ سال رویارویی با دشمن، این نتیجه حاصل شد که جنگ دارای ابعادی وسیع‌تر از آنچه تصور می‌شد، بوده، لزوماً می‌بایست به هر نحو ممکن بگونه‌ای مطلوب حل شود تا از این طریق، مقدمات گسترش و توسعه انقلاب اسلامی فراهم آید.

از سوی دیگر، مسایل لبنان نیز با توجه به تلاش‌های سپاه پاسداران

و نیز ارتباط تنگاتنگ مسلمانان آن دیار با انقلاب اسلامی، عملاً زمینه‌های نوعی خاص از حضور انقلاب اسلامی در مقابل اسرائیل و استکبار جهانی و نیز حفظ جای پای برای موقعیت مناسب را فراهم آورد.

دلایل ورود به داخل خاک عراق

گذشتن از مرزهای بین‌المللی و ورود به خاک دشمن، پس از دفع تهاجم، امری بود که از نظر اعتقادی برای نیروهای رزمنده ابهامی در برداشت، زیرا که عقب‌نشینی سراسری دشمن در پی شکستهای سنگینی که متحمل شده بود، بمنظور معطل نمودن ایران و ایجاد شرایط نه صلح نه جنگ و حاکم ساختن وضعیت فرسایش در جنگ صورت گرفت.

لازمه حفظ و گسترش ابتکار عمل و برخورداری از روحیه تهاجمی جهت اعاده‌ی حقوق جمهوری اسلامی شرایطی بود که ادامه جنگ و ورود به داخل خاک عراق را امکان‌پذیر می‌ساخت. لذا، در آن مقطع به انحاء گوناگون دلایل زیر جهت ورود به داخل خاک عراق مطرح می‌شد.

۱ - پس از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و عقب‌نشینی سراسری عراق از مناطق اشغالی، کشورهای مرتجع منطقه موقعیت را مغتنم شمرده، طی نامه‌هایی که با مسئولین جمهوری اسلامی رد و بدل کردند، عملاً درصدد برآمدند تا حقوق حقه جمهوری اسلامی را نادیده گرفته، نسبت به موقعیت برتر ایران از خود بی‌اعتنائی نشان دهند. (۱) ورود به خاک

ص: ۲۳

۱- ۹. مقامات عربستان طی نامه‌ای به حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهور پیشنهاد کردند که هیئتی از طرفین جنگ به عربستان بیایند و در آنجا مذاکرات صلح آغاز شود. متقابلاً در پاسخ به پیشنهاد عربستان سعودی نسبت به تغییر شیوه برخورد آنها سؤال شده بود که سعودیها در جواب گفته بودند: فعلاً مسئله اسرائیل مطرح است، ایران چه می‌خواهد؟ عراق هم که عقب‌نشینی کرد!!.

عراق، در حقیقت، پایان دادن به این گونه برخوردها بود.

۲ - تنبیه صدام بعنوان متجاوز، تا بدین وسیله زمینه های هر گونه تجاوز به مرزهای جمهوری اسلامی، در آینده، از میان برداشته شود.

۳ - استراتژی «راه قدس از کربلا می گذرد» بر تداوم عملیات تا حل نهایی مسئله جنگ تکیه داشت و تلویحا این نکته را نیز مطرح می کرد که انقلاب اسلامی از این طریق می تواند برخورد جدی با غرب و مبارزه با اسرائیل را تدارک بخشد.

۴ - با توجه به اینکه برنامه ها و مطلوب غرب، متوقف ساختن نیروها در پشت مرزها بود، این توقف، جز گرفتار شدن در یک دام، معنای دیگری نداشت. علاوه بر این، دشمن پس از عقب نشینی، با فرصت سه ماهه ای که بدنبال حمله اسرائیل به جنوب لبنان بدست آورد، مناسبترین خطوط پدافندی را در نوار مرزی، متکی بر عوارض طبیعی، ایجاد کرد و در نتیجه، در خیلی از جاها خطوط جدیدی که بر نیروهای اسلام تحمیل شد، مناسب برای پدافند نبود و طبعا در معرض آسیب پذیری قرار داشت.

تهدید شهر بصره

عملیات رمضان بر این اساس طراحی شد که با حضور قوای نظامی ایران در پشت رودخانه دجله و اروند و تسلط بر معابر وصولی بصره، در ادامه عملیات فتح المبین و فتح خرمشهر، عملا- از نظر سیاسی - نظامی موقعیت مناسبی برای جمهوری اسلامی فراهم آید، بطوریکه یا غرب تن به تغییرات سیاسی در عراق بدهد و یا در غیر این صورت، امکان ادامه جنگ در آینده از موضع قویتری فراهم شود.

منطقه عملیاتی رمضان محصور است بین یک زمین مثلث شکل به وسعت ۱۶۰۰ کیلومتر مربع - که از شمال به کوشک و پلائیة (پاسگاههای مرزی ایران در جنوب هویزه) و حاشیه جنوبی هورالهویزه به طول ۵۰ کیلومتر و از غرب به رودخانه اروند (که از نقطه تلاقی رودخانه دجله و فرات بنام القرنه شروع می شود تا شلمچه در غرب خرمشهر) بطول ۸۰ کیلومتر و از شرق به خط مرزی شمالی - جنوبی از کوشک تا شلمچه بطول ۶۰ کیلومتر منتهی می شود - بر روی رودخانه اروند در این قسمت چهار پل (دو پل در منطقه نشوه و دو پل در منطقه ی تنومه) واقع شده است که در جنوب غربی این رودخانه شهر صنعتی و بندری بصره قرار دارد.

دشمن تا قبل از فتح خرمشهر، از آنجا که این شهر را کلید بصره می دانست و امکان از دست دادن این شهر را غیر ممکن می پنداشت، در شرق بصره مواضع مستحکمی نداشت. لیکن در فرصتی که برحسب حضور فکری نیروهای خودی در لبنان و تأخیر در انجام عملیات رمضان، بدست آورد، تغییرات مهمی را در زمین منطقه ایجاد کرد که قسمت اعظم آن، مبتنی بر تجارب برآمده از عملیاتهای گذشته بود.

بدین ترتیب، دشمن با احداث خاکریزهای مثلثی، خطوط پدافندی مناسبی را ایجاد کرد که طراحان و مبتکران اصلی آن در گذشته اسرائیلی ها بودند. علاوه بر این، دشمن، کانالی بطول ۳۰ کیلومتر و عرض ۱ کیلومتر را که مختص به امر پرورش ماهی بود، با پمپاژ آب و احداث موانع و کمین و سنگرهای تیربار، بعنوان مانعی بازدارنده، در مقابل تعرض نیروهای خودی به سمت بصره، آماده نمود.

همچنین در قسمت جنوبی منطقه که مقابل شلمچه واقع است، از

سوی دشمن، آب رها شد تا مانع از عبور نیروهای اسلام شود.

دشمن در بیابان شرق بصره، چیزی بیش از آنچه ذکر شد، بطور برجسته و عمده نداشت، اما در جنوب غرب اروند، شهر صنعتی - استراتژیک بصره واقع است.

جمعیت این شهر کمتر از یک میلیون نفر است و دارای پالایشگاه، کارخانه عظیم پتروشیمی، واحد تصفیه گاز طبیعی و کارخانه های صنعتی دیگر می باشد. همچنین بخش تنومه که متعلق به شهر صنعتی در شرق اروند است، در نزدیکی بصره، قرار دارد.

علاوه بر این، صحرائی که در غرب بصره واقع است، و نیز سرزمین باتلاقی شمال آن، عظیمترین منابع نفتی عراق را در خود نهفته دارد.

ضمناً، جاده مواصلاتی بغداد به کویت، بنام صفوان، که دارای اهمیت استراتژیکی است و تدارکات اصلی و تسلیحات و مهمات نظامی دشمن از آن صورت می گیرد، و از جنوب این شهر عبور کرده، پس از گذشتن از شهر مرزی صفوان، در کویت امتداد می یابد.

مأموریت و طرح مانور

خط حد و محدوده منطقه عملیاتی رمضان از کوشک، در شمال، آغاز می شد و تا رودخانه اروند، در جنوب، امتداد داشت. در این محدوده، عملیات رمضان از چهار محور یا چهار قرارگاه عملیاتی [محورهای: شمالی، میانی (شمال و جنوب پاسگاه زید) و جنوبی] بمنظور انهدام نیروهای سپاه سوم دشمن و تأمین خط رودخانه اروندرود، طراحی شد.

قسمتی از مسئله عمده در مانور عملیات، ضرورت هماهنگی در

پیشروی قرارگاهها از محورهای مختلف و حفظ جناحین بود، که اساسا تحقق آن، با اتکاء به تلاشهای مهندسی، امکان پذیر بود.

از آنجا که در منطقه شرق اروند عقبه دشمن فقط متکی به چهار پل در «نشوه» و «تنومه» بود، پیش بینی می شد که در صورت سرعت عمل و رعایت غافلگیری توأم با پیشروی مناسب، نیروهای زیادی از دشمن به اسارت درآیند و در عمل، چیزی نظیر واقعه شکستن حصر آبادان (عملیات ثامن الائمه)، تکرار شود.

ضمنا سازمان رزم عملیات، متشکل از نیروهای ارتش و سپاه در نظر گرفته شد و در مجموع، نیروهای منظور شده و بکار گرفته شده، عبارت بودند از «۱۰ تیپ به اضافه» از سپاه و «۲ لشکر و یک تیپ به اضافه» از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی.

شرح عملیات (مراحل اول تا پنجم)

عملیات رمضان در پنج مرحله به اجرا درآمد که از تاریخ ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱ آغاز شد و تا تاریخ ۷ / ۵ / ۱۳۶۱ به طول انجامید.

مرحله اول

در مرحله اول عملیات، سه قرارگاه از سه محور با دشمن درگیر شدند و در جناح شمالی، دو تیپ به اضافه از سپاه و یک تیپ از ارتش، مأموریت یافتند این جناح عملیات را تأمین نمایند. لیکن بعلت وجود موانع و استحکامات مثلثی شکل و میادین مین، نیروها نتوانستند با سرعت عمل به تمامی اهداف مورد نظر دست یابند. لذا با نزدیک شدن روشنائی صبح، از ادامه پیشروی خودداری شد.

در محور میانی (شمال پاسگاه زید)، سه تیپ با اضافه از سپاه و

یک لشکر از نیروی زمینی ارتش شرکت داشتند، و علیرغم اینکه توانستند مقداری پیشروی کنند، لیکن به مثلی های دشمن نرسیدند.

در محور جنوبی (جنوب پاسگاه زید)، چهار «تیپ به اضافه» از سپاه و دو تیپ از ارتش توانستند با سرعت عمل چشمگیر و قابل ملاحظه ای تمامی مواضع دشمن را درهم بکوبند و به عمق ۳۰ کیلومتری مواضع دشمن پیشروی نمایند و خود را به نهر کتیبان، در شرق اروند، و کانال ماهیگیری برسانند، بطوریکه به قرارگاه فرمانده لشکر ۹ زرهی رسیده، ماشین بتز فرماندهی را به غنیمت گرفته، قرارگاه را منهدم کردند، و از آب کانال ماهیگیری و نهر کتیبان وضو ساختند.

در این محور، نیروها بقدری به بصره نزدیک شده بودند که براحتی چراغهای شهر را مشاهده می کردند.

علیرغم موفقیت بدست آمده در این محور، جناح راست نیروهای خودی خالی ماند و پاکسازی کامل نیروها و موانع دشمن صورت نگرفت؛ لذا با روشن شدن هوا، دشمن، با یک لشکر زرهی فشار اصلی را معطوف آنجا نمود و در نتیجه از تأمین منطقه، ممانعت بعمل آمد.

بدین ترتیب طی مرحله اول عملیات، ۸۵ تانک و نفربر و ۱۲ توپ دشمن منهدم گردید و ۷۱ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این، ۲۷۰۰ تن از عناصر دشمن کشته و زخمی شده، ۸۵۰ تن به اسارت درآمدند.

مرحله دوم

مرحله دوم عملیات از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان یگانهای مرحله اول، به اضافه یک یگان قوی از سپاه با تقویت دو تیپ که تحت امر قرارگاه محور جنوبی بودند، در تاریخ ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۱، آغاز شد. در

ص: ۲۸

این مرحله هدف عمده، استفاده از سر پل بدست آمده (در داخل خاک عراق به وسعت ۶۰ کیلومتر مربع) در مرحله اول و گسترش و توسعه آن تا کانال ماهیگیری (جلوی بصره) بود، که در صورت دستیابی به آن، فاصله رزمندگان تا بصره از ۲۰ کیلومتر به ۱۲ کیلومتر تقلیل می یافت.

تلاش انجام شده طی این مرحله، نظر به اینکه دشمن در فاصله مرحله اول و دوم عملیات مجدداً میادین مین در عمق ایجاد کرده بود و نیز بعثت عدم پاکسازی کامل و الحاق جناحین، به سرانجام مطلوبی منتهی نشد. اما در مجموع، تلفات نسبتاً زیادی، به دشمن وارد آمد، بطوریکه ۱۱۶ تانک و نفربر و ۵۱ دستگاه خودرو منهدم گردید و ۱۵ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این ۷۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

مرحله سوم

بدنبال تهیه عکس هوایی از منطقه عملیاتی و سایر شواهد و قرائن موجود، مشخص شد که دشمن نیروهای زرهی خود را با تجمعی بسیار وسیع آرایش داده و احتمالاً- مبادرت به پاتک خواهد نمود. بر این اساس مرحله سوم عمدتاً به منظور انهدام تجهیزات زرهی (تانک و نفربر) تدبیر شد لذا از شرکت نیروهای زرهی خودی ممانعت بعمل آمد تا بدین وسیله نیروهای پیاده و مجهز با هر زره پوشی که مواجه شدند، آنرا منهدم کنند.

بدین ترتیب عملیات از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان نیروهای مرحله دوم، به اضافه سه تیپ، تقویت شد و در تاریخ ۳۰ / ۵ / ۱۳۶۱ آغاز گردید. قوای نظامی خودی در همان ساعات اولیه بصورتی چشمگیر خطوط دشمن را درهم شکسته و با انهدام بخشی وسیع از تجهیزات دشمن، در زمینی به وسعت ۱۸۰ کیلومتر مربع، به پیشروی ادامه دادند.

طی این مرحله، نزدیک به ۷۰۰ تانک و نفربر دشمن منهدم گردید؛ ۱۴ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد و ۲۱۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۲۵۹ نفر از آنها به اسارت درآمدند. قابل ذکر است که در میان تانکهای انهدامی دشمن، ۱۶ تانک مدرن و پیشرفته تی - ۷۲ بچشم می خورد، که ۴ تانک از آن نوع نیز به غنیمت گرفته شد.

مرحله چهارم

در تاریخ ۱ / ۶ / ۱۳۶۱ در محور جنوبی عملیات (شلمچه) قرارگاه مزبور با ۲ تیپ به اضافه از سپاه و یگانی از ارتش بصورت ادغامی وارد عمل شدند، لیکن بدلیل هوشیاری دشمن و نیز موانع و استحکامات قابل توجهی که وجود داشت عملاً امکان عبور از خط اول دشمن فراهم نیامد.

مرحله پنجم

تلاش اصلی در مرحله پنجم عملیات، که در تاریخ ۶ / ۶ / ۱۳۶۱ انجام گرفت، معطوف به محور شمالی پاسگاه زید در حد فاصل دژ مرزی عراق و خاکریزهای مثلثی دشمن شد. طی این مرحله، هفت تیپ تقویت شده از سپاه و دو تیپ از ارتش شرکت داشتند.

در آغاز درگیری، همه چیز طبق روال پیش می رفت. در نتیجه نیروهای خودی توانستند گذشته از پاکسازی و الحاق، خاکریزی مناسب و دوجداره در جناح شمالی احداث نمایند، ولی از آنجائیکه دقت کافی در احداث خاکریز نشده بود دشمن توانست پنج کیلومتر در آن رخنه کند. در این فاصله نیروها نزدیک به ۴۸ ساعت در مواضع بدست آمده مستقر شدند و عقبه امکانات پشتیبانی رزمی و خدماتی به جلو منتقل گردید، دشمن نیز که در مرحله گذشته ضرباتی اساسی متحمل شده بود، عملاً

حرکتی از خود نشان نداد، لیکن بنا به دلایلی، علیرغم اینکه عملیات تا آستانه تثبیت پیش رفته بود، طی بررسی که بعمل آمد، ادامه حضور نیروها مصلحت دیده نشد.

در مرحله پنجم، ۱۳۰ تانک و نفربر دشمن منهدم گردید و ۱۱ تانک آن به غنیمت گرفته شد. همچنین ۸۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

در عملیات رمضان آمار کلی تلفات و خسارات وارده به دشمن، عبارت بود از:

انهدام تانک و نفربر: ۱۰۹۷ دستگاه از انواع مختلف

کشته و زخمی: ۷۴۰۰ نفر

اسیر: ۱۳۱۵ نفر

ضمناً ۴ لشکر و ۳ تیپ زرهی دشمن بین ۲۰٪ تا ۶۰٪ منهدم شد و ۹ تیپ پیاده دشمن بین ۲۰٪ تا ۱۰۰٪ خسارت و تلفات را متحمل گردیدند.

ارزیابی عملیات رمضان

آنچه در عملیات رمضان قابل ملاحظه بوده و خطوطی برجسته را در تاریخ جنگ و انقلاب اسلامی ترسیم می کند، گذشته از انهدام وسیع دشمن، نفس تهاجم به داخل خاک عراق است. این امر در واقع، به معنی مقابله با تمامی فشارهای سیاسی - تبلیغاتی دنیای استکبار بود.

علاوه بر این عملیات رمضان این معنا را به غرب تفهیم کرد که جمهوری اسلامی پس از پشت سر گذاردن مرحله بیرون راندن متجاوز از سرزمینهای اشغالی، مصمم به ادامه نبرد تا تحقق خواسته های بحق خود می باشد.

ص: ۳۱

گذشته از این، عملیات رمضان در بعد نظامی فراتر از توانمندیهای جمهوری اسلامی بود و عمدتاً می‌بایست بعنوان یک تجربه، نصب العین تبیین مرحله جدید جنگ می‌شد. عبارت دیگر، عملیات رمضان خاطر نشان می‌ساخت که با تغییر زمین نبرد و نیز اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی دشمن، استمرار جنگ نیازمند شرایطی جدید است که بدون در نظر گرفتن آنها نتایج مطلوب حاصل نخواهد شد.

این شرایط عبارت بودند از:

۱ - فراهم آوردن تمامی شرایط و لوازم پیشروی.

۲ - افزایش توانائی مهندسی.

۳ - گسترش سازمان رزم بطور کلی (بصورتی که با طولانی شدن جنگ و درگیری، امکان و توانائی ادامه نبرد با دشمن را از دست ندهیم).

۴ - گسترش سازمان یگانهای زرهی، بمنظور جنگ در روز و رویارویی با نیروهای زرهی دشمن.

ص: ۳۲

علت و چگونگی اتخاذ تدبیر عملیات محدود پس از عملیات رمضان را بایستی اساساً با توجه به نتایج برآمده از این عملیات بررسی نمود.

در عملیات رمضان، در واقع دشمن خاطرنشان ساخت که با آشنائی نسبت به تاکتیکهای نیروهای خودی، تدابیری مناسب اندیشیده و بر مبنای آن، به توان خود در مقابله با قوای نظامی ایران افزوده است. متقابلاً برای دست اندرکاران و مسئولین نظامی خودی نیز زمینه باور داشتن به مسایلی که تحت الشعاع پیروزی های فتح المبین و بیت المقدس نادیده انگاشته می شد، فراهم آمد و بدین ترتیب روشن گردید که بدون استفاده از تاکتیکهای جدید و ابتکار در برابر دشمن و نیز بدون برنامه ریزیهای همه جانبه، بصورت بلند مدت و میان مدت، ادامه جنگ با مشکلات و موانع عدیده روبرو خواهد شد. گذشته از این، مسائل دیگری در بطن نتایج حاصله از عملیات رمضان وجود داشت و چنین می نمایاند که بدون در نظر گرفتن آنها و بالطبع، با عدم اتخاذ تدابیر مناسب، ادامه جنگ ممکن نخواهد بود. از جمله اینکه:

۱ - دشمن سعی داشت با بهره گیری از نیروی زرهی و آتش شدید توپخانه، هرگونه عملیات گسترده یا محدود در دشت باز را کنترل نماید و از بین ببرد.

۲ - آنچه که دشمن در جنگ رمضان به نمایش گذارد، حاوی این نکته بود که از این به بعد ادامه جنگ با اتکا به تاکتیکهای فتح المبین و بیت المقدس امکان پذیر نیست. و لزوماً باید تاکتیکهایی ویژه اتخاذ شود، زیرا شرایط زمین و نحوه ی پدافند دشمن و عمق و استحکامات به هم پیوسته او، تغییر کرده است.

بر مبنای موارد یاد شده، جمهوری اسلامی برای ادامه ی جنگ لزوماً بایستی از آمادگی و توانی قابل ملاحظه برخوردار می شد. حضور وسیع مسئولین در امر جنگ، می توانست نقشی عمده در این زمینه داشته باشد.

از سوئی دیگر فرماندهی کل قوا با تأکید بر ضرورت حضور نیروها در جبهه، تحت عنوان «واجب کفایی»، مجدداً ضرورت برخورد همه جانبه با معضلات جنگ و یا عبارتی «اصلی نمودن جنگ» را یادآور شدند.

تدبیر عملیات محدود

لزوم گسترش توان رزمی و کسب آمادگیهای لازم بمنظور ادامه جنگ تا کسب نتایج قطعی از سوی جمهوری اسلامی، الزاما نیازمند زمان مناسب و فرصت کافی بود. اما از سوی دیگر، هر نوع رکود و توقف در جبهه ها و عدم استفاده از زمان، تبعاتی سوء در برداشت که تن در دادن به آن، نوعی تسلیم شدن به فشارهای دشمن تلقی می شد. لذا تدبیر عملیات محدود اتخاذ گردید تا در فاصله زمانی مشخص جبهه های جنگ از فعالیت لازم برخوردار گردند؛ بدین ترتیب که با گذشت زمان و فرصتی

ص: ۳۴

که حاصل خواهد شد، گسترش و افزایش توان رزمی با بالا- بردن کیفیت نیروها از طریق آموزش، گسترش سازمان رزم و افزایش کادر فرماندهی ورزیده، انجام پذیرد.

بعبارت دیگر، ضرورت ادامه جنگ و حفظ برتری قوای اسلام و ابتکار عمل، در گرو شکستن هر نوع بن بست احتمالی بود. از اینرو لزوماً بایستی کسب توان رزمی، از طریق درگیری مستمر با دشمن و گرم نگاه داشتن جو جنگ در جبهه و پشت جبهه انجام می پذیرفت، تا بدینوسیله فرصت لازم جهت بازسازی یگانهای منهدم شده و غیره از دشمن گرفته شود و نیز امکان حفظ حالت تعرضی نیروهای خودی و فراهم آوردن زمینه های جذب نیرو، که بعد از انجام هر عملیات پیروزمندانه، این زمینه مساعد می شود، فزونی یابد.

مضاف بر این اهداف، فواید دیگری در استمرار عملیات و وارد ساختن ضربات پی در پی به دشمن نهفته بود که بخشی از آن چنین است:

۱- ایجاد خستگی و فرسایش در نیروهای دشمن بمنظور کاهش مقاومت آنها.

۲- فرصت ندادن به دشمن برای ترمیم و بازسازی آسیب ها و ضربات وارده در طی عملیات.

۳- مختل نمودن فکر دشمن برای ممانعت جمع بندی تجارب و بهره گیری از آنها.

۴- گرفتن تلفات زیاد از دشمن، از طریق انهدام نیرو

۵- تجزیه دشمن و ممانعت از عمل متمرکز

و...

در چارچوب تدابیر عملیات محدود و با لحاظ نمودن فوائد استمرار

ص: ۳۵

و تسلسل عملیات، در این مرحله اساسا آنچه که تحقق یافت، دو عملیات «مسلم بن عقیل» و «محرّم» بود که شرح اجمالی آن در پی می آید.

عملیات مسلم بن عقیل

عملیات «مسلم بن عقیل» که در چارچوب تدبیر عملیات محدود مورد نظر قرار گرفت، بعنوان اولین حرکت در این روند انجام پذیرفت. هدف این عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات مشرف بر شهر مندلی عراق بود.

موقعیت منطقه

ارتفاعات مهم منطقه عملیاتی واقع در غرب سومار عبارت است از: سارات با ۳۲۷ متر، سیدک با ۲۵۳ متر، دروازه ی تپه شلوغ با ۲۳۵ متر، گیسکه با ۳۳۰ متر، و اروالین (که مرتفع ترین تپه در این منطقه می باشد)، با ۴۰۲ متر ارتفاع.

در شرق و غرب این ارتفاعات تعداد زیادی پاسگاه مرزی خودی و دشمن وجود دارد که از جمله آنها پاسگاه «دوله شریف»، «کومه سنگ» و «میان سنگ» قابل ذکر است.

تنگه «میان تنگ» که در وسط ارتفاعات قرار دارد، تهدیدی جدی در کنترل شهر مندلی محسوب می شود. لذا دشمن نیرویی عمده را برای حفظ آنها استقرار داده است.

از آنجا که ارتفاعات منطقه بمنزله مانع جهت وصول به خاک عراق محسوب می شد، برای دشمن ارزش و اهمیتی ویژه داشت و طبعا با تصرف آن، ورود به خاک عراق آسان می گردید.

دشمن با وقوف بر این امر سعی وافر داشت تا مانع از هر گونه

پیشروی قوای اسلام و کسب برتری تاکتیکی از سوی جمهوری اسلامی بمنظور توسعه و تعمیق اهداف تاکتیکی در خاک عراق و کسب پیروزی بشود. از این رو دشمن با اطلاع از تک ما، مبادرت به تقویت نیرو و تحکیم و تعمیق موانع و مواضع پدافندی نمود؛ چنانچه یک افسر اسیر عراقی اظهار داشت: فرماندهان ما تصور نمی کردند که ایرانیها قادر خواهند بود از ۵۰ رده مین و تله های انفجاری، عبور نمایند!

شرح عملیات

عملیات مسلم بن عقیل پس از کسب آمادگیهای لازم در ساعت ۷:۴ دقیقه بامداد ۱۳۶۱/۷/۹ با رمز «یا ابوالفضل العباس» به فرماندهی قرارگاه عملیاتی نجف اشرف آغاز شد. و بدنبال آن رزمندگان با عبور از میادین مین و سیمهای خاردار تنها پس از ۱۰ دقیقه ارتفاعات گیسکه تا کله شوان را فتح نمودند. و بعد از آن، به ترتیب ارتفاعات «واروالین» به قلعه بین تا سمت راست تنگه جوق و ارتفاعات مثالی تصرف شد. و بدین ترتیب دشمن در پایان عملیات، در جلگه مستقر گردید و نیروهای خودی تسلط لازم را بر دشمن بدست آوردند.

نیروهای دشمن که در پی آماده باشهای متوالی و مکرر دچار خستگی جسمی و ضعف روحی شده بودند. غالباً فاقد آمادگی لازم بودند و در هنگام آغاز تک در خواب بسر می بردند.

با روشن شدن هوا در ساعات اولیه روز ۱۳۶۱ / ۷ / ۹، دشمن اقدام به پاتک نمود که دستاورد لازم را برای نیروهای عراقی در پی نداشت و خنثی گردید.

خسارات وارده به دشمن و غنایم بدست آمده:

۱ - آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری

۲ - کشته و زخمی شدن بیش از ۴۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن

۳ - انهدام ۷۹ دستگاه تانک و نفربر از جمله چند دستگاه تانک تی - ۷۲.

۴ - به اسارت گرفتن ۲۷۵ نفر که در میان آنها تعدادی افسر هم دیده می شد.

۵ - انهدام ۲۰ دستگاه خودرو، ۳ دستگاه لودر و ۳ قبضه کاتیوشا.

۶ - به غنیمت گرفتن یک دستگاه رادار، یک دستگاه ردیاب صوتی توپخانه، ۳ دستگاه لودر و بلدوزر د-۸، و ۳ قبضه توپ ۱۰۰ م.م، دوربین دار و...

۷ - سرنگون کردن ۷ فروند از هواپیمای دشمن.

عملیات محرم

منطقه عملیاتی محرم، منطقه ای کوهستانی که در جنوب شرقی دهلران در غرب عین خوش قرار دارد. دشمن با در اختیار داشتن ارتفاعات استراتژیک آن، که متعلق به جمهوری اسلامی ایران است، امتیازاتی متعدد را برای خود محفوظ نگاهداشته بود، از جمله:

۱ - از نظر پدافندی در مواضعی مطمئن قرار داشت.

۲ - جاده دهلران - عین خوش را در زیر دید و تیر خود داشت و بدین ترتیب، آن را بدون استفاده کرده بود.

۳ - می توانست به اشغال چندین حوزه نفتی و تأسیسات آن در منطقه بیات، در دو طرف مرز بین المللی و در داخل خاک عراق، ادامه دهد.

۴- قادر به دفاع از شهرک صنعتی طیب، زبیدات و چاههای نفت آن، چندین روستا و پاسگاه مهم در خاک عراق بود.

هدف عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات، سرکوب منطقه و قرار گرفتن در موضع برتر تاکتیکی، با راندن دشمن به دشت باز بود.

موقعیت طبیعی منطقه

مشخصه مهم این منطقه وجود ارتفاعات جبال حمرین است، که خطر مرزی قراردادی ایران و عراق قبل از تجاوز این کشور به ایران بوده، و بلندترین قله آن به ارتفاع ۴۰۰ متر، در خاک جمهوری اسلامی قرار داشته است. گذشته از تپه ۲۹۸ که در داخل خاک ما قرار دارد، تپه ۱۷۵ در داخل خاک عراق واقع شده است که مشرف بر محور وصولی و با اهمیت - عین خوش - چم سری - شرهانی - زبیدات می باشد، چنانچه می توان از روی آن، جاده اسفالت شرهانی - زبیدات را، که به لحاظ ارتباطی و تدارکاتی مهم است، با تیر منحنی و دیدبانی مناسب برای اجرایی تیر غیر منحنی مورد تهدید قرار داد.

یکی دیگر از عوارض طبیعی منطقه، رودخانه های چیخواب، دویرج و میمه است که فصلی و وحشی بوده، به هنگام طغیان، ارتفاع آب آن بعضاً به ۱۰ برابر معمول (که حدود ۳۰ سانتیمتر است)، می رسد.

به لحاظ تسلط مواضع استقرار دشمن بر معابر و منطقه ی مواصلاتی نیروهای خودی، به همین علت کلیه تردها در شب و با چراغ خاموش صورت می گرفت ضمناً منطقه کلی عملیات در حوزه ی مأموریت سپاه چهارم عراق قرار داشت و پدافند از منطقه عملیاتی محرم، به عهده لشکر ۱۰ زرهی بود.

عملیات محرم در چند محور و طی چند مرحله طراحی شد که مرحله اول آن دوشنبه ۱۰ / ۸ / ۱۳۶۱ در ساعت ۸ و ۲۲ دقیقه با رمز «یا زینب (س)» با فرماندهی قرارگاه عملیاتی کربلا، با سرعت و غافلگیری قابل ملاحظه آغاز شد، به نحوی که کمتر از نیم ساعت پس از شروع عملیات، قوای اسلام توانستند در یک محور تعدادی از نیروهای عراقی را به اسارت در آورند و در محور دیگر نیروهایی از دشمن، به استعداد بیش از یک تیپ، در محاصره نیروهای خودی قرار گرفتند و غالباً اسیر شدند.

در ساعت ۶ صبح ۱۱ / ۸ / ۱۳۶۱ به استثنای جناح چپ منطقه ی عملیات، کلیه یگانها اهداف تعیین شده را تصرف نمودند و پس از یکی، دو ساعت، بین کلیه نیروها الحاق حاصل شد.

از چهار قرارگاه فرعی شرکت کننده در عملیات، نیروهای سه قرارگاه اهداف خود را حتی بیش از آنچه که پیش بینی شده بود، تصرف کردند. ولی یگانهای قرارگاه چهارم بعثت طغیان رودخانه دویرج و پاره ای مشکلات در پشتیبانی یگانهای مانوری نیروها، نتوانستند اهداف خود را در حوالی منطقه چم هندی و ربوط بطور کامل تصرف نمایند.

نتایج مرحله اول عملیات

آزاد شدن ۵۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی، از جمله ارتفاعات ۴۰۰، ارتفاعات ۲۹۸، پل چم سری، حوزه نفتی بیات - نهر عنبر، چم سری و موسیان و خارج شدن جاده عین خوش - دهلران از زیر دید و تیر دشمن و همچنین زیر دید تیر قرار گرفتن شهرک طیب عراق.

تلفات و ضایعات وارده به دشمن طی این مرحله عبارت بود از:

- انهدام ۸ تا ۱۲ یگان سازمانی دشمن بین ۲۰٪ تا ۷۰٪.

- انهدام ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۳۰ دستگاه خودرو.

- سقوط ۷ فروند هواپیمای دشمن.

به غنیمت گرفتن ۴۵ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو و مقادیر معتناهی سلاح سبک، از انواع مختلف.

ضمنا در این مرحله از نیروهای دشمن، ۲۶۰۰ نفر کشته و زخمی و ۱۹۷۰ نفر اسیر شدند.

مرحله دوم عملیات

علیرغم موفقیت‌های حاصله از مرحله ی اول و درهم پاشیدگی و ضعف روحیه دشمن، به لحاظ عدم موفقیت قرارگاه چهارم در مرحله اول و خالی ماندن جناح چپ قوای اسلام، اساسا موفقیت‌های مرحله اول در معرض تهدید بود؛ لذا مهمترین هدف مرحله دوم، ترمیم رخنه ی موصوف، با حداکثر سرعت ممکن بود.

بدین منظور مرحله ی دوم عملیات در روز سه شنبه ۱۰ / ۸ / ۱۳۶۱ در ساعت ۲ / ۵ بعد از نیمه شب آغاز شد و نیروهای ما در ساعت ۵ صبح به جاده اسفالته شرفانی دسترسی پیدا کردند و در ساعت ۷ صبح با الحاقی که صورت گرفت، محاصره دشمن کامل گردید.

در این مرحله ۱۵۰ کیلومتر مربع زمین آزاد شد و مجددا ۶ یگان سازمانی دشمن، بین ۲۰٪ تا ۶۵٪ منهدم شدند.

همچنین ۱۵۰ نفر دیگر از نیروهای دشمن به اسارت قوای اسلام درآمدند.

ص: ۴۱

هدف مرحله سوم عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات و دامنه های غربی حمیرین و جاده ها و مراکز مهم عملیاتی و ایجاد تأمین لازم برای جاده اسفالته ی چم سری، شراهانی، زبیدات و همچنین جاده شنی زبیدات - طیب بود.

به همین منظور، در روز دوشنبه ۱۵ / ۸ / ۱۳۶۱ ساعت ۱۰ شب عملیات مرحله سوم آغاز شد و پس از یک نبرد نسبتاً گسترده بعثت مقاومت پراکنده دشمن، و عدم پاکسازی منطقه، در ساعت ۸ صبح فردای آن، پایان گرفت.

وارد ساختن ضربات پی در پی در عملیات محرم و موفقیت های حاصله، دشمن را هراسناک ساخت، چنانچه از ترس محاصره و انهدام بیشتر، از محور ربوط و چم هندی پا به فرار گذاشت و مقادیر بسیار دیگری از خاک جمهوری اسلامی آزاد شد.

نتایج مرحله سوم عملیات

آزاد شدن ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق از جمله پاسگاه های زبیدات، شراهانی، ابوغریب و... و تأسیسات نفتی منطقه (۳۰ الی ۳۵ حلقه چاه نفت)، از نتایج این مرحله از عملیات بود.

ضمناً در پایان مرحله سوم عملیات محرم، در مجموع ۱۴ تیپ عراق بین ۵۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم گردید.

تجهیزات دشمن که طی این مرحله از عملیات منهدم شد، عبارت بود از: ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو، ۱۵ قبضه تفنگ ۱۰۶ و ۳ فروند هواپیما.

غنائم بدست آمده در مقایسه با مرحله دوم، چشمگیرتر بود و ۹۴ دستگاه تانک و نفربر، ۱۵۰ دستگاه خودرو، و ۵۱ قبضه تفنگ ۱۰۶ و... در میان غنائم مشاهده می شد.

نیروهای شرکت کننده در عملیات

چهار لشکر پیاده از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و یک تیپ از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در عملیات شرکت داشتند و یک تیپ از سپاه پاسداران نیز در احتیاط قرار داشت.

قابل ذکر است که سپاه پاسداران در این عملیات توانست از تانکها و توپخانه غنیمتی خود استفاده ی مناسبی بعمل آورد.

ص: ۴۳

عملیات والفجر مقدماتی

پس از عملیات محرم چنین پیش بینی می شد که دستیابی به شهر العماره عراق دور از امکان نیست بر این اساس بخشی از زمین شمال شهر العماره، که بین مثلث فکه، چزابه، غزیه، محصور بود، مورد نظر طراحان نظامی قرار گرفت.

یکی از مسائل مطروحه، به هنگام عملیات والفجر مقدماتی، همزمانی عملیات با دهه ی فجر و دیگری برگزاری کنفرانس غیر متعهدها در هند بود. همچنین موفقیت های بدست آمده در دو عملیات مسلم بن عقیل و محرم، مجموعاً نقش بسزایی در شکل گیری خطوط تبلیغاتی آن مقطع داشت (۱).

ص: ۴۴

۱- ۱۰. البته مسائل دیگری وجود داشت که نقد و بررسی آن نیازمند شرایط و موقعیت مناسبتری می باشد.

منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی از شمال به «میشداق» و «برقازه» و از جنوب به «هورالهویزه»، از شرق به «چزابه» و شهر «بستان» و از غرب به شهر «العماره» عراق و رودخانه دجله منتهی می شد.

در منطقه ی مزبور رودخانه های متعددی وجود دارد، از جمله رودخانه دویرج، که از کوههای شمالی منطقه سرچشمه گرفته و به «هورالسناف» می ریزد و رودخانه ی میمه که سرچشمه ی آن ارتفاعات ایلام است و در آخر به «هور بن عمران» (جنوب هورالسناف) منتهی می شود.

هدف و مأموریت

عملیات والفجر مقدماتی با هدف تصرف پل غزیه و سپس در صورت امکان، دستیابی به شهر العماره ی عراق، طراحی گردید.

مسئله قابل توجه در این عملیات، بکارگیری نیروی زرهی بود که این امر عمدتاً به لحاظ بعد مسافت و عمق منطقه عملیاتی در نظر گرفته شده بود.

همچنین در این عملیات، ۱۳ یگان اعم از تیپ و لشکر از سپاه پاسداران و ۳ یگان از ارتش مشارکت داشتند.

شرح عملیات

هنگام آغاز عملیات، مسئولین سطح بالای کشور در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) حضور بهم رسانیدند.

در ساعت ۳۰ / ۲۱ دقیقه روز ۱۸ / ۱۱ / ۱۳۶۱ رمز عملیات به شرح زیر قرائت گردید:

«بسم الله الرحمن الرحيم، و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین. قد تری ما انا فیه ففرج عنا یا کریم، یا الله، یا الله، یا الله.»

به مظلومیت علی اصغر و به ذوالفقار برنده ی ولی المؤمنین و قهاریت رب العالمین به پیش»

بدنبال آن، عملیات از سه محور آغاز شد و نیروها در تاریکی مطلق شب، پیشروی خود را بمنظور پاکسازی میادین مین و شکستن خطوط دفاعی دشمن و رخنه در این خطوط، آغاز نمودند، وسعت و عمق موانع و استحکامات دشمن و وجود کانالهای متعددی که دشمن برای ایجاد آنها در طول بیش از چند ماه کوششی قابل ملاحظه انجام داده بود، سرعت لازم را از نیروها گرفت. در نتیجه، علیرغم شکسته شدن خط، بعثت اینکه تاریکی شب رو به پایان نهاد، قبل از آنکه پاکسازی انجام بگیرد، طبیعی بنظر می رسید که امکان استقرار کامل وجود نداشته باشد.

در واقع تاریکی مطلق شب، عدم الحاق و پاکسازی، عمق و وسعت میادین مین دشمن، هوشیاری و تسلط آنان و اطلاع قبلیشان نسبت به وقوع عملیات، عمده موانع و عوامل بازدارنده ای بود که منجر به عدم تأمین کامل اهداف مرحله اول عملیات شد.

علیرغم وضعیت موجود، به خاطر موقعیت خاصی که به تبع آغاز عملیات در میان مردم ایجاد شده بود و از طرفی به دلیل امیدواری مسئولین و نیز تبلیغات سوء دشمن و... مرحله ی دوم عملیات به منظور ضربه زدن به دشمن، انهدام تجهیزات، و وارد کردن تلفات آغاز گردید. به لحاظ ناهماهنگی در نیروهای عمل کننده و عدم رعایت برخی مسائل امکان

غافلگیری دشمن کاملاً از بین رفته بود و دشمن از هوشیاری کافی برخوردار شده بود لذا در مرحله ی اول آسیب جدی به نیروهایش وارد نیامد. بهمین جهت پیش بینی موفقیت تا اندازه ای غیر معقولانه بنظر می رسید.

در والفجر مقدماتی، موانع و تاکتیکهای جدید دشمن مسئله ای حائز اهمیت و نیازمند مذاقه بود؛ زیرا از ابتدای پیشروی نیروهای خودی، از نقطه رهائی تا رسیدن به خط دوم دشمن، بیش از ۱۶ نوع مانع از سوی دشمن تعبیه و ایجاد شده بود و یا بصورت عارضه طبیعی منطقه، وجود داشت که به ترتیب عبارت بودند از:

۱ - حدود ۸ الی ۱۰ کیلومتر رمل.

۲ - یک سری میادین مین که از قبل تعبیه شده بود.

۳ - سیم خاردار حلقوی به عرض ۶ حلقه.

۴ - مواضع کمین.

۵ - سیم خاردار معمولی.

۶ - میدان مین با عمق زیاد.

۷ - سیم خاردار حلقوی.

۸ - کانال به عرض ۳ الی ۴ متر که تا ۹ متر نیز می رسید.

۹ - سیم خاردار حلقوی.

۱۰ - میدان مین با عمق زیاد.

۱۱ - سیم خاردار حلقوی.

۱۲ - کانال دوم با مشخصات کانال اول (بند ۸).

۱۳ - سیم خاردار حلقوی.

۱۴ - میدان مین.

۱۵ - خط اول دشمن که از سنگرهای متعدد و تعبیه کانال در زمین (مشابه شرق بصره) تشکیل شده بود.

دشمن با این اقدامات، در واقع آنچه را بصورت تجربه از عملیاتهای گذشته بدست آورده بود (که اندکی از آن را در عملیات رمضان بکار بست)، تقریباً بصورت کامل در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی بکار گرفت.

دشمن سعی داشت با موانع یاد شده تا حد امکان در پیشروی قوای اسلام تأخیر ایجاد کند. از اینرو موانع مزبور به منزله زنگ خطر و عامل هشداردهنده محسوب می شد و از طرفی بطور طبیعی توان نیروی تک و ر را، جهت تأمین اهداف در شب، می گرفت.

گذشته از این، گرفتن جناح و بکارگیری نیروی احتیاط دو مسئله قابل توجه بود که در تاکتیکهای دشمن در عملیات والفجر مقدماتی مشاهده گردید.

مسئله دیگر اینکه در گذشته نیروهای هجومی و اصلی دشمن در خطوط حضور داشتند و بطور طبیعی در معرض آسیب پذیری نیروهای مهاجم بودند؛ لیکن در این عملیات نظر به اینکه دشمن شکستن خط را برای خود مفروض می دانست، لذا نیروهای هجومی اش را در احتیاط قرار داد و با گذاردن نیروهای پدافندی در خط و عمق بخشیدن به میادین مین و ایجاد موانع دیگر، عملاً سعی بر این داشت که پس از گرفتن توان نیروهای مهاجم، با وارد کردن نیروهای اصلی خود، مناطق تصرف شده را باز پس بگیرد.

عملیات والفجر ۱

مدتی پس از انجام عملیات والفجر مقدماتی، عملیات والفجر ۱

در شمال غربی منطقه قبلی - از ارتفاعات حمیرین تا فکه - طراحی شد و مورد نظر قرار گرفت. هدف اصلی این عملیات در درجه اول تک به جبال حمیرین و تکمیل تصرف آن (۱) و نیز دست یابی به جبل فوقی بود تا بدین وسیله پس از تسلط بر ارتفاعات منطقه، دشمن را مجبور کنند تا در دشت قرار بگیرد و مقدمات پیشروی به عمق فراهم آید.

موقعیت منطقه

زمین منطقه عمدتاً تپه ماهور و کوهستانی است و ارتفاعات مهمی مانند: ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۸ و... را در خود جای داده است. اکثر این ارتفاعات در منطقه جنوبی عملیات و در امتداد جنوب شرقی جبال حمیرین واقع است و به شکل دهلیزی صخره ای نمایان است؛ به این صورت که از غرب رودخانه دویرج به بعد، بلندی ارتفاعات افزایش می یابد تا اینکه در قسمت بالای آن، دو دهلیز وسیع را تشکیل می دهد؛ بطوریکه ارتفاعات مهم منطقه بر روی این دو یال قرار می گیرد.

همچنین پس از دشت سمیده، در این قسمت ارتفاعات جبل فوقی بموازات جبال حمیرین شروع می شود، و پس از آن، آب گرفتگی و باتلاقهای هورالهلغل و هورالسناف قرار گرفته است.

غیر از پاسگاههای مرزی (پیچ انگیزه، بجلیه، سمیده، صدام و...) و تأسیسات نفتی سمیده و نیز تأسیسات نفتی بزرگان در پشت جبل فوقی، تا شهر العماره عوارض مصنوعی برجسته ای وجود ندارد.

ص: ۴۹

۱- ۱۱. در عملیات محرم قسمتی از جبال حمیرین همچنان در اختیار دشمن قرار داشت.

قرارگاه مشترک خاتم الانبیاء (ص) عملیات والفجر ۱ را از دو محور شمالی و جنوبی به فرماندهی قرارگاه کربلا (راست) و نجف (چپ) طراحی نمود و پس از آن سازمان رزم عملیات بصورت مشترک تعیین شد. در این عملیات، ۸ لشکر از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ۲ لشکر و ۳ تیپ به اضافه ۱ گردان از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مشارکت داشتند. عبارت دیگر در حدود ۸۰ گردان از سپاه و نزدیک به ۳۰ گردان از نیروی زمینی مأموریت عملیات را بر عهده گرفتند.

شرح عملیات

در تاریخ ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۲ ساعت ۲۳ عملیات والفجر ۱ با رمز زیر آغاز شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم، يا الله. يا الله. يا الله وانصرنا على القوم الكافرين، يا محمد (ص) يا امير المؤمنين يا فاطمه الزهرا... با توکل بر خدا به پیش.»

یگانهای عمل کننده به تناسب طرح مانور و مأموریت‌های تعیین شده، با اختلاف کمتر از یک ساعت، با دشمن درگیر شدند. در قرارگاه عملیاتی کربلا نیروها در دو جناح چپ و راست در عمق پیشروی کردند و پس از انهدام نیروهای دشمن، نظر به اینکه محور وسط پاکسازی نشده بود و نیروهای خودی از جناحین تهدید می شدند، با نزدیک شدن روشنایی هوا دستور داده شد که از ادامه پیشروی خودداری کنند.

در محور قرارگاه عملیاتی نجف، چند ارتفاع مهم منطقه پاکسازی شد و نیروها بر روی آنها و نیز در داخل کانالهای ارتباطی و سنگرهای

دشمن هجوم برده، در آنجا مستقر شدند.

مسئله قابل ذکر در این محور، عملکرد چشمگیر و ابتکاری یکی از یگانهای سپاه در جناح چپ محور جنوبی است، بطوریکه نیروهای دشمن دور خورده و بطور کامل منهدم شدند.

دشمن صبح روز اول با استفاده از ارتفاعاتی که به تصرف نیروهای خودی درنیامده بود، از جمله ارتفاع مهم ۱۶۵ (مشرف بر پاسگاه و شیار بجلیه) اقدام به تقویت نیروهای موجود در منطقه کرد و سپس پاتکهای خود را با حجم آتش زیاد آغاز نمود، بصورتیکه تا ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز به همین شکل پنج پاتک را تدارک و اجرا کرد.

در شب دوم، ارتفاع ۱۶۵ به تصرف نیروهای خودی درآمد؛ لیکن با روشن شدن هوا و اجرای آتش شدید از سوی دشمن، این ارتفاع طی همان روز دوبار میان نیروهای خودی و دشمن رد و بدل شد.

در روز سوم عملیات، نیروهای دشمن با در اختیار داشتن ارتفاعات ۱۶۵ و سپس اجرای آتش شدید و بهره گیری از هلی کوپتر، مجددا پاتکهای خود را از سر گرفتند که مقاومت رزمندگان طی این روز چشمگیر و قابل توجه بود.

در شب چهارم، نیروهای خودی مجددا تلاشی به منظور تصرف ارتفاعات ۱۶۵ انجام دادند؛ لیکن دشمن که هوشیار شده و اهداف عملیات را درک کرده بود، به مقابله با تعرض نیروهای خودی پرداخت.

در روز چهارم و پنجم، جنگ با شدت تمام بر روی ارتفاعات تصرف شده ادامه داشت و در برخی از ارتفاعات، نبرد تبدیل به جنگ تن به تن شده بود.

طی این درگیریها ارتفاعات منطقه چندین بار رد و بدل شد. لیکن علیرغم عبور موفق نیروها از موانع و شکستن خط دشمن و نیز بکارگیری

نسبتاً مناسب آتش توپخانه و تلفات قابل ملاحظه ای که به دشمن وارد شد، درگیریها بمرور کاهش یافته، نیروهای خودی در مواضع مناسب اقدام به پدافند کردند.

نتایج عملیات، بنقل از اطلاعیه شماره ۱۱ قرارگاه مشترک خاتم الانبیاء:

کشته و مجروح ۸۵۰ نفر

اسیر ۳۵۰ نفر

انهدام تانک ۹۸ دستگاه

انهدام هلی کوپتر ۵ فروند

انهدام سه واحد ۵۵۰ نفری جیش الشعبی

انهدام سه گردان کماندوئی

انهدام ۱۳ تیپ پیاده مکانیزه

انهدام ۴ گردان مکانیزه

ص: ۵۲

اشاره

پس از انجام عملیات والفجر مقدماتی و ۱، همان مسایلی که لزوماً بایستی پس از نبرد رمضان مورد نظر قرار می‌گرفت و به آن عمل می‌شد، مجدداً به شکلی عمیق‌تر مطرح شد. این بار ضرورت گسترش سازمان رزم و اتخاذ تاکتیک‌های ویژه، شکل و اهمیتی تازه بخود گرفته بود و چنین می‌نمود که بدون تعهد عملی به آن، امکان ادامه جنگ، بدور از موانع و معضلات عدیده نخواهد بود.

سپاه پاسداران با درک ضرورت‌های یاد شده و وضعیت موجود، بدنبال راه کار مناسبی بود که در طی آن تصور هر گونه بن بست در جنگ را درهم شکسته، فضای مناسبی را به منظور ادامه نبرد، فراهم آورد. لذا با استفاده از ویژگی ضعف دشمن و نیز در نظر گرفتن اصل غافلگیری، عملیات در منطقه هورالهویزه طراحی شد؛ اما کسب آمادگی لازم و انعطاف مناسب با موقعیت عملیات در هور، نیازمند زمان بود؛ از این رو هر آنچه ضرورت اتخاذ استراتژی عملیات محدود را پس از عملیات رمضان موجب شده بود، مجدداً مطرح شد و بر این اساس پس از بحث و بررسی فراوان، سه عملیات: والفجر ۲، در منطقه عملیاتی حاجی عمران، والفجر ۳، در مهران و والفجر ۴، در پنجوین عراق، طراحی شد و مقرر گردید که

عملیاتهای یاد شده از ویژگیهای زیر برخوردار باشند:

۱ - با توجه به موقعیت زمانی و مسائل پس از والفجر مقدماتی و ۱ با سرعت عمل شود.

۲ - از نیروی کمتری استفاده شود.

۳ - از تلفات و ضایعات خودی کاسته گردد، به نحوی که به سازمان سپاه آسیب عمده وارد نشود.

۴ - حتما امکان پیروزی عملیاتها تضمین شده باشد.

بر این اساس، مقرر شد طی زمانی کوتاه با ویژگیهای چهارگانه فوق بصورتی پی در پی انجام پذیرد تا در این فاصله مقدمات عملیات اصلی (خیبر) فراهم شده و بسیج و جذب نیروهای مردمی به اندازه کافی صورت بگیرد.

عملیات والفجر ۲

عملیات والفجر ۲ در منطقه غرب پیرانشهر، در حد فاصل بین ارتفاعات قمطره و تمرچین، با اهداف زیر تدارک دیده شد:

۱ - انهدام نیروی دشمن و گرفتن اسیر

۲ - تجزیه نیروی دشمن

۳ - تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه

۴ - تصرف پادگان حاج عمران و تسلط بر شهر چومان مصطفی

موقعیت طبیعی منطقه و اهمیت آن

پادگان حاج عمران در موقعیتی سوق الجیشی واقع شده است؛ بدین ترتیب که از شمال به ارتفاعات چنارستان و کلاشین، از جنوب به ارتفاعات بسیار مرتفع سکران و کدو و از شرق به ارتفاعات تمرچین و

شهر مرزی پیرانشهر، و از غرب به تنگه در بند و شهر چومان مصطفی عراق، محدود می شود.

ارتفاعات مهم این منطقه، عبارتند از: ۲۵۱۹ «گرده مند»، ۲۹۹۹ «کدو»، ۲۵۰۶، ۲۵۰۰ «در بند»، و ۳۰۰۰ «برزین» و ارتفاع ۲۴۳۵ «گرده گو» همچنین قابل ذکر است که ارتفاعات یاد شده مشرف بر ارتفاعات پیرانشهر و جاده پیرانشهر - نقده، پادگان پیرانشهر و نیز جاده پیرانشهر - سردشت و بالعکس بر چومان مصطفی، دیانا و رواندوز از شهرهای عراق، می باشد.

آنچه بر اهمیت منطقه و ضرورت تصرف آن می افزود، اساساً تبعات بعدی آن بود که قسمتی از آن چنین است:

۱ - تسلط بر تردد ضد انقلاب و کنترل آن.

۲ - ایجاد تسهیلات و پشتیبانی لازم از افراد مسلمانان و مبارز عراقی

۳ - فراهم سازی امکان گسترش عملیات نامنظم در خاک عراق

۴ - حفظ پیرانشهر از هر گونه تهاجم و تجاوز نیروهای عراقی

۵ - زمینه سازی نزدیکی بیشتر به شهر و تأسیسات نفتی کرکوک

موقعیت دشمن در منطقه

دشمن در سراسر منطقه، سه رده خط پدافندی داشت که هر رده ی آن پوشیده از موانع و استحکامات بود. همچنین در اطراف پایگاهها سیم خاردار و میادین مین نصب و تعبیه شده بود و بر روی ارتفاعات، نورافکن قرار داشت.

استعداد دشمن در حدود ۲ تیپ پیاده و یک گردان زرهی، به عنوان نیروی درگیر، و یک تیپ پیاده، در احتیاط منطقه بود. علاوه بر

ص: ۵۵

این دشمن در منطقه ۲ آتشبار ۱۰۰ م.م، یک توپ ۱۷۵ م.م و یک آتشبار ۱۲۲ م.م و نیز یک آتشبار ۱۳۰ م.م در چومان مصطفی داشت.

دشمن در مجموع بیش از ۳۰ پایگاه در منطقه داشت که ۲۰ پایگاه آن اصلی و قوی بود که از کل آن ۱۵ پایگاه بطور کامل از سوی نیروی خودی شناسائی شد، در پایگاههای یاد شده، کمترین نیروی دشمن ۳۰ نفر و بیشترین آنها در حد یک گردان برآورد می شد.

مأموریت و طرح مانور

مبنای طرح مانور، عملیات تک دورانی (دور زدن دشمن) بود تا بدین وسیله هر گونه فرصت عکس العمل از دشمن گرفته شود، بدین ترتیب که ۴ گردان سمت راست و ۳ گردان سمت چپ وارد عمل می شدند و پس از دور زدن ارتفاعات، در تنگه دربند الحاق می نمودند و نهایتاً پاکسازی بطور کامل انجام می پذیرفت.

سازمان رزم و نحوه ادغام نیروهای سپاه و ارتش بدین شکل بود که مجموعاً ۱۶ گردان از سپاه و ۶ گردان پیاده و یک گردان مکانیزه از نیروی زمینی ارتش در عملیات شرکت داشتند.

همچنین پشتیبانی عملیات از سوی هوانیروز، با توجه به موقعیت منطقه و صعب العبور بودن ارتفاعات، برحسب مقتضیات و امکانات موجود پیش بینی شد.

نظر به اینکه در طی چند سال جنگ، در این منطقه عملیات منظمی صورت نگرفته بود، لذا منطقه به کار مهندسی و آماده سازی نیاز داشت.

از شهر پیرانشهر تا پادگان حاج عمران، تنها یک جاده وجود داشت که به دلیل عدم رسیدگی و ترمیم آن، خودبخود غیر قابل استفاده

شده بود. بدین ترتیب در طی مدت زمانی که مهندسی بطور فعال وارد عمل شد، ۱۵ جاده بر روی ارتفاعات و در داخل شیارها احداث گردید.

شرح عملیات

در ساعت ۱ بامداد روز ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۲، عملیات والفجر ۲ با رمز «یاالله» آغاز شد. قسمتی از نیروهای خودی ۲۴ ساعت قبل از آغاز تک، به منظور دور زدن دشمن، از خط عزیمت خود حرکت نمودند و پس از ۲ ساعت راهپیمایی موفق شدند خود را به مناطق تعیین شده رسانده، برای شروع عملیات اعلام آمادگی کنند.

علیرغم اینکه نیروها پس از ۲ ساعت تأخیر در تمامی محورها، با دشمن درگیر شدند، لیکن پیشروی قابل توجهی صورت گرفت. اما از آنجا که دشمن بر ارتفاعات سرکوب منطقه تسلط داشت. آتش شدید توپخانه اش عملاً مانع از تکمیل و دستیابی به تمامی اهداف عملیات شد، بطوریکه همچنان ارتفاعات «کینگ»، «۲۵۱۹»، «بردسر» و «دربند» را در اختیار داشت.

در ادامه عملیات در صبح روز ۳ / ۵ / ۱۳۶۲، روستای رایات به دست نیروهای خودی تصرف شد و ضمن محاصره چند روستای دیگر، گمرک جاده پیرانشهر - حاج عمران آزاد گردید. همچنین پس از آنکه نیروهای خودی بر قسمتی از ارتفاعات ۲۵۱۹ تسلط یافتند، دشمن طی دو نوبت به ارتفاعات یاد شده پاتک نمود که در نوبت اول مجبور به عقب نشینی شد و در نوبت دوم توانست بر قسمتی از آن تسلط یابد. اما پس از آنکه هوانیروز امکان یافت که نیروهای خودی را تدارک کند، مابقی نیروهای دشمن پاکسازی شدند و بدین ترتیب ارتفاعات ۲۵۱۹ بطور کامل به تصرف نیروهای خودی درآمد.

همچنین دشمن در تاریخ ۵ / ۵ / ۱۳۶۲، با ۱۶ فروند هلیکوپتر و با استفاده از هلی برد به یال ارتفاعات کلو حمله کرد که در پی آن ۶ فروند هلی کوپتر خود را از دست داد. یکی از این هلیکوپترها مملو از نیرو بود.

نیروی دشمن که در پاتکها شرکت داشتند، مجموعاً تیپ ۶۶ نیروی مخصوص، تیپ ۵، و تیپ ۹۱ پیاده و نیز تیپ ۱۱۳ و ۴۳۳ پیاده کوهستانی را شامل می شد.

قابل ذکر است که به لحاظ اهمیت منطقه، صدام در شهر دیانا حضور پیدا کرد و از آنجا به تشویق و ارعاب و تهدید نیروهای شکست خورده عراقی پرداخت. همچنین بنا به اظهارات اسرا، فرمانده تیپ ۹۱ پیاده، از اهالی کردستان عراق، به دستور صدام در شهر دیانا اعدام شد.

دستاورد و نتایج عملیات

عملیات حاج عمران، با آزادسازی ۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک دشمن و تسلط بر قسمتی از ارتفاعات سرکوب منطقه، به پایان رسید. طی این عملیات، مناطق زیر به تصرف نیروهای خودی درآمد: پاسگاه مرزی تمرچین عراق، پادگان حاج عمران، گمرک مرزی، سلسله ارتفاعات «کلو» و قله استراتژیک (۳۰۰۰ متری) آن، ارتفاعات ۲۵۱۹ (گردمند)، «سرسول»، «آزادی»، ۳۷۰۰ «سلمان»، ۲۴۰۰ «شیوه کارت»، «بردزرد»، همچنین آزادسازی روستاهای زینو «ممی خلان»، «رایات»، «شیوش»، «خوارو»، «میوتان» بالا و میوتان پائین، از نتایج این عملیات بود.

تسلط رزمندگان اسلام بر شهر چومان مصطفی و... نیز قسمت دیگری از دستاوردهای این عملیات محسوب می شد.

در میان غنائم، چندین قبضه توپ ۱۲۲ م.م، بیش از ۲۰ دستگاه تانک، دهها دستگاه تفنگ ۱۰۶ با ماشین، انواع مختلف ادوات و نیز مقدار معتابهی سلاح و مهمات، که از انبار پادگان حاج عمران بدست آمده بود، بچشم می خورد.

همچنین یک انبار بزرگ مهمات در روستای ممی خلان وجود داشت که دشمن پس از عقب نشینی، با بمباران، تمامی آنرا منهدم کرد.

مجموع کشته ها و زخمیهای دشمن به بیش از ۴ هزار نفر رسید، ۲۰۰ نفر به اسارت گرفته شدند و نزدیک به ۵۰ پایگاه دشمن نیز منهدم و یا تصرف گردید. همچنین از مقر تیپ ۹۱ که مأمور حفظ پادگان و منطقه بود مدارک و اسناد بیشماری بدست آمد که حاکی از روابط عمیق گروهکهای کومله و دمکرات با حکومت عراق بود.

عملیات والفجر ۳

قرارگاه عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای انجام عملیات، منطقه عمومی مهران را با اهداف زیر، انتخاب نمود:

۱ - آزادسازی شهر مهران از زیر دید و تیر دشمن

۲ - ایجاد سهولت در برقراری ارتباط شهرهای دهلران - مهران و نیز ایلام - مهران

۳ - تحمیل خطوط پدافند به دشمن و کشاندن وی از ارتفاعات به دشت

۴ - انهدام دشمن

۵ - باز پس گیری ارتفاعات و عوارض حساس زالوآب (که

دشمن پس از عقب نشینی از مهران، که بدنبال عقب نشینی سراسری انجام گرفت، ارتفاعات سرکوب منطقه را در اختیار داشت تا بدین وسیله امکان دستیابی به مهران را برای خود محفوظ بدارد و نیز با استقرار بر روی ارتفاعات، گذشته از محافظت از شهر بدره ی عراق، با نیرویی کمتر منطقه را پدافند نماید. حال آنکه عقب راندن دشمن از روی ارتفاعات، پدافند در دشت را به عراق تحمیل می کرد و این امر طبعاً به نیروی بسیار نیاز داشت.

موقعیت منطقه

در منطقه دشت مهران، دو رشته ارتفاعات وجود دارد: در شمال، ارتفاعات زالوآب و کانی سخت و نمه کلان بو است که قسمت عمده آن در خاک ایران قرار دارد و در جنوب، ارتفاعات «قلاویزان» واقع است که مرز ایران - عراق را مشخص می سازد. بین دو ارتفاع یاد شده، دشت مهران و «دشت ورمهراز» و «زرباطیه» عراق واقع است؛ در قسمتی از ارتفاعات زالوآب و کانی سخت، مرز مشترک ایران و عراق قرار دارد که در سمت غربی آن، ارتفاعات نمه کلان بو، با قللی بیش از ۲۰۰ و کمتر از ۴۰۰ متر ارتفاع، واقع است. همچنین ارتفاعات زالوآب، که دارای تپه هائی به ارتفاع ۳۴۳، ۳۲۵، ۳۴۰ و ۳۱۰ می باشد، در سمت شرق «نمه کلان بو» قرار دارد که مهمترین ارتفاع آن معروف به کله قندی دارای ۳۶۳ متر ارتفاع است.

همچنین در امتداد جاده، مهران - ایلام در شمال شرقی مهران، تنگه «کنجانچم» قرار دارد که به منزله گلوگاه ورود به دشت مهران، از طرف ایلام، به نظر می رسد و ارتفاعات کله قندی تسلط کامل بر این تنگه

طرح مانور

با توجه به مختصات جغرافیائی منطقه و اهمیت استراتژیک آن، عملیات به ترتیب در سه محور زالوآب و نمه کلان بو، دشت مهران، و قلاویزان، به منظور تأمین اهداف از پیش تعیین شده، طراحی شد. در این عملیات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، با استعداد یک تیپ زرهی (که در خط داشت) و یک گردان نیروی پیاده و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به استعداد ۳ لشکر، ۲ تیپ، یک تیپ منهای پیاده و یک تیپ زرهی، به صورت ادغامی وارد عمل شدند.

شرح عملیات

عملیات در تاریخ ۷ / ۵ / ۱۳۶۲ ساعت ۱۱ شب، با رمز «یا فاطمه الزهرا» (س)، آغاز شد. محور شمالی عملیات، قبلا جاده ۴۹۰، با غافلگیری، تا پشت نمه کلان بو کشیده شده بود و تعدادی قاطر، جهت ترابری یکروزه، تا تکمیل جاده، منظور شده بود.

با شروع عملیات در این محور، شب اول ارتفاعات نمه کلان بو تصرف و تأمین گردید و برای شب دوم، جاده ۴۹۰ (که در رابطه با عقبه نیروهای خودی نقشی تعیین کننده و سرنوشت ساز داشت) با ماشین آلات مهندسی، کامل شد و مورد بهره برداری قرار گرفت.

در محور میانی (دشت مهران) از پاسگاه دوراجی تا فرخ آباد، با پشت سرگذاوردن جاده مهران - ایلام، هدفها تأمین گردید و سپس جهت پدافند خاکریز احداث شد. ضمنا ۶۰ تن از نیروهای عراقی نیز به اسارت درآمدند.

در محور جنوبی علیرغم موفقیت‌های چشمگیر اولیه، از آنجا که فرصت لازم برای احداث خاکریز از یال قلاویزان به سمت فیروزآباد (در دشت مهران) و از آنجا به فرخ آباد، بدست نیامد، لذا اهداف این محور بطور صددرصد تأمین نگردید.

در محور شمالی، با توجه به اهمیت ارتفاعات زالوآب و کله قندی (که دومی مسلط بر تنگه میان تنگ است)، علیرغم اینکه کله قندی در محاصره نیروهای خودی قرار داشت، دشمن تلاش فراوان می کرد که به هر نحو که ممکن است کله قندی را از محاصره خارج کرده و بر روی آن استقرار یابد.

بدین منظور دشمن نزدیک یک هفته به وسیله هلی کوپتر به نیروهای تحت محاصره خود با اسلینگ آذوقه و کمک می رساند.

از سوی دیگر سعی وافر داشت که خط خودی را در دوراجی شکسته، با جناح چپ الحاق کند تا بدین وسیله صرفنظر از شکسته شدن محاصره کله قندی، با محاصره ی نمه کلان بو تمامی موقعیت جناح شمالی عملیات را متزلزل نماید و پس از آن محور میانی را از دشت مهران پس بزند.

بر این اساس و با توجه به روند حرکت‌های دشمن، در محور «دوراجی» و «نمه کلان بو»، مقاومت چشمگیری بعمل آمد که بعنوان نمونه به یک مورد آن اشاره می شود:

در میان نیروهای اعزامی یک گردان بسیجی بمنظور دفاع، در منطقه مستقر شده بود که پس از تأمین اهداف عملیات در «دوراجی» به خط منتقل گردید. اتفاقاً فشارهای دشمن مصادف با حضور این نیروها شد.

چنین به نظر می رسید که نیروهای یاد شده تاب مقاومت در مقابل

فشارهای سرسام آور دشمن را نداشته باشند؛ لیکن برخلاف تصور، گردان مزبور به خوبی از عهده مهار حرکت‌های دشمن - که خود را به هر طرف می‌کوبید - برآمد و با این حماسه، نه تنها از موفقیت‌های محور شمالی عملیات حراست نمود، بلکه مانع از رخنه دشمن در جبهه میانی نیز شد.

پس از دفع پاتک دشمن از محور دوراجی، نیروهای گردان یاد شده از فرط خستگی در زیر آفتاب سر را بر روی خاک گذارده، به استراحت پرداختند.

از سوی دیگر، دشمن یک گردان از نیروهای پیاده خود را به یکی از شیارهای پشت ارتفاعات منتقل کرده بود تا شب را در آنجا استراحت کنند و صبح با آغاز روشنایی هوا پاتک خود را با رعایت غافلگیری انجام دهند. در این میان، نیروهای شناسائی بطور غیر منتظره با حضور نیروهای عراقی در داخل شیار مواجه می‌شوند که بلافاصله موضوع به اطلاع یکی از یگانهای سپاه می‌رسد و شیارها زیر آتش شدید خمپاره قرار می‌گیرد که در نتیجه، از نیروهای دشمن جز تعدادی انگشت شمار، جان سالم بدر نبرده، تماما در داخل شیار به هلاکت می‌رسند.

نظر به اینکه مقاومت نیروهای دشمن در کله قندی نقشی مؤثر در امیدواری دشمن جهت انجام پاتک داشت، لذا پس از گذشت ۱۱ شب از محاصره نیروهای دشمن، شهید حاج همت، فرمانده لشکر محمد رسول الله (ص)، بمنظور درهم کوبیدن مقاومت دشمن با نیروهای تحت فرماندهی خود اعزام گردید و در همان شب بلافاصله وارد عمل شد و بدین شکل، زائده‌ی حاصله از حضور دشمن، پاکسازی گردید.

لازم به تذکر است که فرمانده دشمن در کله قندی، سرهنگ جاسم یعقوب بود که در هنگام اسارت جراحات متعددی برداشته بود و در

حین انتقال به خطوط پشت جبهه به هلاکت رسید.

نتایج عملیات والفجر ۳

۱ - آزادسازی جاده ایلام - مهران - دهلران

۲ - آزادسازی ارتفاعات زالوآب و نمه کلان بو

۳ - آزادسازی دشت مهران

۴ - برقراری ارتباط جبهه های میانی و جنوبی از طریق دو جاده ایلام - مهران - دهلران

همچنین خسارات وارده به دشمن و نیز غنائم بدست آمده به شرح زیر بود:

۱ فروند هواپیما، ۳ فروند هلی کوپتر، ۱۰ انبار مهمات، ۳ دستگاه لودر و بلدوزر، ۱۶ قبضه خمپاره انداز، ۶۰ قبضه تیربار، ۳۳ دستگاه خودرو. همچنین بیش از ۷۰ دستگاه تانک و نفربر از دشمن منهدم گردید.

در میان غنائم، ۱۵ دستگاه خودرو، ۵ دستگاه لودر و بلدوزر، ۱۶ قبضه خمپاره انداز، ۳ دستگاه تانک، بیش از ۱۸۰۰ قبضه تیربار، بیش از ۵۱ قبضه خمپاره ۸۰ و ۱۲۰ و مقادیر قابل توجهی سلاح و تجهیزات انفرادی، بچشم می خورد.

ضمناً هنگام کمک رسانی دشمن به ارتفاعات زالوآب - که با هلیکوپتر صورت گرفت - مقدار زیادی غنائم بدست آمد.

همچنین ۵۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شده، ۵۰۹ نفر به اسارت درآمدند.

هدف از عملیات والفجر ۴، اتصال ارتفاعات سورن به سورکوه بود که نتایج زیر را در پی داشت:

۱ - تصرف پیشرفتگی دشت شیلر تا بدین وسیله، گذشته از کوتاه شدن خط پدافندی، در نیروهای پدافندی نیز صرفه جوئی بعمل آید.

۲ - مسدود ساختن راه تردد ضد انقلاب که عمدتاً از دشت شیلر انجام می شد.

۳ - تصرف شهر پنجوین عراق

۴ - تصرف پادگان پنجوین و گرمک عراق

۵ - تسلط بر ۱۳ شهر و روستای عراق

۶ - انهدام نیروهای دشمن

۷ - خارج کردن شهر مریوان از زیر دید و تیر دشمن

۸ - فراهم سازی مقدمات عملیات در استان سلیمانیه عراق

موقعیت منطقه عملیاتی

دشت شیلر با فرورفتگی خاص خود، واقع در مرز دو کشور ایران و عراق و در حد فاصل دو شهر مریوان و بانه قرار دارد. این منطقه از جمله مناطقی است که طی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، به دلیل وجود ارتفاعات جانبی آن، به شکل مزبور (فرورفتگی در داخل خاک ایران) تعیین شد.

از جمله مهمترین ارتفاعات این منطقه، سورن، سورکوه و کانی مانگا است که دهانه دشت شیلر را تشکیل می دهد. همچنین در دشت شیلر، شهر پنجوین قرار دارد که ارتفاعات مشرف بر آن، پنجوین یا

زله نامیده می شود.

ضمناً شهر پنجوین عراق، شهری نظامی است که مدتها قبل از عملیات والفجر ۴ از سکنه بومی تخلیه شده بود. دشمن نیز با اطلاع از عملیات والفجر ۴، خصوصاً هنگام دستیابی بر ارتفاعات مشرف بر شهر، بخشی عمده از شهر را منهدم نمود و بویژه تابلوها و نشانه هائی را که حاکی از موجودیت شهر بود، از میان برد.

طرح مانور

نظر به موقعیت منطقه و ارتفاعات یاد شده، که تسلط بر هر کدام قسمتی از اهداف عملیات را تأمین می نمود، عملیات از دو محور عمده (یکی بانه و دیگری مریوان) طراحی گردید.

مرحله اول: در محور بانه تأمین ارتفاعات لری، گرمک و کنگرک و در محور مریوان، ارتفاعات پنجوین (زله)، مارو و خلوزه، هدف بود.

مرحله دوم: تصرف ادامه ارتفاعات سورن و کانی مانگا بود که عملیات را تکمیل نموده، ارتفاعات سورن به سورکوه را به هم متصل می کرد.

سازمان رزم عبارت بود از: ۸ لشکر و ۲ تیپ از سپاه پاسداران و ۱ لشکر پیاده از ارتش.

شرح عملیات

عملیات در تاریخ ۲۷ / ۷ / ۱۳۶۲ ساعت ۲۴ با رمز یا الله از دو محور یاد شده آغاز شد، و بلافاصله با سرعت عملی قابل ملاحظه ارتفاعات لری، گرمک، کنگرک در محور بانه و مارو، خلوزه ی یک، بلاله، سربلاله، سه

ص: ۶۶

درختی، تخم مرغی، پادگان گرمک، شهرک هرگنه و تپه شهداء در محور مریوان آزاد گردید.

طی این مرحله، سپاه با ۲۲ گردان و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با ۳ گردان وارد عمل شدند و نزدیک به ۷۰ کیلومتر مربع از زمینهای منطقه آزاد شد.

مرحله دوم

پس از گذشت ۲ روز از مرحله اول، مرحله دوم عملیات در تاریخ ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۲ ساعت ۱۱ شب آغاز شد و به دنبال آن، ارتفاعات خلوزه ۷، ۲ توانا، کلو، ارتفاعات اطراف پنجوین، یال شرقی زله و ارتفاعات ۱۶۷۲ شرق سنگ معدن در محور مریوان و شاخ نالشکینه در محور بانه در تصرف نیروهای خودی قرار گرفت و متعاقب آن، تسلط کامل بر شهر پنجوین بدست آمد.

ضمناً طی این مرحله، سپاه پاسداران ۷ گردان و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی یک گردان به کار گرفتند. همچنین ۱۰۰ کیلومتر مربع از زمین منطقه آزاد شد.

مرحله سوم: حرکت در عمق

در این مرحله که بامداد روز ۲ / ۸ / ۱۳۶۲ آغاز شد، ارتفاعات استراتژیک شیخ گزنشین شیخ تارجراز کانی مانگا (تقریباً ۲ سوم ارتفاعات کانی مانگا) تصرف شد و پیشرویهای در غرب کانی مانگا و محور چوارتا صورت گرفت.

در تاریخ ۱۲ / ۸ / ۱۳۶۲ طی مرحله سوم عملیات که تنها سپاه با ۲۵ گردان وارد عمل شد مجموعاً ۲۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای منطقه آزاد

ص: ۶۷

گردید. البته تحرکات دیگری نیز صورت گرفت که مراحل یاد شده در مجموع، نتایج زیر را بدنبال داشت:

۱۱ تیپ دشمن بین ۳۰ تا ۱۰۰٪ انهدام و تلفات داشتند و در مجموع، نزدیک به ۱۸ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. و نیز ۱۰۰۰ نفر به اسارت در آمدند. همچنین ۲۷ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین، ۵ دستگاه جیپ ۳، ۱۰۶ قبضه سلاح ضد هوائی سام هفت، ۱۲ قبضه توپ، ۹ خودرو حامل مهمات و همچنین مقدار معتناهی سلاحهای سبک، وسایل مخابراتی، خمپاره انداز، مهمات سبک و سنگین و... منهدم گردید.

غنائم بدست آمده در این عملیات عبارت بود از: ۵ دستگاه تانک نفربر، ۶ دستگاه لودر و بلدوزر، ۲۰۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین، ۲۰ دستگاه جیپ ۱۰۶، ۲۰ قبضه سلاح ضد هوائی سام ۷، همچنین مقدار زیادی وسائل مخابراتی، مهمات سبک و سنگین، سلاحهای سبک در میان غنائم بچشم می خورد.

ص: ۶۸

عراق در سال سوم و چهارم جنگ، براساس تجارب بدست آمده از میادین نبرد، تاکتیکهای جدیدی اتخاذ کرده، به تناسب آن فرم و شکلی مناسب به خود داد. مواجهه با دشمن در ابعاد جدید طبعا نیازمند بکارگیری تاکتیکها و تدابیر جدید بود تا از هر گونه رکود در امر جنگ ممانعت بعمل آید.

بر همین اساس، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اثنای عملیات والفجر مقدماتی، با تشکیل یک قرارگاه، منطقه هور را انتخاب کرده، تلاشهای مقدماتی خود را آغاز نمود تا از این طریق، فضایی مناسب برای ادامه نبرد فراهم آید. نظر به ضعفهای عدیده دشمن در مواجهه با عملیات آبی - خاکی و بمنظور برهم زدن معادله نظامی جنگ به نفع جمهوری اسلامی و نیز بدست گرفتن ابتکار عمل، منطقه ی هور با سه ویژگی برجسته انتخاب گردید:

۱ - ضعف و ناتوانی دشمن در عملیات آبی - خاکی و عدم

۲ - سرعت عمل

۳ - غافلگیری

در واقع منطقه هور با توجه به تجارب بدست آمده از رمضان تا والفجر ۴ و با در نظر گرفتن توان خودی و دشمن و نیز نقش زمین و تأثیر گذاری آن، انتخاب شد.

نظر به راکد بودن نسبی آب هور و وسعت بیش از اندازه آن، که طبعا منجر به طولانی شدن عقبه های خودی می شد و نیز فقدان زمین مناسب جهت استفاده از آتش در پشتیبانی تک و از سوی دیگر، استنباط خاص دشمن از قدرتمندی و قابلیت های نیروهای خودی (پس از عملیات رمضان تا قبل از خبیر)، تماما از جمله شرایط و عواملی بود که موجب می شد دشمن تصور عملیات گسترده را از هور نداشته باشد و همین امر باعث گردید که عراق جزایر مجنون شمالی و جنوبی و شرقی دجله را تنها با استعداد کمتر از چند گردان پدافند نماید.

موقعیت طبیعی منطقه

هور منطقه ای است عموما همسطح دریا که در بعضی جاها سطح آب آن دو تا سه متر بالاتر از آب دریا است و نسبت به مناطق همجوار گودتر می باشد و در مسیر رودخانه های قدیمی و دائمی بوجود می آید، همچنین آب رودخانه صوئیب - که ادامه نهر سابله (نهر انشعابی کرخه) بوده و از وسط هور می گذشته - بعدها به علت مسدود شدن مجاری خروجی رودخانه، در سطح زمینهای اطراف پخش گشته و به آب هورالهیوزه اضافه شده است.

روئیدنیهای که هور را زیر پوشش خود گرفته اند، عبارتند از:

۱ - «نی» - که ارتفاع آن از ۲ متر تا ۷ متر است و عمدتاً در جاهای عمیق می‌روید.

۲ - «بردی» - که معمولاً ارتفاع آن بین ۱ تا ۲ متر است.

۳ - «چولان» - که در جاهای کم عمق می‌روید و ارتفاع آن کمتر از ۵۰ سانتی متر است.

به علت پوشش فشرده سطح هور از نی، بردی و چولان، تردد در آن تنها از معابری خاص (آبراهها، نهرها و یا محل عبور حیوانات وحشی) صورت می‌گیرد.

موقعیت جغرافیایی منطقه

منطقه عملیاتی خیبر که در شرق رودخانه دجله و داخل هورالهویزه واقع شده است، از شمال به العزیر و از جنوب به القرنه طلائی (و نیز یک محور در زید) محدود می‌گردد. این منطقه دارای دو نوع طبیعت متفاوت است: هور و خشکی. قسمت خشکی، که حداقل عرض آن ۸ کیلومتر و حداکثر ۱۰ کیلومتر است، توسط ۲ هور بزرگ، یکی هورالهویزه در شرق و دیگری هورالحمار در غرب آن، احاطه شده است. همچنین منطقه مذکور توسط رودخانه دجله به دو قسمت شرقی - غربی تقسیم می‌شود که ۳ چهارم آن در شرق رودخانه واقع است. ضمناً جاده مواصلاتی عماره - بصره در غرب رودخانه دجله قرار دارد.

در داخل منطقه مزبور جزایر مجنون شمالی و جنوبی واقع است. علاوه بر این، تأسیسات دیگری وجود دارد که عبارتند از: دکل‌های برق، دکل‌های تقویتی رادیو تلویزیون، تأسیسات و کارخانجات کاغذسازی، چاه‌های نفت و... همچنین در حاشیه دجله حدود ۵۰ روستا وجود دارد که هنگام عملیات خیبر، تماماً پر از سکنه غیر نظامی بود.

گذشته از آنچه در مقدمه ذکر شد، علت انتخاب هور عمدتاً بهره برداری و لحاظ نمودن عوامل زیر بود:

- ۱ - پرهیز از تک جبهه ای، (۱) عملیات در سایر مناطق به لحاظ شکل پدافند دشمن، عمدتاً تک جبهه ای محسوب می شد.
- ۲ - حمله به جناح دشمن. شکل حضور دشمن در منطقه شرق بصره به گونه ای بود که با الحاق نیروهای خودی در طلائیه و سپس دست اندازی به عقبه دشمن در نشوه جناحی عمده از دشمن گرفته می شد که متعاقب آن تزلزل خطوط دشمن، خصوصاً در منطقه زید، محتمل می نمود.

۳ - عدم تصور دشمن نسبت به انجام عملیات از هور (که قبلاً ذکر شد)

۴ - بکر بودن منطقه

۵ - مشکل و یا غیر ممکن بودن مانور زرهی برای دشمن

۶ -

هدف از عملیات خیر، انهدام نیروهای سپاه سوم و تأمین جزایر مجنون شمالی و جنوبی و ادامه تک از جزایر و محور طلائیه به سمت نشوه و الحاق با نیروهائی که از محور زید به دشمن حمله می کردند، بود. در این عملیات، همچنین در نظر بود که خشکی شرق دجله از طریق هور تصرف شود و بدین وسیله امکان تقویت‌های عمده، از شمال به سپاه سوم، از میان برود.

ص: ۷۲

۱-۱۲. حمله رویارو و مستقیم به دشمن را تک جبهه ای می گویند.

فراهم سازی مقدمات عملیات در هور، چنانچه اشاره رفت، توسط سپاه با یک قرارگاه و پس از والفجر آغاز شد و با گذشت زمان، روند تکمیلی خود را - با تدوین طرح مانور و تعیین مأموریتها - پشت سر نهاد.

ضمناً لازم به تذکر است که همزمان با انجام عملیات خیبر، مناطق متعددی به منظور انجام عملیات فریب، در نظر گرفته شد، از جمله:

ارتفاعات شرقی سد در بندیخان (تحریرالقدس) که تیپ انصارالحسین وارد عمل شد، چنگوله (والفجر ۵) چیلات (والفجر ۶) و جزابه.

سازمان رزم

در عملیات خیبر، نحوه ی هماهنگی سپاه و نیروی زمینی (ارتش) شکل دیگری به خود گرفت... بدین ترتیب که نیروی زمینی با یگانهای تحت امر خود، با استعداد ۲ لشکر پیاده، ۲ لشکر زرهی و یک تیپ هوابرد، در محور «زید» وارد عمل شد و سپاه پاسداران با ۲ لشکر پیاده یک تیپ زرهی در این محور، برادران ارتش را کمک می کردند و سپاه پاسداران با استعداد ۹ لشکر، ۶ تیپ پیاده، به اضافه ۳ تیپ زرهی در منطقه اصلی عملیات خیبر (هور و طلائیة) حضور یافت. ارتش نیز با یک لشکر زرهی برادران سپاهی را کمک می کرد.

همچنین در محورهای عملیات فریب، سپاه پاسداران با ۵ تیپ و یک لشکر اقدام به تک نمود.

طولانی بودن عقبه ی خودی بر روی آب و فقدان عقبه خشکی و از طرفی نیاز به سرعت عمل، تماما ضرورت انتقال نیرو در محورهای مهم را تعیین می نمود.

لذا هوانیروز در تدبیر عملیاتی در نظر گرفته شد و نقشی عمده را در پشتیبانی یگانها بر عهده داشت. همچنین مقرر گردید نیروی هوایی آرایشی مناسب را از سلاحهای ضد هوایی برقرار نماید و در حین عملیات نیز بصورت پشتیبانی مستقیم (بمباران تجمعات و انهدام اهداف) وارد عمل شود.

شرح عملیات

مسئله قابل توجه از آغاز تک، حضور گسترده و وسیع نیروهای مانور قدس بود که پس از انجام مانور در مراکز مختلف تهران و استانها، بطرزی چشمگیر وارد میدانهای نبرد شده، بصورت قوای احتیاطی تحت امر یگانهای مختلف عملیاتی سپاه پاسداران قرار گرفتند.

علاوه بر این جو کلی جنگ در کشور، با توجه به مانور قدس و نیز تهدید و اقدامات جنون آمیز دشمن و بدنبال آن حمله موشکی به دزفول و بمباران شهرهای باختران، ایلام، رامهرمز و... شکل خاصی به خود گرفته بود.

در چنین وضعیتی بمرور نیروها پس از انتقال به مناطق از پیش تعیین شده پای کار رفتند تا عملیات را آغاز کنند.

نظر به اینکه اهداف برخی از یگانها در عمق منطقه عملیاتی بود،

لذا روز دوم نیروهای پیشرو به منظور انهدام کمینهای دشمن وارد هور شدند و در ساعت ۳۰ / ۲۰ دقیقه مورخ ۱۳۶۲ / ۱۲ / ۳ عملیات با رمز یا رسول الله (ص) آغاز شد.

در مرحله اول، عملیات بطور همزمان از تمامی محورها آغاز شد و پیشروی به جلو با سرعت عمل و غافلگیری توأم بود، چنانکه در روز چهارم عملیات، بخشی از نیروها در شهر القرنه حضور یافتند و مردم با مشاهده ی آنان به استقبال آمده، سر راه آنها گوسفند قربانی کردند و در محور شمالی عملیات (العزیر) رزمندگان توانستند، خود را به رودخانه رسانده و تردد ماشینها را بر روی جاده بصره - بغداد قطع کنند. طی این مرحله جزایر مجنون شمالی و جنوبی از پشت دور زده شد و بسهولت به تصرف درآمد. گذشته از این، بکارگیری هلی کوپتر در همان شب اول عملیات و در تاریکی شب مسئله ای حائز اهمیت بود؛ چنانکه در ساعت ۲ بعد از نیمه شب، فرماندهی هوانیروز به همراه تنی چند از فرماندهان سپاه، اولین پرواز را شخصا بعنوان پیشرو انجام داد و در جزیره مجنون شمالی فرود آمد ولی بدلیل مسائلی سایر پروازها با مشکلات مواجه شد و در موقع پیش بینی انجام نشد.

در مجموع، طی مرحله اول، نیروها با یک تهاجم سراسری در مناطق همچون تنگه و شهر القرنه، روی جاده استراتژیک بصره العماره و نیز جزایر مجنون شمالی و جنوبی، استقرار یافتند.

هراس دشمن در این مرحله از عملیات به گونه ای بود که با آشفتگی، در شهر العماره وضعیت فوق العاده اعلام نمود و پس از جمع آوری نیرو آنها را بلافاصله بوسیله هلی کوپتر به منطقه عملیاتی اعزام داشت.

در مرحله دوم عملیات، دو تلاش اصلی در محور جزایر و طلائیه

به منظور الحاق و سپس پیشروی به سمت نشوه در نظر گرفته شد، لیکن بنا به عللی پیشروی صورت نگرفت.

در این روند، دشمن بمرور خود را بازیافته، پس از کشف اهداف عملیات و محورهای اصلی تکرار، تلاش اصلی خود را ابتدائاً روی پاکسازی حوالی جاده بصره - العماره گذارد و سپس بر روی طلائیه متمرکز شد.

تمرکز آتش دشمن در طلائیه، که زمینی بسیار محدود را شامل می شد، فوق العاده بود. چنانکه شهید حجه‌الاسلام میثمی که در آنجا حاضر بود می گفت: «هر کس در طلائیه ایستاد اگر در کربلا هم بود، می ایستاد».

آنچه ضرورت مقاومت در طلائیه را موجب می شد، اهمیت آن برای کل عملیات بود - چنانکه در صورت الحاق و پاکسازی، عقبه خشکی برای نیروهای خودی وصل می شد و عملیات در ابعاد جدیدی گسترش می یافت. - بدین منظور پس از آنکه محور زید با عدم موفقیت مواجه شد فرمانده لشکر امام حسین (ع) فرا خوانده شد تا مأموریت طلائیه به وی واگذار شود.

در این میان پس از آنکه مأموریت یگان مزبور از سوی فرماندهی جنگ تعیین شد شهید حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین (ع) تمامی کادرهای یگان تحت امر خود را فراخوانده، در تاریکی مطلق و فضائی مملو از معنویت حاضرین اظهار داشت:

«امشب شب عاشورا است؛ نماینده امام دستور داده در طلائیه عمل کنیم؛ ما با تمام توان لشکر به دشمن خواهیم زد؛ هر کس می تواند، بماند و هر کس نمی تواند، آزاد است که برود».

پس از آن، لشکر شب هنگام آماده تهاجم به دشمن شده در آن

شب جنگی سخت در گرفت که تا صبح به طول انجامید.

با روشن شدن هوا و ادامه عملیات، شهید حسین خرازی که در خط مقدم درگیری حضور داشت، بر اثر اصابت ترکش دست راست خود را از دست داد و از میدان نبرد خارج شد. فشار دشمن همچنان ادامه داشت و با آنکه محور جاده طلائی تا ۶ کیلومتر بدست نیروها باز شد و یک تیپ از دشمن متلاشی شد ولی فضای کوچک منطقه مانور و آتش انبوه و بسیار زیاد دشمن عملاً امکان الحاق و پیشروی را ناممکن ساخته بود. لذا از این ببعد، نظرها عمدتاً به حفظ جزایر مجنون معطوف شد.

مرحله سوم عملیات با توجه به فشارهای دشمن، عمدتاً به منظور حفظ جزایر مجنون شمالی و جنوبی بود. برای دشمن هرگونه جا پا و حضور نیروهای اسلام در هور غیر قابل تحمل بود؛ لذا با اجرای آتش شدید و توان پیاده - زرهی سعی در پس گرفتن جزایر داشت. به همین منظور دشمن در فشار اولیه خود تنها ۷۲ ساعت بطور مداوم بر روی جزایر آتش می ریخت؛ چنانکه در یک برآورد، نزدیک به یک میلیون گلوله توپ و خمپاره مصرف کرده بود.

جنگ در جزایر با توجه به توان خودی و دشمن به دور از توان نظامی بود؛ چرا که نیروهای خودی با عقبه های طولانی و چند روز جنگ، بدون آتش پشتیبانی به مقاومت ادامه می دادند و متقابلاً دشمن با تمرکز صدها قبضه توپ بر روی جزایر و بمباران مداوم آنها با هواپیما و داشتن عقبه خشکی (دو جاده ضلع غربی و شرقی جزیره جنوبی) با واحدهای زرهی خود فشارهای متعدد و توان فرسائی را وارد می ساخت.

از سوی دیگر نیروهای خودی، علیرغم وضعیت یاد شده، زمینه و ذهنیت قابل ملاحظه ای داشتند تا با مقاومت، به هر صورت ممکن، جزایر را حفظ نمایند.

خمیرمایه ی این مقاومت، گذشته ی جنگ و ضرورت کسب پیروزی چشمگیر و نیز پیام حضرت امام مبنی بر حسین وار جنگیدن بود.

بدین منظور سپاه پاسداران با تمامی استعداد خود جهت دفع تهاجمات دشمن و حفظ جزایر در آنجا استقرار یافت. در این روند، شهادت و مجروح شدن تنی چند از فرماندهان سپاه به مقاومت نیروها در جزیره جنوبی مجنون جلوه ای خاص بخشید.

شهید حاج همت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص)، و شهید اکبر زجاجی، معاون اول لشکر، هنگامی که سوار بر موتور بدنبال رساندن نیرو به خط بودند، بر اثر اصابت توپ در کنار یکدیگر به شهادت رسیدند.

نمونه ی دیگر، شهید حمید باکری - قائم مقام لشکر عاشورا - که جلوه ای از حماسه مقاومت را در صحنه نبرد واقع در جزیره مجنون جنوبی به نمایش گذارد.

تعدادی از نیروهای لشکر ۳۱ عاشورا با فرماندهی وی بر روی پل جنوبی، جزیره جنوبی در مقابل محور اصلی پاتک دشمن به مقابله ایستادند و «حمید» در همانجا با شهادت خود معنا و مفهوم حسین وار جنگیدن را به همگان نمایاند (۱).

در قسمتی از وصیتنامه این شهید آمده است:

«ما به فرموده امام، حسین وار، وارد جنگ شدیم و حسین وار به شهادت می رسیم».

پس از شهادت حمید باکری، جسد وی و سایر همزمانش در

ص: ۷۸

۱-۱۳. پس از شهادت حمید باکری، معاون دوم لشکر عاشورا، شهید یاغچیان بدانجا شتافت و هرگز باز نگشت.

همانجا بر زمین ماند. بدنبال این امر، فرماندهی قرارگاه به برادر شهید، مهدی باکری، فرمانده لشکر عاشورا، تکلیف می کند که جسد حمید باکری را به عقب منتقل نماید. اما وی هنگامی که جسد حمید را بر روی زمین و در میان همزمانش مشاهده می کند، نمی تواند خود را متقاعد سازد که در حالیکه سایر شهدا، بر روی زمین به جای مانده اند، تنها جسد برادر خود را به عقب منتقل نماید.

بهرحال، دشمن که در مقابل خود مقاومتی غیر قابل تصور و پیش بینی را مشاهده می کرد، بمرور با تحمل تلفات و ضایعات فراوان دریافت که ادامه تک غیر از به مسلخ بردن نیروهایش، نتیجه ای دیگر ندارد. لذا از تصرف جزایر منصرف شده، مبادرت به تحکیم مواضع نمود.

در عملیات خیبر، عراق برای اولین بار با وسعتی قابل ملاحظه مبادرت به بمباران شیمیایی کرد. این مسئله عمدتاً به علت هراس دشمن از جاگیر شدن نیروهای خودی در منطقه صورت گرفت. رژیم عراق همچنین پس از ناامیدی از باز پس گیری جزایر شمالی و جنوبی مجنون، شدت عمل بیشتری را در بمباران شیمیایی اعمال نمود.

نتایج و دستاوردهای عملیات

در این عملیات بیش از ۲۳ یگان دشمن بطور متوسط، از ۲۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم شد.

- ۱۵۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن زخمی و کشته شدند.

- ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر و ۲۰۰ دستگاه خودروی دشمن منهدم گردید. (در این رابطه قابل توجه است که تیپ ۵۶ زرهی دشمن به میزان ۱۰۰٪ منهدم شد.)

- ۱۱۴۰ نفر از نیروهای دشمن اسیر شدند که در میان آنها

۳۵ افسر، ۱۳۰ درجه دار، ۸۷۳ سرباز و جیش الشعبی و نیز ۱۰۲ نفر غیر نظامی از کشورهای مصر، سودان، مراکش، سومالی و عراق، مشاهده می شد.

- مجموعاً ۱۱۸۰ کیلومتر از زمینهای منطقه آزاد شد که به ترتیب ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در هور، ۱۴۰ کیلومتر مربع در جزایر و ۴۰ کیلومتر مربع در طلائیه را شامل می شد.

- در میان غنائم دشمن، گذشته از اقلام صنعتی و تجهیزات انفرادی، ۱۰ دستگاه تانک و نیز ۶۰ دستگاه کمپرسی و... بچشم می خورد.

- دستیابی بر چاههای نفت که ذخائر آن میلیونها بشکه برآورد شده است.

پس از خیبر

پس از عملیات خیبر تغییر و تحولاتی در جنگ روی داد که قسمت اعظم آن فشار اقتصادی و تحریم فروش سلاح به ایران بود (که چنین اقداماتی از تأثیرات عملیات خیبر، بر سیاست های غرب محسوب می شود). طی این مدت، متقابلاً از سوی جمهوری اسلامی تحرکاتی بمنظور مقابله با وضعیت جدید صورت گرفت.

در مقطع یاد شده، تلاش جدید غرب - که بتبع هراس و نگرانی نسبت به ابعاد و ویژگیهای عملیات خیبر صورت می گرفت - بعدی تازه به جنگ بخشید، بدین معنی که پس از عیان شدن ناتوانی نظامی عراق در مقابل حرکتهای غیر قابل پیش بینی و عمدتاً تاکتیکیهای ویژه رزمندگان، استکبار جهانی بمنظور ممانعت از به هم خوردن معادله

نظامی حاکم بر جنگ، اقدام به تقویت عراق با تکنولوژی پیشرفته، خصوصا نیروی هوایی نمود. به عبارت دیگر در این مرحله، سیاست تکنیک در برابر تاکتیک اتخاذ شد.

متعاقبا عراق تلاش فزاینده را بمنظور تحت الشعاع قرار دادن پیروزیهای نظامی ایران، با دست یازیدن به جنگ نفتکشها در خلیج فارس، آغاز کرد تا شاید بدین وسیله با به ضعف کشاندن بنیه اقتصادی جمهوری اسلامی مقدمات تأثیرگذاری آن بر روی جنگ را فراهم آورد. علاوه بر این، تحریم فروش سلاح به ایران توسط غرب، و همزمان با آن، براه اندازی موجهای تبلیغاتی در این زمینه، نیز قابل ذکر است.

طبیعتا پیدایش وضعیت یاد شده، رسانه های تبلیغاتی استکباری را، که مترصد بهره برداری از چنین مواقعی هستند، بر آن داشت تا در تبلیغات خود وقفه ای را که معمولا میان عملیاتها بوجود می آید، به حساب تأثیرگذاری جنگ نفتکشها گذاشته، جنگ را به بن بست رسیده قلمداد کنند.

در چنین وضعیتی هرگونه تحرک نظامی توأم با پیروزی از سوی ایران، نقشی بسزا در نشان دادن ناکامی سیاستهای غرب و تلاشهای عراق، داشت. بدین منظور در میان مناطق متعددی که جهت عملیات مهیا شده بود، منطقه میمک انتخاب شد و عملیاتی با نام عاشورا انجام گرفت.

تاریخچه نظامی منطقه بدنبال انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر منطقه میمک در اختیار عراق قرار گرفت، لیکن حضور عشایر در منطقه مانع از تسلط کامل عراق بر ارتفاعات منطقه میمک شده بود.

با شروع جنگ تحمیلی منطقه میمک نیز مانند سایر مناطق مورد تهاجم عراق واقع شد. بدنبال آن، در ۱۹ دی ۵۹، سپاه و نیروی زمینی ارتش با شرکت فعال عشایر منطقه، که آشنایی زیادی به زمین داشتند، طی عملیاتی مشترک بنام «ذوالفقار»، اولین تلاش را بمنظور باز پس گیری قسمتی از مناطق اشغالی انجام دادند. پس از موفقیت حاصله، دشمن طی ۱۵ روز پاتک و فشار پی در پی، سعی در باز پس گیری مناطق متصرفه داشت، لیکن با مقاومت نیروها و نقش مؤثر و کارآمد هوانیروز (خصوصاً سخت کوشی شهدای بزرگ آن، شهید کشوری و شهید شیرودی) دشمن ناامید و پس زده شد. اکنون با وجودیکه چند سال از وقوع عملیات یاد شده می گذرد، هنوز هم آثار شهادت و شجاعت این دو شهید را می توان در میان شیارهای ارتفاعات منطقه ملاحظه کرد که بصورت بیش از ۵۰ تانک و نفربر دشمن که

بهنگام فرار مورد اصابت راکت هلی کوپتر قرار گرفته اند، بجا مانده و قابل رؤیت است.

موقعیت طبیعی منطقه - سراسر منطقه عملیاتی عاشورا (میمک) پوشیده از شیارها و پستی و بلندیهای پراکنده و گوناگون است - نوع زمین منطقه از خاک رس و در بعضی محلها همراه با شن است. لذا امکان حرکت خودروهای چرخدار در مواقع خشکی تنها ۲۰٪ و در مواقع بارندگی، فقط متکی به جاده است.

در حد فاصل بین تنگه بینا و تنگه بیجار، که عملیات در آن متمرکز گردید، ارتفاعات نسبتا بلندی قرار دارد که مرتفع ترین آنها کوه میمک است.

به همان میزان که ارتفاعات میمک به طرف عراق گسترش می یابد، رفته، رفته از ارتفاع آن کاسته می شود تا تقریبا مسطح می گردد، بگونه ای که ارتفاعات میمک از تسلط و اشراف کامل برخوردار است.

ارتفاع میمک در میان سایر ارتفاعات منطقه (زالوآب، کانی سخت، شور شیرین، شینو و...) برجستگی خاصی دارد.

در سمت راست کوه میمک، ارتفاعات دیگری به نامهای: فصیل - کرگنی - تلخاب - گلم زرد - قلالم و کانی شیخ قرار دارد.

رودخانه های مهم منطقه نیز عبارتند از: گذار خشگ، که بین شینو و میمک واقع است، تلخاب ۱، که از طرف تنگه بینا جاری می شود و تلخاب ۲، که از تنگه بیجار به طرف پائین و از آنجا بین ارتفاعات کرگنی، بانی تلخاب امتداد می یابد.

اهداف عملیات - منطقه عملیاتی میمک بنا به مختصاتی که از آن ذکر شد، با اهداف زیر مورد نظر قرار گرفت.

۱ - انهدام بخشی از قوای دشمن

۲- تحمیل پدافند در دشت به دشمن

با توجه به دشت وسیعی که از کوه میمک تا عمق بسیار زیادی در خاک عراق امتداد یافته بود، با انجام موفق این عملیات، دشمن برای تشکیل خط پدافندی الزاما نیازمند بکارگیری نیرویی بیشتر بود و اگر تا بحال نیروئی به استعداد دو گردان را برای تأمین منطقه در نظر گرفته بود، در صورت عقب نشینی به طرف دشت، این مقدار به چند برابر می رسید.

۳- ایجاد تسهیلات در رفت و آمد از جنوب به غرب و بالعکس، و نیز ارتباط و اتصال جبهه های جناحین میمک.

۴- آزادسازی قسمتی از اراضی اشغالی.

۵- تأمین منطقه میمک با تسخیر و تصرف ارتفاعات مهم منطقه، از جمله: کرگنی، فصیل و فرورفتگی میمک، که بمنزله ارتفاعات سرکوب، در اختیار دشمن قرار داشت.

شناسائی و طرح مانور - شناسائی راهها و معابر وصولی دشمن در مدت زمانی کوتاه با استفاده از تاریکی شب و طی مسافتی در حدود ۱۵ کیلومتر رفت و برگشت و عبور از میداین مین، موانع و سیم خاردار و بعضا دور زدن و نفوذ در خطوط و مواضع دشمن، انجام شد و اطلاعات نسبتا مناسبی از دشمن بدست آمد.

در این میان دشمن نسبت به انجام شناسائیهها تا اندازه ای حساس و هوشیار شده بود، لیکن سرعت عمل و کوتاه بودن زمان عملیات، فرصت لازم را، جهت تحکیم مواضع و استحکامات، به دشمن نداد. البته اقداماتی از قبیل در نظر گرفتن زرهی و قوای احتیاط و استقرار دو گردان کماندو، افزایش گشتی رزمی از سوی دشمن صورت گرفت، لیکن مؤثر واقع نشد.

پس از انجام شناسائیهای لازم، عملیات از سه محور زیر طراحی گردید:

محور اول، ارتفاعات کرگنی، ۳۵۰، و بان و تلخاب

محور دوم، ارتفاعات فصیل و یال میمک (۳۵۰)

محور سوم، فرورفتگی میمک.

بر این اساس، با توجه به حضور نیروی زمینی ارتش که در آنجا خط پدافندی داشت. سازمان رزم عملیات با شرکت یک لشکر و ۳ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی از سپاه و نیروئی از ارتش تعیین گردید. همچنین نقش توپخانه نیروی زمینی ارتش در پشتیبانی عملیات و هوانیروز با مأموریت تخلیه مجروحین و جهاد سازندگی در زمینه مهندسی (۱) تعمیرگاه و تدارکات، قابل ذکر است.

با نزدیک شدن زمان آغاز تک، بدلیل طولانی و در عمق بودن اهداف، نیروها از غروب روز ۲۵ / ۷ / ۱۳۶۳ حرکت خود را از نقطه رهائی آغاز کردند. مسئله قابل توجه در هنگام جابجائی نیروها، هوشیاری نسبی و تسلط کافی دشمن بر روی منطقه بود، بگونه ای که قوای دشمن از تنگه شینوویال تپه شهدا و ارتفاعات فصیل - که عمدتاً گذرگاه عبور نیروها بود - نسبت به منطقه دید داشتند. لیکن از صبح روز ۲۴ / ۷ که مقرر شده بود نیروها به منطقه وارد شوند، طوفانی شدید و بی سابقه در منطقه به راه افتاد بطوریکه هیچکس قادر به مشاهده ۱۰۰ متری خود نبود و علیرغم اینکه ماشینها با چراغ روشن حرکت می کردند باز تصادفاتی واقع می شد.

به هر تقدیر، طوفانی که از ساعت ۷ صبح شروع شده بود، تا ۵ / ۵

ص: ۸۵

۱-۱۴. جهاد سازندگی و مهندسی یگانها سه مأموریت عمده را بر عهده گرفته و به آن تحقق بخشیدند: ۱ - تسطیح و ترمیم جاده های مهم ۲ - نصب پل بر روی تنگه بینا ۳ - احداث و تقویت خاکریزها.

بعد از ظهر ادامه یافت و هنگامی که رزمندگان به هدف نزدیک شدند، هوا صاف شد و بدین ترتیب دشمن نقل و انتقالات و جابجائی نیروهای اسلام را مشاهده نکرد. پس از رسیدن نیروها به پای کار و اعلام آمادگی در ساعت ۱۲ شب، رمز عملیات با عنوان «یا ابا عبدالله الحسین» از سوی قرارگاه فرماندهی عملیات (قرارگاه نجف) قرائت و بدین ترتیب، تهاجم نیروها آغاز گردید.

در این میان در یکی از محورها عقبه ها و اطراف قرارگاه دشمن در آن منطقه با یک طرح ابتکاری (قبل از آغاز عملیات)، مین گذاری شده بود. نوع این مینها نیز ابتکاری بوده و یک نوع آن بر اثر تابش نور منفجر می شد. مینهای یاد شده توسط شهید صبوری، بسیجی ۱۸ ساله طراحی و با موفقیت کار گذاشته شده بود.

به هر روی محورهای مختلف پس از اندکی تأخیر، تماماً بیش از ۸۰٪ از اهداف خود را تأمین نمودند و پس از آن با روشن شدن هوا، دشمن پاتک خود را شروع کرد که با مقاومت نیروها به عقب رانده شد و در نهایت، پس از چند روز جنگ و درگیری مواضع متصرفه تأمین گردید.

نکته قابل ذکر در این میان تلاش مهندسی یگانها و جهاد سازندگی است که خاکریزهایی را در قسمتی از منطقه عملیاتی احداث کردند تا پدافند از منطقه سهولت امکان پذیر شود.

نتایج و دستاوردها

- باز پس گیری بیش از ۵۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی

- تصرف بخش مهمی از ارتفاعات منطقه (فصیل و کرگنی)

- تهدید جاده بدره - مندلی

- آزاد شدن جاده مرزی خودی

ص: ۸۶

- وارد ساختن ضایعات و تلفات زیر بر دشمن:

۱۴ گردان پیاده و زرهی دشمن از ۷۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم گشت. علاوه بر این، ۱۹۰ نفر اسیر از دشمن تخلیه شد که در میان آنها ۷۲ درجه دار و ۱۲ افسر ارشد مشاهده می شد.

سقوط ۳ فروند هواپیما و ۲ فروند هلی کوپتر، انهدام ۷۵ تانک و نفربر و دهها دستگاه خودرو و همچنین ۳ دستگاه لودر و بلدوزر.

همچنین در این عملیات تعداد ۹ دستگاه تانک نیز به غنیمت گرفته شد.

ص: ۸۷

اشاره

پس از عملیات خیبر چنانچه ذکر شد، عملیاتهای متعددی در دست طراحی بود که بنا به دلایلی تنها عملیات میمک انجام گرفت.

در این مقطع، پس از بحث و بررسی فراوان، در نهایت براساس توانائیهای خودی و دشمن و نیز با در نظر گرفتن معابر وصولی هدف بصره، سه راه کار در نظر گرفته شد که عبارت بودند از:

۱ - منطقه عملیاتی خیبر واقع در هورالهویزه

۲ - شرق بصره (منطقه عملیاتی رمضان)

۳ - غرب اروند

از آنجا که منطقه ی شرق بصره و غرب اروند فاقد تناسب لازم با توان خودی بود، لذا هور، بعنوان تنها راه ممکن و با ویژگیهای زیر، انتخاب گردید:

۱ - آسیب پذیری دشمن به لحاظ عدم تناسب توانائیهایش با منطقه هور و عملیات آبی - خاکی

۲ - اهمیت استراتژیکی منطقه در رابطه با هدف بصره

۳ - توان نیروها از نظر کمی و کیفی

۴ - کم عمق بودن هدف و نیز امکان دسترسی سریع به آن

۵ - تسلط نسبی نیروهای شناسایی به منطقه، بنا به تجربه ی خیبر و استمرار شناسائیهها

۶ - زمین اجازه ی کافی به دشمن جهت مانور زرهی نمی داد.

۷ - دشمن فاقد عقبه ی مناسب برای تک بود.

اهداف عملیات

دست اندازی و تسلط بر جاده بصره - العماره و نیز راه یابی به مرکز اصلی هورهای غرب دجله - که استانهای ناصریه، بصره و العماره را احاطه کرده است و همچنین تسلط بر شرق دجله، توأم با انهدام نیرو و اسارت نفرات دشمن، از جمله اهداف این عملیات بود.

ضمناً پاکسازی پاسگاههای ترابه - بلال، ابولیله و نیز روستاهای البیضه - الصخره، پدخندق و انهدام پلهای العزیر، خندق و... در حد شمالی منطقه عملیات و پاکسازی روستاهای منطقه، انهدام پلهای جویر و... در حد جنوبی در نظر گرفته شده بود.

وضعیت استقرار در هور

بعد از عملیات خیبر، دشمن اقدام به تشکیل فرماندهی شرق دجله (علاوه بر سپاههای ۱ و ۲ و ۳ و ۴) و رده های مواضع پدافندی در کل منطقه نموده و همچنین در مسیر آبراهها و در داخل نیزارها کمین هائی را قرار داد تا در صورت هجوم نیروهای خودی نقش هشداردهنده و تأخیری را داشته باشد و در ضمن، از نزدیکی نیروهای شناسائی به خط دشمن

دشمن به منظور در نظر داشتن هر گونه تحرک نیروهای خودی، دکلهای متعددی را نصب کرد تا دید کلی بر هور و جوانب آن داشته باشد. علاوه بر این مبادرت به احداث باندهای فرود هواپیما و هلی کوپتر در شمال قلعه صالح (با ۲ باند) و در جنوب القرنه کرد.

در این میان، گذشته از کمین، موانع دشمن در آبراهها قابل ملاحظه بود؛ چنانچه نرسیده به سیلبندها اول با نصب نبشیهای آهن و وصل سیم خاردار بر سر آبراهها (یک ردیف زیر آب و ردیف دوم روی آب) ایجاد نمود. همچنین بعد از کمین ها و قبل از رسیدن به سیلبندها اول در کنار آبراهها بشکه های متعدد فوگاز (ناپالم) (۱) مشاهده می شد که توسط سیم، هدایت آن را از خط اول دشمن صورت می گرفت.

دشمن تعداد زیادی از این بشکه ها را بر سر آبراهها قرار داده بود. بعنوان مثال، بر سر آبراه صفین، در فاصله ۱۲۰ متری سیلبندها اول سه ردیف ۲۶ تایی که در هر ردیف ۱۳ بشکه سمت چپ آبراه و ۱۳ بشکه سمت راست آن وجود داشت.

قابل ذکر است که دشمن بعد از تمامی موانع یاد شده سیلبندها را مشرف بر آب با عرض ۱۲ متر و ارتفاع ۲ متر احداث کرده بود و بر روی آن سنگرهای متعددی تعبیه شده بود که از سه طرف چپ، راست و مقابل، دارای دید کافی بر روی آب بود.

ص: ۹۰

۱-۱۵. قابل ذکر است که اثرات ماده ی انفجاری بشکه های ناپالم هنگامی که به شئی می چسبند، جدا نمی شود تا اینکه آن شئی را کاملا بسوزاند.

عملیات بدر از دو محور عمده در حد فاصل «العزیر» تا «القرنه» طراحی گردید و در کنار آن یک تلاش کمکی از سمت شمال و دو حرکت فریب در شلمچه و غرب اروند (جنوب) و گیسکه در غرب کشور، در نظر گرفته شد.

به منظور پشتیبانی عملیات، هوانیروز و هاورکرافت در زمینه انتقال نیرو، بنا به اولویتهای تعیین شده و نیز نیروی هوایی، در حد مقدرات، از عملیات پشتیبانی می کرد و بر این اساس با تلاشهای مهندسی یگانها و جهاد سازندگی، پد هلی کوپتر (۱) و سایت موشکی و جاده ی صاحب الزمان، احداث گردید.

سازمان رزم

نیروی زمینی ارتش با سه لشکر و یک تیپ و سپاه پاسداران با نه لشکر و هشت تیپ بصورت ادغامی سازماندهی شدند.

علاوه بر آنچه ذکر شد، در مراحل مختلف طراحی عملیات، تدابیری منظور شد که عمدتاً برآمده از تجربیات عملیات خیبر بود؛ از جمله:

۱ - علائم:

به منظور رفع مشکلات و موانعی که هنگام عملیات خیبر در رابطه با استفاده از امکانات ترابری آبی، هلی برد (۲) و نیز نصب پل بوجود آمد،

ص: ۹۱

۱-۱۶. پد هلی کوپتر (پایگاه استقرار هلی کوپتر).

۲-۱۷. هلی برد (هلی برن): انتقال نیرو و تجهیزات از جایی به جای دیگر بوسیله هلی کوپتر.

پیش بینی هایی صورت گرفت که بخشی از آن نصب علائم مناسب و قابل رؤیت در شب بود.

۲ - شیمیائی، میکروبی، رادیواکتیو

بکارگیری گسترده سلاحهای شیمیائی با عملیات خیر آغاز شد و طبعاً زمینه های توسعه و گسترش بکارگیری آن، با توجه به استیصال و ناتوانی دشمن و بی توجهی مجامع بین المللی، محتمل می نمود. لذا تدابیری بمنظور پاکسازی آثار تک شیمیائی دشمن در زمینه ی تیم رفع آلودگی، تیم کشف و سنجش و تیم خنثی سازی و نمونه برداری و نقطه گذاری، اتخاذ گردید.

۳ - آموزشهای ویژه

همزمان با پیدایش مرحله ای جدید در جنگ و تفاوت اساسی عملیات آبی - خاکی با جنگ در زمین، بایستی آموزشهای مناسبی جهت رشد و افزایش کیفیت نیروها در نظر گرفته می شد. از اینرو آموزشهای سکانی، جهت گردانهای دریائی، نصب پل، خط شکنی، استفاده از سلاح بر روی آب و همچنین هلی برد، به تناسب مأموریت یگانها، منظور گردید.

شرح عملیات

با نزدیکی زمان آغاز تک، کشیدن عقبه ها به جلو، انتقال و جابجائی نیروها و استقرار آنها در مناطق نزدیک به محورهای عملیاتی، با تحرکی چشمگیر صورت می پذیرفت و همزمان طی جلسه ای در قرارگاه خاتم الانبیاء ساعت شروع و نیز رمز عملیات مشخص گردید. بدین ترتیب

پس از حرکت نیروها از نقطه رهائی بسوی هدفهای مورد نظر و اعلام آمادگی، در ساعت ۲۳، مورخ ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۶۳، با قرائت رمز عملیات با عنوان:

«یا الله. یا الله. یا الله و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه، یا فاطمه الزهراء.» نیروهای تک و تهاجم خود را از دو محور شمالی و جنوبی آغاز کردند.

متعاقباً در همان ساعات اولیه، تمامی خطوط و استحکامات دشمن بسرعت درهم کوبیده شد. و با پیشروی نیروها در عمق، اعجاب و شگفتی همگان برانگیخته شد، زیرا با توجه به هوشیاری دشمن، بلحاظ مشاهده شواهد و قرائن و تجربه عملیات خیر، بنظر نمی رسید خطوط مستحکم اولیه دشمن بدین سرعت فرو ریزد.

در محور ترابه، که بمنظور پشتیبانی در نظر گرفته شده بود، بلحاظ دوری عقبه و کمبود آتش پشتیبانی و سایر مسائل، پیشروی بسوی هدف با کندی صورت می گرفت اما در محور پدخندق و رطه، گذشته از شکستن خط، برخی از یگانها با حرکت در عمق، خود را به هدفهای مرحله بعد نیز رساندند. در نتیجه تا صبح روز دوم عملیات، از دو کیلومتری جنوب البیضه تا ۵ / ۲ کیلومتری پائین تر از خط همایون، خط اول دشمن بطور کامل در تصرف نیروهای خودی بود. علاوه بر این در حد فاصل آبراه جمل تا خط همایون، نیروها تا پشت رودخانه دجله پیشروی کردند و بسمت غرب، در حاشیه شرقی رودخانه، خط پدافندی تشکیل دادند و با آتش سلاحهای سبک تردد وسایل نقلیه دشمن را روی جاده متوقف کردند. دشمن با تصور اینکه امکان اجرای عملیات از سایر محورهای عملیاتی جنوب وجود دارد مدتی طول کشید تا بتواند خود را جمع و جور کرده اقدام به پاتک نماید. بر این اساس دشمن پس از کشف اهداف تک، اولین فشارهای خود را با حجم بمبارانهای وسیع و آتش توپخانه در

محور شمالی منطقه و در حوالی پدخندق و الصخره متمرکز نمود. تا بدین وسیله از دستیابی نیروها به تنگه العزیر ممانعت بعمل آورد.

در طی سه روز جنگ و درگیری، قرارگاه مهندسی با سختکوشی بسیار توانست پلی را از حد فاصل جزیره جنوبی و منطقه همایون نصب کند و از سوی دیگر نیروها با پیشروی خود به اهداف زیر دست یافتند:

۱ - پاکسازی پد خندق

۲ - پیشروی از پشت خط جمل ۳ به پشت صفین ۳

۳ - در شب سوم، هوانیروز اقداماتی را بمنظور پشتیبانی عملیات به انجام رسانید.

فشار دشمن در محور الصخره و پدخندق کماکان ادامه داشت. در نتیجه مقاومت نیروها نیز رو به فزونی نهاد، چنانچه هنگامی که شهید خرازی فرمانده لشکر امام حسین از شهید آقاخانانی فرمانده یکی از گردانهای لشکر - علیرغم جراحتهای وارده (اصابت چند ترکش به دست و پا) - می خواهد که به عقب برگردد، نمی پذیرد و در خط می ماند و در همان شب به شهادت می رسد.

برادر شعربا فچی فرمانده گردان از لشکر امام حسین که وقتی برای بررسی منطقه عملیات و توجیه شدن جهت ادامه عملیات به خط میرفت، بشدت مجروح شد (ترکش به سر و کتف و پای او اصابت کرده بود)، بطوریکه او را به حالت بیهوشی به پاسگاه سیار فرماندهی آوردند. فرماندهی لشکر با مشاهده حال وی نگران شد و گفت: «زخمها خطرناک است، شما به عقب برو» لیکن او نپذیرفت و گفت من همین جا می مانم و امشب عمل می کنم. وی پس از این مطلب، حدود ۲ ساعت به استراحت پرداخت و آنگاه پس از تعویض لباسهایش برای آوردن نیروها به عقب رفت و بعد از سه ساعت آماده عملیات شد و بالاخره پس از تلاش فراوان

که انجام داد به شهادت رسید.

در شب پنجم و روز ششم، در ادامه تلاشی که بمنظور پاکسازی روستای حدیبه انجام شد نیروهای فراوانی به فرماندهی لشکر عاشورا، از رودخانه دجله عبور کرده و به شرق دجله، حمله کردند. با روشن شدن هوا به علت عدم پاکسازی و الحاق کامل، تعدادی تانک و نفرات دشمن باقی ماندند و عملاً امکان پیشروی به سوی القرنه فراهم نیامد.

علیرغم وضعیت پیش آمده، تا حوالی ظهر، جنگ و مقاومت همچنان ادامه داشت تا شاید بدین وسیله جا پای بدست آمده تا شب حفظ شده، فرصت مناسب جهت انجام مأموریت مزبور (انفجار پل ابوهران) بدست آید.

از حوالی ظهر، دشمن که موقعیت نیروهای خودی را دریافته بود، بمرور فشار خود را افزایش داد. در نتیجه تعدادی از نیروها بداخل فرورفتگی رودخانه دجله (مقابل نهر رطه) آمدند و در این میان، تنها شهید باکری و جمع محدود یاران وفادارش به نبرد ادامه دادند. در این اثناء قرارگاه که نسبت به موقعیت نیروها و وضعیت خاص شهید باکری نگران بود، سعی داشت نامبرده را متقاعد به مراجعت نماید.

بدین ترتیب هنگام بعد از ظهر، چند تن از نیروهای لشکر عاشورا نزد شهید باکری رفته، از وی درخواست کردند به شرق دجله مراجعت کنند. وی جهت عبور از رودخانه در میان قایق نشست، اما پس از لحظه ای سکوت ناگهان برخاست، پس از تخلیه اسناد و مدارک همراه خود بداخل قایق، مجدداً برای کمک به نیروهایش به منطقه درگیری رفت.

بمرور، با حاد شدن وضعیت، فرماندهی لشکر عاشورا بصورت تک تیرانداز و آرپی جی زن وارد عمل شد و در این حین شهید باکری بر اثر اصابت تیر به پیشانی جراحات سنگینی برداشته، جهت درمان به عقب

تخلیه شد.

در این اثنا دشمن، با نزدیکی به لب رودخانه دجله و مشاهده قایقی که جسم نیمه جان شهید باکری در میان آن بود، قایق را با گلوله آرپی جی مورد اصابت قرار داد و بدین ترتیب، دجله جنازه ی سوخته شهید باکری را به منطقه نامعلوم برد.

از این ببعد دشمن با پاکسازی شمال پدخندق، فشار خود را از دو سمت یکی رخنه در خط صفین (جناح شمالی عملیات) و دیگری رخنه بداخل فرورفتگی رودخانه که اساساً تهدید عقبه نیروهای محور شمالی را بهمراه داشت، و نیز با شدت بخشیدن به بمبارانهای هوایی امکان تأمین مناطق بدست آمده را از نیروهای خودی در این منطقه گرفت.

بطور کلی، عملیات بدر پس از ۸ روز جنگ و مقاومت، با آزادسازی روستای ترابه، لحوک، نهروان، فجره و نیز تصرف بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع از اراضی هور و تصرف جاده خندق (الحجرده) به طول ۱۳ کیلومتر [که فاصله آن با جاده عماره - بصره ۶ کیلومتر است] به پایان رسید.

تلفات و خسارات وارده به دشمن

هفت تیپ و پنج لشکر عراق بین ۲۰ تا ۱۰۰٪ منهدم شدند. علاوه بر این به لشکر گارد ریاست جمهوری و نیز نیروی کماندوی سپاه ۳ به میزان ۲۰٪ خسارت وارد شد.

تعداد کشته و زخمی دشمن از مرز پانزده هزار نفر گذشت، ضمناً ۳۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند که در میان آنها ۵۰ افسر، ۸۰ ستوانیار و ۳۰۰ درجه دار مشاهده می شد.

از سوی دیگر ۲۵۰ دستگاه نفربر، ۴۰ قبضه انواع مختلف توپ،

ص: ۹۶

۲۰۰ دستگاه خودرو، ۶۰ قبضه خمپاره انداز، ۴ فروند هواپیمای پی - سی - ۷ ملخ دار، ۲ فروند میگ و سوخو، ۴ فروند هلی کوپتر و نیز مقدار معتناهی وسایل مخابراتی، سلاحهای سبک و... منهدم گردید.

ویژگیهای قابل ملاحظه در طراحی عملیات

عملیات خیبر، و خصوصا بدر، نشان داد که جمهوری اسلامی علیرغم کمبود تجهیزات مناسب، و مشکلات و موانع عدیده ای که بر سر راه خود دارد - عملا توانائی و قابلیت کسب پیروزی و موفقیتهایی بسیار متفاوت با عملیاتهای گذشته را، دارد.

عملیات خیبر و بدر، دشمن را شدیداً متزلزل نمود و به غرب نشان داد که تنها تکنولوژی و حمایتهای همه جانبه سیاسی - اقتصادی نمی تواند عراق را سرپا نگهداشته، از آسیب پذیری اساسی مصون و محفوظ بدارد.

به هر روی، در مرحله ای از جنگ، عملیات بدر - گذشته از ضایعات و تلفاتی که به دشمن وارد ساخت - جایگاهی ویژه را در ارتقاء و رشد ابعاد فکری و عملی سازمان رزم جمهوری اسلامی در برداشت و دورنمائی را ترسیم کرد که بعدها فتح فاو، بخشی از حاصل و ثمره ی آن بود.

اما آنچه در عملیات بدر برجستگی داشت، عمدتاً عبارت بود از:

۱ - تصمیم و عزم راسخ جمهوری اسلامی جهت تهاجم به دشمن و ادامه نبرد تحت هر شرایطی مبتنی بر رهنمودهای فرماندهی کل قوا - امام خمینی.

۲ - توانائی و جسارت در بهره گیری از تدابیر و راه کارهای جدید و درهم شکستن خطوط دفاعی دشمن در خط و عمق.

ابعاد و ویژگیهای عملیات بدر، عراق را به عکس العملی غیر از آنچه تا آن زمان در جنگ مرسوم بود، واداشت بدین معنی که همزمان با عملیات، حملات هوایی خود را به تهران آغاز کرد. دشمن در واقع هدفی را که از براه اندازی جنگ نفتکشها در خلیج فارس (از نظر اقتصادی) داشت، با تهاجم به شهرهای غیر نظامی (به نیت به زانو در آوردن جمهوری اسلامی از طریق برانگیختن مردم)، دنبال نمود. در مقطع یاد شده، انتقال جنگ از رزم زمینی به هوا و مناطق مسکونی، نمایانگر شکلی جدید در جنگ بود.

رویارویی با دشمن در ابعاد جدید، طبعاً نیازمند به حضور فعال مردم در صحنه و افزایش روحیه مقاومت در آنها بود و از سوی دیگر ضرورت مقابله به مثل را ایجاب می کرد.

بدین ترتیب، تدبیر مقابله به مثل با پرتاب موشک به عمق شهرهای عراق آغاز شد. بکارگیری موشک بمنزله ورود عنصری جدید در معادله جنگ محسوب می شد و بدین طریق، عراق با وضعیتی غیر قابل پیش بینی مواجه گردید و همچنین برای اولین بار بغداد، مرکز حکومتی

رژیم بعث، طعم تلخ ضایعات ناشی از جنگ را بطور مستقیم و ملموس چشید این امر در واقع، افزایش مشکلات حکومت بغداد و نیز دامن زدن به آن تلقی می گردید.

در این میان شواهد و قرائن، حاکی از درماندگی و ناتوانی دشمن بود، همچنین بمنظور خنثی سازی جریانات عافیت طلبی که مترصد بهره برداری از شرایط، جهت پایان بخشیدن به جنگ بودند، بنا به نظر امام از طرف نماینده ایشان در شورایی عالی دفاع حجهالاسلام هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران، پیشنهاد شد که حامیان ادامه جنگ در روز قدس اقدام به راه پیمائی نمایند. تا بدین وسیله روشن شود که پایگاه جنگ در میان مردم چگونه است و گذشته از این، آیا جنگ شهرها بر مقاومت مردم تأثیری نهاده است یا خیر؟

بر این اساس راهپیمائی روز قدس، علیرغم تهدیدهای مکرر رژیم عراق مبنی بر بمباران مردم، همانند جریان سیلی خروشان آغاز شد و همزمان نیز عملیات قدس ۱ توسط یگانهای رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه هورالهوریزه صورت گرفت. وضعیت مزبور تلاشهای چندین ماهه ی دشمن را بمنظور بدست گرفتن ابتکار عمل عقیم گذارد و عملاً جمهوری اسلامی با مقاومت مردم و مقابله به مثل در رویارویی با تعرضات رژیم بغداد توانست مرحله ای بحرانی را پشت سر نهاده، تهاجمات پی در پی خود را در میدان رزم زمینی آغاز نماید.

جمع بندی تجربیات و اتخاذ تدابیر لازم

واقعیات برآمده از عملیات بدر از یکسو و گسترش جنگ شهرها از سوی دیگر، جو حاکم بر جنگ را به گونه ای درآورد که لزوماً بایستی در اطراف و جوانب آن، هر چند بصورت اجمالی و گذرا، توضیحاتی ارائه

دشمن در عملیات بدر سعی کرد با استفاده خوب از زمین، زرهی، آتش و نیروی هوایی کنترل صحنه ی نبرد را در دست داشته باشد. تلاش دشمن در این زمینه به نیروهای خودی نمایاند که ادامه جنگ عمدتاً بایستی متکی بر استراتژی جنگ دراز مدت توأم با برنامه ریزیهای همه جانبه و نیز حضور بیشتر کشور و مسئولین در این امر باشد.

در این میان، مسئله نیرو و جذب آن متناسب اهداف و مراحل عملیات و نیز تحولاتی در نحوه ی مواجهه با دشمن به منظور تجزیه قوای آن، قسمتی از معضلات جدید بود. علاوه بر این، مسائل دیگری مانند افزایش قدرت و آتش، سلاح مناسب ضد زره و ضد هوایی... توأم با تاکتیکهای ویژه، نیز عنوان گردید.

همچنین روشن شد که گذشته از موارد فوق، لزوماً بایستی سازمان رزم سپاه گسترش یابد و به تناسب پیچیدگیهای جنگ، نیروها از آموزشهای لازم برخوردار گردند. تا بدین وسیله، گذشته از فزونی یافتن توانایی نیروهای خودی در تصرف هدف و حفظ آن، در نهایت زمینه و لوازم انهدام ماشین جنگی عراق فراهم آید.

طبیعتاً بکارگیری عملی اندوخته های پس از بدر، نیازمند زمان بود. در این فاصله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میان تدابیر گوناگون جهت رویارویی با دشمن بدواً سلسله عملیاتی محدود (۱) و پی در پی را با هدف انهدام قوای دشمن و گرفتن زمان از آنها، برنامه ریزی کرد.

گذشته از این طراحی عملیات والفجر ۸، با توجه به تجارب برآمده

ص: ۱۰۰

از عملیات بدر و ۶ سال نبرد، در دستور کار قرار گرفت و بدین ترتیب تعرضات و تحرکات نظامی جمهوری اسلامی با عملیات محدود در روز قدس و سپس مهیاسازی منطقه عملیات والفجر ۸ و سایر ملزومات آن، آغاز شد.

تبیین استراتژی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه»

همزمان با اوجگیری جنگ شهرها که طبیعتاً ضایعات و خسارات ناشی از جنگ بطور مستقیم تری در رابطه با مردم قرار می گرفت، پیش بینی رخدادهای سیاسی - اجتماعی و بهره گیری جریانات سیاسی از آن، محتمل می نمود. از این رو فرماندهی کل قوا در بیانات خود هنگام تحویل سال ۱۳۶۴، این سال را سال «استقامت» نامیدند.

طبعاً ترسیم دورنمای جنگ شهرها (که عمدتاً در روز قدس شکل نهایی و نتیجه خود را نمایاند) و سایر فشارهای وارده به جمهوری اسلامی بود که سبب شد امام موضعگیری (جنگ جنگ تا رفع فتنه) را اتخاذ نمایند. در حقیقت در آن برهه ی خاص، رهبری انقلاب روند حرکت آتی جنگ و انقلاب را با بیان «جنگ تا آخرین خانه و آخرین نفر»، تبیین و تعیین کردند.

نظرات امام در رابطه با جنگ برای همگان روشن بود، لیکن با توجه به وضعیت خاص آن مقطع زمانی ضرورت نظرخواهی از امام جهت تعیین تکلیف و نقش عمده ی این اعلام نظر کاملاً بارز و روشن بود.

در این میان گروهکها با انگشت نهادن بر روی نارسائیهای ناشی از جنگ مجدداً صحنه را برای تشدید فعالیت های سیاسی خود مساعد دیده، اینبار حتی سعی کردند جنگ را از موضع اعتقادی به زیر سؤال بکشند. این اقدام با توطئه هماهنگ بین المللی در رابطه با تحمیل

صلح و سازش به جمهوری اسلامی و نیز تقویت جریان عافیت طلب داخلی صورت می گرفت.

رهبری انقلاب بمنظور تعیین مشی آینده جنگ و انقلاب و رفع هر گونه تردید و تزلزل، از جایگاهی والاتر بر ضرورت ادامه ی نبرد تأکید فرموده، شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» را پرتوی از شعار قرآنی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه از عالم» دانستند. (۱)

در حقیقت نظرات امام نافی هر دیدگاهی در زمینه سازش بود.

ایشان خاطر نشان ساختند که نه تنها امکان دست آویز قرار دادن یک پیروزی در حل معضله جنگ چاره ساز نیست، بلکه بایستی فراتر از آنچه در شعار مردمی «جنگ، جنگ تا پیروزی» نهفته است، گام نهاد.

به عبارت دیگر، از بیانات امام چنین استنباط شد که راه حل سیاسی نه تنها سنخیتی با هویت انقلاب اسلامی ندارد، بلکه یک نوع بی توجهی نسبت به آینده جنگ و انقلاب و نیز ساده اندیشی نسبت به برخورد با دشمن است و طبیعتاً حامیان جهانی عراق نسبت به انقلاب اسلامی بی تفاوت بوده، تا زمانیکه هویت انقلاب را مخدوش نکرده و یا ضربه ای اساسی و کاری به آن وارد نسازند آرام نخواهند گرفت؛ از این رو گذشته از پرهیز ساده اندیشی در برخورد با دشمن، لزوماً بایستی گذار از مرحله کنونی انقلاب، با کسب آمادگی همه جانبه و نیز بکارگیری کلیه امکانات بالفعل و بالقوه کشور در رابطه با جنگ، صورت گیرد.

بدین ترتیب می توان عوامل زیر را به عنوان پارامتری مؤثر در تبیین آینده انقلاب و جنگ محسوب نمود:

۱ - شناخت استکبار جهانی و عمق و گستردگی خصومت آن

ص: ۱۰۲

۱- ۱۹. ... قاتلوهم حتی لا تکون فتنه.

در برخورد با انقلاب اسلامی.

۲ - همسویی و آمیختگی اهداف انقلاب اسلامی و جنگ با یکدیگر.

۳ - در نظر گرفتن ملاحظات در باب قابلیت و توان بالفعل و بالقوه کشور از نظر اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی و نیز بسیج نیروی مردمی.

تبعیت از رهنمودهای رهبری در واقع در بطن خود، آمادگی همه جانبه جهت اصلی نمودن جنگ در کشور را دارا می باشد.

متقابلاً- نگرش مقطعی و کوتاه مدت به جنگ، نه تنها دستیابی به پیروزی را نامحتمل می نماید، بلکه دورنمایی جز ناکامی و بازی خوردن از دشمن، نخواهد داشت.

نظری بر سلسله عملیات محدود پس از بدر

در فاصله آماده سازی ملزومات و مقدمات عملیات گسترده پس از عملیات بدر، ضرورت داشت جبهه ها کماکان فعال نگاه داشته شوند و دشمن بحال خود رها نگردد. بدین منظور در مقطعی از سال ۶۴ قسمتی از تعرضات و تحرکات نظامی خودی علیه دشمن براساس تدبیر عملیات محدود صورت گرفت تا بدین وسیله از زمان بدست آمده، عملیات والفجر ۸ بدور از هر گونه شتابزدگی و یا تأثیرگذاری فشارهای سیاسی - نظامی، خارجی بنحوی مناسب طراحی گردد. همچنین مقرر شد سلسله عملیات محدود به گونه ای باشد که منجر به تعلل یا تأخیر در عملیات گسترده نشود.

بر این اساس، عملیاتهای اخیر، به لحاظ نظامی، به سه دسته قابل تقسیم است:

۱- گشتی رزمی

ص: ۱۰۳

تقسیم بندی یاد شده به میزان و استعداد نیروی خودی که در عملیات بکار گرفته می شود و نیز به کیفیت و ارزشهای زمینی منطقه، متکی است.

عملیات «گشتی رزمی» حداکثر تا استعداد یک گردان نیرو را در برمی گیرد و هدفش عمدتاً وارد آوردن تلفات و ضایعات به دشمن و احیاناً جمع آوری اطلاعات و یا گرفتن اسیر و سپس بازگشت به مواضع اولیه است.

در عملیات نفوذی میزان استعداد یگانهایی که بکار گرفته می شود، از یک تا سه گردان را شامل می گردد و نیز مانند عملیات گشتی رزمی پس از انجام مأموریت، نیروها بدون استقرار در محل تک، به مواضع اولیه خود برمی گردند.

عملیات محدود به عملیاتی اطلاق می شود که از یک تیپ تقویت شده به استعداد ۵ گردان تا دو لشکر تقویت شده، به استعداد ۲۰ الی ۳۰ گردان را شامل شود و نیروها پس از انجام عملیات در مواضع تصرف شده استقرار یابند.

مشخصه های عملیات محدود

۱ - بیش از ۳۰ الی ۴۰ گردان نیرو نیاز نداشته باشد.

۲ - تلفات خودی پائین بوده باشد تا آسیبی به عملیات گسترده وارد نسازد.

۳ از نظر زمانی کوتاه و زودفرجام باشد

۴ - دارای اهداف و ارزش نظامی - اقتصادی باشد

۵ - در راستای اهداف استراتژیک جنگ باشد

۶ - پیروزی در آن تضمین شده باشد

۷ - منطقه، قابلیت استفاده از آن، جهت عملیات گسترده را داشته باشد.

همانطور که گفته شد، عملیات تاکتیکی محدود به منظور آماده ساختن زمینه جهت تعرض گسترده و استراتژیک، با اهداف زیر در نظر گرفته شد:

۱ - وارد ساختن حداکثر تلفات و ضایعات به نیروهای دشمن

۲ - عقب راندن نیروی دشمن از اراضی اشغالی که کماکان در تصرف آنها باقی مانده است.

۳ - بدست گرفتن ابتکار عمل و ایجاد تحرک در جبهه و خطوط عملیاتی

۴ - گرفتن فرصت و مجال فکر کردن از دشمن و تجزیه (۱) نیروهای آن

۵ - جمع آوری اطلاعات و شناسایی منطقه مورد تهاجم

۶ - ...

البته آنچه در قسمت فوق مورد اشاره قرار گرفت، تنها قسمتی از اهداف عملیات محدود است و طبیعتاً شرایط خاص سیاسی - اجتماعی و نیز سایر اهداف نظامی، در آن منظور خواهد شد.

براساس آنچه بعنوان مشخصات و اهداف عملیات محدود عنوان شد، نیروی زمینی ارتش سلسله عملیات خود را «ظفر» نام نهاد، که

ص: ۱۰۵

۱ - ۲۰. ایجاد تحرک در جبهه های مختلف و بالطبع انجام عملیات مانع از تمرکز فکر دشمن شده و نهایتاً منجر به تجزیه آنها می شد زیرا که بایستی به تمامی تحرکات خودی نظر داشته باشد.

عمدتاً تظاهر به تک همراه با آتش توپخانه بود.

همچنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵ عملیات بنام «قدس» (۵،۴،۳،۲،۱) و نیز عملیات «عاشورا» را انجام داد که توضیحات و شرح آن به ترتیب، در پی می آید.

ص: ۱۰۶

عملیات قدس ۱ و ۲

از آنجا که قسمتی از سلسله عملیاتهای محدود در هور انجام گرفت، مقدمتا ذکر نکاتی در این باب، که هور چه جایگاهی در استراتژی جنگ داشته و نیز رابطه آن با اهداف عملیات بدر و همچنین مهیاسازی مقدمات عملیات گسترده در هور، لازم و ضروری بنظر می آید. چنانچه قبلا ذکر شد، عمده ترین هدف عملیات بدر قطع جاده استراتژیک العماره - بصره بود. لیکن بنا به عللی دست یابی به آن مقدور نشد. اما در عین حال، جایگاه هدف یاد شده در استراتژی جمهوری اسلامی محفوظ بود. لذا پس از عملیات بدر اولین حرکت و هر چه نزدیکتر شدن به جاده بصره - العماره و دو پاسگاه ابولیله و ابوذر منظور گردید. علاوه بر این خط پدافندی که پس از تصرف پاسگاه ترابه - در عملیات بدر - در این منطقه بوجود آمد، احتیاج به ترمیم داشت و انجام این تعرضات (عمدتا قدس ۱ و ۲ می توانست ضمن نزدیک کردن خطوط پدافندی به رودخانه دجله و جاده بصره - العماره، خطی منظم و بهم پیوسته را بوجود آورد.

از سوی دیگر دشمن پس از عملیات بدر، حساسیتی قابل ملاحظه و چشمگیر نسبت به هور از خود نشان داد. چنین بنظر می رسد که قوای نظامی عراق تلاشی وسیع را به منظور عقب راندن نیروهای خودی از هور انجام دهند، لذا این مهم، خود، ضرورت تحکیم و تثبیت مواضع بدست آمده (طی عملیات خیبر و بدر) و نیز اتخاذ موضع تهاجمی در مقابل تعرضات احتمالی دشمن را افزونتر می کرد.

اهداف عملیات قدس ۱ و ۲ و موقعیت منطقه

بطور مشخص ۴ هدف مجزا در عملیات قدس ۱ و ۲ منظور گردید که عبارت بود از:

۱ - پاسگاه ابوذر

۲ - روستای ابوسعید

۳ - برکه مختار

۴ - کمین دژبانی (عقبه دشمن)

پاسگاه ابوذر و ابولیله در حد فاصل پاسگاه، شط علی و طبر و در نزدیکی رودخانه واقع است که از سمت غرب تا حدود روستاهای الزجیه و الحسان، از سمت جنوب تا روستای البیضه و از شمال تا پاسگاه ترابه را می توان محدوده ی عملیاتی این منطقه محسوب کرد.

در این میان شناسائی در هور، دشواری و معضلات فراوان داشت، زیرا از یک سو وجود آبراههای متعدد و از سوی دیگر کمین های احتمالی دشمن که بعضا بصورت سیار بود و همچنین مواضع و موانع دشمن به منزله ی عوامل بازدارنده در شناسائی ایجاد مشکل می کردند. بر این اساس، گم شدن عناصر شناسایی (اوایل کار) امری غیر منتظره نبود

ص: ۱۰۸

چنانچه بارها عناصر شناسایی راه خود را گم کرده، سپس با شنا کردن مسافتی طولانی و گاه در صورت خستگی مفرط، با خواباندن نی‌ها و استراحت بر روی آن، خود را آرام، آرام به مواضع خودی رسانده بودند. فی‌المثل برادر بشارت که بعداً به شهادت رسید، از قبل از عملیات بدر به مرخصی نرفته بود؛ وی مرتباً به صورت داوطلبانه به شناسایی می‌رفت و تقریباً رکورد شناسایی و نیز گم شدن در هور و ماندن در آب را شکسته بود. وی یکبار بیش از ۶۵ ساعت، یعنی چیزی نزدیک به ۳ شبانه روز، در هور سرگردان بود و بالاخره شناکنان خود را به مواضع نیروهای خودی رسانید. غیر از گم شدن نیروها، مسئله‌ی برخورد با کمین دشمن و شهادت نیز وجود داشت. چنانکه یکی از شبها سه نفر غواص با یک بلم به شناسائی رفته، دو تن از آنها در نقطه‌ای در نزدیکی مواضع دشمن از بلم بیرون آمده، نفر سوم در لابلای نیزار همراه با بلم به انتظار می‌ایستد؛ دو نفر غواص راه خود را به طرف پاسگاه ابوذر ادامه می‌دهند و در این میان به موانع دشمن برخورد می‌کنند. در این اثنا وقتی برادران شناسایی در فاصله ۱۰۰ متری با دشمن، قرار می‌گیرند، ناگهان، با رگبار آتش از سوی عناصر عراق مواجه می‌شوند. برادران بلافاصله به زیر آب می‌روند تا از آتش دشمن در امان باشند، اما یکی از برادران بر اثر اصابت تیر به شهادت می‌رسد و میان سیم خاردار حلقوی گیر می‌کند. برادری که همراه وی بوده هرچه سعی می‌کند تا برادر شهید را به عقب منتقل کند، موفق نمی‌شود؛ لذا او را در لابلای نیزار استتار نموده، مبادرت به پخش کردن آب خون آلودی که بر اثر اصابت تیر ایجاد شده بود، می‌نماید و سپس با بلم به نزد برادر دیگری که در انتظار بوده برمی‌گردد و روز بعد با امکانات بیشتر جهت انتقال جنازه برادر شهید مراجعه می‌کنند که خوشبختانه دشمن متوجه نمی‌شود و لذا انتقال جسد به عقب با موفقیت

انجام می گیرد.

مواضع و استعداد نیروهای دشمن

دشمن در منطقه مزبور از مواضع و موانع مختلف برخوردار بود؛ فی المثل بشکه فوگاز (ناپالم)، سیم خاردار حلقوی (که بعضا تا ۱ متر در سطح آب و چند رده در زیر آب را می پوشانید)، تنها قسمتی از آن می باشد.

دشمن در اطراف پاسگاه ابوذر و روی خشکی اطراف آن سنگرهای متعددی احداث کرده بود. همچنین در روی برکه مختار، علاوه بر سنگر، کمین سیار نیز گذاشته بود که به صورت زیگراگی یکدیگر را می پوشاند و عاملی موثر در تأمین پاسگاه ابوذر به شمار می رفت.

استعداد دشمن در این منطقه عبارت بود از سه گروهان کماندویی که به ترتیب یک گروهان در پاسگاه «ابوذر»، یک گروهان در پاسگاه «ابولیل» و یک گروهان در برکه مختار، استقرار داشتند. یک گروهان هم پشت برکه ی مختار در احتیاط نزدیک بود.

علاوه بر این نیروهای موجود در منطقه، عناصری از تیپ ۵۰۶ و ۱۱۴ لشکر ۲۵ در منطقه حضور داشتند که برخی از آنها در میان اسرا و کشته شدگان مشاهده می گردید.

دشمن همچنین به منظور کنترل منطقه با استفاده از هلی کوپتر و هواپیمای پی - سی - ۷ مرتبا کشت شناسائی انجام می داد و بعضا بر روی مواضع خودی اجرای آتش می کرد.

ص: ۱۱۰

پس از فراهم آمدن مقدمات عملیات و حرکت نیروها از نقطه رهایی به سمت هدف های از پیش تعیین شده، در تاریخ ۳ / ۲۵ / ۱۳۶۴ مصادف با روز قدس حمله، با رمز «یا محمد رسول الله یا الله (۳)، قد تری انا فیه ففرج عنی یا کریم الله اکبر» آغاز شد. نیروها با عکس العمل سریع، ظرف ۳ دقیقه، علاوه بر پاکسازی نیروهای دشمن تعدادی از آنها را به اسارت درآوردند. چنانکه تصرف پاسگاه ابوذر و ابولیله مدت ۵ الی ۷ دقیقه بطول انجامید.

در محور برکه ی مختار، نیروهای عراقی اندک مقاومتی کردند که این مقاومت درهم کوبیده شد. ضمناً فرمانده پاسگاه ابوذر که غافلگیر شده بود، هنگامی که قصد فرار داشت، به هلاکت رسید.

در صبح روز عملیات، هواپیماهای پی - سی - ۷ و هلی کوپترهای دشمن فعالیت خود را آغاز کردند، اما با استقرار سلاحهای ضد هوایی و سقوط یک فروند آن، که با موشک (سام - ۷) انجام گرفت، دشمن عملاً ناتوان گردید.

دشمن همچنین مبادرت به پاتک کرد، که توسط قایقهای حامل دوشکا، ۱۰۶ و تیربار تحت حمایت هلی کوپتر و هواپیمای پی - سی ۷ انجام گرفت که البته ماحصلی برای او نداشت و در نتیجه تلفات و ضایعات زیر بر دشمن وارد آمد:

- انهدام یک گردان کامل از تیپ حطین، تعدادی از عناصر تپهای ۵۰۶ و ۱۱۴ و لشکر ۲۵ کشته و اسیر شدند. ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن مجموعاً به هلاکت رسیدند و نزدیک به ۲۰۰ مجروح و ۹۰ اسیر از آنها بر جای ماند.

گذشته از این ۱۵ فروند قایق، یک فروند هواپیما و ۲ فروند هلی کوپتر و ۱۲ پاسگاه سیار دشمن منهدم شد.

همچنین ۴ قبضه توپ هوایی، ۶ قبضه خمپاره انداز و ۳۰ قطعه پل دوبه ای بخشی از غنایم بدست آمده را تشکیل می داد. ضمناً منطقه ای به وسعت ۱۸۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد گردید.

تحکیم منطقه و انجام قدس ۲

بمنظور ممانعت از تک احتمالی دشمن و مرتفع نمودن نقاط ضعف خودی و تبدیل آن به قوت و همچنین آسیب پذیر کردن دشمن و بدست گیری ابتکار عمل، در تاریخ ۴/۴/۱۳۶۴ در ساعت ۲ بامداد رزمندگان اسلام تهاجم خود علیه دشمن را در اطراف البیضه آغاز کردند.

طی درگیریهایی که چند روز ادامه داشت نیروهای خودی توانستند ضمن انهدام بخشی از نیروهای تیپ ۶۸ کماندوئی و دفع پاتکهای دشمن با پاکسازی و الحاق موقعیت خود را در مناطق تصرف شده تثبیت نمایند.

عملیات قدس ۳

هدف از عملیات قدس ۳، عمدتاً تصرف تپه ۱۹۴، انهدام تجهیزات، و گرفتن تلفات و اسیر از دشمن بود. البته در ابتدا، تصمیم بر این بود که نیروها پس از تصرف هدف، با انجام پاکسازی، منطقه را تأمین نمایند؛ لیکن عملیات بنا به عللی، در نهایت بصورت «نفوذی» تغییر شکل داد.

ص: ۱۱۲

موقعیت منطقه - منطقه عملیاتی مورد نظر، که نزد دشمن به ارتفاعات «عین منصور» و در بین افراد محلی به «فره سیاه» مشهور است، در محور عمومی دهلران - طیب در غرب رودخانه میمه قرار دارد. این منطقه دارای یک سری تپه و ارتفاعات می باشد. همچنین در شرق رودخانه که به منطقه «بیات» معروف است وجود ارتفاعات ۲۰۸ بدلیل مشرف بودن روی حاشیه غربی «میمه» قابل ذکر است.

ضمنا عراق هنگام عقب نشینی سراسری خود پس از فتح خرمشهر، قسمتی از ارتفاعات یاد شده را - که در خط مرزی دو کشور قرار دارد - به لحاظ موقعیت حساس آن، همچنان حفظ کرد. خط اولیه دشمن در جلوی شیار مالحه و روی ارتفاع ۱۹۴ واقع بود. دشمن با استقرار بر روی ارتفاع مزبور، که طول آن به ۱ کیلومتر می رسید، دید کافی بر روی خط خودی و منطقه عمومی دهلران، داشت.

یک جاده خاکی از جاده اسفالته مهران - دهلران به طرف ارتفاع ۲۱۶ رفته، از خط خودی عبور نموده، سپس از غرب شهرک طیب به داخل خاک عراق امتداد می یابد.

این جاده اصلی به فاصله حدود دو کیلومتر پس از ارتفاع ۲۱۶ از پشت مقرها و پاسگاه های دشمن که خط جلوی مالحه را تشکیل می دهند، می گذرد.

در سمت راست جاده اصلی به موازات خط دشمن ۳ جاده فرعی شمالی - جنوبی قرار داشت که از طریق این جاده ها عقبه دشمن به خط جلوی مالحه و ۱۹۴ مرتبط می شد و نیروهای عراقی از این طریق تدارک می گردیدند. قابل ذکر است که در رابطه با آرایش خط دشمن جناح چپ از شیار مالحه خالی بود و این نقطه ضعف اساسی دشمن قوتی برای

نیروهای خودی محسوب می شد.

موانع دشمن در این عملیات، عبارت بود از ۲ ردیف مین والمر و ۱۰ ردیف سیم خاردار حلقوی، همچنین در اطراف سنگرهای دشمن در این محور، ۱۶ ردیف سیم خاردار حلقوی کار گذاشته بودند و نیز ۳ میدان مین انفجاری و منور و ۲۴ رده سیم خاردار رشته ای در اطراف پایگاه ها و مقرهای دشمن نصب شده بود.

طراحی عملیات - به تناسب راه کارهای موجود در منطقه، عملیات از دو محور طراحی شد. نکته قابل توجه در این عملیات، مسئله غافلگیری بود، چنانچه نیروهای خودی با رعایت حفاظت و استفاده از شب جهت تردد و نقل و انتقالات، سعی وافری بر ممانعت از هوشیاری دشمن داشته؛ لیکن تحرکاتی که عناصر دشمن مشاهده می شد که به نظر می رسید اصل غافلگیری مخدوش شده است؛ اما بعدا معلوم شد که تحرکات دشمن صرفا جابجایی نیروها بخاطر خستگی و ضعف روحیه بوده است.

علاوه بر این هنگام تهاجم نیروهای خودی، عناصر دشمن در سنگرها در خواب بسر می بردند و این امر خود دلیلی بر غفلت دشمن محسوب می شد.

ضمنا سعی بر این بود که تعرض بدشمن همراه با ابتکار عمل باشد بدین معنی که حمله در ابتدا به قرارگاه دشمن و از پشت صورت گردد تا خط متزلزل شود، و علاوه بر این در اولین فرصت کابلهای برق و سیم های مخابراتی دشمن قطع شود تا بدین طریق، ارتباط نیروهای دشمن با عقبه و نیروهای در خط بطور کلی قطع و مختل گردد.

شرح عملیات

با نزدیک شدن زمان آغاز تک، نیروها در محورهای از پیش تعیین شده حرکت خود را به سمت دشمن آغاز کردند. حرکت نیروها چنان

ص: ۱۱۴

آمیخته با غافلگیری بود که برخی از آنها توانستند خود را بالای سر نیروهای دشمن رسانده جهت انجام عملیات اعلام آمادگی نمودند.

به هر روی، پس از اعلام آمادگی کلیه نیروها از محورهای مختلف، در ساعت ۲ / ۴۵ / ۱۹ بامداد ۱۳۶۴ / ۴ / عملیات با رمز:

«و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. انا فتحنا لک فتحا مینا.

یا امام صادق (ع) یا امام صادق (ع)، یا امام صادق (ع)، الله اکبر»

در کلیه محورها با هجوم به دشمن آغاز شد.

سرعت عمل نیروها چنان بود که پس از قرائت رمز عملیات و در همان لحظات اولیه نزدیک به ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. از آنجا که هدف عملیات نفوذی بود، لذا نیروها حتی الامکان از به غنیمت گرفتن اقلامی که دست و پاگیر بود و انتقال آنها به عقب خالی از مشکلات نبود، امتناع ورزیده، سعی بر این داشتند که اساسا امکانات دشمن را منهدم سازند و به آتش بکشند.

پس از اجرای موفق عملیات، با نزدیک شدن طلوع فجر و روشنایی هوا، به نیروها دستور عقب نشینی داده شد.

نظر به اینکه دشمن غافلگیر شده و نیز در تدبیر عملیاتی سیم کابل مخابراتی آنها قطع شده بود، طبیعتا از اهداف عملیات آگاه نبود. لذا صرفا بمنظور حضور در منطقه پاتک خود را با نیروهای زرهی و تعدادی هلی کوپتر آغاز نمود. دشمن تصور می کرد نیروهای خودی بر روی ارتفاعات ۱۹۴ و سایر پایگاههای منطقه مستقر شده اند، لذا تلاشی قابل توجه را به آن سمت معطوف نمود؛ لیکن با عقب نشینی بموقع نیروهای خودی پس از انجام مأموریت محوله، اساسا آسیبی قابل ملاحظه متوجه

آنها نشد. قابل ذکر است که دشمن در شب عملیات قصد تعویض نیروهایش را داشت لذا به دلیل عدم آمادگی تلفات زیادی را متحمل شد.

نتایج عملیات

۱ - پاکسازی منطقه ای به وسعت ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر مربع

۲ - کشته و مجروح کردن بیش از ۷۰۰ تن از نیروهای دشمن

۳ - انهدام ده انبار مهمات، ۶ قبضه تفنگ ۱۰۶ م.م، یک قبضه توپ پدافند هوایی، تعداد زیادی خودرو سبک و سنگین (شامل ایفا، جیپ) و همچنین انهدام پمپ بنزین قرارگاه گردان.

در مجموع از تیپ ۸۰۵ پیاده ارتش عراق، گردان یکم صددرصد و گردان دوم ۶۰ درصد منهدم و به گردان سوم نیز خساراتی وارد آمد.

در این عملیات، گذشته از ضعف دشمن در جناح دادن و عدم آشنایی با زمین منطقه، ابتکارات نیروهای خودی در دور زدن دشمن، توجیه گردانهای عمل کننده، نزدیک شدن به دشمن با حفظ غافلگیری، قطع ارتباط، زدن مقرهای فرماندهی و آتش پشتیبانی مؤثر (که توسط ارتش اجراء شد) قابل توجه بود.

لازم به تذکر است که همزمان با عملیات قدس ۳، از سوی برادران نیروی زمینی ارتش در شریانی، عملیاتی بمنظور باز پس گرفتن مناطقی که بتازگی به اشغال دشمن درآمده بود، انجام شد. این حرکت اساسا منجر به معطوف نمودن ذهن دشمن به آن منطقه شد و بطور غیر مستقیم به منزله پشتیبانی عملیات قدس ۳ محسوب گردید.

دو حادثه مهم در جهت شکل گیری عملیات قدس ۴ در دریاچه ام النعاج در هورالهویزه نقش داشت: یکی کنار رفتن تله‌های (۱) شط‌الدوب بود، که بر اثر طوفان شدید و بی سابقه صورت گرفت، و بدین وسیله شط به دریاچه ام النعاج متصل گردید؛ و دیگری اسارت تعدادی از نیروهای شناسایی عراق بود، که طی یک درگیری با مجاهدین عراقی به اسارت درآمدند. اطلاعات نسبتاً موثقی که از این اسرای تخلیه شده بدست آمد، زمینه مناسب را جهت معطوف کردن توجه فرماندهان به دریاچه ام النعاج فراهم کرد.

موقعیت منطقه - دریاچه ام النعاج از شمال ابتدا به چند آبراه، سپس به برکه «سوده»، روستای «سلف المعداد»، روستای «الهویه» و روستای «حمیدان» و از شمال غرب به آبراههای «ابوحضاف»، آبراه «العوج»، روستای «سلف الدین» و روستای «سلف العبد» و از غرب به آبراههای «ام‌البود»، روستای «الهرود» و آبراه «معمر» و از جنوب غربی به «شط‌الدوب» و «برمایه ترابه» و از جنوب به تعدادی آبراه و برکه و آبراه بزرگ «الکسر»، آبراه «العوج» و از شرق به برکه‌های «ام‌ارزال»، «ابوشوش»، «سوده ام‌توشه» و شمال با فاصله ای به آبراهها و برکه‌های «هورالعظیم» محدود می‌شود. این دریاچه به مساحت تقریبی ۱۰۰

ص: ۱۱۷

۱- ۲۱. از بهم پیوستن نی و دیگر روئیدنیها در هور، بمرور زمان قطعاتی جزیره مانند بر روی آب ایجاد می‌شود که ساکنین منطقه به آنها تهل یا طهل می‌گویند. تهل‌ها اکثراً کوچک و متحرک می‌باشند، البته در هورالهویزه تهل‌های بزرگی نیز دیده می‌شود که به جزیره‌های ثابتی تبدیل شده‌اند و بادهای معمولی قادر به جابجایی آنها نمی‌باشد.

کیلومتر مربع در شمال غربی «هورالهویزه» و جنوب شرقی «عمار» قرار دارد.

آب دریاچه ام النعاج واقع در هورالهویزه از رودخانه های ایران تأمین می شود که از طریق آبراههای متفاوت در آن جریان می یابد، دریاچه و آبراههای منتهی به آن، دارای تهل های فراوان است. در شرق دریاچه تهلهای بیشتر متحرک بوده، مسیر حرکتشان شرقی - غربی است و عمدتاً بستگی به جهت وزش باد دارد.

قبل از جنگ عده ای عشایر در این دریاچه زندگی می کردند که بر روی تهلهای ثابت، حباشه (سایبان) ساخته، از راه صید ماهی امرار معاش می کردند.

همچنین فروش نی به کارخانه ی حصیربافی نیز بخشی دیگر از درآمد آنها را تشکیل می داد.

اهداف عملیات قدس ۴

۱- انهدام نیروی دشمن

۲ - آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از دریاچه ام النعاج و در نتیجه تسلط بر بخشی دیگر از هور

۳ - گرفتن جای پا جهت گسترش عملیات

۴ - گرفتن جناح از دشمن و نزدیک شدن به قسمتی دیگر از خشکیهای عراق که شامل روستاهای سلف المعده، الهویه، حمیدان و... می شود که در جنوب شرقی العماره واقعند.

شناسائی

پس از تعیین محدوده ی منطقه عملیات، کار شناسائی از دو محور بر

ص: ۱۱۸

روی آبراهها، کمینها و پاسگاههای دشمن آغاز شد. نظر به حساسیت منطقه و هوشیاری نسبی دشمن، امر شناسایی نیازمند دقت و سختکوشی بسیار بود و طبیعتاً معضلاتی به همراه داشت.

در محور غربی دشمن دارای ۴ پاسگاه ارتشی و ۵ کمین فرسان الهور بود. کمینها نیز به دو صورت فعالیت می کردند. یکی متحرک، که با بلم در میان نینها مخفی می شدند و دیگری ثابت، که بر روی تهلها استقرار داشتند. در هر کمین دشمن از ۸ تا ۱۵ نفر نیرو با سلاحهای سبک مانند کلاش، آرپی جی حضور داشتند.

در محور شرقی در ام الطیره دو پاسگاه به استعداد جمعا ۳۰ نیرو و تعدادی کمینهای فرسان الهور وجود داشت. استعداد و آرایش کلی منطقه عبارت بود از لشکر ۲۹ در المعیل و تیپ ۱۱۷ مرزی، که گردان و عناصری از گردان ۲ این تیپ در دریاچه ام النعاج و گردان ۴ آن از ابوخصاف به سمت جنوب، در مقابل آبراه خیط، استقرار یافته بودند.

آخرین وضعیت قبل از عملیات - بافت و ترکیب نیروهای عمل کننده در این عملیات می تواند از ویژگیهای آن در مقایسه با سایر عملیاتها به شمار رود؛ زیرا غیر از فرماندهی و برخی کادرها، تمامی عناصر آن از نیروهای مجاهد عراقی بودند که در چهارچوب «تیپ بدر» سازماندهی شدند. عناصر تیپ بدر ترکیبی از ارتشیان پناهنده عراقی و مجاهدین غیر نظامی است که صرفاً به لحاظ بینش سیاسی و انگیزه حرکت و جهاد مسلحانه در جبهه حضور یافته اند. قابل ذکر است که هسته اولیه تیپ بدر ۲ سال قبل در حد یک گردان بنام شهید صدر تشکیل شد و سپس رو به گسترش نهاد؛ چنانچه در عملیات بدر توانستند با توانی بیشتر اجرای مأموریت نمایند.

آموزش - به منظور آمادگی نیروها آموزش فشرده برای آنها در

زمینه های شنا، غواصی، بلم زنی و قایقرانی به مورد اجرا گذارده شد.

همچنین در زمینه مهندسی و تدارکات، اقدامات مقتضی صورت گرفت؛ بطوریکه بوسیله نی بر آبراههای مورد نظر عریض گردید و پلهای خیبری به جلو منتقل شد.

واحد تدارکات نیز بنه های تدارکاتی را به جلو کشید و از آمادگی لازم جهت تدارک و تأمین عملیات، در چند روز اول، برخوردار گردید.

شرح عملیات: دشمن قبل از آغاز تک تقریباً روزی یک تا دوبار به وسیله هواپیماهای پی - سی - هفت منطقه را بمباران می کرد. در مواردی هم اقدام به شناسائی و گشت رزمی می نمود که به دلیل وجود کمین های خودی، نتوانست حرکتی عمده صورت دهد.

به هر روی، در تاریخ ۱ / ۵ / ۱۳۶۴ در ساعت ۱۲ نیمه شب تک آغاز شد. سرعت عمل نیروها و بهره گیری از عنصر غافلگیری موجب گردید دشمن تا مدتی با سرگشتگی و آشفتگی باشد و عملاً قادر به هیچ اقدام اساسی نشود. در این میان مسئله قابل توجه، اسارت مأمور بیسیم فرماندهی دشمن بود، که با گفتن الله اکبر خود را تسلیم نیروهای اسلام نمود.

دشمن پس از سقوط پاسگاه ها و تأمین اهداف عملیات، به اجرای شدید آتش توپخانه مبادرت ورزید - بطوریکه تردد در منطقه با اشکال مواجه شد.

در این موقع تعدادی از اسرا به تقاضای همکاری پاسخ مثبت داده به پای بیسیم منتقل شدند. از پست شنود با فرماندهی خود (در عقبه) تماس گرفته و تقاضای نیرو کردند. از آنجا که دشمن بر روی منطقه تسلط نداشت، نپذیرفت، ولی در مقابل تقاضای قطع آتش، به بهانه اینکه بر روی سر خودمان می ریزد، بعد از لحظاتی آتش توپخانه عراق بطور کلی قطع شد و در این فاصله تردها صورت گرفت و این امر، کمکی

شایان به رزمندگان نمود.

نتایج عملیات

در پایان عملیات قدس ۴ نیمی از دریاچه ام النعاج که از شط الدوب در غرب دریاچه شروع شده و تا برکه ام سوده در شرق آن امتداد داشت، به وسعت ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد. همچنین بیش از ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۵۳ نفر به اسارت درآمدند.

عملیات قدس ۵

عملیات قدس ۵ بمنظور تکمیل اهداف قدس ۱ و ۲ در نظر گرفته شد و اهداف زیر برای آن منظور گردید:

- ۱- تصرف پاسگاه الیج واقع در هورالهویزه
 - ۲- نزدیک شدن به البیضه با توجه به حساسیت پاسگاه «الیج» که در سمت چپ پاسگاه بلاله و نزدیکی البیضه قرار داشت.
 - ۳- تأمین بیشتر جاده خندق
 - ۴- تأمین بیشتر جناح راست خط پدافندی که احتمال می رفت دشمن با اتکاء به خشکیهای موجود در این محور با نزدیک شدن به مواضع خودی، آنرا مورد تهدید قرار دهد.
 - ۵- محدودتر شدن خط پدافندی خودی و تقلیل پاسگاه های بر روی آب
- موقعیت منطقه - پاسگاه الیج واقع در هورالهویزه و در شمال

ص: ۱۲۱

منطقه عملیاتی بدر، حدفاصل پاسگاه بلال و جاده خندق، در شرق البیضه قرار دارد.

موانعی که دشمن در این منطقه داشت، عمدتاً عبارت بودند از: ۶ الی ۷ ردیف سیم خاردار: حدود ۷۰۰ متر میدان مین؛ بشکه های ۲۰۰ لیتری فوگاز (آتشزای ناپالم).

همچنین دشمن در پاسگاه الیح ۲ دستگاه تک لول ضد هوایی، ۲ قبضه خمپاره انداز ۸۱ و ۸۲ م.م و مهمات کافی جهت ۴۸ ساعت مقاومت در اختیار داشت و نیروی گردان سوم از تیپ ۷۰۱ کماندویی حذیفه در آن مستقر شده بود.

شروع عملیات: پس از کسب آمادگی های لازم، نیروهای تکاور در تاریخ ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۴، در حد فاصل ساعت ۱۸ الی ۱۹ بعد از ظهر، حرکت خود را از نقطه رهایی به سوی دشمن آغاز نمودند و پس از پشت سر گذاردن پاسگاههای خودی، با اندکی تأخیر در معابر و محورهای مورد نظر قرار گرفتند. در این اثنا مسئله قابل توجه تیراندازیهای کور و بدون هدف دشمن بود که در جوانب مختلف صورت می گرفت.

در ساعت ۲۳ پس از اعلام آمادگی کلیه نیروهای عمل کننده، رمز عملیات توسط فرماندهی با عنوان «یا علی ادرکنی» قرائت شد و به دنبال آن، درگیری در محورهای مختلف آغاز گردید.

در یکی از محورها وجود تک لول دشمن منجر به اشکالاتی در امر پاکسازی شد که پس از رفع مانع، عملیات ادامه یافت.

در محور دیگری که دشمن هوشیار شده بود، نیروهای خودی به قصد فریب دشمن تظاهر به پناهندگی نمودند. در این اثنا با سرعت عمل یکی از برادران و مسلح شدن وی، درگیری آغاز شد و در نهایت پس از سقوط پاسگاه، ۱۸ تن از عناصر دشمن به اسارت درآمدند.

نتایج عملیات - طی عملیات قدس ۵، ۳۰ کیلومتر مربع از هور آزاد شد، همچنین ۵۱ تن از نیروهای دشمن کشته شدند و ۱۸ نفر از آنها به اسارت درآمدند. علاوه بر این غنایمی از جمله خمپاره انداز، سلاح ضد هوایی تک لول و... از دشمن بدست آمد.

عملیات عاشورای ۴

به دنبال عملیات قدس ۴، که توسط مجاهدین عراق در دریاچه ام النعاج صورت گرفت و منجر به آزادسازی قسمتی از آن شد، عملیات عاشورای ۴ به منظور آزادسازی کامل دریاچه، با همان ترکیب نیروی سابق (مجاهدین عراقی) تحت عنوان «تیپ بدر» در دستور کار قرار گرفت.

پس از تعیین حدود منطقه عملیاتی و واگذاری آن به تیپ بدر، کار شناسایی و آماده سازی منطقه آغاز شد. در این اثنا پناهندگی دو تن از قوای عراقی به نیروهای خودی، به لحاظ داشتن اطلاعات مناسب، توانست نقشی مؤثر در عملیات ایفا کند. شناسایی منطقه مزبور از آنجا که نیروهای تیپ بدر در منطقه حضور داشت، در صدد ادامه ی تک بودند، به آسانی صورت گرفت.

قابل ذکر است که دشمن در دریاچه ام النعاج، گروهان ۲ از گردان ۶ تیپ ۱۱۷ را در ۴ پاسگاه ثابت و یک پاسگاه شناور آرایش داده بود و نیز نیروهایی به نام فرسان الهور (۱) در کمین های دشمن استقرار داشتند.

ص: ۱۲۳

زمان آغاز تک، یک روز پس از میلاد امام هفتم (ع) (۸ صفر) در نظر گرفته شد، لذا رمز عملیات به همین مناسبت «یا موسی الکاظم (ع)» انتخاب شد.

در ساعت ۲ بعد از نیمه شب، عملیات با قرائت رمز آغاز گردید. در محور شرقی عملیات، به لحاظ استفاده از اصل غافلگیری و نیز پشتیبانی مؤثر آتش ادوات، دشمن هراسان شده، در همان ساعات اولیه اهداف مورد نظر تأمین گردید. فی المثل نیروهای خط شکن که با بلم به سمت هدف های خود در حرکت بودند، در سر آبراه بجبله و نصله با چند ردیف سیم خاردار - که نیروهای کمین در پشت آن مستقر بود - روبه رو شدند؛ ولی با این وجود فرصت را از دست نداده، دشمن را از جناح چپ زیر آتش قرار دادند و پس از باز شدن معبر، با عبور از میان موانع، کمین های دشمن بدون هیچ گونه مقاومتی پا به فرار گذاشتند و بدین وسیله ۱۵ کمین دشمن که از نیروهای فرسان الهور بودند، سقوط کرد و پس از آن پیشروی به سمت پاسگاه های دشمن ادامه یافت و بدین ترتیب به سقوط آنها منجر شد.

در محور غربی عملیات با اجرای آتش مناسب و استفاده از مانور آتش و حرکت، نیروهای غواص ابتدا با پرتاب نارنجک به طرف سنگرهای دشمن تهاجم خود را آغاز کردند و سپس با رسیدن نیروهای موج بعدی و استمرار تک، پاسگاههای دشمن یکی پس از دیگری سقوط نمود.

در صبح روز اول عملیات، در حوالی ساعت ۵ / ۱۱ صبح، دشمن پاتک خود را آغاز کرد؛ لیکن با اتخاذ تدابیر مناسب توأم با خونسردی،

نیروها در میان نی ها کمین کرده، پس از نزدیک شدن دشمن، به آنها حمله ور شدند و بدین وسیله پاتک دشمن خنثی شد.

پاتک دوم دشمن در ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز، با پشتیبانی آتش توپخانه و حمایت هواپیمای پی - سی - ۷، با ۱۲ فروند قایق شروع شد.

مجاهدین عراقی در میان نی ها به کمین نشستند تا اینکه دشمن به فاصله ۵۰۰ متری آنها رسید، سپس ۳ فروند قایق به فرماندهی شهید ابوالخیر از میان نی ها بیرون آمده، آتشی پر حجم را روی دشمن اجرا نمودند. با این اقدام، ۱۲ فروند قایق دشمن تصمیم به فرار گرفتند؛ ولی با تعقیب آنها توسط مجاهدین عراقی، اجبارا به حواشی دریاچه رسیدند و پس از برخورد با نی ها متوقف شدند و این امر موجب کشته و اسیر شدن تعدادی از آنها و به غنیمت گرفته شدن ۸ فروند از قایق هایشان گردید.

در این تعقیب و گریز، برادر ابوالخیر به شهادت رسید؛ ولی مخابراتچی قایق او حاضر به بازگشت نشد و با انگیزه ی گرفتن انتقام شهید ابوالخیر به تعقیب قایق های عراقی ادامه داد تا اینکه بر اثر سرعت بیش از اندازه قایق شهید ابوالخیر بر روی قایق دشمن سوار شد، بطوری که هر ۳ نفر نیروهای داخل آن به هلاکت رسیدند.

در روز دوم عملیات، دشمن به لحاظ اهمیت دریاچه ام النعاج تصمیم به باز پس گیری آن گرفت و جهت انجام این مهم، ابتدا فرماندهی منطقه را که از خود ضعف نشان داده بود، تعویض و به دنبال آن اقدام به سه پاتک متوالی نمود.

در پاتک اول، دشمن ۸ فروند قایق را با پشتیبانی ۵ فروند هواپیمای پی - سی - ۷ وارد عمل کرد. در پاتک دوم، ۸ فروند و یک دستگاه نفربر خشایار توأم با پشتیبانی هوایی وارد عمل شد. سومین پاتک

دشمن از المجرى با ۱۲ بلم و حمايت هواپيماى پى - سى - ۷ آغاز شد. در اين ميان مجاهدين عراقى از تاكتيك استتار در نى ها و سپس حمله به دشمن، استفاده کرده، به آنها حمله ور شدند. دشمن با مشاهده مکرر اين صحنه غافلگیر شده، اقدام به فرار کرد.

همچنين يکى از مجاهدين عراقى هنگام تعقيب قايق دشمن با نقص فنى دوشکا مواجه شد و نتوانست تيراندازى کند، لذا از پشت قايق، خود را به قايق دشمن کوبيد و منجر به غرق شدن آنها گرديد.

در عمليات عاشوراي ۴ تمامى اهداف مورد نظر تأمين شد و نتايج زير بدست آمد:

- آزادسازى ۱۱۰ كيلومتر مربع از زمين هاى منطقه

- تصرف ۳ پاسگاه و کمين دشمن

- اسارت ۷۶ تن از نيروهاى دشمن (که تنها در حين پاتک اسير شدند)

- به غنيمت گرفتن ۲۷ قايق و بلم، ۹۹ قبضه سلاحهاى نيمه سنگين، ۲ قبضه ضد هوائى تک لول ۵/ ۱۴ و ۴ قبضه خمپاره انداز ۸۲ و ۶۰ م.م.

در اين عمليات، دشمن بيش از ۳۰۰ نفر کشته و زخمى به جاى نهاد؛ ۲۵ پاسگاه منهدم شد؛ يک فروند هواپيماى پى - سى - ۷ سقوط کرد و بيش از ۱۰۰ فروند قايق و بلم دشمن منهدم و نابود گرديد.

نتايج و ارزيايى عمليات محدود

پس از آنکه سلسله عمليات محدود انجام گرفت از آنجا که قسمت اعظم آن در هور بود، لذا دشمن دچار نوعى هراس و شتابزدگى شد

ص: ۱۲۶

و همچنین همین امر موجب مبادرت دشمن به ترمیم اساسی مواضع و استحکامات دفاعی خود شد که آن را استراتژی پدافندی نامید.

علاوه بر این زنده نگاه داشتن جو جنگ و مقاومت، خصوصاً پس از اهتمام به جنگ شهرها، نقشی بسزا را در خارج و داخل داشت.

به هر روی، سلسله عملیات قدس و عاشورا نشانگر ادامه مقاومت و استمرار در ادامه جنگ به هر شکل ممکن بود. این امر گذشته از سایر نتایج دستاوردهای نظامی عملیات و آسیب پذیری و انهدام دشمن است که قسمتی از آن به شرح زیر است:

۱ - حفظ روحیه تعرضی

۲ - افزایش انسجام یگانها و پرورش کادر و افزودن به تجربیات جنگی آن ها

۳ - گرم نگاه داشتن جو جنگ در میان مردم

۴ - تضعیف روحیه سربازان دشمن و ایجاد تزلزل در آنان

۵ - به ضعف کشاندن موضع قدرت نمائی و مانور دشمن که پس از عملیات بدر با جنگ شهرها در حال افزایش بود

۶ - در انفعال قرار دادن دشمن و گرفتن مجال هر گونه پدافند از او

۷ - باز پس گیری بخشی از اراضی اشغالی و پیشروی در خاک دشمن

۸ - خاطر نشان ساختن توانایی و قابلیت‌های نظامی جمهوری اسلامی جهت وارد آوردن فشارهای پی در پی به دشمن

۹ - فریب دشمن و ممانعت از هوشیاری آن نسبت به تلاش های اصلی و گسترده در آینده

۱۰ - نزدیک شدن به عمق دشمن در بعضی مناطق و تسلط بر

۱۱ - بهره گیری از زمان و مشغول ساختن دشمن، جهت طراحی عملیات گسترده (والفجر ۸) و بازسازی و سازماندهی یگانها

۱۲ - در خط چیدن نیروهای احتیاط دشمن - از آنجا که دشمن سلسله عملیاتهای محدود را سراسری و در طول مرز فرض می کرد، لذا مبادرت به تقویت خطوط عملیاتی کرد که عمدتاً با بهره گیری از نیروهای احتیاط بود. و این از نظر مصرف شدن نیروهای دشمن و آسیب پذیری آنها از اهداف عملیات محدود بشمار می رفت.

۱۳ - تقویت پشتیبانی یگان های رزمی توسط مردم هر منطقه.

نتایج حاصله از عملیات زنجیره ای قدس (۱ تا ۵) از تاریخ ۲۳ خرداد تا ۱۵ مرداد ۶۴ (پنجاه روز):

انهدام نیروی دشمن: سه تیپ شامل: تی ۵۸ از لشکر ۲۴، تی ۲ حطین از لشکر ۲۵، دو گردان از تیپهای ۱۱۷ و ۷۰۱ از لشکر ۲۹

تلفات پرسنل: ۳۰۰۰ نفر کشته و زخمی

اسیر: ۲۳۵ نفر

ضایعات دشمن: هلی کوپتر ۳ فروند، هواپیما ۲ فروند، قایق، ۳۲۵ فروند، خودرو ۱۵ دستگاه، تانک ۴ دستگاه، خمپاره ۱۵ قبضه، تفنگ ۱۰۶ م.م. و قبضه

وسعت زمین آزاد شده: ۴۰۵ کیلومتر مربع

غنائم بدست آمده: قایق ۲۶ فروند، بی سیم ۱۵ دستگاه ضد هوائی، ۴ قبضه سلاح انفرادی، ۳۰۰ قبضه خمپاره ۹ قبضه

ملاحظات: آمار یاد شده تنها متعلق به قدس ۱ تا ۵ می باشد و از آمار عملیات عاشورای ۴ ذکری به میان نیامده است.

ص: ۱۲۹

همانطور که گفته شد، پیروزیهای فزاینده جمهوری اسلامی که با فتح خرمشهر به اوج خود رسید، غرب را بر آن داشت که به منظور فراهم آمدن شرایط مناسب در تحمیل صلح و سازش به جمهوری اسلامی، تلاش اصلی را معطوف بر حفظ صدام نماید.

بدین ترتیب از یک سو تصمیم قطعی غرب و پافشاری بر حفظ صدام به هر شکل ممکن (از طریق کمکهای همه جانبه به رژیم بعثی و ادامه تحریم فروش سلاحهای نظامی به ایران) و از سوی دیگر عزم راسخ جمهوری اسلامی جهت حصول به اهداف خود در جنگ و تن در ندادن به سازش و تسلیم نشدن در برابر فشارهای همه جانبه استکبار، به نوعی حالت نه جنگ، نه صلح را میان طرفین حاکم ساخت. به عبارت دیگر استکبار جهانی سعی داشت جمهوری اسلامی توانائی لازم جهت انجام حرکت سرنوشت ساز و تعیین کننده به منظور اختتام جنگ، با پافشاری بر آرمانهای مطلوب خود را از دست بدهد.

در واقع حفظ صدام و بازداشتن ایران از پافشاری روی آرمانهای خود، برقراری موازنه ی قوا بود. از این رو افزایش و تقویت توانائیهای تکنولوژی عراق، خاصه نیروی هوایی، در دستور کار دنیای استکبار قرار

گرفت و به دنبال آن دشمن سعی کرد آسمان را بطور مطلق در اختیار بگیرد تا شاید بدین وسیله به لحاظ ضعف های متعددی که داشت، جنگ را از میدان رزم زمینی به آسمان، دریا و شهرها بکشاند.

در این میان آنچه غرب را بر اتخاذ سیاست مزبور واداشت، قطعاً هراس از تاکتیکهای ویژه جمهوری اسلامی بود امری که به عنوان یک عنصر و عامل اساسی، نقش تعیین کننده در کسب پیروزی داشت.

طبیعتاً انجام حرکت‌های غیر مترقبه از سوی جمهوری اسلامی در بطن خودفروپاشی رژیم عراق و نتیجتاً گسترش انقلاب اسلامی را در بر دارد و منافع غرب را بطور کلی، نه تنها در رابطه با جنگ بلکه در کل منطقه خاورمیانه، با تهدید اساسی مواجه می سازد.

از این رو غرب به منظور بازداشتن ایران از دستیابی به هر گونه موفقیتی که رژیم بغداد را متزلزل و گسترش انقلاب اسلامی را تسهیل نماید، به هر شیوه ی ممکن متوسل می شود.

بر این اساس غرب سیاست دیپلماسی - فشار را اتخاذ نمود و در این روند، رژیم بغداد بعنوان عامل فشار مستقیم به جمهوری اسلامی، تحت حمایت و هدایت غرب قرار گرفت.

گرچه غرب بعینه مشاهده می کرد که سیستم موجود در عراق فاقد بهره برداری لازم و کامل از مساعدتهای غرب می باشد، لیکن بن بست جنگ، راهی جز این برای غرب باقی نگذاشته بود. به هر روی، غرب با چهار عامل اساسی به کمک حاکمان بغداد شتافت:

۱ - تکنولوژی برتر (خصوصاً در زمینه هوایی)

۲ - آواکس و دستگاههای جاسوسی

۳ - کسب اطلاع از تاکتیکها و تواناییهای نظامی ایران و بهره برداری از فکر مستشاران دنیای استکبار از این امر

ص: ۱۳۱

دشمن علیرغم اینکه توانست در برهه ای خاص از زمان با گسترش سازمان رزم خود به ۵۰ لشکر با عمق بخشیدن به میادین مین و موانع و استحکاماتش و نیز ممانعت از تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده وقفه ای در پیشرفت رزمندگان به داخل خاک عراق ایجاد کند، لیکن این وضع ناپایدار بود با گذشت زمان و رشد توانائی های جمهوری اسلامی در زمینه ی جنگ - طراحی عملیات در موقعیتهای مختلف جغرافیائی (دشت، کوهستان، آب، رمل و...)، سازماندهی نیرو و گسترش سازمان رزم - در بطن خود تزلزل و بی ثبات ساختن رژیم بغداد را در برداشت.

در هر صورت رویارویی غرب با وضعیت یاد شده چیزی است که بن بست جنگ را برای غرب پیچیده تر می کند و قطعا غرب نتوانست از روند جنگ برای خود طرفی ببندد. آنچه در ارتباط با عراق قابل توجه است و تا اندازه ای منجر به افزایش نیروی بازدارندگی آن شده، گذشته از استراتژی غرب و حمایت‌های همه جانبه عملی و نظری آنها، تلاش و سختکوشی دشمن در اصلی قرار دادن جنگ بوده است.

در مقاطع مختلف، برخوردهای رژیم عراق با حوادث و رخداد‌های گوناگون، دقیقا نشانگر این امر است که دشمن از آنجا که تمامی حیات سیاسی - نظامی - اجتماعی - اقتصادی خود را در گرو عدم موفقیت جمهوری اسلامی در جنگ می داند، لذا به گونه ای واقعگرایانه تمامی توان خود را در جهت پشتیبانی و پاسخگوئی به نیازهای جنگ قرار داده است. فی المثل همزمان با عملیات والفجر مقدماتی، دشمن ۸۰٪ تشکیلات وزارت راه خود را تعطیل و در مناطق عملیاتی متمرکز نمود. نمونه دیگری که در نزدیکی عملیات والفجر ۸ رخ داد،

بسیج چندین هزار نفر از مردم عراق توسط استانداریها، به منظور بریدن نی در داخل هور بود! گذشته از این، از آنجا که دشمن استمرار جنگ را برای خود فرض می داند، لذا علاوه بر تلاشهایی که در زمینه اقتصادی به صورت میان مدت و بلند مدت انجام می دهد، سعی وافر در حل کمبود نیروی انسانی خود دارد؛ چنانچه زنان و کارگران خارجی و مردان عراقی، اعم از نوجوان، جوان و پیر را، به گونه ای مناسب در خدمت جنگ قرار داده و در نتیجه توانسته است نزدیک به یک میلیون نفر را به جبهه گسیل دارد.

البته نمی توان فشار حاکم بر مردم و جنایت رژیم بغداد را در این روند نادیده گرفت، لیکن دشمن به هر شکل ممکن، هر چند ناپسند و ناروا و توأم با ظلم و جنایت در حال حفظ آن چیزی است که آن را رگ حیات خود می پندارد!

بسیج کلیه امکانات و قرار دادن آن در خدمت جنگ از سوی رژیم عراق، حاکی از این است که به لحاظ اهمیت اساسی جنگ و ارتباط تنگاتنگ آن با اوضاع سیاسی - اجتماعی - اقتصادی کشور، نمی توان نسبت به هر آنچه که جنگ را مورد تضعیف قرار می دهد، تساهل و تسامح به خرج داد.

به هر صورت، با اشاره به استعداد نیروهای مسلح ارتش عراق و اقلام عمده ی تجهیزاتی تا مهرماه سال ۱۳۶۴ - این بحث را پایان می بریم:

نیروی زمینی: ۹۶۰۰۰۰ نفر

نیروی هوایی: ۳۵۰۰۰ نفر

نیروی دریایی: ۱۰۰۰۰ نفر

تانک و نفربر زرهی: ۷۰۰۰ دستگاه

توپ پدافند هوایی: بیش از ۴۰۰ قبضه

ص: ۱۳۳

توپ صحرائی: ۲۵۰۰ قبضه

تانک بر: ۲۰۰۰ دستگاه

استعداد نیروهای پدافندی دشمن در جبهه ها:

۵۵۵ گردان نیروی پیاده

۱۴۸ گردان (۱) تانک و مکانیزه

۱۲۵ گردان توپخانه

۴۰ گردان پدافند هوایی

همچنین دشمن ۵ لشکر زرهی، ۳ تیپ مستقل زرهی، ۲ تیپ مستقل مکانیزه نزدیک به ۲۰ تا ۲۵ لشکر پیاده و ۸۰ تیپ مستقل و ۱۰ تیپ مستقل نیروی مخصوص و کماندوئی در اختیار دارد.

نیروی هوایی عراق نیز دارای ۴۵۰ فروند جنگنده شکاری است که باید ۵۰ فروند هواپیمای پی - سی - ۷ را بدان اضافه نمود.

تعرضات زمینی و هوایی دشمن در مدتی که طراحی عملیات والفجر ۸ صورت می گرفت، اساسا برخاسته از ذهنیت دشمن نسبت به تدابیر آتی جمهوری اسلامی و نیز ناشی از استراتژی و تاکتیک های عملیاتی بود.

بر این اساس دشمن در مقابل سلسله تعرضهای احتمالی پیرامون اقدامات جمهوری اسلامی در جبهه های نبرد، مجموعه ی حرکتی را در زمین و هوا سامان بخشید و به اجراء درآورد.

تعرضات زمینی

آنچه عراق را پس از فتح خرمشهر به گزینش و انتخاب لاک

ص: ۱۳۴

۱-۲۳. استعداد هر گردان بین ۴۵ تا ۵۰ دستگاه تانک و نفربر است که جمعا ۵۴۰۰ تا ۶۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر را شامل می شود.

دفاعی واداشت، برخلاف تصور طراحان آن، نتوانست افق و دورنمایی روشن را برای رژیم بغداد ترسیم نماید؛ بدین معنی که عراق نه تنها قادر به ممانعت از تهاجمات پی در پی و مستمر قوای نظامی ایران نشد، بلکه ضایعات و تلفاتی بسیار را متحمل شد.

وضعیت یاد شده برای نیروهای پدافندی دشمن که فاقد هر گونه تحرک بودند و نیز تحمل انتظار تهاجم نیروی مقابل، استقامت و روحیه نبرد را در آنها درهم می شکست. از این رو عراق به منظور تقویت روحیه نیروهای پدافند کننده خود و نیز رهانیدن آنها از ضعف و سستی، بر آن شد که به هر شکل ممکن، با راهیابی مناسب، مسایل یاد شده و معضلات ناشی از آن را حل نماید.

به دنبال آن، عراق با یک طراحی همه جانبه پس از عملیات خیبر، تهاجم خود را به برخی از مناطق از جمله جزایر مجنون، مهران، میمک، سومار سامان بخشید. تعرضات جدید دشمن، که به صورت موضعی و محدود بود. انعکاسی وسیع در رسانه های جهانی داشت و به منزله مرحله ای جدید از جنگ تلقی گردید.

این تهاجمات عمدتاً به دو منظور صورت می گرفت: یکی گرفتن یک یا چند هدف محدود و دیگری بر هم زدن آرایش و سازمان رزم نیروهای خودی.

در این زمان اقدامات دشمن در سراسر خطوط مرزی گسترش داشت، اما منطقه ای که برای دشمن حائز اهمیت بود و از این رهگذر اهداف خاصی را دنبال می کرد عمدتاً منطقه هورالهوریزه را شامل می شد و این مسئله جدا از عملیات بود و سلسله عملیاتی که پس از آن به صورت محدود در هور صورت گرفت، نبود. به هر حال، دشمن اهدافی خاص را در ورای تعرضات خود تعقیب می کرد که اساساً جدا از شرایط

حاکم بر جنگ نبود و قسمتی از آن می تواند چنین باشد:

۱ - تقویت روحیه نیروهای پدافندی دشمن - که در مناطق مختلفی مورد تهاجم واقع شده و یا در معرض تعرضات آتی جمهوری اسلامی قرار داشتند.

۲- وارد آوردن فشار اقتصادی از طریق بمباران خارک و مراکز نفتی

۳ - خنثی کردن اثرات تبلیغی حرکت گسترده کاروان راهیان کربلا، که هراسی فزاینده در دشمن ایجاد کرده بود.

۴- پاسخ به سلسله عملیتهای محدود که تحت نام های قدس، عاشورا و ظفر انجام گرفت.

۵ - گرفتن اسیر و تخلیه اطلاعاتی آنها به منظور اطلاع از محور اصلی عملیات گسترده

۶- ترمیم و تکمیل مواضع پدافندی و گرفتن هر گونه جا پای نیروهای خودی.

تعرضات هوایی

تدبیر دشمن در مقابل هر گونه تلاش مهندسی؛ مراکز تجمع نیروها و نقل و انتقالات خودی، عمدتاً سرکوب و انهدام به وسیله بمباران هوایی، اجرای آتش شدید توپخانه و نیز پیگیری اطلاعاتی از طریق عکس هوایی و شنود می باشد.

بر این اساس از آنجا که حرکت کاروان راهیان کربلا، نزدیک بودن زمان عملیات را به دشمن خاطرنشان می ساخت، لذا فعالیت های هوایی دشمن ابعادی وسیع و شدید گرفت. در واقع دشمن با

تعرضات هوایی خود، در کنار بمباران پایانه های نفتی جزیره ی خارک، سعی داشت در جبهه زمینی نیز سازمان نیروهای خودی را مختل سازد. به همین لحاظ، نیروی هوایی دشمن تنها در بهمن ماه سال ۶۴، در خطوط عملیاتی و شهرهای مرزی، دست به یک تهاجم وسیع و سراسری زد، که عمدتاً توأم با شکستن دیوار صوتی، بمباران و عکسبرداری هوایی بود.

با تغییر یافتن میدان نبرد از خشکی به آب های هورالهوریزه در عملیتهای خیبر و بدر، ابتکار عمل در دست قوای نظامی ایران قرار گرفت و پس از آن دشمن با وضعیتی جدید روبرو شد که عملاً به لحاظ تجارب گذشته جنگ و نیز تفکر کلاسیک خودیابی و انطباق سازمان رزم ارتش عراق با وضعیت جدید، مدتی به طول خواهد انجامید، که طبعاً از این فرصت مناسب برای درهم کوبیدن نیروهای دشمن و ضربه زدن به آن می توان بهره گرفت.

در این میان دشمن با پشت سر نهادن عملیات خیبر و بدر و نیز سلسله عملیتهای محدود در هور، بنا به تجارب بدست آمده تدابیری جدید را، به منظور بازدارندگی تهاجم نیروهای تک ور به مواضع و استحکاماتش، اتخاذ نمود که قسمتی از آن پدافند عمق دار بود. بدین معنا که دشمن با توجه به موقعیت طبیعی منطقه و بر رده های پدافندی و موانع و استحکاماتش افزود تا بدین وسیله شتاب و خیزش فزاینده و چشمگیر رزمندگان را در دستیابی به هدف دچار تعلل و تأخیر نماید.

دشمن در منطقه هورالهوریزه به دلیل محدودیت زمینی شرق و غرب رودخانه دجله (در حد فاصل الحسان تا البیضه)، اقدام به احداث سیلبندهای متعدد کرد تا بدین وسیله با خشکاندن قسمتی دیگر از آب هور بر خشکی منطقه افزوده، عمق بیشتری به آن بدهد و از این طریق، گذشته

از ایجاد مواضع و استحکامات مورد نظر زمین را برای مانور زرهی نیز آماده نماید. علاوه بر مسائل یاد شده، دشمن به منظور افزایش تأمین مواضع و خطوط اولیه خود و نیز دور نگه داشتن آن از دسترس نیروهای تک و مبادرت به ایجاد سیستم هشداردهنده کرده است تا بدین وسیله با افزایش کمین ثابت و سیار، در فاصله ای زیاد از خطر اول، هر گونه درگیری با کمین به منزله ی هشدار و به صدا درآوردن زنگ خطر برای ارتش عراق به حساب آید. گذشته از این، دشمن در هور با گسیل داشتن نیرویی قابل ملاحظه از مردم و کارمندان اداره های دولتی اقدام به بریدن نی ها کرد تا بدین وسیله هر گونه موانع بازدارنده ای را که دید و تیر دشمن را دچار ضعف و نقصان می کند و یا احتمال اختفا و استتار نیروی تک و در میان آن وجود دارد، برطرف نماید.

مبتهی بر مسائل یاد شده، عراق در حد فاصل عملیات بدر تا والفجر ۸ اقداماتی را در دو منطقه غرب اروند (فاو) و نیز هورالهویزه انجام داد که توضیح آن، به ترتیب، در پی می آید.

عراق براساس یک استراتژی پدافندی - که مبتهی بر شکل جدید جنگ (عملیات آبی - خاکی) بود - فعالیت مهندسی خود را به منظور ایجاد پدافند عمق دار و پیش بینی استقرار نیروهای احتیاط کمی و کیفی در آن، آغاز کرد.

دشمن در این روند با تکمیل سیلند خط اول سعی داشت خط پدافند اصلی خود را بر روی آن قرار دهد تا بدین وسیله از اثر سوء جزر و مد آب و رخنه آن به خط اول خود جلوگیری کند و در ضمن، از امکان غافلگیر شدن بکاهد. در هر صورت آنچه دشمن در این فاصله انجام داد، عمدتاً حول سه محور کلی دور می زند:

۱- تغییر زمین (احداث و مرمت جاده ها، خاکریز و...)

اقدامات مهندسی

دشمن پس از عملیات خیبر و تلاش هایی که به دنبال عملیات انجام نشده «والفجر ۸» (۱) در غرب اروند صورت گرفت، اقدام به فعالیتهای مهندسی در داخل نخلستان کرد - به این ترتیب که در میان نخلها و انتهای آن خاکریز احداث نمود و نیز سنگرهای لب آب را که دارای فاصله بود، متصل ساخت تا امکان شناسایی از عمق دشمن برای نیروهای خودی فراهم نیاید. علاوه بر این به عمق ۱ کیلومتر در سراسر حاشیه رودخانه اروند نخلها را قطع کردند.

تدبیر دشمن در منطقه غرب اروند، به لحاظ موقعیت زمین منطقه و وجود نخل در طول حاشیه رودخانه اروند و نیز کیفیت رزم نیروهای خودی، چنین بود که با هر گونه حضور نیروهای تک و در نخلستان، که طبعاً پاکسازی آن از سوی دشمن با مشکلات و معضلات عدیده ای روبرو بود، مقابله اساسی به عمل آید. برخلاف منطقه خشکی و خصوصا در دشت باز، که زرهی از قدرت مانور بیشتری برخوردار است، دشمن با تاکتیکهایی که اتخاذ می کرد، بعضا مایل به دادن زمین و گرفتن زمان بود تا در این فاصله خود را بازیافته؛ با نیروهای تک و در مقابله ای مناسب بنماید؛ لیکن در منطقه غرب اروند به لحاظ ضعف های عدیده دشمن و نیز قوتهای قابل ملاحظه قوای نظامی خودی، دشمن شدیداً از این تاکتیک

ص: ۱۳۹

۱-۲۴. در تیرماه سال ۶۳ قرار بود عملیاتی در منطقه غرب اروند با این نام صورت بگیرد که بنا به دلایلی انجام نشد.

احتراز می کرد، چنانچه در دستورالعمل استراتژی پدافندی (۱) مواردی از آن با ذکر مصداق بیان شده بود.

بر این اساس دشمن بر آن بود که در صورت امکان، هر گونه تحرک و اقدامی را در ساحل خودی (به هنگام آغاز تک) روی آب و یا در ساحل دشمن (به هنگام سرپل گیری)، درهم بکوبد؛ بدین منظور دشمن اقدامات زیر را انجام داد:

۱ - قطع نخلها و سوزاندن چولانها (گیاهان درهم پیچیده حاشیه اروند) به منظور ایجاد دید و تیر بهتر بر روی آب و ساحل خودی

۲ - ایجاد سنگر به منظور ازدیاد دیدگاههای مسلط بر آب و تحت نظر گرفتن هر گونه تحرک نیروهای خودی

۳ - ایجاد جاده های نسبتا زیاد و عمود بر خط، جهت تسهیل حرکت یگانهای پاتک کننده و نیروهای احتیاط

۴ - پیش بینی پشتیبانی قوی و احداث موضع توپخانه و سکوی شلیک تانک و ضد هوایی

مسدود کردن نهرها

از آنجا که دشمن احتمال تک و ادامه آن را بهره گیری از نهرهای (۲) موجود در منطقه خودی و دشمن محتمل می دانست، لذا به منظور ممانعت از تک، تلاشی عمده معطوف مسدود کردن نهرهای ساحل اروند و نیز ثبت تیر بر روی نهرهای مقابل (خودی) کرده بود. در این روند

ص: ۱۴۰

۱-۲۵. اسناد و مدارک بدست آمده از دشمن.

۲-۲۶. در زمینه تشریح منطقه توضیحات لازم داده خواهد شد.

دشمن نهرها را با خاک و تنه درخت مسدود ساخت و به طور میانگین درون نهرها را، تا سه ردیف، موانع سیم خاردار و خورشیدی بکار برد.

ایجاد موانع و استحکامات

دشمن تدابیری مناسب را به رفع تهدیدهای موجود در مناطق مختلف در نظر گرفته بود. فی المثل جهت مقابله با غواصها، سیم خاردار و موانع خورشیدی و برای هاورکرافت و پهلو گرفتن شناور، موانع سه پایه ای در نظر گرفته بود.

دشمن در دهانه نهرها جهت ممانعت از حرکت قایق، نبشی به صورت ضربدیری نصب کرده و در ساحل فاو و رأس البیشه به تصور بکارگیری هاورکرافت، موانعی به شکل سه پایه ای از تیر آهن و به ارتفاع ۶ متر قرار داده، اطراف آن را با سیم خاردار پوشانیده بود.

به مرور و با گذشت زمان، دشمن به موانع و استحکامات خود شکلی جدید داد، چنانچه از تیرماه سال ۶۱ به بعد مبادرت به احداث کانال در جنوب جاده اسفالته ام القصر و پایگاه موشکی و نیز نصب موانع خورشیدی در ساحل خور عبدالله مقابل خاک کویت نمود؛ بگونه ای که فعالیت یک ماهه دشمن بیشتر صرف نصب سه پایه آهنی و کندن کانال شد.

اقدامات مهندسی در هورالهویزه

از آنجا که اساسا ذهنیت دشمن در مورد عملیات گسترده معطوف به هورالهویزه (۱) شده بود، لذا اقداماتی گسترده و شدید در هور بکار

ص: ۱۴۱

بست. آنچه دشمن در زمینه مهندسی انجام داد، بطور کلی موارد زیر را در بر می گرفت:

۱ - ایجاد میدان دید و تیر بهتر با بریدن و سوزاندن نزارها و چولانهای مقابل سیلند خط اول

۲ - ایجاد تسهیل در حرکت نیروهای پاتک کننده

۳ - خشکاندن بخشی دیگر از هور با احداث سیلند به منظور وسعت دادن به منطقه خشکی و مساعد نمودن آن برای مانور زرهی و ایجاد پدافند مناسب

۴ - ازدیاد کمینها به منظور جلوگیری از غافلگیر شدن و مقابله با شناسایی عناصر خودی.

انتظار در هور

منفعل نمودن دشمن در برابر اقدامات خودی در غرب اروند و نیز معطوف داشتن ذهنیت آنها به هور هدف عمده و اصلی اجرای طرح فریب و همچنین لازمه بکارگیری اصل غافلگیری بود. به عبارت دیگر آنچه دشمن در غرب اروند و هور - در زمینه های مختلف و کسب آمادگی - انجام داد، اساسا برخاسته از درک نادرست از محور اصلی تهاجم گسترده قوای نظامی ایران و نیز تأثیرگذاری طرح فریب بر روی نیروهای عراق بود.

دشمن بنا به تحلیل و استنباطی که از توانایی و قابلیت های نظامی قوای ایران و استراتژی هور و نیز اقدامات مهندسی خودی در دو منطقه هور و غرب اروند داشت، اساسا غرب اروند را به عنوان یک حرکت ایذائی و یا حداقل محدود تلقی کرده و به هور، بعنوان محور اصلی تهاجم گسترده می نگریست چنانچه عدنان خیرالله، وزیر دفاع عراق، برای کسب

ص: ۱۴۲

اطمینان از میزان آمادگی نیروهای دشمن از منطقه سپاه ششم (در هور) بازدید به عمل آورد. نمونه دیگر اینکه رژیم بعثی بیش از چندین هزار نفر از مردم و کارمندان ادارات دولتی عراق را به منظور نی بری به هور گسیل داشت. علاوه بر این حساسیت بیش از اندازه نیروی هوایی عراق نسبت به هور، موجب شد که تکهای ممانعتی و بمبارانهای مکرر در هور شکلی خاص بخود گرفته، نمایانتر از سایر مناطق باشد.

دشمن براساس ذهنیت یاد شده نسبت به هور - علاوه بر اقدامات مهندسی که در بخش پیشین به آن اشاره شد - تحرکات و جابجائیهای زیر را انجام داد:

۱- انتصاب سلطان هاشم (۱) بعنوان فرماندهی سپاه ششم عراق، که در هورالهویزه مستقر بود.

۲ - پوشانیدن منطقه هورالهویزه با ۵ الی ۶ لشکر در خط و یک لشکر در احتیاط

۳ - انتقال لشکر ۱۰ زرهی به نزدیکی پل غزیه

۴ - مستقر ساختن دو لشکر زرهی ۳ و ۶ در العماره و بصره تا در صورت لزوم از دو محور شمالی و جنوبی وارد منطقه نبرد شوند.

۵ - گسترش ۳ تیپ نیروی مخصوص بصورت احتیاط در منطقه.

۶ - استقرار ۲ تیپ، (تیپ ۳ نیروی مخصوص و تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری) در هورالحمار و هورالچپایش حدود سه ماه

ص: ۱۴۳

۱- ۲۸. وی قبلا مسئولیتهای فرماندهی لشکر ۸ و ۱۸، افسر ستاد سپاه ۷، و فرماندهی سپاه ۵ و مدیریت عملیات نظامی ستاد مشترک را بر عهده داشته است.

قبل از عملیات، به منظور انجام مانور و تکمیل امکانات دریائی و آبی، ضمناً نیروهای مزبور هنگام نزدیکی عملیات برای انجام مانور به منطقه ای در حوالی بغداد منتقل شدند.

۷- نیروی هوائی عراق مکرراً در هورالهویزه پرواز توجیهی انجام می داد تا در صورت لزوم بتواند دقیقاً اهداف خود را کشف و منهدم کند. چنانچه یک خلبان اسیر عراقی بعد از عملیات اظهار داشت:

«پایگاه ما برای عملیات در هور آمادگی کامل داشت تا با حدود ۴۰ فروند پرواز داشته باشیم و هدف بزنیم».

ص: ۱۴۴

شکی نیست که هر گونه تحرک نظامی در جبهه، از تأثیر گذاریهای مثبتی در زمینه های سیاسی - اجتماعی، نظامی برخوردار خواهد بود لیکن نمی توان این نکته را نادیده انگاشت که تعیین سرنوشت نهائی جنگ تنها در گرو عملیات گسترده می باشد. بعبارت دیگر آنچه که جنگ را از حالت توازن قوا و نتیجتاً بن بست خارج کرده و ابتکار عمل را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می دهد و همچنین توانائیهای تکنولوژیک عراق را به زیر سؤال می برد، انجام عملیات در مقیاس گسترده است.

طبیعی است که جهت افزایش تأثیر گذاری تحرکات نظامی ایران، لزوماً بایستی این تعرضات با سرعت عمل و استمرار همراه باشد، تا بدین وسیله دشمن زمان لازم برای بازسازی و تجدید سازمان را بدست نیاورد.

عملیات گسترده از برد و شعاع بیشتری در ابعاد سیاسی و نظامی برخوردار است و چون دشمن را الزاماً با تمام توان به رویارویی می کشاند

امکان آسیب پذیری او را افزایش داده و در صورت استمرار ماشین جنگی دشمن را متوقف می سازد. از اینرو دشمن، با تکه‌های ممانعتی در هوا و زمین به نوعی درصدد است تا مانع از انجام تحرکات گسترده شده یا حداقل در زمان بندی آن اختلال کند.

با توجه به آنچه که ذکر شد، پیدا است که صرفاً نمی توان به اقدامات محدود نظامی آنهم برای دراز مدت بسنده کرد زیرا علیرغم تأثیرات آن، این نوع حرکات نمی تواند نقش تعیین کننده و سرنوشت سازی را در روند جنگ تحمیلی ایفا کنند.

بر این اساس در پی فشارهای همه جانبه دشمن، پس از عملیات بدر، عملیات گسترده والفجر ۸ نظر به وضعیت خاص دشمن در منطقه (فاو) و همچنین حساسیت ژئوپولتیکی منطقه (تسلط بر شمال خلیج فارس و همسایگی با کویت و...) در دست طراحی قرار گرفت و البته در این فاصله سلسله عملیتهای محدود به منظور فعال نگه داشتن جبهه ها انجام یافت.

در این روند تجارب جنگ در سه سال گذشته و واقعیات برآمده از آن می آموخت که بایستی به تناسب استراتژی و اهداف سیاسی - نظامی جنگ توان رزمی لازم، در زمینه های مختلف، بدست آورده و مبتنی بر آن منطقه عملیاتی انتخاب شود تا در این صورت کسب موفقیت از تضمین و درصد بالاتری برخوردار گردد.

مسئله توان رزمی و افزایش آن عمدتاً در سه مرحله می بایستی مورد نظر قرار می گرفت. تصرف هدف، تأمین و نگهداری منطقه، مقابله با فشارهای دشمن و در صورت نیاز توسعه و تداوم عملیات.

زمین فاو نظر به موقعیت جغرافیائی و وضعیت طبیعی آن، تا اندازه ای معضلات تأمین منطقه و مقابله با فشارها را حل می کرد، بدین

معنا که با تلاقی بودن زمین و نیز وجود عارضه های مصنوعی مانند کارخانه نمک عملا قسمت اعظم زمین منطقه را برای دشمن غیر قابل استفاده می کرد و به همین دلیل کارآئی نیروی زرهی عراق را کاهش می داد. از آن جائیکه منطقه از سه طرف آب آن را احاطه کرده است، طبعاً درگیری از یک سمت با دشمن، راحت تر بنظر می رسید و نیز به هنگام پاتک، دشمن از دو سمت به نیروهای خودی پهلو می داد که این امر آسیب پذیری آنها را فزونی می بخشید.

عوامل انتخاب منطقه

طراحان و دست اندرکاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای اجرای عملیات والفجر ۸، به لحاظ موقعیت خاص جغرافیائی منطقه، وضعیت کلی دشمن، وجود رودخانه اروند و...، مشکلات و معضلات عدیده ای را رویاروی خود داشتند که در نهایت با در نظر گرفتن عوامل و پارامترهای مختلفی از جمله: ارزش نظامی - سیاسی زمین منطقه، عدم وجود سابقه عملیات در عبور از رودخانه عریض و جزر و مد بالا، عدم هوشیاری دشمن و امکان پدافند و نگهداری منطقه، منطقه فاو را در مقایسه با سایر مناطق عملیاتی ترجیح دادند.

الف: ارزش نظامی - سیاسی زمین منطقه

موقعیت زمینی منطقه و نیز وضعیت خاص نیروهای خودی و دشمن در آن مقطع بطور طبیعی ارزشهای متعددی را در برداشت که بدون ارتباط با محاسن انتخاب زمین و ارزشهای سیاسی منطقه نبود از جمله:

۱- تصرف شهر فاو و تأسیسات بندری آن

۲- هم مرزی با کویت در شمال خلیج فارس

ص: ۱۴۷

۳ - تهدید بندر ام القصر

۴ - انهدام و یا تصرف سکوهای پرتاب موشک

۵ - تأمین خورموسی و تردد کشتی ها به بندر امام خمینی

۶ - تسلط بر اروندرود

ب: عدم هوشیاری دشمن

معمولاً- قسمت اعظمی از هوشیاری دشمن مبتنی بر، کسب خبر و تحلیل اطلاعاتی آنها نسبت به شواهد و قرائن موجود در مناطق عملیاتی می باشد. گذشته از این اطلاعات و تجربیات دشمن در خصوص توانائیهای جمهوری اسلامی و تاکتیکهای اتخاذ شده در طول جنگ نقش تعیین کننده ای را در کشف منطقه عملیاتی از سوی دشمن دارد. فی المثل در جنوب کشور دشمن همیشه نسبت به هورالهوریزه، حساسیت خاصی را داشته است زیرا پس از عملیات والفجر ۴ تا قبل از عملیات والفجر ۸ قوای اسلام تحرکات چشمگیری را توأم با عملیات گسترده خیبر و بدر در هور انجام دادند.

بر این اساس از آنجائیکه انجام عملیات در منطقه ی فاو، نیازمند امکانات ویژه و تاکتیک ابتکاری می بود دشمن تصور وقوع عملیات گسترده را نمی داد. پیدایش این وضعیت (عدم هوشیاری دشمن) برای فرماندهان سپاه در طرح ریزی عملیات والفجر ۸ بعنوان یک عنصر مثبت در مزیت منطقه فاو، تلقی می شد.

ج: امکان پدافند، تأمین و نگهداری منطقه

چنانچه در مبحث «گسترش توان رزمی» اشاره شد قسمت عمده ای از عملیات، پس از شکستن خطوط مقدم دشمن و حضور در

ص: ۱۴۸

منطقه، نگهداری آن در مقابل فشارهای عدیده دشمن می باشد. در این روند قطعا گذشته از کسب آمادگیهای لازم جهت حفظ منطقه و رویارویی مناسب با دشمن، «زمین» و موقعیت آن از دیدگاه مزبور از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

نظر به اینکه منطقه فاو را آب از سه طرف احاطه کرده است، طبعا فشار دشمن تنها از یک قسمت خواهد بود و این امر با اتخاذ تدابیر مناسب مانند حفر کانال، اجرای آتش، بهره برداری از عارضه کارخانه نمک و... قابل حل بنظر می رسد.

نکته ی قابل ذکر در اینجا پیش بینی نحوه ی برخورد دشمن بود در این زمینه چنین تصور می شد که با توجه به اینکه دو مسئله «زمین» و «نیرو» برای دشمن از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد لذا در اینجا برخلاف گذشته ارتش عراق بین انتخاب یکی از دو مسئله دچار تردید خواهد بود به عبارت دیگر از یک سو ارزش سیاسی نظامی زمین دشمن را وادار به باز پس گیری آن، به هر شکل ممکن، خواهد کرد و از سوی دیگر شکل زمین منطقه، عملا توان قابل ملاحظه ای را از دشمن می گیرد و خسارات و ضربات فراوانی را بر سازمان رزم و ارتش عراق وارد خواهد ساخت، در نتیجه دشمن نمی تواند دو مسئله را در کنار هم حفظ نماید بلکه می بایستی یکی را فدای دیگری کند که این امر خود مقدمه از دست دادن عنصر بعدی نیز خواهد شد.

در نتیجه اگر دشمن برای حفظ زمین بجنگد نیرو را از دست خواهد داد عملا در دراز مدت قادر به حفظ سایر مناطق عملیاتی نیز نخواهد بود و اگر بخواهد نیرو را حفظ نماید بایستی خسارات و ضایعات روحی و تزلزل سیاسی - اجتماعی ناشی از شکست در فاو و از دست دادن منطقه حساس و مهم آنجا را متحمل شود.

منطقه عملیاتی فاو، شبه جزیره ای است محصور در میان رودخانه اروند، خلیج فارس و خورعبدالله که از سمت خشکی به بصره منتهی می گردد.

در شمال این منطقه رودخانه اروند و جزیره آبادان واقع است و در فاصله ۹۰ کیلومتری شمال غربی آن شهر صنعتی بصره. همچنین در جنوب آن خورعبدالله و در جنوب شرقی آن، خلیج فارس و در جنوب غربی بندر ام القصر قرار دارد.

- وضعیت جوی و زمین منطقه

منطقه عملیاتی والفجر ۸ بعلت شبه جزیره ای بودن هوای آن غالباً دارای رطوبت زیاد در تابستان و «شرجی» می باشد.

زمین منطقه بجز عوارض مصنوعی مانند جاده، خاکریز، سیلبندها و... سکوها، پرتاب موشک خالی از هر گونه پستی و بلندی طبیعی است.

از آنجائیکه زمین منطقه محصور در میان آب می باشد تحت تأثیر جزر و مد آب خلیج و رطوبت دائمی حاصل از آن است بدین معنا که قسمت عمده ای از زمین منطقه باتلاقی نمکزار و سست می باشد. به همین دلیل بجز فاصله رودخانه تا جاده اول فاو - بصره که خاک قابل کشت دارد، مابقی خاک آن منطقه شوره زار است و با کمترین بارندگی لغزنده و چسبنده می شود و تردد هر گونه خودرو و وسائل سنگین در آن تقریباً غیر ممکن می گردد.

جریان آب رودخانه اروند از دو رودخانه دجله و فرات در خاک عراق سرچشمه گرفته و رودخانه کارون نیز بداخل آن می ریزد. حرکت آب از شمال به طرف جنوب است که به خلیج فارس منتهی می گردد.

آب رودخانه اروند که از دریا تأثیر می پذیرد، عمدتاً دارای دو حرکت جزر (کاهش ارتفاع آب و حرکت آن به طرف خلیج) و مد (افزایش ارتفاع آب و حرکت آن از دریا به سمت رودخانه) می باشد که مجموعاً در طول شبانه روز، چهاربار تکرار می گردد.

ارتفاع آب در عمیق ترین قسمت رودخانه به ۲۵ متر می رسد و اختلاف ارتفاع آب در پائین ترین حالت جزر و مد بالاترین حالت مد به ۳ / ۵ متر می رسد.

- ساحل رودخانه

وضعیت ساحل خودی و دشمن بدلیل رسوبات حاصل از جریان آب متغیر است چنانچه در سال ۴۸ منجر به تغییر حدود مرزی ایران و عراق شد. این تغییرات در زمین خودی و دشمن در ساحل رودخانه وضعیتی مخالف همه بوجود آورده است. بدین معنا که در آنجائیکه ساحل ما محکم است ساحل دشمن سست می باشد و متقابلاً آنجائیکه ساحل ما سست است، ساحل دشمن محکم می باشد.

همچنین قابل ذکر است که در بخشی از قسمتهای منطقه، زمین آن باتلاقی است چنانچه بیشترین قسمت آن در حاشیه جنوبی جاده ام القصر از جزایر ام حجام تا رأس البیشه و منطقه جنوبی آن به سمت خلیج به همین وضع می باشد که عرض منطقه باتلاقی آن در بعضی مناطق به ۴

کیلومتر می رسد.

- پوشش ساحلی رودخانه

در ساحل رودخانه اروند پوششی از «چولان» (بوته های بلند) و «نی» وجود دارد که هر چه رودخانه بسمت دهانه اروند نزدیکتر می شود عمق چولان آن افزایش می یابد. همچنین در قسمت‌های پیچ دار رودخانه، آن قسمت از ساحل که فشار اصلی آب به آن وارد می شود، فاقد پوششهای ساحلی می باشد.

در ساحل، ارتفاع چولانها حداکثر ۵ / ۱ متر و ارتفاع نیزارها ۳ الی ۴ متر است به گونه ای که نفر پیاده براحتی می تواند در میان آن خود را مخفی کند. عمدتاً زمین این قسمتها سست بوده و بسختی قابل تردد است به گونه ای که در برخی از مواقع انسان تا زانو در گل فرو می رود.

گذشته از چولان و نیزار، نخلستان بزرگی در ساحل خودی و دشمن که عمق آن بین ۲ تا ۵ کیلومتر متغیر است وجود دارد. این نخلها، بوسیله کانال و نهرهای مصنوعی عمود بر اروند، در حالت مد آبیاری می شوند. همچنین زمین اطراف نخلستانها اغلب سست می باشد و تنها در مناطقی که زمین از سختی لازم برخوردار بوده جاده احداث شده است. علاوه بر این قابل ذکر است که امکان آتش سوزی در نخلستانها بسیار زیاد می باشد.

- عوارض مصنوعی

گذشته از آنچه که پیرامون مواضع و استحکامات دشمن در مباحث گذشته ذکر گردید، در این قسمت تنها به موقعیت جاده ها و برخی از تأسیسات صنعتی دشمن و نیز شهر فاو اشاره می شود:

ص: ۱۵۲

در منطقه عمومی والفجر ۸ در خاک عراق سه جاده وجود دارد که به ترتیب عبارتند از:

۱ - جاده فاو - بصره به طول ۹۱ کیلومتر

۲- جاده استراتژیک فاو - بصره به طول ۸۲ کیلومتر

۳ - جاده فاو - ام القصر به طول ۵۰ کیلومتر

سه جاده موجود در منطقه، شهر فاو و منطقه بندری آنرا به جنوب شهر بصره متصل می نماید.

شهر مسکونی فاو، اسکله های آن (چهار چراغ، معامر و قشله) و نیز تأسیسات صنعتی و نفتی این منطقه، تماما پس از جنگ به لحاظ اینکه در معرض تعرضات هوایی و آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داشتند، عملا دچار ضایعاتی شده و قابل بهره برداری نیستند.

ویژگیهای نظامی و منطقه ای عملیات فاو

منطقه عملیاتی فاو موقعیت جغرافیائی آن، وضعیت ویژه ای را رویاروی فرماندهان عملیاتی سپاه قرار داده بود بدین معنا که از سوئی عوامل مثبت نوید پیروزی و پیدایش سرآغاز جدیدی را در جنگ می داد و از سوی دیگر موانع برجسته ای خودنمایی می کرد که هر کدام در جای خود می توانست نقش بازدارنده ای را در توقف کار و احیانا عدم الفتح عملیات ایجاد نماید. در واقع این قسمت از معضلات بود که اساسا منجر به پیچیدگی عملیات شده و ضرورت اتخاذ تاکتیکهای ویژه ای را ایجاب می کرد.

الف: مزایای منطقه و ویژگیهای مثبت عملیات

۱- کوتاه بودن عقبه های خودی.

ص: ۱۵۳

در عملیات والفجر ۸ برخلاف عملیاتهای خیبر و بدر که عمدتاً عقبه‌های خودی طولانی بوده و طبعا پشتیبانی و تدارک عملیات را با مشکلاتی مواجه می‌ساخت، عقبه‌های خودی می‌بایستی با حل معضل رودخانه اروند مرتفع می‌شد مشکلات عدیده‌ای که در این زمینه وجود داشت یکی از عوامل مؤثر در ناتوانی ارزیابی دشمن نسبت به وقوع عملیات و توانائی رزمندگان اسلام در برقراری راه عقبه بر روی رودخانه اروند بود.

در واقع نزدیک بودن عقبه‌ها این امکان را می‌داد که روی دشمن حتی اجرای آتش خمپاره داشته باشیم، همچنین فرماندهی سهولت در منطقه حضور داشته و هدایت مستقیم تری را در رابطه با عملیات عهده دار گردد.

علاوه بر آن تسریع در تدارک نمودن نیروها و نیز سهولت در تخلیه شهدا و مجروحین، انتقال نیروهای دنبال پشتیبان، کاهش مسافت، پیاده روی نیروی خطشکن از نقطه رهایی تا شکستن خط و... نقش تعیین کننده‌ای را در رقم زدن و ترسیم سرانجام عملیات دارا بود.

۲- عدم تناسب زمین با مانور زرهی و آتش دشمن

چنانچه اشاره شد زمین منطقه بدلیل باتلاقی بودن، خصوصاً در فصل زمستان امکان بهره‌گیری کامل از زرهی را به دشمن نمی‌داد. به عبارت دیگر، دشمن علیرغم وسعت زمین منطقه عملاً-قادر به بهره‌گیری از آن نبود و در نتیجه متکی بر جاده‌های موجود در منطقه می‌شد که این امر باعث محدود شدن میدان عمل و مانور نیروهای زرهی دشمن می‌گردید.

علاوه بر آنچه که در مورد زمین منطقه ذکر شد، وجود کارخانه

نمک نیز قسمت دیگری از معضلات دشمن در هنگام انجام پاتک بود. بدین معنا که عارضه کارخانه نمک به وسعت ۶۰ کیلومتر مربع امکان مانور زرهی دشمن را محدود به معابر خاصی می کرد و این امر با توجه به آتش خودی می توانست آسیبهای عمده ای را بر پیکر سازمان رزم عراق وارد نماید.

از سوی دیگر نظر به حجم آتش دشمن در گذشته چنین پیش بینی می شد که با توجه به لحاظ نمودن مسئله غافلگیری آماده بودن زمین دشمن و نداشتن مواضع توپخانه و محدودیتهای دیگر و نیز وجود هدفهای مختلفی که در معرض توپخانه دشمن وجود داشت و اجرای آتش ضد آتشبار، عملاً توپخانه دشمن کار آئی عمده ای را نداشته باشد.

۳- پوشش مناسب پدافند هوایی منطقه

تکهای ممانعتی هوایی دشمن که معمولاً از صبح روز اول عملیات آغاز می شود اساساً با هدف عقبه ها و نیز خطوط مقدم و به منظور برهم زدن آرایش نیروهای خودی و نیز تهدید موفقیتهای بدست آمده می باشد. از اینرو چنین پیش بینی می شد که با توجه به شکل منطقه و اینکه دشمن، محدود به نوع خاصی از مانور هوایی خواهد بود (۱) می توان با آرایش مناسب سلاحهای ضد هوایی، برخلاف تصور دشمن، جنگنده های آنرا هدف قرار داد و تلاشهای هوایی او را خنثی نمود.

۴- تسلط آتش بر روی خطوط و عقبه دشمن

حضور و گسترش ما در شرق اروندرود، براحتی اجرای آتش انبوه

ص: ۱۵۵

۱- ۲۹. هواپیماهای دشمن به هنگام بمباران، ناچاراً می بایستی مدت مشخصی را بر روی جزیره ی آبادان پرواز نمایند و این وضعیت میزان آسیب پذیری آنها را افزایش می داد.

همراه با دیده بانی بر روی عقبه ی دشمن - از جنوب بصره تا خطوط مقدم، به طول ۷۰ کیلومتر و نیز پس از آن - را میسر می نمود. تحقق این امر با توجه به اینکه برخلاف ذهنیت و باورهای دشمن بود، در بطن خود تأثیرات قابل ملاحظه ای در تقویت روحیه نیروهای خودی و پشتیبانی تک و نیز ایجاد ضعف و تزلزل در دشمن را - با برهم زدن آرایش و سازمان نیروهایش به هنگام حرکت به سمت هدف و نیز زمان شروع پاتک - به دنبال داشت.

۵ - امکان حفظ غافلگیری

نظر به اینکه اساس و ویژگی عملیات والفجر ۸ عبور از رودخانه، شکستن خط دفاعی و نیز تأمین منطقه بود، لذا دشمن حداقل در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی را فاقد چنین تواناییهایی در انجام عملیات می دید و این امر نقش مؤثری را در انحراف ذهن دشمن نسبت به انجام عملیات در این منطقه داشت. از سوی دیگر اجرای طرح فریب در مناطقی دیگر از جبهه، تأثیری قابل ملاحظه، در مسئله غافلگیری ایفا می کرد.

۶ - محدود بودن زمین و عمق کم هدف

نظر به اینکه اهداف تعیین شده برای یگانهای عمل کننده در عمق کمی قرار داشت نیروها به راهپیمائی و تلاش محدودتری برای دست یابی به اهداف خود نیاز داشتند، مضافاً اینکه اهداف تعیین شده در مدت زمان کمتری تأمین می شد. همچنین با حفظ توان و انسجام نیروها، عملاً - تعمیق عملیات، عبور یگان از یگان، مقاومت مناسبتر در مقابل پاتکهای دشمن بازسازی یگانها و... با قوت بیشتری قابل تحقق می باشد.

۱ - رودخانه اروند

در میان تاکتیکهای مختلف عملیاتی و شیوه های گوناگون رزم، عملیات آبی - خاکی خصوصا عبور از رودخانه پیچیده ترین نوع تحرکات نظامی است، آن هم در رودخانه ای با مشخصات اروند که دارای جریان جزر و مد شدید در ساعت شبانه روز است عرض رودخانه بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر متغیر است و همچنین آغاز و پایان جزر و مد دارای مشخصات ویژه ای می باشد چنانچه در یک زمان شدت جریان آب در ساحل، وسط، سطح و عمق رودخانه متفاوت است لازمه ی عبور از چنین رودخانه ای انجام محاسبات دقیق بر روی جریانات آب، اتخاذ تاکتیکهای مناسب در عبور نیروی پیاده و شکستن خط، طراحی عبور وسایل سنگین، ساحل سازی برای نقل و انتقالات و نصب پلهای مناسب را می طلبد و این امر با توجه به حساسیتهای عملیات نیاز به دقت و رعایت حفاظت، توأم با سرعت عمل داشت.

۲- آماده نبودن عقبه های خودی

از آن جاییکه در غرب رودخانه اروند برخلاف سایر مناطق عملیاتی، تا قبل از والفجر ۸ تهاجمی از سوی نیروی خودی و دشمن صورت نگرفت، زمین منطقه ی مورد نظر دست نخورده و بکر باقی مانده بود و طبیعی به نظر می رسید که نیازمند تلاشهایی قابل ملاحظه در زمینه کارهای مهندسی باشد.

گذشته از این وجود نخلستان در حد فاصل بین رودخانه اروند و بهمنشیر که محل استقرار عقبه های خودی بود، احتیاج به کار شدید

مهندسی داشت حال آنکه به لحاظ تسلط دیده بانهای عراقی بر روی منطقه و تعارض آن با امر حفاظت، عملاً سرعت کار گرفته می شد. مضافاً بر اینکه جزیره آبادان به دلیل شرایط جوی و نوع خاک آن برای اقدامات مهندسی مناسب نبود و می بایست با حجم بسیار گسترده ای از سایر مناطق، خاک مورد نیاز به وسیله کمپرسی به منطقه حمل می شد.

وضعیت یاد شده مشکلات عدیده ای را در پیش روی قرارگاه مهندسی قرار داده بود چرا که می بایست از یک سو ملاحظاتی را در زمینه حفاظت رعایت کند و از سوی دیگر حجم رو به افزایش کار مهندسی را پاسخگو باشد. در همین زمینه، قرارگاه مهندسی برای عملیات اصلی، نزدیک به ۵۰۰ پروژه ی طرح فریب در سایر مناطق عملیاتی را در دست اقدام و اجرا داشت.

۳ - حضور اطلاعاتی دشمن در منطقه

یکی از موانع عمده ی رعایت غافلگیری، حضور دشمن در منطقه جهت کسب اطلاعات بود که در این زمینه از عوامل زیر سود می برد.

الف: دیده بانی: وجود دکلهای ۴۲ متری و ۱۰۰ متری در منطقه این امکان را به دشمن می داد که کلیه جاده های موجود در منطقه به خصوص جاده ی حاشیه های رودخانه اروند و جاده های عمود بر آن را زیر دید داشته باشد و کلیه نقل و انتقالات و اقدامات مهندسی را ثبت نماید.

ب: گشتی های شناسائی که عمدتاً وظیفه آنها ثبت تغییر کمینهای خودی است.

ج - گشتی های شناسائی در عمق که به وسیله غواص صورت می گیرد.

د: عکس هوایی: دشمن به طور متوسط هفته ای یک بار عکس

هوایی از منطقه تهیه می نمود. همچنین با استفاده از ماهواره های اطلاعاتی غرب کلیه تغییرات در سطح زمین جاده، مواضع توپخانه، بنه مهمات، محل قرارگاه و... را ثبت می نمود.

ه: رادار رازیت: بدین وسیله دشمن نقل و انتقالات موجود بر روی جاده های پشت نخلستان را تا اندازه ای ثبت می نمود.

و: جاسوسی عوامل ستون پنجم: تردد افراد در منطقه عملا این امکان را به دشمن می داد که به اشکال گوناگون با استفاده از عناصر نفوذی، اخبار و اطلاعات لازم را جمع آوری نماید.

ز: شنود: دشمن با استفاده از دستگاههای مختلف استراق سمع این امکان را دارد که از طریق شبکه های ارتباطی خودی، اطلاعاتی را بدست آورد.

۴ - نیاز به امکانات ویژه و مناسب

نظر به پیچیدگیهای عملیات می بایست امکانات خاصی تدارک می شد که عمدتا مبتنی بر طراحیهای ابتکاری بود. فی المثل نصب پل بر رودخانه اروند یکی از مشکلات مهم عملیات محسوب می گردید و برای آن منظور پلهای استاندارد و مخصوص از بازارهای دنیا تهیه می شد که این امر با توجه به معضلات عدیده ای که وجود داشت امکان پذیر نبود. در نتیجه با بهره گیری از تجارب گذشته (خصوصا عملیات خیبر) و استفاده از امکانات موجود، پلهای مورد نیاز در داخل تهیه گردید.

۵ - تهاجم شیمیائی دشمن و معضلات آن

تک شیمیائی دشمن در منطقه عملیاتی که عمدتا پس از احساس ناتوانی صورت می گیرد قابل پیش بینی بود و چنین بنظر می رسید.

ص: ۱۵۹

که بایستی تدابیر لازم جهت کاهش تأثیر گذاری تهاجمات شیمیائی دشمن اتخاذ شود، زیرا وجود نخلستان منجر به نشت گاز شیمیائی در داخل نخلها شده و طبعاً جریان باد به راحتی قادر به جابجائی آن نخواهد بود.

پاره ای از تدابیر عملیاتی

فرماندهان عملیاتی سپاه مبتنی بر محسنات و مزایای منطقه و نیز رویارویی با حجم انبوهی از معضلات و مشکلات موجود، تدابیر متعددی را اتخاذ نمودند که پاره ای از آنها به شرح زیر می باشد.

۱- طرحهای حفاظتی تأمین و فریب

۲- مهیاسازی منطقه

۳- طراحی عملیات

۴- تاکتیکهای جمع آوری اطلاعات

گذشته از موارد فوق مسائل دیگری در زمینه مخابرات، تبلیغات، استتار و اختفاء و نیز نقل و انتقالات صورت گرفت که در ادامه بحث به آنها اشاره خواهد شد.

۱- طرحهای حفاظتی تأمین و فریب

دستیابی به اصل غافلگیری عمدتاً متکی بر رعایت حفاظت و اجرای طرحهای فریب و نیز لحاظ نمودن سرعت عمل و تاکتیکهای ویژه و ابتکاری می باشد. نظر به تلاشهای دشمن در زمینه کسب اطلاعات و در اختیار داشتن منابع داخلی، نظیر منافقین و از سوی دیگر نحوه ی آمادگی نیروهای خودی که توأم با بسیج گسترده نیرو است، طبعاً دستیابی به غافلگیری نیازمند حل معضلات متعدد و گذار از فراز و نشیبهای متفاوتی

ص: ۱۶۰

بدین منظور علاوه بر رعایت حفاظت تدابیری جهت فریب دشمن بویژه، در زمینه ی تردد نیروها اتخاذ گردید.

اجرای فریب در کنار اقدامات حفاظتی به یک معنا تأثیرگذاری بیشتر حفاظت و بالطبع رعایت غافلگیری است.

بر این اساس و مبتنی بر آن باور داشت که دشمن نسبت به منطقه غرب اروند حساس شده، چنین تدبیر شد که با ایجاد حساسیت در سایر مناطق ذهنیت دشمن مشوش و مخدوش گردد.

رژیم عراق بنا به توجه جمهوری اسلامی نسبت به هور و از سوی دیگر فقدان قابلیت‌های لازم از نظر نظامی و تکنولوژیک جهت عبور از رودخانه اروند، عمده ذهنیتش معطوف به این منطقه (هورالهویزه) می شد.

در نتیجه تصورات دشمن نسبت به تحرکات خودی و شواهد و قرائن موجود در غرب اروند نشانگر تأثیرگذاری رعایت حفاظت و اجرای طرح فریب بود که این امر به منزله خنثی نمودن تمامی برتریها و امکانات تکنولوژیک دشمن در زمینه کسب اطلاعات بود. چنانچه در نزدیکی عملیات والفجر ۸ نقل و انتقالاتی از دشمن صورت گرفت که دقیقا نشانگر غافلگیر شدن او بود. فی المثل در جلسه ای که در لشکر ۱۶ عراق منعقد شد، قسمتی از توپخانه های موجود در منطقه عمومی اروند به منطقه ی عمومی شرق دجله (هور) منتقل گردید.

علاوه بر این عدم انجام تکهای ممانعتی هوائی دشمن در غرب اروند، با توجه به تاکتیکهای آن در بازدارندگی و برهم زدن سازمان نیروها بوسیله ی حمله ی هوائی چنین می نمایاند که دشمن منطقه ی فاو را به عنوان محور اصلی عملیات درک نمود زیرا در غیر این صورت از تاکتیک همیشگی خود مبنی بر بمباران پراکنده مواضع و عقبه ها استفاده می کرد.

قرارگاه مهندسی در امر مهیاسازی منطقه عمدتاً عهده دار اجرای چند مأموریت بود:

الف - ساختن جاده های مواصلاتی در عقبه و اتصال آن به شبکه های سراسری، احداث بیمارستان صحرائی و شیمیائی، ساخت مواضع موشک های زمین به هوا، پد هلی کوپتر، ایجاد مواضع توپخانه، احداث قرارگاهها، بنه های تدارکاتی و... قسمتی از تلاشهای مهندسی را تشکیل می داد.

ب - عبور از رودخانه اروند، گره ی اصلی عملیات والفجر ۸ را تشکیل می داد و با توجه به شرایط زمین و سواحل نامناسب خودی و دشمن و وجود موانع در ساحل، می بایست اقداماتی صورت می گرفت که شرایط مناسبی برای عبور از موانع فراهم آید و همچنین وسایلی ابداع و ساخته شود تا عبور نیرو و امکانات را تسهیل نماید.

ج - به منظور تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده که در واقع نیمی از عملیات را تشکیل می دهد دو مسئله عمده در نظر گرفته شد یکی، ایجاد موانع به منظور جلوگیری از پیشروی دشمن مانند: کندن کانال و احداث خاکریز و دیگری ساخت وسائل و ابزاری (مانند سنگرهای انفرادی) که نیروهای در خط را در مقابل آتش دشمن حفظ کند.

گر چه حجم عظیم کار با سرعت لازم تناسب نداشت اما برادران مسئول توانستند با اتخاذ تدابیر مناسبی به این امر مهم دست یابند بگونه ای که تنها در امور جاده سازی اقدامات انجام شده از راندمان زیر برخوردار بود:

- احداث جاده در داخل نخلستان از حاشیه اروند تا خسروآباد

۳۵۰ کیلومتر

- احداث جاده و پد بین بهمنشیر تا خسروآباد ۷۰ کیلومتر

- احداث جاده از قاسمیه تا دهانه اروندرود ۸ کیلومتر

- احداث جاده از بهمنشیر تا جاده آبادان ۳۵ کیلومتر

- احداث جاده از چوبیده به قفاص در شرق بهمنشیر ۱۰ کیلومتر

- اسفالت جاده آبادان - چوبیده در شمال بهمنشیر ۶۰ کیلومتر

- اسفالت جاده آبادان - چوبیده در جنوب بهمنشیر ۵۰ کیلومتر

بنابراین جمع کل کار احداث جاده تا قبل از عملیات والفجر ۸ در منطقه اروند، بالغ بر ۴۷۳ کیلومتر و ترمیم اسفالت جاده های موجود ۱۱۰ کیلومتر بوده است.

۳- طراحی عملیات

عملیات والفجر ۸ در زمینه طراحی مانور و اتخاذ تاکتیکهای عملیاتی، عمدتاً چند مسئله را رویاروی خود داشت:

الف - عبور از رودخانه (پیاده و وسائل سنگین مهندسی، زرهی)

ب - شکستن خط دفاعی دشمن که در ساحل رودخانه و همراه با موانع و استحکامات بود.

ج - پاکسازی نخلستان و جنگل در شهر

د - مراحل پیشروی و پدافند

عبور از رودخانه (پیاده) و شکستن خط، اساساً یک موضوع عمده

ص: ۱۶۳

را تشکیل می داد زیرا لازمه شکستن خط عبور از رودخانه بود.

الف و ب - عبور از رودخانه و شکستن خط

بحث عبور شامل سه مرحله می شد: عبور غواص و قایق و شکستن خط، عبور یگانهای مانوری با قایق ها و دیگر وسایل شناوری و در آخر پس از تأمین سرپل تصرف شده در ساحل رودخانه، عبور وسائل سنگین صورت می گرفت.

همچنین عبور از رودخانه به لحاظ تسلط دشمن بر روی آب و نیز جریانات مختلفی که آب رودخانه داشت. نیازمند شرایط خاصی بود. بهنگام تک می بایستی نهرهای عمود بر رودخانه اروند، مملو از آب باشد تا پشتیبانی یگان های مانوری بوسیله قایق امکان پذیر گردد و همچنین نیروها بتوانند در ساحل دشمن از موقعیت مناسبی برای سازماندهی برخوردار باشند و با آرایش مناسب و بصورت منسجم به خطوط بعدی دشمن تهاجم نمایند.

شکستن خط دشمن در ساحل رودخانه اروند بدور از مشکلات نبود؛ لذا تدابیر مختلفی در نظر گرفته شد تا توقیفی در آن حاصل نشود. بدین معنا که قایق های تیزرو و آتش ساحلی، که از سلاحهای مختلف تشکیل شده بود، برای شکستن خط منظور گردید.

مأموریت نیروهای خط شکن در موج اول که اساسا بوسیله غواص صورت می گرفت خاموش کردن تیربارهای دشمن، راهنمایی و هدایت موجهای دوم به معابر وصولی که از دشمن پاکسازی شده بود، باز نمودن معابر و نیز در اختیار گرفتن ساحل خودی و تأمین آن به منظور استمرار «تک» بود.

در این زمینه مشکلات متعددی وجود داشت مانند نفوذ آب

به داخل سلاحهای انفرادی، مشکلات عبور نیرو و تجهیزات از رودخانه.

فقدان چولان به منظور پوشش در بعضی از مناطق و بالطبع عدم امکان استتار و اختفاء و... که تماماً طی تلاشهای مستمر و پرحجمی که صورت گرفت با اتخاذ تدابیر مناسب برطرف گردید.

ج - پاکسازی

پاکسازی دشمن در منطقه عملیات، که عمدتاً پوشیده از نخلستان بود به منظور از میان برداشتن هر گونه مقاومتهای پراکنده و یا متمرکز دشمن و در نتیجه امکان تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده، انجام می گرفت.

گذشته از این پاکسازی مناسب دشمن و نابودی هر گونه آثار حضور دشمن در منطقه، عملاً زمینه ساز تحقق مراحل بعدی عملیات محسوب می شد، البته باز پس گیری منطقه از سوی دشمن مشکلات زیادی را در برداشت زیرا که امکان مانور زرهی در نخلستان محدود و متکی به جاده بود و نیروی پیاده دشمن نیز بعلت فقدان روحیه لازم برای جنگ تن به تن توانائی رویارویی با رزمندگان ما را نداشت.

د - مراحل پیشروی و پدافند

مرحله ی اول - پس از عبور و شکستن خط و پاکسازی نخلستان عملاً مرحله اول با دست یابی به شهر فاو و پایگاه موشکی به پایان می رسید، بر این اساس به منظور ادامه عملیات، چنین تدبیر شده که استفاده مطلوب از عوارض طبیعی و مصنوعی صورت گیرد. مضافاً بر اینکه امکانات غنیمتی از دشمن تا اندازه ای نیازمندیهای تعجیلی در وضعیت اولیه عملیات را مرتفع می ساخت لاکن از این به بعد مسئله اساسی عبور وسائل سنگین بود که می بایست صورت می گرفت (۱).

مرحله دوم - پس از مرحله ی اول می بایستی سه راهی تقاطع مقابل

ص: ۱۶۵

شهر فاو حفظ می شد تا از هر گونه رخنه احتمالی دشمن به شهر جلوگیری به عمل آید.

مرحله سوم - در این مرحله عمدتاً تلاشهای مهندسی در ایجاد مواضع مناسب جهت رویارویی با پاتکهای دشمن و تشکیل خط مناسب در نزدیکی کارخانه نمک، منظور شده بود. در این میان به تناسب اولویتها و اهمیت زمین منطقه که نحوه ی خاصی از پدافند را به نیروهای خودی دیکته می نمود، تدابیر مناسبی اتخاذ گردید.

همچنین قابل ذکر است که در این میان طرحهای متعدد پدافندی، شیوه ی خاصی از پدافند بنام «دفاع عاشورائی» اتخاذ شد که نام آن خود نشانگر عزم رزمندگان در حماسه آفرینی و نیز حفظ منطقه تصرف شده، به هر شکل ممکن بود.

بدین قرار براساس وضعیت منطقه و جاده های موجود، محورهای مختلفی با فرماندهی مشخص در نظر گرفته شد تا نیروها، از انسجام مناسبتری در مقابل پاتکهای دشمن برخوردار باشند.

علاوه بر این احداث خاکریزهای مختلف، که نقش مؤثری در بازدارندگی پاتکهای دشمن داشت، در نظر گرفته شد.

ه - عبور وسائل سنگین (۱).

تحقق مراحل عملیات و نیز تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده اساساً بستگی به مسئله عبور وسائل سنگین داشت که طبیعتاً با مشکلاتی همراه بود. بدین جهت، به منظور حل معضلات عبور وسائل سنگین بحث و

ص: ۱۶۶

۱- ۳۱. نظر به برجستگی و اهمیت مبحث عبور وسائل سنگین در عین حالیکه می بایستی در بحث طراحی عملیات عنوان می شد به صورت مستقل در این قسمت مطرح گردید.

بررسی های متعددی صورت گرفت که قسمتی از آن عمدتاً در زمینه های:

تأثیرات موقت جزر و مد،

محورهای عبور،

محل تخلیه،

ساحل سازی جهت بارگیری،

میزان عبور

مدت زمان بارگیری،

و نحوه ی استتار وسائل عبور در روز بود.

عبور وسائل سنگین به سه مسئله اساسی بارگیری، حمل و تخلیه، اتکاء داشت. در این زمینه امکانات گوناگون مانند صفحه پی.ام.پی، طارق، هاورکرافت، دوبه و... در نظر گرفته شد که پس از آن، ساحل سازی و نصب پل در اولویتهای بعدی قرار داشت.

البته ساحل دشمن در دو نقطه بدلیل آمادگی لازم، مشکل خاصی را نداشت لیکن در ساحل خودی می بایستی تلاشهای لازم انجام و تدابیر مناسب اتخاذ می گردید، از آن جمله می توان، پهن کردن فرش باتلاقی، کار گذاردن سطحه، تراورس، گاو یون، نخل، پل خیبری ۲ و... در کنار اروند را نام برد.

گذشته از این ۴ نوع پل، کوثری (سبک نفررو) - خیبری ۱ و ۲، طرح خضر و پل دوبه ای طراحی و تهیه گردید.

و - پشتیبانی عملیات

امر پشتیبانی به دو مبحث، «پشتیبانی رزمی» و «پشتیبانی خدمات» تقسیم می شد.

نیروهای هوایی جمهوری اسلامی در عملیات والفجر ۸ با پیشنهاد

ص: ۱۶۷

سپاه پاسداران قرارگاهی را تحت عنوان «رعد» با فرماندهی شهید بابائی (۱) ایجاد نمود که در کنترل عملیاتی فرماندهی کل سپاه در صحنه نبرد بود و بر این اساس مأموریت‌های زیر به آن ابلاغ گردید:

۱- پشتیبانی نزدیک با حمله‌ی هوایی دشمن

۲- پدافند هوایی منطقه و مقابله با حملات هوایی دشمن

۳- تخلیه مجروحین از فرودگاه‌های عقبه

۴- تهیه عکس هوایی از وضعیت دشمن

همچنین به منظور کسب آمادگی لازم به تناسب مأموریت واگذاری، مانورهای متعددی توسط این قرارگاه صورت گرفت و چنانچه ذکر شد قسمتی از مأموریت قرارگاه رعد تأمین پدافند هوایی منطقه بود که در این زمینه سپاه پاسداران و نیروی هوایی بطور مشترک در زمینه بکارگیری امکانات موجود هماهنگی‌های لازم را ایجاد کردند.

آنچه که اساساً ضرورت پدافند هوایی را روشن نمود و منجر به اتخاذ تدابیر فوق شد، تجربه عملیات بدر و تلاش‌های دشمن در اثبات برتری هوایی خود بود.

بر این اساس و به منظور برخورد جدی تر با امر پدافند هوایی عملاً روش‌های مناسبتری گزینش شد و بدنبال آن انواع مختلف سلاح‌های ضد هوایی از جمله: سایت موشکی، انواع توپ‌های ضد هوایی و.. عملاً به گونه‌ای تنظیم شد تا دشمن در ارتفاع بالا در تیررس موشک زمین به هوا و در ارتفاع پائین بوسیله سلاح‌های ضد هوایی مورد اصابت قرار گیرد.

ص: ۱۶۸

۱- ۳۲. علیرغم اینکه شهید بابائی فرماندهی عملیات قرارگاه را بر عهده داشت لیکن بنا به حساسیت‌های موجود و شرایط خاص آن مقطع که اساساً برای حفظ و تثبیت فاو نیاز به ایثار و از خودگذشتگی بود. این شهید بزرگوار خود بیش از ۶۰ ساعت پرواز انجام داد و همانند بسیجیان با تلاش و ایثار مخلصانه، به جبران کمبودها پرداخت.

همچنین قابل ذکر است که وجود عناصر ارزشمند و ایشارگر جهاد خودکفائی نیروی هوائی نقش برجسته ای را در امر سازماندهی و بکارگیری مناسب سلاحهای ضد هوائی ایفا نمود.

همانند قرارگاه رعد نیروی هوائی، قرارگاهی تحت عنوان «شهید سلیمان خاطر» توسط پرسنل و عناصر هوانیروز با مأموریتهای زیر تشکیل شد:

۱ - ترابری نیرو و تجهیزات

۲ - حمل مجروحین

۳ - هلی برد نیرو در صورت لزوم

۴ - پشتیبانی آتش نزدیک

قابل ذکر است که قبل از عملیات، با توجه به مأموریت محوله، آموزشهای لازم و مانورهای متعدد برای آمادگی بیشتر، توسط این قرارگاه انجام گرفت. و بدین ترتیب بود که توانستند تلاش های چشمگیر و ایثار گرایانه ای را انجام دهند.

- لجستیک و تدارکات

همزمان با طراحی عملیات والفجر ۸ و مشخص تر شدن ضرورت پشتیبانی عملیات، کمیسیون ویژه ای در هیئت دولت، متشکل از وزارت خانه های مختلف، راه و ترابری، کشاورزی، نیرو، مسکن و شهرسازی، صنایع سنگین، صنایع و معادن، مخابرات، دفاع، جهادسازندگی و سپاه پاسداران، تشکیل شد. پس از آن دو کمیته بنام «مهندسی رزمی» و «مهندسی صنعتی» بوجود آمد تا بصورت اساسی تری در امر جنگ مشارکت نموده و نیازهای موجود را برطرف نماید.

از جمله محسنات اقدام جدید دولت افزایش توان اجرائی مهندسی جنگ و فزونی یافتن کیفیت اقدامات مهندسی، به لحاظ

ص: ۱۶۹

بکارگیری تخصص ها و امکانات بالفعل و بالقوه موجود در وزارتخانه ها بود.

در پایان تنها به قسمتی از مأموریت‌های واگذاری به وزارتخانه ها اشاره می شود:

- وزارت نیرو: نصب دکلهای مخابراتی و دیده بانی

- مسکن و شهرسازی: ساخت بیمارستانهای متعدد، سایت و...

- کشاورزی و راه و ترابری: جاده سازی و بازسازی و مرمت جاده های منطقه

- وزارت سپاه: ستاد فوریتها در رابطه با مهندسی صنعتی که قسمتی از عمده ترین کارش پیگیری و ساخت طارق بود و قایق ها و...

- وزارت جهاد (۱).

- وزارت صنایع: ساخت دوبه ها

ز - طراحی آتش

عبور از رودخانه عمدتا ضرورت بکارگیری از آتش را در ابعاد

ص: ۱۷۰

۱- ۳۳. جهادسازندگی از بدو تشکیل تاکنون همواره در تمامی صحنه های انقلاب، از کار عمرانی در روستاها تا کار فرهنگی در استانهای محروم (کردستان، سیستان و بلوچستان و...) و نیز جنگ تحمیلی حضور فعالانه داشته است و در این راه زحمات جانکاه و توانفرسائی را متحمل شده است. در طول این جنگ تحمیلی جهادسازندگی گامهای بلندی در خصوص انجام مهندسی، پشتیبانی و... برداشته است. احداث سنگر در خطوط مقدم و در زیر آتش دشمن تا احداث و ترمیم جاده ها تنها قسمتی از جلوه های نورانی تلاش برادران جهادگر بوده است. اقداماتی که قلم یارای ترسیم و بیان تمام ابعاد و زوایای آن را ندارد.

مختلف تعیین می نمود. بدین معنا که برای عبور می بایست، سد آتش قوی و مناسبی در مقابل دشمن ایجاد گردد تا برای انتقال وسائل مهندسی ادوات، زرهی، ضد زره و توپخانه به آنطرف شط، فرصت مناسب ایجاد و بدین وسیله با انجام عملیاتی تأخیری از سوی توپخانه، زمان لازم از دشمن گرفته شود.

علاوه بر این گسترش عمق و عقبه دشمن در عرض جبهه این امکان را به نیروهای خودی می داد که در صورت داشتن آتش توپخانه سنگین در شمال منطقه تک، آسیب عمده و قابل توجهی را به یگانهای دشمن که در پاتک می باشند وارد نموده و سازماندهی و روحیه آنان را از هم بپاشد.

در اینصورت نیروهای پاتک کننده قبل از رسیدن به منطقه درگیری صدماتی را متحمل شده و فاقد روحیه لازم برای جنگ می شدند.

در این میان طرح ریزی آتش عمدتاً بر روی جاده ی اول و نخلستان، زدن تقاطع جاده ها، اسکله چهار چراغ و شمال منطقه عملیاتی والفجر ۸ منظور شده بود.

قابل ذکر است که در این زمینه سه مشکل اساسی وجود داشت:

۱- زمین منطقه

۲- رعایت غافلگیری

۳- کمبود امکانات

بدین معنی که سستی زمین منطقه لزوماً نیازمند زیرسازی مناسب برای استقرار موضع توپخانه است و رعایت غافلگیری، عمدتاً باعث تأخیر در انتقال توپخانه ها و بنه های آنها می شد گذشته از این، تحویل و انتقال یک دوم توپخانه های مورد نیاز در عملیات از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی - نظر به اینکه این نیرو برای عملیات در شلمچه و زید آماده

ص: ۱۷۱

می شد - مشکلاتی را در برداشت.

۴ - جمع آوری اطلاعات

فعالیت عناصر شناسائی با فاصله اندکی پس از عملیات بدر آغاز شد در این مدت اقدامات زیر صورت گرفت:

۱- دیده بانی مستمر از فعالیتهای گوناگون دشمن

۲- تهیه شناسنامه نهرها و جاده و زمین منطقه خودی

۳ - تهیه نقشه (۱) و کالک منطقه

۴- کنترل فعالیتهای دریائی دشمن توسط رادارهای دریائی

گذشته از این شناسائیهای لازم از زمین منطقه و تأثیر گذاری باران بر آن، طول و عرض و میزان فشردگی نخلها، طول و عرض نهرها و تأثیر جزر و مد بر روی آن.

انواع مختلف جاده ها اعم از شنی، اسفالت و نیز ارتفاع آن از سطح زمین، روئیدنی های کنار ساحل، وسعت و چگونگی گل و لای آن و تأثیر گذاری جزر و مد بر روی آن و... صورت گرفت.

در این مدت عمدتاً در سه زمینه بطور مشخص اطلاعات لازم بدست آمد:

۱- خط مقدم دشمن

۲- موانع و استحکامات موجود در منطقه

۳- مشخص نمودن معابر و وصولی عملیات

ص: ۱۷۲

۱- ۳۴. نقشه های بعضی مناطق اشتباه بوده و فاقد عوارض جدید هستند.

- خط مقدم دشمن

خط مقدم دشمن به شکل دیواره ای در سرتاسر حاشیه اروند در حد تقریبی مد آب قرار داشت و ارتفاع آن بین ۱ الی ۲ متر متغیر بود. مواد تشکیل دهنده این خط در نقاط مختلف فرق می کرد ولیکن عمدتاً از خاک ریز، کیسه گونی خاک، تنه درختان نخل و همچنین سنگرهای بتونی، تشکیل شده بود. علاوه بر این سنگرهای دیگری وجود داشت که از الوار، پلیت و کیسه گونی پر از خاک احداث شده، فاصله آنها بین ۲۰ تا ۳۰ متر بود.

سنگرهای دشمن عمدتاً به گونه ای طراحی شده بود که تسلط کامل بر روی آب و تردهای احتمالی آن را فراهم می ساخت.

- موانع و استحکامات دشمن

دشمن بنا به استراتژی پدافندی اش که عمدتاً پس از عملیات بدر اتخاذ نمود مبادرت به ترمیم و تکمیل مواضع خود در غرب رودخانه اروند از مقابل جزیره ام الرصاص تا رأس البیشه، کرد.

در این منطقه مواضع دشمن جهت ممانعت از نفوذ نیروی پیاده، عبور قایق و هاورکرافت و نیز پهلو گرفتن شناورهای سنگین، طراحی شده بود.

موانع دشمن عمدتاً از ابتدای ساحل و در میان گل و لای آغاز و تا سنگرهای رده دوم ادامه داشت. نیروهای دشمن غالباً در اوقاتی که آب در حالت جزر بود در ساحل رودخانه کار خود را آغاز می کردند.

در این میان دشمن از انواع سیم خاردار رشته ای، حلقوی و فرشی در ردیفهای مختلف و به اشکال متفاوت استفاده کرده و نیز شاخک های

فلزی از نوع نبشی و میل گرد به شکل هشت پرهای مختلف معروف به خورشیدی، نصب نموده بود.

در بسیاری از نقاط مین های منور نیز تعبیه شده بود بدین شکل که با نصب آن بر روی هشت پرهای فلزی، به صورت تله ی انفجاری عمل می کرد.

علاوه بر این دشمن در لابلای میادین مین و سیم خاردار سنگرهای کمین و استراق سمع، که فاصله آنها از یکدیگر متفاوت و کمترین آنها به حدود ۲ متر می رسید، قرار داده بود.

همچنین دیوار دفاعی جدیدی را از جزابه تا فاو احداث کرده بود که در تبلیغات خود از آنها بنام «حصون» نام می برد.

شرح عملیات

در ساعت ۱۰ / ۲۲ دقیقه روز ۲۰ / ۱۱ / ۶۴ توسط فرماندهی کل سپاه فرمان حمله با قرائت رمز عملیات صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم لا- حول و لا- قوه الا- بالله العلی العظیم. و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه. یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا.

یگانهای نیروی زمینی سپاه پاسداران با پشتیبانی آتش طرح ریزی شده و شلیک بیش از هزاران گلوله، تهاجم خود را در محورهای مورد نظر آغاز و مبادرت به شکستن خط کردند.

با توجه به احتمالاتی که در زمینه هوشیاری دشمن مطرح بود، شکستن خط، پاکسازی و گرفتن سر پل مناسب نقش اساسی را در تضمین موقعیت عملیات داشت. غواصها می بایستی معابر را باز کرده تا

نیروهای قایق سوار بتوانند از این معابر وارد ساحل دشمن شده و تا روشنائی صبح منطقه را جهت استحکام سرپل پاکسازی کنند.

نحوه ی عکس العمل دشمن در لحظات اولیه عملیات و رویارویی با موجهای گسترده نیرو که سراسر خط دشمن را مورد تهاجم قرار داده بودند، غیر منتظره و تعجب برانگیز بود، چنانچه از سوی یکی از فرماندهان دشمن به رده بالاتر وضعیت اولیه چنین گزارش می شود:

«دشمن (ایران) مانند سیل توسط قایق نیرو پیاده می کند و باز می گردد، اگر چاره ای نکنید احتمالاً می روند ام القصر را هم بگیرند، وضعیت ما بسیار بد می باشد».

دشمن در همان لحظات به دلیل گستردگی محورهای هجوم و انجام تک پشتیبانی «ام القصر» نسبت به عملیات احساس خطر می نماید. در این میان صدام به منظور آرام نمودن وضعیت و زایل کردن هراس نیروهای عراقی در پاسخ گزارش یاد شده می گوید: «مقاوم باشید، سه لشکر زرهی می فرستیم و ایرانیها را شکست می دهیم».

گسترش وضعیت و تأمین هدفهای عملیات در همان شب اول چنان غیر منتظره بود که نیروهای پشتیبان می بایستی برای تأمین مراحل بعدی عملیات در صبح یا شب دوم عملیات به کار گرفته می شدند در ساعت ۱۲ نیمه شب وارد منطقه شدند تا به سمت اهداف خود حرکت نمایند.

پس از پاکسازی خط اول، در ادامه کار دو مسئله عمده در پیش روی رزمندگان قرار داشت: دور زدن و محاصره شهر و حضور در محور ساحلی واقع در جناح شمالی.

حضور در دو محور یاد شده، نقش مؤثری را در مقابله با پاتکهای دشمن و نیز تثبیت و تأمین سرپل اولیه داشت. لذا دو لشکر پرتوان و

قدرتمند سپاه که مأموریت دستیابی به اهداف فوق را داشتند، به منظور پاکسازی و الحاق خط اول، تلاش خود را شروع کردند. بدین ترتیب قبل از روشن شدن هوا و پس از درهم شکستن مقاومت‌های ضعیف دشمن، یگان مأمور جهت تصرف شهر فاو، ابتدا با حضور در مدخل ورودی شهر به محاصره آن پرداخت.

در جنوب شهر فاو نیز یکی از یگانها با طی نمودن مسافت زیادی در عمق، به صورتی باور نکردنی خود را به خور عبدالله رساند بطوریکه این امر موجب گردید شهر فاو از شمال و جنوب به محاصره رزمندگان درآید.

در محور شمالی شهر فاو در چند منطقه دو یگان عمل کننده به لحاظ رویارویی با دشمن و همچنین مشکلات عبور از اروند مقداری دچار کندی در حرکت گردیدند. ولی منتهی الیه محور ساحلی که کلید حفظ منطقه محسوب می شد، با خیز بلند نیروها به تصرف درآمد. ورود یگان بعدی که برای تصرف خط کارخانه نمک در نظر گرفته شده بود موجب پیوستگی و تأمین خط پدافندی مرحله اول گردید.

پیش بینی می شد در صبح عملیات، مناطقی که جبهه را تهدید خواهد کرد، عمدتاً محورهای ساحلی و جاده استراتژیک فاو - بصره می باشد. بدین ترتیب با حضور در دو محور یاد شده، عملاً اطمینان خاطر لازم بوجود آمد.

پاکسازی و الحاق

پاکسازی جنوب شهر فاو و باقیمانده ی نیروهای پراکنده و غیر منسجم دشمن، که در منطقه به صورت سرگردان حضور داشتند دنبال

ص: ۱۷۶

می شد حضور پر قدرت نیروها پس از محاصره شهر فاو نیروها در محور ساحلی و نیز دستیابی به خور عبدالله در جنوب فاو، پاکسازی عناصر باقیمانده دشمن در رأس البیشه - که بعضا با مقاومت‌های پراکنده خود مشکلاتی را ایجاد می کردند - آغاز شد. بر این اساس ابتدا، رزمندگان با هجوم به تیربار دشمن در خط مقدم رأس البیشه آن را خاموش نموده، سپس به امر پاکسازی نخلستان شمال و جنوب شهر مبادرت ورزیدند. در نتیجه یگان مأمور به تصرف شهر فاو، پس از رفع موانع موجود و مقابله با مقاومت‌های پراکنده دشمن، توانست با انهدام مقر تیپ ۱۱۱ و به اسارت گرفتن فرمانده ی آن، شهر را به صورت کامل پاکسازی کند.

همزمان با پاکسازی شهر و سایر قسمت‌های منطقه، چندین یگان به منظور ادامه ی عملیات، از مقابل شهر فاو، حرکت خود را جهت اهداف مورد نظر و تأمین آن آغاز کردند و قبل از فرا رسیدن تاریکی شب ضمن انهدام دشمن تا دومین پایگاه موشکی پیشروی نمودند. در نتیجه تا پایان روز اول، رزمندگان موفق به تصرف شهر فاو، پاکسازی کامل منطقه و حضور در شمال فاو (محور ساحلی) شدند و بدین ترتیب مراحل اول و دوم عملیات انجام پذیرفت و اهداف مورد نظر با موفقیت تأمین گردید.

وضعیت دشمن

پس از آغاز شکسته شدن خط از سوی نیروهای خودی تلاش‌های چشمگیر و اساسی از سوی دشمن مشاهده نگردید. دشمن در این عملیات به دلیل تحقق امر غافلگیری، وضعیتی متفاوت با سایر عملیات‌ها داشت چنانچه مقاومت و تلاش ارتش عراق به جز در چند محور مانند رأس البیشه و مقر تیپ ۱۱۱، چشمگیر و قابل توجه نبود. گذشته از این تحرکات

ص: ۱۷۷

دیگری از سوی دشمن مشاهده شد که عمدتاً عبارت بود از:

- مقاومت پراکنده نیروهای باقیمانده در حد فاصل یگانها،

- تظاهر به ضد حمله نیروهای باقیمانده در اطراف پایگاه موشکی و محور ساحلی و ضد حمله های کم حجم و بدون اثر توسط یگانهای احتیاط منطقه

طی این روز به لحاظ وضعیت آشفته و درهم ریخته دشمن و عدم اطلاع کامل تمام نیروها و عناصر، از وقوع عملیات و ابعاد و گستردگی آن، نیروهای دشمن که از مرخصی باز می گشتند و یا واحد تدارکات که مسئولیت لجستیک و پشتیبانی را عهده دار بود، بدون اطلاع از حضور نیروهای اسلام در فاو، وارد منطقه عملیاتی می شدند و این امر موجب گردید تلفات زیادی بر دشمن وارد شود. گذشته از این تحرک بارزی از دشمن، در زمینه تکهای هوایی مشاهده نگردید و تنها چندین بار عقبه نیروهای خود در شرق اروندرود و نیز ساحل دو طرف آن، مورد بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفت که مسئله قابل توجهی نبود.

مقاومت در محور ساحلی

نظر به اهمیت محور ساحلی و حساسیت دشمن نسبت به آن، همانطور که پیش بینی می شد، پس از گذشت ۳۶ ساعت، عراق اولین فلش پاتک خود را متوجه آن سمت کرد. دشمن ابتدا لشکر ۵ را به سرعت وارد منطقه نمود و پس از آنکه نیروهای این لشکر به نزدیکی کارخانه نمک رسید، آرایش گرفته و پاتک خود را به محور ساحلی شروع کردند. طی مدت کوتاهی دوبار و به طور جدی درگیری شدت گرفت به صورتی که در بعضی از محورها نبرد تن به تن صورت می گرفت و در نهایت دشمن

ص: ۱۷۸

موفق به پیشروی نشد. نیروهای خودی پس از آن به منظور ایجاد خطوط دفاعی مستحکم، با استفاده از وسایل مهندسی (لودر، بلدوزر و...) که تا روز دوم منتقل شده بود، موفق به ایجاد خاکریزهای کوتاه و محدودی گردیدند.

نظر به اینکه نیروهای دشمن اهمیت محور ساحلی را درک می کردند، در روز بعد مجدداً تلاشهای جدی و تازه خود را متوجه محور ساحلی کردند. سرعت در انتقال و عبور دستگاههای مهندسی و ایجاد خطوط دفاعی مطمئن و به یاری آمدن سایر یگانها، عملاً از پیشروی دشمن ممانعت به عمل آورد و پس از چند روز با اتخاذ تدابیر لازم این محور نفوذناپذیر شد و دشمن نیز از آن ناامید گردید.

شروع تلاشهای اساسی از جانب دشمن

تا روز سوم عملیات، دشمن تنها با نیروهای لشکر ۵ و باقیمانده نیروهای موجود در منطقه به مقابله می پرداخت. طی این مدت رژیم صدام تصور می کرد، محور اصلی عملیات «هورالهیوزه» است و طبعاً درک صحیح و مناسبی از موقعیت عملیات نداشت. علاوه بر این از هم پاشیدگی نیروهای موجود در منطقه و نیز انجام حمله از محور «ام الرصاص» که به لحاظ نزدیکی به بصره، این شهر را در معرض تهدید قرار می داد و همچنین امکان مسدود نمودن عقبه دشمن پس از عبور نیروهایش به سمت فاو و رأس البیشه، دشمن را دچار سردرگمی ساخت و قسمتی از تلاش او را به حل محور «ام الرصاص» معطوف نمود. اما سرانجام پس از سه روز، دشمن متوجه اساسی بودن عملیات فاو شد و به صورت جدی وارد میدان گردید.

پیش آمدن وضعیت یاد شده عملاً «زمان» لازم را از دشمن به منظور مقابله گرفت، و زمینه های گسترش سرپل و حفظ و تحکیم مواضع بدست آمده را فراهم کرد. پس از ناکامی تلاشهای اولیه دشمن، که عمدتاً با لشکر ۵ شروع شد، دشمن اقدام به وارد کردن لشکر گارد جمهوری نمود، بدین شکل که قرارگاه تاکتیکی ستاد مشترک عراق در شهر ناصریه به فرماندهی نیروهای گارد جمهوری (۱) اعلام نمود، باید هر چه سریعتر با تمام امکانات برای سد کردن حمله رزمندگان و باز پس گیری مناطق تصرف شده تحت امر سپاه هفتم وارد عمل شود. بر این اساس و به دنبال تصمیم گیری عجولانه ستاد عملیات جنوب عراق، تیپهای ۳ و ۴ نیروی مخصوص گارد جمهوری وارد عمل شدند. دو تیپ مذکور در دو طرف و در امتداد جاده استراتژیک فاو - بصره گسترش یافته، به سمت شهر فاو حرکت نمودند. قبل از آغاز درگیری نیروهای خودی به دلیل دید و تیر بر عقبه های دشمن و آرایش مناسب توپخانه ها، آتش پر حجم و سنگینی را بر روی نیروهای گارد اجرا کردند که بر اثر آن ۳۰٪ آنها به هلاکت رسیدند (۲).

ضمناً در همین روز به گردان کماندوئی تیپ ۱۰ زرهی از نیروی مخصوص نیز دستور داده شد تا سه راهی کارخانه نمک - جاده ام القصر خود را گسترش دهد تا مانع از دور خوردن تیپهای ۳ و ۴ شود.

ص: ۱۸۰

۱- ۳۵. لشکر گارد جمهوری (نیروی مخصوص) از یگانهای زبده ارتش عراق می باشد و در هر کجا نیاز به انجام ضد حمله های اساسی باشد و یا اینکه این عمل در توانائی و قدرت سایر یگانهای دشمن نباشد، عملاً مأموریت محوله بر عهده لشکر گارد گذارده خواهد شد. عناصر گارد دوره های آموزشی متعدد و متنوعی را گذرانده اند و از باتجربه ترین نیروهای دشمن محسوب می شوند.

۲- ۳۶. صدام قبل از شروع درگیری لشکر گارد جمهوری، به لحاظ تلفات و آسیبهای وارده، طی دوبار، پیام تبریکی را نثار جنازه های کشته شدگان آنها نمود.

بدین ترتیب نیروهای گارد جمهوری پس از ورود به منطقه، شب را در پناه تانکها و خاکریزهای پراکنده، که به عنوان سنگر تانک مورد استفاده قرار می گرفت، به سر بردند تا پس از روشنائی هوا در روز بعد، حمله اساسی خود را شروع کنند.

قابل ذکر است که نیروهای خودی طی این مدت (۳ روز) و تا استقرار نیروهای لشکر گارد، با استفاده از زمان بدست آمده توانستند، پایگاههای اول و دوم موشکی در شمال شهر فاو را فتح و خود را به ضلع جنوبی کارخانه نمک و پس از آن با گسترش شرقی - غربی به سمت جاده استراتژیک، روی جاده شنی تا کنار سه راهی کارخانه نمک، رسانده و در آنجا مستقر شوند.

درگیری با لشکر گارد

نیروهای خودی پس از درک موقعیت و نحوه گسترش عناصر لشکر گارد فلش حملات خود را از سه محور زیر تنظیم نمودند:

۱ - جاده اول به سه راهی

۲- از جاده شنی به پشت دشمن

۳- از مقابل، روی جاده دوم و اطراف آن

بر این اساس در همان تاریکی شب و هنگامی که نیروهای لشکر گارد در حال استراحت به سر می بردند، نیروهای خودی توانستند با استفاده از نقاط ضعف آنها، از آرایش مناسبی توأم با غافلگیری برخوردار شوند، چنانچه با آغاز درگیری، دشمن احساس نمود به طور همه جانبه، از روبرو و جناحین مورد تهاجم قرار گرفته است.

این حمله، همراه با اجرای انبوه آتش توپخانه، ادوات و

ص: ۱۸۱

سلاحهای سبک برای دشمن کاملاً غیر منتظره بود، لذا عرصه‌ی نبرد، بر آنها تنگ شده و حتی قادر به کوچکترین حرکت نشدند.

در صبح روز ۲۴ / ۱۱ / ۶۴، هنوز هوا به طور کامل روشن نشده بود که دشمن برای عقب زدن نیروهای خودی و به منظور پشتیبانی از لشکر گارد، ساعت ۳۰ / ۵ دقیقه صبح، مبادرت به حمله‌ی شیمیائی کرد، لیکن بمبهای شیمیائی در میان دو تیپ از لشکر گارد جمهوری فرود آمد و منجر به آلودگی ۷۰٪ از نیروهای آنها گردید. به طوریکه اکثر آنان، بینائی خود را از دست دادند. پس از این واقعه، نیروهای گارد سخت وحشترده شده، مرتب درخواست کمک می کردند. با تلاش پیگیر، فرماندهی لشکر گارد، تیپ ۴۴۳ به کمک تیپهای ۳ و ۴ فرستاده شد، لیکن در همان لحظات اولیه مورد حمله قوای اسلام قرار گرفت و پس از انهدام یک گردان، بقیه پا به فرار گذاشتند. گذشته از این با پیشروی رزمندگان اسلام تا کارخانه نمک و تصرف مقر لشکر ۲۶ در داخل کارخانه، فرماندهی سپاه هفتم که وحشترده شده بود ناچاراً منطقه را ترک کرد در این بین نیروهائی که در محاصره قرار داشتند همچنان سعی زیادی می کردند که با بازیافتن خود از معرکه بگریزند، لیکن تدبیر مناسب نیروها و نیز آتش پر حجم و قدرتمند توپخانه، امان دشمن را بریده بود، چنانچه فرماندهی نیروهای محاصره شده، وضعیت خود را به فرماندهی رده بالا، چنین گزارش می نمایند:

«درگیری بسیار شدید می باشد و نیروها در محل خود مقاومت می کنند! نیروهای مهندسی که قرار بوده امشب سنگرسازی گردانها را حل نمایند، اکثر آنها فرار کردند گردانها وضع بسیار بدی را می گذرانند.»

«ما از تمام جهات و از چهار طرف در محاصره دشمن قرار گرفته ایم. احتیاج به یک تیپ زرهی داریم که راه باز شود. لازم

است این تدبیر، سریع انجام گیرد. به فرمانده لشکر ۲۶ بگوئید یک گردان مکانیزه و توپخانه بفرستد که ما را پشتیبانی کنند. باید از جاده ساحلی (جاده فاو - البحار) نیروی کمکی برای تیپ ۳ و ۴ بفرستید، هر چند گران تمام شود».

فرمانده این تیپ در گزارش دیگری نیز، چنین می گوید:

«وضعیت ما بسیار بد و سخت می باشد، آتش توپخانه روی ما، بسیار مؤثر است و تلفات نفرات، با شمارش دقیقه افزونتر می شود. فعلا در مواضع خود مقاومت می کنیم ولی بداد ما برسید»

پس از مسدود نمودن راههای کمک به نیروهای در حال محاصره و ناامیدی دشمن از اعزام نیروی کمکی، فرماندهی لشکر گارد خطاب به فرماندهی تیپ ۳ و ۴، به عنوان آخرین راه حل، «جنگ و گریز» و «فرار» را توصیه می کند:

«شما با جنگ و گریز بیائید بیرون، چون خبر محاصره به بغداد رفته است. شما اگر می توانید آبروی لشکرتان را بخرید و بیائید عقب. ما کاری نمی توانیم بکنیم.»

پس از ابلاغ این فرمان، باقیمانده ی نیروهای دشمن با ناامیدی، دست به تکاپو زدند و پس از ساعتی از جنگ و گریز حدود ۲ ساعت بعد از ظهر، تنها تعداد اندکی از نیروهای گارد ریاست جمهوری صدام، توانستند از مهلکه جان سالم، بدر برند و اکثریت این نیروی ویژه به هلاکت رسیدند.

جنگ هوائی

همزمان با ورود لشکر گارد به منطقه، بعد از ظهر روز سوم، حمله وسیع و گسترده هوائی دشمن آغاز شد. حاکمان بغداد برای جبران

عقب ماندگی در «نبرد زمینی» و نیز ممانعت از پیشروی رزمندگان اسلام، مبادرت به حملات هوایی پی در پی کردند. این تلاش در روز چهارم، ابعاد وسیعتری را به خود گرفت. چنانچه نیروی هوایی دشمن با تمام توان وارد عمل شده و علاوه بر بمباران شیمیایی (۱)، به بمباران پلهای جزیره ی آبادان پرداخت.

در این میان آرایش مناسب سلاحهای ضد هوایی، در طی ۸ روز جنگ شدید هوایی، روزانه ۳ تا ۴ فروند از هواپیماهای دشمن را ساقط کردند.

پیدایش چنین وضعیتی، رعب زیادی را در دل خلبانهای عراقی ایجاد کرد، به گونه ای که وقتی وارد آسمان منطقه می شدند، بعضاً تنها در صدد خالی کردن بمبها در بیابان و فرار از تیررس گلوله های ضد هوایی و موشکهای زمین به هوا بودند. این رعب آنقدر افزایش یافته بود که حتی یک بار، پس از شلیک موشک و اصابت آن به هواپیما، خلبان هواپیمای دیگر دشمن، به خیال اینکه مورد اصابت قرار خواهد گرفت، هواپیما را رها کرده، به بیرون پرید.

در مجموع تهاجمات وسیع هوایی دشمن نتوانست کاری از پیش برد و راه تدارکات نیروها را مسدود نماید. به ویژه اینکه تدابیر برادران جهادسازندگی در زمینه احداث پل بر روی بهمنشیر، امیدواری دشمن مبنی بر انسداد عقبه ها را تبدیل به یأس نمود و بدینوسیله گام مهمی در تثبیت منطقه، برداشته شد.

ص: ۱۸۴

۱-۳۷. نظر به اینکه چنین حوادثی، پس از ناتوانی دشمن، در غالب عملیاتها قابل پیش بینی می باشد، لذا ماشینهای حامل مواد خنثی کننده شیمیایی، در سرتاسر منطقه استقرار یافته بودند. علاوه بر این ماشینهای آتش نشانی که برای مقابله با حریق، در نخلستان حضور داشتند، با شستشوی نخلها، آلودگیهای موجود را برطرف می کردند.

طی پنج روز اول، نیروهای خودی در محور میانی جاده استراتژیک، محور ام القصر و کارخانه نمک، بر حملات خود شدت بخشیده و توانستند نیمی از کارخانه نمک را تصرف کنند و بر روی جاده ام القصر نیز، خطی موازی کارخانه نمک تشکیل دهند. همچنین در محور میانی، که دشمن شدیداً نسبت به آن حساس بود، رزمندگان طی چند شب درگیری متوالی، با درهم شکستن خطوط دشمن، در شب هشتم خود را به سه راهی کارخانه نمک رسانده و با احداث چند رده خاکریز بلند و آرایش مناسب ضد زره، در پشت آن مستقر شدند.

از روز هشتم به بعد با تشکیل خط مناسب پدافندی، دشمن که خود را به طور کامل بازیافته بود، پاتکهای خود را مجدداً آغاز کرد. بدین شکل که ابتدا، از جاده فاو - البحار، وارد شد که با مقاومت نیروهای خودی و سرانجام از دست دادن نفرات و انهدام تجهیزات، عقب نشست.

سپس از جاده استراتژیک، فلش اصلی تهاجم خود را بر روی سه راهی کارخانه نمک، متمرکز کرد. لیکن بر اثر اجرای آتش شدید خمپاره و توپخانه، انهدام قابل توجهی را متحمل شده، با به جا گذاردن هزاران کشته و زخمی، اقدام به عقب نشینی کرد.

پس از آن در روز یازدهم عملیات به منظور تکمیل خط پدافندی و تثبیت آن، در سراسر محور ساحلی و میانی، آب انداخته شد و بدین وسیله، دشمن از تلاش مجدد، در محورهای یاد شده، ناامید گردید.

آتش سنگین توپخانه

در جریان حملات دشمن، در محورهای ساحلی و میانی، آتش

توپخانه، نقش ویژه ای را در انهدام و عقب زدن نیروهای دشمن داشت. زیرا نیروهای آنها از آخرین نقطه عقبه خود، که از محور ام الرصاص عبور می کردند تا خط تماس در فاو، زیر دید و تیر نیروهای خودی قرار داشتند.

شدت آتش خودی بر روی دشمن، به حدی بود که تاب و توان مقاومت را از آنها، سلب می کرد. نیروهای عراقی که در طول ۵ سال جنگ، با چنین آتشی کمتر مواجه شده بودند، به شدت روحیه خود را باخته، به طوریکه فرمانده یکی از تیپهای دشمن می گوید:

«آتش توپخانه دشمن (ایران) وسیع و بسیار سنگین و مؤثر است. تعداد ۶ دستگاه تانک از کار افتاده است، توان رزمی به شدت پائین آمده، که بر اثر درگیری و آتش سه روز گذشته می باشد. توپخانه های دشمن (ایران) آزاد هستند. خواهش ما این است که آتش متقابل، روی منابع آتش دشمن زیاد شود تا از حجم آنها کاسته شود».

در چنین وضعیتی و با توجه به پاتکهای متوالی دشمن و شکست آنها و انهدام قابل توجه نیروهایش، روحیه ارتش عراق به شدت متزلزل گردید. به طوریکه چند تن از فرماندهان رده بالا، خود را تسلیم نیروهای اسلام کردند.

تغییر تاکتیک دشمن

مقابله سرسختانه رزمندگان، در محورهای ساحلی و جاده استراتژیک، امکان پیشروی را به دشمن نداد و تلفات بسیار سنگین و قابل ملاحظه ای را بر آنها وارد ساخت، به گونه ای که این وضعیت، منجر به تغییر تاکتیک دشمن در «رزم» و «محور عملیات» گردید. بر این اساس که نیروهای عراقی در تدبیر جدید خود، وارد کارخانه نمک و محور

ام القصر شده، به کارگیری «نیروی پیاده» را جایگزین «نیروی زرهی» کردند.

اولین تلاش در محور ام القصر با درایت و مقاومت رزمندگان، درهم شکسته شد. تهاجم بعدی دشمن که از داخل کارخانه صورت گرفت، به لحاظ عدم حضور جدی نیروهای خودی، موجب گردید یکی از مربعی های داخل کارخانه، به تصرف دشمن درآید. لیکن بلافاصله با تقویت آن محور و تلفاتی که بر دشمن، وارد شد عملاً حرکت آنها متوقف گردید. دشمن در این محور، برای هر ۴۰۰ متر یک تپ قرار داده بود و در هر حمله از چند تپ استفاده می کرد، که هر کدام پس از آسیب دیدگی و تلفات وارده، مجبور به عقب نشینی می شدند.

قابل ذکر است که در مقابله با پاتکهای دشمن در محور ام القصر و کارخانه نمک، جنگنده های نیروی هوایی و هلی کوپترهای هوانیروز نقش مؤثری را ایفا کردند. به صورتی که بمباران عقبه های دشمن در محور جاده دوم و سوم و شکار تانکهای آنان، تلفات سنگینی را بر دشمن وارد ساخت.

تیم های آتش هوانیروز، نیز در یک تلاش چشمگیر در بالای سر دشمن حاضر بوده و با شروع هر حمله از جانب دشمن، آنها نیز با شجاعتی تحسین برانگیز به اجرای مأموریت می پرداختند.

نتایج بدست آمده در عملیات

در طی عملیات والفجر ۸، نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد گردید و تلفات و خساراتی بر دشمن وارد شد، که به گوشه ای از آن در زیر اشاره می شود:

ص: ۱۸۷

الف: نیرو

در جریان عملیات دشمن بیش از ۵۰۰۰۰ کشته و زخمی داشت که در میان آنها، یک فرمانده لشکر و نزدیک به ۵ فرمانده تیپ و... دیده می شد. همچنین ۷۰۰ نفر اسیر، که در میان آنها، چندین سرهنگ ستاد، سرهنگ دوم، سرگرد، افسر جزء، خلبان هواپیما و هلی کوپتر و درجه دار وجود داشت به اسارت گرفته شدند.

ب: تجهیزات

وسایل - منهدم - غنیمتی

تانک و نفربر - ۶۰۰ دستگاه - ۱۲۰ دستگاه

خودرو - ۵۰۰ دستگاه - ۲۵۰ دستگاه

توپخانه - ۱۵۰ قبضه - ۲۰ قبضه

هواپیما - ۴۵ (۱) فروند

هلیکوپتر - ۱۰ فروند

ناوچه جنگی - ۳ فروند

ضمناً مقدار معتنابهی وسایل مخابراتی، سلاحهای سبک، رادارهای مختلف و نیز سلاحهای ضد هوایی، در میان وسایل انهدامی دشمن و غنایم بدست آمده مشاهده می گردید.

ج: انهدام واحدها

در مجموع ۱۰ تیپ پیاده، کماندوئی و نیروی مخصوص ۲ تیپ

ص: ۱۸۸

۱-۳۸. آمار یاد شده یقینی بوده و در مدت درگیری با دشمن تحقق یافته است.

زرهی، ۴ گردان ضد هوایی، ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن به طور ۱۰۰ درصد منهدم گردید.

از طرف دیگر ۳۳ تیپ پیاده، کماندو و نیروی مخصوص، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن بیش از ۶۰٪ منهدم گردید، که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی خارج شدند.

همچنین نزدیک به ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندو، زرهی و مکانیزه دشمن، ۳۰٪ آسیب دیدند که به دلیل کمبود نیروهای دشمن، کماکان در منطقه عملیاتی باقی ماندند، تا پس از تجدید سازمان نیروهای آسیب دیده و جایگزین آنها، نیروهای مزبور به عقب منتقل شوند.

حضور قوای نظامی ایران در فاو، تزلزل و بی ثباتی حکومت بغداد و نیز ضعف و ناتوانی ارتش عراق را در پی داشت.

پیدایش وضعیت جدید، امری نبود که دشمن بتواند آن را نادیده انگارد و به همین جهت فشارهای پی در پی ارتش عراق در هوا و زمین قابل پیش بینی بود.

رژیم صدام امیدوار بود در حد فاصل زمانیکه الزاما بایستی خطوط خودی ترمیم شده مواضع جدیدی احداث می شد، با تحرکات همه جانبه خود زمینه های تسلط مجدد بر فاو را فراهم آورد. علاوه بر این تهدید بندر ام القصر قسمتی از معضلات جدید دشمن بود که می بایست برای حفظ آن در آینده به گونه ای تدبیری مناسب اتخاذ می کرد.

در هر صورت تلفات وارده به دشمن - بنا به موقعیت خاص زمین منطقه و نیز نحوه استقرار نیروهای خودی - رژیم عراق را از دستیابی به بندر فاو بازداشت و عکس العمل های وی جز تلاشی و انهدام ارتش عراق چیز دیگری در بر نداشت.

دشمن پس از ناتوانی در باز پس گیری یکباره تمامی مناطق

آزاد شده، شیوه پیشروی لاک پشتی را آغاز کرد تا بلکه بتواند قسمتهای محدودتری را تصرف کند. به همین منظور ارتش عراق تلاش کرد تا حتی المقدور نیروهای خودی را از حول و حوش کارخانه نمک دور کند.

از سوی دیگر آنها در انتظار پایان فصل بارندگی و نزدیک شدن فصل تابستان بسر می بردند تا با خشک شدن زمین منطقه میدانی مناسب برای «پاتک» در اختیار داشته باشند.

در این میان خط تبلیغاتی رسانه های جهانی، مبنی بر تحریک و تشویق عراق جهت باز پس گیری فاو، در تحرکات نظامی دشمن بی تأثیر نبود، چنانچه نشریه «واشنگتن پست» طی گزارشی نوشت:

«عراق نمی تواند اجازه دهد ایرانیها در این شهر باقی بمانند، زیرا این مسئله به احتمال قوی عواقبی تضعیف کننده از نظر روحی و سیاسی در داخل عراق و نیز در کشورهای همسایه خواهد داشت... تصرف شبه جزیره فاو توسط نیروهای ایران و غافلگیری عراقیها، بطوریکه هنوز هم موفق به بیرون راندن سربازان ایرانی از منطقه نشده اند، بغداد را سخت سرافکنده کرده است.» (۱).

راديو بي بي سي نیز طی تفسیری اظهار داشت: «ایران بخوبی در زمین از عهده نیروها برآمد و تصرف این همه اراضی عراق، ضربه ای تحقیرآمیز به عراق وارد آورده است.» (۲).

مشکلات باز پس گیری فاو برای دشمن

علیرغم اینکه عقب راندن نیروهای خودی از فاو، برای دشمن

ص: ۱۹۱

۱- ۳۹ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۴۰ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

اهمیت اساسی داشت، لیکن در این میان عواملی بازدارنده و محدود کننده وجود داشت که قطعاً رژیم بغداد نمی توانست آنها را نادیده بگیرد.

به عبارت دیگر دشمن گرفتار یک تناقض شده بود. از سویی ضرورت و اهمیت بازپسگیری فاو و از سوی دیگر واقعیات موجود و معضلات ناشی از آن - که طبعاً آسیب پذیری عمده ای را متوجه ارتش عراق می کرد - رو در روی رژیم صدام قرار داشت.

دشمن در انجام پاتک عمدتاً میبایست از نیروی زرهی - مکانیزه استفاده میکرد. که با توجه به باتلاقی بودن زمین منطقه عمدتاً محدود به جاده های موجود به منطقه می شد و این وضعیت، با توجه به ثبت تیر و آتش توپخانه بر روی جاده ها و نیز حضور قدرتمند نیروهای خودی در آنجا، امکان مانور را از دشمن می گرفت، چنانکه فرمانده وقت سپاه هفتم عراق، اظهار داشت:

«خارج ساختن نیروهای ایران از منطقه اشغالی در شبه جزیره فاو با وجود باتلاقیهای همیشه گل و باتلاقیهایی که در اثر باران بوجود آمده است، کاری مشکل است.» (۱).

به علاوه نظر به اینکه قسمتی از منطقه پوشیده از نخل است، راه حل دیگری که فرا روی نیروهای عراقی قرار داشت، جنگ تن به تن در نخلستان بود.

اما نیروهای دشمن توانایی و روحیه مناسب برای اینکار نداشتند.

معدالک، در ابتدای حضور نیروهای خودی در منطقه فاو، دشمن

ص: ۱۹۲

در یک مقطع خاص تلاش اصلی خود را از محور ساحلی و در میان نخلها به عمل آورد - که عملاً ناموفق بود. در این زمینه «آسوشیتدپرس» طی گزارش ضمن خاطر نشان ساختن دشواری و صعوبت چنین عملیاتی می گوید :

«تنها یک نبرد تن به تن می تواند ایرانیها را از منطقه خارج کند. در نخلستانها تانکها قادر به فعالیت نیستند و نیروی هوایی عراق نیز نمی تواند نیروهای استتار شده ایرانی را در منطقه شناسایی کند و بیرون راندن آنها کار بسیار دشواری است.» (۱).

تا حوالی ۱۵ اسفند نیروهای عراقی تلاشهای پی در پی و شدید خود را از محورهای مختلف (ساحلی، فاو - البهار، جاده استراتژیک و جاده ام القصر - کارخانه نمک) به معرض آزمایش گذاردند، لیکن جز نفوذ در یکی از مربعی های کارخانه نمک (۲)، موفقیت دیگری به دست نیاوردند.

از این مقطع به بعد، دشمن تقریباً ناامید شد و به مرور از فشارهای سنگین خود کاست و به جمع بندی و ارزیابی وضعیت پیش آمده پرداخت. تلاشهای دشمن در این فاصله عمدتاً در ۳ محور خلاصه میشود:

۱- ادامه پاتک در برخی از محورها، خصوصاً کارخانه نمک و جاده ام القصر

۲- گسترش عقبه ها و احداث جاده و مواضع جدید توپخانه و ...

ص: ۱۹۳

۱- ۴۲ / ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۶۴.

۲- ۴۳. این مربعی، طی انجام عملیاتی از دشمن پس گرفته شد.

بدین ترتیب دشمن که گاه تنها برای تصرف ۳۰۰ متر مربع، ۳ الی ۴ تیپ خود را از دست می داد، به منظور اتخاذ تدابیر جدید، تلاشهای اصلی خود را معطوف کارهای مهندسی (تقویت عقبه ها، احداث مواضع توپخانه و تانک) بازسازی یگانهای آسیب دیده و... کرد.

طی مدتی که دشمن در فاو با نیروهای خودی درگیر بود و نیز هنگامی که اقدام به فعالیتهای مهندسی و یا هر گونه تحرک دیگر کرد، اجرای آتش توپخانه و ادوات بر روی نیروهای عراقی نقشی بازدارنده و مضمحل کننده در برداشت. خصوصا در خطوط اول و کارخانه نمک، دشمن به علت فقدان عقبه بشدت در مضیقه بود و به هیچ وجه توان تحمل فشارهای وارده را نداشت، بطوریکه یکی از پناهندگان اظهار داشت:

«یک روز یکی از فرماندهان عراقی، نیروها را جمع کرد و سپس یکی از سربازان را از خط خارج نمود، خطاب به وی گفت: تو می خواهی پناهنده شوی؟ و بعد همانجا او را اعدام کرد.

وضع ما در دژهای دریاچه نمک خیلی خراب بود، آب و غذا خیلی کم بود؛ شبها مقداری آب و غذا برایمان می آوردند و حتی بعضی اوقات به خاطر نبودن آب و تشنگی زیاد توی شیشه... کرده و آنرا می خوریم.»

در کنار وضعیت نابسامان دشمن تبلیغاتی که از سوی نیروهای خودی (با نصب بلندگو در نزدیکی دشمن) صورت می گرفت، اثرات روانی بسیار مؤثر و بسزائی داشت؛ بطوریکه تعداد قابل توجهی از قوای دشمن پناهنده شدند. وضعیت مزبور برای فرماندهان عراقی غیر قابل قبول بود؛ لذا دشمن به منظور جلوگیری از پناهندگی نیروهایش به شدت عمل بیشتری متوسل شد.

دشمن بمنظور حل بحرانهای ناشی از فتح «فاو» و ضایعات وارده به ارتش عراق، علیرغم رکود جبهه ها و نیز عدم توانائی در عقب راندن نیروهای خودی، مکررا تبلیغاتی را مبنی بر باز پس گیری منطقه عملیاتی والفجر ۸، انجام می داد.

با نزدیک شدن ۷ نisan (۱) (سالروز تولد صدام و تشکیل حزب بعث عراق) تبلیغات دشمن شکل جدی تری به خود گرفت و این روز را روز باز پس گیری «فاو» نامید.

بر این اساس، ۱۳ روز قبل از فرا رسیدن ۷ نisan (از بامداد ۴ فروردین) نیروهای دشمن تهاجم خود را از دو محور آغاز کردند:

در محور اول نیروهای پیاده دشمن از سمت جاده شنی، شکاف موجود بر روی جاده را پر کرده، سپس اقدام به پیشروی نمودند؛ لیکن با مقابله مناسبی که صورت گرفت، عملا تهاجم آنها عقیم ماند.

در محور دوم، در همان شب تعدادی از نیروهای غواص دشمن از سمت اروند و خور عبدالله جهت شناسائی و مین گذاری وارد عمل شدند که تعدادی از آنها کشته شده، برخی نیز به اسارت درآمدند.

بدین ترتیب آنچه که می توانست بصورت پیش درآمد و یا مقدمه تحرکات بعدی دشمن، خصوصا در روز ۷ نisan باشد، در همان آغاز با عدم موفقیت توأم شد. با فرا رسیدن ۷ نisan، علیرغم تبلیغات انجام شده، دشمن زمینگیر شد و بعث ناتوانی و فرسودگی نتوانست تحرکی از خود نشان دهد.

ص: ۱۹۵

پس از این نیز مجدداً دشمن مبادرت به تگ کرد که در یک محور حدود ۴۰۰۰ کشته و زخمی به جای نهاده و در محور دیگری، تعداد قابل ملاحظه ای از نیروهای عراقی در میان باتلاقها و میادین مین به هلاکت رسیدند و نیز ۱۱ سرباز و درجه دار پس از روشن شدن هوا به اسارت در آمدند. با گذشت زمان و افزایش ناامیدی عراق از پیشروی در فاو، تلاشهای عملیاتی دشمن کاهش یافته و به موازات آن، اقدامات مهندسی فزونی یافت. گذشته از این دشمن در تدبیر جدید خود با اتخاذ استراتژی دفاع متحرک تلاش اصلی را بر تجزیه قوای خودی در فاو نمود تا بدین وسیله پس از بازگشت یک مقطع و اشغال برخی از مناطق حساس، مجدداً با یک تلاش گسترده و وسیع، منطقه عملیاتی والفجر ۸ را مورد تعرض قرار دهد. در این زمینه توضیحات لازم در مبحث بعدی داده خواهد شد.

بدین ترتیب نبرد پیروزمندانه فاو بعد از ۷۸ شبانه روز درگیری که در طول جنگ بی سابقه بود با پیروزی رزمندگان اسلام، پایان یافت.

تلاشهای نیروهای خودی در فاو

با پیش بینی حملات آتی و فشارهای پی در پی دشمن ضرورت ناامید کردن عراق نسبت به بازپسگیری منطقه عملیاتی فاو، حتمی به نظر میرسد. لذا ۲ طرح اساسی در دستور کار قرار گرفت:

- ۱- تثبیت منطقه با اقدامات مهندسی، ایجاد مواضع و استحکامات، احداث کانال و پل
 - ۲- ترمیم خط خودی با از میان برداشتن رخنه های دشمن در کارخانه نمک، جاده شنی و ...
- در این راستا پس از تصرف منطقه فاو احداث کانال آغاز شد،

لیکن به دلیل مشکلات موجود، کار فاقد سرعت بود. نظر به اینکه دو سمت منطقه عملیاتی اروند و خور عبدالله را آب احاطه کرده است، در صورتی که کانال مناسبی احداث می گردید، منطقه تصرف شده مانند یک جزیره از قسمت دیگر جدا می شد. لذا سعی بر این بود که به هر شکل ممکن پروژه احداث کانال تکمیل شود تا بدین وسیله دشمن ناامید شده، تا مین منطقه از در صدی بالا برخوردار گردد.

همچنین به موازات کانال، احداث دژی از غرب جاده استراتژیک به سمت پیچ جاده خاکی منشعب از پایگاه موشکی به کارخانه نمک ادامه یافت. همچنین در امر پمپاژ آب از اروند رود به داخل کانال و از آنجا به پشت جاده استراتژیک، مشکلاتی وجود داشت که با تلاش بی وقفه و طاقت فرسای برادران جهاد سازندگی و قرارگاه مهندسی، موانع مرتفع گشته، طرح با موفقیت به پایان رسید.

احداث خاکریز و تقویت عقبه ها

فشار و حجم آتش دشمن بر روی خاکریزهای خطوط اول و سنگر نفرات، نیروهای پشت خاکریز را آسیب پذیر می کرد، لذا قسمتی از تلاش مهندسی یگانها و جهاد سازندگی، ترمیم و تقویت خاکریزها شد. علاوه بر این در زمینه احداث عقبه نیز تلاشهایی چشمگیر صورت گرفت تا بدین وسیله تردد به خطوط اول و تدارکات آن و نیز تخلیه شهدا و مجروحین به سهولت انجام پذیرد.

البته در برخی از محورها به دلیل فشار دشمن انجام کار مهندسی با مشکلات روبرو بود و کارها به کندی پیش می رفت. فی المثل در سه راهی کارخانه نمک، حجم آتش دشمن در مقایسه با سایر محورها - بیشتر بود به گونه ای که مانع از انجام کار می شد.

اهمیت احداث پل را، اساساً بایستی در ارتباط با تأمین عقبه‌ها مورد بررسی قرار داد؛ چنانکه پس از عبور اولیه نیروها از ارونند، یکی از مهمترین مسائل در حفظ و نگهداری منطقه تصرف شده، تأمین عقبه‌ها و احداث پل بود؛ زیرا در صورتیکه پشتیبانی لازم در زمینه تجهیزات، مهمات، تخلیه و آذوقه و غیره صورت نمی‌گرفت، عملاً تثبیت پیروزیهای بدست آمده را دچار تردید می‌کرد. فشارهای اولیه دشمن - بمباران عقبه‌ها و خطوط عملیاتی و حملات پی در پی - عمدتاً بدین منظور صورت می‌گرفت که قبل از جاگیر شدن نیرو و اتخاذ تدبیر مناسب برای پل، باز پس گرفته شود. لیکن بنا به پیش بینی و طراحی منطقه تصرف شده پلهای مختلف (کوتاه مدت و دراز مدت) و نیز استقامت و تلاش پیگیر و مستمر نیروهای خودی، دشمن ناتوان و مأیوس از باز پس گیری منطقه فاو شد.

ترمیم خط خودی با از میان برداشتن رخنه‌های دشمن

نظر به اینکه دشمن بر روی جاده شنی (در گوشه جنوب شرقی دریاچه نمک) رخنه‌ای در حدود ۵ / ۱ کیلومتر ایجاد کرده بود، و این وضعیت قسمتی از خط خودی را تهدید می‌کرد، لذا در تاریخ ۸ / ۲ / ۱۳۶۵ عملیاتی به منظور تأمین جاده شنی و صاف کردن خط داخل کارخانه نمک تا سه راهی، طراحی و اجرا شد. علیرغم مشکلات موجود و باتلاقی

بودن زمین منطقه و نیز حضور دشمن در جناحین، طی تلاشهایی که صورت گرفت، در نهایت اهداف مورد نظر تأمین گردید و بدین وسیله مربعی داخل کارخانه نمک که در گذشته دشمن به داخل آن رخنه کرده بود نیز پاکسازی شد. طی این عملیات نزدیک به ۶ تیپ عراق به میزان ۸۰ تا ۹۰٪ منهدم گردید. و این اقدام در حقیقت آخرین روز درگیری جنگ ۷۸ روزه فاو بود.

ارزیابی و نتایج عملیات والفجر ۸

اشاره

حاصل آنچه در بخشهای گذشته با عناوین مختلف از جمله: «عوامل اساسی در طراحی عملیات والفجر ۸»، «شرح وقایع و رویدادها» و نیز «فاو از حضور تا تثبیت» مطرح شد، در اینجا با نگاهی گذرا و اجمالی در سه بخش: «علل موفقیت عملیات والفجر ۸»، «بررسی و ارزیابی عملیات» و «آموختنی های والفجر ۸» مورد اشاره قرار می گیرد.

علل موفقیت عملیات والفجر ۸

در هنگام طراحی عملیات والفجر ۸ و نیز همزمان با تلاشهای پس از آن، واقعیاتی رخ نمود که بتدریج نقش اساسی خود را در رابطه با پیروزیهای والفجر ۸ و نیز ضرورتهای مورد نظر جهت ادامه جنگ نشان داد. در نهایت آنچه فتح فاو را به دنبال داشت، عواملی متعدد بود که بعضا بطور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر خود را بر جای گذاشت. در این قسمت از بحث به پاره ای از این عوامل اشاره می شود:

۱- غافلگیر شدن دشمن و عدم آمادگی اش

۲- ضعف اطلاعاتی دشمن

۳- عملیات پشتیبانی از ام الرصاص، شلمچه و...

۴- اتخاذ تاکتیکهای ویژه، خصوصا هنگام عبور از رودخانه

ص: ۱۹۹

۵- موقعیت زمین منطقه- که امکان مانور مناسب را از دشمن سلب می کرد.

۶- امکان استفاده مناسب از آتش

۷- سیستم نسبتا مناسب پدافند هوایی

۸- وسعت نسبتا مناسب منطقه

(علیرغم اینکه دشمن در منطقه والفجر ۸ محدودیتهایی برای مانور زرهی و پاتک داشت، لیکن وسعت منطقه - با وجود به حجم گسترده نیروهای خودی - مشکل خاصی را در مقابل تکهای هوایی دشمن و یا اجرای آتش سنگین آنها و نیز تهاجم به دشمن ایجاد نمی کرد.)

۹- پشتیبانی بیشتر دولت و مردم نسبت به گذشته در فراهم آوردن امکانات و نیرو

۱۰- اقدامات مهندسی

۱۱- آموزش و سازماندهی نیروها

۱۲- اقدامات پیشگیرانه در مقابل تکهای شیمیایی دشمن

۱۳- استفاده مناسب از نیروی هوایی و هوانیروز

۱۴- بکارگیری سلاحهای ضد زره.

بازتاب و انعکاس عملیات در رسانه ها و مطبوعات غربی

۱- تاکتیکهای برتر ایران

جنگ در مقایسه با سه سال گذشته از ابعاد و پیچیدگیهای روز افزون برخوردار شده بود. در این روند تغییر زمین مانور از دشت و خشکی به هور و رودخانه اروند - که طبعا تاکتیکهایی ویژه را جهت

عبور، تامین عقبه‌ها و... نیاز دارد- بارزترین وجه آن بوده است. ناتوانی عراق در انطباق خود با شرایط بوجود آمده و رویارویی با تاکتیکهای برتر رزمندگان اسلام، ابتکار عمل را در اختیار قوای نظامی ایران قرار داده است، بطوریکه در شرایط کنونی، فریب و غافلگیری دشمن و به دنبال آن درهم ریختگی خطوط دفاعی عراق، از جمله مهمترین عوامل هراس و نگرانی حاکمان بغداد و غرب را تشکیل می دهد.

بر این اساس غرب در مقابل وضعیت پیش آمده با یک تناقض مواجه است. بدین معنی که از سویی عملیتهای گسترده و سرنوشت ساز جمهوری اسلامی برخلاف گذشته-، با فواصل یک ساله انجام می شود و این امر از سوی غرب نتیجه سیاست فشار - دیپلماسی و حملات مداوم و به مراکز اقتصادی ایران، تلقی می شود، لیکن در مقابل وضعیت یاد شده گذشت زمان بر پیچیدگی تحریکات نظامی گسترده ایران افزوده، چنانچه عملیتهای خیر، بدر و سپس والفجر ۸، عملاً مصداق آن بودند. در این زمینه مایکل کالیز، کارشناس آمریکایی، مسائل خلیج فارس پس از عملیات والفجر ۸ می گوید:

(عاملی که نیروهای ایرانی را در وضعیت بهتر قرار می دهد، بهبود یافتن کیفیت رزمی نیروهای مسلح در مقایسه با دو سال گذشته است. نیروهای ایران به اتکاء تجارب گذشته کار آزموده تر شده و بهبود قابل ملاحظه ای یافته اند!)

نشریه آمریکایی فارین ریپوت همین مطلب را به گونه ای دیگر بیان می کند (اشغال شبه جزیره ی فاو توسط ایران، نشان داد که در هفته های اخیر تا چه حد به کیفیتی بالاتر دست یافته است)

در نتیجه، عملیات والفجر ۸ در بطن خود حاوی تاکتیکهای ویژه

و برتر بود که از دید ناظران سیاسی و کارشناسان نظامی پوشیده نماند. در این زمینه حتی ماهر عبدالرشید فرمانده سپاه هفتم عراق اعتراف کرد که:

«ایران در عملیات جاری خود روشهای نظامی نوینی را بکار برده است و برخلاف توقع در شرایط جوی سختی که بارانهای شدیدی می بارید، با استفاده از مردان قورباغه ای و پیشقراولان رزمی حمله خود را به مواضع عراقیها آغاز کرد.» (۱).

اتخاذ تاکتیکهای نوین، بویژه عبور از اروند، تحلیلگران نظامی غرب را به تعجب واداشت - بطوریکه رادیو آمریکا اظهار داشت:

تحلیلگران نظامی غرب معتقدند که ایران برای عبور از شط العرب، نیاز به داشتن تجهیزات کافی داشته و متعجب از این موضوعند که چگونه با تجهیزات اندک توانسته اند از این آبراه عبور کرده، به مواضع عراقیها دست یابند! (۲).

به هر روی مشخصاً عملیات والفجر ۸ در ورای کینه توزیهای غرب، دارای چنان برجستگیهایی بود که رسانه های غربی و کارشناسان سیاسی - نظامی نتوانستند از آن چشم پوشند. و واقعیات را نادیده بگیرند.

اعتراف به چنین واقعیاتی که عملاً نشانگر قدرتمندی جمهوری اسلامی و ضعف و ناتوانی عراق است، حاکی از پیدایش وضعیتی جدید است که در واقع فتح فاو را به عنوان یک عامل تعیین کننده به دنبال داشته است.

ص: ۲۰۲

۱- ۴۵. ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۴ خبرگزاری جمهوری اسلامی.

۲- ۴۶. ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۴.

کمکهای گسترده غرب به رژیم صدام و حمایت همه جانبه کشورهای مرتجع منطقه از وی، عمدتاً ناشی از طرز تلقی خاصی است که نسبت به ناتوانی عراق در مهار تعرضات گسترده قوای نظامی ایران، وجود دارد. زیرا فروپاشی دیوارهای دفاعی عراق، به منزله ی مقدمه از بین رفتن ثبات سیاسی - نظامی - اقتصادی - اجتماعی عراق است و تحقق چنین امری در بطن خود تغییرات وسیعی را نهفته دارد.

در این روند، تحقق عملیات والفجر ۸، در واقع قسمت اعظم ناتوانائی و ضعفهای عدیده رژیم بغداد را به غرب نمایاند و پایانی بر امیدهای واهی دشمنان انقلاب اسلامی، مبنی بر توقف پیروزیهای ایران، بود و این تصور را که تحرکات نظامی ایران می تواند در کمند تدابیر نظامی رژیم عراق و حمایتهای همه جانبه سیاسی - اقتصادی - نظامی غرب و کشورهای مرتجع منطقه، اسیر شود درهم کوبید. علاوه بر این شکستن خطوط دفاعی عراق، تلفات و ضایعاتی را برای دشمن به همراه داشت، بطوریکه موجب از دست دادن اعتماد به نفس سربازان عراق و رعب و هراس آنها شد. قطعی بود که این امر آسیب پذیری کلیه خطوط پدافندی دشمن را، هر چند در مقابل تلاشهای محدود نظامی، بدنال خواهد داشت. نشریه لوموند در این زمینه، به روایت از سربازان عراقی که با استفاده از مرخصی به بغداد آمده بودند، نوشت:

«سربازان از وحشتی که امواج پاسداران انقلاب اسلامی، که بدون امان در زیر رگبار آتش امواج پیشروی می کنند، در دل آنها بوجود می آورد، سخن می گویند و این چنین قاطعیتی از سوی پاسداران را ستایش می کنند.»

لوموند تأکید می کند که: «ستایش این امر از سوی سربازان عراقی، مطلب تازه و جدیدی است» (۱).

۳- مخدوش شدن سیستم اطلاعاتی دشمن

اساساً، گذشته از ویژگیهای تاکتیک عبور از رودخانه، آنچه منجر به اعجاب کارشناسان سیاسی - نظامی غرب شد، غافلگیری سیستم اطلاعاتی غرب و رژیم عراق بود. در این زمینه اکونومیست طی تحلیلی می نویسد:

«اشغال جزیره ی فاو توسط ایران نشان داده است که چقدر نیروی رزمی آنها در چند هفته اخیر پیشرفت کرده است. آنها قادر بودند برتری و تفوق عراقیها را که متضمن پیش بینی حرکتهاى نظامی ایرانیان با توسل به اطلاعات و اخبار جاسوسی بدست آمده از عکسهای ماهواره ای آمریکائی بود، خنثی نمایند.

ایرانیان نشان داده اند که چگونه قادرند شگفتی برانگیزند! با تشخیص اینکه عراقیها انتظار حمله دیگری را در منطقه بصره و یا باتلاقیهای هویزه دارند، فرماندهان طریق متفاوت دیگری را برگزیده اند...

نیروهای ایران در کنار داشتن انطباق (با شرایط محیط) و نیز توانائی برای غافلگیر ساختن دشمن و آگاهی از لزوم پوشش و پنهان شدن از ماهواره های جاسوسی، قادر بوده اند خود را در مقابل آتش برتر و سنگین عراقیها حفظ نمایند» (۲).

ص: ۲۰۴

۱- ۴۷ / ۸ / ۱۳۶۵.

۲- ۴۸ / ۲۲ / ۱۳۶۴.

مهمترین مسئله ای که فرار سراسری عراق پس از فتح خرمشهر را بر نیروهای دشمن تحمیل کرد، این بود که ادامه حضور در خاک جمهوری اسلامی جز مرگ و اسارت چیزی برای آنها در پی نخواهد داشت بر این اساس رژیم عراق پس از اتخاذ دفاع صرف در زمین، دو مسئله اساسی - یعنی زمین و نیرو - را رویاروی خود داشت، که می بایست مبتنی بر آن، میزان و چگونگی مقابله با تهاجمات قوای نظامی ایران را تنظیم نماید.

دشمن سعی خود را بر این قرار داد که نیروهایش را به گونه ای بکار گیرد که تلفات اساسی متوجهش نشود و مسئله زمین را در مرحله دوم اهمیت قرار داد.

در نتیجه میان حفظ نیرو و زمین، دشمن در مقاطعی مانند عملیات خیبر و از دست دادن جزایر مجنون، حفظ زمین را بر حفظ نیرو ترجیح داد. در عملیات والفجر ۸ شرایط کلی سیاسی - نظامی جنگ به گونه ای بود که دشمن در ابتدا بر اساس باورهای گذشته اش سعی در باز پس گیری زمین داشت.

از این رو، به دلیل عدم درک موقعیت زمانی، بهای گزافی را در امر نیرو پرداخت. در این زمینه واشنگتن پست می نویسد:

«وارد آمدن تلفات سنگین ۱۰۰۰۰ کشته بر ارتش عراق و همچنین شکست سختی که بر نیروی ویژه گارد ریاست جمهوری عراق (که از قویترین نیروهای ذخیره استراتژیک عراق می باشد) وارد آمده است، موجب شده که رژیم صدام از تلاشهای خود جهت باز پس گیری فاو دست بردارد» (۱).

در نتیجه عراق به منظور حفظ نیرو، عملاً باز پس گیری فاو را، علیرغم تبعات سوء سیاسی - تبلیغاتی آن، نادیده گرفت در این رابطه

ص: ۲۰۵

روزنامه ساندی تلگراف، ضمن اشاره به تلفات وارده بر دشمن و مقاومت فرماندهان عراقی جهت باز پس گیری فاو، می نویسد:

«پیشنهاد صدام برای ادامه حمله به سربازان ایرانی مستقر در فاو و شمال این شهر، با مخالفت منطقی فرماندهان عراقی روبرو شد و به دلیل حجم وسیع تلفات عراقیها در ضد حمله ها، صدام پذیرفت که برای نابودی ایرانیها در فاو چاره ای دیگر اندیشیده شود.»

رژیم عراق برای جبران شکست خود در عملیات فاو و تبعات سیاسی آن در سطح بین المللی و پیامدهای اجتماعی آن و از همه مهمتر آسیب دیدگی روحی نیروهایش - بنا به پیشنهاد مشاورین خارجی استراتژی دفاع متحرک را برگزید که چیزی جز یأس و سرخوردگی و از هم پاشیدگی بیشتر ارتش عراق را به دنبال نداشت.

گذشته از این، وضعیت داخلی عراق و نیز کمبود نیروی انسانی آن، عملاً شرایطی را پیش آورده است که دشمن قادر به تحمل تلفات و ضایعات نیروی انسانی و همچنین حل معضلات ناشی از آن نمی باشد.

در خاتمه با نقل قسمتی از گزارش لوموند از اوضاع داخلی عراق، که پس از عملیات والفجر ۸ تهیه شده به این مبحث پایان داده می شود:

«شاهدین نادری که به ایستگاه راه آهن بغداد راه یافته اند، از قطارهای مجروحین و سالنهای مملو از پزشکان که از گستردگی کار به ستوه آمده اند، سخن می گویند. گفته می شود بین ده تا سیزده هزار عراقی در ضد حمله آن کشور کشته شده اند - که این رقم برای کشورهایی که علی القاعده باید کمبود و ضعف نیروی انسانی خود را با برتری ابزارآلات جنگی جبران کنند، بسیار بزرگ است - خون گیری اجباری در دستگاههای اداری و دولتی عراق صورت گرفته است. مجروحین جنگی شبانه به پایتخت منتقل می شوند. کامیونهای بزرگ و مجهز

به دستگاههای برودت که مملو از اجساد سربازان عراقی است، توسط نظامیان از جبهه به شهرهای عمده عراق منتقل می شوند. در هفته گذشته اجساد دویست افسر عراقی در شهر موصل به خانواده های آنها داده شده است. رژیم عراق نصب پرچم سیاهی را که مردم عراق طبق سنت پس از مرگ یکی از نزدیکان خود در مقابل درب منزلشان آویزان می کنند، ممنوع کرده است.» (۱).

آموختنی های والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ تجارب متفاوتی را در پی داشت که در این قسمت نظر به اهمیت موضوع، تنها به «ضرورت تجزیه قوای دشمن» و نیز «ضرورت پشتیبانی همه جانبه از جنگ» اشاره می شود.

۱ - ضرورت تجزیه قوای دشمن

تجزیه قوای دشمن عملاً- تضمین پیروزی عملیات را افزایش داده است و جنگ را به سمت تعیین تکلیف نهائی سوق خواهد داد. بر این اساس عملیات والفجر ۹ و حمله به جزیره ام الرصاص همزمان با عملیات والفجر ۸، در غرب و جنوب کشور طراحی و انجام شد. از آنجا که منطقه فاو برای دشمن اهمیت خاصی داشت، لذا عمده قوای خود را در آنجا متمرکز کرد و این پیش آمد فرصتی مناسب برای نیروهای خودی جهت پیشروی در منطقه عملیاتی غرب کشور (والفجر ۹) فراهم آورد.

تحلیل وضعیت مشابه به دشمن (عملیات از دو یا چند محور بطور همزمان) عملاً میزان تأثیرگذاری ابزار تکنولوژیک عراق را کاهش داده، توان ارتش این کشور را زایل می کند و در نتیجه مانع از دفاع متمرکز قوای دشمن در یک محور، خواهد شد.

لازمه تحقق چنین وضعیتی، گسترش سازمان رزم با بسیج نیرو و

ص: ۲۰۷

افزایش توان سازماندهی آنها، می باشد چنانچه هم اکنون پس از عملیات والفجر ۸ تلاش گسترده ای به منظور سازماندهی ۵۰۰ گردان رزمی و افزایش آن به ۱۰۰۰ گردان، در آینده صورت می گیرد.

۲- پشتیبانی همه جانبه از جنگ

تأکیدهای مکرر فرماندهی کل قوا مبنی بر اصلی نمودن جنگ - به معنای بسیج تمامی کشور در خدمت جنگ - و نیز ضرورت‌های اجتناب ناپذیر آن انجام این مهم را - که برآمده از ارتباط تنگاتنگ جنگ با ارگانهای گوناگون کشور می باشد - روشنتر کرده است.

در این میان آنچه در عملیات والفجر ۸ محقق شد، نشانگر ضرورت بکارگیری تمام امکانات کشور در خدمت جنگ و تأثیرگذاری فزاینده آن در کسب پیروزی بود.

طبیعتاً تحقق وضعیت یاد شده، بطور مطلوب و شایسته، در گرو ایجاد سیستم مناسب با امر جنگ و ضرورت‌های آن می باشد. در اینصورت گذشته از اینکه فاصله جبهه و پشت جبهه کاهش خواهد یافت، امکان حل برخی معضلات - که قطعاً ناشی از ناهماهنگی است - نیز میسر خواهد شد و در نتیجه در زمانی نه چندان طولانی امکان دستیابی به موفقیت‌های چشمگیر و سرنوشت ساز فراهم می آید.

ص: ۲۰۸

اشاره

بررسی هر چند اجمالی تحرکات نظامی عراق قبل از آغاز والفجر ۸ بخوبی خاطر نشان می کرد که رژیم بغداد در اندیشه تعرضاتی به برخی از مناطق، از جمله محورهای که بعدها در چهارچوب «استراتژی دفاع متحرک» مورد تهاجم قرار گرفت، بوده است، اگر چه در این میان تحقق عملیات والفجر ۸ منجر به بازدارندگی دشمن از اجرای این تعرضات شد اما انگیزه تازه ای به عراق داد تا این تلاش ها را با اهدافی جدید دنبال کند.

به عبارت دیگر وقوع عملیات والفجر ۸ تمامی ذهنیت و توان دشمن را به خود مشغول داشت. پس از فتح فاو آنچه برای دشمن حائز اهمیت بود و ارزش حیاتی داشت، باز پس گیری (فاو) و یا نهادن یک پوشش، هر چند موقت، بر روی شکستهای حاصله از نبرد والفجر ۸ بود.

از این رو دشمن در چهارچوب استراتژی دفاع متحرک مبادرت به تعرضاتی کرد تا شاید جانی دوباره به ارتش عراق، که آسیبهای عمده را متحمل شده بود، بدهد و فضایی مناسب برای حفظ روحیه ارتش و رژیم بعثی فراهم سازد.

گذشته از این، آنچه به حرکت اخیر عراق اهمیت می داد، غیر از تبلیغات رسانه های غربی، تقارن زمانی آن با کاهش تدریجی قیمت نفت بود. در واقع وضعیت یاد شده نشانه نوعی همسویی بین تلاشهای غرب و عراق به منظور دستیابی به اهداف مشخص و از قبل تعیین شده بود.

غرب بدنبال فتح فاو و درهم شکسته شدن دیواره ی دفاعی عراق و صدمات قابل توجهی که بر ارتش عراق وارد آمد و نیز تغییر موازنه به نفع جمهوری اسلامی، احساس خطر نموده، به منظور ممانعت از استمرار وضعیت یاد شده و گسترش احتمالی پیروزیهای ایران، با اتخاذ تدبیری مناسب عملاً فشار جدید را در دو میدان جنگ و اقتصاد، با هدف به استیصال کشاندن جمهوری اسلامی در دستور کار خود و رژیم عراق قرار داد. در این زمینه دو تن از فرماندهان عراقی به نامهای سرتیپ ملکی و عبید طی مصاحبه ای اعلام داشتند که:

«استراتژی دفاع متحرک عراق موجب بدست گرفتن کنترل بیشتر در برخی پستهای ایرانی در جبهه هاست - که به نوبه خود این شانس را بوجود خواهد آورد که یک صلح اجباری در منطقه ایجاد شود.»

فشارهای همه جانبه دشمن در آن مقطع خاص - که بطور هماهنگ و در ابعاد گوناگون انجام می گرفت - عمدتاً به منظور تحت الشعاع قرار دادن فتح فاو و ممانعت از تداوم برتری موقعیت ایران بود. در این میان رهبری انقلاب در اوج پیروزیهای حاصله از فتح فاو و قبل از تهاجمات زمینی دشمن، اقدام به بسیج همگانی مردم (۱) نمود. از آنجا که پیش بینی می شد دشمن در مقابل شکست دهشتناکی که بر او تحمیل

ص: ۲۱۰

۱- ۵۱. امام در روز سیزده رجب طی بیاناتی فرمودند: امروز بر همه واجب است که دفاع کنیم، هر کس می تواند باید به جبهه برود.

شده آرام نخواهد نشست، این اقدام فرماندهی کل قوا که در آن هنگام برای بسیاری از افراد غیره منتظره بود - در واقع مقدمات پیشگیریهایی لازم را در آینده ای نه چندان دور فراهم ساخت. لذا هنگامی که دشمن اجرای سیاست دفاع متحرک را آغاز کرده، آمادگیهای قبلی اعم از حرکت وسیع نیروی مردمی و تهیه امکانات نقشی مؤثر در وارد ساختن ضربات اساسی - بر پیکر ارتش و رژیم عراق - داشت.

مقاومت مناسب و تحمیل تلفات انبوه بر دشمن

تحلیل و برداشت دشمن از اهمیت تصرف فاو برای جمهوری اسلامی و نیز مدت زمان لازم برای بازسازی یگانهای خودی و بالطبع طراحی عملیات والفجر ۸ از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عناصر و عواملی تعیین کننده در اتخاذ استراتژی دفاع متحرک از جانب دشمن محسوب می شدند.

طبیعتاً رویارویی مناسب با دشمن و بر هم زدن تحلیل و برداشتهای آنان، گامی مهم و اساسی در به شکست کشاندن استراتژی جدید عراق تلقی می شد.

چنانچه ذکر شد، محاسبات دشمن نسبت به مدت زمان لازم برای بازسازی سازمان رزم جمهوری اسلامی عاملی مؤثر در تصمیم گیریهای اخیر دشمن بوده است.

در اینصورت طبیعی بنظر می رسد که هر گونه سرعت عمل در رویارویی با دشمن و انجام اقدامات ممانعتی، عملاً منجر به توقف آنها گردد.

گذشته از این، میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و همچنین مقدار بهائی که باید از نظر نظامی (تلفات) برای آن پرداخت

شود، محدوده‌ی زمانی تعرضات دشمن را تعیین می‌نمود.

بر این اساس، دشمن که با تدبیر جدید خود در نظر داشت نسبت به طراحی عملیات والفجر ۸ تأخیر ایجاد نماید، به یک معنا حفظ نیروهایش را مورد نظر قرار داده بود. از آنجا که هر گونه تهاجم از سوی قوای نظامی ایران در واقع به منزله تحمیل تلفات و ضایعات توان فرسا بر دشمن است، لذا عراق به منظور اجتناب از آسیب‌پذیری و تقویت روحیه نیروهایش مبادرت به تهاجمات یاد شده نمود. در نتیجه اگر سرانجام کار و ابعاد و جوانب آن بطور همه‌جانبه برای دشمن روشن بود، قطعاً دست به چنین اقدامی نمی‌زد.

علاوه بر این، ملاکها و پارامترهای دیگری وجود دارد که ناتوانی و شکست استراتژی دفاع متحرک را یادآور می‌شود.

۱- با گذشت زمان و بازیابی موقعیت جدید از سوی جمهوری اسلامی - و اتخاذ تدبیر مناسب - توأم با انطباق با شرایط جدید، صحنه‌ی جنگ عملاً به نفع جمهوری اسلامی چرخش نموده، در نتیجه آزادسازی شهر مهران را در پی داشت.

۲ - تلفات و خسارات وارده به ارتش عراق، برخلاف تصور طراحان دفاع استراتژیک، عملاً وضعیتی آشفته و نابسامان میان قوای نظامی دشمن ایجاد نمود.

اهداف عراق از اتخاذ «استراتژی دفاع متحرک»

تحرکات نظامی عراق طبعاً از اهداف متفاوت سیاسی - نظامی برخوردار بود، که در اینجا عمدتاً اهداف نظامی آن (۱) مورد نظر است.

ص: ۲۱۲

۱- ۵۲. در جای دیگر توضیحات لازم در زمینه اهداف سیاسی عراق داده خواهد شد.

۱- فروپاشی مواضع دفاعی عراق در فوا اثرات و تبعات سوء و نامطلوبی را در نیروهای دشمن ایجاد کرد که بی اعتمادی نسبت به خود و فرماندهی و تضعیف شدید روحیه از نموده‌های این تبعات بود. از این رو هدف اول رژیم عراق حل کردن پیامدهای روانی ناشی از تلفات بسیار سنگین نیروهای خود و انعکاس آن در جهان بود.

۲- دشمن پس از والفجر ۸ توان رویارویی با تهاجم گسترده و جدید را نداشت؛ از این رو سعی کرد با تحرکات نظامی خود، نیروهای جمهوری اسلامی را به تجزیه و انفصال بکشاند تا از زمان بدست آمده، فرصت بازسازی و سازماندهی نیروها و نیز ترمیم مواضع را داشته باشد.

۳- دشمن سعی داشت با تهدید مناطق حساس، عملاً ذهنیت جمهوری اسلامی را بدانجا معطوف داشته، بخشی از نیروهای ما را از فوا بیرون بکشد تا بدین وسیله مجدداً به تلاشی جدید در فوا در صورت امکان دست بزنند.

۴- تسلط بر مناطق حساس و سرکوب مرزی با عملیاتهای انجام شده از سوی جمهوری اسلامی، در طول چند سال گذشته، از کنترل ارتش عراق خارج شده بود. دشمن بدین وسیله عملاً امکان گسترش سر پلهای پیروزی در مناطق مورد نظر برای ایران را منتفی می کرد. بر مبنای اهداف یاد شده، دشمن طی مدت زمانی کوتاه مناطق زیر را مورد تهاجم و تعرض قرار داد:

۱- منطقه عملیاتی والفجر ۹ - در تاریخ ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴

۲- ارتفاعات دربندیخان - در تاریخ ۱۶ / ۱ / ۱۳۶۵

ص: ۲۱۳

۳- ارتفاعات سومار - در تاریخ ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵

۴- ارتفاعات منطقه لولان - در تاریخ ۵ / ۲ / ۱۳۶۵

۵- منطقه ی فکه (بیچ انگیزه، شرهانی، بجلیه) - در تاریخ ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵

۶- ارتفاعات حاج عمران - در تاریخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵

۷- مهران - در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵

در این میان سازمان رزم عراق و نحوه ی بکارگیری عشایر، در خور تأمل است. از آنجا که یکی از اهداف رژیم عراق احیای روحیه نبرد در نیروهای خود و بالطبع زدودن آثار ناشی از شکست عملیات فاو بود، لذا در تدبیر جدید خود تقریباً تمامی سازمان رزم خود را فعال کرد و از آنها بهره برداری نمود، چنانکه صدام در تاریخ ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۵، طی ملاقاتی با برخی از سران عشایر کرد عراقی مبلغ ۶۰ میلیون دلار در اختیار آنان قرار داد تا حاج عمران و بعضی از مناطق را باز پس گیرند.

بکارگیری عشایر، آنهم بصورت ادغامی، نشان دهنده آن بود که دشمن بدین وسیله - با توجه به توانائی عشایر در جنگ کوهستانی و نیز آشنایی آنها به مناطق مورد نظر - کمبود نیروهای خود را جبران کرده است.

ناتوانی عراق در استراتژی جدید

موفقیت یا شکست استراتژی جدید عراق را باید در مقایسه با اهداف آن و میزان تبلیغات انجام شده از سوی رژیم بغداد و استکبار جهانی بررسی کرد، نه صرفاً در مقدار زمینی که دشمن پس از تحمل تلفات چشمگیر توانست برای اندک زمانی به تصرف خود درآورد. (۱) قطعاً

ص: ۲۱۴

۱- ۵۳. چنانکه در آغاز جنگ، علیرغم حضور نیروهای دشمن در خاک جمهوری اسلامی و تسلط بر مواضع اشغال شده، صاحب نظران سیاسی - نظامی، عراق را در جنگ ناکام می دانستند. این قضاوت براساس اهداف عراق و مدت زمانی که برای دستیابی به آن (۷ روز) تعیین کرده بود، انجام می گرفت، نه متصرفات ارضی.

اگر عراق در موضع عملیات تهاجمی در زمین قادر به اثبات توانائیهای خود و نمایاندن آن به غرب و متحدینش در منطقه بود، در همان اوایل جنگ می توانست نسبت به ادامه جنگ و آینده آن نقش اساسی بازی کند. لیکن ضعفهای عمده عراق در زمینه های مختلف عملاً نشان داده است که عراق نه تنها در موضع تهاجم، بلکه در دفاع مطلق نیز موفق نبود و با گذشت زمان به سمت فرسایش و اضمحلال پیش می رود.

بر این اساس استکبار جهانی سعی کرد با تسلیح فوق العاده رژیم صدام، جنگ را به زیان ایران تبدیل به جنگ فرسایشی کند اما با وجود این، سیر جنگ به ویژه پیروزی فاو و به دنبال آن شکست استراتژی دفاع متحرک عراق، نشان داد که زمان به نفع جمهوری اسلامی در حرکت است.

اینک استکبار جهانی درک کرده است که هر نوع تعللی در اتخاذ تصمیم مناسب خطر درهم فروپاشی نظام عراق و در نتیجه، تفوق نظامی ایران را در جنگ، به دنبال خواهد داشت.

نگرشی اجمالی بر سلسله تعرضات نظامی دشمن

ناکامی تحقق کامل استراتژی دفاع متحرک، برآمده از نحوه ی عملکرد دشمن - ضعف و ناتوانی - و نیز چگونگی مقابله با آن از سوی قوای نظامی ایران، می باشد. در اینجا سعی بر این است که به نحوی گذرا به آن اشاره شود.

عملیات والفجر ۹ در تاریخ ۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴ در چهار محور آغاز شد. عملیات مزبور در آن مقطع خاص زمانی عمدتاً به منظور تجزیه قوای دشمن انجام شد؛ بدین معنا که با پیشروی قوای نظامی جمهوری اسلامی به سمت استان سلیمانیه عراق، فشار دشمن در منطقه فاو کاهش یابد.

دشمن با درک این مهم والفجر ۹ را قربانی فاو و باز پس گیری آن نمود. از این رو فرمانده سپاه هفتم اظهار داشت: «تصرفاتی که ممکن است ایران در شمال بدست آورد، اهمیت استراتژیک ندارد. اگر ایرانیها فکر می کنند که پیشروی آنها در شمال از دشواری آنها در فاو خواهد کاست، اشتباه می کنند.» (۱).

سپاه پاسداران طی طراحی عملیات والفجر ۹ و انجام آن در سه مرحله پی در پی توانست ارتفاعات حساس و سوق الجیشی مشرف بر منطقه سلیمانیه را آزاد نموده و شهر چوارته عراق و چندین پل مهم و استراتژیک در مرکز استان سلیمانیه را در دید و تیررس تیر نیروهای خودی قرار دهد.

پس از آن یگانهای تحت امر سپاه پاسداران، منطقه مزبور را به نیروی زمینی ارتش تحویل داد و به منظور بازسازی و کسب آمادگی جهت انجام عملیات در سایر مناطق، به عقب منتقل شدند.

در این میان دشمن پس از ناامیدی از باز پس گیری فاو، اولین فلش تهاجم خود را در تاریخ ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴ بر روی منطقه عملیاتی والفجر ۹ متمرکز نمود و در تاریخ ۸ / ۱ / ۱۳۶۵ ادامه آن - یعنی منطقه والفجر ۴ - را شروع کرد. دشمن در این عملیات ۱۵ گردان پیاده بکار گرفت و قسمتی از ارتفاعات منطقه را به تصرف خود درآورد.

ص: ۲۱۶

دشمن در تاریخ ۱۳۶۵ / ۱ / ۱۶ در سه محور «یال بیاروک» «برددکان» و «شاخ شمیران» با مسئولیت سپاه یکم و بکارگیری ۱۰ گردان پیاده که گردانهای کماندوئی منطقه خود بودند، درگیری را آغاز کرد.

در یال بیاروک، دشمن با استفاده از آتش تهیه و نیز دور زدن نیروها، توانست مناطقی را به تصرف خود درآورد. پس از آن نیروهای خودی دست به پاتک زدند که در نتیجه آن قسمتی از مناطق تصرف شده آزاد و چند تن از نیروهای عراقی، از جمله یک افسر، به اسارت درآمدند.

در محور شاخ شمیران، نظر به اینکه نیروهای اندکی در مواضع وجود داشتند، لذا دشمن پس از مدتی مقاومت که صورت گرفت، توانست ارتفاع مزبور را به تصرف خود درآورد.

نحوه ی مانور دشمن در محورهای یاد شده بدین شکل بود که با استفاده از تک رخنه ای در طی روز اول توانست در جناحین خطوط پدافندی خودی نفوذ کرده، اقدام به گسترش خود در این مناطق بنماید و جا پای مناسبی را بدست آورد. بعد از آن با حضوری که بر روی یال بیاروک قله بردکان و شاخ شمیران داشت، از دو سو به محور شاخ شمیران و بردکان فشار آورد و این محور را اشغال کرد و بدین وسیله توانست جاده تدارکاتی خود را به خطوط اول جدید متصل نموده، نیز خط پدافندی جدیدی را در امتداد بردکان به تنگه کرگمل ایجاد کند.

همچنین تک دشمن به «پشت قلعه» و تصرف آنجا موجب شد ارتباط «کی بره» و «شاخ سورمر» قطع شود و بعد از آن، با فشاری که توسط دشمن از سمت ساحل دریاچه دربندیخان وارد شد و نیز دور خوردن جناح چپ، ارتفاع «شاخ سورمر» به تصرف دشمن درآمد.

دشمن در این تهاجم تلفات سنگینی را متحمل شد، بطوریکه ۸۰٪ از گردانهای «الکفایه» و «فلسطین» که جمعا شامل حدود ۷۰۰ نفر می شد، منهدم گردید.

۳ - تهاجم به ارتفاعات سومار (۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵)

وجود رشته ارتفاعات نسبتا مرتفع «گیسکه» و «کهنه ریک» در منطقه سومار و مندلی، از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بود؛ بدین معنی که نزدیکترین راه به بغداد محسوب می شد ضمن اینکه تسلط بر ارتفاعات مزبور، منجر به اشراف کامل بر شهر مندلی عراق می شد.

به همین جهت در تاریخ ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵ در حالیکه باران به شدت می بارید، دشمن تک خود را در محور کهنه ریک از سمت تپه های اسماعیل خان آغاز کرد.

بارانی بودن هوا امکان تک دشمن را نامحتمل می نمود، لیکن برخلاف انتظار، دشمن تلاش خود را آغاز کرد، در ابتدا مبادرت به قطع ارتباط تپه ۳۳۵ با دیگر تپه ها نمود و سپس تپه ۳۴۶ و ۳۴۵ را به تصرف خود در آورد.

در ساعت ۴۰ / ۲۲ دقیقه همان روز دشمن با ریختن آتش بر روی جبل کهنه ریک، از محل استقرار اورژانس نیروهای خودی تا رودخانه کنگیر، توانست قلعه جوق را تصرف کند. به دنبال وضعیت یاد شده، نیروهای سپاه پاسداران جهت ممانعت از پیشروی بیشتر دشمن، در تاریخ ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۵، به منطقه اعزام شد و طی اتخاذ تصمیمی در قرارگاه مشترک با نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی آماده تهاجم شدند. در نتیجه در تاریخ ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۵ نیروهای خودی با نیروهای دشمن که به استعداد یک گروهان کماندو و یک گروهان پیاده از گردان ۱

ص: ۲۱۸

تیپ ۶۰۶ بودند، رویارو شدند.

با اجرای آتش مناسب و فعالیت چشمگیر تیربارها، تک دشمن متوقف و تلفاتی بر آنها وارد شد.

دشمن بر اثر این حرکت مجبور شد سه تپه ای را که در محور کهنه ریک تصرف کرده بود و نیز ارتفاع ۴۰۲ را تخلیه و عقب نشینی نماید.

مجموعاً دشمن طی ۴ روز درگیری در این محور توانست تپه های اسماعیل خان، تپه اورژانس و یال قلعه جوق بسمت میان تنگ و پاسگاه دوله شریف را به تصرف خود درآورد؛ لیکن به دلیل مقاومت نیروهای خودی، از ادامه تک بازماند و از تصرف ارتفاع ۴۰۲ و کهنه ریک ناامید شد.

تک دشمن به محور گیسکه

دشمن پس از ناکامی در محور کهنه ریک، در تاریخ ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۵، به دنبال اجرای آتش بر روی رودخانه گیسکه، تهاجم را با استعداد ۲ گردان و یک گروهان از گردان ۳ از تیپ ۴۶ مکانیزه، آغاز کرد.

صبح همان روز تعدادی از نیروهای خودی جهت مقاومت در مقابل دشمن، که هنوز کاملاً بر روی ارتفاعات تسلط نیافته بود، حرکت کردند، لیکن علیرغم رشادتهائی که نشان داده شد، امکان پاکسازی کامل دشمن فراهم نیامد.

قابل ذکر است که منطقه سومار تحت مسئولیت سپاه دوم عراق بوده و در تهاجم دشمن مجموعاً نزدیک به ۱۵ گردان پیاده - مکانیزه بکار گرفته شد.

ص: ۲۱۹

۴ - تهاجم به ارتفاعات منطقه لولان (۵ / ۲ / ۱۳۶۵)

سپاه پنجم عراق در تاریخ ۳ / ۲ / ۱۳۶۵ در منطقه سید کان طی چند مرحله و با بکارگیری ۵ گردان پیاده و مشارکت نیروهای ضد انقلاب، پس از انجام تک سنگین بر روی ارتفاعات لولان، در ۱۵ کیلومتری خاک عراق توانست این منطقه را به تصرف خود درآورد.

۵ - تهاجم به منطقه فکه پیچ انگیزه، شرهانی، بجلیه (۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵)

دشمن مدتها - حتی قبل از انجام عملیات والفجر ۸ - به تقویت سراسری منطقه در محورهای فکه، شرهانی و زبیدات مبادرت می ورزید. از جمله اقدامات دشمن افزایش موضع توپخانه، تجمع بیش از حد نیرو و تانک و همچنین ورود یگانهای جدید بود.

چنین بنظر می رسید که تحرکات دشمن در منطقه فکه، اجرای طرح فریب برای محور شرهانی است تا بدین وسیله بتواند جبال حمزین را که در عملیات محرم به تصرف نیروهای خودی در آمد، دور زده، آنجا را اشغال نماید. چنانکه فرمانده سپاه چهارم عراق، طی جلسه ای با فرماندهان لشکرها در قرارگاه لشکر ۱ در فکه، تصرف جبال حمزین را به عنوان دستور کار سپاه چهارم ابلاغ کرده بود.

نظر به اینکه جبال حمزین در خط الرأس جغرافیائی قرار دارد، تسلط بر روی آن دید و تیر مناسبی را فراهم می سازد. بر این اساس چنانچه دشمن بر روی آن استقرار می یافت، می توانست منطقه عین خوش تا دهلران را زیر دید و تیر مستقیم خود قرار دهد، در حالی که اکنون نیروهای خودی با استقرار بر روی آن، بر قسمتی از خاک عراق اشراف و تسلط کامل داشته اند علاوه بر این وجود یک حوزه نفتی بر روی

ارتفاعات و نیز مرز مشترک ایران و عراق بر اهمیت سیاسی - نظامی منطقه می افزاید.

بر این اساس ارتفاعات جبال حمزین مورد نظر رژیم بعثی بود. از این رو نیروهای عراقی - طی تلاشهایی که انجام دادند - در نظر داشتند ارتفاعات چم سری و چم هندی را بگیرند؛ به این صورت که هفت تیپ در مرحله ی اول، تا چم سری را تأمین کنند، و سپس لشکر ۱۰ عبور کرده بر روی ارتفاعات جبال حمزین مستقر گردد.

بدین ترتیب در تاریخ ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵ پس از یک روز سکوت رادیویی (بی سیم) دشمن، نیروهای عراقی، به استعداد ۲ لشکر پیاده مکانیزه و زرهی با پشتیبانی آتش توپخانه در محور فکه، تعرض خود را به مواضع پدافندی نیروهای خودی آغاز کرد.

بدنبال این حمله، یکی از یگانهای ورزیده سپاه در مدتی کوتاه پس از کسب اطلاع از وضعیت موجود، در بعد از ظهر روز ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵ - به منظور مقابله با تهاجم دشمن - عازم منطقه شدند.

تدبیر تهاجم به دشمن بر این اساس بود که قبل از جایگزین شدن نیروهای عراقی، حمله صورت گیرد. بدین قرار نیروهای یگان یاد شده در ۶ محور سازماندهی شده، با هدف باز پس گیری خط مقدم، به دشمن حمله ور شدند و بلافاصله توانستند در مواضع نیروهای عراقی رخنه کنند.

از آنجا که غافلگیری رعایت شده بود و سرعت عمل نیز با آن همراه گردید، مواجهه با حرکت یاد شده برای دشمن غیر منتظره تلقی می شد.

کثرت نیروهای دشمن در منطقه عملیاتی چشمگیر بود، بطوریکه نیروها با کمبود مهمات مواجه شده، در ادامه کار از مهمات غنیمتی دشمن بر علیه خودشان استفاده می کردند.

پس از عملیات، از منابع مختلف و اسرا کسب اطلاع شد که در منطقه فوق، مجموعاً ۶ تیپ از نیروهای دشمن مستقر بوده، که ۳ تیپ آن نیروهای مستقر در خطر بوده اند. در همان شب ۳ تیپ دیگر به منظور تعویض خط وارد منطقه شده بودند. در این فاصله نیروهای خودی به دشمن مجال نداده، تنها با استعداد یک تیپ به مصاف ۶ تیپ آنها می روند.

تا حوالی صبح اکثر گردانها توانستند خود را به خاکریزهای دشمن برسانند، لیکن به دلیل تجمع بیش از اندازه نیروهای دشمن، الحاق جناحین در تمامی محورها صورت نگرفت و بدین ترتیب در حوالی ۴ صبح، قبل از روشن شدن هوا، نیروها جهت سازماندهی مجدد از ادامه تک و استقرار در مواضع تصرف شده خودداری کردند.

در این تهاجم مجموعاً بیش از ۷۶ تانک و ۱۰۰ دستگاه نفربر و ۱۲ دستگاه خودرو و ۱۵۵ قبضه خمپاره و تیربار دشمن منهدم شده، تعداد کثیری از مزدوران بعثی کشته و زخمی شدند.

تعرض دشمن به بجلیه

براساس دریافت و استنباطی که نسبت به ادامه تک دشمن در منطقه عمومی فکه وجود داشت، چنین تدبیر شد که ۲ یگان از نیروهای سپاه، به عنوان احتیاط و تقویت نیروهای پدافند کننده ی ارتش، در منطقه حضور داشته باشند.

دشمن یک روز پس از تک اصلی خود در (۱۸ / ۲ / ۱۳۶۵)، به وسیله تک تیپ زرهی در محور فکه تظاهر به تک نمود و سپس در تاریخ ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵ تک اصلی خود را در بجلیه آغاز کرد.

در مقابل تهاجم دشمن، مقاومت‌هایی بصورت جسته و گریخته از سوی نیروهای مستقر در خط صورت گرفت، تا اینکه ۲ یگان احتیاط

ص: ۲۲۲

منطقه جهت سد کردن راه تهاجم دشمن و درهم کوبیدن آن، از دو محور از طریق پل چم هندی و چم سری وارد منطقه شدند.

علیرغم محدودیت زمان و وضعیت خاصی که بر منطقه و نیروها حاکم شده بود، یگانهای مزبور به دشمن زده، در مجموع آنها را بیش از ۲ کیلومتر عقب زدند و ضمن دور زدن دشمن از رودخانه دویرج، موفق به الحاق شده، بدین وسیله از پیشروی دشمن ممانعت بعمل آوردند.

از طریق اطلاعات واصله از دشمن و اظهارات اسرا، معلوم شد که پیش آمدن وضعیت فوق و مقاومت نیروهای خودی و در نتیجه، عقب راندن دشمن از سوی مزدوران بعثی نامحتمل تلقی می شده است.

در هر حال، دشمن پس از این واقعه، نیروهای مختلفی را وارد منطقه کرد تا شاید با تقویت آنها اهداف مورد نظر خود را تأمین نماید؛ لیکن با آسیب پذیری آنها، عملاً- مجبور به تعویض و انتقالشان به عقب جبهه می شد - چنانکه در این میان یگانهای زیر، به منظور بازسازی از منطقه خارج شدند.

- تیپهای ۴۳۷، ۸۰۵، ۶۰، ۵۱ و ۹۵

- تیپ ۱ گارد جمهوری و تیپ ۲ حطین و تیپ ۴ ویژه و لشکر ۱۰ و لشکر ۱ و تیپ ۹۱ و ۶۲ پیاده

- در مجموع ۱۱ تیپ و ۲ لشکر پیاده، مکانیزه، زرهی در طول ۱۰ روز اول عملیات به منطقه آمدند و با نیروهای خودی درگیر شدند.

آمار فوق و موفقیت اندک دشمن، بخوبی فقدان روحیه نیروهای عراقی را در موضع آفندی و یا آنچه را که بغداد دفاع متحرکش نماید، خاطر نشان می سازد.

در هر صورت، طبق آنچه که بعدها از اظهارات اسرا و شواهد و

ص: ۲۲۳

قرائن موجود بدست آمده، دشمن قصد داشته است ضمن گرفتن جناح از نیروهای خودی در محور فکه، عملیات اصلی خود را در محور بجلیه شروع کرده، با تصرف پل های چم سری و چم هندی ادامه تک داده، ضمن تصرف سه راهی شرهانی از طریق جاده نهر عنبر سلسله جبال حمیرین را دور زده، در نهایت به رودخانه میمه جناح دهد.

با این حساب، کلیه ارتفاعات سرکوب منطقه را از قبیل ۲۹۰ و ۴۰۰ و ۱۷۵ - که تماما بر جاده آسفالت مهران - دهلران دید دارند - تصرف می کرد و تقریبا ۲ لشکر از نیروی زمینی ارتش در محاصره قرار می گرفتند. در نتیجه کل منطقه ای که طی عملیات محرم آزاد شد مجددا در اختیار دشمن قرار می گرفت.

۶ - تهاجم به ارتفاعات حاج عمران (۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵)

منطقه حاج عمران، واقع در خاک عراق و شمال پیرانشهر است و از نظر نظامی، دشمن استحکامات قابل توجهی را بر روی آن ایجاد کرده بود. لیکن علیرغم وضعیت یاد شده، طی انجام عملیات والفجر ۲، پادگان حاجی عمران و ارتفاعات کدو، گرده مند و گرده کو به تصرف نیروهای خودی درآمد.

نظر به اهمیت منطقه، دشمن در چارچوب تدبیر جدید خود، با ابتکار عمل در بکارگیری عشایر ضد انقلاب، تلاش جدید را برای باز پس گیری منطقه سازماندهی نمود.

مدتی قبل از تعرض دشمن به حاجی عمران، شواهد و قرائن گوناگونی دال بر تقویت نیرو نمایان بود؛ چنانکه ۱۰ روز قبل، ۸۰ فروند هلی کوپتر دشمن در فرودگاه دیانا مستقر شد و ۱۰۰ قبضه توپ، علاوه بر توپهای موجود در منطقه، به منطقه وارد شد. همچنین اخبار بدست آمده

ص: ۲۲۴

حاکمی از حضور بیش از ۴ تا ۸ هزار جاش (مزدور) در منطقه بود.

بدین قرار قطعی بنظر می رسید که عراق پس از منطقه لولان، در منطقه حاجی عمران عملیاتی را سامان بخشد. بدین منظور، با ورود چند یگان از سپاه به منطقه، اقدامات پیشگیرانه صورت گرفت.

دشمن از نخستین ساعات بامداد روز چهارشنبه مورخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵ پس از اجرای آتش تهیه سنگینی بر روی ارتفاعات شهید صدر، تپه شهداء، ۲۵۱۹، کدو و سرسول، تک خود را شروع کرد. استقامت نیروهای پدافند کننده نیروهای زمینی ارتش و یگانهای تقویت کننده سپاهی در این منطقه چشمگیر بود، بطوریکه در ساعات اولیه درگیری موفق شدند رخنه دشمن بر ارتفاعات ۲۵۱۹ و شهید صدر را کنترل کرده، به ترمیم آن پردازند.

فلش حرکت اصلی دشمن در این محور ایجاد رخنه در محور چپ و تسلط بر ارتفاعات کدو و سرسول بود و عملیات از طریق شیار «انه» طراحی شده بود.

علیرغم اینکه دشمن از هلی برد به منظور انتقال نیرو و پشتیبانی بهره می جست، لیکن مقاومتی که انجام می گرفت مانع از پیشروی آنها و دست یازیدن بر اهداف از قبل تعیین شده بود. در واقع، دشمن نیروهای خود را به دست وارد دهلیز مرگ کرده بود. یکی از برادران سپاهی در این زمینه می گوید:

«بچه های تیپ... که بر روی ارتفاع ۲۵۱۹ بودند، وقتی وارد عمل شدند، الحاق دشمن صورت نگرفت و حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و ما به چشم خود می دیدیم که می آمدند و اسیر می شدند و تعداد زیادی از آنها کشته شدند؛ یعنی آن نیروی اولی که عراق شب وارد عمل کرده بود، همه تارومار شدند و کلا از بین رفتند و نیروی دیگری به جای آنها وارد منطقه شد.»

ص: ۲۲۵

وضعیت خاص زمین منطقه و فقدان جاده تدارکاتی بر روی ارتفاعات شهید صدر و ۲۵۱۹، دشمن را بر این واداشت که بهره گیری بیشتر از هلی کوپتر بنماید. به دنبال آن، تا ۷ صبح روز اول عملیات، آمار هلی کوپترهای ساقط شده دشمن به ۶ فروند رسید و تا ساعت ۱۵ همانروز به ۸ فروند و در روز پنج شنبه ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۵ مجموعاً به ۹ فروند، افزایش یافت.

۲ روز پس از تهاجم دشمن، در تاریخ ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۵، از سوی نیروهای خودی طی یک سازماندهی تعجیلی و هماهنگی برادران ارتش و سپاه، تهاجمی بر روی ارتفاع شهید صدر به دشمن صورت گرفت و به دنبال آن، منطقه مزبور از وجود نیروهای عراقی پاکسازی شد.

در تاریخ ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۵ نیز مجدداً از سوی نیروهای خودی تلاش جدیدی بر روی ارتفاع ۲۵۱۹ بعمل آمد، بدین صورت که عملیات از دو محور آغاز شد و با پیشروی قابل توجه نیرو از سمت چپ و راست توأم بود. چنانچه در محور چپ ۴۰ نفر و از محور راست ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. تلفات وارده بر دشمن نیز قابل توجه بود. علاوه بر این فرمانده تیپ ۴۳۳ پیاده از لشکر ۲۳ عراق بنام سرهنگ عبدالرزاق بهلاکت رسید و این امر نقش بسزایی در به اسارت درآمدن نیروهای دشمن داشت.

دشمن پس از چند روز مجدداً در تاریخ ۱ / ۳ / ۱۳۶۵، طی تلاشی، موفق به ایجاد رخنه بر روی تپه شهداء شد؛ لیکن نیروهای سپاه و ارتش بطور مشترک بعد از ۹ روز مقاومت و تلاش موفق شدند نیروهای عراقی را پس زده، تپه شهداء را بطور کامل پاکسازی نمایند.

در تاریخ ۲ / ۳ / ۱۳۶۵ از سوی نیروهای خودی مانوری به منظور آزادسازی ارتفاع شهید صدر (۲۴۳۵) طراحی شد و به دنبال آن، در ساعت

۲ بامداد روز جمعه، عملیات آغاز شد. یک ساعت و نیم پس از آغاز تکه، تمامی مواضع دشمن سقوط کرد و بدین ترتیب، ارتفاع شهید صدر آزاد گردید. در این عملیات ۸۰۰ تن از قوای دشمن کشته و زخمی شدند و ۳۴ نفر به اسارت درآمدند - که در میان آنها ۸ نفر درجه دار و افسر مشاهده می شد.

مسئله قابل توجه در این عملیات و نیز تهاجم دشمن به منطقه فکه، تلفاتی بود که بر نیروهای عراقی وارد آمد. جانشین فرماندهی نیروی زمینی سپاه در این زمینه می گوید:

«در طول این عملیاتی که من خودم بررسی کرده ام، از منطقه فکه گرفته تا منطقه پیچ انگیزه و تا مهران، به عقیده ی من بیشترین تلفات دشمن در منطقه حاج عمران بوده و این در زمینه پرسنل، امکانات و تجهیزات بی سابقه است.» فرماندهی وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی نیز می گوید:

«در حاج عمران نیروها با تمام تلاش و فداکاری جلوی دشمن را گرفتند و حداکثر تلفات را بر آنها وارد ساختند، که شاید در هیچکدام از این تکههای محدود و حتی غیر محدود تا این سطح به دشمن وارد نیامده بود.»

در ضمن قابل ذکر است که تهاجم دشمن به حاج عمران، تحت مسئولیت سپاه پنجم و با ۲۶ گد پیاده انجام گرفت و در نتیجه حدود ۳۰۰۰ نفر تلفات برای دشمن در پی داشت.

۷ - تهاجم به مهران (۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵)

سپاه دوم عراق در منطقه مهران وارد عمل شد. دشمن برای این منطقه سرمایه گذاری نسبتاً سنگینی کرد؛ بدین معنا که لشکر ۱۷ با ۳ تیپ زرهی به همراه حدود ۵ تیپ پیاده و از چند محور وارد عمل شدند.

ص: ۲۲۷

عراق با بکارگیری ۲۶ گردان مختلط توانست پس از اجرای آتش تهیه سنگین هجوم خود را با تصرف ارتفاعات ۳۰۷، تپه رحمان و پاسگاه آبریزی آغاز کند و سپس موفق به قطع جاده دهلران - مهران شد و بدین وسیله شهر را در کنترل خود گرفت.

پس از اشغال شهر مهران، رادیو عراق طی قرائت اطلاعیه ای به توضیح و تشریح علت تغییر سیاست ارتش عراق از پدافند به آفند و پدافند از مناطق حساس پرداخته، اظهار می دارد:

«ایران از عقب نشینی عراق به مرزهای بین المللی و سیاست پدافندی سوءاستفاده کرده است. تصرف فاو توسط ایران به دنیا نشان داد که ایران دنبال کشورگشایی است. اکنون سپاههای مختلف عراق عملیات دارند. و این در حالی است که تنها سپاه هفتم جلوی ایران را گرفته است!

عراق اقدام به تصرف مهران نمود که ایران فکر نکند ما ضعیف هستیم! ما اعلام می کنیم در همین حال، حاضر به عقب نشینی از مهران هستیم، در صورتیکه:

۱ - عقب نشینی ایران و عراق به مرزهای بین المللی و عدم دخالت در مسایل داخلی یکدیگر صورت گیرد.

۲ - عقب نشینی ایران از فاو در مقابل عقب نشینی عراق از مهران خواهد بود و الا- شهر مهران را در اشغال خود نگه می داریم.»

در ضمن دشمن در شب ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ طی نمایش فیلمی در تلویزیون بغداد، صحنه هایی را نشان می دهد. که در آن شهر مهران در اشغال سربازان عراقی است و تعدادی از آنها در حالیکه پرچم این کشور را در دست دارند، شادی کنان می دوند و بر بالای پشت بام رفته، پرچمها را تکان داده، دستها را به علامت پیروزی بلند می کنند.

همچنین دشمن، غنایم مختصری را که بدست آورده بود و نیز تعدادی قلیل از اسرا را به اشکال مختلف (سواره، پیاده، ستونی) و بیش از ۲۰ بار به نمایش گذارد. دشمن مجموعاً در طول این مدت (اتخاذ استراتژی دفاع متحرک)، دهها هزار نفر کشته و زخمی و اسیر داد و نیز چندین فروند هواپیما، ۲۷ فروند هلی کوپتر و ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر از دست داد.

در پایان می توان چنین نتیجه گرفت که نیروهای خودی، هم در یک عملیات تاکتیکی و هم در رویارویی با استراتژی کلی دشمن مبنی بر پدافند متمرکز، موفق بودند و عملاً دشمن را زمین گیر کردند به گونه ای که ادامه تک از سوی دشمن، به لحاظ تلفات وارده و نیز امکان از دست دادن توان لازم جهت رویارویی با والفجر ۱۰ و یا هر گونه تحرک در فاو و سایر مناطق عملیاتی، متوقف گردید و مجدداً نیروهای عراقی، ناتوانتر و مأیوستر از گذشته، در لاک دفاعی خود فرو رفتند.

ص: ۲۲۹

اشاره

در میان مناطق مختلفی که در چارچوب استراتژی دفاع متحرک مورد تهاجم دشمن قرار گرفت، تصرف مهران برجسته ترین آنها بشمار می آید. به همین دلیل عراق تبلیغات زیادی روی آن انجام داد و از سوی صدام، اشغال مهران در مقابل فتح فاو قرار داده شد.

در مقابل وضعیت یاد شده، ضرورت آزادسازی مهران اجتناب ناپذیر بود. بر این اساس و به منظور آزادسازی شهر مهران مقدمات کار، از جمله شناسائی و جمع آوری اطلاعات از دشمن، آغاز شد.

در مجموع خطوط دشمن در ۳ محور جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی (شمالی) که حد فاصل رودخانه گاوی و جاده دهلران - مهران (وسط) و مجموعه ارتفاعات (قلعه آویزان)، چند نوع متفاوت استحکامات و مواضع داشت.

در محور شمالی استحکامات دشمن نسبتاً قویتر بود، چنانکه در آن قسمت ۷ ردیف مین همراه با کانال و بیش از ۵ ردیف سیم خاردار رشته ای وجود داشت. در محور وسط به لحاظ کوهستانی بودن منطقه، استحکامات دشمن نسبتاً ضعیف بود. در محور جنوبی، نیروهای تک ور در مقابل معابری که انتخاب کرده بودند، عمدتاً سنگرهای کمین دشمن،

و در بعضی شیارها، یک ردیف سیم خاردار و مین در مقابل خود داشتند (۱).

حفاظت و غافلگیری

به دلیل وضعیت خاص زمین و در دست داشتن ارتفاعات منطقه، نیروهای عراقی از دیدی کامل بر روی مواضع و عقبه نیروهای خودی برخوردار بودند و چنین بنظر می رسید که دشمن هوشیار است و با در دست داشتن تجربه «والفجر ۳» و آگاهی نسبی از شکل کلی عملیات، محتملا بر سر معابر وصولی به انتظار نیروهای خودی نشسته است. لیکن شواهد و قراین بعدی نشان داد که با رعایت حفاظت خودی دشمن در نهایت غافلگیری بسر می برده است.

طرح مانور

بدنبال بحثهای مختلفی که در زمینه طراحی عملیات صورت گرفت، نظر به اینکه دشمن محور شمالی را تلاش اصلی تلقی می کرد، لذا محور اصلی عملیات بدر روی جنوب - یعنی ارتفاعات قلعه آویزان و یالهای آن تا «رودخانه گاوی» - قرار داده شد. موقعیت ویژه این محور چنین بود که، دشمن براساس تفکر کلاسیک خود، امکان حمله و تلاش اصلی از این محور را نمی داد و نیز در صورت موفقیت عملیات، عقبه دشمن به نحوی قابل ملاحظه آسیب

ص: ۲۳۱

۱- ۵۵. اهمیت ارتفاعات سرکوب و مرتفع قلعه آویزان به گونه ای بود که دشمن به هیچ روی حاضر به از دست دادن آن نبود. لذا استحکامات قابل توجهی بر روی آن احداث کرده بود و تقریبا عبور از آن غیر ممکن می نمایاند. لیکن نیروهای خودی معابر مناسبی را برای عملیات انتخاب نمودند تا با موانع مواجه نشده، دشمن را دور بزنند.

می دید. بر این اساس، عملیات کربلای یک برای سه مرحله طراحی شد:

مرحله اول - تأمین قلعه آویزان ایران تا روستای امامزاده سید حسن.

مرحله دوم - تأمین ارتفاعات جبل حمزین تا شیار میگ سوخته (۱) و در امتداد آن، تأمین روستای بهین و بهروزان و هرمز آباد.

مرحله سوم - تصرف خاکریز والفجر ۳ از روستای فرخ آباد تا زیر ارتفاعات ۲۲۳ قلعه آویزان و تأمین شهر مهران.

ضمناً در این عملیات، سپاه پاسداران با استعداد ۶ لشکر و ۳ تیپ پیاده همراه یک گردان مستقل زرهی، وارد عمل شد و در این عملیات، نیروی زمینی ارتش در زمینه آتش پشتیبانی توپخانه با سپاه همکاری می کرد، همچنین نیروی هوایی و هوانیروز، بنا به موقعیت عملیات و توانایی خود، مأموریت‌های مشخصی را عهده دار شدند.

استعداد دشمن در منطقه

منطقه مورد نظر، تحت مسئولیت لشکر ۱۷ زرهی از سپاه دوم عراق بود. خط پدافندی این لشکر از رودخانه کنجان چم به سمت میان کوه امتداد می یافت. همچنین مقر اصلی لشکر ۱۷ در شهر بدره عراق و مقر تاکتیکی آن بر روی ارتفاعات ۲۱۵ قلعه آویزان قرار داشت.

یگانهای تحت امر این لشکر و خط حد آنها عبارت بود از:

تیپ ۴۴۳ پیاده، از پاسگاه آب زیادی تا رودخانه آب شور و مقر تیپ بر روی ارتفاعات قلعه آویزان

ص: ۲۳۲

۱-۵۶. یک فروند میگ دشمن در شیار سقوط کرد، لذا میگ سوخته به عنوان نشانه و نام شیار انتخاب شده است.

- تیپ ۷۰۵ پیاده، از رودخانه آب شور تا رودخانه گاوی و مقر آن در روستای امامزاده سید حسن.

- تیپ ۴۲۵ پیاده، از تپه ۲۱۵ باغ کشاورزی تا رودخانه کنجان چم و مقر آن در ورمهزار.

- تیپ ۷۰ زرهی، تیپ ۵۹ مختلط، تیپ ۵۰۱ پیاده در احتیاط نزدیک و تیپ کماندویی در بدره و تیپ ۶۵ نیروی مخصوص (که به عنوان احتیاط سپاه سوم بوده است). همچنین یک آتشبار توپ اطریشی و ۴ قبضه کاتیوشا پشتیبانی تیپهای زیر امر لشکر ۱۷ را عهده دار بود.

در مجموع، قبل از آغاز عملیات، دشمن ۴۲ گردان نیروی پیاده و ۶ گردان نیروی زرهی در منطقه داشت که ۲۰ گردان آن درگیر بوده، مابقی در احتیاط قرار داشتند.

شرح عملیات

با نزدیک شدن زمان عملیات، جابجایی و نقل و انتقالات شروع شد. در این حین، طوفانی نسبتاً شدید همراه با گرد و غبار در گرفت و سطح منطقه عملیاتی و عقبه نیروهای خودی را پوشاند بطوریکه دشمن امکان دید را از دست داد.

بدین ترتیب، در ساعت ۲۲ / ۳۰ مورخه ۱۳۶۵ / ۴ / ۲۹، عملیات آزادسازی مهران تحت عنوان «کربلا ۱» و با رمز «یا ابوالفضل العباس ادرکنی» آغاز شد. پس از گذشت لحظاتی از شروع عملیات در کلیه محورها، خطوط پدافندی دشمن - بدون مشکل اساسی و بازدارنده - درهم شکسته شد. تنها بر روی ارتفاعات قلعه آویزان، به دلیل موانع مستحکم دشمن، توقیفی صورت گرفت - که بلافاصله، با اتخاذ تدبیر

ص: ۲۳۳

مناسب از سوی فرماندهی یگان، بصورتی قابل توجه و شاید کم نظیر، مرتفع گردید.

از آنجا که دشمن در مقابل سرعت عمل نیروها غافلگیر شده بود، بشدت آسیب دید و تلفات زیادی را متحمل شد - بطوریکه در قسمتهایی از جاده، به دلیل انبوه جنازه های دشمن، امکان تردد خودروها وجود نداشت؛ لذا نیروها مجبور بودند وسیله نقلیه خود را به کنار جاده هدایت کنند.

وضعیت نیروها در روز اول عملیات

علیرغم اینکه دشمن لشکرهای ۲۵،۲۷، ۱۰، ۴۱ را به عنوان احتیاط وارد منطقه کرد، لیکن نتوانست هیچگونه حرکت قوی و حساب شده ای را، اعم از پاتک و یا استفاده از نیروی هوایی و توپخانه، از خود نشان بدهد. این وضعیت، با توجه به اهمیت منطقه برای دشمن و نیز سوابق دشمن در عملیتهای گذشته، تا اندازه ای غیر منتظره بنظر می رسید.

عوامل عمده در گنجی و سردرگمی دشمن، اساسا سرعت عمل توأم با غافلگیری، گذاردن تلاش اصلی از محوری که برای دشمن غیر منتظره بود و نیز حمله به عقبه دشمن را شامل می شد. فی المثل پس از مدت زمانی اندک که عملیات آغاز شد، ۲ مقر تیپ دشمن (۴۴۳ و ۷۰۵ پیاده) سقوط کرد و فرماندهان آن کشته شدند. حال آنکه نیروهای دو تیپ مذکور، هنوز بطور کامل منهدم نشده بودند. به هر روی، در شب اول عملیات، دشمن بیش از ۱۰ گردان نیروی پیاده در محدوده منطقه عملیاتی داشت - که ۸۰٪ آنها بطور کامل منهدم شد.

همچنین نیروهای تیپ ۱ کماندویی سپاه چهارم که در ساعت ۶

ص: ۲۳۴

صبح روز اول عملیات وارد درگیری شد، تماما منهدم شدند. گذشته از این، تلاش دشمن در محور امامزاده سید حسن که در روز اول عملیات شروع شد، با مقابله نیروهای خودی خنثی گردید. طی روز اول، از آنجا که نیروها بسهولت بر اهداف خود دست یافتند، از روحیه ای بسیار بالا برخوردار بودند؛ لذا از فرصت بدست آمده و درهم پاشیدگی دشمن، نهایت استفاده را کرده، با پیشروی در روز ادامه دادند و بدین ترتیب، فرصت بازبایی و سازماندهی را از دشمن گرفتند.

شب دوم عملیات

پس از انجام بازسازی و سازماندهی، یگانها مجددا برای انجام مرحله سوم عملیات - که در شب دوم انجام می شد - آماده شدند. طی شب دوم، عملیات از دو محور صورت گرفت. در محور اول، نیروها هرمزآباد را پاکسازی کرده، تا ۵۰۰ متری شهر مهران پیشروی کردند. در محور دوم نیروها توانستند روستای بهین بهروزان را پاکسازی نمایند.

در نتیجه تلاشهای انجام شده در شب دوم، خط سراسری از هرمزآباد تا شیار میگ سوخته تأمین شد و بدین ترتیب، مقداری از محدوده مرحله سوم عملیات تأمین گشت.

در شب دوم، شواهد و قراینی دال بر عقب نشینی نیروهای دشمن در محور باغ کشاورزی و تپه غلامی و پاسگاه دراجی مشاهده شد. این امر تا اندازه ای تعجب انگیز بود، زیرا احتمال داده نمی شد که دشمن به این سرعت در محور یاد شده اقدام به عقب نشینی نماید. لیکن تهدید و امکان برخورد نیروهای دشمن، در این محور، آنها را مجبور به اقدام فوق کرد.

روز دوم عملیات: تصرف شهر مهران

پس از مشاهده عقب نشینی دشمن از شمال مهران (محدوده باغ کشاورزی). نیروهای خودی بلافاصله معابر مین دشمن را باز نموده، سپس سرعت وارد باغ کشاورزی شدند و ۱۰۰ تن از نیروهای پراکنده دشمن را به اسارت گرفتند.

همچنین از محور دیگر، یکی از یگانهای سپاه، از طریق روستای هرمزآباد از پشت به طرف باغ کشاورزی رفته، ضمن جنگ و گریز با نیروهای در حال فرار دشمن، تعدادی از آنها را به اسارت می گیرد.

به دنبال تلاشهایی که در روز دوم عملیات صورت گرفت و متعاقب عقب نشینی دشمن، شهر مهران به تصرف نیروهای خودی درآمد.

نظر به اینکه دشمن احتمال حمله را می داد، لذا در داخل شهر مستقر نشده بود و تنها تعداد کمی نیرو در شهر داشت، که آنها را هم قبل از آغاز حمله تخلیه کرده بود.

ضمن طی این روز، از سوی نیروهای خودی، تا محور قلعه آویزان پیشروی ادامه داشت و نیروهای دشمن که همچنان در حالت سردرگمی و گیجی بسر می بردند، بسهولت کشته و یا اسیر می شدند.

شب سوم عملیات

چنین مقرر شد که نیروهای خودی، در شب سوم عملیات، روستای فیروزآباد و ارتفاعات قلعه آویزان و ارتفاعات ۲۲۳ را بصورت یک خط ممتد تأمین کنند. بر این اساس، طی تلاشهایی که صورت گرفت، اهداف این مرحله از عملیات تحقق یافت.

با روشن شدن هوا، در روز سوم عملیات، درگیری و ادامه

ص: ۲۳۶

پاکسازی در محورهای مختلف کم و بیش ادامه داشت. طی این روز، نیروهای لشکر سیدالشهداء از محورهای قلعه کهنه و فرخ آباد به طرف تپه های غلامی و باغ کشاورزی و پاسگاه دراجی حرکت کرده، ضمن پاکسازی منطقه بسیاری از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند.

همچنین از ساعت ۶ صبح این روز، تیپهای ۶ و ۵ گارد ریاست جمهوری عراق به ارتفاعات ۲۱۰ تک کردند - که در نتیجه آن، قسمتی از منطقه مزبور را به تصرف خود درآوردند.

شب چهارم عملیات

نیروهای خودی، طی شب چهارم عملیات، توانستند وارد روستای فیروزآباد شده، آنرا به تصرف درآوردند.

در حوالی ساعت ۷ صبح روز چهارم عملیات (۱۳ / ۴ / ۱۳۶۵)، دشمن توسط تیپهای ۷۲، ۷۱، ۹۵ پیاده، تیپهای ۴ و ۵ گارد جمهوری، پاتک نسبتا شدیدی را بر روی ارتفاعات قلعه آویزان و به منظور تصرف قله ۲۰۰ آغاز کرد.

طی این درگیری، نیروهای دشمن درهم کوبیده شدند؛ بطوریکه ۳ گردان از تیپ ۴ و ۳ گردان از تیپ ۵ گارد و یک گردان از تیپ ۹۵ و بیش از ۱ گردان از تیپهای ۷۱ و ۷۲ منهدم شدند و فرمانده تیپ ۴ گارد به هلاکت رسید.

روز پنجم عملیات

طی روز پنجم، لشکر سیدالشهداء موفق به تصرف کامل ارتفاع ۲۱۰ شد، و آن مقداری را که دشمن طی پاتک خود در روز سوم عملیات با تیپهای ۵ و ۶ گارد تصرف کرده بود، باز پس گرفت.

مرحله پنجم عملیات در صبح روز ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۵ توسط ۲ لشکر سپاه (لشکر ۱۰ سیدالشهداء و لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص))، و به منظور تصرف قله ۲۲۳ و یالهای آن، آغاز شد. نظر به اینکه دشمن در قسمتی از منطقه مزبور تهدید دور خوردن می شد، لذا این امر منجر به تزلزل دشمن و نهایتاً، تصرف قله ۳۰۳ شد. قله ی مزبور با تک احاطه ای از دو سمت در محاصره قرار گرفت و در نتیجه آن، قرارگاه تاکتیکی لشکر ۱۷ زرهی به تصرف درآمد. در ادامه نیز یالهای قله ۲۲۳ از سوی لشکر ۲۷، بطور کامل تأمین گردید. ضمناً قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲۴ مکانیزه لشکر ۱۰ دشمن منهدم شد و تعدادی از عناصر آن، از جمله فرمانده تیپ، به اسارت درآمدند.

بدین وسیله شهر مهران بطور کامل آزاد شد و اهداف عملیات کربلا ۱ صددرصد تأمین گردید.

نتایج و دستاوردها

طی ۱۰ روز جنگ، بخش وسیعی از مناطق اشغالی در منطقه مهران آزاد گردید که در این میان، آزادسازی جاده دهلران - مهران - ایلام، شهر مهران، ارتفاعات سرکوب و حساس قلعه آویزان و حمیرین - خصوصاً بلندترین قله منطقه ۸ - ۲۲۳ روستا، ۲ پاسگاه مرزی و... از دستاوردهای عملیات کربلا ۱ محسوب می شد.

همچنین عقبه های دشمن در شهرهای بدره و زرباطیه در دید و تیر نیروهای خودی قرار گرفت.

توان رزمی نیروهای دشمن در کربلا ۱

نیرو و امکانات بکار گرفته شده دشمن

نیرو - ۷۰۰۰۰ نفر

تانک و نفربر - ۴۰۰ دستگاه

توپخانه - ۱۵ گردان

نیروی هوایی - بیش از ۱۰۰ سورتی در روز

هوانیروز - بیش از ۱۰ تیم

عقبه - کوت العماره - ۸۰ کیلومتر

تعدادی اسرای دشمن در عملیات کربلا ۱ به تفکیک رتبه:

رتبه: افسر - تعداد: ۷۰

رتبه: درجه دار - تعداد: ۱۳۰

رتبه: سرباز - تعداد: ۸۹۲

قابل ذکر است که براساس تخمینهای دقیق، دشمن بیش از ۳۴۰۰ اسیر و مفقود داشته است.

یگانهای درگیر دشمن در طول عملیات، میزان انهدام و تعداد اسرای آنها:

ردیف ۱، یگان: تیپ ۴۴۳ پیاده، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۹۴

ردیف ۲، یگان: تیپ ۷۰۵ پیاده، میزان انهدام: ۹۰٪، تعداد اسرا: ۲۸۳

ردیف ۳، یگان: تیپ ۴۱۷ پیاده، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۵۷

ردیف ۴، یگان: تیپ ۵۰۱ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: ۱۳

ردیف ۵، یگان: تیپ ۹۵ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: ۱

ردیف ۶، یگان: تیپ ۴۲۵ پیاده، میزان انهدام: ۳۰٪، تعداد اسرا: ۳۳

ردیف ۷، یگان: تیپ ۷۰ زرهی، میزان انهدام: ۷۰٪، تعداد اسرا: ۲۲

ردیف ۸، یگان: تیپ ۵۹ مکانیزه، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: ۱۳

ردیف ۹، یگان تیپ ۶۵ نیروی مخصوص، میزان انهدام: ۱۰۰٪، تعداد اسرا: ۱۲۶

ردیف ۱۰، یگان: تیپ ۴ گارد ریاست جمهوری، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۶

ردیف ۱۱، یگان: تیپ ۵ گارد ریاست جمهوری، میزان انهدام: ۶۰٪، تعداد اسرا: ۱

ردیف ۱۲، یگان: تیپ ۷۱ از لشکر ۳۵، میزان انهدام: ۳۰٪، تعداد اسرا: ۴۰

ردیف ۱۳، یگان: تیپ ۷۲ از لشکر ۳۵، میزان انهدام: ۳۰٪، تعداد اسرا: ۲

ردیف ۱۴، یگان: ۲ گردان کماندوئی، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۳۰

ردیف ۱۵، یگان: تیپ ۱ کماندوئی سپاه چهارم، میزان انهدام: ۷۰٪، تعداد اسرا: ۶۰

ردیف ۱۶، یگان: ۳ گردان توپخانه، میزان انهدام: ۵۰٪

ردیف ۱۷، یگان: تیپ ۱۰۸، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: احتمالا

ردیف ۱۸، یگان: تیپ ۸۰۴، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا احتمالا

ردیف ۱۹، یگان: تیپ ۱۱۳ از لشکر ۱۹، میزان انهدام: ۶۰٪، تعداد اسرا: ۴۲

لازم به یادآوری است که کلیه یگانهایی که بیش از ۷۰٪ انهدام داشته اند، از خط مقدم خارج شده اند.

بازتاب آزادسازی مهران در رسانه ها

آزادسازی شهر مهران، به منزله شکست استراتژی دفاع متحرک بود. شکستی که رژیم عراق در گام اول خود با عدم موفقیت نسبت به تأمین اهداف مورد نظرش با آن رویارو شد و سرانجام با از دست دادن مهران، چشم اندازی جدید از ناتوانی و ضعف این کشور در موضع آفند و پدافند، ترسیم و نمایان گردید. خبرگزاری فرانسه در پی آزادسازی شهر

مهران، طی گزارشی اظهار داشت:

«ناظران در خلیج فارس عقیده دارند که اشغال مهران توسط قوای ایران، شکست پذیری رژیم عراق - بویژه استراتژی نظامی جدید آن موسوم به دفاع متحرک - است.»

در میان مناطقی که مورد تصرف دشمن قرار گرفت، شهر مهران از اهمیت خاص سیاسی، تبلیغاتی برخوردار بود و برای عراق به عنوان جبران شکست فاو و نیز عامل افزایش دهنده روحیه نیروهای آسیب دیده، تلقی می شد؛ لذا آزادسازی آن، گذشته از اینکه شکست دشمن در استراتژی تازه خود محسوب می شد، آسیبهای عمده دیگری را در مقطع کنونی و آینده متوجه ارتش عراق می کند.

چنانکه وقتی مهران باز پس گرفته شد، رسانه های گروهی جهان به انحاء مختلف به بعد روانی مسئله اشاره کردند. از جمله نشریه فارین ریپورت، چاپ لندن، نوشت:

«مهران به خودی خود فاقد اهمیت است، تهاجم به مهران نه از جهت استراتژیکی، بلکه از نقطه نظر روانی، واجد اهمیت می باشد.»

رادیو امریکا نیز به نقل از کارشناسان نظامی، اظهار داشت:

«شکست عراق ممکن است از نظر روانی اثر مهم و شگفت انگیزی داشته باشد؛ چرا که عراقیها بیشتر به خاطر جبران شرمساری ناشی از تصرف بندر عراقی فاو به دست ایرانیها، دست به حمله زده بودند.»

گذشته از این درهم شکسته شدن خطوط دفاعی عراق در فاو و ناتوانی این کشور در باز پس گیری آن، رژیم صدام را در نزد غرب و حامیان منطقه ای خود بطور اساسی به زیر سؤال کشید و این واقعیتی بود که حاکمان بغداد مایل به تن در دادن به آن نبودند و به منظور اثبات توانایی

و حفظ برتری خود، مبادرت به اتخاذ استراتژی موسوم به دفاع متحرک نمودند، بر این اساس، بخوبی روشن است که شکست مهران می تواند چه تبعاتی در رابطه با بی اعتمادی حامیان و متحدین رژیم بغداد فراهم آورد.

روزنامه نیوزویک چاپ امریکا پس از آزادسازی مهران، نوشت:

«باز پس دادن مهران (پس از فاو)، اعتماد مقامات امریکایی را نسبت به رژیم عراق بشدت کاهش داد، و گفته می شود که امریکا کمکهای تسلیحاتی خود را به این رژیم محدود کرده است.»

فتح فاو توسط قوای نظامی ایران، موقعیت و فضایی جدید در جنگ بوجود آورد که توأم با واقع نگری از سوی رسانه های جهانی دنیا نسبت به توانائیهای بالفعل و بالقوه جمهوری اسلامی و نیز ناتوانی رژیم عراق، مبنی بر ادامه جنگ و رویارویی با تهاجمات ایران بود.

تثبیت وضعیت یاد شده، قطعاً نیازمند پیروزیهای دیگری بود که تنها قسمتی از آن با فتح مهران و پس زدن نیروهای دشمن تأمین گردید.

در این روند آنچه که در رسانه های غربی منعکس شد، عمدتاً حول محور توانائی و برتری نظامی ایران دور می زد. گذشته از این، حفظ برتری در فاو و انجام عملیات در مهران، نشانگر نوعی افزایش توان نظامی ایران تلقی شد؛ بطوریکه رادیو بی.بی.سی به نقل از مفسر بخش شرقی خود گفت:

«اگر چه تسخیر مهران از نظر تعیین نهایی جنگ نقش قاطعی نخواهد داشت، اما نیروهای ایران نشان دادند که ضمن حفظ مواضع خود در فاو، در مقابل حمله های پی در پی عراق می توانند نیروهای عراقی را از بخش مرکزی جبهه نیز بیرون برانند و خطر مهمی را در آینده جنگ ترسیم نمایند.»

قطعا خطر ساز بودن تحرکات نظامی ایران، که نوعی پیروزی و تفوق نظامی را بدنبال خواهد داشت، مستلزم حملات پی در پی و مضمحل ساختن قوای دشمن است؛ چنانکه پیروزی آتی ایران، در این امر نقشی تعیین کننده دارد. طبیعتا در اینصورت، با افزایش برتری ایران، جمهوری اسلامی به نحوی چشمگیرتر ابتکار عمل را در جنگ برعهده خواهد گرفت.

ص: ۲۴۳

جلد ۳

اشاره

ص: ۱

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با گردآوری منابع منحصر به فرد جنگ ایران و عراق و با تحقیقات میدانی و کتابخانه ای وسیعی که درباره این واقعه عظیم به عمل آورده است، در تلاش برای بهره برداری از این تحقیقات گسترده، آثاری منتشر کرده است و در ادامه این امر خطیر می کوشد تا با تدوین و انتشار حقایق این دوران مهم از تاریخ انقلاب اسلامی، هم از تحریف ها و هم از غبار گرفتگی و فراموشی این وقایع آموزنده جلوگیری کند. این از افتخارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ است که مورد اعتماد مراکز علمی و تحقیقاتی قرار گرفته است و آثار آن به عنوان منبع اصلی تاریخ جنگ ایران و عراق، مورد استناد اهل دقت و نظر قرار می گیرد.

از جمله آثار مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» است که به طور کامل در شش جلد منتشر شده است. در جلد اول تا پنجم این مجموعه، وقایع سیاسی و نظامی جنگ از ابتدا تا آتش بس و تن دادن مجدد و دولت عراق به قرارداد ۱۹۷۵، به طور نسبتاً مشروح مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در جلد ششم از آغاز تا پایان جنگ به اختصار بررسی شده است.

کتاب «فاو تا شلمچه» جلد سوم این مجموعه است که در سال ۱۳۷۳ برای نخستین بار منتشر شد و شورای مرکزی سومین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، این کتاب را به عنوان یکی از آثار برتر برگزید. کتاب در سال های ۱۳۸۱، ۱۳۷۹، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۴ تجدید چاپ گردید. با استقبال علاقه مندان و تمام شدن نسخه های چاپ پنجم، کتاب برای بار ششم به چاپ رسید و در دسترس عموم قرار گرفت.

ذکر این نکته ضروری است که هر چند عملیات مهم کربلای ۵ به نسبتی که روال این مجموعه اقتضا می کرده، در این کتاب درج شده است ولی اهمیت و تأثیری که این عملیات در روند جنگ داشت سبب گردید تا طراحی، فرماندهی، اجرا و نتایج عملیات کربلای ۵ به طور مشروح در کتابی مستقل به نام «نبرد شرق بصره» منتشر شود که مطالعه آن به محققان توصیه می شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ۱۳۸۷

ص: ۷

بدون تردید سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ از مهم ترین مقاطع جنگ تحمیلی محسوب می شود. در این سال ها یک بار دیگر نیروهای بالنده ی انقلاب اسلامی در شکل سازمانی منظم و منسجم، موفق به خلق آثاری شدند که در تاریخ ایران اگر نگوییم بی سابقه، کم سابقه بوده است. سپاه پاسداران با پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از آغاز جنگ در سنگرهای مختلفی رو در روی دشمنان انقلاب ایستاد و در درگیری های متعدد با گروه های وابسته به عراق در استان کردستان و خوزستان وارد جنگ و گریز شد و از این طریق توانست سازمان های مستقل نظامی را در مناطقی چون قصر شیرین، سوسنگرد، خرمشهر و... ایجاد نماید. با آغاز هجوم سراسری عراق و سرازیر شدن ارتش بعث به سوی مرزهای ایران، تنها نیروهایی که توانستند در مقابل این هجوم گسترده ایستادگی کنند، نیروهای سپاه مناطق مرزی بودند که آنها را نیروهای سپاه در سراسر کشور و همچنین قوای مردمی تقویت و پشتیبانی می کردند. بدین ترتیب اولین مقاومت های مردمی با سازمان دهی سپاه در مقابل ارتش بعث صورت گرفت. در این مقاومت نیروی هوایی و برخی یگان های زمینی ارتش به همراه ژاندارمری نیز ایفای نقش کردند.

با رشد و شکوفایی نیروهای سپاه در درگیری های متعدد با واحدهای ارتش عراق و نیز حذف جریان لیبرالیسم و عناصر وابسته به آن در ارتش

جمهوری اسلامی، این شکوفایی با سرعت بیشتری ادامه یافت و اوج تبلور آن در چهار عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس به نمایش در آمد و ارتش متجاوز از خاک میهن اسلامی بیرون رانده شد. در این دوران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان جلودار و پیش برنده ماشین نظامی ایران با همراهی دلاورمردان ارتش موفق به اجرای استراتژی «آزادسازی سرزمین های اشغالی» شد و خود را آماده نمود تا مرحله دوم استراتژی نظامی جمهوری اسلامی ایران در قالب «تعقیب و تنبیه متجاوز» به اجرا در آورد.

طرح ریزی و اجرای چهار عملیات بزرگ رمضان، و الفجر مقدماتی، خیبر و بدر و همچنین چندین عملیات محدود، گام های مؤثر این استراتژی محسوب می شدند که عمدتاً در منطقه جنوب به اجرا در آمدند. با انجام عملیات بدر و بروز مشکلاتی در روش اجرا و هدایت نیروها، شکل جدیدی از سازمان دهی به اجرا در آمد و از سال ۱۳۶۴ ارتش و سپاه هر یک به صورت مستقل و جداگانه اقدام به طراحی و اجرای عملیات کردند.

علاوه بر این، فرمان امام خمینی به سپاه پاسداران مبنی بر تشکیل سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی که از آینده نگری و ژرف بینی ایشان حکایت می نمود، گام مؤثر دیگری بود که در این سال برداشته شد و اثری عمیق در موفقیت سپاه در تصرف فاو داشت.

تلاش آمریکا برای گشودن باب مذاکره با ایران و هدایت ماجرا توسط مسئولان جمهوری اسلامی به مسیری که در آن موفقیت چشمگیری نصیب انقلاب و سپاه شد و برای سیاست مداران آمریکا سستی و سرشکستگی به بار آورد، از دیگر برکات سیاسی و نظامی این دوران از جنگ است.

در سال ۱۳۶۵ دنیا با درک پیروزی های حاصل شده به دست نیروهای انقلابی، درصدد برآمد تا با بازپس گیری منطقه فاو، مجدداً موازنه ی قوا بین ایران و عراق را برقرار نماید. بر این اساس عراق سلسله عملیات های موسوم به «استراتژی دفاع متحرک» طرح ریزی و اجرا کرد و مهم ترین نتیجه آن

اشغال شهر مهران بود که به عنوان نقطه ثقل این استراتژی، در مقابل شهر فاو مطرح گردید، اما این بار نیز سپاه پاسداران با وجود این که مشغول طرح ریزی و آماده سازی عملیات بزرگ سالیانه بود، وارد عمل گردید و عملیات کربلای ۱ را با هدف آزادسازی شهر مهران و شکست استراتژی دفاع متحرک به اجرا در آورد. موفقیت در این عملیات باز هم موقون خروج از قواره های سنتی و دست و پا گیر بود.

پس از پشت سر گذاردن موفقیت آمیز این مرحله از جنگ، توجه فرماندهان سپاه معطوف به عملیات بزرگ در سال ۱۳۶۵ شد و اجرای دو عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ دست آورد چنین حرکتی بود که آزاد سازی منطقه عمومی شلمچه و نزدیک شدن سپاهیان اسلام به شهر بصره را در پی داشت. با آزادسازی این منطقه، بار دیگر توانایی جمهوری اسلامی، جهان و منطقه را به تلاطم انداخت و چنین پیش بینی شد که در صورت ادامه این موفقیت ها، سقوط صدام و رژیم بغداد بعید نخواهد بود. به همین دلیل قدرت های بزرگ تلاش جدیدی برای خاتمه ی جنگ آغاز کردند که نتیجه ی آن حضور ناوگان های نظامی در خلیج فارس و تصویب قطع نامه ۵۹۸ بود.

مضامین فوق، محتوای کتابی است که با بهره گیری از منابع پر ارزش مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ به نگارش درآمده و در آن اهم موضوعات و مسائل مطروحه جنگ در این مقطع مورد بررسی قرار گرفته است. (۱) کتاب کوشش دارد به شکلی مستند و تحلیلی، خوانندگان و علاقه مندان را با سرفصل های اصلی جنگ در این دوران آشنا سازد.

ص: ۱۰

۱-۱. لازم به یادآوری است که تدوین کتاب با بهره گیری از منابع متعدد سیاسی و نظامی موجود در اطلاع رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ صورت پذیرفته است که فهرست منابع سیاسی مورد استفاده در پایان هر فصل ذکر شده است و اهم منابع نظامی مورد استفاده، به دلیل عدم انتشار عمومی، با عنوان «معرفی منابع اختصاصی» در صفحه ۱۸۵ همین کتاب آمده است.

در فصل اول کتاب «نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸» به شکل گیری چگونگی تصرف فاو در شرایط بحرانی جنگ اشاره شده و مواضع امریکا و شوروی پس از عملیات مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از نکات برجسته این فصل اشاره به استراتژی جدید آمریکا برای نزدیکی به ایران و عراق جهت تأثیرگذاری بیش تر بر روند تحولات جنگ است. همچنین به تلاش های سیاسی شوروی جهت حفظ موازنه سیاسی بین طرفین و ناخشنودی این کشور از اجرای عملیات والفجر ۸ اشاره شده است.

«تشدید فشار به جمهوری اسلامی» عنوان فصل دوم کتاب است که در آن تلاش قدرت های بزرگ برای فشار بیش تر به ایران جهت جلوگیری از موفقیت چشمگیر در جنگ و استراتژی قدرت های بزرگ برای خاتمه جنگ بدون طرف پیروز، مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه این فصل بازپس گیری شهر مهران به دست رزمندگان سپاه پاسداران و ناکام ماندن ارتش عراق در «استراتژی دفاع متحرک» تشریح شده است.

در فصل سوم کتاب با عنوان «رویارویی با وضعیت جدید» تدابیر و اقدامات مسئولان کشور، به ویژه حضرت امام خمینی (س) در رویارویی با وضعیت جدید و موضوعاتی از قبیل تأکید امام بر ادامه جنگ، بسیج امکانات و نیرو، طرح ریزی و اجرای عملیات محدود، طرح ریزی عملیات سرنوشت ساز، تجزیه و تحلیل شده است.

فصل چهارم کتاب به تجزیه و تحلیل «ماجرای مک فارلین» اختصاص یافته است. در این فصل روند شکل گیری سیاست خارجی جدید امریکا در مقابل ایران و تأثیرات تعیین کننده ی ماجرای مک فارلین در روابط دو کشور بررسی شده است و ضمن بیان چگونگی شکل گیری سیاست جدید، به تأثیرات آن بر مواضع و سیاست های شوروی و عراق و نیز نتایج و پیامدهای آن اشاره گردیده است.

پنجمین فصل کتاب «عملیات کربلای ۴» نام دارد و در آن به کمک های اطلاعاتی امریکا به عراق برای کشف منطقه عملیاتی و تأثیرات این عملیات

بر قوای نظامی خودی و دشمن اشاره شده است. در پایان این فصل هیاهوی تبلیغاتی عراق درباره شکست عملیات سرنوشت ساز ایران، مورد توجه قرار گرفته که در اغفال ارتش عراق از عملیات کربلای ۵ - که با فاصله دو هفته از عملیات کربلای ۴ انجام شد - تأثیر عمده ای داشته است.

«عملیات کربلای ۵» عنوان فصل ششم کتاب است. در این فصل ابتدا وضعیت دشوار جمهوری اسلامی در روند تحولات جنگ به ویژه پس از عملیات کربلای ۴، تشریح شده و دلایل اجرای عملیات و کسب پیروزی در این مقطع حساس و پیچیده مورد بررسی قرار گرفته است. طرح ریزی و شرح چگونگی تهاجم در شرق بصره و تلاش های فرماندهان سپاه برای حفظ این موفقیت، دیگر قسمت های این محور از بحث را تشکیل می دهند.

در پایان این فصل بازتاب های سیاسی و نظامی عملیات کربلای ۵ مورد توجه قرار گرفته و به انفعال حاصل از این موفقیت در صحنه سیاسی منطقه و جهان اشاره شده است. شکست ارتش عراق در مستحکم ترین و پیچیده ترین خطوط دفاعی خود، موضوعات قابل توجه این فصل از کتاب است.

فصل هفتم کتاب عنوان «آخرین تحرک نظامی در جنوب» را به خود اختصاص داده است که در آن به طراحی و نحوه اجرای عملیات کربلای ۸ که در واقع تکمیل عملیات کربلای ۵ محسوب می شود، اشاره شده است. این عملیات که آخرین تحرک نظامی سپاه پاسداران در جنوب محسوب می شود، حلقه پایانی استراتژی عملیاتی سپاه در این منطقه می باشد. در این عملیات سپاه پاسداران تلاش بی وقفه ای را جهت به سرانجام رساندن نبرد در این منطقه آغاز نمود. تأمین نیازمندی های زرهی که لازمه پیشروی در چنین صحنه ای بود، به نتیجه نرسید و همان گونه که تصور می رفت، این منطقه نیز همچون سایر مناطق عملیاتی در جنوب به لحاظ نظامی دچار بن بست گردید. در این شرایط لازم بود که فرماندهان عالی سپاه تصمیم مشخصی را برای ادامه جنگ اتخاذ نمایند. این تصمیم که

می توان از آن به عنوان مقدمه استراتژی عملیاتی جدید سپاه یاد کرد، موجب تحرکات جدیدی در سپاه شد که در جلد بعدی این مجموعه به نام «شلمچه تا حلبچه» مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

کتاب «فاو تا شلمچه» در واقع بیانگر آخرین موفقیت های سپاه پاسداران در جنوب می باشد که موجب تغییر منطقه عملیاتی از جنوب به غرب شد. به علاوه، در این کتاب اوج تأثیرگذاری های جنگ بر روند تحولات سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است.

کتاب حاضر و سایر آثار این مرکز ثمره تلاش های راویان، محققان، مدیران و دست اندرکاران این مرکز در طول سال های گذشته است. در این جا باید یاد کرد از راویان شهید مرکز: نادر صباغیان، تقی رضوانی، سعید عیسی وند، هادی درودیان، محمدرضا ملکی، حسین جلایی پور، سید محمد اسحاقی، علی فتحی، سید محمد گرگانی، حمید صالحی، محسن فیض، مجید صادقی نژاد، حسین الله داد و محمد امیری مقدم، که بعضی در حال انجام تحقیقات میدانی و بعضی هنگام شرکت در عملیات علیه دشمن، به شهادت رسیدند. در واقع تدوین این کتاب کوششی است برای صحنه گذاشتن بر یکی از خالصانه ترین تلاش های فرزندان انقلاب و امام در صحنه های جنگ که با تاریخ انقلاب اسلامی گره خورده است، در نتیجه پاداش آن نیز جز رضای خداوند، چیز دیگری نمی تواند باشد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تابستان ۱۳۷۳

ص: ۱۳

نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ در کتاب «از خرمشهر تا فاو» منتشره از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه (اردیبهشت ۶۷) به طور نسبتاً مشروح و مفصل مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به عدم تأمین مناطق متصرفه ای که در سلسله عملیات نظامی پس از فتح خرمشهر توسط ارتش و سپاه به صورت مشترک انجام گرفت، منطقه ی فاو از آن جهت برای انجام عملیات انتخاب شد که ضرورتاً می بایست علاوه بر دارا بودن ویژگیهای لازم جهت تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ، پس از تصرف نیز از شرایط و مشخصه های لازم برای حفظ و نگهداری در مقابل پاتک های دشمن برخوردار باشد.

زمین منطقه فاو علاوه بر ارزش سیاسی - نظامی، به لحاظ فراهم سازی امکان حضور مقتدرانه ایران در خاک عراق و موقعیت جغرافیایی و طبیعی دارای ارزش استراتژیک نیز بود و همچنین معضلات ناشی از عدم تأمین مناطق عملیاتی پیشین و مقابله با فشارهای دشمن پس از تصرف منطقه را حل

می کرد زیرا باتلاقی بودن سواحل رودخانه اروند در هر دو سو و نیز وجود عارضه کارخانه نمک، عملاً قسمت اعظم زمین منطقه را برای دشمن غیرقابل استفاده کرده بود و این مسأله، کارآیی زرهی ارتش عراق را کاهش می داد، همچنین احاطه ی آب از سه قسمت موجب شده بود پدافند در برابر دشمن تنها در یک سمت انجام شود و آسیب پذیری از جناحین را کاهش دهد.

علاوه بر اینها، کوتاه بودن عقبه ی خودی، پوشش مناسب منطقه برای پدافند هوایی، تسلط آتش بر روی خطوط و عقبه دشمن، امکان رعایت غافلگیری، محدود بودن زمین و عمق قابل دسترس، از جمله عواملی بود که بر میزان امیدواریها نسبت به کسب پیروزی می افزود.

اما در عین حال، به هنگام طرحریزی عملیات، مسئله عبور از رودخانه و پشتیبانی عملیات، از مهم ترین معضلاتی بود که فرا روی فرماندهان و طراحان نظامی نظامی سپاه قرار داشت. (۱) پیش از این، تنها تجربه سپاه برای عبور از رودخانه، عملیات بیت المقدس در سال ۶۱ بود که به طور مشترک با برادران ارتشی انجام گرفت و منجر به فتح خرمشهر شد. در واقع عدم حضور نیروهای دشمن در ساحل غرب رودخانه کارون، در جریان عملیات بیت المقدس، موجب گردید که عبور از کارون بدون برخورد با دشمن انجام پذیرد، ضمن آنکه شرائط و موقعیت رودخانه کارون به هیچ وجه قابل مقایسه

ص: ۱۵

۱-۴. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی عملیات را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می کردند.

با ویژگیهای رودخانه اروند نیست. (۱).

بنابراین، ویژگیهای رودخانه اروند و فقدان تجربه ی عبور از رودخانه ای با مشخصه های آن و همچنین حضور اطلاعاتی دشمن در منطقه، از جمله مسائلی بود که لزوماً می بایست برای حل و فصل آنها تدابیر لازم اتخاذ می شد.

دشمن به لحاظ حساسیت منطقه فاو و از طرفی ضرورت کنترل تحرکات نیروهای خودی در جزیره آبادان، برای دیده بانی و کنترل منطقه، از دکلهای ۴۲ متری که به فاصله ۱۰۰ متر از یکدیگر ایجاد شده بود، استفاده می کرد.

بنابراین کلیه جاده های منطقه، بویژه جاده های عمود بر حاشیه رودخانه اروند زیر دید دشمن قرار داشت. همچنین دشمن هفته ای یکبار به تهیه عکس هوایی از منطقه مبادرت می ورزید، ضمن آنکه دستگاه های رازیت آن کلیه نقل و انتقالات موجود بر روی جاده های پشت نخلستان را تا اندازه ای ثبت می کرد. دشمن علاوه بر حضور اطلاعاتی در منطقه، استحکامات و موانع مستحکمی مانند مواضع بتونی ب شکل و موانع خورشیدی و مین در ساحل رودخانه اروند تعبیه کرده بود که هر گونه از رودخانه را با مشکلات پیچیده و دشواری روبرو می ساخت.

بنابراین، علاوه بر خصوصیتی که ذکر شد، موانع قابل ملاحظه ای برای احداث پل، پهلو گرفتن قایقها در ساحل رودخانه و اساساً پشتیبانی عملیات وجود داشت و طبعاً هر گونه آماده سازی منطقه قبل از عملیات،

ص: ۱۶

۱-۴. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی عملیات را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می کردند.

ساحل سازی رودخانه، عبور نیروهای غواص و خط شکن و تردد قایقها به ساحل دشمن، به سادگی امکان پذیر نبود. به همین دلیل در طرحریزی عملیات تدابیر ویژه ای به منظور رفع موانع اتخاذ شد.

استفاده از پوشش و اختفاء برای آماده سازی جاده های آنتنی و رعایت حفاظت در تردد و انجام کارهای مهندسی، موجب گردید تدریجا شرایط مناسبی فراهم آید. همچنین پس از انجام شناساییهای لازم از مواضع و استحکامات دشمن، با انتخاب یگانهای مجرب و ورزیده سپه پاسداران تدابیر ویژه ای برای عبور نیروهای خط شکن و جنگ و درگیری در نخلستانها و بویره شهر فاو اتخاذ شد.

فرماندهان و طراحان نظامی سپاه، عبور از رودخانه و شکستن خطوط دفاعی و استحکامات دشمن را به سه مرحله شامل: عبور نیروهای غواص، عبور قایقها و شکستن خط تقسیم کردند. در مراحل بعدی عبور وسایل یگانهای مانوری با قایق و سایر وسایل شناور انجام می گرفت و در آخرین مرحله، پس از تأمین سر پل منطقه تصرف شده، وسایل سنگین عبور داده می شد. پشتیبانی هوایی عملیات توسط نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و هوانیروز تأمین می گردید و همچنین بنابر پیشنهاد فرمانده سپاه و تصویب فرمانده عالی جنگ، آقای هاشمی، بخشی از آتش پشتیبانی توسط ارتش تأمین می شد.

در این میان، عملیات در جزیره ام الرصاص از سوی سپاه به عنوان تک پشتیبانی طرح ریزی شد، تا بدین وسیله عمده قوای دشمن را قبل از توجه به منطقه فاو، درگیر و مشغول نماید.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه عملیات در فاو انجام می شد، ضرورتا می بایست تمامی پشتیبانیها متوجه این منطقه باشد، اما چون ارتش عملیات جداگانه ای را در شلمچه طرحریزی کرده بود، در امر واگذاری امکانات به

سپاه مشکلاتی به وجود آمد. در پی بروز این معضل جلسات مشترکی بین ارتش و سپاه برگزار گردید که سرانجام با دستور فرماندهی عالی جنگ بخشی از مشکلات حل شد. پس از حل معضلات اساسی عملیات و تکمیل طرح مانور و تأمین پشتیبانی های مورد نظر و سازماندهی قرارگاه ها و یگانهای سپاه، دستور انجام عملیات والفجر ۸ در ساعت ۱۰ / ۲۲ روز ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۴ توسط فرماندهی کل سپاه با قرائت رمز عملیات صادر شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم لا- حول و لا- قوه الا- بالله العلي العظيم قاتلوهم حتى لا تكون فتنة. يا فاطمه الزهراء يا فاطمه الزهراء يا فاطمه الزهراء.»

یگانهای نیروی زمینی سپاه با یورش به استحکامات دشمن از محورهای مختلف، تهاجم خود را آغاز کردند و بدین ترتیب برجسته ترین و پیچیده ترین عملیات جنگی جمهوری اسلامی با هدایت و فرماندهی سپاه پاسداران، توسط سازمانی متشکل از نیروی زمینی، هوایی و دریایی سپاه پاسداران، نیروی هوایی و هوانیروز ارتش (۱) و ایثارگران جهاد سازندگی به اجرا در آمد. دشمن ناباورانه در برابر تهاجم قوای خودی غافلگیر شد و در شرایطی که جمهوری اسلامی را فاقد توانایی و قابلیت اجرای عملیات عبور از رودخانه ارزیابی می کرد، پس از مواجهه با حضور قدرتمندانه نیروهای خودی در شهر فاو و بعد از گذشت سه روز از شروع عملیات، تدریجا نسبت به ابعاد عملیات فاو هوشیار شده و لشکر گارد را وارد منطقه کرد.

شتابزدگی و عدم توجه کامل نسبت به منطقه، موجب گردید که نیروهای

ص: ۱۸

۱-۴. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی عملیات را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می کردند.

لشکر گارد سوار بر خودرو و در حال حرکت به سمت منطقه درگیری، در محاصره نیروهای خودی گرفتار شده و در ذلت‌بارترین وضعیت به هلاکت برسند. لذا وضعیت اسفناک این قوا موجب گردید دشمن تمام تلاش خود را برای خروج آنها از محاصره معطوف نماید. از این زمان بود که نبرد سنگین بین طرفین شروع گردید و تا ۷۵ روز ادامه داشت. به عبارت دیگر منطقه فاو در روزهای اول عملیات به تصرف در آمد ولی تثبیت آن، با توجه به پاتکهای سنگین دشمن، بیش از ۷۰ روز جنگ را در پی داشت. جنگی را که دشمن با اتکا به خشکی، و قوای خودی با عبور امکانات از آب (اروند) انجام می دادند. سرانجام پس از ۷۵ روز جنگ، هدفهای مورد نظر تصرف و تأمین شد.

در این ضمن، به لحاظ ارزشمندی زمین منطقه، دشمن برای بازپس گیری آن توان گسترده ای را به کار گرفت، لیکن تلفات وارده، دشمن را در شرائطی قرار داد که سرانجام با ترجیح «حفظ نیرو» به «حفظ زمین»، از مقابله همه جانبه دست کشید تا از انهدام نیرو و امکانات خود، بیش از این، ممانعت به عمل آورد.

در این عملیات ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد شد و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از نیروهای آن کشته و زخمی شده و نزدیک به ۳ هزار نفر به اسارت در آمدند.

انهدام وسایل و تجهیزات دشمن در این عملیات قابل ملاحظه بود، به گونه ای که بیش از ۶۰۰ تانک و نفربر، ۵۰۰ خودرو، ۱۵۰ قبضه توپ، ۴۵ هواپیما، ۱۰ هلیکوپتر و ۳ ناوچه دشمن منهدم شد.

در مجموع ۱۰ تیپ پیاده و کماندوئی و نیروی مخصوص، ۲ تیپ زرهی، ۴ گردان ضد هوایی، ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن ۱۰۰٪ منهدم گردید.

همچنین ۳۳ تیپ پیاده و کماندویی و نیروی مخصوص، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه بیش از ۶۰٪ منهدم گردید که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی، خارج شدند.

ضمناً حدود ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندویی، زرهی و مکانیزه ۳۰٪ آسیب دیدند که به علت کمبود نیروهای دشمن، کماکان در منطقه عملیاتی مستقر بودند.

بازتاب موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی

متعاقب عبور غافلگیرانه رزمندگان اسلام از رودخانه اروند و انهدام دشمن، شهر بندری فاو واقع در خاک عراق فتح شد. تثبیت منطقه پس از دو ماه مقابله با پاتکهای سنگین دشمن موجب گردید تا اساساً تواناییها و قابلیت‌های دفاعی عراق، از جانب حامیان رژیم بعثی مورد سؤال واقع شده، متقابلاً ویژگیهای قابل ملاحظه‌ی عملیاتی رزمندگان اسلام مورد توجه قرار گیرد.

تغییر توازن سیاسی و نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران، یکی از دستاوردهای فتح فاو به شمار می‌رفت، به گونه‌ای که گسترش حضور ایران در شمال خلیج فارس و هم‌مرز شدن با کویت وضعیت جدیدی را به وجود می‌آورد که کشورهای منطقه و حامیان عراق نمی‌توانستند آن را نادیده انگارند.

پیدایش وضعیت جدید در بطن خود می‌توانست موجب تغییرات اساسی در جنگ و عملیات نظامی و بالطبع ایجاد دگرگونی‌هایی در منطقه خاورمیانه گردد. از اینرو بازتاب و انعکاس پیروزی ایران در فاو، در مقایسه با مقاطع پیشین جنگ، تنها با شرایط پس از فتح خرمشهر قابل مقایسه می‌باشد. در این قسمت بازتاب سیاسی «عملیات والفجر ۸» در رسانه‌های خارجی، به

منظور روشن تر شدن پیامدها و ابعاد فتح فاو، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نحوه برخورد رسانه های غربی با پیروزیهای کسب شده توسط رزمندگان اسلام همواره یک روند ثابت و منظم داشت. این رسانه ها با نزدیک شدن زمان عملیات سالانه ایران که معمولاً در زمستان هر سال صورت می گرفت و از گستردگی و وسعت قابل توجهی برخوردار بود، اخبار و تحلیلهای خود را پیرامون منطقه عملیات آینده ارائه داده و سعی داشتند از این طریق ضمن هوشیار نمودن دشمن، تصمیم گیرندگان نظامی و سیاسی ایران را دچار تزلزل و تردید نمایند. با آغاز عملیات و کسب موفقیت های اولیه، فعالیت این رسانه ها بر ضعیف و کم اهمیت جلوه دادن پیروزیهای ایران معطوف می شد.

در نبرد فاو، تا یک هفته پس از شروع عملیات، از سوی برخی فرماندهان نظامی عراق و نیز کارشناسان و ناظران سیاسی - نظامی غرب نسبت به توانایی ایران مبنی بر حفظ و تثبیت منطقه ابهام و تردید وجود داشت، چنانکه روزنامه تایمز لندن نوشت:

«آنها قبلاً نیز به پیروزیهای کوتاه مدتی دست یافته اند، لیکن تا مدتی ثابت شده که توانایی حفظ آن و انجام عملیات طولانی با تمام ویژگیهای لجستیکی را که لازمه ی آن است، ندارند.» (۱).

رادیو آمریکا نیز در تاریخ ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۴ نظریه فوق را به نقل از خبرنگار صدای آمریکا به گونه ای دیگر مطرح کرد:

«حملات تهاجمی ایران نشان می دهد که ایران در هیچ یک از پیکارهای گذشته اش پیروزی قابل ملاحظه ای به دست نیاورده است.» (۲).

در این باره سفیر عراق در ژاپن در مصاحبه با روزنامه یومیوری چاپ آن کشور می گوید:

«این بار هم مثل گذشته از هم پاشیدن و در هم کوبیدن نیروهای

ص: ۲۱

۱- ۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۶. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۶۴، رادیو آمریکا.

ایرانی به چند ساعت وقت احتیاج دارد و بس.» (۱).

اما یک هفته بعد از پیروزی ایران و مقاومت نیروهای جمهوری اسلامی در برابر پاتکهای وسیع دشمن و ناتوانی عراق در عقب راندن رزمندگان اسلام، بتدریج لحن رسانه های تبلیغاتی قدرتهای جهان نیز تغییر یافت. نبرد والفجر ۸ اوضاع سیاسی منطقه را شدیداً دچار دگرگونی ساخت و وسائل تبلیغاتی جهان را مجبور ساخت تا با حساسیت بیشتری مسائل ناشی از پیروزیها را دنبال کنند. به همین جهت از این پس شاهد توجیه علل ناتوانی عراق در بازپس گیری فاو و موکول کردن آن به تغییر شرایط جوی می شویم! آنتونی لرد کرد زمن یکی از کارشناسان امور خاورمیانه ای آمریکا در جنگ تحمیلی، معضل اصلی عراق را در فاو و مقایسه آن با ایران چنین بیان می کند:

«مشکل اصلی عراق آن است که نمی خواهد متحمل تلفات شود، در صورتی که ایران بخصوص در حمله اولیه، آمادگی پذیرش تلفات سنگین را دارد. از جمله مشکلات هر جنگ آن است که نمی توان بدون تحمل تلفات دست به ضد حمله زد. معمولاً تلفات در ضد حمله پنج تا ده برابر آن در حالت دفاعی است. عراق ترجیح می دهد به جای تحمل تلفات سنگین، بخشهای کوچکی از خاک خود را از دست بدهد.» (۲).

روزنامه واشنگتن پست نیز نظریات لرد کرد زمن را به گونه ای دیگر بیان داشته است:

«بزرگترین مشکل عراقیها اجتناب آنها از متعهد ساختن پیاده نظام خود به دفع حملات ایران است. آنها به جای این امر، استفاده از آتش توپخانه، بمباران جت‌های جنگنده و آتش راکت هلیکوپترهای جنگی را انتخاب کرده اند. چنین جنگهایی احتیاج به انگیزه شدید و تعهد کامل سربازان دارد که به نظر کارشناسان، در ارتش عراق نقصان آن مشهود

ص: ۲۲

۱-۷. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان». شماره ۱۰۶۷، ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲-۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۲ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

است. بنابر اظهار یکی از تحلیلگران نظامی، مجموعه ای از ملاحظات سیاسی در عراق به فرماندهی نظامی فشار وارد می کند و عمده ی تصمیم بر آن است که از دادن تلفات زیادی که باعث نارضایتیهای سیاسی داخلی شود، اجتناب گردد.» (۱).

عراق در منطقه فاو به لحاظ غافلگیری در مکان و تاکتیک، در برابر رزمندگان اسلام دچار انفعال شد، لذا به رغم تلاشهایی که انجام داد نتوانست نسبت به عقب راندن رزمندگان اسلام موفقیتی کسب نماید.

اعتراف به شکست

با گذشت زمان و تثبیت موقعیت نیروهای خودی در منطقه فاو و به دنبال گزارشهای رسانه های غربی، سخن فرماندهان و مسئولین عراق نیز رفته رفته تغییر کرد. توانائی رزمندگان اسلام در تأمین پشتیبانی نیروها و تأمین پشتیبانی هوایی و توپخانه، سرانجام عراقیها را که ابتدا حتی به حضور رزمندگان اسلام در منطقه فاو اعتراف نمی کردند، مجبور ساخت تا ضمن اعتراف به شکست در این نبرد، باز پس گیری آن را بسیار مشکل و دور از دسترس قلمداد کنند. فرماندهان عراق پس از شکستهای پی در پی در پاتکهای انجام شده، ارتش این کشور را برای تسلط مجدد بر فاو ناتوان معرفی کرده و بر ویژگیهای عملیات فاو تأکید کردند، چنانکه ماهر عبدالرشید، یکی از فرماندهان ارشد نظامی عراق، در این زمینه اذعان داشت:

«ایران در عملیات جاری خود از روشهای نظامی نوینی استفاده کرده است و برخلاف توقع، در شرایط جوی سختی که بارانهای شدید می بارید، با استفاده از مردان قورباغه ای و پیشقراولان رزمی، حمله خود را به مواضع عراقیها آغاز کرد.» (۲).

در شرایط جدید، عراقیها دیگر قادر به انکار حضور رزمندگان اسلام در

ص: ۲۳

۱- ۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۱۹. مأخذ شماره ۳، به نقل از لوموند هفتگی (فوریه ۱۹۸۶).

منطقه فاو نبودند، تا آنجا که لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق در مصاحبه با القیس گفت:

«مسئله تصرف منطقه فاو از سوی ایرانیان به حدی آشکار بود که دیگر نمی توانستیم آن را منکر شویم و برای ما ممکن نبود که اعلام کنیم ایران وارد فاو نشده است.» (۱).

عراقیها تدریجا به ناتوانی بخود برای بازپس گیری فاو نیز اعتراف نمودند. عدنان خیرا... وزیر دفاع وقت عراق طی مصاحبه ای اعلام کرد:

«باز پس گرفتن شبه جزیره فاو از دست ایرانیان دشوار است. وجود باتلاقیها و نمکزارها در این سرزمین، مانع اصلی عملکرد واحدهای عراقی هستند.» (۲).

ماهر عبدالرشید نیز به ناتوانی سربازان عراقی اشاره کرده، می گوید:

«فکر نمی کنم به این زودیها عراق بتواند در این ارتباط (پس گرفتن فاو) کسب موفقیت سریعی را پیش بینی بنماید.» (۳).

مدیر توجیه سیاسی ارتش عراق هم در توجیه ناتوانی عراق می گوید:

«وضعیت زمین منطقه نبرد محدودیتهایی را در استفاده از زره پوشها و حتی نیروهای پیاده، بر ارتش عراق تحمیل کرده است... زمین نبرد در اطراف فاو طوری است که اجازه نمی دهد از تعداد زیادی نیرو در این منطقه استفاده شود.» (۴).

در عین حال که عراق در چنین شرایطی توانایی لازم را برای بازپس گیری فاو نداشت، لیکن به لحاظ ارزش سیاسی - نظامی زمین منطقه، نسبت به این مسئله واقف بود که «تنها بازپس گیری فاو می تواند مجددا توازن را به سود عراق بازگرداند.» خبرنگار رادیو بی.بی.سی در زمینه اهمیت فاو برای عراق می گوید:

«بازپس گیری شبه جزیره فاو هنوز برای عراق یک اولویت کلی

ص: ۲۴

۱- ۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۹۹، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۵، زویچه سایتونگ (چاپ آلمان)، ۳۱ مارس ۱۹۸۶ (۱۱ / ۱ / ۱۳۶۵).

۳- ۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴. واشنگتن پست.

۴- ۱۴. روزنامه رسالت، ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴، السیاسه.

است و اگر عراق نتواند فاو را بگیرد، ممکن است روحیه معنوی و موقعیت صدام به طور خطرناکی از بین برود.» (۱).

مجله اشپیگل چاپ آلمان به تاثیرات عدم بازپس گیری فاو از سوی عراق اشاره کرده، می نویسد:

«عدم بازپس گیری فاو علاوه بر شکست نظامی، یک شکست سیاسی - روانی برای صدام و حامیان عربش در منطقه محسوب می شود.» (۲).

یک خبرنگار خارجی با توصیف وضع نامطلوب عراقیها پس از عملیات والفجر ۸ چنین بیان می کند:

«صدام حسین خوب می داند که ایرانیها با عبور از اروند و تصرف شهر فاو، جنگ در گلوی او انداخته اند و تنها معجزه می تواند او را از مهلکه نجات دهد.» (۳).

بدین ترتیب، عراق به ناچار و از موضع ضعف و استیصال، موقتا از بازپس گیری فاو چشم پوشید و این مسئله را به موقعیت دیگری موکول کرد و رسماً اعلام داشت که در شرایط فعلی قادر به بازپس گیری فاو نمی باشد. اعترافات رسمی عراقیها و توقف اقدامات عملی آنها موجب گردید روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ به شکل نوینی مورد ارزیابی قرار گیرد. در واقع چنانکه ذکر شد، تا پیش از این امر، به تثبیت منطقه تصرف شده از سوی ایران با تردید نظر می شد و همچنان نسبت به توانایی عراق برای بازپس گیری آن امیدواریهای زیادی وجود داشت. لیکن ناکامی عراق و اعتراف به این ناتوانی، انعکاس نامطلوبی به زیان عراق داشت. در این مورد رادیو آمریکا به نقل از ناظران سیاسی غرب گفت:

«عراق ظاهراً تصمیم گرفته است از کوششهای خود برای بازپس گیری فاو، به خاطر تحمل بهای گزاف نظامی - سیاسی، دست بکشد.» (۴).

ص: ۲۵

۱- ۱۵. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۴ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۱۶. مأخذ شماره ۶.

۳- ۱۷. مأخذ شماره ۶.

۴- ۱۸. روزنامه ابرار، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

هفته نامه لوموند چاپ فرانسه نیز طی تحلیلی نوشت:

«در ستاد ارتش عراق پذیرفته شده که بازپس گیری فاو طولانی و پرهزینه خواهد بود.» (۱).

توجه به برتری نظامی رزمندگان اسلام

با تثبیت موقعیت رزمندگان اسلام در منطقه عملیاتی فاو طی دو ماه و اندی جنگ و مقابله آنان با تمامی لشکرهای دشمن، موقعیت برتر نظامی جمهوری اسلامی مورد تأیید جهان قرار گرفت. قبل از فتح فاو، در عین حال که به لحاظ تهاجمهای پی در پی، ابتکار عمل در دست ایران بود، اما عدم تثبیت مناطق متصرفه موجب گردیده بود که از نظر نظامی چنین ارزیابی شود که عراق به خاطر برتری هوایی، آتش توپخانه و لجستیک، در اتخاذ مواضع دفاعی موفق بوده و توانسته است کنترل اوضاع را در اختیار داشته باشد. اما تصرف فاو و ناتوانی عراق در بازپس گیری آن، نقطه پایانی بر تأکیدات پیشین مبنی بر توانایی نظامی عراق بود. یک هفته نامه نظامی در این زمینه نوشت:

«تا پیش از حمله ایران به بندر متروکه فاو، چنین تصور می شد که عراقها کنترل اوضاع نظامی را دوست دارند.» (۲).

خبرگزاری یونایتدپرس به نقل از منابع اطلاعاتی خبری گفت:

«تهاجم ایران به فاو بزرگترین مشکل نظامی عراق ظرف پنج سال جنگ است.» (۳).

همچنین خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلماتها اعلام کرد:

«موفقیتهای اخیر ایران به تصویر تفوق نظامی عراق که به دقت رسم شده بود آسیب رسانیده است. تغییرات نظامی بیشتر به زیان عراق، می تواند به حکومت بغداد لطمه وارد سازد.» (۴).

ص: ۲۶

۱- ۱۹. مأخذ شماره ۳، به نقل از لوموند هفتگی (فوریه ۱۹۸۶).

۲- ۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵، رادیو اسرائیل (۳۰ / ۱ / ۱۳۶۵) به نقل از هفته نامه «یواس نیواندورلد ریپورت» چاپ آمریکا.

۳- ۲۱. روزنامه کیهان، ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۴- ۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

بنابراین، علاوه بر آنکه فتح فاو موقعیت نظامی عراق را تضعیف و متزلزل کرده، متقابلاً موجب توجه جدی قدرتهای خارجی به برتری نظامی رزمندگان اسلام شد. خیرگزاری رویتر به نقل از کارشناسان سیاسی و نظامی در خلیج فارس، اظهار داشت:

«حملات موفقیت آمیز ایران به عراق، برای اولین بار به ایران امتیاز نظامی بخشیده است و می تواند نقطه ی عطفی در تاریخ جنگ پنج و نیم ساله خلیج (فارس) باشد.» (۱).

تغییر در ماهیت سیاسی جنگ

از نظر سیاسی، تبعات ناشی از فتح فاو به منزله ی تغییر در ماهیت سیاسی جنگ نیز بود. بدین معنا که اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی عراق، پس از فتح خرمشهر، با این هدف بود که جنگ در روند فرسایشی، سرانجام منتهی به پذیرش صلح از سوی ایران خواهد شد. ولی فتح فاو و ارتقاء موقعیت سیاسی و نظامی ایران در شمال خلیج فارس، عملاً منجر به پیدایش شرایط جدیدی شد که هیچگونه مطابقتی با مشخصه های جنگ فرسایشی نداشت.

شورای امنیت سازمان ملل، متعاقب تحولات جدید و تغییر توازن به سود ایران، در تاریخ ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ اقدام به تهیه پیش نویس و صدور بیانیه ای مهم نمود. در بند ۳ این بیانیه آمده بود:

«دبیر کل از ایران و عراق بخواهد که دو کشور بیدرنگ در زمین، دریا و هوا آتش بس را رعایت کرده و بلافاصله تمام نیروهای خود را تا مرزهای بین المللی شناخته شده به عقب بکشند.» (۲).

قبل از این، در سخت ترین شرایطی که جمهوری اسلامی مورد تهاجمات زمینی، هوایی و دریایی دشمن قرار می گرفت، سازمان ملل پس از

ص: ۲۷

۱-۲۳. پیشین.

۲-۲۴. روزنامه اطلاعات، ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

چند روز تعلق، تنها اقدام به صدور بیانیه ای می کرد که در آن صرفاً از وجود درگیری بین ایران و عراق اظهار تأسف می شد. اما پس از فتح فاو و بعد از آنکه موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی آشکار شد، سازمان ملل با صدور قطعنامه ای جدید. (۱)، عملاً به سود عراق موضعگیری نمود. بدیهی است که در این شرایط تقاضای برقراری آتش بس و عقب نشینی به مرزهای بین المللی، بدون اشاره به تعیین متجاوز و پرداخت غرامت و مسائلی از این قبیل، هیچ معنا و مفهومی به جز وارد آوردن فشار سیاسی - روانی بین المللی علیه جمهوری اسلامی نداشت. قطعنامه ۵۸۲ شورای امنیت بر خلاف قطعنامه های پیشین به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت و طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق نیز بلافاصله آن را قابل پذیرش خواند.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به بیانیه شورای امنیت سازمان ملل، طی صدور بیانیه ای در تاریخ ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴، اعلام داشت:

«عدم موضعگیری صریح و قاطع در این زمینه (تعیین متجاوز) نشانگر آنست که شورا هنوز اراده سیاسی لازم را در این زمینه ندارد. بر این اساس، آن قسمت از قطعنامه که بر کل موضوع جنگ و خاتمه مناقشات مربوط می شود ناقص، بی اعتبار و غیر قابل اجرا است... اولین قدم برای حرکت به سمت حل عادلانه جنگ، محکومیت صریح عراق به عنوان متجاوز است.» (۲).

شورای همکاری خلیج فارس نیز در پی تغییر روند تحولات سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران، به نحو فزاینده ای نگرانی خود را

ص: ۲۸

۱- ۲۵. قطعنامه ۵۸۲ که توسط گروه اتحادیه عرب پیشنهاد شد، با تغییراتی در عبارات و کلمات، در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴) در جلسه ۲۶۶۶ شورای امنیت به اتفاق آراء تصویب شد.

۲- ۲۶. مأخذ شماره ۱۷.

در این زمینه روزنامه لوکوتیدین دویاری چاپ فرانسه نوشت:

«اوضاعی که در اثر حمله اخیر ایران به وجود آمد، کشورهای غرب را نگران ساخته است، زیرا اولاً- این بار نیروهای ایران بدون هیچگونه تردیدی قدم به خاک عراق گذاشته و اکنون نبرد در خاک عراق جریان دارد. ثانیاً محلی را که ایران برای حمله خود انتخاب کرده است به کویت بسیار نزدیک است.» (۱).

«شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ اقدام به برگزاری اجلاس وزیران به ریاست بن یوسف علوی عبدالله وزیر مشاور امور خارجه عمان کرد. در این اجلاس: وزرای شرکت کننده نسبت به تصرف منطقه فاو از سوی رزمندگان اسلام اظهار نگرانی کردند و این اقدام را مغایر با پیمانهای بین المللی و اصول حسن همجواری قلمداد نمودند.

از جمله مباحث سران شورای همکاری در این اجلاس، تشکیل نیروهای سپر جزیره به منظور مقابله با تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی - نظامی در جنگ ایران و عراق بود. در سطح سیاسی نیز مقرر گردید که شورای مذکور طی تماسی با کشورهای عربی دوست و سایر کشورها، به منظور خنثی کردن موقعیت برتر ایران که در اثر فتح فاو به دست آمده بود، به موضع مشترکی دست یافته و اقداماتی علیه ایران به عمل آورند.

بررسی مواضع آمریکا و شوروی پس از فتح فاو

اشاره

نظر به تأثیرات نسبتاً گسترده و تعیین کننده و مواضع و اقدامات آمریکا و شوروی در جنگ ایران و عراق، به منظور مشخص شدن تأثیر فتح فاو بر مواضع دو کشور مزبور، این مبحث به بررسی استراتژی دو قدرت بزرگ در برخورد با جنگ در مراحل مختلف، اختصاص یافته است.

ص: ۲۹

۱ - ۲۷. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۹، ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۵، لوکوتیدین دویاری چاپ فرانسه، ۲۰ فوریه ۱۹۸۶ (۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

موضع آمریکا در جنگ ایران و عراق اساساً مبتنی بر حمایت از عراق در شروع تهاجم به خاک جمهوری اسلامی، به منظور تعدیل در مواضع انقلابی ایران بود. متعاقب ناکامی عراق در تحقق و تأمین اهداف سیاسی و نظامی اش در جنگ، در پی تهاجمات سراسری رزمندگان اسلام که منتهی به فتح خرمشهر شد، ماهیت جنگ از نظر سیاسی و نظامی تغییر کرد، بدین معنی که اگر تا آن زمان از دیدگاه طراحان، از حربه جنگ به عنوان اهرم فشار و کنترل ایران استفاده می شد، این حربه در مرحله ی جدید به عامل بی ثبات کننده ی عراق و طبعاً منطقه تبدیل شد. از این پس، از سوی آمریکا و غرب و نیز کشورهای منطقه، جنگ و ادامه آن به منزله ی اهرم صدور انقلاب و تهدید منافع آمریکا و تزلزل سیاسی - نظامی عراق و کشورهای منطقه، مورد ارزیابی قرار گرفت. اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی عراق با هدایت و حمایت غربیها، این فرصت را در اختیار آمریکا و غرب قرار داد تا با حمایت‌های همه جانبه از عراق، این کشور را در برابر تهاجمات احتمالی رزمندگان اسلام حفظ نمایند.

آمریکا و غرب پیش بینی می کردند در صورتی که تهاجمات رزمندگان اسلام از نتیجه ی مطلوب برخوردار نشود و از سویی فشارهای لازم در جهت تعدیل جمهوری اسلامی ادامه یابد، سرانجام ایران را در برابر غرب مجبور به ارائه امتیاز خواهد ساخت.

غربیها در عین حال که مخالف موفقیت و پیروزی ایران بودند، عراقی قدرتمند را نیز نمی پذیرفتند. روزنامه هرالدتربیون به نقل از هنری کیسینجر نوشت:

«در این جنگ نفع نهایی آمریکا آن است که هر دو طرف بازنده شوند.» (۱).

ص: ۳۰

البته آمریکاییها پیروزی ایران را خطرناک ارزیابی می کردند، زیرا پیام اعتقادی انقلاب اسلامی و شعارهای آن، خطر اضمحلال منافع آمریکا در کشورهای اسلامی را در پی داشت. بولتن اکونومیست چاپ لندن در این زمینه نوشت:

«این کشور (آمریکا) مایل نیست که هیچیک از دو طرف پیروز گردد.»

اما پیروزی ایران را نسبت به پیروزی عراق، خطر بزرگتری برای ثبات منطقه تلقی می نماید.» (۱).

روزنامه سوئدی تمپوس نیز به نقل از هنری کیسینجر در همین زمینه نوشت:

«واشنگتن در مورد ایران که هرگز اهداف خود را محرمانه نمی گذارد، به این نتیجه رسیده است که این کشور تهدیدی بزرگتر است. ایران در نظر دارد بر عراق پیروز شده و دولتی اسلامی در این منطقه مستقر نماید.» (۲).

همچنین یک مقام آمریکایی که روزنامه تمپوس از افشای نام وی خودداری کرده بود در همین زمینه گفت:

«من تصور می کنم ابعاد پیروزی ایران برای منافع آمریکا در خاورمیانه فاجعه بار خواهد بود. اگر ایران موفق به استقرار حکومت مورد علاقه خود در عراق گردد، سیستمهای پیمانها در خلیج فارس کاملاً دگرگون خواهد شد.» (۳).

آمریکاییها با توجه به درک و تحلیلی که نسبت به جنگ و تواناییها و قابلیتهای نظامی و اهداف هر یک از طرفین داشتند، برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ و مقابله با رخدادها و حوادث غیر مترقبه، اقدام به نزدیکی و ارتباط با ایران و عراق نمودند.

بر طبق ارزیابی و تحلیل سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا)، عراق متحد

ص: ۳۱

۱- ۲۹. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۸، مورخ ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۵، اکونومیست ۲۰ مارس ۱۹۸۶ (۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۵. روزنامه سوئدی تمپوس.

۳- ۳۱. پیشین.

سنتی شوروی بوده و سیستم تسلیحاتی این کشور، ایدئولوژی حزب بعث و تفکرات سیاسی و اقتصادی آن، برقراری رابطه استراتژیک با شوروی را ایجاب می کرد؛ لکن چرخش عراق به سمت غرب، تهاجم این کشور به ایران (همسو با منافع غرب) و سپس استیصال آن در برابر تهاجمات رزمندگان اسلام، شرایطی را برای عراق به وجود آورده بود که برای بقا و تداوم حیات سیاسی و نظامی خود شدیداً نیازمند حمایت غرب و آمریکا بود. عراق در چنین شرایطی (پس از فتح خرمشهر) مبادرت به برقراری رابطه رسمی با آمریکا کرد. ارائه کمکهای اطلاعاتی و سایر حمایتها از عراق نیز از همین زمان آغاز شد.

روزنامه وال استریت ژورنال چاپ آمریکا طی تحلیلی در خصوص اهداف آمریکا از برقراری رابطه با عراق نوشت:

«دولت آمریکا در ارتباط با عراق سه هدف سیاست خارجی را در نظر داشته است:

۱- از شکست عراق به دست ایران جلوگیری کند.

۲- عراق به اردوی اعراب میانه رو ببیند.

۳- حمایت عراق را در مبارزه با تروریسم بین المللی به دست آورد.» (۱).

عراق همچنین برای نجات خود، از تلاشهای صلح آمریکا در خاورمیانه حمایت می کرد. در این باره روزنامه وال استریت ژورنال نوشت:

«دولت ریگان در سال ۱۹۸۴، با این امید روابط دیپلماتیک با عراق را از سرگرفت که آن کشور از تلاشهای صلح ایالات متحده در خاورمیانه جانبداری کند.» (۲).

در همین روزنامه پیرامون تمایل آمریکا به جانبداری از عراق آمده است:

ص: ۳۲

۱- ۳۲. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۸۵، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۵ وال استریت ژورنال چاپ آمریکا.

۲- ۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

«هر چند ایالات متحده در جنگ ایران و عراق رسماً روش بیطرفی را در پیش گرفته است! ولی گرایشش به جانب بغداد حتی پیش از تجدید مناسبات آغاز شده بود. زیرا به اعتقاد آمریکا پیروزی ایران منطقه خلیج فارس را که از موقعیت استراتژیکی بسیار پر اهمیتی برخوردار است، دستخوش بی ثباتی خواهد ساخت. از اینرو دولت آمریکا جواز فروش هلیکوپترهای غیر نظامی را به عراق صادر کرد... به علاوه، گفته می شود که عربستان سعودی با توافق واشنگتن اطلاعات جبهه های جنگ را از طریق هواپیماهای آواکس برای عراق رله می کند.» (۱).

بنابراین، در عین حال که آمریکاییها ظاهراً اظهار می کردند که نسبت به پیروزی طرفین جنگ ناخشنود هستند، لیکن در مقایسه با وضعیت عراق در برابر ایران و تبعات پیروزی ایران به حملات اطلاعاتی، تسلیحاتی، تبلیغاتی، دیپلماتیک و اقتصادی از عراق مبادرت نمودند.

از طرف دیگر، تمایل و تلاش آمریکاییها برای نزدیکی به ایران نیز اساساً از اهداف گوناگونی پیروی می نمود. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، خصوصیت اساسی انقلاب اسلامی با آمریکا و متقابلاً اقدامات خصوصیت آمیز آمریکا علیه ایران، شرایطی را به وجود آورده بود که به هیچ روی امکان آشتی وجود نداشت. آمریکاییها برخلاف رهنمودها و اقدامات امام خمینی (قدس سره الشریف) و دیدگاه ها و عملکرد نیروهای انقلابی، که همواره ضدیت با آمریکا را در تمامی زمینه ها دنبال می کردند، ضرورت نزدیکی تدریجی به ایران را با این درک و تحلیل که انقلاب اسلامی در موقعیت جغرافیایی مشخص به نام ایران به وقوع پیوسته و بحرانهای متعددی را گذرانده و به رغم توطئه ها، شرایط بقا و حیات خود را فراهم آورده است، به عنوان یک واقعیت مورد توجه قرار دادند و تلاش کردند از موضع تجدید روابط اقدام نمایند. در آن زمان هنری کیسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا در

ص: ۳۳

۱- ۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا، روزنامه وال استریت ژورنال چاپ آمریکا (۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

زمینه ضرورت برقراری روابط سازنده با ایران گفت:

«یک جنبه منفی پیروزی ایران، تقویت پرستیژ عقاید اسلامی رادیکال ضدغرب از جنوب تا شرق آسیا و تا سواحل اقیانوس اطلس است...»

ایران یکپارچه که سیاست ملی معتدل را دنبال کند با منافع غرب هماهنگی خواهد داشت. سیاست منزوی نمودن ایران تا موقعی درست است که تهران توسط متعصبهای توسعه طلب رهبری شود. موقعیت غرب در برابر ایران مشابه روابط آمریکا با چین است. به عقیده من سیاست عاقلانه ی آمریکا باید دو طریق را به موازات هم ببیند، ایستادگی در برابر توسعه طلبیهای ایرانیان همگام با برقراری روابط سازنده، تا آنگاه که واقعیتهای بنیادی خودشان را نشان دهند. سیاستمداران در احاطه بر اوضاع و شرایط حساس، باید روزنه ای را برای روز مبادا بازگذارند.» (۱).

موقعیت استراتژیک ایران در جنوب شوروی و در شمال خلیج فارس و برخورداری از جمعیت قابل توجه و منابع نفتی و خاک وسیع و موقعیت جغرافیایی برتر نسبت به همسایگان و سایر مسائل به گونه ای بود که آمریکاییها نمی توانستند به سهولت ایران را نادیده بگیرند. بنابراین، اهداف مختلفی را در این زمینه دنبال می کردند. نشریه ژون آفریک چاپ فرانسه، طی تحلیلی، به بخشی از این اهداف اشاره کرد:

«آمریکا معتقد است که با درگذشت امام خمینی و کشمکشهایی که این امر بدون شک در پی خواهد داشت، زمینه بالا گرفتن یک جریان هوادار غرب در نیروهای مسلح و محافل بورژوازی تجاری ایران فراهم خواهد شد. بنابراین، طراحان نظامی وزارت خارجه آمریکا نقش ناچیز کنونی آمریکا را پذیرفته و از نفرینهایی که مرتباً از سوی تهران نثار آنها می شود به غضب نمی آیند. آنها معتقدند که ایران به محض آنکه

ص: ۳۴

از لحاظ اقتصادی به زانو درآید به آنها و متحدین غربی آنها روی خواهد آورد. بعلاوه، آنها معتقدند که ضدیت رهبران ایران با شوروی یک برگ برنده غیر قابل انکار در بازی پیچیده ای است که در این منطقه استراتژیک جهان دارند و نشانه آن کمک مستقیمی است که تهران به شورشیان افغان می کند.» (۱).

رادیو آمریکا به نقل از جک اندرسون مفسر آمریکایی، مقاله وی در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسید، ضرورت برقراری رابطه آمریکا با ایران را با نظر دیگری مورد توجه قرار داده و برای این تغییر سیاست آمریکا دو دلیل عنوان کرد:

«نخست، نگرانی آمریکا در صورت عدم حضورش در ایران بعد از امام خمینی این است که شوروی شمال ایران را اشغال کند؛ دوم آنکه، کاخ سفید معتقد است در صورت برقراری روابط با ایران، واشنگتن سالانه ده تا دوازده میلیارد دلار کمتر خرج دفاع از خود در برابر اغتشاشات ملهم از ایران خواهد کرد.» (۲).

علاوه بر آنکه اساساً در تحلیلها شوروی به عنوان یک عامل تعیین کننده لحاظ شده است، فروش تسلیحات به ایران، به لحاظ سیستم تسلیحاتی غربی ایران و برخی از مسائل دیگر نیز به عنوان اهداف آمریکا برای نزدیک شدن به ایران مورد اشاره قرار گرفته است. در این روند، آمریکاییها از یکسو به منظور کنترل و مهار ایران، اعمال فشار به جمهوری اسلامی را ادامه می دادند و از سوی دیگر به منظور ممانعت از رادیکال شدن بیش از پیش ایران، سیاست نزدیکی به ایران را توسط برخی کشورهای اروپایی از جمله آلمان و همچنین ژاپن دنبال می کردند. به عبارت دیگر، سیاست فشار دیپلماسی آمریکا در برابر ایران بدین منظور دنبال می شد که آمریکاییها طی یک روند درازمدت با به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق،

ص: ۳۵

۱- ۳۶. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۹۶، ۹ / ۲ / ۱۳۶۵.

۲- ۳۷. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۹ / ۲ / ۱۳۶۵ رادیو آمریکا.

علاوه بر پایان بخشیدن به جنگ، مناسبات خود با ایران را نیز حل و فصل نمایند. (۱).

در این روند طبعا آمریکاییها هر عاملی را که منتهی به تغییرات عمده در جنگ و متعاقبا تقویت مواضع ایران و برتری سیاسی و نظامی آن بر عراق می شد، نامطلوب ارزیابی می کردند، لذا فتح فاو به لحاظ تبعات ناشی از آن در تقویت مواضع ایران، به زیان منافع آمریکا و غرب تلقی می شد. از اینرو موضعگیری آمریکا بلافاصله پس از فتح فاو و اقدامات بعدی این کشور در مساعدت به عراق برای حمله به مراکز صنعتی و آب و برق ایران، نشانگر فزونی یافتن مواضع خصومت آمیز آمریکا بود. در این ضمن، جورج بوش معاون وقت رئیس جمهور آمریکا در تاریخ ۱۶ / ۱ / ۱۳۶۵ به منظور انجام یک سفر ۸ روزه به کشورهای خلیج فارس و مذاکره پیرامون مسائل نهفته وارد عربستان سعودی شد. در این حال:

«همزمان با سفر بوش به منطقه، حمله به یک نفتکش عربستان سعودی توسط هواپیماهای ناشناس به منزله پیام سیاسی به آمریکا تلقی شد.» (۲).

بوش در اولین اظهار نظر خود، نگرانی آمریکای نسبت به گسترش جنگ در خلیج فارس را اینچنین مورد اشاره قرار داد:

«چیزی که ما و دوستان ما را نگران می کند آن است که این جنگ به فراتر از محدوده کنونی آن توسعه یابد. احتمال دارد که به بستن آبراه هرمز اقدام شود و یا اینکه ممکن است ایران از خطوط عراق بگذرد و به کشورهای همسایه حمله کند و این متأسفانه چیزی است که تهدید انجام آن صورت گرفته است. ما بارها این نکته را یادآور شده ایم و اجازه

ص: ۳۶

۱- ۳۸. آنچه که بعدها به عنوان ماجرای مک فارلین انتشار یافت از سال ۶۴ آغاز و به منظور تحقق اهداف فوق دنبال می شد.

۲- ۳۹. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «رویدادها»، شماره ۹۰، رادیو مسکو (۲۶ / ۱ / ۱۳۶۵).

دهید مجدداً آن را در اینجا تکرار کنم که ایالات متحد اساساً و قطعاً به جریان آزاد نفت از خلیج فارس متعهد است.» (۱).

همچنین در پی اقدام نظامی آمریکا علیه لیبی در خلیج سیرت، بوش در اظهارات تهدیدآمیز خود که خبرگزاری آسوشیتدپرس آن را نقل کرد، گفت:

«درگیری نظامی اخیر بین آمریکا و لیبی در خلیج سیرت باید گوشزدی برای ایرانیها باشد. آمریکا نمی خواهد نظاره گر این مسئله باشد که گسترش جنگ از سوی ایران، به روند تغییر در توازن قدرت در منطقه بیانجامد.» (۲).

بلافاصله پس از موضعگیری تهدیدآمیز بوش، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و فرمانده عالی جنگ اظهار داشت:

«آقای بوش در این شرایط حساس به کشورهای همسایه مسافرت می کند و چنین مغرورانه می گوید که ما اجازه نمی دهیم آبراههای جهانی ناامن شود یا ایران پیروز گردد. این حرفها برای کیست؟ ما که می دانیم شما جنگ را برای از پا در آوردن ما ایجاد کردید، حال که شکست خوردید می گوئید ما اجازه نمی دهیم موازنه در منطقه بهم بخورد.» (۳).

بوش طی این سفر ۸ روزه به بررسی وضعیت منطقه پرداخت. در این برهه، طبعاً اظهار نگرانی کشورهای منطقه و درک و دریافت بوش از شرایط متزلزل عراق، تأثیرات قابل ملاحظه ای در تصمیمات بعدی آمریکا داشت.

مصاحبه ژنرال هارین کریست، مسئول کمیته منطقه خلیج فارس از مرکز فرماندهی نظامی آمریکا و تأکید وی بر مسئولیتهای آمریکا در این منطقه، پیام آشکار آمریکا به ایران و همسایه شمالی آن بود:

«ما مسئولیت عمده ای در قبال خلیج (فارس) به عهده داریم، یکی اینکه روسها را از کشورهای کوچک خلیج دور نگهداریم و دیگر آنکه

ص: ۳۷

۱- ۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۵. رادیو آمریکا، (۲۸ / ۱ / ۱۳۶۵).

۲- ۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۵.

۳- ۴۲. روزنامه کیهان، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۵، سمینار لیبیک به ندای امام خمینی در استان خراسان.

امنیت دسترسی به ذخایر نفتی منطقه را تضمین نمائیم» (۱).

آمریکاییها ضمن اعلام موضع خود نسبت به تلاشها و اقدامات بعدی ایران به منظور بهره گیری از نتایج حاصله از فتح فاو، اقداماتی را انجام دادند که اساسا در جهت رفع نگرانی کشورهای منطقه بود.

فروش سلاح به عربستان سعودی که به لحاظ تأثیر آن بر توازن بین اعراب و اسرائیل مورد مخالفت کنگره بود، بخشی از اقدامات آمریکا در این مرحله محسوب می شد. جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا در تاریخ ۴ / ۲ / ۱۳۶۵ س.عی نمود تا کنگره آمریکا را توجیه کند که تحویل ۳۵۴ میلیون دلار سلاح به عربستان سعودی تصویب شود. شولتز در برابر اقدام کمیته فرعی نمایندگان، که لایحه ای را در مخالفت با این فروش پیشنهاد کرده بود، طی مطالبی برای آن کمیته نوشت:

این فروش، علائم سیاسی آشکاری خواهد فرستاد. علائمی به ایران که از گسترش جنگ با عراق جلوگیری کند و علامتی به عربستان و دیگر کشورهای میانه رو که اراده ی خود را تقویت کنند و این فروش اعتبارها و قابل اعتماد بودنها را به عنوان یک شریک امنیتی مورد تأیید قرار می دهد» (۲).

شولتز در نامه دیگری به لی هامیلتون نماینده کنگره، مسائل دیگری را مطرح کرد که بخوبی نگرانیهای آمریکا را خاطر نشان می ساخت. وی در این نامه نوشت:

«عربستان سعودی برای جلوگیری از گسترش و توسعه ی خرابکاری شوروی و یا ایرانیها در منطقه خلیج فارس و حفظ جریان نفت منطقه به غرب و ژاپن به سیستم دفاعی موشکی نیاز دارد» (۳).

در این شرایط که آمریکاییها بر فروش سلاح به عربستان سعودی پافشاری می کردند، خبر دستگیری یک شبکه ی قاچاق اسلحه در آمریکا انتشار

ص: ۳۸

۱- ۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۴۴. روزنامه رسالت، ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری رویترو.

۳- ۴۵. پیشین.

یافته و پوشش وسیع خبری به آن داده شد. دادستان فدرال آمریکای یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت:

«پنج قرارداد مختلف با یک خریدار ایرانی به نام سیروس هاشمی که پیش از این نیز در سال ۱۹۸۴ در ایالات متحده آمریکا متهم به فروش اسلحه به ایران شده، منعقد شده بود.» (۱).

به گفته ی مقامات قضایی آمریکا، متهمین قصد داشتند شکاربهای اف - ۴ و اف - ۵، موشکهای زمین به زمین، موشک تاو و... را به طور غیر قانونی به ایران صادر کنند. حجم معاملات بالغ بر ۵ / ۲ میلیارد دلار بود. بلافاصله روز بعد آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه اظهار داشت:

«کدام قاچاقچی اسلحه در دنیا وجود دارد که بتواند هواپیماهای پیشرفته امریکایی را از آن کشور خارج کرده و به ایران بفرستد؟»

سپس ایشان تأکید کردند:

«ما غیر از اسرائیل که باید بایکوت باشد، البته اسلحه ی آمریکایی را از هر کجا بتوانیم تهیه می کنیم، به خاطر اینکه هواپیماها و بسیاری از موشکها و سیستم توپخانه ما آمریکایی است... امروز هم اگر یک هواپیما و موشک امریکایی پیدا کنیم، آن را می خریم و این هیاو برای ما عجیب است.» (۲).

بنابراین، پس از فتح فاو و نظر به تأثیرات این پیروزی در ایران و منطقه، آمریکاییها نگرانی خود را با سفر شتابزده ۸ روزه جرج بوش به منطقه و اظهارات وی و سایر مقامات آمریکایی مبنی بر «خطر گسترش جنگ» و «تهدید جریان صدور نفت از خلیج فارس» ابراز کردند، ضمن آنکه برنامه هایی را نیز طراحی کرده و انجام دادند که بخشی از آن شامل فروش سلاح به عربستان و متقابلاً تشدید مقابله با خرید تسلیحات توسط ایران از منابع موجود در اروپا بود. علاوه بر این، باید به نقش آمریکاییها در ارائه

ص: ۳۹

۱- ۴۶. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۱۵، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۵، ادماتیه چاپ فرانسه ۲۴ آوریل ۱۹۸۶ (۴ / ۲ / ۱۳۶۵).

۲- ۴۷. روزنامه کیهان، ۶ / ۲ / ۱۳۶۵.

اطلاعات به عراق و تشویق و ترغیب این کشور در حمله به مراکز صنعتی و آب و برق و آغاز استراتژی موسوم به دفاع متحرک اشاره کرد. در واقع، تلاشهای یاد شده عمدتاً بدین منظور طرحریزی و اجرا می شد که آمریکا نتایج حاصله از فتح فاو و تغییر توازن در منطقه خلیج فارس را مهار و کنترل نماید.

مواضع شوروی

در سال ۱۳۵۷ روسیه برای اولین بار با انقلاب معتبر و قدرتمندی روبرو شد که حداقل به صورت بالقوه منافع این کشور را در آسیای میانه تهدید می کرد. اما در عین حال، مواضع ضد غربی ایران و برچیده شدن پایگاه های امریکا از مرزهای جنوبی شوروی موجب شد تا انقلاب اسلامی از جهاتی از نظر مسکو مورد ارزیابی مثبت قرار گیرد، چنانکه تلاش مسکو برای بهره برداری از تأثیرات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر توازن در منطقه به سود این کشور، موجب گردید که افغانستان مورد تجاوز و اشغال قرار گیرد. اما موضعگیری جمهوری اسلامی ایران نسبت به تجاوز ارتش سرخ به مردم مسلمان افغانستان و حمایت از این کشور، اثرات نامساعدی بر روابط دو کشور باقی گذاشت.

به دنبال تجاوز عراق به خاک جمهوری اسلامی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ روسها در برابر وضعیت خاصی قرار گرفتند. آنها در عین حال که مخالفت خود را با تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماتیک و با تعلیق فروش اسلحه به عراق نشان دادند لیکن از جهاتی امیدوار بودند که فشار غرب به ایران، علاوه بر تشدید شکاف در روابط ایران و غرب، روابط ایران با شوروی را بهبود بخشد و مواضع ایران در قبال مسئله افغانستان را نیز تعدیل نماید.

بدیهی است که تعلیق فروش سلاح به عراق با توجه به تسلیحات واگذاری شده از سوی روسها به این کشور قبل از شروع جنگ و سلاحهایی که عراق از غرب دریافت کرده بود، هیچ تأثیری در روند تحولات جنگ به زیان عراق، نداشت. ضمن آنکه هرگز روسها عراق را به عنوان متجاوز معرفی نکردند.

در چنین شرایطی روسها امیدوار بودند که ایران متأثر از تهاجم عراق نه تنها از هر گونه گرایش به غرب اجتناب نماید، بلکه با نزدیکی به مسکو نسبت به مسئله افغانستان مواضع جدیدی را اتخاذ کند. به عبارت دیگر، ایرانی تضعیف شده که به غرب متمایل نشده و در برابر روسها سیاستی همراه با تساهل و تسامح را انتخاب می کرد، مطلوب مسکو تلقی می شد.

طی این دوره مناسبات ایران و شوروی متأثر از سه مسئله افغانستان، جنگ ایران و عراق و حزب توده بود. به لحاظ عدم انعطاف در سیاست خارجی مسکو و نحوه نگرش این کشور به معضلات فی مابین، به نظر نمی رسید که گشایشی در مناسبات دو کشور به وجود آید. در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) انتخاب گورباچف به دبیر کلی حزب کمونیست موجب گردید تا تحولات قابل ملاحظه ای در سیاست خارجی این کشور بروز نماید. تصمیم و تلاش برای حل و فصل مسئله افغانستان، مهمترین و برجسته ترین گام زمامداران جدید شوروی بود که آغاز شد.

شوروی تحت رهبری گورباچف تمایل داشت نقش سازنده تری در گفتگوی صلح خاورمیانه داشته باشد. در این میان، تصمیم به عقب نشینی از افغانستان مهمترین و برجسته ترین اقدام گورباچف بود. وی بعدها اظهار داشت که تحول در سیاست خارجی و آنچه منجر به عقب نشینی از افغانستان شد، از آوریل ۱۹۸۵ (اسفند ۱۳۶۳) - درست یک ماه پیش از به قدرت رسیدن او - شروع شد. از این پس، سیاستهای شوروی در

برخورد با جنگ ایران و عراق نیز شکلی فعالتر به خود گرفت. ظاهراً روسها در مسئله جنگ ایران و عراق و مسائل دیگر منطقه، نسبت به غرب احساس عقب ماندگی می کردند. تلاش شوروی برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ، با این فرض طرحریزی و شروع شد که به رغم گرایش عراق به غرب، تحت رهبری صدام می توان علاوه بر جذب عراق، به اعمال فشار به این کشور پرداخت و ایران را نیز با ارائه برخی کمکها و همچنین اعمال فشار در شرایط مقتضی، جذب کرد.

روسها از این پس در نظر داشتند در مقابل حل مسئله ی افغانستان امتیازات مناسبی را در سایر بحرانهای منطقه به دست آورند. گورباچف مکرراً در اظهارات خود بیان کرده بود که حل مسئله ی افغانستان می تواند راه را برای تلاشهای بیشتر جهت فرونشاندن آتش در سایر درگیریهای منطقه ای، نظیر درگیریهای خاورمیانه و خلیج فارس هموار کند. بر این اساس، از سوی روسها به منظور حل و فصل مسائل افغانستان، جنگ ایران و عراق، مسائل خلیج فارس و صلح اعراب و اسرائیل، برگزاری چهار کنفرانس صلح بین المللی پیشنهاد شد.

روسها فاقد ابزار لازم برای تحقق پیشنهادات خود بودند، لیکن در نظر داشتند در ازاء امتیازاتی که با عقب نشینی از افغانستان از دست می دهند، در سایر زمینه ها به کسب بهره برداریهای مناسب پردازند.

آمریکاییها بیش از این مایل به مشارکت مسکو در جهت حل و فصل مسائل منطقه نبودند، ضمن آنکه تهدیداتی را نیز نسبت به منافع خویش متحمل می دانستند، آمریکا در مورد جنگ ایران و عراق در نظر داشت تا با تضعیف و کنترل هر دو کشور، روابط با ایران و عراق را طی این روند شکل داده و با ابتکار عملی، خود جنگ را به پایان برساند.

پس از ایجاد ارتباط تسلیحاتی برخی کشورهای عضو جبهه ی پایداری

عرب با ایران، بویژه مسلح شدن ایران به موشکهای اسکاد در سال ۶۳، تحرک روسها در جنگ ایران و عراق شکل جدیدی به خود گرفت. از این پس عراقیها روابط جدیدی را با مسکو آغاز کردند. سفر صدام به شوروی در سال ۶۳ و مذاکره با رهبران این کشور شروع بخشی از مناسبات جدید بود.

عراقیها تقاضای دریافت موشکهای اس.اس.۲۱ و اس.اس.۲۲ را نمودند تا با بهره گیری از آنها تهران را مورد حمله موشکی قرار دهند. روسها اعلام داشتند که با ارسال سایر تجهیزات نظامی موافق هستند، لیکن واگذاری موشکها را عملاً به زمان دیگری موکول کردند.

شوروی تصور می کرد که همانگونه که با واگذاری موشک اسکاد به ایران، عراق را تحت فشار قرار می دهد، بدین وسیله نیز می تواند به ایران تفهیم نماید که نسبت به مسئله افغانستان و نیز میانجیگری شوروی در جنگ ایران و عراق مواضع خود را تعدیل نماید، در غیر این صورت با تجهیز عراق به موشکهای دوربرد، فشار لازم را به ایران وارد خواهد ساخت. در این خصوص نشریه المستقبل چاپ فرانسه، به نقل از منابع برجسته عربی نوشت:

«اتحاد شوروی دست به تحرک دو مرحله ای زده است. مرحله نخست: در خلال دیدار پرزیدنت صدام حسین از مسکو که در دسامبر گذشته صورت گرفت، مقامات شوروی موضوع کشاندن جنگ بر سر میز مذاکره و آمادگی رهبران شوروی برای ایفای نقش میانجی جهت تحقق این امر را با رئیس جمهور عراق در میان گذاشتند. بر این اساس، مقامات شوروی عدم موفقیت خود را با ارسال موشکهای دوربرد زمین به زمین از نوع اس.اس.۲۱ و اس.اس.۲۲ (که می تواند به اهدافی در فاصله ی ۶۰۰ کیلومتری و یا بیشتر اصابت نماید) را به عراق اعلام

نمودند، هر چند که با ارسال دیگر تجهیزات جنگی به عراق موافق بودند.

شورویها تصور نمودند که این امر ممکن است رهبران ایران را به نشان دادن نرمش و آمادگی برای انجام مذاکره با عراق تشویق نماید.» (۱).

به دنبال تحرکات دیپلماتیک شوروی و عراق، روسها به منظور ممانعت از ناخشنودی ایران، علاوه بر ارسال گزارش مذاکرات، طی نامه ای به مسئولین جمهوری اسلامی، کورنینکف را همراه با یک هیئت عالیرتبه راهی تهران نمودند. طی این سفر، ملاقاتهای سطح بالایی برای کورنینکف ترتیب داده شد. وی از جانب گورباچف از مسئولین جمهوری اسلامی برای بازدید از مسکو دعوت به عمل آورد. صدور بیانیه مشترک از جانب ایران و شوروی و اظهار رضایت طرفین از نتایج مذاکرات، نشانگر موفقیت سفر و خشنودی ایران و شوروی از دستیابی به مقاصد خود بود.

بلافاصله پس از آغاز عملیات والفجر ۸، فتح فاو و انهدام بخشی از توان نظامی عراق، روسها صریحا و آشکارا طی موضعگیری متفاوتی ناخشنودی خود را ابراز داشتند.

خبرگزاری فرانسه به نقل از واسیلی سافرونموک نماینده شوروی چنین مخابره کرد:

«شوروی از متخاصمین دعوت کرد تا اختلافات خود را بر سر میز مذاکره حل و فصل کنند نه در میدان نبرد. ادامه جنگ تنها به نفع کسانی است که به منظور مداخله می خواهند ایران و عراق را تضعیف کنند.» (۲).

رئیس ستاد نیروهای مسلح شوروی در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت:

«موضعگیری شوروی در جنگ غیر قابل تغییر بوده است. شوروی این جنگ را بی معنی و غیر ضروری برای هر دو طرف می داند که باید هر چه زودتر قطع شود. موضعگیری شوروی ثابت است چه وقتی که

ص: ۴۴

۱- ۴۸. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۶۶، ۲۵ / ۱۲ / ۱۳۶۵ المستقبل چاپ فرانسه ۲۲ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴. خبرگزاری فرانسه (۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

عراق وارد خاک ایران شد و چه حالا که ایران وارد خاک عراق شده است.» (۱) هفته نامه زاروبژوم چاپ شوروی می نویسد:

«نباید اجازه داد که جنگ ایران و عراق طولانی تر از این بشود زیرا این امر ممکن است پای نیروهای امپریالیستی علاقه مند به افزایش تشنجات آینده خلیج فارس را به این منطقه بکشاند.» (۲).

سفیر شوروی در قاهره طی مصاحبه ای ضمن تأکید بر موضع شوروی برای پایان بخشیدن به جنگ، سیاستهای ایران را عامل تداوم جنگ نامید:

«اتحاد جماهیر شوروی سعی می کند با هر روش ممکن جنگ ایران و عراق را متوقف سازد، ایران آماده نیست سیاست خود را برای ادامه جنگ تغییر دهد و حمله ی اخیر ایران بر سرزمینهای عراق تأکیدی بر این سیاست است. شوروی توقف فوری جنگ ایران و عراق و خاتمه درگیری از راههای مسالمت آمیز را خواستار است.» (۳).

ایزوستیا چاپ شوروی نیز طی تحلیلی ضمن تأکید بر ضرورت حل جنگ به شیوه مسالمت آمیز و بهره نهدانی آن برای امپریالیزم در صورت ادامه جنگ، نوشت:

«جنگ خلیج فارس نه به نفع عراق است و نه ایران، تنها کشورهایی که از آن سود می برند آمریکا و متحدانش می باشند.» (۴).

روسها شکست عراق در برابر ایران را به لحاظ نتایج ناشی از آن، اساساً به زیان خود ارزیابی می کردند و تلاش آنها فشار به ایران برای اتمام جنگ بود. غربیها انگیزه شوروی از اتخاذ مواضع جدید را تقویت موقعیت این کشور در منطقه و گسترش رابطه با ایران و عراق می دانستند.

در این مورد ژنرال هارین کریست از مرکز فرماندهی نظامی آمریکا و مسئول کمیته منطقه ی خلیج فارس ضمن تحلیلی گفت:

ص: ۴۵

۱- ۵۰. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی:، بولتن شماره ۲۲۲ / ۳، ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۵۱. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۲، ۷ / ۱ / ۱۳۶۵ هفته نامه زاروبژوم چاپ شوروی ۶ مارس ۱۹۸۶ (۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۳- ۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو صوت جماهیر (۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴)، به نقل از شوروی در قاهره.

۴- ۵۳. دفتر تبلیغات اسلامی واحد قم، بولتن «گزارش» شماره ۳۳، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری رویتر، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۵، به نقل از ایزوستیا چاپ شوروی.

«به نظر می‌رسد در حال حاضر شرایط به سود روسها باشد و آنها در جنگ ایران و عراق بر روی دو طرف کار می‌کنند، لیکن من فکر می‌کنم که روسها به ایران به صورت جواهر یک تاج نگاه می‌کنند زیرا در صورتی که روسها کنترل ایران را به دست گیرند، کنترل تمامی خلیج فارس را در اختیار خواهند داشت.» (۱).

هفته نامه نیوزویک معتقد است پیروزی ایران در فاو موجب گرایش صدام به شوروی شده است:

«پیروزی اخیر ایران باعث گرایش صدام حسین به شوروی خواهد شد. اخیراً یک گروه هزار نفری از مستشاران نظامی روسی وارد بغداد شدند که اکثراً در واحدهای عملیاتی عراق در خط مقدم جنگ مشغول به کار خواهند شد. این در حالی است که صدام حسین در سفر خود به مسکو، در پائیز سال گذشته، عاجزانه درخواست کمکهای تسلیحاتی اساسی تری از شوروی کرده بود.» (۲).

بولتن محرمانه ی اکونومیست نیز پیروزی ایران را عامل افزایش نگرانی شوروی و تسریع ارسال تجهیزات به عراق ذکر کرده و می‌نویسد:

«این شکست (عراق در فاو) شوروی را نگران ساخت. در حال حاضر گفته می‌شود که این مسئله، توجه و رسیدگی و سرعت بخشیدن به روند کند تحویل اسلحه از روسیه به عراق را سبب شده است.» (۳).

در شرایطی که اخبار متفاوتی مبنی بر ناخشنودی شوروی از پیروزی جمهوری اسلامی و ادامه جنگ و همچنین گسترش روابط شوروی با ایران و عراق انتشار می‌یافت، عراقی‌ها به طور ماهرانه ای به انتشار خبری مبنی بر استفاده از سلاحهای پیچیده و خطرناک دریافتی از شوروی، مبادرت به تهدید ایران نمودند. متن خبر منتشره از رادیو عراق چنین است:

«عراق هنوز از سلاح پیچیده و خطرناک ساخت روسیه که در

ص: ۴۶

۱- ۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۵ هفته نامه نیوزویک چاپ آمریکا.

۳- ۵۶. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۹، ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۵، نشریه اکونومیست چاپ لندن، ۱۳ مارس ۱۹۸۶ (۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

اختیار این کشور است استفاده ننموده و اگر استفاده کند نتیجه معلوم خواهد شد.» (۱).

عراق با انتشار این نوع اخبار در صدد بود که مانع از ایجاد ارتباط نزدیک بین ایران و شوروی شود. زیرا چنین رابطه ای را به زیان خود می دید.

اما شوروی ها که نمی خواستند در این شرایط تهران را آزرده نمایند، بلافاصله واکنش نشان دادند. یک مقام روسی در تهران اظهار داشت:

«دولت شوروی قصد ندارد که سلاحهای جدیدی در اختیار عراق قرار دهد، زیرا یک چنین عملی موفقیت بیطرفانه شوروی در جنگ ایران و عراق را نقض خواهد کرد.» (۲).

در همین زمان القبس چاپ کویت اقدام به درج اخباری کرد که حاکی از افزایش ارسال سلاح توسط شوروی به عراق بود:

«شوروی یک پل هوایی برای حمل سلاح و مهمات به بغداد کرده است. گورباچف رهبر شوروی با ارسال نامه ای به برخی از سران عرب به آنان اطمینان داده است که شوروی اجازه نخواهد داد عراق در جنگ با ایران شکست بخورد.» (۳).

مناسبات عراق و شوروی متعاقب فتح فاو به شکل فزاینده ای رو به بهبود نهاد. در واقع روسها از سیاست جدید خود مبنی بر فشار به عراق برای جذب مجدد این کشور، موفقیت هائی را به دست آوردند. توسعه ی روابط عراق با شوروی و تجهیزات دریافتی توسط عراق گرچه منتهی به دریافت موشکهای اس.اس.۲۱ نشد لیکن در عین حال برای تقویت توان نظامی عراق و کسب حمایت سیاسی شوروی مفید بود. سفیر عراق در مسکو (سعید فیصل) طی مصاحبه ای اعلام کرد:

«روابط دوجانبه میان عراق و شوروی در مدت اخیر بویژه در سال جاری شاهد گسترش و رشد چشمگیری بوده است. دیدارهای متقابل دو

ص: ۴۷

۱- ۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی (بوشهر)، ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو عراق.

۲- ۵۸. روزنامه کیهان، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴، رادیو لندن.

۳- ۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» شماره ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۴، القبس چاپ کویت.

کشور در سال گذشته و بخصوص سفر صدام رئیس جمهوری عراق به مسکو روابط دوستانه دو کشور را ژرف تر ساخت. گسترش چشمگیر روابط در زمینه های اقتصادی، بازرگانی و پروژه های نفتی بود.» (۱).

چند روز پس از اظهارات رضایت آمیز سفیر عراق در مسکو پیرامون روابط بغداد - مسکو، طارق عزیز طی سفر سه روزه به مسکو اقدام به انعقاد قرارداد با این کشور نمود. وی پس از مراجعت به بغداد طی مصاحبه ای با رادیو عراق گفت:

«سفرش به شوروی موفقیت آمیز و ثمربخش بوده و به امضای یک موافقتنامه همکاری گسترده در همه ی زمینه ها انجامیده است به طوری که مرحله جدیدی در راه همکاری جدی بین دو کشور پدیدار خواهد شد.» (۲).

به هر حال، با گرایش عراق به سوی شوروی پس از عملیات فاو، روسها با صرف هزینه ای گزاف و تأمین منابع تسلیحاتی عراق، موقعیت خود را در منطقه بهبود بخشیدند و ضمن تجدید روابط نزدیک با عراق، زمینه های ایجاد مناسبات نزدیک با کشورهای عربی را نیز آماده می ساختند و همزمان با این اقدامات درصدد برآمدند که با تهران نیز روابط نزدیکی برقرار سازند.

ص: ۴۸

۱- ۶۰. روزنامه رسالت، ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری کویت.

۲- ۶۱. روزنامه رسالت، ۱ / ۲ / ۱۳۶۵، واحد مرکزی خبر.

فتح فاو و نتایج ناشی از آن در تغییر موازنه سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی، موجب گردید تا تلاشهای گسترده ای از سوی عراق و غرب به منظور تحت الشعاع قرار دادن موقعیت برتر ایران طراحی شود. اتخاذ استراتژی نظامی دفاع متحرک و افزایش حملات هوایی از سوی عراق و همچنین کاهش قیمت نفت بخشی از ابعاد گوناگون این طرح به شمار می رفت که به مرحله اجرا در آمد. تلاشهای عمده عراق و حامیانش در این مقطع به جلوگیری از شکست کامل عراق، بازگردان موقعیت از دست رفته آن کشور و حداقل، برقراری توازن بین دو کشور درگیر، با وادار نمودن جمهوری اسلامی به عدول از مواضع اصولی اش در نظر گرفته شده بود. تا آنجا که برژینسکی طی اشاره به تلاش غرب جهت جلوگیری از شکست عراق و ضرورت اعمال فشار به جمهوری اسلامی گفت:

«هدف غرب باید این باشد که از شکست عراق جلوگیری کند، ولی نه به طریقی که ایران را فرسوده و بی نظام سازد. زیرا یک حیوان متحد با

اهداف سیاسی میانه رو، با منافع آمریکا در خلیج فارس مطابق است.» (۱) (۲).

به عبارت دیگر، در حالی که فشارهای وارده به ایران می بایست تواناییها و قابلیت‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی ایران را تضعیف نماید، لکن باید به گونه ای کنترل می شد تا جنگ بدون اینکه برنده یا بازنده ای داشته باشد، پایان یابد.

بدین ترتیب به دنبال فتح فاو توسط جمهوری اسلامی، سیاست اعمال فشار به ایران با هدف ایجاد «توازن سیاسی - نظامی» بین دو کشور در قدم اول، و در نهایت تحمیل صلح به جمهوری اسلامی تدوین و به مرحله اجرا در آمد که در ذیل با بررسی فشارهای وارده به ایران، چگونگی آن را مد نظر قرار می دهیم.

استراتژی دفاع متحرک

ناتوانی عراق در بازپس گیری فاو و تأثیرات منفی از دست دادن این منطقه از نظر روحی و سیاسی و نظامی، مهمترین محرک عراق در اتخاذ «استراتژی دفاع متحرک» بود. تاکتیک نیروی زمینی سپاه برای عبور از رودخانه اروند و غافلگیری قوای عراقی موجب گردید که آنان در وضعیت دشواری قرار گرفته و برای باز پس گیری منطقه ناتوان شدند. در چنین شرایطی عراق دو راه مشکل در پیش رو داشت که انتخاب هر یک از آنها می توانست تأثیرات نامطلوبی را برای این کشور در پی داشته باشد، بدین معنی که اگر از یکسو برای بازپس گیری فاو پافشاری می کرد، می بایست به

ص: ۵۰

۱- ۶۲. البته این نوع موضعگیری که ایران نباید فرسوده و بی نظام شود، ناامیدی غرب را از اضمحلال و فروپاشی جمهوری اسلامی نشان می دهد. برژینسکی به جای اعتراف به شکست استراتژی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی، به گونه ای سخن می گوید که گویا آمریکا اقدامی علیه نظام و ثبات ایران انجام نداده است!

۲- ۶۳. دفتر سیاسی سپاه پاسداران، کتاب «خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ»، (تهران: سپاه پاسداران)، ص ۷۸.

تلفات سنگین تن در دهد. زیرا موقعیت و نحوه حضور رزمندگان اسلام و وضعیت رزمی نیروهای عراقی امیدی برای دشمن باقی نمی گذاشت. متقابلاً به خاطر اهمیت سیاسی - نظامی منطقه، چشم پوشی از آن و قبول تسلط ایران بر آنجا نیز برای عراق میسر نبود.

بدین ترتیب، عراق با بن بست سختی روبرو بود و برای خروج از این وضعیت می بایست الزاماً استراتژی جدیدی اتخاذ می کرد. اظهارات صدام در آن زمان، بخشی از ابعاد وضعیتی را که عراق گرفتار آن شده بود بیان می کند:

«پاره ای از دوستان توصیه کرده اند که شما چه اصراری دارید در حالی که ایرانیها نیروهای خود را در (فاو) متمرکز ساخته اند به آن منطقه حمله کنید. اهداف دیگری را غیر از شهر فاو در طول مرز ۱۲۰۰ کیلومتری تعیین و به نیروهای ایران حمله کنید. حال ما به این نتیجه رسیده ایم که اگر ارتش ما حمله نکند، نیروهای ایران حمله می کنند و اگر در یک منطقه پدافند کنیم، پس از چند روز همان اندازه تلفات می دهیم که معمولاً در حمله می دهیم. بنابراین راه در این یافتیم که فعلاً از فاو صرف نظر کنیم و در سایر جبهه ها به نیروهای ایرانی حمله کنیم.» (۱).

اظهارات صدام بیانگر سیاست جدید نظامی عراق و توضیح اهداف این کشور در اتخاذ استراتژی دفاع متحرک بود. در این شرایط عراق در نظر داشت که ابتدا از پیشروی رزمندگان اسلام ممانعت به عمل آورده و سپس مبادرت به عقب راندن آنها نماید. لذا پس از آنکه به این نتیجه رسید که پیشروی نیروهای ایرانی در منطقه متوقف شده است و تنها اقداماتی در جهت تثبیت مواضع صورت می گیرد، بدون نگرانی از ادامه پیشروی نیروهای خودی در فاو، «استراتژی دفاع متحرک» را در دستور کار خود قرار داد. تحلیل خبرگزاری رویتر در این باره چنین است:

«عراق پس از آنکه با ضد حملات مکرر نتوانست ایرانیها را از فاو

ص: ۵۱

بیرون کند، استراتژی خود را تغییر داده و نیروهای آن برای اولین بار از زمان عقب نشینی از خاک ایران در سال ۱۹۸۲، از مرز ایران عبور کرده و بخشهایی از خاک ایران را به اشغال در آورده اند.» (۱).

عراقیها همچنین نسبت به این مسئله واقف بودند که در وضعیت موجود، عامل مؤثر در تغییر موازنه در جنگ، باز پس گیری فاو می باشد. بر این اساس، استراتژی دفاع متحرک نهایتاً بدین منظور طراحی شده بود که در مرحله بعد منجر به عقب راندن نیروهای ایران از فاو شود. اظهارات دولتمردان عراق در این زمینه می تواند بسیار گویا باشد:

«عراق راه حل نظامی برای آزاد سازی فاو را حتی یک روز به تأخیر نخواهد انداخت.» (۲).

معاون صدام، طه یاسین رمضان، نیز در این زمینه گفته است:

«عراق برای باز پس گرفتن فاو در موقعیتی مناسب، طرحی را تهیه کرده و نیروهای عراق از مرحله دفاع به مرحله تهاجم منتقل شده اند.» (۳).

در تاریخ ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ تحرکات نظامی عراق (۴) در چارچوب استراتژی دفاع متحرک با حمله به منطقه عملیاتی والفجر ۹ در منطقه چوارتا آغاز شد و به دنبال پیروزی نیروهای عراق در این منطقه و کسب روحیه حاصل از این موفقیت، تهاجم به سایر مناطق گسترش یافت. طی این مدت عراق به منطقه عمومی پنجوین (۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۴)، ارتفاعات دربندیخان (۱۰ / ۱ / ۱۳۶۵)، منطقه شرهانی (۱۸ / ۱ / ۱۳۶۵) ارتفاعات سومار (۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵)، ارتفاعات منطقه سیدکان (۴ / ۲ / ۱۳۶۵)، جزیره مجنون (۶ / ۲ / ۱۳۶۵)، منطقه فکه (۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵)، منطقه پیچ انگیزه (۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵) ارتفاعات حاج عمران (۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵) و منطقه عمومی مهران (۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵) حمله کرد.

ص: ۵۲

۱- ۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶ / ۲ / ۱۳۶۵، رادیو کویت (۲۵ / ۲ / ۱۳۶۵)، مجله المدارت چاپ لندن.

۲- ۶۶. روزنامه رسالت، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵، روزنامه کویته السیاسه.

۳- ۶۷. پیشین.

۴- ۶۸. در این مورد به کتابهای «از خرمشهر تا فاو» و «جنگ در سال ۶۵»، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران مراجعه شود.

انتخاب این مناطق برای حمله از سوی عراق، با این برداشت و درک نظامی طراحی شده بود که نیروهای ایران پس از عملیات فاو فاقد سازماندهی لازم می باشند و در صورتی که نیروهای عراق در جبهه های مختلف به صورت جداگانه مبادرت به تهاجم نمایند، ایران توان لازم برای پاسخگویی نخواهد داشت. (۱) البته تحرکات عراق، عملیات مهمی به حساب نمی آمد و به جز آخرین مرحله از این سلسله عملیات که به سقوط مهران انجامید، بقیه عملیات دشمن قابل توجه نبود و نمی توانست فتح فاو را تحت تأثیر قرار دهد. ولی دشمن که ضربه شدیدی را در فاو متحمل شده بود، برای جبران موقعیت از دست رفته، حرکات نظامی محدود خود را با هیاهوی تبلیغاتی توأم می کرد. رادیو عراق که در عوامل این هیاهو بود، اعلام می داشت:

«ارتش ایران را در تمامی جبهه (از شمال گرفته تا جنوب) مورد حمله و سرکوب قرار می دهیم و بزرگترین خسارات و ضایعات را به آنها وارد می آوریم. هیچ تجمع و تراکمی را بدون ضربت و سرکوب باقی نخواهیم گذاشت. هر کسی را بخواهیم به اسارت خود در می آوریم و با دلیل ملموس به رژیم ایران ثابت خواهیم کرد که این موضعگیری ما همان موضعگیری پیش است، یعنی خودداری از تهاجم به داخل خاک ایران، همچنان که در میدانهای جنگ به رژیم ایران ثابت کردیم که تمایل به صلح داریم و این بار قدرت نظامی ما با برگزیدن صلح به جای جنگ هماهنگی دارد و موضعگیری ثابت و نهایی ما است.» (۲).

ص: ۵۳

۱- ۶۹. فرمانده کل سپاه پاسداران در این زمینه اظهار داشت: به گفته ی یک سرهنگ پناهنده عراقی، عقیده ارتش عراق این است که نیروهای ایران بعد از هر حمله نیاز به یکسال بازسازی دارند و نمی توانند سریع حمله کنند؛ لذا ما باید از این مسئله به عنوان غافلگیری استفاده کرده و به آنها حمله کنیم. (کتاب جنگ در سال ۶۵، ص ۷۰).

۲- ۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵، رادیو بغداد (۱۷ / ۲ / ۱۳۶۵).

پس از فتح فاو مقامات عراقی قدرت مانور سیاسی خود را از دست داده بودند و دیگری نمی توانستند تظاهر به صلح طلبی کنند. اما بعد از شروع استراتژی دفاع متحرک و کسب چند موفقیت نسبی، مجدداً به مانورهای سیاسی - تبلیغاتی پرداختند.

چنانکه اشاره شد، دفاع متحرک عراق اهداف ارزشمندی را برای این کشور در پی نداشت، مگر آخرین مرحله آن منجر به سقوط مهران شد. در پی این عملیات بود که عراق احساس کرد عقب ماندگی خود را در شکست فاو جبران کرده و به توازن نزدیک شده است. به همین دلیل، پس از سقوط مهران، سعدون حمادی رئیس وقت مجلس عراق طی نطقی اظهار داشت:

«سیاست جدید عراق، خاتمه دادن به جنگ، برقراری صلح، مبادله اسرا و زمینها، عقب نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای بین المللی، ایجاد راه حل جامع و عادلانه بر اساس حفظ حقوق دو طرف و عدم دخالت در امور یکدیگر را تسریع خواهد بخشید.» (۱).

همچنین رادیو عراق طی تحلیلی در خصوص آمادگی عراق برای تخلیه مهران گفت:

«عراق اقدام به تصرف مهران نمود تا ایران فکر نکند که ما ضعیف هستیم. اکنون اعلام می کنیم که در همین حال، حاضر به عقب نشینی از مهران هستیم در صورتی که:

۱- عقب نشینی ایران و عراق به مرزهای بین المللی و عدم دخالت در مسائل داخلی یکدیگر صورت گیرد.

۲- عقب نشینی ایران از فاو در مقابل عقب نشینی از مهران خواهد بود، در غیر این صورت، شهر مهران را در اشغال خود نگه می داریم.» (۲).

ولی تبلیغات دشمن خللی در اراده جمهوری اسلامی مبنی بر ادامه جنگ وارد نیاورد، به طوری که صدام در جمع نظامیان و فرماندهان نظامی این کشور گفت:

ص: ۵۴

۱- ۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۵، رادیو مسقط (۲۹ / ۲ / ۱۳۶۵). به نقل از سعدون

حمادی رئیس مجلس عراق.

۲- ۷۲. رادیو عراق.

«نیروهای مسلح عراق به عملیات اشغال اراضی ایران تا زمان قبول صلح از سوی رهبران ایران ادامه خواهند داد.» (۱).

در هر صورت، عراق با «اتخاذ استراتژی دفاع متحرک»، با تحمل تلفات فراوان، توانست تا اندازه ای موقعیت خود را در مقایسه با شرایطی که پس از فاو با آن دست به گریبان بود، بهبود بخشد.

افزایش حملات هوایی

گسترش تهاجمات هوایی عراق بخش تکمیلی استراتژی دفاع متحرک به شمار می رفت. در واقع، عراق در این شرایط برای کسب روحیه و وادار کردن ایران به عدول از مواضع خود، سیاست تعرضی را در اشکال مختلف دنبال می کرد. تهدیدات هوایی عراق علیه ایران از فروردین ۶۵ آغاز شد. در تاریخ ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۵ حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق اظهار داشت:

«نیروی هوایی عراق همچنان حملات آسیب رساننده شدید و غافلگیر کننده ای را در آینده نزدیک علیه نیروهای ایران و اهداف آنان صورت خواهد داد.»

حمید شعبان مدتی بعد نیز ضمن تأکید بر افزایش توان هوایی عراق گفت:

«ما توانایی دستیابی به هر هدفی را در داخل خاک ایران بدون توجه به بعد مسافت داریم و طی چند روز آینده این را ثابت خواهیم کرد. نیروی هوایی عراق امکاناتی جهت منهدم کردن تمامی هدفها در ایران دارد و در صورت عدم پذیرفتن صلح از سوی ایران، چنین خواهد کرد.» (۲).

طی این مرحله، هواپیماهای عراقی شهرها و روستاهای مناطق وسیعی از خاک جمهوری اسلامی را مورد تهاجم قرار دادند. فرمانده نیروی هوایی عراق با ارائه آماری از عملیات انجام شده توسط این نیرو در فروردین سال

ص: ۵۵

۱- ۷۳. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۴۲، ۱۶/۴/۱۳۶۵ به نقل از المجله چاپ انگلستان ۳ ژوئن ۱۹۸۶ (۱۳ خرداد ۱۳۶۵).

۲- ۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵، خبرگزاری آلمان ۱۸ / ۲ / ۱۳۶۵، حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق.

۶۵ اعلام کرد که طی یک کاه ۱۴۶۸۶ مأموریت رزمی انجام داده است.

رادیو لندن در رابطه با این حملات هوایی اظهار داشت:

«از هنگامی که سر فرماندهی عراق دریافت که لااقل در زمان حاضر نمی تواند نیروی زمینی ایران را از شبه جزیره فاو بیرون براند، به دنبال راههای دیگری برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ بوده است. از دیدگاه عراق بهترین راه کار، بسیج هوایی برتر عراق برای حمله به هدفهای واجد اهمیت اقتصادی ایران است.» (۱).

تهاجمات نسبتاً وسیع عراق طی این مرحله، در مقایسه با آنچه که بعدها عراقیها، پس از افشای ماجرای مک فارلین انجام دادند، بسیار ناچیز بود. به نظر می رسد که طرحهای عملیات هوایی عراق بنا به دلایلی در این مرحله به صورت کامل اجرا نشد، لیکن زمینه لازم را برای تهاجمات بعدی فراهم کرد.

کاهش قیمت نفت

هدف اصلی از کاهش قیمت نفت، تأثیرگذاری بر منبع اصلی تأمین ارز ایران، کاهش قدرت اقتصادی کشور و نهایتاً متزلزل ساختن تأمین هزینه جنگ بود. ناامیدی متحدین و حامیان عراق نسبت به عدم تأثیر کمکهای همه جانبه به آن کشور و تأثیرات اندک فشارهای فزاینده به جمهوری اسلامی ایران، به منظور از پا در آوردن آن، موجب شد تا نسبت به کاهش قیمت نفت تصمیماتی اتخاذ شود.

در این زمینه ویلیام فایر گفت:

«با ایران چه کنیم؟ هر چه پول در رگهای عراق تزریق شده نتیجه نداده است. اگر عراق برود، فردا کویت و پس فردا عربستان سعودی نیز رفته است و تنها یک روزنه امید هست؛ با سقوط قیمت نفت، ایران ورشکست می شود و ماشین جنگی او از کار می افتد. شاید این درمان کارگر شود و

ص: ۵۶

این آخرین شانس ماست.» (۱).

همچنین، روزنامه واشنگتن پست به نقل از سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در مورد کاهش خرید نفت از ایران نوشت:

«یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا گفته بود که بخشی از کوششهای آمریکا در جهت خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق، سعی در بازداشتن شرکتها خرید نفت ایران و تجارب با ایران بوده است تا درآمد ایران کاهش یابد.» (۲).

روزنامه آلمانی زودویچه سایتونگ به همین نکته اشاره کرد و نوشت:

«ادامه جنگ با عراق بستگی به صادرات نفت ایران دارد و این در شرایطی است که حمله عراق به مراکز اقتصادی و نفتی ایران از دید ناظران نظامی غرب بسیار مهم تلقی می شود. آنها پیش بینی می کنند که این جریان موجبات کاهش شدید صادرات نفتی ایران را که منبع اصلی درآمد ارزی این کشور برای ادامه جنگ است، فراهم خواهد ساخت.» (۳).

بدین منظور عراق برای حمله به پایانه های نفتی ایران مورد تشویق و ترغیب قرار گرفت. رادیو آمریکا به نقل از برخی کارشناسان، در مورد اثرات عراق گفت:

«اگر عراق همانند گذشته تهاجم تازه ی ایرانیها (به فاو) را با بمباران شهرهای ایران و پایانه های نفتی پاسخ دهد، ممکن است دوباره سر و صدای خستگی و بیزاری از جنگ در ایران بلند شود.» (۴).

در این سناریو افزایش تولید نفت عربستان نیز به منظور کاهش قیمت نفت در نظر گرفته شده بود. روزنامه ال پائیس در این مورد نوشت:

«از نقطه نظر سیاسی، کشورهای نفتی و دولتهای محافظه کار خلیج فارس مانند عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی خواهان پایان یافتن جنگ طولانی میان ایران و عراق و تعدیل رژیم (امام) خمینی هستند... کشورهای مذکور برای رسیدن به این هدف تلاش

ص: ۵۷

۱- ۷۶. مأخذ شماره ۱، ص ۷۶.

۲- ۷۷. مأخذ شماره ۱، ص ۱۰۹.

۳- ۷۸. مأخذ شماره ۱، ص ص ۱۰۲-۱۰۳.

۴- ۷۹. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۶۴، رادیو آمریکا (۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۵).

می کنند تا از نظر مالی ایران را با کاهش فروش نفت خام و سقوط قیمت‌ها تحت فشار شدید قرار دهند. در این رابطه است که دریافتهای ایران در مقایسه با دو سه سال قبل حدود ۸۰٪ کاهش یافته است.» (۱).

با کاهش قیمت نفت و طبعاً کاهش قدرت خرید جمهوری اسلامی، علاوه بر بروز مشکلات فزاینده در خرید تجهیزات نظامی، نسبت به تأمین مایحتاج عمومی مردم نیز تنگناهایی به وجود آمد. تشکیل کمیته ویژه برای این وضعیت که بعدها نیز تداوم یافت، ناشی از فشارهای وارده و به عنوان بخشی از تلاشهای ایران به منظور مقابله با بحران جدید بود، ضمن آنکه در مورد صدور نفت نیز تدابیر جدیدی اتخاذ شد.

ص: ۵۸

۱- ۸۰. روزنامه کیهان، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۵.

پس از فتح فاو، افزایش فشار همه جانبه به جمهوری اسلامی عمدتاً بدین منظور طرح‌ریزی و اجرا شد که علاوه بر تحت الشعاع قرار دادن موقعیت برتر ایران و پیروزیهای آن، به ایران تفهیم و القا شود بهایی که برای هر پیروزی باید بپردازد، بیش از آن چیزی است که به دست خواهد آورد. امام خمینی (ره) بر اساس این شرایط و با پیش‌بینی افزایش فشار به ایران، علاوه بر اینکه سال ۶۵ را «سال استقامت» نام نهادند، حضور در جبهه را به عنوان یک تکلیف مورد تأکید قرار دادند:

«امروز همه ما مکلف هستیم، جوانهای ما باید این جبهه‌ها را پر کنند از انسانهای قوی، که بحمدالله هم الان پر کرده اند، لکن بیشتر لازم است. آقا قضیه، قضیه از بین رفتن اسلام، چه تشیع و چه تسنن است و قضیه اینکه ما قیام کنیم و نگذاریم بشود.»
(۱).

در واقع امام در سخنانشان برای پاسخگویی به مخالفین ادامه جنگ، مسأله اساسی دفاع را مورد توجه و تأکید قرار دادند. امام (ره) در حقیقت با اعلام بسیج عمومی و آمادگی بیشتر به منظور ادامه ی دفاع مقدس دو نکته

ص: ۵۹

۱- ۸۱. وزارت ارشاد اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، جلد ۱۹ (تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی) ص ۲۹۰.

را در نظر داشتند. از یکسو با توجه به اینکه تلاشهای سیاسی که از مدتها پیش برای برقراری آتش بس صورت می گرفت و در این زمان تشدید گردیده بود، ممکن بود برخی را در امر ادامه ی جنگ و دفاع از حقانیت جمهوری اسلامی دچار تردید کند و احیانا احساس کنند که با فتح فاو و موقعیت برتر جمهوری اسلامی، قدرتهای حامی صدام، شرایط ایران را پذیرفته و امکان دستیابی به یک صلح شرافتمندانه و حقیقی، به وجود آمده است. در همین رابطه رادیو بی.بی.سی طی گزارش اظهار داشت:

«در آخرین روزهای سال کهن در برخی محافل دیپلماتیک شایعاتی در جریان بود مبنی بر اینکه شاید توافق آتش بس صورت پذیرد. شایعه از این قرار بود که بعضی از دولتهای اروپای غربی که می کوشند جنگ ایران و عراق را به پایان آورند، فرمول حزب بعث منهای صدام حسین را در برابر ایران قرار داده و با واکنش مساعد روبرو گشته اند. گفته شده بود که بر اساس چنین فرمولی ایران حاضر شده است که در مذاکرات آتش بس با میانجیگری دبیر کل سازمان ملل شرکت نماید، مشروط بر آنکه یک رهبر غیرنظامی حزب بعث عراق جانشین صدام حسین شود.» (۱).

موضعگیری امام (ره) در حقیقت پاسخی بود به این اندیشه و به تلاشهای سیاسی که در واقع فریبی بیش نبود. از سوی دیگر اتکاء به تلاشهای صلح، غفلت از امر دفاع و عدم هوشیاری نسبت به عکس العمل دشمن را در پی داشت، زیرا موقعیت برتر جمهوری اسلامی برای غرب و کشورهای منطقه غیرقابل تحمل گردیده بود. لذا تنها راه حل موجود افزایش فشار به منظور خنثی سازی موقعیت برتر جمهوری اسلامی و در نتیجه تعدیل مواضع آن محسوب می شد. برخورد امام (ره) با مسئله جنگ و آینده نگری نسبت به اعمال فشار به ایران، علاوه بر بسیج عمومی نیرو و امکانات کشور، شرایط را برای مقابله با فشارها و حفظ موقعیت برتر جمهوری اسلامی فراهم ساخت.

ص: ۶۰

در این روند، برنامه های گسترده ای از سوی جمهوری اسلامی طرحریزی و اجرا شد که در ادامه بحث تحت سه عنوان مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱- بسیج نیروها و امکانات کشور

۲- طرحریزی و اجرای عملیات محدود

۳- طرحریزی عملیات سرنوشت ساز.

بسیج نیروها و امکانات

با توجه به سازمان سپاه، وسعت و میزان گستردگی طرحریزی عملیات از سوی فرماندهان آن در طول جنگ عمدتاً بستگی به میزان حضور نیروهای بسیجی و داوطلب داشته است. بدیهی است که افزایش تعداد رزمندگان می توانست طرحریزی عملیات متعدد در زمان واحد را امکانپذیر نماید.

یا آغاز بهار سال ۶۵ و پس از فتح فاو، نظر به اوضاع و شرایطی که وجود داشت، امام (ره) حضور گسترده مردم در جبهه های نبرد را به عنوان تکلیف اعلام کردند. در شرایطی امام این سخنان را ایراد فرمودند که فصل حضور نیرو به صورت گسترده (عمدتاً در زمستان بود) رو به پایان نهاده بود و بسیاری چنین می پنداشتند که با اتمام فصل زمستان و همچنین کسب پیروزی در فاو، حضور آنها در جبهه ضرورتی ندارد. دشمن نیز با کسب تجربه نسبت به نحوه حضور رزمندگان اسلام در جبهه ها، برای بازپس گیری فاو تلاش می کرد. بنابراین، تاکید حضرت امام (ره) که منجر به افزایش نیرو در جبهه های جنگ شد، بسیار تعیین کننده بود و نتایج قابل ملاحظه ای را به دنبال داشت. آقای هاشمی رفسنجانی ضمن استقبال از اظهارات امام، طی تحلیلی اشاره کرد:

«بنده به عنوان کسی که در مسائل جنگ صاحب نظر است فکر می کنم

که این پیام به موقع بود و شرایط جدیدی را به وجود آورده است. سخنان امام آنقدر جدی بود که ما لحظه ای فکر کردیم مجلس را رها کنیم و به جبهه برویم. امام حجت را تمام کرده و معمولاً وقتی امام اینطور سخن می گویند مسائلی هست که ما نمی فهمیم و لابد مسائل مهمتری را در نظر دارند که فرمودند تکلیف است، باید به جبهه رفت.» (۱).

همچنین نخست وزیر آقای میرحسین موسوی در اولین جلسه هیأت دولت اظهار داشت:

«من فکر می کنم با سخنان حضرت امام یک بسیج عمومی در ادارات و در سطح جامعه برای کمک به جبهه لازم باشد که توان رزمندگان را چندین برابر خواهد کرد. در سال جدید، دولت جنگ را در اولویت می گذارد و باید تمام امکانات در اختیار جنگ قرار گیرد و برای این منظور لازم است کمیته های پشتیبانی جنگ در وزارتخانه ها تقویت شوند.» (۲).

کشور تحت شرایط جدید و به دنبال اظهارات امام، در آستانه بسیج عمومی برای جبهه های جنگ قرار گرفت. در تاریخ ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۵ سمیناری تحت عنوان «لیک یا خمینی» با حضور رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، نخست وزیر و فرماندهان سپاه و ارتش و گروهی از مسئولین کشور آغاز به کار کرد. در این سمینار راههای استفاده هر چه بیشتر از کمکهای مردمی و امکانات کشور در پشتیبانی از جبهه های جنگ مورد بررسی قرار گرفت.

پاتکهای دشمن در فاو تا پایان فروردین ماه و حتی دهه اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ ادامه داشت. طی این مدت، دشمن که از بازپس گیری فاو ناتوان و درمانده شده بود، از نیمه دوم فروردین مبادرت به تهاجم به برخی از خطوط کرد. این عملیات دشمن به «استراتژی دفاع متحرک» موسوم گردید.

ص: ۶۲

۱- ۸۳. روزنامه رسالت، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۵، گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از ملاقات آقای هاشمی با مجروحین شیمیایی.

۲- ۸۴. روزنامه رسالت، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی.

با پیدایش این وضعیت، در شرایطی که تمام توان رزمندگان برای تصرف و تثبیت منطقه عملیاتی فاو متمرکز شده بود و بخشی از نیروها نیز پس از انجام عملیات در حال بازگشت به شهرهای خود بودند، ضرورت تأکید حضرت امام مبنی بر حضور مردم در جبهه های نبرد روشن شد. گرچه تلاشهای دشمن سرانجام با تصرف مجدد شهر مهران به پایان رسید، لیکن این اقدام دشمن و سایر تلاشهایی که صورت می گرفت نشانه ی عدم توجه به خواسته های ایران و افزایش فشار تلقی می شد. این درک و تصور مسئولین جمهوری اسلامی موجب گردید که آنها با استنباطی که از شرایط جاری و آینده داشتند، با بهره گیری از شرایط کشور و بسیج نیروها مبادرت به برنامه ریزی تعیین کننده ای در جهت مشخص ساختن سرنوشت جنگ در سال ۶۵ کنند. در همین زمینه برادر محسن رضایی فرمانده سپاه در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

«تنها راهی که امروز برای خاتمه جنگ در پیش روی ما قرار دارد، بسیج کلیه نیروها و امکانات کشور در جبهه است.» (۱).

وی سپس ضمن اشاره به تعداد نیروهای شرکت کننده در عملیات فاو و نتیجه آن اظهار داشت:

«ما در فاو با ۱۵۰ هزار نیرو در مقابل ۷۰۰ هزار نفر از ارتش عراق جنگیدیم و به آن پیروزی درخشان نائل آمدیم. آیا نمی توانیم با ده برابر این نیرو ارتش عراق را کاملاً منهدم کنیم؟» (۲).

وی همچنین در مورد مردمی کردن جنگ اضافه کرد:

«ما تاکنون تنها از دو درصد از نیروهای مردمی و ۱۲ درصد از امکانات اقتصادی در جنگ استفاده کرده ایم و لازم است که بر اساس اطلاعیه قرارگاه خاتم الانبیاء جنگ کاملاً مردمی شود و از کلیه امکانات دولت و مردم برای پیشبرد جنگ استفاده کنیم.» (۳).

ص: ۶۳

۱- ۸۵. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۵.

۲- ۸۶. پیشین.

۳- ۸۷. مأخذ شماره ۵.

آقای هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ ۱۵ / ۳ / ۱۳۶۵ در ستاد مرکزی سپاه در جمع فرماندهان و مسئولین سپاه اظهار داشت:

«در محاسباتی که تاکنون شده، به نظر ما هیچ شرایطی بهتر از اینکه تسریع کنیم در پیشبرد کار جنگ به چشم نمی خورد... منطقی ترین راه برای ما این است که زمان را از دست ندهیم. زمان امروز به نفع ما نیست که معطل بمانیم... وضع عمومی کشور و شرایط اقتصادی کشور هم ایجاب می کند که ما این مسئله را اگر بتوانیم زودتر به نقطه ای برسانیم...»

آقای هاشمی روز بعد در خطبه نماز جمعه تهران مجدداً ضرورت تسریع در خاتمه جنگ را یادآور شده و اظهار داشت:

«وضع جنگ الان به جایی رسیده که هر محاسبه ای نشان می دهد ما باید هر چه زودتر جنگ را به پایان برسانیم. زمان بیش از این نباید در اختیار دشمن قرار گیرد. امام در اول سال تاکید کردند که وظیفه همه است امکانات خود را در خدمت جنگ به کار گیرند. این واجب کفائی فقط به افراد تعلق نمی گیرد، حتی به اموال و امکانات دولت، نهادها و شرکتها نیز تعلق می گیرد. تا زمانی که جنگ به چیزی نیاز دارد، مصرف کردن آن در غیر جنگ سزاوار نیست و همه باید همه چیز خود را در اولویت اول در خدمت جنگ قرار دهند.» (۱).

وضعیت جدید علاوه بر تحولی که در جو عمومی کشور از نظر فرهنگی و تبلیغاتی و سیاسی فراهم کرد، تأثیر قابل ملاحظه ای نیز بر تغییر اولویتهای کشور در امر بودجه یعنی تخصیص امکانات به جبهه های جنگ داشت، چنانکه نخست وزیر وقت آقای میرحسین موسوی با تشریح طرح نوین اقتصادی کشور اظهار داشت:

«اولین هدفی که ما دنبال کردیم و اعلام نمودیم، تامین کلیه نیازهای

ص: ۶۴

جنگ تحمیلی بود. اعلام این هدف این معنا را دارد که بودجه تخصیص ارز، تخصیص منابع ملی و واگذاری کارخانه هایمان در خدمت جنگ، تاسیسات، ماشین آلات، و در همه چیز هیچ قیدی برای دادن امکانات در خدمت جنگ نداشته باشیم. بلافاصله اثرات این تصمیم گیری این شد که فرضاً وقتی ما آمدیم ۶۲ میلیارد تومان صرفه جویی در کشور اعلام کردیم در رابطه با بودجه جنگی، نه تنها آن بودجه را کم نکردیم، بلکه این زمینه را در ذهنیت برادران هیأت دولت می بینیم که بتوانیم از سایر بخشها به این زمینه کمک کنیم.» (۱).

آقای هاشمی نیز در مورد تأمین نیروی انسانی اظهار داشت:

«همچنین در بخش نیروی انسانی علاوه بر بسیج نیروهای داوطلب مردمی، جذب نیروهای نظام وظیفه نیز به دو برابر افزایش یافت و شورای عالی دفاع طرحی را تصویب کرد که به موجب آن نیروهایی که در حال خدمت بودند، در صورت پایان خدمت، طبق این قانون ۲ ماه بر خدمتشان افزوده گردد.» (۲).

در تیرماه سال ۶۵ در ادامه تلاشهایی که به منظور بسیج نیرو و امکانات صورت می گرفت، دو سمینار یکی در یزد تحت عنوان (لیک یا امام) و دیگری در تهران تحت عنوان (سمینار سراسری فرماندهان بسیجی طرح مالک اشتر) برگزار شد.

تأمین کادر برای سازماندهی نیروهایی که در آن سال جذب می شدند عمده ترین هدف برگزاری سمینار طرح مالک اشتر بود. در این سمینار عمدتاً فرماندهان گردان، گروهان و دسته شرکت داشتند. در سمینار مزبور، آقای هاشمی با تأکید بر اینکه وضع جبهه ها و شرایط منطقه و شرایط کل دنیا یک آمادگی خیلی جدی را طلب می کند، اظهار داشت:

«تمام امکانات از جهت آموزش نیروهای بسیج تهیه شده است و ما

ص: ۶۵

۱- ۸۹. روزنامه رسالت، ۵ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۰. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۵، آقای هاشمی رفسنجانی در جمع فرماندهان سپاه.

تدارک ۵۰۰ گردان را دیده ایم و اگر لازم باشد تا آخر سال ۱۰۰۰ گردان برای میدان جنگ تشکیل خواهیم داد.» (۱).

از این پس تدریجا سازماندهی ۵۰۰ گردان نیرو مطرح و بر اساس آن امکانات و کادر مورد نیاز در نظر گرفته شده بود و چنین پیش بینی می شد که در صورت تأمین ۵۰۰ گردان نیرو، ما می توانیم همزمان ۲ عملیات بزرگ را در دو منطقه طرحریزی و اجرا کنیم و این به منزله تجزیه دشمن از نظر فرماندهی و نیرو خواهد بود و در صورتی که در یک منطقه با دشمن درگیر شویم، افزایش میزان نیروی انسانی موجب می گردد که در تداوم نبرد، سرانجام دشمن با درگیر کردن کلیه نیروهایش برای بازپس گیری منطقه متصرفه، منهدم شود.

مسئولین کشور همچنان ضمن تأکید بر شرایط سیاسی - نظامی جبهه های نبرد و با الهام از سخنان امام (ره)، بر اختصاص دادن امکانات به جبهه ها تأکید می کردند. در این میان، آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه اظهار داشت:

«به مسئولان دولت در سراسر کشور عرض می کنم بر اساس نظریه ای که امام ابراز فرمودند، آنهایی که در حال حاضر نیاز ندارید و لو اینکه همه چیز مورد نیاز است، اگر ستاد پشتیبانی جنگ تشخیص می دهد که برای پشتیبانی جنگ اینها را به جبهه بدهید، به دستور دولت که قبلاً صادر شد، اینها را به جبهه بدهید.» (۲).

طی این روند، در تبلیغات سیاسی کشور، شعار تعیین سرنوشت جنگ به منزله تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ تلقی می شد. آقای هاشمی نظر به تبعات نامطلوبی که این اشعار داشت اظهار نمود:

«علیرغم تعبیرهای مختلف، این بدان معنا نیست که امسال جنگ پایان یابد، بلکه با برنامه هایی که داریم جنگ را به جایی خواهیم رساند که

ص: ۶۶

۱- ۹۱. روزنامه رسالت، ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۲. روزنامه رسالت، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

پیروزی ایران مشخص شود، یکی از نموده‌های این پیروزی قطع حمایت حامیان صدام از این رژیم می باشد.» (۱).

طرح ریزی و اجرای عملیات محدود

برای مطالعه ی مشروح این بحث به کتاب جنگ در سال ۶۵ مراجعه شود.

در سال ۶۵ تحرکات نظامی سپاه تحت عنوان «عملیات محدود» اساسا پاسخ به تلاشهای دشمن مرسوم به «استراتژی دفاع متحرک» بود. گرچه ارتش عراق پس از اشغال مجدد مهران در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ عملا توان نظامی اش را از دست داد و در این دور از تهاجم به همان پیروزیهای اندکی که به دست آورده بود بسنده کرد، ولی همچنان تهدیدات خود را تکرار می کرد، چنانکه صدام در تاریخ ۴ / ۴ / ۱۳۶۵ در جمع افسران ارتش عراق اظهار داشت:

«ارتش عراق پس از بازسازی مجدد، حملات خود را علیه جمهوری اسلامی آغاز خواهد کرد.» (۲).

امام (ره) نظر به ابعاد تهاجم دشمن در زمین، هوا و دریا و احتمالاتی که با توجه به تهدیدات دشمن وجود داشت، در تاریخ ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۵ و در روز میلاد امام رضا (ع) سخنانی را مبنی بر ضرورت افزایش تحرک نظامی در جبهه های نبرد ابراز فرمودند:

«شما در جبهه ها هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن، اگر بگذارید آرامش پیدا کند می رود و تجهیز بیشتری می کند و شما را به زحمت می اندازد. باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید الان در اضطراب هستند نگذارید که از اضطراب بیرون بیایند.» (۳).

سپاه پاسداران ضمن آنکه پس از فتح فاو و تثبیت آن عمیقا مشغول

ص: ۶۷

۱- ۹۳. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۴. روزنامه رسالت، ۵ / ۴ / ۱۳۶۵.

۳- ۹۵. مأخذ شماره ۱۲.

طرح ریزی عملیات گسترده بود، لیکن در این چارچوب اقدامات وسیعی به شرح زیر انجام داد:

۱- انجام عملیات کربلای ۱ در شهر مهران در تاریخ ۹/۴/۱۳۶۵.

۲- انجام عملیات کربلای ۲ در منطقه حاج عمران در تاریخ ۱۰/۶/۱۳۶۵.

۳- انجام عملیات کربلای ۳ بر روی اسکله الامیه در تاریخ ۱۰/۶/۱۳۶۵.

۴- انجام عملیات انصار در جزیره جنوبی خیبر (مجنون) در تاریخ ۲۰/۶/۱۳۶۵.

۵- انجام سلسله عملیات فتح در عمق خاک عراق، فتح ۱ در تاریخ ۱۹/۷/۱۳۶۵.

در عین حال که هر یک از عملیات فوق با نتایج و تبعات خاص خود موجبات نگرانی عراق را فراهم کرد، فتح مجدد مهران در تاریخ تمامی دستاوردهای عراق را در استراتژی موسوم به دفاع متحرک بر باد داد. صدام، اشغال مجدد مهران را در برابر فتح فاو قرار داده بود. بنابراین، روشن است که از دست دادن آن چه عواقب روحی - روانی را برای ارتش عراق در پی داشت. روزنامه تایمز لندن در همین زمینه نوشت:

«باز پس گیری مهران برای عراق نگران کننده است، زیرا مهران شهری بود که بغداد را در برابر حملات ایرانیان محافظت می کرد.» (۱).

در واقع، در این تحلیل از دست دادن مهران و اشراف قوای نظامی ایران بر ارتفاعات منطقه مورد توجه قرار گرفته و مسئله، مسئله فراتر از شکست عراق در تلاشهای جدیدش، تحت عنوان (تهدید بغداد) مورد اشاره قرار گرفته بود، چنانکه تایمز لندن در ادامه نوشت:

«اینک بغداد در مدار تهاجمات قرار گرفته است و ایرانیان می توانند با حمله از این محور، بغداد را با خط یک حمله مستقیم روبرو کنند.» (۲).

علاوه بر اهمیت عملیات کربلای ۱، عملیات کربلای ۳ بر روی

ص: ۶۸

۱- ۹۶. روزنامه اطلاعات، ۲۹/۴/۱۳۶۵.

۲- ۹۷. پیشین.

اسکله ال‌امیه نیز به لحاظ ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی آن که همزمان با برگزاری کنفرانس غیر متعهدها در حراره انجام شد، از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار بود. فرماندهان سپاه علاوه بر استفاده از ابتکاراتی در طرح‌ریزی و اجرای این عملیات، همزمان با آغاز اجرای طرح سهمیه بندی فروش نفت از سوی سازمان اوپک، حضور خود را نیز در میان آبهای خلیج فارس به نمایش گذاشتند. تجارب حاصله از این عملیات بعدها در حضور گسترده تر رزمندگان اسلام در خلیج فارس و رویارویی با تهدیدات و اقدامات عراق و آمریکا در این منطقه بسیار مؤثر واقع شد.

اجرای سلسله عملیات فتح در عمق خاک عراق، بویژه عملیات در کرکوک نیز از اهمیت و بازتاب خاصی برخوردار بود. در واقع، کوهستانها و تاسیسات نفتی کرکوک میدان آزمایش جدیدی برای استفاده معارضین کرد عراقی در عمق خاک عراق محسوب می شد. این عملیات، مجموعاً با ضربات و خسارات بسیاری که بر تاسیسات نفتی و نظامی منطقه کرکوک وارد ساخت، به پایان رسید، لیکن امکانات و تجارب حاصله در سلسله عملیات فتح و گسترش سازمان قرارگاه رمضان توسط سپاه، نقش تعیین کننده ای را در اتخاذ استراتژی جدید در سال ۶۶ و عملیاتی که در محور سلیمانیه تحت عنوان بیت المقدس و نیز والفجر ۱۰ در حلبچه صورت گرفت، داشت.

طرح ریزی عملیات سرنوشت ساز

تحرك مداوم دشمن در منطقه فاو، علاوه بر ایجاد زمینه برای انجام عملیات، موجب شد تا عراقیها در تاریخ ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵ از دو محور جاده ام القصر و کارخانه نمک به نیروهای ایران حمله کرده و به طور فزاینده ای بر آسیب پذیری خط افزوده شود. نیروهای سپاه سرانجام در تاریخ ۸ / ۲ / ۱۳۶۵

طرحی را به اجرا در آوردند تا با ترمیم خط خودی، علاوه بر رفع نواقص خط پدافندی و تثبیت پیروزی در فاو، نیروهای درگیر و خط فاو را نیز آزاد نمایند. بلافاصله پس از تثبیت خط فاو و پس از ۷۵ روز درگیری، فرماندهان سپاه از نیمه اردیبهشت برای تداوم عملیات شروع به طرحریزی عملیات سرنوشت ساز نمودند.

این اقدامات در شرایطی صورت گرفت که تلاش جدید دشمن موسوم به استراتژی دفاع متحرک با بازپس گیری منطقه عملیاتی والفجر ۹ (چوارتا) در ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ آغاز شده و در ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ با اشغال مجدد مهران به اوج رسید.

تحت چنین شرایطی سپاه لزوما می بایست ضمن پاسخگویی به تلاشهای دشمن، مجدداً برای انجام عملیات گسترده آماده می شد.

- انتخاب منطقه عملیات

همزمان با عملیات فاو، با توجه به پیوستگی زمین آن به مناطق مهمی چون ام القصر و بصره، به نظر می رسید که توقف در این زمین و عدم توسعه وضعیت، به زیان نیروهای خودی می باشد. به عبارت دیگر، منطقه عملیات فاو به لحاظ وسعتی که داشت از این قابلیت برخوردار بود که سلسله عملیات بعدی در همین زمینه انجام شود، در غیر اینصورت عملیات فاو تنها به عنوان یک حرکت نظامی عقیم تلقی می شد که برای حفظ منطقه، لزوماً می بایست نیروهای زیادی را در خط پدافندی مستقر کرد.

بر این اساس، همزمان با عملیات فاو، فرماندهی کل سپاه نسبت به تداوم عملیات در این منطقه نظریاتی داشت و یک قرارگاه را مأمور به انجام عملیات در منطقه ام الرصاص کرد، ضمن آنکه همزمان با این عملیات، از سوی آقای هاشمی رفسنجانی فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) مقرر

گردید تا ارتش در منطقه شلمچه نیز عملیاتی انجام دهد. لذا به نظر می‌رسید توسعه وضعیت در این منطقه، در عین حال که ضروری است، امکان‌پذیر نیز می‌باشد.

فشار سنگین عملیات فاو و ناکامی عملیات در مناطق شلمچه و ام‌الرصاص، امکان تحقق نظرات فرمانده سپاه را موقتا به تعویق انداخت ضمن آنکه عملیات پاسخگویی به استراتژی دفاع متحرک عراق، تحت عنوان «عملیات محدود» سرعت عمل سپاه برای انجام عملیات گسترده را مخدوش کرد. بدیهی است که پشتیبانی از عملیات نیز لزوماً به امکانات گسترده‌ای نیاز داشت که تامین آن بدون بسیج عمومی در کشور مقدور نبود.

از لحاظ نظامی، منطقه عملیاتی کربلای ۴ آخرین تلاش جنگی در جنوب تلقی می‌شد، زیرا انتخاب این منطقه برای انجام عملیات با توجه به ارزش استراتژیک آن و انطباق با اهداف نظامی جنگ و همچنین تطابق آن با توان نظامی جمهوری اسلامی صورت گرفته و ظرافت و دقت نیز در آن ملحوظ گردیده بود. تجارب سه ساله‌ی عملیات آبی - خاکی سپاه از عملیات خیبر به بعد نیز به گونه‌ای بود که در صورت تغییر منطقه عملیات، عملاً منجر به تغییر سازمان رزم سپاه می‌شد، چنانکه فرمانده کل سپاه در همین زمینه اظهار داشت:

«در صورت نجات ما در اینجا (جنوب) باید زمینهای دیگری انتخاب کنیم و سازمان آبی و خاکی مان را تغییر دهیم.» (۱).

بر این اساس، طی مباحث و تالشهایی که صورت گرفت و با در نظر گرفتن ابعاد سیاسی - نظامی، سرانجام منطقه عمومی عملیات در حد فاصل منطقه پنج ضلعی شکل در شمال شلمچه تا ۴ کیلومتری انتهای جنوبی جزیره مینو با دو محور شلمچه و ابوالخصیب و با هدف بصره انتخاب شد.

پیش از این تلاش قوای نظامی ایران در منطقه جنوب با هدف تصرف بصره، چندین بار از سمت شلمچه، طلائیه، کوشک، هور و حتی فاو صورت

ص: ۷۱

گرفته، لیکن نتیجه لازم حاصل نشده بود. همین مسئله موجب گردیده بود تا ضمن انصراف از تصرف بصره، نسبت به مواضع و استحکامات دفاعی شرق بصره نیز دیدگاه خاصی مبنی بر عدم شکسته شدن خط به وجود آید.

با توجه به سوابق پیشین این منطقه عملیاتی، تاکتیک ویژه ای برای عملیات انتخاب شد. در واقع، تاکتیک ویژه، رمز موفقیت عملیات و عنصر اصلی در غافلگیر کردن دشمن از جهت درک سمت اصلی حمله تلقی می شد. دشمن در صورت مواجهه با حمله رزمندگان اسلام عملاً برای دفاع مستأصل می شد، بدین معنا که در تشخیص و درک هدف اصلی دچار مشکل، ابهام و تردید می گردید. سمت حمله از سویی به سمت ابوالخصیب و بصره بود و از سوی دیگر می توانست با هدف مسدود کردن عقبه لشکر هفتم عراق باشد. در این طرح، نخلستانهای اطراف اروند رود به عنوان قلب منطقه تلقی می شد.

لذا تأکید بر این بود که علاوه بر سرعت عمل، حتی الامکان نیروها در داخل نخلستان حاشیه جنوبی اروند نفوذ نموده و گسترش یابند.

عوارض زمین منطقه در جهت تحقق تاکتیک ویژه و پیروزی عملیات امیدوارکننده بود، چنانکه وجود نهرها و کانال های کشاورزی و نخلستانها و از طرفی عدم وجود استحکامات دشمن در منطقه پتروشیمی تا بصره، زمین را قابل تصرف و پدافند آن را آسان کرده بود. جناحین منطقه عملیاتی، از شمال به آبگرفتگی شلمچه و کانال ماهیگیری، از جنوب به خور زبیر و زمینهای باتلاقی اطراف آن محدوده شده بود و همین مطلب موجب می شد تا قدرت تحرک دشمن نیز ضعیف گردد. در این میان، امیدواری زیادی وجود داشت که با اتکا به تاکتیک ویژه و عدم تحرک دشمن، به لحاظ وضعیت زمین منطقه و وجود نهرها - در موج اول عبور از اروند، انتقال تجهیزات و وسایل پشتیبانی امکانپذیر و عدم سرعت عمل نیروها جبران شود. فرمانده کل سپاه در این زمینه چنین استدلالی می کرد:

«اگر هدف بصره باشد، با گرفتن زمینی در جنوب و جنوب غربی خرمشهر، دشمن از سه جا مورد تهدید قرار می گیرد و مضطرب و نگران می شود و نمی تواند احتمال بدهد که تلاش اصلی از کدام سمت و برای چه هدفی است. پس (این حرکت) باعث تجزیه قوای دشمن می شود و ترجیح می دهد که از جناحین، تخلیه و یا در جلوی بصره راه ما را سد کند، در حالی که ما محور پیشروی را در قلب منطقه عملیاتی گذاشتیم.» (۱).

با توجه به سمت اصلی حمله قوای نظامی ایران، ویژگی دیگر منطقه عملیاتی این بود که فلش تهاجم روی خط حد دو سپاه سوم و هفتم عراق قرار داشت که بین آنها رودخانه اروند واقع شده بود. در این میان، پیش بینی می شد که عبور از این معبر، یعنی برخورداری از امکان تهدید و حمله به جناحین دو سپاه عراق که در آنجا نیز خطوط پدافندی و استحکامات نداشتند، طبعاً موجب می شد یگانهای احتیاط دشمن نیز نتواند به یکدیگر کمک کنند، چون هر دو سپاه به طور یکسان در معرض تهدید قرار می گرفتند.

بر این اساس چنین تدبیر شده بود که نیروهای خط شکن موج اول باید از داخل تنگه (بین جزایر ام الرصاص و بوارین) عبور کنند و در طول اروند رود و در داخل آب به سمت کارخانه پتروشیمی بروند، سپس در سمت چپ و راست اروند وارد عمل شده و با شکستن خط پیشروی نمایند. این حرکت همان اصلی بود که از آن به عنوان «تاکتیک ویژه» یاد می شد.

چنین پیش بینی شده بود که خط در مراحل اول توسط غواصها شکسته شود، سپس در موج دوم با روشن شدن هوا، قایقها نیروها را انتقال دهند.

نظر به اینکه حرکت موج اول با اتکا به نیروی غواص بود که در آب حرکت می کرد و فاقد سرعت لازم بود و انسجام کافی نداشت، به همین جهت در برابر حوادث غیر مترقبه و یا هوشیاری دشمن به سهولت سازماندهی و آرایش خود را از دست می داد. لذا این ویژگی و همچنین احتمالات و

ص: ۷۳

فرضیات دیگر منجر به پیدایش ابهامات فراوانی شد، لیکن اساساً چیزی که می توانست کاستیها را جبران کند، غافلگیری دشمن از نظر «تاکتیک»، «زمان» و «مکان» بود. در صورت تحقق این اصل در شروع عملیات، کلیه ابهامات رفع و معضل اساسی حل می شد.

در عین حال، مشکلات دیگری نیز وجود داشت که حتی در مواقعی، به رغم ویژگیهای زمین منطقه و امیدواریهای مربوط به تاکتیک ویژه، تردید و ابهام به وجود می آورد. از جمله این مشکلات، «محدودیت در عقبه» بود. بویژه در روز اول عقبه کلیه یگانها متکی به رودخانه کارون بود و این علاوه بر مشکلات تردد، بر آسیب پذیری نیروها در برابر حملات هوایی دشمن می افزود. وابستگی محورها به یکدیگر نیز بخش دیگری از مشکلات بود. محور شلمچه کاملاً پیوسته به محور ابوالخصیب بود و در صورتی که هر دو محور با هماهنگی پیشروی نمی کردند، عملاً حضور دشمن در هر یک از این دو منطقه، می توانست پیشروی در محور دیگر را مختل و مخدوش نماید.

- مانور

از مهرماه ۶۵ در عین حال که نسبت به منطقه عملیات، با اتکا به اجرای تاکتیک ویژه، توافق کلی وجود داشت، به هنگام بحث پیرامون مانور عملیات مجدداً ابهاماتی به وجود آمد. سرانجام بعد از جلساتی که برگزار شد، با توجه به پیوستگی چهار زمین منطقه یعنی شلمچه، ابوالخصیب، منطقه مقابل ام الرصاص و جزیره مینو، اهداف واقع در آنها مورد بازبینی و تأکید قرار گرفت:

۱- تصرف پنج ضلعی شلمچه به خاطر موقعیت لشکر ۱۹ فجر در اثر شناسایی.

۲- تصرف جزیره بوارین برای نگهداری تنگه و درگیر کردن سپاه سوم

ص: ۷۴

دشمن و کاهش فشار آن بر روی جزیره بوارین.

۳- پیشروی در عمق جنوب اروند تا دژ اول (بین جاده ی اول و دوم) به منظور تهدید عقبه سپاه هفتم.

۴- پیشروی در جناح چپ حداقل تا جزیره سهیل به منظور تعمیق عرض جبهه درگیری و پوشش لازم برای تأمین عبور نیروها.

بر همین اساس، اجرای عملیات با ۴ قرارگاه طرحریزی شد:

۱- قرارگاه نجف: تأمین منطقه پنج ضلعی شلمچه، جزایر بوارین و ام الطویل.

۲- قرارگاه قدس: عبور از تنگه (حرکت اصلی) و پیشروی به سمت پتروشیمی و ابوالخصیب.

۳- قرارگاه کربلا: به منظور مقابله با پاتک دشمن از مقابل جزیره ام الرصاص و همچنین تأمین کل منطقه عملیاتی. ضمناً قرارگاه کربلای پیشروی تا جاده دوم و سوم آنسوی اروند رود را بر عهده داشت.

۴- قرارگاه نوح: تأمین جناح چپ و پیشروی در مقابل جزیره مینو.

نظر به حساسیت و ویژگی ماموریت هر یک از قرارگاه ها، یگانهای سپاه تحت امر قرارگاه مربوطه قرار گرفتند و پس از تعیین خط حد، کار شناسایی و آماده سازی نیروها را شروع کردند.

بدین ترتیب، طرحریزی عملیات سرنوشت ساز با اتکا به تاکتیک ویژه و امید به غافلگیری دشمن انجام گرفت. طی بسیج عمومی که از آغاز سال ۶۵ شروع شده بود، امکانات کشور به سمت جبهه های نبرد معطوف شد. جو عمومی و تبلیغاتی کشور نیز که به «عملیات سرنوشت ساز» و بسیج کلی نیروها و امکانات متوجه گردیده بود، القاگر تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ بود.

تلاشهای سیاسی ایران که از سال ۶۳ تدریجا با پیدایش نوعی نگرش جدید از سیاست خارجی آغاز و در نیمه دوم سال ۶۳ به وضعیت مشخص نزدیک شده بود، در سال ۶۵ متعاقب سفر مک فارلین به ایران وارد مرحله ی جدیدی گردید.

افشای ماجرای مک فارلین در ۱۳ آبان ۱۳۶۵، تأثیرات تعیین کننده ای بر روند سیاسی - نظامی جنگ، روابط خارجی عراق با آمریکا و نیز موقعیت آمریکا در سطح منطقه باقی گذاشت که بعدها نیز همچنان ادامه یافت، ضمن آنکه روسها نیز پس از افشای اقدامات آمریکا برای ایجاد روابط با ایران، عکس العمل نشان داده و در صدد برآمدند تا از شرایط پیش آمده نهایت بهره برداری را بکنند.

نظر به اهمیت ماجرای مک فارلین و تأثیرات تعیین کننده آن و برای روشن شدن مباحثی که پس از افشای این ماجرا در نیمه دوم سال ۶۵ و در سالهای ۶۶ و ۶۷ مطرح شد، اجمالا به تلاشهای پنهانی آمریکا برای برقراری روابط با ایران که در کشور ما به عنوان «ماجرای مک فارلین» و در

آمریکا به عنوان «ایران گیت» موسوم گشت، اشاره خواهد شد. همچنین بازتاب و انعکاس افشاء روابط و نتایج و پیامدهای آن در نشریات، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تلاش برای برقراری روابط پنهانی

به دنبال پیروزیهای ایران در بیرون راندن دشمن از خاک خود و عدم دستیابی عراق و حامیانش به اهداف موردنظر، تلاشهای سیاسی جدیدی از سوی آمریکا برای پایان دادن به جنگ طرحریزی شد که در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بهره برداری قرار گرفت. به عبارت دیگر، پیدایش وضعیت جدید منجر به توجه جدی ایران به تلاشهای سیاسی در کنار اقدامات نظامی گردید.

آمریکاییها متعاقب بروز بحران ناشی از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و مواجهه با پدیده گروگانگیری غربیها، به رغم کلیه تمهیداتی که برای مهار بحران و آزادی گروگانها انجام دادند، به نتیجه روشنی نرسیدند. در این شرایط، در ۲۴ خرداد سال ۶۴، هواپیمای تی.دبلیو. ای آمریکا نیز ربوده شد و این ماجرا تا ۸ تیر همان سال ادامه یافت. برخورداری ایران از امکان بالقوه در حل معضل هواپیما ربایی، سرآغاز شکل گیری تمایل جدید آمریکا به برقراری روابط پنهان بود.

توانائی ایران در حل این بحران، آمریکاییها را نسبت به امکان گشایشی در جهت آزادی گروگانهای غربی در لبنان، امیدوارتر کرد و ضرورت تمایل هر چه بیشتر آمریکا را به ایران روشن ساخت. در این خصوص، در مجله المستقبل چاپ فرانسه چنین آمده بود:

«شعار دولت ریگان از سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) تا آوریل ۱۹۸۵ (فروردین ۱۳۶۴) این بود که زمینه ای برای تفاهم با رژیم ایران و

همکاری و هماهنگی با جمهوری اسلامی وجود ندارد. در آن فاصله، مقامات آمریکایی بارها به دوستان و هم پیمانان خویش ابلاغ نمودند که سه مانع اساسی از حصول تفاهم بین واشنگتن و تهران جلوگیری می نماید و آن سه عامل عبارتند از: تمایل رهبران ایران به صدور انقلاب، مخالفت رهبران ایران در پاسخگویی به فراخوانی برای پایان دادن به جنگ با عراق و حمایت مقامات ایرانی از فعالیتهای نیروها و سازمانهایی که قصد بر هم زدن آرامش برخی از کشورهای خاورمیانه را دارند. مقامات آمریکا همچنین می گفتند: در تهران جناحی که بخواهد با واشنگتن وارد گفتگو شود و به این کشور گرایش داشته باشد سراغ ندارند.» (۱).

همچنین نشریه فارین ریپورت در مورد توجه مجدد آمریکا به ایران از سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) نوشت:

«سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) سال توجه آمریکا به ایران بود. در این سال دکتر هنری کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا یک گزارش سری در مورد ایران به ریگان تسلیم نمود و ضرورت گشودن کانالهای ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با ایران را به وی یادآور شد و ضمناً این حقیقت را به او گوشزد کرد که تا زمانی که یک جناح میانه رو قدرتمند مایل به گفتگو با آمریکا در بین رهبران آن کشور وجود نداشته باشد، هیچ گونه پیوند و یا مصالحه ای بین دو کشور صورت نخواهد گرفت.» (۲).

در چارچوب ضرورت‌های یاد شده، آمریکا به دنبال یافتن کانالهای ارتباطی مطمئن بود تا بدین ترتیب علاوه بر حل مسئله گروگانها، آینده روابط خود با ایران را نیز به نقطه روشنی برساند. بهای اولیه ای که آمریکاییها مجبور به پرداخت آن شدند، ارسال اسلحه به ایران بود. در این زمینه، نشریه نیوزویک گزارشی را بدون ذکر منبع به چاپ رسانده بود که به بخشی

ص: ۷۸

۱- ۱۰۰. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۹۸ و ۱۹ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۰۱. پیشین، نشریه ریپورت لندن.

از آن اشاره می شود:

«ایده قاچاق اسلحه در مقابل آزادی گروگانها، اولین بار در نیمه اول سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) پیدا شد. نیوزویک کسب اطلاع کرده است که این ایده زمانی ایجاد شد که مشاوران کاخ سفید نسبت به کمک سوریه در زمینه آزادی گروگانهای غربی ناامید شدند. در عمل ثابت شد که سوریه به رغم کنترل بر قسمتی از خاک لبنان که سازمان جهاد اسلامی و گروههای بنیادگرای دیگر در آنجا بسر می برند، قادر نیست در این زمینه کمک کند... در جریان آزادی گروگانهای هواپیمایی تی. دبلیو. ای. در ماه ژوئن ۱۹۸۵ (تیر ۱۳۶۴) که سوریه به خاطر ترتیب دادن سفر گروگانها از دمشق به وطنشان اعتبار می یافت، در حقیقت این ایران بود که ریسمانها را پاره کرد.» (۱).

سپس در ادامه گزارش نیوزویک آمده است که در پی ناامیدی آمریکا از سوریه و تلاش برای یافتن کمک از سوی ایران، آمریکاییها به این نتیجه رسیدند که با تأمین برخی از لوازم یدکی تجهیزات مورد نیاز ایران، موجبات جلب نظر مسئولین ایران را فراهم کنند.

«آنها به لوازم یدکی برای هواپیماهای جنگی که توسط شاه از آمریکا خریداری شده بود، اشاره داشتند. این تجهیزات اکنون توسط واشنگتن و بر اساس فرمان تحریم اسلحه به ایران بلوکه شده بود.» (۲).

به این صورت اولین محموله سلاح به ایران مهیا و ارسال شد و این آغاز معامله ای بود که از سوی آمریکا صورت گرفت. ارسال اسلحه به ایران، با توجه به اعلام سیاست رسمی آمریکا مبنی بر تحریم فروش سلاح به جمهوری اسلامی، اقدامی بود که پس از افشای آن بازتابی بسیار منفی به دنبال داشت. به طوری که بوش معاون رئیس جمهور آمریکا مجبور شد سیاست این کشور مبنی بر ضرورت ارسال اسلحه به ایران را توجیه کرده و

ص: ۷۹

۱- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۵، نشریه نیوزویک.

۲- ۱۰۳. پیشین.

بر موقعیت ژئوپلیتیک ایران تأکید کند. به همین خاطر وی طی سخنانی گفت:

«ایران بین اتحاد شوروی و کشورهای نفت خیز خلیج فارس، بین شوروی و یک ساحل از آبهای گرم قرار گرفته است. ایران چه از هم گسیخته باشد و چه پیش از حد نیرومند، می تواند ثبات تمامی خاورمیانه و بویژه آن کشورهای میانه رو عرب و دوستان ما را که ثبات و استقلالشان اهمیتی عمیق برای امنیت آمریکا دارد، تهدید کند.» (۱).

بدین ترتیب، نیازمندی آمریکا به ایجاد ارتباط با ایران، با ارسال محدود سلاح به ایران از خرداد سال ۶۴ تا اسفند همان سال، شکل گرفت. پس از آن آمریکا کوشید ارتباط مستقیم با ایران برقرار کند و واسطه ها را حذف نماید. تلاش آمریکا برای حذف هر گونه واسطه و برداشتن گام بزرگتر موجب گردید تا سفر رابرت مک فارلین مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا به ایران طرحریزی شود. سرانجام در ۴ خرداد سال ۶۵، هواپیمای حامل مک فارلین و همراهانش در تهران به زمین نشست.

طی سه روز اقامت مک فارلین و همراهانش در ایران مذاکراتی صورت گرفت، لیکن نتیجه روشنی در پی نداشت. لذا مک فارلین با درک عدم موفقیت، تأسف خود را اظهار داشت و با بیان آن به طرف ایرانی مذاکره کننده مبنی بر اینکه فرصت گرانبهایی از دست رفت، ناموفق به آمریکا مراجعت نمود.

در تاریخ ۱۱ / ۸ / ۱۳۶۵ خبر سفر مک فارلین به ایران از سوی نشریه لبنانی الشراع و سپس با اعلام رسمی از سوی مقامات ایران، منتشر شد. اظهارات ریاست مجلس شورای اسلامی ایران در مورد سفر مک فارلین به تهران و نتایج این سفر، بازتاب بسیار گسترده ای در محافل داخلی و خارجی داشت و بحران عمیقی را در آمریکا و منطقه ایجاد نمود.

با توجه به ماهیت این روابط، آمریکاییها عمیقاً نسبت به عدم انتشار خبر

ص: ۸۰

مذاکرات، قبل از حصول نتیجه قطعی، تأکید می کردند. سرانجام، مقامات وقت آمریکا در برابر اتهامات وارده به آنها از طرف جناحهای مقابل مبنی بر «تضعیف متحدان آمریکا در منطقه»، «نادیده گرفته منافع اعراب و چرخش به سمت ایران»، «نقض سیاست آمریکا مبنی بر تحریم فروش سلاح به ایران» و «پرداخت باج سیل به ایران برای آزادی گروگانها»، مجبور به واکنش شدند و رئیس جمهور وقت آمریکا (رونالد ریگان)، طی نطق تلویزیونی ضمن تأیید اقدامات پنهانی، به تشریح و توجیه علل این روابط و اتهامات وارده به آمریکا پرداخت. وی در این سخنرانی مأیوسانه خود در حالی که سعی می کرد دلائلی را به نفع آمریکا برشمارد، اظهار داشت:

«اکنون هجده ماه است که طی یک ابتکار سیاسی محرمانه، ارتباط با ایران را در جریان کار خود قرار داده ایم. برای استفاده از این ابتکار ساده ترین و بهترین دلائل را در اختیار داریم:

۱- تجدید روابط با ایران.

۲- اقدامی شرافتمندانه برای خاتمه دادن به جنگ شش ساله بین ایران و عراق.

۳- محو کردن تروریسم دولتی و خرابکاری.

۴- تأثیر بخشیدن به روند بازگشت تمامی گروگانها.

... بدون همکاری ایران ما قادر به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج فارس نیستیم و بدون ایران امکان برقراری صلح با دوام و خاورمیانه وجود ندارد.» (۱).

سپس ریگان با اشاره به اتهامات وارده به دولت آمریکا مبنی بر پرداخت «باج سیل به ایران» و نیز «از بین بردن اعتبار متحدان آمریکا» با ارسال مخفیانه سلاح به ایران، ضمن تکذیب برخی خبرها مبنی بر نحوه ارسال اسلحه به ایران با کشتی دانمارکی، از بنادر اسپانیا و ایتالیا، گفت:

ص: ۸۱

«در مذاکرات محرمانه ای که داشتیم، من اجازه انتقال تعداد کمی از تسلیحات و قطعات یدکی برای سیستم دفاعی ایران را دادم. هدف من متقاعد کردن تهران به این امر بود که مقامات مذاکره کننده آمریکایی با اجازه من عمل می کنند و هدف این بود تا به ایران علامت دهیم که ایالات متحده آماده است تا خصومت بین ما، جای خود را به یک روابط و مناسبات جدید بدهد.» (۱).

ریگان همچنین در مورد اهداف آمریکا در خاورمیانه و ضرورت برقراری رابطه با ایران و موانعی که وجود داشت، گفت:

«اهداف درازمدت آمریکا در خاورمیانه این بوده است که به استقلال ایران در قبال سلطه شوروی یاری نماید و خاتمه شرافتمندانه ای را برای جنگ خونین ایران و عراق بخشد و صدور خرابکاری و تروریسم به منطقه را متوقف سازد. یک مانع بر سر راه این اهداف، عدم مذاکره و قطع رابطه بین ما بود. به خاطر اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در جستجوی یک رابطه بهتر بین کشورهای خود برآمدیم.» (۲).

عکس العمل شوروی

شوروی ها که در انتظار بهره برداری سیاسی - نظامی که از کاستیها و نقائص سیاست آمریکا در منطقه بودند (۳) بلافاصله پس از افشای ارسال

ص: ۸۲

۱- ۱۰۶. پیشین.

۲- ۱۰۷. روزنامه ابرار، ۲۴ / ۸ / ۱۳۶۵.

۳- ۱۰۸. مجله المستقبل چاپ فرانسه در این مورد نوشت: برخی از مسئولین کشورهای عربی معتقدند که میخائیل گورباچف رهبر پرتحرک شوروی که در بهره گیری از خطاها و نقاط ضعف سیاست آمریکا مهارت دارد، سعی خواهد کرد که از نتایج (ضربه بزرگی) که سیاست آمریکا در خاورمیانه در دوره ی زمامداران ریگان متحمل گردیده است، منتهای بهره برداری را بنماید و در نظر این مسئولین سال ۱۹۸۷ سال تحرک فزاینده اتحاد شوروی در خاورمیانه خواهد بود. (اداره کل مطبوعات خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، نشریه ۱۲۰۸، ۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵).

تسلیحات از سوی آمریکا به ایران، بر کمکهای نظامی خود به عراق افزودند و روند جدیدی را در سیاست منطقه ای بخود بویژه برخورد با دو کشور ایران و عراق و جنگ آغاز کردند. بهبود موقعیت شوروی در منطقه، یکی از ثمرات آسیب دیدگی آمریکا در برابر افشای ماجرای مک فارلین بود. با متزلزل شدن موقعیت امریکا در منطقه، موقعیت شوروی رو به بهبود گذاشت و این وضعیت تا زمان فروپاشی اتحاد شوروی ادامه یافت. روابط عراق و شوروی طی این دوره به سطح مطلوب و مناسبی ارتقاء یافت که به هیچ وجه قابل مقایسه با زمان پیش از آن نبود.

روزنامه پروادا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی در اولین عکس العمل خود آمریکا را در برخورد با جنگ ایران و عراق به نفاق متهم کرد و نوشت:

«مأموریت سری رابرت مک فارلین مشاور سابق رئیس جمهور آمریکا در ایران بار دیگر دورویی واشنگتن را نسبت به آنچه در ارتباط با جنگ ایران و عراق است، تأیید می کند. (۱)»

واشنگتن علنا اظهار می دارد که خواستار پایان جنگ ایران و عراق است، لیکن در واقع ضمن تضمین دادن به یک طرف در مورد خواست

ص: ۸۳

۱- ۱۰۹. آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران طی سخنانی ضمن حمله به موضع روسها در برخورد با جنگ و تشبیه آن با مواضع آمریکا گفت: «روسها از این قضیه (فروش اسلحه آمریکایی به ایران) سوء استفاده کردند و گفتند آمریکا با فروش اسلحه به ایران نمی خواهد جنگ تمام شود و این در شرایطی است که ما معتقدیم آمریکا و شوروی هر دو نمی خواهند جنگ تمام شود. آنها صلح تحمیلی و یا حالت نه جنگ و نه صلح را می خواهند. اما باید به روسها گفت: شما که می گوئید آمریکا نمی خواهد جنگ تمام شود چرا به عراق این همه سلاحهای پیشرفته و مدرن می دهید؟ آیا شما می خواهید جنگ تمام شود؟» (روزنامه رسالت ۸ / ۹ / ۱۳۶۵).

خود مبنی بر پایان جنگ، به طرف دیگر سلاح می دهد.» (۱).

شوروی در ادامه موضعگیری نسبت به روابط پنهانی آمریکا با ایران، موضع شدیدی را علیه ایران اتخاذ کرد، چنانکه روزنامه ایزوستیا ارگان دولت شوروی نوشت:

«تهران مبارزه ای خصمانه را بر علیه شوروی در قبال حمایت مسکو از دولت افغانستان به راه انداخته است... رابطه ای میان سیاست ایران در قبال کابل و مسکو و تحویل اسلحه آمریکا به ایران در یک عملیات پنهانی که با مشارکت اسرائیل انجام شده وجود دارد و بخشی از تسلیحات مزبور با توافق ایران برای چریکهای افغان در نظر گرفته شده بود... تهران در حرف پیرو اهداف ضد امپریالیستی است، اما در واقع با نیروهای امپریالیستی در اجرای یک جنگ اعلام نشده بر علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان مشارکت می کند.» (۲) (۳).

تأثیرات ناشی از افشای ماجرای مک فارلین همچنان تا مدتها بر مناسبات ایران و شوروی سایه افکند و به میزانی که موقعیت شوروی مستحکم می شد، فشار روسها به ایران با حمایت از عراق افزایش می یافت.

شوروی ها در اعمال فشار به ایران دو منظور را به طور همزمان دنبال می کردند، از سویی اندیشه ی استقلال در تصمیم گیری نظام جمهوری اسلامی را هدف قرار داده و در صدد بودند بینش عدم اتکاء به ابرقدرتها، مبنی بر عدم واگذاری تعیین سرنوشت جنگ را مخدوش ساخته و قدرت تصمیم گیری را برای تعیین چگونگی پایان جنگ از ایران سلب کرده و خود

ص: ۸۴

۱- ۱۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۸ / ۱۳۶۵، مسکو، خبرگزاری فرانسه (۱۸ / ۸ / ۱۳۶۵).

۲- ۱۱۱. روسها پس از تجاوز به افغانستان و شکست در برابر مقاومت مردم آن همواره سعی می کردند که برای توجیه شکست خود عوامل خارجی از جمله ایران را در تبلیغات خود مورد تهاجم قرار دهند. بنابراین، افشای ماجرای مک فارلین فرصت مناسبی را در اختیار روسها قرار داد تا اقدام به موضعگیری نمایند.

۳- ۱۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۵۷، ۱۰ / ۹ / ۱۳۶۵.

در اختیار بگیرند تا با اعمال تدابیر خویش جنگ را در راستای منافع منطقه ای و جهانی خود هدایت کنند. از سوی دیگر، ایران را در برابر حضور نظامی خود در افغانستان منعطف سازند. به عبارت دیگر، بازگرداندن ایران انقلابی به نظام دوقطبی بین المللی را که هدف اصلی آمریکا از شروع جنگ بود و طی ۶ - ۷ سال به آن نرسید، شوروی با استفاده از شرایط پیش آمده در دستور کار خود قرار داد. اگر جمهوری اسلامی که بنای جدیدی را در جهان دوقطبی گذاشته بود و با در دست گرفتن سرنوشت جنگ هر دو قطب را مستأصل کرده بود، در برابر فشار شوروی ها انعطاف نشان می داد، نه تنها جوهره اصلی انقلاب خود را که همانا بهم زدن سیستم دوقطبی در جهان بود از دست می داد بلکه مسلما نمی توانست زمینه ساز فروپاشی ابرقدرت شرق باشد. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی با افشای ماجرای مک فارلین ضمن اینکه بحران بزرگی برای غرب و هم پیمانان منطقی اش ایجاد کرد برای مقابله با سوء استفاده ابرقدرت شرق از این ماجرا نیز تاوان سنگینی پس داد و مقاومت سرسختانه ای کرد.

موضع گیری عراق

افشای ماجرای مک فارلین ضمن آنکه واشنگتن را دست خوش بحران کرده بود، هم پیمانان عرب آمریکا را نیز بحران زده کرد. در میان کشورهای عربی، موضعگیری عراق به لحاظ تأثیرات ارتباط آمریکا و ایران و ارسال سلاح به جمهوری اسلامی، از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار بود. عراق در بیانیه ای رسمی، ضمن اظهار تاسف از کوششهای آمریکا، این عمل را به شدت محکوم کرد. در بیانیه ی مزبور آمده بود:

«پذیرش ارسال اسلحه به ایران از سوی رونالد ریگان با سیاستهای اعلام شده آمریکا به شدت در تناقض است. تفاوت بین گفتار و رفتار

حکومت آمریکا، اعتبار سیاستهای اعلام شده این کشور را مورد سؤال قرار داده و تعهدات این کشور را به عنوان ابرقدرتی که برای حفظ صلح و امنیت جهانی مسئولیت دارد، مورد تردید قرار داده است.»

در این بیانیه سپس تأکید شده بود:

«اسلحه ای که ایران دریافت می کند علیه عراق به کارگیری می شود و طبعاً ارسال اسلحه آمریکایی به ایران، بر عراق بیش از هر کشور دیگری تأثیر گذاشته است.» (۱).

نزار حمدون، سفیر عراق در واشنگتن نیز ضمن آنکه هر گونه حمایت تسلیحاتی از ایران را موجب طولانی تر شدن جنگ قلمداد کرد، یادآور شد:

«این حق آمریکاست که کانالهای دیپلماتیک خود را با تهران بگشاید، لیکن تحویل سلاح و مهمات به آن کشور و تردیدهای خطرناکی را در رابطه با مواضع اعلام شده اش مبنی بر بی طرف بودن در جنگ پدید می آورد.» (۲).

وی سپس به نتایج اقدام آمریکا مبنی بر تشویق دیگران به ارسال اسلحه به ایران اشاره نمود و در مورد پیامدهای آن در سطح منطقه، در صورت تغییر موازنه نیروها، گفت:

«بروز تغییر احتمالی در موازنه نیروهای سیاسی و نظامی خاورمیانه منجر به افزایش قیمت نفت شده و بالاخره به منافع ملت آمریکا ضربه خواهد زد.» (۳).

نزار حمدون طی مصاحبه ای با روزنامه نیویورک تایمز مطالبی را بیان داشت که به نظر می رسد علاوه بر تهدید آمریکا، نقطه آغاز چرخش عراق به سمت شوروی بود. وی گفت:

«گرمی مجدد روابط ایران و آمریکا هیچ گونه ضرر و زیانی برای عراق ندارد.» (۴).

ص: ۸۶

۱- ۱۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۸ / ۱۳۶۵، رادیو بی.بی.سی، ۲۵ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۸ / ۱۳۶۵، رادیو مسقط.

۳- ۱۱۵. پیشین.

۴- ۱۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۹ / ۱۳۶۵.

در واقع در مقایسه با اظهارات قبلی نزار حمدون مبنی بر تأثیرات زیان بخش تقویت تجهیزات ایران برای عراق، این موضعگیری نشانه‌ی آن بود که دیگر عراق به لحاظ بی‌اعتمادی به مواضع آمریکا، به این کشور متکی نخواهد بود. وی در ادامه اظهاراتش گفت:

«فروش مخفیانه اسلحه آمریکا به ایران، اصول از سرگیری مناسبات دیپلماتیک میان عراق و آمریکا را زیر سؤال می‌برد.» (۱)

وی در عین حال در اظهاراتش ضمن توجیه شکست عراقیها در فاو، ادامه از سرگیری روابط با آمریکا را مشروط به جبران خسارت‌های عراق نمود و گفت:

«آینده به این مطلب بستگی دارد که دولت آمریکا در مورد این مسئله مهم ارزش و اعتبار خود را در برابر عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه جبران کند.» (۲)

نتایج و پیامدها

تشتت در سیاست خارجی آمریکا در منطقه و مخدوش شدن اعتبار این کشور نزد متحدینش، همراه با افزایش تنش در میان نهادها و مراکز مختلف در آمریکا، (۳) مهمترین بخش از بحرانی بود که آمریکاییها در گرداب آن گرفتار آمدند. (۴)

ص: ۸۷

۱- ۱۱۷. پیشین.

۲- ۱۱۸. مأخذ شماره ۱۴.

۳- ۱۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵ / ۹ / ۵، به نقل از سخنگوی وزارت خارجه آمریکا.

۴- ۱۲۰. روزنامه نیویورک تایمز ضمن انتقاد از شورای امنیت آمریکا، در مورد اهداف آن کشور و نقائص و کاستیهای آن نوشت: «یک مقام بلند پایه دولت آمریکا می‌گوید: هدف اصلی از این گونه تفکر استراتژیک کاخ سفید، مقابله با تهدید شوروی بدون توجه به دیگر مشکلات منطقه‌ای بوده است. یک مقام کاخ سفید نیز گفت: ویلیام کیسی، جان یونید کستر و دانت فورتی، طرفدار این نظریه بودند که یک سلسله عملیات سری منظم می‌تواند به تغییرات ژئوپولتیکی عمده‌ای در منطقه، چون گشایش راهی برای ارتباط با ایران بیانجامد. این عملیات تا حدود زیادی بدون مشورت با کارشناسان منطقه در وزارت دفاع ایالات متحده، وزارت امور خارجه و حتی برخی از اعضای شورای امنیت ملی طرحریزی شد.» (نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، به نقل از رادیو آمریکا).

این وضعیت، از سوی محافل مختلف و کارشناسان به عنوان یک پیروزی دیپلماتیک و تبلیغاتی برای ایران تلقی شد. (۱).

متحدین آمریکا در اروپا با توجه به عمق و وسعت بحران در کاخ سفید، نسبت به تداوم آن تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) و تأثیرات آن بر روابط آمریکا و کشورهای منطقه خاورمیانه، عمیقاً نگران و مضطرب بودند. (۲).

شوروی ها ضمن استفاده از پیدایش وضعیت جدید، به نحو آشکاری حوزه فعالیت‌های خود را برای ارتقاء موقعیتشان در برابر آمریکا گسترش دادند. (۳) بهبود مناسبات با کشورهای منطقه و ارتقاء سطح روابط، در شرایطی که این کشورها عمیقاً نسبت به آمریکا بی اعتماد شده بودند، تنها بخشی از بهره برداری روسها بود. عمده ترین قسمت آن نیز گسترش روابط با عراق محسوب می شد.

در این میان، آمریکاییها برای به دست گرفتن ابتکار عمل و جبران کاستیها و شکستهای ناشی از افشای ماجرای مک فارلین، بر تلاشها و اقدامات خود افزودند. (۴) چنانکه مک فارلین از دولت آمریکا درخواست

ص: ۸۸

۱- ۱۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۹ / ۹ / ۱۳۶۵، واشنگتن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵، لوکنیدین دوپاری.

۳- ۱۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، رادیو آمریکا، ۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵، به نقل از روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

۴- ۱۲۴. در پی بروز حوادث مزبور، وزارت خارجه آمریکا به تلاش افتاد و ریچارد مورفی را به منطقه اعزام کرد. رادیو آمریکا در تاریخ ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵ در حالی که سعی می کرد مسئله اصلی ماجرا را فروش تسلیحات به ایران جلوه دهد، در مورد سفر مورفی گفت: «مدیر کل وزارت خارجه آمریکا در سفرش به خاورمیانه خواهد کوشید به دوستان آمریکا اطمینان دهد که فروش تسلیحات از آمریکا به رژیم اسلامی ایران، انحرافی در سیاست ایالات متحده بود که دیگر تکرار نخواهد شد. مقامات آمریکایی می گویند: ریچارد مورفی سه مسئله اصلی را با رهبران اردن و مصر در میان خواهد گذاشت: ۱- مسائل منطقه ای که شامل جنگ خلیج فارس، اوضاع لبنان و مشکل فلسطینیان است. ۲- درک موقعیت کنونی خاورمیانه و دورنمای احیای آن. ۳- روابط دوجانبه میان کشورهای خاورمیانه با ایالات متحده از جمله کمکهای متحده از جمله کمکهای خارجی. (بولتن رویدادها، دفتر سیاسی سپاه، شماره ۱۲۸، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵).

کرد که: «یک برنامه چهار ماده ای را جهت به دست گرفتن ابتکار عمل در سیاست خارجی خود آغاز کند.» (۱).

محور اصلی اقدامات آمریکا، علاوه بر تلاشهای سیاسی و تبلیغاتی، افزایش کمک به عراق به منظور (تشدید فشار به ایران) و ممانعت از پیروزی ایران در جنگ بود. (۲).

تشدید فشار به ایران در واقع برای جبران ماجرای مک فارلین و نشان دادن حسن نیت آمریکا به متحدین آن کشور به منظور پایان دادن به جنگ انجام می گرفت. وزیر خارجه آمریکا در چارچوب همین سیاست اعلام داشت:

«کاستن از توان نظامی ایران که طرف سرکش این جنگ است، می تواند به دستیابی یک راه حل از طریق مذاکره کمک کند.» (۳).

همچنین پس از آن که آمریکاییها از سوی عراق متهم به ارائه اطلاعات غلط به این کشور شدند، اجبارا برای خنثی کردن جو ناشی از آن به بخشی از کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق در طول جنگ اعتراف کردند. آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه، با اشاره به علت افشای کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق، اظهار داشت:

«افشای تلاش آمریکا در برقراری روابط با ایران، کشورهای غربی

ص: ۸۹

۱- ۱۲۵. روزنامه رسالت، ۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵، واحد مرکزی خبر، ۲۳ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲۶. جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا طی یک موضعگیری رسمی اعلام کرد: «آمریکا می کوشد تا از پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ خارجی جلوگیری کند.» (روزنامه رسالت ۲۶ / ۹ / ۱۳۶۵).

۳- ۱۲۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۹ / ۱۳۶۵.

را سر خورده کرد و برای اینکه آنها بیشتر از آمریکا ناامید نشوند، آمریکاییها مجبور به اعتراف به اعطای کمکهای اطلاعاتی به عراق در رابطه با هدف قرار دادن تأسیسات حیاتی ما شدند.» (۱).

در واقع، موقعیت سیاسی - نظامی ایران پس از فتح فاو، بویژه متعاقب افشای ماجرای مک فارلین به گونه ای بود که آمریکاییها تداوم آن را، با توجه به تبلیغات ایران مبنی بر انجام عملیات سرنوشت ساز، به زیان خود تلقی می کردند. بنابراین، با هدف کاهش توان نظامی ایران و قبولاندن ضرورت مذاکره به عنوان تنها راه حل در پایان بخشیدن به جنگ، اقداماتی را آغاز کردند که بخش مهم آن ارائه کمکهای اطلاعاتی و مستشاری به عراق برای حمله به مراکز حیاتی صنعتی و اقتصادی ایران بود. در این زمینه، خبرنگار شبکه سی.بی.اس آمریکا طی گزارشی گفت:

«دولت ریگان به یک مقطعه کار نظامی چراغ سبز داده که با عقد قراردادی با عراق، این کشور را در توسعه یک استراتژی جهت جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ یاری نماید. قرار است شرکت آی.بی.ام که مقامات آن را افسران نظامی بازنشسته آمریکا تشکیل می دهند، طی همکاری مستقیم با وزارت دفاع عراق طرحی را برای این کشور ابداع نماید که بر اساس آن عراق بتواند از برتری نیروی هوایی خود استفاده کند. بنابراین گزارش، قرارداد پیشنهادی شامل ابداع طرحهایی است جهت تهاجم هوایی به خطوط حیاتی ارتباطات دفاعی ایران، انبار مهمات مملو از گلوله های توپ ایران که از بازار سیاه خریداری نموده، پالایشگاه ها و ایستگاههای پمپ نفت که منبع اصلی درآمد ایران است و نیز کاروانهایی که از شهرها برای امواج انسانی ایران نیرو و آذوقه می آورند.» (۲).

همچنین نشریه میدل ایست اینترنشنال به نقل از خبر گزار بی.بی.سی

ص: ۹۰

۱- ۱۲۸. روزنامه رسالت، ۲۹ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۸ / ۱۳۶۵.

«یک افسر عالی‌رتبه آمریکایی که در بغداد اقامت دارد به نیروی هوایی رژیم عراق کمک اطلاعاتی می‌دهد. حمایت آمریکا از عراق تنها به مسائل سیاسی محدود نمی‌شود و مسائل نظامی را نیز دربر می‌گیرد. از جمله باید از اطلاعات کسب شده از هواپیماهای آواکس و ماهواره های آمریکایی که مستقیماً در اختیار مقامات رژیم عراق قرار می‌گیرد نام برد.» (۱).

تنش در روابط عراق و آمریکا

در این میان، تلاش‌های و اقدامات آمریکا نتوانست اعتماد عراق به آمریکا را مجدداً جلب نموده و تنش موجود در روابط آنها را کاهش دهد.

تحت چنین شرایطی، افشای ارائه اطلاعات غلط از سوی آمریکا به عراق توسط روزنامه نیویورک تایمز که بیشتر تحت تأثیر تنش‌های داخلی آمریکا انجام گرفت، بر تیرگی روابط افزود. نیویورک تایمز به نقل از مقامات وزارت خارجه (۲) آمریکا نوشت:

«مقامات وزارت امور خارجه آمریکا ماه گذشته گفتند که ایالات متحده ظرف دو سال گذشته گهگاه اطلاعاتی نظامی در اختیار عراق قرار می‌داد، اما هیچ نشانه‌ای در مورد نادرست بودن آن اطلاعات بروز نمی‌داد. هدف از دادن این اطلاعات نظامی جلوگیری از پیشروی قطعی ایران در جنگ خلیج فارس بود.» (۳).

ص: ۹۱

۱- ۱۳۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۳۱. نشریه نیویورک تایمز ارائه‌کننده نظریات وزارت خارجه آمریکا است. از آنجا که ماجرای مک‌فارلین تحت رهبری شورای امنیت آمریکا صورت می‌گرفت، این اقدام نشریه نیویورک تایمز انتقادی از سوی وزارت خارجه نسبت به شورای امنیت آمریکا تلقی می‌شد.

۳- ۱۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه» ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو آمریکا، ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

سخنگوی کاخ سفید بلافاصله طی مصاحبه ای، ضمن تکذیب مطالب مندرج در نشریه نیویورک تایمز، سیاست جدید آمریکا را چنین بیان کرد:

«سیاست آمریکا در حال حاضر این نیست که اطلاعات گمراه کننده ای در اختیار ایران و عراق قرار دهد. در این زمینه که آیا آمریکا در گذشته چنین اقدامی به عمل می آورده، اطلاعی ندارد. ایالات متحده خواستار طولانی شدن جنگ نیست و برعکس خواهان پایان صلح آمیزی است که در آن بازنده یا برنده ای در کار نباشد و ثبات را در منطقه خلیج فارس برقرار سازد.» (۱).

طه یاسین رمضان مرد شماره ۲ عراق نیز طی مصاحبه ای ضمن موضعگیری نسبت به آمریکا، در مورد ماهیت و نتایج ارائه اطلاعات غلط به عراق اظهار داشت:

«اطلاعات نادرست و مخدوشی که ایالات متحده عمدا در اختیار ارتش عراق قرار داده به قیمت جان هزاران سرباز عراقی تمام شده است... عراق نخستین بار در فوریه گذشته (بهمن سال ۶۴) به درستی اطلاعات دریافت شده مضمون شد و آن هنگامی بود که ایالات متحده تأکید می کرد که ایران به منطقه ای در مرکز جبهه مرزی ایران و عراق حمله خواهد کرد، در صورتی که ایران به فاو در گوشه جنوبی عراق حمله برد.» (۲).

اظهارات طه یاسین رمضان و ابعاد این ماجرا مورد توجه محافل سیاسی و خبری قرار گرفت. روزنامه وال استریت ژورنال در تفسیر این اظهارات نوشت:

«اگر اظهارات طه یاسین رمضان درست باشد و اطلاعات نادرست در اختیار اردن و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز گذاشته شده باشد، به نظر می رسد که ایالات متحده نه فقط به ایران و عراق بلکه به

ص: ۹۲

۱- ۱۳۳۳. پیشین.

۲- ۱۳۴. روزنامه کیهان، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو آمریکا.

چند کشور اطلاعات نادرست داده و مسلماً بیش از پیش به اعتبار متحده در خاورمیانه لطمه خواهد خورد.» (۱).

در بخش دیگری از تفسیر این نشریه آمده بود:

«مقامات اردنی هفته پیش کوشیدند عراق را قانع سازند که شاید تجزیه و تحلیل ایالات متحده از آن اطلاعات نادرست بوده و آمریکا واقعا قصد نداشته عراق را فریب دهد.» (۲).

تبعات اقدام آمریکا و بی اعتمادی حاصله از آن مورد تاکید نویسنده وال استریت ژورنال قرار گرفته بود:

«ظن و شکمی که آقای رمضان نسبت به ایالات متحده ابراز کرد، نشانه ای از عدم اعتماد عمیق عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه نسبت به آمریکا است و از افشای این امر ناشی می شود که ایالات متحده با فروش اسلحه به ایران جهان را فریب داد.» (۳).

در پی این وضعیت، آمریکاییها کوشش وسیعی را برای جبران کاستیها و نواقص سیاستهای پیشین خود به عمل آورده و با ارائه اطلاعات از مراکز اقتصادی ایران، مساعدتهای لازم را نسبت به حملات هوایی عراق به مراکز اقتصادی و صنعتی ایران اعمال نمودند، چنانکه نشریه ساندی تلگراف پس از حمله هوایی عراق به نیروگاه نکا نوشت:

«دیپلماتها در بغداد معتقدند که کمک اطلاعاتی آمریکا به عراق، این کشور را قادر ساخت تا به تأسیسات اقتصادی ایران مثل نیروگاه نکا ضربه وارد کند.» (۴).

در واقع، آمریکاییها در وضعیتی انفعالی کوشیدند تا با افزایش ارائه اطلاعات به عراق، تبعات ناشی از ناخشنودی از آمریکا را جبران نمایند چنانکه در ابتدا عراقیها نیز همین انتظار را از آمریکا داشتند. با اقدامات جدید آمریکا روند مناسبات این کشور با عراق مجدداً رو به بهبود نهاد، هر

ص: ۹۳

۱- ۱۳۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵، وال استریت ژورنال.

۲- ۱۳۶. پیشین.

۳- ۱۳۷. مأخذ، شماره ۲۹.

۴- ۱۳۸. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «بررسی»، شماره ۱، اسفند ۱۳۶۶.

چند عراق می کوشید با وضعیت پیش آمده بیشترین امتیازات را از آمریکا دریافت دارد. پس از شکست عملیات کربلای ۴ وزیر دفاع عراق ضمن تشکر از آمریکا اظهار داشت:

«ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می کنیم. اما به آنان خاطر نشان می سازیم که در مقایسه با برخوردشان با ایران، در این مورد تعادل برقرار نبوده است.» (۱).

بلافاصله پس از آغاز عملیات کربلای ۵ و پیروزی بزرگ ایران در این عملیات، عراق که بار دیگر فریب خورده بود بنا به استنباط گذشته مبنی بر ارائه اطلاعات غلط از سوی آمریکا به عراق، مجدداً مناسبات دو کشور رو به تیرگی نهاد.

پذیرش اتهامات عراق برای آمریکا، نظر به عواقب آن، غیر قابل تحمل بود. چون آمریکاییها با کمک اطلاعاتی مجدد به عراق و سایر اقدامات در نظر داشتند تا ضمن زدودن آثار افشای ماجرای مک فارلین از چهره سیاست خارجی متشتت آمریکا، مجدداً ابتکار عمل را در منطقه به دست گیرند. بنابراین، روزنامه واشنگتن پست که نماینده محافل دست راستی آمریکا محسوب می شود، ضمن پاسخ به اظهارات طه یاسین رمضان، اتهامات وی مبنی بر اینکه عامل شکست نیروهای عراقی در جبهه های جنگ بویژه جزیره فاو، آمریکا بوده است را به نقل از دیپلماتها و مقامات غربی رد نموده و نوشت:

«تحلیلگران غربی معتقدند که نبرد فاو بهترین نمونه بهره برداری نیروهای مهاجم از ضعف خطوط دفاعی دشمن بود و رمضان با چنین ادعایی سعی دارد تقصیر شکستهای نظامی خود را به گردن آمریکا بیندازد.» (۲).

همچنین روزنامه واشنگتن پست به نقل از یک مقام عالیرتبه غربی نوشت:

ص: ۹۴

۱- ۱۳۹. پیشین.

۲- ۱۴۰. روزنامه رسالت، ۶ / ۱۱ / ۱۳۶۵، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

«بدون تردید آبروی رمضان رفته بود، زیرا این نیروهای جیش الشعبی بودند که در فاو خطوط دفاعی را لو داده و شکست خوردند.»

از سوی دیگر، این روزنامه از قول شولتز وزیر خارجه آمریکا نوشت:

«این ادعا که ما عملاً اطلاعات غلط در اختیار عراقیها گذاشته ایم کاملاً نادرست است.»

واشنگتن پست در ادامه همین مطلب افزود:

«در آن هنگام (نبرد فاو) عکسهای ماهواره ای آمریکا نشان می داد که بیشترین تمرکز سلاحهای سنگین بسیار بالاتر از فاو، در حوالی منطقه باتلاقی هویزه، در تقاطع رودهای دجله و فرات واقع شده و همه فکر می کردند که تهاجم عمده ایران در منطقه هویزه است. آمریکا همچنان به عراق اطلاعات جاسوسی می دهد و فرماندهی نظامی عراق تا به حال هیچگونه گله و شکایتی در مورد کیفیت اطلاعات دریافتی در مورد تهاجم جاری ایران (۱) نکرده است.» (۲).

به رغم تلاشها و اقداماتی که از سوی محافل خبری برای توجیه سیاست اطلاعاتی آمریکا در برخورد با ایران و عراق صورت گرفت، جناحهای رقیب داخلی، بیش از پیش دولت ریگان را تحت فشار قرار می دادند.

چنانکه واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا طی مصاحبه ای با خبرگزاری فرانسه گفت:

«به من گفته شد که حداقل یکبار برخی اطلاعات در اختیار ایران قرار گرفته است.» (۳).

پس از اظهارات فوق واشنگتن پست بلافاصله نوشت:

ص: ۹۵

۱- ۱۴۱. اشاره به اطلاعات دقیقی است که در مورد عملیات کربلای ۴ از سوی آمریکا در اختیار عراق قرار گرفت.

۲- ۱۴۲. مأخذ شماره ۳۴.

۳- ۱۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۵.

«سرهنگ الیورنورث به تهران اطلاعات فوق محرمانه داده بود.

پیامهای الکترونیک مخابره شده توسط نورث نشان می دهد که وی اطلاعات طبقه بندی شده ای را تحت نام نوفورم به ایران داده است. این علامت نشان می دهد که اطلاعات یاد شده نمی بایست توسط هیچ قدرت خارجی رویت شود. نورث حداقل دوبار اطلاعاتی را در اختیار واسطه های ایران قرار داده است.» (۱).

بنابراین، بدیهی به نظر می رسد که این گونه اظهارات از سوی مقامات رسمی آمریکا، عراق را به طور مضاعف دچار تردید و ابهام نماید، لذا بر تنش روابط عراق و آمریکا افزوده شد و همچنان ادامه یافت. این وضعیت علاوه بر آنکه موجب ناتوانی بیشتر آمریکا در به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ گردید: متقابلاً عراق را بیش از پیش به سمت شوروی برای یافتن نقطه اتکاء جدید سوق داد و آمریکا در برخورد با عراق در وضعیت بسیار دشوار و پیچیده ای قرار گرفت. در این شرایط متحدان اروپایی آمریکا، با اقدامات خود، از بازگشت کامل عراق به دامن شوروی جلوگیری کردند. فرانسه، آلمان، انگلیس و سایر کشورهای اروپای غربی بیش از پیش به تقویت بنیه نظامی عراق پرداختند تا ضمن ممانعت از بهره برداری شوروی، موفقیتهای ایران را، خصوصاً در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵، خنثی نمایند.

گسترش تهاجمات هوایی عراق

در شرایطی که سیل کمکهای تجهیزاتی و اطلاعاتی به عراق شروع شده بود، حملات هوایی به مناطق غیر نظامی به نحو گسترده ای آغاز شد. دشمن در مرحله اول منابع تأمین برق کشور را هدف قرار داد و به دنبال آن سایر مراکز صنعتی و اقتصادی کشور را زیر بمباران گرفت. تهاجم هوایی جدید با طرح و کمکهای اطلاعاتی آمریکا و بمب افکن های شوروی انجام می شد.

ص: ۹۶

شوروی ها نگران از اقدامات آمریکا و با اندیشه به تسلیم کشاندن تهران، عراق را در جنگ هوایی بشدت تقویت کردند. تفسیر نشریه ساندى تايمز از اين جريان، دليلی بر صحت اين مدعاست:

«به نظر می رسد افشای حمایت تسلیحاتی ایران از سوی آمریکا و اسرائیل، ماشه ی حملات ناگهانی و سنگین عراق به منابع و مراکز صنعتی و نظامی ایران را چکانده باشد.» (۱).

همچنین، برداشت عراق از توافقات احتمالی ایران و آمریکا در چارچوب پایان بخشیدن به جنگ که ممکن بود به حذف صدام بیانجامد، موجب گردید تا رژیم عراق نسبت به این جريان عکس العمل نشان دهد.

نشریه ساندى تايمز نوشت:

«تماسهای آمریکا و ایران و ارسال تجهیزات آمریکایی به ایران، آینده ی صدام حسین را زیر سؤال برده است. تشدید حملات هوایی عراق به ایران در واقع تلاش صدام حسین برای قدرت نمایی است.» (۲).

در هین حال، شواهد و قرائن دیگری وجود داشت که نشان می داد علاوه بر اهداف جدید شوروی و انگیزه های عراق از حملات گسترده هوایی از مدتها قبل از عملیات هوایی علیه ایران، توسط آمریکا طرحریزی شده است.

بعدها روزنامه نیویورک تايمز در این مورد نوشت:

«در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) کیسی طرحی را تنظیم کرده بود که صدام را تشویق به فشار به تهران کند.

در تابستان همین سال بوش طی دیدار از خاورمیانه از شاه حسین و حتی مبارک خواست تا پیام این طرح را به صدام حسین منتقل کنند.

بر اساس این طرح تهران مجبور می شد برای خرید موشک و سایر سلاحهای دفاعی به واشنگتن روی آورد و در نتیجه به آمریکا برای آزادی گروگانها در لبنان امتیاز بدهد.

ص: ۹۷

۱- ۱۴۵. مأخذ شماره ۳۲.

۲- ۱۴۶. مأخذ شماره ۳۲.

بعد از انتقال پیام، عراق ۳۵۹ ماموریت بر فراز جمهوری اسلامی انجام داد و تاسیسات مهم نفتی ایران را منهدم کرد.» (۱).

در واقع، آمریکاییها قبل از سفر مک فارلین به ایران مایل بودند موقعیت برتر سیاسی و نظامی ایران را تضعیف کرده و به هنگام انجام مذاکرات در تهران، از موقعیت بهتری برخوردار باشند. عراقیها نیز با توجه به وضعیت رو به تزلزل روحی - روانی خود که ناشی از شکست در فاو بود، چنین می پنداشتند که وارد ساختن فشار نظامی به ایران، علاوه بر تأمین نظریات آمریکاییها، منافع عراقیها را نیز می تواند تأمین نماید. بر همین اساس، عراقیها به اجرای «استراتژی دفاع متحرک» مبادرت ورزیدند. لیکن شکست این طرح از یکسو و ناکامی مک فارلین در سفر به تهران از سوی دیگر، طرح از پیش تعیین شده دیگری را مبنی بر «انهدام امکانات نظامی ایران با حمله به هدفهای حیاتی» در دستور کار قرار داد. اظهارات حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق دلالت بر صحت این نظر دارد. وی در این خصوص گفته بود:

«انهدام امکانات نظامی و هدفهای حیاتی ایران بر اساس نقشه هایی که قبلاً توسط نیروی هوایی عراق تهیه و آماده شده است، انجام خواهد گرفت.» (۲).

همچنین فرمانده نیروی هوایی عراق در مصاحبه ای با مجله الدستور، با اشاره به اهداف عراق از حملات هوایی و طرحریزی عراق برای مراحل بعدی اظهار داشت:

«ضرباتی که هواپیماهای عراقی بر هدفهایشان در ایران وارد ساختند، بر اساس انهدام سریع تکیه گاههای دشمن ایرانی بود. اجرای نخستین مرحله از این طرح چند مرحله ای با موفقیت انجام گرفت و ما مدتی است که در مورد اجرای مرحله دوم این طرح به بررسی پرداخته ایم.

ص: ۹۸

۱- ۱۴۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ / ۸ / ۱۳۷۱.

۲- ۱۴۸. پیشین.

تا باقیمانده امکانات انسانی و اقتصادی و نظامی دشمن ایرانی را تحلیل دهیم و دشمن در هر مرحله شاهد انجام عملیات شدیدتری خواهد بود

ما در روزهای آینده به اجرای کامل این طرح خواهیم پرداخت و بی وقفه به آن ادامه خواهیم داد.» (۱).

کمکها و مساعدتهای آمریکا نیز در این زمینه بی تأثیر نبود. آمریکاییها برای جلب مجدد اعتماد عراقیها و رفع تنش در روابط بغداد - واشنگتن و همچنین تشدید فشار به ایران، کمکهای اطلاعاتی گسترده ای را در اختیار عراق قرار دادند.

روزنامه وال استریت ژورنال ضمن تفسیر اظهارات طه یاسین رمضان مبنی بر ارائه اطلاعات نادرست از سوی آمریکا به عراق و نقش آن در روابط دو کشور نوشت:

«به رغم تمامی این تحولات، عراق هنوز هم از ایالات متحده اطلاعاتی دریافت می کند که دیپلماتهای غربی، با توجه به موفقیت شدیداً رو به افزایش حملات هوایی اواخر سال گذشته عراق علیه هدفهای اقتصادی و تاسیسات نفتی و نیروگاه های برقی ایران، برای آن اعتبار قائلند.» (۲).

روزنامه میدل ایست اینترنشنال نیز اعتراف کرد که کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق، توسط یک افسر عالیرتبه در بغداد صورت می گیرد:

«یک افسر عالیرتبه آمریکا در بغداد، در انتخاب اهدافی که هواپیماهای عراق باید در ایران بمباران کنند، به طراحان کمک می کند.» (۳).

آمریکاییها که به خاطر تاثیرات پیروزی نظامی ایران در افزایش تشنگی سیاست خارجی آمریکا در منطقه، عمیقاً نگران و مضطرب بودند، از هر گونه اعمال فشار به ایران استقبال می کردند، زیرا این امر علاوه بر تضعیف موقعیت سیاسی - نظامی ایران، بخشی از بحرانهای ناشی از شکست سیاست آمریکا را جبران می کرد.

ص: ۹۹

۱- ۱۴۹. اداره کل مطبوعات وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۱۱، ۲ / ۱۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

۳- ۱۵۱. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «رویدادها»، شماره ۲۶، ۱۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵.

پس از ده ماه بسیج امکانات و مقدمات کشور و استفاده از تبلیغات گسترده و وسیع مبنی بر «تعیین سرنوشت جنگ» در شرایطی که منابع صنعتی و اقتصادی و مراکز آب و برق کشور هدف بمباران شدید و گسترده دشمن قرار داشت، عملیات کربلای ۴ در تاریخ ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵ با چهار قرارگاه به نامهای نجف، قدس، کربلا و نوح آغاز شد.

البته به عللی، نیروهای خودی برخلاف پیش بینی های قبلی در همان شب اول تنها توانستند در جزایر سهیل، قطعه، ام الرصاص، ام البابی و بلجانیه نفوذ کنند و در بعضی مناطق به صورت موضعی رخنه نمایند.

دشمن علاوه بر استفاده از اطلاعاتی که توسط آمریکا (به جبران حادثه ایران گیت) در اختیارش گذاشته شده بود، از هوشیاری کامل برخوردار بود. لذا با استفاده از تاکتیکهای ضد غواص و شناور، مانع از انجام عملیات بر اساس پیش بینی های قبلی شد. دشمن از همان شب عملیات با

استفاده از منوره‌های پیاپی و اجرای چند مورد بمباران کنار نهر عرایض (عقبه برخی از یگانها) و همچنین اجرای آتش مؤثر بر روی رودخانه اروند، عملاً- سازمان نیروهای غواص و موج دوم و سوم را به هم زد، به طوری که نیروهای یگانهای مجاور بعضاً پراکنده شده و عمدتاً نمی توانستند به طور دقیق روی هدف عمل نمایند.

یکی از مناطق حساس عملیات، جزیره ام الرصاص و نوک بوارین بود که به رغم کوششهای بسیاری که برای تصرف آن صورت گرفت، به خاطر هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت. دشمن با شلیک آتش تیربار روی آب به صورت ضربداری و با حجم زیاد، مانع عبور نیروها از تنگه ام الرصاص - بوارین شد. ضمناً دشمن بنا به حساسیتی که نسبت به جزیره ام الرصاص داشت، در پدافند آن از ۹ رده مانع طبیعی و مصنوعی بهره گیری می کرد، به طوری که از هر خط عقب رانده می شد در خط بعدی که نسبت به خط قبلی اشراف و تسلط داشت مقاومت می کرد. به رغم کوششهای بسیار، به خاطر هوشیاری دشمن، عملاً ادامه نبرد بدون اینکه چشم انداز روشنی داشته باشد با مشکلات عدیده ای توأم شد، لذا به منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیات آتی، از ادامه نبرد اجتناب شد.

علل عدم موفقیت عملیات

در میان عوامل متعددی که سرنوشت عملیات کربلای ۴ را رقم زد دو عامل بیش از بقیه تعیین کننده بود

الف: افشا شدن عملیات

نحوه برخورد نظامی عراق با عملیات کربلای ۴ و اظهارات بعدی مقامات نظامی این کشور دلالت بر این داشت که وسیله هوشیاری دشمن

ص: ۱۰۱

صرفاً مشاهده تحرکات نیروهای ایرانی نبود، بلکه آنها عمدتاً بر اطلاعات واصله از دستگاه جاسوسی آمریکا تکیه داشتند. (۱)

چنانکه قبلاً اشاره شد، در آن مقطع ارائه اطلاعات نظامی به عراق و مقابله با هر گونه پیروزی جمهوری اسلامی، به عنوان یک مسئله اساسی و اصولی برای آمریکا مطرح بود چون با تزلزل حاکمیت عراق، روسها از موقعیت به دست آمده نهایت بهره برداری را می نمودند.

اظهارات بعدی برخی از مقامات عراقی در مورد اهداف عملیات و نتایج آن حاکی از آن است که اطلاعات ارسالی به عراق حاوی نکات قابل ملاحظه ای بوده است:

«هدف ایران شهر بصره بوده و هست... ایرانیها اگر موفق می شدند. هدفهای خود را تحقق بخشند، ارتباط میان سپاه سوم و هفتم را قطع می کردند و تمام فاو و خور عبدالله و شمال بصره را به اشغال خود در می آوردند، علت شکست کنونی این است که ما آماده بودیم و نقشه های لازم را طرح کردیم... و از درسهای فاو استفاده نمودیم.» (۲)

نکته قابل توجه در اظهارات بعدی عدنان خیرالله، اشاره مستقیم وی به اطلاعات واصله از آمریکا بود.

وزیر دفاع عراق ضمن تشکر از آمریکا اظهار داشت:

«ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می کنیم. اما به آنان خاطر نشان می کنیم که در مقایسه با برخوردشان با ایران، در این مورد تعادل برقرار نبوده است.» (۳)

ص: ۱۰۲

۱- ۱۵۲. دشمن با استفاده از اطلاعات استراتژیک که از سوی آمریکا در اختیارش گذاشته شد، توانست از اطلاعات تاکتیکی نیز بهره گیرد و با در نظر گرفتن اقدامات نیروهای ایرانی در منطقه، تحرکات خودی را تعقیب کند.

۲- ۱۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۸۷، ۱۱/۱۰/۱۳۶۵، رادیو مونت کارلو (۹/۱۰/۱۳۶۵).

۳- ۱۵۴. پیشین، خبرگزاری فرانسه از بغداد.

ب: استفاده از تجارب عملیات فاو توسط عراق

اتخاذ استراتژی دفاع متحرک علاوه بر اهداف اصلی، ناظر بر این امر بود که دشمن با ایجاد تأخیر در عملیات بعدی جمهوری اسلامی که مرتباً تبلیغات آن نیز در سطح کشور صورت می گرفت، تلاش کرد تا از یکسو زمین عمومی منطقه فاو تا بصره را مسلح نماید و امکان ادامه عملیات فاو را در این منطقه از بین ببرد و از سوی دیگر تدبیری برای مقابله با تاکتیکهای ویژه آن عملیات بیندیشد.

عراقیها طی فرصت حاصله توانستند با توجه به تاکتیک نیروهای سپاه برای عبور از رودخانه که عمدتاً متکی به نیروهای غواص بود و با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت جزر و مد آب، تاکتیکهای جدیدی را برای مقابله با نیروی غواص اتخاذ کنند.

بنابراین، در آستانه عملیات کربلای ۴ دشمن با استفاده از یک فرصت ده ماهه با مسلح کردن زمین منطقه، ایجاد مواضع و استحکامات در ساحل رودخانه و همچنین آرایش سلاح برای پوشاندن سطح آب جهت ممانعت از حرکت نیروهای غواص و سایر اقدامات، از آمادگی لازم برای مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام برخوردار شده بود.

بازتاب عملیات کربلای ۰۴

عراقیها که از مدتها قبل نسبت به اجرای عملیات گسترده و سرنوشت ساز از سوی ایران، در اضطراب و نگرانی بودند، بلافاصله پس از عدم حصول نتیجه مطلوب ایران از عملیات مزبور، تبلیغات وسیعی را مبنی بر شکست نبرد سرنوشت ساز

ص: ۱۰۳

آغاز کردند. عراقیها با تأکید بر گستردگی این عملیات با هدف تصرف بصره، در نظر داشتند بر پیروزی عراق تأکید نمایند. فرمانده سپاه هفتم عراق طی مصاحبه ای، در مورد عملیات اظهار داشت:

«هدف ایران از حمله اخیر به خاک عراق، اشغال منطقه بصره و یکسره کردن جنگ به نفع خود بود... حمله اخیر ایران یک حمله گسترده و وسیع بود و شکست آن موجب متلاشی شدن نیروهای ایران گردید. اما این بدان معنا نیست که ایران بار دیگر نیروهای خود را جمع آوری نکرده و به عراق حمله نکند.»

فرمانده سپاه سوم عراق نیز طی مصاحبه ای، با اشاره به تاکتیک عملیات و عواقب زیان آور آن برای عراق در صورت پیروزی ایران، گفت:

«ایرانیان در حمله اخیر خود تلاش کرده اند سپاه هفتم را از سپاه سوم عراق جدا کنند و سپس از دو محور شلمچه و تنومه، در نخلستانهای منطقه بصره نفوذ کنند... در صورتی که ایرانیان موفق می شدند از نخلستانهای شلمچه و تنومه به سوی بصره راه یابند، برتری هوایی و زرهی عراق در این منطقه فلج می شد، زیرا منطقه خاکی و پر از نخلستان می باشد.»

وی سپس قطع ارتباط سپاههای سوم و هفتم را یک وضعیت خطرناک برای ارتش عراق توصیف کرد و گفت:

«خطرناکترین محور عملیاتی جنوب، حد فاصل مرزهای مشترک میان سپاههای هفتم و سوم می باشد، زیرا از طریق سپاه سوم می توان به منطقه شلمچه نفوذ کرد و از آنجا به ابوالخصیب و سپس به بصره راه یافت و از منطقه سپاه هفتم می توان با نفوذ به عمق آن، به پشت سپاه هفتم رسید.» (۱).

ص: ۱۰۴

در میان عکس‌العملهایی که به دنبال عملیات کربلای ۴ در محافل سیاسی - نظامی و رسانه‌های عمومی جهان به وجود آمد، هیاهوی تبلیغاتی عراق مبنی بر شکست عملیات سرنوشت‌ساز، بیش از سایر مسائل مورد توجه قرار گرفته و اظهارات گوناگونی را سبب گردید. در مرحله اول، برخی از رسانه‌ها سر و صدای زیاد عراق را بنا به وضعیت خاص سیاسی حاکمان عراق، تلاش در جهت افزایش ثبات سیاسی - نظامی و تقویت روحیه ارتش عراق تلقی می‌کردند، چنانکه روزنامه دی ولت نوشت:

«سر و صدای زیاد عراق مبنی بر کسب پیروزی، برای دامن زدن به جنگ روانی است. این گونه اعمال برای تقویت روحیه مردم عراق خود دلیلی بر خسته بودن مردم این کشور از جنگ می‌باشد.» (۱).

در همین زمینه، روزنامه تایمز مالی اقدامات تبلیغاتی عراق را به عنوان کودتای تبلیغاتی برای صدام ذکر کرده، نوشت:

«دیپلماتها در بغداد و مقامات واشنگتن این عملیات را کوچکتر از آنچه که ادعا شده، دانسته‌اند. دیپلماتها معتقدند که این پیروزی عراق یک کودتای تبلیغاتی به موقع برای صدام، در پایان سالی که در آن عراق فاو را از دست داده بود به حساب می‌آید.» (۲).

علاوه بر مطالبی که نسبت به ناباوری صاحب‌نظران سیاسی - نظامی در خصوص تبلیغات عراق ذکر شد، عامل اساسی تر، عدم مشابهت عملیات کربلای ۴ با خصوصیات یک عملیات گسترده، در مقایسه با گذشته جنگ بود. زیرا همیشه علاوه بر اهداف عملیات، ملاکهای ارزیابی گستردگی یا محدودیت عملیات متکی به میزان تداوم و سماجت نیروها در ادامه نبرد، در صورت شرایط مساعد می‌بود.

بر این اساس، هر چند عملیات کربلای ۴ از نظر هدف در چارچوب یک عملیات گسترده قرار می‌گرفت، لیکن به خاطر آنکه زمان درگیری محدود

ص: ۱۰۵

۱- ۱۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، روزنامه دی ولت چاپ آلمان (۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵).

۲- ۱۵۷. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «بررسی»، شماره ۱، اسفند ۱۳۶۶.

بود، از سوی بسیاری از محافل سیاسی - نظامی به عنوان عملیات گسترده نهایی ایران تلقی نشد. تنها روزنامه ایندپندنت در این زمینه نوشت:

«شکی نیست که این عملیات یک حمله گسترده و عمده به شمار می آید، ولی به هیچ وجه نمی توان آن را حمله نهایی دانست. ایران در این منطقه تعداد زیادی نیرو مستقر کرده است که در حمله اخیر، عمده ی آنها شرکت نداشتند.» (۱).

گذشته از اینها، تحلیل‌های دیگری بر اساس نتیجه عملیات کربلای ۴ ارائه شد که بعضاً آمادگی و قوت عراق را در خصوص رویارویی با تهاجمات قوای نظامی ایران خاطر نشان می ساخت. در این زمینه روزنامه ساندی تلگراف نوشت:

«پیروزی عراق، آن حماسه نظامی که عدنان خیرالله ادعا کرده، نبود. اما ثابت کرد که مراکز دفاعی عراق می تواند در مقابل ایران مقاومت کند.» (۲).

روزنامه مزبور ضمن تفسیر خود تلویحا در نظر داشت تا تصرف فاو از سوی ایران را یک استثناء تلقی نموده، بر توانایی عراق برای پدافند و مهار تهاجمات ایران تأکید نماید. لیکن در تحلیل رسانه های خبری اساسا نوعی ابهام و سردرگمی نسبت به سرانجام عملیات و انتظارات برآورده نشده وجود داشت و چنین برمی آمد که به رغم تبلیغات عراق هنوز همه چیز پایان نیافته و امکان وقوع حوادث دیگر محتمل است.

ص: ۱۰۶

۱- ۱۵۸. پیشین.

۲- ۱۵۹. مأخذ شماره ۵.

بررسی عملیات کربلای ۵ تحت عنوان (نبرد در شرق بصره) در کتاب جداگانه ای آماده انتشار است.

ضرورت انجام عملیات

موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران که در فتح فاو توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حاصل شد، به رغم تلاشهای دشمن در چارچوب استراتژی دفاع متحرک، حملات هوایی به مراکز صنعتی، حمله به منابع نفتی و نفتکشهای ایران و سایر اقدامات تبلیغاتی و روانی، همچنان به سود جمهوری اسلامی حفظ شد.

عملیات کربلای ۴ از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بدین منظور طرحریزی و اجرا شد که ایران با بهره گیری از موقعیت برتر سیاسی - نظامی، با افزایش فشار به حامیان جهانی و منطقه ای عراق، شرایط را برای کسب پیروزی سیاسی در جنگ با اتکا به پیروزی نظامی فراهم سازد. در

واقع می توان گفت که فتح فاو به رغم ابعاد و جوانب مختلف آن، نتوانست شرایط و خواسته های ایران را تأمین نماید. طبیعتاً در چنین شرایطی پیش بینی می شد که اجرای یک عملیات پیروز دیگر، امکان تحقق خواسته های جمهوری اسلامی را فراهم خواهد آورد.

عدم حصول نتیجه مطلوب در عملیات کربلای ۴، با توجه به مقاصد عملیات و پیامدهای تعیین کننده آن در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ، جمهوری اسلامی را در وضعیت دشواری قرار داد. چون کلیه دستاوردهای جنگ پس از آزادسازی مناطق اشغالی و بویژه پس از فتح فاو که نهایتاً موازنه سیاسی - نظامی جنگ را به سود جمهوری اسلامی تغییر داده بود، در معرض تهدید قرار گرفت. عراق که از مدتها قبل به رغم کلیه اقدامات و تلاشهایش، در تغییر روند کلی جنگ به سود خود ناکام مانده بود، تحت شرایط جدید مترصد بهره برداری از اوضاع برای حمله به منطقه فاو و بازپس گیری این منطقه و نهایتاً تغییر اوضاع سیاسی - نظامی به نفع خود بود. از سوی دیگر، شرایط سیاسی حاکم بر کشور و روند تبلیغات تحت شعار «تعیین سرنوشت جنگ» و نیرو و امکاناتی که به همین منظور به جبهه سرازیر شده بود، از جمله عواملی بود که بر پیچیدگی اوضاع برای پاسخگویی به انتظارات پدید آمده در جامعه می افزود. در واقع، در افکار عمومی جامعه چنین تصور می شد که با توجه به فراهم سازی کلیه شرایط از جمله بسیج نیرو و امکانات به جبهه ها، موقعیت برای وارد ساختن ضربه تعیین کننده بر دشمن فراهم آمده و برای کسب پیروزی هیچگونه مانعی وجود ندارد.

در سایه پیدایش چنین وضعیت دشوار، اتخاذ هر گونه تصمیم با توجه به تأثیرات و پیامدهای تعیین کننده ی آن بسیار پیچیده و سخت می نمود. ولی در عین حال پس از قطعی شدن مسئله افشای تاکتیک ویژه عملیات و عدم امکان

حصول پیروزی، دستور توقف عملیات کربلای ۴ به کلیه قرارگاه‌ها و فرماندهان یگانها صادر شد. این تصمیم زمانی اتخاذ و ابلاغ شد که تنها ۲۰٪ از توان نیروهای خودی با دشمن درگیر شده بود و طبعاً در اختیار داشتن نیروی کافی و نیز ضرورت‌های گوناگونی که انجام عملیات و کسب پیروزی را ایجاب می‌کرد، بر روند تصمیم‌گیریها سایه افکنده بود.

«حفظ برتری سیاسی - نظامی جنگ» به سود جمهوری اسلامی و مقابله با ایجاد هر گونه «رکود در جبهه‌های نبرد» از مهمترین عواملی بود که ضرورت انجام عملیات با شرط کسب پیروزی را ایجاب می‌کرد. در واقع، تجارب جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت چهار سال بر این مسئله تأکید داشت که هر گونه تعلل و اتخاذ تصمیم نامناسب برای «انجام عملیات پیروز» روند تحولات جنگ را به گونه‌ای غیر قابل اجتناب به زیان جمهوری اسلامی تغییر خواهد داد.

جو حاکم بر کشور و انتظارات مردم و همچنین احتمال حمله دشمن به فاو، از جمله عواملی بود که ضمن تأکید بر ضرورت انجام عملیات، شرایط را نیز برای انجام آن تسهیل می‌کرد.

انتخاب منطقه

جبران ناکامی در عملیات کربلای ۴ و حفظ اوضاع کلی جنگ به سود جمهوری اسلامی و سایر مسائلی که در بحث ضرورت انجام عملیات مورد اشاره و تجزیه و تحلیل قرار گرفت، از عواملی بودند که در انتخاب منطقه عملیات مؤثر واقع شدند.

چیزی که اوضاع را به هنگام انتخاب منطقه عملیات پیچیده و دشوار می‌ساخت، این مسئله بود که در چنین شرایطی تنها انجام یک عملیات نمی‌توانست راهگشا باشد، بلکه در عین حال عملیات می‌بایست از شرط

تضمین پیروزی و همچنین شرایط و ویژگیهای لازم در جهت حفظ اوضاع به سود جمهوری اسلامی نیز برخوردار باشد.

علاوه بر اینها، عوامل دیگری مانند «سرعت عمل» نیز نقش تعیین کننده داشت، بدین معنا که هر گونه عملیاتی علیه دشمن در جهت حفظ اوضاع به سود جمهوری اسلامی در شرایطی قابل تحقق و امکان پذیر به نظر می رسید که بلافاصله پس از عملیات کربلای ۴ به مورد اجرا گذاشته می شد. در غیر این صورت، جمهوری اسلامی زیانهای غیر قابل جبرانی را در مقابل این تأخیر متحمل می شد.

در چارچوب عوامل و شرایط یاد شده، نظر به موفقیت لشکر ۱۹ فجر تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل در منطقه پنج ضلعی (۱) و نزدیکی زمین این منطقه به منطقه عملیات کربلای ۴ و سهولت نقل و انتقال نیروها و امکانات و علاوه بر اینها ارزش سیاسی - نظامی آن و ویژگیهایی که این منطقه در صورت کسب پیروزی در حفظ برتری اوضاع به سود جمهوری اسلامی می توانست داشته باشد، منطقه شلمچه در همان نگاه اول مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر، گر چه به هنگام انتخاب منطقه نوعی اضطرار بر تصمیمات سایه افکنده بود، ولی این مسئله مانع از توجه به برخی از ابعاد

ص: ۱۱۰

۱- ۱۶۰. قابل توجه است که علیرغم هوشیاری دشمن در عملیات کربلای ۴ رزمندگان اسلام موفقیت های قابل توجهی را کسب کردند، از جمله شکستن خطوط دفاعی دشمن در منطقه پنج ضلعی شلمچه بود. به عبارت دیگر در حالی که دشمن نسبت به تاکتیک ویژه که مهم ترین مسئله در غافلگیری به حساب می آمد، هوشیار شده بود ولی رزمندگان توانستند نسبت به نقاطی که دشمن هوشیار نبود موفقیت کسب کنند مانند جبهه های شلمچه و جزیره قطعه. ضمن آنکه علیرغم بسته شدن تنگه و اختلال در اجرای تاکتیک ویژه، گروه هایی از رزمندگان از آتش دشمن عبور کرده و خود را به ساحل بلجانیه در جنوب اروند رساندند. ولی به علت اتکا عقبه عملیات به آب و عبور از تنگه و نیز به خاطر بروز جنگ سخت در جزایر ام الرصاص و بوارین، تصمیم به توقف عملیات گرفته شد.

ارزشمند زمین منطقه و تأثیرات قابل ملاحظه آن بر روند کلی جنگ به سود جمهوری اسلامی نبود، ضمن آنکه در هر صورت، کسب پیروزی به منظور جبران عملیات کربلای ۴ مورد نظر بود و این مهم با انجام یک عملیات محدود و یا در هر منطقه ای قابل تأمین نبود.

در اولین جلسه ای که در حضور فرماندهی عالی جنگ حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی برای تصمیم گیری در مورد انتخاب منطقه شلمچه برگزار شد، فرماندهان و طراحان نظامی سپاه بر عوامل زیر تأکید ورزیدند:

۱- پس از عملیات رمضان، تاکنون در این زمینه با دشمن جنگ گسترده ای انجام نداده ایم و لذا دشمن با توجه به ایجاد مستحکمترین مواضع پدافندی در این منطقه، در پیش بینی عملیاتی با این ابعاد ناتوان و در نتیجه آسیب پذیر خواهد بود.

۲- مواضع و استحکامات دشمن در شرق کانال ماهی جدید الاحداث است و لذا در هم شکستن آن و رخنه به سایر مواضع مستحکم دشمن امکان پذیر به نظر می رسد.

۳- تلاش نیروهای خودی در عملیات کربلای ۴ در منطقه پنج ضلعی با موفقیت همراه بوده است و قبل از ترمیم سنگرها و جاگیر شدن دشمن در این منطقه، کسب موفقیت امکان پذیر به نظر می رسد.

تأکید بر عوامل فوق به منظور اطمینان از کسب پیروزی و جبران گذشته نیز صورت می گرفت و این مسئله عمدتاً متأثر از سابقه ی چند عملیات انجام شده در منطقه شلمچه در حد فاصل فتح خرمشهر تا عملیات کربلای ۵ بود که هیچ کدام موفقیت چندانی به همراه نداشت.

نظر به اهمیت منطقه بصره و نقش این ناحیه در اهداف سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر، دشمن زمین شرق بصره را کاملاً مسلح به انواع موانع استحکامات کرده بود، چنانکه با وجود تلاشهای

گوناگون در چند عملیات گذشته، هیچگونه پیشروی قابل ملاحظه ای در عمق استحکامات دشمن حاصل نشد. بنابراین، سوابق یاد شده و تردیدهای حاصل به گونه ای بود که ضرورتاً تأکید بر جوانب مثبت چنین عملیاتی را ایجاب می کرد.

طرح ریزی عملیات

در پی بحثهایی که پیرامون مانور عملیات صورت گرفت، با توجه به ۲۰۰ گردان نیروئی که سپاه در اختیار داشت، سرانجام کلیات طرح اولیه مانور مزبور به این شکل مشخص شد که یک تیپ در جناح شمالی عملیات بر روی پل (۱) عمل کند و یکی دیگر از یگانهای سپاه که از توانایی قابل توجهی برخوردار است بر روی جاده پاسگاه بوبیان وارد عمل شود تا بتواند با عبور از کانال پرورش ماهی، در غرب کانال به تصرف سر پل مبادرت نماید. در منطقه ی پنج ضلعی نیز چنین مقرر شد که با توجه به تجربه حاصله از عملیات کربلای ۴، سه یگان وارد عمل شوند.

تاکتیک ویژه در این عملیات حاصل طرحریزی و تأکید فرماندهی کل عملیات برادر محسن رضائی بود، بدین شکل که حرکت یگانها می بایستی از شمال به جنوب و قرار گرفتن در جهت مخالف مواضع و استحکامات دشمن انجام می شد. دشمن در این منطقه سمت اصلی هر نوع تحرک نظامی را عمدتاً تک جبهه ای با اتکا به جاده شلمچه و از سمت شرق به غرب پیش بینی می کرد، به همین دلیل کلیه استحکامات دشمن به سمت شرق گسترش یافته بود. لیکن تجربه عملیات کربلای ۴ و موفقیت لشکرهای ۱۹ فجر و ۵۷ ابوالفضل (ع) که از شمال به جنوب پیشروی کرده و در پشت

ص: ۱۱۲

استحکامات دشمن قرار گرفتند، موجب گردید در تدبیر کلی عملیات، بر عبور از کانال پرورش ماهی و پیشروی از شمال به جنوب، در پشت مواضع و استحکامات دشمن، تأکید شود.

در چارچوب این ابتکار عمل، استفاده از نفربر و خشایار برای ترابری نیرو و عبور از کانال پرورش ماهی و همچنین پاکسازی خطوط دشمن مورد تأکید قرار گرفت و اقدامات وسیعی برای استفاده از نفربر و نقل و انتقال آن به منطقه و نیز برگزاری مانور در کانال سلمان، انجام شد. در عین حال، ابهاماتی وجود داشت که طی جلسات متعددی با حضور فرماندهی عالی جنگ برطرف شد. (۱) و سرانجام تصمیم قطعی نسبت به انجام عملیات گسترده در شلمچه سپاه پاسداران و عملیات محدودی در منطقه غرب کشور توسط ارتش اتخاذ گردید. (۲).

با طرحریزی های به عمل آمده، سه قرارگاه مأمور اجرای عملیات شدند. قرارگاه کربلا مأموریت اصلی را با تصرف «جای پا» و فراهم سازی مقدمات عبور قرارگاه های قدس و نجف بر عهده داشت. یگانهای تحت امر قرارگاه شامل تیپ ۱۸ الغدیر در جناح شمالی منطقه، مأموریت داشت با ایجاد بریدگی بر روی سیلبندها و تأمین پل، جناح راست عملیات را تأمین نماید. لشکر ۳۳ المهدی (ع) مأموریت انجام عملیات بر روی پد بویان و پاسگاه بویان را بر عهده گرفت. در واقع تیپ ۱۸ الغدیر و لشکر ۳۳ علاوه بر تأمین جناح راست عملیات، مأموریت تأمین عقبه کلی منطقه عملیاتی را برای عبور یگانها بر عهده داشتند.

ص: ۱۱۳

۱- ۱۶۲. به کتاب نبرد در شرق بصره رجوع شود.

۲- ۱۶۳. چنانکه پیش از این اشاره شد، ارتش و سپاه بعد از عملیات بدر در سال ۶۳ برابر تدبیر شورای عالی دفاع و نیز فرمانده عالی جنگ هر یک بطور جداگانه منطقه مورد نظر را انتخاب و برای تصویب پیشنهاد می کردند.

لشکر ۴۱ ثارالله مأموریت داشت تا بعد از پاکسازی جاده و پل دشمن، یک سر پل در غرب کانال ماهی ایجاد نماید. لشکر ۲۵ کربلا پس از تأمین سر پل از سوی لشکر ۴۱ ثارالله می بایست با عبور یگان از یگان (از طریق لشکر ۴۱ یا لشکر ۳۱) از داخل منطقه پنج ضلعی به سمت راست و پشت کانال ماهی رفته و سر پل را تأمین نماید. همچنین تصرف جای پا در پوزه کانال ماهیگیری - معروف به مثلثی - مأموریت مشترک لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۳۱ عاشورا بود. این امر به عنوان یک مسئله اساسی در باز شدن عقبه خشکی و عبور قرارگاه های قدس و نجف و نیز تثبیت سر پل غرب کانال پرورش ماهی، بخش اصلی مأموریت قرارگاه کربلا را تشکیل می داد. بنابراین قرارگاه کربلا با شش لشکر و دو تیپ سپاه مأموریت تصرف، پاکسازی و تأمین منطقه پنج ضلعی و غرب کانال پرورش ماهی را بر عهده داشت.

قرارگاه قدس مأموریت داشت پس از تصرف و تأمین جای پای اولیه توسط قرارگاه کربلا، با تحویل گرفتن خط، ابتدا با لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و لشکر ۸ نجف اشرف به پشت نهر دو عیجی پیشروی نماید و پس از آن لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) و لشکر، ولیعصر (عج) و تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) به سمت کانال زوجی پیشروی نمایند.

قرارگاه نجف نیز مأموریت داشت پس از تصرف و تأمین جای پای اولیه توسط قرارگاه کربلا، با تحویل خط در حد فاصل جنوب جاده شلمچه تا جزیره بوارین وارد عمل شده و جناح چپ منطقه را پاکسازی و تأمین نماید.

در مرحله ی اول عملیات قرار بود قرارگاه نجف همزمان با قرارگاه کربلا توسط لشکر ۲۱ امام رضا (ع) در قسمت شرقی بوارین وارد عمل شود و تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص) نیز به عنوان کمک پشتیبان آن عمل نماید.

در مرحله ی دوم نیز مقرر شد تا لشکرهای ۵ نصر و ۱۷

علی ابن ابیطالب (ع) و تیپ ۱۲ قائم همزمان با قرارگاه قدس در حدفاصل دژ کانال کوثر به قصد تصرف جنوب جاده شلمچه و جزیره بوارین وارد عمل شوند.

لشکر ۱۵۵ شهدا، لشکر ۱۰۵ قدس و تیپهای ۵۷ حضرت ابوالفضل و ۲۹ نبی اکرم در احتیاط قرارگاه نجف قرار داشتند.

قرارگاه نجف پس از مرحله ی دوم می بایستی جناح جنوبی عملیات را تأمین نماید تا قرارگاه قدس بتواند در عمق پیشروی نماید.

نظر به پیچیدگی مسئله عبور یگان از یگان و وابستگی پیشروی و موفقیت قرارگاه ها و یگانها به یکدیگر، در مورد هماهنگی قرارگاه ها بحثهای قابل ملاحظه ای صورت گرفت. همچنین در مورد «عبور و پشتیبانی» با توجه به «محدودیت عقبه» و احتمال هوشیاری دشمن و عدم موفقیت در شکستن خط، بحث و بررسی مفصلی صورت گرفت که سرانجام به تمرکز امکانات و ایجاد مدیریت متمرکز برای «تعیین ترتیب اولویت عبور گردانها» منتهی شد.

اقدامات مهندسی عملیات شامل احداث پد برای توپخانه، احداث و ترمیم و شن ریزی جاده ها، احداث سنگر و سوله و غیره نیز به طور جداگانه توسط قرارگاه ها پیگیری می شد. نظر به ضرورت سرعت عمل، کلیه دستگاه ها و ابزار و آلات مهندسی از کلیه مناطق جمع آوری و به طور متمرکز در این منطقه به کار گرفته شد.

به رغم تلاشهایی که بلافاصله پس از عملیات کربلای ۴ آغاز و طی یک هفته به طور گسترده و جدی انجام شده بود، مجدداً طی مباحثی که در حضور فرماندهی عالی جنگ صورت گرفت، ابهاماتی که همچنان نسبت به میزان هوشیاری دشمن، مشکلات و پیچیدگیهای زمین منطقه و دشواریهای شکستن خط و پاکسازی و تصرف و تأمین منطقه وجود داشت، مورد بررسی قرار گرفت.

سرانجام پس از برگزاری یک جلسه پنج ساعته با کلیه مسئولین و فرماندهان قرارگاه ها و یگانهای سپاه، تصمیم نهائی برای انجام عملیات در ۲۴ ساعت بعد اتخاذ و ابلاغ شد. سپس برادر رضائی در آخرین جلسه با فرماندهان قرارگاه ها، علاوه بر تذکر برخی از مسائل، در مورد اجرای عملیات اظهار داشت:

«ما الان در وضعیتی هستیم که باید به سرعت بر خودمان غلبه کنیم تا از این وسوسه های جانبی خود را نجات بدهیم. اگر بخواهیم از خسارات بیشتر جلوگیری کنیم، فقط بایستی با تمام قدرت و با تمام قوا و قبول هر مسئله ای، خلجان هایی را که در فکر و افکارمان هست بیرون بریزیم. تنها راه حلی که برادران باید در نظر داشته باشند این است که با یک روحیه ایثارگرانه ای هم صداقتمان را به امام نشان بدهیم و هم انشاءالله به خداوند متعال نشان بدهیم و ثابت کنیم که ما واقعا برای آخرتمان می جنگیم و نه برای هیچ مسئله دیگری، و این را باید در عمل نشان بدهیم و شاید این میدان آزمایش بتواند ما را از بوته آزمایش سربلند بیرون بیاورد.» (۱).

بدین ترتیب سپاه که از مهرماه ۶۴ به طرحریزی عملیات فو مبادرت ورزیده و از بهمن ماه همان سال ضمن انجام پیچیده ترین و برجسته ترین عملیات نظامی در تاریخ جنگ، مهمترین پیروزی سیاسی - نظامی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان آورده بود و از آغاز سال ۶۵ نیز ضمن نبرد در فواو برای تثبیت منطقه، با استراتژی دفاع متحرک عراق نیز مقابله گسترده نموده و سلسله عملیات کربلای ۱، ۲، ۳ و ۴ را طرحریزی و انجام داده بود، اکنون نظر به شرایط سیاسی - نظامی حاکم بر کشور و تدبیر حضرت امام مبنی بر «انجام و تداوم عملیات» با تمام قدرت و با توکل به خداوند تبارک و تعالی برای انجام عملیات کربلای ۵ آماده می شد. در واقع، در طول جنگ

ص: ۱۱۶

تحمیلی برای اولین بار چنین عملیات گسترده و پیچیده ای به این نحو و با این زمان کوتاه (۱۲ روز) توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرحریزی و برای انجام آماده شده بود.

آغاز تهاجم به دشمن

در آستانه شروع عملیات، با توجه به محدودیت زمان، آخرین اقدامات شامل جابجائی و نقل و انتقالات نیروها و امکانات، تکمیل بحث مانور عملیات و غیره انجام گرفت و توپخانه و زرهی نسبت به مأموریت اصلی و گره های مواصلاتی برای اجرای آتش و مانور توجیه شدند.

در این شرایط توجه به تجارب عملیات کربلای ۴، ابهام نسبت به میزان هوشیاری دشمن موجب گردیده بود که کلیه تحرکات دشمن تا قبل از آغاز درگیری کنترل شود. اجرای آتش کاتیوشا در داخل حوضچه (۱) لشکر ۴۱ ثارالله و صدمات وارده منجر به افزایش حساسیتها شد. از سوی دیگر، افزایش تردد خودروهای دشمن به سمت منطقه فاو، این تصور را دشمن قصد حمله به فاو را دارد، تقویت کرد، ولی همچنان نسبت به میزان هوشیاری دشمن در منطقه شلمچه ابهام و تردید وجود داشت و هیچ گونه نتیجه ی مشخص ارائه نمی شد.

در این حالت، نیروهای عمل کننده در انتظار صدور فرمان حمله از سوی فرماندهی کل صحنه نبرد در شرق بصره بودند. با توجه به نور مهتاب، ساعت درگیری با دشمن ۲ بامداد روز ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵ تعیین شده بود، لیکن نظر به محدودیت زمان برای شکستن خط و پاکسازی و تثبیت آن، چنین مقرر شد که نیروها با استفاده از نور مهتاب حرکت کنند و در پشت مواضع دشمن در

ص: ۱۱۷

انتظار صدور فرمان حمله باشند.

پس از نیمه شب، در حالی که نور مهتاب کاملاً منطقه را روشن کرده بود، درگیری در برخی محورها آغاز شد. پیدایش این وضعیت بر اضطراب و نگرانی مبنی بر هوشیاری دشمن افزود. با اینکه تا غروب نور مهتاب هنوز زمان زیادی باقیمانده بود، از سوی فرمانده صحنه نبرد، برادر محسن رضائی، در ساعت ۱ / ۳۵ بامداد فرمان حمله صادر شد و بدین ترتیب رزمندگان بسیج و سپاه یورش خود را به عظیم ترین و پیچیده ترین استحکامات دشمن در شرق بصره آغاز کردند.

خبرهای واصله به قرارگاه که حاکی از پیشروی یگانها در محورهای مختلف و شکسته شدن خط دشمن بود، اطمینان لازم را نسبت به غافلگیری دشمن به وجود آورد کلیه ابهامات مبنی بر عدم امکان شکسته شدن خطوط دشمن را نیز برطرف کرد.

متعاقب کسب اطمینان از درهم شکسته شدن خطوط دشمن، تلاش برای «پاکسازی»، «الحاق» و «تثیت» آغاز شد، در این میان چون الحاق لشکر ۲۵ کربلا به لشکر ۳۱ عاشورا نقش تعیین کننده ای در تصرف پوزه کانال پرورش ماهی و باز شدن عقبه خشکی نیروهای عبور کننده از کانال داشت، مورد تأکید قرار گرفت. همچنین الحاق لشکر ۱۹ فجر و لشکر ۳۱ عاشورا در منطقه پنج ضلعی نیز حائز اهمیت بوده و مورد توجه قرار داشت و ضرورت پاکسازی قرارگاه تیپ دشمن در منطقه پنج ضلعی، همواره به یگانهای عمل کننده در منطقه گوشزد می شد.

در واقع الحاق یگانهای محور پنج ضلعی و محور کانال ماهی و نیز شکستن مقاومت دشمن در مقر فرمانده تیپ در پنج ضلعی دو مسئله اساسی بود که فرمانده قرارگاه کربلا-می بایست تدابیر لازم را برای حل آن اتخاذ می کرد. علاوه بر آن، منطقه جناح راست عملیات نیز می بایست تثیت گردد.

ص: ۱۱۸

متعاقب آغاز درگیری و در هم شکستن خطوط دشمن، قطعی و مسجل شد که دشمن نسبت به زمان، مکان و تاکتیک حمله غافلگیر شده است. البته دشمن در منطقه پنج ضلعی و بوارین به خاطر تهاجم نیروهای اسلام در عملیات کربلای ۴ به این منطقه، به طور نسبی هوشیار بود.

در واقع دشمن پس از عملیات کربلای ۴ بر اساس این تحلیل که جمهوری اسلامی فعلا قادر به انجام عملیات نمی باشد. اساسا توجه خود را به باز پس گیری فاو معطوف کرده بود. عراقیها چنین تصور می کردند که علاوه بر اینکه جمهوری اسلامی تحت شرایط روحی و روانی حاصله از ناکامی عملیات کربلای ۴ فاقد توانایی برای انجام عملیات می باشد، در برابر یک تهاجم سنگین در منطقه فاو نیز قادر به مقاومت نخواهد بود. در چارچوب این تحلیل، تلاشهای گسترده دشمن بویژه جابه جایی و انتقال نیرو و توپخانه اش به فاو، تماما نشانه ی آمادگی آن برای حمله بود. لیکن آغاز عملیات در منطقه کربلای ۵ در مقیاس گسترده و موفقیت در شکستن خطوط واستحکامات دشمن موجب گردید عملیات در فاو متنفی و تدریجا نیرو و امکانات دشمن به منطقه شرق بصره منتقل شود.

در واقع دشمن ضمن غافلگیر شدن نسبت به عملیات خودی در شرق بصره از نظر زمان و مکان، در مورد تاکتیک ویژه عملیات که عمدتا معطوف به عبور از منطقه آبگرفتگی و کانال پرورش ماهی بو حرکت از شمال به جنوب در پشت مواضع اش بود، غافلگیر شد.

بنابراین، دشمن از نظر زمان دچار عقب ماندگی شد و همین وضعیت نهایتا موقعیتی را فراهم آورد که ادامه نبرد در منطقه شرق نهر جام و پنج ضلعی را برایش دشوار کرد و انهدام قوای نظامی آن را به دنبال داشت.

(شرق بصره منطقه عمومی شلمچه و تنومه)

محورهای اصلی تلاشهای قرارگاه کربلا، برای تصرف منطقه مورد نظر و تأمین جای پا و فراهم کردن شرایط برای تثبیت منطقه و همچنین تحویل خط به قرارگاه های قدس و نجف اشرف، شامل خروج از منطقه پنج ضلعی، تثبیت سر پل غرب کانال پرورش ماهی و باز نمودن جاده شلمچه بود.

تلاشها و تدابیر قرارگاه معطوف بر این بود که جناح راست منطقه عملیات توسط تیپ ۱۸ الغدیر و لشکر ۳۳ المهدی (عج) تثبیت شود و سر پل غرب کانال پرورش ماهی با الحاق لشکر ۴۱ ثارالله و لشکر ۲۵ کربلا تأمین گردد. همچنین برای خروج از پنج ضلعی، علاوه بر تلاش برای پاکسازی مقر تیپ دشمن در منطقه و الحاق لشکر ۱۹ فجر و ۳۱ عاشورا، نسبت به الحاق لشکر ۳۱ با لشکر ۲۵ در مثلی پوزه کانال پرورش ماهی، نیز تأکید می شد، زیرا این مسأله می توانست علاوه بر باز شدن عقبه خشکی نیروهای غرب کانال پرورش ماهی، شرایط را برای پیشروی در عمق توسط قرارگاه قدس با تأمین جناح راست این قرارگاه فراهم نماید. همچنین باز نمودن جاده شلمچه توسط لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ص) که شرایط را برای عبور دو قرارگاه قدس و نجف فراهم می شد. فشارهای دشمن ابتدا معطوف به بازپس گیری منطقه سر پل غرب کانال پرورش ماهی با تأکید بیه جناح راست منطقه عملیات و به منطقه سر پل بود. مقاومت مقر تیپ دشمن در منطقه پنج ضلعی و مقابله با الحاق لشکرهای ۳۱ عاشورا و ۲۵ کربلا در پوزه کانال ماهی نیز بدین منظور انجام می گرفت که دشمن با ایجاد تأخیر در این الحاق در پوزه کانال بتواند با پاکسازی منطقه سر پل و عقب

راندن نیروها از این منطقه، گسترش عملیات را مهار نماید.

مرحله ی دوم عملیات با وارد کردن قرارگاه قدس و نجف به منظور تشدید فشار به دشمن برای باز شدن جاده شلمچه و توسعه عملیات آغاز شد. در این مرحله دشمن بر خلاف مرحله ی اول عملیات که نسبت به تاکتیک و زمان و مکان غافلگیر شده بود، کاملاً نسبت به سمت اصلی تک هوشیار بود و علاوه بر این نیروهای خودی نیز طی ۲۴ ساعت درگیری مداوم با دشمن تا اندازه ای خسته به نظر می رسیدند. به همین دلیل، اهداف مورد نظر تأمین نشد. همچنین افزایش فشار دشمن در روز دوم و ناکامی در مرحله ی دوم موجب گردید تا نسبت به پشتیبانی عملیات توسط نیروی هوایی و هوانیروز اقدام شود.

ادامه مقاومت در غرب کانال پرورش ماهی و تلاش برای خروج از پنج ضلعی و باز شدن جاده شلمچه، همچنان در تدبیر و تداوم عملیات مورد نظر بود. در این شرایط فشار دشمن در غرب کانال پرورش ماهی شدیداً افزایش پیدا کرده بود، زیرا دشمن امیدوار بود که با عقب راندن نیروهای اسلام از منطقه سرپل، از توسعه و تعمیق عملیات ممانعت کند. از روز دوم عملیات به بعد، با انتقال امکانات و نیروهای دشمن از منطقه فاو و افزایش بمباران شدید شد - به گونه ای که مرتباً از سوی فرماندهی قرارگاه، خاتم الانبیاء (ص) نسبت به تأمین پدافند منطقه پیگیری و تلاش می شد.

در واقع، تشدید فشارهای دشمن و عدم پیشروی به سمت اهداف مورد نظر کلیه دستاوردهای مرحله اول عملیات را نیز در معرض تهدید قرار داده بود. در شب سوم، عملیات در شرایط حساس و سرنوشت سازی قرار گرفت.

خبرهای واصله به قرارگاه تا اندازه ای امیدوارکننده به نظر می رسید،

چنانکه الحاق شکر ۲۵ کربلا و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در غرب کانال پرورش ماهی، این امیدواری را به وجود آورد که با توجه به موفقیت یگانهای یاد شده در غرب کانال، سر پل در برابر فشارهای دشمن تثبیت شود.

باز شدن جاده شلمچه و فراهم شدن زمینه ورود قرارگاه قدس و نجف به منطقه، بویژه پیشروی لشکر ۸ نجف و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) از قرارگاه قدس نیز این امکان را به وجود آورد که با توسعه وضعیت از تمرکز فشار دشمن در برخی محورها از جمله در منطقه سر پل غرب کانال پرورش ماهی کاسته شود.

پیشروی در منطقه قرارگاه نجف گرچه با کندی صورت می گرفت، ولی این امکان را به وجود آورد که با پیشروی تدریجی در منطقه جنوب عملیات، جناح چپ قرارگاه قدس تأمین شود.

همچنین جناح راست منطقه عملیات توسط قرارگاه کربلا تثبیت و چنین تدبیر شد که با اقدامات مهندسی از هر گونه پیشروی دشمن ممانعت به عمل آید تا عقبه یگانهای مستقر در غرب کانال پرورش ماهی از هر گونه تهدید مصون و در امان باشند.

در عین حال در شب چهارم مجدداً به منظور تکمیل اهداف عملیات شب سوم، همان مانور دنبال شد. از این پس با توجه به وضعیت کلی عملیات، تلاش اصلی بر روی قرارگاه های قدس و نجف متمرکز گردید. ورود لشکر ۵ نصر به جزیره بوارین و در هم شکستن استحکامات و مواضع دشمن بخشی از موفقیت‌های حاصله بود.

افزایش حضور نیروهای دشمن در منطقه قال توجه بود:

۱ - ۴۱ الی ۴۷ گردان پیاده کماندوئی نیروهای مخصوص (جمعا حدود ۳۰۰۰۰ نیروی پیاده)

ص: ۱۲۲

۲ - ۲۵ الی ۲۸ گردان زرهی و مکانیزه (در حدود ۱۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر)

۳ - ۲۰ الی ۲۵ گردان توپخانه (جمعا ۳۶۰ قبضه توپ)

با افزایش نیروی دشمن در منطقه و تشدید فشار روی عقبه ها توسط حملات گسترده هوایی و شیمیایی، فرماندهی کل عملیات برادر رضائی طی تماس با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ، ضمن درخواست مجدد در مورد افزایش پشتیبانی عملیات توسط برادران نیروی هوایی و هوانیروز ارتش، نسبت به انجام عملیات توسط ارتش در غرب کشور (۱) به منظور بازداشتن دشمن از انتقال نیرو به جنوب نیز تأکید شد.

طی درگیریهای شب و روز پنجم، گرچه اهداف مورد نظر کاملاً تحقق نیافت، لیکن ناتوانی دشمن از عقب راندن نیروهای اسلام از منطقه سر پل غرب کانال پرورش ماهی و ممانعت از پیشروی در جاده شلمچه، نشانه ای از امیدواری نسبت به تثبیت منطقه بود.

«اقدامات مهندسی» و «آتش» دو مسئله ای بود که برای تثبیت منطقه متصرفه و پیشروی مورد نیاز بود. پیچیدگی زمین، وجود موانع طبیعی، مقاومت دشمن و سایر عوامل موجب گردیده بود تا پیشروی در محورهای مختلف با کندی همراه باشد. بنابراین، در تدبیر کلی عملیات تأکید بر اقدامات مهندسی به منظور تثبیت منطقه و همچنین استفاده از آتش برای در هم کوبیدن مقاومت دشمن، مورد توجه قرار گرفت، بدین صورت که آتش

ص: ۱۲۳

۱-۱۶۶. برادران ارتش قرار بود ۳ روز پس از عملیات کربلای ۴ توسط سپاه در منطقه جنوب، در منطقه سومار واقع در غرب کشور مبادرت به حمله نماید که توقف عملیات کربلای ۴، مانع از انجام آن شد. با انتخاب منطقه شلمچه مجدداً قرار شد ۳ روز پس از آغاز عملیات کربلای ۵ توسط سپاه در منطقه شلمچه واقع در غرب کشور، برادران ارتش همان عملیات قبلی را شروع کنند که متأسفانه این عملیات در موعد مقرر انجام نشد.

به طور متمرکز برای تطبیق، تحت امر مسئول توپخانه سپاه قرار گرفت تا مأموریت واگذاری مبنی بر تمرکز آتش در جناح راست عملیات، مناطق کلیدی و حساس و عمل کلی برای جوابگویی به آتش دشمن را به نحو مطلوب اجرا نماید. از این پس تلاش اصلی در محور قرارگاه نجف بود که پس از تصرف جزیره بوارین به علت عدم پاکسازی کامل هنوز تثبیت نشده بود. در واقع، تأمین این جزیره به منزله ی تأمین جناح چپ منطقه عملیات محسوب می شد.

طی شب و روز ششم و هفتم علاوه بر پیشروی در برخی محورها، تلاش قابل ملاحظه ای نسبت به دفع حملات دشمن در غرب کانال پرورش ماهی انجام گرفت. تشدید فشار دشمن و خبرهای واصله مبنی بر برگزاری جلسه فرماندهان ارتش عراق، این شایعه را تقویت کید که دشمن در آستانه «تصمیم گیری اساسی» می باشد. در واقع تلاشهای دشمن طی چند روز گذشته و ناکامی در عقب زدن نیروهای اسلام و یا متوقف نمودن آنها نشانه ی ناتوانی دشمن ارزیابی می شد. در چنین شرایطی رژیم عراق می بایستی با توجه به ارزش سیاسی - نظامی زمین منطقه، نسبت به بازپس گیری آن تلاش نموده، تلفات انبوه را متحمل شود و یا اینکه «حفظ نیرو» ترجیح داده و مبادرت به عقب نشینی نماید.

سرانجام پس از هشت شبانه روز نبرد در منطقه شرق نهر جاسم، دشمن به لحاظ ناتوانی از مقابله با تهاجمات نیروهای اسلام و تلفات وارده، به خاطر حفظ نیروهایش از منطقه شرق نهر جاسم عقب نشینی کرد. (۱) با پیدایش شرایط

ص: ۱۲۴

۱ - ۱۶۷. برادر رشید (معاونت عملیات قرارگاه خاتم الانبیاء) طی تحلیلی در مورد حرکت دشمن اظهار داشت: عراق بین «زمین» و «نیرو»، حفظ نیرو را انتخاب کرده است. (گزارش قرارگاه خاتم الانبیاء، فروردین ۶۶، اسناد مرکز تحقیقات جنگ سپاه پاسداران).

جدید برادر رضائی فرمانده کل عملیات به خاطر تسریع در پیشروی نیروها و تعقیب دشمن، پیام حضرت امام (قدس سره) را توسط بیسیم برای نیروها قرائت نمود:

«از خداوند متعال پیروزی نهائی رزمندگان عزیز را خواستارم، عزیزان من بکوشید خداوند تعالی با شماست و اینجانب دست و بازوی شما را می بوسم. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.» (۱).

توقف عملیات

ضرورت تعقیب دشمن و پیشروی در عمق منطقه شرق بصره، تداوم عملیات را به عنوان یک اصل اساسی مورد تأکید قرار می داد. ادامه فشار نظامی بر عراق می توانست بر دستاوردهای عملیات و کسب امتیاز و پیروزی سیاسی جمهوری اسلامی در جنگ بیفزاید.

لازمه ادامه عملیات پشتیبانی فوق العاده سپاه پاسداران بود، زیرا سه ماه درگیری مداوم با دشمن (از زمان آمادگی برای عملیات کربلای ۴) سپاه را در امر نیروی انسانی، آتش پشتیبانی، پدافند هوایی و سایر لوازم و تجهیزات دچار مشکلاتی کرده بود. با توجه به امکان تأمین برخی از نیازمندیها توسط ارتش (۲) ناچار پیشنهادهای به حضور فرماندهی کل قوا ارائه گردید که مورد موافقت قرار گرفت و حضرت امام (ره) دستورات لازم مبنی بر واگذاری امکانات به سپاه را صادر فرمودند.

عدم تأمین امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای ادامه عملیات مورد نیاز برای ادامه عملیات از یکسو و

ص: ۱۲۵

۱- ۱۶۸. سند شماره ۶۶۱ / گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات کربلای ۵، قرارگاه خاتم الانبیاء.

۲- ۱۶۹. قابل ذکر است که عملیات کربلای ۶، روز ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵ در منطقه سومار توسط ارتش آغاز شد و در همین روز پایان یافت که با توجه به عدم الفتح این عملیات و آزاد شدن یگانها و امکانات ارتش، سپاه پیشنهاد فوق را ارائه داد.

عکس العمل شدید دشمن از شب دهم عملیات به بعد، از سوی دیگر، باعث شد با وجود یک هفته درگیری در غرب نهر جاسم و تصرف سرپل در این قسمت، تصمیم به توقف عملیات گرفته شود تا یگانهای سپاه پس از بازسازی و تهیه و جایگزینی امکانات مورد نیاز به ادامه نبرد مبادرت نمایند. (۱).

بازتاب عملیات کربلای ۵

زمان آغاز عملیات کربلای ۵، زمین با ارزش شرق بصره و پیشروی در عمق استحکامات دشمن، مجموعه‌ی عواملی بودند که عمیقاً بر اهمیت عملیات کربلای ۵ در ابعاد سیاسی، نظامی و تبلیغاتی افزودند. در شرایطی که عراق تبلیغات نسبتاً وسیع و گسترده‌ای را مبنی بر شکست ایران، سازماندهی و اجرا می‌کرد و از سوی دیگر برای بازپس‌گیری فاو آماده می‌شد، انجام عملیات کربلای ۵ به منزله وارد ساختن یک شوک بر پیکر ارتش عراق و رژیم این کشور بود. مهمتر از امتیازات و ویژگیهای قابل ملاحظه برای کسب برتری ایران و خاتمه بخشیدن به جنگ برخوردار بود، ضمن اینکه استحکامات دشمن در منطقه از سال ۶۱ و پس از فتح خرمشهر کاملاً تقویت شده بود، به گونه‌ای که عبور از آنها غیر ممکن به نظر می‌رسید.

بنابراین، شکستن خطوط و استحکامات دشمن و پیشروی در زمین شرق بصره، تواناییها و قابلیت‌های نظامی عراق را مجدداً پس از فتح فاو زیر سؤال قرار داد، چنانکه روزنامه آبرور چاپ پاریس به نقل از کارشناسان غربی چنین نوشت:

ص: ۱۲۶

«برای اولین بار از آغاز جنگ تاکنون، ناظران و کارشناسان غربی در مورد امکانات دفاعی عراق دچار تردید شده اند.» (۱).

همچنین تأکید بر قابلیت نظامی ایران، بخش دیگری از تحلیلهای ارائه شده در رسانه های خبری بود، چنانکه رادیو بی.بی.سی طی تحلیلی در همین زمینه، با توجه به تجربه سپاه در عملیات فاو و عبور از رودخانه اروند، ضمن اشاره به عبور از منطقه آبگرفتگی و کانال پرورش ماهی در عملیات کربلای ۵ گفت:

«موفقیت ایران در عبور از دریاچه ماهی، یکبار دیگر توانایی ایران در عبور از آبراهها را نشان می دهد.» (۲).

هفته نامه نیوزویک نیز با توجه به ابعاد عملیات، ضمن تأکید بر پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵، بر شرایط پیروزی ایران بر عراق اشاره کرد:

«تهاجم ایرانیها در نزدیکی بصره، حداقل یک چیز را در خصوص چنگ ایران و عراق تغییر داده و آن این مسئله است که برای اولین بار طی این چند سال، این احتمال را که یک طرف حقیقتاً بر دیگری پیروز شود، مطرح ساخته است.» (۳).

هفته نامه اکسپرس با توجه به احتمال سقوط صدام، به نقل از یک کارشناس انگلیسی در امور خاورمیانه نوشت:

«اگر ایرانیان به بصره نزدیک شوند، وقوع سقوط روحی و روانی در بغداد دور از احتمال نیست.» (۴).

به لحاظ اهمیت زمین شرق بصره، کارشناسان محافل سیاسی - نظامی علاوه بر تأیید پیروزی ایران، ضمن تأکید بر تأثیر روحی و روانی ناشی از این پیروزی بر رژیم عراق، احتمال سقوط صدام در صوت تداوم پیشروی در این زمین را نیز مورد اشاره و تأکید قرار دادند.

ص: ۱۲۷

۱- ۱۷۱. روزنامه رسالت، ۴ / ۱۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۷۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو بی.بی.سی ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

۳- ۱۷۳. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۲۰، ۴ / ۱۲ / ۱۳۶۵، نیوزویک چاپ سوئیس.

۴- ۱۷۴. روزنامه رسالت، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی.

در واقع، با توجه به ارزش سیاسی - نظامی زمین شرق بصره و قابلیت زمین این منطقه برای تداوم عملیات، به نظر می رسد آنچه که به عنوان عملیات سرنوشت ساز مطرح می شد با تداوم عملیات در شرق بصره تحقق یابد. در چارچوب همین تحلیل، تداوم عملیات در غرب نهر جاسم طرحریزی و اجرا شد.

ص: ۱۲۸

عملیات کربلای ۸

اگر چه عملیات کربلای ۵ و آثار و نتایج آن توانست موقعیت مطلوبی را پس از عملیات کربلای ۴ به وجود آورد، لیکن به دلیل عدم انهدام کامل قوای نظامی عراق در منطقه شرق بصره، مجدداً انجام عملیات و انتخاب منطقه مناسب در دستور کار قرار گرفت.

نظر به شرایطی که سرانجام منتهی به طرحریزی و اجرای عملیات کربلای ۴ و پس از آن عملیات کربلای ۵ شد «انتخاب منطقه عملیات» تا اندازه ای دشوار و پیچیده بود، زیرا برخورداری از ابتکار عمل در جنگ و «رعایت اصل غافلگیری» در تاکتیک و زمان و مکان به عنوان بخشی از عوامل اساسی در کسب پیروزی، تدریجاً صعب و دشوار می نمایند. چنانکه طی یک روند طولانی، ابتکار عمل در منطقه هور با انجام عملیات خیبر و بدر به پایان رسید و پس از آن ابتکار عمل در منطقه فاو پس از عبور از رودخانه اروند و انجام عملیات والفجر ۸ و کربلای ۴ به پایان آمد.

عملیات کربلای ۵ در شرایطی انجام گرفت که عملاً سپاه برای انتخاب منطقه

عملیات با توجه به شرایط سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ و ضرورت دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی تعیین کننده، وضعیت دشواری را فرا روی خود داشت، بدین معنا که با توجه به ضرورت انجام عملیات می بایستی «منطقه انتخابی» و ابعاد عملیات و دستاوردهای آن از ویژگیهای تأمین اهداف سیاسی و نظامی جنگ، در آن مقطع زمانی، برخوردار می بود.

سرانجام پس از بحث و بررسیهایی که صورت گرفت، منطقه شرق بصره که دارای ارزش استراتژیک بود، با توجه به ضرورت تعجیل در انجام عملیات، انتخاب گردید. چون یگانهای خودی پای کار بودند و نیاز به نقل و انتقال گسترده وجود نداشت و در ضمن عمده مواضع و استحکامات دشمن در شرق نهر جاسم نیز درهم کوبیده شده بود.

در چارچوب تدبیر جدید، سپاه پاسداران تلاشهای گسترده ای را به منظور تأمین نیازمندیهای مورد نظر آغاز کرد در حالی که پس از سه ماه سازماندهی، درگیری و اجرای دو عملیات بزرگ کربلای ۴ و ۵، امکانات عملیات بزرگ را از دست داده بود. چنین پیش بینی می شد که در این منطقه با توجه به استحکامات و هوشیاری نسبی دشمن نسبت به سمت تک رزمندگان، لازمه هر گونه پیشروی، برخورداری از «نیروی زرهی»، «آتش» و همچنین «پدافند هوایی» می باشد. به هر صورت، متعاقب پیگیریهایی که انجام گرفت بخشی از نیازمندیهای سپاه پاسداران برای اجرای عملیات تأمین شد.

وضعیت خودی و دشمن

سپاه ابتدا در نظر داشت طی چند عملیات محدود، به صورت تدریجی خطوط منطقه متصرفه را با رسیدن به کانال زوجی اصلاح و تکمیل نماید،

ص: ۱۳۰

لیکن با توجه به موانعی که وجود داشت، عملیات کربلای ۸ طرح‌ریزی شد.

در توضیح وضعیت کلی قبل از این عملیات، ذکر چند مسأله ضروریست که ذیلاً به ترتیب به آنها اشاره می‌شود.

۱- مشکل نیرو

علیرغم نیاز مبرمی که به جذب و سازماندهی نیرو برای عملیات وجود داشت، طرح اعزام سپاه یکصد هزار نفری حضرت (عج) با موفقیت مورد انتظار مواجه نشد. در این میان عوامل مؤثری در پیدایش وضعیت یاد شده دخیل بود، از جمله:

- فاصله‌ی نزدیک زمانی بسیج سپاه یکصد هزار نفری حضرت محمد (ص) و همچنین انجام دو عملیات کربلای ۴ و ۵ تقریباً بدون فاصله و در نتیجه پراکندگی نیروهای عملیاتی.

- فرارسیدن تعطیلات طولانی نوروز بویژه پس از یک سلسله عملیات طولانی.

- تغییر فصل: قشر وسیعی از نیروهای داوطلب کشاورزان بودند که عمدتاً در فصل پائیز و زمستان جذب نیروهای نبرد می‌شدند. تغییر فصل و فرارسیدن زمان کشت و کار نیز از موانع جذب نیروی کافی در این مقطع شمرده می‌شد.

- تغییر شعارها: تأثیر روانی عدم تعیین سرنوشت جنگ و تغییر شعار «جنگ سرنوشت» در کربلای ۵ و ایجاد ابهاماتی ناشی از عدم تحقق شعارهای سال ۶۵ و ادامه جنگ در سال ۶۶ موجب گردید قسمتی از نیروها توجه لازم را به جبهه‌ها نمایند.

۲- تلاش‌های مهندسی

در حد فاصل زمانی ۱۲/۳ / ۱۳۶۵ تا ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۶ به رغم آنکه آتش حجیم

ص: ۱۳۱

و گسترده دشمن مانع از کار مهندسی بود، لیکن تلاشهای قابل توجهی صورت گرفت که عبارت بودند از:

- دو جداره کردن جاده ها برای مصونیت از آتش دشمن.

- احداث دو پل بر روی کانال ماهی (در قسمت انتهای آن).

- احداث دو جاده در عقبه منتهی به جاده شلمچه.

- استقرار یگانها و تحکیم مواضع و احداث سنگرهای انفرادی و اجتماعی.

البته اقدامات یاد شده در مقایسه با فعالیتهای دشمن چشمگیر نبود، لیکن با توجه به آتش دشمن و نیز کمبود وسایل و امکانات مهندسی قابل توجه بود.

۳- تسلیح زمین:

بر خلاف تدابیر قبلی مبنی بر آنکه با تداوم عملیات به دشمن فرصت لازم برای افزایش استحکامات و بازسازی نیرو داده نشود، دشمن به لحاظ اهمیت زمین منطقه و احساس تهدید نسبت به پیشروی نیروهای خودی به سمت کانال زوجی، طی فرصتی که به طور طبیعی به دست آورد، در کمترین زمان بیشترین استحکامات را به شرح زیر در منطقه ایجاد کرد:

- بین خط نهر جاسم تا کانال زوجی را که حدود ۵ کیلومتر می باشد به خطوط متوالی پدافندی مجهز نمود. به نحوی که از نهر جاسم تا کانال زوجی ۷ تا ۱۰ خط پدافندی متوالی تشکیل داد. هر یک از این خطوط مستقلا دارای سیلند یا خاکریز، جاده تدارکاتی، سنگرهای پدافندی و استراحت نیرو، موانع مختلط متشکل از سیمهای خاردار و میادین مین ضد نفر و ضد تانک و کانالهای مواصلاتی نفرات پیاده، سکوهای تانک و سلاحهای پدافندی بود که در صورت احتمال حمله رزمندگان اسلام، این خطوط از

ص: ۱۳۲

نیروهای پدافندی پر می شدند.

- احداث یک پل جدید روی کانال زوجی.

- احداث جاده های جدید و ترمیم کلیه جاده های عقبه جهت تدارک بیشتر نیروهای خود.

- احداث سیلبندهای جدید در کانال ماهی و منطقه آبگرفتگی بین پاسگاه بویان تا زید.

با توجه به تجارب گذشته جنگ، خاکریزهایی که دشمن در منطقه احداث کرد ظاهرا نامعقول به نظر می رسید، بدین معنی که دشمن همزمان با عملیات رمضان و پس از آن عمدتا سعی می کرد عارضه ای در زمین ایجاد نکند که نیروهای اسلام قادر به بهره گیری از آن برای پدافند باشند. لذا از آن به بعد، احداث کانال از عمده ترین اقدامات مهندسی دشمن بود، چنانکه در مناطق عملیاتی والفجر مقدماتی و الفجر ۱ و سپس در منطقه رمضان، با به کارگیری این تجربه توانست به طور مؤثری از پیشروی نیروهای اسلام جلوگیری به عمل آورد.

دشمن با نزدیک ساختن خاکریز خط تماس خود با خاکریز قوای مقابل، عملا تحرکات رزمندگان را زیر نظر داشت و با ایجاد خطوط متوالی، از برداشتن گامهای بلند در پیشروی و نیز مانور زرهی ممانعت می کرد. علاوه بر این، مواضع نیم دایره شکلی که دشمن در پشت خاکریز بر روی گره های مواصلاتی ایجاد کرده بود، امکان اجرای آتش مناسب برای حفظ خط را به دشمن می داد. همچنین در صورت تصرف خاکریز توسط نیروهای اسلام، دشمن از امکان مناسبی برای پاتک و بازپس گیری مجدد خط برخوردار بود و از سمتهای مختلف از نیروهای مهاجم جناح می گرفت. در نتیجه برای این نیروها که به علت حجم گسترده آتش دشمن فاقد امکان کار مهندسی بودند، بهره گیری کامل از خاکریزهای دشمن، وجود نداشت و این مسئله نگهداری

ص: ۱۳۳

خط را پس از تصرف با مشکل مواجه می کرد.

۴- بازسازی نیرو

اهمیت بازسازی نیرو برای دشمن در صورتی مشخص می شود که علاوه بر بیان میزان انهدام ارتش عراق در دو عملیات کربلای ۴ و ۵، به احساس خطری هم که دشمن نسبت به تهاجم رزمندگان داشت، اشاره می شود.

در دو عملیات کربلای ۴ و ۵، ۶۰ تیپ دشمن به طور کامل و بیش از ۷۰ تیپ بیشتر از ۵۰٪ منهدم شدند. دشمن بنا به وضع موجود، از هفته دوم عملیات کربلای ۵، پس از عقب نشینی به غرب نهر جاسم تلاش قابل توجهی را برای بازسازی یگانها و جایگزینی امکانات منهدم شده آغاز کرد.

در زمینه کادر، با انتقال افسران از عقبه ها و پادگانها به مناطق عملیاتی و کوتاه ماندن آموزشها، نسبت به جایگزینی افسران اقدام نمود. در مورد درجه داران و سربازان نیز با احضار متولدین ۱۹۶۹ (۱۳۴۸ش) و باقیماندهگان ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ش) و آموزش سریع ۴۵ روزه آنها و گرفتن نیرو از شهربانی و همچنین یگانهای غیر درگیر، به جایگزینی نیروهای مزبور اقدام نمود.

ارتش عراق در مورد امکانات هم با بازسازی تجهیزاتی که قابل بازسازی و تعمیر بودند و هم با ارسال وسایل جدید، نسبت به جایگزینی تقریبی تمام چیزهایی که یگانهایش از دست داده بودند، اقدام نمود. مجموعاً در آغاز عملیات کربلای ۸، دشمن در بازسازی کمی یگانهای ضربه دیده تا حدود ۷۰٪ موفق بود.

۵- استعداد و آرایش دشمن در منطقه عملیاتی

دشمن در منطقه عملیاتی به شرح زیر گسترش داشت:

ص: ۱۳۴

- لشکر ۸ پیاده (شامل تیپهای ۴۱۸ و ۴۳۱ پیاده) در منطقه شرق کانال ماهی تا بویان.

- لشکر ۲۸ پیاده (شامل تیپهای ۷۹ و ۴۳۸ پیاده) در غرب کانال ماهی و غرب کانال زوجی.

- لشکر ۵ مکانیزه (شامل تیپهای ۱۰۳، ۱۱۷، ۲۹، ۱۰۸ پیاده، ۲۷ مکانیزه، تیپ کماندویی سپاه ۷ و یک گردان تانک از تیپ ۲۶) در غرب کانال ماهی و شرق کانال زوجی تا سیلند شاهد. (۱).

- لشکر ۱۹ پیاده (شامل تیپهای ۴۲۱، ۴۴۳، ۹۳، ۵۰۵، ۱۴، ۱۰۶، ۲ و ۴۲۸ پیاده و یک تیپ زرهی مختلط) از سیلند صوئیب تا شمال جاده شلمچه به بصره.

- لشکر ۱۱ پیاده (شامل تیپهای ۲۲، ۲۳، ۴۷، ۴۵، ۵۰۳، ۴۳۵ پیاده) از جاده شلمچه تا ارونند صغیر.

- لشکر ۳۲ پیاده (شامل تیپهای ۱۱۹، ۸۰۵، ۵ پیاده) در جزایر صالحیه در مجموع دشمن با استقرار ۲۸ تیپ پیاده و ۳ تیپ زرهی و مکانیزه در منطقه عملیاتی، خطوط اول و دوم را پدافند می نمود.

- علاوه بر اینها، لشکر ۱۰ زرهی با ۱۰ تیپ در احتیاط منطقه عملیاتی بود که در نشوه و زید استقرار داشت. ضمن اینکه ۱۵ تیپ پیاده گارد نیروی مخصوص نیز در احتیاط قرار داشتند.

کلیات طرح مانور

پس از عملیات تکمیلی ۱۳۶۵ / ۱۲ / ۳ که تا ۱۳۶۵ / ۱۲ / ۱۳ به طول انجامید،

ص: ۱۳۵

۱- ۱۷۵. نام رمز سیلند غرب کانال ماهی که جاده آسفالته شمال جاده شلمچه (موسوم به جاده تعاون) را قطع نموده و به سمت کانال هفت دهنه امتداد دارد.

عملیات کربلای ۸ در دو محور طراحی شد تا توسط دو قرارگاه اجرا گردد:

محور اول: آبگرفتگی شمال بویان با فرماندهی و هدایت قرارگاه قدس.

محور دوم، حد فاصل کانال ماهی تا جاده شلمچه (غرب کانال ماهی) با فرماندهی و هدایت قرارگاه کربلا.

در تدبیر عملیاتی، با توجه به حساسیت شمال آبگرفتگی بویان برای دشمن و اهمیت عبور از کانال ماهی در غرب کانال زوجی، چنین پیش بینی می شد که در صورت تلاش در این محور، علاوه بر فریب دشمن نسبت به سمت اصلی تک، آتش دشمن نیز تجربه خواهد شد.

ضمناً در صورت موفقیت و تأمین محور شمال عملیات (بویان) جناح وسیعی در شرق کانال ماهی از دشمن گرفته می شد و این به منزله جای پای مناسبی برای مراحل بعدی عملیات، محسوب می گردید. علاوه بر این، موارد زیر به عنوان مشخصات و قوت‌های طرح مزبور در نظر بود:

- منطقه انتخابی نزدیکترین فاصله را نسبت به کانال زوجی دارا می باشد.

- نیروها در جناح راست خود به کانال ماهی اتکا دارند. (در محور اصلی تک).- در صورت رسیدن به پشت خطوط شمالی - جنوبی دشمن، پیشروی به سمت جنوب تسهیل می شود.

- تجربه حاکی از آن بود که تنها از این محور امکان پیشروی وجود دارد.

- به علت نزدیکی به پل کانال ماهی، امکان الحاق با نیروهای شرق کانال و نیز انتقال عقبه به شرق کانال ماهی و حفظ آن از آتش دشمن پدید می آید.

البته به خاطر وجود مشکلات و موانع متعدد، طرح فوق در اجراء فاقد چشم انداز روشنی بود.

به هر صورت، بنا به شرایط خاص موجود، تاریخ ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۶ جهت انجام این عملیات انتخاب شد.

از آنجا که موقعیت زمین در محور آبگرفتگی بوییان با منطقه عملیاتی قرارگاه کربلا- در غرب کانال ماهی تفاوت داشت و فاصله با دشمن نیز متغیر بود، زیرا تعیین زمان آغاز عملیات و محاسبه مقدار زمان لازم برای رسیدن نیروها به نقطه ی مورد نظر جهت درگیر شدن با دشمن، مشکلاتی وجود داشت که نهایتاً ساعت ۲/۱۵ بامداد روز ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۶ به عنوان زمان مشترک حمله در هر دو محور انتخاب شد.

قبل از آغاز تک، بنا بر شواهد و قرائن موجود و اطلاعات دریافتی از شنود، چنین پیش بینی می شد که احتمالاً غافلگیری دشمن در محور شمالی بیشتر از منطقه قرارگاه کربلا- خواهد بود، خصوصاً اینکه بنا به اطلاعات واصله، دشمن در مقابل آبگرفتگی بوییان در شب عملیات مانند شبهای گذشته اقدامات عادی خود از جمله کار مهندسی را ادامه می داد. این امر بر اطمینان قرارگاه قدس و یگانهای تابعه در مورد غافلگیری دشمن افزود.

حال آنکه در عمل مشخص شد که دشمن در آن محور ۱۰۰٪ هوشیار بوده است.

علاوه بر این، با وجود آنکه سعی شد در تمام محورهای عملیاتی (قرارگاه قدس و قرارگاه کربلا) درگیری با دشمن به طور همزمان آغاز شود، لیکن به خاطر مشکلات موجود، چنین امری میسر نشد.

شب و روز اول

در محور شمالی عملیات تیپ امام رضا (ع) در ساعت ۲/۳۵ بامداد و تیپ الغدیر در ساعت ۲/۴۰ بامداد با دشمن درگیر شدند.

در این محور بر خلاف تصورات قبلی مبنی بر عدم هوشیاری

دشمن، مقاومت نیروهای عراقی در همان آغاز درگیری و سپس مبادرت آنان به پاشیدن مین در محورهای مواصلاتی و پاتکهای انجام شده، همگی حاکی از آمادگی قبلی آنها برای مقابله با تهاجم قوای اسلام بود. با آنکه دشمن یک ساعت پس از آغاز درگیری اقدامات یاد شده را شروع کرد، نیروهای اسلام تا ساعت ۸ صبح کماکان در منطقه حضور داشته و درگیر بودند، لیکن پس از آن با توجه به حجم سنگین آتش دشمن، عملاً امکان تأمین و تثبیت منطقه فراهم نشد.

مرحله اول عملیات در محور غرب کانال ماهی همزمان با محور شمال آبرگفتگی بویان در ساعت ۱۵ / ۲ بامداد روز ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۶ توسط لشکرهای ۳۳ المهدی، ۲۵ کربلا، ۱۹ فجر، ۱۰ سیدالشهداء و ۳۱ عاشورا که به ترتیب از چپ به راست مأموریت تصرف و تأمین هدف (خط قرمز) (۱) را به عهده داشتند، آغاز شد.

در این مرحله (شب و روز اول عملیات) هدف به نحو ناقصی تصرف شد. وضعیت یگانهای عمل کننده مختصراً به قرار زیر بود (به ترتیب از چپ):

لشکر ۳۳ که اندکی دیر وارد عمل شده بود، در اثر مقاومت و آتش دشمن موفق به باز کردن معابر مربوطه نشد و به هنگام صبح شهدا و مجروحین خود را از تخلیه و عقب نشینی کرد.

لشکر ۲۵ از سمت راست، به لشکر ۱۹ ملحق شد و از سمت چپ، خود را تا حد لشکر ۳۳ گسترش داد و عملاً- حفظ جناح چپ را نیز (در غیاب لشکر ۳۳) به عهده گرفت. در اوایل صبح استعداد نیروهای در خط این لشکر بیش از یک گروهان ناقص (حدود ۵۰ نفر) نبود، از اینرو یک گروهان

ص: ۱۳۸

دیگر برای تقویت آنها فرستاده شد. از ساعت ۱۰/۳۰ صبح پاتک دشمن از این جناح شروع شد و از ظهر شدت بیشتری یافت و نهایتاً در ساعت ۱۴ باقیمانده نیروهای این لشکر به عقب رانده شدند و به این ترتیب جناح چپ عملیات اوضاع وخیمتری پیدا کرد. این امر در شرایطی بود که آتش سنگین دشمن اجازه تقویت خط با نیروهای کمکی را نمی داد و از نیروهای در خط نیز مقاومتی بیشتر از آنچه صورت گرفت، متصور نبود.

لشکر ۱۹ تا ساعت ۵ صبح با جناحین الحاق کرد و تا ساعت ۷ صبح موفق شد و خط را کاملاً پاکسازی و تثبیت کند. بعد از تشدید فشار دشمن از ساعت ۱۳ بر روی نیروهای لشکر ۲۵ و نهایتاً عقب نشینی آنها، لشکر ۱۹ جناحدار شد و از این پس فشارهای دشمن از جناح چپ مستقیماً متوجه این لشکر می گردید. دشمن در فشارهای اولیه توانست با نفربرهای خود در مواضع این لشکر وارد شود، اما به خاطر حضور نیروها بر روی خاکریز یاسر (۱) دو دستگاه نفربر سالم به غنیمت گرفته شد و نفرات آن تسلیم شدند، سپس به تدریج فشارها کم شد و تا غروب وضعیت به همین صورت باقی ماند.

لشکر ۱۰ سیدالشهدا به خاطر مشترک بودن معابرش با یگانهای دیگر، حرکتش با کندی شروع شد و با چند ساعت تأخیر کار اصلی را شروع کرد، اما در ادامه سرعت زیادی یافت. نهایتاً بخشی از اهداف این لشکر تأمین نشد. بخصوص اینکه بعد از ظهر با پاتک نسبتاً سنگینی نیز مواجه شد و برخی مواضع خود را از دست داد. به علاوه یگان عمل کننده در جناح راست این لشکر (لشکر ۳۱ عاشورا) نیز موفق نشده بود، اما در جناح چپ مسئله ای نداشت.

ص: ۱۳۹

لشکر ۳۱ عاشورا که به علت عدم برگشت نیروهایش از مرخصی، در روز قبل از عملیات نیمی از مأموریتش به لشکر سیدالشهدا واگذار شده بود، در انجام مأموریت محوله موفق نگردید. این لشکر در سمت چپ خود لشکر ۱۰ را داشت و از راست بایستی به کانال ماهی متکی می شد. نیروهای لشکر ۳۱ از دو معبر و به صورت تیمی و دسته ای وارد عمل می شدند (به علت شلوغی و محدودیت زمین). نیروهای محور راست سه بار کمینهای دشمن را تصرف کردند ولی هر بار با تشدید فشار دشمن عقب آمدند. نیروهای محور چپ نیز با کمینهای دشمن که هوشیار شده بودند، مواجه و متوقف گردیدند. این لشکر در روز با وارد کردن نیروهای جدید در تقاطع پرستو و کبوتر (۱) که توسط لشکر ۱۰ تصرف شده بود، به قصد تصرف هلاکی ۱۵ (۲) عبور کرد. این نیروها پس از درگیریهای شدیدی که تا غروب طول کشید، بدون توجه به عقب بازگشتند.

به هر صورت، شب و روز اول عملیات، در حالیکه خط تصرف شده در جناحین با اشکالات یاد شده مواجه بود، سپری شد.

شب و روز دوم عملیات

پس از آنکه طی مرحله اول عملیات، اهداف مورد نظر به طور کامل تصرف و تأمین نشد، در تدبیر جدید مقرر گردید که لشکر ۳۳ با عبور از معبر لشکر ۲۵ مجدداً اهداف قبلی خود و لشکر ۲۵ را که در مرحله قبل تعیین شده بود، تصرف نماید و لشکر ۱۰ که به طور نسبی موفق شده بود، به تکمیل اهداف قبلی بپردازد. به لشکر ۲۷ نیز ابلاغ شد که در صورت موفقیت لشکر ۱۰ از آن عبور کرده و پیشروی نماید و در صورت توقف و ایجاد

ص: ۱۴۰

۱- ۱۷۸. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۷۹. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

اشکال در حرکت لشکر ۱۰ به تکمیل و تأمین اهداف آن بپردازد.

بدین ترتیب، مرحله دوم در همان شب آغاز شد. لشکر ۳۳ این بار چه در تصرف هدف و چه در کار مهندسی (ایجاد خاکریز دو جداره در سمت راست سیلند شاهد) (۱) موفق بود، لیکن دشمن دو بار از سمت چپ به نیروهای این لشکر پاتک کرد که بار دوم (در ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح) با آتش شدید توپخانه و هلیکوپتر و بمباران هواپیما همراه بود. کثرت نیروهای پیاده پاتک کننده و کم بودن نفرات خودی و نرسیدن مهمات کافی، نیروهای خودی را ناچار به عقب نشینی کرد و بر اثر فشار شدید دشمن تعدادی از مجروحین در منطقه بجا ماندند. به این ترتیب در این مرحله هم مسئله جناح چپ عملیات حل نشد.

لشکر ۱۰ نیز با یک گردان (ناقص) وارد عمل شد، ولی تا صبح به خاطر درگیری با نیروهایی که در تقاطع کبوتر (۲) مستقر بودند، موفق به تصرف هدف مورد نظر (خط زم) (۳) نگردید. نتیجتاً در صبح هنگام، لشکر ۲۷ مأموریت ادامه کار و تصرف هدف مزبور را به عهده گرفت.

در ساعت ۷ صبح (۱۹ / ۱ / ۱۳۶۶) به فرماندهی لشکر ۲۷ ابلاغ شد که طبق تصمیمات قبلی، برای تکمیل کار ناقص لشکر ۱۰ وارد عمل شود. در ساعت ۴۵ / ۱۰ اولین گروهان لشکر ۲۷ به خط رسید، اما در این هنگام پاتک دشمن از دو محور شروع شد و نیروهای لشکر ۲۷ به جای انجام مأموریت تعیین شده، مجبور به پاسخگویی به پاتکهای دشمن شدند و تا غروب شش پاتک را خنثی کردند. نهایتاً طی این مرحله در وضعیت قبلی تغییری ایجاد نشد و پیشروی صورت نگرفت و تلاشهای رزمندگان صرفاً اقدامات دشمن را خنثی کرد و به حفظ آنچه در مرحله اول به دست آمده بود، انجامید.

ص: ۱۴۱

۱- ۱۸۰. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۸۱. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۳- ۱۸۲. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

با توجه به فشاری که از سمت چپ روی لشکر ۱۹ وجود داشت، برای پاسخگویی به پاتکهای دشمن، تصمیم گرفته شد که مجدداً تلاش عمده ای برای حل مسئله جناح چپ و تأمین آن صورت پذیرد. بر این اساس، مأموریت تصرف سمت چپ سیلند تا نزدیکی جاده آسفالته و ایجاد خاکریز جناح چپ به لشکر ۸ نجف داده شد و و از چهار راه سیلند تا تپه (۱) (یعنی همان خط حد اولیه) به لشکر ۳۳ و از تپه (۲) تا سب (۳) نیز به لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) واگذار گردید. به لشکر ۲۷ نیز همان مأموریت قبلی، یعنی تأمین زم (۴) و تصرف و پاکسازی موضع «ن» شکل شماره ۱۵ (۵) داده شد.

در این مرحله، جناح راست وضع مناسبی یافت ولی اوضاع جناح چپ به رغم موفقیت‌های به دست آمده کاملاً بهبود نیافت، به این ترتیب که:

لشکر ۲۷ که قرار بود ساعت ۲۱ وارد عمل شود، به خاطر دیر رسیدن نیروها و توقف در میدان مین، در ساعت ۲ / ۳۰ بامداد درگیری را شروع کرد تا ساعت ۸ صبح به نیروهای خود ملحق شد. این لشکر تا غروب موفق به پاکسازی منطقه متصرفه شد و ضمن به هلاکت رساندن ۵۰۰ تن از نیروهای دشمن، ۱۰۰ اسیر را نیز به عقب تخلیه کرد.

لشکر ۱۷ خط لشکر ۱۹ را تحویل گرفت و با یک گردان خود را به چهار راه سیلند رساند و سپس لشکر ۳۳ و لشکر ۸ را از خود عبور داد. این لشکر از روبرو محور پاتک نداشت، بنابراین تا عصر روز بعد (۲۰ / ۱ / ۱۳۶۶) علیه آن تهدیدی صورت نگرفت. نیروهای لشکر ۳۳ و لشکر ۸ نسبتاً در اجرای مأموریت خود موفق بودند ضمن اینکه در صبح و عصر

ص: ۱۴۲

۱- ۱۸۳. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۸۴. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۳- ۱۸۵. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۴- ۱۸۶. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۵- ۱۸۷. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

روز سوم عملیات تقریباً به خاطر استفاده از آتش هماهنگ تانک و تیربار و خمپاره انداز مستقر در خط، پاتکهای دشمن را با شکست مواجه ساختند، ولی سرانجام نیروهای لشکر ۳۳ به لحاظ از دست دادن توان، در مواضع مناسبتری مستقر شدند.

شب چهارم عملیات

در چهارمین شب عملیات لشکر ۲۷ با ایجاد خاکریزهای دو جداره در نقاط مورد نظر و ریختن ۸۰۰ مین ضد نفر در جلوی خط زم (۱) به تثبیت و استحکام مواضع متصرفه پرداخت و لشکر ۳۱ خط لشکر ۱۰ (از زم تا سیب) (۲) را تحویل گرفت. لشکر ۸ نیز برای انجام مأموریت سابق خود با یک گردان تا نزدیک جاده آسفالته (خط قرمز) را پاکسازی کرد و همچنین نیمی از مأموریت مهندسی خود را انجام داد، اما به خاطر فشار دشمن و ناقص ماندن کار مهندسی، نیروهای این لشکر مجدداً تا چهار راه (سیلند شاهد) (۳) عقب نشینی کرده و در آنجا استقرار یافتند.

روز چهارم (۱۳۶۶ / ۱ / ۲۱)

در روز چهارم عملیات دشمن طی چند نوبت در محورهای لشکر ۲۷، لشکر ۳۱ و لشکر ۳۳ اقدام به پاتک کرد که سنگین ترین آنها از محور سیلند غربی کانال ماهی و محور پرستو (۴) صورت گرفت، و مقداری نیروهای خودی را عقب زد، ولی با هجوم رزمندگان اسلام، قوای دشمن عقب رانده شدند. باید اذعان داشت که گرچه دشمن در این پاتکها موفقیتی کسب نکرد، اما با این ضد حمله های پی در پی، بخشی از توان رزمندگان را گرفته و

ص: ۱۴۳

۱- ۱۸۸. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۸۹. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۳- ۱۹۰. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۴- ۱۹۱. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

مانع از استراحت آنان شد و توانست نقاط ضعف و قوت ما را از نظر «خط پدافندی» و «توان» ارزیابی نماید.

پس از ۴ شبانه روز جنگ سنگین در منطقه پیچیده ای که بعضا نیروها مجبور به جنگ تن به تن می شدند و زمین آن را از قبل به دقت توسط دشمن متناسب با تاکتیکها و تدابیر و امکانات آن طراحی و تسلیح شده بود، احساس می شد دشمن از بازپس گیری خط «قرمز» نومید و ناتوان شده است.

از نظر فرماندهان نیز عملیات به پایان رسیده بود و تنها تثبیت و استحکام بخشیدن به مواضع و انجام کارهای مهندسی و بهبود بخشیدن به امر پشتیبانی خط جدید مطرح بود. در این اوضاع و احوال که یگانهای عمل کننده نیز بر اثر افت نیرو (ناشی از چند ماه جنگ مداوم از اوائل دیماه در کربلای ۴) خود را قادر به انجام مأموریتهای آفندی نمی دیدند. حرکت پیش بینی نشده دشمن شروع شد و وضعیت جدیدی را به وجود آورد.

پاتک گسترده دشمن با استفاده از سلاح شیمیایی

از آنجا که دشمن در پاتکهای روز ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۶ خود موفقیتی کسب نکرده بود، چنین پیش بینی می شد که نسبت به باز پس گیری خط قرمز (منطقه تصرف شده در عملیات کربلای ۸) ناامید شده است (۱) ولی برخلاف انتظار، دشمن تلاش اصلی خود را از نخستین لحظات بامداد ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶ آغاز کرد. نیروهای بعثی از نیمه شب تا ساعت ۳۰ / ۳ بامداد روز ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶

ص: ۱۴۴

۱- ۱۹۲. در این میان از آنجا که مرکز شنود متوجه تجمعاتی از دشمن در مقابل لشکر ۲۷ شده بود، به فرماندهی این لشکر اطلاع داد تا اقدامات لازم را برای مقابله انجام دهد. بر این مبنا، لشکر ۲۷ به خاطر تقویت خط با نیروی انسانی و آماده باش نیروهای در خط و پخش حدود ۸۰۰ مین در مقابل خط زم، آمادگی بیشتری از سایر یگانها برای مقابله با پاتکهای دشمن، در خود ایجاد کرد که در عمل نیز مقاومت عمده خودی در این ناحیه بود.

اقدام به تک شیمیایی نمودند. در این تک که ابتدا با توپخانه و کاتیوشا و سپس با هلیکوپتر و هواپیما به صورتی گسترده در خط و عقبه، بخصوص از خرمشهر تا شلمچه و پنج ضلعی صورت گرفت، مجموعاً ۴۰۰ راکت هواپیما، هلیکوپتر، گلوله های توپخانه و خمپاره شلیک شد که به خاطر تاریکی هوا و عدم آمادگی و عدم پیش بینی قبلی، خسارات قابل توجهی به نیروهای خودی وارد آمد.

دشمن پس از تک شیمیایی، از ساعت ۵ / ۲ تا ۷ صبح با ۴۵ گردان توپخانه موجود در منطقه اقدام به اجرای آتش تهیه نمود. شدت آتش دشمن به گونه ای بود که تحرک و جابجایی را از نیروهای خودی سلب کرد و امکان تردد هر گونه وسیله نقلیه و نیروی پیاده به خط مقدم غیر ممکن و یا بسیار دشوار گردید.

حوالی ساعت ۷ صبح پاتک دشمن از دو محور، یکی مقابل لشکرهای ۸ و ۳۳ و دیگری در برابر لشکرهای ۲۷ و ۳۱ شروع شد. فشار سنگین دشمن از سمت چپ خط قرمز و همچنین سیلند شاهد باعث شد رخنه ای در حد فاصل دو لشکر ۳۳ و ۸ ایجاد شود. در محور لشکر ۳۱ نیز فشار دشمن از دو سمت یکی از مقابل و دیگری از خاکریز جدید الاحداث در سمت چپ تقاطع زم (۱) صورت گرفت.

در محور لشکر ۲۷ دشمن از سیلند غربی کانال ماهی به مواضع این لشکر حمله کرد و با درگیری شدید و به سختی آنها را عقب زد. و سپس از تقاطع زم فشار آورد و در نتیجه توانست پس از رخنه و نفوذ در تقاطع، نیروهای لشکر ۳۱ را از خاکریز دو جداره عقب رانده و با تهدید عقبه نیروهای لشکر ۲۷ فشار بیشتری بر نیروهای این لشکر وارد سازد. نیروهای

ص: ۱۴۵

لشکر ۱۷ که تاکنون مستقیماً در معرض پاتک دشمن قرار نگرفته بودند، با احساس تهدید از جناحین و احتمال قیچی شدن، به مواضع مناسبتری نقل مکان کردند.

بدین ترتیب، دشمن تا قبل از ظهر روز ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶ مواضع تصرف شده در عملیات کربلای ۸ را باز پس گرفت.

هدایت کلی پاتک دشمن به عهده فرمانده سپاه گارد (سپهدار حسین رشید محمد) بود و هدایت تپهای عمل کننده توسط فرمانده لشکر بغداد از گارد ریاست جمهوری (سرتیپ ستاد کامل ساحت) و فرمانده لشکر مدینه منوره از گارد جمهوری (سرتیپ ستاد احمد ابراهیم محاش) صورت گرفت. عدنان خیرالله وزیر دفاع نیز با حضور در منطقه از نزدیک عملیات یگانهای پاتک کننده را کنترل می کرد.

یگانهای پاتک کننده دشمن عبارت بودند از:

تپهای ۷، ۴ و ۱۰ گارد ریاست جمهوری، تپ ۴۶۸ نیروی مخصوص، تپهای ۲ زرهی و ۱۷ زرهی گارد ریاست جمهوری، تپهای ۵ پشتیبانی و ۶ پشتیبانی گارد ریاست جمهوری و یک گردان از تپ ۲۶ زرهی.

تاکتیک دشمن در باز پس گیری مواضع مبتنی بر اصل انهدام وسیع بود که با اجرای تک شیمیایی و آتش تهیه سنگین و تداوم تک توانست به رغم مقاومت نیروهای اسلام، در پوشش آتش شدید، نیروهایش را به پشت خاکریزهای نیروهای خودی رسانده و به داخل مواضع آنها رخنه نماید.

ارزیابی و جمع بندی

فشار عراق برای بازپس گیری منطقه ای در حدود یک کیلومتر مربع با توانی که ذکر شد در نوع خود کم نظیر بوده است. عکس العمل دشمن بدون

احتساب و پیش بینی تلفات زیاد و پذیرش آن به عنوان بهای باز پس گیری منطقه نمی توانست باشد.

دشمن با درک مشی جدید نظامی جمهوری اسلامی مبنی بر پیشروی در شرق بصره و انهدام متوالی قوای عراق، بر آن شد که با اقدامی اساسی و با قوت، طراحان و مسئولین جنگ جمهوری اسلامی را نسبت به ادامه پیشروی در منطقه شرق بصره مأیوس کند. (۱).

علاوه بر این همزمانی عملیات کربلای ۸ با سالگرد تاسیس حزب بعث و نیز نقش تبلیغی این عملیات در اعلام تصمیم بر تداوم عملیات در منطقه و همزمانی آن با تغییر و تحولات سیاسی مبنی بر حذف صدام، قابل ذکر است.

به هر صورت، برای دشمن قابل تحمل نبود که در منطقه یاد شده، در بلند مدت و به طور تدریجی، نیروهای ما هر چند کند و آهسته به پیشروی و انهدام قوای آنها ادامه دهند. لذا به رغم آنکه دشمن در تصمیم برای عقب نشینی از شرق نهرجاسم اصل «حفظ قوا» را برگزیده بود، در این جا با پذیرش «انهدام نیرو» به چنین پاتک خطرناکی مبادرت کرد. استفاده از نیروی گارد ریاست جمهوری عراق، نظارت مستقیم عدنان خیرالله و به طور کلی چگونگی این پاتک نشان می دهد که مبنای این اقدام، تصمیم سیاسی بوده و در محدوده ی صلاحدید و اختیارات نظامیان نمی گنجیده و تناسبی نیز با چارچوب حرکات کلاسیک نظامی ارتش عراق نداشته است.

صدام و حزب بعث ادامه حمایت شرق و غرب را در گرو قدرتمندی نظامی ارتش عراق می دانستند در نتیجه برای ثبات سیاسی خود راهی جز قدرتمند کردن و در عین حال فشار بیشتر بر ارتش عراق برای شرکت در

ص: ۱۴۷

۱-۱۹۴. البته فرماندهان جنگ قبل از این پاتک تصمیم به تغییر روش گرفته بودند و اقدامات دیگری را در نظر داشتند.

جنگ تا سر حد تلفات بسیار بالا و حتی انهدام لشکرها نداشتند.

از طرف دیگر بر اساس نگرش کلاسیک، از مدتها پیش طراحان و فرماندهان نظامی دشمن احساس اطمینان برای ادامه جنگ را از دست داده بودند. زیرا هیچ یک از خطوط پدافندی آنها در مقابل تهاجمات نیروهای ما تاب مقاومت نداشت و علاوه بر این، گذشت زمان حاکی از پیروزی تدریجی جمهوری اسلامی بود، چرا که علاوه بر رانده شدن از خاک جمهوری اسلامی مناطق مهمی مانند فاو و شرق بصره را از دست داده بودند. واضح است که از نظر حاکمان سیاسی و همچنین فرماندهان نظامی عراق این روند نگران کننده بود. احتمال تحولات سیاسی و افزایش شایعاتی مبنی بر حذف صدام نیز بدون ارتباط با وضعیت یاد شده نمی توانست باشد.

به هنگام عملیات والفجر ۸، بنا به موقعیت خاص زمین منطقه (۱) دشمن تلفات قابل توجهی را متحمل شد، بدون آنکه قادر به باز پس گیری منطقه باشد. بنا بر اظهارات اسراء، صدام با حضور در منطقه فشار زیادی را بر ارتشیان عراق وارد می ساخت تا شاید بتوانند مجددا در مواضع قبلی خود حضور یابند. لیکن موقعیت زمین و تدبیر مناسب نیروهای خودی در استفاده از آتش و مقاومت شدید، مانع از تحقق اهداف دشمن شد.

در این عملیات استفاده از ارتش عراق به شکل نامعقول موجب شد بیش از ۷۰٪ از توان نظامی دشمن در فاو منهدم شود و این برای ارتش عراق صدمه ای جبران ناپذیر بود.

حاکمیت سیاسی عراق به منظور جبران شکست فاو و حفظ روحیه ارتش

ص: ۱۴۸

۱- ۱۹۵. زمین فاو محصور در میان رودخانه اروند و خور عبدالله بود و از طرفی باتلاقی بودن زمین تحرک دشمن را محدود به چند جاده کرده بود که دائما در زیر آتش توپخانه خودی قرار داشت.

عراق، تدبیر «استراتژی دفاع متحرک» را اتخاذ کرد که آن هم سرانجام مطلوبی نیافت و مجموعاً نزدیک به ۱۱ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

در کربلای ۱ (مهران) چنانکه بعدها اسرا ذکر می کردند، دشمن تنها به لحاظ ممانعت از انهدام بیشتر ارتش عراق، از مقاومت خودداری کرد تا آمادگی لازم برای مقابله با تهاجمات بعدی قوای نظامی ایران را داشته باشد، در حالی که در کربلای ۲ (حاج عمران) دشمن با انگیزه بیشتری جنگید.

آزادسازی مهران، که دشمن به خاطر اشغال مجدد آن در بغداد جشن گرفته بود، شکست بزرگی محسوب می شد. از دست دادن مهران توسط دشمن بدون مقاومت چشمگیر به جز قوتهای نیروی خودی و غافلگیر شدن دشمن در مانور و محور هجوم (۱) از تدبیر وی مبتنی بر اصل «حفظ نیرو» در مقابل «حفظ زمین» حکایت می کرد. به عبارت دیگر چنین به نظر می رسید که دشمن در نظر ندارد به طور غیر معقول ارتش عراق را به کار گیرد.

در عملیات کربلای ۵ تحرکاتی از دشمن مشاهده شد که به همین ترتیب قابل تبیین است. بدین صورت که در روز سوم عملیات، عراق یک لشکر گارد را وارد عمل کرد. این لشکر تا روز پنجم تلاش فراوانی برای باز پس گیری غرب کانال ماهی انجام داد (۲) معهذاً منجر به نتیجه دلخواه و مطلوب نشد. در ساعت ۱۱ صبح روز پنجم عملیات فرماندهان لشکر گارد در مقر لشکر ۱۱ جلسات مهمی تشکیل دادند که به نظر می رسید دشمن با تلاش گسترده تری اقدام به پاتک خواهد کرد. لیکن عقب نشینی تدریجی عراق به

ص: ۱۴۹

۱- ۱۹۶. دشمن از محور دیگری در همان منطقه انتظار تهاجم ما را داشت.

۲- ۱۹۷. عراق پس از عملیات والفجر ۸ لشکر گارد را به سپاه گارد تبدیل کرد.

غرب نهرجاسم که اثر قطعی و نهایی آن سه روز بعد آشکار شد، نشان داد که دشمن به رغم مقاومتهای بسیار شدید اولیه، با توجه به انهدام وسیع و تلفات بالا، نهایتاً حفظ نیرو را بر حفظ زمین ترجیح داده است.

عراق در قبال اقدام یاد شده از جهت سیاسی نیز متحمل خسارتهای فراوانی شد، لیکن به لحاظ پیچیدگی زمین و تلفات فراوانی که متوجه ارتش عراق شده بود بنابر نگرش نظامی، تدبیر یاد شده را اتخاذ کرد.

پس از آن دشمن در مقابل سر پل غرب کانال ماهی به لحاظ تهدیدی که نسبت به زمین حد فاصل نهرجاسم تا کانال زوجی احساس می کرد، عملیاتی را طراحی کرد که بعدها نام «حصاد الاکبر» (۱) بر آن نهاد. این حرکت با سرمایه گذاری بالاتر از حد معمول و با تحمل تلفات فراوان انجام گردید.

تلفات دشمن

محدودیت زمین منطقه و حضور بیش از اندازه یگانهای دشمن منجر به تأثیر قابل توجه آتش در انهدام نیروهای ارتش عراق بود. علاوه بر این، قسمت عمده ی انهدام دشمن به هنگام پاتک صورت گرفت، زیرا نیروها از موضع خارج شده و به راحتی در زیر آتش توپخانه و سلاحهای سبک و سنگین قرار می گرفتند.

معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه پاسداران میزان انهدام قوای دشمن را به شرح زیر اعلام کرد:

ص: ۱۵۰

۱- ۱۹۸. دروی بزرگ (سربازان مانند خوشه های گندم درو می شدند).

نام یگان: تیپ ۱۱۷ پیاده، میزان انهدام: ۹۰٪

نام یگان: تیپ ۴۲۸ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۲۷ مکانیزه، میزان انهدام: ۶۰٪

نام یگان: تیپ ۱۰۶ پیاده، میزان انهدام: ۶۰٪

نام یگان: تیپ ۲۶ زرهی، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۲ کماندوئی، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۴۲۱ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۲۹ پیاده، میزان انهدام: ۹۰٪

نام یگان: تیپ ۱۴ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۹۳ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۴۵ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۴۳۱ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۲ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۱۰۴ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۱۱۳ پیاده، میزان انهدام: ۳۰٪

نام یگان: تیپ ۶۸ نیروی مخصوص، میزان انهدام: ۵۰٪

نام یگان: تیپ ۲ زرهی گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۵٪

نام یگان: تیپ ۵ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۵٪

نام یگان: تیپ ۶ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۷ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۶۰٪

نام یگان: تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۱۷ زرهی گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: یک گردان تانک از تیپ ۲۶ زرهی، میزان انهدام: ۵۰٪

ص: ۱۵۱

در مجموع حداقل تعداد ۱۸ تیپ پیاده و ۵ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن در طول ۶ روز نبرد کربلای ۸ به میزان ۲۰ تا ۹۰ درصد آسیب دیدند.

در میان کشته شدگان حداقل ۶ فرمانده تیپ، ۲۰ فرمانده گردان، و بیش از ۸۰ فرمانده گروهان دیده می شد. (۱) در این عملیات حدود ۲۶۰ نفر از پرسنل دشمن اسیر شدند که در بین اسرا ۲ نفر سرهنگ ستاد، ۵ سرگرد و تعداد زیادی افسر و درجه دار مشاهده می شد.

بازتاب عملیات کربلای ۸

از یک سو شرایط سیاسی و نظامی جنگ پس از عملیات کربلای ۵ و از سوی دیگر اهمیت زمین منطقه شرق بصره، موجب گردید تا عملیات کربلای ۸ که با «هدف محدوده نظامی» صورت گرفت، بازتاب و انعکاس نسبتاً گسترده ای داشته باشد. در مورد این عملیات خبرگزاری فرانسه به نقل از ناظران در تهران چنین گزارش داد:

«اهداف عملیات جدید کربلای ۸ ایران که صرفاً نظامی است، محدود به نظر می رسد. ایران بدون تردید این بخش جنوبی را برای حمله انتخاب کرد تا مانع از تحکیم خطوط دشمن در آنجا شود.» (۲).

در واقع، گزارش خبرگزاری فرانسه معطوف به این مطلب بود که این عملیات در تداوم سلسله تلاشهای ایران در این منطقه و برنامه ریزی برای انجام عملیات به سمت بصره، معنا و مفهوم دارد.

به نظر می رسد که مطالب اعلام شده از سوی ایران درباره ی انهدام ماشین جنگی عراق در عملیات کربلای ۵ و سپس اظهارات رئیس جمهوری در مورد

ص: ۱۵۲

۱- ۱۹۹. تلفات افراد کادر دشمن حاکی از استفاده عراق در تأمین خط و پاتک از نیروهای سازمانی و کادر بود.

۲- ۲۰۰. خبرگزاری فرانسه، ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۶.

عملیات کربلای ۸ مبنی بر اینکه با این عملیات «باز هم تهدید نسبت به بصره بیشتر و جدی تر شد و مطمئناً این ضربات رژیم عراق و ماشین جنگی اش را از کار خواهد انداخت.» (۱) در تجزیه و تحلیل رسانه های خارجی از اهداف و نتایج عملیات کربلای ۸ بی تأثیر نبود، چنانکه روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از یک کارشناس اروپائی نوشت:

«عملیات ایران نشان داده است که جمهوری اسلامی ایران همچنان بر این تاکتیک برای نابودی ماشین جنگی عراق مصمم است، در عین حال این توان را هم دارد که هر زمان و در هر گوشه ای از جبهه دست به عملیات موفق بزند.» (۲).

در ضمن برخی دیگر از تحلیلگران هدف عملیات را ارزیابی میزان توان دفاعی عراق در شرق بصره ذکر کردند. (۳) همچنین تشدید حملات عراق در خلیج فارس به مراکز نفتی و نفتکشها، موجب گردید که عملیات کربلای ۸ به عنوان تلاقی آن اقدامات تلقی شود. آقای هاشمی نیز در خطبه های نماز جمعه بخشی از اهداف عملیات کربلای ۸ را پاسخ به شرارتهای بعثیون در «خلیج فارس» ذکر کرد. (۴).

تلاقی زمان عملیات کربلای ۸ با برگزاری مراسم چهل و هشتمین سالگرد تشکیل حزب بعث، موجب گردید که عراق بلافاصله به منظور تحت الشعاع قرار دادن بازتاب این عملیات، به تاسیسات نفتی جزیره سیری که یکی از مبادی صادرات نفت ایران بود، حمله کرده خسارات قابل ملاحظه ای را به آن وارد آورد، به گونه ای که تا ساعتها بهره برداری از اسکله مذکور امکان پذیر نبود. به هر حال پیروزی عملیات کربلای ۸ همانند پیروزیهای دیگر ایران در ابتدا از سوی عراق و کلیه حامیانش مورد تکذیب قرار گرفت، چنانکه رادیو اسرائیل به نقل از کارشناسان نظامی گفت:

«به احتمال قوی نیروهای ایرانی در عملیات موسوم به کربلای ۸ در

ص: ۱۵۳

۱- ۲۰۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶، بیانات آیت الله خامنه ای در نماز جمعه تهران.

۲- ۲۰۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶.

۳- ۲۰۳. روزنامه کیهان، ۲ / ۱ / ۱۳۶۶، به نقل از روزنامه فاینشال تایمز.

۴- ۲۰۴. روزنامه اطلاعات ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی.

جبهه بصره موفق به پیشروی نشده اند و نبرد به صورت ساکن ادامه دارد.» (۱).

اما با گذشت زمان و عینیت پیروزی ایران، عراق سرانجام زبان به اعتراف گشود و متعاقب آن خبرگزاریها چنین گزارش دادند:

«عراق دیروز اعتراف کرد که مناطقی را در جریان حمله جدید ایران در شرق بصره از دست داده است. اعتراف عراق به از دست دادن زمینهایی در نزدیکی بصره، در اطلاعیه نظامی این کشور منعکس شده است.» (۲).

دعوت ایران از خبرنگاران خارجی برای بازدید از منطقه آزاد شده در عملیات نیز به منزله ی پیروزی جدید ایران مورد تأکید قرار گرفت. بدین ترتیب، در آستانه سال ۶۶ ضمن آنکه موفقیت حاصله از عملیات کربلای ۸ در منطقه شرق بصره، از سوی رسانه های خارجی مورد تأیید قرار گرفت، به عنوان ضعف و ناتوانی روحی و روزافزون عراق نیز ارزیابی شد.

ص: ۱۵۴

۱- ۲۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۶، رادیو اسرائیل، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶.

۲- ۲۰۶. روزنامه رسالت، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶، واحد مرکزی خبر.

نقش و موقعیت سپاه در سال ۱۳۶۵

تلاشها و اقدامات سپاه پاسداران در سال ۶۵ و متعاقب آن موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران در برابر عراق، ابعاد و برجستگی نقش تعیین کننده سپاه در جنگ و تحولاتی را که این نیروی انقلابی پشت سر نهاده، ترسیم و مورد تأکید قرار می دهد.

در واقع عرصه ی جنگ برای سپاه بزرگترین میدان آزمایش و آموزش بوده است. در میان قدرت انطباق سپاه و قابلیت های این نیرو در برخورد با شرایط و ضرورتهای انقلاب، بزرگترین ویژگی آن است که از یک سو عاملی مؤثر در حل معضلات انقلاب و جنگ و از سوی دیگر عامل افزایش توان سپاه محسوب می شود.

با آغاز جنگ و ناتوانی سیستم کلاسیک کشور برای دفع تجاوز، سپاه به رغم آنکه فاقد سازمان مناسب برای درگیری با دشمن بود، لیکن بر حسب تعهد و اعتقاداتی که داشت، در جهت رهنمودهای حضرت امام خمینی به طور همه جانبه وارد عرصه ی جنگ شد. مقابله با متجاوزان در محورهای

مختلف بویژه در خرمشهر که سپاه پیش از این در آنجا از سازماندهی مناسبی برخوردار شده بود، (۱) بارزترین جلوه نقش این نیرو در جنگ محسوب می شد.

در مراحل آغازین جنگ، انتظار امام و مردم مبنی بر بیرون راندن متجاوزین به رغم وعده های بنی صدر و تأکید وی بر انجام عملیات بر مبنای علمی! تحقق نیافت و تنها موجب اتلاف وقت و از میان رفتن امکانات فراوان شد. در واقع، گرچه بنی صدر برای کسب پیروزی در جهت تغییر اوضاع سیاسی داخل کشور به سود خود تلاش می کرد، لیکن مسیری را طی می نمود که هرگز او را به مقصد نمی رساند؛ چنانکه عملیات انجام شده طی این مقطع از جنگ در غرب رودخانه کرخه، هویزه و روی جاده ماهشهر - آبادان با شکست و ناکامی همراه شد. همین مسأله یکی از دلایل عمده تشدید درگیری داخلی و پدید آوردن غائله ۱۴ اسفند ۵۹، توسط بنی صدر بود. از سوی دیگر، رشد قابلیت و توانایی سپاه بویژه ارائه طرح شکستن حصر آبادان برابر تدبیر حضرت امام و تصویب این طرح در شورای عالی دفاع، وضعیت جدیدی را در روند تحولات کشور به وجود آورد که آزادسازی مناطق اشغالی و کسب پیروزیهای نظامی و ثبات سیاسی از نتایج و دستاوردهای آن بود.

در این مدت با وجود همکاری و وحدت مقدس ارتش و سپاه به هنگام آزادسازی مناطق اشغالی، پیچیدگی و روند تحولات جنگ و ضرورتهای جدید، منجر به شرایطی شد که عملاً دو نیرو با توجه به تفکر حاکم، ساختار و

ص: ۱۵۶

۱- ۲۰۷. مقابله با ضد انقلاب در داخل خرمشهر که مورد حمایت عراق بود، موجب گردید که سپاه از اوایل سال ۵۸ به طور جدی با این نیروها مواجه شود و همین امر در تقویت انسجام سپاه نقش تعیین کننده داشت.

سازمان و همچنین بافت روحی آنها، از شرایط لازم برای انجام عملیات مشترک برخوردار نبودند. عدم حصول پیروزی قطعی در عملیات رمضان آغاز بروز نظریات متفاوت در خصوص نحوه طرحریزی و اجرای عملیات در جنگ بود. در عین حال، نظر به ضرورت‌های جنگ، تدابیر حضرت امام مبنی بر همکاری عملیات همچنان در سطح فرماندهان دو نیرو برقرار بود و بر همین اساس، عملیات والفجر مقدماتی طرحریزی و آماده‌ی اجرا شد. مجدداً پس از بروز نظریات متفاوت، برابر تصویب شورای عالی دفاع، عملیات والفجر ۱ در چارچوب نظریات برادران ارتش و فرماندهان آنها اجرا شد که در عین حال هر دو عملیات با ناکامی مواجه گردید.

در پی پیدایش وضعیت جدید، سپاه تدریجاً به این نتیجه رسید که با توجه به ضرورت ادامه جنگ و شکستن بن بست حاصله از یکسو و از سوی دیگر اهمیت و لزوم اعمال نظریات طراحان و فرماندهان این نیرو، که از تفکر، روحیه، جسارت، ابتکار و جذابیت خاص آنان نشأت می‌گرفت، چاره‌ای جز طرحریزی و اجرای مستقل عملیات ندارد. در این چارچوب، از اوایل سال ۶۲ منطقه هورالهوریزه و جزایر مجنون توسط سپاه برای انجام عملیاتی که بعداً به عملیات خیبر معروف شد، انتخاب گردید. تغییر زمین و تاکتیک به این امید صورت گرفت که با غافلگیر ساختن دشمن، امکان حصول پیروزی فراهم شود، بویژه آنکه طی عملیات پیشین (رمضان و والفجر مقدماتی) هیچ‌گونه موفقیت قابل ملاحظه‌ای حاصل نشده بود و این مسأله جمهوری اسلامی را در روند سیاسی - نظامی جنگ با شرایط دشواری مواجه نموده بود.

شناسایی و آماده‌سازی منطقه عملیاتی خیبر طی یک سال مستقلاً توسط سپاه با رعایت حفاظت دنبال می‌شد. سرانجام پس از تصویب طرح در

شورای عالی دفاع، چنین مقرر شد که برادران ارتش نیز جداگانه در محور جنوبی شرق بصره (منطقه زید) به انجام عملیات مبادرت نمایند. در این عملیات، سپاه دو لشکر پیاده و یک تیپ زرهی خود را در کنترل عملیاتی ارتش قرار داد و متقابلاً یک لشکر زرهی ارتش نیز که مأموریت پدافند از منطقه طلائی تا کوشک را بر عهده داشت، در کنترل عملیاتی سپاه قرار گرفت.

در پایان سال ۶۳ نیز در عملیات بدر همچنان ارتش و سپاه به طور مشترک ولی با فرماندهی سپاه (که از برادران ارتش تنها سرهنگ صیاد شیرازی از این موضوع اطلاع داشت). به انجام عملیات مبادرت ورزیدند، لیکن از اسفند ۶۳، سپاه پیرو ضرورت‌های موجود و تصویب شورای عالی دفاع و فرماندهی عالی جنگ، تصمیم به اجرا مستقل عملیات و با فرماندهی خود گرفت و این روند در طول ۵ / ۳ سال (تا پایان جنگ) تداوم یافت که بجز عملیات کربلای ۴ تمامی عملیات سپاه همراه با موفقیت کامل بوده است.

حکم حضرت امام (قدس سره الشریف) در سال ۶۴ مبنی بر تشکیل سه نیرو در سپاه موجب گردید تا سپاه با توجه به حمایت و پشتیبانی امام، به گسترش و توسعه توان رزمی خود اقدام کند و طرح گسترده‌ای را برای شکستن بن بست جنگ ارائه نماید. در واقع نظر به اینکه هیچ یک از مناطق تصرف شده در عملیات مشترک انجام شده توسط ارتش و سپاه، پس از فتح خرمشهر، منتهی به تأمین و تثبیت کامل نشده بود، از نظر مسئولین سپاه تغییر این وضعیت مستلزم گسترش سازمان رزمی سپاه و جذب ۱۵۰۰ گردان نیرو بود که با بسیج امکانات کشور قابل اجرا بود. با پیدایش شرایط جدید و مصوبه شورای عالی دفاع مبنی بر اجرای عملیات مستقل از سوی سپاه و ارتش، سپاه منطقه عملیاتی فاو را انتخاب کرد و مقرر شد ارتش نیز در منطقه

شلمچه (که بعدها در آنجا عملیات کربلای ۵ صورت گرفت) به اجرای عملیات مبادرت نماید. همچنین قرار شد سپاه علاوه بر منطقه فاو، در جزیره ام الرصاص به عنوان تک پشتیبانی عملیات فاو، اقدام به حمله نماید.

با توجه به این که عملیات فاو اصلی و عملیات شلمچه فرعی بود، طی جلساتی در حضور فرماندهی عالی جنگ و با تدابیر ایشان، امکانات برای هر دو عملیات تخصیص داده شد.

پس از حل معضلات اساسی عملیات و تکمیل طرح مانور و تامین پشتیبانیهای مورد نظر به طور نسبی و سازماندهی قرارگاه ها و یگانهای سپاه، عملیات والفجر ۸ در روز ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۶۴ با قرائت رمز عملیات توسط فرماندهی کل سپاه، آغاز شد. یگانهای نیروی زمینی سپاه با یورش به استحکامات دشمن از محورهای مختلف، تهاجم خود را آغاز کردند. بدین ترتیب برجسته ترین و پیچیده ترین عملیات جنگی جمهوری اسلامی توسط بسیجیان و پاسداران جان بر کف و پشتیبانی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی (۱) و تلاش و ایثار برادران جهاد سازندگی به اجرا درآمد.

سرانجام سپاه طی ۷۵ روز جنگ هدفهای موردنظر را پس از تصرف، تأمین کرد و نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از نیروهای آن کشته و زخمی و حدود ۳۰۰۰ نفر اسیر شدند ضمن اینکه غنایم قابل ملاحظه ای نیز به دست آمد.

پس از فتح فاو تغییر توازن جنگ به سود ایران در سال ۶۵، جمهوری اسلامی ایران را با وضعیت جدیدی روبرو ساخت. طی این سال کلیه تحرکات دشمن اساساً معطوف به تغییر وضعیت به سود خود بود و متقابلاً

ص: ۱۵۹

۱- ۲۰۸. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو برعهده داشتند.

جمهوری اسلامی نیز تلاش می کرد تا ضمن حفظ برتری، امتیازات سیاسی لازم را کسب نماید.

در این روند، نقش نیروهای سپاه در جنگ، نقش اصلی و محوری بود، چنانکه سپاه با تلاشها و اقدامات دشمن موسوم به استراتژی دفاع متحرک مقابله کرد و طی آن قدرت جابجایی و انعطاف خود را در برابر وضعیتهای متغیر نمایان ساخت. طوری که عملیات کربلای ۱ را برای آزاد سازی مجدد مهران و عملیات کربلای ۳ را روی اسکله الامیه طرحریزی و اجرا کرد. در این میان، طرحریزی و اجرای دو عملیات گسترده و بزرگ کربلای ۴ و ۵ را در فاصله کمتر از دو هفته به صورتی تحسین برانگیز انجام داد. هجوم به پیچیده ترین مواضع و استحکامات دشمن در منطقه شرق بصره، در عملیات کربلای ۵ موجب گردید تا عراقیها پس از تحمل تلفات بسیار، ناامید از عقب راندن نیروهای اسلام و بازپس گیری منطقه، «حفظ نیرو» را بر «حفظ زمین» ترجیح داده و از ادامه تلاش خودداری نمایند. کسب این پیروزی «موقعیت ایران» را که بر اثر تشدید فشارهای همه جانبه در آستانه «تغییر و تحول» بود، مجددا تثبیت کرد. عراقیها نیز متقابلاً پس از شکست در عملیات کربلای ۵ با بی اعتمادی نسبت به آمریکا، به مسکو تمایل شدند. ایران هم برای بهره برداری از اهرم شوروی در سطح بین المللی و مقابله با فشارهای آمریکا، مناسبات نسبتاً گسترده ای را با مسکو آغاز کرد و نسبت به روند تحولات افغانستان بویژه انجام مذاکرات صلح از خود تمایل نشان داد.

اجرای عملیات کربلای ۸ در منطقه شرق بصره و تداوم اهداف عملیات کربلای ۵ به عنوان آخرین تحرک نظامی ایران در منطقه جنوب، در شرایطی از سوی سپاه انجام گرفت که جمهوری اسلامی یکی از پرحادثه ترین مقاطع جنگ را پشت سر نهاده و تنها با اتکا به کسب پیروزی نظامی توانست موقعیت سیاسی - نظامی خود را بهبود بخشد.

در واقع، مقاومت در برابر اراده سیاسی آمریکا و شوروی و مقاومت در برابر حجم گسترده تهاجمات هوایی، دریائی و زمینی دشمن و همچنین پیشروی در جبهه های نبرد، بویژه در منطق شرق بصره، از مهمترین دستاوردهای عملیات نظامی جمهوری اسلامی در سال ۶۵ بود که عمدتاً از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرحریزی و اجرا شد.

به عبارت دیگر، اقدامات و تلاشهای نظامی در سال ۶۵ به عنوان عامل اساسی منجر به تداوم حیات و بقاء سیاسی و نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی شد و متقابلاً- ناتوانی استکبار جهانی را در تحمیل اراده و خواسته های سیاسی اش برای خاتمه بخشیدن به جنگ بر همگان نمایاند.

سلسله عملیات انجام شده از سوی سپاه طی ۵ / ۶ سال گذشته و بویژه در سال ۶۵، موجب گردید تا به گونه ای غیر قابل تردید، ویژگیها و برجستگیهای فرماندهی و طرحریزی سپاه و کنترل و هدایت عملیات این نیروی انقلابی بر همگان آشکار شود، به عنوان نمونه نشریه آبرور چاپ انگلیس با اعتراف به اشتباهات غریبها در ارزیابی توان و قابلیت سپاه نوشت:

«به رغم آنچه اوایل در مورد تاکتیکهای خام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته می شد، این نیرو موفق به کسب پیروزیها و پیشرفتهائی شده است که فرماندهان نظامی رسیدن به آن را غیرممکن می دانستند...

سپاه پاسداران هم اکنون مشغول آموزش نیروهای هوایی و دریائی خود می باشد. این سپاه به مثابه یک نیروی ایدئولوژیکی مسلح، فشارهای ۶ / ۵ ساله جنگ را تحمل کرده است.» (۱).

بدین ترتیب، موقعیت برتر ایران در برابر عراق پس از فتح فاو و

ص: ۱۶۱

پیروزیهای حاصله در سال ۶۵ و تداوم آن با پیشروی در شرق بصره طی عملیات کربلای ۵ و کربلای ۸ تماماً نمایانگر این مسأله بود که جمهوری اسلامی به هر میزانی که از ابزار و توانمندی نظامی برخوردار باشد و حمایت و پشتیبانی لازم را از مردم توانای نظام کسب کند، به همان میزان از نتایج ارزشمند آن در صحنه سیاسی و نظامی برخوردار خواهد شد و در صحنه بین‌المللی که کلیه مناسبات و روابط بر اساس قدرت شکل گرفته است، منطقی جز این کارآمد و مفید نخواهد بود.

ص: ۱۶۲

جلد ۴

اشاره

ص: ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سال ۱۳۶۶ از سال های پرمآجرای جنگ ایران و عراق است. در این سال اقدامات عراق برای بین المللی کردن جنگ و درگیر کردن شیخ نشین های خلیج فارس، با تشدید حمله به نفتکش ها و ناچاری جمهوری اسلامی از مقابله به مثل، بحران خلیج فارس را شدت بخشید و رودرویی مستقیم ایران و امریکا را در پی داشت. در این سال تلاش ابرقدرت ها برای خاتمه جنگ بدون طرف پیروز، به تصویب قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل منجر شد.

از سوی دیگر، در این سال جبهه اصلی نبرد از جنوب به شمال غرب انتقال یافت و عملیات های متعددی در این منطقه به اجرا درآمد که مهم ترین آنها عملیات گسترده والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه بود. در پی موفقیت این عملیات، رژیم عراق کوشنده ترین سلاح های شیمیایی را در حجم بسیار و در سطحی وسیع به کار گرفت و فاجعه حلبچه را سبب شد.

کتاب «شلمچه تا حلبچه» چهارمین جلد از مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» است که در آن وقایع سیاسی و نظامی این سال پرمآجر تجزیه و تحلیل شده است. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۷۶ چاپ و منتشر شد و شورای مرکزی چهارمین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ آن را مورد تقدیر قرار داد.

کتاب «شلمچه تا حلبچه» در سال های ۱۳۸۱، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۴ تجدید چاپ شد که با اتمام نسخه های چاپ چهارم برای با پنجم چاپ و منتشر می شود تا در دسترس علاقه مندان و محققان قرار گیرد.

گفتنی است مجموعه شش جلدی «سیری در جنگ ایران و عراق» شامل: خونین شهر تا خرمشهر (جلد ۱)، خرمشهر تا فاو (جلد ۲)، فاو تا شلمچه (جلد ۳)، شلمچه تا حلبچه (جلد ۴)، پایان جنگ (جلد ۵)، آغاز تا پایان (جلد ۶) به طور کامل منتشر شده و در دسترس عموم قرار گرفته است.

نکته قابل توجه پژوهشگران اینکه مرکز مطالعات مجموعه دیگری را با عنوان «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» منتشر کرده است که در این مجموعه به نحوی عمیق تر و با توجه به جنبه های استراتژیک، به تجزیه و تحلیل جنگ پرداخته شده است. از این مجموعه تاکنون سه جلد (ریشه های تهاجم، جنگ بازیابی ثبات، تنبیه متجاوز) منتشر شده است. علاقه مندان برای مطالعه و تحقیق بیشتر درباره دوره ای از جنگ که موضوع کتاب حاضر است، می توانند به کتاب «تنبیه متجاوز» مراجعه نمایند.

امید است با یاری حق جل و علا دست اندرکاران این مرکز بتوانند با انتشار گوشه ای از حقایق این واقعه عظیم، سهمی در حفظ و نشر دستاوردها و آثار آن داشته باشند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه

۱۳۸۶

ص: ۱۳

شلمچه تا حلبچه «چهارمین کتاب از مجموعه شش جلدی» سیری در جنگ ایران و عراق است. در این کتاب رخدادهای سیاسی و نظامی جنگ در حد فاصل عملیات های کربلای ۵ (دی ۱۳۶۵) و والفجر ۱۰ (اسفند ۱۳۶۶) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بدون تردید، روند جنگ در این مرحله، در عین آن که برآیند تحولات ناشی از فتح فاو بود، عملاً زمینه ها و مقدمات خاتمه یافتن آن را فراهم ساخت. بنابراین، اهمیت بررسی اوضاع و دشواری های سال پایانی جنگ و تأثیراتش در نحوه اختتام آن، یکی از مهم ترین مسائلی است که ضرورت تبیین و تدوین کتاب حاضر را تا اندازه ای توضیح می دهد.

کتاب «شلمچه تا حلبچه» بر پایه ی واقعیت ها و رخدادهای سیاسی و نظامی جنگ طی مقطع زمانی مذکور، در سه فصل تنظیم شده است. فصل نخست کتاب با عنوان «جنگ در آستانه سال ۶۶» به بررسی تحولات جنگ در سال ۶۵ و تأثیر آن بر اتخاذ رهیافت جدید ایران و عراق همراه با تشریح مواضع امریکا و شوروی (پیشین)، اختصاص یافته است. اصولاً توضیحات مندرج در این فصل، زمینه ها و بستر اصلی شکل گیری روند جدید جنگ را در سال ۱۳۶۶ ترسیم می کند.

زمینه های گسترش بحران در خلیج فارس، با تشدید حملات عراق به پایانه های نفتی و نفت کش های ایران و مقابله به مثل جمهوری اسلامی،

مدخل مباحث فصل دوم کتاب است که تحت عنوان «گسترش جنگ در خلیج فارس» تنظیم شده است. عراقی ها با تکیه بر برتری هوایی و با بهره برداری از فضای شدیداً متشنج حاکم بر روابط امریکا و ایران، تهاجمات خود را با هدف «بین المللی کردن جنگ»، گسترش دادند. واکنش ایران در مورد اقدامات عراق، به درخواست کویت از امریکا برای اسکورت نفت کش های این کشور منجر شد. نگرانی امریکا از عواقب و پیامدهای پذیرش درخواست کویت و بحث های مناقشه آمیزی که میان کنگره و دولت امریکا در گرفت، سبب شد تا در مرحله نخست، امریکا از اجابت این درخواست خودداری کند. ارائه این پیشنهاد به شوروی (پیشین) و موافقت روس ها با اجازه دادن سه نفت کش به کویت، سبب گردید تا امریکا سرانجام پرچم خود را بر فراز نفت کش های کویت به اهتزاز در آورد.

تصویب قطع نامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل، تنها به فاصله یک روز قبل از آغاز اسکورت نفت کش ها، نمایانگر تلاش امریکا جهت کسب مجدد ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق بود. تلاش های دیپلماتیک ایران در مورد صدور قطع نامه ۵۹۸ و حضور قدرت مندانه سپاه پاسداران در عرصه دریا برای مقابله با تهاجمات عراق و سیاست باجگیرانه امریکا در خلیج فارس، فصل جدیدی از درگیری میان ایران و امریکا را در منطقه خلیج فارس گشود. مراحل درگیری میان دو کشور در ماه های شهریور و مهر سال ۱۳۶۶، همراه با بررسی نتایج و بازتاب های آن، بخش های پایانی فصل دوم کتاب را تشکیل می دهند.

کلیه تلاش های نظامی ایران در سال ۱۳۶۶ در فصل سوم کتاب تحت عنوان «جنگ در غرب کشور و آزادسازی حلبچه» مورد بررسی قرار گرفته است. عملیات های کربلای ۱۰، فتح ۵ نصر ۴ و نصر ۷ گرچه در نیمه نخست سال ۱۳۶۶ انجام گرفت که از نظر زمانی بر رخدادهای خلیج فارس تقدم دارد، لیکن به دلیل سنخیت آن و از همه مهم تر تأثیر این سلسله عملیات در شکل گیری و اجرای استراتژی جدید ایران در منطقه

غرب کشور، کلیه مباحث نظامی در این فصل تشریح و تجزیه و تحلیل شده است.

به رغم موانع و دشواری هایی که برای اجرای عملیات در فصل زمستان، روی ارتفاعات صعب العبور وجود داشت، تداوم جنگ در منطقه غرب کشور با اجرای عملیات های نصر ۸ و بیت المقدس ۲ و ۳ در پاییز و زمستان ۱۳۶۶، نشان دهنده ی مشکلات و پیچیدگی های حاکم بر جنگ بود. در واقع، «بن بست در جنوب» (۱) دو راه حل فرا روی فرماندهان سپاه که مسئولیت جنگ را برعهده داشتند، قرار داده بود. راه حل نخست، «ابراز ناتوانی از ادامه جنگ بود.» چنان که تلویحا برخی مشوق این نظر و در انتظار اظهار آن از سوی سپاه بودند. «تلاش برای شکستن بن بست جنگ با گرفتن زمان از دشمن» راه حل دومی بود که سپاه با در نظر گرفتن کلیه ملاحظات مبنی بر ادامه جنگ، انتخاب کرد.

مشکلات و دشواری های جنگ روی ارتفاعات در فصل زمستان، همراه با هوشیاری دشمن در مورد اهداف قوای نظامی ایران برای تصرف استان سلیمانیه، منجر به مسدود شدن راه کارها شد. در نتیجه پیدایش این وضعیت، عملیات والفجر ۱۰ برای منطقه حلبچه طرح ریزی شد و در موقعیتی که تهران در زیر حملات موشکی عراق قرار داشت، به اجرا درآمد.

تهاجم شیمیایی عراق به مردم حلبچه با «گاز سیانور» به مثابه یک «فاجعه انسانی» و قتل عام بی رحمانه مردم بی دفاع، واکنش گسترده ای را در رسانه های خارجی به دنبال داشت که در پایان فصل سوم تشریح شده است.

ص: ۱۶

۱-۱. پس از عملیات کربلای ۸ کلیه راه کارها برای اجرای عملیات در منطقه جنوب مسدود شد. در عین حال، در تمام این مدت و تا ماه های پایانی سال ۱۳۶۶، تلاش برای شکستن بن بست در جنوب ادامه داشت و حتی منجر به طرح ریزی عملیات در منطقه فاو شد. ولی بنا به دلایلی، از آن نتیجه ای حاصل نشد.

کتاب حاضر همانند سایر کتاب هایی که مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ منتشر کرده است، با بهره برداری از حاصل زحمات کلیه راویان و محققین این مرکز که با تلاش های صادقانه خود در گردآوری مجموعه بی نظیر و ارزشمند منابع تحقیقاتی جنگ ایران و عراق مشارکت داشته اند تدوین شده است. این مرکز مراتب سپاس و تشکر خود را از این عزیزان و نیز کلیه برادرانی که در تهیه و انتشار این کتاب نقش داشته اند، ابراز می دارد.

همچنین لازم است از زحمات فراوان و توجهات بی شائبه ی سرلشکر محسن رضایی، تیمسار علی شمخانی و سرتیپ غلامعلی رشید که با ارائه نظریات کارشناسانه ی خویش در جهت تکمیل و پربار شدن کتاب، این مرکز را یاری کردند، تشکر و قدردانی شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

تابستان ۱۳۷۶

ص: ۱۷

جمهوری اسلامی با کسب پیروزیهای نظامی در سال ۶۵ همراه با مقاومت در برابر حامیان عراق، موازنه‌ی سیاسی - نظامی جنگ را به سود خود تغییر داد. در این روند، موقعیت برتر ایران نشان دهنده برخورداری کشور از قابلیت‌های لازم برای تغییر توازن جنگ و «ثبیت» آن به سود خود بود. اصولاً- وضعیت ناشی از این برتری هسته‌ی اصلی نگرانی حامیان منطقه‌ای و جهانی عراق را تشکیل داده و در عین حال مانع از نادیده گرفتن درخواست‌های برحق ایران نیز بود.

در این میان، افزایش نقش امریکا و شوروی برای کنترل اوضاع و تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی و نظامی جنگ با هدف «تحت تأثیر قرار دادن موقعیت برتر ایران» و در نتیجه فراهم سازی مقدمات پایان بخشیدن به جنگ، مشخصه‌ی جنگ در سال ۶۵ و سپس در سال ۶۶ بود. آنگاه اقداماتی که در این مسیر انجام گرفت منشاء تحولاتی شد که در خاتمه بخشیدن به جنگ نقش و تأثیر بسزایی داشت.

نتایج ناشی از این رخدادها و تحولات، پرسش‌های گوناگونی در بطن خود دارند که پاسخ به آنها می‌تواند چارچوب و ماهیت روند تحولات «جنگ در

سال ۶۶ را آشکار نماید. مثلاً این سؤالات می توانند مطرح گردند که ایران و عراق به عنوان طرفین درگیر در جنگ، هر یک چه استراتژیها و راه‌حلهایی را برای تغییر و یا تثبیت اوضاع فراروی خود داشتند؟ و قدرتهای بزرگ چه نقشی را در فرآیند تحولات جنگ و برای تغییر اوضاع به سود خود ایفا می کردند؟

در پاسخ به سؤالا اجمالاً می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- عراق برای رهایی از فشارهای روز افزون، تلاش خود را بر مبنای بین‌المللی کردن جنگ با حمله به نفتکشها و مراکز صدور نفت و همچنین تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران متمرکز کرد. ضمن آنکه برای عراق افزایش توان نظامی جهت مقابله مؤثر در برابر تهاجمات ایران و اقدامات آفندی در صورت آمادگی شرایط، مرکز ثقل هر نوع اقدام محسوب می شد.

۲- ایران به موازات تلاشهای نظامی در جبهه های نبرد، با بهره برداری از موقعیت برتر نظامی، تلاشهای دیپلماتیک خود را حول محور قطعنامه ۵۹۸ افزایش داد.

۳- امریکا برای کنترل و مهار اوضاع به منظور خاتمه بخشیدن به جنگ، فشار خود را بر ایران افزایش داد. بدین ترتیب که ضمن گسترش حضور نیروهایش در منطقه، تلاشهای دیپلماتیک خود را در چارچوب سازمان ملل به منظور تصویب قطعنامه ۵۹۸ آغاز کرد.

۴- اتحاد جماهیر شوروی (سابق) با بهره برداری از اوضاع متشنج منطقه و تشتت حاصله در سیاست منطقه ای امریکا، با اجاره دادن ۳ فروند نفتکش به کویت، برای نخستین بار مقدمات حضور خود را در منطقه ی خلیج فارس فراهم کرد. همچنین روابط دیپلماتیک خود را با ایران، عراق و کشورهای منطقه بهبود بخشیده و گسترش داد.

رفتار عراق و حامیانش و اهداف و سیاستهای آنها بدین معنا بود که دنیا حاضر به پذیرش موقعیت برتر ایران و تأمین حقوق این کشور در برابر عراق به

عنوان متجاوز نیست. لذا عدم تمکین جمهوری اسلامی نسبت به اهداف و سیاستهای قدرتهای بزرگ، منجر به افزایش فشارهای همه جانبه آنان به ایران، با هدف تعدیل مواضع این کشور و تسهیل در پایان بخشیدن به جنگ شد.

اکنون به منظور توصیف و تجزیه و تحلیل رخدادهای جنگ در سال ۶۶، بر پایه ی این فرض که روند تحولات جنگ در این سال متأثر از پیروزیهای سیاسی - نظامی ایران در سال ۶۵ می باشد؛ در ادامه ی بحث، ضمن بررسی بازتاب تحولات سیاسی - نظامی جنگ در سال ۶۵، تلاش ایران برای بهره برداری از موقعیت برتر و مواضع امریکا و شوروی (پیشین) در برخورد با مسائل جنگ و همچنین با ایران و عراق را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بازتاب تحولات سیاسی - نظامی جنگ در سال ۶۵

تثبیت مناطقی که ایران تصرف کرده بود و ناتوانی عراق برای بازپس گیری این مناطق، به عنوان یکی عوامل اساسی و مؤثر در ارزیابی ضعف و ناتوانی نظامی و روحی نیروهای عراق و متقابلاً برتری قوای نظامی ایران، مورد توجه ناظرین و کارشناسان نظامی قرار گرفت. این روند و تردید نسبت به توانایی نظامی عراق برای مهار تهاجمات مشابه و متوالی ایران، همانند آنچه که در فاوانجام گرفت، بیشترین نگرانی را در کشورهای غربی و حتی شوروی پدید آورد. (۱) ماهیت این تحولات و فرایند آن سبب گردید که احتمال دستیابی ایران به پیروزی و شکست عراق مورد توجه قرار گیرد.

«برای اولین بار، [اوضاع جنگ] این احتمال را که این طرف حقیقتاً بر دیگری پیروز شود، مطرح ساخته است.» (۲).

تغییر توازن به سود ایران و تأثیرات ناشی از این وضعیت، سبب گردید تا بسیاری از تحلیل گران نظامی و دیپلماتهای غربی، پیدایش این وضعیت را سرآغاز تغییر و تحول در مواضع امریکا و شوروی (پیشین) ارزیابی کنند. در

ص: ۲۰

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

این زمینه نول آبرواتور نوشت:

«اکنون بسیاری از کشورهای غربی و شوروی، باطمینان از پیروزی امکان پذیر ایران، در برنامه های استراتژیک خود، به ناچار تجدید نظر کرده اند. تعادل قوا به نحوی قاطع به نفع ایران به هم خورده است.»

این نشریه سپس در مورد پیامدهای پیروزی ایران بر منطقه و جهان سه احتمال را مطرح می کند:

«نخستین نظریه، دورنمایی فاجعه آمیز را مجسم می سازد. دومین فرضیه احتمال پیدایش وضعی شبیه لبنان در عراق است و سومین فرضیه، احتمال رستاخیز اسلام پیشرو و نوین است.» (۱).

در این میان، ابهام نسبت به آینده و احتمال به هم خوردن تعادل قوا در منطقه، به عنوان عواقب و پیامدهای ناشی از تحولات اخیر، مورد تأکید قرار گرفت. ماهنامه ی لوموند دیپلماتیک نیز در صورت پیروزی ایران، سه سناریو را در مورد عراق محتمل و قابل پیش بینی می داند:

«شکست نظامی کامل عراق، فلج شدن تدریجی حکومت عراق ناشی از قطع کمکهای مالی غرب که به فکر آینده روابط با ایران هستند و بالاخره سرنگونی رژیم بغداد.»

این نشریه در ادامه می نویسد:

«در هر سه مورد، این جمهوری اسلامی ایران است که شرایط خود را برای صلح و حتی سلطه جویی بر عراق تحمیل کرده و بدینسان داده های منطقه ای و بین المللی را دگرگون خواهد کرد. در آن صورت ایران اراده خود را بر کشورهای خلیج فارس تحمیل کرده و بر سازمان اوپک استیلاء خواهد یافت. سیاست نفتی را تغییر شکل داده و شماری از کشورهای عربی مانند مصر و اردن را در انزوا قرار خواهد داد.» (۲).

همراه با اظهار نگرانی و اضطراب رسانه ها و محافل خبری و تحلیلی نسبت

ص: ۲۱

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

به آینده، اظهارات رسمی میتران، رئیس جمهور فرانسه، در مورد نتایج حاصله از پیروزی ایران نیز حائز اهمیت است:

«پیروزی ایران در این جنگ به مثابه پیروزی تندروهای اسلامی خواهد بود که می تواند ثبات کل جهان عرب و مدیترانه را به هم بزند.» (۱).

همچنین از طرف این تحلیل گران راه حلهایی برای مقابله با پیامدهای احتمالی ناشی از پیروزی ایران ارائه می شد. چنانکه نشریه فیگارو در این زمینه سه راه حل پیش بینی و ارائه می کند:

«۱- امریکا در پرتو مساعدت و همکاری اردن و مصر یک کمک لجستیکی قوی به عراق خواهد رسانید.

۲- اتحاد شوروی فشارهایی را به تهران وارد خواهد کرد.

۳- آخرین راه حل ممکن نیز به عنوان راه حل اضطراری آن است که قدرتهای بزرگ با محاصره نفت ایران در تنگه هرمز، ایران را از درآمدهای مالی محروم سازند.» (۲).

در واقع، روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ به ویژه در سالهای ۶۵ و ۶۶ نشان دهنده ی این واقعیت است که تمهیدات فراوانی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی، به منظور مقابله با ایران و مهار نتایج ناشی از پیروزی نهایی آن بر عراق، طرحریزی و اجرا شد. حامیان جهانی و منطقه ای عراق دو راه حل فرا روی خود داشتند. نخست اینکه با «پذیرش موقعیت برتر ایران و ارائه امتیاز به این کشور»، شرایط لازم را برای پایان بخشیدن به جنگ فراهم نمایند که طبیعتاً تحولات ناشی از این امر، با توجه به ماهیت جنگ و دلایل تحمیل آن به ایران مردود شناخته شده بود. آنتونی پارسونز، سفیر وقت انگلیس در سازمان ملل به روشنی این مسئله را بیان داشته است:

«هیچ کس مایل به پیروز شدن ایران انقلابی، این به هم زننده وضع موجود در منطقه و زیر پا گذارنده حقوق و عرف بین المللی نیست.» (۳).

ص: ۲۲

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۳- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

در واقع، نتایج مترتب بر پیروزی ایران، مهمترین عامل بازدارنده در ارائه ی امتیاز به ایران و فراهم سازی مقدمات پایان بخشیدن به جنگ بود. در نتیجه، ضمن اجتناب از تأمین نظریات و خواسته های برحق ایران، راه حل دوم، مبنی بر «تشدید فشار به ایران»، با هدف تحلیل تدریجی توان اقتصادی و تضعیف موقعیت سیاسی و نظامی این کشور پیگیری شد. هسته مرکزی این تلاش معطوف بر «تغییر موازنه در جنگ» به عنوان لازمه ی خاتمه ی فوری جنگ از طریق سیاسی بود. چنین پیش بینی می شد که با مخدوش کردن اعتماد ایران به کسب پیروزی در عملیات و تغییر نحوه ی دریافتهای این کشور از امکان دستیابی به پیروزی در جنگ، مقدمات پایان بخشیدن به جنگ فراهم خواهد شد. چنانکه واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا بیان کرده بود، ماهیت تلاشهای جدید و هدف از اعمال آنها ناامید کردن از دست یابی به پیروزی بود.

«اکنون ما با نوعی جنگ رو به رو هستیم که هدف آن از بین بردن امید است.» (۱).

بر این اساس، تغییر روند جنگ از وضعیت فرسایشی به وضعیت تهاجمی، به عنوان یک تحول اساسی طرح ریزی شد. چون پس از فتح خرمشهر در سال ۶۱، استراتژی دفاعی عراق، با هدف فرسایشی کردن جنگ پیگیری می شد. لیکن پیروزیهای حاصله از سوی ایران و تغییر توازن در جنگ به سود این کشور، به منزله ی شکست استراتژی پیشین و ضرورتاً نیازمند اتخاذ رهیافت نظامی تهاجمی تر بود. در این باره یکی از محققین می نویسد:

«تحركات جدید منطقه ای و بین المللی مرتبط با جنگ بر رهیافت نظامی تهاجمی تر نسبت به وضعیت فرسایشی موجود جنگ تأکید می کرد.» (۲).

افزایش حمایت از عراق و تقویت توان نظامی این کشور، در همین چارچوب به نحو گسترده و چشمگیری تشدید شد که نتایج و ثمرات آن در ماههای پایانی جنگ در سال ۶۷، با تغییر توازن به سود عراق آشکار شد.

ص: ۲۳

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

بر مبنای چنین حمایت‌های همه جانبه ای این امیدواری و انتظار وجود داشت که عراق با اتخاذ رهیافت نظامی تهاجمی تر، علاوه بر مقاومت و پایداری در برابر تهاجمات نظامی جمهوری اسلامی، از توانایی لازم برای بازپس گیری مناطقی که ایران تصرف کرده برخوردار شود.

نظر به اینکه پافشاری ایران بر احقاق حقوق خود و ادامه جنگ، بر پایه ی توانایی نظامی آن برای انجام عملیات و همچنین حفظ و نگهداری مناطق متصرفه بود؛ چنین پیش بینی می شد که در صورت بازپس گیری این مناطق از سوی عراق و تغییر توازن در جنگ، ایران سرانجام مجبور به پذیرش خاتمه ی جنگ از طریق سیاسی خواهد شد.

بدین ترتیب جنگ در سال ۶۶، بر پایه تحولات سال ۶۵ از شرایط و مشخصه هایی برخوردار شد که در بطن خود، مقدمات پایان یافتنش را پرورش داد.

تلاش ایران برای بهره برداری از موقعیت برتر

مهمترین آثار و نتایج پیروزی جمهوری اسلامی در عملیات کربلای ۵، پیدایش این باور و اعتبار بود که ایران، بر پایه این پیروزی و توانایی هایش، قادر است حقوق حقه خود را از موضع برتر پیگیری و برای تأمین آن پافشاری کند. حتی برخی از کارشناسان مسائل ایران و جنگ نیز در ارزیابی موقعیت ایران به همین نتیجه رسیده بودند. (۱) چنانکه شهرام چوبین (عضو مؤسسه بین المللی

ص: ۲۴

۱- ۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۱۰ / ۶۵، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

مطالعات استراتژیک لندن) در همین زمینه می گوید:

«من فکر می کنم که آنها (ایرانیها) در مرحله جدیدی از جنگ قرار گرفته و به خود اعتماد پیدا کرده اند و این امر در سال ۱۹۸۵ و احتمالاً از سال ۱۹۸۴ در حملات مجنون و هویزه به چشم نمی خورد. آنها دلیلی نداشتند که فکر کنند که قادر به پیروزی می باشند. ولی عملیات «فاو» و «مهران» و «کربلای ۵» در سال گذشته به آنها نشان داد که به این امر قادر می باشند و هم اکنون برای کسب پیروزی عجله دارند.» (۱).

در واقع از سال ۶۴، ایران در یک روند صعودی با کسب پیروزیهای نظامی در موقعیتی قرار گرفت که ضمن برخورداری از اعتماد به نفس، برای پیگیری و پافشاری بر تأمین خواسته های خود تعجیل داشت. بدیهی است که تأکید بر مفهوم «اعتماد به نفس» و «تعجیل در کسب پیروزی» در تحلیل فوق، ناظر بر موقعیت کلی ایران در جنگ و متقابلاً ضعف و ناتوانی ارتش عراق بود. چنانکه روزنامه فیگارو با ارزیابی موقعیت عراق در همین زمینه می نویسد:

«شش ماه پیش از بغداد برای مقاومت در برابر این جنگ فرسایشی نیرومندتر از تهران به نظر می رسید، امروز نیروهای صدام حسین از حرکت بازمانده و در حال عقب نشینی هستند و روحیه ایشان ضعیف شده است.» (۲).

ایران برای بهره برداری از «موقعیت برتر»، علاوه بر آمادگی برای عملیات نظامی، (۳) تلاش دیپلماتیک بر پایه ی پیروزی نظامی در عملیات کربلای ۵ را آغاز کرد. در همین چارچوب آقای هاشمی رفسنجانی، فرمانده عالی جنگ، در مصاحبه با خبرنگاران خارجی در پاسخ به سؤال خبرنگار انگلیسی مبنی بر

ص: ۲۵

۱- ۲۲. در این زمینه در صفحات قبل توضیح داده شد ولی لازم به ذکر است که در مورد سیاست ایران در خلیج فارس، آقای هاشمی در تاریخ ۵ / ۱۱ / ۶۵ رسماً اعلام کرد: «ایران در این اندیشه نیست که جنگ با عراق را به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس گسترش بدهد.»

۲- ۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۵ / ۱ / ۶۶.

۳- ۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۵ / ۲ / ۶۶.

احتمال تغییرات سیاسی در رژیم عراق و پیگیری حقوق ایران از مجراهای سیاسی می گوید:

«محال نیست؛ البته ما معمولاً هر حمله ای که می کنیم مدتی صبر می کنیم شاید حامیان عراق توجه بکنند و حقوق ما با فشار آنها داده شود. حالا هم مایوس نیستیم که چنین چیزی بشود.» (۱).

آقای هاشمی در ادامه پاسخ به مسئله ای اشاره می کند که بیانگر علت پافشاری جمهوری اسلامی بر اجرای عملیات نظامی می باشد:

«ولی تجربه پنج - شش سال گذشته نشان داده که اگر زور پشت کار نباشد و اگر آنها ترسی از ادامه جنگ نداشته باشند، تسلیم نمی شوند.» (۲).

فرمانده عالی جنگ همچین با اشاره به تجربه ی نحوه ی پایان مخاصمه و جنگ در میان سایر کشورها اظهار می دارد:

«جاهای دیگر هم این طوری نشان داده، وقتی که جنگ تمام شد، دیگر هیچ کس حاضر نیست حق دیگری را با مذاکره بدهد.» (۳).

برابر این توضیحات، پیگیری و تحقق خواسته های سیاسی ایران تنها بر پایه ی پیروزی در جبهه ی نظامی و برخورداری از موضع برتر، امکان پذیر بود. طبیعتاً در چنین اوضاعی، تأکید و پافشاری ایران بر تأمین خواسته های حقه ی خود، همراه با برخورداری از آمادگی نظامی به منظور اجرای عملیات، امری ضروری و در عین حال منطقی بود. آقای هاشمی در همین مصاحبه در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه آساهی ژاپن درباره عملیات کربلای ۵ و علت خاتمه آن می گوید:

«در مورد عملیات کربلای ۵ می توان گفت که همه عملیات های ما، ماهیت نظامی ندارند. برخی اهداف سیاسی دارند و این عملیات به اهدافش رسید. اگر «همه شرایط» برای حمله ی بزرگ مناسب باشد آن را شروع می کنیم.»

ص: ۲۶

۱-۲۵. روزنامه جمهوری چاپ ترکیه در این زمینه می نویسد: «زمانی که موضع گیری اخیر شورای امنیت سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق با اتخاذ سیاست منزوی کردن ایران از جانب امریکا و شوروی به عنوان یک مسئله مشترک توأم گردید، آشکار شد که در روزهای آینده اقدامات به عمل آمده در مورد زیر فشار قرار دادن رژیم (امام) خمینی برای پذیرش صلح، سرعت بیشتری خواهد گرفت.» (اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۳۹، ۲۰ / ۳ / ۶۶، روزنامه جمهوری چاپ ترکیه، ۲۷ / ۲ / ۶۶).

۲-۱۶. پیشین.

۳-۱۷. پیشین.

سپس ایشان در خصوص آمادگی برای پایان بخشیدن به جنگ اضافه می کند:

«در مورد تلاشهایی که در مورد آتش بس صورت می گیرد، از اول گفته ایم اگر قبول دارند جنگ را صدام شروع کرده و دادگاهی تشکیل شود و متجاوز به مجازات برسد، ما حاضریم.» (۱).

همچنین آقای هاشمی در همین مصاحبه، با توجه به سؤالات خبرنگاران خارجی در مورد نتایج جنگ در سال ۶۵ که به عنوان سال سرنوشت ساز تعیین شده بود بر این مسئله تأکید می کند که:

«ما گفتیم که امسال (۶۶) سال بهره برداری از ضرباتی است که در سال گذشته بر پیکر ماشین جنگی عراق وارد کردیم.» (۲).

در توضیح همین مفهوم، آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران اظهار می دارد:

«اینکه ما سال گذشته را «سرنوشت ساز» گفتیم، این بود که در این سال روند جنگ را تعیین خواهیم کرد و امروز سرنوشت جنگ مشخص شده است. شرایطی پیش آمده که همه دنیا دارند به جانشین سازی صدام و حزب بعث فکر می کنند و عراق از شرایط دفاع متحرک به وضعی افتاد که دیگر دفاع ندارد.» (۳).

تشریح و توضیح مفهوم عملیات سرنوشت ساز، گر چه با تأخیر انجام شد، لیکن ضروری بود. زیرا با طرح این شعار در آغاز سال ۶۵ و عدم توضیح درباره ی آن، جو عمومی کشور بر این باور قرار گرفت که جنگ در همین سال با پیروزی نظامی، به پایان خواهد رسید. بنابراین، عدم توضیح این مفهوم از یک سو و از سوی دیگر عدم اختتام جنگ این سؤال و ابهام را به وجود آورده بود که دستاورد جنگ در سال ۶۵ چه بود؟ و در سال ۶۶ ایران بر چه اساسی و با چه هدفی جنگ را ادامه می دهد؟

ص: ۲۷

۱- ۱۸. روزنامه اطلاعات، ۱ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۹. روزنامه کیهان، ۱ / ۲ / ۶۶.

۳- ۲۰. روزنامه کیهان، ۱۵ / ۱ / ۶۶.

در نتیجه تشریح این مفهوم از سوی فرمانده عالی جنگ در نماز جمعه، این مسئله را خاطرنشان ساخت که پیروزیهای نظامی در سال ۶۵، به منظور متقاعد ساختن حامیان عراق به اقدام برای تغییر و تحول در رژیم عراق بوده و هم اکنون نیز کلیه تلاشهای نظامی و سیاسی ایران، به منظور تحقق همین مفهوم پیگیری و اجرا می شود. کلیه تلاشهایی که بدین منظور انجام گرفت، بازتابهای مختلفی را به همراه داشت، چنانکه یکی از کارشناسان مسائل ایران و جنگ می گوید:

«من تصور می کنم که رژیم [ایران] به این واقع بینی دست یافته که تا جنگ پیامدهای اساسی از خود باقی نگذاشته، زمانهای بیشتری را به آن اختصاص ندهد. بنابراین، من فکر می کنم در واقع تلاشهای جدیدی را در آن مبذول داشته و مایل است که حملات بسیاری از این قبیل را، حتی اگر در حال حاضر پیروزی بر بصره برایش مؤثر نباشد، انجام دهد.» (۱).

اما در چنین اوضاعی، گسترش درگیری در خلیج فارس (۲) از سوی عراق و متعاقب آن افزایش حضور امریکا در خلیج فارس و تهدیداتی که نسبت به ایران صورت گرفت، دقیقاً نشانگر این بود که امریکا، با نادیده گرفتن موقعیت برتر ایران و تأمین حقوق حقه ی این کشور، همچنان حمایت از عراق و فشار بر ایران را ادامه خواهد داد.

در واقع افزایش حضور امریکاییها در منطقه، با هدف مقابله با تغییرات احتمالی ناشی از برتری ایران و تداوم پافشاری این کشور بر تحقق خواسته های سیاسی خود صورت می گرفت و جمهوری اسلامی این موضوع را کاملاً درک می کرد. به همین دلیل، در آستانه سال ۶۶، امام خمینی با هشدار نسبت به «از

ص: ۲۸

۱- ۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۱۰ / ۶۵، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.
۲- ۲۲. در این زمینه در صفحات قبل توضیح داده شد ولی لازم به ذکر است که در مورد سیاست ایران در خلیج فارس، آقای هاشمی در تاریخ ۵ / ۱۱ / ۶۵ رسماً اعلام کرد: «ایران در این اندیشه نیست که جنگ با عراق را به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس گسترش بدهد.»

دست دادن زمان» درباره ی ماهیت تلاشهای صلح طلبی قدرتهای بزرگ فرمودند: «باید هوشیار باشیم و گول اینها را نخوریم.» سپس تأکید فرمودند:

«ما نباید به این جنایتکار (صدام) مهلت بدهیم تا خودش را مجهز بکند و دوباره به شرارت دست بزند.» (۱).

اظهارات امام، همراه با تشدید تنش میان ایران و امریکا که عمدتاً متأثر از گسترش حضور امریکا در خلیج فارس به حمایت از عراق بود، سبب گردید رادیو لندن طی تحلیلی در مورد جو حاکم بر ایران چنین قضاوت نماید:

«در حال حاضر، فضای جنگ جویی که بر تهران مستولی است، نشان می دهد که ایران آمادگی برای صلحی که همراه با سقوط دولت یعنی عراق نباشد، ندارد.» (۲).

بدین ترتیب با پیدایش موقعیت جدید که تماماً حاکی از افزایش فشار به ایران برای پذیرش صلح بود، (۳) گر چه امیدواریهای ایران برای دستیابی به امتیازات سیاسی قابل توجه جهت پایان بخشیدن به جنگ تا اندازه ای کم رنگ شد. لیکن در عین حال تداوم جنگ در سال ۶۶ بر پایه این امیدواری پیگیری می شد که با اتکاء بر کسب پیروزی نظامی در صحنه نبرد و تلاشهای دیپلماتیک، حامیان جهانی و منطقه ای عراق برای ارائه امتیاز به ایران متقاعد شوند و تلاشهای دیپلماتیک ایران در سازمان ملل بر حول محور قطعنامه ۵۹۸ به سرانجام مطلوبی منتهی شود.

ص: ۲۹

۱- ۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۵ / ۱ / ۶۶.

۲- ۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۵ / ۲ / ۶۶.

۳- ۲۵. روزنامه جمهوری چاپ ترکیه در این زمینه می نویسد: «زمانی که موضع گیری اخیر شورای امنیت سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق با اتخاذ سیاست منزوی کردن ایران از جانب امریکا و شوروی به عنوان یک مسئله مشترک توأم گردید، آشکار شد که در روزهای آینده اقدامات به عمل آمده در مورد زیر فشار قرار دادن رژیم (امام) خمینی برای پذیرش صلح، سرعت بیشتری خواهد گرفت.» (اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۳۹، ۲۰ / ۳ / ۶۶، روزنامه جمهوری چاپ ترکیه، ۲۷ / ۲ / ۶۶).

تلاش عراق به منظور گسترش درگیری در خلیج فارس و مقابله به مثل ایران، موجبات افزایش نگرانی کشورهای منطقه و قدرتهای بزرگ را فراهم ساخت (۱).

پیدایش موقعیت جدید سبب گردید تشدید فشار به ایران و تلاش برای ممانعت از پیروزی ایران بر عراق، با افزایش حمایت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی از عراق، به عنوان منطق حاکم بر رفتار و عملکرد کشورهای منطقه و قدرتهای بزرگ، بیش از گذشته خودنمایی کند. در این زمینه روزنامه کیزائی از ژاپن می نویسد:

«جنگ ایران و عراق در ماههای اخیر به نفع ایران در جریان است و اگر چه دو ابرقدرت اعلام کرده اند که در جنگ بی طرف هستند، ولی در وضعیت فعلی جنگ، تصمیم به بلوکه کردن ایران گرفته اند. دو ابرقدرت می کوشند در جنگ از پیروزی ایران علیه عراق جلوگیری کنند.» (۲).

سپس همین روزنامه در توضیح تلاش دو ابرقدرت برای حمایت از عراق، به سفر هیأت بلندپایه شوروی (پیشین) به سرپرستی یکی از اعضاء (۳) کمیته مرکزی حزب کمونیست به بغداد و ملاقات با صدام که منجر به تجدید پیمان ۱۵ ساله شوروی و عراق شد، اشاره می کند. همچنین سفر ریچارد مورفی، فرستاده ویژه ی ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا به بغداد را نیز خاطر نشان می سازد.

پیدایش موقعیت جدید و جو روانی و تبلیغاتی حاکم بر رسانه ها و محافل خبری، ناظر بر این معنی بود که ایران، نه تنها برای دستیابی به «امتیازات

ص: ۳۰

۱- ۲۶. روزنامه فیگارو در این زمینه می نویسد: دو ابرقدرت برای یک بار هم که شده در برابر خطر بزرگی قرار گرفته اند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۶۶، به نقل از فیگارو، ۲۹ / ۲ / ۶۶).

۲- ۲۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۱ / ۶۶.

۳- ۲۸. پتروفسکی معاون وزیر امور خارجه شوروی ریاست این هیأت را برعهده داشت. در این زمینه در صفحات بعد توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

سیاسی» در وضعیت کاملاً دشواری قرار گرفته است، بلکه برای «حفظ وضع موجود» نیز معضلات بسیاری را فرا روی خود خواهد داشت. به عبارت دیگر، ایران در برابر فرصتها، محدودیتها و خطراتی قرار گرفته بود که تصمیم گیری برای گذر از این وضعیت بسیار دشوار به نظر می رسید. تحلیل روزنامه گاردین در این زمینه قابل توجه است:

«ایران هر قدر در جنگ پیشرفت می کند، در صحنه بین المللی منزوی تر می شود. نمونه بسیار واضح آن، جبهه گیری واقعی امریکا و شوروی، از یک سو به منظور هماهنگی و از سوی دیگر برای رقابت، در کنار عراق است.» (۱).

در واقع ارتقاء موقعیت برتر ایران، بر خطرهای و نگرانیها و در نتیجه ضرورت تشدید فشار به ایران می افزود. چنانکه همکاری امریکا و شوروی و حمایت از عراق به نحو چشمگیری افزایش یافته و در رسانه های خبری نیز منعکس می شد. نشریه ی تایمز چاپ لندن در این زمینه می نویسد:

«برداشتهای امریکا و شوروی، دلواپسی آنها را برای مهار کردن نبرد از طریق آنچه مقامات ایران آن را فرصت طلبی به منظور گسترش نفوذ ابرقدرتها در منطقه ی نفت خیز خلیج فارس می نامند، آشکار می سازد. اخیراً مسکو و واشنگتن، هر دو موضع مطلوبتری را نسبت به عراق و جهان عرب، اتخاذ کرده اند.» (۲).

موضع مشترک امریکا و شوروی در حمایت از عراق و تأکید بر پایان بخشیدن به جنگ سبب گردید دو ابرقدرت برای نخستین بار احتمال دستیابی به تفاهم (۳) را مورد تأکید قرار دهند:

ص: ۳۱

۱- ۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از روزنامه گاردین.

۲- ۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۳۱ / ۱ / ۶۶.

۳- ۳۱. فارین ریپورت در این زمینه می نویسد: «علائم روشنی حاکی از آنند که ایالات متحده و شوروی در مورد چگونگی مقابله با تهدید اخیر ایران به تفاهمی دست یافته اند.» (اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی. «بررسی مطبوعات جهان» شماره ۱۲۳۷، ۱ / ۲ / ۶۶ فارین ریپورت چاپ لندن، ۱۲ / ۱ / ۶۶).

«امریکا و شوروی به سوی نوعی همکاری گام بر می دارند که نتیجه نهایی آن، ممکن است اقدام مشترک برای پایان بخشیدن به جنگ بی پایان ایران و عراق باشد و یا حداقل آنکه، دخالت دو ابرقدرت، از پیروزی ایران بر عراق در صحنه جنگ جلوگیری کند.» (۱).

متعاقب همین وضعیت، برابر برخی از گزارشها، امریکاییها یک هیأت بلندپایه را برای ارائه پیشنهاد به مسکو فرستادند. (۲) همچنین مارگارت تاچر، نخست وزیر وقت انگلیس برای بحث و گفتگو با میخائیل گورباچف، رهبر شوروی (پیشین)، در مورد طرحها و نظریات مربوط به خاتمه ی جنگ، راهی مسکو شد. جفری هاو، وزیر خارجه وقت انگلیس نیز پس از ملاقات با وزیر خارجه ی شوروی، بر توافق طرفین نسبت به حمایت از تلاشهای سازمان ملل تأکید کرد. ضمن آنکه شوروی (پیشین) و فرانسه نیز در پاریس جلساتی سری تشکیل دادند. (۳).

بنابر گزارشهای منتشره، روسها ضمن موافقت با «متوقف شدن جنگ» و «تعیین مجازات» برای طرف مخالف اجرای آتش بس، اعمال «تحریم» را در گرو حصول توافق بین تمامی اعضای شورای امنیت دانستند. (۴) در واقع مخالفت روسها با تحریم و مشروط کردن آن، عمدتاً به منظور مقابله با کسب ابتکار عمل از سوی امریکاییها بود. موضعگیری روسها را در این زمینه رئیس بخش خلیج فارس در وزارت خارجه شوروی چنین اعلام کرد:

«شوروی پیشنهاد امریکا در مورد بررسی مشترک مسأله ی جنگ عراق ایران را رد کرده است (۵) و اعتقاد دارد این اقدام باید به صورت جمعی

ص: ۳۲

-
- ۱- ۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو اسرائیل، ۳۰ / ۲ / ۶۶.
 - ۲- ۳۳. مایکل آرماکاست و کیل وزارت خارجه امریکا، همراه با چند پیشنهاد در فروردین سال ۶۶ عازم مسکو شد، لیکن نتوانست موافقت مسکو را به دست آورد.
 - ۳- ۳۴. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۲۲۸، ۲۳ / ۱ / ۶۶ مجله ی المستقبل به قلم عبدالکریم ابوالنصر.
 - ۴- ۳۵. پیشین.
 - ۵- ۳۶. به دلایل این موضع گیری در مبحث بعد اشاره خواهد شد.

منابع دیپلماتیک در سازمان ملل نیز اعلام کردند که پنج قدرت بزرگ در شورای امنیت درباره نخستین مرحله از این سناریو مبنی بر پایان بخشیدن به جنگ به توافق رسیده اند، ولی لازمه موفقیت در این زمینه، کنار گذاشتن اختلاف در مورد مرحله دوم این طرح است که عمدتاً شامل محروم ساختن ایران از منابع دریافت تجهیزات نظامی با اعمال «تحریم» می باشد. (۲) در حالی که این تحریم پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ ادامه داشت. تفاهم (۳) و همکاری امریکا و شوروی و برخی از کشورهای اروپایی نسبت به خاتمه بخشیدن به جنگ از طریق مذاکره، اگر چه نشانه ی نوعی اجماع بین المللی و هماهنگی ضمنی برای پایان بخشیدن (۴) به جنگ بود، لیکن اختلافات موجود نسبت به «نحوه اعمال تحریم و ابعاد آن» و همچنین موضع گیری و حساسیت شوروی (پیشین) در مورد افزایش حضور نیروی امریکا در خلیج فارس، سبب گردید تا هر یک از دو قدرت برای کسب ابتکار عمل در جنگ اقدامات جداگانه ای را انجام دهند که در ادامه ی بحث به آن اشاره خواهد شد.

ص: ۳۳

۱- ۳۷. روزنامه ی کیهان، ۳ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۲ / ۲ / ۶۶.

۲- ۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه در نیویورک.

۳- ۳۹. پروفیسور ویتانن ناوریکن کارشناس امور خاورمیانه در مصاحبه با مجله عربی التضامن می گوید: «من باید بگویم نوعی تفاهم بین ما و غرب به وجود آمده، زیرا جنگ نگرانی آنها را برانگیخته است» (نماینده گی امام در سپاه «رویدادها» بولتن شماره ۱۴۳ - ۱۵ / ۲ / ۶۶).

۴- ۴۰. روزنامه ایندیندنت چاپ لندن در مورد هماهنگی ضمنی امریکا و شوروی برای پایان بخشیدن به جنگ می نویسد: «تحول جالب توجه این است که به نظر می رسد سیاستهای پشت پرده ی امریکا و شوروی برای رسیدن به یک هدف مشترک است، آنها قطعاً با هماهنگی قبلی وارد عمل نشده اند، اما به نظر می رسد سیاست آنها به موازات هم حرکت می کند و به احتمال زیاد، هدف آنها یکی است و آن خاتمه ی جنگ خلیج (فارس) می باشد.».

تداوم و گسترش دامنه جنگ ایران و عراق و تضعیف تدریجی عراق در اثر حملات پی در پی ایران، همراه با «گسترش نهضت اسلام خواهی» در خاورمیانه، منافع امریکا را در منطقه با خطر جدی مواجه ساخت. ناتوانی امریکا برای پایان بخشیدن به جنگ و برقراری صلح بادوام در منطقه خاورمیانه، با پایان دادن به کلیه مناقشات و درگیریها، مقدمات شکل گیری استراتژی جدید امریکا را فراهم ساخت. (۱) در این استراتژی توجه مجدد به ایران و پذیرش اهمیت و نقش محوری ایران در ثبات یا بی ثباتی منطقه و تهدید منافع امریکا مورد شناسایی و تأکید قرار گرفت:

«ایران چه از هم گسیخته باشد و چه بیش از حد نیرومند، می تواند ثبات تمامی خاورمیانه و بویژه آن کشورهای میانه روی عرب و دوستان ما را که ثبات و استقلالشان اهمیتی برای امنیت امریکا دارد، تهدید کند.» (۲).

در چارچوب این استراتژی، تلاش برای برقراری رابطه با ایران منجر به شکل گیری ماجرای موسوم به مک فارلین در بهار سال ۶۴ شد. بعدها رونالد ریگان رئیس جمهور وقت امریکا در مورد ماهیت این «ابتکار سیاسی محرمانه» و دلیل اتخاذ آن گفت:

«بدون همکاری ایران، ما قادر به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج فارس نیستیم و بدون ایران، امکان برقراری صلح بادوام در خاورمیانه وجود ندارد.» (۳).

ریگان همچنین در بخش دیگری از سخنان خود درباره ی اهداف دراز مدت امریکا در خاورمیانه گفت:

«اهداف دراز مدت امریکا در خاورمیانه این بوده است که به استقلال ایران

ص: ۳۴

۱- ۸۱. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۲- ۸۲. پیشین.

۳- ۸۳. روزنامه ی اطلاعات، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری دولتی عراق.

در قبال سلطه شوروی یاری نماید و خاتمه شرافتمندانه ای را برای جنگ خونین ایران و عراق تحقق بخشد و صدور خرابکاری و تروریسم به منطقه را متوقف سازد.»

وی در ادامه سخنان خود مهمترین مانع تحقق اهداف امریکا را چنین توضیح داد:

«یک مانع بر سر راه این اهداف، عدم مذاکره و قطع ارتباط بین ما یعنی ایران و امریکا بود. به خاطر اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در جستجوی یک رابطه بهتر بین کشورهای خود (ایران و امریکا) برآمدم.» (۱).

در واقع هسته مرکزی سیاستهای جدید امریکا در خاورمیانه و خلیج فارس، بر پایه روابط و مناسبات نوین میان ایران و امریکا تنظیم شده بود. این مسئله، ضمن روشن ساختن اهمیت برقراری رابطه با ایران برای امریکا، تبعات و زیانهای ناشی از افشای ماجرای مک فارلین و شکست آن را نیز روشن می سازد. در واقع، ناکامی امریکا در برقراری روابط پایدار و با ثبات با ایران، منجر به درهم ریختن سیاست خاورمیانه ای امریکا و ایجاد تشتت در سیاست خارجی این کشور شد. به عبارت دیگر در این ماجرا لطمات و زیانهای وارده به «حیثیت و اعتبار امریکا» (۲) بیش از هر امر دیگری اجرای سیاستهای امریکا در خاورمیانه را با مشکلات و دشواریهای اساسی مواجه ساخت.

با پیدایش وضعیت جدید و افزایش تنش در مناسبات امریکا با عراق و ایران، توانایی امریکا برای کسب ابتکار عمل در جنگ عمیقا تضعیف شد.

ص: ۳۵

۱- ۸۴. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۲ / ۶۶، به نقل از آسوشیتد پرس.

۲- ۸۵. پیشین، به نقل از رادیو لندن.

ضمن اینکه گسترش دامنه‌ی جنگ و افزایش نفوذ و فعالیت‌های شوروی (پیشین) نیز بر مشکلات و موانع موجود بر سر راه تحقق اهداف و سیاست‌های امریکا افزود. در چنین وضعی، به نظر می‌رسید امریکاییها برای کسب ابتکار عمل نیازمند طرح ریزی جدید می‌باشند، چنانکه مجله اشپیگل چاپ آلمان به نقل از منابع مصری، خبری را مبنی بر طرح ریزی امریکا برای دخالت احتمالی این کشور در جنگ ایران و عراق منتشر ساخت. (۱) گرچه این خبر را بلافاصله مقامات امریکایی تکذیب کردند (۲) ولی در عین حال امریکاییها وجود برخی نقشه‌های احتمالی را برای مداخله، در صورت پیروزی ایران و تهدید متحدین امریکا در خلیج فارس، انکار نکردند. (۳).

رفتار ایران در خلیج فارس در پاسخ به تهاجمات عراق به نفتکشها، مورد توجه امریکاییها بود و چنین تحلیل می‌شد که در صورت عدم دستیابی ایران به پیروزی نظامی در عملیات کربلای ۵، ممکن است فشار ایران به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس افزایش یابد. (۴) پایه همین تحلیل، چارلز ردمن سخنگوی وزارت خارجه امریکا تلویحا خطاب به ایران اعلام کرد:

«به نظر ما، این حملات به کشتیرانی در خلیج فارس، امکان بروز سوء تفاهم یا اشتباه محاسبه‌ای را که موجب گسترش دامنه‌ی جنگ شود، افزایش می‌دهد.» (۵).

چند روز بعد جورج شولتز وزیر خارجه وقت امریکا نیز اعلام کرد:

«ما مکررا به ایران هشدار داده ایم که هرگونه گسترش دامنه جنگ به مثابه تهدیدی عمده علیه منافع امریکا تلقی می‌شود.» (۶).

از سوی برخی تحلیلگران موضع گیری امریکا همراه با برخی اقدامات سیاسی این کشور و نیز تحرکات ناوگان دریایی آن، به منزله نادیده گرفتن تلویحی ایران (۷) تلقی می‌شد. ضمن اینکه، تحرکات ناوگان دریایی امریکا در دریای مدیترانه، با توجه به گروگانگیری در لبنان، به منزله هشدار به

ص: ۳۶

- ۱- ۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۶ / ۲ / ۲۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۶۶ / ۲ / ۲۵.
- ۲- ۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۶ / ۲ / ۳۰، به نقل از شبکه تلویزیونی سی بی اس امریکا.
- ۳- ۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۶ / ۳ / ۱، به نقل از رادیو امریکا، ۶۶ / ۲ / ۳۰.
- ۴- ۴۹. پیشین، به نقل از روزنامه‌ی تایمز، ۶۵ / ۱۰ / ۲۹.
- ۵- ۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۵ / ۱۱ / ۲، به نقل از خبرگزاری یونایتد پرس، ۶۵ / ۱۱ / ۱.
- ۶- ۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۵ / ۱۱ / ۱۰، به نقل از خبرگزاری رویتر، ۶۵ / ۱۱ / ۹.
- ۷- ۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۵ / ۱۱ / ۱۱، به نقل از هرالد تریبون، ۶۵ / ۱۱ / ۱۰.

گروگانگیرها بود، چنانکه سخنگوی وزارت دفاع امریکا رسماً اعلام کرد:

«عملیات نظامی امریکا در دریای مدیترانه به گروگانگیرهای جدید در لبنان ارتباط دارد.» (۱).

رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح امریکا نیز در همین زمینه اعلام کرد:

«حرکات نیروی دریایی امریکا در دریای مدیترانه و خلیج فارس، چیزی بیش از تدابیر احتیاطی نیست.» (۲).

اعلام این مواضع از سوی مقامات رسمی امریکا، عمدتاً متعاقب افزایش تحرکات ناوگان دریایی آن کشور در دریای مدیترانه و خلیج فارس و به منظور پایان بخشیدن به هر گونه شائبه ای مبنی بر تغییر سیاست امریکا انجام گرفت.

«سیاست امریکا در قبال جنگ ایران و عراق تغییر نکرده و امریکا خواهان عدم پیروزی هر یک از طرفین جنگ است.» (۳).

اعلام چنین مواضعی، تصریح در مخالفت و بی توجهی کامل امریکا نسبت به موقعیت برتر ایران و خواسته های سیاسی این کشور و مقابله با پیروزی احتمالی ایران بود. (۴) به همین دلیل، این مواضع آشکارا به سود عراق ارزیابی می شد. ضمن اینکه امریکاییها، برابر اظهارات واینبرگر، وزیر دفاع وقت این کشور، به هیچ وجه معتقد نبودند که موجودیت رژیم عراق در خطر است، لیکن بر این نظر بودند که امریکا باید تمامی تلاش خود را برای برقراری صلح به کار برد. (۵) بنابراین اظهارات، برخلاف تحلیل رسانه ها مبنی بر سقوط رژیم عراق، امریکاییها روند تحولات جنگ را به منزله تهدید موجودیت رژیم عراق ارزیابی نمی کردند. در نتیجه، این پرسش به وجود می آید که تغییر مواضع

ص: ۳۷

۱- ۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۶ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از رادیو امریکا، ۱۵ / ۱۱ / ۶۵.

۲- ۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۲ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۱ / ۱۱ / ۶۵.

۳- ۵۵. روزنامه رسالت، ۲ / ۱۲ / ۶۵، به نقل از روزنامه ملیت چاپ ترکیه.

۴- ۵۶. وزیر دفاع وقت امریکا در همان زمان در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ای بی. اس اعلام کرد: «ایالات متحده مایل نیست که رژیم تهران در جنگ با عراق پیروز شود.» (واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، «بولتن رادیوهای بیگانه» ۶ / ۱ / ۶۶ - رادیو ایران ۳ / ۱ / ۶۶).

۵- ۵۷. روزنامه رسالت، ۲۸ / ۱۲ / ۶۵.

امریکا متأثر از چه عواملی بوده و چارچوب و خط مشی کلی سیاست این کشور در برخورد با جنگ ایران و عراق از چه مشخصه ها و ویژگیهایی برخوردار بوده است؟

متعاقب افشای ماجرای مک فارلین و تنش در روابط امریکا با عراق، سیاست خارجی امریکا دچار تشتت و نابسامانی شد. (۱) گسترش دامنه ی جنگ همراه با تزلزل سیاست خارجی امریکا وضعیت دشواری را فراروی امریکاییها قرار داد. طبعاً در این موقعیت، پایان بخشیدن به جنگ براساس تلاشها و ابتکار عمل امریکا، تنها عاملی بود که می توانست جراحات وارده بر سیاست خارجی این کشور را ترمیم کند. تحقق این مسئله نیز به سادگی امکان پذیر نبود، چون از یک سو برخورداری ایران از موقعیت برتر و از سوی دیگر بی اعتمادی عراق نسبت به ماهیت تلاشهای امریکا، مانع از موفقیت این کشور بود. در این اثنا، طه یاسین رمضان در مصاحبه با مجله الدستور چاپ انگلستان با انتقاد از مواضع امریکا و متهم ساختن این کشور به تجهیز ایران می گوید:

«موضع دولت امریکا پر از تضاد است، زیرا امریکاییها ظاهراً وانمود می کنند مخالف ادامه جنگ هستند ولی در واقع ایران را به سلاح مجهز می نمایند و این امر در نوع خود مبین انحطاط اخلاق سیاسی است.» (۲) (۳).

بعد از ماجرای مک فارلین، امریکاییها در آغاز تلاشهای خود ضمن تغییر موضع آشکار به سود عراق، تدابیری را به منظور افزایش فشار به ایران اتخاذ کردند. در این میان، اظهارات برخی از مقامات امریکایی در مورد تجارب

ص: ۳۸

۱- ۵۸. نگاه کنید به کتاب از «فاو تا شلمچه»، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳.

۲- ۵۹. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۲۲۹، ۲۹ / ۱ / ۶۶ به نقل از الدستور، ۱۰ / ۱ / ۶۶.

۳- ۶۰. این موضع گیری رژیم عراق در حقیقت نوعی بزرگ نمایی برای کسب امتیاز بیشتر از امریکاییها بود. چون عراقیها به خوبی می دانستند که امریکا هیچ گونه کمک تسلیحاتی به ایران نمی کند و تنها در ماجرای مک فارلین آن هم برای روشن کردن چراغ سبز، محموله ای را به ایران ارسال داشته که در مقابل سیل اسلحه ای که در اختیار عراق قرار می داد قطره ای نیز محسوب نمی شد.

حاصله از معاملات ایران و امریکا در چارچوب ماجرای مک فارلین و تجدید نظر در این خط مشی و ارائه تحلیل جدید از اوضاع داخلی ایران، حائز اهمیت است:

«با توجه به اهمیت استراتژیک ایران باید قبل از اینکه ما روابط دلخواه با این کشور پیدا کنیم، حکومتی کاملا متفاوت در ایران بر سر کار آید. (۱) فکر برقراری روابط با عناصر میانه رو در جمهوری اسلامی وهم و خیالی بیش نیست.» (۲).

این تحلیل ناظر بر این معنا بود که از این پس، امریکاییها به جای تلاش برای برقراری رابطه با جمهوری اسلامی، تشدید فشار به ایران را به منظور پایان بخشیدن به جنگ دنبال خواهند کرد. به عبارت دیگر، علاوه بر تغییر سیاست امریکا در برخورد با ایران، سیاست امریکا در مورد جنگ نیز تغییر یافته و بر روی خاتمه ی جنگ متمرکز شد. یکی از کارشناسان مسائل ایران و منطقه در این باره می گوید:

«کابینه ریگان، استراتژی صلح را تا ژانویه ۱۹۸۷ یعنی هنگامی که سقوط بصره بعید شد) به طور جدی دنبال نمی کرد.» (۳).

در همین چارچوب امریکا به منظور کسب ابتکار عمل، دو اقدام اساسی را در دستور کار خود قرار داد که عمدتا شامل: گسترش حضور در خلیج فارس و

ص: ۳۹

۱- ۶۱. در همین زمینه، مدتی بعد مروین دایمل، عضو دمکرات مجلس امریکا مطالبی را بیان کرد که پس از درج آن در روزنامه بوستون کلپ، در تاریخ ۲۳ / ۲ / ۶۶ از رادیو امریکا پخش شد. وی ضمن تأیید این مسئله که نمی توان ایران را نادیده گرفت و با انتقاد از سیاستهای امریکا می گوید: «سیاست کنونی امریکا نسبت به سیاست قبلی این کشور در برابر ایران چیز بهتری نیست و همین هم هست که نگرانی عمیق به وجود می آورد. به جای چنین سیاستی، می توان جبهه ای که حاکی از همدلی با ایرانیان باشد و تلاش آنان را برای آزادی در نظر گیرد، به وجود آورد. این بدان معنا نیست که امریکا باید بلافاصله از مجاهدین حمایت و آنان را به عنوان کنتراهای شرق علم کند...» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۴ / ۲ / ۶۶ - رادیو امریکا ۲۳ / ۲ / ۶۶).

۲- ۶۲. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بولتن «رادیوهای بیگانه»، ۶ / ۱ / ۶۶، رادیو ایران، واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا، ۳ / ۱ / ۶۶.

۳- ۶۳. نشریه نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل، شماره ۱۱، ۱ / ۸ / ۶۹، به نقل از کتاب نه شرقی نه غربی اصل بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نوشته روح الله کارگر رضانی، از انتشارات دانشگاه یل امریکا.

اسکورت نفتکشها و سازماندهی و رهبری تلاش بین المللی به منظور تصویب قطعنامه ۵۹۸ بود. ریگان رئیس جمهور وقت امریکا، در اسفند سال ۶۵، ضمن صدور بیانیه و درخواست برای پایان یافتن فوری جنگ، از جورج شولتز وزیر خارجه وقت امریکا خواست تا رهبری تلاشهای بین المللی را به منظور وادار ساختن جمهوری اسلامی ایران به مذاکره برعهده گیرد. ریگان در بیانیه خود با حمایت از پیشنهاد عراق برای خاتمه جنگ، عملیات سرسختانه ای را به منظور ممانعت از ارسال هر گونه سلاح به ایران، مورد تأکید قرار داد و مسؤولیت آن را به ادروینکس معاون وزیر خارجه امریکا سپرد. (۱) واینبرگر بر پایه همین بیانیه اعلام کرد:

«امریکا نمی خواهد که ایران در جنگ با عراق برنده شود. ما کاملاً آماده ایم برای رفت و آمد دریایی و تضمین آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، آنچه را که لازم است انجام دهیم.» (۲).

متقابلاً آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده ی عالی جنگ، بر پایه درک و تحلیلی که نسبت به ماهیت سیاستهای خصومت آمیز جدید امریکا داشت بلافاصله اعلام کرد:

«اگر امریکا بخواهد در خلیج فارس مداخله کند، امنیتش در همه جای دنیا به خطر خواهد افتاد.» (۳).

ایشان ضمن بی اعتبار شمردن سیاست امریکا حتی در میان نزدیکترین دوستان و دست نشاندهانش مانند شاه اردن و رژیم مصر، در مورد برخوردهای امریکا با ایران اظهار داشت:

«آنها مدتی به ما پیغام دادند که ما ایران را یک کشور مهم می دانیم و انقلاب اسلامی را به رسمیت شناخته ایم. شما تروریست نیستید، ما حاضریم کوتاه بیاییم و از این قبیل صحبتها. وقتی که شروع شد ما دیدیم که از همان اول دروغ گفته اند.» (۴).

ص: ۴۰

۱- ۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۹ / ۱۲ / ۶۵، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۲- ۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳ / ۱ / ۶۶، به نقل از واینبرگر، ۲ / ۱ / ۶۶.

۳- ۶۶. روزنامه های یومیه ۴ / ۱ / ۶۶، آقای هاشمی رفسنجانی.

۴- ۶۷. روزنامه ی رسالت ۱۵ / ۱ / ۶۶، خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۴ / ۱ / ۶۶.

ایران که تصور می کرد به لحاظ برخورداری از مواضع برتر، قادر به تحمیل اراده و خواسته های سیاسی خود بر صدام و حامیان این کشور می باشد، با ملاحظه مواضع جدید امریکا و ماهیت خصومت آمیز آن علیه ایران، تدریجا به این نتیجه و باور نزدیک شد که امریکا نه تنها مایل به ارائه ی هیچ گونه امتیاز قابل توجه به ایران نیست، (۱) بلکه فشار بر ایران را افزایش خواهد داد. (۲) در عین حال دو روز بعد، مجددا آقای هاشمی اظهاراتی را مبنی بر اعلام آمادگی برای رفع خصومت بین ایران و امریکا اعلام کرد. (۳) همچنین رئیس وقت ستاد تبلیغات جنگ مطالبی را مبنی بر آمادگی ایران برای آزادی گروگانها در لبنان اعلام کرد. (۴) در موضع گیریهای جدید ایران همچنان اعمال برخی تغییرات در کادر رهبری عراق به عنوان بخشی از شرایط ایران بر پایان بخشیدن به جنگ مطرح شد. (۵).

مجددا در اوایل اردیبهشت ماه، آقای هاشمی طی مصاحبه مطبوعاتی با نمایندگان بیش از ۷۰ رسانه خبری جهان در مورد روابط ایران و امریکا مطالبی را بیان کرد که حائز اهمیت بود. ایشان در پاسخ به خبرنگار روزنامه واشنگتن پست درباره روابط ایران و امریکا در آینده اظهار داشت:

«در مورد روابط ما با امریکا، این را مدتی پیش امام اعلام کردند و من هم

ص: ۴۱

۱-۶۸. در این مورد ضمن اینکه شواهد و قرائن آشکاری به چشم می خورد، بعضا اظهارات برخی از منابع دیپلماتیک در ملاقات با نمایندگان جمهوری اسلامی در اروپا نیز قابل توجه بود. در این زمینه یکی از دیپلماتهای اروپایی، در یک ملاقات خصوصی اظهار داشته بود که با موقعیتی که امریکا بعد از ماجرای مک فارلین داشته، خیلی مشکل است که جنگ از راه نظامی تمام شود. چون امریکا مصمم است که اجازه ندهد در جنگ طرف پیروز وجود داشته باشد.

۲-۶۹. روزنامه الاتحاد در مورد تشدید سیاستهای امریکا علیه ایران می نویسد: «امریکا دست به اجرای سیاست جدید زده است که هدف از آن وادار ساختن ایران به پایان دادن جنگش با عراق و وارد شدن به مذاکرات صلح می باشد. واشنگتن در اجرای این سیاست و وارد آوردن فشار نظامی و اقتصادی بر ایران و جلوگیری از وصول اسلحه توسط ایران، تماسهای بین المللی را جهت تشویق کشورهای دیگری که دارای روابط نظامی و اقتصادی با ایران هستند آغاز کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۳ / ۱ / ۶۶ - الاتحاد ۱۲ / ۱ / ۶۶).

۳-۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۸ / ۱ / ۶۶، به نقل از آقای هاشمی، ۱۷ / ۱۱ / ۶۶.

۴-۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۸ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر، ۱۷ / ۱ / ۶۶.

۵-۷۲. مأخذ شماره ی ۵۰.

مکرراً گفتیم که ما فکر نمی‌کنیم تا قیامت باید روابط با آمریکا قطع باشد... اگر مطمئن شویم که آمریکا قصد شیطنت با ما ندارد و به ما ثابت شد، حاضریم رابطه برقرار کنیم.»

سپس ایشان با اشاره به نشانه‌ی حسن نیت آمریکا اظهار داشت:

«ما یک علامت گذاشته‌ایم برای اینکه آمریکا حسن نیت خودش را ثابت بکند و آن این است که اموالی که برخلاف حق و قانون از ما در آمریکا مسدود شده آزاد کند تا ما نزد مردم لبنان شفاعت کنیم که گروگانها را آزاد کنند.» (۱).

تأکید بر این مفاهیم عمدتاً ناشی از این درک و تحلیل بود که تداوم مناسبات در چارچوب ماجرای مک‌فارلین امکان‌پذیر می‌باشد، حال آنکه موقعیت منطقه و موضع‌گیری آمریکا در این زمینه کاملاً تغییر کرده بود و به عبارتی، تلاش آمریکا در این مسیر با ناکامی و شکست همراه شده و بهبود موقعیت مجدد آمریکا، تنها در گرو حفظ پرستیژ سیاسی، به منظور تحمیل صلح بر ایران بود. (۲) در هر صورت، یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به اظهارات آقای هاشمی اعلام کرد:

«تا زمانی که ایران از تروریستها حمایت می‌کند، امیدی به بهتر شدن روابط دو کشور نیست.» (۳).

با پی‌ریزی سیاست جدید آمریکا، بر تحرکات دیپلماتیک این کشور در سازمان ملل و منطقه افزوده شد. چنانکه علاوه بر سفر یک هیأت بلندپایه از اتحادیه عرب به آمریکا، ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه آمریکا در امور

ص: ۴۲

۱- ۷۳. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱ / ۲ / ۶۶.

۲- ۷۴. چارلز دمن سخنگوی وقت وزارت خارجه آمریکا رسماً اعلام کرد: «آمریکا آماده است تا از تحریم بیشتر علیه ایران پشتیبانی نماید، به امید آنکه ایران وادار به قبول صلح شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۲ / ۶۶، رادیو آمریکا، ۱۸ / ۲ / ۶۶).

۳- ۷۵. دفتر سیاسی نمایندگی امام در سپاه، «رویدادها»، نشریه شماره ۱۴۳، ۱۵ / ۲ / ۶۶ به نقل از ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا در امور خاورمیانه.

خاورمیانه، عازم منطقه خاورمیانه شد. در این ملاقات موضع گیری امریکاییها بسیار قابل توجه بود.

در این سفر هیأت اتحادیه عرب بر دو موضوع تأکید داشتند: نخست آنکه اگر ایران از پذیرش قطعنامه های سازمان ملل امتناع کرد، امریکا از اعمال مجازاتهای شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران حمایت کند و دوم آنکه امریکا برای جلوگیری از رسیدن سلاح به ایران فشار بیشتری را وارد سازد و در این مرحله با متحدین امریکا طی اجلاس اقتصادی ماه آینده سران هفت کشور صنعتی غرب فعالتر عمل کند. (۱) شولتز وزیر خارجه وقت امریکا در پاسخ به درخواستهای اتحادیه عرب، این معنا را صریحا مورد تأکید قرار داد که امریکا از هیچگونه کوششی برای محروم کردن ایران از دستیابی به سلاح فروگذار نخواهد کرد وی در اظهارات خود دلیل اتخاذ چنین اقدامی را نقش و تأثیر وجود تسلیحات در ادامه جنگ ذکر کرد. (۲).

همچنین شولتز در دیدار با هیأت جامعه عرب، به منظور ایجاد اعتماد در اعراب و اجابت خواسته های آنها اعلام کرد:

«امریکا آماده است تا علیه هر کدام از طرفین جنگ که از همکاری با شورای امنیت در پایان دادن به جنگ سرباز زدند، اقدامات مؤثری به عمل آورد.» (۳).

ریگان نیز در ملاقات با هیأت اتحادیه عرب بر این مسأله تأکید ورزید که امریکا از راه حل مذاکره برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بشدت حمایت می کند. (۴).

ریچارد مورفی فرستاده ویژه ی رئیس جمهور امریکا به منظور تشریح مواضع امریکا و کسب حمایت اعراب و در عین حال اعلام حمایت از آنها، همزمان با سفر هیأت اتحادیه عرب و متعاقب سفر معاون وزیر خارجه شوروی به منطقه، عازم منطقه خلیج فارس شد. وی در این سفر، ضمن ارائه درخواست

ص: ۴۳

۱- ۷۶. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۲- ۷۷. روزنامه ی رسالت، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۳- ۷۸. روزنامه ی اطلاعات، ۲۰ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

۴- ۷۹. روزنامه ی اطلاعات، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۵- ۸۰. در این زمینه در صفحات بعد توضیح لازم ارائه خواهد شد.

امریکا مبنی بر خاتمه سریع جنگ، همچنان بر تلاش امریکا برای ممانعت از پیروزی و یا شکست هر یک از طرفین درگیری تأکید کرد. همچنین از قول رئیس جمهور امریکا اعلام کرد:

«امریکا از احقاق حق دوستانش در منطقه خلیج فارس، برای دفاع از خود و نیز تعهداتش برای تضمین عبور آزادانه نفت از طریق تنگه هرمز تأکید می کند.» (۱).

نگرانی امریکا نسبت به سلب اعتماد اعراب و دیگر متحدینش و بهره برداری مسکو از این وضعیت، یکی از عوامل مؤثر در سیاستهای امریکا بود. به همین دلیل مورفی آشکارا پیام ریگان را در این زمینه مورد تأکید قرار داد و به نقل از او گفت:

«امریکا شدیداً نگران این جنگ اندوهبار است و جنگ خلیج فارس، منافع استراتژیک و همچنین ثبات و امنیت کشورهای دوستان را در منطقه تهدید می کند.» (۲).

مورفی در این سفر عازم بغداد شد و با مقامات عراقی مذاکره کرد. وی بلافاصله پس از ورود به بغداد، اعلام کرد که دولت متبوع وی در کلیه سطوح بین المللی می کوشد مذاکراتی را برای خاتمه دادن به جنگ تدارک ببیند. وی همچنین از ایران درخواست کرد تا همانند عراق که بارها آمادگی خود را برای وارد شدن به مذاکرات صلح اعلام داشته است، آمادگی خود را در این زمینه اعلام نماید. (۳).

مورفی همچنین پیام کتبی ریگان را در مورد تحولات جنگ خلیج فارس تلاشهای امریکا در شورای امنیت سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ، تسلیم صدام کرد. وی هنگام ترک بغداد به خبرنگاران گفت که دیدار با مقامات

ص: ۴۴

۱- ۸۱. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۲- ۸۲. پیشین.

۳- ۸۳. روزنامه ی اطلاعات، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری دولتی عراق.

عراقی مفید و سازنده بوده است. همچنین ضمن تجلیل از شجاعت عراقیها گفت که زمان آن رسیده است که این شجاعت با اعطای صلح پاداش داده شود، زمانی که پیش از این نیز فرارسیده بوده است. (۱).

در واقع، اظهارات مورفی در موقعیتی که عراق برای تشدید درگیری در خلیج فارس تلاش می کرد، به منزله تشویق و ترغیب عراق و همچنین کسب اعتماد مجدد این کشور، که با افشای ماجرای مک فارلین مخدوش شده بود، ارزیابی می شد. از جمله مواردی که مورفی در این سفر به آن اشاره کرد، تلاش امریکا برای تصویب قطعنامه ای جدید در سازمان ملل بود:

«ماسرگرم فعالیت هستیم تا در این زمینه، قطعنامه ی مؤثرتری را نسبت به قطعنامه های قبل در سازمان ملل، به تصویب برسانیم.» (۲).

با اتمام سفر منطقه ای مورفی و بازگشت هیأت اتحادیه عرب از امریکا، اظهارات وزیر خارجه، وزیر دفاع و رئیس جمهور وقت امریکا حائز اهمیت و در عین حال نمایانگر توافقات جدید مبنی بر تشدید فشار به ایران بود. شولتز اعلام کرد:

«امریکا به ایران هشدار داد که یا جنگ را پایان دهد و یا با اقدامات شدید و مقتضی رو به رو خواهد شد.» (۳).

چند روز بعد واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا اعلام کرد:

«کشورش اجازه نخواهد داد که ایران در جنگ با عراق پیروز شود. زیرا چنین تحولی برای تمام جهان فاجعه آمیز خواهد بود.» (۴).

در چنین موقعیتی، حمله عراق به ناو استارک امریکا گر چه منجر به عذرخواهی عراق و آمادگی این کشور برای پرداخت غرامت شد، ولی به نظر می رسید این اقدام صرفاً براساس یک اشتباه در محاسبه نبوده است. در عین حال این حادثه امریکا را با وضعیتی دشوار رو به رو ساخت. لیکن به جای فشار امریکا به عراق، منجر به افزایش مواضع خصمانه امریکا علیه ایران شد.

ص: ۴۵

۱- ۸۴. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۲ / ۶۶، به نقل از آسوشیتد پرس.

۲- ۸۵. پیشین، به نقل از رادیو لندن.

۳- ۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۵ / ۲ / ۶۶.

۴- ۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۶۶، به نقل از شبکه تلویزیونی سی بی اس امریکا.

چنانکه ریگان در تاریخ ۲۹ / ۲ / ۶۶ در یک سخنرانی که از رادیو امریکا پخش شد اعلام کرد:

«در حقیقت شخصیت شرور و خطاکار در این ماجرا جمهوری اسلامی ایران است.»

وی در ادامه سخنان خود گفت:

«مدتهاست دولت امریکا همراه با شماری از دیگر کشورهای جهان می کوشد با فراهم آوردن امکان انجام گفتگوهای صلح، جنگ ایران و عراق پایان یابد، اما جمهوری اسلامی ایران تاکنون از کمک به یافتن راه حلی برای فرونشاندن آتش این جنگ امتناع کرده است.» (۱).

بدین ترتیب سیاست جدید امریکا، با افزایش حضور در منطقه خلیج فارس که بعدها به اسکورت نفتکشها منتهی شد و تلاش برای تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ در سازمان ملل آغاز شد. روند جدید، با تشدید خصومت میان ایران و امریکا، سرانجام به درگیری میان دو کشور در منطقه ی خلیج فارس منتهی شد. فضا و جو حاکم بر مناسبات دو کشور ایران و امریکا همچنان به مدت یک سال به طول انجامید و بعدها با تغییر وضعیت در منطقه و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران شکل جدیدی به خود گرفت که در صفحات بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

شوروی

مقاومت مردم افغانستان، سیاست خاورمیانه ای شوروی (پیشین) را با بن بست و در نتیجه شکست و ناکامی مواجه ساخت. زیرا روسها با فرورفتن در باتلاق افغانستان از هر نوع امکان بهره برداری از خلاء حاصله در توازن قدرت در منطقه که در پی پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه پدید آمده بود، محروم و سرانجام شکست زیان آوری را متحمل شدند.

ص: ۴۶

اقدامات شوروی به رهبری گورباچف برای رهایی از بن بست حاصله در افغانستان، با تصمیم گیری برای خروج از این کشور آغاز شد. (۱) چنین پیش بینی می شد که اعتماد از دست رفته ی شوروی، در خلال خروج از افغانستان، مجدداً به دست آمده و جبران شود.

مسکو در قبال این اقدام، در نظر داشت با توجه به مناسبات دیرینه و سنتی با عراق و سوریه، امتیازات مناسبی را در سایر بحرانهای موجود در منطقه از جمله جنگ ایران و عراق و مناقشه اعراب و اسرائیل به دست آورد. در چنین اوضاعی افشای ماجرای مک فارلین و تشتت در سیاست خارجی امریکا، بهترین فرصت (۲) را در اختیار روسها قرار داد تا بدین وسیله در خلاء ناشی از بی اعتباری امریکا در منطقه، اعتبار شوروی را در منطقه تحت رهبری گورباچف مجدداً بازیابند.

متعاقب گسترش دامنه ی جنگ و فزونی یافتن نگرانی و اضطراب کشورهای منطقه، این امکان برای شوروی فراهم شد تا با تأکید بر خاتمه ی فوری جنگ ایران و عراق، تلاشهای دیپلماتیک خود را توسعه دهد. در این روند، روسها برای حل سه مسأله بزرگ و اساسی منطقه، برگزاری سه کنفرانس بین المللی را پیشنهاد کردند. (۳) نخستین کنفرانس بین المللی برای حل و فصل اختلاف اعراب و

ص: ۴۷

۱- ۸۹. گورباچف بعدها طی مصاحبه ای اظهار داشت یک ماه قبل از انتخاب وی به عنوان دبیر کل حزب کمونیست این نتیجه حاصل شده بود که شوروی به اشغال افغانستان پایان می دهد.

۲- ۹۰. روزنامه کریستین ساینس مانیتور در این زمینه می نویسد: «شوروی سعی دارد با حداکثر بهره برداری از رسوایی اخیر امریکا در معامله با ایران و از دست رفتن اعتبار امریکا نزد اعراب، پیروزی عظیمی را در سیاست خارجی خود کسب نماید و رابطه خود را با کشورهای میانه روی عرب بهبود بخشد.» (روزنامه رسالت ۷ / ۲ / ۶۶).

۳- ۹۱. مورفی معاون وزیر خارجه امریکا در عکس العمل نسبت به پیشنهادهای شوروی اظهار داشت: «در صورتی که شوروی روابط رسمی خود را با اسرائیل تجدید نماید و به یهودیان شوروی اجازه مهاجرت بدهد، خاورمیانه به سرعت به سوی صلح پیش خواهد رفت. این قیمتی است که امریکا می خواهد مسکو در قبال حضور یافتن در یک اجلاس بین المللی در مورد خاورمیانه پردازد.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ / ۱۲ / ۶۵، خبرگزاری رویتر).

اسرائیل، با عقب نشینی اسرائیل از سرزمینهای اشغالی عرب نشین و تضمین حقوق مشروع ملت فلسطین تشکیل شود. دومین کنفرانس، با هدف متوقف کردن جنگ ایران و عراق و برقراری صلح میان دو کشور، و لو با اعزام نیروهای بین المللی به جبهه ایران و عراق و تحریم و مجازات، برگزار شود (۱) و سومین کنفرانس بین المللی با هدف تأمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس، تنگه هرمز و تضمین امنیت آبراه نفتی در برابر هر گونه خطر با تهدید، تشکیل شود. (۲).

تحركات گسترده دیپلماتیک و سیاسی شوروی (پیشین) که به نحو بی سابقه ای در حال انجام بود سبب گردید تمایل شوروی تحت رهبری گورباچف برای به دست گرفتن ابتکار عمل با کنار گذاشتن سیاستهای انفعالی پیشین، عمیقاً مورد توجه کشورها، محافل خبری و تحلیل گران سیاسی و نظامی قرار گیرد؛ چنانکه یکی از دیپلماتهای برجسته امریکایی طی تماس با المستقبل خاطر نشان ساخت:

«وجود یک رهبر میانه رو، چون گورباچف، مایه آزار دولت امریکاست. زیرا چنین رهبری می تواند به واسطه افکار و نظریات سیاسی خود، کشورهای عربی خشمگین از سیاست امریکا در منطقه را به سوی خود جلب نماید. کاری که یک رهبر تندرو و انعطاف ناپذیر اتحاد شوروی از انجام آن عاجز است.» (۳).

همچنین یک کارشناس برجسته فرانسوی در مورد ماهیت تلاشهای

ص: ۴۸

۱- ۹۲. پتروفسکی معاون وزیر خارجه شوروی طی سفر به کشورهای منطقه، در این زمینه اعلام کرد: «اقدامات قدرتهای بزرگ جهانی باید شامل استقرار یک نیروی بین المللی در مرزهای مشترک ایران و عراق و همچنین تحریم فروش اسلحه به هر دو کشور باشد.» (روزنامه کیهان، ۲/ ۲/ ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس).

۲- ۹۳. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه ی شماره ۱۲۳۵، ۲۹ / ۲ / ۶۶، مجله ی المستقبل چاپ فرانسه، ۱۲ / ۲ / ۶۶.

۳- ۹۴. پیشین.

«گورباچف سعی می کند از مرز بهره برداری از اشتباهات سیاست امریکا در خاورمیانه پا فراتر گذارد. گورباچف عملاً می خواهد بر این شعار ایالات متحده که می گوید جایگزینی جز خود امریکا برای امریکا در منطقه خاورمیانه وجود ندارد و دولت ریگان در همکاری با کشورهای عربی به آن تکیه می کند، خط بطلان بکشد. گورباچف سعی دارد ضمن بی اعتبار کردن این شعار امریکایی بسیاری از درهای بسته در خاورمیانه را بگشاید، به امید اینکه کشورهای عربی متوجه شوند که جایگزینی غیر از امریکا وجود دارد و ایالات متحده نه فقط ۹۹ درصد از برگها را در خاورمیانه ندارد، بلکه حتی قادر به حل بحرانهای این منطقه نیست.» (۱).

دیپلماسی و شوروی در این مقطع روی دو مسأله، شامل تردد آزاد کشتیها در خلیج فارس و خاتمه یافتن جنگ ایران و عراق متمرکز بود. (۲) طبیعتاً شوروی برای خاتمه بخشیدن به جنگ از نقش برجسته تری برخوردار شده و روسها در این زمینه دیدگاههای خاص خود را داشتند که برای تشریح و تفهیم و اجرای آن، پتروفسکی معاون وزیر خارجه خود را به منطقه گسیل داشتند. وی طی یک مصاحبه مطبوعاتی در کویت نظریات خود را در مورد از سرگیری کوششها جهت پایان دادن به جنگ ایران و عراق بیان کرد. این نظریات عبارت بودند از سازماندهی مذاکرات تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد، تدارک یک گردهمایی در سطح وزرای امور خارجه کشورهای عضو شورای امنیت و حضور تمامی جناحهای ذینفع در جنگ در آن. وی همچنین در این مصاحبه هر گونه توافق میان شوروی و امریکا را در این زمینه تکذیب کرد. (۳).

ص: ۴۹

۱-۹۵. پیشین.

۲-۹۶. در این زمینه سفیر شوروی در مصر می گوید: «تلاش شوروی در حال حاضر متمرکز است بر یافتن راه حلی مناسب برای خاتمه دادن به جنگ عراق و ایران.» وی اضافه کرد: «این کار جزئی از استراتژی شوروی در منطقه خلیج فارس است.» (روزنامه رسالت، ۲۴ / ۲ / ۶۶ به نقل از الاتحاد).

۳-۹۷. روزنامه ی رسالت، ۳۱ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

همچنین پتروفسکی طی مصاحبه ای مطبوعاتی در ابوظبی ضمن تأکید بر اینکه یکی از اهداف این سفر تشریح سیاستهای جدید شوروی در مورد مسائل بین المللی و منطقه ای به رهبری گورباچف بوده، خاطر نشان ساخت:

«طرح جدید شوروی به منظور ایجاد ثبات در منطقه و خلیج فارس، بر تشکیل یک کنفرانس ویژه ی بین المللی با حضور کلیه ی کشورهای ذیربط و اتخاذ موضع واحد مشترکی به منظور حمایت از کشتیرانی آزاد در خلیج فارس و دریای هند متمرکز می باشد.»

وی همچنین اضافه کرد:

«این طرح متضمن گفتگو درباره ی کاهش تعداد نیروهای دریایی موجود در منطقه و کنترل حرکت آنان نیز خواهد بود.» (۱)

نظریات شوروی که بخشی از آن در اظهارات و مصاحبه های پتروفسکی نمایان شد، عمدتاً مبتنی بر پیوستگی ثبات در خلیج فارس و آزادی کشتیرانی، با پایان بخشیدن به جنگ بود. ضمن اینکه تأکید روسها بر حضور تمامی طرفهای ذینفع و تصمیم گیری دسته جمعی و نیز مذاکره برای کاهش تعداد نیروهای خارجی مستقر در منطقه خلیج فارس از جمله مواردی بود که دقیقاً مقابل نظریات امریکا قرار داشت. در واقع، امریکاییها با هر گونه اقدام و راه حلی که منجر به کاهش و یا کم رنگ شدن نقش این کشور، به ویژه آنکه همراه با افزایش موقعیت و نقش شوروی باشد، مخالف بودند. حال آنکه چین، فرانسه و انگلیس تلویحاً از این پیشنهاد شوروی استقبال می کردند.

پتروفسکی در سفر به کویت و عراق دو تصمیم اساسی گرفت که نشان دهنده ی ابعاد و عمق سیاستهای جدید شوروی در برخورد با مسأله جنگ ایران و عراق و تردد آزاد نفتکشها در خلیج فارس بود. روسها در این سفر، در خصوص اجاره سه فروند نفتکش شوروی به کویت، به توافق رسیدند. در عراق نیز قرارداد مودت میان شوروی و عراق که در سال ۱۹۷۲ به امضاء رسیده بود،

ص: ۵۰

به مدت ۱۵ سال دیگر تمدید شد. نتایج سفر پتروفسکی به عراق و کویت از حساسیت ویژه ای برخوردار بود که بخشی از آن در رسانه های خبری انعکاس یافت. در این زمینه رادیو بی. بی. سی طی تحلیلی می گوید:

«جنگ ایران و عراق، شوروی را به صورت شریکی با اهمیت در حفظ توازن استراتژیک منطقه ی خلیج فارس در آورده است. توافق هفته گذشته اجاره سه کشتی شوروی به کویت، اهمیت کنونی نقش شوروی در خلیج فارس را تأیید کرده است... عملی شدن چنین طرحی، می تواند به عنوان نشانه ای از افزایش حضور نظامی شوروی در خلیج فارس تلقی شود.» (۱).

خبرگزاری فرانسه نیز طی تحلیلی، در مورد استراتژی جدید شوروی می گوید:

«قرارداد همکاری شوروی و عراق و بخصوص تجدید این قرارداد که در دوره ای حساس از موقعیت سیاسی منطقه صورت می گیرد، حائز اهمیت بسزایی است. روسها برای روابط دوستانه خود با رژیم عراق بهای زیادی قائل هستند. این استراتژی همواره دلیل بزرگی برای اعمال نفوذ مداوم روسها در عراق بوده است.» (۲).

این خبرگزاری افزود:

«روسها معتقدند برای یافتن جای پا در خلیج فارس و نفوذ تدریجی در آبهای این منطقه، ابتدا باید درخواست کویتهای مبنی بر اعزام کشتیهای باری و اصولاً- این گونه خواهشهای به ظاهر صلح طلبانه را لیک گویند و عمل کنند... ارزش و بهائی که روسها برای روابط خود با رژیم بعث عراق قائلند و نقشی که شوروی از آغاز جنگ در تأمین تسلیحات مورد نیاز بغداد برعهده گرفته است، در کنار عوامل دیگر از جانب کرملین، برای به دست آوردن جای پای مناسب در منطقه خلیج فارس است.» (۳).

ص: ۵۱

۱- ۹۹. معاونت سیاسی سپاه پاسداران، بولتن، «بررسی»، شماره ۸، ۴ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۰۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۹ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۰۱. پیشین.

مجله سوری الفرسان چاپ لندن، سفر پتروفسکی را به منزله هشدار به رهبران ایران، مبنی بر اینکه راه حل نظامی کهنه شده است، ارزیابی کرده و می نویسد:

«معنای این دیدگاه آن است که از نظر شوروی، پایان جنگ خلیج فاس، گامی اساسی در راه تشکیل کنفرانس بین المللی صلح است.» (۱).

این مجله همچنین ضمن تأکید بر افزایش نفوذ شوروی در منطقه و کاهش نفوذ امریکا طی شش ماه گذشته، به ویژه بعد از ماجرای ایران گیت، به اقدامات دیگر شوروی هم زمان با سفر پتروفسکی اشاره کرده و می نویسد:

«هم زمان بودن سفر پتروفسکی با سفر حافظ اسد به مسکو و درخواست شوروی برای از سرگرفتن روابط میان سوریه و عراق و سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه، دو برگ برنده شوروی در منطقه خاورمیانه است.» (۲).

تلاش مسکو برای نزدیکی عراق و سوریه و همچنین ساف با سوریه، نشانگر عمق و گستردگی سیاست خارجی جدید شوروی در منطقه بود. در این مقطع، فشارهای وارده به عراق و سوریه، سبب گردید ابتدا نخست وزیر سوریه و طه یاسین رمضان با یکدیگر در خاک اردن ملاقات نمایند و سپس حافظ اسد و صدام حسین در حضور ولیعهد عربستان و شاه حسین با هم دیدار کنند.

در این میان، روابط مسکو - تهران نیز از کش و قوس چشمگیری برخوردار بود. بدین معنا که ایران با در نظر گرفتن موقعیت جدید مسکو و تمایل آن کشور برای خروج از افغانستان طی سفر دکتر ولایتی به مسکو، (۳) با برگزاری کنفرانس صلح بین المللی در مورد افغانستان با حضور شوروی موافقت کرد. این موضع گیری در رسانه های خبری به منزله تغییر

ص: ۵۲

۱- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۰۳. پیشین.

۳- ۱۰۴. این سفر در تاریخ ۲۴ / ۱۱ / ۶۵ به هنگام تشدید جنگ شهرها و حملات عراق به مردم بی دفاع ایران انجام شد.

اساسی در سیاست دولت ایران در قبال افغانستان تعبیر شد. در سفر مجدد آقای ولایتی به مسکو، (۱) گرومیگو وزیر خارجه وقت شوروی، به رغم تغییر جدید در مواضع جمهوری اسلامی، به منظور تحت فشار قرار دادن ایران، از روش برخورد جمهوری اسلامی در حمایت از مجاهدین مسلمان افغانی انتقاد کرد. در ادامه همین مواضع خصمانه، پنج روز بعد، گرومیگو وزیر خارجه ی وقت شوروی (پیشین) در ملاقات با طارق عزیز وزیر خارجه ی وقت عراق، مواضع عراق را سازنده تر از مواضع ایران ذکر کرد!

در واقع، روسها بر پایه ی درکی که از موقعیت ایران داشتند و به ویژه پس از افشای ماجرای مک فارلین، اوضاع را برای فشار به ایران و اخذ امتیاز در مسأله افغانستان مساعد می پنداشتند. علاوه بر این، لازمه ی کسب اعتماد عراق و کشورهای منطقه (۲) و همچنین برخی از کشورهای اروپایی، تشدید فشار و اتخاذ مواضع خصمانه علیه ایران بود. در عین حال روسها به این امر واقف بودند که لازمه ی کسب ابتکار عمل در جنگ و حل مسأله افغانستان و همچنین مقابله با سیاستهای منطقه ای امریکا و حضور گسترده این کشور در خلیج فارس، نوعی همسویی و حمایت از مواضع ایران است. ایران نیز متقابلاً برای مقابله با فشارهای امریکا، با استفاده از اهرم سازمان ملل و کاهش حمایت این کشور از عراق، بسیار سنجیده و با احتیاط رفتار می کرد. در چنین موقعیتی آقای هاشمی درباره ی تلاشهای امریکا برای تشدید خصومت میان ایران و شوروی اظهار داشت:

«یک بار امریکاییها به ما نقشه ای دادند که به اصطلاح خواستند

ص: ۵۳

۱- ۱۰۵. این سفر در تاریخ ۳ / ۱۲ / ۶۵ انجام شد.

۲- ۱۰۶. مجله عربی الرأی العام چاپ کویت در این موقعیت می نویسد: «مصلحت تمامی اعراب و به ویژه کشورهای خلیج فارس، در این است که امریکا را رد کرده و درهای خود را کاملاً به سوی شوروی باز نمایند.» (روزنامه ی رسالت، ۲۰ / ۲ / ۶۶).

اطلاعات سری به ما بدهند. در این نقشه جای استقرار نیروهای شوروی را در مرز مشخص کرده بودند و فلشهایی کشیده بودند که مثلاً- نیروهای شوروی از این جا وارد می شوند و به کجا می خواهند برسند. خطوط حمله و نیروهایی که قرار بود حمله کنند را مشخص کرده بودند.» (۱).

به هنگام تشدید خصومت میان ایران و امریکا چنین اظهاراتی جهت گیری خاصی داشت که روسها نیز به آن بی توجه نبودند. در عین حال، استراتژی جدید شوروی در منطقه خاورمیانه و مواضع و اقدامات آشکار این کشور علیه ایران سبب گردید موضع گیری ایران نسبت به این سیاستها اعلام شود. چنانکه رئیس جمهور وقت ایران (حضرت آیت الله خامنه ای) در خطبه های نماز جمعه اعلام کردند:

«تاکنون دولتهایی، از جمله شوروی ادعا می کردند که در جنگ بی طرف هستند و بارها این مسأله را در مذاکرات و پیامهای خود به ما بیان داشته و ارسال تسلیحات خود به عراق را در چارچوب قراردادهای گذشته توجیه می کردند. اما امروز روسها به طور واضح و علنی عدم بی طرفی خود را در منطقه نشان می دهند و علناً از دشمن ما حمایت می کنند.» (۲).

سپس ایشان ضمن غیر قابل قبول دانستن این رفتار، بر این مسأله تأکید کردند که ملت ایران هرگز این مسائل را فراموش نخواهد کرد. همچنین سخنگوی وزارت خارجه ایران اعلام کرد:

«اخیراً شوروی در مورد مسائل منطقه، از جمله تحولات خلیج فارس و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مواضعی اتخاذ کرده است که نمایانگر نوعی فرصت جویی برای افزایش نفوذ و با راضی کردن متحدان امریکا در منطقه است.» (۳).

تشدید جو عمومی در کشور و در رسانه های ارتباط جمعی علیه رفتار جدید شوروی به گونه ای بود که نماینده وزارت خارجه شوروی اعلام کرد:

ص: ۵۴

۱- ۱۰۷. روزنامه ی کیهان، ۱۷ / ۱ / ۶۶.

۲- ۱۰۸. روزنامه ی رسالت، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از آیت الله خامنه ای در نماز جمعه ی تهران، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۰۹. روزنامه ی رسالت، ۱۲ / ۲ / ۶۶.

«وسائل ارتباط جمعی ایران و نیز بعضی از مقامات رسمی، اظهارات غیر دوستانه ای نسبت به اتحاد جماهیر شوروی بیان می کنند. کوششهایی می شود (۱) تا سیاست اتحاد جماهیر شوروی در قبال ایران و جنگ ایران و عراق تحریف گردیده و تاریخ روابط دو جانبه میان دو کشور ما قلب (دگرگون) شود. (۲)».

آقای هاشمی در پاسخ به گله ی نماینده وزارت خارجه شوروی و اظهار گله مندی متقابل، ضمن اعلام سیاست ایران در مورد آینده عراق بر حاکمیت یکپارچه ی ملت عراق و مخالفت با تلاشهای امریکا در منطقه، تأکید کرد:

«مهمترین مسأله ما با روسها حمایت آنها از عراق است.» (۳).

همچنین آقای هاشمی در دیدار با سفیر کوبا، با انتقاد از سیاستهای شوروی اعلام کرد:

«ما برای این حرکات شوروی تفسیر منطقی و عاقلانه ای نمی بینیم، شوروی چگونه حمایت از یک رژیم دیکتاتور و تجاوزگر همچون رژیم بعث عراق را بر حمایت از یک انقلاب عظیم ضد امپریالیستی ترجیح می دهد؟ سران شوروی اگر فکر نمی کنند که عراق به آنها وفادار می ماند در اشتباهند.» (۴).

روسها در این زمینه در چارچوب استراتژی جدید منطقه ای خود عمل می کردند و توجه چندانی به دیدگاهها و مواضع ایران نداشتند.

در مجموع، در مقایسه بین امریکا و شوروی، با توجه به وضعیت حاکم بر منطقه و گستردگی تلاشهای شوروی، موقعیت این

ص: ۵۵

۱- ۱۱۰. روزنامه سکوفسکی نووستی در این زمینه می نویسد: «در این اواخر در جراید ایران علنا به جار و جنجالی که در جهت شوروی ستیزی است دامن زده می شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ویژه، ۳۱ / ۲ / ۶۶، رادیو مسکو، ۳۰ / ۲ / ۶۶).

۲- ۱۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۸ / ۲ / ۶۶، مسکو خبرگزاری تاس، ۱۷ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۱۲. روزنامه ی کیهان، ۲۳ / ۲ / ۶۶.

۴- ۱۱۳. روزنامه ی رسالت، ۲۴ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

کشور (۱) مطلوبتر ارزیابی می شد. (۲) زیرا مسکو ضمن ارتباط با کلیه ی کشورهای منطقه از طرحها و پیشنهادهای نسبتاً روشن و قابل قبولی برای طرفهای ذینفع برخوردار بود و همین مسأله، مقدمات افزایش نفوذ شوروی را در منطقه فراهم ساخت. (۳).

ص: ۵۶

۱- ۱۱۴. مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک لندن ضمن مقایسه ی ریگان و گورباچف می نویسد: «ریگان با لطمات شدید به نفوذ خود در منطقه خلیج فارس، خاورمیانه و امریکای مرکزی مواجه شده و به نقش آن در رهبری علیه آنچه تروریسم بین المللی نامیده می شود نیز آسیبهای جدی وارد آمده است. در عین حال موقعیت میخائیل گورباچف، حالت عکس موقعیت ریگان را دارد و رهبری قاطع وی، حاکی از خارج شدن سیاست شوروی از وضعیت سنتی آن است.»

۲- ۱۱۵. روزنامه نیویورک تایمز در این زمینه می نویسد: در حالی که امریکا درگیر رسوایی ماجرای شکست سیاست نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران است، شوروی گامهای بلندی در جهت کسب نفوذ مجدد خود در خاورمیانه بر می دارد. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۲ / ۶۶).

۳- ۱۱۶. روزنامه نیویورک تایمز در این زمینه می نویسد: «شوروی یک رشته اقدامات دیپلماتیک را در خاورمیانه، با هدف تجدید نفوذ خود در منطقه آغاز کرده است.» (روزنامه ی جمهوری اسلامی ۲۲ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری کویت).

زمینه های تشدید بحران در خلیج فارس و گسترش حضور امریکا در منطقه

درگیری در خلیج فارس و گسترش آن با حملات عراق به پایانه های نفت ایران در جزیره خارک در سال ۶۳ و سپس حمله به نفتکشها و کشتیهای ایران در سالهای بعد، بر پایه این تحلیل انجام گرفت که ایران مادامی که قادر به تولید و فروش نفت و سپس تهیه سلاح باشد، به جنگ ادامه خواهد داد. بنابراین، قطع صدور نفت ایران هسته مرکزی تلاشهای عراق را تشکیل می داد. گری سیک مشاور کارتر رئیس جمهوری وقت امریکا می گوید:

«عامل عمده ادامه جنگ از جانب ایران، صدور نفت توسط این کشور است و تا موقعی که نفت از ایران صادر می شود جنگ ادامه خواهد یافت. بنابراین باید جریان صدور نفت ایران را قطع کرد.» (۱).

به موازات تلاش برای قطع صدور نفت ایران، امریکا به منظور جلوگیری از دسترسی ایران به تجهیزات نظامی و سلاح، اقدامات گسترده ای را با عنوان عملیات «استانچ» آغاز کرد. توافق جهانی علیه ایران به خاطر پافشاری بر حقوق حقه خود، از مهمترین دلایل هماهنگی برای فشار به ایران و واگذاری

ص: ۵۷

میدان خلیج فارس به عراق، برای آغاز تهاجمات پی در پی بود. بعدها در گزارش کمیته روابط خارجی امریکا در مورد علت حمله عراق به نفتکشها چنین آمد:

«جنگ نفتکشها در نتیجه تمایل عراق به محدود کردن درآمد نفتی ایران و بین المللی کردن مسئله جنگ آغاز گردید.» (۱).

در همین زمینه، روزنامه گاردین علل رویکرد عراق به این اقدام را چنین ذکر می کند:

«عراق که در تابستان ۱۹۸۴ جنگ نفتکشها را آغاز کرد، دو هدف عمده را دنبال می کرد. یکی قطع صادرات نفتی ایران و خنثی کردن برتریهای رزمی ایران در جبهه ها و دیگر توسعه خطر در منطقه و جلب حمایت کشورهای عرب خلیج فارس از بغداد و در صورت لزوم، باز کردن پای دخالت ابرقدرتها در این مناقشه.» (۲).

در واقع، ناتوانی عراق در نبرد زمینی و تلاش برای خنثی سازی برتریهای رزمی ایران، محور اصلی اقدامات عراق را تشکیل می داد. فضای بین المللی و اوضاع حاکم بر منطقه زمینه های تهاجم عراق به پایانه های نفت ایران و نفتکشها را فراهم کرد. عراق چنین پیش بینی می کرد که ضمن تضعیف بنیه اقتصادی ایران، با افزایش دخالت قدرتهای بزرگ و مداخله آنها، موقعیت را برای افزایش فشار به ایران و پایان بخشیدن به جنگ فراهم خواهد کرد.

جمهوری اسلامی ایران ضمن درک روشن نسبت به ماهیت تلاشهای عراق و حمایت بین المللی نسبت به این اقدامات، به دلیل گشایش یک جبهه جدید و همچنین نیازمندی به ارز حاصله از صادرات نفت، اساسا تمایل چندانی به گسترش دامنه ی بحران در خلیج فارس نداشت. لذا همین امر منجر به سیاست «مقابله به مثل» ایران به صورت «محدود» شد. آقای هاشمی در این زمینه می گوید:

ص: ۵۸

۱- ۱۱۸. پیشین.

۲- ۱۱۹. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

«هنگامی یک کشتی از دشمن هدف قرار می گرفت که پیش از آن یک کشتی از ما مورد اصابت قرار گرفته بود.» (۱).

عراق دومین (۲) مرحله از جنگ نفتکشها را از آذر سال ۶۵ و متعاقب افشای ماجرای مک فارلین آغاز کرد. در این مرحله عراق به لحاظ درک و برداشتی که از ماهیت تلاشهای امریکا برای برقراری رابطه پنهانی با ایران و نیز شکست آن داشت، حملات خود را به نفتکشها از سر گرفت. مقابله به مثل ایران و افزایش احتمال گسترش دامنه جنگل، نگرانی حامیان منطقه ای و جهانی عراق را افزایش داد. در مجموع، طی مراحل مختلف، به ترتیب در سال ۱۹۸۵ تعداد ۴۷ فروند، در سال ۱۹۸۶ تعداد ۱۰۷ فروند و در سال ۱۹۸۷ تعداد ۱۸۷ فروند کشتی مورد حمله قرار گرفتند. (۳) این آمار نشان دهنده ی روند رو به گسترش درگیری در منطقه خلیج فارس بود. (۴).

نگرانی ناشی از پیدایش این وضعیت سبب گردید تا نشانه ها و علائم مداخله ی قدرتهای بزرگ در خلیج فارس آشکار شود، چنانکه برای نخستین بار، با درخواست کویت از امریکا مبنی بر اسکورت نفتکشهای این کشور در آذر سال ۱۳۶۵ آثار دیگر از مداخله بروز کرد. ابعاد و پیامدهای این امر، در آغاز امریکا را از پاسخ به درخواست کویت بازداشت. ضمن اینکه در این روند، تلاشهای میانجیگریانه ی سازمان ملل سبب گردید حملات عراق به نفتکشها متوقف شود.

سومین مرحله از جنگ نفتکشها را عراق، پس از پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ شروع کرد. در این مرحله، تلقی و درک عراق از وضعیت حاکم بر جنگ (برتری نظامی ایران) و اوضاع نابسامان روحی و نظامی این کشور سبب

ص: ۵۹

۱- ۱۲۰. مولانا، حمید، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد اول، سخترانی آقای هاشمی در مراسم اختتامیه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، سال ۶۸.

۲- ۱۲۱. اولین مرحله از جنگ نفتکشها از سال ۶۳ آغاز شد و به موازات جنگ شهرها کم و بیش ادامه داشت. ولی از سال ۶۵، به دلیل موقعیت برتر ایران وارد مرحله جدیدی شد که به لحاظ افزایش شدت و گسترش دامنه و نتایج آن، به منزله مرحله ی دوم ذکر شده است.

۳- ۱۲۲. لنجافسکی، جورج، رؤسای جمهوری امریکا و خاورمیانه از ترومن تا ریگان، ترجمه ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، ۱۳۷۳، به نقل از گزارش شرکت بیمه دریایی لویذز لندن، ص ۳۵۵ - ۳۵۶.

۴- ۱۲۳. فهرست حملات عراق به کشتیهای تجاری و نفتکش طی سال ۶۶ در ضمیمه ی کتاب درج شده است.

گردید تا حملات عراق به نفتکشها و همچنین حمله به پایانه های نفت ایران، بدین منظور پی گیری و انجام شود که علاوه بر بین المللی کردن جنگ، بنیه ی اقتصادی ایران را نیز بشدت تضعیف نماید. بر همین اساس، موج جدید حملات عراق از شدت بسیاری برخوردار شد، چنانکه در ۶ ماهه اول سال ۱۹۸۷ در مجموع ۳۳۳ فروند کشتی مورد حمله قرار گرفتند. (۱).

این آمار نشان می دهد که مجموع کشتیهایی که طی ۶ ماه مورد حمله قرار گرفتند با مجموع کشتیهایی که طی ۳ سال قبل از آن از حملات آسیب دیدند، برابر است.

بنابراین، پیدایش وضعیت جدید در خلیج فارس بر اثر حملات عراق، موقعیتی را به وجود آورد که مشخصه ی آن گسترش دامنه جنگ و بین المللی شدن آن بود.

ایران در اوضاع جدید در موقعیت دشواری قرار داشت. بدین معنا که عدم مقابله به مثل، منجر به افزایش حملات عراق می شد و از سوی دیگر، هر گونه مقابله به مثل نیز زمینه را برای گسترش دامنه ی جنگ و بین المللی شدن آن فراهم می کرد. لذا همانگونه که اشاره شد، ایران استراتژی «مقابله به مثل محدود» و «ضربه در برابر ضربه» را به منظور محدود کردن تهاجمات عراق، اتخاذ کرد.

واکنش امریکا و توافق با کویت برای اسکورت نفتکشها

همانطور که پیش بینی می شد، نتایج ناشی از پیدایش وضعیت جدید در خلیج فارس و احتمال گسترش دامنه جنگ بهانه ای به دست امریکا داد تا تحت عنوان نگرانی از ادامه ی جنگ، حضور خود را در خلیج فارس توجیه نماید. ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، بیانیه ای در این خصوص صادر کرد. مندرجات بیانیه، مبنی بر تأثیر گسترش و ادامه جنگ بر منافع استراتژیک امریکا و امنیت دوستان آن کشور در منطقه یعنی به منزله ی آشکار شدن سیاست

ص: ۶۰

امریکا در حمایت از عراق و تهدید ایران بود. در این بیانیه آمده است:

«ما در نگرانی دوستانمان در منطقه خلیج فارس مبنی بر اینکه جنگ ممکن است گسترش یابد و امنیت آنها را مورد تهدید قرار دهد، سهیم هستیم. ما گسترش جنگ را به عنوان تهدیدی علیه منافع خود و دوستانمان در منطقه تلقی می کنیم.» (۱).

آقای هاشمی، تنها یک روز پس از صدور بیانیه ریگان، در نطق قبل از دستور مجلس ضمن برملا ساختن ماهیت تلاشهای جدید امریکا در حمایت از عراق، در مورد توسعه دامنه جنگ اظهار داشت:

«مگر ما می خواستیم جنگ را توسعه دهیم؟... این شما هستید که مدام تحریک می کنید که یک حادثه ای در منطقه به وجود بیاید. آنها را تحریک می کنید که خودشان را (کشورهای منطقه) در جنگ شریک کنند. به آنها بگویید خودشان را کنار بکشند. نصیحتی که ما می کنیم این است که آنها شریک جنگ نباشند. ما با آنها رفیقیم. با آنها روابط صمیمی داریم. با آنها می توانیم برادری داشته باشیم. همکاری داشته باشیم.» (۲).

سپس ایشان با اشاره به تأثیرات افشای ماجرای مک فارلین در بی اعتبار ساختن سیاست امریکا در منطقه و تلاش برای احیاء آن اضافه می کند:

«ما حدس می زنیم که شما این حرفها را به خاطر وضع سیاسی اخیرتان می گوید.» (۳).

ایران که پیش از این خواستار حذف صدام به عنوان پیش شرط پایان بخشیدن به جنگ بود، نسبت به مواضع اخیر امریکا احساس نگرانی می کرد. متقابلاً امریکاییها نیز برای تفهیم سیاست جدید خود، مواضع نسبتاً شدیدی علیه ایران اتخاذ کردند چنانکه ریگان مجدداً ایران را تروریست نامید. روزنامه نیویورک تایمز چاپ امریکا در مورد ضرورت تصحیح سیاست امریکا و تفهیم

ص: ۶۱

۱- ۱۲۵. روزنامه ی رسالت، ۴ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس.

۲- ۱۲۶. اداره کل تندنویسی مجلس شورای اسلامی، «روزنامه رسمی»، (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی)، دور دوم جلسه ۳۶۶، ۵ / ۱۱ / ۶۵.

۳- ۱۲۷. پیشین.

آن به ایران به نقل از یک کارشناس امریکا در مسائل خاورمیانه نوشت:

«ایرانیان به دلایل فراوانی متقاعد شده اند که امریکا هیچ کاری در جلوگیری از شکست عراق نمی تواند بکند و این چیزی است که دولت ریگان باید تصحیح کند. در غیر این صورت، امریکا و متحدینش نسلها متأسف خواهند بود.» (۱).

همین کارشناس در ادامه مطلب خود، درباره ضرورت حضور امریکا در منطقه به منظور هشدار به ایران و حفظ عراق در برابر ایران، می نویسد:

«حضور قدرتمند نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس که ایران آن را به دریاچه ای خصوصی تبدیل خواهد کرد، لازم است.» (۲).

بر پایه همین ضرورتها، امریکاییها که بیش از این به درخواست کویت برای اسکورت نفتکشها پاسخ منفی داده بودند، در برابر اظهارات وزیر خارجه کویت، (۳) پیشنهاد خود مبنی بر اسکورت نظامی نفتکشها را اعلام کردند. (۴) روزنامه نیویورک تایمز این پیشنهاد را بخشی از تصمیمات دولت امریکا برای کسب اعتبار از دست رفته این کشور در جهان عرب، پس از فروش سلاح به ایران ارزیابی کرد. (۵) در ادامه واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، ضمن تشریح سیاست امریکا و تهدید ایران اعلام کرد:

«در صورتی که ایران بکوشد خروجی خلیج فارس را مسدود کند، در طرحهایی، بمباران این کشور با استفاده از ناوهای مستقر در منطقه پیش بینی شده است.... ما کاملا آماده هستیم برای ترافیک دریایی دائم و

ص: ۶۲

۱- ۱۲۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷ / ۱۲ / ۶۵.

۲- ۱۲۹. پیشین.

۳- ۱۳۰. وزیر خارجه ی کویت اعلام کرد که دو ابرقدرت باید مسؤولیتهای خود را برای حفاظت از کشتیرانی در منطقه برعهده گیرند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۵ / ۱ / ۶۶، رادیو بی بی سی ۴ / ۱ / ۶۶).

۴- ۱۳۱. رادیو امریکا در تاریخ ۵ / ۱ / ۶۶، به نقل از روزنامه نیویورک تایمز، ضمن اشاره به پیشنهاد امریکا به کویت برای حفاظت کشتیهای متعلق به کویت، در توضیح آن می گوید: «حدود یک ماه پیش از جانب کویت تقاضا شد...» کویت در واقع هم از امریکا و هم از شوروی تقاضای کمک و همراهی دریایی کرده است.

۵- ۱۳۲. روزنامه ی رسالت، ۱۰ / ۱ / ۶۶.

نیز تضمین آزادی کشتیرانی، آنچه را که لازم باشد، انجام دهیم.» (۱).

تلقی ایران از مواضع تهدید آمیز امریکا سبب گردید سخنگوی کاخ سفید اعلام نماید که ما هیچ کس را تهدید نکرده و صرفاً مواضع خود را درباره منافع استراتژیک امریکا در خلیج فارس توضیح داده ایم. (۲) روزنامه پراودا چاپ مسکو نیز ضمن بی فایده دانستن حضور دریایی امریکا در منطقه و تهدیدات فزاینده اش مبنی بر استفاده از این نیروها برای حفظ امنیت خطوط کشتیرانی نوشت:

«این اقدام امریکا برعکس بزرگترین تهدید برای خطوط کشتیرانی خلیج فارس محسوب می شود و این مسئله حتی برای متحدین امریکا نیز روشن است.» (۳).

افزایش حضور نظامی امریکا در منطقه به بهانه اسکورت نفتکشها، بازتاب نسبتاً گسترده ای را در پی داشت. چنانکه برابر اظهارات یک منبع کویتی، این کشور ضمن رد کردن درخواست امریکا و تأکید بر اینکه این مسئله به معنای تشدید تشنج در خلیج فارس می باشد، این موضوع را مورد تأکید قرار داد که کویت ترجیح می دهد نفتکشهایش با پرچم امریکا حرکت کنند تا اینکه تحت محافظت باشند. در واقع، کویتها با مشاهده بازتاب و انعکاس پیشنهاد امریکا، نسبت به مواضع قبلی خود عقب نشینی کرده و در توضیح اصل پیشنهاد امریکا اعلام کردند که آنچه کویت در صدد انجام آن بوده است، تغییر تابعیت کشتیها است و این کشور مایل به درگیری در اسکورت نظامی نفتکشها نیست. (۴).

بنابر توضیح یک منبع کویتی، اندیشه ی اسکورت نفتکشها را نخستین بار وزیر دفاع امریکا در اواخر اسفند سال ۶۵ (اوائل مارس ۱۹۸۷)، طی نامه ای به دولت کویت مطرح کرد. اما تمهید کویت، اجاره یا ثبت نفتکشهای خود به

ص: ۶۳

۱- ۱۳۳. روزنامه ی اطلاعات، ۱۰ / ۱ / ۶۶، به نقل از ان. بی. سی.

۲- ۱۳۴. روزنامه ی اطلاعات، ۱۰ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۳- ۱۳۵. روزنامه ی اطلاعات، ۱۰ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۴- ۱۳۶. روزنامه ی رسالت، ۱۰ / ۱ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از منبع کویتی.

عنوان اموال یک کشور دیگر بوده است.

متعاقب تغییر موضع کویت، یک مقام امریکایی اصرار این کشور را بر تکذیب گزارشهای مربوط به درخواست کویت از امریکا برای اسکورت نظامی متأثر از تقبیح شدید این مسئله از سوی ایران ذکر کرد. (۱) همچنین روزنامه ی واشنگتن پست در توضیح پیشنهاد امریکا به کویت به این مسئله اشاره کرد که کویت از امریکا درخواست کرده بود که نفتکشهایش را در امریکا به ثبت برسانند و آنها را به عنوان نفتکش امریکایی به رسمیت بشناسند. امریکا ضمن پذیرش درخواست کویت، با در نظر گرفتن ابعاد حقوقی، دو پیشنهاد جدید را مطرح کرد. نخست آنکه نفتکشهای کویتی با پرچم امریکا حرکت کنند و دوم اینکه توسط ناوگان دریایی امریکا اسکورت شوند. در این زمینه روزنامه ی واشنگتن پست نوشت:

«اگر چه گفته می شود که کویت پیشنهادهای جدید واشنگتن را رد کرده است، اما نباید از اصل موضوع، در مورد استمدادهای عاجزانه دربار کویت از امریکا غافل شد!» (۲).

چند روز بعد، وزیر خارجه کویت با تأکید بر این مسئله که حراست از تنگه هرمز بیشتر یک مسئولیت بین المللی است تا مسئولیت کویت و سایر کشورهای منطقه، خاطر نشان ساخت که کشور متبوعش نمی تواند تلاش ابرقدرتها برای تضمین آزادی کشتیرانی را در این منطقه محکوم کند. (۳).

در عین حال، امریکا به تلاشهای خود برای گسترش حضور نظامی در منطقه ادامه داد. ضمن آنکه وزیر خارجه امریکا طی سفر به چین، برای متقاعد ساختن این کشور نسبت به ممانعت از واگذاری موشکهای کرم ابریشم به ایران، مذاکراتی به عمل آورد، لیکن موفقیتی به دست نیاورد. در این میان، رادیو امریکا درباره استقرار موشکهای ایران در تنگه هرمز که پیش از این امریکاییها در آن باب از طریق سوئیس به ایران اعتراض کرده بودند، به عنوان پوشش برای

ص: ۶۴

۱- ۱۳۷. پیشین.

۲- ۱۳۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۱ / ۶۶.

۳- ۱۳۹. روزنامه ی کیهان، ۶ / ۱ / ۶۶، فرانس پرس، به نقل از وزیر خارجه کویت.

«استقرار اخیر موشکهای ضد کشتی ساخت چین توسط ایران در نزدیکی تنگه هرمز، موجب نگرانیهای تازه ای پیرامون نیت رهبران ایران شده است... وزارت دفاع امریکا برای اطمینان از بازماندن این آبراه به روی آمد و شد کشتیها، برنامه ریزی می کند تا به حضور دائمی نیروی دریایی امریکا در اقیانوس هند تداوم بخشد.» (۱).

بر همین اساس، وزیر دفاع امریکا به ناو هواپیمابر کیتی هاوک و رزم ناوهای متعددی که همواره آن را همراهی می کنند دستور داد به مدت سه ماه در دریای عمان و در نزدیکی تنگه هرمز باقی بمانند.» (۲).

در وضعیتی که امریکا سعی داشت وانمود کند از درخواست کویت مبنی بر اجاره نفتکشها و یا حرکت آنها با پرچم امریکا امتناع دارد و کویت نیز برای پذیرش اسکورت نظامی نفتکشها تحت فشار بود، روسها موافقت خود را با اجاره نفتکش به کویت با شرط برخورداری از تسهیلات بندری اعلام کردند. (۳) این مسئله امریکاییها را با دشواری رو به رو ساخت و سرانجام کویت در مورد اجاره سه نفتکش از شوروی، بدون در اختیار گذاردن تسهیلات بندری، با روسها به توافق رسید. رادیو بی. بی. سی طی تحلیلی در مورد بازتاب این توافق و نگرانی امریکاییها می گوید:

«نگرانی امریکا در این است که عملی شدن یک چنین طرحی می تواند بدون آنکه شوروی را از نظر سیاسی در یک نوع پیمان دفاع منطقه ای متعهد کند، به آن کشور یک نقش مهم نظامی در خلیج فارس بدهد که تاکنون فاقد آن بوده است.» (۴)

ص: ۶۵

۱- ۱۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۹، ۱۹ / ۱ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۸ / ۱ / ۶۶.

۲- ۱۴۱. پیشین، رادیو بی بی سی، ۱۸ / ۱ / ۶۶.

۳- ۱۴۲. سه نفتکش روسی به نام سرداران نظامی روس در جنگ جهانی دوم عبارت بودند از: مارشال باگرامیان، مارشال چخوف و مارشال مایکوپ که در اجاره کویت قرار گرفتند.

۴- ۱۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه ی شماره ۲۰، ۲۰ / ۱ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۱۹ / ۱ / ۶۶.

با انتشار خبر توافق کویت و شوروی، رئیس بخش مطبوعاتی وزارت خارجه شوروی در توضیح آن اعلام کرد:

«این کشور به زودی سه نفتکش ساخت این کشور را برای مدت سه سال که قابل تمدید نیز می باشد به کویت کرایه خواهد داد. براساس توافقی که در این زمینه به عمل آمده، این نفتکشها احتمالا چنانچه لازم باشد، به وسیله نیروی دریایی شوروی اسکورت خواهند شد.» (۱).

برخی از تحلیلگران چنین پیش بینی می کردند که ایران از مقابله با اقدامات شوروی خودداری خواهد کرد. حال آنکه نماینده وقت ایران در سازمان ملل رسماً اعلام کرد:

«جمهوری اسلامی ایران کشتیهای بازرگانی را با هر پرچمی که حرکت کنند متوقف ساخته و آنها را بازرسی خواهد کرد، خواه با پرچم امریکا و خواه با پرچم هر کشور دیگری حرکت کنند، هیچ تفاوتی نمی کند.» (۲).

نظر به اینکه حضور امریکا و شوروی در خلیج فارس، عمدتاً به بهانه وجود ناامنی در منطقه صورت می گرفت، لذا پس از تغییر و تحولاتی که در این زمینه صورت گرفت آقای هاشمی در نماز جمعه تهران ضمن تأکید بر این مسئله که «اربابان صدام سعی دارند به هر طریقی که شده صدام را حفظ کنند» و این مسئله را بهانه ی «حفظ امنیت منطقه» و جلوگیری از مقابله به مثل ایران قرار داده اند؛ در مورد نحوه ی تأمین امنیت منطقه، خطاب به کویت و عربستان اعلام کرد:

«اگر کویت و عربستان واقعا امنیت خلیج فارس را می خواهند، هیچ نیازی به درخواست کمک از امریکا و شوروی وجود ندارد. بلکه کافی است که این کشورها به عراق اجازه ندهند که کشتیهای نفتکش و تجاری ما را مورد حمله قرار دهد. آنگاه هیچ مقابله به مثلی از سوی ایران انجام نخواهد گرفت و امنیت خلیج فارس تأمین می شود... ما امنیت خلیج فارس را بیش

ص: ۶۶

۱- ۱۴۴. روزنامه ی رسالت ۲۶ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۲- ۱۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه ی شماره ۲۳، ۲۳ / ۱ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۲ / ۱ / ۶۶، به نقل از رجایی خراسانی نماینده ی ایران در سازمان ملل.

از شما می خواهیم، زیرا امروز نیروهای ما باید در جبهه ها باشند نه در خلیج فارس. اگر در خلیج فارس شرارتی نشود، هیچ امنیتی به خطر نخواهد افتاد.» (۱).

در عین حال ایران به قدرتهای بزرگ هشدار داد که در پاسخ به تشنج آفرینی در منطقه، تنها منافع استکبار جهانی مورد تهاجم بیشتر قرار خواهد گرفت. (۲) همچنین آقای هاشمی طی مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:

«من فکر نمی کنم که چنانچه نفت بعضی از کشورهای خلیج فارس با کشتیهای امریکا یا شوروی حمل شود مصونیت پیدا می کند. چرا که به هر حال مقابله به مثل انجام می گیرد و ما وحشتی نداریم از اینکه یک کشتی دیگری آنجا حاضر باشد.» (۳).

منطق حاکم بر رفتار و عملکرد امریکا و شوروی، تأمین امنیت در منطقه بدون توجه به منافع ایران بود. بدین معنا که به اقدامات عراق مبنی بر حمله به نفتکشهای تجاری ایران، توجهی نکرده و تنها در صورت مقابله به مثل ایران، شعارهایی را مبنی بر ضرورت تأمین امنیت عنوان می کردند. این امر حاکی از آن بود که در قاموس آنها امنیت عمدتاً مفهومی جز تأمین منافع قدرتهای بزرگ و رژیم عراق نداشت. بر همین اساس، ایران نیز ضمن تأکید بر ادامه سیاست و مقابله به مثل، بر این مسئله تأکید می کرد که در خلیج فارس یا امنیت برای همه و از جمله ایران، یا برای هیچ کس. (۴) وزارت خارجه ی ایران نیز طی اعلامیه ای با اشاره به تحولات در خلیج فارس، مواردی را مورد تأکید قرار داد و از جمله اینکه تأمین امنیت در خلیج فارس برعهده ی کشورهای منطقه است و ایران به خاطر ساحل طولانی، بیش از هر کشور دیگری خود را ملحق دانسته و به این امر اهتمام می ورزد. همچنین به این مسئله اشاره شد که پذیرش قیومیت ابرقدرتها می تواند امنیت منطقه را به خطر اندازد. در این اعلامیه، ضمن اشاره به ضرورت قطع کمکهای نظامی - اقتصادی به عراق برای پایان بخشیدن به

ص: ۶۷

۱- ۱۴۶. روزنامه ی اطلاعات، ۲۹ / ۱ / ۶۶، نماز جمعه تهران، ۲۸ / ۱ / ۶۶.

۲- ۱۴۷. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۱ / ۶۶، میر حسین موسوی نخست وزیر.

۳- ۱۴۸. روزنامه ی کیهان، ۱ / ۲ / ۶۶، مصاحبه ی مطبوعاتی.

۴- ۱۴۹. روزنامه ی کیهان، ۵ / ۲ / ۶۶، آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت.

جنگ، مجددا نسبت به سیاست ایران مبنی بر مبارزه ی قاطع برای خشکانیدن ریشه های تجاوز، تأکید شد. (۱).

موضع گیری در مورد اقدام شوروی برای اجاره دادن نفتکش به کویت، مناسبات ایران و شوروی را تحت تأثیر قرار داد. رئیس جمهور وقت ایران ضمن اظهار تعجب از اقدام شوروی به آنها هشدار داد: «این امر به سود شوروی نخواهد بود.» این اظهارات به منزله شدید اللحن ترین بیان، در خصوص تلاش شوروی برای حضور در منطقه خلیج فارس، مورد ارزیابی قرار گرفت. (۲) متقابلا یکی از مقامات رسمی شوروی در مورد احتمال حمله به نفتکشهای حامل پرچم شوروی اظهار داشت: «مسکو قاطعانه پاسخ خواهد داد.» (۳).

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از مدت‌ها پیش برای مقابله به مثل آماده شده بود، (۴) پس از تحولات جدید، به تشکیل منطقه ی یکم دریایی شامل تپه‌های

ص: ۶۸

۱- ۱۵۰. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۵ / ۲ / ۶۶، رادیو اسرائیل، ۴ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۵۲. معاونت سیاسی سپاه، بولتن بررسی، شماره ۸، ۴ / ۲ / ۶۶، به نقل از ایوانف گالیستین رئیس بخش امور کشورهای عربی حوزه ی خلیج فارس در وزارت خارجه ی شوروی.

۴- ۱۵۳. ورود سپاه به عرصه جنگ در دریا گر چه سازمان دریایی سپاه از سال ۶۰ تدریجا شکل گرفت، ولی سپاه عملا وارد خلیج فارس نشده بود. اصولا- توان سپاه برای اجرای مأموریت روی آب با عملیات آبی - خاکی خیر در سال ۶۲ و بدر در سال ۶۳ و فاو در سال ۶۴ رو به افزایش نهاد و از سازمان نسبتا مناسبی برخوردار شد. در این روند، عملیات کربلای ۳ روی اسکله العمیه اولین عملیات سپاه در دریا بود که در شهریور سال ۶۵ انجام گرفت و نقش بسیار تعیین کننده ای در فراهم سازی ورود سپاه به «جنگ در دریا» داشت. پس از عملیات والفجر ۸، در سال ۶۵ فرمانده عالی قرارگاه خاتم الانبیاء، آقای هاشمی به عنوان فرمانده عالی جنگ به سپاه ابلاغ کرد تا راه مقابله با عراق در دریا را مورد بررسی قرار دهد. با اوجگیری حملات عراق به کشتیها، در اوج عملیات کربلای ۵، برادر علایی (فرمانده قرارگاه دریایی نوح) منطقه عملیات کربلای ۵ را به سمت خلیج فارس ترک کرد. سپاه پس از حضور در دریا و مشاهده وضعیت و با توجه به ویژگیهای کار در دریا و ابعاد فنی و علمی آن، کلیه نقشه ها و مدارک مورد نیاز را جمع آوری و پس از شناخت نسبتا عمیق از کار در این عرصه، جمع بندی و تجزیه و تحلیل خود را به مسؤولین و تصمیم گیرندگان منتقل کرد. در این مرحله، سپاه سازماندهی دریایی خود را به تناسب مأموریت در خلیج فارس تغییر داد. برابر تدبیر فرماندهی کل سپاه و با توجه به نیازهای موجود، پایگاه یکم دریایی در بندر عباس؛ پایگاه دوم دریایی در بوشهر و پایگاه سوم دریایی در ماهشهر تشکیل شد و امکانات سپاه در سه شهر بندر عباس، ماهشهر و بوشهر در اختیار سه پایگاه دریایی یکم، دوم و سوم قرار گرفت. در این مسیر ضرورت برخورداری از تاکتیک مناسب برای کار در دریا، با توجه به ویژگیهای آن و تجهیزات و تواناییهای خودی و راه کارها و توانایی دشمن، مورد بررسی و توجه قرار گرفت و سرانجام علاوه بر اتخاذ تاکتیک مناسب، از ابزار و لوازم مورد نیاز آنچه که موجود بود به منطقه منتقل و برای خرید و ساخت سایر موارد اقدام شد. بدین ترتیب در آغاز سال ۶۶ سپاه از آمادگی لازم برای انجام مأموریت در دریا برخوردار شد.

قدرت خلاقیت و انعطاف سپاه سبب گردید تا در حد فاصل کمتر از چهار ماه پس از حضور جدی در خلیج فارس، سپاه از فروردین سال ۶۶ اولین مأموریت دریایی خود را اجراء نماید. این اقدام و حضور دریایی سپاه در خلیج فارس نقطه عطف و تحول در جنگ بود که در محاسبات ناظرین و تحلیلگران مورد توجه قرار نگرفته بود ولی آثار و نتایج تعیین کننده ای را بر جای نهاد. در سال ۶۶ متعاقب تشدید درگیری در خلیج فارس و توانایی ایران برای مقابله به مثل، امریکاییها در برابر خود با دو پدیده جدید «مین» و «قایقهای تندرو» رو به رو شدند که در محاسبات خود را به طور جدی به آن نپرداخته بودند و یا تصور می کردند حضور ناو جنگی امریکا همراه با تبلیغات می تواند اوضاع را به سود امریکاییها تغییر داده و تحت کنترل آنها درآورد. به رغم تبلیغات امریکاییها مبنی بر توانایی خنثی کردن مین و در موقعیتی که «کشتی مین روب» اولین کاروان اسکورت نفتکشها را همراه با خبرنگاران همراهی می کرد، نفتکش امریکایی با مین اصابت کرد و امریکاییها هرگز نتوانستند این مسأله را حل نمایند. آنها تنها کشتی ایران اجر متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به بهانه اینکه در حال مین ریزی بود مورد حمله قرار دادند. در مورد قایقهای تندرو، امریکاییها با اتکاء به تجربه عراق برای استفاده از هلیکوپتر که پیش از این در عملیات کربلای ۳ برای مقابله با قایقهای سپاه مورد استفاده قرار داد بود، تصور می کردند به دلیل عدم پوشش هوایی، قایقها به شدت آسیب پذیر هستند، لذا می توانند با اتکاء به هلیکوپترهای او. اچ. ۶ هیوز که دارای دو سرنشین می باشد و از عینکهای مادون قرمز جهت دید در شب برخوردار و بدون سر و صدا حرکت می کند و می تواند اشیاء و اهداف را در ماورای بر دراکتها و فراتر از حیطه شنیدن اصوات مشاهده نماید، با قایقهای تندرو مقابله کنند. در هر صورت، امریکاییها برای مقابله با قایقهای تندرو نه تنها موفقیتی کسب نکردند، بلکه یک فروند هلیکوپتر امریکا نیز در درگیری با قایقهای سپاه سقوط کرد. حضور سپاه نتایج و تأثیرات دیگری نیز در برداشت که بخشی از آنها به شرح زیر می باشد: ۱- محاسبات دشمن مبنی بر ناتوانی ایران برای پاسخ و مقابله در هم ریخت و عراق برای خودداری از حمله شدیداً تحت فشار قرار گرفت. ۲- قدرتهای بزرگ برای مهار بحران وارد منطقه شدند لیکن دامنه بحران و درگیری رو به گسترش نهاد. ۳- بن بست موجود برای مقابله به مثل شکسته شد و سپاه با توانی تازه به عنوان یک عامل جدید وارد صحنه جنگ در دریا شد. (متن پاورقی پس از مصاحبه با سردار علایی فرمانده پیشین نیروی دریایی سپاه و سردار فدوی معاونت اطلاعات این نیرو تهیه و تنظیم شده است).

موشکی، توپخانه و ناوتیپهای دریایی اقدام کرد. (۱)

ص: ۶۹

۱-۱۵۴. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۲ / ۹، به نقل از برادر علایی فرمانده نیروی دریایی سپاه.

سرانجام، به رغم تمامی تهدیدات، ایران یک کشتی باری با پرچم کویت را در نزدیکی ساحل ابوظبی به مدت دو ساعت توقیف کرد و محموله آن را مورد بازرسی قرار داد. این اقدام سبب گردید تا سیاست ایران به عنوان یک سیاست محکوم مورد ارزیابی قرار گیرد. (۱) دو هفته بعد نیز کشتی باری شوروی به نام ایوان کارسیف مورد حمله قرار گرفت. (۲) بیمه لویزلندن ضمن اشاره به اینکه این نخستین بار است که کشتی روسی در منطقه مورد حمله قرار می گیرد، از این حادثه به عنوان یک «تحول برجسته» یاد کرد. (۳) همچنین روزنامه لوموند به این مسئله اشاره کرد که:

«اقدام ایران این نکته را ثابت می کند که این کشور نمی خواهد تحت تأثیر چنین تهدیدهایی قرار گیرد.» (۴).

روزنامه های امارات متحده نیز به این مسئله اشاره کردند که اقدام ایران، دلیلی بر عزم راسخ این کشور جهت مقابله با ابرقدرتها در خلیج فارس است. (۵).

در این روند، روسها مواضع احتیاط آمیزی را اختیار کردند. ضمن اینکه حمله به کشتی شوروی به منزله ی علامتی به امریکا نیز محسوب شد. به همین دلیل وزارت خارجه امریکا اعلام کرد که امریکا با رسیدگی به پیشنهاد ثبت کشتیهای کویت، به عنوان کشتیهای امریکا، قصد تحریک ایران را ندارد. (۶).

همچنین مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا نیز اعلام کرد: «ما هر گونه حمله علیه یک کشتی امریکایی را مسأله ای وخیم تلقی می کنیم.» وی ضمناً تأکید کرد که حمله به نفتکشهای کویتی حامل پرچم امریکا به معنی حمله به نفتکشهای کویتی نخواهد بود. (۷).

توضیحات توأم با تهدید امریکاییها، عمدتاً به دلیل نگرانی از گرفتار شدن آنها به سرنوشت کشتی باری روسی بود. به عبارت دیگر امریکاییها در عین آنکه نسبت به گسترش نفوذ شوروی در منطقه ی خلیج فارس نگران بودند، ولی از جمله به کشتی باری روسی می توانستند خرسند باشند، گر چه تداوم این وضعیت برای

ص: ۷۰

۱- ۱۵۵. روزنامه ی رسالت ۶ / ۲ / ۶۶ و خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از دویدرلیت چاپ لندن.

۲- ۱۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱۹ / ۲ / ۶۶، رادیو مسکو، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱۹ / ۲ / ۶۶.

۴- ۱۵۸. معاونت سیاسی سپاه، بولتن بررسی، شماره ۱۰، ۱ / ۳ / ۶۶، به نقل از روزنامه ی لوموند، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۵- ۱۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۲۰ / ۲ / ۶۶.

۶- ۱۶۰. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲ / ۲ / ۶۶.

۷- ۱۶۱. پیشین.

آنها نیز نگران کننده بود.

امریکاییها، ضمن اینکه حضور روسها در خلیج فارس را بهانه‌ی خوبی برای حضور خود می‌دانستند، در برابر این اتهام که حضور امریکا یک نوع بهانه‌جویی و عامل تشنج بیشتر در منطقه خواهد بود، «توانایی محدود کشورهای منطقه» و تأمین امنیت را در منطقه به عنوان یک «مسئولیت جهانی» (۱) مورد استناد قرار دادند. همچنین به منظور رفع نگرانی ایران نسبت به ماهیت تلاشهای امریکا، ریچارد مورفی اعلام کرد که امریکا به هیچ وجه خواهان رویارویی با ایران نیست. (۲) سخنگوی پنتاگون نیز توضیح داد که امریکا سرگرم مشورت با کویت است تا نفتکشهای این کشور را به نام کشتیهای امریکا و تحت پرچم این کشور به ثبت برساند. (۳) سایر اخبار و گزارشها نیز نشانگر توافق امریکا و کویت بود. چنانکه خبرگزاری رویتر، خبری را به نقل از مقامات امریکایی مخابره کرد مبنی بر اینکه امریکا در آستانه‌ی توافق با کویت است. (۴) همچنین تهدید ایران از سوی ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا نیز قابل توجه و نشانگر توافق امریکا و کویت و به منزله موضع گیری جدید امریکا ارزیابی می‌شد. (۵) در این روند، سرانجام ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه‌ی امریکا، توافق امریکا با کویت را اعلام کرد:

«امریکا به منظور تضمین آزادی کشتیرانی از طریق تنگه هرمز، با ارائه پوشش حفاظتی برای کشتیهایی از کویت که تحت پرچم امریکا به ثبت برسند، موافقت کرده است.»

مورفی همچنین در توجیه سیاست جدید امریکا مبنی بر اینکه این خط مشی تازه‌ای نیست گفت:

ص: ۷۱

۱- ۱۶۲. وزیر خارجه کویت به منظور توجیه درخواست برای حفاظت از نفتکشهای کویت اعلام کرد که تأمین امنیت در منطقه یک مسئولیت جهانی است.

۲- ۱۶۳. روزنامه‌ی رسالت، ۳ / ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲ / ۲ / ۶۶، ریچارد مورفی.

۳- ۱۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱۷ / ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رابرت سلز سخنگوی وقت پنتاگون.

۴- ۱۶۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۲ / ۶۶.

۵- ۱۶۶. روزنامه‌ی رسالت، ۲۳ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، دیلی تلگراف.

«حفاظت امریکا نشانه خط مشی تازه ای نیست آنچه ما از آن سخن می‌گوییم، برنامه‌ای برای به اجرا گذاشتن قدیم‌ترین اصول سیاست امریکا، که آزادی کشتیرانی است، می‌باشد.»

و همچنین خطاب به ایران اظهار داشت:

«اقدام امریکا نباید به عنوان یک اقدام تحریک‌آمیز علیه ایران تلقی گردد.» (۱).

بلافاصله رئیس قوه قضائیه ایران، در نماز جمعه تهران، پس از اعلام رسمی موافقت امریکا و کویت اظهار داشت:

«اگر رزمندگان ما در حمله به کشتی کویت به خاطر همجواری تردید به خود راه بدهند، در حمله به کشتی امریکا کوچکترین تردیدی به خود راه نخواهند داد.» (۲).

در این میان، برخی از نشریات کویت نیز تصمیم این کشور را به منزله لطمه به استقلال کویت ذکر کردند. الانباء در این زمینه نوشت:

«هیچ کس باور نداشت که روزی ما مجبور شویم پرچمهای بیگانگان را بر نفتکشهای ملی خودمان برافزاییم.» (۳).

پیدایش وضعیت جدید در منطقه، با حضور امریکا و شوروی به بهانه تأمین امنیت و آزادی کشتیرانی در آبراه بین‌المللی خلیج فارس، به منزله آغاز مرحله‌ای جدید در جنگ و تغییر روند آن به زیان ایران و به سود عراق مورد ارزیابی قرار گرفت. روزنامه واشنگتن پست در این زمینه نوشت:

«این شرکت، به مثابه هشدار دو ابرقدرت به تهران مبنی بر بی نتیجه بودن راه حل نظامی است.»

این روزنامه همچنین در مورد نتایج تصمیم امریکا و شوروی چنین اظهار نظر کرد: «نکوهش دخالت واشنگتن و مسکو از سوی رهبران ایران، نشانگر نگرانی

ص: ۷۲

۱- ۱۶۷. روزنامه‌ی اطلاعات، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از یونایتد پرس.

۲- ۱۶۸. روزنامه‌ی رسالت، ۲۶ / ۲ / ۶۶، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، آیت‌الله موسوی اردبیلی، امام جمعه موقت تهران.

۳- ۱۶۹. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۲ / ۶۶، به نقل از الانباء، چاپ کویت.

عمیق تهران نسبت به این تحولات و ناظر بر از بین رفتن امیدهای محافل مذهبی ایران مبنی بر احراز پیروزی نظامی نهایی بر عراق است.» (۱).

راديو اسرائیل نیز به نقل از آگاهان سیاسی امریکایی همین مسئله را به نوعی دیگر بیان کرد:

«با ورود دو ابرقدرت امریکا و شوروی به خلیج فارس، حکومت اسلامی ایران اجازه نخواهد یافت به یک پیروزی نظامی بر عراق دست یابد.» (۲).

اظهار نظرهایی که در این زمینه از سوی مقامات رسمی و یا تحلیلگران بیان شد، پیش از آنکه بیانگر اهداف سیاستهای امریکا و شوروی باشد، نتایج ناشی از حضور آنها را توجیه می کرد. در واقع، منافع امریکا و شوروی در منطقه و تغییرات ناشی از پیروزی احتمالی ایران، محرک اصلی دو کشور برای حضور مستقیم و فعالانه در جنگ بود. در حالی که پیش از این، هر دو ابرقدرت سعی داشتند نقش پشت پرده داشته باشند، اما پیروزیهای جدید جمهوری اسلامی ایران در جبهه های جنگ و تأثیر پیروزی احتمالی ایران بر سرنوشت عراق و منطقه، ابرقدرتها را چنان نگران کرده بود که ناچار از حضور آشکار در صحنه ی جنگ گردیدند. «گری سیک»، مشاور کارتر، رئیس جمهور اسبق امریکا، در جهت توجیه حضور امریکا تلویحا به این مسئله اشاره می کند و می گوید:

«امریکا و بسیاری از دیگر قدرتها در قسمت اعظم دوران جنگ ایران و عراق با این باور که نمی توانند تأثیر زیادی بر آن داشته باشند و این جنگ بر تولیدات نفتی چندان مؤثر نیست، خود را از آن دور نگه می داشتند. اما در سال ۱۹۸۵ - ۸۶ زمانی که ایران به تلافی حملات هوایی عراق به کشتیهای در حال حرکت خود، شروع به استفاده از مین و قایقهای مسلح کوچک علیه کشتیهای بی طرف در مسیر کویت و عربستان سعودی نمود، این رویه (بی تفاوتی ابرقدرتها) تغییر یافت.» (۳).

ص: ۷۳

۱- ۱۷۰. روزنامه ی رسالت، ۲۶ / ۲ / ۶۶، واحد مرکزی خبر، واشنگتن پست چاپ امریکا.

۲- ۱۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۲۸ / ۲ / ۶۶، راديو اسرائیل، ۲۷ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۷۲. منافع قدرتهاي بزرگ در خلیج فارس، ترجمه مجید قهرمانی، مقاله ی گری سیک.

در هر صورت، با افزایش حضور امریکا و شوروی در منطقه که بعدها به حضور ناتو نیز منجر شد، جنگ ایران و عراق ابعاد گسترده تری یافت. در این روند، منافع بین المللی در گرو پایان جنگ بود و به همین دلیل پافشاری ایران بر تأمین حقوق حقه‌ی خود سبب گردید تا فشارهای امریکا و شوروی برای پایان بخشیدن به جنگ، اساساً روی ایران متمرکز شود.

حمله عراق به ناو امریکایی استارک

وقوع دو حادثه‌ی برخورد نفتکش مارشال چخوف (۱) متعلق به شوروی با مین و اصابت موشک اگزوسه هواپیمای عراقی به ناو امریکایی استارک، تحول بزرگی در منطقه بود. به همین دلیل، برخی از ناظران سیاسی در بغداد، این تحول را به منزله خطرناکترین مرحله از جنگ نفتکشها ذکر کردند. (۲).

روسها که دومین نفتکش آنها در مسیر عبور از منطقه دچار آسیب شده بود، بسیار خشمناک و امریکاییها نیز در برابر حمله عراق به ناو استارک کاملاً غافلگیر شدند. (۳) برخی از تحلیلگران، این دو حادثه را چنین تحلیل کردند که امریکا و شوروی در وضعیتی که قادر به تأمین امنیت کشتیهای خود نمی باشند، چگونه حفاظت از سایر کشتیها را برعهده گرفته اند؟ (۴) همچنین نتیجه این رخداد، به سود ایران ارزیابی شد زیرا ایران همواره عراق را عامل تشنج ذکر می کرد و در حادثه حمله به ناو استارک، بدون هیچ تردیدی نقش عراق آشکار بود. علاوه بر این، افزایش حضور امریکا و شوروی بر دامنه درگیریها و

ص: ۷۴

۱- ۱۷۳. نفتکش روسی به نام یکی از سرداران روس در جنگ جهانی دوم یعنی مارشال چخوف، با ظرفیت ۸۰ هزار تن در حال حرکت بود. پس از آنکه یک رزمنا و شوروی نیم ساعت قبل، مسیر را بررسی کرده و اجازه عبور به نفتکش داد، نفتکش مزبور با یکی از مینهای سرگردان برخورد کرد. این نفتکش یکی از سه نفتکشی بود که در اجاره کویت قرار داشت.

۲- ۱۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۲۹ / ۲ / ۶۶، بغداد، ۲۸ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۷۵. شبکه تلویزیونی سی. ان. ان امریکا: «این حمله نشان داد که امریکا نمی تواند امنیت کشتیهای خود را در خلیج فارس تأمین کند. حال چگونه خواهد توانست امنیت کشتیهای دیگر را تأمین کند؟».

۴- ۱۷۶. پیشین، رادیو لندن، ۲۸ / ۲ / ۶۶.

تشنگها افزود و به منزله احتمال بروز خطرات بیشتر، مورد شناسایی و تأکید قرار گرفت. (۱).

در این میان، عراقیها با عذرخواهی رسمی از امریکا و تقبل پرداخت غرامت، اقدام خود را بر اثر یک اشتباه ذکر کردند. چنانکه صدام طی نامه ای به ریگان بر این مسئله تأکید کرد:

«من مطمئنم که شما یقین دارید، هواپیماهای عراقی که مشغول عملیات در منطقه ای بودند که معمولاً در آن به هدفهای دشمن حمله می کنند، قصد وارد آوردن ضربه به هدفی که متعلق به کشور شما یا هر کشور دیگری به جز ایران است نداشتند.» (۲).

امریکاییها به رغم آنکه پیش از این رسماً اعلام کرده بودند که هرگونه حمله ای را به کشتیهای تحت حفاظت امریکا قاطعانه پاسخ خواهند داد، نه تنها عذرخواهی را پذیرفتند، بلکه از هرگونه تحقیق پیرامون موضوع اجتناب کردند. این نوع برخورد، دقیقاً نشانگر ماهیت سیاست خصومت آمیز امریکا علیه ایران بود. در چنین موقعیتی ریگان مجدداً اظهار داشت:

«حمله ی عراق به کشتی جنگی امریکا، ضرورت به پایان رسیدن جنگ را تشدید می کند.» (۳).

امریکا حادثه ی ناو استارک را نادیده گرفت، در حالی که برخی شواهد و قرائن می توانست نشانگر عمدی بودن اقدام عراق باشد. (۴) آقای هاشمی در این زمینه می گوید:

«به نظر ما ابهامات خیلی زیاد است و آنچه تا به حال مقامات امریکایی گفته اند مسئله را روشن نمی کند. ما برخلاف اینها نظریه دیگری داریم...»

ص: ۷۵

۱- ۱۷۷. پیشین.

۲- ۱۷۸. روزنامه ی اطلاعات، ۲۹ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری رویتر.

۳- ۱۷۹. پیشین.

۴- ۱۸۰. آقای میر حسین موسوی، نخست وزیر وقت ایران، در جلسه شورای سیاسی دولت طی تحلیلی اظهار داشت: «ماجرای کشتی امریکایی بسیار پیچیده است و اگر ابعاد صحیح این رسوایی فاش شود افتضاحی مانند ماجرای مک فارلین گریبانگیر سردمداران امریکا می شود.» (روزنامه کیهان ۲ / ۳ / ۱۳۶۶).

تعمد فراوانی در کار بوده است.» (۱).

به عبارت دیگر این احتمال وجود دارد که عراقیها به منظور افزایش حضور امریکا و تهییج این کشور برای پایان بخشیدن به جنگ به چنین اقدامی دست زده باشند. ضمن اینکه پس از اصابت کشتی روسی با مین و مخدوش شدن اعتبار این کشور، وقوع حادثه ای مشابه، می توانست امریکا را نیز در اولین گام برای حضور در منطقه با دشواری رو به رو سازد. (۲) واکنش خبرگزاری تاس در این زمینه قابل توجه است:

«با حادثه استارک، امریکا بهای دخالتش در این منطقه از جهان را پرداخت. دیر یا زود باید در انتظار وقوع چنین تراژدی می بود.» (۳).

همچنین رئیس مدیریت برنامه ریزی و ارزشیابی وزارت امور خارجه شوروی اظهار داشت:

«حضور ناوهای امریکایی در خلیج فارس ممکن است به حوادث غیر قابل پیش بینی مانند حمله موشکی یکشنبه گذشته عراق به ناو استارک منجر شود.»

وی همچنین ضمن بی معنی توصیف کردن جنگ ایران و عراق گفت:

«مقامات ایران می پنداشتند که می توانند برنده ی جنگ باشند، اما حالا می دانند که این امر میسر نیست.»

وی در پایان، به مسأله ای اشاره کرده که حائز اهمیت است:

«ما همیشه به امریکاییها هشدار داده ایم که افزایش حضور نظامی و ناوگان آنها در خلیج فارس می تواند برای صلح زیان آور باشد، زیرا ممکن است بسیاری از حوادث غیر قابل پیش بینی روی دهد.» (۴).

ص: ۷۶

۱- ۱۸۱. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۸۲. جوزف سیکوم معاون سابق وزارت خارجه شوروی ضمن تراژدیک قلمداد کردن حمله ی عراق گفت: «باید دید عراق چه مقصودی برای این حمله داشته است؟» (روزنامه ی اطلاعات ۳۱ / ۲ / ۶۶).

۳- ۱۸۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۳۰ / ۲ / ۶۶، مسکو، خبرگزاری فرانسه.

۴- ۱۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱ / ۳ / ۶۶.

به نظر می‌رسید که روسها انتظار داشتند تبعات ناشی از این حادثه، امریکا را به تجدید نظر در سیاستهای خود وادار نماید. ضمن اینکه در این زمینه، برخی از موضع‌گیریها و فشارهای وارده به رئیس‌جمهور امریکا نشانگر همین مسئله بود، چنانکه سناتور رابرت دال، رهبر جمهوریخواهان در سنای امریکا، اظهار داشت که امریکا باید با توجه به حمله اخیر عراق، در سیاست خود در خلیج فارس تجدید نظر کند. (۱) در عین حال، برخی از مقامات امریکایی همچنان با تأکید بر این مسأله که: «منافع ما در آنجا قرار دارد». (۲) از ادامه‌ی سیاست امریکا حمایت می‌کردند. سرانجام سفیر امریکا در بحرین طی مصاحبه‌ای اظهار داشت:

«به رغم حمله‌ای که به کشتی استارک شده، هیچگونه تغییری در هدفهای سیاست اساسی و تعهدات امریکا در خلیج فارس به وجود نیامده است. ما مصمم هستیم که منافع ملی و عبور آزاد از آبراه هرمز را حفظ کنیم و متعهدیم آن دسته از دوستانمان را که برای دفاع از خود می‌کوشند، یاری دهیم.» (۳).

در عین حال بنا بر اظهارات واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، حمله عراق به ناو استارک سبب گردید تا نیروی دریایی امریکا تدابیر دفاعی گسترده‌ای را اتخاذ کند. (۴).

درک ایران نسبت به ماهیت تحولات اخیر و فرآیند آنها، بویژه افزایش حضور امریکا در منطقه و همچنین فزونی یافتن فشار امریکا و شوروی به ایران برای پایان بخشیدن به جنگ، موجب شد تا مهندس موسوی نخست‌وزیر وقت ایران طی سخنانی، ضمن بیان ماهیت تلاش شرق و غرب برای واداشتن ایران به عقب نشینی از مواضع خود، اعلام کند:

«ابرقدرتها باید بدانند اخطار ما جدی است و ما اجازه نخواهیم داد که هیچ کشتی یا قلدری وارد خلیج فارس شود و با هر نوع توطئه‌ای جهت

ص: ۷۷

۱- ۱۸۵. روزنامه‌ی رسالت، ۳۱ / ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۳۰ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۸۶. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۲ / ۶۶، رویتر.

۳- ۱۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱ / ۳ / ۶۶، رادیو امریکا ۳۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از سفیر وقت امریکا در بحرین.

۴- ۱۸۸. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

مداخله‌ی نظامی در منطقه، مبارزه خواهیم کرد.» (۱).

بدین ترتیب، بحران خلیج فارس به دلیل سیاستهای مداخله جویانه امریکا و شوروی و با افزایش حمایت از عراق وارد مرحله جدیدی شد که درگیری ایران و امریکا تنها بخشی از آن را تشکیل می داد.

بررسی واکنشهای احتمالی ایران و تصویب اسکورت نفتکشها در کنگره امریکا

اگر چه امریکا با پذیرش پیشنهاد کویت مبنی بر اسکورت نفتکشها، به بهانه تأمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس حضور نیروهای خود را گسترش داد، لیکن برابر شواهد و قرائن موجود، امریکاییها برای دستیابی به راه‌های سیاسی - نظامی جهت پایان دادن به جنگ (۲) چنان برنامه ریزی کرده بودند که با افزایش توانمندی نظامی خود در منطقه از نیروهای نظامی استفاده کنند. در واقع، ضرورت کسب ابتکار عمل برای پایان بخشیدن به جنگ با بهره‌گیری از نیروی نظامی، پس از شکست ابتکار سیاسی موسوم به ماجرای مک‌فارلین، علت توجه امریکا به ابزار نظامی را توضیح می دهد. زمان و نحوه اقدام نظامی امریکا علیه ایران و همچنین ابعاد آن، اساساً متأثر از دکترین نظامی امریکا بود که واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا آن را اعلام کرد و به عنوان دکترین واینبرگر مشهور شد و سرلوحه سیاست دفاعی امریکا قرار گرفت. در این دکترین به کارگیری نیروی نظامی، محدود به وضعیتهای به شرح زیر بود:

۱- منافع حیاتی امریکا در معرض تهدید جدی قرار گرفته باشد.

ص: ۷۸

۱- ۱۸۹. روزنامه ی کیهان، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۹۰. ریچارد مورفی، معاون وزارت خارجه ی امریکا در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا، در کمیته ی خارجی سنای امریکا می گوید: «این تصادف (حمله به ناو استارک) فاجعه آمیز، خطر فزاینده ی جنگ ایران و عراق و ضرورت اختتام فوری جنگ خلیج فارس را نمایان ساخت. این هدفی است که امریکا فعالانه و مجدانه پیگیری می کند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ۱۱، ۱۰۴ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۹ / ۴ / ۶۶).

۲- کلیه تلاشهای دیگر (غیر از جنگ) به شکست انجامیده باشد.

۳- پشتیبانی قاطع از طرف کنگره و مردم امریکا (از جنگ) حاصل شده باشد.

۴- اقدام نظامی با اطمینان قلبی در کسب پیروزی صورت گیرد.

احتمال پیروزی ایران بر عراق و یا تشدید درگیری میان ایران و عراق در منطقه ی خلیج فارس، می توانست منافع حیاتی امریکا را در معرض تهدید قرار دهد. امریکاییها با حضور گسترده در منطقه، در صدد ارباب و فشار علیه ایران بودند و در موقعیت خاص، اقدامات نظامی با هدف محدود و به صورت کاملاً کنترل شده را دنبال می کردند، تا در کنار تلاشهای سیاسی از طریق سازمان ملل شرایط را برای پایان بخشیدن به جنگ فراهم سازند.

برداشت اولیه از حضور نیروهای امریکا در منطقه، شامل دو دیدگاه بود. در دیدگاه اول، این حضور اساساً به منظور ممانعت از پیروزی ایران بر عراق ارزیابی می شد (۱) و به همین دلیل احتمال اقدام نظامی امریکا علیه ایران و متقابلاً- ضرورت برخورداری از آمادگی برای رویارویی با اقدامات نظامی امریکا، پیش بینی و مورد تأکید قرار می گرفت. (۲) در دیدگاه دوم، حضور نیروهای امریکا عمدتاً به منظور مهار تأثیرات ناشی از سقوط رژیم عراق در منطقه و حفظ رژیمهای سلطنتی سواحل جنوبی خلیج فارس ذکر می شد.

فضای ناشی از مذاکرات ایران و امریکا در ماجرای موسوم به مک فارلین،

ص: ۷۹

۱- ۱۹۱. بعدها مجله واشنگتن ریپورت در این مورد نوشت: «آیا واشنگتن فراموش کرده هنگامی که ایران می توانست در جنگ علیه عراق و دنیای عرب پیروز شود، ایالات متحده امریکا با افراشتن پرچم خود بر فراز نفتکشهای کویتی تلویحا اعلام داشت که پیروزی ایران غیر قابل قبول است؟» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۷۵- شماره ۵۱۳۰).

۲- ۱۹۲. رابرت هانتز طی مقاله ای در روزنامه لوس آنجلس تایمز می نویسد: «بدون تردید برخی از ایرانیان از حمله به امریکا در کشورشان استقبال خواهند کرد تا حرکت تازه ای به انقلاب بدهند و تا سالها از خصومت امریکا و ایران مطمئن گردند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۸ / ۴ / ۶۶، شماره ۱۰۱، رادیو امریکا ۷ / ۴ / ۶۶).

این تصور را به وجود آورده بود که امریکاییها در صورت برتری نظامی ایران، سرانجام تسلیم شرایط و واقعیات خواهند شد. به همین دلیل اساساً گرایش به سمت دیدگاه دوم وجود داشت. لیکن امام راحل با دریافت روشن از ماهیت و اهداف امریکا و با تأکید بر دیدگاه اول، ضرورت برخورد (۱) و مقابله با حضور نیروهای امریکا در منطقه را مورد تأکید قرار دادند.

اهداف امریکا از اسکورت نفتکشها، منجر به بروز بحث و مناقشات و اظهار نظرهای فراوانی در داخل امریکا شد. (۲) کیسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا، طی مقاله ای در هفته نامه ی انگلیسی ساندی تلگراف، ضمن اینکه اسکورت نفتکشها را ماهیتاً به سود عراق و به معنای حمایت از یکی از طرفین متخاصم ارزیابی می کرد، صحت و درستی این سیاست را مشروطه به دو مسئله کرد:

«جانبداری نظامی از عراق، فقط در صورتی درست است که تهدید آشکار تازه ای از طرف ایران نسبت به کشتیرانی مشاهده شود و ضمناً اقدام امریکا متضمن دستیابی به نتیجه قطعی باشد.»

ص: ۸۰

۱- ۱۹۳. در حالی که تصمیم گیری نسبت به برخورد نظامی با اولین حرکت اسکورت نفتکشها را امام خمینی به مسئولین واگذار کرده بود، لیکن در یک ملاقات خصوصی وقتی گزارش عبور نفتکشها را با اسکورت امریکاییها به استحضار امام خمینی رساندند، ایشان فرمودند: «اگر من بودم می زدم» و همین تدبیر، پایه و اساس فعالیتهای دریایی برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت. (سند شماره ۲۰۸۸۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، «اگر من بودم می زدم»، سال ۱۳۷۱).

۲- ۱۹۴. برژینسکی مشاور امنیتی کارتر، رئیس جمهور اسبق امریکا، علاوه بر تأکید نسبت به گسترش نیروهای امریکا در منطقه و استقرار آنها به صورت دراز مدت، خواستار اقدامات نظامی مستقیم علیه ایران شد. وی همچنین پیشنهاد کرد که محل استقرار موشکهای ایران در نزدیک کرانه های تنگه هرمز مورد حمله قرار گیرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ۹۸، ۵ / ۴ / ۶۶ خبرگزاری کویت، ۴ / ۴ / ۶۶، به نقل از هفته نامه ی لیترا توره گاز تا چاپ مسکو).

وی در این مقاله با بررسی ماهیت تشنج در منطقه خلیج فارس، با رد کردن «ظهور تهدید آشکار از سوی ایران»، نقش عراق را مورد تأکید قرار می دهد:

«مداخله ی عراق در لطمه زدن به جریان کلی صدور نفت از خلیج فارس، به طور مسلم از مداخله ی ایران بیشتر بوده است.»
(۱).

همچنین در این مقاله، کیسینجر در مورد اهداف امریکا، ضمن اشاره به «ممانعت از نفوذ شوروی در ایران» و «محدود کردن قدرت ایران در درون مرزهایش» ضرورت «ممانعت امریکا از پیروزی یکی از طرفین متخاصم» را مورد تأکید قرار داده و سپس می نویسد:

«هدف اصلی امریکا باید پایان دادن به جنگ ایران و عراق باشد.» (۲).

گری سیک یکی از کارشناسان برجسته امریکایی امور ایران در مورد تمایل جمهوری اسلامی برای درگیری با امریکا در روزنامه وال استریت ژورنال می نویسد:

«ایرانیان به رغم تمامی رجز خوانیهای آتشین، در حقیقت از درگیری نظامی مستقیم با ایالات متحده احتراز کرده اند. آنها هم اکنون مسئله جنگ با عراق را در پیش رو دارند و خواستار جنگ دیگری نیستند.» (۳).

خبرگزاری رویتر به نقل از کارشناسان نظامی خصوصی و پنتاگون، با تأکید بر کاهش توان نظامی ایران در جنگ با عراق می نویسد:

«نیروهای نظامی ایران که بر اثر جنگ هفت ساله با عراق تحلیل رفته اند، به هیچ وجه یارای رقابت با نیروهای امریکایی را نخواهند داشت.» (۴).

علاوه بر پیشینه ی تاریخی رفتار ایران طی سه سال گذشته در منطقه ی خلیج فارس، عامل دیگری که در بررسی سیاست احتمالی ایران در برابر امریکا

ص: ۸۱

۱- ۱۹۵. در این زمینه، رادیو امریکا در تاریخ ۲ / ۴ / ۶۶، به نقل از گزارش وال استریت ژورنال در مورد مسئولیت عراق، به نقل از یکی از مقامات وزارت خارجه امریکا می نویسد: «عراق مسئولیت حمله به ۶۱ درصد از نفتکشها را به گردن دارد.»

۲- ۱۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۹۴، ۱ / ۴ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۳۱ / ۳ / ۶۶، مقاله ی کیسینجر در هفته نامه ی انگلیسی ساندی تلگراف.

۳- ۱۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۲، ۹ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۸ / ۴ / ۶۶، روزنامه ی وال استریت ژورنال.

۴-۱۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۱، ۶۶/۴/۲۸، خبرگزاری رویترا، ۶۶/۴/۲۷.

مورد اشاره قرار می گرفت، خصلت سیاست تهاجمی عراق بود. در این تحلیل به موقعیت خلیج فارس و نقش آن در اقتصاد ایران نیز اشاره می شد. در این زمینه آنتونی پارسونز سفیر اسبق انگلیس در ایران می گوید:

«برخلاف عراق، تمام صادرات و واردات این کشور از طریق خلیج فارس انجام می شود، بنابراین برای ایران نفعی ندارد که خلیج فارس را به صورت جبهه جنگ درآورد.»

وی سپس اضافه می کند:

«حرفهایی نظیر اینکه خلیج فارس را گورستان امریکا خواهیم کرد، چیزی جز الفاظ نیست که باید در مقابل شیطان بزرگ گفته شود. این عراق بود که در سال ۱۹۸۸ حمله به کشتیها را در خلیج فارس آغاز و البته ایران تلافی جویی کرد.» (۱).

در روزنامه کریستین ساینس مانیتور، ماهیت اقدامات ایران از منظر دیگری مورد بررسی قرار گرفته است:

«مطمئناً ایرانیان نه میانه رو شده و نه علاقه ای به نشان دادن ژستهای آشتی جویانه در برابر ایالات متحده دارند. آنان نمی خواهند که آزادی عمل خویش را در تعقیب عراق در خلیج فارس از دست بدهند. حتی اگر این امر مستلزم رویارویی و برخورد با ایالات متحده باشد.»

... آیت الله ها که رژیم خویش را در آستانه یک پیروزی حماسی بر عراق می بینند، نمی خواهند خطر راندن شیطان بزرگ به آغوش مشتاق عراقیها را که از حمایت شوروی نیز برخوردارند موجب شوند و بدین ترتیب، پیامد جنگی را که ایرانیان طی آن فداکاریهای بسیار کرده اند به خطر بیندازند. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که اغلب حملاتی که علیه نفتکشها به عمل آمده از جانب عراق بوده و تهران تاکنون از حمله به کشتیهای امریکایی در خلیج فارس خودداری کرده است.» (۲).

ص: ۸۲

۱- ۱۹۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۳۱ / ۶۶.

۲- ۲۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۲ / ۴ / ۶۶.

انتشار خبر دسترسی سپاه به موشکهای کرم ابریشم توسط دستگاههای اطلاعاتی امریکا (۱) و نقشی که ناظران غربی برای کاربرد و تأثیر آن به هنگام مقابله به مثل ایران در برابر امریکا قائل بودند، در کنار قایقهای تندرویی که در اختیار سپاه قرار داشته و تجهیز و سازماندهی شده بودند، سبب گردید که از همان ابتدا تواناییها و رفتار احتمالی ایران مورد توجه قرار گیرد. چنانکه یکی از تحلیلگران غربی که مایل به افشای نام خود نبود، در مورد تهدید احتمالی پاسداران علیه امریکا می گوید:

«بزرگترین تهدید، احتمالاً- حملات انتحاری با قایقهای کوچک و از این قبیل خواهد بود. پاسداران انقلاب، پیروان پر شور آیت الله روح الله خمینی، نیرومندترین تهدید به شمار می روند.» (۲).

پارسونز، سفیر اسبق انگلیس در ایران نیز در مورد رخدادهای احتمالی می گوید:

«اگر اتفاقی بیفتد، نوعی عمل متهورانه و خودنمایانه از طرف پاسداران خواهد بود.» (۳).

جان هیوز، یکی از تحلیلگران امریکایی نیز با اشاره به شکل گیری سناریوی جدید میان ایران و امریکا، ضمن اظهار نگرانی از بروز جنگ تمام عیار میان دو کشور، «دخالت ایران در اقدامات تروریستی و نظامی در سطح کوچک و تحریک آمیز» را به عنوان بخشی از سناریوی احتمالی ذکر می کند. (۴).

«تاکتیک ایران» برای مقابله با امریکا از جمله مسائلی بود که مورد توجه روزنامه وال استریت ژورنال قرار گرفت:

«یک جنگ تمام عیار، احتمالاً- خواست ایران نیست و می تواند برای امریکا یک فاجعه استراتژیک باشد. تحلیل گران اطلاعاتی امریکا بر این باورند که ایران احتمالاً درصدد دست زدن به حملاتی است که آشکارا پای تهران را در میان نکشد، ولی همزمان حامل این پیام باشد که آن

ص: ۸۳

۱- ۲۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۴ / ۴ / ۶۶، به نقل از روزنامه نیویورک تایمز.

۲- ۲۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۲ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۶۶ /

۴- ۲۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، شماره ۹۸، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

کشور نمی تواند حضور رو به گسترش ایالات متحده در خلیج فارس را دست کم بگیرد.» (۱).

در مجموع به نظر می رسد که امریکاییها چنین پیش بینی می کردند که ایران در خلیج فارس قادر به جنگ کلاسیک با امریکا نخواهد بود. ضمن اینکه فاقد تمایل و توانایی لازم برای انجام این امر می باشد. در نتیجه، اقدامات محدود ایران با تأکید بر روشهای غیر متعارف و ابتکاری، همراه با حمله به منافع امریکا در منطقه خلیج فارس، از جمله نگرانی امریکاییها بوده که تدابیری را نیز برای هشدار و مقابله با ایران اتخاذ کردند. به نظر می رسد امریکاییها براساس این تحلیل، موانع قابل توجهی را برای تأمین اهداف و منافع خود در منطقه مشاهده نمی کردند. علاوه بر این «گسترش نفوذ شوروی در منطقه» در صورت درگیری ایران و امریکا، بخش دیگری از نگرانی امریکاییها را تشکیل می داد. چنانکه ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه امریکا در همین زمینه می گوید:

«جنگ ایران و عراق و توسعه احتمالی آن، به شوروی امکان خواهد داد بر نفوذ خود در این ناحیه بیفزاید و این خطر مستقیماً متوجه ایران نیز خواهد بود.» (۲).

یکی از تحلیلگران با درج مقاله ای در روزنامه امریکایی کریستین ساینس مانتور، در مورد بازگشت شوروی به صحنه خاورمیانه، با اشاره به فعالیت روسها در دوران گورباچف می نویسد:

«شوروی ظرف دو سال گذشته با عمان و امارات عربی متحده رابطه دیپلماتیک برقرار کرده و تماسهای خود را با عربستان سعودی افزایش داده و با اجاره کردن سه کشتی به کویت، خود را در زمره زورمندان و متنفذان صحنه سیاست خاورمیانه قرار داده است. توفیق شورویها در خلیج فارس آنچنان چشمگیر بوده که حتی برخی از ناظران امریکایی توصیه کرده اند که ایالات متحده در دفاع از امنیت خلیج فارس و تلاش در راه پایان

ص: ۸۴

۱- ۲۰۵. مأخذ شماره ۶۴.

۲- ۲۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱/۴/۶۶، رادیو امریکا، ۹/۴/۶۶.

دادن به جنگ ایران و عراق، با شوروی همکاری کند.» (۱).

در هر صورت ابعاد و پیچیدگیهای اقدام آمریکا مبنی بر اسکورت نفتکشهای کویت در خلیج فارس سبب گردید تا کنگره آمریکا برای تصویب لایحه‌ی پیشنهادی از سوی ریگان، رئیس جمهور وقت آمریکا، با بحثهای فراوانی رو به رو شود. احتمال از دست رفتن نفوذ آمریکا در منطقه نیز موجب نگرانی دولت آمریکا بود که اعضای کنگره نسبت به آنها حساس بودند. به همین دلیل واینبرگر، وزیر دفاع وقت آمریکا، به منظور توجیه اعضاء کنگره، با حضور در کنگره آمریکا اظهار داشت:

«این عملیات خالی از ضرر نیست. به دور از خطر نیز وانمود نشده است، ولی به اعتقاد من خطرات انجام ندادن آن به مراتب بیشتر است.» (۲).

سرانجام در جلسه‌ی ای که به منظور بررسی لایحه‌ی اسکورت نفتکشها در کنگره آمریکا تشکیل شد، سخنگوی کاخ سفید، بیانیه ریگان را برای حاضرین قرائت کرد. در این بیانیه، ضمن تأکید بر استراتژی آمریکا برای حفظ منافع این کشور در خلیج فارس و ضرورت فوری پایان یافتن جنگ از طریق مذاکره و بدون اینکه غالب و مغلوبی در کار باشد، به تلاش آمریکا در تصویب قطعنامه ۵۹۸ اشاره شده بود. (۳) در این بیانیه آمده بود:

«ما به همکاری نزدیک با دوستان و متحدانمان و با کنگره برای کاستن از تهدید امنیتی در خلیج فارس ادامه خواهیم داد. امروز هدفهای عمده دولت در خلیج فارس، کمک به دوستان عرب میانه رو در دفاع از خویش، بهبود فرصتهایی برای صلح و نشان دادن این مسئله است که سیاست ارباب ایران کارگر نخواهد بود. بقیه‌ی اهداف ما عبارتند از یافتن یک راه حل عادلانه برای جنگ ایران و عراق که ضامن حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت هر دو طرف باشد، محدود کردن گسترش حضور و نفوذ شوروی در این منطقه استراتژیک و پیشگیری از بروز اختلال در جریان

ص: ۸۵

۱- ۲۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۴، ۶۶/۴/۲۱، رادیو آمریکا، ۶۶/۴/۲۰.

۲- ۲۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۶۶/۴/۱۱، رادیو آمریکا، ۶۶/۴/۱۰.

۳- ۲۰۹. پیشین، رادیو آمریکا، ۶۶/۴/۹.

نفت. دولت در هفته های آتی با دیپلماسی فعال و نیرومند به پیگیری این هدفها ادامه خواهد داد.» (۱).

سرانجام، به رغم اختلاف نظرهایی که در کنگره امریکا وجود داشت، با توجه به احتمال تضعیف موقعیت امریکا در منطقه و تهدید منافع این کشور، لایحه ی پیشنهادی دولت در تاریخ ۹ / ۴ / ۶۶ در کنگره به تصویب رسید. (۲).

واکنش شوروی نسبت به حضور امریکا در منطقه

روسها تا پیش از تصویب لایحه اسکورت نفتکشهای کویت در کنگره امریکا، با توجه به مناقشاتی که در این زمینه در محافل سیاسی و اجتماعی امریکا وجود داشت و اختلاف نظر موجود در کنگره و همچنین احتمال درگیری ایران و امریکا و حساسیت افکار عمومی امریکا نسبت به این مسأله، به ویژه پس از اصابت موشک هواپیمای عراقی به ناو استارک، چنین تصور می کردند که امریکاییها سرانجام از اقدام به این کار منصرف خواهند شد. لیکن پس از تصویب لایحه در کنگره امریکا، دولت شوروی رسماً بیانیه ای صادر کرد. در این بیانیه ابتدا رشد تشنج خطرناک در خلیج فارس و به علت افزایش کشتیهای جنگی در منطقه، مورد تأکید قرار گرفته و سپس جنگ ایران و عراق به عنوان «جنگ طولانی و بی مفهوم» و عامل مؤثر در «بدتر شدن اوضاع» مورد اشاره قرار گرفته بود. در ادامه بیانیه شوروی آمده بود:

«در نتیجه، وقایع در این منطقه به مرز خطرناکی می رسد که در آن سوی آن، مخاطرات درگیری منطقه ای منجر به یک اوضاع بحرانی بین المللی خواهد شد. دقیقاً واضح است که اگر این جریانات به موقع متوقف نشده و تحت کنترل قرار نگیرند ممکن است به یک تهدید جدی صلح و ثبات بین المللی مبدل شوند.» (۳).

تکیه بر کلماتی همچون «گسترش درگیری در منطقه» و تبدیل آن به یک

ص: ۸۶

۱- ۲۱۰. پیشین.

۲- ۲۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۱۰ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۵ / ۴ / ۶۶، ۱۰۸، خبرگزاری تاس، ۱۴ / ۴ / ۶۶.

«بحران بین‌المللی» و تأثیر آن بر صلح و ثبات بین‌المللی، نشان‌دهنده‌ی میزان حساسیت و در عین حال نگرانی و ناخشنودی روسها نسبت به گسترش حضور امریکا در منطقه بود. در این بیانیه، دولت شوروی، امریکا را به بهره‌برداری از اوضاع جهت دستیابی به طرح‌های دیرپای توسعه‌طلبی نظامی - سیاسی در این منطقه مهم و استراتژیک جهان متهم می‌کند. (۱).

همچنین به منظور بهبود اوضاع، شورویها پیشنهاد کردند که:

«کلیه‌ی کشتیهای جنگی کشورهای که در این منطقه واقع شده‌اند به فوریت از خلیج فارس خارج شوند و ایران و عراق به سهم خود از اقداماتی که کشتیرانی بین‌المللی را تهدید می‌کند، خودداری کنند.» (۲).

این پیشنهاد مشخصاً به زیان امریکا و عراق بود. گرچه در همین بیانیه به عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی که مستقیماً متوجه ایران بود نیز اشاره شد.

بیانیه شوروی بازتاب نسبتاً گسترده‌ای داشت. چنانکه رادیو لندن در گزارش خبری خود گفت که این شدیدترین انتقاد از جانب شوروی محسوب می‌شود. (۳).

استقبال ایران از پیشنهاد شوروی، بر اهمیت بیانیه‌ی شورویها افزود. چنانکه معاون وقت وزیر خارجه ایران، طی ملاقات با سفیر وقت شوروی در ایران، مواضع کشور خود را مبنی بر ضرورت خروج ناوهای جنگی خارجی از خلیج فارس مورد تأکید قرار داد. (۴) در واقع، بیانیه‌ی شوروی ضمن اینکه نشانه مخالفت رسمی و آشکار مسکو با اقدامات امریکا ارزیابی می‌گردید، در عین حال نشانه‌ی نزدیکی مواضع ایران و شوروی (۵) و در نتیجه افزایش موقعیت و نفوذ

ص: ۸۷

۱- ۲۱۳. پیشین.

۲- ۲۱۴. پیشین.

۳- ۲۱۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۷، ۱۴ / ۴ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۱۳ / ۴ / ۶۶.

۴- ۲۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۴ / ۴ / ۶۶.

۵- ۲۱۷. این مسئله به گونه‌ای بود که حتی در برخی رسانه‌ها چیزهایی مبنی بر توافق پنهان ایران و شوروی درباره عدم حمله ایران به کشتیهای شوروی در برابر حمایت شوروی از ایران در صورت اعمال تحریم نظامی علیه ایران در سازمان ملل، مورد اشاره قرار گرفت.

شوروی در منطقه نیز محسوب می شد. در این زمینه مقاله ی روزنامه ی کریستین ساینس مانیتور قابل توجه است. در این مقاله به نقل از یک دیپلمات عرب ضمن تأکید بر «ترمیم روابط شوروی با اعراب»، به تقویت رابطه با کویت و اتحاد نزدیک تر با عراق و همچنین بهبود رابطه با ایران تأکید شده است:

«در این لحظه، شورویها تنها قدرت عمده ای هستند که هم با ایران و هم با عراق پیوسته در گفتگویند.» (۱).

تأکید بیانیه ی مسکو بر خروج ناوهای جنگی از منطقه، منجر به پیدایش این استنباط شد که شوروی در نظر دارد پایان بخشیدن به بحران در خلیج فارس را از مسئله پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق تفکیک نماید. این مسئله منجر به عکس العمل شدید عراق شد. چنانکه روزنامه الثورة، ارگان حزب بعث عراق اعلام کرد: «عراق با توطئه تفکیک جنگ مخالف است.» (۲) نزار حمدون سفیر عراق در سازمان ملل نیز طی سخنانی اعلام کرد:

«پیشنهاد پایان دادن به جنگ نفتکشها، خارج از چارچوب راه حلی برای خاتمه دادن به کل نبرد، پیشنهادی عبث و مسخره است.»

وی در مخالفت با موضع گیری شورویها، ضمن تأکید بر اینکه: «هیچ قانون بین المللی کشوری را از یاری دادن به کشور دیگر منع نمی کند.» افزود:

«امریکا محق است که از منافع خود محافظت کند.» (۳).

صدام نیز طی سخنانی به مناسبت سالگرد انقلاب عراق، ضمن تأکید بر موافقت عراق با «صلح کلی» از هر گونه کوشش جهت تجزیه جنگ یا تقسیم آن به مناطق مختلف، به عنوان تلاشهای مشکوک جهت ادامه جنگ و تشویق گرایش تجاوزکارانه ایران نام برد. صدام در این سخنرانی با اشاره به ضرورت تلاش قدرتهای بزرگ برای پایان دادن به جنگ، می گوید:

«ما همچنین به این قدرتها هشدار دادیم که ادامه جنگ در این منطقه حساس حتما به عواقب وخیمی منجر خواهد شد و شما زمانی با وضعیت

ص: ۸۸

۱- ۲۱۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۱، ۱۸ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۶ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۳، ۲۰ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری عراق، ۱۹ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۶، ۲۳ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۲ / ۴ / ۶۶، سخنان نزار حمدون در مرکز مطالعات استراتژیک و بین الملل.

سخت و خطرناکی مواجه خواهید شد که عملاً نخواهید توانست آنرا کنترل نمایید. لذا شما نیاستی به طور منفی در برابر آن بایستید و فقط به سخن و اظهار نظر اکتفا نمایید.» (۱).

اظهارات مقامات عراقی و صدام به طور مشخص، موضعگیری در برابر بیانیه دولت شوروی و همچنین پیشنهاد ایران مبنی بر آمادگی برای رعایت آتش بس در خلیج فارس بود که بیان شد.

آغاز اسکورت نفتکشها و برخورد کشتی امریکایی با مین

در عین حالی که امریکاییها در تبلیغات، برتری نظامی خود را مورد تأکید قرار می دادند، لیکن با رعایت جوانب احتیاط، تدابیر خاصی را اتخاذ کردند که قابل توجه بود. آنها نسبت به پنج منطقه در خلیج فارس برحسب موقعیت جغرافیایی و قابلیت‌های دفاعی و نظامی ایران حساسیت داشتند: (۲).

۱- استقرار موشک ساحل به دریا، موسوم به کرم ابریشم (Silkworm) در دهانه ورودی تنگه هرمز.

۲- استفاده از جزیره ابو موسی و موقعیت‌های جغرافیایی مشابه (جزیره سیری) که با استفاده از قایق‌های تندرو امکان تهاجم سریع و موفقیت آمیز را به کاروان اسکورت نفتکشها فراهم می ساخت.

۳- امکان تهاجم هوایی و هلیکوپتری در نقاط مختلف خلیج فارس، در حد فاصل جزیره سیری تا رو به روی سواحل قطر.

۴- امکان تهاجم شناوری در محدوده ی عمومی جزیره فارسی در شمال خلیج فارس.

ص: ۸۹

۱- ۲۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری عراق، ۲۶ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۲۲. این بخش با استفاده از گزارش معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه تحت عنوان «اگر من بودم می زدم»، سال ۷۱، سند شماره ۲۰۸۸۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ نوشته شده است.

۵- کانال ورودی بندر الاحمدی کویت و احتمال مین گذاری مجدد در این کانال.

ناوگان اسکورت نفتکشها و همچنین ناوگان پشتیبانی کننده متعلق به نیروهای خاورمیانه ای فرماندهی مرکزی امریکا در منطقه حضور یافتند. در مجموع قریب ۲۰ فروند ناو جنگی که بعدها به ۵۰ فروند افزایش یافت برای عملیات اسکورت نفتکشها در نظر گرفته شد که عبارت بودند از گروه ناو هواپیما بر سنگین و تهاجمی کانستلیشن (Constlation) شامل ۷ فروند ناوهای همراه، ۶ فروند فریگیت موشک انداز (FFG) و حداقل سه فروند ناوشکن معمولی (DD) و موشک انداز (DDG)، دو فروند رزمناو (CG) و یک فروند نبرد ناو (Battl ship) و یک فروند ناو سرفرماندهی و ارتباطات الکترونیکی موسوم به ناو لاسال (۱). (Lasal).

سرانجام پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای

ص: ۹۰

۱- ۲۲۳. در اینجا به مأموریتها و تواناییهای ۵ ناو جنگی شرکت کننده در عملیات مستقیم اسکورت و همچنین ناو هواپیما بر کانستلیشن برابر مندرجات گزارش نیروی دریایی سپاه پاسداران (اگر من بودم می زدم) اشاره می شود: ۱- ناو هواپیما بر کانستلیشن (Constlation) با شماره بدنه ۶۴ از ناوهای هواپیما بر سنگین و تهاجمی می باشد که در تحرکات دریایی ارتش امریکا نقش عمده ای را ایفا نموده است. این ناو با تناژ بیش از ۸۰۰۰۰ تن، در میان ناوهای هواپیما بر در کلاسهای مختلف و همچنین سایر کلاسهای نوع خود یعنی کیتی هاوک و جان اف کندی، سنگین ترین وزن را با هواپیماهای مستقر در عرشه خود و با طول ۳۱۸ / ۸ متر، عرض ۳۹ / ۶ متر و آبخور ۱۱ / ۳ متر و طول باندها ۸۰ متری پرواز به خود اختصاص داده است. تجهیزات مدرن این ناو شامل ۴ عدد فلاخن مخصوص پرتاب هواپیماهای جنگنده مستقر در این ناو، حدود ۹۰ فروند جنگنده که از شکاریهای رهگیر F- ۱۸ و F- ۱۴ تا بمب افکن A- ۶ Prowler و هواپیماهای جنگ الکترونیک A- ۷ و هشدار هوایی S۳ - Viking ... می باشد که آن را در ردیف ناوهای هواپیما بر چند منظوره قرار داده است حداقل ۳ سایت موشکی آن با سیستم دفاعی پیچیده ی BPdms و موشکهای سی اسپارو (Sea Sparow) و سه سیستم توپهای مدرن ضد موشکی فالانکس (Phalanx) قادر به ایجاد دیواره آتش در مقابل موشک مهاجم با نواخت حدود ۶۰۰۰ تیر در دقیقه می باشد. این ناو با سرعت ۳۰ گره دریایی در ساعت و ۵۶۴۱ نفر خدمه که ۲۴۸۰ نفر از آنها را خدمه ی یگان پرواز تشکیل می دهند همچون یک جزیره ی متحرک نظامی است. ۲- رزمناو و موشک انداز فوکس (Fox) از کلاس بلک ناپ (Belknap) با شماره ی بدنه ۳۳، ناو فرماندهی اسکورت فوق بوده که با تناژ ۸۰۰۰ تنی و طول ۱۶۶ / ۷ متر و عرض ۱۶ / ۷ متر و آبخور ۸ / ۸ متر، قابلیت حمل یک فروند هلی کوپتر و موشکهای ضد سطحی هارپون (Harpon) و تام هاوک (TamHowk) با برد ۲۵۰۰ کیلومتر بر علیه هدفهای عمقی و موشکهای ضد هوایی استاندارد و توپهای ۱۲۷ میلیمتری و ۲ قبضه سیستم توپ ضد موشکی مدرن فالانکس نقش عمده ای را در این عملیات ایفاء نمود سرعت ۳۳ گره دریایی این ناو تحرک فوق العاده ای به آن بخشیده که در کنار سیستمهای جنگ افزار و الکترونیک آن که با صرف ۲۰۰ میلیون دلار به یکی از رزمناوهای مورد قبول نیروی دریایی امریکا تبدیل شده، باعث گردید تا در بسیاری از مانورهای تجاوزگرانه قبلی امریکا به عنوان ناو اسکورت ناو هواپیما بر جان اف کندی درآید. خدمه این ناو ۵۱۳ نفر و از جمله ۲۵ افسر می باشند. ۳- ناوشکن موشک انداز

کید (Kidd) با شماره بدنه DD=۳۹۹ از دیگر ناوهای جنگی کارآمد آمریکا در منطقه بود و این ناوشکن در زمره ی سفارش ۴ فروند ناوشکن از سوی رژیم سابق ایران به آمریکا بوده که ساخت و تکمیل آن تا سال ۱۹۸۱ به طول انجامید و با لغو قرار داد مذکور نام این ناوشکن از کوروش به کید تغییر یافته و با توجه به تناسب آن جهت مانور در آبهای کم عمق و کم وسعت، به همراه یکی دیگر از ناوشکنهای مذکور با نام تغییر یافته چاندلر (Chandler) در زمره ی ناوگان نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس در آمد این ناوشکن ۸۳۰۰ تنی، با طول ۶ / ۱۷۱ متر، قابلیت حمل ۲ فروند هلی کوپتر را داشته و با تجهیزات موشکهای سطحی هارپون و هوایی استاندارد و ۲ قبضه توپ ۱۲۷ میلیمتری (۵ اینچی) و دو سیستم توپهای ضد موشکی فالانکس (MK-۱۶-clws) و سیستم ضد زیر دریایی (Asroc) با سرعت ۳۳ گره دریایی، یکی از ناوهای مخصوص در جنگهای عمومی و چند منظوره می باشد که توان درگیری در سه پروسه جنگ ضد هوایی، سطحی و ضد زیر دریایی را دارا است. این ناوشکن نوع تغییر یافته ناوشکن کلاس اسپرنس (Sprance) و یکی از بهترین ناوشکنهای نیروی دریایی آمریکا بوده و مأموریت آن به خصوص از هنگام عبور از مقابل سایت موشکهای کرم ابریشم ایران مفهوم و معنی خاصی را به خود گرفته بود. ۴- فریگیت موشک انداز کروملین (Crommelin) از کلاس اولیورهازاردپری (Oliver Hazardperry) به شماره بدنه ۳۷ - FFG که در نیروی دریایی آمریکا به ناو پاسور (اسکورت کننده) مشهور هستند، در این عملیات به منظور دفاع از کاروان کشتیها در قبال تهاجم قایقهای تندرو و نیز کشف اهداف زیر دریایی به کار گرفته شده بود. فریگیت فوق در سال ۱۹۸۳ به آب انداخته شده و یکی از جدیدترین ناوهای پاسور از میان بیش از ۵۰ فروند ناو پاسور آمریکا در کلاس یاد شده می باشد که با طول ۶ / ۱۳۵ متر و توان حمل هلی کوپتر، موشکهای سطحی هارپون، موشکهای ضد هوایی استاندارد، توپهای ۷۶ میلیمتری، سیستم ۲۰ میلیمتری فالانکس، سونار کشف اهداف زیر دریایی و اژدرها، با ۲۹ گره سرعت، قابلیت خوبی را در انجام مأموریتهای محوله دارد این ناو در لحظه برخورد نفتکش بریجتون در جلوی کاروان به منظور کشف مینهایی که احتمالاً در مسیر کاروان کار گذاشته می شدند انجام وظیفه می کرد. ۵- رزنا و موشک انداز ریورز (Revers) از کلاس لهی (Leahy) نیز با شماره بدنه ۲۴ و ۸۰۰۰ تن ظرفیت جابجایی، یکی از ناوهای جنگی آمریکا بود که در هنگام عبور کاروان از مقابل جزیره ی ابوموسی در شب هنگام به صورت فوق برنامه به کمک کاروان مذکور آمده است. این ناو ۱۶۳ متری با تجهیزاتی مانند موشکهای سطحی هارپون، موشکهای هوایی استاندارد و ۲ سیستم توپهای فالانکس و سایر تجهیزات ضد زیر دریایی، با ۳۳ گره سرعت و ۵۱۳ نفر خدمه توانست با فریگیت کروملین با دادن پوشش به جناح شمالی ناوگان اسکورت و در طی مدت عبور از مقابل جزیره ی ابوموسی نقش خود را در این عملیات به انجام رسانده و سپس از کاروان جدا گردد. در خاتمه ی این بحث یکبار دیگر به استعداد ناوگان پشتیبانی کننده این عملیات که بالغ بر ۲۰ فروند ناو جنگی بوده اشاره می نمایم تا این حادثه عمق ضربات وارده بر ناوگان متجاوز دشمن را بیش از پیش آشکار سازد.

امنیت سازمان ملل در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۶۶، تنها به فاصله یک روز بعد، در

ص: ۹۱

ساعت ۳۷:۷ روز چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۶۶، کاروان اسکورت نفتکشها با فرمان رئیس جمهور امریکا و با ابلاغ مقامات پنتاگون، عملیات خود را با هدف تاکتیکی اسکورت دو فروند کشتی کویتی در مسیری ۶۰۰ مایلی آغاز کردند. امریکا قبل از آغاز اسکورت نفتکشها از عراق درخواست کرد که موقتا از حمله علیه نفتکشها در خلیج فارس خودداری نماید. (۱) به گزارش روزنامه القبس رژیم عراق در پاسخ به درخواست امریکا حمله به نفتکشهای ایران را به عنوان اهداف جنگی عراق اعلام کرد. (۲).

در اولین مرحله از اسکورت نفتکشها، دو نفتکش با پرچم امریکا به نامهای بریجتون و گاز پرنس هر کدام با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن (یا ۵ / ۲ میلیون بشکه نفت) و تحت حمایت سه ناو جنگی امریکا به نامهای «ناوشکن کید»، «رزمناو فوکس» و «کشتی موشک انداز کروملین» حرکت خود را از مبدا ۱۳ مایلی سواحل امارت متحده عربی به مقصد کویت آغاز کردند. (۳).

آرایش ناوهای امریکا برای اسکورت نفتکشها بدین شکل بود که ناوشکن موشک انداز فوکس در جلو و فریگیت موشک انداز کروملین با حفظ فاصله نیم مایل، مسئولیت تأمین جناح چپ کاروان را برعهده داشت. سوپر تانکر بریجتون در وسط و در پشت ناوشکن فوکس و کشتی گاز پرنس با رعایت فاصله یک مایلی در پشت بریجتون قرار داشتند. مجموعه کاروان یک پیکان یا لوزی دمدار را تشکیل می داد. سرعت کاروان به طور تقریبی ۱۳ گره دریایی در ساعت و براساس حداکثر سرعت تقریبی نفتکش بریجتون تنظیم شده بود. (۴).

ص: ۹۲

۱- ۲۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۶۶ / ۴ / ۳۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۴ / ۳۰.

۲- ۲۲۵. پیشین.

۳- ۲۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۵، ۶۶ / ۵ / ۱، رادیو امریکا، ۶۶ / ۴ / ۳۱.

۴- ۲۲۷. سند شماره ۲۰۸۸۳۴، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، اگر من بودم می زدم، ۱۳۷۱، ص ۲۳.

امریکاییها به منظور پوشش تبلیغاتی عملیات اسکورت، ۱۰ تن از خبرنگاران را با تأیید پنتاگون از یک مجموعه چند صد نفری خبرنگاران انتخاب و تحت عنوان نمایندگان ائتلاف مراکز خبری، (۱) در ناوهای جنگی اسکورت کننده و نفتکش مستقر کردند. در عین حال، پنتاگون کلیه گزارشهای خبری را که خبرنگاران جمع آوری می کردند، قبل از انتشار کنترل می کرد. (۲).

در همین اوضاع، در حالی که ابهامات زیادی در مورد به سلامت رسیدن اولین کاروان اسکورت نفتکشها وجود داشت، داگلاس رابرت، خبرنگار صدای امریکا از کویت به نقل از کارشناسان اعلام کرد که به رغم جنگ لفظی ایران، کاروان دریایی کویت سالم به مقصد خواهد رسید. (۳) روزنامه الوطن چاپ کویت، ضمن خرسندی از اسکورت نفتکشها، رویدادهای مربوط به این حادثه را دنبال کرده و نسبت به سلامت کاروان کاملاً امیدوار بود.

در حالی که هنوز کاروان نفتکشها به مقصد نرسیده بودند، آنتونی کردزن، یکی از مقامات سابق وزارت دفاع امریکا با اشاره به محدودیت ابزار و وسایل ایران برای جنگ دریایی اعلام کرد:

«به نظر نمی رسد مسئله ای پیش آید مگر اینکه ایران علاقه مند به پذیرش خطر باشد و این مسئله نیز در حال حاضر چندان بخردانه به نظر نمی آید... در این ماجرا ایران قدرتی است که در برابر نیروی دریایی امریکا آسیب پذیر است.» (۴).

رادیو بی. بی سی در بخش انگلیسی خود با اشاره به عبور کاروان نفتکشها و ناوهای جنگی از تنگه هرمز، نظر خبرنگار دفاعی نشریه نیویورک تایمز را در مورد احساس ریگان نسبت به عبور از تنگه هرمز نقل کرد:

ص: ۹۳

۱ - ۲۲۸. نمایندگان ائتلاف شامل خبرنگاران مجله تایم، واشنگتن پست، نایت رایدر، آسوشیتد پرس، شبکه CBA، یونایتد پرس و اینترنشنال بود.

۲ - ۲۲۹. پیشین.

۳ - ۲۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۶۶ / ۴.

۴ - ۲۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۶، ۲ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۶۶.

«فکر می‌کنم احساس امریکا آن است که ایران جرأت حمله مستقیم را نخواهد داشت و اگر هم اشتباهها دست به چین کاری بزند امریکا توان مقابله نظامی با آن را خواهد داشت بنابراین در حال حاضر در این مورد خوش بینی وجود دارد.» (۱).

در این حال، سفیر عراق در سازمان ملل و همچنین سفیر عراق در لندن طی مصاحبه‌های جداگانه‌ای، بر حق عراق برای حمله به نفتکشهای ایران به منظور پایان دادن به جنگ تأکید کردند. (۲).

در وضعیتی که کلیه رسانه‌ها برای پوشش خبری اسکورت نفتکشها بسیج شده بودند و کاروان نفتکشها همراه با ناوهای جنگی امریکا در ۲۷ کیلومتری جنوب شرقی کویت قرار داشتند، نفتکش بریجتون ناگهان با مین برخورد کرد. بنا بر گزارشها، شدت انفجار به گونه‌ای بود که برخی از خبرنگاران و ملوانان از روی عرشه به دریا پرتاب شدند (۳) و کاروان از سرعت خود کاست.

با توجه به پوشش وسیع خبری اولین مرحله اسکورت نفتکشها و جنگ روانی که امریکاییها در این زمینه به راه انداختند، بازتاب این حادثه بسیار گسترده و قابل توجه بود. در حالی که تا پیش از این، امکانات و تواناییهای دفاعی امریکا برای مقابله با هر حادثه ممکن و قدرت کنترل اوضاع مورد تأکید قرار می‌گرفت، ناگهان نقش ایران در کار گذاشتن مین، وضعیت دشوار کشتیها و محدودیت آنها برای عبور از آبراهها با توجه به عمق کم آن مورد توجه قرار گرفت. رادیو لندن به نقل از کارشناسان امور کشتیرانی گفت:

«اصابت با مین بزرگترین خطری است که نیروی دریایی امریکا را در آن آنها تهدید می‌کند، چرا که عملیات مین یابی بسیار دشوار و طرح ریزی یک واکنش نظامی با آن تقریباً غیر ممکن است.» (۴).

همچنین در زمانی که مسئولان کویتی کاملاً نسبت به اسکورت نفتکشها خرسند و در انتظار رسیدن آنها به مقصد بودند، برخورد کشتی نفتکش به مین،

ص: ۹۴

۱- ۲۳۲. پیشین.

۲- ۲۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۶۶.

۳- ۲۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۲ / ۵ / ۶۶.

۴- ۲۳۵. پیشین.

آنها را در بهت و حیرت فروبرد و ضعف و ناتوانی امریکا برای مقابله با مین ها، برای امریکا «شرم آور» خوانده شد. (۱) سفیر امریکا در کویت بلافاصله ایران را مسؤول انفجار مین دانست و در عین حال تأکید کرد که این اقدام منجر به لغو تلاشهای امریکا برای حفاظت از نفتکشها نخواهد شد. (۲) برخلاف اظهارات سفیر امریکا در کویت، سخنگوی کاخ سفید در مجمع خبرنگاران اعلام کرد: «مشخص کردن عامل این حادثه مشکل است.» همچنین بر این نکته تأکید کرد که در حال حاضر اقدام تلافی جویانه از سوی امریکا تحت بررسی نیست. (۳).

مقامات پنتاگون در توجیه این حادثه اعلام کردند:

«بیش از ۹ دیده بان مستقر در عرشه ی ناوگان امریکایی که نیم مایل جلوتر از بریجتون حرکت می کرد، نتوانستند مین را تشخیص دهند. چون این مینها در عمق آب کار گذاشته می شوند.» (۴).

نخست وزیر وقت انگلیس با نگرانی نسبت به عکس العمل امریکا، به این کشور توصیه کرد که با آرامش از خود واکنش نشان دهد. وی تأکید کرد که استراتژی اصلی باید این باشد که در عین باز نگهداشتن کشتیرانی، از شدت بحران بکاهیم. وی همچنین اضافه کرد که این کشتی در جایی به مین برخورد کرد که انتظار آن نمی رفت. (۵).

در چنین اوضاعی آقای هاشمی در همان روز که نفتکش بریجتون با مین برخورد کرد در نماز جمعه تهران در پاسخ به موضع گیری عراق مبنی بر حمله به نفتکشهای ایران، اعلام کرد:

«اگر عراق به مراکز اقتصادی و تأسیسات ایران حمله کند، ایران متحدین منطقه ای عراق را مورد حمله قرار خواهد داد.» (۶).

پس از اصابت نفتکش بریجتون با مین، بررسی راه مقابله با مین به عنوان یک مسئله جدی مورد توجه قرار گرفت. کارشناسان دریایی امریکا و کویت، بحث و بررسیهایی را به منظور مقابله با مینها آغاز کردند. (۷) برخی از منابع،

ص: ۹۵

۱- ۲۳۶. پیشین.

۲- ۲۳۷. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۲ / ۵ / ۶۶، به نقل از آنتونی کوئیستن سفیر وقت امریکا در کویت.

۳- ۲۳۸. پیشین.

۴- ۲۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۳ / ۵ / ۶۶، ۱۲۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲ / ۵ / ۶۶.

۵- ۲۴۰. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۶۶.

۶- ۲۴۱. روزنامه های یومیه، ۲ / ۵ / ۶۶.

۷- ۲۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۹، ۵ / ۵ / ۶۶، رادیو لندن، ۴ / ۵ / ۶۶.

مقابله با مین را دشوار ذکر کرده و به این مسئله اشاره کردند که برای بسیاری از افراد حیرت آور است که اسکورت امریکایی، وسایل مجهز و پیشرفته‌ی تشخیص مین نداشته است. (۱).

در همین روند، امریکا تصمیم گرفت هلیکوپترهای مین روب به خلیج فارس اعزام نماید. (۲) ضمن اینکه در برخی رسانه‌ها از جمله روزنامه کویتی القبس، شایعاتی مبنی بر احتمال مین گذاری بنادر و جزایر ایران منتشر شد. (۳).

علاوه بر مسئله فوق، اقدام تلافی جویانه امریکا علیه ایران، موضوع دیگری بود که مورد توجه قرار داشت. در عین حال که برخی از مقامات امریکایی، ایران را مسئول این حادثه اعلام کردند، لیکن عدم دسترسی به شواهد و قرائن آشکار مبنی بر دخالت ایران و همچنین توانایی دفاعی و نظامی ایران، بهانه‌ای بود تا امریکاییها را از اقدام علیه ایران باز دارد. ضمن اینکه به نظر می‌رسید نگرانی امریکا از گسترش دامنه بحران سبب شده بود امریکاییها، حداقل در این مقطع زمانی به دنبال اثبات نقش ایران در برخورد نفتکش بریجتون با مین نباشند، زیرا این مسئله امریکا را برای تصمیم‌گیری در موقعیت بسیار دشواری قرار می‌داد که اقدام تلافی جویانه و یا سکوت در برابر ایران، هر کدام عواقب ناخوشایندی را برای امریکا در پی داشت. جفری کمپ، عضو اسبق شورای امنیت ملی امریکا، در پاسخ به سؤال خبرنگار رادیو لندن، در مورد اقدام تلافی جویانه اظهار داشت:

«امریکا همواره این نکته را روشن کرده که اگر ثابت شود چه کسی علیه منافع این کشور دست به اقدام نظامی زده است به تلافی جویی اقدام خواهد کرد... استنباط من از اظهارات واینبرگر این بود که وی عملاً مبهم سخن گفته است.» (۴).

بدین ترتیب، امریکاییها تنها برخلاف تصورات خود در اولین گام به منظور حضور مقتدرانه در منطقه‌ی خلیج فارس با ناکامی رو به رو شدند و همین امر بر

ص: ۹۶

۱- ۲۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳ / ۵ / ۶۶، خبرنگار رادیو لندن.

۲- ۲۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۳، ۹ / ۵ / ۶۶، رادیو دوی، ۸ / ۵ / ۶۶.

۳- ۲۴۵. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۵ / ۶۶.

۴- ۲۴۶. پیشین، شماره ۱۳۰، ۶ / ۵ / ۶۶، رادیو بی. بی. سی، ۵ / ۵ / ۶۶.

پیچیدگی بحران در این منطقه افزود. در واقع، نه تنها اعتبار قدرت نظامی امریکا، بلکه حضور نظامی امریکا نیز فاقد تأثیر تعیین کننده در تأمین آزادی کشتیرانی در منطقه خلیج فارس، بدان مفهوم که امریکا دنبال می کرد، شد.

تصویب قطعنامه ۵۹۸

از تصویب قطعنامه ۵۹۸ تا پذیرش آن از سوی ایران یک سال به طول انجامید. آنچه که در این کتاب و در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است تنها تصویب قطعنامه ۵۹۸ و مواضع اولیه ایران در برابر آن می باشد. مبحث «پذیرش قطعنامه» ان شاءالله در کتاب بعدی (جلد پنجم) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پس از ناکامی و شکست سیاست امریکا در ماجرای موسوم به مک فارلین تلاشهای امریکا برای پایان دادن به جنگ، بر پایه دستیابی به یک تفاهم بین المللی، با تصویب قطعنامه ای در شورای امنیت سازمان ملل، شکل گرفت. امریکاییها امیدوار بودند که با مذاکرات پنهان و آشکار با دو کشور ایران و عراق، زمینه دستیابی به منافع گذشته خود را، فراهم نمایند. افشای این تلاشها و نتایج ناشی از آن، تشتت سیاست منطقه ای امریکا و به موازات آن دستیابی ایران به پیروزی در عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) و کربلای ۵ و همچنین افزایش نفوذ شوروی در منطقه با بهره گیری از ناکامیهای امریکا، همراه با گسترش درگیری در منطقه خلیج فارس و نتایج ناشی از آن، امریکا را در برابر وضعیت بسیار نامطلوبی قرار داد.

امریکاییها برای غلبه بر وضعیت دشوار و پیچیده ای که فرا روی خود داشتند، سیاست دو گانه ای را در دو جهت متفاوت ولی با هدف واحد دنبال کردند. واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا، در گزارش به کنگره این کشور نوشت:

«سیاست امریکا در چند ماه گذشته در دو جهت بوده است، از یک طرف به تشویق و تعقیب کلیه تلاشهای دیپلماتیک که در جهت پایان دادن به جنگ صورت می گیرد، می پردازد و از تلاشی که جلوی ایران را

در ادامه جنگ می گیرد حمایت می کند و از طرف دیگر تلاش می کند تا از کشورهای غیر متحاربی که به واسطه ادامه و گسترش جنگ مورد تهدید قرار می گیرند، پشتیبانی نماید.» (۱).

کردن زمان بعدها در تجزیه و تحلیل سیاست دو گانه امریکا و فشار به ایران نوشت:

«تغییر و تحول در توانمندی و قابلیت‌های ایران، منجر به این شد که امریکا سیاست دو گانه ای را در مورد ایران اتخاذ نماید. نخستین جنبه ی این سیاست، تحت فشار قرار دادن سازمان ملل متحد برای برقراری یک آتش بس کامل در جنگ بود تا به برقراری صلح بر مبنای قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر منتهی شود و دو طرف به مرزهای قبل از جنگ برگردند. دومین جنبه ی سیاست امریکا، دست زدن به اقدام نظامی برای محدود کردن جنگ در خلیج (فارس)، جلوگیری از گسترش نفوذ اتحاد شوروی و اعمال فشار به ایران جهت پذیرش آتش بس بود.» (۲).

احتمال عدم پذیرش قطعنامه ی سازمان ملل از سوی ایران و عراق و تمایل احتمالی دو کشور به ابتکار عمل شوروی (پیشین) برای برقراری صلح، (۳) سبب گردید که امریکاییها علاوه بر حضور گسترده در منطقه خلیج فارس و برخورداری از اهرم فشار نظامی، استفاده از ساز و کارهای سازمان ملل برای سازمان دهی تلاشهای صلح و تشدید مجازات متخلفین را، در صورت سر پیچی از پذیرش قطعنامه، مورد تأکید قرار دهند. وزیر دفاع وقت امریکا در همین زمینه می گوید:

ص: ۹۸

۱- ۲۴۷. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۶۵.

۲- ۲۴۸. آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر، درسهایی از جنگهای نوین، جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه ی حسین یکتا، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ،...).

۳- ۲۴۹. اسحاق رابین (معدوم) وزیر اسبق دفاع رژیم اشغالگر قدس در مورد تلاش شوروی (پیشین) طی مصاحبه ای اعلام کرد: «اخیرا شوروی پیشنهاد کرد که ایران و عراق برای پایان بخشیدن به جنگ یک کنفرانس مخفی تشکیل دهند، ولی ایران این پیشنهاد را رد کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ی ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۶۶، رادیو اسرائیل، ۱۲ / ۴ / ۶۶).

«از ژانویه ۱۹۸۷، ایالات متحده در شورای امنیت تلاش گسترده به عمل آورده و در صدد است تا یک سری قطعنامه به تصویب برساند که اولین آن خواستار آتش بس و عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی است و دومین آن شامل اقدامات اجرایی است. پنج عضو دائم توافق دارند که جنگ بیش از اندازه به طول انجامیده و باید اقدامات بین المللی جدیتری صورت گیرد تا دو طرف به این جنگ پایان بخشند. برای رسیدن به این منظور، ایالات متحده قویا از اعمال اقدامات اجباری علیه ایران حمایت می کند.» (۱).

در روند جدید برخورداری سازمان ملل از نقش محوری در پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق با توجه به ناکامیهای پیشین این سازمان به دلیل ناتوانی در تصمیم گیری مستقل بارائه «راه حل عادلانه»، می توانست موقعیت این سازمان را در اوضاع جدید کاملا بهبود بخشد. لازمی این امر توجه جدی و اساسی تر به خواسته های ایران، به عنوان کشوری که مورد تهاجم قرار گرفته و در آن وقت نیز موقعیت برتر نظامی داشته، بود. نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این زمینه می گوید:

«سازمان ملل اگر می خواست موفقیتی داشته باشد، می بایست تا حدودی حقانیت ایران را مطرح کند تا از این طریق هم امکان تأمین پاره ای از نظرهای ایران به دست آید و هم زمینه برای به اصطلاح نقش سازنده شورای امنیت فراهم شود.» (۲).

شورای امنیت سازمان ملل با توجه به ترکیب اعضاء و نقش و موقعیت امریکا در این شورا، همواره از تأمین خواسته های بر حق ایران ممانعت می کرد و همین مسئله موجب می شد هیچ گاه موقعیت لازم برای پایان بخشیدن به جنگ ایجاد نشود. در شهریور سال ۵۹ پس از تجاوز عراق به ایران، شورای امنیت سازمان ملل «با سکوت ضمنی خود، زمان لازم را برای نیروهای متجاوز

ص: ۹۹

۱- ۲۵۰. مأخذ ۱۱۰، ص ص ۱۶۵ - ۱۶۶.

۲- ۲۵۱. پیشین، ص ۱۳۶، دکتر جایی خراسانی و روزنامه اطلاعات، ۸ / ۱۰ / ۱۳۶۶، ص ۷.

عراقی فراهم ساخت تا به تقویت مواضع خود در داخل سرزمین ما بپردازند و قطعنامه ۴۷۹ (سال ۱۹۸۰) را صادر کرد که در آن نه تنها متجاوز معرفی نگردید و از نیروهای عراقی نیز درخواست عقب نشینی از سرزمین ما به عمل نیامد، بلکه با درخواست آتش بس، سعی در آن داشت که مردم مظلوم ایران را از حق دفاع مشروع که براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد به رسمیت شناخته شده بود، محروم نماید.» (۱) بعدها پس از آزادسازی مناطق اشغالی با فتح خرمشهر و اخراج نیروهای متجاوز عراقی از قسمتهای عمده سرزمین ایران، شورای امنیت با اظهار نگرانی از تهدید صلح و امنیت بین المللی، پس از تشکیل جلسه ای اضطراری، قطعنامه ۵۱۴ (سال ۱۹۸۲) را صادر کرد و درخواست عقب نشینی به مرزهای بین المللی را مطرح ساخت. (۲) حال آنکه این قطعنامه در چنین موقعیتی نه تنها هیچ گونه سودی برای ایران نداشت، بلکه اساساً به دلیل نگرانی اعضای شورای امنیت از ادامه جنگ و ورود ایران به داخل خاک عراق و برای حمایت از عراق صادر شد.

تداوم برخوردهای غیر منصفانه و جانبدارانه از عراق، ایران را نسبت به ماهیت تلاشهای سازمان ملل بدبین و تا اندازه ای ناامید کرد و همین امر به میزان قابل توجهی نقش و کارآیی سازمان ملل و موقعیت آن را کاهش داد. با گذشت سالهای اولیه ی جنگ و گسترش آن و نیز پس از حمله عراق به شهرها و مردم غیر نظامی و بی دفاع، موفقیتهای اولیه ی سازمان ملل برای توقف جنگ شهرها و محکومیت تلویحی عراق در به کارگیری سلاحهای شیمیایی (۳) و همچنین

ص: ۱۰۰

۱- ۲۵۲. پیشین، ص ۱۲۳، پاسخ وزیر خارجه ایران به تلگراف دبیر کل سازمان ملل (۱۸ اکتبر).

۲- ۲۵۳. پیشین.

۳- ۲۵۴. در مارس ۱۹۸۶ متعاقب کاربرد سلاحهای شیمیایی از سوی عراق، کارشناسان سازمان ملل برای تهیه گزارش به ایران اعزام شدند. پس از این اقدام، رئیس شورای امنیت کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق را محکوم کرد و دبیر کل از طرفین خواست از حملات بر مناطق مسکونی خودداری کنند. (عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۱۵ - ۱۱۶).

برقراری آتش بس موقت در خلیج فارس و به موازات آن افزایش حمایت قدرتهای بزرگ و کشورهای منطقه از عراق و کم رنگ شدن امکان دستیابی ایران به پیروزی نظامی برای پایان دادن به جنگ، توجه ایران به نقش سازمان ملل افزایش یافت.

در عین حال عدم تفاهم اعضای شورای امنیت سازمان ملل در مورد پایان دادن به جنگ و نحوه ی آن و نیز عدم ارائه «راه حل مناسب و عادلانه» برای تأمین نظریات طرفین درگیر در جنگ، همچنان به عنوان بخشی از موانع برای پایان دادن به جنگ، خودنمایی می کردند. سرانجام با تحولات جنگ و در نتیجه نگرانی اعضای شورای امنیت از گسترش جنگ (۱) و پیروزی ایران، زمینه های تفاهم اعضا با صدور بیانیه ای از سوی رئیس شورای امنیت فراهم و نشان داده شد. چند روز پس از صدور این بیانیه، در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۶، دبیر کل سازمان ملل گزارشی را به اعضای شورای امنیت ارائه کرد که نشان داد ۱۰۱ مورد حمله به کشتیها در خلیج فارس صورت گرفته است. دبیر کل ضمن درخواست از اعضا برای افزایش تلاشها جهت خاتمه دادن به جنگ، اعلام کرد که آماده است نظریاتش را در اختیار شورا قرار دهد. (۲) این درخواست مورد قبول اعضای شورا قرار گرفت و از ماه فوریه ۱۹۸۷ اعضای دائم شورای

ص: ۱۰۱

۱- ۲۵۵. در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۸۶، رئیس شورای امنیت بیانیه ای را پس از ارائه گزارش دبیر کل و مشورتهای اعضا صادر کرد که نماینده امریکا در سازمان ملل (ورنون والترز) آن را قرائت کرد. در این بیانیه با نگرانی از گسترش جنگ آمده است: «آنان (اعضای شورای امنیت) همچنین نگرانی عمیق خود را نسبت به گسترش درگیری با افزایش حملات به هدفهای غیر نظامی، کشتیرانی تجاری و تأسیسات نفتی کشورهای ساحلی ابراز می دارند.» (عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۳۰).

۲- ۲۵۶. مواضع خصومت آمیز برخی از اعضای شورای امنیت با ایران، مانند امریکا، سبب گردید از همان ابتدا امکان کار ایران با شورای امنیت تا اندازه ای منتفی شود. به همین دلیل تماس با دبیر کل به عنوان مجرای ارتباط و تأثیرگذاری بر شورای امنیت مورد توجه ایران قرار گرفت و همین مسأله، دبیر کل سازمان ملل را از نقش سازنده و مؤثری برخوردار کرد.

امنیت به صورت یک گروه، کار مشترک و سازمان دهی شده ای را جهت پایان بخشیدن به جنگ آغاز کردند. کار این گروه محرمانه بود و نتیجه آن پنج ماه بعد به صورت قطعنامه ۵۹۸ نمایان شد. (۱).

بدین ترتیب، روند تنظیم قطعنامه ی ۵۹۸ در سازمان ملل، تحت رهبری امریکا آغاز شد. ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه ی امریکا در همین زمینه می گوید:

«امریکا بر کوششهای بین المللی خود برای اختتام جنگ ایران و عراق افزوده و برای این منظور از جمله در شورای امنیت سازمان ملل متحد نقش رهبری را به عهده گرفته است.» (۲).

چنانکه اشاره شد، پس از پیروزی ایران در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ و تثبیت موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران بر عراق، تلاشهای امریکا برای پایان دادن به جنگ شکل جدیدی به خود گرفت. روزنامه الاتحاد خبری را مبنی بر گفتگوی عراق با امریکا منتشر کرد:

«عراق هم اکنون سرگرم تماس با امریکا به منظور تشویق این کشور به تهیه و ارائه قطعنامه ای می باشد که توسط شورای امنیت ارائه و از ایران و عراق بخواهد که اعلام آتش بس کرده و نیروهای خود را به مرزهای بین المللی بر گردانند. عراق می کوشد تا قطعنامه مذکور متضمن تحریم تجاری علیه کشوری شود که آتش بس را نپذیرد.» (۳).

در این مرحله، جمهوری اسلامی ایران با توجه به روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ و ماهیت تلاشهای اعضای شورای امنیت سازمان ملل، تحرکات اخیر را کاملاً مورد توجه قرار داد. بدین معنا که برای بهره برداری از نتایج حاصله از پیروزی در سلسله تلاشهای نظامی و همچنین توقف حملات عراق به نفتکشها، ضرورتاً به تلاشها و اقدامات اعضای شورای امنیت نظر داشت. علاوه بر اینها، این درک برای ایران وجود داشت که این قطعنامه نیز همانند سایر

ص: ۱۰۲

۱- ۲۵۷. پیشین، ص ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲- ۲۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۹ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۵ / ۱۲ / ۶۶، روزنامه الاتحاد، ۴ / ۱۲ / ۶۵.

قطعه‌نامه‌ها به تصویب خواهد رسید و در صورت عدم مذاکره و گفتگو عملاً حقوق و خواسته‌های ایران همانند گذشته نادیده انگاشته می‌شد در این میان زمینه‌ها و موقعیت لازم برای توجه به نظریات ایران نیز فراهم شد. بدین معنا که برتری ایران به عنوان یک واقعیت مورد پذیرش قرار گرفته و برخی از اعضای فعال شورای امنیت با توجه به اهداف خود، نظریات ایران را مورد توجه قرار دادند. زیرا هر گونه بی‌توجهی نسبت به درخواستهای ایران، به همان میزان امکان عملی شدن اجرای قطعه‌نامه و پایان بخشیدن به جنگ را مورد تردید قرار می‌داد. در این زمینه، سفیر وقت ایران در سازمان ملل می‌گوید که در همین ایام بنیاد فورد کنفرانس جنگ ایران و عراق را با حضور نمایندگان اعضای دائم شورای امنیت به اضافه دبیر کل و معاون او و عده زیادی از صاحب نظران و متخصصان خاورمیانه برگزار کرد. در این کنفرانس سخنرانیهای زیادی صورت گرفته که تعدادی از آنها انتشار نیافت و حقایق بسیاری در مورد مظلومیت ایران که تاکنون گفته نشده بود، بیان شد. در این کنفرانس نیز چنین نتیجه‌گیری شد که مادامی که بخشی از خواسته‌های مشروع ایران به رسمیت شناخته نشود، امکان دستیابی به راه حل سیاسی وجود نخواهد داشت. (۱).

در این روند، تحرکات دیپلماتیک ایران در سازمان ملل و گفتگو با دبیر کل این سازمان و برخی از اعضای دائمی و غیر دائمی شورای امنیت و نظریاتی که ایران همراه با دلایل متقن و راه‌حلهای عملی ارائه کرد، سبب گردید که ضمن توجه به اقدامات و مواضع ایران، تا اندازه‌ای پیش‌نویس اولیه‌ی قطعه‌نامه نیز تغییر نماید. بعدها رادیو بی. بی. سی طی گزارشی در همین زمینه به نقل از مقامات آلمان غربی گفت:

«پیش‌نویس مقدماتی طرح شدید‌الحن شورای امنیت که عمدتاً به وسیله ایالات متحده تنظیم شده بود، غیر منصفانه و علیه ایران بود. آلمان غربی و اعضاء غیر دائمی شورای امنیت مصرانه تلاش کردند که در قطعه‌نامه

ص: ۱۰۳

تصریح شود این ایران نبوده که جنگ را آغاز کرده است، از این گذشته عراق با استفاده از سلاحهای شیمیایی، قراردادهای بین المللی را مبنی بر عدم استفاده از این سلاحها، نقض کرده است.» (۱).

برابر برخی اطلاعات که در این زمینه وجود دارد، علاوه بر تغییر طرح پیش نویس اولیه، تلاش امریکا برای تنبیه متمردين از قطعنامه ی صادره با صدور يك قطعنامه ی دیگر بی نتیجه ماند. مایکل ارماکاست معاون سیاسی وزارت خارجه امریکا در این زمینه می گوید:

«پنج کشور امریکا، شوروی، بریتانیا، فرانسه و چین نتوانستند درباره دومین قطعنامه مربوط به جنگ ایران و عراق در زمینه اقدام تنبیهی علیه کشور متمرّد در جنگ خلیج فارس به توافق برسند.» (۲).

انتشار اخبار مربوط به توافق اعضاء شورای امنیت برای صدور قطعنامه، بازتاب نسبتاً گسترده ای داشت. عراقیها با توجه به وضعیت نامطلوبی که در جبهه های نبرد داشتند و همچنین تلاش برای بین المللی کردن جنگ با حمله به نفتکشها و اشتیاق جهت پایان یافتن جنگ، بلافاصله اخبار مربوط به این توافق را به طور نسبتاً مفصل در رسانه های خود منعکس کردند. (۳) عراقیها چنین پیش بینی می کردند که به علت عدم تأمین تمامی خواسته های ایران در قطعنامه جدید، ایران از پذیرش آن خودداری خواهد کرد و همین امر زمینه تشدید فشار به ایران را فراهم خواهد ساخت.

متن غیر رسمی مفاد پیش نویس طرح قطعنامه (۴) پیشنهادی اعضای شورای امنیت، حاوی نکات مهمی بود، بدین ترتیب که در نخستین مرحله فوراً آتش بس برقرار شود و نیروها بدون هر گونه اقدام نظامی در اسرع وقت به مرزهای بین المللی مورد قبول عقب نشینی کنند. سپس مبادله کلیه اسرا با همکاری کمیته بین المللی صلیب سرخ انجام پذیرد. همکاری ایران و عراق با دیر کل به منظور حل و فصل منصفانه و شرافتمندانه در مرحله سوم مورد قبول دو طرف انجام

ص: ۱۰۴

۱- ۲۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱/۵/۶۶، رادیو لندن، ۳۱/۴/۶۶.

۲- ۲۶۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۵، ۲/۴/۶۶، رادیو امریکا، ۱/۴/۶۶.

۳- ۲۶۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۶، ۳/۴/۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۲/۴/۶۶.

۴- ۲۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۷، ۴/۴/۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۳/۴/۶۶.

می گرفت. مسئله تحقیق درباره ی مسؤولیت جنگ از سوی یک ارگان بی طرف نیز پیش بینی شده بود. علاوه بر این، بررسی خسارات وارده و کمک بین المللی مناسب برای بازسازی مناطق ویران شده، بخشی از مفاد قطعنامه ی پیشنهادی بود.

در این پیش نویس گرچه بخشی از نظریات ایران از جمله تعیین متجاوز با تشکیل یک کمیته بی طرف، مورد توجه قرار گرفت، اما قطعنامه و ترتیب بندهای مندرج در آن با توجه به موقعیت برتر جمهوری اسلامی، به زیان ایران تنظیم شده بود. در واقع، امریکاییها مایل نبودند آنچه را که ایران در میدانهای جنگ پیگیری می کرد و در اثر پیروزیهای نظامی حاصله، در موقعیت برتر قرار گرفته بود، به رسمیت شناخته و در پشت میز مذاکره به این کشور امتیازات اساسی بدهند.

آقای هاشمی در نخستین واکنش رسمی ایران در برابر طرح تازه شورای امنیت، این طرح را غیر منصفانه خواند. (۱) ریچارد مورفی بلافاصله در پاسخ به اظهارات آقای هاشمی گفت:

«ایالات متحده از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد در تلاش است تا قطعنامه ای را تهیه کند که هم برای ایران و هم برای عراق قابل قبول باشد.» (۲).

تلاشهای گسترده ی ایران در سازمان ملل برای گنجانیدن نظریات خود در قطعنامه ی نهایی، در مقایسه با برخوردهای پیشین ایران با قطعنامه های شورای امنیت، کاملا واضح و آشکار و برای ناظران قابل رویت بود. ایران خواستار آن بود که در قطعنامه پیش از درخواست برقراری آتش بس از طرفین، ابتدا مسؤول آغاز جنگ معرفی شود. (۳) شواهد و قرائن نشان دهنده عدم تمایل شورای امنیت به برداشتن این گام بود. به همین دلیل، بخش عمده تلاشهای ایران قبل و بعد از تصویب قطعنامه ی ۵۹۸، به تأمین همین خواسته معطوف شد. عراق نیز علاوه بر آنکه در تهیه متن پیش نویس نقش فعالی

ص: ۱۰۵

۱- ۲۶۵. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۴ / ۶۶، روزنامه الخلیج.

۲- ۲۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۹، ۶ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۵ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۶۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۴ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۳ / ۴ / ۶۶، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

داشت، در برابر تلاشهای ایران، طرح ۵ ماده ای پیشنهادی صدام را نیز مستقلاً ارائه کرد. در این طرح که طی مقاله ای در کلیه روزنامه های عراق به چاپ رسید، تأکید شده بود: «ما این پنج اصل را به عنوان راه تغییرناپذیر پایان دادن به این جنگ اعلام کرده ایم.» (۱) پنج اصل مورد اشاره صدام عبارت بودند از:

۱- استقرار یک آتش بس جامع.

۲- عقب نشینی جامع، کامل و بدون قید و شرط نیروها به آن سوی مرزهای بین المللی.

۳- تبادل کلی و جامع اسرای جنگی.

۴- امضای یک پیمان صلح و عدم تجاوز.

۵- عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احترام به نحوه زندگی مردم دو کشور.» (۲).

سرانجام قطعنامه ی ۵۹۸ به عنوان مفصلترین قطعنامه از سلسله قطعنامه های مورد مطالعه، نه ماه و نیم پس از تصویب قطعنامه ۵۸۸ و در موقعیتی که احتمال تشدید و گسترش جنگ موجبات نگرانی اعضای شورای امنیت را فراهم کرده بود، در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۶، به اتفاق آراء تصویب و صادر شد. (۳).

در این قطعنامه، اعضای شورای امنیت از آغاز و ادامه این درگیری، بمباران مراکز کاملاً غیر نظامی، حمله به کشتیهای بی طرف و هواپیماهای غیر نظامی و استفاده از سلاحهای شیمیایی که مغایر با تعهدات مندرجه در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو می باشد، اظهار تأسف کردند. همچنین اعضای شورای امنیت اعلام کردند:

«به طور عمیق نگران اوجگیری احتمالی و توسعه این درگیری می باشند و مصمم هستند به تمام عملیات نظامی بین ایران و عراق خاتمه دهند.» (۴).

سپس مصوبات شورای امنیت، تحت عنوان بندهای قطعنامه به شرح ذیل مورد تأکید قرار گرفت:

۱- در اولین قدم جهت حل و فصل مناقشه از طریق مذاکره، ایران و

ص: ۱۰۶

۱- ۲۶۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۰۹، ۱۶ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱۵ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۶۹. پیشین.

۳- ۲۷۰. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰، ص ص ۱۴۳-۱۴۴.

۴- ۲۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، آسوشیتدپرس، ۳۰ / ۴ / ۶۶، ص ۹.

عراق آتش بس را رعایت کنند و تمامی اقدامات نظامی زمینی، دریایی و هوایی را خاتمه داده و تمام نیروهایشان را بدون تأخیر به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

۲- یک هیأت توسط دبیر کل، برای بررسی، تأیید و نظارت آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام شود. همچنین دبیر کل تدابیر ضروری را برای مشورت با دو طرف ترتیب دهد.

۳- آزادی اسرای جنگی و بازگشت بدون تأخیر آنها به کشورشان پس از قطع مخاصمات.

۴- همکاری دو کشور با دبیر کل برای اجرای قطعنامه.

۵- خودداری تمام کشورها از هر گونه اقدامی که احتمالاً به تشنج بیشتر و گسترش مناقشه منجر شود.

۶- دبیر کل در مشورت با ایران و عراق، موضوع مسؤلیت بروز جنگ را مورد بررسی قرار دهد و مراتب را هر چه سریعتر به اطلاع شورای امنیت برساند.

۷- هیأتی از کارشناسان از سوی دبیر کل برای بررسی خسارات و بازسازی تعیین شده و به شورای امنیت گزارش دهد.

۸- دبیر کل در مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، تدابیری را برای پیشبرد امنیت و ثبات منطقه، مورد بررسی قرار دهد.

۹- دبیر کل شورا را از اجرای این قطعنامه مطلع سازد.

۱۰- شورای امنیت در صورت ضرورت برای بررسی اقدامات بیشتر جهت تضمین پایبندی طرفین به این قطعنامه آماده است بار دیگر تشکیل جلسه بدهد.» (۱).

این قطعنامه با توجه به موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی، اساساً به زیان ایران و به سود عراق تهیه و تنظیم شده بود. امریکاییها در تلاش

ص: ۱۰۷

جدید خود در نظر داشتند با اعمال فشار بر ایران و تنبیه آن و متقابلاً حمایت از عراق، (۱) جنگ را خاتمه دهند. این قطعنامه درباره چگونگی آغاز جنگ و وقوع تجاوز ساکت است و در بند سوم، قسمت مقدماتی که از ادامه منازعه اظهار تأسف شده است، به طور ضمنی این مطلب القاء می شود که در مقام تقسیم مسؤولیت حقوقی جنگ، عراق مسؤول آغاز جنگ و ایران مسؤول ادامه آن می باشد. (۲) حال آنکه سازمان ملل در همان آغاز جنگ، در صورت برخورد منصفانه و با ارائه راه حل عادلانه، با محکوم کردن متجاوز می توانست مقدمات پایان بخشیدن به جنگ را فراهم نماید. لیکن به دلیل حفظ منافع اعضاء شورای امنیت، از چنین اقدامی ممانعت به عمل آمد. در عین حال، یکی از عمده ترین و شاخص ترین امتیازات قطعنامه ی ۵۹۸ نسبت به قطعنامه های قبلی و اصولاً نشانه ی تغییر روش شورا، بند ۶ است که «تعیین هیأت بی طرف برای تحقیق راجع به مسؤولیت منازعه» را مورد تأکید قرار داده است. (۳).

جمهوری اسلامی ایران در نخستین واکنش در برابر قطعنامه ۵۹۸، بر پایه درکی که در خصوص ماهیت و نحوه تهیه و تنظیم و محتوی آن داشت، قطعنامه را «تکرار قطعنامه های گذشته با اندکی تفاوت» ذکر کرد و اعلام داشت: «نکته ی مثبت در این قطعنامه جستجو برای یافتن جنگ افروز و متجاوز می باشد.» (۴) وزیر خارجه ی ایران در مصاحبه رادیویی با رادیو تهران اظهار داشت:

«در این قطعنامه نکات مثبتی دیده می شود که کافی نیست. زیرا از عراق به عنوان متجاوز نام برده نشده است.» (۵).

وزارت خارجه ایران در واکنش رسمی نسبت به قطعنامه ی ۵۹۸، در پاسخ به نامه ی دبیر کل سازمان ملل که متن قطعنامه را برای وزرای خارجه ایران و عراق ارسال کرده بود، طی بیانیه ای اعلام کرد:

«شورای امنیت سازمان ملل بار دیگر با تصویب قطعنامه ای غیر عادلانه، از

ص: ۱۰۸

۱- ۲۷۳. گری سیک مشاور اسبق کارتر، منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس، ترجمه مجید قهرمانی.

۲- ۲۷۴. مأخذ شماره ۱۲۹، ص ۱۴۹.

۳- ۲۷۵. پیشین.

۴- ۲۷۶. مصاحبه ی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی با روزنامه اطلاعات که در رادیو لندن در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۶۶ منعکس شد.

۵- ۲۷۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۶۶.

ایفای مهمترین وظیفه‌ی خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عدول نمود... این قطعنامه در شرایطی به تصویب رسیده که امریکا با اعلام تصمیمش مبنی بر اعزام ناوهای جنگی خود به منطقه، بند اجرایی پنجم قطعنامه که درخواست عدم دخالت سایر کشورها در جهت تشدید و گسترش آتش جنگ را دارد، از قبل نقض نموده است.»

در پایان این بیانیه آمده است:

«وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران متعاقباً موضع تفصیلی خود را در قبال کلیه بندهای قطعنامه ۵۹۸ اعلام خواهد کرد.» (۱).

چند هفته بعد پاسخ مبسوط جمهوری اسلامی ایران به قطعنامه ۵۹۸ منتشر شد. (۲) این پاسخ شامل جوابیه‌ی وزیر امور خارجه ایران به نامه‌ی مورخ ۲۰ ژوئیه دبیر کل بود. در آخرین بند ضمیمه‌ی نامه وزیر امور خارجه‌ی ایران آمده است:

«تلاشهای سازنده و قابل تقدیر برخی از اعضای بی‌طرف شورای امنیت برای نیل به یک قطعنامه‌ی متوازن و مثبت اگر چه به نتیجه مطلوب نرسید، ولی زمینه را برای ادامه‌ی همکاری جمهوری اسلامی ایران در جهت سوق دادن شورا به سمت یک موضع مؤثر و عادلانه فراهم می‌نماید. بی‌تردید اعلام موضع صریح نسبت به مسؤولیت عراق در شروع جنگ، نظیر آنچه از جانب برخی از کشورهای واقعگرا انجام گردیده است، بهترین عنصر در جهت ختم عادلانه‌ی جنگ است.» (۳).

بدین ترتیب، با عدم تأمین خواسته‌های ایران در قطعنامه‌ی ۵۹۸، جمهوری اسلامی ایران از پذیرش آن خودداری و در عین حال، به دلیل نکات مثبتی که در قطعنامه وجود داشت از نفی کامل آن نیز امتناع کرد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، فرمانده عالی جنگ و سخنگوی شورای عالی دفاع، مواضع ایران و دلایل آن را چنین بیان کرد:

«... در این قطعنامه نکات مثبتی دیدیم که حاضر شدیم پیرامون آن

ص: ۱۰۹

۱- ۲۷۸. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین

المللی، تهران، ۱۳۷۰، ص ص ۱۵۸ و ۱۵۹ و روزنامه‌ی کیهان، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۶، ص ۲.

۲- ۲۷۹. پیشین، ص ۱۵۹ و روزنامه‌ی کیهان، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۶، ص ۳.

۳- ۲۸۰. پیشین ص ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

مذاکره کنیم. جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را به طور کلی رد نکرده است، چون در آن جای بحث می بیند... نکته منفی آن این است که می گوید به محض شروع مذاکره و پیش از شناسایی متجاوز و محاکمه ی آن، آتش بس اعلام شود و ما این بند را قبول نداریم. بند مربوط به معرفی متجاوز می تواند به عنوان تنها کلید حل مسائل به شمار آید و این نکته ی مثبتی است، اما باید پیش از اعلام آتش بس انجام شود... ما می گوئیم اول متجاوز معرفی شود و بعد راه برای حل مسائل جدی همواره خواهد شد. معلوم است که محاکمه و تنبیه متجاوز و بازپرداخت غرامت از همین اقدام آغاز خواهد شد. اگر این جا به جایی در بندها انجام شود راه هموار خواهد شد.» (۱).

جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه با اعلام مواضع در برابر قطعنامه ی ۵۹۸ سیاست «نه رد و نه قبول» را اتخاذ کرد، در عین حال با اعتقاد به وجود برخی نکات مثبت در قطعنامه، با تأکید بر ضرورت جا به جایی در بندهای قطعنامه و تقدم محکوم کردن متجاوز نسبت به برقراری آتش بس، تلاشهای سیاسی خود را بر همین محور تنظیم و سازماندهی کرد که تا زمان پذیرش قطعنامه از سوی ایران، ادامه داشت. (۲).

عراقیها در اولین واکنش، با پخش سخنان صدام در رادیو عراق مبنی بر عدم پذیرش هر طرحی که شامل «پنج اصل» (۳) نباشد، مخالفت خود را با قطعنامه اعلام کردند. لیکن سخنگوی رسمی عراق با تأکید بر این مسئله که «تعبیر رهبران عراقی از قطعنامه مثبت است»، پاسخ رسمی عراق را به نتایج بررسی قطعنامه در جلسه شورای انقلاب و فرماندهی حزب بعث به ریاست

ص: ۱۱۰

۱- ۲۸۱. پیشین ص ص ۱۶۲ و ۱۶۱ و روزنامه ی کیهان ۲۱ / ۶ / ۶۶، ص ۲.

۲- ۲۸۲. در این زمینه در جلد پنجم از همین مجموعه (سیری در جنگ ایران و عراق) توضیح لازم ارائه خواهد شد.

۳- ۲۸۳. چندی قبل صدام پنج اصل را برای صلح مطرح کرد که در صفحات قبل اشاره شد.

صدام موکول کردند. (۱) پس از ۲۴ ساعت سخنگوی رسمی عراق اعلام کرد: که مجلس عراق به اتفاق آراء این قطعنامه را مورد تصویب قرار داد و اظهار داشت که پذیرش این قطعنامه از سوی ایران از عوامل ضروری برای رعایت متقابل تعهدات دو کشور است. وی گفت: تصمیم یاد شده در گردهمایی فرماندهی سیاسی عراق تحت ریاست صدام اتخاذ شده است. (۲).

عراقیها تصویب قطعنامه را به سود خود ارزیابی می کردند، چنانکه سفیر عراق در لندن ضمن تهدید حمله به کشتیها در خلیج فارس اعلام کرد:

«شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه اخیر خود، در واقع از سیاستهای عراق حمایت کرده و نشان داده که حق با عراق است.» (۳).

امریکاییها در نخستین واکنش پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، با نگرانی از مخالفت ایران و تخریب تلاشهای سیاسی چند ماه اخیر امریکا، بر «اجرای قطعنامه و ممانعت از تبدیل آن به یک ژست تو خالی»، (۴) تأکید کردند. وزیر امور خارجه شان نیز اعلام کرد:

«قبول قطعنامه از جانب ایران به بهبود احتمالی مناسبات ایران و واشنگتن که از سال ۱۹۸۰ در اوج بحران گروگانگیری دیپلماتهای امریکایی در ایران قطع شد، کمک خواهد کرد.» (۵).

تدریجا با آشکار شدن موضع ایران، رئیس جمهوری وقت امریکا، ایران را تهدید کرد:

«... در صورت منفی بودن پاسخ ایران، شورای امنیت راهی جز اعمال مجازات علیه ایران و وادار کردن این کشور به قبول آتش بس پیش رو ندارد.» (۶).

روسها با توجه به سیاست خاصی که در این مرحله از جنگ دنبال می کردند، بلافاصله پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، هیأتی را به سرپرستی یوری ورنتسف، معاون وزیر خارجه ی این کشور برای گفتگو درباره ی اجرای

ص: ۱۱۱

۱- ۲۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۸۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۶۶.

۴- ۲۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری رویتز، ۳۰ / ۴ / ۶۶، به نقل از شولتز وزیر خارجه وقت امریکا.

۵-۲۸۸. پیشین.

۶-۲۸۹. روزنامه ی رسالت، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

قطعنامه ی ۵۹۸، راهی تهران کردند. ماهیت تلاشهای شوروی (پیشین) و موقعیت این کشور در منطقه، تحرکات دیپلماتیک روسها را در کانون توجهات قرار داده بود. گرچه اقدامات شورویها غالباً با بدبینی دنبال می شد. چنانکه اسحاق رابین وزیر دفاع اسرائیل در پارلمان این کشور، با توجه به تلاشهای اخیر شوروی بر این مسئله تأکید کرد که این کشور به دنبال «ماهی گرفتن از آب گل آلود» است و مایل است «بحران دائمی در منطقه» وجود داشته باشد تا مطامع خود را از طریق حصول سازش سیاسی به دست آورد. وی اظهار داشت:

«طبق ارزیابیهای مختلف، شوروی قصد دارد برنامه خود را یک سال دیگر اجرا کند، زیرا ارزیابی می نماید طی سال آینده چه تحول مهمی روی خواهد داد.» (۱).

از نظر برخی کارشناسان امور خاورمیانه، شوروی به دلیل رابطه با ایران و عراق به عنوان تنها قدرتی ارزیابی می شد که قادر به یافتن راه حلی برای پایان جنگ می باشد. (۲) شورویها نیز همین نقش را برای خود جستجو می کردند، چنانکه گراسیموف مفسر خبرگزاری تاس طی تحلیلی اظهار داشت:

«این یک مناقشه منطقه ای است و شوروی و آمریکا می توانند مشترکاً همانگونه که در شورای امنیت اقدام کردند برای پایان دادن به آن نیز همکاری کنند.» (۳).

در روند تحولات جنگ، به رغم تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ و گسترش درگیری در منطقه خلیج فارس و تشدید فشار به ایران برای پایان دادن به جنگ، به دلیل نادیده گرفتن خواسته های برحق ایران از یک سو و از سوی دیگر خودداری از هرگونه فشار به عراق برای ممانعت از حملات این کشور به کشتیها و مناطق غیر نظامی ایران، عملاً وضعیت مناسب برای خاتمه ی جنگ فراهم نشد. از این پس تلاشهای دیپلماتیک ایران مبتنی بر تعیین متجاوز و تقدم آن نسبت به

ص: ۱۱۲

۱- ۲۹۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۲، ۶۶/۵/۸، رادیو اسرائیل، ۶۶/۵/۷.

۲- ۲۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۶۶/۵/۱۰، رادیو لندن، ۶۶/۵/۹.

۳- ۲۹۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۱، ۶۶/۵/۱۷، خبرگزاری تاس، ۶۶/۵/۱۶.

برقراری آتش بس بود. عراق نیز متقابلاً بر حملات خود به کشتیها افزود و رسماً مخالفت خود را با تفکیک «امنیت در حوزه خلیج فارس» و «قطع جنگ» اعلام کرد. (۱).

برابر برخی از شواهد و قرائن، چنین به نظر می‌رسید که روند تحولات جنگ با توجه به تشدید فشار به ایران به زیان این کشور خواهد بود. در این میان، عراقیها متقابلاً اوضاع را به سود خود ارزیابی می‌کردند. چنانکه صدام طی مصاحبه‌ای در همین زمینه، وضع جنگ را با آخرین روزهای «روزه» تشبیه کرد و گفت: این روزها، دشوار و طاقت فرسا است، ولی از پایان روزه خبر می‌دهد!! (۲).

تداوم درگیری در خلیج فارس با از سرگیری حملات هوایی عراق

عراقیها پس از تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ و حضور نیروهای امریکا (۳) در منطقه، روند تحولات جنگ را به سود خود ارزیابی می‌کردند. صدام در مورد برداشت از واکنش احتمالی ایران و بحثهای مطروحه در جلسه فرماندهی مرکزی عراق می‌گوید:

«در مرکز فرماندهی ما پیرامون این قطعنامه بحث و بررسی شد و بعضی از برادران ما تصور می‌کردند که ایران به هنگام صدور این قطعنامه حتماً به مخالفت خواهد پرداخت و مانند گذشته عمل خواهد کرد ولی من گفتم نه، این دفعه ایرانیها این قطعنامه را رد نخواهد کرد. چون از اوضاع عمومی و خصوصی این چنین نتیجه‌گیری می‌شود که این قطعنامه را نه رد می‌کنند و نه می‌پذیرند.» (۴).

ص: ۱۱۳

۱- ۲۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹ / ۵ / ۶۶، مصاحبه صدام با «لوماتن» چاپ فرانسه.

۲- ۲۹۴. پیشین.

۳- ۲۹۵. روزنامه الثورة چاپ عراق رسماً از حضور ناوگانهای خارجی در منطقه خلیج فارس دفاع کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ۲۹ / ۵ / ۶۶).

۴- ۲۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۳، ۸ / ۶ / ۶۶، بخش عربی رادیو صورت الجماهیر، ۶ / ۶ / ۶۶.

عراقیها بر پایه این درک تصور می کردند ایران به دنبال «وقت کشی» است تا ضمن تحرکات دیپلماتیک (۱) مقدمات اجرای عملیات در جبهه زمینی را فراهم سازد. به همین دلیل، عراقیها از سرگیری حملات هوایی علیه منابع و تأسیسات نفتی ایران را پی ریزی کردند تا بدین وسیله با گسترش دامنه بحران، زمینه ی خاتمه بخشیدن به جنگ و رها شدن عراق از فشارهای همه جانبه را فراهم سازند.

بر پایه این اهداف، عراقیها پس از تهدید به از سرگیری حملات هوایی علیه ایران، (۲) حملات خود را به تأسیسات نفتی (۳) و کشتیهای تجاری و نفتکشها آغاز کردند. همچنین نیروی هوایی عراق شش شهر ایران را مورد حمله قرار داد. سفیر عراق در امریکا در توجیه از سرگیری حملات هوایی عراق به تأسیسات نفتی ایران اعلام کرد:

«این حملات در حالی صورت گرفته است که عراق قطعنامه ی شورای امنیت را قبول کرده ولی ایران آن را رد کرده است.» (۴).

وی همچنین اظهار داشت:

«مادامی که جنگ ادامه دارد، عراق خود را مجاز به حمله به هر نقطه از خاک ایران می داند.» (۵).

ایران با توجه به موقعیت جدید و احتمال افزایش فشارهای (۶) عراق با حمایت امریکا و کشورهای منطقه، پیش از این اعلام کرده بود بمبارانهای عراق را از طریق حمله علیه حامیان این کشور تلافی خواهد کرد. (۷) به همین

ص: ۱۱۴

۱- ۲۹۷. در صفحات بعد بحث خواهد شد.

۲- ۲۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۲، ۱۸ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۶۶ / ۵.

۳- ۲۹۹. نیروی هوایی عراق در تاریخ ۱۸ / ۵ / ۶۶ حملات وسیعی را به پالایشگاههای ایران کرد.

۴- ۳۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۵، ۲۱ / ۵ / ۶۶، واشنگتن، خبرگزاری کویت، ۲۰ / ۶۶ / ۵.

۵- ۳۰۱. پیشین.

۶- ۳۰۲. یک دیپلمات بلند پایه غربی در کویت با توجه به فشارهای دیپلماتیک و نظامی بر ایران گفته بود: «شدت فشارهای وارده بر ایران فوق العاده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۷، ۲۳ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۲۲ / ۵ / ۶۶).

۷- ۳۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۴، ۲۰ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۶۶ / ۵ /

دلیل، متعاقب از سرگیری تهاجمات هوایی عراق، مقابله به مثل ایران محتمل به نظر می‌رسید. در چنین وضعیتی، برای نخستین بار یک کشتی امریکایی با پرچم پاناما در آبهای دریای عمان با مین برخورد کرد. خبرگزاری رویتر به هنگام مخابره خبر به این مسئله اشاره کرد که برخورد این نفتکش با مین به فاصله سه روز پس از مانور دریایی ایران (۱) (موسوم به مانور شهادت در خلیج فارس) در آبهای منطقه و تمرین عملیات مین گذاری توسط قایقهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت گرفته است. (۲) در سایر گزارشهای نظامی، به نقل از کارشناسان نظامی در مورد اقدام احتمالی ایران تحلیلهایی منتشر شد که قابل توجه بود. کوردون مارتین خبرنگار امور دیپلماتیک لندن به نقل از یکی از کارشناسان مؤسسه نیروهای متحد سلطنتی انگلیس می‌گوید:

«عملیاتی که نیروهای احتمالا انجام خواهند داد مین گذاری را نیز شامل خواهد شد. زیرا مین گذاری کاری محدود است و چندان تحریک آمیز نیست و زمینه محدودی برای اقدام تلافی جویانه امریکا فراهم می‌کند. به این ترتیب، مین گذاری با استراتژی حکومت ایران که مبتنی بر خودداری از برخورد جدی با امریکاست، سازگار است.» (۳).

در همین چارچوب، پس از اصابت کشتی پانامایی با مین و کشف مینهای جدید در دریای عمان، سخنگوی پنتاگون، برای نخستین بار به طور آشکار و رسمی ایران را مقصر قلمداد کرد.

واکنش رسمی امریکاییها، نشان دهنده تلاش جدید آنها برای گسترش حضور در منطقه، با وارد ساختن فشار بر کشورهای اروپایی برای ارسال ناو و

ص: ۱۱۵

۱- ۳۰۴. مانور دریایی شهادت به مدت سه روز (۱۴ تا ۱۶ / ۵ / ۶۶) در خلیج فارس انجام گرفت که بازتاب نسبتا گسترده‌ای داشت. فرمانده کل سپاه در این مانور اعلام کرد: «موشکهای ضد کشتی و ضد هواپیمای سپاه آماده است تا هر هدفی را در خلیج فارس و دریای عمان مورد حمله قرار دهد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۵ / ۶۶).

۲- ۳۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۴، ۲۰ / ۵ / ۶۶، بحرین، خبرگزاری رویتر، ۱۹ / ۵ / ۶۶.

۳- ۳۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۲، ۲۸ / ۵ / ۶۶، رادیو لندن، ۲۷ / ۵ / ۶۶.

مین روب (۱) و همچنین فراهم سازی مقدمات اقدام نظامی علیه ایران بود. برپایه همین درک، رئیس جمهور وقت ایران در نماز جمعه تهران اعلام کرد: «امریکا به دنبال بهانه است تا جنگ علیه ایران را آغاز کند.» سپس ایشان تأکید کرد که ایران به کشتیهای جنگی امریکا حمله نخواهد کرد مگر اینکه مورد حمله قرار گیرد. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود در مورد ماهیت تلاشهای امریکا اظهار داشت:

«امریکا احساس می کند که جمهوری اسلامی در حال پیروز شدن در جنگ با عراق است. بنابراین به دنبال بهانه ای است تا در جنگ به نفع عراق مداخله کند.» (۲).

امریکاییها برای رها شدن از اتهام مداخله به سود عراق و با نگرانی نسبت به از سرگیری حملات هوایی عراق علیه تأسیسات اقتصادی و نفتی ایران، به طور مستقیم و همچنین از طریق کویت و عربستان از عراق درخواست کردند تا زمان صدور قطعنامه دوم شورای امنیت در مورد مجازات ایران، از حمله خودداری کند. روزنامه القبس در گزارش خود نوشت:

«دولت امریکا به عراق اطلاع داده است که از حمله به تأسیسات ایران خودداری نماید تا از وقوع یک برخورد نظامی میان ایران و امریکا در آبهای خلیج فارس جلوگیری شود.» (۳).

عراقیها ضمن اظهار ناخرسندی نسبت به درخواست امریکا، بلافاصله در روزنامه القادسیه، ارگان وزارت دفاع این کشور، طی مقاله ای تخریب کامل تأسیسات اقتصادی ایران را به عنوان تنها راه برای تحت فشار قرار دادن این کشور جهت پایان دادن به جنگ توصیف کردند. (۴).

ص: ۱۱۶

۱- ۳۰۷. دولت انگلیس اعلام کرد چهار فروند کشتی مین روب به علاوه یک کشتی پشتیبانی به خلیج فارس اعزام خواهد کرد. (راديو لندن ۲۰ / ۵ / ۶۶).

۲- ۳۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۹، ۲۵ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری یونایتد پرس، ۲۴ / ۵ / ۶۶.

۳- ۳۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۰، ۲۶ / ۵ / ۶۶، روزنامه ی کوییتی القبس، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۵ / ۶۶.

۴- ۳۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۱، ۲۷ / ۱ / ۶۶، رویترا، ۲۶ / ۵ / ۶۶.

صدام نیز با استفن مولارنر، نماینده امریکا به گفتگو و تبادل نظر پرداخت. (۱) در واقع، عراقیها در نظر داشتند با از سرگیری حملات خود، زمینه‌ی تشدید بحران در منطقه را فراهم نمایند و در نتیجه‌ی این وضعیت، فشار امریکا و کشورهای منطقه به ایران افزوده شود.

تلاشهای سیاسی ایران

نگرانی امریکا از اقدامات تلافی‌جویانه ایران در برابر حملات عراق، منجر به فشار امریکا به عراق برای توقف حملات این کشور به تأسیسات و حوزه‌های نفتی ایران شد. پیدایش موقعیت جدید، سبب گردید که مجدداً ایران تلاشهای تبلیغاتی و دیپلماتیک خود را آغاز نماید. مصاحبه آقای هاشمی با شبکه تلویزیونی ان. بی سی امریکا و سپس مصاحبه‌ی مطبوعاتی سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ (آقای خرازی)، نقطه آغاز تلاشهای جدیدی بود که به مدت چند ماه متوقف شده بود.

آقای هاشمی در مصاحبه‌ی خود ضمن اعتراف به برخورداری از نفوذ روی کسانی که گروگانها را در لبنان در اختیار دارند، اعلام کرد که بدون گرفتن امتیازاتی از امریکا، آماده مداخله برای آزادی آنها نخواهد بود. ایشان در این مصاحبه، موضع امریکا را در برابر ایران خصمانه توصیف کرد، زیرا اسکورت نفتکشها به منزله کمک به عراق ارزیابی می‌شد. سپس ایشان آزاد کردن داراییهای مسدود شده ایران را به عنوان شرط بهبود روابط با امریکا اعلام کرد. (۲) اظهارات آقای هاشمی در این مصاحبه، با توجه به اوضاع بحرانی در منطقه، بسیار «معقول و منطقی» (۳) ارزیابی شد و از آن چنین نتیجه‌گیری شد که ایران مایل به جنگ با امریکا نیست، لذا امریکا باید اقداماتی را انجام دهد که به منافع ایران نزدیک باشد. (۴).

سخنگوی وزارت خارجه امریکا در اولین واکنش در برابر مواضع آقای

ص: ۱۱۷

۱- ۳۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۳، ۶۶/۵/۲۹، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸/۵/۶۶.

۲- ۳۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶/۵/۳۰.

۳- ۳۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۴، ۶۶/۵/۳۰، رادیو لندن، ۶۶/۵/۲۹.

۴- ۳۱۴. پیشین.

هاشمی اعلام کرد که امریکا با تروریستها معامله نمی کند و کویت و اسرائیل را نیز برای آزادی زندانیان شیعه و ربوده شدگان ایران در لبنان تحت فشار قرار نخواهد داد. (۱).

مصاحبه ی سخنگوی وقت ستاد تبلیغات جنگ در تاریخ ۲۹ / ۵ / ۶۶ و اظهار اینکه مین ریزی از سوی ایران برای «حفاظت از تأسیسات ایران» و با «مقاصد دفاعی» صورت می گیرد، بازتاب نسبتا گسترده ای داشت. در واقع، پذیرش مسؤلیت مین ریزی و تأکید بر «مقصد دفاعی ایران» بسیار حائز اهمیت بود. ضمن اینکه وی در این مصاحبه، تلویحا عدم مخالفت ایران را با اسکورت نفتکشهای کویت از سوی امریکا اعلام کرد. خبرنگار رادیو سوئد ضمن شگفت آور خواندن اظهارات سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ افزود:

«این بیانات به روشنی نشانگر آغاز ورود ایران به خط مشی نرمتر سیاسی، پس از تهدیدات و سر و صداها ی نظامی علیه امریکا می باشد.» (۲).

این اعلام مواضع ایران (۳) سبب گردید تا رادیو امریکا تفسیری را تحت عنوان «نظرهای آشتی جویانه مسؤولان ایرانی» پخش نماید. (۴) همچنین سخنگوی وزارت خارجه ی امریکا اعلام کرد که مایل به گفتگو با آقای جواد لاریجانی معاون وزارت خارجه ایران در نیویورک درباره ی هشت گروگان امریکایی می باشد. وی شرط این ملاقات را درخواست ایران ذکر کرد. (۵) آقای لاریجانی در اولین واکنش، طی مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی ان. بی. سی اعلام کرد: «ما در قبال این کمک چیزی مطالبه نمی کنیم.» (۶).

بازتاب مواضع اخیر ایران سبب گردید تا سیاست خارجی ایران و اوضاع داخلی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. رضانی، یکی از کارشناسان

ص: ۱۱۸

۱- ۳۱۵. رادیو امریکا، ۲۹ / ۵ / ۶۶.

۲- ۳۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۵، ۳۱ / ۵ / ۶۶، استکهلم، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۳۰ / ۵ / ۶۶، رادیو سوئد.

۳- ۳۱۷. ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه ی امریکا برپایه مواضع جدید ایران اعلام کرد: «جنگ ایران و عراق بسیار طولانی نخواهد بود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ی ۱۵۸، ۳ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱ / ۶ / ۶۶).

۴- ۳۱۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۶، ۱ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۵- ۳۱۹. پیشین.

۶- ۳۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۸، ۳ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۶ / ۶۶.

امریکایی امور ایران به این مسئله اشاره کرد که برداشت جهان خارج از سیاست ایران «ترکیبی از جنگجویی و واقعیت گرایی» است که منعکس کننده درگیریهایی سیاسی داخلی می باشد. وی همچنین اظهار داشت که خشم ایران در مورد فشار نظامی امریکا سبب شد مذاکره دو کشور تا مدتی متوقف شود. اما هنوز علامتهایی مبنی بر تمایل ایران برای مذاکره با امریکا مشاهده می شود. (۱).

رایین رایت روزنامه نگار امریکایی نیز پس از سفر به جمهوری اسلامی برداشت جدیدی از مواضع ایران داشت. وی گفت تصور نمی کنم که ایران خواستار مقابله ی نظامی باشد و این پیامی است که روزانه، شخصیت‌های سیاسی پا به پای مقامات نظامی آن را باز می کنند. وی در عین حال اظهار داشت که مسائل بستگی به روند جنگ در پایین خواهد داشت. سپس او امکان مقابله ایران را مشروط به سه مسئله کرد:

۱- جنگ نفتکشها با حمله عراق از سر گرفته شود.

۲- تأسیسات نفتی ایران بویژه در جزیره ی خارک مورد حمله قرار گیرد.

۳- کشتیهایی که به ایران رفت و آمد دارند، هدف قرار گیرند. (۲).

از سرگیری مجدد حملات عراق

پس از توقف حملات عراق بر اثر فشار امریکا، عراقیها با مشاهده تلاشهای سیاسی ایران و استقبال امریکا از مواضع جدید مسئولین کشور، (۳) اوضاع را به زیان خود ارزیابی کردند. رادیو لندن پس از توقف حملات عراق طی تحلیلی گفت:

«اگر عراق ببیند برای متوقف کردن این حملات هیچگونه فشاری بر ایران

ص: ۱۱۹

۱- ۳۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۲، ۶/۶/۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶/۶/۶۶.

۲- ۳۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۱، ۶/۶/۶۶، رادیو امریکا، ۶/۶/۶۶.

۳- ۳۲۳. برابر گزارش منتشره در روزنامه ی آبرور چاپ لندن نمایندگان ایران و امریکا در سوئیس طی ملاقات محرمانه، اوضاع خلیج فارس و مسئله گروگانهای امریکایی در لبنان را مورد بررسی قرار داده اند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶/۶/۶۶).

وارد نمی شود، آن وقت نمی توان تصور کرد که عراق به صبر خود ادامه دهد.»

در ادامه این تحلیل در مورد پیامد حمله عراق آمده است:

«اگر عراق جنگ نفتکشها را از سر بگیرد و ایران هم چنانکه گفته است با حمله به متحدان عرب عراق به عمل متقابل دست بزند و امریکا هم ناگزیر به اقدام تلافی جویانه نشود، آن وقت دیگر قطعنامه ۵۹۸ معنایی نخواهد داشت. (۱) در آن صورت طرفهای متخاصم دیگری در جنگ ایران و عراق درگیر خواهند شد. (۲)»

در واقع، معادله ی حاکم بر جنگ بدین شکل بود که عراق لازمه ی پایان دادن به آن را گسترش حملات به منابع نفتی و نفتکشها و همچنین کشتیهای تجاری ایران می دانست و چنین ارزیابی می کرد که بر اثر اقدامات تلافی جویانه ایران، امریکا به حمایت از کشورهای منطقه، با ایران درگیر شده و این امر نهایتاً به سود عراق خواهد بود. ایران نیز متقابلاً شرط اتمام جنگ را تأمین خواسته های خود، مبنی بر تعیین متجاوز و سپس برقراری آتش بس، می دانست. اقدامات نظامی ایران در جبهه های نبرد بر پایه ی این درک انجام می گرفت که با خطر انداختن موقعیت سیاسی و نظامی عراق، حامیان جهانی و منطقه ای این کشور نهایتاً خواسته های ایران را خواهند پذیرفت. ایران همچنین در برابر حملات عراق، مقابله به مثل را تنها عامل مؤثر برای فشار بر عراق و باز داشتن این کشور از حمله به منابع و تأسیسات نفتی خود می دانست.

امریکاییها از یک سو می بایست عراق را برای خودداری از حملات متقاعد ساخته و تحت فشار قرار می دادند و از سوی دیگر با ایران برای در نظر گرفتن

ص: ۱۲۰

۱- ۳۲۴. پیش از این آقای لاریجانی طی مصاحبه با شبکه ی تلویزیونی امریکا، حضور امریکا در منطقه و حملات عراق را به معنای مخالفت با محتوای قطعنامه ارزیابی کرده بود.

۲- ۳۲۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۷، ۶/۶/۶۲، رادیو لندن، ۶/۶/۶۶.

خواسته هایش، مذاکره را از سر می گرفتند. در این روند عراق پس از مشاهده تلاشهای امریکا، به حملات خود و نتایج ناشی از آن امیدوار بود و امریکاییها نیز قادر به مهار عراق نبودند. در چنین موقعیتی کنترل اوضاع برای امریکاییها بسیار پیچیده و دشوار بود.

سفیر عراق در واشنگتن با مشاهده روند تحولات جنگ، سخنانی را اظهار داشت که نشانه ی از سرگیری مجدد حملات عراق بود. وی گفت:

اگر تلاشهای سازمان ملل متحد در آینده موجب پایان یافتن جنگ نشود، نیروهای عراقی این حق را برای خود محفوظ می دانند که کشتیهای حامل نفت ایران را در خلیج فارس مورد هدف قرار دهند. (۱).

رئیس جمهور وقت ایران، آیت الله خامنه ای، بلافاصله پس از اظهارات سفیر عراق در امریکا در نماز جمعه تهران اعلام کرد:

«اگر عراق به کشتیهای ایران حمله بکند، امریکا با یک شکست آشکار مواجه خواهد شد.» (۲).

یک روز پس از اظهارات رئیس جمهور ایران، عراق پس از یک توقف ۴۵ روزه، مجددا حملات هوایی خود را با حمله به نفتکش الوند که مشغول گرفتن نفت خام در جزیره سیری بود، از سر گرفت. (۳) رادیو لندن در این مورد گفت:

«حمله عراق درست یک روز پس از آنکه رئیس جمهور ایران هشدار داد که اگر عراق به نفتکشهای ایران حمله کند، ایران به تلافی آن به کشتیهای امریکایی حمله خواهد کرد، انجام گرفت.» (۴).

صدام پس از حمله ی هواپیماهای عراقی اعلام کرد:

«از حالا به بعد در دریا به ایران حمله و تمام شاهرگهای اقتصادی ایران را منهدم خواهیم کرد.» (۵).

سفیر عراق در امریکا نیز طی مصاحبه ای اظهار داشت:

«ما قصد داریم کشتیهای بیشتری را در محدوده آبهای ایران هدف قرار دهیم.»

ص: ۱۲۱

۱- ۳۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۹، ۴ / ۶ / ۶۶، رادیو اسرائیل.

۲- ۳۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۲، ۷ / ۶ / ۶۶، انعکاس نماز جمعه تهران در خبرگزاری یونایتدپرس ۶ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۲۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۳، ۸ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۷ / ۶ / ۶۶.

۴- ۳۲۹. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۶ / ۶۶.

۵- ۳۳۰. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۷ / ۶ / ۶۶.

وی همچنین در مورد اقدامات تلافی جویانه ایران گفت:

«ایران نه تنها علیه امریکا بلکه علیه کشورهای منطقه نیز اقدامی نخواهد کرد، زیرا می داند این مسئله بار بیشتر را روی ماشین جنگی ایران تحمیل خواهد کرد.» (۱).

اظهارات سفیر عراق عمدتاً به منظور رهایی از فشار امریکا و کشورهای منطقه بود، زیرا عراقیها به خوبی می دانستند که ایران اقدامات تلافی جویانه را حق محفوظ خود می داند و خودداری ایران از اقدامات مقابله به مثل در واقع میدان عمل عراق را گسترش داده و موجب می شود منابع ایران به صورت تدریجی منهدم شود. طارق عزیز و وزیر خارجه ی وقت عراق نیز با سخنانی که بیانگر اهداف عراقیها و درک آنها از روند جنگ بود، هشدار داد که هر گونه موضع ایران جدا از موافقت رسمی و علنی با اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، سبب خواهد شد عراق خود را در مقابل هیچ چیز متعهد نداند و با تلاش ایران برای تفکیک جنگ مقابله کند. وی همچنین از همراهی برخی از کشورها با ایران انتقاد کرد. (۲).

امریکا بلافاصله از طرفهای درگیر در جنگ درخواست کرد که از خود خویشتن داری نشان دهند. یک مقام دولتی امریکا که همراه ریگان در کالیفرنیا به سر می برد اظهار داشت که از شروع حملات عراق شگفت زده نیست. (۳).

اصابت موشک به کویت

امریکاییها که از متقاعد ساختن ایران ناامید شده بودند و توانایی جلوگیری از تجاوز هوایی عراق را هم نداشتند، به ناچار بخشی از فشار خود علیه ایران را با چراغ سبز به عراق اعمال کردند و امیدوار بودند ایران با رها کردن خواسته های خود، طرح و ابتکار عمل سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ را بپذیرد. در همین موقعیت، عراق حملات خود را از سر گرفت.

ص: ۱۲۲

۱- ۳۳۱. پیشین، خبرگزاری کویت، ۶/۶/۶۶.

۲- ۳۳۲. پیشین.

۳- ۳۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۴، ۶/۶/۶۶، واشنگتن، خبرگزاری رویتر، ۶/۸/۶۶.

پس از گذشت ۴۸ ساعت از شروع دور جدید تهاجم عراق، در خلیج فارس به یک کشتی باربری با پرچم کویت حمله شد. (۱) ناظران در این حمله یک قایق تندرو را مشاهده کرده بودند. متقابلاً عراق در ادامه حملات خود دو نفتکش و یک یدک کش متعلق به ایران را مورد حمله قرار داد. (۲) در رسانه های خبری پیش بینی اقدامات تلافی جویانه ایران در برابر حملات منظم عراق بازتاب نسبتاً گسترده ای داشت. برخی از ناظران با توجه به اینکه رهگیری قایقهای تندرو دشوار بود و همچنین به علت در دسترس بودن کشتیهای کویتی، پیش بینی می کردند ایران از حمله به کشتیهای امریکا خودداری خواهد کرد و در عوض کشتیهای حامیان عرب عراق را مورد حمله قرار خواهد داد. (۳).

امریکاییها پس از سکوت اولیه در برابر تهاجمات عراق و پس از گسترش درگیری، از عراق درخواست کردند که از حمله علیه تأسیسات نفتی ایران خودداری نماید، لیکن عراق از پذیرش درخواست امریکا خودداری کرد. (۴) در ادامه درگیری در منطقه، خبرگزاری رویتر مدعی شد که ایران تاکنون ۸ فروند کشتی را مورد حمله قرار داده است. (۵).

سرانجام در تاریخ ۱۳ / ۶ / ۶۶ اصابت یک فروند موشک به جنوب کویت منجر به استمداد کویت از سازمان ملل شد. وقوع این رویداد بازتاب وسیعی داشت، به گونه ای که در صدر اخبار سراسری امریکا پخش شد. (۶) روزنامه های انگلیس نیز به صورت گسترده ای مبادرت به درج خبر و ادامه گزارش و تفسیر کردند. برخی شلیک موشک را یک «تحول ناگهانی و کاملاً غیر منتظره در جنگ» (۷) ارزیابی کردند، کاخ سفید امریکا در اولین واکنش خود اعلام کرد که شلیک موشک تغییر مهمی را در منطقه خلیج فارس ایجاد نمی کند. وزارت دفاع امریکا نیز اعلام کرد که موشک از نوع «سیلک ورم» (کرم ابریشم) بوده است. (۸).

ص: ۱۲۳

۱- ۳۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۵، ۱۰ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۹ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۳۵. همان، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۳۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۶، ۱۱ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱۰ / ۶ / ۶۶.
۴- ۳۳۷. پیشین.

۵- ۳۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۸، ۱۳ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱۲ / ۶ / ۶۶.

۶- ۳۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۱، ۱۵ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۶ / ۶۶.

۷- ۳۴۰. پیشین، روزنامه ی گاردین.

۸- ۳۴۱. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۱۴ / ۶ / ۶۶.

روزنامه کویتی الرأى العام بدون اشاره به علل شلیک موشک به ساحل کویت و محکوم کردن عراق، از این واقعه به عنوان یک نقطه عطف در جنگ که ایران مایل به گسترش آن می باشد یاد کرد! (۱) دولت کویت نیز پنج دیپلمات ایرانی را از کویت اخراج کرد. (۲).

حمله موشکی به ساحل کویت در پاسخ به تهاجمات هوایی عراق، بحران منطقه خلیج فارس را وارد مرحله جدیدی کرد. این حادثه همچنین نشان داد که حضور نیروهای امریکا نه تنها کمکی به حل بحران نکرده، بلکه منجر به گسترش آن نیز شده است ضمن اینکه صحت تحلیل‌های موجود، یعنی تأثیر بازراندگی حضور نیروهای امریکا در منطقه را در برابر ایران مخدوش کرد.

رویارویی ایران و امریکا در خلیج فارس

به هنگام دیدار خاویر پرز دکوئیار دبیر کل وقت سازمان ملل از دو کشور ایران و عراق، تدریجا با از سرگیری حملات هوایی عراق علیه تأسیسات و منابع نفتی ایران، بر شدت درگیریها میان دو کشور افزوده شد. خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز در گزارش ارسالی از بغداد نوشت که دبیر کل سازمان ملل متحد بدون آنکه توفیق آشکاری در زمینه خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق حاصل کرده باشد، خاک عراق را ترک کرد. در این گزارش که از رادیو امریکا نیز پخش شد به نقل از دیپلماتها آمده بود که کلید پایان جنگ همچنان در دست ایران است. در ادامه همین گزارش، اشاره شده بود:

«مقامات عراقی تصور می کنند که در غیاب صلح، راه پایان دادن به جنگ خلیج فارس، ادامه زد و خورد و شاید هم گسترش جنگ از جانب عراق است.» (۳).

امریکاییها در موقعیت جدید به دنبال کسب ابتکار عمل در جنگ بودند.

ص: ۱۲۴

۱- ۳۴۲. پیشین، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۱۴ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۴۳. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۳، ۲۸ / ۶ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۶ / ۶ / ۶۶.

چنانکه افزایش تمرکز ناوهای امریکا و ناتو در منطقه (۱) و موافقت ضمنی امریکا (۲) با تهاجمات عراق به منظور فزونی یافتن فشار بر ایران، نشان دهنده ی تلاشهای جدید امریکا بود. بدین معنا که امریکاییها در نظر داشتند ضمن طرح ریزی اقدام نظامی (۳) علیه ایران، با تحرکات دیپلماتیک، قطعنامه ی شدید اللحنی را علیه ایران در سازمان ملل به تصویب برسانند و شولتز وزیر خارجه وقت امریکا گفت که این کشور در انتظار روشن شدن نتایج مأموریت خاویر پرز دکوئیار در تهران و بغداد است تا در صورت لزوم خواستار تصویب قطعنامه ی شدید اللحنی شامل مجازات علیه کشور متخاصمی بشود که از اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت خودداری می کند. وی همچنین در این گفتگو که با شبکه تلویزیونی س. بی. اس امریکا انجام گرفت، مطالبی را اظهار کرد که نشان دهنده احتمال اقدام نظامی امریکا علیه ایران بود. او گفت:

«چنانکه موقعیت ایجاب کند ما اقدام به مجازات خواهیم کرد. ایرانیان باید به تصمیم و عزم راسخ ما اطمینان داشته باشند.» (۴)

ابتکار عمل جدید امریکا دقیقا در موقعیتی طرح ریزی و برای اجراء آماده می شد که امریکاییها نتایج مورد نظر خود مبنی بر پایان بخشیدن به جنگ را بر پایه ی حضور نظامی در منطقه و تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ کسب نکرده بودند. در

ص: ۱۲۵

۱- ۳۴۵. روزنامه پراودا چاپ مسکو در مورد تمرکز ناوگانهای امریکا در منطقه می نویسد: «دولت امریکا بی میل نیست که ایران عمل خصومت آمیزی انجام دهد تا به آن پاسخ دندان شکنی داده شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۶ / ۶۶).

۲- ۳۴۶. روزنامه ایزوستیا چاپ شوروی امریکا را متهم به ارسال اطلاعات جاسوسی درباره تأسیسات نظامی و اقتصادی ایران به عراق کرد و نوشت: «همین اطلاعات رژیم عراق را در حملات هوایی علیه ایران تشویق می کند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۳، ۱۸ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۶ / ۶۶).

۳- ۳۴۷. مرکز مطالعات صلح دانشگاه براد فورد امریکا ضمن گزارش درباره حملات نظامی احتمالی امریکا، از جمله حملات محدود به پایگاههای دریایی ایران می نویسد: «امریکا اکنون از نظر نظامی در موقعیت دست زدن به چنین حملاتی قرار دارد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۵، ۲۰ / ۶ / ۶۶، خ یونایتدپرس ۱۹ / ۶ / ۶۶).

۴- ۳۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۹، ۲۴ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۶ / ۶۶.

مقابل، ایران نیز ضمن اقدامات تلافی جویانه در برابر عراق، تلاشهای دیپلماتیک خود را برای تغییر و جابجایی بندهای قطعنامه ی ۵۹۸ انجام می داد و رئیس جمهور وقت ایران نیز قرار بود متعاقب سفر دبیر کل سازمان ملل به ایران و مذاکراتی که انجام گرفته بود، در اجلاس عمومی سازمان ملل شرکت کرده و در تالار مجمع عمومی سخنرانی نماید. بنابراین، تشدید حملات عراق نیز در چارچوب سیاستهای این کشور و امریکا معنا و مفهوم داشت.

حمله امریکا به کشتی ایران اجر

شب هنگام دوشنبه ۳۰ / ۶ / ۶۶ در ساعت ۲۲:۴۰ به وقت محلی (۱۹:۴۰ به وقت گرینویچ) و در موقعیت جغرافیایی ۲۸ / ۲۶ درجه شمالی و ۲۶ / ۵۱ درجه طول شرقی، دو هلیکوپتر نیروی دریایی امریکا که از روی کشتی فرانگین چارت به پرواز درآمده بودند، (۱) کشتی ایران اجر متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به اتهام مین گذاری، بدون هیچ گونه هشدار قبلی، مورد حمله قرار دادند. بلافاصله پنتاگون طی بیانیه ای اعلام کرد که در این حادثه ۴ خدمه کشتی ایرانی کشته و ۴ تن دیگر زخمی شده اند. همچنین ۱۰ ملوان دیگر این کشتی به ناو فرماندهی لاسال منتقل شدند. (۲).

رئیس جمهور وقت امریکا اعلام کرد که در نظر دارد مدارک مربوط به مین گذاری ایران را در اختیار سازمان ملل قرار دهد. (۳) سفیر امریکا در سازمان ملل، ورنون والترز، نیز اعلام کرد که چون این کشتی در حال مین گذاری بوده است، براساس قوانین متعارف مستلزم برخورد بود. وی همچنین در مورد اقدام تلافی جویانه ایران اظهار داشت که در صورت حمله ایران به نیروهای امریکایی، امریکا اقدامات مقتضی را به عمل خواهد آورد. (۴).

تبلغات امریکا برای توجیه اقدام نظامی علیه کشتی ایران اجر و همچنین نگرانی از اقدام تلافی جویانه ایران بیشترین نقش و تأثیر را در جهت دهی به

ص: ۱۲۶

۱- ۳۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۷، ۱ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس و رویترا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۵۰. پیشین، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۵۱. پیشین، رادیو امریکا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۴- ۳۵۲. پیشین، خبرگزاری رویترا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

تلاش‌های دیپلماتیک را داشت. ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام کرد که اقدام نظامی واحدهای دریایی آمریکا یک «اقدام تدافعی» بوده است. وی همچنین اضافه کرد که نگران تهدیدهای انتقام‌جویانه ایران نیست! (۱).

شبکه تلویزیونی سراسری ای. بی. اس آمریکا تصاویر مختلفی را از کشتی ایران اجر و مینهای کشف شده به نمایش گذاشت. (۲) همچنین تمام شبکه‌های تلویزیونی عمده آمریکا روز سه‌شنبه و متعاقب سخنرانی رئیس‌جمهور وقت ایران آیت‌الله خامنه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل، برنامه‌های عادی خود را قطع کرده و گزارش‌هایی از خدمه نظامی کشتی و مینهای داخل آن پخش کردند. (۳) شبکه‌ای بی‌سی نیز ضمن تأکید بر خشنودی محافل سیاسی - نظامی آمریکا گفت که گرچه این حمله از بعد نظامی کوچک است، اما دولت ریگان معتقد است پیروزی سیاسی بسیار مهمی کسب کرده است. (۴) اعضای کنگره آمریکا نیز از اقدامات نیروی دریایی آمریکا علیه ایران حمایت کردند. رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا گفت که به اعتقاد او شواهد موجود نشان می‌دهد که نیروهای آمریکایی حق داشتند به قایق ایرانی حمله کنند. (۵) همچنین چند روز بعد سنای آمریکا با حمایت از اقدام نظامی نیروی دریایی آمریکا اصلاحیه‌ای را تصویب کرد که به موجب آن، نیروی دریایی آمریکا حق داشت هر کشتی ایرانی را که سعی کند مانع از عبور کشتیهای دیگر حامل شهروندان آمریکا شود، غرق کند. (۶) نظر به اینکه تهاجم دریایی نیروهای آمریکا به کشتی عمومی ایران یک شب قبل از سخنرانی رئیس‌جمهور وقت ایران در مجمع عمومی سازمان ملل انجام گرفت، لذا کاملاً منطقی به نظر می‌رسید که این اقدام در چارچوب ابتکار عمل جدید آمریکا از قبل طرح ریزی و سازماندهی شده باشد. مقامات وزارت دفاع آمریکا مطالبی را در این زمینه بیان کردند که نشانگر صحت این موضوع است:

ص: ۱۲۷

۱- ۳۵۳. پیشین، رادیو آمریکا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۵۴. پیشین، رادیو آمریکا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۸۸، ۲ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۱ / ۶۶.

۴- ۳۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۴ / ۶۶.

۵- ۳۵۷. مأخذ شماره ۱۹۶.

۶- ۳۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۹۰، ۴ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۳ / ۷ / ۶۶.

«نیروهای امریکایی کشتی ایران اجر را چندین روز زیر نظر داشتند و در انتظار شواهد قطعی دال بر اینکه مینهای زیر آبی کار می گذارد، بودند.» (۱).

یکی از همین مقامات که مایل به افشاء نام خود نبود گفت: زمانی که کشتی ایرانی به طرف بحرین حرکت می کرد از طریق هوا ردیابی شد و این عملیات «تصادفی» نبود. (۲).

اقدامات احتمالی ایران علیه امریکا، بیشترین بحث را در محافل کارشناسی و همچنین رسانه های خبری، به خود اختصاص داد. برخی از تحلیلگران اقدام ایران را بیشتر لفظی دانسته و بر این نظر بودند که ایران چون سعی دارد تحریم تسلیحاتی پیشنهادی علیه خود را دفع کند، لذا اقدام خاصی نخواهد کرد. (۳) شیرین هانتر از کارشناسان امور ایران در مؤسسه ی مطالعات استراتژیک و بین المللی در واشنگتن، این حادثه را به علت شکسته شدن یک عامل روانی، (۴) عامل مهمی برای نگرانی و تشویق ذکر کرد.

دیپلماتهای مستقر در کشورهای خلیج فارس نیز اعلام کردند که بر اثر این درگیری، دو کشور در آستانه یک رویارویی با یکدیگر قرار گرفته اند. آنها تأکید کردند که این حادثه نشان داد ایران همچنان مصمم به ایجاد اختلال در حرکت کاروانهای امریکا (اسکورت نفتکشهای کویت) در خلیج فارس و امریکا نیز مصمم به مقابله با تلاشهای ایران است. (۵) یکی از همین دیپلماتهای غربی گفت:

«این امر به وضوح نشان می دهد که ایران آماده قبول خطرات ناشی از رویارویی با امریکاست و از افزایش نیروهای دریایی خارجی در منطقه ترس ندارد.» (۶).

در میان ناظران و تحلیلگران، برژینسکی مشاور امنیت زمان کارتر، خواهان اقدامات قاطعانه علیه ایران بود. او بر این اعتقاد بود که هشدار درباره دخالت امریکا در خلیج (فارس) احمقانه است و کسانی که چنین هشدارهایی را

ص: ۱۲۸

۱- ۳۵۹. مأخذ شماره ۲۰۰، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۶۶ / ۷ / ۱.

۲- ۳۶۰. پیشین.

۳- ۳۶۱. مأخذ شماره ۲۰۰، خبرگزاری رویتر، ۶۶ / ۷ / ۱، فردا کسلگارد.

۴- ۳۶۲. مأخذ شماره ۲۰۰، خبرگزاری رویتر، ۶۶ / ۷ / ۱.

۵- ۳۶۳. پیشین.

۶- ۳۶۴. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۶۶ / ۶ / ۳۱.

می دهند، نمی دانند یا نمی خواهند بدانند که خلیج (فارس) از نظر استراتژیک برای ما اهمیت دارد و باید منافع امریکا در آنجا حفظ شود. وی سپس در مورد موقعیت امریکا و ضرورت اقدام قاطع گفت:

«کشورهای عرب منطقه خلیج (فارس) طی چند ماه گذشته در مورد اعتبار امریکا دچار مسائل و تردیدهای زیادی بودند که اینک باید این تردیدها رفع شده باشد. امریکا برای به دست آوردن مجدد اعتبار خود (۱) بهایی را نپرداخته و تنها روابط با ثبات تر و اوضاع خلیج (فارس) نیز آرامتر شده است.» (۲).

امریکاییها پس از انجام یک اقدام نظامی و نمایاندن اراده و قدرت خود در حمله به کشتی ایران اجر و همچنین برخورداری از نقش مؤثر در ترغیب و تشویق سعودیها در حمله به حجاج ایرانی، (۳) مایل به خاتمه بخشیدن به درگیری میان ایران و امریکا بودند. لذا ریگان رئیس جمهور وقت امریکا اعلام کرد:

«ما این واقعه را تمام شده تلقی می کنیم.» (۴).

برخی از تحلیلگران و رسانه های خبری با بررسی سیاست ریگان در منطقه خلیج فارس، در مجموع به ثمربخش بودن آن رأی دادند. چنانکه روزنامه معروف کریستین ساینس مانیاتور به نقل از خبرنگار خود در منامه، با توجه به عکس العمل محدود ایران در برابر حملات اخیر عراق و همچنین اقدام امریکا، نوشت:

«به گفته تحلیلگران، این شیوه اختیارات ایران را محدود کرده است. ایران به گونه ای فزاینده از حمله مستقیم به کشتیها، به خاطر مخاطرات نظامی

ص: ۱۲۹

۱- ۳۶۵. در اینجا برژینسکی به مخدوش شدن اعتبار امریکا پس از افشای ماجرای مک فارلین اشاره دارد. لذا اقدام نظامی را پس از حضور نیروهای امریکا در منطقه، به مثابه پرداختن بهای لازم برای کسب اعتبار مجدد امریکا ذکر می کند.

۲- ۳۶۶. مأخذ شماره ۲۰۱.

۳- ۳۶۷. در این زمینه در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد.

۴- ۳۶۸. مأخذ شماره ۲۰۳.

ناشی از حضور دریایی سنگین امریکا در خلیج فارس اکراه دارد. علاوه بر این، این گونه حملات می تواند به این پندار در سازمان ملل که تهران مایل به یافتن یک راه حل دیپلماتیک برای جنگ است، آسیب بزند.»

این نشریه سپس در مورد سیاست امریکا در خلیج فارس به نقل از یک دیپلمات غربی که پیش از این به سیاست امریکا خرده می گرفت، افزود:

«اینک پس از یک شروع نا ميمون، سياست امریکا به عملیات موفقیت آمیز منجر شده و دستاورد بسیار داشته است.» (۱).

واینبرگر وزیر دفاع امریکا که در حال بازدید از منطقه بود در مورد اهمیت اقدامات امریکا گفت:

«به عقیده من آنچه که ما انجام می دهیم از آن نظر اهمیت دارد که ایران دریابد که جنگ باید به پایان برسد و آنها نمی توانند با تهدید و ارباب پیروز شوند.»

وی سپس اضافه کرد:

«تنها راه دفاع از صلح، قدرتمند بودن است.» (۲).

در فضای ناشی از تشدید فشار امریکا به ایران (۳) با حمله به کشتی ایران اجر و تلاش برای تصویب قطعنامه به منظور تحریم تسلیحاتی ایران، روزنامه الثوره، ارگان حزب بعث عراق، ضمن اشاره به ضرورت تداوم حملات علیه ایران نوشت:

«یا صلح تمام عیار وجود خواهد داشت و یا یک جنگ همه جانبه.» (۴).

اظهارات واینبرگر به هنگام سفر به منطقه و همچنین محتوای مقاله روزنامه الثوره نشانگر چراغ سبز امریکا به عراق مبنی بر تشدید حملات علیه ایران بود.

ص: ۱۳۰

۱- ۳۶۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۸، ۱۲/۷/۶۶، رادیو امریکا، ۱۱/۷/۶۶.

۲- ۳۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۲، ۱۶/۷/۶۶، رادیو آمریکا، ۱۵/۷/۶۶.

۳- ۳۷۱. رادیو لندن طی گزارشی از تحولات منطقه می گوید: «استراتژی عراق همواره آن بوده که جنگ خلیج (فارس) را بین المللی کند و بویژه پای امریکا را به جنگ بکشاند که تا حدی هم موفق شده است. عراق به خوبی درک می کند که ایران در خلیج فارس آسیب پذیر است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۹، ۳/۷/۶۶، رادیو لندن ۲/۷/۶۶).

۴- ۳۷۲. پیشین، آسوشیتدپرس، ۵/۷/۶۶.

طوری که دیپلماتهای مقیم بغداد چنین پیش بینی کردند که در ظرف روزهای آینده، مرحله جدیدی از حملات عراق علیه ایران آغاز خواهد شد. (۱).

در این مرحله محرک اصلی عراقیها برای از سرگیری و تشدید حملات هوایی علیه منابع و تأسیسات نفتی و اقتصادی ایران، علاوه بر اوضاع ناشی از درگیری نظامی بین ایران و امریکا، عمدتاً ناکامی تلاشهای سیاسی امریکا در تصویب قطعنامه ای برای تحریم تسلیحاتی ایران بود. خبرگزاری یونایتدپرس در این زمینه می گوید:

«نامیدی عراق از تلاشهای بین المللی برای خاتمه بخشیدن به جنگ ظاهراً سبب شده است که این کشور تأسیسات نفتی ایران را آماج مخربترین حملات نیروی هوایی خود ظرف هفت سال اخیر قرار دهد.» (۲).

سفیر جدید عراق در امریکا پس از تسلیم استوارنامه خود به معاون وزیر خارجه امریکا (وایتهد) برای کسب موافقت امریکا جهت تشدید حملات هوایی عراق می گوید:

«واشنگتن درک کرده است که چرا عراق پس از آنکه ایران از قبول دستور شورای امنیت برای برقراری آتش بس در جنگ هفت ساله خودداری کرد، حملات هوایی خود علیه ایران را از سر گرفت.» (۳).

ناکامی امریکا در تصویب قطعنامه ای برای تحریم تسلیحاتی ایران عمدتاً متأثر از نتایج ناشی از تلاشهای دیپلماتیک ایران و گفتگو با دبیر کل و برخی از اعضای شورای امنیت در مورد قطعنامه ی ۵۹۸ بود. ضمن اینکه موضع گیری روسها (۴) نیز نقش مهمی در ناکامی امریکاییها داشت. (۵) به همین دلیل،

ص: ۱۳۱

-
- ۱- ۳۷۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۱، ۶۶/۷/۵، خبرگزاری خلیج فارس، ۶۶/۷/۴.
 - ۲- ۳۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۳، ۶۶/۷/۷، خبرگزاری یونایتدپرس.
 - ۳- ۳۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۷، ۶۶/۷/۱۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰/۶۶/۷، الانباری سفیر عراق در امریکا.
 - ۴- ۳۷۶. روزنامه الثوره ارگان حزب بعث عراق نیز شوروی را به ایجاد مانع در اجرای قطعنامه ۵۹۸ متهم کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۱۹۹، ۶۶/۷/۱۳، خبرگزاری رویتر ۶۶/۷/۱۲).
 - ۵- ۳۷۷. آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران از موضع شورویها و کشورهای بلوک شرق به خاطر محکوم کردن حضور امریکا در خلیج فارس تشکر کرد. (روزنامه های یومیه ۶۶/۷/۱۱).

ریگان به هنگام نگارش نامه ای به کنگره امریکا با اشاره به نقش شوروی می نویسد:

«ما امیدواریم در موقعیتی که شورای امنیت در جهت ایجاد زمینه ای برای اجرای قطعنامه است، دولت شوروی به جای به تعویق انداختن کار، در این زمینه، همکاری کند و در پی استفاده از فرصتهای برای گسترش نفوذ خود، به قیمت از دست رفتن صلح در منطقه برنیاید.» (۱).

چند روز بعد وزیر خارجه ی امریکا رسماً به شکست طرح تحریم تسلیحاتی ایران اعتراف کرد. وی پس از این ناکامی اعلام کرد که امریکا موافقت کرده وقت بیشتری برای دیپلماسی به شورای امنیت بدهد تا شاید بتواند به یک آتش بس در جنگ ایران و عراق دست یابد. وی پس از ملاقات با وزرای امور خارجه چهار عضو دائمی شورای امنیت گفت:

«امکان تحریم و مجازات از بین نرفته است و احتمال حتمی آن وجود دارد مگر اینکه پاسخ رضایت بخشی از سوی ایران وجود داشته باشد... عراقیها اساساً این قطعنامه را پذیرفته ولی ایرانیان نپذیرفته اند، اگر چه چیزهای مثبتی گفته اند.» (۲).

در این مرحله امریکاییها گر چه با حمله به کشتی ایران اجر و تشویق و ترغیب عراق برای حمله به منابع و تأسیسات نفتی و اقتصادی جمهوری اسلامی، در تشدید فشار به ایران گامهایی برداشتند، لیکن در تصویب قطعنامه ای به منظور تحریم تسلیحاتی ایران ناکام بودند.

عملیات خفجی

رأس الخفجی یک منطقه نفتی بی طرف میان کویت و عربستان سعودی است که در شمال خلیج فارس قرار دارد و در آنجا روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت تولید و صادر می شود.

فزونی یافتن حمایت همه جانبه کویت و عربستان سعودی از عراق، به موازات افزایش حملات هوایی عراق علیه تأسیسات و منابع نفتی و اقتصادی ایران

ص: ۱۳۲

۱- ۳۷۸. مأخذ شماره ۲۰۳.

۲- ۳۷۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۴ / ۷ / ۶۶.

سبب گردید تا در اقدامات تلافی جویانه ایران بعضا کشتیهای دو کشور یاد شده مورد تهاجم قرار گیرند. در همین روند، تهاجم طرح ریزی شده سعودیها با حمایت امریکا به حجاج ایرانی بیت الله الحرام (۱) در مراسم براثت از مشرکین، بر تیرگی مناسبات میان دو کشور افزود. آقای هاشمی در مصاحبه ای مطبوعاتی در مورد واکنش ایران در برابر اقدام سعودیها گفت:

«ما طرحهایی برای نشان دادن این عکس العمل داریم که در موقع مناسب خود آنها را اجرا خواهیم کرد. من فکر می کنم که سعودیها برای آنچه که انجام داده اند، متأسف خواهند شد.» (۲).

اندک زمانی بعد از اظهارات آقای هاشمی، در تاریخ ۱۲ / ۷ / ۶۶ برخی از خبرگزاریها و منابع نفتی در مورد تجمع غیر عادی تعداد زیادی قایق در نزدیکی پایانه های نفتی رأس الخفجی گزارش دادند. در این زمینه برخی از مقامات دیپلماتیک و منابع کشتیرانی گفتند:

«گفته می شود این کشتیها (قایقها) از پایگاه پاسداران انقلاب اسلامی در جزیره فارسی که در حدود ۱۲۰ کیلومتری جنوب سکوی نفتی ساحلی واقع است، آمده اند.» (۳).

همچنین یک دیپلمات گفت:

«قایقها در حدود ۲۰ کیلومتری نزدیک سکوی نفتی پراکنده بودند.» (۴).

برابر گزارشهای واصله، تجمع قایقها در سحرگاه روز شنبه (۱۱ / ۷ / ۶۶) انجام گرفته بود در این میان، روز جمعه کشتی امریکایی لاسال به عنوان کشتی

ص: ۱۳۳

۱- ۳۸۰. حجت الاسلام توسلی از مسئولین بعثه امام می گوید که روز قبل از حادثه وزیر حج و اوقاف عربستان در ملاقات با حجت الاسلام کروی نماینده حضرت امام از میزان شرکت کنندگان در راه پیمایی سؤال کرد و ایشان در پاسخ اظهار داشت که حجاج ایرانی ۱۶۵ هزار نفر هستند و ممکن است حجاج غیر ایرانی نیز در مراسم براثت از مشرکین شرکت کنند. در جواب، وزیر حج سعودی گفت که اگر تعداد به این میزان باشد، حتما در گیری به وجود خواهد آمد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۶، ۱۲ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۵ / ۶۶).

۲- ۳۸۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۳، ۲۸ / ۶ / ۶۶، لندن، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۸، ۱۲ / ۷ / ۶۶، منامه، یونایتدپرس، ۱۱ / ۷ / ۶۶.

۴- ۳۸۳. پیشین.

فرماندهی اسکادران کشتیهای اسکورت در خلیج فارس، به طور ناگهانی از کاروان رو به جنوب جدا شده، به سمت شمال حرکت کرد. (۱) خبرنگار خبرگزاری یونایتدپرس در عرشه رزمناو امریکایی لاسال علت تغییر حرکت این رزمناو را مشاهده فعالیت‌های نیروی دریایی سپاه پاسداران ایران در روز جمعه ذکر کرد:

«به طور کلی فعالیت‌های وسیعی مشاهده شد و قایق‌های روی آب روان بودند و میزان فعالیت آنها بیشتر از حد معمول بود.» (۲).

در روز شنبه نیز هواپیماهای سعودی گزارشهایی را مبنی بر مشاهده قایق‌های نسبتاً زیاد و پراکنده، ارسال کردند. لیکن در مورد هدف و علت این اقدام هیچگونه گزارشی در منابع خبری منتشر نشد. روز بعد، یک تانکر عربستان سعودی بنام رد الکبری که حامل مواد شیمیایی بود در ساعات اولیه بامداد در نزدیکی سواحل امارات متحده عربی و در حالی که از ترمینال رأس التنوره به سمت بندر سعودی جده در حال حرکت بود، مورد حمله قرار گرفت. (۳) رادیو لندن با توجه به تحرکات اخیر، احتمال حمله به تأسیسات عربستان سعودی را مورد اشاره قرار داد. (۴).

تداوم درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس

در تاریخ ۱۶ / ۷ / ۶۶ هلیکوپترهای امریکا به ۵ فروند قایق نیروی دریایی سپاه که در حال گشت زنی در منطقه بودند، حمله کردند. بر اثر اقدام تدافعی ایران، یک فروند هلیکوپتر امریکا سقوط کرد. مرکز ستاد نیروهای دریایی امریکا در واشنگتن و بحرین ابتدا سقوط هلیکوپتر امریکا را تکذیب کردند. (۵) معاون وزیر جنگ امریکا در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی سی. بی. اس ضمن اشاره به حضور امریکا در منطقه و اظهار اینکه تهاجم اخیر امریکا دو پیام برای ایران در پی دارد، یکی اعتماد به نفس نیروهای امریکا در

ص: ۱۳۴

۱- ۳۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۹، ۱۳ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۲ / ۶۶ / ۷.

۲- ۳۸۵. پیشین.

۳- ۳۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۳، ۱۷ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۵ / ۷ / ۶۶.

۴- ۳۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۲، ۱۶ / ۷ / ۶۶، رادیو لندن، ۱۵ / ۷ / ۶۶.

۵- ۳۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۴، ۱۸ / ۷ / ۶۶، رادیو لندن، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

منطقه و دیگر اینکه ما یک قدرت بشر دوست هستیم! اعلام کرد:

«نیروهای جمهوری اسلامی ایران به روشنی به حمله ای خصمانه در آبهای بین المللی دست زدند و نیروهای امریکایی ناچار شدند با اقدامی دفاعی واکنش نشان دهند.» (۱).

سخنگوی کاخ سفید مارتین فیتزواتر گفت که ریگان در ساعت ۲۴ به وقت تهران از حادثه مطلع شد. وی اضافه کرد که به نظر می رسد این یک حادثه منفرد باشد، ما آن را ایجاد نکردیم. (۲) وزیر دفاع امریکا نیز اظهار داشت:

«قایقهای سریع السیر مسلح ایران به هلیکوپتر امریکایی آتش گشودند، نه یک هلیکوپتر که بیشتر وزارت دفاع امریکا گزارش کرده بود.» (۳).

اظهارات اولیه مقامات مسؤول امریکا تا اندازه ای متناقض بود. چنانکه در ابتدا وزارت دفاع اعلام کرد که به سوی یک هلیکوپتر امریکا شلیک شده و این هلیکوپتر با بی سیم از چند هلیکوپتر دیگر درخواست کمک کرده است. لیکن در گزارش اخیر امریکاییها مدعی شدند در حالی که سه فروند هلیکوپتر در حال گشت بود، قایقهای ایران به سمت آنها آتش گشودند. وزیر دفاع امریکا در این مصاحبه، سقوط یک فروند هلیکوپتر امریکا را تکذیب و اعلام کرد:

«ایالات متحده خواستار درگیری رزمی با ایران نیست.» (۴).

وزیر خارجه ایران در پیامی به دبیر کل سازمان ملل امریکا را مسؤول یک جنگ تمام عیار در خلیج فارس دانست. (۵) نماینده ایران در سازمان ملل نیز طی یک مصاحبه مطبوعاتی اقدام امریکا علیه ایران را اعلام جنگ ارزیابی کرد و گفت:

«تصور می کنم در حال حاضر با امریکا در حال جنگ هستیم... ما این حادثه را فراموش نمی کنیم و تدابیر و تصمیمات لازم را در موقع مقتضی اتخاذ خواهیم کرد... هلی کوپتر امریکایی آغازگر ماجرا بوده است.» (۶).

در این حادثه از پنج قایق ایران، سه فروند غرق شد و دو نفر از سرنشینان

ص: ۱۳۵

۱- ۳۸۹. پیشین، رادیو امریکا، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۲- ۳۹۰. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۳- ۳۹۱. مأخذ شماره ۲۲۸.

۴- ۳۹۲. پیشین.

۵- ۳۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۵، ۱۹ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ / ۶۶ / ۷ /

۶- ۳۹۴. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

شهید و شش نفر دیگر به اسارت نیروهای امریکا درآمدند. (۱).

در مورد این حادثه ولادیمیر پتروفسکی از مقامات امور خارجه شوروی در سازمان ملل اعلام کرد:

«به عقیده شوروی این حادثه ای بسیار جدی است.» (۲).

گورباچف رئیس جمهور وقت شوروی (پیشین) در ادامه موضع گیری این کشور مبنی بر خروج نیروهای خارجی از منطقه خلیج فارس و پس از درگیری ایران و امریکا، ضمن درخواست پایان جنگ، مجدداً از نیروهای خارجی خواست تا منطقه خلیج فارس را ترک کنند. (۳) (۴).

میتران رئیس جمهور وقت فرانسه نیز با حمایت از امریکا اعلام کرد:

«من توضیحات امریکا را شنیدم به نظرم حق با امریکاست... آنچه حقیقت دارد این است که در آبهای بین المللی به محض احساس تهدید و یا تجاوز، کاملاً طبیعی است که باید از روشهای دفاعی استفاده کرد. زیرا این یک دفاع قانونی است این مطلب در مورد فرانسه نیز صادق است.» (۵).

به رغم اینکه ریگان پس از حمله امریکا به کشتی ایران اجر اعلام کرده بود که این حادثه را تمام شده می دانیم، مجدداً هلیکوپترهای امریکا به قایقهای ایران حمله کردند. ریگان با نگرانی از مسأله ی احیای اختیارات جنگ و محدود شدن اختیارات رئیس جمهور از سوی کنگره، در نامه ای به کنگره اطمینان داد:

«ما این واقعه را تمام شده می دانیم!» (۶).

ص: ۱۳۶

۱- ۳۹۵. پیشین.

۲- ۳۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۴، ۱۸ / ۷ / ۶۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۳- ۳۹۷. در این مرحله از جنگ، روابط ایران و شوروی بر اثر موضع شورویها در مورد خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس و همچنین نقش شورویها در شورای امنیت برای انتقال نظریات ایران و همچنین ممانعت از تصویب قطعنامه ی تحریم تسلیحاتی ایران، رو به بهبود نهاد. چنانکه نماینده وقت ایران در سازمان ملل اعلام کرد: «روابط ما با شوروی بسیار خوب است و بهتر هم خواهد شد. ثابت شده که شوروی دشمن ایران نیست، در حالی که امریکا علناً دشمنی اش را با ایران نشان داده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۵، ۱۹ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۷ / ۷ / ۶۶).

۴- ۳۹۸. مأخذ شماره ۲۲۷.

۵- ۳۹۹. مأخذ شماره ۲۳۵، خبرگزاری فرانسه، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۶- ۴۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۶، ۲۰ / ۷ / ۶۶، آسوشیتدپرس، ۱۹ / ۷ / ۶۶.

درگیری مجدد ایران و امریکا بازتاب نسبتاً گسترده ای داشت. برخی از تحلیلگران بر این نظر بودند که ایران برای حفظ خود در داخل ایران هم که شده جز پاسخگویی به حملات امریکا بلکه به حملات هوایی عراق چاره ای ندارد. (۱) شهرام چوبین یکی از کارشناسان امور ایران در توضیح علت مقابله به مثل ایران می گوید:

«ایران مشکلاتی دارد که نمی خواهد با کشورهای خارجی در خلیج فارس درگیر شود، اما از طرف دیگر هم نمی تواند جوابی ندهد.» (۲).

سر دبیر یکی از نشریات انگلیس که در دوبی به سر می برد، با اظهار تعجب از درگیری ایران و امریکا نوشت:

«این درگیری دیپلماتها و ناظران کشتیرانی در منطقه را متعجب ساخت، زیرا اغلب آنها بر این عقیده بودند که ایران به رغم شعارهای خود سعی زیادی خواهد کرد با امریکاییها برخوردی نداشته باشد.» (۳).

روزنامه لوموند چاپ فرانسه نیز نوشت:

این بار امریکا برخلاف حمله به کشتی ایران اجر برای اثبات مسؤولیت ایران در بروز این حادثه با مشکلاتی مواجه خواهد بود... هلیکوپتر امریکا مورد حمله قایقهای ایران قرار نگرفته است، بلکه هلیکوپترهای تهاجمی امریکا در صدد «تسویه حساب» برآمده و سه قایق ایران را غرق کرده اند.

لوموند سپس چنین پیش بینی کرد:

«امریکا شاید در فاصله نه چندان دور به ناچار بهای آنرا پردازد.» (۴).

تایمز مالی چاپ لندن نیز نوشت:

سرانجام ایران و امریکا در یک مسیر منتهی به درگیری قرار گرفتند که خارج شدن از آن بسیار دشوار خواهد بود. (۵).

صدام رئیس جمهور عراق ضمن خرسندی از حضور امریکا در منطقه، در مصاحبه با روزنامه کویتی السیاسه در مورد امکان برخورد ایران و امریکا گفت:

ص: ۱۳۷

۱- ۴۰۱. مأخذ شماره ۲۲۷.

۲- ۴۰۲. مأخذ شماره ۲۲۷.

۳- ۴۰۳. مأخذ شماره ۲۳۵، لندن خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۰۴. پیشین، پاریس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۵- ۴۰۵. مأخذ شماره ۲۳۲.

«ایرانیان در برخورد نظامی با امریکا ترسو و ناتوان هستند و قادر نیستند برخوردی عملی داشته باشند، زیرا جرأت ندارند... تنها در یک صورت ممکن است ایران با امریکا برخورد کند و آن زمانی است که تصمیم بگیرد دلایل شکست نظامی را پنهان نموده و برعهده امریکا بگذارد.» (۱).

اصابت موشک به کشتی امریکا

یک هفته بعد از درگیری نیروی دریایی سپاه با هلیکوپترهای امریکا، نفتکش بزرگ امریکا به نام سانگاری در حالی که در آبهای ساحل کویت لنگر انداخته بود، در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۶۶ مورد اصابت یک فروند موشک قرار گرفت. تفسیر رادیو تهران از این حادثه و تأکید بر اینکه:

«خلیج فارس یا جایی امن برای همه خواهد بود و یا هیچکس... ما به امریکا و متحدانش می گوئیم که با پرداختن مجدد به تجربه ای که از قبل شناخته شده است، اشتباه می کنند.» (۲).

سبب گردید این تفسیر به منزله پذیرفتن تلویحی مسؤولیت این اقدام از سوی ایران، مورد ارزیابی قرار گیرد.

وزارت جنگ امریکا ضمن تأیید حمله ی موشکی به یک کشتی امریکا اعلام کرد:

«همه چیز حاکی از آن است که یک موشک «کرم ابریشم» ساخت چین به این نفتکش اصابت کرده است.» (۳).

شیخ صباح الاحمد معاون نخست وزیر و وزیر خارجه ی کویت بلافاصله پس از اصابت موشک به کشتی امریکایی، پیامهایی را برای دبیر کل سازمان ملل، دبیران کل اتحادیه ی جامعه ی عرب، شورای همکاری و سازمان کنفرانس اسلامی ارسال داشت. (۴) همچنین روزنامه القبس ضمن قلمداد کردن گسترش جنگ به قلمرو آبهای کویت به عنوان یک تحول خطرناک، در مورد نقش کویت در

ص: ۱۳۸

۱- ۴۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۷، ۲۱ / ۷ / ۶۶، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۷ / ۲۰.

۲- ۴۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۰، ۲۴ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۶۶ / ۷ / ۲۳.

۳- ۴۰۸. پیشین.

۴- ۴۰۹. پیشین، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۷ / ۲۳.

حمایت از عراق اعلام کرد:

«ما کوبتیه‌ها هرگز به توانایی جنگی عراق کمک نکرده ایم و تنها به خاطر پایبندی به قومیت عرب با عراق اعلام همبستگی نموده ایم!» (۱).

برخی از دیپلمات‌های غربی مستقر در منطقه، احتمال اقدام آمریکا علیه سکوهای پرتاب موشک کرم ابریشم در داخل خاک ایران را مورد بررسی قرار دادند. (۲) همچنین یک دیپلمات عالیرتبه غربی گفت:

«ایران می‌خواهد به دنیا بفهماند که آمریکا می‌تواند نفتکش‌های کویتی را در سر تا سر خلیج فارس اسکورت کند، ولی این نفتکش‌ها هنوز در آب‌های کویت آسیب پذیر هستند.» (۳).

گزارشگر بی.بی.سی در گفتگو با مجری اخبار ظهر جمعه این شبکه در مورد حادثه مزبور که منجر به مجروح شدن ۱۸ تن از خدمه کشتی از جمله ناخدای آن شد، گفت:

«این جدی‌ترین حادثه‌ای است که بعد از مدت‌ها در خلیج فارس اتفاق افتاده است، زیرا این نفتکش با پرچم آمریکا مستقیماً مورد حمله ایران واقع شده است.» (۴).

کاخ سفید در مورد این حادثه اعلام کرد:

«امریکا راه‌های پاسخگویی به تجاوز ایران به نفتکش کویتی دارای پرچم آمریکا را بررسی می‌کند.» (۵).

اما همزمان، سخنگوی کاخ سفید با لحن ملایمتری، برای حفظ وجهه‌ی آمریکا بویژه پس از تبلیغات بسیاری که پیرامون عدم توانایی ایران برای مقابله با آمریکا راه انداخته بودند، چنین اظهار داشت:

«نمی‌دانیم این موشک آیا عمداً به طرف یک کشتی امریکایی پرتاب شده و یا اینکه سیستم هدایت آن برای اصابت به هر کشتی‌ای تنظیم شده است.» (۶).

ص: ۱۳۹

۱- ۴۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۲۱۱، ۲۵ / ۷ / ۶۶، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۷ / ۲۴.

۲- ۴۱۱. مأخذ شماره ۲۴۵، خبرگزاری رویتر، ۶۶ / ۷ / ۲۳.

۳- ۴۱۲. پیشین.

۴- ۴۱۳. مأخذ شماره ۲۴۸، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۷ / ۲۴.

۵- ۴۱۴. پیشین، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه، ۶۶ / ۷ / ۲۴.

۶- ۴۱۵. پیشین.

اقدامات تلافی جویانه ی احتمالی امریکا علیه ایران مهمترین مسأله ای بود که پس از این حادثه ی خفت بار، مورد بحث و بررسی مقامات امریکا و رسانه های تبلیغاتی جهان قرار گرفت. ریگان اعلام کرد که من نمی توانم در مورد اقدام احتمالی امریکا در آینده سخن بگویم، لکن در حال حاضر سرگرم مذاکره با کویت هستیم. (۱) برخی از دیپلماتهای غربی در خلیج فارس معتقد بودند که امریکا خود را در موقعیتی قرار داده است که مجبور به اقدام تلافی جویانه می باشد. زیرا اگر امریکا اقدام ایران را پاسخ ندهد، موقعیت ایران به میزان قابل توجهی مستحکم خواهد شد. (۲).

نمایندگان کنگره امریکا به زعم خود با درک ضرورتها اعلام کردند که از تصمیم ریگان برای تلافی علیه ایران پشتیبانی می کنند. (۳) همچنین سناتور جمهوریخواه گوردل هامفر در مورد مشکل امریکا برای پاسخ یا عدم پاسخ نظامی به ایران گفت:

«مسئله تلافی جواب آسانی ندارد. اگر ما هیچکار نکنیم بی عرضه و ناتوان به نظر می رسیم و اگر کاری کنیم، بیشتر درگیر می شویم.» (۴).

در واقع، امریکا در موقعیتی قرار داشت که هرگونه سکوت در برابر حمله به کشتی امریکایی به منزله ناتوانی این کشور تلقی می شد و این وضعیت اساساً موقعیت امریکا را تضعیف می کرد و مانع از کسب ابتکار عمل امریکا در خلیج فارس بود. از سوی دیگر، پاسخگویی امریکا نیز با توجه به توانایی و اراده ایران برای مقابله به مثل منجر به تداوم درگیری می شد. این وضعیت، امریکا را برای پاسخگویی در موقعیت دشواری قرار می داد. بر پایه این ملاحظات، پس از بحث و بررسیهایی که در امریکا انجام گرفت، ریگان در جریان یک نطق رادیویی ضمن تأکید بر تداوم سیاست امریکا جهت ادامه حضور در منطقه خلیج فارس و حفاظت از نفتکشها، اعلام کرد:

با تهدیدات علیه واحدهای نیروی دریایی امریکا و کشتیهای تحت

ص: ۱۴۰

۱- ۴۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۲، ۲۶ / ۷ / ۶۶، یونایتد پرس، ۲۵ / ۷ / ۶۶.

۲- ۴۱۷. پیشین.

۳- ۴۱۸. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۲۵ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۱۹. پیشین.

مراقبت آن در زمان مناسب برخورد خواهد شد. (۱).

اوضاع منطقه و ضرورت‌های داخلی امریکا، پاسخ امریکا را قطعی نشان می‌داد. لیکن در مورد سطح آن همچنان تردید و ابهام وجود داشت. در عین حال، با پیدایش موقعیت جدید، عراقیها چنین تصور می‌کردند که جنگ وارد مرحله پایانی شده است. (۲).

حمله امریکا به سکوی نفتی ایران

تنها کمتر از یک هفته پس از اصابت موشک به کشتی امریکایی، سرانجام امریکاییها پس از بحث و بررسیهای فراوان، در تاریخ ۲۷ / ۷ / ۶۶ به سکوی نفتی رشادت حمله کردند. بلافاصله سخنگوی کاخ سفید، فیتزواتر، اعلامیه رئیس جمهور وقت امریکا را در مورد این حمله قرائت کرد. ریگان در این اعلامیه مسؤلیت حمله را برعهده گرفته و اعلام کرد که در ساعت ۷ بامداد به وقت واشنگتن نیروی دریایی امریکا سکوی نظامی! ایران را مورد حمله قرار داد. در این بیانیه همچنین آمده بود: «اقدام علیه سکوی نظامی! ایران پس از مشورت با رهبران کنگره و کشورهای دوست صورت گرفت.» ریگان در توجیه این اقدام گفت:

«این واکنش عاقلانه و محدود نسبت به استفاده غیر قانونی از زور علیه امریکا، نقض پرشمار حقوق دیگر کشورهای متخاصم بوده است. ابتکار قانونی حق دفاع از خود به موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد بود و به همین روال به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد آگهی شده است.» (۳).

تأکید رئیس جمهور امریکا بر واکنش عاقلانه و محدود و همچنین استناد به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، علاوه بر ارسال پیام برای ایران به منزله توجیه حقوقی این اقدام می‌باشد. در این بیانیه، سکوی نفتی ایران به عنوان سکوی نظامی ذکر شده است، حال آنکه قبل از حمله ناوهای امریکا به این سکو،

ص: ۱۴۱

۱- ۴۲۰. پیشین، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۶۶ / ۷ / ۲۵.

۲- ۴۲۱. پیشین، خبرگزاری خلیج، ۶۶ / ۷ / ۲۵، سعدون حمادی رئیس مجلس عراق.

۳- ۴۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۴، ۶۶ / ۷ / ۲۸، رادیو امریکا، ۶۶ / ۷ / ۲۷.

کارکنان شرکت نفت در حال بازسازی تأسیسات یکی از سکوها بودند که بر اثر اختار ناوهای امریکا برای ترک سکو، بلافاصله آن را تخلیه کردند. در ادامه ی بیانیه ریگان آمده است:

«ایالات متحده امریکا علاقه ای به رویارویی نظامی با ایران ندارد. اما دولت ایران به هیچ وجه نباید درباره عزم و توانایی ما برای حفظ کشتیهای امریکا و منافع کشور در برابر حملات بی دلیل در شبهه باشد.» (۱).

یک منبع شرکت نفت در مورد جزئیات اقدام تجاوزکارانه امریکا می گوید که در حدود ساعت ۱۱ روز دوشنبه، ۴ فرزند ناو جنگی امریکا در ۱۵ مایلی سکوی نفتی سلمان از سمت شرق به غرب مشاهده شدند. این ناوها حدود ساعت ۱۴ به حوالی حوزه نفتی رشادت رسیده و به کارکنان سکو که در حال بازسازی تأسیسات سکوی نفتی و بی دفاع ۷ - R حوزه رشادت بودند ۱۰ دقیقه مهلت دادند تا سکوی مذکور را تخلیه کنند. کارکنان از روی سکو به داخل کشتی تعمیراتی موسوم به عیسی رفته و پس از هشدار مجدد ناوهای امریکا تا فاصله ۱۰ مایلی دور شدند. به دنبال این واقعه در ساعت ۱۴:۳۰ همان روز سکوی نفتی و بی دفاع ۷ - R مورد حمله قرار گرفت. ناوهای امریکا بلافاصله به سوی سکوی نفتی و بی دفاع ۴ - R رشادت حرکت کردند و در این محل نیز از کارکنان خواستند ظرف ۲۰ دقیقه سکو را تخلیه کنند. سپس سکو را مورد حمله قرار دادند. امریکاییها پس از حمله به سکوی نفتی رشادت در اطراف سکوی سلمان مانورهایی را انجام داده و سپس منطقه را ترک کردند. (۲).

بسیاری از ناظران و تحلیلگران نظامی و همچنین دیپلماتهای غربی واکنش احتمالی امریکا را پس از اصابت موشک به کشتی این کشور کوبنده و نسبتاً گسترده پیش بینی می کردند. در چنین موقعیتی، حمله امریکا به سکوهای نفتی، تحت عنوان سکوی نظامی، همان گونه که در بیانیه رئیس جمهور امریکا اشاره شده، نشان دهنده عدم تمایل امریکا را برای درگیری گسترده با ایران بود. زیرا

ص: ۱۴۲

۱- ۴۲۳. پیشین.

۲- ۴۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۶، ۳۰ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۶۶ / ۷ /

امریکاییها در عین حال که نیاز به پاسخ گویی برای اعاده حیثیت خود داشتند، از اقدامات تلافی جویانه ایران نیز می ترسیدند. چون این مسئله موجبات گسترش درگیری را فراهم می ساخت.

در این اوضاع امریکاییها بر این موضوع واقف بودند که ایران با برداشتی که نسبت به ماهیت تلاشهای عراق و حمایت امریکا از عراق دارد، مسلماً هیچ اقدامی را بدون پاسخ نخواهد گذاشت. اراده و توانایی ایران برای مقابله به مثل، امریکاییها را از گرفتار شدن در یک درگیری تدریجی بازداشت. در این میان، هدفهایی که امریکا برای حمله انتخاب می کرد مبین همین مسئله بود. در واقع، امریکاییها نیز نمی توانستند اقدام ایران را پاسخ ندهند. زیرا موقعیت داخلی و منطقه ای امریکا ضرورتاً نیازمند پاسخ بود، (۱) لذا اقدام نظامی از یک سو معضل امریکا را در داخل امریکا و در منطقه حل می کرد و از سوی دیگر به عنوان یک هشدار به ایران (۲) تفهیم می کرد که امریکا مایل به درگیری با ایران نیست.

همچنین امریکاییها پس از هر اقدام نظامی علیه ایران بلافاصله از مجاری دیپلماتیک و حتی به صورت آشکار تأکید می کردند که از نظر ما مسئله تمام شده تلقی می شود. چنانکه بعد از این حادثه نیز واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا اعلام کرد: «این موضوع را تمام شده تلقی می کنیم.» (۳) در این میان تمایل امریکاییها به زدن آخرین ضربه نقش مهمی در ارسال پیام داشت.

ص: ۱۴۳

۱- ۴۲۵. خبرگزاری رویتر به نقل از تحلیلگران نظامی گفت: «امریکا برای آنکه اعتبار خود به عنوان یک قدرت تعیین کننده را در خلیج فارس حفظ کند، ظاهراً چاره ای جز انجام این اقدام تلافی جویانه علیه ایران نداشته است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۴، ۲۸ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۷ / ۶۶).

۲- ۴۲۶. مایکل لدین یکی از کارشناسان در مصاحبه با رادیو امریکا می گوید: «امریکا به جای آنکه با تمام قدرت به ایران واکنش نشان دهد، تصمیم گرفت یک هشدار به ایران بدهد. این اقدام نباید صرفاً یک حمله تلقی شود، بلکه هشدار است، برای آنکه تهران را از اقدامات بیشتر باز دارد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۴، ۲۸ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۷ / ۷ / ۶۶).

۳- ۴۲۷. مأخذ شماره ۲۶۰، رویتر، ۲۷ / ۷ / ۶۶.

جرج بوش، معاون وقت رئیس جمهور امریکا، پس از ملاقات خصوصی با ولیعهد عربستان سعودی در مصاحبه با خبرنگاران، ضمن هشدار مبنی بر آمادگی امریکا برای پاسخ دادن به حملات ایران گفت:

«امیدوار است آیت الله خمینی پیام امریکا را دریافته باشد.» (۱).

وی در این مصاحبه افزود: رئیس جمهور امریکا با احساس مسؤولیت و قاطعیت دست به اقدام زد و امیدوار است پیام امریکا به ایران ارسال شده باشد.

وزیر خارجه انگلیس با حمایت از اقدام امریکا اظهار کرد که امیدوار است ایران درک کرده باشد که ادامه ی این گونه حملات ایران تنها به توجیه یک اقدام قاطع از سوی امریکا جهت «دفاع از خویش» کمک خواهد کرد. (۲) واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا نیز اعلام کرد:

این اقدام در پاسخ به حمله ایران به نفتکش امریکایی بوده است و ما خواهان رویارویی بیشتر با ایران نیستیم، ولی آمادگی داریم که با هر گونه تشدید عملیات نظامی ایران برخورد قاطع تر داشته باشیم. (۳).

واکنش تند و تهدیدآمیز ایران در برابر تجاوز امریکا به سکوی نفتی این کشور، بازتاب نسبتاً گسترده ای داشت. در این میان کویتهای به عنوان یکی از حامیان عراق و همچنین عامل دعوت از امریکاییها برای حضور در منطقه، بیش از دیگران نگران و مضطرب بودند. این آشفتگی و اضطراب روحی کویتهای کاملاً در مطبوعات این کشور منعکس شد. (۴) همچنین سر دبیر روزنامه ایندیندنت گفت که در کویت وضع متشنجی حکمفرماست. من با چند نفر در این کشور صحبت کردم و همه آنها منتظر بودند که اتفاقی بیفتد. (۵).

در واقع، امکان حمله موشکی مجدد به کویت به عنوان نخستین واکنش احتمالی ایران تأثیر بسیاری در نگرانی کویتهای داشت. چنانکه اشاره شد، بسیاری انتظار داشتند که امریکا سکوهای موشکی ایران را مورد حمله قرار دهد که هم پاسخی قاطع به ایران باشد و هم امکان حمله موشکی به کویت را خنثی

ص: ۱۴۴

۱- ۴۲۸. مأخذ شماره ۲۶۰.

۲- ۴۲۹. مأخذ شماره ۲۶۰، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۳۰. پیشین.

۴- ۴۳۱. مأخذ شماره ۲۶۲.

۵- ۴۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۵، ۲۹ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸

۶۶ / ۷ /

نماید. (۱).

تجزیه و تحلیل ماهیت اقدام نظامی امریکا، بخشی از بازتاب این اقدام را در رسانه های خبری و محافل کارشناسی به خود اختصاص داد. خبرنگار روزنامه کریستین ساینس مانیفور در این مورد می گوید:

تحلیلگران اروپایی با واژه هایی چون «قابل انتظار» و «کاملاً قابل درک»، حمله آمریکا به دو سکوی نفتی ایران را توصیف می کنند... به اعتقاد اروپاییها، امریکا نیاز داشت حمله روز جمعه ایران به یک نفتکش امریکا را پاسخ دهد تا اعتبار خود را حفظ کند. (۲).

همچنین اندرودانکن، از مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک لندن، ضمن ضروری دانستن این اقدام برای امریکا، تأکید می کند که این عملیات ظاهراً بسیار احتیاط آمیز و کاملاً مطالعه شده بود. (۳) سر دبیر روزنامه ایندپندنت با توجه به آسیب پذیری کویت و کشتیهایی که به این کشور تردد می کنند، می گوید که بسیاری از مقامات کشورهای عرب، حمله اخیر امریکا را اشتباه می دانند. (۴).

در روزنامه کریستین ساینس مانیفور نیز هدفهای انتخاب شده ی امریکا و عدم حمله به سکوی موشکی ایران مورد بررسی قرار گرفت و رادیو امریکا اقدام به نقل آن کرد. در این گزارش، در توجیه عدم حمله به سکوهای موشکی ایران چند عامل مورد توجه قرار گرفته است، از جمله «سیار بودن تجهیزات پرتاب موشک و فاصله آن از محل استقرار ناو هواپیمابر امریکا». لذا اقدام به این امر مستلزم انجام عملیات نظامی پیچیده و سوختگیری در حال پرواز و شاید

ص: ۱۴۵

۱- ۴۳۳. سر دبیر روزنامه ایندپندنت در مورد نگرانی کویتی ها می گوید: «اینک آنها از این بیم دارند که حمله به سکوی نفتی ایران این کشور را خشمگین و مایل به تلافی جویی خواهد کرد و امریکا نتوانسته کاری کند که ایران قادر به عملیات نباشد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۱۵، ۲۹ / ۷ / ۶۶).

۲- ۴۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۶، ۳۰ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۸ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۳۵. پیشین.

۴- ۴۳۶. مأخذ شماره ۲۶۸.

درگیری مستقیم هواپیماهای پشتیبانی عربستان سعودی و کویت بود. لذا امریکاییها حمله به سکوی نفتی را انتخاب کردند. (۱) در این تحلیل، اساسا پیچیدگی هدف و ناتوانی امریکا برای حمله به این اهداف مورد تأکید قرار گرفته است.

بررسی واکنش احتمالی ایران در برابر امریکا به گونه ای چشمگیر در کانون توجهات قرار گرفت. روزنامه کریستین ساینس مانیتور طی تحلیلی، یک سؤال کلی را طرح می کند مبنی بر اینکه «آیا ایران در برابر آتشبارهای نیروی دریایی امریکا مرعوب خواهد شد؟» سپس با توجه به رخدادهای گذشته و با استناد به نظر تحلیلگران و کارشناسان امور خاورمیانه می نویسد:

«گمان نمی رود که ایران به عنوان یک کشور ورزیده در جنگ به آرامی از صحنه خارج شود... عدم انتظار نوعی واکنش از ایران غیر منطقی می نماید.» (۲).

رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا در جمع مدیران مالی اروپا و امریکا در مورد این اقدام می گوید:

«ایرانیها به طور قطع در جستجوی راههای مقابله خواهند آمد... یکی از خطراتی که باید با آن مقابله کرد، خطر مین گذاری است و ایرانیها از تواناییهای لازم برای مین گذاری برخوردار می باشند.» (۳).

احتمال مقابله به مثل ایران سبب گردید تا واینبرگر وزیر دفاع امریکا در مصاحبه با تلویزیون سی. بی. اس تهدید کند که در صورت اقدام ایران، امریکا چندین مورد حمله علیه ایران انجام خواهد داد. کنش و واکنش های ایران و امریکا سبب گردید تا اخباری مبنی بر تخلیه بندرعباس منتشر شود. (۴) انتشار این خبر نمایانگر نگرانی ایران از اقدامات احتمالی امریکا در حمله مجدد به برخی از اهداف ایران در سواحل جنوبی کشور بود، ضمن اینکه نشان می داد ایران خود را برای ادامه درگیری آماده می کند.

ص: ۱۴۶

۱- ۴۳۷. مأخذ شماره ۲۶۸، رادیو امریکا، ۶۶ / ۷ / ۲۸.

۲- ۴۳۸. پیشین.

۳- ۴۳۹. مأخذ شماره ۲۶۸، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۶۶ / ۷ / ۲۸.

۴- ۴۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۷، ۱ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۷ / ۲۹. به نقل از رادیو مسکو.

انفجار یک فروند موشک در اسکله الاحمدی (۱) کویت، در بامداد روز پنج شنبه ۳۰ مهر و تنها سه روز پس از تجاوز نظامی امریکا به سکوی نفتی ایران، به بخشی از انتظارات مردم در مورد اقدامات تلافی جویانه ی ایران پاسخ داد. یک مقام مسؤول حفاظت محیط زیست کویت اعلام کرد که تلاش برای جلوگیری از نشت نفت و مهار آتش سوزی ادامه دارد. وی همچنین تأیید کرد که در این واقعه، سکوی مرکزی اسکله بارگیری نفت الاحمدی آسیب دیده است. (۲).

دولت کویت بلافاصله به ایران هشدار داد که در صورت ادامه ی حملات موشکی، کویت در کلیه روابط و مناسباتش با ایران تجدید نظر خواهد کرد. همچنین کاردار ایران احضار و اعتراض این کشور رسماً اعلام شد. (۳) رادیو لندن طی گزارشی، این واقعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این گزارش به نقل از «استانلی مید»، از نویسندگان امور بین المللی آمده است:

«در ظاهر ممکن است به نظر برسد که حمله ی ایران به پایانه نفتی مینا الاحمدی، صرفاً اقدامی برای تلافی حمله روز دوشنبه ی نیروی دریایی امریکا به دو سکوی استخراج نفت ایران بوده است، اما این حمله احتمالاً بیش از اقدامی برای مقابله به مثل است. حمله ایران برای به مبارزه طلبیدن امریکاست.» (۴).

همین رادیو در تفسیر دیگری می گوید:

اگر امریکا در برابر حمله تازه ی ایران واکنش نشان ندهد بسیاری از کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس به این نتیجه خواهند رسید که مانعی

ص: ۱۴۷

۱- ۴۴۱. اسکله الاحمدی در ۱۵ کیلومتری شرق بندر الاحمدی کویت قرار دارد که در سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸) ساخته شده است و در هر یک از سکوهایش یک نفتکش پانصد هزار تنی می تواند بارگیری کند.

۲- ۴۴۲. پیشین، رادیو کویت، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۴۳. پیشین، خبرگزاری خلیج، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۸، ۲ / ۸ / ۶۶، رادیو لندن، ۱ / ۸ / ۶۶.

بر سر راه حملات ایران علیه آنها نیست و ناوگان امریکا در خلیج فارس کاری از پیش نبرده است. (۱).

نشریه میدل ایست، به نقل از تحلیلگران، حمله موشکی به کویت را یک تهدید تازه و جدی و به منزله ی به مبارزه طلبیدن امریکا ارزیابی کرد و سپس این مسئله را مورد تأکید قرار داد که حتی اگر کویت یا متحدین عرب آن خواستار اقدام تلافی جویانه ی امریکا علیه ایران باشند، احتمالاً انجام آن دشوار خواهد بود. مسئله حائز اهمیت در تحلیل نشریه مید، ارزیابی میزان تمایل ایران به مقابله در برابر امریکا می باشد. در این تحلیل آمده است که تا قبل از حمله موشکی به نفتکش امریکا، ناظران عمدتاً تمایل ایران به رویارویی با امریکا را کم برآورد می کردند. (۲).

تنها سه روز پس از اصابت موشک به اسکله الاحمدی و در موقعیتی که هنوز ادامه تلاشهای ایران و همچنین واکنش امریکا در هاله ای از ابهام قرار داشت و مسئولین کویت کاملاً سرگشته شده بودند، انفجار بمب در دفتر هواپیمایی پان امریکن در کویت بار دیگر ناظران را دچار شگفتی کرد. منابع دیپلماتیک گفتند:

«بمب گذاری اخیر در کویت یک تحول نگران کننده بوده و بیانگر آسیب پذیر بودن کویت است.» (۳).

سخنگوی وزارت خارجه امریکا با اشاره به حمله ی موشکی روز پنج شنبه به اسکله الاحمدی کویت اظهار داشت:

«اقدام ایران به سه حمله طی یک هفته، به شدت نشانگر آن است که ایران تصمیم دارد تهدید خود علیه همسایگان غیر محارب! را ادامه دهد.» (۴).

همراه با اظهار نگرانی از تشدید بحران در منطقه از سوی سخنگوی وزارت خارجه امریکا، این انتظار به وجود آمد که امریکاییها به موازات موضع گیری شدید علیه ایران، اقدامات کوبنده ی خود را نیز به نمایش بگذارند. در

ص: ۱۴۸

۱- ۴۴۵. مأخذ شماره ۲۷۵، رادیو لندن، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۲- ۴۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۲، ۶ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۵ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۰، ۴ / ۸ / ۶۶، آسوشیتدپرس، ۳ / ۸ / ۶۶.

۴- ۴۴۸. مأخذ شماره ۲۷۵، رادیو لندن، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

چنین وضعیتی، مصاحبه‌ی مطبوعاتی ریگان رئیس‌جمهور آمریکا نقطه‌ی پایان انتظاراتها و در عین حال خاتمه موقت درگیری ایران و آمریکا در منطقه خلیج فارس بود. ریگان در این مصاحبه مطبوعاتی، با توجه به روند درگیری بین ایران و آمریکا و ناتوانی آمریکا در پایان بخشیدن به اوضاع بحرانی و همچنین عدم دستیابی آمریکا به اهداف مورد نظر خود گفت:

«من فکر نمی‌کنم در هیچ چیز دچار اشتباه محاسبه شده باشیم. ما در آنجا برای آغاز کردن جنگ حضور نداریم، بلکه به منظور حفاظت از کشتیرانی کشوری بی طرف در آبهای بین‌المللی و با توجه به قانون بین‌المللی حضور یافته ایم.» (۱).

ریگان در ادامه اظهارات خود ضمن «غیر معقول» نامیدن ایرانیها به خاطر حمله موشکی اخیر به کویت، مطلبی را بیان کرد که با مواضع پیشین آمریکا کاملاً متفاوت بود. وی گفت:

«ما گفته ایم در صورتی که مورد حمله واقع شویم از خود دفاع خواهیم کرد... آنچه که مسلم است جنگی در بین نیست و کسی نیز نباید دچار وحشت شود.» (۲).

برخی دیگر از مقامات آمریکا از جمله یک مقام پنتاگون نیز بر این مسئله تأکید کردند که آمریکا قصد تلافی علیه ایران را ندارد، زیرا سیاست آمریکا حفاظت از کشتیها و نیروهای امریکایی می باشد. (۳) اظهارات اخیر مقامات امریکایی به روشنی نشان دهنده عدم حمایت و پشتیبانی آمریکا از کویت تلقی می شد. چنانکه سرانجام وزارت خارجه آمریکا رسماً اعلام کرد:

«به عهده دولت کویت است که تصمیم بگیرد به سومین موشک شلیک شده توسط ایران به کویت طی یک هفته پاسخ لازم را بدهد.» (۴).

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در مورد اقدام آمریکا گفت:

«حمله به طور واضح علیه کویت صورت گرفته است. دولت کویت

ص: ۱۴۹

۱- ۴۴۹. مأخذ شماره ۲۷۸، رادیو آمریکا، ۱ / ۸ / ۶۶.

۲- ۴۵۰. پیشین.

۳- ۴۵۱. مأخذ شماره ۲۷۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۸، ۲ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۸ /

۶۶ / اوکلی سخنگوی وزارت خارجه ی آمریکا.

مختار است در مورد این عمل پاسخ دهد.» (۱).

با پیدایش موقعیت جدید و با توجه به تغییر سیاست امریکا و رها کردن سیاست اقدام تلافی جویانه نظامی علیه ایران، شیرین هانتر یکی از کارشناسان امور ایران، در مصاحبه با رادیو لندن، درباره مخالفت برخی از اعضای کنگره امریکا با سیاستهای دولت امریکا، به این مسئله اشاره کرد که در کنگره از ابتدا نسبت به اسکورت نفتکشها و میزان تأثیر آن در تأمین منافع امریکا شک و تردید وجود داشت و هنوز هم عده ای، بویژه از دمکراتها همچنان نگران اقدامات نظامی امریکا هستند. زیرا ممکن است این امر به درگیری نیروهای زمینی و افزایش تلفات امریکا منجر شود. وی سپس گفت:

«اکثریت کسانی که مسئولیت به اصطلاح تصمیم گیری درباره سیاست امریکا را دارند واقعا در فکر درگیری با ایران نیستند.» (۲).

در همین موقعیت، وزیر دفاع امریکا برای توضیح در مورد اوضاع و سیاست امریکا در منطقه، در کمیته روابط خارجی سنای امریکا حاضر شد و توضیحاتی را ارائه کرد که قابل توجه است. وی در مورد حمله به کشتی امریکایی که منجر به واکنش نظامی امریکا در حمله به سکوهای نفتی ایران شد، گفت:

«احتمالا هدف ایران آزمودن حدود و ثغور سیاست امریکا در خلیج فارس بوده است... من فکر می کنم منظور از حمله، ایجاد نوعی سرگردانی در جریان تصمیم گیری بود.» (۳).

وی با این توضیح، در واقع ضرورت اقدام تلافی جویانه امریکا علیه ایران را با حمله به سکوهای نفتی رشادت توجیه کرد. قابل توجه اینکه رئیس جمهور امریکا در بیانیه خود از سکوها، به نام سکوی نظامی نام می برد، ولی وزیر دفاع امریکا در توجیه علت اقدام نظامی امریکا، از سکوی نفتی یاد می کند:

«اقدام امریکا در گلوله باران دو سکوی نفتی غیر فعال ایران پاسخ مناسبی بود.»

ص: ۱۵۰

۱- ۴۵۳. پیشین.

۲- ۴۵۴. پیشین، رادیو لندن، ۱ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۹، ۳ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۸ / ۶۶.

وزیر دفاع امریکا سپس برخلاف گذشته که امریکا مدعی بود با اقدامات نظامی و بر پایه حضور در منطقه در نظر دارد ایران را به پذیرش سیاست خود متقاعد سازد، با پذیرش تلویحی شکست امریکا در تحقق اهدافش گفت:

«بهترین راه پایان بخشیدن به ستیزه جویی ایران اجرای برنامه تحریم سازمان ملل در مراودات با این کشور است... در صورت اجرای چنین قطعنامه ای ریشه توانایی ایران برای ادامه جنگ به سرعت خشک می شود.»

او سپس در مورد ماهیت سیاست امریکا علیه ایران اعلام کرد:

«امریکا فقط مایل است پایان خصومت ایران را ببیند، ولی الزاما در صدد نابودی ایران نیست.» (۱).

موضع گیری آقای هاشمی، فرماندهی عالی جنگ، در زمانی که امریکاییها میزان حمایتهای خود نسبت به کویت را در برابر ایران کاهش دادند، قابل توجه بود. ایشان طی پیشنهادی گفت:

در صورتی که کویت در جنگ خلیج فارس بی طرفی در پیش گیرد، ایران از حمله به تأسیسات نفتی این کشور خودداری خواهد کرد. (۲).

مصاحبه سفیر کویت در امریکا با روزنامه الشرق الاوسط، با توجه به سیاست اخیر امریکا و همچنین موضع گیری ایران، در واقع پاسخ به موقعیت جدیدی بود که کویت در برابر خود داشت. وی در این مصاحبه گفت:

«خطری که در این حملات نهفته این است که کویت را در معرض حملات تلافی جویانه ای قرار می دهد که ایران، جرأت انجام آنها را مستقیما علیه منافع امریکا ندارد. آنچه که ایران در حال انجام آن است تصفیه حساب با امریکا با خرج کویت است.» (۳).

وی همچنین در مورد سیاست کویت و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس گفت:

«کویت و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مایل نیستند با ایران

ص: ۱۵۱

۱- ۴۵۶. پیشین.

۲- ۴۵۷. پیشین.

۳- ۴۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۱، ۶۶/۸/۵، خبرگزاری آلمان غربی، ۶۶/۸/۴.

برخورد کنند، بلکه می خواهند در منطقه با آرامش و صلح در کنار ایران به سر برند.» (۱).

سفیر کویت با این موضع گیری با توجه به زیانهای ناشی از درگیری ایران و امریکا برای کویت و شورای همکاری و درخواست ایران مبنی بر بی طرفی کویت، اعلام کرد که منافع این کشورها «در زندگی با آرامش و صلح در کنار ایران» می باشد. وی افزود:

«درگیر شدن با ایران آسان است، لیکن پایان دادن به چنین نبردهایی دشوار می باشد.» (۲).

بدین ترتیب، با اعلام سیاست امریکا مبنی بر عدم اقدام نظامی برای حمایت از کویت و تنها گذاشتن این کشور در بحران اخیر و همچنین ارسال پیام ایران مبنی بر خودداری از تداوم حملات در صورت حفظ بی طرفی کویت و سپس مصاحبه سفیر کویت در امریکا و اعلام موضع این کشور، درگیری میان ایران و امریکا به طور موقت پایان یافت. با این تفاوت که امریکاییها در این مرحله علی رغم اقدام نظامی علیه ایران، نه تنها نتوانستند ایران را از اقدام تلافی جویانه باز دارند، بلکه به هیچ گونه موفقیتی نیز برای پایان بخشیدن به جنگ دست نیافتند. (۳) ضمن اینکه برخلاف خواسته امریکا، ایران آخرین اقدام را انجام داد. (۴) در این روند، تلاشهای دیپلماتیک امریکا برای تصویب قطعنامه ای مبنی بر تحریم تجاری ایران نیز به خاطر مخالفت شورای به نتیجه

ص: ۱۵۲

۱- ۴۵۹. مأخذ شماره ۲۸۰.

۲- ۴۶۰. مأخذ شماره ۲۹۲.

۳- ۴۶۱. در آستانه ورود امریکا به منطقه و احتمال درگیری میان ایران و امریکا، برخی از ناظران معتقد بودند که یک رویارویی مستقیم بین ایران و امریکا می تواند به جنگ ایران و عراق خاتمه دهد.

۴- ۴۶۲. رادیو لندن طی گفتاری به نقل از آقای میر حسین موسوی نخست وزیر وقت ایران اعلام کرد که ایشان پیش از حمله موشکی اخیر به کویت (در پاسخ به اظهارات امریکاییها مبنی بر خاتمه دادن درگیری) گفته بود، ایران پس از تلافی حمله امریکا به سکوها نفتی اش، مسئله را خاتمه یافته تلقی خواهد کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ی ۲۷۱، ۶۶/۸/۱، رادیو لندن ۳۰/۷/۶۶).

نرسید. چنانکه شولتر وزیر خارجه وقت امریکا پس از سفر به خاورمیانه و شوروی گفت:

«روسها در ملحق شدن به امریکا برای تحریم تسلیحاتی علیه ایران کمی بی میل هستند.» (۱).

تحریم اقتصادی ایران

امریکا پس از ناکامی در تلاشهای سیاسی - نظامی خود برای کسب ابتکار عمل، تحریم اقتصادی ایران را در پیش گرفت. ریگان با صدور بیانیه ای به طور واضح علت این اقدام را توضیح داد:

«اجازه بدهید بر این نکته تأکید کنم که ما فقط پس از تلاشهای مکرر و ناموفق برای کاهش بحران با ایران و در پاسخ به ادامه و افزایش اقدامات جنگ جویانه حکومت ایران دست به این تحریمهای اقتصادی زدیم.»

وی در ادامه بیانیه ی خود افزود:

«این تحریمها نتیجه ی مستقیم اقدامات دولت ایران، از جمله حملات این کشور علیه نیروهای امریکایی و کشتیهای تجاری امریکا، امتناع این کشور از اجرای قطعنامه ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، ادامه تجاوزات این کشور علیه کشورهای بی طرف خلیج فارس و کمک این کشور به تروریسم در آن منطقه و هر نقطه دیگر جهان می باشد.» (۲).

ریگان مرحله اول تحریمها را شامل تحریم خرید نفت ایران ذکر کرد و گفت: تحریم واردات و صادرات با ایران طی یک هفته تا ۱۰ روز تأثیراتش را برجای خواهد گذاشت!؟ (۳).

بلافاصله پس از اعلام تحریم واردات نفت جمهوری اسلامی از سوی امریکا و همچنین تحریم صادرات امریکا به ایران، رئیس جمهور ایران (آیت الله خامنه ای) اعلام کرد:

ص: ۱۵۳

۱- ۴۶۳. مأخذ شماره ۲۸۱، واشنگتن، خبرگزاری کویت، ۳ / ۸ / ۶۶.

۲- ۴۶۴. مأخذ شماره ۲۸۰، واشنگتن، خبرگزاری رویتر، ۵ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۶۵. پیشین.

در صورت توافق نسبت به اعمال تحریم اقتصادی، ایران تنگه هرمز را خواهد بست... ایران از تهدید تحریم اقتصادی نگرانی ندارد. (۱).

وزیر خارجه ژاپن در واکنش به تحریم ایران، ضمن تأکید بر تمایل ژاپن به پایان یافتن جنگ از طریق مسالمت آمیز گفت:

«روابط تجاری امریکا با ایران سمبلیک است، در حال که ژاپن و دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و اقتصاد روابط تجاری وسیعی با ایران دارند.»

وی سپس اظهار داشت که ما استدلال مقامات امریکایی را خواهیم شنید و سپس در مورد اقدام ژاپن «تصمیم گیری» خواهیم کرد. (۲) روزنامه لوموند ضمن بررسی نتایج احتمالی تحریم خرید نفت، در صورت موافقت ژاپن و اروپا، تأثیرات آن بر درآمد نفتی ایران را اندک دانست. لوموند در پایان با توجه به حمایت فرانسه از سیاست امریکا در مورد موفقیت تحریم نفتی ایران اعلام کرد: «البته چنین وضعی هنوز بعید به نظر می رسد، چون که نه تنها ژاپن حاضر به پیروی از سیاست امریکا نیست، بلکه اغلب کشورهای دیگر اروپایی، به ویژه مهمترین خریداران نفت ایران همانند ایتالیا با ۱۳ درصد، هلند با ۸ درصد، اسپانیا با ۳ / ۶ درصد و آلمان غربی با ۴ درصد، مایل نیستند از رویه ی فرانسویان و امریکاییها تقلید کنند.» (۳).

سرانجام پس از بحث و بررسی درباره ی تحریم اقتصادی ایران از سوی امریکا در اجلاس اتحادیه هفت کشور اروپایی، این کشورها بدون توجه به درخواست امریکا، تنها موافقت کردند که در صورت عدم قبول درخواست سازمان ملل برای برقراری آتش بس ظرف چند روز آینده، تحریم فروش اسلحه را به مرحله اجرا گذارند. (۴) بدین ترتیب، تلاش جدید امریکا برای تحریم ایران نیز به دلیل عدم حمایت متحدین اروپایی امریکا و ژاپن با ناکامی همراه شد.

ص: ۱۵۴

۱- ۴۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۳، ۷ / ۸ / ۶۶، بخش عربی رادیو مونت کارلو، ۶ / ۶۶ / ۸.

۲- ۴۶۷. پیشین، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۶۸. پیشین، پاریس، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۸ / ۶۶.

۴- ۴۶۹. پیشین، رادیو لندن، ۶ / ۸ / ۶۶.

نیروی زمینی سپاه پاسداران عملیات کربلای ۸ را در ادامه و تکمیل عملیات کربلای ۵ در منطقه شرق بصره طرح ریزی و اجرا کرد که این عملیات به منزله آخرین تحرک نظامی ایران در منطقه جنوب بود. (۱) لازمه تداوم عملیات همچون گذشته برخورداری از خلاقیت و ابتکار عمل، همراه با رعایت غافلگیری بود. در غیر این صورت تضمین لازم برای کسب پیروزی وجود نداشت.

پیشروی توأم با دشواری فوق العاده در عملیات کربلای ۵، ناظر بر این معنا بود که نیروی زمین سپاه، به رغم درهم شکستن کلیه خطوط و استحکامات دشمن، به دلیل در اختیار نداشتن نیروی «زرهی» و «پشتیبانی هوایی» مناسب، قادر به پیشروی در عمق مواضع دشمن نبود. این کاستی اساسی در بنیه نظامی رزمندگان اسلام سبب گردید با وجود موفقیت‌های به دست آمده در

ص: ۱۵۵

۱- ۴۷۰. این بحث در فصل هفتم کتاب از «فاو تا شلمچه» از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحت عنوان آخرین تحرک نظامی در جنوب مورد بررسی قرار گرفته است.

شرق بصره (۱) تدریجا دور عملیات کند و متوقف شود و در پی آن امکان ادامه جنگ در منطقه جنوب حداقل برای مدتی غیر ممکن ارزیابی شود.

از سوی دیگر، به لحاظ سیاسی و نظامی، ضرورت اجرای عملیات امری بدیهی بود و هر گونه تعلل در آن می توانست زمینه را برای حمله دشمن مهیا سازد. لذا به منظور ممانعت از ایجاد رکود در جنگ و فراهم سازی مقدمات تداوم نبرد و کسب پیروزی، عبور از وضعیت جدید و شکستن بن بست امری ضروری بود. در مرحله قبل هم، پس از بن بست جنگ در سال ۶۲، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تغییر زمین منطقه ی عملیات، از خشکی به هور (عملیات خیبر و بدر)، عبور از رودخانه (عملیات فاو) و بهره گیری از انبوه نیروهای غواص و انبوه قایق، رکود جنگ را برطرف کرد. لیکن در این مرحله به ابزاری جدید، مانند امکانات زرهی و پشتیبانی قوی هوایی نیاز بود. تأمین این مهم از منابع داخلی با مشکلات زیادی همراه بود. ضمن اینکه خرید از خارج نیز با توجه به محدودیتهای ارزی و سیاستهای امریکا در ممانعت از فروش سلاح به ایران، به سهولت امکان پذیر نبود. بنابراین، موقتا زمین منطقه نبرد از جنوب به غرب کشور منتقل شد و مرحله جدیدی از جنگ آغاز گردید. سردار رضایی در این مورد چنین توضیح می دهد:

«از کربلای ۵ به بعد ما در جنوب به بن بست رسیدیم... در ادامه کربلای ۵، عملیات کربلای ۸ را انجام دادیم و به طور کلی میدان نبرد در منطقه ی کربلای ۵ را آزمایش کردیم. حتی در ادامه ی عملیات والفجر ۸ هم یکی دو تا عملیات ترمیمی انجام دادیم. آنجا هم میدان نبرد را آزمایش کرده بودیم. تاکتیک عبور از آب هم امتحانش را پس داده بود. جزیره مینو، ام الرصاص، خیبر و بدر (در هور الهویزه) هم رفته بودیم. دیگر هیچ

ص: ۱۵۶

۱- ۴۷۱. کتاب «نبرد در شرق بصره»، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سال ۷۴ حاوی گزارش نسبتا جامع عملیات کربلای ۵ می باشد.

آبی نبود که ما در منطقه ی جنوب از آن عبور نکرده باشیم. لذا همه این مسائل دست به دست هم داد که جنوب دیگر تمام شده است. بنابراین وارد جبهه ی شمال شدیم.» (۱).

آغاز مرحله جدید جنگ در غرب کشور با عملیات ۱۰ و فتح ۵ توسط نیروی زمینی سپاه، گرچه به منزله ی سرآغاز تحقق استراتژی عملیاتی جدید ایران بود، لیکن دو عملیات یاد شده در عین حال از عوامل دیگری نیز تأثیر پذیرفته بود. بدین معنا که در خرداد سال ۶۴، پس از عملیات بدر، وضعیت حاکم بر جنگ منتهی به پیدایش این نظریه شد که با یک عملیات منظم بزرگ هرگز عراق از پا در نخواهد آمد، زیرا عراق با جمع آوری کلیه ی نیروهایش قادر به مقاومت در برابر نیروهای ایران بود و در عین حال مانع از تعمیق اهداف ایران می شد. لذا بر این مسئله تأکید شد که با انجام دو عملیات بطور همزمان می توان با تجزیه قوای دشمن، وضعیت جدیدی را به وجود آورد. لیکن فقدان امکانات و نیروی مورد نیاز مانع از اجرای آن بود. در نتیجه چنین تدبیر شد که سپاه پاسداران یک عملیات منظم و یک عملیات بزرگ نامنظم را به طور همزمان طرح ریزی و اجرا کند. بر پایه همین تدبیر، سپاه اقدام به تشکیل قرارگاه رمضان و گسترش ارتباط با معارضین کرد عراقی و سازماندهی و تجهیز آنها کرد. (۲).

علاوه بر این، طی مباحثی که در این مرحله صورت گرفت، بر پایه تجارب حاصله در عملیات خیبر و بدر و با توجه به احتمال عدم موفقیت در عملیات واحد و از دست رفتن ماحصل زحمات یک ساله همراه با امکانات و زمان، چنین پیش بینی شد که حداقل دو عملیات همزمان طرح ریزی شود تا در صورت ناکامی در یک عملیات و یا بسته شدن راه کارها، امکانات و نیرو در منطقه ی دیگر به کار گرفته شود. به همین دلیل در سال ۶۵ چند عملیات طرح ریزی شد که عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ از جمله ی آنها بود. به عبارت دیگر، عوامل مؤثر در گشایش جبهه جدید در منطقه غرب کشور که منجر به اجرای چندین

ص: ۱۵۷

۱ - ۴۷۲. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحلیل مراحل استراتژیک جنگ ایران و عراق (جنگ اول: از اشغال تا آزادسازی)، سردار سر لشکر پاسدار محسن رضایی، (تهران، ۱۳۷۶).

۲ - ۴۷۳. پیشین.

عملیات شد و اولین آنها کربلای ۱۰ و فتح ۵ نام گرفت عبارت بود از:

۱- ضرورت تداوم جنگ و ممانعت از ایجاد رکود در آن.

۲- حفظ کردن ابتکار عمل در برابر دشمن.

۳- گشودن جبهه ی جدید برای دشمن در منطقه غرب کشور و تجزیه ی قوای آن.

۴- کاهش دادن حساسیت دشمن نسبت به منطقه ی جنوب.

۵- اخذ فرصت از دشمن برای یافتن راه کارهای جدید در جبهه های جنوب. (۱).

علاوه بر آنکه اجرای عملیات در منطقه غرب کشور، انهدام برخی تأسیسات اقتصادی دشمن را در پی داشت حضور گسترده در این منطقه، نگرانی ناشی از تلاش ضد انقلاب را کاهش داده و منجر به تأمین منطقه نیز می شد. البته اجرای عملیات در منطقه غرب کشور مشکلات و پیچیدگیهایی نیز داشت که در مباحث بعد به آنها اشاره خواهد شد.

عملیات کربلای ۱۰

اشاره

مناطق آزاد شده در کردستان عراق و حضور نسبتاً گسترده اکراد معارض عراقی در این مناطق، سبب گردید تا در مرحله اول گشایش جبهه ی جدید در غرب کشور عمدتاً معطوف به «اتصال عقبه مناطق آزاد شده به ایران و باز شدن عقبه ی نیروهای معارض» شود.

آنچه که همزمانی دو عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ را از سمت داخل خاک ایران، توسط سپاه پاسداران و در داخل خاک عراق، توسط اکراد معارض، توجیه می کند همین هدف (اتصال مناطق آزاد شده به ایران) می باشد. طبعاً تحقق این اهداف برای هر یک از طرفین که به اجرای عملیات مبادرت کردند، منافی را در پی داشت. با این اقدام، اکراد معارض از پشتیبانی ایران برخوردار می شدند و متقابلاً ایران با اهرم اکراد معارض پیشروی در شمال عراق را تسریع و تسهیل می کرد. بدین ترتیب که اکراد معارض با اتکاء به توانمندی نظامی ایران و باز

ص: ۱۵۸

شدن عقبه این نیروها به سمت ایران، برای رهایی از فشارهای عراق موقعیت جدیدی را فراروی خود مشاهده می کردند و ایران نیز متقابلاً از قدرت مانور سیاسی - نظامی مناسبی برای فشار به عراق برخوردار می شد و مجموع این عوامل، امکان تحقق اهداف ایران را تسهیل و فراهم می کرد. بر همین پایه، تصرف ارتفاعات گلان، گلو، اسپیدار، سرگلو، بالوکاوه، برده هوش، ژاژله، قشن و تأمین سرزمینهای شمال شرقی استان سلیمانیه ی عراق در دستور کار قرار گرفت.

موقعیت منطقه

منطقه ی عمومی عملیات کربلای ۱۰ در محور بانه - سردشت، از شمال به رودخانه مرزی گلاس، از جنوب به رودخانه آوسیویل، از شرق به سورکوه و از غرب به ارتفاعات گرده رش و سپس ارتفاعات عمومی آسوس منتهی می شد.

منطقه عملیاتی دارای عوارض حساس و ارتفاعات نسبتاً بلند و صعب العبور بود که به خاطر فقدان جاده، تردد در این مناطق بسیار دشوار به نظر می رسید. بلندترین کوه منطقه «گارو» نام دارد که به کلیه عارضه ها و مناطق اطراف دید و اشراف دارد. همچنین، علاوه بر روستاها و شهرکهای متعددی که در سطح منطقه وجود دارد، رودخانه های چومان، گلاس، زاب صغیر، قلعه چولان و آوسیویل در منطقه جریان دارند. به دلیل وجود درختان مرتفع در پایین ارتفاعات، وضعیت برای اختفاء نیروهای پیاده و حتی تحرک و جابجایی آنها در روز کاملاً مناسب بود.

استعداد و آرایش دشمن

استعداد و گسترش دشمن در این منطقه تا قبل از عملیات والفجر ۹ که در بهمن سال ۶۴ توسط نیروی زمینی سپاه صورت گرفت، قابل توجه نبود. لیکن پس از آن، بویژه بعد از دو عملیات فتح ۱ و ۲ (حمله به تأسیسات کرکوک) که

قرارگاه رمضان با سازماندهی کردهای معارض عراقی انجام داد، دشمن مجددا حساس شد و تلاشهای نسبتا وسیعی را به منظور تصرف مناطق تحت تسلط کردها و مسدود کردن معابر وصولی به عمق خاک عراق انجام داد. چنانکه تپهای کماندویی سپاه هفتم و سپاه سوم ارتش عراق و دو تیپ کماندویی از سپاه یکم و دو تیپ گارد و چند گردان مستقل کماندویی با نظارت شخص صدام طی ۱۰۰ روز بسیاری از ارتفاعات را به تصرف خود در آوردند. در واقع، دشمن به جز تصرف منطقه «یاغسر»، محل استقرار نیروهای اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی، کلیه اهداف خود را تأمین کرد. (۱).

تحركات دشمن پس از عملیات فتح ۱ بر پایه این تحلیل انجام می گرفت که در صورت عدم مقابله جدی، قوای نظامی ایران با تقویت نیرو به سمت «ازمر» و سپس «سلیمانیه» پیشروی خواهند کرد. به همین دلیل، دشمن در ادامه تلاشهای خود اقدام به تشکیل لشکر ۳۹ کرد و تیپ ۱۰۵ پیاده از لشکر ۳۴ را تحت امر آن قرار داد تا با همکاری جاشهای مستقر در منطقه و یک گردان کماندویی، حد فاصل منطقه ی بین لشکر ۳۴ و لشکر ۲۷ را که باز بود، پوشش داده و تأمین نمایند. پیدایش این وضعیت، بویژه تصرف «گرده رش» موجب محدود شدن ارتباط نیروهای کرد معارض در مناطق آزاد شده با قرارگاه رمضان شد.

گسترش دشمن در این منطقه بدین شکل بود که سپاه یکم با یگانهای زیر

ص: ۱۶۰

۱-۴۷۵. گر چه اجرای عملیات در غرب کشور ضرورتی اجتناب ناپذیر بود و به همین دلیل مورد توجه قرار گرفت، لیکن در عین حال به سه مسئله اساسی توجهی نشد و بسیاری از مشکلات نیز متأثر از همین مسئله بود: الف) بر پایه اطلاعات و تحلیل موجود عکس العمل دشمن به این گستردهی و سرعت پیش بینی نمی شد. ب) اکراد معارض در برابر فشارهای ارتش عراق بیش از اندازه ناتوان بودند، حال آنکه چنین تصویری وجود نداشت. ج) مشکلات جنگ در غرب کشور، بویژه در فصل سرما، برای یک عملیات گسترده بیش از اندازه زیاد بود و لذا پیش بینی لازم انجام نشده بود.

در منطقه عمومی عملیات پدافند کرده بود:

لشکر ۲۴ پیاده: از شاخ مندا تا ده هرزینه.

لشکر ۳۹ پیاده: از ده هرزینه تا انتهای گرده رش و تنگه آوسیویل.

لشکر ۳۴ پیاده: از تنگه آوسیویل تا بارانه.

لشکر ۲۷ پیاده: از بارانه تا هانی قول.

لشکر؟: از هانی قول تا تمور ژنان.

لشکر ۳۶ پیاده: از تمور ژنان تا سترمک.

نیروهای دشمن که در برابر نیروهای خودی آرایش گرفته بودند مجموعاً شامل لشکرهای ۳۴ پیاده و ۳۹ پیاده بودند. (۱).

طرح مانور عملیات

ابهامات موجود، فرارسیدن زمان ترخیص نیروها، تعجیل قرارگاه رمضان در اجرای عملیات، ناهماهنگی موجود در قرارگاه، احتمال لو رفتن عملیات و هوشیاری دشمن و برخی از نارساییها و مشکلات دیگر، سبب شده بود تصمیم گیری در اجرای عملیات و برخورداری از سرعت عمل لازم برای تعیین طرح مانور عملیات و محورهای اصلی حمله، با موانع متعددی مواجه شود. در عین حال در مباحث اولیه، با تأکید بر ضرورت حضور یگانهای قوی سپاه در جنوب برای انجام دادن عملیات کربلای ۸، چنین پیشنهاد می شد که در مرحله اول، مأموریت یگانهای مستقر در منطقه به منظور تصرف ارتفاعات خالی از دشمن به شکل زیر انجام شود:

۱- محور شمالی: قرارگاه حمزه سیدالشهداء ۱ با تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص) و تیپ امام حسن (ع) و گردانهای جندالله.

۲- محور میانی: قرارگاه حمزه سیدالشهداء ۲ با لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) و تیپ ۹ بدر.

ص: ۱۶۱

۱- ۴۷۶. سند شماره ۶۶۹ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش عملیات کربلای ۱۰»، (راوی: مجید نداف)،

تدوین: محمد درودیان، ۱۳۶۶، ص ۲۹.

۳- محور جنوبی: سپاه کردستان با لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا و گردانهای جندالله. در این مقطع، هدف عملیات از محور سردشت روی ارتفاعات ژاژیله، گرده رش، گلان و ماووت در نظر گرفته شده بود تا با محور جنوبی که روی ارتفاعات رت ۱ و ۲ عمل می کردند، الحاق انجام شود.

همچنین مقرر گردید قرارگاه رمضان با مأموریت انهدام عقبه دو قرارگاه دشمن در محور عمومی ماووت و چوارتا روی ارتفاعات سورقلات، شاخ کانل، کاریزه، الاغلو، قمیش، کلالة و شاخ گوجار نیز عمل نماید. استعداد قرارگاه رمضان عبارت بود از: تیپ ۶۶ هواپرد، تیپ ۵۵ ویژه پاسداران، تیپ ۷۵ ظفر، گردان شهادت و نیروهای اتحادیه میهنی کردستان.

حضور فرماندهی کل سپاه، برادر محسن رضایی، در منطقه - تنها یک هفته قبل از عملیات - و تلاش برای اجرای عملیات، همزمان با عملیات کربلای ۸ در جنوب، موجب شد اقدامات مقدماتی با شتاب قابل توجهی انجام شود و در طرح مانور تغییراتی ایجاد گردد.

چنانکه تلاش برای همزمانی عملیات کربلای ۱۰ با عملیات کربلای ۸ سبب گردید که عملیات به دو مرحله تقسیم شود. بدین شکل که اگر عملیات غرب و جنوب هر دو موفق بود، در هر دو منطقه، تا تثبیت منطقه عملیات ادامه یابد و در صورتی که جنوب موفق نشد، بلافاصله یگانهای جنوب به غرب منتقل شوند و مرحله دوم عملیات صورت گیرد. بر این اساس، طرح عملیات مشخص شد.

- طرح مانور مرحله اول عملیات

قرارگاه نجف با لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع)، تیپ قائم کردستان و تیپ ۳۵ امام حسن (ع) به ترتیب زیر عمل نماید:

لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) در ارتفاعات گلان و اسپدره و پاسگاه پلیس، تیپ قائم کردستان در ارتفاعات شاشو و گامو.

تیپ ۳۵ امام حسن (ع) احتیاط ۵۷ در مرحله اول و سپس با استفاده از موقعیت برای تصرف قشن، پیشروی نماید.

قرارگاه حمزه با تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص) در ارتفاعات کانی بدار، چنگاوی و تپه منافقین در جناح راست منطقه عمل نماید.

قرارگاه بدر کردستان، با تیپ بیت المقدس، لشکر بدر و لشکر شهدا در جناح چپ منطقه عملیات به ترتیب زیر عمل نماید:

تیپ بیت المقدس روی ارتفاع سمت راست یال ارتباطی.

لشکر بدر روی ارتفاع کوخ نم نم.

لشکر شهداء روی ارتفاع کله گاوی.

- طرح مانور مرحله دوم عملیات

تیپ ۴۸ فتح روی ارتفاع قمیش عمل نماید.

لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روی ارتفاع شاخ آمدین عمل نماید.

لشکر ۵ نصر برای تکمیل روی ارتفاعات قمیش و الاغلو عمل کند.

لشکر ۲۵ کربلا روی ارتفاع وراز وارد عمل شود.

- طرح مانور مرحله سوم عملیات

چنین پیش بینی می شد که قرارگاههای نجف و رمضان پس از اجرای عملیات، در مرحله دوم الحاق کنند. در عین حال، نظر به اینکه اجرای مراحل دوم و سوم مشروط به وضعیت عملیات در منطقه ی جنوب بود و یگانهای اجرا کننده ی عملیات نیز می بایست پس از نقل و انتقال از جنوب به غرب وارد عملیات شوند، لذا تصمیم نهایی، پس از مشخص شدن نتیجه ی مرحله ی اول عملیات در منطقه غرب و همچنین نتیجه ی عملیات در منطقه جنوب اتخاذ می شد.

در آستانه عملیات

اقدامات مهندسی و آماده سازی عقبه ها، گرچه به دلیل ابهام نسبت به عملیات

و نگرانی از هوشیاری دشمن و افشا شدن عملیات با تأخیر آغاز شد، لیکن پس از حضور فرماندهی کل سپاه در منطقه، روند آماده سازی عملیات شتاب گرفت. در عین حال برخی کاستیها همچنان به چشم می خورد. چنانکه تنها ۲۴ ساعت قبل از آغاز عملیات پل زلی آماده ی بهره برداری شد و سه دستگاه لودر به شرق رودخانه چومان منتقل گردید و با وجود صعب العبور بودن ساحل، اقدامات مهندسی به رغم تمامی مشکلات انجام گرفت.

میزان هوشیاری دشمن از جمله مسائلی بود که از ابتدا مورد توجه قرار داشت. در آغاز تصور می شد که به دلیل درگیر بودن دشمن در منطقه جنوب و حضور یگانهای سبک سپاه در منطقه و عدم پیش بینی دشمن مبنی بر عبور نیروهای خودی از رودخانه گلاس، دشمن غافلگیر شده است. اما با تشدید اقدامات مهندسی به ویژه تلاش برای احداث جاده از گلان به کنار زلی و نیز نصب لوله های پل، دشمن اقداماتی انجام داد که نشانه ی هوشیاریش بود از جمله:

۱- پرتاب گلوله های منور.

۲- تقویت منطقه توسط یک الی دو گردان.

۳- انتقال چند قبضه توپ به منطقه.

۴- انتقال تانک روی ارتفاع کرده رش و تقویت این منطقه.

همچنین اجرای آتش روی پل زلی و اطراف روستای زلی به منظور مسدود کردن جاده از جمله مسائلی بود که نشان می داد دشمن نسبت به جهت اصلی عملیات و برخی از محورها هوشیار شده است.

اجرای عملیات

سرانجام در تاریخ ۲۳ / ۱ / ۶۶ لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) تحت فرماندهی قرارگاه نجف نیروهای خود را وارد منطقه کرد و پس از یک شب

ص: ۱۶۴

استقرار در جنوب رودخانه چومان در عصر روز ۲۴ / ۱ / ۶۶ به سمت اهداف خود حرکت کرد. به رغم آنکه زمان آغاز عملیات ۲ بامداد تعیین شده بود، لیکن از ساعت ۱:۴۵ بامداد ۲۵ / ۱ / ۶۶ اولین خبر از درگیریها به قرارگاه رسید. موفقیت اولیه نیروهای لشکر ۵۷ و تیپ قائم (عج) موجب امیدواری شد، بویژه اینکه نیروهای دشمن از محور پاسگاه پلیس عقب نشینی کردند و قوای زرهی دشمن نیز تحرکی از خود نشان ندادند. اما تلاش برای آغاز مرحله دوم عملیات در محور ماووت که با وارد عمل کردن تیپ ۳۵ آغاز شد به نتیجه نرسید.

در محور قرارگاه کردستان نیز به دلیل عدم استقرار قوای دشمن روی ارتفاعات، نیروها به سهولت اهداف خود را تأمین کردند و تلاشهای مهندسی برای ایجاد عقبه و احداث جاده آغاز شد.

در ساعت ۵:۳۰ صبح روز اول، پاتک دشمن در محور ماووت آغاز شد و سرانجام پس از چند بار دست به دست شدن گلان ۲، دشمن در غروب روز اول آن را مجدداً تصرف کرد.

در شب دوم نیروهای تیپ ۳۵ برای باز پس گیری ارتفاع گلان ۲ آماده نشدن و عملیات به شب سوم موکول گردید. همچنین در محور قرارگاه کردستان به دلیل عدم آمادگی نیروها، ادامه عملیات به شب بعد موکول شد.

قرارگاه حمزه در محور گناو، عملیات خود را با تیپ ۱۱۰ خاتم بر روی تپه منافقین، پاسگاه گناو و ارتفاع کانی بدار در ساعت ۱ بامداد آغاز کرد و تا ساعت ۵:۳۰ بامداد اولیه کلیه اهداف خود را تصرف و تأمین کرد.

همچنین دشمن در شب دوم با ترکیبی از نیروهای جاش و نظامی، مجدداً به ارتفاعات اسپي دره و گلان ۱ حمله کرد و نهایتاً به رغم مقاومتی که انجام گرفت، این ارتفاعات به دست دشمن افتاد.

در روز دوم با افزایش فشار دشمن در محور ماووت و گناو و سقوط ارتفاع گلان ۱ کار عقبه سازی و احداث جاده متوقف شد. در چنین وضعیتی،

پشتیبانی از عملیات و تخلیه ی شهدا و مجروحین بسیار ضروری و حیاتی بود؛ لیکن به دلیل موقعیت منطقه و فشارهای دشمن و مشکلات و کاستیهای موجود، عملاً اقدام مناسبی انجام نمی گرفت. این ضعف در استفاده از هلیکوپتر نسبتاً آشکارتر بود. در عین حال نیروهای خودی در محور گناو شدیداً مقاومت کردند.

در شب سوم، تیپ ۳۵ برای عملیات روی ژاژیله آماده شد و پیش بینی می شد که با تصرف ژاژیله و ادامه عملیات از پائین روی گلان ۲ اوضاع تا اندازه ای بهبود یابد. همچنین تیپ قائم کردستان نیز مأموریت داشت ارتفاع گامو را مجدداً تصرف نماید.

عملیات در ساعت ۱:۳۰ بامداد آغاز شد. تیپ ۳۵ ارتفاع ژاژیله را تصرف کرد و غنائم قابل توجهی از جمله تعدادی تانک به دست آورد، ولی تیپ قائم پس از ۵ ساعت درگیری با دشمن به مواضع خود عقب نشینی کرد.

در محور بسن قرارگاه کردستان، لشکر ویژه ی شهداء از سه محور با دشمن درگیر شد که دو محور آن در کله گاوی و یک محور دریال بسن بود. همچنین تیپ بیت المقدس به طرف یال ارتباطی پیشروی کرد. اما به رغم موفقیت‌های اولیه، به دلیل عدم انتقال نیروی احتیاط و مشکلاتی که در پشتیبانی عملیات وجود داشت و همچنین افزایش فشار دشمن، سرانجام در پایان روز سوم تنها یال ارتباطی به عنوان نتیجه ی عملیات در شب سوم، در اختیار نیروهای خودی باقی ماند. همچنین در روز سوم بر اثر فشار دشمن در محور گناو تنها ارتفاع کانی بدار و تپه منافقین (۱) در اختیار نیروهای خودی قرار داشت و تپه های چنکاو و پاسگاه گناو مجدداً در اختیار دشمن قرار گرفت. در محور ماووت نیز تیپ ۳۵ به دلیل بروز مشکلاتی در امر پشتیبانی، نهایتاً از ارتفاع ژاژیله

ص: ۱۶۶

۱- ۴۷۷. این تپه در محدوده ی بین جنوب دوپازا و شمال گناو و در غرب دانی گوز و کوه لک لک قرار دارد که به دلیل حضور منافقین در این منطقه به تپه منافقین مشهور شد.

بنابراین، پس از سه شبانه روز جنگ و درگیری، گرچه در کلیه ی محورهای مورد نظر مرحله اول عملیات انجام شد، لیکن مشکلات و کاستیهای موجود و ناتوانی برخی از یگانها، همراه با فشارهای دشمن سبب گردید که اهداف به طور ناقص تأمین شود. درک دشمن از اهداف عملیات به ویژه باز شدن عقبه ی قرارگاه رمضان سبب شده بود تا فشار خاصی را متوجه این منطقه سازد.

در شب چهارم، سرانجام نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که از جنوب به غرب منتقل شده بودند، برای تصرف دو ارتفاع گلان ۱ و ۲ آماده شدند. تیپ ۴۸ فتح نیز مأموریت داشت ارتفاع ژاژیله را تصرف نماید. نیروهای لشکر ۱۴ که در ساعت ۳۰:۳ بامداد با نیروهای دشمن درگیر شدند، تا روشن شدن هوا بجز ارتفاع گلان ۲، بقیه اهداف خود را تصرف کردند.

در محور گناو نیز نیروهای تیپ ۱۱۰ مجدداً پاسگاه گناو را تصرف کردند. در روز چهارم تنها پل لوله ای روی رودخانه چومان فروریخت و این امر به مشکلات پشتیبانی افزود. از این پس تلاش برای احداث پل بیللی افزایش یافت.

متعاقب موفقیت لشکر ۱۴ در اغلب محورها (بجز گلان ۲) و عدم دستیابی تیپ ۴۸ فتح به ارتفاع ژاژیله، چنین پیش بینی می شد که ادامه ی عملیات متوقف شود تا با تأمین عقبه ها و بازسازی یگانها، مجدداً عملیات با آمادگی بیشتری آغاز شود. اما پس از بحثهایی که صورت گرفت، نهایتاً مقرر گردید که عملیات ادامه یابد.

در شب پنجم مجدداً لشکر ۱۴ و تیپ ۴۸ برای تکمیل مأموریت خود وارد عمل شدند، لیکن موفقیتی به دست نیاوردند. همچنین در محور گناو، پاتک دشمن روی ارتفاع کانی بدار سبب گردید نیروهای تیپ ۱۱۰ اقدام به عقب نشینی نمایند. طی همین شب، تا ساعت ۳۰:۶ بامداد دشمن سه راهی ژاژیله را تصرف کرد و در پی آن آتش خود را روی ارتفاعات افزایش داد. همین

امر موجب شد که نیروهای تیپ ۴۸ به طور کامل از این محور عقب نشینی کنند.

با پیدایش وضعیت جدید، بحث و بررسی در مورد نحوه ی ادامه ی عملیات شروع شد. فشار قرارگاه رمضان بر عملیات روی گرده رش و قمیش به منظور تدارک و تغذیه نیروهای خودی که داخل خاک عراق بودند، سبب گردید اجرای عملیات در محور قشن و یال سیراوه تا قله و راز مورد توجه قرار گیرد. ضمن اینکه لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۵ نصر نیز از جبهه ی جنوب به جبهه ی غرب منتقل شدند و سایر یگانها نیز برای رسیدن به منطقه عملیات در راه بودند.

براساس طرح مانور عملیات در این مرحله، لشکرهای ۲۵ کربلا- و ۵ نصر در شب هفتم وارد عمل شدند. لشکر ۵ مأموریت داشت که ارتفاعات گلان ۱ و ۲ را تصرف نماید. لشکر ۲۵ نیز مأموریت داشت علاوه بر تأمین محور قشن روی گلان ۲ با لشکر ۵ الحاق کند.

عملیات تا صبح ادامه یافت و به جز مقر فرماندهی دشمن در گلان ۲ مابقی اهداف تأمین شد و الحاق لشکر ۵ و لشکر ۲۵ روی گلان ۲ نیز انجام نگرفت. با روشن شدن هوا پاتک دشمن آغاز شد، لیکن بر اثر مقاومت نیروهای خودی و آتش پشتیبانی که پس از چند روز تقویت شده بود، سرانجام در ساعت ۳۰:۱۱ الحاق تکمیل گردید. موفقیت حاصله در این مرحله موجب امیدواری برای ادامه عملیات شد.

طرح ریزی و اجرای عملیات در مرحله جدید

طی بحثها و بررسیهایی، در تاریخ ۱ / ۲ / ۶۶ ادامه ی عملیات کربلای ۱۰ به نحو زیر طرح ریزی گردید:

- در محور قرارگاه کردستان: لشکر ۱۵۵ شهدا در کله گاوی، تیپ نبی اکرم (ص) در یال بسن و تیپ بیت المقدس در ادامه یال ارتباطی به اجرای

ص: ۱۶۸

- در محور قرارگاه نجف: لشکر ۲۵ کربلا برای تکمیل یال قشن و لشکر ۵ نصر روی یال گلان به سمت ژاژیه و لشکر ۱۴ لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روی ارتفاع ژاژیه عملیات نمایند. همچنین لشکر ۵ نصر در مرحله دوم روی همین محور عملیات را ادامه دهد. در همین محور، مقرر شد لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) روی خط مقابل ارتفاع هزار کانیان و تیپ ۴۸ فتح از یال میراوه به طرف ارتفاع آمدین عمل کنند و لشکر ۲۵ کربلا مأموریت داشت روی ارتفاع آمدین عمل نماید. همچنین لشکرهای ۳۳ المهدی (عج) و ۴۱ ثارالله مأموریت داشتند تنگه وراز را مسدود نمایند.

- در محور قرارگاه رمضان نیز قرار شد ارتفاعات ویسی، قمیش و دولبشک تصرف شود و سپس لشکرهای ۳۳ و ۴۱ در دولبشک و لشکرهای ۱۴ و ۵ در ارتفاعات قمیش مستقر شوند. همچنین قرار شد جهاد سازندگی برای احداث جاده روی قشن، یال میراوه، بالوکاوه، از سرگلو به گامو و همچنین از سرگلو به شاشو، اقدام نماید.

طی تلاشهایی که انجام شد، تیپ ۴۸، در شب دهم نیروهایش را در یال میراوه مستقر کرد، ولی با افزایش فشار دشمن عقب نشینی کرد و در یال شاشو مستقر شد. لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) در شب نهم در زیر گامو تا شاشو مستقر شد. این امر سبب گردید ضعف در جبهه گامو تا اندازه ای مرتفع شود. در شب هشتم لشکر نصر از گلان ۲ به پایین عمل کرد، ولی تنها تلفاتی بر دشمن وارد ساخت. از شب نهم، لشکر ۲۵ طی عملیات متوالی، تنها یک پایگاه از سه پایگاه دشمن روی قشن را تصرف کرد. در شب دهم دشمن از گلان ۱ و ۲ موفق به نفوذ شد و ارتفاع گلان را تصرف کرد. لشکرهای ۳۳ و ۴۱ برای تکمیل اهداف عملیات و باز پس گیری گلان وارد عمل شدند و سرانجام با تصرف و پاکسازی منطقه از نیروهای دشمن، به تشکیل خط پدافندی مبادرت کردند.

به این ترتیب، بنا به دلایلی از جمله هوشیاری دشمن نسبت به سمت تک، سرعت و شتاب اولیه و عدم آمادگی لازم، گستردگی طرح و عدم تناسب آن با توان و برخی عوامل دیگر، عملیات متوقف شد. همچنین عدم هماهنگی بین عملیات منظم و عملیات نامنظم نیز در این میان بی تأثیر نبود.

عملیات فتح ۵

اشاره

قرارگاه رمضان سپاه پاسداران با سازماندهی و اجرای عملیات در عمق خاک عراق در سال ۶۶، موقعیت جدیدی فراهم کرد. بر پایه ی همین موقعیت، سلسله تلاشهای سیاسی برای گسترش همکاری با معارضین عراقی، منجر به شکل گیری مقدمات اجرای عملیات فتح ۵ در شمال سلیمانیه به عنوان یک عملیات نامنظم و گسترده شد. این عملیات همزمان با عملیات کربلای ۱۰ در منطقه ماووت، در ساعت ۱:۴۷ بامداد روز ۲۵ / ۱ / ۶۶ از درون خاک عراق آغاز شد. سرعت عمل نیروها و گستردگی عملیات موجب غافلگیری دشمن گردید و طی ۲ الی ۳ ساعت پس از آغاز عملیات، کلیه ی اهداف عملیات نامنظم فتح ۵ تصرف شد.

در عین حال، ناتوانی نیروهای نامنظم برای مقابله با فشارهای قوای عراقی و عدم اتصال مناطق آزاد شده به داخل خاک ایران، سبب گردید تدریجاً دشمن کلیه مواضع متصرفه را باز پس گیرد.

بازتاب عملیات کربلای ۱۰

اجرای عملیات در منطقه غرب کشور و همزمانی آن با عملیات فتح ۵ از جمله مسائلی بود که مورد توجه خبرگزاریها قرار گرفت. چنانکه فرستاده ی ویژه ی خبرگزاری فرانسه، پس از بازدید از ارتفاعات ماووت در خاک عراق، طی گزارشی به نقل از تحلیلگران گفت:

ص: ۱۷۰

«عملیات مزبور برای ایران این هدف را در پی دارد که رقیب را در لحظه ای که عملیات بسیار مهمتری در جنوب جریان دارد، در شمال سرگرم کند.» (۱).

هفته نامه جینز دیفنس با توجه به گزارشهای منتشره از سوی عراق مبنی بر خنثی سازی تهاجمات ایران می نویسد:

«به رغم ادعاهای عراق مبنی بر خنثی کردن این عملیات (کربلای ۱۰) به نظر می رسد که ایران توانسته است در شمال شرقی عراق، در آخرین عملیات رزمی خود به موفقیت برسد و تا سی و چهار کیلومتر در داخل عمق خاک عراق پیشروی کند.» (۲).

تجزیه و تحلیل روزنامه ی ژاپنی کی زایب از عملیات کربلای ۱۰ نیز قابل توجه است:

«این حملات نشانه ی عزم ایران برای ادامه جنگ بوده و تلاشهایی که گفته می شود به منظور خاتمه دادن به این جنگ انجام گرفته، بی ثمر است.» (۳).

آقای هاشمی، فرمانده ی عالی جنگ و رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، در تشریح عملیات و اهداف جمهوری اسلامی از این عملیات اظهار داشت:

«در آینده خواهیم دید همانند نقشی که «فاو»، در جنوب به عنوان دروازه ورودی به نقاط دیگر ایفا می کند، این منطقه چنین وضعی را در شمال جبهه در کردستان خواهد داشت.» (۴).

اظهارات آقای هاشمی بیانگر اهمیت عملیات و همچنین اهداف ایران در منطقه شمال غرب بود که سپاه پاسداران بعدها در سلسله عملیاتی از ماووت تا والفجر ۱۰، به اجرای آن پرداخت.

ص: ۱۷۱

۱- ۴۷۸. روزنامه کیهان، ۱۹ / ۲ / ۶۶.

۲- ۴۷۹. روزنامه رسالت، ۱۹ / ۲ / ۶۶.

۳- ۴۸۰. روزنامه اطلاعات، ۱۲ / ۲ / ۶۶.

۴- ۴۸۱. روزنامه اطلاعات، ۸ / ۲ / ۶۶.

تلاشهای جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه غرب کشور در چارچوب استراتژی جدید، (۱) اساساً بدین منظور طرح ریزی و اجرا شد که با باز کردن عقبه ی معارضین کرد عراقی به ایران و اتصال منطقه آزاد شده از خاک عراق به ایران، در منطقه شمال غرب جبهه جدیدی در برابر دشمن گشوده شود. چنین پیش بینی می شد که با توجه به موفقیت معارضین عراقی و موقعیتی که برای یک پیروزی وجود داشت، با پیشروی در عمق منطقه، دشمن نهایتاً برای مقابله به نقل و انتقالات وسیع از منطقه ی جنوب به غرب اقدام خواهد کرد و این امر به منزله فراهم شدن مقدمه اجرای عملیات در جنوب خواهد بود، ضمن اینکه جبهه های جدیدی در شمال غرب در برابر دشمن گشوده شده و بخشی از نیروها و فرماندهی دشمن را تجزیه خواهد کرد.

در این چارچوب، پس از اجرای عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ در اردیبهشت سال ۶۶، مجدداً سلسله عملیاتی طی دو مرحله در منطقه شمال غرب طرح ریزی و اجرا شد. مرحله ی اول شامل عملیات نصر ۴ و نصر ۷ بود که یگانهای نیروی زمینی سپاه به ترتیب در تاریخهای ۳۱ / ۳ / ۶۶ و ۱۳ / ۵ / ۶۶ اجرا کردند. مرحله دوم این عملیاتها پس از فراغت نیروی دریایی سپاه از درگیری سه ماهه (شهریور، مهر، آبان) با امریکا در خلیج فارس با عملیات نصر ۸ در تاریخ ۲۹ / ۸ / ۶۶ آغاز گردید و با عملیات بیت المقدس ۲ و بیت المقدس ۳ در ماووت ادامه یافت و سرانجام با عملیات والفجر ۱۰ در حلبچه پایان پذیرفت. در جدول صفحه بعد نمایی از این سلسله عملیات آورده شده است.

ص: ۱۷۲

نام عملیات: نصر ۴، تاریخ: ۳۱ / ۳ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخشی از منطقه ماووت از جمله شهر و دشت ماووت و ارتفاعات ژاژیله، شاخ قشن و بالوسه (مجموعاً ۵۰ کیلومتر مربع) آزاد شد.

نام عملیات: نصر ۷، تاریخ: ۱۳ / ۵ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: دوپازا و بلفت در محور سردشت، نتایج عملیات: ارتفاعات دوپازا و بلفت به وسعت ۳۰ کیلومتر مربع آزاد شد.

نام عملیات: نصر ۸، تاریخ: ۲۹ / ۸ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخش دیگری از منطقه ماووت از جمله گرده رش آزاد شد.

نام عملیات: بیت المقدس ۲، تاریخ: ۲۵ / ۱۰ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخش دیگری از منطقه ماووت شامل ارتفاعات قمیش، ویولان و تنگه گوجار فتح شد.

نام عملیات: بیت المقدس ۳، تاریخ: ۲۳ / ۱۱ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخش دیگری از منطقه ماووت شامل ارتفاع مهم و مرتفع گوجار به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

نام عملیات: والفجر ۱۰، تاریخ: ۲۳ / ۱۲ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: حلبچه، نتایج عملیات: بخشی وسیعی از استان سلیمانیه از جمله شهرهای حلبچه، دوجیله و خورمال تصرف شد.

اشاره

گرچه در عملیات کربلای ۱۰ و در چارچوب استراتژی جدید ایران، برخی از ارتفاعات از جمله ژاژیله، اسپیدار، گلان، شاخ قشن و بالوسه آزاد شد، لیکن توقف عملیات از یک سو و تلاشهای دشمن به منظور باز پس گیری مناطق متصرفه از سوی دیگر، سبب گردید تا عملیات نصر ۴ به منظور تداوم عملیات کربلای ۱۰ و با هدف تصرف شهرک ماووت عراق و ارتفاعات ژاژیله طرح ریزی شود. در واقع، عملیات نصر ۴ برای تکمیل اهداف عملیات کربلای ۱۰ انجام گرفت و این امیدواری وجود داشت که موفقیت حاصله در این عملیات، مقدمات تصرف ارتفاع گرده رش واقع در غرب رودخانه چولان را فراهم سازد.

موقعیت منطقه

شهر ماووت در میان ارتفاعات بلند با یالهای به هم پیوسته، صخره ای و صعب العبور واقع شده است که تصرف آن با دشواری بسیاری همراه است. ارتفاعات این منطقه از شمال به مرز سردشت و رودخانه زاب و از جنوب به شهرک ماووت و جاده آسفالته منتهی می شود. تسلط و اشراف ارتفاعات بر قسمتهایی از منطقه ماووت و پایگاه و پادگان و مواضع توپخانه در این منطقه، بر اهمیت و ارزش نظامی این ارتفاعات می افزود.

ارتفاعات این منطقه شامل گامو، هزار کانیان، بالوکاوه، قشن، گلان، ژاژیله، بالوسه در شرق رودخانه چولان و ارتفاعات گرده رش، ویولان، قمیش، دولبشک، الاغلو و گوجار در غرب آن می باشد. جاده های موجود در منطقه، راههای وصولی به شهر ماووت را برای ایران از سردشت و بانه و برای دشمن از چوارتا و سلیمانیه تسهیل می کند.

در منطقه ماووت، شهر ماووت به لحاظ موقعیت و قدمت آن از اهمیت

زیادی برخوردار است. با اجرای عملیات کربلای ۱۰ و درک دشمن از اهمیت این منطقه و شهر ماووت، افزایش حضور دشمن در منطقه منجر به تبدیل ماووت به یک شهر نظامی شد. (۱).

طرح مانور

عملیات از چهار محور شامل: یال غربی ارتفاع گلان (بزرگ) و ارتفاع ژاژیله، ادامه یال ارتفاع قشن تا آخر قله های ۱ و ۲ و ۳ شهر ماووت، یال میرآوه و یال بالوکاوه (ارتفاعات دو قلو) و از بالوسه تا یال غربی قشن، طرح ریزی می شد. با تأکید بر اهمیت تپه دو قلو و تصرف و حفظ آن، درباره نحوه عملیات روی ارتفاع ژاژیله و نیز تثبیت خطوط دفاعی در جلوی شهر ماووت بحث و بررسی شد. در این عملیات، قوای تحت امر قرارگاه نجف شامل ۹ یگان پیاده از نیروی زمینی سپاه بود. همچنین، تیپ زرهی ۳۸ ذوالفقار سپاه مأموریت پشتیبانی و اجرای تیر تانک را برعهده داشت. (۲).

چنانکه پیش از این اشاره شد، از مدتها قبل دشمن نسبت به سمت اصلی تلاش رزمندگان اسلام در این منطقه حساس شده بود. بویژه آنکه در این منطقه اقداماتی برای احداث جاده، همراه با افزایش تحرکات نظامی صورت می گرفت. در مقابل، دشمن نیز به موازات افزایش استعداد نیروهایش، آرایش آنها را تغییر داد. لذا با توجه به اقدامات و تلاشهای دشمن، بخصوص اجرای آتش نسبتاً شدید روی ارتفاعات گلان و قشن - که نقش مهمی در طرح مانور عملیات نیروهای خودی داشتند - و همچنین حملات هوایی ارتش عراق، به نظر می رسید که دشمن در هوشیاری نسبی به سر می برد. (۳).

اجرای عملیات

حرکت نیروها از غروب روز سه شنبه ۳۰ / ۳ / ۶۶ به سمت هدفهای تعیین شده

ص: ۱۷۵

۱- ۴۸۳. سند شماره ۸۷۶ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش راوی قرارگاه نجف (احمد نیکروش)، مندرج در

گزارش عملیات نصر ۴»، (نگارش حسین اردستانی)، ص ۲.

۲- ۴۸۴. پیشین.

۳- ۴۸۵. پیشین.

آغاز شد. نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و لشکر قدس که مأموریت اجرای عملیات روی ارتفاع ژاژیله را برعهده داشتند. به خاطر مسافت طولانی، تلاش چشمگیری را برای رسیدن به هدف انجام دادند و سرانجام در ساعت ۱۰:۱۰ بامداد ۳۱ / ۳ / ۶۶ به رغم اینکه برخی از یگانها هنوز در راه بودند، درگیری با نیروهای دشمن آغاز شد و در ساعت ۲ بامداد رمز عملیات به نام مبارک «یا امام جعفر صادق (ع)» قرائت و درگیری در کلیه محورها آغاز شد.

گرچه عملیات به مدت ۱۵ شبانه روز ادامه یافت، لیکن نتایج حاصله در شب اول حائز اهمیت بود، زیرا می توانست بر پایه غافلگیری نسبی اهداف عملیات را تأمین نماید. در شب اول، لشکر ۲۵ کربلا به سهولت قله های ۱ و ۲ ارتفاع قشن را تصرف کرد. لشکر ۱۴ امام حسین (ع) نیز اهداف خود روی ارتفاع گلان را تصرف و تأمین کرد. همچنین، لشکر قدس پایگاههای دشمن در جنوب ارتفاع ژاژیله را به تصرف درآورد.

موفقیت‌های اولیه در این محور سبب گردید تا تلاش برای الحاق لشکر قدس و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روی جاده آسفالت ماووت - سورقلایت که موجب تسلط بر شهر ماووت می شود، مورد تأکید قرار گیرد. بر همین اساس، با روشن شدن هوا الحاق حاصل گردید و نیروها در مواضع جدید مستقر شدند. لشکر ۳۲ انصار نیز توانست قله ۱۵۹۶ بالوکاوه را تصرف نماید و تیپ ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) نیز تپه دو قلو را تصرف کرد.

به رغم تأمین بخش مهمی از اهداف، به علت عدم الحاق لشکر امام حسین (ع) و لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع)، شهر ماووت در شب اول به طور کامل سقوط نکرد و دشمن همچنان در قسمت غربی به حضور و مقاومت خود ادامه داد.

دشمن به منظور مقابله با موفقیت جدید نیروهای خودی، تلاش اصلی را روی ارتفاع قشن متمرکز کرد تا شهر ماووت را از محاصره خارج نماید. اهمیت

این ارتفاع سبب گردید که در ادامه عملیات، لشکرهای ۴۱ ثارالله و ۳۳ المهدی (عج) که مأموریت تصرف و پاکسازی باقی مانده مواضع دشمن در غرب شهر ماووت رابه عهده داشتند، در این محور برای تثبیت ارتفاع قشن وارد عمل شوند.

با ادامه درگیری روی قشن سرانجام در شب دوم عملیات، یال قشن پاکسازی و نیروهای خودی به سمت شهر ماووت پیشروی کردند.

بدین ترتیب، طی ۱۵ روز درگیری، سرانجام بخشی از منطقه ماووت از جمله شهر و دشت ماووت و ارتفاعات ژاژیله، شاخ قشن، بالوسه و نقاطی دیگر جمعا بالغ بر ۵۰ کیلومتر مربع آزاد گردیدند.

اهمیت و نتایج پیروزی در عملیات نصر ۴ سبب گردید تا دشمن برای باز پس گیری ارتفاعات، علاوه بر بمباران شدید با هواپیما، حتی از راکت‌های حاوی سیانور که با هلیکوپتر شلیک می شدند، استفاده کند. ناکامی دشمن سبب گردید تا عراق در استراتژی جدید خود برای مقابله با تلاش‌های جمهوری اسلامی، سازمان منافقین را در این منطقه فعال کند. زیرا با توجه به ضرورت دستیابی به اطلاعات، منافقین می توانستند خواسته های رژیم عراق را تأمین کنند. متقابلا، منافقین نیز برای این منظور از انرژی و آمادگی زیادی برخوردار بودند. البته این اقدام عراق در استفاده از منافقین به نوعی مقابله با جمهوری اسلامی در به کارگیری اکراد معارض عراقی، محسوب می شد. بر پایه همین ضرورتها، در بهار سال ۶۶، رجوی در بغداد با صدام ملاقات کرد و قرار شد منافقین عملیات نامنظم را آغاز نمایند. به همین منظور، استقرار تیمهای شناسایی منافقین و اجرای عملیات شناسایی آغاز شد. نظر به اهمیت و ابعاد جدید تلاش‌های منافقین در هم پیمانی گسترده با رژیم عراق، رجوی طی پیامی به نیروهای شناسایی خود دستور داد تا در مورد باقی ماندن هر گونه ردپا جدا هشیاری به خرج دهند.

اشاره

استقرار نیروهای دشمن روی ارتفاعات سرکوب منطقه سردشت، به ویژه ارتفاع دوپازا، استقرار نیروهای خودی را در منطقه دچار مشکلاتی کرده بود و متقابلاً تردد ضد انقلاب را تسهیل کرده و آنها را زیر پوشش خود قرار داده بود. به همین دلیل، عملیات نصر ۷ با هدف خارج کردن منطقه عمومی سردشت از دید و تیر دشمن و متقابلاً زیر دید و تیر قرار دادن قلعه دیزه عراق و مهار تردد ضد انقلاب در محور سردشت طرح ریزی شد.

موقعیت منطقه

ارتفاع دوپازا (۲۷۹۱ متر) به عنوان بلندترین ارتفاع منطقه در امتداد سلسله ارتفاعات دوپازا در ۱۳ کیلومتری غرب سردشت در خط نوار مرزی قرار دارد. دوپازا از شمال به دو ارتفاع اسپیدان و بلفت، از جنوب به ارتفاعات لک لک، شهید زین الدین، کله قندی و فرفری محدود می شود و از شرق به کوههای رستم آلیان و کانی رش و در غرب به دشت قلعه دیزه و شهر قلعه دیزه عراق منتهی می شود.

طرح مانور

طرح ریزی عملیات همراه با اقدامات اولیه به رغم دشواریهای آن، به ویژه تسلط و اشراف دشمن بر تحرکات نیروهای خودی، انجام گرفت. عملیات در دو مرحله طرح ریزی شد، به این شکل که در مرحله اول، تصرف ارتفاعات مهم دوپازا و یالهای آن، تپه شاهمرادی و تصرف یال ارتفاعات بلفت (خودی) مورد تأکید قرار گرفت. همچنین تصرف ارتفاع بلفت (عراق) برای مرحله دوم در نظر گرفته شد. با توجه به اهمیت عملیات در مرحله اول، لشکر ۳۱ عاشورا و

لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و تیپ ۱۸ الغدیر تأمین اهداف عملیات را در این مرحله به عهده داشتند و برای مرحله دوم تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) در نظر گرفته شد.

اجرای عملیات

سرانجام عملیات نصر ۷ پس از فراهم سازی مقدمات آن، با دو لشکر و دو تیپ از نیروهای سپاه پاسداران در موقعیتی که به نظر می رسید دشمن هوشیار است، در ساعت ۲:۳۰ بامداد روز ۱۴ / ۵ / ۶۶ با رمز مقدس «یا زهرا (س)» آغاز شد. تهاجم سریع نیروهای خودی، به رغم هوشیاری نسبی دشمن سبب گردید تا کلیه اهداف عملیات در مرحله اول تصرف و تأمین شود. مرحله دوم آن نیز پس از اجرای آتش توپخانه روی مواضع دشمن از دو محور جاده و یال بلفت آغاز شد و نیروهای تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) پس از ۳ ساعت درگیری اولین قله بلفت را به تصرف درآوردند.

با توجه به اهمیت این منطقه، دشمن طی ۱۰ شبانه روز با پاتکهای سنگین برای باز پس گیری مناطق متصرفه تلاش کرد لیکن موفق نشد. در نتیجه ی این عملیات، ارتفاعات «دوپازا» و «بلفت» و منطقه ای به وسعت ۳۰ کیلومتر مربع آزاد شد.

عملیات نصر ۸

اشاره

در تداوم سلسله عملیاتی که در منطقه شمال غرب انجام گرفت، عملیات نصر ۸ با هدف تسلط بر بخشی از رودخانه قلعه چولان، جهت تسهیل عبور نیروها و تصرف ارتفاعات مهم منطقه، به ویژه ارتفاع گرده رش، برای ورود به زمین منطقه غرب رودخانه قلعه چولان، طرح ریزی شد.

معضلات موجود در منطقه به ویژه محدودیتها و فقدان عقبه در موقعیت

ص: ۱۷۹

خاص جوی، با فرارسیدن فصل سرما رو به فزونی نهاد. ضرورت اجرای عملیات عمدتاً برای فراهم سازی مقدمات عملیات گسترده در منطقه شمال غرب بود. به همین دلیل، به رغم دشواریهایی که وجود داشت، تلاش برای فراهم سازی مقدمات عملیات و طرح ریزی مانور عملیات انجام گرفت.

طرح مانور

این بحث با استفاده از خلاصه گزارش مجموعه ی عملیات جبهه شمال غرب (سند شماره ۵۹۹ / گک) در آرشیو اطلاع رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تدوین شده است.

عملیات نصر ۸ با هدف تصرف ارتفاع گرده رش تحت فرماندهی قرارگاه نجف به شرح زیر طرح ریزی شد:

- تصرف نیمه جنوبی ارتفاع ۱۴۱۸ (قله دوم) توسط لشکر ۲۱ امام رضا (ع)

- تصرف نیمه شمالی ارتفاع ۱۴۱۸ و تصرف ارتفاع ۱۳۹۱ (قله سوم) توسط لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع).

- تصرف نیمه غربی ارتفاع ۱۴۲۶ (قله اول) توسط لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع).

- تصرف نیمه شرقی ارتفاع ۱۴۲۶ (قله اول) توسط تیپ ۱۲ قائم (عج).

- تصرف ارتفاعات ۱۳۱۷ و ۱۳۴۸ (قله چهارم) توسط لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا.

همچنین لشکرهای ۷ ولیعصر (عج)، ۵۲ قدس و تیپ ۳۵ امام حسن (ع) و تیپ مسلم بن عقیل به عنوان احتیاط قرارگاه در نظر گرفته شدند.

اجرای عملیات

نیروها با حرکت از محورهای مختلف پس از ۵ الی ۸ ساعت راهپیمایی، در نزدیکی مواضع دشمن استقرار یافته و در انتظار قرائت رمز عملیات بودند.

ص: ۱۸۰

سرانجام در ساعت ۱۶:۱ بامداد ۲۹ / ۸ / ۶۶ عملیات نصر ۸ با رمز مبارک «یا محمد بن عبدالله ادرکنی، ادرکنی، ادرکنی» آغاز شد. یگانها به طور هماهنگ به مواضع دشمن یورش بردند و تنها یک ساعت پس از آغاز عملیات، هدفهای خود را در قله های ۱۴۱۸، ۱۴۲۶ و ۱۳۹۱ تصرف کردند. همچنین قرارگاه تاکتیکی تیپ ۳۹ دشمن و مقر گردان ۱ این تیپ به تصرف نیروهای خودی درآمد. در این میان، تنها مقر گردان ۲ تیپ ۳۹ در ادامه یال شمالی گرده رش همچنان در دست دشمن باقی ماند. به رغم فشارها و پاتکهای دشمن در روز اول نیروهای خودی، مواضع متصرفه را پاکسازی و تأمین کردند.

در شب دوم، یک گردان از لشکر ویژه شهدا، با عبور از لشکر ۵۷، روی ادامه یال گرده رش وارد عمل شد و آن را تصرف کرد. در تداوم عملیات، به رغم فشارهای دشمن، سرانجام پس از یک هفته نبرد در وضعیت جوی نامساعد روی ارتفاعات صعب العبور، نهایتاً بخش دیگری از منطقه عمومی ماووت شامل ارتفاع گرده رش به تصرف نیروهای خودی درآمد.

عملیات بزرگ بیت المقدس ۲

اشاره

تصرف ارتفاع گرده رش در عملیات نصر ۸، امکان عبور از رودخانه قلعه چولان و ورود به غرب آن و گسترش به سمت شمال غربی و جنوب منطقه را فراهم کرد. ضمن اینکه با عملیات نصر ۴ و تصرف شهر ماووت نیز امکان اجرای عملیات در جناح چپ منطقه، شامل شرق رودخانه قلعه چولان فراهم شد. نتایج مجموعه موفقیت‌های حاصله در سلسله عملیات پیشین در منطقه شمال غرب سبب گردید تا شرایط لازم برای اجرای عملیاتی بزرگ در شمال سلیمانیه فراهم شود.

ضرورت تداوم عملیات در محور ماووت، سبب گردید عملیات بیت المقدس ۲ در ۲۵ / ۱۰ / ۶۶ در سخت ترین وضعیت جوی و در میان برف

و سرما، با هدف «تصرف جاپا برای نزدیکی به شهر سلیمانیه و سد دوکان و قلعه دیزه عراق» طرح ریزی و اجرا شود.

در چنین موقعیتی، یگانها علاوه بر مشکلاتی که برای استقرار داشتند، به هنگام پیشروی و رسیدن به مواضع دشمن نیز با دشواریهای بسیار مواجه بودند. چنانکه نیروها بعضا مسیرهای طولانی را در میان برف و در کوهستان به مدت ۶ تا ۸ ساعت طی می کردند. تراکم برف در برخی محورها سبب گردیده بود که نیروها تا زانو در برف فروروند و همین امر منجر به کاهش توان آنها می شد.

بخشی از مشکلات ناشی از اوضاع جوی و زمین موجب تأخیر در جا به جایی سریع نیروها می شد. طوری که پس از گذشت ۴۸ ساعت نیروها می بایست به دلیل خستگی، خستگی و گل آلود بودن لباسها و بیماری تعویض می شدند. فرمانده یکی از یگانهای سپاه در این باره گفت:

«در خط سنگر نداریم، زمین خیلی گل و شل است، امکان کار نمی دهد. پر کردن گونی هم به خاطر وضع زمین ممکن نیست نیروها در اینجا دیگر توانی ندارند.»

فرمانده یکی دیگر از یگانهای سپاه نیز در مورد یک گردان از نیروهایی که پای کار آمدند اظهار داشت:

«چادر نمی شد زد، چون نزدیک خط بود. (نیروها) پتو روی خود کشیدند. حدود ۲۰ - ۳۰ سانتی متر برف روی آنها نشسته بود. ۳ نفر حالشان بسیار بد شد و بیهوش شدند. یک نفر هم بر اثر سرمای شدید شهید شد.»

اجرای عملیات در چنین وضعیت سخت و دشواری، علاوه بر ملاحظات مختلفی که وجود داشت، اساسا به این امید و انتظار انجام می گرفت که مقدمات غافلگیری دشمن را فراهم سازد.

منطقه عملیاتی بیت المقدس ۲ در شمال استان سلیمانیه عراق واقع شده است. این منطقه عملیاتی از شمال به ارتفاعات گرده رش و ویولان، از جنوب به ارتفاعات الاغلو، دولبشک و یاش قلعه و از شرق به ارتفاعات آمدین و گلان و از غرب به ارتفاع گوجار منتهی می شود. رودخانه قلعه چولان زمین منطقه را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده است و از شمال تا جنوب منطقه عملیاتی امتداد دارد. عقبه نزدیک منطقه، شهر بانه می باشد که منطقه عملیاتی را با جاده کاگر - بانه به شهر بانه متصل می کند.

طرح مانور

عملیات در دو مرحله طرح ریزی شد. بدین ترتیب که در مرحله اول ارتفاعات ویولان، دشت هرمدان، یالهای ابتدای ارتفاع گوجار و یالهای مقابل این ارتفاع که بر ارتفاع الاغلو و تنگه الاغلو تسلط داشت و نیز ارتفاعات الاغلو، قمیش و دولبشک به همراه تنگه دولبشک - الاغلو، تصرف شود و در مرحله دوم پس از تأمین اهداف مرحله اول، با تصرف ارتفاعات موکبه و قیوان پیشروی به سمت عمق منطقه، انجام گیرد.

تداوم عملیات در عمق منطقه پس از مرحله اول، از جمله تدابیری بود که تحقق آن، علاوه بر کسب موفقیت در مرحله اول، به عوامل دیگری همچون توان نیروهای خودی و وضعیت دشمن در منطقه بستگی داشت.

موقعیت زمین منطقه و تقسیم آن به دو قسمت شرقی و غربی، به جهت تأثیر رودخانه قلعه چولان، سبب گردید تا اجرای عملیات با دو قرارگاه نجف و قدس پیش بینی شود. بدین ترتیب که قرارگاه نجف در محور قمیش (دشت هرمدان) با ۴ لشکر و ۴ تیپ شامل لشکرهای ۵ نصر، ۶ پاسداران،

۲۱ امام رضا (ع)، ۱۵۵ شهداء و تیپهای ۳۵ امام حسن (ع)، ۱۸ الغدیر، ۱۲ قائم و ۴۸ فتح، مجموعاً با ۵۷ گردان و قرارگاه قدس با ۶ لشکر و یک تیپ شامل لشکرهای ۱۰ سیدالشهداء (ع)، ۳۱ عاشورا، ۳۲ انصار الحسین (ع)، ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۵۲ قدس و ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) و تیپ زرهی ۲۰ رمضان، مجموعاً با ۴۷ گردان، مأموریت اجرای عملیات را برعهده گرفتند.

وضعیت دشمن

تحرك نیروهای خودی در منطقه فاو و اجرای عملیات بزرگ سالانه در منطقه ی جنوب، سبب گردید تا دشمن توجه ذهنی و تمرکز نیروهای خود را به منطقه ی جنوب معطوف نماید. وضعیت فصلی در منطقه شمال غرب نیز به گونه ای بود که دشمن با توجه به سوابق عملیاتی پیشین رزمندگان اسلام در این منطقه، امکان عملیات جدی و گسترده را پیش بینی نمی کرد. در مجموع این عوامل منجر به غافلگیری دشمن شد. حتی پس از اجرای مرحله اول عملیات، دشمن همچنان از انتقال نیروی متناسب با این عملیات به منطقه امتناع کرد. تنها پس از آغاز مرحله دوم عملیات و با پیشروی به سمت ارتفاعات مهم و استراتژیک الاغلو و دولبشک، عراق با درکی که نسبت به سمت اصلی تلاشهای ایران در این منطقه پیدا کرد، تدریجاً به انتقال یگانهای جدید و یگانهای احتیاط سپاه یکم و سپاه دوم و همچنین دو تیپ ۶۶ و ۶۸ نیروی مخصوص از لشکر گارد، اقدام کرد. نیروهای دشمن که از ابتدا تا انتهای عملیات به منطقه وارد شدند مجموعاً ۸ تیپ و ۴ گردان بودند.

اجرای عملیات

به رغم مشکلات بسیاری که برای اجرای عملیات در فصل سرما و یخبندان و در میان ارتفاعات صعب العبور وجود داشت، تلاشهای وسیعی به منظور

فراهم سازی مقدمات عملیات انجام گرفت. همچنین علاوه بر اقدامات شناسایی و طرح ریزی عملیات، فعالیتهای گسترده ای برای باز نگاه داشتن جاده ها در مقابل ریزش برف انجام گرفت. علاوه بر این برای تردد نیروهای لشکرهای ۱۰ و ۳۱ در محور قمیش، روی رودخانه قلعه چولان پلی نصب شد.

سرانجام پس از جا به جایی نیروها، عملیات بیت المقدس ۲ در ساعت ۱۵:۱ بامداد روز جمعه ۲۵ / ۱۰ / ۶۶ با رمز مبارک «یا زهرا سلام الله علیها» آغاز شد. ابتدا یگانهای قرارگاه نجف و سپس نیروهای قرارگاه قدس در سه محور ویولان، دشت عمومی هرمدان و ارتفاع قمیش وارد عمل شدند. نتایج عملیات در شب اول به شرح زیر بود:

- لشکر ۳۲ انصار در محور ماووت تحت امر قرارگاه قدس برای تصرف یالهای انتهایی قشن وارد عمل شد. اهمیت تصرف و پاکسازی و تأمین این منطقه به دلیل فراهم سازی امکان عبور یگانهای بعدی به سمت ارتفاع آمدین بود. پیچیدگی و استحکامات موجود در منطقه سبب گردید تا ادامه عملیات در این محور به شب بعد موکول شود.

- لشکر ۳۱ عاشورا روی ارتفاع قمیش وارد عمل شد و با استفاده از راه کار لشکر ۱۰ سیدالشهداء (ع) پیشروی کرد طوری که قبل از روشن شدن هوا، مواضع دشمن در این محور سقوط کرد.

- لشکر ۶ پاسداران نیمی از ارتفاع ویولان را تصرف کرد. علت اصلی عدم تصرف کامل این ارتفاع، وجود برف زیاد و مشکل تردد نیروها بود.

- لشکر ۵ نصر، تیپ ۳۵ امام حسن (ع) و تیپ ۱۸ الغدیر دشت عمومی هرمدان را تا ساعت ۹ صبح پاکسازی کردند.

- ارتفاع قمیش در محور لشکر ۱۰ به طور کامل تصرف شد و در سمت لشکر ۳۱ قله ی اصلی آن تصرف نشد و الحاق کامل ایجاد نگردید.

مجموعاً در شب اول به رغم مشکلاتی که در تردد نیروها در میان برف و کوهستان و در مسیرهای طولانی وجود داشت، بخش عمده اهداف مورد نظر تأمین شد.

با روشن شدن هوا عملیات همچنان ادامه یافت. نیروهای دشمن که در محاصره قرار گرفته بودند بعضاً برای فرار به میان برفها می رفتند که جز مرگ یا اسارت سرانجام دیگری نداشتند. در مجموع، عکس العمل جدی و قابل توجهی از دشمن مشاهده نشد و همین امر نشانه‌ی غافلگیری دشمن نیز بود.

متقابلاً برابر تدبیر فرماندهی قرارگاه نجف برای ورود به تنگه قمیش و پشت سر گذاشتن مواضع دشمن، نیروهای تحت امر این قرارگاه با یک خیز نسبتاً بلند وارد تنگه شدند و بدین ترتیب مواضع دشمن در پشت ارتفاع قمیش از سمت دهکده، متزلزل شد. ضمن اینکه نیروهای لشکر عاشورا نیز قبل از ورود نیروهای قرارگاه نجف به داخل تنگه، قله اصلی ارتفاع قمیش را تصرف کردند و در نتیجه نیروهای خودی به طور کامل بر این منطقه مسلط شدند.

موقعیت جدید نیروهای خودی در این منطقه (تنگه قمیش) و تأثیرات ناشی از این وضعیت، منجر به افزایش حساسیت دشمن و در نتیجه افزایش فشار قوای عراقی برای باز پس گیری منطقه گردید.

پس از این مرحله‌ی موفقیت آمیز، لازمه‌ی تداوم عملیات تصرف ارتفاعات دولبشک و الاغلو بود تا بدین وسیله امکان پیشروی به سمت ارتفاعات موکبه و قیوان فراهم شود. با گذشت زمان و تداوم عملیات نیروهای خودی در شبها و روزهای بعد، در اوضاع جوی بسیار نامساعد و افزایش تدریجی حضور نیروهای دشمن و فشار آنها، ادامه عملیات ضرورتاً نیاز به توان بیشتری داشت و این امر تنها با کسب زمان برای بازسازی یگانها امکان پذیر بود. بنابراین، نیروها در محورهای مختلف به تثبیت منطقه تصرف شده اقدام کردند.

در این عملیات ضمن تصرف ارتفاعات آمدین، ویولان، گوجار، قمیش،

تپه سوزنی و گرده شیلان، امکان تردد نیروهای قرارگاه رمضان به مناطق آزاد شده در داخل خاک عراق فراهم شد. در این میان، مجموعاً بیش از ۷۰ درصد از اهداف ارضی عملیات تأمین شد.

در این عملیات بیش از پنج هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی و بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد یگانهای درگیر آن در منطقه منهدم شدند. غنائم به دست آمده در این عملیات نیز قابل توجه بود.

عملیات بیت المقدس ۲

اشاره

تجارب حاصله از سلسله عملیتهای پیشین در منطقه شمال غرب به ویژه عملیات بیت المقدس ۲، مبین وجود نوعی تناقض بود. بدین معنا که از یک سو به دلیل وجود دورنمای روشن نسبت به آینده، در صورت پیشروی در عمق خاک عراق و غافلگیر شدن دشمن نسبت به نیت و اهداف اساسی ایران در این منطقه، هر گونه «سرعت عمل» در شناسایی، طرح ریزی و اجرای عملیات می توانست مقدمات کسب پیروزی را با به دست آوردن موقعیتهای مناسب فراهم سازد. (۱) از سوی دیگر، مشکلات اجرای عملیات با توجه به فصل سرما و وضعیت جوی و زمین و معضلات اساسی در احداث جاده و تأمین عقبه های مناسب و دشواریهای موجود برای جا به جایی سریع نیروها و همچنین بازسازی یگانهای عمل کننده، هر گونه کسب پیروزی نیاز به زمان و اقدامات مهندسی مناسب داشت.

بنابراین، تعجیل در اجرای عملیات عملاً سبب می شد که ضمن تحلیل رفتن توان نیروهای خودی، دشمن نیز تدریجاً با توجه نسبت به سمت اصلی

ص: ۱۸۷

۱- ۴۸۶. تصرف ارتفاعات الاغلو و دولبشک می توانست امکان حضور نیروهای خودی را روی ارتفاعات موکبه و قیوان فراهم نماید. در این صورت موقعیت دشمن در این منطقه متزلزل می شد و با اتصال منطقه آزاد شده - تحت کنترل معارضین عراقی - به داخل ایران، بخشی از مناطق مهم دشمن از کنترلش خارج می شد.

تهاجم رزمندگان اسلام و اهدافی که مورد نظر بود با جا به جایی نیرو و تجهیز زمین، پیشروی نیروهای خودی را با مشکلات و موانع اساسی مواجه سازد. وضعیت ناشی از این تناقض و در عین حال دشواریها و موانع موجود، منجر به توقف عملیات بیت المقدس ۲ شد و در پی آن بحث و بررسی و اساسی برای ادامه ی عملیات در این منطقه صورت گرفت که منتهی به تصمیم گیری برای اجرای عملیات بیت المقدس ۳ شد.

در بحثهایی که در طرح ریزی عملیات بیت المقدس ۳ (که پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲) صورت گرفت، فرماندهان سپاه در این مورد اتفاق نظر داشتند که شرط اساسی اجرای عملیات و کسب پیروزی، امکانات و توان مهندسی مناسب می باشد. (۱) بر همین اساس، پیش بینی لازم صورت گرفت و زمان اجرای عملیات ۲۰ / ۱۱ / ۶۶ تعیین شد. (۲).

تلاشها و اقدامات دشمن

در عملیات بیت المقدس ۲ بویژه در مرحله اول عملیات، دشمن نیروهای قابل توجهی را به منطقه منتقل نکرد و همین مسئله منجر به پیدایش این باور و درک شد که توجه دشمن معطوف و متمرکز به منطقه جنوب شده و عملاً نیز غافلگیر شده است. مجدداً به هنگام بحث و بررسی توقف عملیات بیت المقدس ۲ و تعیین زمان برای اجرای عملیات بیت المقدس ۳، بر پایه درکی که نسبت به رفتار و عملکرد دشمن در عملیات بیت المقدس ۲ وجود داشت، چنین پیش بینی می شد که دشمن نیروی قابل توجهی را به منطقه اعزام نخواهد کرد.

شکل گیری این ذهنیت در مورد دشمن و پیش بینی رفتار و عملکرد احتمالی

ص: ۱۸۸

۱- ۴۸۷. استقرار نیروهای سپاه در منطقه جنوب واقع در فاو به منظور طرح ریزی عملیات سبب شده بود تا بخشی از توان سپاه تجزیه شده و در منطقه شمال غرب عملاً قابل بهره برداری نباشد.

۲- ۴۸۸. سند شماره ۵۰۳ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش عملیات بیت المقدس ۳»، گزارش راویان قرارگاه خاتم الانبیاء: حسین اردستانی، داود رنجبر، نادر نوروز شاد؛ اسفند ۶۷.

آن، نقش تعیین کننده ای در طرح ریزی عملیات بیت المقدس ۳ و تعیین اهداف این عملیات داشت.

در عین حال، چندی بعد دشمن سلسله تحرکات مهمی را در منطقه شمال غرب انجام داد. دشمن با جا به جایی و انتقال نیرو، مواضع خالی بر روی ارتفاعات موکبه، قیوان، یالهای گوجار و نیز محور حساس آسوس را پر کرد. این اقدام دشمن با توجه به امیدواری نیروهای خودی به تصرف این ارتفاعات پس از اجرای عملیات روی دولبشک و الاغلو در عملیات بیت المقدس ۲، نشانه ی دشواریهای تداوم نبرد در این محور برای تحقق استراتژی عملیات در حد فاصل سد دوکان تا کاریزه بود که در سال ۶۶ مورد نظر قرار گرفت. همچنین دشمن با حمله گسترده و وسیع به اکراد معارض، با استفاده از سلاح شیمیایی، مناطقی را که معارضین کرد عراقی آزاد کرده بودند، تصرف کرد و همین موجب تخلیه این مناطق از ساکنان آن شد. (۱).

پیدایش وضعیت جدید سبب گردید تا نیروهای کرد معارض برای رهایی از فشارهای دشمن، برای اجرای عملیات تلاش کنند. لیکن به علت مشکلاتی که برای اجرای عملیات وجود داشت هر گونه تعجیل به منزله ناکامی در دستیابی به اهداف عملیات تلقی می شد.

تلاش برای اجرای عملیات

پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲، شرط ادامه ی عملیات، علاوه بر ایجاد عقبه مناسب با احداث جاده از پاسگاه پلیس و از طریق ارتفاع ژاژیه و نصب پل روی رودخانه تا دشت هرمدان، فعال کردن قرارگاه رمضان از داخل مناطق آزاد شده بود. این امیدواری وجود داشت که با احداث جاده، موقعیت مناسب برای نقل و انتقال و پشتیبانی عملیات فراهم آید. همچنین اجرای مانور از داخل منطقه آزاد شده نیز با حمله به عقبه های دشمن، امکان دستیابی به اهداف

ص: ۱۸۹

عملیات را تسهیل کند.

بر این مبنا، تلاشهای فشرده ای جهت فراهم سازی دو شرط اساسی و لازم برای اجرای عملیات آغاز شد. با گذشت زمان و به رغم تلاشهایی که انجام می گرفت، مشکلات ناشی از اوضاع جوی و وضعیت زمین برای احداث جاده روز به روز افزایش می یافت و به رغم اینکه ۸ یگان مهندسی از جهاد و یگانهای مهندسی سپاه برای احداث جاده تلاش می کردند، لیکن چشم انداز روشنی برای آماده شدن جاده مطابق زمان از پیش تعیین شده مشاهده نمی شد. انتقال امکانات به داخل خاک عراق نیز به همین میزان با دشواری رو به رو بود.

به موازات مشکلات احداث جاده و انتقال امکانات به مناطق آزاد شده، از میزان آمادگی برای عملیات کاسته می شد و در نتیجه، امکان اجرای عملیات طبق زمان تعیین شده از میان می رفت. در چنین موقعیتی تأخیر در اجرای عملیات نیز مشکلات زیادی را به دنبال داشت. بدین معنا که در صورت استقرار نیرو در نزدیکی خط، امکان آسیب پذیری آنها وجود داشت و تخلیه آنها از منطقه نیز منجر به تضعیف روحی نیروها که با انگیزه عملیات به منطقه آمده بودند، می شد. در عین حال، امکان هوشیاری دشمن نیز وجود داشت. چنانکه تحرکات گسترده دشمن نیز در همین موقعیت انجام گرفت. (۱).

فرماندهی عملیات، برادر شمشخانی، برای حل مشکلات عقبه، نیرو و استفاده از شبهای مهتابی، در وضعیت کاملاً نامساعدی قرار گرفته بود که تصمیم گیری برای اجرای عملیات را با دشواری رو به رو می ساخت.

تغییر در طرح مانور عملیات

فرماندهی عملیات براساس بررسی و تحلیل حرکت دشمن - که در نظر داشت راه کارهای عملیات را مسدود نماید - طرح مانور را تغییر داد. به این

ص: ۱۹۰

صورت که چون به علت تحرکات دشمن اجرای عملیات در محورهای کاریز و حرکت از پشت روی گوجار و الاغلو دچار مشکل یا غیر ممکن شده بود و همچنین به خاطر مشکلاتی که قرارگاه نجف برای تسریع در انجام دادن عملیات در سر راه خود داشت، در مجموع سبب گردید پیشنهاد اجرای عملیات به صورت مرحله ای عنوان شود، به رغم اختلاف نظری که در این زمینه وجود داشت، نهایتاً با تأکید فرماندهی کل سپاه، برادر محسن رضایی، محدود شدن طرح مانور عملیات مورد تأیید قرار گرفت.

در تدبیر جدید، گرچه محدودیت طرح مانور با استراتژی تعیین شده در سال ۶۶ برای منطقه غرب کشور مغایرت داشت، ولی از یک سو ضرورت اصل آفند و از سوی دیگر ضرورت آماده کردن زمینه عملیات در حلبچه، سبب گردید به منظور فریب دشمن، بر اجرای عملیات در این منطقه تأکید شود. (۱).

به این ترتیب عملیات بیت المقدس ۳ در محور ماووت به تصرف ارتفاع گوجار محدود شد و تلاش اصلی به منطقه حلبچه معطوف گردید و بخشی از نیروها به این منطقه منتقل شدند. اصولاً عملیات روی گوجار علاوه بر فریب دشمن، منجر به تکمیل خط پدافندی نیروهای خودی در محور ماووت می شد. مسئولیت عملیات نیز به قرارگاه نجف واگذار شد.

طرح مانور عملیات

اجرای عملیات روی ارتفاع گوجار بستگی تام به تصرف الاغلو داشت و تصرف الاغلو نیز وابسته به تأمین ارتفاع دولبشک بود. به دلیل محدود شدن عملیات به تصرف گوجار، مشکلاتی در طرح ریزی عملیات بروز کرد. به

ص: ۱۹۱

۱- ۴۹۱. در واقع، پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲، عملیات در این محور به دلیل مشکلات تا اندازه ای فرعی شد و اجرای عملیات در منطقه حلبچه به عنوان تلاش اصلی دنبال می شد. در چنین وضعیتی ادامه تلاش در محور ماووت می توانست منجر به غافلگیری دشمن در منطقه حلبچه شود.

همین دلیل بحث و بررسی مجدد در این زمینه منجر به ارائه طرحها و پیشنهادهای متفاوتی شد، لیکن با توجه به محدودیت نیرو و امکانات و مهمتر از همه ضرورت تسریع در انجام دادن عملیات، فرمانده کل سپاه مجدداً تصرف گوجار را به عنوان هدف قرارگاه نجف در عملیات بیت المقدس ۳ مورد تأکید قرار داد.

بنابراین تدبیر، لشکر ۵ نصر مأموریت داشت تا یال ۱ گوجار را از گرده ی هلکان تا پایین صخره ای تصرف و تأمین نماید. لشکر ۳۱ عاشورا نیز در زیر صخره ای با لشکر ۵ نصر الحاق کند و سپس روی تنگه آمده و خاکریز احداث نماید. همچنین تیپ ۳۵ امام حسن (ع) می بایست قبل از بریدگی یال گوجار روی یال اصلی و یال ۲ را تا حداقل ۳ کیلومتر جلوتر (محل جدا شدن یال گاراده) تصرف و تأمین کند و تیپ ۱۲ قائم (عج) نیز قله گوجار و قسمتی از یال اصلی را تصرف و تأمین نمایند. (۱).

برای پشتیبانی هلی کوپتری منطقه، طرح خاصی پیش بینی نشده بود و پشتیبانی هوانیروز تنها به گروه هوانیروز کرمان که به مدت ۵ ماه در منطقه فعالیت کرده و فشار زیادی را متحمل شده بود، محدود می گردید. استعداد این گروه هوانیروز در منطقه شامل یک هلی کوپتر ۲۰۶، چهار هلی کوپتر ۲۱۴، یک هلی کوپتر کبری و همچنین یک هلی کوپتر ۲۰۶ از سپاه بود. (۲).

اجرای عملیات

زمان آغاز عملیات ساعت ۱ بامداد ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ تعیین شده بود. نیروها از حوالی غروب تدریجاً از مقر خود در دشت هرمدان به سوی نقاط رهایی حرکت کردند. در این حال وضعیت جوی نیز رو به تغییر نهاد و تدریجاً بارش برف آغاز شد. مه غلیظ منطقه را پوشانده و موجب محدودیت دید رزمندگان شده بود که همراه با سرمای شدید و وجود برف روی قله گوجار سختی شدیدی

ص: ۱۹۲

۱- ۴۹۲. پیشین.

۲- ۴۹۳. پیشین.

را به آنها تحمیل می کرد، طوری که نیروهای تیپ ۱۲ قائم (عج) مسیر را گم کردند. (۱).

سرانجام به رغم دشواریهای موجود، نیروها در کلیه محورهای آمادگی خود را برای اجرای عملیات اعلام کردند و در ساعت ۱ بامداد عملیات با رمز مبارک «یا موسی بن جعفر (ع)» آغاز شد. نخست نیروهای تیپ ۱۲ و سپس نیروهای لشکر ۳۱ با دشمن درگیر شدند. نیروهای لشکر ۵ و تیپ ۳۵ همچنان دچار مشکل بوده و به رغم گذشت نیم ساعت از آغاز عملیات، هنوز با دشمن درگیر نشده بودند.

در ساعت ۱۰:۳ بامداد نیروهای لشکر ۳۱ اعلام کردند که مأموریت خود را به طور کامل انجام داده اند. در نزدیکی صبح، لشکر ۵ پس از درگیری با دشمن اعلام کرد که هدف خود را با تصرف هلکان تأمین کرده است و درگیری روی صخره ای ادامه دارد.

تیپ ۱۲ قائم که مسیر خود را گم کرده بود، پس از روشن شدن هوا قله ی گوجار را تصرف و تأمین کرد. نیروهای دشمن در سنگرهای روی گوجار همگی یخ زده بودند و لذا تصرف و پاکسازی آن سنگرها به سهولت انجام گرفت. نظر به اینکه تصرف کرده هلکان دچار مشکل شده بود، از نیروهای ۱۲ قائم (عج) برای کمک به لشکر ۵ نصر استفاده شد. در زمانی که اهداف هنوز به طور کامل تصرف و تأمین نشده بود، اخبار واصله از شنود دشمن به قرارگاه نجف حاکی از انتقال نیروهای کماندویی سپاه پنجم به منطقه و آمادگی آنها برای پاتک بود.

با روشن شدن هوا یگانهای مستقر روی گوجار (تیپ ۳۵ و تیپ ۱۲) درخواست هلیکوپتر کردند تا مجروحین تخلیه شوند و تدارکات و مهمات برای آنها ارسال شود. ولی محدودیت در تعداد هلیکوپتر و فقدان تور برای اسلینک مهمات و تدارکات مانع از تأمین درخواست یگانهای مذکور شد.

ص: ۱۹۳

با گذشت زمان همچنان تلاش برای تصرف مجدد گرده هلکان و صخره ای متوقف شده و دشمن نیز با توجه به خلاء موجود بین تیپ ۳۵ و لشکر ۳۱ فشار خود را در این محور متمرکز کرده بود. در چنین موقعیتی، تیپ ۱۲ از یال ۱ گوجار به سمت یال ۲ پیشروی کرد.

مجموعاً در شب و روز اول عملیات، اهداف عملیات به غیر از اهداف لشکر ۵ نصر و بخشی از جناح راست آن، تأمین شد و تلاش دشمن نیز برای باز پس گیری مناطق بسیار ضعیف بود. تخلیه مجروحین و اسلینک مهمات و تدارکات با استفاده از هلیکوپتر مهمترین مشکل یگانها در روز اول بود که کماکان لاینحل باقی ماند.

در شب دوم عملیات، قرار شد نیروهای تیپ ۳۵ با سرازیر شدن به طرف چپ تا نزدیک گرده هلکان را تصرف و پاکسازی نمایند. لشکر ۵ نیز با استفاده از موقعیت تیپ ۳۵، عملیات خود را از آخرین حد تصرف شده به سمت چپ ادامه دهد و با گذاشتن از گرده هلکان به سمت صخره ای، در پایین صخره ای با لشکر ۳۱ الحاق نماید.

ساعت ۲۱ شب ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ عملیات شب دوم آغاز شد، ولی موفقیتی به دست نیامد و تنها لشکر ۵ نصر یکی از تپه های کوهان شتری نرسیده به گرده هلکان را به تصرف خود درآورد. همزمان با آغاز عملیات در شب دوم، دشمن به گلوله باران شیمیایی در شیارهای دشت هرمدان که عقبه یگانها بود، اقدام کرد. این مسئله بر تعداد مجروحین و مشکلات انتقال آنها افزود.

در شب سوم با کسب اطلاعات جدید از موقعیت دشمن در گرده هلکان و صخره ای، مجدداً طرح ریزی و اجرای مانور به منظور تأمین دو منطقه یاد شده آغاز شد. همچنین قرارگاه رمضان برای اجرای عملیات از سمت غرب روی یال گاراده (یال شماره ۳) اعلام آمادگی کرد.

عملیات شب سوم در ساعت یک بامداد ۲۵ / ۱۲ آغاز شد. لشکر ۳۱

عاشورا اهداف خود در صخره ای را تصرف کرد. لشکر ۵ نصر گرده هلکان را تصرف و تأمین کرد و تنها راه کار زیر گرده هلکان همچنان مسئله داشت و با الحاق نیروها در این منطقه در حدود ساعت ۳:۳۰ بامداد، معضل موجود برطرف شد.

بدین ترتیب، اهداف مورد نظر پس از اجرای عملیات در سه شب متوالی، به رغم مشکلات ناشی از اوضاع جوی، وضعیت زمین و فقدان پشتیبانی هلیکوپتری و سایر معضلات موجود، تصرف و تأمین گردید.

ص: ۱۹۵

خلاصه گزارش عملیات والفجر ۱۰ اولین بار در بولتن «بررسی» معاونت سیاسی سپاه پاسداران، شماره ۲، فروردین ۱۳۶۷ به قلم محمد درویدیان درج شد که با اصلاحات مختصری در اینجا می آید.

معضلات و نارساییهای موجود برای تداوم عملیات بیت المقدس ۲ بویژه هوشیاری دشمن نسبت به سمت تک (ماوت - سلیمانیه)، تخریب جاده و پل گرده رش بر اثر طغیان رودخانه و مسدود شدن عقبه عملیات، بارش برف سنگین و مداوم و همچنین تلاش گسترده دشمن در مناطق آزاد شده با حمله به مواضع کردهای معارض عراقی، تدریجا نظرها را به منطقه عمومی حلبچه و سد دربندیخان معطوف کرد.

پس از بحثها و بررسیهای فراوانی که انجام گرفت این نتیجه حاصل شد که تا زمانی که بررسیها و فعالیتهای شناسایی در منطقه جنوب به نتیجه نرسیده است. (۱) در اولویت اول، عملیات روی ارتفاعات الاغلو و دولبشک ادامه یابد. در اولویت دوم، عملیات در منطقه جنوب پیگیری و در اولویت سوم، عملیات در منطقه حلبچه طرح ریزی شود. در نظر گرفتن سه منطقه برای عملیات و اولویت بندی آن، چنانکه پیش از این اشاره شد، عمدتاً نتیجه ی حاصل از تجارب نبرد در سالهای قبل بود. بدین معنا که در صورتی که

ص: ۱۹۶

۱- ۴۹۵. اولویت اصلی، نبرد در منطقه جنوب بود. منتها به دلیل قفل شدن راه کارهای عملیات در جنوب، همانند سالهای قبل برای کسب فرصت و زمان برای تک در منطقه جنوب، جنگ در منطقه شمال ادامه می یافت. همزمان با اجرای سلسله عملیتهای بیت المقدس و نصر تیمی به فرماندهی برادر شمشخانی و متشکل از برادران غلامپور، قاسم سلیمانی و... در جنوب برای یافتن راه کار مناسب جهت اجرای عملیات تلاش می کردند که قبل از تصمیم گیری برای انجام عملیات والفجر ۱۰، این تیم اعلان کردند که هیچ راهی برای ادامه جنگ در جنوب نیافتند. ولی در عین حال آخرین گزارشها در منطقه جنوب به طور پیوسته بررسی می شد تا در صورت احتمال موفقیت، اجرای عملیات در جنوب در اولویت نخست قرار گیرد. (سند شماره ۳۱۳۳۶۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: یادداشت سردار سرلشکر محسن رضایی بر پیش نویس کتاب حاضر، فروردین سال ۷۶).

عملیات در یک منطقه با مشکلات اساسی یا بن بست مواجه می شد، تداوم تهاجم به دشمن با تعویض منطقه عملیاتی و جا به جایی یگانها ادامه می یافت.

بدین ترتیب با محدود شدن عملیات بیت المقدس ۲ و معضلاتی که برای اجرای عملیات در جنوب (فاو) وجود داشت، منطقه عمومی حلبچه و سد دربندیخان به عنوان منطقه اصلی انتخاب شد.

موقعیت منطقه

منطقه عمومی حلبچه به جز در غرب و شمال که دریاچه دربندیخان در آن واقع شده است، در محاصره ارتفاعات صعب العبور و مرتفعی قرار گرفته و هر کدام دارای نقشی حساس می باشد از جمله: بالامبو و شاخ بالامبو که بر دریاچه دربندیخان و بر دشت و ارتفاعات تمورژنان مسلط است و شاخ تمورژنان که بر شاخ شمیران، سد دربندیخان، تونل جاده سلیمانیه - بغداد تسلط و دید و تیر دارد. علاوه بر اینها، ارتفاعات پروینه، توانیر، پنج قله، شیندروی، تپه چناره، سه تپه، خورنوازان، تپه هانی قول، تپه سزام و شاخ دارزین قسمت دیگری از ناهمواریهای منطقه می باشند.

همچنین شیاری در منطقه وجود دارد که هر کدام نقش مؤثری در اختفاء نیروهای خودی داشته و بعضا به عنوان معابر وصولی مورد استفاده قرار گرفته اند. از جمله این شیاریها می توان از، دره گلان، شیاری زلم، شیاری سورمر، شیاریسازان، دره خورنوازان، شیاری بالای روستای خوی و شیاری وشکنام، نام برد.

تأسیسات نظامی، اقتصادی و شهرها

از عمده ترین تأسیسات اقتصادی منطقه، سد دربندیخان است که علاوه بر پرورش ماهی و کشاورزی، در تأمین برق قسمت وسیعی از عراق نقش مهمی دارد. تأسیسات نظامی دشمن در این منطقه عبارتند از: پادگان حلبچه که دارای

پد آسفالته هلیکوپتر است. پادگان لشکر ۲۷ ارتش عراق در کانی مانگا، مقر فرماندهی دفاع الوطنی سپاه یکم واقع در منطقه رود اژه و پایگاههای موشکی سام ۲ و سام ۷.

راههای ارتباطی طی دشمن به منطقه عبارتند از:

- جاده سید صادق - خرمال - حلبچه

- جاده حلبچه - طویله - نوسود

- جاده اربت - سید صادق

- جاده اربت - دربندیخان - خرمال

پلها نیز به تناسب رودخانه های موجود در منطقه عبارتند از: پل زلم، پل ملاویسی، پل سرآوا، پل اماجنامن، پل حاجی ورفه و پل خاکی خول.

عمده ترین شهرهای عراق در منطقه به ترتیب وسعت و اهمیت عبارتند از: حلبچه، خرمال، دوجیله.

- شهر حلبچه با جمعیتی در حدود ۷۰ هزار نفر در استان سلیمانیه و در جنوب شرقی دریاچه دربندیخان قرار دارد. شهر از شمال به ارتفاعات سورن، از جنوب به ارتفاعات بالامبو، از شرق به ارتفاعات شیندروی، پروینه، توانیر، پنج قله و از غرب به ارتفاع تمور ژنان و دریاچه دربندیخان محدود می شود.

- شهر خرمال در شمال شرقی حلبچه قرار دارد و به دو قسمت جدید و قدیم تقسیم شده است. به دنبال قیام مردم خرمال، رژیم عراق قسمت قدیمی شهر را ویران کرد. در قسمت جدید ۱۵ هزار نفر سکونت داشتند. این شهر از نظر آب و هوا و اوضاع جوی از جمله بهترین مناطق عراق می باشد.

- شهر دوجیله در فاصله پنج کیلومتری شمال غربی شهر حلبچه قرار دارد. در غرب این شهر دریاچه دربندیخان واقع است. منطقه دوجیله بیش از آنکه مسکونی باشد نظامی بوده و قسمت عمده ای از قرارگاه های دشمن در این منطقه و حوالی آن قرار دارد.

ص: ۱۹۸

روستاهای این منطقه، به دنبال سیاست رژیم بعثی در مناطق آزاد شده، برای محدود کردن مبارزه اکراد ویران شده است و تنها اندکی از آنها سالم هستند از جمله: پیاره، هاوارلی، یاموک، انب، ابابیده و جلیله.

سابقه عملیاتی منطقه

منطقه مزبور، بارها مورد توجه طراحان نظامی سپاه قرار گرفته بود، لیکن مسائل عدیده ای مانع از انجام دادن تلاش جدی در این منطقه بود. پس از عملیات والفجر ۴ کار احداث تونل روی ارتفاعات سورن آغاز شد و بدین ترتیب جاده اصلی تا روی سورن و در محور دیگر از دزلی روی مله خور احداث گردید. اطلاع دشمن نسبت به احداث تونل و نیز صعب العبور بودن ارتفاعات مانع از سرعت عمل در احداث جاده و دیگر اقدامات مهندسی بود. در نتیجه، به رغم تأکید فرماندهی سپاه و بررسی مکرر جوانب طراحی و انجام عملیات در این منطقه، عملاً مقدمات و شرایط لازم برای تحقق عملیات فراهم نشد.

عوامل بسیاری در عدم تحرک جدی در این منطقه مؤثر بوده اند، که مهمترین آنها وضعیت و ویژگیهای زمین آن است که از ترکیب ارتفاعات سرکوب در شرق، شمال شرقی و جنوب آن و نیز دریاچه دربندیخان در غرب و شمال غربی آن، به وجود آمده است.

عملیات در منطقه مزبور، به لحاظ ویژگیهای یاد شده، اساساً مانور گسترده ای را اقتضاء می کرد و این مهم به جهت اینکه تا سال ۶۶ امکان انجام عملیات گسترده در جنوب فراهم بود، مورد توجه قرار نمی گرفت. در وضعیت جاری، براساس تدبیر جدید و نیز به لحاظ مشکلات موجود در جنوب، منطقه عمومی حلبچه برای عملیات گسترده مورد نظر قرار گرفت. ضمن اینکه ضرورت انجام دادن عملیاتی پیروز، قبل از پایان سال ۶۶، که از ابعاد سیاسی تبلیغاتی مناسبی برخوردار باشد در انتخاب فوق بی تأثیر نبوده است.

همزمان با عملیات بیت المقدس ۲ در منطقه حلبچه نیز تک محدودی طراحی شد که بنا به دلایلی صورت نگرفت. لیکن با توجه به سرانجام عملیات بیت المقدس ۲، منطقه عمومی حلبچه مجدداً مورد توجه فرماندهی سپاه واقع شد.

پیش فرضهای موجود در مورد کسب موفقیت در منطقه حلبچه، به لحاظ موقعیت زمین و نیز عدم حضور دشمن در این محور و فقدان مشکلات اساسی، موجب گردید تا این منطقه در مقایسه با منطقه عملیاتی بیت المقدس ۲ انتخاب شود.

آماده سازی منطقه

عقبه سازی و احداث جاده مناسب روی بلندیهایی صعب العبور و اتصال آن به منطقه عملیاتی از اهم مسائل عملیات بود که به طور جدی مورد توجه قرار گرفت. زیرا در صورت آماده نشدن جاده، مجدداً زمان عملیات به تعویق می افتاد. جاده های مورد نظر در منطقه که عمدتاً به دو عقبه اصلی مریوان - سنندج و باختران وصل می شد عبارت بودند از:

۱- احداث جاده مله خور برای اتصال دره دزلی به دشت خرمال.

۲- احداث جاده گوزیل و نصب پل روی رودخانه آب سیروان برای اتصال عقبه به دشت حلبچه یا عقبه پاه.

۳- احداث جاده از غرب بالامبو به غرب حلبچه.

در این خصوص، مسئولیت و بار اصلی احداث جاده ها برعهده جهاد سازندگی و مهندسی سپاه بود. (۱) با وجود سرما و صعب العبور بودن ارتفاعات، جهادگران تلاش جدی و قابل توجهی به عمل آوردند. در برخی

ص: ۲۰۰

۱- ۴۹۶. جهاد با استعداد ۴ گردان مهندسی در محور سورن و ۵ گردان در محور جنوبی منطقه عملیات و سپاه با یک لشکر مهندسی در محور جنوبی و یک تیپ مهندسی در محور شمالی منطقه عملیاتی فعالیت داشتند.

مواضع طوری بود که به علت بارانی بودن هوا هر ۲ ساعت یک بار راننده لودر یا بلدوزر می بایستی لباسهای خود را تعویض کند. در این منطقه توپخانه ی سپاه تدریجا پای کار آمد و قرار بود برخی از نیازمندیهای توپخانه را نیروی زمینی ارتش تأمین کند که این امر به دور از مشکلات و اتلاف وقت نبود. گروه هوانیروز ارتش که عهده دار بخشی از پشتیبانی عملیات بود، شش روز قبل از عملیات توجیه شد. این نیرو توانست در روز اول عملیات تعدادی شهید و مجروح تخلیه کند که این امر حاکی از آمادگی قابل توجه هوانیروز در این عملیات بود.

اقدامات لازم برای آماده سازی اجرای عملیات در عرض ۲ ماه صورت گرفت و این در مقایسه با مدتی که در سالهای گذشته برای انجام یک عملیات گسترده صرف می شد، زمان بسیار مطلوبی بود. در این میان، بدون تردید نقش و حضور فرمانده محترم کل سپاه، برادر رضایی که بدون وقفه تلاش می کرد و با تردد مکرر در منطقه، فعالیتهای آماده سازی را هدایت، کنترل و سامان می بخشید، بی نظیر و بسیار تعیین کننده و مؤثر بود.

اهداف عملیات

علاوه بر اهداف سیاسی، سه هدف عمده نظامی مورد نظر بود:

۱- آزادسازی شهرهای حلبچه، خرمال، دو جيله، بیاره و طویله.

۲- فراهم سازی مقدمات تصرف سد دربندیخان.

۳- مسدود کردن عقبه اصلی استان سلیمانیه. (۱).

سازمان رزم

عملیات با سه قرارگاه سازماندهی شد و مجموعاً ۱۰ لشکر و ۱۳ تیپ با استعداد ۵۰ درصد در قالب ۷۰ گردان به کار گرفته شدند که عبارت بودند از:

ص: ۲۰۱

۱- ۴۹۷. سند شماره ۶۸۳ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش عملیات والفجر ۱۰»، گزارش راوی قرارگاه (داود رنجبر).

قرارگاه قدس شامل: لشکر ۷ ولیعصر (عج) با ۶ گردان، لشکر ۳۳ المهدی (عج) با ۶ گردان، لشکر ۲۵ کربلا با ۱۰ گردان، لشکر ۱۹ فجر با ۶ گردان، لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع) با ۶ گردان، لشکر ۴۱ ثارالله با ۷ گردان و تیپ ۳۵ با ۴ گردان.

قرارگاه فتح شامل: لشکر ۸ نجف اشرف با ۵ گردان، لشکر ۱۴ امام حسین (ع) با ۵ گردان، تیپ ۸۲ صاحب الامر (عج) با ۳ گردان، تیپ ۹۱ بقیهالله با ۳ گردان، تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) با ۳ گردان، تیپ ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) با ۴ گردان و تیپ انصار الرسول با ۳ گردان.

قرارگاه کاظمین (ثامن الائمه) شامل: لشکر ۹ بدر با ۸ گردان، تیپ ۲۶ انصار المهدی با ۴ گردان، تیپ ۷۵ ظفر با ۲ گردان، تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) با ۶ گردان، تیپ ویژه شهداء با ۶ گردان، سپاه چهارم با ۶ گردان. (۱).

طرح مانور

موقعیت زمین منطقه نقش اصلی و تعیین کننده ای در نحوه طراحی مانور عملیات داشت. به علت وجود ارتفاعات سرکوب سورن در شرق منطقه ی عملیاتی و دریاچه دربندیخان در غرب آن، در حد فاصل انتهای شمال شرقی دریاچه تا ارتفاعات سورن محدوده ای به عرض ۱۰ کیلومتر به وجود آمده است که از نظر نظامی به آن تنگه گفته می شود. در مباحث طرح مانور، تضمین موفقیت عملیات را در گرو انسداد تنگه با الحاق از دو محور می دانستند، بدین ترتیب که: در محور شمال از مله خور به طرف خرمال و از محور جنوبی از غرب بالامبو در امتداد تمور ژنان با تصرف سرپل احتمالی در کمر دریاچه و سرانجام الحاق دو بازو در تنگه و محاصره دشمن.

به منظور تحقق طرح مانور یاد شده سه قرارگاه برای عملیات در سه محور در نظر گرفته شد. قرارگاه قدس در محور شمالی که مأموریت بستن تنگه و

ص: ۲۰۲

تصرف پل گردکو (عقبه اصلی دشمن به کل منطقه) را به عهده داشت. در محور جنوبی قرارگاه فتح در نظر گرفته شد تا ضمن تصرف بالامبو و تمور ژنان با تأمین سرپل در کمر دریاچه، برای مقابله با حرکت احتمالی دشمن، با احداث پل، از آمادگی لازمه برخوردار باشد. در محور میانی قرارگاه ثامن الائمه (ع) مأمور شد تا در محور گوزیل - دشت سازان بطرف حلبچه پیشروی کند و در مرحله دوم جاده بیاره - طویله - نوسود را تصرف و آزاد نماید.

قرارگاه رمضان علاوه بر مأموریت شناسایی، قرار شد تحرکاتی را در عمق و عقبه دشمن انجام دهد. همچنین تصرف شهر و انهدام توپخانه دشمن قسمت دیگری از مأموریت نیروهای نامنظم بود که می بایست با مشارکت تیپ ۷۵ ظفر و اکراد معارض انجام شود.

مرحله بندی عملیات یکی از مسائل عمده ای بود که قسمتی از مباحث طرح مانور را به خود اختصاص داده بود. در پیش فرضهای موجود بعضاً بین ۱ تا ۳ مرحله مطرح می شد. وجه مطلوب عملیات برای ممانعت از هوشیاری دشمن در مورد سمت اصلی تک، اجرای عملیات در یک مرحله بود، لیکن مشکلات موجود برای اتصال جاده از مله خور و شیار زلم به خرمال مانع از تحقق این امر بود. لذا پس از آنکه قرار شد عملیات در دو مرحله انجام گیرد، کاهش فاصله زمانی بین دو مرحله اول و دوم به عنوان راه حل معضل فوق مورد نظر قرار گرفت.

شرح عملیات

پس از بحثها و بررسیهایی که صورت گرفت، ساعت ۲ بامداد ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ برای آغاز عملیات تعیین شد، لیکن به علت اینکه در برخی از محورها نیروها می بایستی فاصله زیادی را تا رسیدن به هدف طی می کردند، در نتیجه عملیات در حد فاصل ساعت ۲ تا ۴ بامداد با رمز مبارک «یا رسول الله (ص)» و با درگیری در محورهای مختلف آغاز شد.

سرعت عمل نیروها و دست یابی به بیش از ۹۰ درصد از اهداف تعیین شده، مسئله شگفتی بود که اعجاب همگان را برانگیخت. به غیر از عکس العمل دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران تحرک دیگری از نیروهای عراقی انجام نگرفت. در محور چناره به علت یخ بندان با ۴ ساعت تأخیر، اهداف مورد نظر تأمین شد و تعداد زیادی از نیروهای دشمن که در خواب به سر می بردند کشته و اسیر شدند. در محور قرارگاه قدس پس از تصرف مله خور و ارتفاعات چناره، خرنوازان، هانی قول و تپه حمید به علت عدم اتصال جاده، عملیات متوقف شد. در محور قرارگاه فتح به رغم اینکه رزمندگان بالامبو و تنگه را تصرف کردند، لیکن به لحاظ توقف قرارگاه قدس و نیز عکس العمل دشمن در جناح چپ عملیات، روی شاخ سورمر و شاخ شمیران متوقف شدند. در محور میانی، قرارگاه ثامن الائمه (ع)، ارتفاعات مگرو و نیمی از شیندروی را تصرف کردند و به رغم روشنایی هوا، برای الحاق روی یال ارتباطی، شامل دشت سازان و سپس نیمی دیگر از ارتفاعات شیندروی، پیشروی را ادامه دادند.

با توجه به موفقیت های کسب شده، نیروها از روحیه ی خوبی برخوردار بودند. ضمن اینکه تلفات خودی نیز بسیار اندک بود. علاوه بر این، به لحاظ از هم گسیختگی قوای دشمن و عدم حضور جدی آنها در منطقه، بر سرعت بخشیدن در آغاز مرحله دوم عملیات تأکید می شد. مشکل اساسی در سر راه شروع مرحله دوم، عدم اتصال جاده هانی قول بود تا اینکه در ساعت ۱۴ روز ۲۴ / ۱۲ / ۶۶ خبر اتصال جاده به قرارگاه رسید و در پی آن با تصمیم قرارگاه مرکزی، اجرای مرحله دوم عملیات در شب سوم، حتمی شد.

در این میان، طی وقفه ۴۸ ساعته بین دو مرحله ی عملیات، تحرکاتی از نیروهای عراقی مشاهده شد که دال بر غفلت کامل دشمن نسبت به اهداف مورد نظر و سمت اصلی تک بود. در این فاصله، تمرکز فعالیتها و تحرکات دشمن در درجه اول روی شاخ سورمر و شاخ شمیران و در درجه دوم در برابر

قرارگاههای فتح و ثامن الائمه بود. تبلیغات انجام شده تا مرحله دوم بی تأثیر در شکل گیری اقدامات دشمن نبود. چنانکه محور قرارگاه قدس، به عنوان عملیات ظفر ۷ با مشارکت نیروهای تحت امر قرارگاه رمضان و اکراد معارض اعلام گردید و در مورد محورهای عملیات دو قرارگاه فتح و ثامن الائمه سکوت اختیار شد و این امر بر حساسیت دشمن نسبت به دو محور میانی و جنوبی افزود و موجب غفلت او از محور قرارگاه قدس شد. دشمن بنا بر درک و ذهنیتی که در مورد عملیات داشت، ستونهای متعدد و طولی را با عبور از پلهای ملاویسی و زلم به طرف دو جیله و سپس حلبچه روانه کرد. چنانکه تیپ کماندویی ۶۸ نیروی مخصوص ارتش عراق، پس از ورود به منطقه، در روز اول پاتکهای خود را روی شیندروی آغاز کرد.

مجموعاً به نظر می رسد که دشمن نسبت به محور قرارگاه قدس از حساسیت چندانی برخوردار نیست، ضمن اینکه در همان ابتدا تحرکات محدود دشمن با آتش مؤثر این قرارگاه ناکام و متوقف شد. قابل ذکر است که در این مرحله، قرارگاه رمضان فقط توانست پمپ بنزین شهر حلبچه را به آتش بکشد.

مرحله ی دوم عملیات

پس از ۴۸ ساعت توقف، مرحله ی دوم عملیات شب ۲۵ / ۱۲ / ۶۶ آغاز شد. قرارگاه قدس با تصرف پل زلم، تنگه خورمال را مسدود کرد. در پی آن به قرارگاه فتح ابلاغ شد که به پیشروی خود ادامه دهد تا با قرارگاه قدس الحاق کند. قرارگاه ثامن الائمه (ع) نیز از روی ارتفاعات شیندروی به سمت دشت سرازیر شد. در مرحله دوم نیز سرعت عمل نیروها قابل توجه بود. به صورتی که قرارگاه فتح تا صبح روز ۲۵ / ۱۲ / ۶۶ موفق شد ارتفاعات دارزین و سرپیل مورد نظر را تصرف کند و به طرف جاده آسفالته حلبچه به دریاچه دربندیخان پیشروی نماید. قرارگاه ثامن الائمه در پیشروی به سمت محور جاده و ارتفاعات

پنج قله، به دلیل عدم حضور نیروهای دشمن در منطقه، مشکلی نداشت.

بدین ترتیب، در صبح روز سوم عملیات با تصرف پل زلم و بسته شدن تنگه، کلیه نیروهای دشمن در محاصره رزمندگان اسلام قرار گرفتند که درصدد عقب نشینی برآمدند، اما به دلیل بسته بودن عقبه شان، ستونهای متعدد دشمن همچنان سرگردان و هر از گاهی به یک سمت فرار می کردند و پس از مواجه شدن با نیروهای خودی مجدداً به سمت دیگری می گریختند.

قرارگاه فتح با مشاهده وضعیت دشمن، مرحله سوم عملیات خود را به رغم روشن بودن هوا در همان سومین روز آغاز کرد و یگانهای تابعه ی قرارگاه در یک خیز پادگان زمقی را تصرف کردند و در حوالی ظهر به دروازه های شهر دو جيله رسیدند. در این موقعیت، تجمع اصلی نیروهای دشمن در حد فاصل ۳ کیلومتری جنوب پل زلم تا شهر دو جيله بود. فرماندهی دشمن ابتدا تلاشش را متوجه پل زلم کرد تا شاید بدین وسیله حلقه محاصره را بشکافد، لیکن با مقاومت نیروهای خودی و اجرای آتش مناسب، متحمل تلفاتی شد و از تصرف پل زلم منصرف شد.

در این اثناء، قرارگاه ثامن الائمه توانست پس از درگیری اندک با گروههای ضد انقلاب در اطراف شهر نوسود، جاده مهم و اساسی نوسود - بیاره را آزاد کند. بدین ترتیب، عمده تردها به این محور منتقل شد و عملاً از ضرورت احداث سایر جاده هایی که از قبل مورد تأکید قرار گرفته بود، کاسته شد.

مرحله ی سوم عملیات

مرحله سوم عملیات از آغاز تاریکی روز ۲۶ / ۱۲ / ۶۶ به منظور پیشروی در شمال رودخانه زلم و نیز الحاق قرارگاه قدس با قرارگاه فتح در دو جيله آغاز شد و با پیشرویهایی که در شمال رودخانه زلم صورت گرفت، نیروهای خودی در موقعیتی جدید که شامل سه تپان، جاده ارتباطی و تپه های کوچک مشرف بر پل

ملاویسی می شد، با احداث خاکریز استقرار یافتند. در محور جنوب پل زلم، به رغم تجمع انبوه دشمن، پیشروی نیروهای خودی همراه با جنگ شدید ادامه یافت و سرانجام ساعت ۵ صبح به دروازه ی شهر دو جيله رسیدند و الحاق دو قرارگاه قدس و فتح صورت گرفت. با بسته شدن تنگه، به رغم اینکه قسمتی از نیروهای دشمن موفق به فرار از طرف سد دربندیخان شدند، لیکن مابقی نیروهای موجود در منطقه کشته یا به اسارت درآمدند.

در وضعیت جدید، تثبیت خط پدافندی مناسب در تنگه و نیز تصرف شاخ سورمر و شاخ شمیران که در طی عملیات به دلیل هوشیاری دشمن ناموفق مانده بود، در دستور کار قرار گرفت.

مرحله ی چهارم و پنجم عملیات

برای تحکیم خط پدافندی در تنگه، مرحله ی چهارم عملیات در هفتمین شب از آغاز عملیات به اجرا درآمد. بدین ترتیب که نیروهای خودی یال و تپه ریشن را تصرف کردند و در محور جاده سه تپان نیز مختصری پیشروی داشتند.

مرحله ی پنجم عملیات هم با تصرف شاخ سورمر و شاخ شمیران انجام گرفت که با موفقیت همراه بود. طی مرحله ی پنجم که بعدها به نام عملیات بیت المقدس ۴ موسوم گردید، منطقه ی وسیعی از خاک دشمن آزاد شد که شامل دو ارتفاع مذکور و تعداد زیادی روستا بود.

نحوه ی تبلیغات و اعلام عملیات

پس از شکل گیری عملیات مشترک سپاه و ارتش از نیمه ی سال ۶۰ تا عملیات بدر در سال ۶۳ که به دنبال هر عملیات اطلاعیه مشترک صادر می شد، پس از سال ۶۳، با اینکه نیروی زمینی سپاه مستقلاً عملیات والفجر ۸ (فتح فاو)، سلسله عملیات گسترده و نیمه گسترده کربلای ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۱۰ و...

را انجام داد، ولی باز هم اطلاعاتی هم مشترک صادر می شد تا آنکه در عملیات والفجر ۱۰ با پیشنهاد سپاه به فرماندهی عالی جنگ، تبلیغات عملیات عملاً با نام سپاه و از سوی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام گرفت.

اقدامات و واکنش دشمن

واکنش ضعیف نیروهای عراقی در برابر تحرکات نیروهای خودی، فرضهای متفاوتی را در خصوص غافلگیری و یا هوشیاری دشمن و میزان آن به ذهن متبادر می کند. مجموعاً می توان چنین نتیجه گرفت که دشمن به رغم مشکلاتی که داشت، در عملیات بیت المقدس ۲ توان زیادی برای متوقف کردن عملیات و در صورت امکان باز پس گیری مناطق تصرف شده، صرف کرد. از میزان بالای سرمایه گذاری ارتش عراق چنین استنباط می شد که دشمن از سمت اصلی تک نیروهای خودی و تبعات گسترده آن - در صورت اتصال خاک ایران به منطقه آزاد شده نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق - واقف بوده و تلاش می کرد از هر گونه تصرف و تثبیت زمین در فصل زمستان و توسعه آن در فصل بهار جلوگیری به عمل آورد.

در حد فاصل بیت المقدس ۲ و والفجر ۱۰ تحرکات نیروهای خودی در منطقه بیت المقدس ۲ مجدداً بر حساسیت دشمن افزود. لذا از تاریخ ۴ و ۵ اسفند ۶۶ به بعد اقدام به دو تلاش اساسی نمود:

۱- تهاجم سنگین به منطقه آزاد شده از سوی اتحادیه میهنی کردستان و اقدام به باز پس گیری آن.

۲- تلاش مهندسی - نظامی روی ارتفاعات آسوس و تهدید جناح شمالی منطقه عملیات بیت المقدس ۲.

در منطقه عمومی دشت زور (۱) (منطقه عملیاتی حلبچه) به غیر از انتقال ۴ الی ۵ تیپ و در برخی از مناطق تعویض نیروهای جاش با نیروهای نظامی،

ص: ۲۰۸

۱- ۴۹۹. نام اصلی منطقه «دشت زهور» به معنای گلهاست که برای این منطقه سرسبز و پرگل اسم با مسمایی است.

تلاش دیگری از دشمن گزارش نشد. نظر به اینکه ستون پنجم افزایش تردد نیروهای خودی را مشاهده می کرد و نیروها با اتوبوس به دزلی منتقل می شدند و نیز با وجود اینکه دشمن در برخی از محورها از احداث جاده با خبر بود و روی عقبه دید داشت، اما واکنش جدی انجام نمی داد. لذا عدم تحرک دشمن مشکوک به نظر می رسید.

به هنگام آغاز عملیات، اولین عکس العمل دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران بود. اسراء دشمن اظهار می داشتند که ما از ۱۰ روز قبل در انتظار بودیم. حرکت بعدی دشمن بعد از آغاز عملیات، وارد کردن ۴ تا ۵ تیپ بود که عمدتاً متوجه شیندروی و بالامبو بودند و حساسیت زیادی نسبت به ارتفاعات سورن نداشتند. به دنبال انسداد تنگه در مرحله سوم عملیات، نیروهای دشمن نخست سعی کردند از محاصره خارج شوند ولی موفق نشدند. پس از آنکه دشمن درک صحیح نسبت به عملیات پیدا کرد، از آنجایی که از نظر زمان عقب بود و یک جبهه را به طور کامل با توپخانه، فرماندهی و... از دست داده بود، نتوانست اقدام جدی برای باز پس گیری انجام دهد. لذا مبادرت به جلوگیری از پیشروی نیروهای خودی به سمت سید صادق نمود.

بعدها وقتی که فرمانده لشکر ۴۳ ارتش عراق به اسارت درآمد، در اظهاراتش ضمن تمجید و ابراز شگفتی از سرعت عمل رزمندگان، غافلگیری کامل عراق را تأیید کرد. وی همچنین گفت که ما از یک ماه پیش به منطقه حساس شده و جاده را می دیدیم ولی جدی نمی گرفتیم، تا آنکه من روز دوم عملیات با فرمانده ی سپاه (یکم عراق) تماس گرفتم و گفتم این عملیات اصلی ایران است، او ابتدا نپذیرفت ولی روز سوم بر این نظر صحنه گذاشت. پس، عملیات والفجر ۱۰ با توجه به اظهارات اسراء عراقی و نیز مجموع اقدامات و عکس العملهای

دشمن در حین و بعد از عملیات، تماما حاکی از غافلگیر شدن دشمن در برابر ابعاد گسترده عملیات بود.

دشمن در برابر اقدامات جمهوری اسلامی از منطقه فاو تا پاوه به دلیل عدم درک صحیح از تدابیر جدید ایران، نتوانست به جمع بندی صحیح برسد. لذا چنین پیش بینی می کرد که عملیات گسترده ی ما در جنوب انجام خواهد گرفت و جنوب در اولویت اول قرار دارد در غرب هم منطقه اصلی عملیات را منطقه بیت المقدس ۲ پیش بینی می کرد و محور حلبچه را به عنوان فریب آن منطقه محسوب می کرد. پیش فرض فوق عنصر اصلی در عقب ماندگی دشمن و عدم درک صحیح آن نسبت به ابعاد و گستردگی عملیات و نیز سمت اصلی تک بود که در نهایت منجر به از دست دادن منطقه وسیعی از دشت زور شد.

تلفات دشمن و غنائم

علاوه بر اسارت بیش از شش هزار نفر از نیروهای دشمن، بیش از ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر و همچنین چند قبضه توپ و کاتیوشا و تعدادی خودروهای مختلف از دشمن منهدم شد. با توجه به غافلگیری دشمن، غنائم به دست آمده در مقایسه با آنچه که از دشمن منهدم شد از شمار بیشتری برخوردار بود. چنانکه ۳۰ الی ۴۰ دستگاه تانک، ۳ دستگاه نفربرام ۱۱۳، ۵۰ الی ۶۰ دستگاه انواع مختلف توپ، ۲ خودرو مخابرات، ۳ دستگاه مرکز تلفن ۱۰ شماره ای، ۲ دستگاه کمپرسی و اقلام دیگری به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

بازتاب عملیات والفجر ۱۰

واکنش رسانه های خبری و کارشناسان و تحلیلگران محافل سیاسی - نظامی نسبت به عملیات والفجر ۱۰ در فضای ناشی از حملات موشکی عراق به تهران انجام گرفت. ابعاد و تبعات موشک باران تهران که برای نخستین بار انجام

ص: ۲۱۰

می گرفت، بیش از عملیات والفجر ۱۰ در کانون توجهات قرار داشت. در ثانی، عملیات والفجر ۱۰ که در غرب کشور انجام شده بود، بدان جهت که فاصله منطقه عملیات والفجر ۱۰ تا کرکوک نسبتاً زیاد بود، در مقایسه با منطقه جنوب از اهمیت کمتری برخوردار بود لذا انعکاس و تأثیر آن در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ کم رنگتر از انعکاس دیگر عملیاتهای بزرگ بود. ثالثاً بمباران شیمیایی حلبچه و ابعاد آن به عنوان یک فاجعه هولناک انسانی، کلیه رخدادهای جنگ و عملیات والفجر ۱۰ را برای مدت کوتاهی تحت تأثیر قرار داد. حال با توجه به این ملاحظات، در ادامه ی بحث ضمن نگاه اجمالی به انعکاس چهارمین مرحله جنگ شهرها، بازتاب «عملیات والفجر ۱۰» و «بمباران شیمیایی شهر حلبچه» مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

انعکاس چهارمین مرحله از جنگ شهرها

با آغاز چهارمین مرحله از جنگ شهرها (۱) برای نخستین بار تهران، از نیمه اسفند ۱۳۶۶ تا پایان فروردین ۱۳۶۷، به طور متوالی مورد اصابت حملات موشکی عراق قرار گرفت. مندرجات سرمقاله روزنامه الثورة ارگان حزب بعث عراق اهداف عراق را از این موشک باران آشکار ساخت.

«شبهای موشک باران باید حکام تهران را وادار کند که رویه خود را تغییر داده و تجاوزات علیه عراق و خلق عرب را متوقف کنند.» (۲) .

ص: ۲۱۱

۱ - ۵۰۰. عراقیها بلافاصله پس از ناکامی در تهاجم غافلگیرانه به ایران در ۳۱ شهریور سال ۵۹، موشک باران شهر مقاوم دزفول را آغاز کردند و در طول جنگ در مواقع مختلف و با بهانه های متفاوت مردم بی دفاع و غیر نظامی را مورد تهاجم قرار می دادند. مرحله بندی جنگ شهرها براساس تهاجم عراق به شهر تهران صورت گرفت که چهارمین مرحله آن در پایان سال ۶۶ آغاز شد. جنگ شهرها و مراحل آن پیش از این در کتاب «نبرد در شرق بصره» از انتشارات «مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ» سال ۱۳۷۴ ص ۱۴۵ مورد بررسی قرار گرفته است. نظر به اهمیت این موضوع و بازتابهای آن، در جلد پنجم از همین سری کتابها، به این مهم توجه خواهد شد. در اینجا به صورت اجمال و تنها برای ترسیم وضعیت جنگ در آستانه ی عملیات والفجر ۱۰، به موضوع مزبور اشاره شده است.

۲- ۵۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، «گزارشهای ویژه»، «نشریه شماره ی ۳۴۸، ۱۲ / ۱۲ / ۶۶، خبرگزاری روبتر، ۱۱ / ۶۶ / ۱۲»

حملات موشکی به تهران صرف نظر از موقعیت زمانی آن و اهداف عراق، از ابعاد دیگری نیز حائز اهمیت بود. پیش از این، توانایی عراق برای حمله ی موشکی به تهران به دلیل فقدان موشکهای با برد لازم، مورد تردید بود و به نظر می رسید که عراقیها تنها در صورت دریافت موشکهای دوربرد از شوروی (پیشین) یا اصلاح برد موشکهای اسکاد با کمک فنی روسها و یا غریبها، (۱) قادر به حمله ی موشکی به تهران خواهند بود. بنابراین، اصابت اولین موشک به تهران به منزله افزایش فشار برای دستیابی به تحولی سیاسی در روند جنگ بود.

برخی از تحلیلگران و دیپلماتهای غربی هدف عراق را در از سرگیری دور جدید جنگ شهرها «تحریک ایران به شروع حمله زمینی» و «تسریع در کار تصویب قطعنامه ای در سازمان ملل برای تحریم تسلیحاتی ایران» ذکر کردند. (۲) روزنامه کریستین ساینس مانیتور پیش بینی کرد:

«این موج از جنگ شهرها آمادگیهای ایران را جهت دست زدن به حمله منتظره علیه سرزمینهای عراق تسریع خواهد کرد. ولی در عین حال این جنگ عاملی را تشکیل خواهد داد تا شورای امنیت به اتخاذ تدابیر فعالتر به منظور برقراری تحریم علیه طرف مخالف با متوقف ساختن جنگ اقدام کند.» (۳)

روزنامه واشنگتن پست نیز «تحریک ایران برای آغاز عملیات» را مهمترین هدف عراق ذکر کرد و به نقل از یک مقام آگاه عراقی نوشت:

«برای اولین بار در تاریخ عراق ما می خواهیم که ایرانیها حمله کنند.» (۴)

نظر به اینکه عملیتهای بزرگ ایران که به صورت سالانه انجام می شد عموماً در ماههای دی، بهمن یا اسفند انجام می گرفت، لذا با نزدیک شدن روزهای

ص: ۲۱۲

۱- ۵۰۲. برابر گزارشهای منتشره در رسانه های خبری و اسناد و مدارکی که در این زمینه به دست آمد، نقش آلمان در تجهیز عراق به سلاحهای شیمیایی و همچنین کمکهای فنی برای افزایش برد موشکهای اسکاد بیشتر از سایر کشورهای اروپایی بوده است.

۲- ۵۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۴۹، ۱۳ / ۱۲ / ۶۶، رادیو بی. بی. سی، ۱۲ / ۱۲ / ۶۶.

۳- ۵۰۴. پیشین، بخش عربی رادیو ابوظبی، ۱۲ / ۱۲ / ۶۶.

۴- ۵۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۵۱، ۱۵ / ۱۲ / ۶۶، واشنگتن پست، ۱۴ / ۱۲ / ۶۶.

پایانی سال ۶۶ و عدم اجرای عملیات از سوی ایران، رادیو لندن با بررسی تحولات جنگ بر این نظر بود که برابر شواهد موجود «ایران نمی تواند به چنین حمله ای دست بزند.» (۱) رادیو امریکا نیز طی گزارشی گفت: «گمان نمی رود که همانند گذشته ایران برای یک حمله بزرگ آماده باشد و ممکن است که اصلا امسال به چنین اقدامی مبادرت نکند... هوای نامساعد به زودی آن را غیر عملی خواهد ساخت.» (۲).

در چنین فضایی آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ اعلام کرد که ایران پاسخ نهایی خود به موشکهای عراقی را با عملیات در جبهه ها، در مرزها و در داخل خاک عراق خواهد داد (۳) و در جنگ شهرها فقط برای بازداشتن عراق از شلیک موشکها به اقدامات تلافی جویانه اکتفا خواهد کرد. (۴) در همین روند، صدام نیز از منطقه ی عملیاتی سپاه اول، واقع در شمال عراق دیدن کرد. بنابر گزارش رادیو عراق، وی در این بازدید علاوه بر گفتگو با فرماندهان عالی رتبه نظامی، از اقدامات آنها برای مقابله با تهاجم ایران بازدید به عمل آورد. (۵).

چنانکه اشاره شد عملیات والفجر ۱۰ در فضای سیاسی - روانی ناشی از تهاجم عراق به شهرها انجام شد. به همین دلیل «تحریک ایران برای تسریع در اجرای عملیات» به عنوان یکی از هدفهای عراق ذکر شد. علاوه بر این، «تضعیف روحیه مردم ایران» (۶) نیز می توانست بخش دیگری از اهداف عراق باشد. زیرا در حمله به شهرها، مخاطبین، مردم غیر نظامی بودند و فشار به طور مستقیم بر روی آنها متمرکز بود و آثار و نتایج آن (به عنوان بخشی از اهداف عراق) در یک نظام مردمی و در جنگی که اتکاء اصلی آن به نیروی داوطلب مردمی بود می توانست به صورت غیر مستقیم بر مسئولین سیاسی - نظامی کشور تأثیر بگذارد. (۷) به همین دلیل، کسب پیروزی نظامی در واقع نوعی

ص: ۲۱۳

۱- ۵۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۴۷، ۱۱ / ۱۲ / ۶۶، رادیو لندن، ۱۰ / ۱۲ / ۶۶.
۲- ۵۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۵۹، ۲۳ / ۱۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۲ / ۱۲ / ۶۶.
۳- ۵۰۸. عملیات والفجر ۱۰، ۴۸ ساعت پس از اظهارات آقای هاشمی در تاریخ ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ انجام شد.
۴- ۵۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۳۵۸، ۲۲ / ۱۲ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۲۱ / ۱۲ / ۶۶.

۵- ۵۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۶۰، ۲۴ / ۱۲ / ۶۶، رادیو عراق، ۲۳ / ۱۲ / ۶۶.
۶- ۵۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۱۸، ۱۸ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری تانینگ، ۱۷ / ۱ / ۶۷.
۷- ۵۱۲. صدام در موقعیتی که عراق همچنان حمله به شهرها را ادامه می داد، طی مصاحبه ای با سر دبیر روزنامه مصری الاهرام در مورد شرایط خاتمه جنگ گفت: «هرگاه ایران درک کند که خسارات ناشی از جنگ برایش هولناک است دست صلح را دراز خواهد کرد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» شماره ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۶۶، کویت ۲۸ / ۱۲ / ۶۶).

پاسخ گویی به تهاجمات دشمن به شهرها و از نظر روحی نیز غلبه بر اوضاع روانی ناشی از فشارهای مستقیم دشمن بر مردم محسوب می شد. (۱).

صرف نظر از آنچه که در مورد اهداف عراق در رسانه های خبری ذکر شد و با توجه به رخدادها و تحولات جنگ (به طور خاص حمله عراق به فاو) به نظر می رسد که عراقیها سلسله تهاجماتی را طرح ریزی کرده و در انتظار فرصت مناسب بودند. مسلماً در اولویت نخست، عراق می بایست علاوه بر آمادگی برای پاسخ گویی در برابر عملیات نظامی گسترده ایران، در مورد منطقه عملیات به اطمینان می رسید؛ با اجرای عملیات والفجر ۱۰ در منطقه ی غرب کشور، عراقیها به این نتیجه رسیدند که در منطقه ی جنوب عملیات گسترده ای نخواهد شد و با این اطمینان برای تهاجم به فاو آماده شدند.

واکنش رسانه های خبری

تا قبل از بمباران شیمیایی شهر حلبچه، عملیات والفجر ۱۰ در رسانه های خارجی بازتاب قابل توجهی نداشت. دلیل عمده ی این مسأله، همانطور که گفته شد، احتمالاً متأثر از این بود که مناطق شمال عراق در مقایسه با مناطق جنوبی از ارزش و اهمیت کمتری برخوردار بود و به همین میزان کوشش می شد این اقدام نظامی ایران، در روند تحولات سیاسی و نظامی جنگ کم تأثیر تلقی گردد. رادیو لندن به نقل از تحلیل گران نظامی گفت:

ص: ۲۱۴

۱- ۵۱۳. پس از عملیات والفجر ۱۰ رادیو اسرائیل با توجه به موقعیت جنگ، به نقل از آگاهان سیاسی گفت: «ایران به این پیروزیهای زمینی نیاز مبرمی داشت تا بتواند تأثیرات تلخ و جانگداز حملات موشکی عراق علیه پایتخت و دیگر شهرها را تا حدودی خنثی کند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۳۶۶، ۳۰ / ۱۲ / ۶۶، رادیو اسرائیل ۲۹ / ۱۲ / ۶۶).

«تحلیل گران نظامی پیشرویهای اخیر ایران را در این منطقه برای عراق حداقل فعلا شکست مهمی تلقی نمی کنند.» (۱).

در عین حال روزنامه ی فاینشال تایمز چاپ انگلیس بر این باور بود که وجود تأسیسات نفتی کرکوک و خطوط لوله ی نفتی عراق به ترکیه و احتمالاً- گسترش اغتشاشات و ناآرامی در این منطقه مثل خنجر زدن به شاهرگ دفاعی عراق است. (۲) توجه به شهر حلبچه (۳) و وسعت آن نیز در برخی از گزارشهای خبری مورد توجه قرار گرفت. هژیر تیموریان در گزارش خود، شهر حلبچه را بزرگترین شهری دانست که تاکنون از آغاز جنگ به تصرف درآمده است. وی جمعیت این شهر را ۷۰ هزار نفر ذکر کرد. گزارشگر اضافه می کند که تصرف شهر به ایرانیها امید بیشتری می دهد تا به جنگ ادامه دهند. (۴).

عراقیها مانند همیشه در ابتدا اجرای عملیات و میزان موفقیت آن را انکار کردند، اما سرانجام دو هفته پس از عملیات، رادیو بغداد مدعی شد ارتش عراق هر زمان که بخواهد قادر به آزادسازی حلبچه است. (۵) در میان گزارشها و تحلیلهای ارائه شده در مورد عملیات والفجر ۱۰، شاید آنچه که در روزنامه واشنگتن پست منتشر شد، بیشتر از سایر بازتابها اهمیت داشت. در این گزارش تصریح شده است که گرچه حملات نظامی اخیر ایران به شمال عراق هیچ هدف استراتژیک قابل توجهی را در دسترس نیروهای انقلابی قرار نداد، ولی ایرادهای احتمالی استراتژی دفاعی بغداد را آشکار ساخت. این روزنامه می نویسد:

«سقوط فوری خطوط دفاعی عراق در بخش عظیمی از دره دربندیخان که در شمال آن شمال آن کشور قرار دارد، نشان دهنده ضعف نظامی استراتژی بغداد

ص: ۲۱۵

۱- ۵۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۶۶، رادیو لندن، ۲۸ / ۱۲ / ۶۶.

۲- ۵۱۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۴، ۴ / ۱ / ۶۷، رادیو لندن، ۳ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۱۶. عملیات والفجر ۱۰ در طول ۸۵ کیلومتر نوار مرزی حد فاصل شیخ صالح تا میوان و در برخی نقاط در عمق ۵۰ کیلومتری خاک دشمن انجام گرفت و بیشتر از هزار کیلومتر مربع از سرزمینهای دشمن شامل شهرهای حلبچه، خرمال، دو جیله، طویله، بیاره و بیش از یکصد روستای منطقه آزاد شد.

۴- ۵۱۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۵، ۵ / ۱ / ۶۷، رادیو بغداد، ۴ / ۱ / ۶۷.

۵- ۵۱۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۶۶، رادیو لندن، ۲۸ / ۱۲ / ۶۶.

برای دوام آوردن در جنگی دیرپا و فرسایشی است.» (۱).

در ادامه همین تحلیل آمده است که عراق ضمن اینکه برای دفاع از مناطق نفت خیز دارای برنامه منطقی است، ولی برای دفاع از مناطق مرزی کوهستانی شمال که اکثر سکنه آن را اقلیت کرد تشکیل می دهند چندان تعهدی ندارد. براساس این استراتژی، عراق چند واحد نظامی را در شمال مستقر کرده، ولی در همان موقعیت، نیروهای آموزش دیده و گارد جمهوری را در جبهه های جنوب و مرکز استقرار داده است. (۲).

نویسنده مقاله واشنگتن پست در مقاله ی خود بر پایه ی این تحلیل و براساس استراتژی عراق، در ادامه می نویسد:

«اکراه و بی میلی عراق در هفته های اخیر در مورد دست زدن به یک ضد حمله و یا تقویت دو واحدی که در کرانه دریایچه دربندیخان در وام نیروهای ایرانی گرفتار شده اند، ظاهراً با استراتژی جدید بغداد تطابق دارد و بدین ترتیب دولت بغداد ترجیح داده است که کنترل سرزمینهای خود را در مرکز و جنوب در دست داشته باشد و به جای آن که پیاده نظام خود را دستخوش تلفات سنگین سازد، زمین را در شمال به ایران واگذارد.» (۳).

عراق در حلبچه نتوانست واکنش نظامی چشمگیری در برابر ایران انجام دهد. همین مسئله در دستیابی ایران به پیروزی سریع و آسان بی تأثیر نبود. اما بمباران شیمیایی شهر حلبچه مهمترین اقدامی بود که عراق انجام داد و واکنش جهانی زیادی را بر علیه خود برانگیخت.

عراق در برابر استراتژی جدید ایران در منطقه شمالی این کشور که اساساً با مساعدتهای اکراد معارض دنبال می شد، دو راه فراسوی خود داشت:

۱- حضور گسترده در منطقه برای مقابله با تهاجمات نسبتاً وسیع و متوالی ایران، با ایجاد یک سپاه جدید در سازمان رزم عراق. (۴) این امر عملاً موجب تداوم موضع انفعالی عراق می شد و سرانجام با تجزیه قوای عراق، فرصت

ص: ۲۱۶

۱- ۵۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۷، ۶۷ / ۱ / ۷، رادیو امریکا، ۶۷ / ۱ / ۶.

۲- ۵۲۰. پیشین.

۳- ۵۲۱. پیشین.

۴- ۵۲۲. سند شماره ۳۱۳۳۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق توسط سردار محسن رضایی در دوره ی عالی جنگ سپاه»، سال ۱۳۷۴.

مناسبی را در اختیار ایران قرار می داد که از منطقه جنوب تهاجمات نظامی خود را پیگیری نماید.

۲- تلاش برای آزادسازی مناطق تحت تصرف ایران در جنوب در موقعیتی که ایران نیروهای خود را در شمال متمرکز ساخته بود.

عراق راه حل دوم را برگزید و با بمباران شیمیایی حلبچه تلاش کرد تا ناتوانی خود را در مقابله با تصرف حلبچه جبران کند. به نظر می رسد که عراق تصور می کرد که به دلیل فشار بین المللی به ایران از یک سو و از سوی دیگر عدم واکنش جهانی نسبت به بمباران شهرهای ایران، بمباران شیمیایی حلبچه نیز بازتاب جهانی قابل توجهی نخواهد داشت. به عبارت دیگر، ارزیابی عراق از میزان واکنش جهانی در برابر حملات شیمیایی به حلبچه، نقش مهمی در تصمیم گیری عراق برای بمباران حلبچه داشت.

بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه در رسانه های خارجی

قتل عام ۵ هزار نفر از مردم کرد حلبچه توسط رژیم عراق با استفاده از گاز سیانور، پدیده جدید و مهمی بود که ابتدا در رسانه های خارجی بازتابی نداشت. چنانکه در رسانه های گروهی یوگسلاوی از آن تنها چند جمله خبری کوتاه منتشر شد. (۱) با پیدایش وضعیت جدید، جمهوری اسلامی ایران بلافاصله برای مداوای قربانیان حملات شیمیایی خواستار یک کمک بین المللی شد. (۲) سفیر وقت ایران در سازمان ملل در یک کنفرانس مطبوعاتی در آن سازمان، درخواست سازمان هلال احمر ایران را تکرار کرد. وی در این مصاحبه اظهار داشت که حملات هوایی عراق با استفاده از بمبهای خوشه ای با محتوای گاز خردل و گاز سیانور صورت گرفته و اکثر قربانیان زنان، کودکان و افراد مسن می باشند. وی همچنین در این مصاحبه اعلام کرد که ایران آماده پذیرفتن هدایا از هر کشوری برای مجروحان می باشد، زیرا در ایران ظرفیت لازم

ص: ۲۱۷

۱- ۵۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲، ۲ / ۱ / ۶۷.

۲- ۵۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، شماره ۳، ۳ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۲ / ۱ / ۶۷.

برای مداوی آنان وجود ندارد. (۱).

نگرانی ایران از سکوت مجامع بین‌المللی و در نتیجه تداوم جنایات عراق و گسترش آن در داخل خاک ایران سبب گردید تا رئیس وقت ستاد تبلیغات جنگ هشدار دهد در صورتی که شورای امنیت سازمان ملل درباره استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی حرفی نزنند، ممکن است ایران برای تلافی، از این سلاحها استفاده کند. (۲) پخش تصاویر جنایات هولناک در حلبچه، تدریجا واکنشهایی را برانگیخت و حامیان جهانی عراق به ویژه شوروی و امریکا نتوانستند بر آن سر پوش گذارند. سخنگوی کاخ سفید به ناچار اعلام کرد که از طریق دیپلماتهای امریکایی در بغداد، نظریات امریکا در این زمینه به اطلاع دولت عراق رسانده شده است. (۳) وی همچنین گفت:

«تصاویری که از قربانیان کرد به چاپ رسید ثابت می کند که چرا تلاش می شود استفاده از سلاحهای شیمیایی منع شود.» (۴)

روزنامه ایندپندنت با درج گزارشی از تولید سلاحهای شیمیایی در خاورمیانه توسط عراق، در مورد نقش کشورهای کمک کننده به عراق نوشت:

«به رغم منع فروش مواد شیمیایی برای مقاصد نظامی، شرکتهای بریتانیا، آلمان غربی، هند، اتریش، بلژیک و ایتالیا از قرار معلوم به طرحهای ساخت سلاحهای شیمیایی عراق کمک می کردند.» (۵).

اعزام خبرنگاران خارجی به ایران و بازدید از منطقه، تدریجا ابعاد این جنایت هولناک را افشا کرد. دیوید هرست خبرنگار روزنامه گاردین از لندن گزارشی از این جنایات را همراه با عکس در صفحه ی اول این روزنامه به چاپ رساند. در گزارش فرستاده روزنامه گاردین آمده است:

«هیچ جراحتهی، خونی و اثری از انفجار روی اجساد دیده نمی شود. اجساد دهها مرد، زن، کودک، دام و حیوانات دست آموز منازل و خیابانهای خاکی این بخش دور افتاده و مورد بی مهری قرار گرفته در کردستان عراق

ص: ۲۱۸

۱- ۵۲۵. پیشین.

۲- ۵۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۴، ۴ / ۱ / ۶۷، رادیو لندن، ۳ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۲۷. پیشین، رادیو امریکا، ۳ / ۱ / ۶۷.

۴- ۵۲۸. پیشین.

۵- ۵۲۹. پیشین، رادیو لندن، ۳ / ۱ / ۶۷.

تحت اشغال ایران را پوشانده اند. پوست این اجساد به طرز عجیبی تغییر رنگ داده چشمهایشان باز و خیره، چرک خاکستری رنگی از دهانهایشان بیرون زده و انگشتانشان هنوز به طرز عجیبی کج و کوله است... این طرف مادری بیچه اش را برای آخرین بار در آغوش فشرد و آن طرف پیرمردی خود را سپر نوزادی از آنچه نمی دانستند چیست، کرده است» (۱).

همچنین روزنامه نیویورک تایمز چاپ امریکا طی گزارشی نوشت:

«وسیله مرگ همه آنها تنها با یک هواپیمای جنگی که تقریباً با اطمینان می توان گفت عراقی بوده است به این شهر گردنشین عراق رسید. هواپیمایی که بمبهای آن ابری به رنگ زرد روشن در سراسر حلبچه ایجاد کرد، این عمل از هر حیث و به هر مفهوم یک جنایت جنگی است» (۲).

تایمز مالی چاپ لندن نیز حملات شیمیایی عراق را وحشت آور خواند و از دبیر کل سازمان ملل خواست که گروهی از کارشناسان را برای بررسی این فاجعه به منطقه اعزام کند (۳).

در ادامه تلاشهای ایران برای توجه افکار عمومی جهان به جنایات عراق در حلبچه، سفیر وقت ایران در سازمان ملل با دبیر کل و رئیس شورای امنیت دیدار کرد و از آنها خواست هیأتی را به منطقه اعزام نمایند (۴). رئیس وقت مجلس شورای اسلامی نیز طی مصاحبه ای از سازمان ملل درخواست کرد که هر چه زودتر کارشناسانی را به ایران اعزام نماید (۵). ذیل همین مصاحبه روزنامه ایتالیایی ایل جورنو نوشت:

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران راه حل دیپلماتیک را نسبت به راه حلهای نظامی ترجیح می دهد، اما این امر در صورت تنبیه متجاوز تحقق خواهد یافت (۶).

فشار ایران به سازمان ملل برای اعزام کارشناس به منطقه همچنان ادامه یافت. به گونه ای که حتی نماینده ی وقت ایران در سازمان ملل اعلام کرد:

ص: ۲۱۹

۱- ۵۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۵، ۵ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، لندن، ۴ / ۱ / ۶۷.

۲- ۵۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۶، ۶ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۳۲. پیشین.

۴- ۵۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۴، ۴ / ۱ / ۶۷، رادیو امریکا، ۳ / ۱ / ۶۷.

۵- ۵۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۵، ۵ / ۱ / ۶۷، رادیو لندن، ۴ / ۱ / ۶۷.

۶- ۵۳۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۶، ۶ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری ایران در رم، ۵ / ۱ / ۶۷.

در صورتی که سازمان ملل در مورد استفاده اخیر عراق از سلاحهای شیمیایی تحقیق به عمل نیاورد، ایران به دور جدید مذاکرات صلح (۱) که مجدداً قرار است آغاز شود، نخواهد پیوست. (۲).

سخنگوی سازمان ملل در موقعیت جدید مجبور به مصاحبه و اظهار مشکلات و موانع موجود برای اعزام کارشناس به منطقه شد. فرانسوا گیلیایی در این مصاحبه گفت که برای دبیر کل دشوار است که هیأتی را به درخواست یک دولت، به خاک کشور دیگر بفرستد! سرانجام یک روز پس از مصاحبه مطبوعاتی سخنگوی سازمان ملل، منابع رسمی در این سازمان اعلام کردند که هیأتی از کارشناسان به تهران اعزام خواهند شد تا درباره حملات شیمیایی اخیر عراق تحقیق کنند. (۳).

عراق که پیش از این در برابر بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه سکوت اختیار کرده بود، پس از انعکاس وسیع این جنایت در رسانه های کشورهای غربی و احتمال اعزام کارشناسان سازمان ملل به منطقه، شدیداً واکنش نشان داد و در جلسه شورای فرماندهی انقلاب عراق به رهبری صدام، شورا و رهبری عراق اظهارات دایر بر استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را نکوهش کردند و طبق گزارش خبرگزاری عراق، در این جلسه تأکید کردند:

«عراق هر آنچه اسلحه دارد در جهت دفاع از خود و در راه تحقق بخشیدن به صلح عادلانه به کار می برد!» (۴).

پس از تشکیل جلسه یاد شده، مقامات عراقی با انتشار یک بیانیه رسمی خاطر نشان ساختند که عراق نمی تواند ساکت بماند و با هر وسیله ای که در اختیار دارد از خود دفاع می کند. (۵) روزنامه البعث ارگان رسمی رژیم عراق

ص: ۲۲۰

۱- ۵۳۶. دبیر کل سازمان ملل پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ تلاشهایی را برای مذاکره با نمایندگان ایران و عراق انجام می داد. در همین روند قرار بود در دهه ی اول فروردین با نمایندگان ایران و عراق به صورت جداگانه ملاقات نماید.

۲- ۵۳۷. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۵ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۳۸. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۵ / ۱ / ۶۷.

۴- ۵۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۷، ۷ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری عراق، ۶ / ۱ / ۶۷.

۵- ۵۴۰. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۶ / ۱ / ۶۷.

«محافل بین المللی تلاش می کنند موقعیت و اعتبار عراق را در صحنه جهانی خدشه دار نمایند.» (۱).

سایر روزنامه های عراق مانند الثوره و الجمهوریه نیز ضمن تأیید تصمیمات جلسه فرماندهی، با نکوهش کشورهای که عراق را به خاطر کاربرد سلاح شیمیایی محکوم کرده بودند، مجدداً تأکید کردند که عراق از هر گونه سلاحی که در اختیار دارد، استفاده خواهد کرد. (۲) در ادامه همین روند، رئیس دفتر خبرگزاری عراق در قاهره، نوری نایف، گفت:

«یک سخنگوی صلاحیت دار عراقی به وی گفته است که ممکن است عراق به عنوان یک اقدام بازدارنده و کیفری تعدادی از شهرهای بزرگ ایران را هدف حملات شیمیایی قرار دهد!» (۳).

طارق عزیز وزیر امور خارجه وقت عراق نیز طی نامه ای به دبیر کل، وی را به جهت اعزام هیأت کارشناسی به منطقه برای بررسی کاربرد سلاح شیمیایی از سوی عراق، به جانبداری از ایران متهم کرد. (۴) روزنامه القادسیه، ارگان وزارت دفاع عراق نیز شدیداً به دکوئیار دبیر کل سازمان ملل حمله کرد. (۵) لطیف جاسم، وزیر اطلاعات و فرهنگ عراق، در ادامه ی حملات مقامات رسمی و مطبوعات عراق به دکوئیار گفت که دبیر کل سازمان ملل در انجام وظایف خود ناتوان است و دیگر قابل اطمینان نیست. (۶).

سرانجام دکوئیار در پاسخ به وزیر امور خارجه عراق و سایر مسئولین آن کشور طی اطلاعیه ای با اظهار تأسف نسبت به این مواضع، با لحنی خشک پاسخ داد که وقت آن نیست که در خصوص جنگ ایران و عراق یک بحث علنی و عمومی انجام گیرد. (۷) همچنین دبیر کل سازمان ملل در ملاقات با نماینده وقت ایران در سازمان ملل، پس از مشاهده تصاویر گویا و تکان دهنده این جنایت هولناک ضمن ابراز تأسف از کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ،

ص: ۲۲۱

۱- ۵۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۸، ۸ / ۱ / ۶۷، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷ / ۱ / ۷.

۲- ۵۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹، ۹ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری عراق، ۶۷ / ۱ / ۸.

۳- ۵۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۱۰، ۱۰ / ۱ / ۶۷، آسوشیتدپرس، ۶۷ / ۱ / ۹.

۴- ۵۴۴. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۶۷ / ۱ / ۹.

۵- ۵۴۵. پیشین، خبرگزاری عراق، ۶۷ / ۱ / ۹.

۶- ۵۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۶۷ / ۱ / ۱۰.

۷- ۵۴۷. پیشین.

اعلام کرد که برای بستری و مداوا کردن مصدومین اعزامی به امریکا و مراکز پزشکی و تحقیقاتی نیویورک، حاضر به هر گونه همکاری می باشد. (۱).

سرانجام دو تن از کارشناسان سازمان ملل در تاریخ ۹ / ۱ / ۶۷ به منطقه اعزام و پس از دیدار سه روزه و گفتگو با چند صد نفر از زخمیهای حادثه در بیمارستانهای تهران و بازدید از شهرهای نوسود و مریوان، ایران را ترک کردند. اظهار نگرانی چین از به کار گرفته شدن سلاحهای شیمیایی (۲) و اظهارات تاجر نخست وزیر وقت انگلیس مبنی بر تناقض آنچه رخ داده با کنوانسیون سال ۱۹۲۵ ژنو، نشان دهنده ی وسعت دامنه ی واکنش جهانی بود که در سطوح مختلف انجام گرفت. روزنامه لوس آنجلس تایمز با بررسی ابعاد این فاجعه هولناک نوشت:

«تا زمانی که تنها ایرانیان قربانی حملات شیمیایی عراق بودند چه در سازمان ملل متحد و چه در پایتختهای کشورهای بزرگ جهان عزم و اراده سیاسی کافی برای محکوم کردن این گونه عملیات وجود نداشت... اما این بار شهروندان کرد عراقی، بومیهای غیر عرب آن کشورند که قربانی گازهای سمی عراق شده اند از این رو واکنش رسانه های جمعی غرب به ویژه اروپا شدیدتر بوده است.» (۳).

روزنامه کریستین ساینس مانیتور نیز با اشاره به نتایج اقدامات اخیر عراق نوشت:

«اتهام استفاده از سلاحهای شیمیایی و روشهای تهاجمی که عراق اخیرا در جنگ با ایران پیش گرفته است حمایت گسترده جوامع بین المللی را از عراق خدشه دار ساخته و شانس تحریم تسلیحاتی علیه ایران را توسط سازمان ملل متحد کاهش داده است.» (۴).

برخی از کارشناسان بر این نظر بودند که عراق به دلیل اهدافی که دنبال می کرد هزینه سیاسی بمباران شیمیایی حلبچه را پذیرفته بود. در واقع، صدام

ص: ۲۲۲

۱- ۵۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲، ۱۲ / ۱ / ۶۷، نیویورک، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷ / ۱ / ۱۱.

۲- ۵۴۹. مأخذ شماره ۵۸، توکیو، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶۷ / ۱ / ۱۰.

۳- ۵۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵، ۱۵ / ۱ / ۶۷، رادیو امریکا، ۶۷ / ۱ / ۱۴.

۴- ۵۵۱. مأخذ شماره ۵۵، رادیو امریکا، ۶۷ / ۱ / ۹.

پیام دو گانه ای را به ایران و کردهای معارض گوشزد کرد. یکی از کارشناسان رادیو اسرائیل در مورد پیام به ایران می گوید:

«پیام عراق به ایرانیها دادن علائمی مبنی بر این امر است که در صورتی که به سد بسیار استراتژیک آن کشور در سواحل شمالی رودخانه دیاله نزدیکتر شوند عراقیها احتمالاً علیه شهرهای ایران از موشکهایی که مجهز به کلاهکهای شیمیایی می باشند استفاده خواهند کرد... دومین پیام صدام به اقلیتهای کرد عراق می باشد که اگر کسی بخواهد از جامعه اصلی عراق جدا گردد با چنین عقوبتی مواجه خواهد گردید.» (۱).

به مدت یک ماه کم و بیش بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه در رسانه های خارجی مشاهده می شد. لیکن با اتمام حملات عراق به شهرهای ایران و همچنین ربودن هواپیمای کویتی و فرود اجباری آن در فرودگاه مشهد و نیز اعزام نمایندگان ایران و عراق به سازمان ملل و مذاکره با دکوئیر تدریجاً از جنایات عراق در حلبچه تنها یک خاطره تلخ بر جای ماند و همه چیز به فراموشی سپرده شد.

نتیجه گیری

وضعیت حاکم بر جنگ در سال ۶۶ به رغم تمهیدات امریکا و سازمان ملل برای پایان بخشیدن به آن، ناظر بر این معنا بود که نظام بین الملل نه تنها در جستجوی راه حل عادلانه جنگ نیست، بلکه از ابزار لازم برای «تحمیل اراده سیاسی» خود نیز برخوردار نمی باشد. به عبارت دیگر، وضعیت سیاسی - نظامی جنگ و موقعیت برتر ایران ایجاب می کرد که نظام بین المللی خواسته های ایران را تأمین نماید، اما ابرقدرتها نتایج حاصل از به رسمیت شناختن حقوق ایران را به زیان منافع قدرتهای حاکم بر سازمان ملل ارزیابی می کردند. از سوی دیگر، ابرقدرتها به تنهایی فاقد توانایی لازم برای تحمیل خواسته های خود به

ص: ۲۲۳

۱- ۵۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷، ۱۷ / ۱ / ۶۷، بخش انگلیسی رادیو رژیم اشغالگر قدس، ۶۷ / ۱ / ۱۳.

ایران بودند. زیرا توانایی نظامی ایران در برابر رژیم عراق، این کشور را از موقعیت مناسبی برای پیگیری اهداف و خواسته هایش برخوردار کرده بود.

جمهوری اسلامی در موقعیت جدید در برابر وضعیت دو گانه و دشواری قرار داشت، از یک سو به دلیل برخورداری از موقعیت برتر نظامی و دیدگاههای اعتقادی و اسلامی، مایل به عقب نشینی از مواضع اصولی و بر حق خود نبود و از سوی دیگر برای پیگیری خواسته هایش اوضاع بسیار دشوار بین المللی و فشارهای سیاسی - اقتصادی رو به افزایش را فراروی خود داشت که فائق آمدن بر آنها یک «پیروزی نظامی تعیین کننده» را می طلبید که تحقق آن به سهولت امکان پذیر نبود و لزوما می بایست زیرساختها و مقدمات آن از سالها قبل فراهم می شد. پیدایش این وضعیت دشوار و پیچیده، موقعیت ایران را کاملا آسیب پذیر کرده بود. به همین دلیل هر گونه غفلت و تسامح می توانست موقعیت برتر ایران را که حاصل پنج سال تهاجم مستمر همراه با کسب پیروزی نظامی بود، دچار تغییر و تحول کند.

بنابراین گر چه جنگ در سال ۶۶ به رغم تمامی تحولات سیاسی - نظامی مانند تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ در شورای امنیت، اسکورت نفتکشهای کویت از سوی امریکا، درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس، سلسله اقدامات نظامی ایران در منطقه غرب کشور، افزایش فوق العاده توان نظامی عراق، برخورداری روسها از موقعیت سیاسی قابل توجه در منطقه و بسیاری از مسائل دیگر به سرانجام مشخصی منتهی نشد، لیکن نطفه تحولات سیاسی - نظامی سال ۶۷ (۱) و خاتمه یافتن جنگ منعقد گردید.

با فرارسیدن سال ۶۷ و در موقعیتی که تهاجم موشکی عراق به شهر تهران همچنان ادامه داشت و قوای نظامی ایران در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰، واقع

ص: ۲۲۴

در منطقه شمالی جبهه های جنگ، درگیر تثبیت و تحکیم منطقه و مقابله با آثار و نتایج ناشی از حملات شیمیایی عراق به شهر حلبچه بودند، نیروهای نظامی عراق در تاریخ بیست و هشتم فروردین، همزمان با حمله امریکا به دو سکوی نفتی ایران در خلیج فارس، تهاجم خود را به شهر فاو، با هدف باز پس گیری آن آغاز کردند.

غافلگیری ایران (۱) در فاو و به کارگیری سلاحهای شیمیایی از سوی عراق به صورت گسترده و پر حجم برای هجوم به این منطقه، فرصت و شرایط را برای پیشروی عراقیها فراهم کرد و منطقه ی عملیاتی فاو مجددا در اختیار عراق قرار گرفت. سهولت پیروزی عراق در فاو، حاصل تجربه عراقیها در حد فاصل فتح خرمشهر تا عملیات والفجر ۱۰ بود. بدین معنا که عراقیها در تجزیه و تحلیل عملیتهای رزمندگان اسلام به این نتیجه رسیده بودند که اگر قوای نظامی ایران منطقه ای را تصرف کردند، به دلیل تمرکز فرماندهی نیرو و امکانات، باز پس گیری منطقه امری دشوار و با هزینه و خسارات زیاد و احتمال عدم موفقیت همراه است. لذا به این نتیجه رسیدند که به جای ضد حمله به قوای متمرکز ایران، در یک منطقه دیگر به عملیات تهاجمی اقدام کنند. (۲) بر پایه این تجربه، عراقیها مترصد موقعیت مناسب بودند. لذا پس از آنکه با بررسی شواهد و قرائن به این نتیجه رسیدند که عملیات بزرگ و گسترده ایران که به صورت سالانه انجام می گرفت در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ انجام شده است، تهاجم

ص: ۲۲۵

۱- ۵۵۴. روزنامه نیویورک تایمز در تاریخ ۲۹ / ۲ / ۶۶ در مورد غافلگیری ایران در فاو می نویسد: «فرماندهی ایران در فاو فکر نمی کرد که عراقیها قادر خواهند بود به مواضع نیروهای ایرانی که به خوبی از آن دفاع می شد، حمله کنند. چنین اندیشه ای احتمالا به پیدا شدن یک احساس کاذب منجر شد و عراقیها با استفاده از آن و برتری خود، بامداد روز یکشنبه (۲۸ / ۱ / ۶۵) ایرانیها را غافلگیر کردند.» همچنین نشریه ایندیندنت طی گزارشی نوشت: «عراق اطلاعاتی داشته مبنی بر اینکه ایران مقداری از نیروهای خود را از اطراف بصره به جبهه های شمالی که در آنجا موفقیتهای قابل توجهی داشته، منتقل کرده، بنابراین عراق از این موقعیت استفاده کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۴ / ۲ / ۶۷، رادیو لندن ۳ / ۶۷).

۲- ۵۵۵. مأخذ شماره ۳۵.

امریکاییها که از مدتها قبل با حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس و پیگیری تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ و تحریم نظامی ایران، در اندیشه پایان دادن به جنگ ایران و عراق بودند، از تحول نظامی اخیر استقبال کرده و چنین پیش بینی می کردند که تضعیف موقعیت نظامی ایران زمینه را برای پایان دادن به جنگ فراهم خواهد کرد. (۱) به همین دلیل و با توجه به همزمانی تهاجم امریکا به دو سکوی نفتی ایران با حمله عراق به فاو و همچنین نیاز امریکا به جبران ماجرای مک فارلین، به نظر می رسید که امریکاییها در اقدام نظامی عراق مشارکت داشته اند. (۲).

متعاقب باز پس گیری فاو موقعیت عراق بهبود یافت و در برابر ایران از موضع برتری برخوردار شد. (۳) پیدایش این وضعیت روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ را دستخوش تغییر کرد. با توجه به افزایش توان نظامی این کشور در سال ۶۶ و نقش مستشاری روسها، روند هجومهای نظامی عراق رو به افزایش نهاد به گونه ای که کمتر از سه ماه کلیه مناطقی را که ایران متصرف شده بود، مجددا در اختیار گرفت.

روند تحولات سیاسی نیز به موازات تحولات نظامی شتاب گرفت. ایران که

ص: ۲۲۶

۱- ۵۵۶. ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه ی وقت امریکا بلافاصله پس از اینکه عراق فاو را پس گرفت، اعلام کرد که اکنون موازنه ی نظامی برقرار شده است. وی در تاریخ ۲۱ / ۲ / ۶۷ با امیدواری به برقراری صلح اعلام کرد: «پیروزی ماه گذشته عراق در شبه جزیره ی فاو ممکن است امکان جدیدی را برای پیشرفت از کانال دیپلماتیک فراهم سازد.» (لوس آنجلس تایمز، نشریه هفتگی ایران تایمز، ۲۹ / ۲ / ۶۷).

۲- ۵۵۷. روزنامه نیویورک تایمز در مورد حمایت امریکا از عراق می نویسد: «امریکا درست در موقع و زمانی که ایران می رفت دست بالا را در جنگ داشته باشد به کمک عراق شتافت و در نتیجه موازنه ی قوای طرفین دوباره برقرار گردید.»

۳- ۵۵۸. خبرگزاری فرانسه: «عواقب از دست رفتن فاو دور از اهمیت نیست. به طوری که از فشارهای ایران می کاهد و به نیروهای بغداد امکان می دهد که از یک موضع استراتژیک برخوردار گردند.» (معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، شماره ۳، اردیبهشت ۶۷، ص ۲۰).

پیش از این بر پایه توانمندی نظامی بر سر پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ مشغول به چانه زنی سیاسی بود، در موقعیت جدید، به ویژه پس از حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس (۱) و احتمال گسترش دامنه تهدیدات علیه ایران، سرانجام در تاریخ ۲۷ تیرماه سال ۶۷ قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. صدای جمهوری اسلامی در ساعت ۱۴ آن روز اعلام کرد، جمهوری اسلامی ایران طی پیامی خطاب به خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل، قطعنامه ی ۵۹۸ را رسماً پذیرفت. امام خمینی نیز در پیام خود که در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۶۷ منتشر شد، پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ را مورد تأکید قرار دادند. (۲) یکی از کارشناسان مسائل ایران در مورد علت پذیرش قطعنامه از سوی ایران گفت:

«پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ توسط ایران، صرفاً به دلیل شکست این کشور در جبهه های جنگ و یا عدم استقامت در برابر امریکا نبود، بلکه نگرانیهایی که حیات انقلاب را تهدید می کرد، عامل اصلی پذیرش قطعنامه بود. رهبران ایران حداقل به ادعای خود تجاوز امریکا به خلیج فارس را مقدمه جنگ تمام عیاری می دانستند که پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ تنها راه مقابله با آن بود.» (۳)

اقدام ایران در پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ در وضعیت جدید سیاسی - نظامی و بر پایه پیش بینی احتمال افزایش فشار به ایران، یکباره روند تحولات را به سود ایران تغییر داد. عراق که در موقعیت جدید مایل به پایان جنگ نبود، به حملات خود ادامه داد و منافقین نیز تحت حمایت عراق عملیات نظامی خود را از یکی از محورهای غرب کشور، با ورود به داخل خاک ایران آغاز کردند.

ص: ۲۲۷

۱- ۵۵۹. در تاریخ ۱۲ / ۴ / ۶۷ با اصابت موشکی که از ناو امریکایی در خلیج فارس شلیک شد، هواپیمای مسافربری ایران با ۲۹۰ مسافر سقوط کرد، پس از آن ورنون والترز سفیر امریکا در سازمان ملل در تاریخ ۱۷ / ۴ / ۶۷ گفت: «انهدام هواپیمای ایرباس ایرانی می تواند انگیزه ای تازه برای پایان دادن به جنگ در خلیج فارس باشد.» (دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، فصلنامه «بررسیهای نظامی»، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۷۲، ص ۱۱۰).

۲- ۵۶۰. پیام استقامت تیرماه ۱۳۶۷، پیام امام به مناسبت پذیرش قطعنامه ۵۹۸.

۳- ۵۶۱. روح الله کارگر رضوانی، نه شرقی - نه غربی، اصل بنیادین جمهوری اسلامی، دانشگاه یل، نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن شماره ۱۱.

بر پایه درک جدید جمهوری اسلامی نسبت به ماهیت تهاجمات عراق پس از پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ از سوی ایران، نیروهای مردمی با فراخوانی عمومی مجدداً به جبهه گسیل شدند و عراقیها که در اندیشه اشغال مجدد خوزستان بودند در برابر مقاومت نیروهای مردمی و انقلابی، زمین گیر شده و مجدداً به مواضع خود مراجعت و منافقین نیز با بجا گذاردن تلفات و خسارات قابل توجه به خاک عراق عقب نشینی کردند. فشار بین المللی بر عراق سبب گردید تا این کشور پس از ناکامی نظامی، سرانجام به پذیرش آتش بس که از تاریخ ۲۹ / ۵ / ۶۷ اعلام شد، تسلیم شود. بدین ترتیب جنگ ایران و عراق پس از گذشت هشت سال از تجاوز عراق که با هدف تجزیه استان خوزستان و براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران آغاز شده بود در وضعیتی به پایان رسید (۱) که عراقیها هیچگونه دستاورد قابل توجهی را کسب نکردند و همین مسئله منشاء تحولات بعدی در منطقه بود و زمینه های تهاجم عراق به کویت را فراهم ساخت.

ص: ۲۲۸

۱- ۵۶۲. تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از عملیات والفجر ۱۰ تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۶۷ و برقراری آتش بس در مرداد همان سال، در جلد پنجم از مجموعه پنج جلدی سیری در جنگ ایران عراق، بررسی و منتشر خواهد شد.

جلد ۵

اشاره

ص: ۱

هر چه از زمان وقوع جنگ ایران و عراق فاصله بیش تر می شود و هر چه تعداد کسانی که به دلیل کمی سن در آن زمان، شاهد این جریان نبوده و یا آن را درک نکرده اند، بیش تر می شود و هر چه درباره ی این واقعه بزرگ سؤالات بیش تری مطرح می گردد، ضرورت وجود آثاری که واقعیات را آن طور که بوده است بیان کند و کتاب هایی که با استناد به اسناد خدشه ناپذیر به تشریح و تفسیر وقایع پردازد و از زبان شاهدان حوادث و حاضران در صحنه های طراحی، اجرا و هدایت و فرماندهی جنگ، آن را بیان کند، بیش تر می شود. همین ضرورت هاست که مسئولیت مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ را، که راویان و محققانش از اوایل جنگ تحمیلی با حضور مستقیم در صحنه های این جنگ، به ثبت و ضبط و جمع آوری اسناد آن پرداختند، بیش تر می کند.

مرکز مطالعات برای انجام این مسئولیت خطیر در تلاش بی وقفه برای تهیه مجموعه های متعدد، در زمینه های گوناگون و ابعاد مختلف جنگ تحمیلی می باشد که مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» از جمله آنها است. این مجموعه شش جلدی که به طور کامل منتشر شده است، به دلیل اختصار نسبی و جامعیت که مروی است نظامی و سیاسی از زمینه سازی جنگ و آغاز آن تا آتش بس و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق، مورد استقبال خوبی قرار گرفته است، به ویژه از طرف اندیشمندان، دانشجویان و جوانان؛ طوری که جلد های مختلف آن به چاپ های متعدد رسیده است. کتاب حاضر آخرین جلد از این مجموعه است که در سال ۱۳۷۸ در ۵۰۰۰ نسخه انتشار یافت و در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ تجدید چاپ شد. با اتمام نسخه های چاپ سوم، این کتاب بار دیگر چاپ و منتشر شد تا در اختیار علاقه مندان قرار گیرد.

مرکز مطالعات همواره منتظر اظهار لطف کسانی است که کاستی ها و اشکالات آثار منتشر شده را اعلام و نسخه ای از اسناد و عکس های منحصر به فرد خود از جنگ ایران و عراق را در اختیار این مرکز قرار دهند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۵

ص: ۱۰

هر چه نگارش و ثبت یک رویداد به زمان وقوع آن نزدیک تر باشد خواننده تحلیل گر با اعتماد بیش تری به بررسی و نتیجه گیری از آن می پردازد به ویژه این که وقایع نگاران خود از راویان و شاهدان حادثه باشند.

مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» که نگاهی گذرا ولی عمیق در توصیف و تحلیل هشت سال جنگ تحمیل شده به جمهوری اسلامی می باشد به وسیله کسانی تحقیق، ارزیابی و آماده برای چاپ شده است که هر کدام در دوران دفاع مقدس مسئولیتی مرتبط با جنگ داشته اند و به همین دلیل این دوره که نتیجه ده سال طراحی، تحقیق، تدوین و ارزیابی می باشد یکی از نفیس ترین نوشته ها درباره جنگی است که امام خمینی (رحمه الله علیه) آن را جنگ حق و باطل (۱) دانست. هر خواننده علاقه مند، با مطالعه و بررسی این مجموعه، مظلومیت یک ملت و ستم متجاوزان (۲) را در طولانی ترین جنگ دو دهه اخیر دریافته و چهره تزویر جهان خواران (۳) را می بیند. او با شنیدن صدای شکستن ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب (۴) می آموزد که می توان علیه تمامی قدرت ها و ابرقدرت ها سالیان سال مبارزه کرد (۵).

این مجموعه حاصل تلاش همه کسانی است که این وظیفه را چون جنگ تکلیف دانسته و نتیجه را فرع بر آن پنداشتند (۶)، هر چند استقبال خوانندگان، تجدید چاپ ها و دریافت جوایز در زمینه دفاع مقدس نشان از نتیجه ای رضایت بخش و دل گرم کننده دارد.

ص: ۱۱

-
- ۱-۱. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.
 - ۲-۲. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.
 - ۳-۳. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.
 - ۴-۴. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.
 - ۵-۵. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.
 - ۶-۶. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.

این دوره که یک جلد آن با مدیریت برادر ابراهیم محمدزاده و پنج جلد دیگر با مدیریت برادر محسن رشید به زیور چاپ آراسته گشته به وسیله برادر محمد درودیان تحقیق و تدوین، برادر غلامعلی رشید ارزیابی اطلاعات نظامی و برادر بهاءالدین شیخ الاسلامی ارزیابی سیاسی شده است.

همچنین برادر مهدی انصاری ویرایش نهایی و مدیریت آماده سازی برای چاپ شامل حروف چینی، صفحه آرایی و تنظیم فهرست راهنمای موضوعی پنج جلد از این کتاب و برادر علی محمد تقیئی نظارت بر چاپ تا خروج از صحافی را عهده دار بوده اند. برادران حسن دری و علی محمد تقیئی نیز نقشه ها و برادران حشمت الله شمس و حمیدرضا دانش فر طرح جلد این مجموعه را طراحی و اجرا کرده اند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه با تشکر فراوان از همه دست اندرکاران این مجموعه، خرسند است که با چاپ کتاب حاضر به وعده خود در ارائه مجموعه ای تحلیلی - توصیفی از اوضاع سیاسی - نظامی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران جامه عمل پوشانده و امید دارد که این عمل را حضرت حق جل جلاله پسندیده و بپذیرد.

این مرکز در پایان از همکاران خود در مؤسسه فرهنگی هنری تاریخ جنگ که مسئولیت ویرایش نهایی و آماده سازی کتاب حاضر را برای چاپ بر عهده داشته اند، قدردانی می کند.

شناختی گذرا بر این مجموعه

جلد اول: «خونین شهر تا خرمشهر» که به بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آزاد سازی خرمشهر (از شهریور ۱۳۵۹ تا

ص: ۱۲

خرداد ۱۳۶۱) پرداخته که جایزه اول نخستین همایش ادبی - هنری حماسه خرمشهر را به خود اختصاص داد و در سال ۱۳۷۷ به چاپ چهارم رسید.

جلد دوم: «خرمشهر تا فاو» که چهار سال جنگ را (از تیرماه ۱۳۶۱ تا مرداد ۱۳۶۵) تحلیل نظامی - سیاسی کرده است. این کتاب در اسفند ۱۳۷۵ برای چهارمین بار چاپ شد.

جلد سوم: «فاو تا شلمچه» که به بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از پایان عملیات والفجر ۸ تا پایان عملیات کربلای ۸ (اسفند ۱۳۶۴ تا فروردین ۱۳۶۶) اقدام کرده و مفتخر به دریافت تقدیرنامه انتخاب آثار دفاع مقدس سال های ۱۳۷۳ - ۷۴ شد.

جلد چهارم: «شلمچه تا حلبچه» که رویدادهای سیاسی - نظامی سال ۱۳۶۶، درگیری با امریکا در خلیج فارس و انتقال منطقه نبرد از جنوب به غرب را بررسی کرده است.

جلد پنجم: «پایان جنگ» (کتاب حاضر) به بررسی وقایع پس از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت به وسیله عراق می پردازد.

جلد ششم: «آغاز تا پایان» که اوضاع سیاسی - نظامی جنگ را از آغاز تا پایان آن به اختصار بررسی و تحلیل کرده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه تلاش کرده است تا کتاب حاضر در یازدهمین سالگرد برقراری آتش بس رسمی و پایان جنگ عراق علیه ایران انتشار یابد.

«مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه»

مرداد ۱۳۷۸

ص: ۱۳

در میان پرسش‌های اساسی که درباره جنگ ایران و عراق وجود دارد مهم‌ترین سؤالی که کماکان ضرورت پاسخ‌گویی به آن احساس می‌شود «نحوه پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۷ می‌باشد». امام‌راحل نظر به شرایط نامساعد در زمان پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و ضرورت حفظ آمادگی نظامی برای مقابله با تجاوزات مجدد عراق، پاسخ به این سؤال را به زمان مناسب‌تری در آینده واگذار کردند. اکنون با گذشت یازده سال از زمان برقراری آتش‌بس میان ایران و عراق و تغییرات نسبتاً گسترده و عمیقی که در سطح منطقه و نیز در داخل ایران روی داده است - به ویژه اشغال کویت به وسیله عراق در سال ۱۳۶۹ - می‌توان ابعاد موضوع را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. بر پایه این ملاحظه جلد پنجم از مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» به بررسی شرایط و عوامل مؤثر در نحوه پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ اختصاص یافته است.

کتاب حاضر در چهار فصل به شرح زیر تنظیم شده است:

فصل اول: زمینه‌های تغییر در موازنه جنگ

فصل دوم: آغاز تحولات و تغییر در موازنه جنگ

فصل سوم: تلاش ایران برای مهارت حملات عراق

فصل چهارم: از آغاز مذاکرات صلح تا پذیرش مجدد قرارداد الجزایر به وسیله عراق

ص: ۱۴

در فصل اول کتاب برای تشریح زمینه های تغییر در موازنه سیاسی - نظامی جنگ سه بحث اساسی انجام گرفته است: نخست، تجزیه و تحلیل «تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند با کمک مستشاری روس ها، بر پایه این فرض که سرنوشت جنگ تنها بر روی زمین و با برتری نظامی عراق حاصل خواهد شد»؛ سپس با تأکید بر آمار و ارقام «انباشت سلاح و تجهیزات» با افزایش تولید و خرید سلاح با هزینه و سرمایه گذاری نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار در سال های پایانی جنگ به وسیله عراق توضیح داده شده و در پایان گسترش سازمان رزم عراق با فراخوانی نیروها و آموزش آنها مورد بررسی قرار گرفته است. روند اقدامات در این زمینه سبب گردید تا عراقی که در سال ۱۳۵۹ با ۱۲ لشکر و در سازمان ۳ سپاه به ایران حمله کرد، در سال ۱۳۶۶ با بیش از ۵۰ لشکر و در سازمان ۹ سپاه از توان قابل ملاحظه ای برای بازپس گیری مناطق تصرف شده برخوردار شود.

فصل دوم کتاب در واقع به بازتاب و پی آمدهای برتری نظامی عراق و تغییر استراتژی این کشور از پدافند به آفند اختصاص یافته است. بازپس گیری فاو در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ نقطه تحول در جنگ و تغییر موازنه به سود عراق بود. به عبارت دیگر، همان گونه که تصرف فاو از سوی ایران موازنه جنگ را به زیان عراق تغییر داد، بازپس گیری آن، اوضاع را به سود عراق به چرخش درآورد. با وجود برتری کمی عراق بر ایران که در چند سال پایان جنگ کاملاً مشهود بود، در عین حال به نظر می رسد شکست عراق در تهاجم به فاو می توانست همچنان اوضاع را هر چند به صورت غیر طبیعی به سود ایران حفظ نماید. بنابراین نقطه تحول در جنگ و پذیرش قطع نامه ۵۹۸ را باید در روند تحولات نظامی جنگ در ماه های پایانی و برتری نظامی عراق و کسب پیروزی در فاو جستجو کرد. در هر صورت آغاز این روند موجب تداوم حملات عراق و بازپس گیری مناطق تصرف شده به فاصله کمتر از سه ماه شد.

فصل سوم کتاب به پی آمدهای پیروزی نظامی عراق و در نتیجه تلاش ایران برای کنترل و مهار نتایج حاصله از برتری عراق اختصاص یافته است. پذیرش قطع نامه ۵۹۸ که در موقعیت برتری نظامی ایران بر عراق در سال ۱۳۶۶ و به منظور تأمین خواسته های ایران تنظیم شده بود، تنها راه حلی بود که در چنین شرایطی روبه روی ایران قرار داشت. جمهوری اسلامی ایران با این اقدام در واقع ضمن بهره برداری از تغییر فضای بین المللی، در داخل کشور نیز اوضاع در خصوص جنگ و پایان آن را به خوبی اداره کرد. امتناع عراق از پذیرش قطع نامه زمینه ای برای مقابله بین المللی و داخلی با تجاوزات عراق و نیز پایان بخشیدن به جنگ شد. در این مرحله حضور گسترده مردمی در جبهه ها همانند روزهای آغازین جنگ، تجاوز عراق را در جنوب و تجاوز منافقین را در غرب با ناکامی مواجه ساخت. پیدایش وضعیت جدید در صحنه های نظامی بین المللی، عراق را به پذیرش قطع نامه ۵۹۸ وادار ساخت. در نتیجه امکان برقراری آتش بس میان دو کشور در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ فراهم شد.

در فصل چهارم ابتدا بازتاب پایان جنگ در نظر تحلیل گران و صاحب نظران بررسی شده و سپس روند مذاکرات بی حاصل ایران و عراق تحت نظر سازمان ملل تشریح گردیده است. طی این مدت عراق با اتکا به برتری نظامی در ماه های پایانی جنگ، روند مذاکرات را تحت تأثیر ابتکار عمل خود قرار داد و از پیشرفت در حل و فصل اختلافات ممانعت می کرد. در چنین وضعیتی در حالی که عراق همچنان مواضع تهدیدآمیز خود را به سمت ایران نشانه می رفت و نوعی نگرانی از تجاوز مجدد عراق در داخل ایران به وجود آمده بود، ناگهان پس از مناقشه با کویت به اشغال این کشور اقدام کرد. عراق با این اقدام بخشی از نتایج برتری نظامی بر ایران را آشکار ساخت و مقدمات حضور گسترده امریکا و تغییر آرایش سیاسی - نظامی در منطقه را

فراهم ساخت. عراق پیش از اشغال کویت به تبادل نامه های صلح با ایران پرداخت و متعاقب اشغال کویت، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که پیش از این در آغاز هجوم سراسری به ایران، در برابر دوربین های تلویزیونی پاره کرده بود، پذیرفت و مناسبات دو کشور در فضا و مرحله جدیدی قرار گرفت و جنگ بدون این که نتیجه ای برای عراق به دنبال داشته باشد، پایان گرفت.

ص: ۱۷

حملات پی در پی و گسترده عراق در بهار ۱۳۶۷ روند تحولات جنگ را به گونه ای ناگهانی و غافل گیرانه، به زیان ایران و به سود عراق تغییر داد. کارشناسان و تحلیل گران مختلف، نظرات متعددی در توضیح عوامل وقوع این رخداد ارائه کردند و در این میان «حضور نظامی امریکا در خلیج فارس»، «اقدام نظامی امریکا علیه ایران»، حمایت گسترده شوروی (پیشین) (۱) از عراق و «افزایش توانایی نظامی عراق» به عنوان بخشی از این عوامل مورد تأکید قرار گرفت (۲).

در واقع، نبودن چشم انداز روشن نسبت به پایان یافتن جنگ و نگرانی های موجود درباره فرآیند تحولات جنگ باعث شد تا نوعی اجماع جهانی برای تشدید فشار بر ایران و تغییر اساسی در موازنه نظامی به سود عراق به عنوان نخستین شرط پایان سریع جنگ به وجود آید.

ص: ۱۸

۱-۷. اتحاد سوسیالیستی جماهیر شوروی کشوری بود متشکل از کشورهای کوچک تر روسیه، بلوروس، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان، اوکراین، مولداوی و... که در نظام دو قطبی وقت به سردمداری قطب کمونیست، مخالف امریکا که سردمداری قطب سرمایه داری را بر عهده داشت شناخته می شد؛ اما این کشور پس از فروپاشی (۱۹۹۰ میلادی - ۱۳۶۹ خورشیدی) به چهارده کشور تجزیه شد.

۲-۸. روند تحولات جنگ در سال ۱۳۶۶ در جلد چهارم تحت عنوان شلمچه تا حلبچه بررسی شده است. با توجه به این که تحولات ماه های پایانی جنگ، ریشه در اقدامات عراق در سال ۱۳۶۶ دارد، لذا این مبحث در این جلد (پنجم) بررسی می شود تا زمینه لازم برای درک منطقی تحولات جنگ و علل پذیرش قطع نامه ۵۹۸ فراهم شود.

در همین راستا، «مایکل آرماکاست»، معاون وقت وزارت خارجه امريکا با يادآوری ضرورت تهيه طرح مشترک با شوروی برای پايان دادن به جنگ، تأکيد کرد:

«هر دو ابرقدرت علاقه مند به جلوگيري از پيروزی ايران هستند.» (۱).

«کسينجر» نيز طی مقاله ای در روزنامه «لوس آنجلس تايمز» به وحدت نظر امريکا و شوروی در کوتاه مدت درباره ضرورت ممانعت از شکست عراق تأکيد کرد (۲) «کلودسشون»، وزير خارجه سابق فرانسه نيز در مصاحبه ای گفته بود:

«اعضای دائمی شورای امنيت در يک تصميم اعلام نشده در زمينه حمايت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ايران به توافق رسیده بودند.» (۳).

اجماع بين المللی برای حمايت از عراق در مقابله با ايران، نقش مؤثر و تعيين کننده ای در تحولات سياسی - نظامی جنگ داشت، اما منشأ تحولات ماه های پايانی جنگ را بايد در جبهه های جنگ و وضعيت نظامی ايران و عراق جست و جو کرد. با توجه به اين که هسته مرکزی و نقطه ثقل تحولات نظامی در جبهه های جنگ بوده است، به نظر می رسد نتايج حاصله از تغيير در موازنه نظامی و «به دست گرفتن ابتکار عمل نظامی عراق بر روی زمين» را بايد عامل اصلی در تغيير روند جنگ و در نهايت، پاسخ مثبت ايران به قطع نامه ۵۹۸ دانست. اين تحول چشم گیر و تعيين کننده مهم ترين سؤالی است که فراروی محققان قرار دارد. به عبارت ديگر، عراق تحت چه شرايطی و در چه روندی موفق به انجام تغييرات و اقدامات اساسی برای تغيير در موازنه جنگ شد؟

در يک پاسخ کوتاه، می توان بر اين موضوع تأکيد کرد که برتری نظامی عراق، حاصل تغيير در استراتژی نظامی از دفاع به حمله و سلسله اقداماتی بود که اين کشور به طور مشخص در سال ۱۳۶۶ و در چارچوب اين استراتژی انجام داد.

ص: ۱۹

۱- ۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۱۵۵، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۶، به نقل از نشریه پاتريوت، چاپ دهلی، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۰. دفتر سياسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خط توطئه در ششمين و هفتمين سال جنگ، سال ۱۳۶۶، ص ۱۶۰.

۳- ۱۱. محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، حوزه هنری سازمان تبليغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۰، ص ۱۳۷، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ / ۶ / ۱۳۶۹، ص ۲.

ناکامی اولیه ارتش عراق پس از تجاوز به ایران و ادامه آن با شکست های پیاپی و عقب نشینی از مناطق اشغالی، چند عارضه اساسی برای کشور و ارتش عراق در پی داشت. فقدان روحیه تهاجمی، انهدام بخشی از توان و سازمان رزم ارتش عراق، از دست دادن اعتبار سیاسی و نظامی، از دست دادن قدرت به دست آمده از این اعتماد به نفس و مهم تر از همه پیدایش نوعی تزلزل در ارکان قدرت عراق از جمله این عوارض بود. بر همین اساس، ارتش عراق علاوه بر ضرورت کسب آمادگی برای دفاع در برابر حملات ایران، با نوعی چالش احتمالی امنیتی در داخل کشور متبوعش روبه رو بود. در این مرحله جدید، عراقی ها در اولویت نخست با اتخاذ استراتژی دفاعی به تحکیم مواضع و استحکامات خود پرداختند. این استراتژی می توانست شکست ناپذیری عراق را در برابر حملات پی در پی ایران تضمین کند. در سال های پس از فتح خرمشهر، ابتکار عمل در دست نیروهای ایران بود و عراق بدون داشتن روحیه تهاجمی در انفعال و لاک دفاعی به سر می برد. در این مدت آن چه عراق را شکست ناپذیر کرده بود و مانع از پیروزی قطعی نظامی ایران می شد، قدرت دفاعی ارتش عراق با تکیه بر برتری کمی نیروی انسانی و سلاح بود. عراق در استراتژی دفاعی خود از «قانون تعداد» که به گفته «کلاوز ویتس» تعیین کننده صریح و بدون ابهام نظریه جنگ است پیروی می کرد (۱) «بلیاکوف» روسی (۱۹۷۹) در این باره می گوید:

«ارتباط نیرو و ابزار، شاخص عینی قدرت جنگی طرف های متخاصم و میزان برتری [یکی] را بر دیگری نشان می دهد. این ارتباط با مقایسه اطلاعات کمی و کیفی موجود در نیروهای متخاصم تعیین می شود.» (۲).

مبنتی بر این نظر، می توان استنباط کرد که تعداد نیروها به اضافه کیفیت

ص: ۲۰

۱- ۲۳. پیشین، ص ۲۹۹.

۲- ۱۳. پیشین، ص ۱۱.

آنها و با در نظر گرفتن شرایط متغیر، نقش تعیین کننده ای دارد و عراقی ها به دلیل تأثیر پذیری از روش آموزش شوروی ها، قدرت دفاعی خود را در برابر ایران به تدریج بهبود بخشیدند. با وجود مزیت دفاع، نظر به این که پیروزی تنها با تهاجم حاصل می شود، عراق طی سال هایی که در موضع دفاع قرار داشت، مترصد استفاده از برتری دفاعی در فرصت مناسب بود، ولی «قدرت تصمیم گیری» و «ریسک پذیری با برخورداری از روحیه تهاجمی» دو عنصری بود که ارتش عراق به آنها نیاز داشت، ولی فاقد آنها بود.

استراتژی دفاعی عراق در این دوره ضمن این که مواضع دفاعی این کشور را پس از فتح خرمشهر همچنان محفوظ نگه داشت، در عین حال سبب شد تا ایران با اجتناب از رویارویی در مناطقی که عراق دفاعی مستحکم داشت، در پی انتخاب زمین مناسب و استفاده از اصل غافل گیری باشد که انتخاب منطقه «هور» در عملیات خیبر و بدر در این راستا بود.

در این روند، فتح فاو بسیار برجسته بود و تأثیرات تعیین کننده ای را در روند جنگ بر جای نهاد. وجه تمایز عملیات والفجر ۸ با تلاش های پس از فتح خرمشهر، حصول توانایی برای ایران در تأمین و تثبیت مناطق تصرف شده بود، امری که پیش از این حاصل نمی شد. این عملیات یک پیام نظامی داشت (۱) و به دلیل تأثیر آن در تغییر توازن به سود ایران، در واقع نقطه آغاز بازنگری عراق در خصوص ضرورت تغییر روند نظامی جنگ بود.

سرهنگ «الکساندر کولیکو»، کارشناس برجسته شوروی در مقالات مستندی که در مجله ارتش سرخ شوروی در ماه آوریل و مه ۱۹۸۶ منتشر شد (۲)، اهمیت پیروزی فاو را از نظر نظامی مورد توجه قرار داد. به نظر وی این پیروزی محدود به کسب امتیاز جغرافیایی و روانی نبوده، بلکه یک پیام نظامی داشت؛ بدین معنا که، گرچه ایران قادر نبود به تهاجم نهایی و سرنوشت ساز دست بزند ولی نشان داد که اگر به این کشور اجازه داده شود، می تواند از

ص: ۲۱

۱- ۱۴. محی الدین مصباحی، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، مجموعه مقالات تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۳۳.

۲- ۱۵. پیشین.

کارآیی سیستم دفاع متحرک عراق از طریق یک رشته عملیات برنامه ریزی شده بکاهد (۱) وی سپس در مورد کارآیی این گونه استراتژی برای دفاع در برابر عملیاتی شبیه عملیات ایران در فاو ابراز تردید کرده (۲) و تأکید می کند که ممکن است عراق مجبور شود استراتژی خود را از دفاع متحرک به استراتژی تهاجمی تغییر دهد (۳) کولیکو با توجه به ناتوانی عراق در بیرون راندن ایران از فاو و ناکامی در استراتژی دفاع متحرک، به این نتیجه رسید که نیروهای عراق و شیوه فرماندهی در جنگ برای اجرای یک استراتژی تهاجمی کافی نیست (۴) با توجه به این تحلیل، رخدادهای نظامی جنگ در آغاز سال ۱۹۸۶ نشان داد که نیروهای عراق نه تنها در موضع دفاعی قادر به مهارت تهاجمات نظامی ایران نیستند، بلکه در موضع تهاجمی نیز نمی توانند بخش های هر چند محدودی از خاک ایران را تصرف کنند. پیدایش این وضعیت بیان گر مشکلات ساختاری ارتش عراق در موضع تهاجم و دفاع بود. تحلیل نظامی شوروی ها در این زمینه به تدریج مورد پذیرش برخی از افسران ارشد عراق قرار گرفت. ادامه این وضعیت با توجه به کاهش روحیه نیروهای عراقی ضربه ای سنگین بر اعتبار نظامی بغداد بود (۵) ارزیابی های موجود از ناتوانی عراق و در مقابل، افزایش نگرانی از برتری ایران و نتایج احتمالی برخواسته از آن، زمینه تهاجم گسترده هوایی عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی و پایانه های نفت ایران را فراهم ساخت (۶) این حملات به لحاظ ماهیت آن گرچه نقش مؤثری در کاهش توان نظامی - اقتصادی ایران داشت، لیکن فاقد نقش تعیین کننده برای تغییر موازنه به سود عراق و یا پایان دادن به جنگ بود. ضمن این که ایران در این مدت علاوه بر بازپس گیری برخی از مناطق که عراق در چارچوب استراتژی دفاع متحرک تصرف کرده بود - از جمله شهر مهران - توانست عملیات کربلای ۵ را طرح ریزی و اجرا کند. در هم شکستن

ص: ۲۲

۱-۱۶. پیشین.

۲-۱۷. پیشین.

۳-۱۸. پیشین.

۴-۱۹. پیشین.

۵-۲۰. پیشین، ص ۲۲۹.

۶-۲۱. ر.ک به: کتاب از فاو تا شلمچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، صص ۵۶ - ۶۲.

مواضع دفاعی و استحکامات عراق در منطقه با اهمیت شرق بصره همان نتایجی را در پی داشت که با فتح فاو به دست آمد. به همین دلیل، به نظر برخی از کارشناسان نظامی بصره «نقطه چرخش» جنگ بود (۱). برابر اخبار موجود، صدام پس از عملیات کربلای ۵ و ناامیدی از بازپس گیری منطقه تصرف شده در این عملیات، در جلسه ای پنج ساعته با فرماندهان ارتش عراق، بحث هایی را در مورد خطر شکست تدریجی عراق در «جنگ فرسایشی» انجام داد. در این جلسه احتمالاً در مورد گسترش بیش تر سازمان گارد ریاست جمهوری، تدارک نیروهای بیش تر برای ضد حمله، تشدید جنگ نفت کش ها و استفاده بیش تر از گازهای شیمیایی، بحث و تصمیم گیری شده است (۲).

افزایش خرید و انباشت سلاح

اشاره

بر اساس گزارش های موجود، در سال ۱۳۶۶ برنامه های تسلیحاتی عراق (۳) شتاب بی سابقه ای پیدا کرد به گونه ای که از آن به عنوان «انقلاب در تأسیسات و نهاد نظامی عراق» یاد می شود. ضمن این که، شبکه تدارکاتی عراق نیز از این سال به نحو بی سابقه و چشم گیری فعال شد. «نگرانی ناشی از گسترش دامنه جنگ» و «ضرورت مقابله با برتری ایران» سبب شد که بر اساس یک «تصمیم همگانی»، عراق به طور برجسته و بی سابقه ای تجهیز شود. در این مرحله در کمتر از دو سال، فرانسه (۴) حدود ۵ / ۶ میلیارد دلار و شوروی (۵) حدود ۹ / ۳ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات نظامی به عراق فروختند. افزون بر این، زیربنای صنعتی فوق العاده عراق از سال ۱۹۸۴ میلادی به بعد با ۱۴ / ۲

ص: ۲۳

۱- ۲۲. آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ص ۳۰۱ (چاپ نشده).

۲- ۲۳. پیشین، ص ۲۹۹.

۳- ۲۴. کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۴۹۰.

۴- ۲۵. برابر گزارش مجله نیوزویک، فرانسه در طول جنگ تقریباً ۱۶ / ۶ میلیارد دلار سلاح پیش رفته از جمله ۱۳۳ فروند میراثاف - (۱ - F) و موشک های اگزوست به عراق فروخته است. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۱۳، به نقل از جمهوری اسلامی ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹).

۵- ۲۶. برابر گزارش مجله نیوزویک، پنجاه درصد از ۸۴ میلیارد دلار هزینه سلاحی که در طول جنگ به عراق فروخته شد، به وسیله روس ها تأمین شد. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۱۳، به نقل از جمهوری اسلامی ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹).

میلیارد دلار هزینه تقویت شد. عراقی ها توانستند در این روند از شوروی، امریکا، فرانسه و آلمان تجهیزات و تکنولوژی پیش رفته خریداری کنند.

کمک های شوروی به عراق

در این مرحله روس ها علاوه بر ارسال سلاح به عراق، با ارزیابی از ضعف های ساختاری ارتش آن کشور در وضعیت دفاع و حمله، در توسعه نیروهای مسلح عراق (۱) و طرح ریزی استراتژی تهاجمی عراق نیز نقش فعال و محوری داشتند. کمک های شوروی به عراق در این مرحله در مقایسه با کمک سایر کشورها بسیار برجسته تر و نمایان تر بود و تا اندازه ای، تأثیرات سرنوشت ساز بر روند تحولات جنگ داشت (۲) یکی از مسئولان حزب کمونیست شوروی درباره علل ارسال سلاح به عراق گفت:

«شوروی ارسال سلاح به عراق را به خاطر بازگرداندن موازنه نظامی و سیاسی میان ایران و عراق از سر گرفت و نه به خاطر این که جنگ ادامه یابد. ایرانیان امیدهای زیادی به برتری قدرت نیروی انسانی خود دارند و ممکن است این برتری به توازن نظامی اخلال وارد آورد و از این رو، شوروی ارسال سلاح به عراق را آغاز کرده است و این کار همچنان ادامه دارد (۳) ... هدف از چنین معاملات، آن است که از پیروزی مهاجم کنونی یعنی جمهوری اسلامی ایران جلوگیری شود. طرف مهاجم تا زمانی که معتقد باشد پیروزی نظامی اش امکان پذیر است، حاضر نخواهد شد در گفت و گوهای صلح و پایان دادن به نبرد شرکت جوید.» (۴).

گسترش مناسبات همه جانبه عراق و شوروی این امکان را فراهم ساخت تا روس ها اهداف جدید سیاست خارجی خود را در منطقه و در برابر ایران پی گیری کرده و در مقابل، عراقی ها نیز با برخورداری از حمایت سیاسی - نظامی شوروی، تجهیزات نظامی و کمک های مستشاری دریافت

ص: ۲۴

۱- ۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۱۰۷، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۶، قاهره، به نقل از طه یاسین رمضان.

۲- ۲۸. مأخذ ۶، ص ۲۳۶.

۳- ۲۹. پیشین، ص ۲۳۳.

۴- ۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۳۰۳، ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۶۵، به نقل از رادیو امریکا، ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

کنند. «طه یاسین رمضان»، از مسئولان وقت دولت عراق در مصاحبه ای با مجله «الدستور» ضمن انتقاد از امریکا و تأکید بر این مسئله که «موضع امریکا پر از تضاد است»، با اشاره به موضع شوروی گفت:

«اتحاد شوروی موضع خود را روشن ساخته است... روابط فعلی عراق با اتحاد شوروی در تمامی جنبه ها رو به گسترش می رود.» (۱).

چند ماه پس از آن، وی به مسکو سفر کرد و در بازگشت به بغداد گفت:

«در این دیدار صورت جلسه هجدهمین دوره کمیته همکاری مشترک عراق و شوروی در زمینه های اقتصادی، علمی و فنی به امضا رسید.» (۲).

وی در قاهره نیز رسماً اعلام کرد:

«شوروی ها در کنار ما هستند و در توسعه نیروهای مسلح ما شرکت دارند.» (۳).

بر اساس گزارش هفته نامه «فارین ریپورت» چاپ لندن در مورد کمک های تسلیحاتی شوروی به عراق، روس ها از اول ماه ژانویه ۱۹۸۷ یک قطار هوایی به منظور تحویل اسلحه به عراق به کار انداختند و موشک های زمین به زمین با برد متوسط از نوع اسکاد - B، تانک های جدید تی - ۷۲، هواپیماهای میگ ۲۳ و میگ ۲۵ که به صورت قطعات جداگانه حمل می شد و موشک های ضد هواپیما از انواع گوناگون همراه با تکنسین های روسی را به عراق فرستاد. علاوه بر آن، حکومت مسکو چهار فروند هواپیمای سوخت رسان از نوع توپولف ۷۲ برای سوخت رسانی از آسمان به هواپیماهای جنگی و بمب افکن های عراق به آن کشور تحویل داد (۴).

«جیمزبیل» یکی از محققان امریکایی، طی مقاله ای در مورد کمک های شوروی به عراق نوشت:

«شوروی با عراق روابط بسیار نزدیک دارد و حدود ۶۰ درصد از تجهیزات نظامی آن کشور را تأمین می کند و علاوه بر هواپیماهایی مانند میگ ۲۳، ۲۱ و ۲۵ در حال حاضر میگ ۲۹ و هزاران فروند موشک زمین به زمین اسکاد فواگ در

ص: ۲۵

۱- ۳۱. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۲۹۹، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۶.

۲- ۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۶، به نقل از رادیو صوت الجماهیر، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۶.

۳- ۳۳. مأخذ ۱۶، قاهره، خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۶.

۴- ۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۸۰، ۴ / ۱۰ / ۱۳۶۶ رادیو اسرائیل، ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

عراق گذاشته است. مستشاران شوروی با مقامات نظامی عراق بر اساس یک برنامه منظم، همکاری می کنند. شکی وجود ندارد که اتحاد جماهیر شوروی بزرگ ترین قدرت خارجی است که از عراق حمایت می کند.» (۱).

با توجه به شواهد، قرائن و اطلاعات موجود، آقای هاشمی به عنوان فرمانده عالی جنگ طی سخنانی در مورد کمک تسلیحاتی شوروی به عراق (۲) و دلایل آن گفت:

«ما می دانیم که ۷۰ تا ۸۰ درصد تسلیحات عراق از آن روس هاست.» (۳).

کمک های امریکا به عراق

اقدامات امریکا نیز علیه ایران به موازات افزایش پیش روی نیروهای نظامی ایران در مواضع عراقی ها، با هدف جلوگیری از پیروزی ایران و شکست عراق تشدید شده و گسترش می یافت (۴)، زیرا پیروزی ایران بر عراق برای امریکا غیر قابل قبول بود. (۵) صدام با فرستادن «نزار حمدون» به عنوان سفیر عراق در امریکا علاوه بر اهدافی که در سطوح مختلف پی گیری می کرد، زمینه تحکیم عراق و امریکا را فراهم ساخت و به تدریج عراق به یک متحد امریکا در منطقه تبدیل گردید، و بازارش برای امریکا، بازار پر سودی ارزیابی شد (۶) به همین دلیل، جامعه تجاری و صنعتی امریکا به عنوان بزرگ ترین پشتیبان عراق، از روابط تجاری با این کشور حمایت می کرد (۷).

سیاست جانب دارانه امریکا از عراق نیز با آغاز سال ۱۳۶۶ و بر اساس

ص: ۲۶

۱- ۳۵. مأخذ ۶، ص ۴۱۸.

۲- ۳۶. برابر گزارش روزنامه «اخبار مسکو»، چاپ شوروی (پیشین)، فهرست بخشی از تسلیحاتی که شوروی در دهه ۸۰ میلادی به عراق تحویل داد، به شرح زیر می باشد: ۵۰۰ دستگاه تانک تی - ۷۲، ۱۰۰۰ دستگاه تانک تی - ۶۲، ۳۵۰ فروند موشک زمین به زمین با برد ۳۰۰ کیلومتر، ۲۵ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۹، ۲۳ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۵، ۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۳، ۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۱، ۳۰ فروند جنگنده شکاری سوخوی ۲۵، ۵۰ فروند جنگنده شکاری سوخوی ۲۰ (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۷۹، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹).

۳- ۳۷. پیشین، جلد اول، ص ۵۲.

۴- ۳۸. مأخذ ۳، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹، به نقل از نیوزویک، چاپ امریکا.

۵- ۳۹. پیشین، ص ۱۳۳ به نقل از رادیو امریکا، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۹.

۶- ۴۰. پیشین، ص ۱۳۷ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۶ / ۱۳۶۹، ریچارد مورفی، معاون اسبق وزارت خارجه امریکا، تلویزیون انگلیس.

۷- ۴۱. مأخذ ۱۵، ص ۵۹۲.

ارزیابی جدید شکل جدیدتری به خود گرفت. به گونه ای که «ریچارد آرمیتیج»، معاون وزیر جنگ آمریکا، در کنگره اظهار کرد:

«پیروزی ایران در جنگ با عراق استقلال کشورهای عربی و اسلامی را متزلزل خواهد کرد.» (۱).

به همین دلیل، «مورفی»، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد:

«هدف نهایی آمریکا مقابله با انقلاب اسلامی می باشد.» (۲).

در این حال، تصورات امریکایی ها، در مورد توان نظامی ایران و برتری این کشور بر عراق، نقشی اساسی در گرایش آمریکا به عراق داشت. ضمن این که سرخوردگی دولت آمریکا از ماجرای «مک فارلین» و تلاش برای جبران این ماجرا و اثبات نزدیکی خود به عراق نیز در این گرایش بی تأثیر نبود. (۳) بر همین اساس، امریکایی ها در سال ۱۳۶۶ با سازماندهی «فشار دیپلماتیک» به ایران از جمله با تصویب قطع نامه ۵۹۸، هم زمان با حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس، حفاظت از نفت کش های کویت را بر عهده گرفت (۴) بدین وسیله، آمریکا با ایجاد «چتر حمایت استراتژیک»، فرصت و امکان مناسب را برای حملات ویران کننده عراق به پایانه های نفت ایران و مراکز صنعتی و اقتصادی ایران، فراهم ساخت.

کمک اطلاعاتی (۵) آمریکا به عراق که از سال ۱۳۵۹ خورشیدی آغاز شد و

ص: ۲۷

۱- ۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۳، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۶ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۶، به نقل از روزنامه القبس، چاپ کویت.

۲- ۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۶، به نقل از روزنامه الانباء، چاپ کویت.

۳- ۴۴. مأخذ ۳، ص ۱۳۷ رابرت هانتر، از مسئولان سابق شورای امنیت ملی آمریکا در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی. ان. ان. ۴- ۴۵. «محمی الدین مصباحی»، طی مقاله ای در مورد تأثیر حضور آمریکا در خلیج فارس نوشت: «از اواسط ۱۹۸۷ [میلادی]، حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس عملیات حفاظت و اسکورت کشتی ها و توافق ابرقدرت ها در قبال افغانستان همراه با تصمیم شوروی در بازسازی ماشین جنگی عراق از عواملی بودند که موجب کاهش توانایی ایران در بهره برداری و استفاده از رقابت های ابرقدرت ها گردید و بدین ترتیب، خلاء استراتژیک که برای اقدامات و سیاست ایران در خلیج فارس بسیار اهمیت داشت، منتفی گردید.» (محمی الدین مصباحی، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، مرداد ۶۷، ص ۲۳۵).

۵- ۴۶. «وفیق السامری»، رئیس بخش ایران در سازمان اطلاعات نظامی عراق در مصاحبه با روزنامه الحیات چاپ لندن گفته بود که وی پس از آغاز جنگ در شهریور سال ۱۳۵۹ با مأموران سیا و مأموران آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا در بغداد تماس گرفته بود. ارزش مندترین اطلاعاتی که آمریکا در اختیار عراق قرار داد بر اساس عکس های ماهواره ای از مواضع ایران در طول جبهه ۱۲۰۰ کیلومتری این کشور تهیه شده بود. مأموران آمریکا تحولات جنگ و راه های گریز در طرح های نظامی را با

همتای عراقی خود مورد بحث و بررسی قرار می دادند. مأموران امریکایی اطلاعاتی در مورد محل های استقرار نیروهای ایران، جنگ افزارها، تحرکات و مقاصد آنها در اختیار عراقی ها قرار می دادند. (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۱۶).

در سال های پایانی جنگ نیز بیش از هر چیز دیگر مورد نیاز و درخواست عراق بود (۱)، سبب گردید تا سازمان «سیا» اطلاعات فوق العاده محرمانه ای از مراکز استراتژیک ایران در اختیار عراق قرار دهد. حتی برابر برخی گزارش ها، «ویلیام کیسی» رئیس سیا، بارها عراق را در حمله به تأسیسات اقتصادی و حیاتی ایران تشویق کرده بود و نمونه آن حمله هواپیماهای عراقی به «جزیره ی سیری» که در چارچوب هم آهنگی دقیق اطلاعاتی میان سیا و ارتش عراق انجام گرفت (۲).

امریکایی ها علاوه بر فروش سلاح به عراق، در بسیاری از زمینه ها تسهیلات لازم را برای تأمین نیازمندی های تسلیحاتی عراق فراهم می کردند. بعدها «هوارد تایچر»، عضو شورای امنیت ملی امریکا در دولت ریگان، طی اظهاراتی فاش کرد که رئیس وقت سازمان سیا (ویلیام کیسی)، شخصا برای اطمینان از این که عراق تسلیحات، مهمات و خودروهای مورد نیازش را دریافت می کند، بر این همکاری نظارت می کرد (۳) برابر گزارش های موجود، امریکا در پنج سال گذشته (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۶) معادل ۵ / ۱ میلیارد دلار تجهیزات الکترونیکی، انواع ماشین آلات، دستگاه های حساس و رایانه های فوق العاده قوی در زمینه تولید سلاح های شیمیایی، موشکی و هسته ای را به دولت عراق فروخت (۴) بعدها، یک بازپرس کنگره امریکا که مسئول بررسی عمل کرد دولت امریکا در برابر عراق بود، گفت:

«دامنه وسعت انواع تجهیزات تکنولوژی حساسی که از طرف دولت امریکا به عراق ارسال شده است، آدم را شوکه می کند.» (۵).

همچنین، در گزارشی که بعدها در تلویزیون «ای. بی. سی» امریکا پخش شد، بر این مسئله تأکید شد که شرکت های امریکا به طور قانونی و غیر قانونی

ص: ۲۸

۱- ۴۷. مأخذ ۳، ص ۶۲، مصاحبه مطبوعاتی سفیر اسبق عربستان سعودی در امریکا، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۴۸. پیشین، ص ۷۲، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۷ / ۱۳۶۹، به نقل از هفته نامه المجله، چاپ دمشق.

۳- ۴۹. مأخذ ۱۳، ص ۲۰.

۴- ۵۰. مأخذ ۳، ص ۷۸، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹، به نقل از روزنامه واشنگتن پست، چاپ امریکا.

۵- ۵۱. پیشین.

نوعی فن آوری را در اختیار عراق قرار داده بودند که این کشور را قادر می ساخت، برنامه های ساخت پیش رفته ترین جنگ افزارها را ادامه دهد. (۱) به گزارش روزنامه «تایمز مالی»، چاپ انگلیس، شرکت امریکایی «اینترنشنال سیکنال اند کنترل» نیز در انتقال مخفیانه تکنولوژی ساخت بمب های خوشه ای به عراق دست داشت (۲).

کمک های فرانسه به عراق

فرانسوی ها در مقایسه با سایر کشورهای غربی بیش ترین تسلیحات مورد نیاز عراق را به این کشور واگذار کردند. فرانسوی ها منابع استراتژیک و انگیزه های مالی لازم را برای تقویت عراق داشتند، به همین دلیل از شهریور سال ۱۳۵۹ (۳) فروش تسلیحات نظامی فرانسه به عراق به ۵ / ۶ میلیارد دلار رسید و ۴ / ۷ میلیارد دلار نیز قراردادهای بازرگانی و غیرنظامی میان دو کشور منعقد شد. دست کم، هفت میلیارد دلار از مجموع این معاملات به صورت وام و اعتبارات بود. (۴) در سال ۱۹۸۲ میلادی، ۴۰ درصد از صادرات تسلیحاتی فرانسه به عراق ارسال شد؛ میراژ اف - ۱، موشک های هوا به هوا مازیک - ۱، موشک های اگزوست ۳۹ - ۵، AM، و پس از آن، هواپیماهای سوپر اتاندارد علاوه بر تقویت قدرت هوایی عراق، این کشور را برای حمله به نفت کش ها و پایانه های نفتی ایران از موقعیت برتری برخوردار کرد. همچنین، عراقی ها یک قرارداد ۶ / ۵ میلیارد دلاری تحت عنوان «پروژه فاو» با سه شرکت خصوصی فرانسوی امضا کردند. عراقی ها پیش بینی کرده بودند که طی سه مرحله، از ساخت هواپیما و صنعت فضایی برخوردار شوند و به جای تعمیر و ارائه خدمات به میراژهای اف - ۱ در فرانسه، در کشور خود به این کار اقدام کنند.

ص: ۲۹

۱- ۵۲. پیشین، ص ۶۷، به نقل از شبکه ای. بی. سی امریکا، ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۹.

۲- ۵۳. پیشین، ص ۷۸، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹.

۳- ۵۴. متأسفانه «کردمن» در کتاب خود، پایان دوره زمانی مورد نظر را ذکر نکرده است. احتمالاً- پایان دوره، سال ۱۳۶۷ مورد نظر بوده است.

۴- ۵۵. مأخذ ۱۳، ص ۲۰۲.

۵- ۵۶. پیشین، ص ۱۸۲.

همچنین، عراقی‌های امیدوار بودند با احداث کارخانه هواپیما سازی «سعد ۲۵» و با انتقال تکنولوژی، هواپیمای آموزشی آلفا جت ۱۳۴، محصول مشترک آلمان و فرانسه را تولید کنند. عراق در مرحله پایانی می‌توانست هواپیمای میراژ ۲۰۰۰ اس را به عنوان بمب افکن جدید که در ارتفاع پایین پرواز می‌کرد و دستگاه رادار آن می‌توانست دفاع هوایی را گمراه کند، تولید کند. (۱) افزون بر این، فرانسوی‌ها در ساخت رآکتور اتمی و فراهم کردن زمینه دست‌یابی عراق به سلاح اتمی نقش برجسته‌ای داشتند.

کمک‌های انگلیس به عراق

رونق ناگهانی بازار عراق برای صنایع ابزارسازی انگلیس نیز کارساز بود. براساس برآورد انجمن تکنولوژی ابزارهای ماشین (MTAA)، فروش ابزار ماشین انگلیس به عراق از ۲ / ۹ میلیون دلار در ۱۹۸۷ میلادی به ۳۱ / ۵ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی افزایش یافت. (۲) از سوی دیگر برخی از کارخانه‌های انگلیس در پی فروش سلاح به عراق سودآور شدند و حتی در سال ۱۹۸۸ میلادی فروش این اقلام به ۱ / ۲ میلیارد دلار رسید. (۳) هم‌زمان، انگلیس‌ها دفتر خرید ایران در خیابان ویکتوریای لندن را از طریق سازمان اطلاعاتی M-۱۵ کنترل کرده و اطلاعات آن را در اختیار عراق قرار می‌دادند (۴).

کمک‌های آلمان به عراق

آلمان‌ها همانند فرانسه و انگلیس تجهیزات نظامی فراوانی در اختیار عراق قرار دادند. فن‌آوری آلمان‌ها در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی (۵) و موشکی بیش

ص: ۳۰

۱- ۵۷. مأخذ ۱۵، صص ۶۳۱ و ۶۳۲.

۲- ۵۸. پیشین، ص ۵۱۳.

۳- ۵۹. پیشین، ص ۵۴۸.

۴- ۶۰. پیشین، ص ۶۴۸.

۵- ۶۱. به گزارش مجله «اشپگل»، چاپ آلمان، در تأسیسات شیمیایی که شرکت‌های آلمانی در سامره ساخته بودند، مواد شیمیایی بسیار مرگ‌بار «تابون و لاست» تولید شد. کارشناسان آلمانی همچنین متوجه شدند سه کارخانه فروخته شده به عراق قادر به تولید اسید سیانیدریک غلیظ و فشرده می‌باشند. (محمد صفری، ما اعتراف می‌کنیم، ص ۱۱۴، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۱ / ۷ / ۱۳۶۹).

از سایر بخش ها به کار گرفته شد. آلمان ها مانند فرانسوی ها نوعی اتحاد استراتژیک با عراق داشتند، اما این اتحاد با موانعی روبه رو بود. آنها نمی توانستند روابط خود را کاملاً علنی سازند. یکی از دلایل پنهان کاری آلمان ها، جلوگیری از خشمگین شدن ایران بود (۱)، زیرا شرکت های آلمانی روابط اقتصادی نسبتاً گسترده ای با ایران داشتند و مایل نبودند بر اثر افزایش کمک های آلمان به عراق، این روابط دچار آسیب شود.

در این حال، آلمان ها در چارچوب سیاست های خود و با هدف کاهش خشم صدام نسبت به روابط بازرگانی آلمان با ایران، صادرات خود را در سال ۱۹۸۸ میلادی نسبت به سال قبل با جهش چشم گیری ادامه دادند.

در چهار حوزه کلیدی: شیمیایی (۲)، کالاهای ساخته شده، ماشین های سنگین و کنترل ابزار دقیق ماشینی و ابزارهای علمی، فروش آلمان به عراق در فاصله یک دوره ۱۲ ماهه دو برابر شد. ارزش فن آوری پیش رفته آلمان به عراق از ۸ / ۳۷۴ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ میلادی به ۸ / ۸۲۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی رسید. بخشی از کارخانه های آلمان نیز به صورت انحصاری، سلاح های مورد نیاز صدام را می ساختند (۳).

کمک های کویت و عربستان به عراق

کشورهای عربی به ویژه کویت و عربستان نیز با کمک های مالی به عراق بخشی از هزینه های این کشور را متحمل شدند. برابر گزارش «کردزمن»، دو کشور یاد شده در مجموع ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار به صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند. (۴) بعدها، پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام های عراقی مبنی بر «جنگ با ایران به تنهایی»، ابوغزاله،

ص: ۳۱

۱- ۶۲. پیشین، ص ۳۱۸.

۲- ۶۳. برابر گزارش های موثق و محرمانه، آلمان ها اطلاعات به دست آمده از مجروحان شیمیایی ایرانی در بیمارستان های آلمانی را در اختیار عراق قرار می دادند تا از آنها برای اصلاح ترکیبات شیمیایی مورد استفاده در سلاح های خود بهره برداری کنند.

۳- ۶۴. پیشین، ص ۴۹۳.

۴- ۶۵. مأخذ ۱۳، ص ۲۰.

معاون اسبق رئیس جمهور و وزیر دفاع مصر ادعای عراق را به عنوان یک دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت:

«تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند» (۱).

فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی گفت:

«اگر عراق می گوید افراد خود را فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح های پیش رفته و همکاری بین المللی در این فداکاری سهم بوده ایم.»

وی سپس اقدامات رهبری عراق را نشان ناسپاسی نسبت به حمایت های نظامی عربستان ذکر کرد. (۲) هم زمان، شیخ «الصباح» سفیر کویت در واشنگتن در پاسخ به اظهارات عراقی ها گفت:

«کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک های نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت نموده است... و طی جنگ، کویت بیش از نیاز نفت صادر می کرد تا به صدام در جنگ کمک کند.» (۳).

بعدها کویتی ها اذعان داشتند، افزون بر کمک های مالی، پایگاه نیروی هوایی در اختیار عراق دادند که همین امر به عراقی ها برای حمله به جزیره خارک و پایانه های نفت ایران و نفت کش ها کمک شایانی کرده بود (۴).

عراقی ها تجهیزات و مواد خامی را که برای مقاصد نظامی نیاز داشتند از دویت شرکت در ۲۱ کشور جهان به دست می آوردند. (۵) غربی ها در نظر داشتند با کمک به عراق از برتری نظامی ایران و تغییر موازنه به سود این کشور جلوگیری کنند. (۶) در نتیجه، این کمک ها همراه با حمایت های مالی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان (۷)، و سلاح های روسی، قدرت زمینی عراقی ها را بهبود بخشید و آنها توانستند با تکیه بر سلاح های فرانسوی و روسی توان هوایی خود را افزایش دهند. قدرت توپخانه این کشور نیز با خرید جنگ افزار از کشورهای مختلف افزایش یافت و قدرت ایجاد

ص: ۳۲

۱- ۶۶. روزنامه کیهان، ۷ / ۱۲ / ۱۳۶۹، ابوغزاله در گفت و گو با رادیو کویت.

۲- ۶۷. مأخذ ۳، ص ۶۲، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۹.

۳- ۶۸. کنفرانس بحران خلیج فارس، بررسی منافع و راه های موجود امریکا، ۲۱ / ۶ / ۱۳۶۶، واشنگتن.

۴- ۶۹. مأخذ ۱۵، ص ۴۲۳.

۵- ۷۰. مأخذ ۳، ص ۱۱۵، به نقل از رادیو امریکا، ۱۱ / ۷ / ۱۳۶۹.

۶- ۷۱. پیشین، ص ۵۷، رادیو لندن، ۳ / ۵ / ۱۳۶۹.

۷- ۷۲. پیشین، ص ۷۳، به نقل از مجله اشپیکل، چاپ آلمان، به نقل از «سعود الفیصل»، وزیر خارجه عربستان، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۹.

زیرساخت صنعتی برای تولید موشک و سلاح‌های شیمیایی با کمک آلمان‌ها به وجود آمد و تقویت شد.

به دنبال پیدایش چنین وضعیتی، صدام در مهرماه ۱۳۶۶ در مصاحبه با روزنامه کویتی «السیاسه»، برتری عراق را این چنین مورد تأکید قرار داد:

«عراق در تمام زمینه‌های سیاسی و نظامی در حال حاضر قوی‌تر از سالیان گذشته است و امکانات نظامی آن حداقل نسبت به شش ماه قبل دو برابر شده است.» (۱).

وی همچنین در مصاحبه با روزنامه «بوربا» چاپ عراق با توجه به تشدید درگیری در خلیج فارس گفت:

«روند تمام عواملی که احتمالاً موجب خاتمه بخشیدن به جنگ ایران و عراق خواهد شد، اخیراً به طور رضایت بخشی به نفع عراق در حرکت می‌باشد.»

صدام این عوامل را شامل: «اوضاع جهان عرب»، «روابط بین‌المللی»، «موقعیت قوی‌تر عراق از لحاظ نظامی» و «افکار عمومی مردم ایران» ذکر کرد. وی در این مصاحبه در مورد مواضع و نظرات ابرقدرت نسبت به جنگ گفت که آنها بیش‌تر در فکر به دست آوردن صلح می‌باشند. (۲) مدتی بعد، در پی تصویب قطع‌نامه ۵۹۸ و حضور آمریکا در خلیج فارس و درگیری میان ایران و آمریکا، صدام در مصاحبه با روزنامه کویتی‌السیاسه درباره روند جنگ گفت:

«اهداف ایران در سال‌های اول تا هشتم جنگ تحقق پیدا نکرده است و پیش‌بینی هم نمی‌شود که در سال‌های هشتم، نهم و دهم تحقق یابد.»

وی همچنین تأکید کرد:

«پیروزی بر عراق به طور قطع غیرممکن است.» (۳).

ص: ۳۳

۱- ۷۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، شماره نشریه ۲۰۷، ۲۱ / ۷ / ۱۳۶۶، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۶.

۲- ۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۶، روزنامه بوربا، چاپ عراق، ۲۶ / ۳ / ۱۳۶۶.

۳- ۷۵. مأخذ ۵۶.

ایجاد زیرساخت فن آوری تولید موشک

انتشار متن نامه رئیس گروه تحقیقات موشکی عراق به صدام در مرداد سال ۱۳۶۶ (۱) مبنی بر کسب موفقیت در آزمایش موشک با برد ۶۰۰ کیلومتر، به دلیل فضای ناشی از حضور امریکا در خلیج فارس و اسکورت نفت کش ها و همچنین تصویب قطع نامه ۵۹۸ در سازمان ملل، با بی توجهی مواجه شد، حال آن که این مسأله نشان دهنده یک تحول اساسی در صنایع موشکی عراق و آغاز شکل گیری مرحله جدیدی از حملات ارتش این کشور به مردم بی دفاع و غیر نظامی ایران در شهرها بود.

در نخستین واکنش نسبت به اعلام رسمی عراق مبنی بر دست یابی به موشک «الحسین» (۲) با دو برابر برد بیش تر نسبت به موشک اسکاد - B، خبرگزاری آلمان به نقل از یک منبع نظامی عرب اعلام کرد که عراق بدون کمک خارجی نمی تواند چنین موشک هایی تولید کند. (۳) بعدها، با اصابت نخستین موشک عراق به تهران که با غافل گیری و حیرت همراه بود، مسکو و واشنگتن تحویل این نوع موشک را به عراق تکذیب کردند و به تدریج، هنگامی که موشک های بیش تری به تهران اصابت کرد، معلوم شد که عراق از قابلیت تولید موشک برخوردار شده است. بعدها نمایش بخشی از قطعات موشک های منفجر نشده در تلویزیون ایران، قابلیت عراق را در تولید موشک تأیید کرد. تعویض دستگاه های سوخت، بر برد موشک های اسکاد افزوده بود و برابر برخی از گزارش ها، عراقی ها با اصلاحات گوناگون در موشک های اسکاد، از هر سه موشک اسکاد، دو موشک الحسین تولید می کردند. (۴) پروژه افزایش برد موشک اسکاد تحت عنوان پروژه ۱۷۲۸ انجام می شد و فن آوری آلمان ها

ص: ۳۴

۱- ۷۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۸، ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۶ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۶، به نقل از رادیو صوت الجماهير.

۲- ۷۷. نام گذاری موشک های جدید عراق به «الحسین» و «العباس»، خود مسئله قابل توجهی است.

۳- ۷۸. پیشین، خبرگزاری آلمان، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۶.

۴- ۷۹. مأخذ ۱۵، ص ۵۵۶ و ۵۵۷.

این امکان را برای عراق فراهم می ساخت تا به تدریج تولید و ساخت قطعات موشک از جمله بدنه آن را آغاز کند. (۱) بعدها، بازرسان سازمان ملل به مخازن ترکیب اکسیژن سیستم مراقبت فشار و یا شاسی های پرتاب موشک دست پیدا کردند که همگی آنها ساخت آلمان بود. (۲) مجله اشپیگل چاپ آلمان با آشکار شدن نقش این کشور در انتقال تکنولوژی و کمک های فنی به عراق نوشت:

«امروز، دیگر ثابت شده است که بدون تکنولوژی آلمان، عراق قادر به تولید موشک های دور برد اسکاد - B نبوده است. تکنولوژی پیش رفته آلمان، به بغداد این امکان را داد که برد موشک های اسکاد - B را به ۶۰۰ کیلومتر افزایش دهد.» (۳).

دلایل و انگیزه های عراق برای دست یابی به زیرساخت صنعت بهسازی و تولید موشک، ترکیبی از ناکامی عراق برای دریافت موشک اس.اس.۱۲ از شوروی (۴) و استراتژی جدید این کشور برای پایان دادن به جنگ با برخورداری از سلاح جدید برای حمله به شهرها و مراکز غیرنظامی به منظور فشار مستقیم بر مردم و غیرمستقیم بر تصمیم گیرندگان در ایران بود. به گفته «عامر رشید العبدی»، یکی از مسئولان صنایع نظامی وقت عراق:

«عراق به سلاحی نیاز داشت که جنگ را به میان مردم ایران ببرد و تنها، موشک دوربرد چنین فرصتی را در اختیار ما قرار می داد.» (۵).

عراقی ها به تدریج زیرساخت مناسبی (۶) را فراهم ساختند که منجر به

ص: ۳۵

۱- ۸۰. پیشین، ص ۴۹۵.

۲- ۸۱. روزنامه کیهان، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از مجله آلمانی اشپیگل.

۳- ۸۲. پیشین.

۴- ۸۳. «تیمرمن» در کتاب خود در این زمینه می نویسد: «خودداری شوروی از تحویل موشک اس.اس.۱۲ و وخامت اوضاع مالی عراق دست به دست هم دادند و صدام را در شتاب بخشیدن به برنامه تسلیحاتی بومی مصمم تر ساختند.» (تیمرمن، سوداگری مرگ، ص ۴۸۸).

۵- ۸۴. مأخذ ۱۵، ص ۴۸۵.

۶- ۸۵. فیوزها و سایر مکانیسم های کنترل مورد نیاز در موشک الحسین و العباس در کارخانه الکترونیکی «صلاح الدین» تولید می شد. این شرکت را فرانسوی ها ساخته بودند... بعدها «حسین کامل»، در نطق افتتاحیه نمایشگاه در بغداد رسماً اعلام کرد: در حال حاضر سه نوع متفاوت سوخت موشکی اف.ای در عراق تولید می شود.» (تیمرمن، سوداگری مرگ، صص ۶۴۰ و ۶۴۱).

تولید موشک «العباس» با برد ۸۶۰ کیلومتر شد. این موشک بر خلاف موشک الحسین، نوع بهسازی شده موشک اسکاد - B نبود، بلکه با آن طرح شباهت هایی داشت. بلند پروازترین برنامه موشکی عراق پروژه ۳۵۹ بود که زیر نظر عامر العییدی اداره می شد. وی در نظر داشت، تکنولوژی پیش رفته و پیچیده موشک کندور ۲ را با طرح ساده و بهسازی شده موشک اسکاد ترکیب کند (۱) که به دلیل مخالفت غربی ها و بعدها در پی حمله عراق به کویت، منتفی شد.

حمله موشکی عراق به تهران

حملات موشکی عراق به تهران و بازتاب های آن در جلد چهارم (از شلمچه تا حلبچه)، مورد بررسی قرار گرفته است.

برخورد نخستین موشک عراق به تهران در ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ به منزله آغاز چهارمین مرحله از حملات عراق به مردم بی دفاع و اماکن غیر نظامی ایران بود. استفاده عراق از موشک، وجه تمایز مرحله چهارم جنگ شهرها با مراحل پیشین به شمار می رفت که موجب شگفتی ایران و کارشناسان اطلاعاتی غرب شد (۲) و سؤال ها و ابهامات بسیاری را درباره نحوه دست یابی عراق به موشک و مشخصات این جنگ افزار، مطرح کرد. روزنامه «واشنگتن پست» در مقاله ای نوشت، عراق به موشک های اس.اس. ۱۲ ساخت شوروی دست یافته است ولی مقامات شوروی اجازه استفاده از آن را به عراق نمی دادند. (۳) برخی از تحلیل گران نظامی نیز بر این مسئله تأکید کردند که این موشک ها همان موشک های اسکاد - B ساخت شوروی هستند که در داخل عراق تغییر شکل یافته اند. (۴) ادعای عراق مبنی بر تولید این موشک ها سبب شد تا کمک فنی روس ها و واگذاری لوازم و سایر نیازمندی ها برای ساخت موشک در رسانه ها

ص: ۳۶

۱- ۸۶. پیشین، ص ۴۹۹.

۲- ۸۷. مأخذ ۱۳، ص ۴۰۳.

۳- ۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹، ۹ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۸ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از واشنگتن پست.

۴- ۸۹. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۳۰۸، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از میدل ایست تایمز، چاپ قبرس.

مورد تأیید قرار گیرد. (۱) دست یابی ایران به قطعات برخی از موشک های شلیک شده که به دلایل فنی منفجر نشده بودند، و مشاهده ردپای روس ها و اعلام آن از طریق رسانه های عمومی، به تدریج این موضوع را آشکار کرد که عراق با کمک فنی آلمان و شوروی موفق به تولید موشک جدید با برد ۶۵۰ کیلومتر شده است (۲) واکنش افکار عمومی ایران درباره شوروی ها به دلیل تجهیز عراق به موشک و نگرانی روس ها از عواقب این مسئله سبب شد، «گنادی گراسیموف» سخن گوی وقت وزارت خارجه شوروی طی مصاحبه ای اعلام کند، این ادعا کاملاً بی اساس است و شوروی تاکنون از این نوع سلاح به هیچ یک از دو طرف متخاصم نفروخته است. (۳) نماینده وقت شوروی در سازمان ملل نیز اعلام کرد که شوروی این سلاح ها را در اختیار عراق قرار نداده است (۴).

اگر چه روس ها اعلام کردند که در این زمینه که در این زمینه نقشی نداشته اند، ولی اظهارات مقامات رسمی این کشور در مذاکرات، بیانگر چراغ سبز شوروی به عراق برای حمله موشکی به تهران بود. بعدها آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران گفت:

«در اوج بمباران های عراق [موشک باران تهران]، به قائم مقام وزیر خارجه شوروی گفتم: «چرا به عراقی ها موشک می دهید؟» گفت: «شما دست از حمایت مجاهدان افغانی (۵) بردارید تا ما هم موشک ندهیم، معامله خوبی نیست؟» (۶).

آقای هاشمی رفسنجانی نیز در مراسم اختتامیه کنفرانس بین المللی «تجاوز و دفاع»، در مورد سیاست شوروی ها در برابر ایران گفت:

ص: ۳۷

۱- ۹۰. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۳۰۷، ۹ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از دی ولت، چاپ آلمان، اسفند ۶۶.

۲- ۹۱. بعدها، رادیو امریکا اعلام کرد که عراق ۱۹۰ فروند موشک الحسین به شهرهای ایران پرتاب کرد. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۷۳، رادیو امریکا، ۷ آبان ۱۳۶۹).

۳- ۹۲. مأخذ ۶۹، به نقل از لوموند، چاپ پاریس، اسفند ۱۳۶۶.

۴- ۹۳. روزنامه اطلاعات، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۶، سازمان ملل، به نقل از خبرگزاری رویتر، «بلاثوکف» نماینده وقت شوروی در سازمان ملل.

۵- ۹۴. کیانوری، دبیر حزب منحل توده در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی در ۱۶ / ۱۱ / ۱۳۷۱ در همین زمینه گفت: «روس ها به آقای ولایتی صریحاً توسط وزیر خارجه شوروی می گویند: «شما به محض این که حمایت از افغان ها را قطع کنید ما هم حملات عراق به ایران را متوقف می کنیم».

۶- ۹۵. روزنامه کیهان، ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۷۵.

«آنها[شوروی ها] با داعیه همسایگی و بسیاری مسائل دیگر به دلیل آن که ما حاضر نیستیم از حکومت دست نشانده افغانستان حمایت کنیم و مردم آواره افغانستان را پناه می دهیم، از ما عصبانی هستند و به صراحت نیز به ما می گویند که: «افغانستان در برابر عراق» (۱).

در این مرحله، نوعی پیوستگی (۲) بین رفتار عراق و سیاست روس ها وجود داشت. در واقع، روس ها برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق و خروج از بحران افغانستان نیاز به همکاری ایران داشتند و برای دست یابی به آن، از طریق عراق به ایران فشار می آوردند. پیدایش این وضعیت بیان گر دشواری و پیچیدگی های حاکم بر جنگ و ابعاد رو به گسترش فشار امریکا و شوروی به ایران بود.

اهداف عراق از حملات موشکی به تهران متفاوت بود؛ برخی از موارد آن رسماً از سوی مقامات این کشور مورد تأکید قرار گرفت که به آن اشاره می شود. صدام در مصاحبه با سر دبیر روزنامه مصری «الاهرام» در مورد زمان پایان جنگ به مسئله ای اشاره کرد که در واقع دلیل تشدید فشار به ایران و حملات موشکی به تهران را روشن می کرد. وی گفت:

«هر گاه ایران درک کند که خسارات ناشی از جنگ برایش هولناک است، دست صلح را دراز خواهد کرد.» (۳).

فشار عراق در این مرحله با حمله موشکی به تهران و شایعه استفاده مستقیم از سلاح های شیمیایی (۴) بر علیه مردم متمرکز بود و هدف از آن، دست یابی به صلح عنوان شد. (۵) وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق در همین زمینه

ص: ۳۸

۱- ۹۶. مأخذ ۶، جلد اول، ص ۵۲.

۲- ۹۷. ریچارد مورفی از مسئولان وزارت خارجه امریکا در این زمینه گفت: «هر عکس العمل شوروی را باید در عمل کرد فوری رژیم بعث عراق جست و جو کرد.» (معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، جزوه «اگر من بودم، می زدم»، سال ۱۳۶۷).

۳- ۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۹، کویت، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۹. وفیق السامری، یکی از مسئولان اطلاعاتی عراق که از این کشور متواری شد، در مصاحبه ای اعتراف کرد که عراق قصد داشت تهران را با موشک همراه با کلاهک شیمیایی مورد حمله قرار دهد.

۵- ۱۰۰. روزنامه کیهان، ۸ / ۱ / ۱۳۶۷، «سعدون حمادی»، قائم مقام وزارت خارجه عراق.

تأکید کرد که قصد عراق گسترش کانون صلح طلبان و منادیان خاتمه جنگ و تضعیف کوشش‌هایی است که برای بسیج داخلی به عمل می‌آید (۱).

با توجه به این که حمایت‌های مردمی، هسته مرکزی دفاعی و قدرت تهاجمی ایران را تشکیل می‌داد، نوعی گرایش و توجه به این تحلیل به وجود آمد که تغییر در روحیه مردم ایران تنها عاملی است که می‌تواند باعث شکست جمهوری اسلامی ایران شود. (۲) بر این اساس، هدف عراق از حمله به مردم بی‌دفاع و مراکز غیر نظامی در شهرها، درگیر کردن مردم به صورت مستقیم با نتایج خسارت‌بار جنگ بود (۳).

با فشار روانی ناشی از این حملات دشمن امیدوار شد که باور و اعتقادات مردم در خصوص جنگ و ادامه آن به تدریج تغییر کرده و در بستر این تحول، شرایط لازم برای پایان جنگ فراهم شود.

عراق، جز این در پی اهداف دیگری نیز بود. «شائول بخاش» در روزنامه واشنگتن پست درباره بخشی از این اهداف نوشت:

«عراق به تشدید جنگ ادامه می‌دهد، زیرا از آن وحشت دارد که جامعه بین‌المللی جنگ را فراموش کند و یا به این نتیجه برسد که می‌توان خصومت‌ها را با توافقی کم‌تر از آن چه عراق خواستار است، پایان دهد.» (۴).

«شیرین هانتر»، معاون بخش خاورمیانه در مرکز بین‌المللی و استراتژیک دانشگاه «جرج تاون» نیز بر این باور بود که هدف عراق بین‌المللی کردن جنگ و وارد کردن دیگر کشورها به این معرکه بر علیه ایران است (۵).

عراق افزون بر «تضعیف روحیه مردم ایران و دامن زدن به مخالفت آنان با

ص: ۳۹

۱- ۱۰۱. مأخذ ۷۵، ۱۳۶۷ / ۱ / ۶، به نقل از خبرگزاری خلیج، به نقل از لطیف جاسم، وزیر اطلاعات عراق، ۱۳۶۷ / ۱ / ۵.

۲- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۷، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از «آنتونی پارسونز»، سفیر سابق انگلیس در ایران.

۳- ۱۰۳. «استفان پلیتر»، کارشناس سوق‌الجیشی در امور عراق می‌گوید: «عدم تحرک در اقدام به صلح سازمان ملل موجب شد که عراق به این تصمیم برسد که تنها راه ختم جنگ این است که به اقتصاد ایران آن قدر ضربه زند تا قادر به تغذیه مردمش نباشد و در عین حال نیز جمعیت شهرهای ایران را با حملات موشکی ترور کند تا آنها از دولتشان مطالبه صلح کنند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از کریستین ساینس مانیاتور).

۴- ۱۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از رادیو امریکا، ۱ / ۱۰ / ۱۳۶۷.

۵- ۱۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۸، ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۷، بلگراد، به نقل از خبرگزاری تانیوگ، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

«جنگ»، و همچنین «تحت فشار قرار دادن جوامع بین‌المللی برای اتخاذ اقدامات مؤثر جهت خاتمه دادن به جنگ»، هدفی دیگر را نیز دنبال می‌کرد و آن «تحریک ایران برای انجام عملیات زمینی» بود.

به نظر می‌رسد افزایش توانایی نظامی عراق با خرید تجهیزات و سلاح‌های پیش‌رفته و گسترش سازمان رزم، این اطمینان را برای نیروهای عراقی فراهم ساخته بود که از آمادگی بیش‌تری برای مقابله با تهاجمات قوای نظامی ایران برخوردار شده‌اند. بر همین اساس روزنامه واشنگتن پست به نقل از یک مقام آگاه عراقی می‌نویسد:

«برای اولین بار در تاریخ عراق، ما می‌خواهیم ایرانی‌ها حمله کنند.» (۱).

راديو امريکا طی تحلیلی با بیان نظریه موجود در مورد حمله موشکی عراق تأکید می‌کند:

«عراقی‌ها می‌خواهند ایران دست به حمله زمینی بزند، زیرا می‌دانند که قادرند آن را بشکنند» (۲).

استراتژی عراق در جنگ شهرها بر این مبنا بود که ایران قادر به مقابله با برتری موشکی عراق نخواهد بود. (۳) و در نتیجه ایران برای خروج از فشار روانی ناشی از حملات موشکی به تهران اقدام به انجام عملیات زمینی خواهد کرد. چنان‌که با گذشت یک هفته متوالی از حملات موشکی عراق، آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی گفت:

«ایران پاسخی نهایی خود به موشک‌های عراقی را با عملیات در جبهه‌ها خواهد داد.» (۴).

عراقی‌ها همواره در فصل زمستان تحت فشار روانی ناشی از انجام عملیات گسترده ایران که به صورت سالانه انجام می‌شد قرار داشتند. بنابراین تحریک ایران به انجام حمله زمینی می‌توانست خیال عراقی‌ها را در مورد ابعاد و منطقه عملیات، آسوده کند، ضمن این‌که در این مرحله عراقی‌ها استراتژی

ص: ۴۰

۱- ۱۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۳۵۱، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۶، ص ۳۳، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۳۵۹، ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶، به نقل از راديو امريکا، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۳- ۱۰۸. پیشین، واشنگتن پست، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۷.

۴- ۱۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۳۵۸، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۲۱ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

تهاجمی جدیدی را طرح ریزی کرده بودند که نقطه آغاز آن حمله به فاو بود. بنابراین انجام حمله زمینی به وسیله ایران، زمینه مناسب را برای اجرای استراتژی تهاجمی عراق فراهم می ساخت.

بازسازی و تحول در سازمان رزم

«کردزمن» در کتاب درس هایی از جنگ ایران و عراق، معتقد است که هنوز ماهیت قطعی تغییرات صورت گرفته نامعلوم است، ولی به نظر می رسد که عراق مبادرت به سازمان دهی مجدد «شورای عالی دفاع» خود در سال های ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۵ - ۶۶) کرده است تا فرماندهان و افسران واحدهای رزمی امکان اظهار نظر بیش تری بیابند و تمرکز گرایش در ساختار فرماندهی عراق کاهش یافته و حرفه گرایی از بهای بیش تری در مقابل سیاست گرایی برخوردار شود. (ص ۳۹۳).

استراتژی نظامی عراق در سال ۱۳۶۶ از دو مشخصه برخوردار بود. در بعد پدافندی فراهم کردن آمادگی های لازم برای مقابله با تهاجم قوای نظامی ایران و در بعد آفندی کسب توانایی برای بازپس گیری مناطق از دست رفته در منطقه جنوب بود. (۱) نظر به این که بسیاری از یگان های دشمن در دو عملیات کربلای ۵ و ۸ شرکت کرده و خسارات و تلفات قابل ملاحظه ای را متحمل شده بودند، لذا بازسازی یگان ها با فراخوانی های مجدد عمومی و نیروهای شهربانی به همراه عفو عمومی زندانیان و فراری ها آغاز شد. (۲) فرصت حاصله از تغییر استراتژی ایران از جنوب به منطقه شمال غرب این امکان را برای عراقی ها فراهم ساخت تا طی این مدت با فراغت کامل بازسازی، آموزش و تجدید سازمان ارتش عراق را دنبال نمایند. (۳) پیش از این با توجه به ناتوانی عراق برای مقابله با تهاجم قوای نظامی ایران، به وسیله کارشناسان نظامی چنین پیش بینی می شد که ارتش عراق از آموزش کافی یا روحیه تهاجمی برای دست زدن به حمله برخوردار نیست. اما با توجه به اقدامات عراق در سال ۱۳۶۶ تحلیل گران پنتاگون به وجود تحولات عمده در ارتش عراق پی بردند و در ارزیابی خود تجدید نظر کردند (۴).

ص: ۴۱

-
- ۱- ۱۱۰. بررسی و تحلیل دشمن در ۲ ماه اخیر در جنوب، اطلاعات قرارگاه کربلا، اسفند ۱۳۶۶، فروردین ۱۳۶۷، ص ۵.
 - ۲- ۱۱۱. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بررسی عمل کرد دشمن در سال ۱۳۶۶، ص ۸۳.
 - ۳- ۱۱۲. معاونت اطلاعات قرارگاه کربلا، سال ۱۳۶۶، جزوه ترتیب نیرو، ص ۹.
 - ۴- ۱۱۳. معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی» خرداد ۱۳۶۷، صص ۲ و ۳، عراق، بازسازی و تحول در سازمان رزم، به نقل از نیویورک تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

عراقی ها نخست برای برخورداری از آمادگی لازم در چارچوب استراتژی پدافندی در منطقه جنوب، اقدامات زیر را به عمل آوردند:

- ۱- افزایش رده ها و موانع جلوی خطوط پدافندی خود.
- ۲- عمق بخشیدن به خطوط پدافندی (۱).
- ۳- ایجاد خطوط مواصلاتی متعدد برای تحرک بخشیدن به مانور و پشتیبانی نیروها.
- ۴- به کارگیری و افزایش سازمان های احتیاط محلی تیپ ها و لشکرها و سپاه ها.
- ۵- پیروی کردن از تاکتیک های منطقه ای به ویژه در مناطق سپاه های سوم، ششم و هفتم.
- ۶- اعزام و انتقال یگان های مانوری از قبیل: لشکرهای گارد و تیپ های نیروی مخصوص با در نظر گرفتن میزان حساسیت های نیروهای ایرانی در هر منطقه به صورت «احتیاط نزدیک» (۲).
- ۷- اجرای مانورهای دفاعی (بازدارنده) و تمرین پاتک (بازپس گیری). (۳).
- ۸- فعال شدن کلیه عناصر اطلاعاتی عراق جهت کسب اطلاعات از چگونگی و زمان دقیق تک نیروهای ایرانی در جنوب (۴).
- ۹- بازدید و توجیه فرماندهان عراق با برنامه ریزی های خاص از بالاترین رده ها (مثل شخص صدام) تا رده فرماندهی تیپ ها از مناطق جنوب.
- ۱۰- تشکیل جلسات گوناگون درباره آگاهی از نحوه اجرای دستورات و تاکتیک های اجرا شده بنابر دکترین اتخاذ شده قبلی.
- ۱۱- انجام مانور آتش کلیه جنگ افزارها بر علیه نیروهای ایرانی و ارزیابی

ص: ۴۲

-
- ۱- ۱۱۴. دشمن در مناطق سپاه های سوم، ششم و هفتم، چهار رده پدافندی ایجاد کرد.
 - ۲- ۱۱۵. بیش تر این انتقال ها از ابتدای مهر ۱۳۶۶ به سمت منطقه جنوب صورت گرفت.
 - ۳- ۱۱۶. بیش تر این مانورها در فصل پاییز و زمستان سال ۱۳۶۶ به صورت چشم گیری انجام شد.
 - ۴- ۱۱۷. این اقدامات در فصل پاییز و زمستان ۱۳۶۶ گسترده تر شد.

فرماندهان دشمن از این آتش ها به هنگام اجرا که در بسیاری از مناطق جنوب مشاهده می شد.

۱۲- اعلام آماده باش های مکرر در تمام مناطق جنوب برای حفظ هوشیاری و آمادگی نیروها که در فصل پاییز و زمستان ۱۳۶۶ به طور چشم گیر انجام شد (۱).

روند جنگ در آخرین سال به گونه ای بود که دشمن در منطقه جنوب در سال ۱۳۶۶ با هیچ گونه تهدیدی مواجه نشد، لذا فرصت لازم را به دست آورد تا برای ایجاد استحکام در رده های پدافندی خود، دست به احداث سنگرهای جدید و ترمیم سنگرهای قدیمی بزند (۲).

تلاش مهندسی عراق

فعالیت مهندسی دشمن در سال ۱۳۶۶ در منطقه جنوب از بیش ترین حجم برخوردار بود که به دلیل اهمیت آن به تفکیک مناطق به آنها اشاره می شود: (۳).

الف) شلمچه: حساسیت و اهمیت شهر بصره و همچنین شکسته شدن دژهای مستحکم شلمچه در عملیات کربلای ۵ باعث شد تا عراق بیش ترین، حجم فعالیت مهندسی خود را در این منطقه متمرکز کند. تصرف پنج ضلعی، «نهر دو عیجی»، «نهر جاسم» و همچنین بخش هایی از شرق و غرب کانال ماهی گیری و جزایر «بوارین»، «ماهی» و «ام الطویل» به دست نیروهای ایرانی، وضعیت بغرنجی را از نظر پدافندی برای عراق به وجود آورد. حضور رزمندگان اسلام در جنوب کانال زوجی و از سوی دیگر در شرق و غرب کانال ماهی گیری مانع آن شده بود که عراق رده های مناسب پدافندی ایجاد کند و به همین خاطر، عراق تقریباً مجبور بود، از یک سو خطوط ایجاد شده خود را

ص: ۴۳

۱- ۱۱۸. مأخذ ۸۶ ص ۱۳۱.

۲- ۱۱۹. پیشین، ص ۲۶.

۳- ۱۲۰. این بحث با استفاده از گزارش های مندرج در بولتن «بررسی» تحت عنوان «عراق، بازسازی و تحول در سازمان رزم»، (خرداد سال ۱۳۶۷) که متکی به اطلاعات داده شده به وسیله معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه می باشد، نوشته شده است.

پاک کرده و از سمت دیگر اقدام به احداث رده دفاعی کند. به هر صورت، پس از عملیات کربلای ۸ دشمن تمرکز فعالیت های خود را در رده اول تا پنجم جنوب کانال زوجی و غرب کانال ماهی گیری قرار داده و یک رده جدید نیز در شمال آب گرفتگی بویان احداث کرد. عراق در این مدت، حدود ۶۰ کیلومتر خاک ریز در منطقه شرق بصره احداث و ترمیم کرد. در همین مدت شمال کانال تا رودخانه دجله و شهر بصره که تا آن زمان از موانع و رده های پدافندی زیادی برخوردار نبود، حجم بالایی از کار مهندسی دشمن را به خود اختصاص داد.

ب- جنوب اروند و شبه جزیره فاو: دشمن به لحاظ فعالیت فراوان مهندسی بعد از عملیات والفجر ۸ در این منطقه با مشکل عمده ای روبه رو نبود به ویژه این که مانع بزرگی همچون رودخانه اروند در برابر رزمندگان اسلام قرار داشت. به طور کلی دشمن برای نقل و انتقال آسان یگان ها و نیروهایش در منطقه یاد شده، عمده فعالیت های مهندسی خود را در طول سال ۱۳۶۶ به احداث و ترمیم خاک ریزها و جاده ها و حفر کانال های فراوان نررو در خطوط مقدم اختصاص داد.

ج) هور: سیاست پدافندی دشمن در منطقه هورالهویزه بیش تر به ایجاد و ترمیم رده های دفاعی دوم و سوم مربوط بود و بالاترین حجم فعالیت مهندسی عراق در این زمینه به جزیره جنوبی اختصاص داشت.

دشمن در ادامه تلاش های گذشته خود موفق شد جزیره را از دو سمت شرق و غرب به منطقه طلائیه و پدالهویدی متصل و خطوط مواصلاتی متعددی را در آن احداث کند. از ۱۶۰۰ کیلومتر سیل بند و خاک ریز که دشمن در این منطقه احداث کرده بوده حدود ۱۰۰ کیلومتر به جزیره جنوبی اختصاص داشت که همین مسئله بیانگر میزان حساسیت و توجه دشمن به این محور بود.

سیاست جدید عراق در این باره، واگذاری مسئولیت پدافند جزیره از سپاه سوم به سپاه ششم بود که این تصمیم پس از اتصال جزیره به پدالیهیدی به مرحله اجرا درآمد. هدف عمده و اصلی فعالیت های دشمن در این منطقه را می توان در دو چیز خلاصه کرد: یکی تسهیل در امر ارتباط یگان ها با عقبه هایشان و دیگری کاستن از خطوط پدافندی و آزاد کردن یگان های درگیر خود.

د) شرق عماره - غرب فکه: این منطقه به لحاظ وضعیت جغرافیایی خاص خود، از عملیات والفجر مقدماتی به بعد به منطقه ای آرام و پدافندی تبدیل شد و نسبت به دیگر مناطق از کم ترین فعالیت های مهندسی دشمن برخوردار بود. آرامش نسبی حاکم بر منطقه شرق عماره و عدم تلاش و تحرک جمهوری اسلامی در آنجا باعث شد تا به محل امن برای بازسازی و آموزش یگان های تازه تأسیس و ضربه دیده دشمن تبدیل شود.

مجموعه تلاش های پدافندی عراق در سال ۱۳۶۶ برای افزایش قابلیت های بازدارندگی و دفاعی اش سبب شد که نوعی اطمینان از آمادگی برای دفاع و عدم غافل گیری در زمان و مکان برای خود حاصل کند (۱).

فراخوانی و آموزش

ضربات پی در پی رزمندگان اسلام بر قوای نظامی دشمن در سال ۱۳۶۵ سبب شد تا عراقی ها متحمل تلفات و خسارات فراوانی شده و فرصت لازم را برای بازسازی نیابند. نیازمندی عراق به یگان های پیاده و بازسازی یگان های زرهی و مکانیزه باعث شد، تا با فراخوانی و آموزش و جایگزینی تجهیزات به تقویت بنیه دفاعی و تهاجمی خود اقدام کند.

پیش از این، ارتش عراق هر سال تنها یک نوبت فراخوانی داشت، ولی با تشدید روند تحولات جنگ و کاستی های موجود در سازمان رزم عراق،

ص: ۴۵

فراخوانی به سه نوبت در سال افزایش یافت و در ماه های چهارم، هشتم و دوازدهم سال، نیروها فراخوانی می شدند. در هر نوبت صدهزار تن از مشمولان جدید، خود را به حوزه های نظام وظیفه معرفی کرده و در مجموع حدود ۳۰۰ هزار نیرو در پادگان ها دوره آموزشی را طی کرده و سپس به یگان ها معرفی می شدند. (۱) عراق برای جبران کمبود نیروی خود، اقدامات زیر را در فراخوانی ها انجام می داد:

- به حداقل رساندن شمار افسران و نیروهای گارد پادگان های آموزشی، پشتیبانی و غیره در پشت جبهه.

- استفاده از افسران مجروح معالجه شده، در مناطق عملیاتی.

- گرفتن نیرو از شهربانی و پلیس.

- کاهش استعداد گردان های دفاع الواجبات (نیروهای حفاظت کننده از مراکز نظامی).

- اعلام عفو عمومی.

- احضار متولدان سال های ۶۷، ۶۸، ۱۹۶۹ میلادی (۱۹ تا ۲۰ ساله) و متولدان سال های ۴۵ تا ۱۹۵۳ (۳۶ تا ۴۴ ساله) به خدمت.

- به کارگیری سربازان وظیفه دیپلم به جای درجه داران و تکمیل کادر درجه داری.

- جمع آوری گروهان های کماندویی و تبدیل آنها به تیپ های جدید.

- جمع آوری افسران توجیه سیاسی از گردان ها.

- جمع آوری فراریان در هور.

- تعطیل برخی از کارخانه ها به بهانه نبود مواد اولیه (با هدف جذب نیروها به جبهه ها).

- ادغام بعضی از وزارت خانه ها و یا انحلال آنها به منظور استفاده از نیروی اضافی آنها.

ص: ۴۶

- قطع کمک هزینه های تحصیلی و مجبور شدن استفاده کنندگان آنها به خدمت سربازی.

- کاهش عمومی ظرفیت دانشگاه ها و مجبور شدن دانشجویان برای خدمت سربازی.

- جذب ۳۰ درصد از نیروی ادارات در جبهه (۱).

یکی از تحلیل گران در گزارش خود درباره تمرینات آموزشی گسترده عراق نوشت:

«در طول سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) این کشور نیروهای نخبه خود را برای انجام آموزش های رزم مرکب، از خطوط مقدم عقب کشید. این نوع آموزش که به نیروهای زرهی و پیاده داده می شد، به فرماندهان تمام سطوح به ویژه در واحدهای گارد ریاست جمهوری اجازه آزادی عمل بیش تری در تمرینات می داد. همچنین مانورهایی در سطح سپاه با تاکتیک های دفاع و ضد حمله انجام می شد. این اصلاحات، بهبود عمده ای در تعدادی از سپاه ها و لشکرهای کلیدی عراق به وجود آورد» (۲).

گسترش سازمان رزم عراق

ناکامی عراق پس از تهاجم اولیه به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و پس از آن، حملات پی در پی و گسترده ایران برای آزاد کردن مناطق اشغالی و نامطلوب شدن وضعیت ارتش عراق، آن کشور را به گسترش سازمان رزم خود مصمم ساخت. بدین ترتیب عراق که در آستانه تجاوز به ایران، ۱۲ لشکر را در قالب سه سپاه سازمان دهی کرده بود، دست به تشکیل یگان های جدید زد (۳).

ص: ۴۷

۱- ۱۲۳. معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه، نگرشی بر وضعیت ارتش عراق در ده سال گذشته، دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱۵.

۲- ۱۲۴. مأخذ ۱۳، ص ۳۹۲.

۳- ۱۲۵. عراق در سال ۱۳۶۰ دو لشکر ۱۴ و ۱۵ پیاده و در سال ۱۳۶۱ پنج لشکر ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۶ و ۲۳ پیاده و در سال ۱۳۶۲ سه لشکر ۱۷ زرهی (همان لشکر ۹ زرهی بازسازی شده است)، ۱۸ و ۱۹ پیاده و در سال ۱۳۶۳ نه لشکر ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴ و ۳۵ پیاده و در سال ۱۳۶۴ ده لشکر ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۳۲ و ۴۵ پیاده و در سال ۱۳۶۵ ده لشکر ۳، ۲، ۱ و ۳ ویژه، ۲، ۱ گارد ریاست جمهوری، ۴۲ الاهوار پیاده ۱ و ۵ الوطنی و در سال ۱۳۶۶ پنج لشکر ۴۴ و ۵۰ پیاده، ۴ گارد ریاست جمهوری، فرماندهی حفاظت نفت، حراست نفت و در سال ۱۳۶۷ شش لشکر ۸، ۷، ۶، ۵ گارد ریاست جمهوری، ۴۶ و ۴۹ پیاده را سازماندهی کرد. (معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه «نگرشی بر وضعیت ارتش عراق در ده سال گذشته»، دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱۵).

به گونه ای که در سال ۱۳۶۶ (سال هشتم تجاوز) ۵۹ لشکر متشکل از ۵۱ لشکر پیاده، ۶ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه را در ۹ سپاه سازمان دهی کرد که با توجه به وضعیت عراق امری فوق العاده به شمار می رفت. تشکیل سپاه های عراق، عکس العمل آن کشور در برابر موفقیت نیروهای جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ هشت ساله بود و بدین ترتیب دشمن می کوشید نقاط ضعف خود را با بسیج نیرو و امکانات پوشش دهد. در همین راستا عراق، ۶ سپاه جدید را به ترتیب زیر تشکیل داد:

سپاه چهارم را در منطقه عماره به نام نیروهای «حطین» در ۳۰ مهر ۱۳۶۰ (قبل از آغاز عملیات فتح المبین) و سپاه پنجم را در منطقه شرق دجله به نام نیروهای «عمودیه» در تیر ۱۳۶۴ (پس از عملیات خیبر) و سپاه ششم را در منطقه شرق دجله به نام نیروهای «الحکم» در ۱۱ شهریور ۱۳۶۴ (پس از عملیات بدر) و سپاه هفتم را در منطقه غرب اروند به نام نیروهای «ذیقار» در ۱۱ شهریور ۱۳۶۴ (پس از عملیات بدر) و سپاه یکم ویژه را در منطقه کوت به نام نیروهای «الله اکبر» در ۲۰ شهریور ۱۳۶۵ (پس از عملیات والفجر ۸) و سپاه گارد ریاست جمهوری را در بغداد به نام نیروهای «الفاریس» در ۲۱ دی ۱۳۶۵ (پس از عملیات والفجر ۸) سازمان دهی کرد (۱).

با توجه به نگرانی دشمن نسبت به منطقه جنوب (فاو تا چنگوله)، این منطقه با چهار سپاه به نام های سپاه هفتم، سوم، ششم و چهارم پدافند می شد. (۲) در ترکیب کلی سپاه ها و لشکرها هر سپاه یک تیپ کماندویی و هر لشکر یک گردان کماندویی در اختیار داشت. البته در برخی از مناطق به دلیل عدم امکان استفاده از یگان های زرهی و احساس نیاز دشمن، نیروهای

ص: ۴۸

۱-۱۲۶. پیشین.

۲-۱۲۷. مأخذ ۸۷، ص ۲.

کماندویی یک سپاه از یک تیپ به دو تیپ و گردان های کماندویی یک لشکر از یک گردان به دو گردان افزایش می یافت (۱).

استعداد نیروهای دشمن در منطقه جنوب در مجموع بالغ بر دو لشکر پیاده، دو لشکر مکانیزه و چهار لشکر زرهی بود. هر سپاه یک لشکر زرهی در «احتیاط» داشت که در مجموع چهار لشکر در احتیاط سپاه های چهار گانه دشمن در منطقه جنوب قرار داشتند. (۲) مجموع نیروهای درگیر عراق بر حسب گردان ۲۲۵ گردان پیاده، ۳۳ گردان زرهی، ۴ گردان مکانیزه، ۳۴ گردان کماندویی و مجموع گردان های احتیاط آن ۶ گردان پیاده، ۱۱ گردان زرهی، ۶ گردان مکانیزه، ۴۲ گردان و ۳ گروهان کماندویی و مجموع نیروهای درگیر و احتیاط دشمن بالغ بر ۳۶۱ گردان پیاده، زرهی، مکانیزه و کماندویی بود. (۳) افزایش توان نظامی عراق علاوه بر این که قدرت دفاعی را تقویت می کرد، زمینه های لازم را برای اجرای استراتژی آفندی با هدف بازپس گیری مناطق تحت تصرف ایران فراهم می ساخت، به همین منظور عراقی ها اقداماتی را شامل مانور بازپس گیری منطقه فاو، همراه با حملات محدود در منطقه جنوب به اجرا گذاشتند.

مانورهای دشمن

مانورها و تاکتیک های یگان های دشمن در منطقه جنوب به تناسب استراتژی عراق شامل دفاع (پدافند) و تهاجم (آفند) بود. به همین دلیل بیش ترین تلاش این یگان ها اتخاذ مواضع پدافندی و غیرقابل نفوذ (پدافند منطقه ای) و در همان حال، برخورداری از آمادگی لازم برای تغییر موضع از پدافند به آفند بود. (۴) عراق افزایش آمادگی و تکمیل آموزش یگان های رزمی خود را در نقاط حساس آفندی و پدافندی پی گیری می کرد. (۵) تلاش های نظامی ایران در منطقه فاو در اواخر پاییز و زمستان ۱۳۶۶ سبب افزایش حساسیت دشمن

ص: ۴۹

۱- ۱۲۸. مأخذ ۸۶، ص ۴۴.

۲- ۱۲۹. مأخذ ۸۷، ص ۲.

۳- ۱۳۰. مأخذ ۸۵، ص ۲۳.

۴- ۱۳۱. مأخذ ۹۲.

۵- ۱۳۲. مأخذ ۸۶، ص ۸۳.

در آن منطقه بود. دشمن هم در اندیشه اتخاذ مواضع پدافندی مناسب در منطقه بود و هم به دنبال کسب آمادگی لازم تا در فرصتی به هنگام، با تغییر موضع، منطقه فاو را بازپس گیرد. بر پایه همین مسئله، میزان آموزش یگان های دشمن در این منطقه بسیار قابل ملاحظه بود، چنان که حدود ۲۰ یگان در منطقه غرب رودخانه اروند دوره های آموزشی را گذراندند. (۱) بدین ترتیب که از اوایل بهمن سال ۱۳۶۶ عراق یگان های یاد شده را از مناطق جنوب با هدف آمادگی برای عملیات آفندی و بازپس گیری فاو به این منطقه، در کنار «خور عبدالله» منقل کرد. (۲) دشمن ماکت منطقه فاو را در زمینی وسیع در منطقه زیبر احداث کرده و آخرین وضعیت خاک ریزها و میادین مین نیروهای ایرانی در منطقه فاو را در آن ماکت پیاده کرده بود و بر اساس آن نیروهایش را آموزش می داد. نظر به اهمیت مانور آموزشی و اهدافی که پی گیری می شد، در دهم اسفند ۱۳۶۶ ارتشبد «عبدالکریم نزار الخزرچی» از منطقه بازدید کرد و پس از آن، «ماهر عبدالرشید»، فرمانده سپاه هفتم در بازدید از منطقه گفت:

«ما به شما سربازان عراقی امید زیادی داریم و امن از شما می خواهیم کلیه سرزمین های عراق را که به تصرف ایرانی ها درآمده است بازپس گیرید... ما منتظر نیروهای ایرانی نمی نشینیم بلکه خود را آماده می نمایم تا منطقه فاو را بازپس بگیریم.» (۳)

اجرای عملیات محدود در منطقه جنوب

ارتش عراق با کسب آمادگی دفاعی و تهاجمی، به عملیات ایذایی محدودی در منطقه جنوب با اهداف چندگانه دست زد. بازداشتن نیروهای ایرانی از ادامه تهاجم در منطقه اروندرود، تقویت روحیه نیروهای عراقی و مهم تر از همه، به دست گرفتن ابتکار عمل نظامی در جنوب، بخشی از این اهداف بود (۴).

ص: ۵۰

۱- ۱۳۳. مأخذ ۸۵، ص ۳ و ۴.

۲- ۱۳۴. پیشین، ص ۲۴.

۳- ۱۳۵. پیشین، صص ۲۴ و ۲۵.

۴- ۱۳۶. مأخذ ۸۷، ص ۱.

بدین منظور، ارتش عراق نقل و انتقال و جابه جایی های زیادی را در منطقه جنوب انجام داد و از تابستان ۱۳۶۶ آغاز به عملیات محدود کرد و در همین راستا در ۲۰ تیر ۱۳۶۶ در جزیره مجنون با دو گروهان اقدام به تک کرد که در ضلع غربی جزیره جنوبی ۱۲۰۰ متر و در ضلع شرقی ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر پیش روی کرد. (۱) همچنین در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ دشمن در منطقه فاو با استعداد یک گردان در محور «ام القصر» دست به تک زد، اما موفقیتی به دست نیاورد. (۲) به طور کامل، دشمن بعد از عملیات کربلای ۵ طی یک سال، ۱۹ عملیات محدود در منطقه غرب اروندرود و شرق عماره و یک عملیات در منطقه شرق بصره انجام داد (۳).

در کنار فعالیت های عراقی ها، منافقین نیز بر فعالیت های خود در منطقه جنوب (چنگوله تا فاو) افزودند و جمعا هشت مورد عملیات در منطقه قره تپه، غرب میمه، غرب دوبرج، منطقه بیات، دیواره مرگ و کوشک انجام دادند. بیش ترین تلاش منافقین در خطوط پدافندی ارتش ایران و با هدف گرفتن اسیر و تخلیه اطلاعاتی آنها انجام می شد. (۴) در ماه های پایانی سال ۱۳۶۶ آمادگی دفاعی و تهاجمی عراق سبب گردید مسئولان عراق بر آمادگی خود در مقابله با جمهوری اسلامی تأکید کنند. در همین باره «عدنان خیرالله» وزیر دفاع وقت عراق اعلام کرد:

«عراق برای رویارویی با حمله آینده ایران از کمال خونسردی و آرامش خاطر بهره می برد و در این زمینه تمامی امکانات و آمادگی رزمی خود را بسیج کرده ایم» (۵).

ص: ۵۱

۱- ۱۳۷. پیشین.

۲- ۱۳۸. پیشین، ص ۲.

۳- ۱۳۹. در این عملیات ها تیپ های ۴۳۱، ۱۰۶، ۴۵، ۹۳، ۴۲۱، ۴۱۸، ۱۱۷، ۲۹، ۱۸ و ۲۱ مکانیزه ۹۹، ۳۹ ۵۰۲، ۱۱۴، ۲۸، ۹۱، ۹۷ مکانیزه و ۴۱۸، ۴۲۵، ۴۱۷، ۹۴، ۳۹، ۶۰۳، ۴۴۳، ۱۸ و ۸۰ زرهی کماندویی سپاه یکم، دوم و چهارم، ۸۳، ۸۱، ۵۰۵، دو تیپ کماندویی سپاه ششم و گردان های کماندویی ۷۱ و دو گردان تانک لشکر ۲۷، دو تیپ ۹۷، ۱۴۰ خفیه شرکت داشتند که جمعا ۷۴۳۵ تن از نیروهای دشمن کشته و ۲۰۷۴ تن اسیر شدند. (سپاه پاسداران، عمل کرد دشمن در سال ۱۳۶۶، ص ۸).

۴- ۱۴۰. مأخذ ۸۸، صص ۱۴ و ۱۵.

۵- ۱۴۱. مأخذ ۸۶، ص ۱۳۶.

او همچنین در مورد آمادگی عراق برای انجام عملیات آفندی گفت:

«عراق تصمیم دارد ایرانیان را از تمامی سرزمین های اشغالی خود خارج سازد و ایران به زودی جاپای به دست آورده در خاک عراق را از دست خواهد داد» (۱).

روزنامه عراقی «الجمهوریه» نیز بر تصمیم عراق به تصرف این مناطق اشاره کرد. (۲) پیش از این عدنان خیرالله تصرف مجدد فاو را مشروط به برقراری توازن روحیه و توان کرده بود. (۳) صدام نیز با تأکید بر این که نیروهای ایرانی در سال ۱۳۶۶ در مقایسه با سال ۱۳۶۵ - که از نیروهای سپاه محمد صلی الله علیه و آله و سلم استفاده کرد - از توان و نیروی کمتری برخوردار است، خطاب به ارتش عراق اعلام کرد:

«شما تعدادتان از همه نظر بیش تر است» (۴).

ص: ۵۲

۱- ۱۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۳۹، ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶، بغداد، خبرگزاری عراق، به نقل از روزنامه القادسیه، ۲ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از خبرگزاری عراق ۱۰ / ۱۳۶۷ / ۱.

۳- ۱۴۴. معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۰، به نقل از «عدنان خیرالله».

۴- ۱۴۵. مأخذ ۸۶، ص ۱۳۶.

عراقی‌ها برای تغییر در این موازنه، علاوه بر بین‌المللی کردن جنگ و تشدید فشار بر ایران، بر این باور بودند که صحنه اصلی تغییر در موازنه جنگ بر روی زمین است (۱) و در صورت تغییر استراتژی از پدافند به آفند، می‌تواند با به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ و بازستاندن مناطق تحت تصرف ایران، شرایط لازم را برای پایان (۲) جنگ فراهم کند. بر پایه همین ملاحظه، در سال ۱۳۶۶ توان رزمی عراق با گسترش سازمان و خرید و تولید تجهیزات نظامی افزایش یافت. به گونه‌ای که در نیمه دوم همین سال عراق تنها در منطقه جنوب، از فاو تا چنگوله ۴۳۵ گردان نیروی پیاده، زرهی و مکانیزه در اختیار داشت که ۱۳۰ گردان آن در احتیاط و ۳۰۵ گردان درگیر بودند، در حالی که مجموع نیروهای ایران در این منطقه کمتر از ۱۰۰ گردان بود.

ص: ۵۳

۱- ۱۴۶. تلاش عراق برای گسترش دامنه جنگ و بین‌المللی کردن آن به منزله سازمان دهی فشار بیرونی به ایران بود و حمله به مردم بی دفاع و غیر نظامی در واقع فشار روانی به مردم بود. اما آنچه که عراقی‌ها به آن نیاز داشتند و لازمه تغییر در روند جنگ ارزیابی شد، ضربات پی در پی به سازمان نظامی ایران بود که با آغاز حملات عراق در روزهای پایانی فروردین سال ۱۳۶۷ آغاز شد و به مدت چهار ماه ادامه یافت.

۲- ۱۴۷. صدام در روزهای آغاز ماه فروردین سال ۱۳۶۷ گفت: «بغداد به این نتیجه رسیده است که جنگ را با استفاده از کلیه سلاح‌های ممکن تا وادار ساختن ایران به قبول آتش بس ادامه دهد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۳۶۷/۱/۷، نیکوزیا، آسوشیتد پرس، ۱۳۶۷/۱/۶).

پیدایش وضعیت جدید در صحنه جنگ با افزایش توان عراق و در مقابل کاهش تدریجی توان ایران، به دلیل خودداری از بسیج نیرو در سال ۱۳۶۶ (۱) و زمین گیر شدن نیروهای سپاه در مواضع پدافندی (در منطقه فاو، جزایر مجنون، شلمچه و...) نگرانی های جدیدی را نسبت به نتایج تهاجم احتمالی عراق به وجود آورد، به گونه ای که در دی ماه سال ۱۳۶۶، طی جلساتی که فرماندهان برای بررسی وضعیت دشمن تشکیل دادند، بر این مسئله و ضرورت هوشیاری نسبت به آن تأکید شد. به نظر می رسد برداشتی که نسبت به قدرت هجومی عراق بر اساس تجربه سال های قبل به ویژه نتایج استراتژی موسوم به دفاع متحرک به وجود آمده بود، احتمال از سرگیری حملات گسترده عراق در مناطق مختلف و موفقیت آن همانند آنچه که تحقق یافت، پیش بینی نمی شد. اما تهاجم دشمن به فاو به دلیل اهمیت این منطقه همچنان مورد بحث و توجه قرار داشت.

در آستانه سال ۱۳۶۷ به دلیل وضعیت حاکم بر جنگ و نگرانی های موجود نسبت به گسترش دامنه جنگ، روند احتمالی رخدادهای سیاسی - نظامی آن بیش از گذشته مورد توجه کارشناسان و رسانه های خبری قرار گرفت. در این میان، به دلیل این که عملیات والفجر ۱۰ (۲) همانند سایر عملیات های گسترده پیشین منجر به درگیری عمیق نیروهای خودی با نیروهای اصلی ارتش عراق نشد و علاوه بر این، مردم بی دفاع و غیر نظامی حلبچه در معرض حملات شیمیایی هواپیماهای عراقی قرار گرفتند، لذا این عملیات بازتاب گسترده و تعیین کننده ای در روند جنگ نداشت، در نتیجه

ص: ۵۴

۱- ۱۴۸. در سال ۱۳۶۵ که سال تعیین سرنوشت جنگ نامیده می شد، ۳۰۰ گردان نیرو جذب شد و عملیات کربلای ۴ و ۵ انجام گرفت ولی جذب نیرو در سال ۱۳۶۶ متوقف شد، ضمن این که تمام توجه ایران در درگیری با امریکا در خلیج فارس متمرکز شده بود.

۲- ۱۴۹. برای اطلاع بیش تر، نگاه کنید به موضوع بازتاب عملیات والفجر ۱۰ مندرج در کتاب شلمچه تا حلبچه، تهیه شده به وسیله مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

همچنان این احتمال وجود داشت که ایران دست به عملیات گسترده ای بزند. عدم تحقق این امر و توجه به تجهیزات خریداری شده عراق در مقابل محدودیت هایی که به رهبری امریکا در زمینه خرید تجهیزات برای ایران اعمال می شد (۱) و نیز تأثیر آن بر خرید تکنولوژی پیش رفته و سیستم های نظامی مدرن و تأمین قطعات یدکی سلاح های موجود (۲)، این باور را در کارشناسان و تحلیل گران نظامی بیش از گذشته تقویت کرد که شرایط برای دست یابی ایران به پیروزی، دشوارتر شده است.

بر پایه همین ملاحظات و با وجود این که عملیات والفجر ۱۰ انجام شده بود، این موضوع مورد اشاره قرار می گرفت که «نشانه ای از حمله زمینی بزرگ ایران وجود ندارد». (۳) در روزنامه «واشنگتن پست» نیز کارشناسان نظامی بر این مساله تأکید کردند که، «احتمال نمی رود در آینده ای نزدیک، حمله بزرگ و دیر انتظار ایران علیه عراق آغاز شود». (۴).

در واقع، عملیات والفجر ۱۰ به دلیل منطقه عملیات و نتایج آن، انتظارات موجود را برآورده نکرده بود، زیرا در گذشته، تحرکات نظامی ایران به ویژه عملیات گسترده که تأثیرات قابل ملاحظه ای بر روند جنگ داشت، اساساً در منطقه جنوب انجام می شد. عدم تحقق این مهم، به منزله عدم تأثیر گذاری بر روند جنگ بود و در نتیجه، وجود نوعی انتظار برای انجام عملیات، سبب شد تا دلایل آن مورد بررسی قرار گیرد. «شائول بخاش»، یکی از کارشناسان، درباره ایران معتقد بود:

«ایران علاوه بر مشکلاتش برای خرید تسلیحات، به رغم تلفات سنگین در ژانویه ۱۹۸۷ میلادی [کربلای ۵] بر استحکامات عراق صدمه قابل ملاحظه ای وارد نکرده است» (۵).

برابر این تحلیل، تمرکز درگیری ایران با امریکا در سال ۱۳۶۶ در خلیج فارس و آسیب نرساندن قابل ملاحظه ای به سازمان و استحکامات عراق،

ص: ۵۵

۱- ۱۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۶۳، ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۶، خبرگزاری رویت، ریچارد مورفی معاون وقت وزارت خارجه امریکا.

۲- ۱۵۱. پیشین.

۳- ۱۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست، ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۷ شائول بخاش، استاد دانشگاه جورج میسور.

۴- ۱۵۳. واحد مرکزی خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۵- ۱۵۴. مأخذ ۳.

سبب شد تا عراق بر اثر فرصت به دست آمده، ضمن بازسازی و حفظ قوای خود، بر حجم و کارایی آنها نیز بیفزاید. در این باره، «کردزمن» معتقد است که مشکلات ایران در انجام حملات بزرگ در نیمه دوم سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) برای عراق «فضای تنفس حیاتی»، فراهم آورد که از آن برای سازمان دهی کامل نیروها و قابلیت های جدیدش بهره گرفت. (۱) همچنین در آن هنگام برخی از کارشناسان نظامی تلفات وارد شده به ایران در عملیات کربلای ۵ را ملاک قرار داده و اظهار کردند که ایران در حمله به بصره فراتر از آنچه که انتظار می رفت، متحمل هزینه و صدمه به تدارکات خود شد و نتوانست به آن چه که می خواست دست یابد.

علاوه بر این، تأثیر حملات هوایی عراق بر زیرساخت های اقتصادی ایران، همراه با کاهش تولید نفت که موجب تضعیف بنیه اقتصادی این کشور شد، به عنوان عامل تأثیر گذار در انجام عملیات نظامی مورد توجه قرار داشت. در این راستا، یکی از دیپلمات های ایران در بغداد در دیدار با یک دیپلمات خارجی گفت:

«دلایلی وجود دارد که انسان باور کند، خرابی اقتصادی ایران به خاطر جنگ و کاهش قیمت نفت (۲)، توانایی ایران را برای انجام نوعی هجوم که موجب پیروزی نظامی شود، تضعیف کرده است.» (۳).

این موضع به اندازه ای اهمیت داشت که فرمانده نظامی نیروهای امریکا در خلیج فارس نیز به آن اشاره کرد. (۴).

در پاره ای از تحلیل ها «عدم جذب نیروی کافی» به عنوان عامل اصلی ناتوانی ایران در انجام دادن یک رشته عملیات گسترده مورد توجه و تأکید قرار گرفت. (۵) به عقیده کردزمن، نخستین شکست ایران این بود که نتوانست

ص: ۵۶

۱- ۱۵۵. آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ های مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، (چاپ نشده).

۲- ۱۵۶. نشریه نظامی جینز دیفنس، چاپ لندن در همین زمینه کاهش درآمد ارزی ایران را به علت سقوط دلار و کاهش صادرات نفت به دلیل حملات پی در پی عراق به کشتی های حامل نفت ایران مورد توجه قرار داد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از جینز دیفنس، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷).

۳- ۱۵۷. بولتن خارجی وزارت اطلاعات، ۶۹۲، ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۴- ۱۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۸، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۵- ۱۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۷، نشریه نظامی جینز دیفنس، چاپ لندن، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷.

یک بسیج ملی که برتری قاطع از لحاظ نیروی انسانی آموزش دیده را نصیب آن کشور می کرد، عملی سازد. (۱) روزنامه «نیویورک تایمز» ضمن توجه به این عامل، علت آن را «نگرانی و نارضایتی از محرومیت های اقتصادی ناشی از جنگ» ذکر کرد (۲).

در فروردین سال ۱۳۶۷ به دلیل تحولاتی که به تدریج در حال وقوع بود، ساختار الگوهای موجود از کنش و واکنش های حاکم بر جنگ دست خوش تغییر شد. صاحب نظران و تحلیل گران رسانه های خبری نیز برخلاف ظاهر فریبنده وضعیت حاکم بر جنگ که اوضاع را به سود ایران نشان می داد، معتقد شدند که تحولات رخ داده نشانه های آشکاری از تغییر اوضاع به سود عراق است و از این پس عامل تعیین کننده در روند تحولات جنگ پیش از آن که متأثر از برتری ظاهری ایران باشد، متکی بر علل برتری ساز عراق خواهد بود (۳).

صرف نظر از ملاحظات سیاسی و نظامی که به طور آشکاری به سود عراق در حال تغییر بود، اوضاع داخلی ایران نیز به دلیل افزایش اختلاف نظرات سیاسی و مناقشات جناحی در آستانه فرا رسیدن انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی در نیمه دوم فروردین، از حساسیت خاصی برخوردار بود. فضای داخلی کشور عمیقاً درگیر انتخابات مجلس و فارغ از وضعیت حساس و نگران کننده روند جنگ بود، چرا که پیروزی در عملیات والفجر ۱۰، نوعی احساس آرامش نسبت به جبهه ها ایجاد کرده بود. طبیعتاً عراقی ها همان گونه که به ملاحظات نظامی توجه داشتند، اوضاع داخلی ایران را نیز در طرح ریزی تهاجم به فاو نادیده نگرفتند.

سرانجام، سومین دوره انتخابات در ۱۹ فروردین ۱۳۶۷ و زیر موشک باران تهران و سایر شهرها برگزار شد، اما با توجه به حساسیت های موجود در جبهه ها، امام خمینی (ره) در آستانه این انتخابات فرمودند:

«امروز روز مقاومت است، امروز روز درنگ نیست، امروز روز صیقل انسانیت

ص: ۵۷

۱- ۱۶۰. مأخذ ۶، ص ۲۰۵.

۲- ۱۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۴، ۲۴ / ۱ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۷.

۳- ۱۶۲. مأخذ ۶، ص ۳۸۹.

انسان هاست، روز جنگ است... درنگ امروز، فردای اسارت باری را به دنبال دارد.» (۱).

آقای هاشمی نیز در خطبه های نماز جمعه تهران تأکید کرد:

«زمان پر کردن جبهه ها است و جوان ها باید به سوی جبهه بشتابند... ما در یکی از حساس ترین مقاطع جنگی مان هستیم. اگر جبهه ها پر از جوان ها باشد، هر شرارتی را که دیدیم، می توانیم فوراً پاسخ بدهیم.»

وی سپس با استناد به سخنان امام (ره) در پیام نوروزی مبنی بر این که «حسینیان آماده باشید»، خطاب به جوانان گفت:

«شما همه مخاطب امام هستید و ما باید در جبهه حاضر باشیم» (۲).

تهاجمات استراتژیک عراق

سقوط فاو

در حالی که ایران در آستانه برگزاری انتخابات مجلس سوم و فرا رسیدن ماه مبارک رمضان بود و نیروهای خودی پس از انجام عملیات والفجر ۱۰ به شهرهای خود بازگشته بودند، ارتش عراق در ساعت ۵ بامداد روز یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ با اجرای آتش تهیه سنگین در سراسر خطوط و عقبه یگان های خودی در فاو و اجرای حمله شیمیایی به صورت گسترده، تهاجم خود را به فاو آغاز کرد. (۳) عراق برای حمله به فاو، ۲۶ ماه زیرسازی های (۴) لازم را به عمل آورده بود (۵) و ضمن انجام تلاش های گسترده، در انتظار فرصت مناسب برای حمله به فاو بود (۶).

ص: ۵۸

۱- ۱۶۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۷، امام خمینی، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷.

۲- ۱۶۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۷.

۳- ۱۶۵. سند شماره ۶۹۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش سقوط فاو، اسفند ۱۳۶۷، ص ۶۷.

۴- ۱۶۶. برابر گزارش نشریه «لوس آنجلس تایمز»، امریکایی ها در تعیین استراتژی عراق برای بازپس گیری فاو و ارائه تاکتیک های نظامی با ماکت سازی شبیه فاو مشارکت داشته اند. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، حوزه هنری، زمستان ۱۳۷۰، ص ۶۰).

۵- ۱۶۷. سردار محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاده (دافوس)، سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۷۴.

۶- ۱۶۸. فرمانده اسبق سپاه گارد عراق می گوید: «پس از تصرف فاو به وسیله ایرانی ها، صدام حسین بارها فرماندهان نظامی را فراخوانده و در اجلاس های متعدد بر ضرورت آزاد سازی شهر فاو تأکید کرد. سرانجام، پس از یک سلسله بحث های متعدد، کلیه طرح های لازم برای حمله به فاو آماده گردید. در طول دو سال گذشته ما به طور مستمر اطلاعات لازم را از نحوه آرایش نیروهای ایرانی مستقر در شهر فاو دریافت می کردیم و در عین حال نیروهای رزمی و تخصصی خود را برای انجام

عملیات بزرگ آزاد سازی شهر فاو انتخاب کرده بودیم. وسایل مورد نیاز و امکانات لجستیکی و پشتیبانی در طول این دو سال فراهم شد و در چند نوبت نیروهای شرکت کننده مانور لازم را انجام دادند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۱۳۶۷ / ۲ / ۲۷، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی).

استعداد نیروهای دشمن در این عملیات بالغ بر ۴۸ تیپ، بیش از ۱۲۰۰ تانک و نفربر و ۳۵ گردان توپخانه با سازمان سپاه هفتم و سپاه گارد بود (۱).

با توجه به نگرانی‌هایی که نسبت به هجوم احتمالی دشمن به منطقه فاو وجود داشت، از یک هفته قبل از تهاجم دشمن، قرارگاه سیدالشهدا علیه السلام (۲) به یگان‌های پدافند کننده در خط فاو آماده باش صد در صد داده بود، اما به دلیل تحرکات نسبتاً مداوم دشمن در این منطقه طی دو سال گذشته و اعلام آماده باش های مکرر، یگان‌های یاد شده، اعلام آماده باش جدید را نیز همچون گذشته ارزیابی کردند، علاوه بر آن استحکامات خطوط پدافندی خودی در منطقه فاو، نوعی اطمینان به وجود آورده بود. (۳) بخشی از نیروهای یگان‌های مستقر در خط فاو نیز که در منطقه عملیات والفجر ۱۰ شرکت داشتند، در مرخصی به سر می‌بردند و غیر از نیروهای موجود در خط، نیروی دیگر وجود نداشت (۴).

در غروب روز ۲۷ فروردین ۱۳۶۷ فرمانده یکی از گردان‌های لشکر امام حسین علیه السلام، مشاهده می‌کند که یک گردان از نیروهای دشمن با کلاه آهنی و برانکار در حال حرکت بودند. علایم نشان می‌داد که نیروهای عراقی در حال آفند به سر می‌بردند. با افزایش احتمال حمله دشمن، تنها کم‌تر از ۱۲ ساعت قبل از آن، بار دیگر به نیروها اطلاع داده شد که عراق می‌خواهد حمله کند. (۵) با تاریک شدن هوا در ساعت ۲۴، آتش تهیه جلوی خط لشکرهای امام حسین علیه السلام و ثارالله اجرا شد. به دلیل نگرانی‌های موجود، نیروها

ص: ۵۹

۱- ۱۶۹. معاونت سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشریه «بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۵.

۲- ۱۷۰. منطقه عملیاتی فاو پس از تصرف به دست جمهوری اسلامی ایران، در حالت پدافند تحت اداره و نظارت قرارگاه سیدالشهدا (ع) قرار گرفت.

۳- ۱۷۱. مأخذ ۱۵، ص ۵۷.

۴- ۱۷۲. پیشین، ص ۵۹.

۵- ۱۷۳. پیشین، ص ۶۰، مصاحبه با یکی از فرماندهان گردان از لشکر امام حسین (ع)، نوار ۱۳۶۷ / ۲ / ۲.

تا صبح بیدار بودند و سیستم ارتباطی فعال بود. (۱) در این زمان استعداد نیروهای خودی در خط شش تا هفت گردان و در احتیاط پنج گردان بودند و استعداد توپخانه نیز ۱۵ گردان بود. (۲) به عبارت دیگر، استعداد نیروهای خودی از یک لشکر تجاوز نمی کرد، حال آن که دشمن با دو سپاه و با استعدادی بیش از ۱۲ لشکر آماده حمله بود.

با وجود آمادگی نیروهای خودی، سلاح ها و ادوات موجود در خط دوم بر اثر حجم گسترده آتش دشمن منهدم و بر اثر حملات شیمیایی (۳) نیز نیروهای مسئول و خدمه یگان های ادوات، ضد زره و توپخانه زخمی و شهید شدند و امکان پشتیبانی آتش از نیروهای درگیر در خط، در همان آغاز عملیات از میان رفت. (۴) یگان های زرهی و پیاده دشمن از ساعت ۵:۳۰ دقیقه بامداد از معابری که پیش از این شناسایی شده بودند، هجوم خود را آغاز کردند. به همراه یگان های زرهی، دستگاه های مهندسی دشمن نیز در حرکت بودند و بریدگی های موجود بر روی جاده را پر کرده و موانع را به سرعت برطرف می کردند و به پیش روی خود ادامه می دادند. (۵) در این عملیات، یگان های سپاه گارد عراق در حد فاصل جاده «استراتژیک» تا «خور عبدالله» و یگان های سپاه هفتم عراق در حد فاصل اروند تا جاده استراتژیک گسترش یافته و به اجرای عملیات پرداختند. (۶) در این حال، فشار دشمن بر روی جاده استراتژیک برای ایجاد رخنه در خط خودی متمرکز بود. تانک ها و نفربرهای دشمن که بر روی جاده منهدم شده بودند، بلافاصله از روی جاده خارج شده و پیش روی ادامه یافت. بر اثر این فشارها، سرانجام نیروهای دشمن خطوط پدافندی نیروهای خودی بر روی جاده استراتژیک و وسط کارخانه نمک را شکستند. (۷) بخشی از نیروهای دشمن که لباسی شبیه لباس بسیج به تن داشتند و برخی نیز به زبان فارسی صحبت می کردند، به داخل نیروهای خودی رخنه

ص: ۶۰

۱- ۱۷۴. پیشین، ص ۶۱، مصاحبه با معاون عملیات قرارگاه سیدالشهداء (ع)، نوار مصاحبه ۲ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۱۷۵. پیشین، ص ۶۴.

۳- ۱۷۶. دشمن در حملات شیمیایی به توپخانه خودی، از گاز سیانور استفاده کرد.

۴- ۱۷۷. پیشین، ص ۶۷.

۵- ۱۷۸. پیشین، ص ۶۷.

۶- ۱۷۹. پیشین، پاورقی ص ۶۸.

۷- ۱۸۰. پیشین، ص ۶۸.

کردند. (۱) (۲) علی رغم برتری قابل ملاحظه نیروهای دشمن که خط دفاعی نیروهای خودی را بر اثر آتش و فشار نیروی زرهی درهم شکسته و پیش روی می کردند، اما بر اثر مقاومت نیروهای خودی بار دیگر به عقب رانده شدند و رخنه ها ترمیم شد. (۳) سماجت نیروهای عراقی در پیش روی با وجود تلفاتی که بر آنها وارد آمده بود، نشان می داد که از وضعیت خطوط خودی و نیروهای موجود در آنها اطلاعات کافی داشته و بر این باور هستند که این مقاومت ها شکسته خواهد شد (۴).

ساعت ۷ صبح، خبر حمله به فاو از منطقه عملیاتی به آگاهی مسئولان و فرماندهان سپاه رسید و تلاش برای آزاد کردن یگان های سپاه از سایر مناطق به ویژه ماووت و حلبچه در شمال غرب - که تا فاو ۱۰۰۰ کیلومتر فاصله داشت - با جایگزین کردن یگان های ارتش در آن مناطق آغاز شد. همچنین، برای به کارگیری هلی کوپتر و هواپیما و فعال کردن سیستم ضد هوایی «هاگ» ارتش، تماس با تهران نیز شروع شد. (۵) فرماندهانی که برای همایش در کرمانشاه حضور داشتند، به سرعت به سمت منطقه فاو حرکت کردند و از ساعت ۸:۳۰ صبح به تدریج در منطقه حضور یافتند. (۶) به دلیل نبودن اطلاعات و ارزیابی صحیح از حرکت دشمن، احتمال داده می شد که حرکتی شبیه حرکات متکی به استراتژی دفاع متحرک در حال اجراست؛ لذا برخی فرماندهان در خصوص هدف نهایی دشمن و احتمال این که می خواهد تمامی فاو را تصرف کند تردید داشتند (۷).

به موازات پیش روی نیروهای دشمن در فاو، ۵۰ فروند قایق و تعدادی ناو و ناوچه عراقی در خور عبدالله آماده شدند تا در ساحل فاو نیرو پیاده کنند. (۸) بر اثر فشار دشمن، در حوالی ظهر تقریباً رخنه نیروهای دشمن در برخی از محورها با شکسته شدن خط کامل شد و سپس، در پشت مواضع نیروهای

ص: ۶۱

۱- ۱۸۱. پیشین، ص ۶۸، جلسه قرارگاه نیروی زمینی، نواری، ۱۸/۲/۲، ۱۳۶۷.

۲- ۱۸۲. برابر گزارش های موجود، منافقین در این عملیات مشارکت داشتند.

۳- ۱۸۳. پیشین، ص ۷۷.

۴- ۱۸۴. پیشین، ص ۷۷.

۵- ۱۸۵. پیشین، ص ۷۰.

۶- ۱۸۶. پیشین، ص ۷۲.

۷- ۱۸۷. پیشین، صص ۷۸ و ۸۱.

۸- ۱۸۸. پیشین، ص ۷۷.

خودی به پیش روی ادامه دادند. (۱) در پی موفقیت دشمن در این مرحله، رادیو عراق در ساعت ۱۵:۱۵ دقیقه بعد از ظهر اعلام کرد که عملیات «رمضان المبارک» برای آزاد سازی فاو با شرکت سپاه هفتم و سپاه گارد آغاز شده است. (۲) بدین ترتیب، از بعد از ظهر همان روز تقریباً جمع بندی نسبتاً روشنی از اهداف دشمن به دست آمد و بر دامنه نگرانی ها افزود.

از عصر روز ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ ارتش عراق هم زمان با پیش روی در منطقه فاو، در منطقه شلمچه اقدام به تحرک زرهی و استفاده از سلاح شیمیایی و در منطقه خرمشهر اوایل شب مبادرت به اجرای آتش شدید کرد. به نظر می رسید، دشمن دو هدف را پی گیری می کرد، نخست از بین بردن تمرکز فرماندهی و ایجاد تشتت در افکار فرماندهانی که به منظور مقابله با دشمن در فاو متمرکز شده بودند و دوم جلوگیری از انتقال نیرو و امکانات از مناطق نزدیک، به منطقه فاو. (۳) وضعیت نیروهای خودی با وجود حضور فرماندهان سپاه، همچنان به دلیل فقدان نیرو و آتش پشتیبانی، نامطلوب بود. در پی تهاجم شیمیایی دشمن و تلفات وارده به توپخانه از ساعت ۱۱ صبح روز اول عملاً هیچ گونه آتشی علیه دشمن وجود نداشت. (۴) در مقابل، آتش توپخانه دشمن با هلی کوپتر هدایت می شد و دارای حجم بسیار بالایی بود. از ساعت ۱۷:۳۰ آتش دشمن به تدریج کاهش یافت و این موضوع، نشان دهنده تغییر مواضع توپخانه به سمت جلو بود (۵).

با تاریک شدن هوا در پایان روز ۲۸ فروردین ۱۳۶۷، فشار دشمن همچنان تا نیمه شب ادامه یافت. به نظر می رسید نیروهای دشمن تلاش می کنند در مواضع پدافندی مناسبی مستقر شوند. (۶) وضعیت حاکم در صحنه درگیری و گزارش هایاصله در پایان روز نشان می داد که حفظ فاو بسیار دشوار است. در این شرایط، ضرورت حمله به دشمن بر همگان روشن بود (۷)، زیرا نیروهای دشمن با وجود پیش روی های انجام شده، همچنان گیج و

ص: ۶۲

۱- ۱۸۹. پیشین، صص ۷۴ و ۷۵.

۲- ۱۹۰. پیشین، ص ۸۱.

۳- ۱۹۱. پیشین، ص ۱۱۲.

۴- ۱۹۲. پیشین، ص ۸۲.

۵- ۱۹۳. پیشین، ص ۹۶.

۶- ۱۹۴. پیشین، ص ۹۶.

۷- ۱۹۵. پیشین، ص ۱۰۳.

آسیب پذیر بودند، لذا تهاجم شبانه به دشمن می توانست علاوه بر تحمیل تلفات بر دشمن، از توان آنها برای تهاجم در روز بعد بکاهد. بر پایه این ملاحظه، پی گیری برای انتقال نیرو، هلی کوپتر، هواپیما، توپخانه، ضد زره و پدافند هوایی در دستور کار مسئولان و فرماندهان خودی قرار گرفت. (۱) و طرح مانور برای حمله به دشمن نیز آماده شد. (۲) تأخیر در اعزام نیرو باعث شد تا عملیات نیز ساعت ۴ تا ۴:۳۰ بامداد روز ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ با تأخیر انجام شود. در این عملیات نیروهای سه لشکر نجف، کربلا و امام حسین علیه السلام به دشمن حمله کرده و شمار زیادی از نیروهای آنان را کشته و امکاناتشان را منهدم کردند (۳).

با روشن شدن هوا، مرحله سوم عملیات دشمن از ساعت ۵ صبح ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ و با اجرای آتش تهیه آغاز شد. برابر گزارش شنود رادیویی (۴) و دستور اجرای مرحله سوم عملیات در روز دوم حمله دشمن، این مسئله روشن شد که طرح دشمن در سه مرحله به شرح زیر بوده است: مرحله اول، شکستن خط بود که پیش از ظهر روز اول انجام گرفت. مرحله دوم، پیش روی تا دروازه شهر فاو بود که در بعد از ظهر روز اول تا اندازه ای تأمین شد و مرحله سوم، تصرف شهر فاو و پیش روی تا دهانه اروند بود (۵).

نیروهای دشمن در روز دوم با روحیه مضاعف پیش روی خود را آغاز کردند، اما هنوز درخواست نیروهای خودی برای هواپیما و هلی کوپتر که از ۲۴ ساعت قبل آغاز شده بود، به نتیجه نرسیده بود. (۶) سرانجام، ساعت ۶:۴۰ دقیقه فرمانده نیروی هوایی ارتش اعلام کرد، جاده های دشمن را دو بار بمباران کرده اند (۷).

عراقی ها که در آستانه ورود به شهر فاو بودند، پل بعث را که تنها پل ثابت و اصلی ترین راه تدارک نیروهای خودی در منطقه بود، هدف راکت قرار دادند و چند نقطه از آن را تخریب کردند. بر اثر ادامه حملات، پل دچار آسیب

ص: ۶۳

۱- ۱۹۶. پیشین، ص ۸۷.

۲- ۱۹۷. پیشین، ص ۱۰۸.

۳- ۱۹۸. پیشین، ص ۱۱۵.

۴- ۱۹۹. پیشین، ص ۱۱۷.

۵- ۲۰۰. پیشین، ص ۱۵۰.

۶- ۲۰۱. پیشین، ص ۱۱۷.

۷- ۲۰۲. پیشین، ص ۱۱۸.

زیادی شد به گونه ای که امکان ترمیم آن وجود نداشت، در پی این حادثه تردد خودی از روی پل به تدریج کند شد و به موازات آن، تلاش نیروهای خودی برای خروج از شهر فاو افزایش یافت. (۱) در واقع، ورود دشمن به شهر فاو به منزله آغاز شمارش معکوس برای سقوط منطقه فاو بود، زیرا کلیه خطوط دفاعی درهم شکسته شده بود و تشکیل خط دفاعی جدید نیز به امکانات مهندسی و زمان نیاز داشت. تشدید حملات هوایی دشمن به پل باعث بیش از پیش بر مشکلات پشتیبانی و تردد نیروها افزود. عوامل روانی ناشی از این وضعیت به تدریج زمینه تخلیه شهر فاو را فراهم ساخت.

با وجود تلاش فرماندهان و گرفتن قول مساعد برای استقرار سیستم موشکی هاگک در منطقه به منظور مقابله با تهاجم هوایی دشمن به پل بعثت، تا نزدیک ظهر هیچ گونه اقدامی صورت نگرفت.

فرماندهان سپاه تلاش های زیادی برای دریافت امکانات اعم از نیرو، هلی کوپتر، هواپیما، سیستم پدافندی هاگک انجام دادند، ولی همانند سایر نیازمندی های سپاه، این درخواست ها نیز تأمین نشد. فرماندهی سپاه طی روز اول و دوم تلاش زیادی برای متقاعد ساختن مسئولان به منظور اعلان بسیج عمومی انجام داد، ولی به نتیجه نرسید و تنها در ساعت ۱۱:۲۰ دقیقه روز دوم امام خمینی (ره) به مسئولان کشوری دستور لازم را برای در اختیار گذاشتن امکانات به سپاه صادر کردند و فرمودند که همانند عملیات کربلای ۵ هر چه را که سپاه نیاز دارد در اختیار قرار دهند (۲).

در گام بعدی دشمن با پیش روی در شهر فاو به ساحل اروندرود نزدیک شد و با تصرف اسکله فاو، امکان تردد قایق های خودی را برای پشتیبانی نیروها و یا تخلیه آنها از منطقه فاو از میان برد. با روشن شدن وضعیت منطقه، همه تلاش ها برای نجات نیروهای محاصره شده متمرکز شد. (۳) در این وضعیت که عملاً امکان درگیری وجود نداشت، تنها راه عقب نشینی، این بود

ص: ۶۴

۱- ۲۰۳. پیشین، ص ۱۲۱.

۲- ۲۰۴. پیشین، ص ۱۳۹.

۳- ۲۰۵. پیشین، ص ۱۳۰.

که نیروها از طریق چولان‌ها (۱) به ساحل رسیده و با شنا از رودخانه اروند عبور کنند. (۲) محل قرارگاه فرماندهی سیدالشهدا علیه السلام نیز از نزدیکی شهر فاو به نزدیکی پل بعثت منتقل و اسناد آن تخلیه شد (۳).

بعد از ظهر روز دوم، به دلیل از هم پاشیدگی نیروهای خودی و فقدان خط دفاعی و به موازات آن، وسعت و حجم پیش روی نیروهای دشمن، امکان مهار و اداره اوضاع به کلی از میان رفت (۴) و به همین دلیل، دستور عقب نشینی و تخلیه منطقه رسماً صادر شد. (۵) با تاریک شدن هوا، تلاش برای ترمیم پل بعثت تا ساعت ۲۴ به طول انجامید و همچنان تلاش برای تخلیه نیرو و امکانات ادامه داشت. (۶) هر چند نیروهای دشمن - با وجود تسلط بر منطقه - از نزدیک شدن به پل بعثت وحشت داشتند اما امکان ادامه حضور نیروهای خودی وجود نداشت و منطقه فاو پس از دو سال و سه ماه به طور کامل تخلیه شد (۷) (۸).

ارزیابی علل سقوط فاو

سقوط فاو در مدت ۳۶ ساعت (۹) و تأثیرات ناشی از وقوع این حادثه در تغییر توازن قوا به سود عراق، سئوالات و ابهامات بسیاری را در آن زمان مطرح کرد که تاکنون پاسخ روشنی برای آنها ارائه نشده است. سرعت سقوط فاو با توجه به ذهنیت موجود در جامعه در مورد توانایی قوای نظامی ایران و ضعف و ناتوانی نیروهای دشمن باعث شد، حتی برخی اشخاص و محافل با تحلیلی هر چند غیر منطقی و عجولانه، این واقعه را به عنوان اقدام عمدی ایران، با هدف پایان بخشیدن به جنگ ارزیابی کنند. این تحلیل نشان دهنده حیرت و

ص: ۶۵

۱- ۲۰۶. نیزارهای بلند.

۲- ۲۰۷. پیشین، ص ۱۳۱.

۳- ۲۰۸. پیشین، ص ۱۳۲.

۴- ۲۰۹. پیشین، ص ۱۳۲.

۵- ۲۱۰. پیشین، ص ۱۳۵.

۶- ۲۱۱. پیشین، ص ۱۴۲.

۷- ۲۱۲. پیشین، ص ۱۳۵.

۸- ۲۱۳. دو تن از راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه که همراه فرمانده کل و فرمانده نیروی زمینی سپاه در حادثه سقوط فاو حضور داشتند، جزوه مفصلی در ۲۰۰ صفحه رحلی از رخدادهای ۴۸ ساعته فاو تهیه کرده اند که در آن، ساعت به ساعت وقایع سقوط فاو در دو سطح فرماندهی و عملیاتی گزارش شده است.

۹- ۲۱۴. مأخذ ۱۶.

شگفتی از سقوط فاو و اجتناب از پذیرش برتری عراق بود. (۱) چنین ذهنیتی بیش از آن که متأثر از واقعیات حاکم بر جنگ باشد، ناشی از تبلیغاتی بود که به طور پیوسته از موقعیت خودی و دشمن، ترسیم می شد و ذهنیت جامعه را شکل می داد. به عبارت دیگر، شکاف موجود میان واقعیات جنگ و درک مردم از آن، برداشت و تحلیل های متفاوت و گاه غیر واقع بینانه را در جامعه به وجود آورد که تنها با تداوم حملات دشمن در سایر مناطق و پیش روی به سمت خرمشهر و اهواز درهم شکسته شد، هر چند با تشدید نگرانی و احساس خطر از وضعیت جدید بار دیگر نیروهای داوطلب به سمت جبهه ها گسیل شدند. در هر صورت، اکنون با گذشت بیش از ۱۱ سال از زمان سقوط فاو و تغییر شرایط، تا اندازه ای زمینه تجزیه و تحلیل علل سقوط سریع فاو فراهم شده است که به اجمال در این بخش به آن اشاره خواهد شد.

سقوط فاو در یک نگاه اجمالی و کلی حاصل برتری کمی فوق العاده عراق از نظر نیرو و تجهیزات و نیز تغییر استراتژی آن کشور از پدافند به آفند در پایان جنگ بود. حضور نیروهای ایران در شمال غرب (۲) در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از فاو و غافل بودن جمهوری اسلامی ایران از تغییر استراتژی عراق، علل مؤثر دیگری در سقوط فاو بودند. (۳) البته تاکنون به دلیل نگاه سطحی برخی تحلیل گران داخلی و با تأثیر پذیری از تحلیل رسانه های خارجی آنچه در مورد علل سقوط فاو به صورت محوری تر مورد تأکید قرار گرفته است، غافل گیری ایران و استفاده عراق از سلاح شیمیایی می باشد، حال آن که این مسئله در مقایسه با برتری عراق و تغییر استراتژی این کشور - که با حمایت

ص: ۶۶

۱- ۲۱۵. در این زمینه بسیاری از کارشناسان نظامی نیز تصور نمی کردند که ارتش عراق به دلیل برخوردار نبودن از آموزش کافی و روحیه تهاجمی، دست به تهاجم بزند. (معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، خرداد ۱۳۶۷، ص ۲، به نقل از نیویورک تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷).

۲- ۲۱۶. برای آگاهی بیش تر، نگاه کنید به کتاب بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، ص ۴۱۵ تا ۴۲۷، مقاله جنگ، انقلاب و روحیه: قدرت ایران در جنگ خلیج فارس، نوشته جیمزبیل.

۳- ۲۱۷. مصاحبه اختصاصی با سردار غلامعلی رشید، درباره تحولات جنگ پس از سقوط فاو، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۷.

گسترده جهانی همراه بود - نقش و تأثیر کم تری داشته است.

پدیده غافل گیری ایران نیاز به بررسی بیش تری دارد. چنان که پیش از این اشاره شد و اسناد و مدارک آن موجود است، حساسیت و اهمیت منطقه فاو و تلاش های مکرر عراق برای بازپس گیری آن، سبب شده بود که احتمال حمله دشمن به این منطقه و نگرانی نسبت به نتایج آن همواره وجود داشته باشد و حتی در زمستان سال ۱۳۶۶ نیز بار دیگر بر این مسئله تأکید شد.

در اسفند سال ۱۳۶۶ برادر غلامعلی رشید، معاونت طرح و برنامه قرارگاه خاتم ۱ (سپاه) اظهار داشت:

«امسال، سالی است که هم ما باید از حمله دشمن در جنوب خوف داشته باشیم، و هم او خوف دارد مثل هر سال.»

وی با توجه به این که در سال های گذشته همواره دشمن نگران هجوم بزرگ ما بود، تأکید کرد:

«امسال به عکس، ما بایستی مثل او خوف داشته باشیم» (۱).

برادر رضایی، فرمانده کل سپاه نیز با توجه به حملات مکرر منافقین و سایر ملاحظات، در ۲ فروردین ۱۳۶۷ گفت:

«ما نگران خطوط پدافندی هستیم» (۲).

وی همچنین پیش بینی کرد:

«با توجه به شرایطی که وجود دارد، از جمله مشکلات جذب نیرو، بودجه، زمین گیر شدن نیروهای سپاه در خطوط پدافندی، عدم انطباق مأموریت سپاه با وسعت سازمان آن و سایر عوامل، یک سال طول می کشد تا از خطوط پدافندی اطمینان حاصل کنیم و طی این مدت، احتمالاً دو تا سه ضربه محکم خواهیم خورد.» (۳).

با وجود این حساسیت ها، هوشیاری و دقت همراه با ارائه تحلیل و پیش بینی لازم درباره احتمال تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند وجود

ص: ۶۷

۱- ۲۱۸. مأخذ ۱۵، ص ۴۳.

۲- ۲۱۹. پیشین، ص ۲۱.

۳- ۲۲۰. پیشین، ص ۷۷.

نداشت (۱) سردار «غلامعلی رشید» در مصاحبه اخیر خود در ۲۳ مهر ۱۳۶۷، در توضیح این مسئله گفت: تمام حرکت های عراق به عنوان یک استراتژی، در ذهن ما نبود. سه مسئله بر تفکر ما سایه افکنده بود: نخست، تحلیل غلط از تلفات دشمن در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ که بیشترین خسارت را متوجه ما کرد. دوم، بن بست در جنوب و رفتن به شمال غرب و مهم تر از همه، عدم تصور از تغییر استراتژی دشمن بود. (۲) در این میان، حضور نیروهای ایران در شمال غرب با فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از فاو که به منزله تغییر استراتژی ایران بود، مسئله بسیار مهمی محسوب می شد، زیرا شبکه فرماندهی، لجستیک و نیروهای ایران در جنوب مستقر بود.

مسطح بودن زمین، نزدیکی فواصل جبهه ها، تکرار یک سلسله عملیات آفندی و پدافندی در این زمین و رفع ضعف ها و کاستی ها موجب برتری ایران بر عراق شده بود. حال آن که این برتری ها در منطقه شمال غرب نبود (۳).

در نتیجه، زمان لازم و مناسب برای عراق به منظور انتقال نیروها و امکانات و استقرار آن در منطقه جنوب فراهم شد. این همان فرصتی بود که این کشور همواره مترصد بهره برداری از آن بود که در عمل حاصل شد. حال با این ملاحظه کلی جای سؤال وجود دارد که «با وجود نگرانی های موجود به برتری عراق و احتمال تهاجم عراق به فاو، چرا همچنان نیروهای ایران در منطقه شمال غرب به حملات خود ادامه می دادند؟». پس از پاسخ به این سؤال مسلماً سؤال دیگری وجود دارد که باید به آن پاسخ داد؛ «آیا حضور نیروهای ایران در منطقه جنوب می توانست علاوه بر حفظ فاو، تهاجمات دشمن را در سایر مناطق مهار کند؟»

حضور نیروهای ایران در منطقه شمال غرب در پاییز و زمستان سال ۱۳۶۶

ص: ۶۸

۱- ۲۲۱. بعدها روزنامه نیویورک تایمز نوشت: «فرماندهان ایرانی در فاو فکر نمی کردند عراقی ها خواست و یا توان حمله به مواضع دفاعی قوی آنها را داشته باشند و عراقی ها از این احساس امنیت غلط بهره برداری کرده و ایرانی ها را صبح یکشنبه غافل گیر کردند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲/ ۲ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز، ۱ / ۲ / ۱۳۶۷).

۲- ۲۲۲. مأخذ ۵۹.

۳- ۲۲۳. پیشین.

و بهار سال ۱۳۶۷ حاصل بن بست در منطقه جنوب بود. مهم تر آن که چنین پیش بینی می شد، با تداوم پیش روی در منطقه غرب و تهدید شهرهای کرکوک و تصرف سلیمانیه، نیروهای عراقی سرانجام از جنوب جا کن شده و به غرب خواهند آمد. در زمستان سال ۱۳۶۶ و به هنگام انجام عملیات بیت المقدس ۲ بر روی ارتفاعات «قمیش»، «دولبشک» و سایر ارتفاعات مشرف به «سلیمانیه»، برادر رضایی گفت:

«ما پیش روی می کنیم و این جا دو احتمال وجود دارد: یا دشمن به منطقه غرب می آید یا وقتی مشاهده کند ما در جنوب نیستیم، حمله می کند» (۱).

پیروزی در عملیات والفجر ۱۰ و ستون کشی دشمن به غرب در اسفند سال ۱۳۶۶ (برابر گزارش قرارگاه کربلا) (۲) صحت این تحلیل را نمایاند و به خوش بینی موجود دامن زد و این تصور وجود داشت که نیروهای لشکر گارد نیز به منطقه غرب آمده اند. حملات دشمن در منطقه سپاه یکم و دوم در ۲۶ فروردین ۱۳۶۷ بر روی شاخ شمیران و در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ بر روی ارتفاعات «ریشن»، در تداوم این خوش بینی ها تأثیر داشت (۳).

با توجه به وضعیت حاکم بر صحنه نظامی جنگ در منطقه جنوب، اساساً سه راه کار (۴) فرا روی ایران قرار داشت: نخست، بر پایه این احتمال که دشمن سرانجام به منطقه جنوب حمله خواهد کرد، با پدافند در این منطقه برای مقابله با تهاجم احتمالی عراق، آمادگی لازم حاصل شود. این راه حل با توجه به این که منطقه مورد تهاجم در جنوب مشخص نبود، تأثیر چندانی بر ممانعت از غافل گیری ایران نداشت، ضمن این که انجام ندادن عملیات خودی نیز زیان های خاص خود را در پی داشت، به ویژه این که عادت نیروهای بسیجی

ص: ۶۹

۱- ۲۲۴. مأخذ ۱۵، صص ۲۸ و ۲۹.

۲- ۲۲۵. مأخذ ۱۵، ص ۴۲، فرماندهی قرارگاه کربلا در جنوب.

۳- ۲۲۶. پیشین، ص ۴۵.

۴- ۲۲۷. تیمسار شمخانی در دوره عالی جنگ سپاه طی بحث هایی که در این زمینه انجام شد، بر این نظر بود که ما سه راه حل داشتیم: اول پدافند در برابر تهاجم عراق و کسب آمادگی برای انجام آن؛ دوم آفند به نقاط حساس که با تداوم جنگ در منطقه غرب کشور دنبال شد؛ و راه حل سوم صلح بود که برای انجام آن تلاش می شد. (دوره عالی جنگ سپاه، ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۷۴).

حضور در آفند و مراجعت به شهرها در هنگام پدافند بود بنابراین، در صورت اتخاذ استراتژی پدافندی، حداقل در کوتاه مدت امکان استفاده وسیع از نیروهای بسیج وجود نداشت. راه دوم، انجام عملیات در منطقه شمال غرب با امیدواری به جا کن شدن دشمن از جنوب بود که این کار انجام شد ولی به نتیجه نرسید. راه حل آخر، برقراری صلح بود که تلاش برای انجام آن با چانه زنی سیاسی در مورد تغییر بندهای قطع نامه ۵۹۸ به وسیله وزارت خارجه ایران پی گیری می شد.

بر پایه این ملاحظات به دلیل افزایش توان رزمی ارتش عراق، حضور یا عدم حضور در منطقه جنوب تأثیر تعیین کننده ای در روند تحولات جنگ - در صورت آغاز تهاجم عراق - به سود ایران نداشت. حتی با فرض تمرکز نیروهای ایران در منطقه فاو، سقوط این منطقه تنها با تأخیر صورت می گرفت. (۱) به همین دلیل، پس از استماع گزارش فرماندهان از سقوط فاو، آقای هاشمی رفسنجانی گفت:

«اگر ۴۰ گردان هم نیرو داشتیم، باز دشمن فاو را می گرفت.» (۲).

به نظر می رسد ریشه مشکلات و آن چه ایران را در وضعیت نامطلوب و شبیه به بن بست قرار داده بود در واقع متأثر از عقب ماندگی استراتژیک ایران در برابر عراق طی شش سال - پیش از سقوط فاو - بود. آن چه در سال های قبل و پس از فتح خرمشهر انجام گرفت با وجود تلاش ها، رشادت های ممکن و موفقیت های بزرگ، در سطح نظامی فاقد ویژگی جنگ تمام عیار و همه جانبه بود و در بعد سیاسی نیز از مشخصه تلاش جدی و زمینه ساز برای صلح برخوردار نبود. (۳) حال آن که عراق با اصلی پنداشتن جنگ تمام عیار،

ص: ۷۰

۱- ۲۲۸. پیشین، ص ۱۵۴.

۲- ۲۲۹. پیشین.

۳- ۲۳۰. یکی از نمایندگان شورای اسلامی در اظهارات خود در نطق پیش از دستور در مورد شرایط دو گانه ایران گفت: وضعیت امروز حکایت دارد که هم جنگ در جبهه باشد و هم زندگی عادی در پشت جبهه، عده ای می جنگند و عده ای زندگی می کنند. شرایط این گونه حکم می کند که این وضعیت قابل استمرار نیست و اگر تصمیمی گرفته نشود، برای جامعه شکنندگی به وجود می آید».

استراتژی نظامی را اتخاذ کرد. ترسیم چگونگی استقرار ایران در وضعیت دو گانه تا اندازه ای می تواند مشکلات و چالش های ایران را روشن کند. به همین دلیل، پس از سقوط فاو، برخی از فرماندهان با بررسی شرایط و دشواری های موجود پیشنهادهایی را برای پایان جنگ ارائه کردند، زیرا شرط ادامه جنگ، آمدن همه و بسیج کلیه امکانات بود. با این وضعیت، ادامه جنگ عملی نبوده و راهی جز اتمام جنگ وجود نداشت. (۱) در جلسه ای که در قرارگاه امام علی علیه السلام در ۱۰ کیلومتری شمال شلمچه برگزار شد، ضرورت بسیج امکانات و آمدن نیروها به عنوان یک ضرورت مطرح شد (۲).

دیگر دلایل سقوط فاو

صرف نظر از ملاحظات کلی که مورد تأکید قرار گرفت، در سطوح پایین تر، آن چه که به پیروزی عراق در فاو کمک کرد، عمدتاً ناشی از عوامل زیر بود:

۱- برنامه ریزی دقیق و دراز مدت برای بازپس گیری فاو؛ چنان که در فرصت های مختلفی عراق در این زمینه تلاش کرد که به نتیجه نرسید، ولی سرانجام با گسترش سازمان و برگزاری مانورهای مناسب بر روی ماکت منطقه فاو از آمادگی لازم برخوردار شد. پیش از این عدنان خیرالله، وزیر دفاع وقت عراق اعلام کرده بود، تصرف دوباره فاو مشروط به برقراری توازن روحیه و توان است. (۳) این امر در ارتش عراق پس از دو سال و اندی حاصل شد.

۲- جمع آوری اطلاعات بسیار دقیق از مواضع استقرار نیروهای ایران در منطقه فاو (۴) با استفاده از عکس های هوایی، ماهواره ای و کمک اطلاعاتی امریکا و منافقین.

۳- رعایت حفاظت به نحو مطلوب با جابه جایی نیروها در تاریکی شب؛ (۵) در شرایطی که دشمن در ۲۷ فروردین ۱۳۶۷ تا صبح روز بعد بالغ بر

ص: ۷۱

۱- ۲۳۱. مأخذ ۵۹.

۲- ۲۳۲. پیشین.

۳- ۲۳۳. مأخذ ۱۷، ص ۱۰.

۴- ۲۳۴. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۳۱۷، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از «الدستور»، چاپ انگلیس، ۷ مه ۱۹۸۸، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۷، ژنرال «موگن»، کارشناس نظامی فرانسه.

۵- ۲۳۵. مأخذ ۱۵، ص ۵۱.

۱۵۰۰ دستگاه خودرو وارد وفا کرد (۱)، لیکن تحرکات خود را کاملاً عادی نشان می داد و حتی آتش دشمن کاهش یافته بود. به همین دلیل، هیچ گزارش اطلاعاتی در مورد تقویت دشمن در فاو منتشر نشد (۲).

۴- اجرای طرح فریب با تظاهر به ستون کشی به غرب و اجرای تک در منطقه سپاه اول و دوم.

۵- طرح ریزی عملیاتی مناسب و استفاده از گاز سیانور در بمباران شیمیایی پشت خطوط، توپخانه ها و خمپاره اندازهای خودی که از همان آغاز عملیات، آتش توپخانه ایران را از کار انداخت.

۶- بهره برداری از فرصت با توجه به غافل گیری ایران که دشمن با توجه به حضور نیروهای ایران در منطقه شمال غرب در مدت ۱۲ ساعت با استفاده از فرصت توانست با تکیه بر برتری توان، اوضاع را به طور کامل به سود خود تثبیت کند.

۷- استعداد اندک نیروهای ایرانی در منطقه فاو که کمتر از یک لشکر بود و تمرکز اصلی نیروها در منطقه غرب در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از منطقه فاو.

آثار و بازتاب سقوط فاو

دو مشخصه برجسته ناشی از سقوط فاو، «تغییر توازن» و «برهم خوردن تعادل روانی» در جنگ بود. پیدایش این وضعیت به عنوان یک «نقطه عطف»، منجر به تقویت این احتمال شد که با «تغییر سیر جنگ»، زمان پایان دادن به آن فرارسیده است.

سقوط فاو سبب شد، علت برتری یافتن عراق و پیروزی این کشور در فاو مورد توجه کارشناسان و تحلیل گران قرار گیرد. «حمله غیر منتظره عراق»

ص: ۷۲

۱- ۲۳۶. پیشین، ص ۵۳، برادر محرابی مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۲۳۷. پیشین، ص ۵۲.

برخی از مقامات غربی و تحلیل گران را دچار شکفتی کرد (۱)، زیرا تا آن زمان آنها می پنداشتند که عراق همچنان موضع دفاعی خود را حفظ خواهد کرد، لذا این تغییر استراتژی سبب شد تا نقش مشاوره ای امریکا و شوروی و فرانسه برای سازمان دهی مجدد گارد ریاست جمهوری عوامل اصلی تغییر وضعیت شناخته شوند. (۲) پیش از این، بسیاری از کارشناسان نظامی جنگ معتقد بودند که ارتش عراق از آموزش یا روحیه تهاجمی لازم برای دست زدن به حمله برخوردار نیست، اما تحولات عمده ای که در سال ۱۳۶۶ در ارتش عراق انجام شد، تحلیل گران پنتاگون را نیز به تجدید نظر در تفکر خود واداشت. (۳) دیپلمات های مقیم بغداد نیز بازپس گیری فاو را نشانه بهبود توانایی رزمی و تقویت روحیه ارتش عراق ذکر کردند (۴).

همچنین، بازپس گیری فاو باعث شد نیروهای عراق با به دست گرفتن ابتکار عمل (۵) از یک «موضع استراتژیک» (۶) و برتر برخوردار شوند. پیدایش این وضعیت منجر به شکل گیری مفاهیم جدیدی شد، بدین معنا که توازن موجود - قرار داشتن ایران در موضع تهاجمی و برتر و در مقابل قرار داشتن عراق در موضع پدافندی و ضعف - دست خوش تغییر شود و به باورهای پیشین مبنی بر این که ارتش عراق فاقد روحیه و مهارت لازم می باشد، پایان دهد. (۷) در این میان، برخی از دیپلمات ها در خلیج فارس تأکید کردند، این تهاجم می تواند استراتژی عراق را تغییر دهد. (۸) بر اساس همین ملاحظه، فرمانده پیشین سپاه گارد گفت:

«آزاد سازی شهر فاو، سرنوشت جنگ را تغییر خواهد داد.» (۹).

سقوط فاو، استراتژی ایران را مبنی بر متقاعد ساختن حامیان عراق برای دادن امتیاز به ایران - به خاطر داشتن موضع برتر به دلیل ادامه حملات به مواضع عراق و در اختیار داشتن مناطق تصرف شده در خاک عراق - آسیب پذیر کرد و در معرض تغییر قرار داد. زیرا در میان مناطق تصرف شده،

ص: ۷۳

۱- ۲۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۲، ۱ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست.

۲- ۲۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۴۴، ۱۳ / ۲ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر، به نقل از یک تحلیل گر خاورمیانه.

۳- ۲۴۰. مأخذ ۱۷، مقاله بازپس گیری فاو، نیویورک تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷، صص ۱۲ و ۱۳.

۴- ۲۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۸، ۴ / ۲ / ۱۳۶۷، بی بی سی، ۶ / ۲ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۴۲. مأخذ ۷۳.

۶- ۲۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۱، ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۷، خبرگزاری فرانسه.

۷- ۲۴۴. مأخذ ۸۰، رادیو لندن، ۶ / ۲ / ۱۳۶۷.

۸- ۲۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۰، ۳۰ / ۱ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر در کویت.

۹- ۲۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۸، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۷.

«فاو» برای ایران همانند «خرمشهر» برای عراق با اهمیت بود. ضمن این که خروج عراق از لاک دفاعی و قرار گرفتن در موضع آفند، نیازمند تغییر استراتژی نظامی ایران برای مقابله با سلسله تهاجمات عراق بود که نیاز به زمان داشت و از این مهم تر، سقوط فاو در مدت ۳۶ ساعت، ضربه روانی غیر قابل جبرانی بر ایران وارد ساخت که بهبود آن به سهولت امکان پذیر نبود. بر پایه همین ملاحظه، آقای هاشمی رفسنجانی در تحلیلی از روند جنگ تأکید کرد:

«از این پس زمان به نفع ما نخواهد بود» (۱).

«گری سیک» مشاور «کارت»، رئیس جمهور وقت امریکا در امور ایران نیز در مورد تغییر موضع ایران و آمادگی امریکا برای پایان دادن به جنگ معتقد بود:

«اگر ایران مشاهده کند که ادامه جنگ واقعا به اهداف انقلاب اسلامی و بقای حکومت اسلامی لطمه می زند، سعی خواهد کرد هر طور شده است از این وضع نجات یابد» (۲).

برخی از تحلیل گران معتقد بودند، ضربات ناشی از بازپس گیری فاو به دست عراق، سبب شده است که رهبران ایران (۳) در استراتژی کهنه خود در مورد این که طولانی شدن جنگ فرسایشی با عراق منجر به از پای در آمدن حکومت بغداد خواهد شد، تجدیدنظر کنند. (۴) حتی، برخی منابع دیپلماتیک تأکید کردند، تمایل ایران به یک ابتکار صلح بین المللی بیش از گذشته افزایش یافته است (۵).

امریکایی ها پیش از این، با اسکورت نفت کش های کویت و تلاش برای

ص: ۷۴

۱- ۲۴۷. مأخذ ۷۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس.

۲- ۲۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۱، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، نیویورک، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

۳- ۲۴۹. «شائول بخاش» یکی از کارشناسان و استاد دانشگاه «جرج تاوان» در مورد تمایل ایران برای صلح و موانع آن گفت: «کادر رهبری ایران به حل مشکل جنگ از راه های دیپلماتیک علاقه نشان داد، اما به سبب سرسختی عراق و حمایت امریکا از آن کشور و کندی ایرانیان در تصمیم گیری، این فرصت از دست رفت. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱ / ۲ / ۱۳۶۷، به نقل از «کریستین ساینس مانیتور»).

۴- ۲۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۷، ۶ / ۲ / ۱۳۶۷، آسوشیتدپرس، ۵ / ۲ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۵۱. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۲ / ۲ / ۱۳۶۷.

تصویب قطع نامه ۵۹۸، در نظر داشتند، با در دست گرفتن ابتکار عمل، مقدمات پایان دادن به جنگ را فراهم کنند. مهم ترین معضل امریکا مقاومت ایران به دلیل در اختیار داشتن مناطق تصرف شده بود. ایران بر اساس همین وضعیت، در پی دریافت امتیاز لازم مبنی بر تجاوز شناختن عراق بود و امریکا از پذیرفتن و تأمین این خواسته خودداری می کرد. (۱) امریکایی ها ضمن حمایت صد درصد از عراق، پس از ماجرای مک فارلین فشار مستمری را بر ایران وارد ساختند (۲) با سقوط فاو، در واقع، موانع موجود تا اندازه ای برطرف شد، به همین دلیل «ریچارد مورفی»، معاون وزارت خارجه امریکا با اظهار خرسندی از سقوط فاو و فراهم شدن شرایط پایان جنگ، گفت:

«پیروزی ماه گذشته [عراق] در شبه جزیره فاو ممکن است امکان جدیدی را برای پیش رفت از کانال دیپلماتیک فراهم سازد» (۳).

در عین حال، نگرانی امریکا از تداوم حملات عراق و تغییر موازنه، سبب شد تا «مورفی» در «سمینار خلیج فارس» بر این مسئله تأکید کرده و بگوید:

«ما می خواهیم توازن در جنگ برهم نخورد» (۴).

روزنامه امریکایی نیویورک تایمز نیز با توجه به تحولات جدید، خطاب به سیاست مداران امریکا نوشت:

«با توجه به این که گرایش امریکا به سمت بغداد میان ایران و عراق تعادل نظامی

ص: ۷۵

۱- ۲۵۲. امریکایی ها معتقد بودند مشخص ساختن عراق به عنوان متجاوز ممکن است موجب سقوط رژیم عراق شود و ایران از آن به عنوان یک پیروزی که در جبهه جنگ قادر به کسب آن نبود، برخوردار شود. (معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۹، ترجمه مقاله بازپس گیری فاو، شیرین هانتر).

۲- ۲۵۳. «شیرین هانتر»، معاون بخش خاورمیانه مرکز مطالعات بین المللی و استراتژیک دانشگاه جرج تاوان طی مصاحبه ای با رادیو امریکا در مورد سیاست امریکا گفت: «بعد از ایران - کنترا (ماجرای مک فارلین) سیاست امریکا به طور کلی و صد درصد جانب سیاست طرف داری از عراق را دارد... از این زمان، سیاست امریکا مبنی بر زیاد کردن فشار بر ایران به طور مستمر بوده است.» وی در مرحله اول، این فشار را تعویض پرچم نفت کش های کویت و قرار دادن پرچم امریکا، و مرحله دوم را حضور نظامی امریکا در خلیج فارس و سپس درگیری نظامی ایران و امریکا ذکر کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا ۳ / ۲ / ۱۳۶۷).

۳- ۲۵۴. مأخذ ۱۷، مقاله بازپس گیری فاو، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۶.

۴- ۲۵۵. مأخذ ۱۷، مقاله سیاست جدید امریکا، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۲۰.

ایجاد کرده است، اکنون زمان آن است که امریکا دیپلماسی خود را با شرایط جدید منطبق سازد» (۱).

از این پس، بر اساس درکی که امریکایی ها از وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی - نظامی جنگ داشتند، تلاش مضاعفی را برای متقاعد ساختن ایران برای پایان دادن به جنگ - با ارسال پیام های آشکار و پنهان - آغاز کردند. بر اساس همین ملاحظات، برخی از مقامات امریکایی خواهان شرکت جستن دولت امریکا در نوعی گفت و گوهای صلح با ایران بودند (۲)، زیرا منافع گوناگون امریکا در خلیج فارس پایان جنگ و بهبود روابط ایران و امریکا را به یک امر ضروری تبدیل کرده بود. (۳) در این حال، ادامه جنگ مانع بهبود روابط ایران و امریکا ارزیابی می شد. (۴) ایران تحت شرایط جدید، از یک سو از روند تحولات جنگ و سیاست های مداخله جویانه امریکا نگران بود (۵) و از سوی دیگر، برای پایان دادن به جنگ، خواستار شناخته شدن این حقیقت بود که عراق متجاوز اصلی بوده و ایران مورد تجاوز قرار گرفته است. شناسایی این موضوع در محافل بین المللی برای ایران با اهمیت بود. (۶) اما از نظر کارشناسان امریکایی تحقق هر گونه شرایطی که منجر به سقوط دولت عراق شود، به منزله بر هم خوردن توازن در خلیج فارس و تهدید دوستان و متحدان امریکا در منطقه و در نتیجه، تهدید منافع استراتژیک غرب ارزیابی می شد (۷).

آقای هاشمی با توجه به رخدادهای جدید در صحنه نظامی و سیاسی در گفت و گو با تلویزیون ایتالیا گفت:

«اگر واقعا مصلحت را در این تشخیص دهیم که باید مصالحه کرد، ما این سیاست را می پذیریم» (۸).

وی با توجه به موانعی که برای تأمین خواسته های ایران وجود داشت، افزود:

«فعلا این مصالحه برای ما و منطقه و حتی مردم عراق خیلی گران تمام

ص: ۷۶

۱- ۲۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۱، ۲۰ / ۲ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز.

۲- ۲۵۷. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷، رئیس مرکز مطالعات امور خارجه امریکا، «مایکل و لاهوس».

۳- ۲۵۸. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷، «جفری شلوس»، کارشناس امور منطقه ای در دفتر امور خاور نزدیک امریکا.

۴- ۲۵۹. پیشین.

۵- ۲۶۰. روزنامه کیهان، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۷، آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۷.

۶- ۲۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱، ۱ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۶،

شیرین هانتر، معاون مؤسسه استراتژیک جرج تاون.

۷- ۲۶۲. مأخذ ۹۴.

۸- ۲۶۳. روزنامه کیهان، ۵ / ۲ / ۱۳۶۷.

نماینده موقت ایران در سازمان ملل نیز در این باره گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ شامل بندی بود که مهم ترین خواسته ما را تأمین می کرد و آن این که، دبیرکل موظف است که کمیته ای برای تعیین متجاوز تشکیل دهد... پس از سفر دبیر کل سازمان ملل برای تهیه طرح اجرایی برای قطع نامه با جابه جا کردن بعضی از بندها نظرات ما تا حدودی تأمین شد، ولی دولت بعثی عراق با پیشنهاد دبیر کل مخالفت کرد» (۲).

سقوط فاو، به طور طبیعی موضع عراق را در مقایسه با گذشته تقویت کرد و همین مسئله بر پیچیدگی اوضاع برای یافتن راه حل مناسب تا اندازه ای افزود. دبیر کل، یک طرح پنج ماده ای تهیه کرد که می توانست نقطه آغازی برای حل و فصل دیپلماتیک جنگ ایران و عراق باشد. (۳) اما، عراق با این پیشنهاد مخالفت کرد، هر چند پاسخ ایران به آن مثبت بود (۴) «دکویار»، دبیر کل وقت سازمان ملل در توضیحات مشکلات جدید گفت:

«ایران مفاد ده گانه قطع نامه را پذیرفته است، ولی با ترتیب اجرای آن مخالف است... ایران می خواهد که اجرای این قطع نامه با تشکیل کمیسیونی که مسبب آغاز جنگ را معلوم کند آغاز شود، ولی عراق ایجاد هر گونه تغییر در مفاد این قطع نامه را نمی پذیرد.» (۵).

از سوی دیگر، تلاش آمریکا برای صدور قطع نامه ای به منظور تحریم ایران نیز به دلیل مخالفت چین و شوروی به عنوان دو عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل که از حق و تو برخوردار بودند ناکام ماند و امکان فشار آمریکا به ایران کاهش یافت.

«والترز» نماینده وقت آمریکا در سازمان ملل در سفر به منطقه خاورمیانه به مخالفت چین و شوروی اشاره کرد. (۶) «نیکسون»، رئیس جمهور اسبق آمریکا نیز در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «سی.ان.ان» آمریکا در مورد موضع گیری

ص: ۷۷

۱- ۲۶۴. پیشین.

۲- ۲۶۵. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.

۳- ۲۶۶. مأخذ ۹۶ گری سیک، عضو اسبق شورای امنیت در زمان کارتر، در مصاحبه با نیوزویک.

۴- ۲۶۷. روزنامه کیهان، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.

۵- ۲۶۸. روزنامه کیهان، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷.

۶- ۲۶۹. روزنامه کیهان، ۲ / ۳ / ۱۳۶۷.

شوروی گفت:

«اتحاد شوروی در خلیج فارس دست به بازی «رولت روسی» می زند و امریکا می بایست به وضوح به اطلاع «میخائیل گورباچف» رهبر شوروی برساند که کشورش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق به امریکا پیوندد.»

وی اضافه کرد:

«باید ریگان به گورباچف اطلاع دهد، در صورت عدم پیوستن شوروی ها به تلاش های واشنگتن برای پایان دادن به جنگ، بر روابط امریکا و شوروی خدشه وارد خواهد آمد» (۱).

این توصیه های هشدار آمیز نیکسون، در آستانه چهارمین ملاقات گورباچف و ریگان به عنوان رؤسای دو کشور شوروی و امریکا انجام می گرفت. در چنین شرایطی که روس ها بر اساس قرارداد ژنو (۲۵ / ۱ / ۱۳۶۷) میان افغانستان، پاکستان، امریکا و شوروی، در حال اجرای نخستین مرحله خروج نیروهای شوروی از افغانستان بودند (۲)، تمرکز توجهات به تحولات جنگ ایران و عراق به جای توجه به خروج نیروهای شوروی از افغانستان، عملاً به سود مقام های مسکو ارزیابی می شد. از سوی دیگر، روس ها با توجه به ثمر نشستن کمک های تسلیحاتی و مشاوره ای خود به عراق و متقاعد ساختن فرماندهان ارتش آن کشور برای تغییر استراتژی از پدافند به آفند و فراهم کردن لوازم و امکانات اجرای این امر مهم، اوضاع را در سطح استراتژیک کاملاً به سود عراق ارزیابی می کردند و در نظر داشتند با به دست گرفتن ابتکار عمل، روند جنگ را اداره و هدایت کنند. مشاهده برتری قابل ملاحظه عراق پس از بازپس گیری فاو، روس ها را مانند عراقی ها و برخلاف امریکایی ها متقاعد ساخت که

ص: ۷۸

۱- ۲۷۰. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۲۷۱. منابع غربی، نیروهای شوروی را در افغانستان ۱۱۵ هزار نفر ذکر می کردند، برابر این آمار، در اولین مرحله باید ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر خارج می شدند. «قرارداد ژنو» شوروی را متعهد می کرد، ۵۰ درصد از نیروهایش را تا اواسط ماه اوت ۱۹۸۸ (۲۴ مرداد ۱۳۶۷) و باقی مانده آنها را ظرف شش ماه یعنی تا فوریه ۱۹۸۹ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷) از افغانستان خارج کند.

هیچ گونه اقدام تعجیلی برای پایان بخشیدن به جنگ انجام ندهند، زیرا دلیلی برای انجام این کار وجود نداشت و اوضاع کاملاً به سود مسکو و بغداد بود.

سقوط شلمچه

فرایند سقوط فاو با توجه به تأثیرات تعیین کننده آن بر تغییر توازن به سود عراق، بسیار حائز اهمیت بود. در وضعیت جدید، قابلیت تدافعی ایران برای تمرکز قوا به منظور مقابله با حملات عراق و در مقابل، توانایی عراق برای حفظ ابتکار عمل و تداوم تهاجم به سایر مناطق، نقش قابل ملاحظه‌ای در تغییر روند تحولات آینده جنگ داشت. بر پایه همین ملاحظات، بلافاصله پس از حادثه سقوط فاو، طی بررسی‌هایی که به عمل آمد و با توجه به احتمال حمله ارتش عراق به منطقه شلمچه یا «جزایر مجنون» پیشنهاد عقب نشینی مطرح شد با این استدلال که در فاو به دلیل حضور در شمال غرب نتوانستیم دفاع کنیم، پس باید نیروها را در منطقه شلمچه متمرکز کرد. در این زمینه، چون هنوز باور عمیق نسبت به واقعیت‌های جدید به وجود نیامده بود، لذا تصمیم‌گیری لازم انجام نشد. (۱) با این حال علاوه بر اقدامات مهندسی در جزایر مجنون، ترمیم و تقویت خطوط دفاعی در منطقه شلمچه نیز مورد توجه قرار گرفت. (۲) در مقابل، عراقی‌ها پس از حمله به فاو، در زمانی کم‌تر از ۴۸ ساعت نقل و انتقال از منطقه فاو را با هدف آمادگی برای عملیات بعدی، آغاز کرده (۳) و ۳۸ روز پس از حمله به فاو، سرانجام در ساعت ۸ صبح روز چهارم خرداد ۱۳۶۷ به منطقه شلمچه حمله کردند.

چند روز پیش از آغاز تهاجم دشمن، فعالیت‌های دشمن در این منطقه به نحو آشکاری افزایش یافت. هم‌زمان، در منطقه «ام الرصاص» نیز دشمن به جمع‌آوری موانع شامل خورشیدی و سیم‌های خاردار در حاشیه ساحل اروند اقدام کرد. (۴) واحد ترابری لشکر گارد جمهوری نیز نفرات، تجهیزات،

ص: ۷۹

۱- ۲۷۲. مأخذ ۵۹.

۲- ۲۷۳. سند شماره ۵۹۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، گزارش سه ماهه با فرماندهی کل، راوی: مجید نداف، بهار ۱۳۶۷، ص ۴.

۳- ۲۷۴. پیشین.

۴- ۲۷۵. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۴، ۲۳ / ۳ / ۱۳۶۷، ص ۸.

سلاح های ضد هوایی و مهمات را از منطقه هور، فاو و مناطق غرب به منطقه شرق بصره انتقال داد. (۱) برابر گزارش های شنود رادیویی، نیروهای دشمن از اول خرداد ۱۳۶۷ (پیش از شروع عملیات) فرکانس بی سیم های خود را در منطقه آزمایش می کرده اند (۲).

دشمن، تهاجم به شلمچه را با سه سپاه سوم، هفتم و گارد آغاز کرد. در این عملیات، نیروهای سپاه گارد از محور کانال پرورش ماهی (محور شمالی)، سپاه دوم از محور جاده شلمچه (محور وسط) و سپاه هفتم از محور جزیره «ام الطویل» (محور جنوبی) با پشتیبانی واحدهای توپخانه، زرهی و هوایی وارد عمل شدند. (۳) برابر تحلیل سردار «محسن رضایی» فرمانده کل سپاه در آن هنگام، در حالی که نیروهای خودی از زمان و مکان تهاجم دشمن آگاه بودند، ولی شلمچه تنها در مدت هشت ساعت سقوط کرد. در مقایسه با فاو، از ساعت «س» (حمله دشمن) اطلاعات به دست آمده بود، نیروها به ظاهر آماده تر بودند، غافل گیری هم وجود نداشت و خطوط دفاعی نیز تقویت شده بودند. البته نیروی احتیاط کمی در اختیار بود. ولی در هر حال اراده لازم برای مقابله با دشمن و حفظ شلمچه وجود نداشت. (۴) سقوط شلمچه نشان دهنده برتری عراق و تغییر تاکتیک آن در تهاجم بود. (۵) بیش از ۷۰ درصد توان دشمن در جنوب متمرکز شده بود. (۶) پیش از این پیش بینی شده بود که اگر عراق در موضع تهاجم قرار بگیرد، نیروهای خودی در موضع پدافندی قادر به مهار تهاجمات عراق نخواهند بود. (۷) در کتاب «تئوری عملیات و جنگ»، در مورد دشواری های حفظ ابتکار عمل و مقابله با قوای عمده دشمن، آمده است:

«حفظ ابتکار نظامی بسیار سخت تر از به دست گیری آن است. همه نویسندگان نظامی با این گفته «مولتکه» موافقند که یک اشتباه در تمرکز اصلی ارتش به سختی می تواند در طی جریان کامل نبرد اصلاح شود و آن که هیچ طرح عملیاتی در برخورد اولیه با عمده نیروهای اصلی دشمن پا برجا نمی ماند.

ص: ۸۰

۱- ۲۷۶. پیشین.

۲- ۲۷۷. مأخذ ۱۱۰، ص ۸.

۳- ۲۷۸. پیشین، ص ۹.

۴- ۲۷۹. مأخذ ۱۶.

۵- ۲۸۰. پیشین.

۶- ۲۸۱. مأخذ ۱۰۸، ص ۱۶.

۷- ۲۸۲. مأخذ ۱۶.

فرسایش نیروها شانس توانایی حفظ ابتکار را تضعیف می کند» (۱).

بازتاب سقوط شلمچه

سقوط شلمچه - نظر به اهمیت و نتایج آن در روند تحولات جنگ - بازتاب نسبتاً گسترده ای در رسانه های خبری داشت. پیش از این، سقوط فاو با آن که بسیار با اهمیت بود، ولی به دلیل غافل گیری ایران، به منزله برتری کامل عراق ارزیابی نمی شد. اما با سقوط شلمچه، تحلیل کارشناسان دست خوش تغییر شد و به تدریج برتری عراق و ضعف های ایران مورد توجه قرار گرفت. افزون بر این، تغییر استراتژی نظامی عراق، افزایش روحیه سربازان عراقی، بهبود روحیه عراق در محافل کارشناسی و هدایت عملیات به دست صدام مورد اشاره قرار گرفت. (۲) روزنامه «واشنگتن پست»، چاپ امریکا پیروزی عراق در شلمچه را به منزله «شکست عظیمی» برای نیروهای ایران ذکر کرد و نوشت:

«اکنون شکست سریع نیروهای ایرانی در شرق بصره این سؤال را در میان تحلیل گران مطرح می سازد که پس از سرگرمی با جریانات انتخابات مجلس و مانورهای سیاسی در مورد مسائل داخلی، چه به سر رهبری ایران آمده است» (۳).

رادیو لندن نیز در تحلیلی گفت:

«تغییر سیر جنگ، همه و به خصوص ایران را غافل گیر کرده است.»

در این تفسیر سقوط شلمچه به عنوان «مهم ترین عقب نشینی ایران» مورد تأکید قرار گرفت (۴).

پیش از این، با وجود افزایش توان عراق، همچنان بر برتری ایران تأکید می شد. این مسئله متأثر از چند عامل بود: نخست، قدرت تهاجمی و روحیه نیروهای ایران با حملات پی در پی و تصرف برخی از مناطق در داخل خاک عراق و دیگری، برتری نیروی انسانی ایران، وسعت سرزمینی و عمق

ص: ۸۱

۱- ۲۸۳. دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس)، سپاه پاسداران، معاونت تحقیق و پژوهش، تئوری عملیات و جنگ، سال ۱۳۷۵، ص ۹.

۲- ۲۸۴. مأخذ ۱۱۰، ص ۹.

۳- ۲۸۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۹، ۱۳۶۷ / ۳ / ۷، واشنگتن پست، ۱۳۶۷ / ۳ / ۶.

۴- ۲۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۸، ۱۳۶۷ / ۳ / ۶، رادیو لندن، ۱۳۶۷ / ۳ / ۵.

جغرافیایی بود که به عنوان عامل برتری ساز ایران بر عراق مورد توجه قرار داشت. نظر به این که از عامل دوم به طور کامل استفاده نشد، لذا بلافاصله پس از این که ماشین جنگی عراق از موضع پدافند به آفند به حرکت درآمد، مسیر جنگ به سود عراق تغییر کرد و به تدریج برخلاف گذشته، برتری عراق مورد تأکید قرار گرفت. مقامات پنتاگون بر این نظر بودند، شکست ایران نشان دهنده رشد فزاینده نیروهای مسلح عراق است و این مسئله به مفهوم شکسته شدن بن بست جنگ می باشد. (۱) کردزمن نیز در کتاب خود می نویسد:

«نیروهای مهاجم عراقی «حرفه گرایی» خود را، هم در سرعت عملیات شان و هم در استفاده از تسلیحات مرکب که برای نخستین بار در فاو به کار گرفته بودند، نشان دادند» (۲).

مقامات عراقی که پیش از این، مواضع جدیدی را مبنی بر آمادگی عراق برای بازپس گیری مناطق متصرف شده اعلام کرده بودند، با کسب پیروزی های جدید، از استراتژی جدیدی سخن گفتند. (۳) روزنامه واشنگتن پست در این باره نوشت:

«اقدامات ارتش عراق در جبهه جنگ استراتژی تازه کادر رهبری سیاسی کشور را روشن می سازد و هم اکنون نیز نشانه هایی از کارآیی این استراتژی آشکار شده است» (۴).

مجموعه وضعیت جدید باعث شد تا کارشناسان بر این مسئله تأکید کنند که موازنه قدرت بیش از پیش به نفع نیروهای عراقی تغییر کرده است (۵).

در مقایسه با وضعیت عراق و در حالی که برتری امکانات نظامی عراق تا چندین برابر ایران مورد اتفاق نظر قرار داشت، تنها کارشناسان نظامی بر این باور بودند، «ایران هم پول ندارد و هم نمی تواند از کشورهای مختلف سلاح تهیه کند. تنها برتری ایران بر عراق روحیه مردم در جنگ بود که تغییر کرده

ص: ۸۲

۱- ۲۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۵، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۷، آسوشیتدپرس، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از مقامات پنتاگون.

۲- ۲۸۸. مأخذ ۶، صص ۴۳۶ و ۴۳۷.

۳- ۲۸۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۳، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، نیویورک تایمز، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۲۹۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۲، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو بی بی سی، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۹، ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو بغداد، سرلشکر محمد کمال عبدالمجید، عضو مرکز مطالعات استراتژیک لندن.

است. (۱) «شهرام چوبین» از مؤسسه عالی مطالعات استراتژیک در ژنو، با توجه به وضعیت ایران و عراق، مشکلات اساسی ایران را شکاف میان توانایی های نظامی ایران و اهداف سیاسی این کشور ذکر کرد. (۲) بدین معنا که از یک سو، ایران توان دست یافتن به پیروزی نظامی برای تأمین اهداف سیاسی خود را ندارد و از سوی دیگر، نمی تواند پس از هشت سال جنگ، اهداف خود را محدود یا تغییر دهد.

کارشناسان امریکایی طی یک میزگرد تلویزیونی در امریکا، با تصدیق این مسئله که عراقی ها در مقایسه با گذشته بهتر می جنگیدند، به این موضوع اشاره کردند که عمده ترین تغییر در جنگ این است که ایران قادر نیست، همانند گذشته برای جبهه نیرو بسیج کند. برخی کارشناسان، ترکیبی از ضایعات شدید جنگی و مخالفت های سیاسی داخلی را عامل تضعیف روحیه ایران ذکر کردند. (۳) در برخی از منابع نیز نابسامانی اقتصادی به عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیر گذار در پیدایش وضعیت جدید و کاهش توانایی نظامی ایران مورد تأکید قرار گرفت (۴).

مهم ترین بحثی که در رسانه های خبری و در محافل کارشناسی و در میان تحلیل گران مسائل سیاسی و نظامی جنگ مطرح شد، احتمال پایان یافتن جنگ بود. در این میان، پیروزی های عراق به منزله افزایش شانسی حقیقی برای پایان یافتن جنگ ارزیابی می شد. (۵) در واقع، شرایط بحرانی و دشواری که ایران در آن به سر می برد، منشأ تغییر موضع ایران برای پایان جنگ ارزیابی می شد. (۶) مقامات امریکایی معتقد بودند که موضع ایران در برابر عراق از موضع «تندرو به میانه رو» تغییر یافته است. (۷) پیدایش عنصر میانه رو در مواضع ایران نسبت به پایان جنگ، علاوه بر مسائلی که پیش از این ذکر شد، عمدتاً به دلیل غافل گیری ایران نسبت به تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند بود. در واقع، اشتباه ایران این بود که تصور می کرد، عراق

ص: ۸۳

۱- ۲۹۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه» نشریه شماره ۸۲، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۷ رادیو لندن، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۷، شهرام چوبین، از مدرسه عالی مطالعات استراتژیک در ژنو.

۲- ۲۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۴، ۲۲ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۲۹۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۶، ۱۴ / ۳ / ۱۳۶۷، شبکه «ای بی سی» ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۲۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۳، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۹، ۱۷ / ۳ / ۱۳۶۷، هفته نامه اکونومیست، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۷.

۶- ۲۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۱، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۷، فیگارو، ۱۸ / ۳ / ۱۳۶۷.

۷- ۲۹۸. مأخذ ۱۲۷، واشنگتن تایمز، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۷.

نمی‌تواند به تهاجم عمده علیه ایران دست بزند و به این جهت، آماده مقابله با حمله بزرگ عراق نشده بود. (۱) لذا مسئولان جمهوری اسلامی در جست و جوی راه حلی برای پایان دادن به جنگ بودند. مقامات دیپلماتیک عراق نیز به این نتیجه رسیده بودند که ایران نسبت به یک ابتکار تازه بین‌المللی برای استقرار صلح متمایل تر شده است. (۲) گری سیک نیز طی مصاحبه‌ای با مجله نیوزویک گفت:

«در میان کادر رهبری ایران افرادی وجود دارند که مایلند راهی پیدا نمایند تا خودشان را از این موقعیت خلاص نمایند» (۳).

به موازات تغییر در موازنه جنگ، موضع‌گیری و تحلیل برخی از مقامات رسمی و شخصیت‌های امریکا قابل ملاحظه بود و حتی، روزنامه «واشنگتن تایمز» احتمال تغییر سیاست امریکا در برابر ایران و تلاش برای یافتن راه حل مورد پذیرش برای پایان دادن به جنگ را مورد اشاره قرار داد. «ورنون والتر»، فرستاده ویژه امریکا به منطقه در مصاحبه‌ای، در مورد ضرورت مذاکره میان ایران و عراق تأکید کرد، دو طرف باید کوتاه بیایند. ولی وی به هنگام ترک بحرین در حالی که تأکید می‌کرد، «به ایرانی‌ها اجازه نمی‌دهیم خواسته‌های خود را دیکته کنند»، گفت:

«ما می‌توانیم در مقابل ایرانی‌ها انعطاف داشته باشیم» (۴).

ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا نیز در گردهمایی «امنیت خلیج فارس و جنگ ایران و عراق» مواضعی را اعلام کرد که آشکارا به سود ایران بود. وی گفت: «تشکیل هیئتی را خواستاریم که علل و ریشه‌های جنگ را مشخص کند.» و سپس تأکید کرد:

«البته، اذعان داریم که نخستین بار واحدهای عراقی بودند که وارد خاک ایران شدند» (۵).

ص: ۸۴

۱- ۲۹۹. پیشین.

۲- ۳۰۰. مأخذ ۱۲۵، رادیو لندن، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از واشنگتن پست.

۳- ۳۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۷۸، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۷، واشنگتن تایمز، ۱۵ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۰۲. روزنامه کیهان، ۸ / ۳ / ۱۳۶۷.

۵- ۳۰۳. روزنامه کیهان، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

کسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا که پیش از این نیز در نظرات و تحلیل هایی که ارائه می کرد همواره منافع امریکا را در عدم پیروزی هر یک از دو طرف درگیر در جنگ ارزیابی می کرد، با مشاهده برتری عراق بار دیگر طی سخنانی که در دیوار امریکا نیز منعکس شد، گفت:

«به سود امریکا نیست که طرفی در این جنگ بر دیگری پیروز گردد» (۱).

وی سپس درباره روابط ایران و امریکا افزود:

«بعید به نظر نمی رسد که در آینده ای دور و نه چندان نزدیک، ایران بار دیگر به غرب رو آورد. به حکم چنین تحلیلی، مسئله ایران اساساً مشکلی پیچیده و بغرنج است و باید در انتظار بود، گرایش به بنیادگرایی در ایران دوره خود را طی کند» (۲).

نیکسون، رئیس جمهور اسبق امریکا نیز با توجه به عقب نشینی نیروهای شوروی از افغانستان و موضع گیری این کشور در خصوص پایان جنگ عراق و ایران گفت:

«باید تصمیم گورباچف برای تخلیه افغانستان مورد استقبال قرار گیرد، ولی باید صریحاً به وی خاطر نشان سازیم که این اقدام شوروی کافی نخواهد بود، چرا که موضع «میخائیل گورباچف» در ارتباط با جنگ ایران و عراق بسیار مهم تر از اشغال افغانستان است.... گورباچف در منطقه صلح را بازی گرفته است.»

این تحلیل نیکسون بر این پایه بود که به گفته وی:

«در واقع شوروی، هم با ایران قول و قرار می گذارد و هم با عراق» (۳).

گورباچف که در حال برگزاری چهارمین اجلاس میان سران شوروی و امریکا بود و پیش از این نخستین مرحله خروج نیروهای شوروی از افغانستان را اجرا کرده بود، پس از پایان اجلاس به ریگان گفت:

«راه حلی که برای مسئله افغانستان به دست آمده است، خواهد توانست برای حل و فصل صلح آمیز دیگر مسائل منطقه ای نیز مورد استفاده قرار گیرد.»

ص: ۸۵

۱- ۳۰۴. پیشین، رادیو امریکا، ۹ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۰۵. مأخذ ۱۳۸، رادیو امریکا، هنری کسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا.

۳- ۳۰۶. روزنامه کیهان، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۹ / ۳ / ۱۳۶۷.

این اظهارات نشان دهنده تمایل شوروی به مشارکت فعال و مستقیم برای حل سایر مسائل منطقه بود. وی در این مصاحبه خواهان کاهش نیروهای دریایی امریکا در خلیج فارس شد (۱).

نتایج برخاسته از سقوط شلمچه، منجر به آن شد که جمهوری اسلامی ایران دست به اقداماتی بزند. نخستین اقدام، افزایش فعالیت های دیپلماتیک و پی گیری روند جابه جایی در بندهای قطع نامه ۵۹۸ بود. دومین اقدام دعوت از مردم برای پشتیبانی از جبهه ها بود که در این راستا و با توجه به برگزاری سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی که در ۱۹ فروردین ۱۳۶۷ آغاز شد و همچنان فضای داخلی کشور را به خود مشغول کرده بود، امام خمینی (ره) در پیامی به مجلس سوم و خطاب به مردم فرمودند:

«مردم عزیز ایران بعد از فراغت از انتخابات همچون گذشته بر پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت نمایند» (۲).

امام با توجه به سقوط شلمچه و تداوم حملات عراق و آثار و نتایج روحی و روانی این حوادث در پیام خود فرمودند:

«برای ملت بزرگ هیچ پیروزی بالاتر از تصمیم و عزم و اراده استقرار آنان برای رسیدن به حق نیست که بحمدالله خداوند آن را به مردم کشور ایران عنایت فرموده است» (۳).

امام در این پیام تأکید فرمودند:

«هر روز ما، روز موفقیت و امتحان جدیدی بوده است. بعد از این نیز در راه خدا ادامه می دهیم.» (۴).

پیش از این با توجه به شرایط حساس جبهه ها نیز ستاد کل سپاه طی صدور بیانیه ای به فراخوانی نیروهای بسیجی مبادرت کرد (۵).

سومین اقدام برجسته ای که ایران انجام داد، انتصاب

ص: ۸۶

۱- ۳۰۷. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۰۸. روزنامه کیهان، ۷ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۰۹. پیشین.

۴- ۳۱۰. مأخذ ۱۴۳.

۵- ۳۱۱. روزنامه کیهان، ۵ / ۳ / ۱۳۶۷.

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ بود. این اقدام به منزله ایجاد تغییرات جدید در سطوح عالی فرماندهی نظامی تفسیر شد (۱).

زمینه های انتصاب آقای هاشمی به مسئولیت جدید، اساسا پس از عملیات فاو ایجاد شد. بدین ترتیب که ضرورت بسیج امکانات کشور سبب شد تا سپاه، آقای هاشمی را به عنوان فرماندهی کل به امام پیشنهاد کند. (۲) به نظر می رسد، این انتصاب با توجه به موقعیت آقای هاشمی، می توانست زمینه برخی از پشتیبانی های لازم برای جنگ را فراهم و تسهیل کند.

امام پس از سقوط شلمچه، حکم آقای هاشمی را به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا صادر فرمودند. (۳) و در آن به درگیری و رویارویی امریکا علیه اسلام و ایران و هم آهنگی غرب و شرق در مبارزه با انقلاب اسلامی اشاره کردند. (۴) همچنین، در این حکم به ایجاد ستاد فرماندهی کل، هم آهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی، سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها و تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی، استفاده درست از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و بهره برداری صحیح از کمک های مردمی اشاره شده بود. (۵) برادر رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران در واکنش به انتصاب آقای هاشمی گفت:

«امید است، این حسن انتخاب و تفویض اختیارات در بسیج امکانات کشور در امر جنگ و ایجاد وحدت بین نیروهای بسیج که جزو آرزوهای دیرینه رزمندگان اسلام هست، شوری نوین برای سرکوبی هر چه سریع تر متجاوز در میدان نبرد ایجاد نماید» (۶).

آقای هاشمی نیز طی مصاحبه مطبوعاتی با بیان این که حکم امام دارای دو موضوع اصلی و سه موضوع فرعی است، تأکید کرد:

«موضوع اصلی، یکی این که باید از امکانات نیروهای مسلح برای جنگ و دفاع

ص: ۸۷

۱- ۳۱۲. مأخذ ۶، ص ۴۰۳.

۲- ۳۱۳. مأخذ ۵۹.

۳- ۳۱۴. مأخذ ۱۴۲.

۴- ۳۱۵. پیشین.

۵- ۳۱۶. پیشین.

۶- ۳۱۷. پیشین.

بهرتر استفاده شود که به خاطر چندگانگی نیروهای مسلح، از امکانات به خوبی استفاده نمی شود.»

وی پس از اشاره به موضوعات فرعی حکم امام، در مورد تأثیر فوری آن گفت:

«مردم را برای جنگ جدی می کند و روی دشمن هم اثر خود را خواهد گذاشت» (۱).

آقای هاشمی همچنین در نماز جمعه تهران وضعیت جدید جنگ را به وضعیت پس از عملیات والفجر ۸ که عراقی ها دفاع متحرک را آغاز کردند، تشبیه کرد و گفت:

«این بار ما نیاز داریم، وضعیت را جدی تر بگیریم که این کار را شروع کرده ایم» (۲).

وی تأکید کرد:

«در حالی که وزارت خارجه تلاش می کند، ما هم از جنگ غفلت نمی کنیم و باید در جبهه حاضر باشیم.»

نظر به این که پیش از این، آقای هاشمی به عنوان فرماندهی عالی جنگ در صحنه سیاسی - نظامی جنگ حضور داشتند، لذا انتصاب ایشان به جانشینی فرماندهی کل قوا این گونه ارزیابی شد که «این تغییر به منظور آماده شدن برای نوعی مصالحه صورت گرفته است». (۳) عراقی ها نیز انتصاب آقای هاشمی را به منزله تلاش ایران برای صلح ارزیابی کردند (۴).

در هر صورت، تغییر حاصله و از جمله تشکیل ستاد کل قوا، گرچه مهم و مؤثر بود، ولی با توجه به اوضاع سیاسی - نظامی و شرایط هنگام تشکیل و نیز تأخیری که در فعال کردن آن به وجود آمد، بیش تر در اداره و هدایت اوضاع سیاسی - نظامی و فراهم ساختن زمینه های صلح مؤثر واقع شد تا این که بتواند شرایط ادامه جنگ را تأمین کند.

ص: ۸۸

۱- ۳۱۸. روزنامه کیهان، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۱۹. روزنامه کیهان، ۱۴ / ۳ / ۱۳۶۷، نماز جمعه تهران، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۲۰. مأخذ ۶، ص ۴۳۱.

۴- ۳۲۱. مأخذ ۵۹.

حملات پی در پی دشمن باعث شد تا پس از سقوط شلمچه، به منظور فائق آمدن بر روند تهاجمات و برتری روحی دشمن، عملیات بیت المقدس ۷ طرح ریزی و در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۲۲ خرداد ۱۳۶۷ با ۱۰ یگان سپاه و در مجموع با استعداد ۷۰ گردان نیرو اجرا شود. در این عملیات، حد فاصل کانال «شهید ادب» تا کانال ماهی و منطقه پنج ضلعی در منطقه عمومی شلمچه به تصرف نیروهای خودی درآمد (۱).

یک روز بعد، پنج لشکر آزاد دشمن شامل دو لشکر از گارد ریاست جمهوری و لشکرهای اول مکانیزه و ۳ و ۶ زرهی که در منطقه احتیاط قرار داشتند، خود را به صحنه نبرد رساندند و در روز ۲۳ خرداد ۱۳۶۷ دست به پاتک زدند. (۲) نیروهای خودی که هدف تثبیت منطقه را دنبال نمی کردند، برای جلوگیری از تلفات احتمالی در برابر پاتک های دشمن، عقب نشینی کردند. (۳) پیش روی سریع نیروهای خودی و انهدام دشمن در عملیات بیت المقدس ۷ اثر مثبتی در روحیه نیروهای خودی داشت.

آقای هاشمی طی سخنان، در مورد انگیزه عملیات، به «گرم نگه داشتن میدان نبرد، جلوگیری از تلاش دشمن در ایجاد استحکاماتی جدید در منطقه، ارزیابی توان دشمن و وارد کردن ضربه کاری به دشمن قبل از انجام تحرکات دیگر» اشاره کرد. همچنین، وی از تغییر جهت و خنثی کردن تبلیغات کفر جهانی که تضعیف روحیه رزمندگان و تقویت نیروهای عراق را پی گیری می کرد، به عنوان هدف های دیگر این عملیات یاد کرد. (۴) آقای هاشمی در اظهارات خود با توجه به تقویت نیروهای خودی پس از اجرای عملیات بیت المقدس ۷، در مورد پایان جنگ گفت:

«در مورد اصل جنگ ما تابع نظر مقام معظم رهبری هستیم و راه پایان جنگ در غیر میدان را هم مشخص کرده ایم که اگر آماده تسلیم حق شده باشند، راه پایان جنگ آسان است» (۵).

ص: ۸۹

۱- ۳۲۲. سند نظامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، گزارش تک عراق به جزیره در ۲۲ / ۳ / ۱۳۶۷، راوی: یدالله ایزدی، قرارگاه کربلا، ص ۱ و ۲، مقدمه.

۲- ۳۲۳. مأخذ ۵۹.

۳- ۳۲۴. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۶.

۴- ۳۲۵. مأخذ ۵۷.

۵- ۳۲۶. پیشین.

همچنین آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران از نیروهای مردمی برای حضور در جبهه دعوت کرد تا در اعزام بزرگ سراسری که قرار است در تیرماه انجام شود، شرکت کنند. (۱) واحد بسیج نیز با اعلام برنامه اعزام های ویژه سپاه محمد صلی الله علیه و سلم، از کلیه نیروهای بسیجی جهت ثبت نام و اعزام به جبهه دعوت کرد (۲).

عراق در ادامه حملات خود، در ۲۴ خرداد ۱۳۶۷ در محور «ماوت» (جبهه های شمالی) وارد عمل شد اما موقعیت چشم گیری به دست نیاورد و پس از ۸ روز درگیری، تنها قسمتی از این منطقه را از دست نیروهای خودی خارج کرد. (۳) همچنین، عراق در اقدامی مشترک با منافقین در ۲۹ خرداد ۱۳۶۷ به مهران حمله کرد. در این عملیات، نیروهای عراقی با استعداد یک لشکر ارتفاعات «قلعه آویزان» که مسلط بر شهر مهران بود، به اشغال درآوردند. پس از آن نیروهای منافقین با برخورداری از حمایت یگان های دشمن، وارد شهر مهران شدند (۴).

سقوط جزایر مجنون

سقوط منطقه شلمچه و تداوم حملات دشمن در سایر مناطق و احتمال حمله به جزایر مجنون، به عنوان آخرین منطقه ای که در جبهه های جنوبی همچنان در اختیار قوای نظامی ایران قرار داشت، باعث شد تا ضرورت تخلیه دو جبهه ماوت و حلبچه در غرب کشور و انتقال نیروها به جنوب مورد توجه قرار گیرد. (۵) چنان که پیش از این اشاره شد، گسترش و زمین گیر شدن نیروهای سپاه در خطوط پدافندی در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرز، علاوه بر این که قدرت آفندی سپاه را کاهش داده بود، بر توانایی پدافندی این نیرو تأثیرات فراوانی گذاشته بود. به عبارت دیگر استراتژی دشمن از پدافند به آفندی تغییر کرده بود و به طور طبیعی، نیروهای خودی در موضع پدافندی

ص: ۹۰

۱- ۳۲۷. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، راهنمای عملیات جنگ ۸ ساله، تهران، آبان ۱۳۶۹، ص ۹۰.

۲- ۳۲۸. روزنامه کیهان، ۲۸ / ۳ / ۱۳۶۷، خطبه های نماز جمعه تهران، ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۲۹. روزنامه کیهان، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۳۰. مأخذ ۱۶۳.

۵- ۳۳۱. مأخذ ۱۰۸، ص ۱۷.

قرار گرفته بودند. تمرکز نیرو برای مقابله با تهاجمات دشمن ضروری بود، بنابراین بر تخلیه برخی از مناطق تأکید می شد. در بحث هایی که به میان آمد، حتی چنین استدلال می شد که وقتی ما خرمشهر را از دشمن گرفتیم، با احتمال حمله ایران به سمت بصره، دشمن نیروهایش را از قصر شیرین، مهران و سایر مناطق عقب کشید و در منطقه شرق بصره متمرکز کرد. (۱) در شرایطی که دشمن برای حمله به جزایر آماده می شد، به نظر می رسید حفظ این منطقه بر سایر مناطق ارجحیت داشت. نظر به اهمیت این بحث و ضرورت تصمیم گیری و اقدام مقتضی، فرماندهی سپاه (برادر رضایی) تلاش می کرد، نیروهای ارتش مسئولیت پدافند یکی از چهار منطقه ماووت، چنگوله، مهران و ترجیحا حلبچه را که به وسیله سپاه پدافند می شد، بر عهده بگیرند تا نیروهای سپاه برای پدافند در جزایر، آزاد شوند. (۲) پیچیدگی و دشواری های موجود سبب شد، تصمیم گیری در این زمینه به زمان دیگری موکول شود (۳) مهم ترین علت تأخیر در تصمیم گیری برای عقب نشینی، این بود که مسئولان و فرماندهان هنوز به حفظ مواضع امیدوار بوده و عقب ماندگی خود و برتری فوق العاده عراق به لحاظ توان رزمی را باور نداشتند. تصور می شد که علت حوادث قبلی، تنها اشکالات در خطوط دفاعی و ضعف های تاکتیکی بوده است و با رفع آنها می توان دفاع کرد. (۴) با این ملاحظه کلی و در وضعیت دشواری که برای حفظ جزایر وجود داشت، تصمیم گرفته شد که برای حفظ جزایر شمالی در آن جا پدافند شود و در جزیره جنوبی برای انهدام دشمن و گرفتن زمان برای حفظ جزیره شمالی به دشمن حمله شود (۵).

با نزدیک شدن روزهای پایانی ماه خرداد، عراق بر حجم تحرکات خود و در همین راستا، در ۲۸ خرداد ۱۳۶۷ و روزهای پس از آن نیروهایش را در این جزایر تقویت کرد. (۶) نکته قابل ملاحظه در تحرکات عراق، اجتناب از حفاظت و غافل گیری بود. به نظر می رسید، دشمن قصد داشت، تحرکات خود

ص: ۹۱

۱- ۳۳۲. پیشین.

۲- ۳۳۳. پیشین، ص ۲۷ و ۲۸.

۳- ۳۳۴. مأخذ ۱۰۸، ص ۱۷.

۴- ۳۳۵. مأخذ ۵۹.

۵- ۳۳۶. مأخذ ۱۵۷، ص ۸.

۶- ۳۳۷. پیشین، ص ۵.

را نشان دهد (۱)، تا با ایجاد رعب در نیروهای ایرانی، ضریب موفقیتش را افزایش دهد.

در این حال، روزنامه واشنگتن تایمز به نقل از مقامات وزارت دفاع امریکا نوشت:

«عراق یک نیرو به تخمین ۲۰۰ هزار نفر را در نزدیکی شهر بندری بصره مستقر کرده است تا در عرض چند هفته به جزیره مجنون، ناحیه نفت خیزی از خاک عراق که در سال ۱۹۸۴ به دست ایران افتاده بود، حمله کند» (۲).

سرانجام، یک ماه پس از سقوط شلمچه، دشمن کلیه مواضع نیروهای خودی را در جزایر مجنون و «کوشک» با شناسایی قبلی از ساعت ۱۲ شب تا ساعت ۳ بامداد با استفاده از حجم شدید آتش توپخانه، زیر آتش قرار داد. (۳) عملیات دشمن در جزیره برابر گزارش نشریه رویدادها و تحلیل سپاه به شرح زیر می باشد:

ارتش بعث عراق از اولین ساعات بامداد ۴ تیر ۱۳۶۷ به اجرای آتش تهیه سنگین روی خطوط دفاعی، جاده های ارتباطی، مواضع توپخانه مقرها، عقبه ها و مراکز تجمع نیروهای خودی و همچنین بمب باران شیمیایی منطقه که دامنه آن تا حوالی هویزه گسترش یافته بود، اقدام کرد. سپس در ساعت ۳:۴۵ صبح، عملیات خود را از محورهای جاده خندق جنوبی «طلائی» و پیچ کوشک آغاز کرد. در محور جاده خندق نیروهای دشمن با تیپ های ۱ و ۲ کماندویی از سپاه ششم، تیپ ۶۰۱ پیاده و لشکر ۲۵ وارد عمل شد و پس از رسیدن به تقاطع جاده بدر و ضلع شمالی جزیره شمالی (حدود ساعت ۹ صبح)، به طرف جاده همت (شمال شرقی) به پیش روی خود ادامه دادند.

در محور جزیره جنوبی که محور اصلی تک دشمن بود، لشکرهای مدینه المنوره و «حمورایی» از سپاه گارد ریاست جمهوری پس از پیاده کردن نیرو روی جاده قمر بنی هاشم (جاده اتصالی بین دو جزیره) به طرف ضلع

ص: ۹۲

۱- ۳۳۸. پیشین، ص ۶.

۲- ۳۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۴، ۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲۳ و ۲۴، رادیو امریکا، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۸، ۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۸ و ۹.

جنوبی جزیره شمالی ادامه تک داده و با سقوط پد شماره یک در جنوب غربی جزیره شمالی به وسیله پل های شناور جی.اس.پی ادوات و تجهیزات را به داخل جزیره شمالی انتقال داد و پس از آن به سمت اضلاع دیگر جزیره پیش روی کرد. هم زمان، دشمن با ۳۰ فروند هلی کوپتر (۱) نیروهایش را روی جاده شهید همت هلی برد کرده و عقبه نیروهای خود را در قسمت شمالی جزیره شمالی مسدود کرد. ساعت ۱۱ صبح نیروهای عمل کننده عراق در محورهای اصلی و فرعی در جزیره شمالی با هم «الحاق» کردند.

با سقوط جزایر جنوبی و شمالی، رزمندگان اسلام مواضع خود را در مناطق «ابوذاکر» و «ترابه»، تخلیه نمودند که پس از چند ساعت به وسیله یگان هایی از سپاه ششم عراق اشغال گردید.

در محور طلائیه یک تیپ از نیروهای گارد جمهوری در ساعت ۷ صبح با هدف ایجاد اختلال در پشتیبانی نیروهای خودی و بستن عقبه یگان ها عملیات فرعی خود را آغاز کرد و حدود ساعت ۹ صبح به سه راهی فتح و جاده سیدالشهدا علیه السلام رسید و سپس تا پاسگاه «خاتمی» پیش روی کرد.

در محور کوشک، لشکرهای ۳ و ۶ زرهی و ۱ و ۵ مکانیزه از دو محور تک خود را آغاز و پس از پیش روی به سمت «جفیر»، تا ساعت ۹ صبح این منطقه را تصرف کردند و به دنبال آن، با گسترش به سمت غرب (سه راهی فتح) این منطقه را پاک سازی و در منطقه کانال «سلمان» (که به موازات جاده جفیر - سه راهی فتح کشیده شده بود) پدافند نمودند در محور دوم کوشک واحدهای عراقی خود را به جاده اهواز - خرمشهر (کیلومتر ۵۵) رساندند و با بستن جاده، چندین پل و قسمتی از راه آهن را تخریب کردند.

دشمن با آغاز تاریکی، از محور طلائیه و جاده سیدالشهدا علیه السلام به سمت

ص: ۹۳

۱- ۳۴۱. هلی کوپترهای دشمن در این عملیات فعالیت شدید و کم نظیری در زمینه پشتیبانی آتش، هلی برد نیرو، اسلینگ مهمات و ادوات و نیز هدایت یگان های مانوری خصوصا واحدها زرهی داشتند.

مرز شروع به عقب نشینی کرد و با استقرار در حوالی نوار مرزی پس از قطع نمودن جاده های سیدالشهدا علیه السلام و همت به تثبیت مواضع خود پرداخت (۱).

صدام در دیدار با فرماندهان و افسران نیروهای گارد تأکید کرد:

«همکاری میان سپاه سوم و گارد ریاست جمهوری در دو نبرد اصلی - در شلمچه و مجنون - نشان دهنده وضعیت جدید در برتری انسان در تمامی رسته های ارتش عراق می باشد.... نبرد مجنون، آخرین حلقه بسیار مشکل در راه آزادی خاک ما بوده است» (۲).

در روند تهاجمی دشمن که از فاو آغاز شد، حمله به جزایر اوج قدرت عراق بود (۳) که به نمایش گذاشته شد. عراق در این عملیات که به لحاظ تاکتیکی، پیش رفته بود به بهترین شکل آفند کرد و بر خلاف عملیات در فاو که خط و عقبه را شیمیایی زد، در جزایر می خواست اسیر بگیرد، این عملیات دو معنا داشت: نخست، تسلط نیروهای عراق در آفند و امیدواری به کسب پیروزی و اطمینان نسبت به عقب نشینی نیروهای ایران و دوم تلاش برای به اسارت گرفتن نیروها و فرماندهان ایرانی (۴).

بازپس گیری تمام مناطق متصرفه در منطقه جنوب، در مدت سه ماه، موقعیت سیاسی - نظامی عراق را به نحو قابل ملاحظه ای بهبود بخشید. اظهارات «نزار حمدون» معاون وقت وزیر امور خارجه این کشور نشان دهنده تداوم حملات عراق بود. وی در اظهارات خود تصریح کرد:

«عراق از این پس تصمیم ندارد تمامی مساعی خود را در صحنه دیپلماتیک متمرکز کند... فشار خود را برای بازپس گرفتن تمامی مواضع اشغال شده توسط ایران ادامه خواهیم داد» (۵).

عراقی ها پیش بینی می کردند که به زودی نتیجه جنگ روشن خواهد شد. «طه یاسین رمضان»، معاون وقت نخست وزیر عراق در مصاحبه ای با یک نشریه تونسی گفت:

ص: ۹۴

-
- ۱- ۳۴۲. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۳.
 - ۲- ۳۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۹، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷، بغداد خبرگزاری عراق، ۵ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۳ و ۴.
 - ۳- ۳۴۴. مأخذ ۱۶.
 - ۴- ۳۴۵. مأخذ ۵۹.
 - ۵- ۳۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۵، ۴ / ۴ / ۱۳۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

«ما مطمئن هستیم که نتیجه جنگ در روزها، هفته ها و ماه های آینده روشن خواهد شد» (۱).

عراقی ها چنین ارزیابی می کردند که زمان به نفع آنها است (۲)، لذا تشدید فشارهای همه جانبه به ایران بخشی از تلاش و اقدامات عراق، در حال طرح ریزی و اجرا بود.

وضعیت جدید ایران در مقایسه با گذشته نامطلوب بود. زیرا از یک سو، با از دست دادن مناطق تصرف شده در داخل خاک عراق، فاقد موضع قوی برای فشار آوردن به سازمان ملل بود و از سوی دیگر، نمی توانست جنگ را آن گونه که مناسب است، در برابر فشارهای همه جانبه عراق ادامه دهد. (۳) در چنین وضعیت دشواری، شورای عالی پشتیبانی جنگ با صدور بیانیه ای ضمن تشریح شرایط جنگ، تصمیمات جدیدی را برای مهار معضلات اقتصادی و بسیج نیرو به جبهه ها اعلام کرد که در رسانه های خبری منعکس شد. (۴) برخی از تحلیل گران، دو تحول عمده را ناشی از رخدادهای نظامی و تصمیم گیری های جدید شورای عالی پشتیبانی جنگ و تحرکات اخیر ایران در زمینه دیپلماتیک (۵) ذکر کردند. (۶) مجله امریکایی نیوزویک به نقل از مقامات این کشور نوشت:

«ایران ممکن است با توجه به تحولات نظامی، تمایل بیش تری برای خاتمه بخشیدن به جنگ و بهبود روابط ایران با امریکا نشان بدهد.»

به همین دلیل، در این نشریه به دولت امریکا توصیه شد، به طرف داری از عراق پایان داده و در جنگ موضعی کاملاً بی طرف پیش گیرد. (۷) در پی

ص: ۹۵

-
- ۱- ۳۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۳، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷، آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۲- ۳۴۸. پیشین، نزار حمدون، معاون وزیر خارجه عراق.
 - ۳- ۳۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۲، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷، بی.بی.سی، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از فاینشال تایمز.
 - ۴- ۳۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۵- ۳۵۱. رادیو لندن با توجه به برقراری مجدد روابط ایران با فرانسه و مذاکره با انگلیس و کانادا به منظور تجدید مناسبات، طی تفسیری گفت: «ایران ظاهراً در پاسخ به پیروزی های نظامی عراق برای بهبود در روابطش با غرب کوشش می کند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۹، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲۸، رادیو لندن، ۵ / ۴ / ۱۳۶۷).
 - ۶- ۳۵۲. مأخذ ۱۸۴، رادیو لندن، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از فاینشال تایمز.
 - ۷- ۳۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۶، ۳ / ۴ / ۱۳۶۷، نیوزویک، ۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

انتشار اخبار مربوط به تماس ایران و امریکا، سرانجام «شولتز»، وزیر خارجه وقت امریکا اعلام کرد:

«ایران در سال گذشته [۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶ خورشیدی)] چندبار به طور غیر مستقیم با امریکا تماس گرفته و مقام های بلند پایه ایران این تماس ها را در زمان های گوناگون و از طریق کانال های مختلف برقرار کرده اند.... اگر ایران مایل به مذاکره باشد، امریکا از تهران خواهد خواست به جنگ خلیج فارس پایان دهد و از کارهای تروریستی دست بردارد!» (۱).

مبادله پیام های آشکار و پنهان میان ایران و امریکا در رسانه های خبری بازتاب گسترده ای داشت. روزنامه کویتی «الانباء»، هدف امریکا را از تماس های خود با ایران، شکستن حلقه محاصره و خارج کردن ایران از انزوا یاد کرد و نوشت:

«امریکا و غرب در پی پیروزی های اخیر عراق در جبهه های جنگ، رو به ایران آورده اند تا نگذارند ایران شکست بخورد» (۲).

«رابرت هانتز»، کارشناس و محقق ارشد مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه جرج تاون در امور خاورمیانه نیز به دولت امریکا توصیه کرد:

«باید بر اساس برنامه ای که به صلح تکیه داشته باشد، در شرایطی که دولت ایران از این حوادث به شدت تکان خورده است، در یک مسیر که همانا صلح در جنگ خلیج فارس است، حرکت کند.»

وی پیش بینی کرد:

«احتمال این که این تراژدی به یک کاتالیزوری برای تشنج زدایی میان ایران و امریکا مبدل شود، زیاد است.»

وی همچنین تأکید کرد:

«زمان برای حل مشکلات و اختلافات ایران و امریکا و پایان دادن به جنگ ایران و عراق مساعد شده است، به شرطی که ایران و امریکا به صورتی سازنده عمل

ص: ۹۶

۱- ۳۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۹، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.
۲- ۳۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۳، سرمقاله روزنامه کویتی الانباء.

کنند و بر عراق نیز فشار وارد آورده شود، تا از ادعای خود در مورد تمایل به خاتمه جنگ طفره نرود» (۱).

به موازات ظهور علایم آشکار مبنی بر مناسبات ایران و امریکا، شواهد و قرائن موجود، بر افزایش تنش میان امریکا و عراق دلالت داشت. نظر به این که قبل از آغاز تهاجم عراق به جزایر مجنون، امریکایی ها از نقل و انتقالات عراقی ها و آمادگی آنها برای تهاجم به جزایر اخبار را منتشر ساختند، صدام بلافاصله پس از کسب پیروزی در بازپس گیری جزایر مجنون، امریکا را متهم ساخت که از طریق ماهواره هایش در مورد تدارکات عراق برای انجام یک تهاجم در جزایر مجنون، اطلاعاتی به دست آورده و در اختیار ایران قرار داده است. (۲) اما یک سخن گوی وزارت دفاع امریکا در واکنش به ادعای صدام، آن را تکذیب کرد. (۳) مدتی بعد، یک دیپلمات عراقی در پاریس به روزنامه نیویورک تایمز گفت:

«انگیزه امریکا از تحویل این اطلاعات به ایران از سرگیری تلاش برای جلب نظر عناصری معتدل در حکومت ایران بوده است» (۴).

«یوسف ابراهیم» خبرنگار این روزنامه در پایان گزارش خود نوشت:

«اتهام صدام علیه امریکا نشانه فزاینده ای دیگر از رو به زوال رفتن عراق و امریکا است» (۵).

مجله نیوزویک نیز نوشت:

«واشننگتن اخیراً به عراق فشارهای سیاسی وارد آورده و سعی می کند عراق را راضی کند که با راه حل دیپلماتیک مورد قبول ایران، موافقت کند» (۶).

ملاقات امریکایی ها با «جلال طالبانی» رهبر «اتحادیه میهنی کردستان» یکی دیگر از مسائلی بود که مورد اعتراض عراقی ها قرار گرفت. ریچارد مورفی، مدیر کل امور خاورمیانه در وزارت خارجه امریکا با توجه با فضای ایجاد شده در رسانه های غربی مبنی بر روابط ایران و امریکا و تنش در روابط عراق و امریکا،

ص: ۹۷

۱- ۳۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۱، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۴۲ تا ۴۷، رادیو امریکا، ساعت ۲۰:۳۰، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۵۷. مأخذ ۱۸۴، ص ۳.

۳- ۳۵۸. پیشین، ص ۷، رادیو امریکا، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۵۹. مأخذ ۱۸۲.

۵- ۳۶۰. پیشین.

۶- ۳۶۱. مأخذ ۱۸۷، ص ۵۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

در سخنانی گفت:

«پذیرفتن طالبانی از سوی امریکا نباید این گونه تعبیر شود که این اقدام مداخله در امور داخلی عراق بوده است.»

وی تأکید کرد:

«دیدار طالبانی تدبیری پنهانی برابر برقراری روابط با ایران نبوده است» (۱).

مورفی همچنین در مورد ملاقات و گزارش های منتشره در اروپا مبنی بر تماس های محرمانه امریکا با نمایندگان دولت ایران، این گزارش ها را قاطعانه تکذیب کرد و گفت:

«منافع کشورهای خلیج فارس در این است که این جنگ تمام شود.»

وی در تشریح سیاست امریکا در وضعیت جدید، گفت:

«امریکا معتقد است که سیاست کنونی که، مبتنی بر قاطعیت و به طور هم زمان، آمادگی برای گفت و گو است، سیاست درستی است و همچنان پی گیری خواهد شد» (۲).

مدیر کل امور خاورمیانه در وزارت خارجه امریکا در ادامه اظهار امیدواری کرد:

«پیروزی های عراق بر این واقعیت را به تهران بفهماند که این جنگ را نمی توان برد. این، جنگی است که باید به آن خاتمه داد و مذاکره برای اعمال قطع نامه ۵۹۸ را آغاز کرد» (۳).

حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایران

ناو هواپیمابر نیروی دریایی امریکا به نام «وینسنس» در یک اقدام جنایت کارانه، در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ با شلیک دو فروند موشک به سوی هواپیمای جمهوری اسلامی ایران که از بندرعباس عازم دبی بود، جان ۲۹۰ تن انسان غیر نظامی را گرفت. (۴) این حادثه به عنوان یک فاجعه انسانی، بازتاب نسبتاً

ص: ۹۸

۱- ۳۶۲. مأخذ ۱۸۵، صص ۱۱ تا ۱۳، رادیو آمریکا، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۶۳. پیشین.

۳- ۳۶۴. مأخذ ۱۸۵.

۴- ۳۶۵. مأخذ ۱۸۹، رادیو آمریکا، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۷، ساعت ۳۰: ۲۰.

گسترده ای داشت. آمریکا که از عملکرد خود آگاه بود، برای محدود کردن اثرات منفی این اقدام در افکار عمومی، در نخستین واکنش مدعی شد که هواپیمای منهدم شده، نظامی بوده و قصد تجاوز به ناو امریکایی را داشته (۱) که پس از هشدار و بی توجهی خلبان به آن، هدف موشک قرار گرفته است. امریکایی ها که در ابتدا برای کاهش عواقب منفی حرکت فاجعه آمیز خود رسانه ها را جهت داده بودند و در گام بعدی پس از آن که مشخص شد در آن هنگام هیچ هواپیمای دیگری جز «ایرباس» مسافربری ایرانی در آسمان نبوده است مدعی شدند که اقدامشان کاملاً دفاعی بوده است. (۲) در همین راستا، رئیس ستاد نیروهای مسلح ارتش امریکا بیان کرد، کشتی های امریکایی برای دفاع از خودشان اقدام کردند. سران امریکایی از سویی مانع از هجوم افکار عمومی علیه خود بودند و از سوی دیگر تمایل داشتند به طرف ایرانی تفهیم کنند که امریکا برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ از هر گونه اقدام فاجعه آمیزی علیه مردم ایران خودداری نخواهد کرد. به همین دلیل، رئیس جمهور امریکا اقدام کشتی امریکایی را یک اقدام شایسته ذکر کرد (۳).

در پی تشدید درگیری میان ایران و امریکا و نگرانی از واکنش ایران، وزارت خارجه امریکا به تمام سفارت خانه های این کشور توصیه کرد به عنوان اقدامی احتیاطی در برابر تلافی احتمالی ایران، تدابیر امنیتی ویژه ای را اعمال کنند. سپس برای فروکش کردن التهاب مردم ایران سخن گوی وزارت خارجه امریکا نیز اعلام کرد: هدف امریکا پایان دادن به جنگ ایران و عراق است و کشورش به هیچ وجه خیال دیگری با ایران ندارد (۴) و در همین راستا، ریگان بار دیگر در توضیح این حادثه تصریح کرد:

«ناوهای جنگی امریکا به اشتباه یک هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی را مورد هدف قرار داده اند» (۵).

در پی گسترش دامنه نگرانی امریکایی ها، برخی از اعضای کنگره امریکا

ص: ۹۹

۱- ۳۶۶. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲۸.

۲- ۳۶۷. مأخذ ۱۸۹، ص ۱۸، خبرگزاری رویتر، به نقل از یک مقام امریکایی.

۳- ۳۶۸. پیشین.

۴- ۳۶۹. پیشین.

۵- ۳۷۰. پیشین.

خواستار ارزیابی سیاست کشورشان در خلیج فارس شدند. (۱) «ترنر»، رئیس پیشین سیا در واکنش به این درخواست، گفت:

«چنین ارزیابی در زمان حاضر کار درستی نیست.»

وی تصریح کرد:

«ما باید دقت کنیم که حادثه مصیبت بار در خلیج فارس، سیاست فشار بر ایران را - که به نظر مؤثر می آید - تغییر ندهد» (۲)

«رابین رایت» از «بنیاد کارنگی» نیز معتقد بود که امریکا نباید خروج یا کاهش حضور را [در خلیج فارس] قبول کند، زیرا این مسئله به معنای گریز امریکا از رویارویی با ایران محسوب خواهد شد (۳).

کردن نیز بر این باور بود که واقعیات اساسی، امریکا را به خلیج فارس آورده است و این واقعیات اکنون هیچ تغییری نکرده و این حادثه نباید منجر به تغییر سیاست امریکا در منطقه شود. (۴) ریگان، رئیس جمهور امریکا با توجه به مباحث مطرح شده در کنگره، در میان کارشناسان امریکایی در پیامی به کنگره ضمن تأکید مجدد بر ماهیت اقدام دفاعی امریکا، تصریح کرد:

«ایران هیچ گونه اقدام خصمانه ای انجام نداده است و این موضوع خاتمه یافته است» (۵).

ریگان همچنین طی بیانیه ای علاوه بر دفاعی قلمداد کردن این اقدام تأکید کرد:

«نفع امریکا در خلیج فارس فقط در صلح است و همین امر ضرورت دست یابی هر چه سریع تر به هدف یاد شده را تقویت می کند» (۶).

شوروی ها که در سیاست های جدید خود مترصد بهره برداری از اشتباهات امریکا بودند، با تأکید بر خروج نیروهای امریکا از خلیج فارس، گفتند:

«این فاجعه ثابت کرد که امریکا هر چه زودتر باید در خط مشی خود در خصوص خلیج فارس تجدید نظر کند.»

ص: ۱۰۰

۱- ۳۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۷، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۱۴ و ۱۵، رادیو امریکا، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۷۲. پیشین.

۳- ۳۷۳. مأخذ ۲۰۶، ص ۱۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۷۴. پیشین.

۵- ۳۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۸، ص ۲۶، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۴ / ۴

مفسر رادیو لندن در تفسیر رادیویی خود تأکید کرد، «اتحاد شوروی خواهد کوشید، از این واقعه برای مقاصد دیپلماتیک بهره برداری کند» (۱).

سقوط هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران به وسیله ناو امریکایی در فضای سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ بازناب گسترده ای نیز در داخل کشور داشت. واکنش و تحلیل آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا به دلیل موقعیت و اعتبار و نفوذ وی بسیار مورد توجه بود. وی در مجلس شورای اسلامی این واقعه را آزمایش برای مجامع بین المللی دنیا دانست و گفت:

«باید ببینیم که سازمان ملل چه می کند؟ شورای امنیت چه می کند؟ چشم انسان های صالح و همه عدالت خواهان دنیا به دروازه این مرکز دوخته شده است تا ببینند این ها وظیفه شان را چگونه انجام می دهند» (۲).

با توجه به درگیری نظامی و پاسخ گویی ایران به اقدامات خصمانه امریکا در خلیج فارس، این اظهارات به معنای تغییر موضع ایران ارزیابی شد. به نظر می رسید، ایران سیاست خارجی جدیدی را در پیش گرفته است و قصد ندارد در وضعیتی که در برابر تهاجمات پی در پی عراق قرار گرفته و فضای تبلیغاتی بین المللی نیز با حادثه سقوط ایرباس به سود ایران تغییر کرده بود، با اقدامی تلافی جویانه علیه امریکا، اوضاع را تغییر دهد. در ادامه این خط مشی، ایران خواستار تشکیل فوری جلسه شورای امنیت شد. رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل اعلام کرد: «شورای امنیت باید هر چه سریع تر قتل عامی را که اقدامات تروریستی دیگر را نیز در پی خواهد داشت، مورد بررسی قرار دهد» (۳).

مفسر بخش شرقی رادیو لندن در مورد اظهارات آقای هاشمی گفت:

«پیام آشکاری که از جانب ایران داده شد، حاکی از آن است که ایران می خواهد برای محکوم کردن ایالات متحده امریکا به جامعه بین المللی روی بیاورد» (۴).

این مفسر در تأیید نظر خود اظهار کرد:

ص: ۱۰۱

۱- ۳۷۷. پیشین ۲۱۳.

۲- ۳۷۸. روزنامه اطلاعات، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۷۹. پیشین.

۴- ۳۸۰. مأخذ ۲۱، ص ۵۵، رادیو لندن، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

«لاریجانی، معاون وزیر خارجه ایران که در وین به سر می برد، گفته است: «موضوع انتقام جویی ایران مطرح نیست، بلکه این مطرح است که ایران به نحوی واکنش نشان دهد که از تکرار چنین وقایعی جلوگیری شود.» (۱).

اظهارات نمایندگان وقت ایران در سازمان ملل و معاون وقت وزیر خارجه ایران بیان گر نوعی نگرانی از سیاست های امریکا علیه ایران بود. در حالی که دیپلمات های سازمان ملل با تعجب به تصمیم ایران مبنی بر رسیدگی به اقدام جنایت کارانه امریکا می نگرستند (۲)، ریگان با تغییر موضع گفت:

«در مورد این حادثه به اندازه کافی از ایران عذر خواهی کرده است» (۳).

در راستای کاهش تنش بین ایران و امریکا، «سازمان جهاد اسلامی» که بیش از این اعلام کرده بود یک گروگان امریکایی را به قتل خواهد رساند، اعلام کرد که به درخواست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی این اقدام را به تعویق انداخته است (۴).

وضعیت جدید منجر به نوعی گفت و گوی مستقیم و غیر مستقیم میان ایران و امریکا شد. نماینده وقت امریکا در سازمان ملل انهدام هواپیمای ایرباس را «جان گداز و خوف انگیز» ذکر کرد و گفت:

«مع هذا می تواند انگیزه تازه ای برای پایان دادن به خصومت ها در خلیج فارس را فراهم آورد.»

وی در مورد موضع امریکا در برابر ایران گفت:

«ما نه درصدد رنجاندن آنها هستیم و نه تحقیر آنها» (۵).

رادیو امریکا در ۱۷ تیر ۱۳۶۷ طی برنامه ای تحت عنوان نظرات رسمی دولت امریکا گفت:

«تنها نفعی که امریکا در خلیج فارس دارد، برقراری صلح است و این فاجعه انسانی ضرورت دستیابی به آن هدف را به حداکثر شتاب [رسانده] و دو چندان ساخته است» (۶).

ص: ۱۰۲

۱- ۳۸۱. پیشین.

۲- ۳۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۸۳. مأخذ ۱۸۸، ص ۱۷، خبرگزاری فرانسه، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۸۴. پیشین، ص ۲۷، خبرگزاری کویت، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۳۸۵. مأخذ ۲۱۸، ص ۱۲، خبرگزاری فرانسه، ورنون والترز.

۶- ۳۸۶. پیشین، رادیو امریکا، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ساعت ۳۰ / ۲۱.

برقراری روابط ایران و آمریکا، پس از سقوط هواپیمای ایرباس بار دیگر مورد بحث مقامات امریکایی و رسانه های خبری قرار گرفت. سخن گوی کاخ سفید در این زمینه تصریح کرد:

«امریکا مدت مدیدی است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد. ما این تمایل را در هر موقعیتی ابراز داشته ایم.»

وی در توضیح دیدگاه امریکا درباره ضرورت برقراری رابطه با ایران و گفت:

«امریکا دو هدف عمده را دنبال می کند: هدف اول کمک به پایان بردن جنگ ایران و عراق است و هدف دوم، ترغیب ایران به این مسئله که چنانچه سیاست های بنیادگرانه خود را در خارج از ایران معتدل تر کند، موضع بین المللی خود را بهبود خواهد بخشید.»

وی در اظهارات خود هدف بلند مدت رابطه با ایران را جلوگیری از نفوذ شوروی و به دست آوردن جا پا در ایران ذکر کرد. وی سه مانع را برای برقراری روابط برشمرد که عبارت بودند از: «ادامه تلاش ایران در ادامه جنگ»، «حمایت از به اصطلاح تروریسم» و «نگه داری گروگان های امریکایی در لبنان» (۱). به تدریج، در میان عوامل یاد شده، پایان دادن به جنگ و بحث پیرامون آزادی گروگان های امریکایی در لبنان به مسئله اصلی در گفت و گوهای مستقیم ایران و امریکا تبدیل شد (۲).

آقای هاشمی، در نماز جمعه با ارائه تحلیلی درباره عدم واکنش ایران در مقابل سقوط هواپیمای ایرباس، گفت:

«آنها قبلا به کشتی ها و هواپیماها و سکوهای نفتی ما حمله می کردند و می دیدند، ما جواب مناسب را می دهیم. اینها فکر کردند که ایران با آمادگی که دارد، یک کاری متناسب با این می کند و خودشان هم که در منطقه چیزی نداشتند، فکر کردند که ممکن است این قضیه نسبت به هواپیمای دیگری در

ص: ۱۰۳

۱- ۳۸۷. پیشین، صص ۴۹ و ۵۰، خبرگزاری رویتر، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، مارتین فیتزواتر.

۲- ۳۸۸. پیشین، ص ۵۷، رادیو لندن، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، رابین رایت، به نقل از لاریجانی، معاون وزیر خارجه ایران.

منطقه اتفاق بیفتد. آنها شاید این طور فکر می کردند، شاید هم زمینه سازی پیشین را خودشان در این رابطه کرده بودند و اگر کار خاصی به عنوان مقابله به مثل می شد، هم امریکا به هدفش رسیده بود و هم موج تبلیغاتی را علیه ما درست می کرد، اما قضیه جور دیگری شد» (۱).

آقای هاشمی ضمن ابراز تردید از تداوم حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس، افزود:

«آیا واقعا شما برای حفظ امنیت آمده اید؟ و آیا امنیت را در خلیج فارس حفظ کرده اید؟ شما آمده اید که نگذارید صلح بشود، آمدید که نگذارید امنیت باشد، آمدید زیر بال صدام را بگیرید که نیفتد» (۲).

وی بار دیگر به تصمیم گیری شورای امنیت و انتظار ایران برای محکوم شناختن امریکا در این حادثه اشاره کرد.

بلافاصله یک مقام پنتاگون که نخواست نامش فاش شود، در واکنش به سخنان آقای هاشمی گفت:

«به نظر می رسد که این یک تغییر در تهدیداتی می باشد که ما در طول تمام این هفته شنیده ایم و اگر درست باشد، ما از آن استقبال می کنیم» (۳).

دیپلمات ها معتقد بودند، این تصمیم ایران مبنی بر خودداری از دست زدن به اقدام تلافی جویانه علیه «واشنگتن»، به دلیل کسب حمایت بین المللی در جنگ این کشور علیه عراق می باشد (۴).

فراخوانی عمومی نیروهای بسیجی

امام خمینی (ره) با توجه به ماهیت اقدام تجاوزکارانه امریکا و فضای سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ و ضرورت بسیج نیروها برای مقابله با وضعیت جدید، به مناسبت فاجعه سقوط هواپیمای ایرباس پیامی را صادر کردند که در آن با توجه به «ابهام و تردیدهایی که نسبت به روند تحولات جنگ» و

ص: ۱۰۴

۱- ۳۸۹. روزنامه اطلاعات، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۲، نماز جمعه تهران، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۹۰. پیشین.

۳- ۳۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۲، ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۱۱، خبرگزاری رویترا، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۹۲. پیشین، ص ۱۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

شایعه معامله پنهانی برای پایان دادن به جنگ که پس از سقوط فاو، به وجود آمده بود، فرمودند:

«امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از مسائل جنگ خیانت به رسول الله است.»

ایشان در جای دیگری از این پیام تأکید فرمودند:

«باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی مان در جبهه ها از بین برود... امروز باید دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذنباش به سوی جبهه ها رو کنیم» (۱).

پیام امام شور و هیجان فوق العاده ای در جامعه به وجود آورد. مردم نیز با شرکت در تشییع جنازه شهدای حادثه هواپیما، تنفر خود را نسبت به امریکا ابراز کردند و هم زمان، نوعی زمینه برای حضور گسترده در جبهه های جنگ به وجود آمد. چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز طرح قانونی مبارزه مستمر با استکبار و ادامه جنگ تا کسب پیروزی را به عنوان استراتژی جمهوری اسلامی ایران با قیاد یک فوریت تقدیم مجلس کردند. (۲) نخست وزیر وقت، مهندس میرحسین موسوی نیز در پیامی به امام و اعلام آمادگی برای تحقق نظرات ایشان در بخشی از پیام خود تأکید کرد:

«امروز وقت استقامت، امروز وقت جهاد و امروز روز برنامه ریزی، تلاش و پیروزی است» (۳).

گرچه پیش از این، فراخوانی نیروهای بسیجی تحت عنوان سپاه محمد صلی الله علیه و سلم از هفت استان از هفتم تیر آغاز شده بود، ولی به نظر می رسید که تعداد داوطلبان با شرایط حساس سیاسی - نظامی تناسب لازم را ندارد. بر این اساس شورای عالی پشتیبانی جنگ در بیانیه مهم خود در ۱۱ تیر ۱۳۶۷ تأکید کرد:

«مرحله ای بسیار حساس برای انقلاب و امتحانی بس بزرگ برای ملت قهرمان

ص: ۱۰۵

۱- ۳۹۳. روزنامه اطلاعات، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۹۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۹۵. روزنامه اطلاعات، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

ماست و ملت باید در این مرحله همه توان و نیروی ذاتی و معنوی و مادی خود را به کار گیرد و از هر گونه ساده انگاری (۱) و سهل انگاری بپرهیزد» (۲).

آقای هاشمی نیز در نماز جمعه تهران با توجه به بیانیه شورای عالی پشتیبانی جنگ گفت:

«ما شرایط را امروز بسیار حساس می بینیم، دعوتی که شورای عالی پشتیبانی جنگ کرد و دعوتی که امروز ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح کرد، هدایتی که حضرت امام کردند و از مردم خواستند که امکانات و نیروها را متوجه جبهه ها کنند، این یک دعوت بسیار جدی است... اگر ما با این وسعت در جبهه ها حاضر باشیم و آنها بدانند که ما مصمم هستیم و این گونه حوادث تلخ، ما را به زانو در نمی آورد، ممکن است ترجیح بدهند که از راه شناخت متجاوز مسئله را حل کنند و یا راه دیگری انتخاب بکنند» (۳).

ستاد فرماندهی کل قوا در نخستین بیانیه خود از مردم خواست، با روحیه اسلامی و انقلابی، بار دیگر پرده ابهام و تردیدی را که در خصوص آینده انقلاب و سرنوشت جنگ پیش چشم جهانیان افتاده و حاصل جنگ روانی دشمن است، پاره کنند. در این بیانیه از همه کسانی که توانایی حمل سلاح و عزیمت به جبهه های نبرد را دارند، درخواست شد، جهت ثبت نام و اعزام به جبهه یا مراکز آموزشی نظامی به سرعت به پاسگاه های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رده های مقاومت مراجعه و ثبت نام کنند. (۴) رادیو لندن در واکنش به بیانیه ستاد فرماندهی کل قوا اعلام کرد:

«زمان این فراخوانی به لحاظ روانی دست انتخاب شده است. زیرا پس از حادثه

ص: ۱۰۶

۱- ۳۹۶. مهندس موسوی در مصاحبه ای با مجله پاسداران اسلامی در مورد شرایط حساس جنگ گفت: «چه بسا ما دچار خوش بینی شدیم وقتی که فتح و پیروزی در جنگ نصیب ما شد... این فراز و نشیب های جنگ به خوبی نشان می دهد که اگر ما هر چند اسیر توهم بشویم که مثلا در دسر جنگ زیاد شده و بهتر است مقداری کوتاه بیایم و نظایر اینها، این تصور ما را به آنجا خواهد رساند که درست از همین نقطه دشمنان ما استفاده بکنند.» (روزنامه اطلاعات ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۷).

۲- ۳۹۷. روزنامه اطلاعات، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۹۸. مأخذ ۲۲۵، ص ۱۴، خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۹۹. پیشین.

سقوط ایرباس، امریکا مسئول شناخته می شود. این درخواست از نقطه نظر سیاسی تأثیر خوبی دارد» (۱).

تداوم تهاجمات عراق و بازپس گیری زبیدات

پس از سقوط جزایر مجنون و بازپس گیری کلیه مناطق تصرف شده در جبهه های جنوبی، تهاجم نیروهای عراقی به منطقه شمالی آغاز شد و در ۷ تیر ۱۳۶۷ نیروهای دشمن به ارتفاعات شاخ شمیران در منطقه دربندیخان حمله کردند که به دلیل مقاومت نیروهای خودی و با وجود دو روز تلاش، موفق به تصرف منطقه نشدند. (۲) در همین هنگام نیروهای خودی برای تمرکز توان خود و خارج کردن ابتکار عمل از دست عراق، تصمیم گرفتند، مناطق تصرف شده در جبهه شمالی را تخلیه کنند. بدین ترتیب، مناطق حاج عمران، ماووت و پنجوین تخلیه شد، اما نیروهای عراق وانمود کردند که خود به چنین مهمی دست یافته اند. به طوری که در ۱۵ تیر ۱۳۶۷ نیز رادیو «صوت الجماهير» به نقل از اطلاعیه نظامی ارتش عراق، آغاز عملیات نیروهای سپاه پنجم عراق را در منطقه حاج عمران، قلعه دیزه، پنجوین و ماووت و نیز آزادی آنها را اعلام کرد. (۳) در تداوم این حملات ارتش عراق طی پنج روز نبرد، کلیه مناطق شمالی کشور را که در سال ۱۳۶۶ و اردیبهشت سال ۱۳۶۷ با عملیات های کربلای ۱۰، نصر ۴، نصر ۸، بیت المقدس ۶، آزاد شده بود، بازپس گرفت (۴).

در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ دشمن در طی یک حرکت گسترده و با نیرویی به استعداد ۱۱ لشکر، منطقه وسیعی را در غرب عین خوش، موسیان و جنوب دهلران به تصرف خود درآورد. (۵) رادیو بغداد در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ به نقل از اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۵۶ اعلام کرد، عملیات «توکلنا علی الله» در منطقه زبیدات و اطراف آن، واقع در منطقه عملیات سپاه چهارم در شرق «ميسان»،

ص: ۱۰۷

۱- ۴۰۰. مأخذ ۱۹۰، ص ۷، رادیو لندن، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۰۱. مأخذ ۱۶۳.

۳- ۴۰۲. مأخذ ۲۳۱، صص ۱ و ۲، صوت الجماهير، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷، اطلاعیه نظامی ۳۲۴۶.

۴- ۴۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۴، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۰۴. مأخذ ۱۶۳.

پس از بمباران مقدماتی و آتش توپخانه، در ساعت ۷:۱۵ صبح آغاز شد و کلیه واحدها به اهداف خود رسیده اند (۱).

در اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۵۷ عراق اعلام شد، کلیه مناطق در زبیدات در ساعت ۱۱ صبح تصرف شد. یک سخن گوی نظامی عراق در گزارش خود، به مقادیر عظیم جنگ افزار، مهمات و تجهیزات نظامی و اسناد به جا مانده در مقرهای فرماندهی، تانک و توپ های به غنیمت گرفته شده، اشاره کرد (۲). عراق در اطلاعیه نظامی ۳۲۵۹ توضیح داد که در این عملیات، نیروهای گارد ریاست جمهوری و سپاه چهارم، مقر لشکرهای ۲۱ حمزه و ۷۷ خراسان از ارتش ایران را به تصرف درآورده اند. (۳) عراق در این عملیات پادگان عین خوش، کلیه منطقه عمومی زبیدات - شرهانی و بخشی از جاده عین خوش - دهلران را به اشغال درآورد و تا حاشیه شهر دهلران پیش روی کرد که با قطع جاده عین خوش - دهلران، ارتباط دزفول با دهلران قطع شد (۴).

دشمن در ادامه عملیات و در کمتر از پنج ساعت، شهر دهلران را نیز بار دیگر به تصرف خود درآورد. خبرگزاری عراق به نقل از یک فرمانده عراقی گزارش داد، لشکر پنجم مکانیزه به طرز بی سابقه ای به سوی دهلران پیش روی کرد و موفق شد، شهر را به تصرف خود درآورد. به گفته این مقام نظامی، این عملیات در یک زمان بی نظیر، ۴ / ۵ ساعت به طول انجامید و طی این مدت، حتی مقر عملیاتی نیروی زمینی ارتش ایران در منطقه جنوب تصرف شد و بیش از ۵۰ هزار تن از نیروهای لشکرهای ۲۱ و ۷۷ به اسارت درآمدند. ضمن این که ۹۰ تانک و ۴۰ نفر بر زرهی و ۱۳۰ توپخانه به غنیمت دشمن درآمد (۵).

نیروهای دشمن که در این عملیات علاوه بر بازپس گیری مناطق متصرفه در عملیات های پیشین خودی، به آسانی توانستند دهلران را همانند زمان آغاز

ص: ۱۰۸

۱- ۴۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۵، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱.

۲- ۴۰۶. پیشین، ص ۷.

۳- ۴۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۶، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱، رادیو بغداد، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۰۸. پیشین، ص ۵، به نقل از یک مقام نظامی در جنوب.

۵- ۴۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۴.

تجاوز به ایران، به تصرف خود درآوردند. (۱) وقوع این حادثه بیش تر به یک فاجعه شبیه بود تا یک رخداد نظامی و سقوط یک جبهه عملیاتی، زیرا علاوه بر سرعت پیش روی نیروهای دشمن و از هم گسیختگی نیروهای خودی، شهر دهلران و مقر فرماندهی نیروی زمینی ارتش در جنوب - واقع در عین خوش - به تصرف نیروهای دشمن درآمد. این واقعه با توجه پی آمدهای آن بسیار تأثر انگیز بود. برابر گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، نیروهای مستقر در این منطقه به هنگام عقب نشینی تنها تعداد کمی از ماشین آلات و ادوات جنگی را از مهلکه خارج ساختند و با پیش روی دشمن به سمت دهلران، اهالی این شهر اقدام به ترک خانه های خود کردند. سقوط ناگهانی این مناطق موجب نگرانی شدید اهالی ایلام نیز شد. (۲) همچنین، هزاران سرباز در اطراف جاده اندیمشک - خرم آباد و در بیابان های شمالی اندیمشک در حالت تأثر انگیزی مستقر شدند. این سربازها برابر گزارش منتشر شده، بیش از ۷۰ کیلومتر را از دشت عباس تا اندیمشک پیاده طی کرده بودند. سرگردانی این نیروها که بیش تر آنها از لشکر ۷۷ خراسان و ۱۶ قزوین بودند، روحیه مردم را نیز تضعیف کرده و موجب تأثر آنها شده بود (۳).

پیش روی عراق در عمق خاک ایران بازتاب گسترده ای در رسانه های خبری داشت. زیرا برای نخستین بار نیروهای عراقی پس از عقب نشینی از ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی، بار دیگر وارد خاک ایران شده بودند. (۴) رادیو لندن در این باره طی تحلیلی گفت:

«اگر ادعای عراق درست باشد، این امر می تواند نشان دهنده درهم شکستن کامل مقاومت چهار ماه گذشته نیروی نظامی ایران باشد.»

در ادامه این تحلیل در مورد علت اقدام عراق آمده است:

«غرض از این حمله، غافل گیر کردن آقای رفسنجانی، کفیل فرماندهی کل قوای ایران و تشدید بحران رهبری ایران در مورد مسئله جنگ می باشد، علاوه بر این،

ص: ۱۰۹

۱- ۴۱۰. پیشین، ص ۲۵، منامه، خبرگزاری فرانسه، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۱۱. مأخذ ۲۴۴، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۶.

۳- ۴۱۲. پیشین، ص ۷.

۴- ۴۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۹، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۶، روزنامه تایمز مالی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، لندن، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

ناامیدی عراق از ایران نسبت به پذیرفتن قطع نامه ۵۹۸، بخش دیگری از دلایل ادامه حمله عراق و پیش روی در عمق خاک ایران ذکر شده است» (۱).

عراقی ها نظر به اهمیت این مسئله، ضمن تأکید بر اشغال موقت خاک ایران دلایلی را برای اقدام خود برشمردند. سخن گوی وزارت دفاع عراق در این باره اظهار داشت:

«این اقدام به دلایل تاکتیکی صورت گرفته و سربازان عراقی در ظرف چند روز آینده عقب نشینی خواهند کرد» (۲).

همچنین، به گزارش خبرگزاری «اینا»، در بیانیه ای از تلویزیون عراق، هدف از این اقدام را «انهدام تمرکز نیروهای ایران در این منطقه» ذکر کرد. رئیس وقت مجلس عراق نیز ضمن موقت خواندن حضور نیروهای عراقی در خاک ایران، تأکید کرد، نیروهای عراقی با کسب تضمین در برتری استراتژیکی خود، عقب نشینی خواهند کرد (۳).

در پی پیدایش وضعیت جدید در صحنه تحولات نظامی جلسه مشترک شورای فرماندهی انقلاب و رهبری منطقه ای حزب بعث عراق به ریاست صدام تشکیل شد. بنا به گزارش رادیو بغداد در این جلسه نتایج پیروزی های نظامی اخیر گارد ریاست جمهوری و سپاه چهارم مورد تمجید قرار گرفت. (۴) به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، این دومین جلسه مشترک سران دولت عراق در ۴۸ ساعت گذشته بود که برگزار می شد. گوینده تلویزیون عراق ضمن گزارش عملیات عراق در زبیدات که به نام «توکلنا علی الله» انجام گرفت، بخشی از سخنان صدام را که حاوی نوعی تهدید علیه ایران بود، پخش کرد. رئیس جمهور عراق در آن سخنان گفت:

«من در برابر ملت عراق می گویم که ایران فرصت را از دست ندهد و اراضی اشغال شده عراق را سریعاً تخلیه کند، زیرا اشغال زمین های عراق برای ایران گران تمام می شود» (۵).

ص: ۱۱۰

۱- ۴۱۴. مأخذ ۲۴۶، رادیو لندن، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۱۵. مأخذ ۲۴۴، ص ۱۰، بغداد، خبرگزاری آلمان، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۱۶. مأخذ ۲۴۶، ص ۶، بخش عربی رادیو بغداد، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۱۷. مأخذ ۲۴۴، ص ۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۱۸. مأخذ ۲۴۶، ص ۳، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از تلویزیون عراق.

چند روز بعد، صدام در سالگرد تأسیس حزب بعث طی تحلیلی درباره این عملیات گفت:

«عملیات «زبیدات» حد فاصلی در راستای عملیات آزاد سازی زمین ها و نابودی کامل دشمن در سال جاری بود و عملیات آینده در همین راستا خواهد بود.... اکنون شما با کسب تجربه از سالیان جنگ، دشمن را به ضعف رسانیده اید، به طوری که دیگر توانایی مقاومت در برابر شما را ندارد» (۱).

این اظهارات به خوبی نشان می داد که حملات عراق در مرحله جدید با توجه به نتایج حاصله از مرحله آزاد سازی مناطق و پیش روی در عمق خاک ایران در عملیات زبیدات، ادامه خواهد یافت. صدام در اظهارات خود تأکید کرد:

«استفاده کامل عراق از آب راه شط العرب [اروندرو]، بایستی در رأس مسائل در نظر گرفته شود، چون بنا بر حقوق عراق و مقررات بین المللی، شط العرب دهانه اصلی عراق به دریا به شمار می رود» (۲).

در هر صورت، با وجود این که از مدت ها پیش بین مسئولان جمهوری اسلامی و فرماندهان نظامی بحث عقب نشینی از مناطق تصرف شده مطرح بود، لیکن امیدواری به مقابله با حملات عراق، مانع از تصمیم گیری لازم شده بود. با تصرف منطقه زبیدات و پیش روی نیروهای عراقی در عمق خاک جمهوری اسلامی - همانند روزهای نخست تجاوز عراق در شهریور سال ۱۳۵۹ - و تصرف شهر دهلران، زمینه لازم برای اتخاذ تصمیم قطعی مبنی بر عقب نشینی فراهم شد (۳).

بازتاب و نتایج بازپس گیری مناطق تصرف شده به وسیله عراق

موفقیت های نظامی ارتش عراق در مدت سه ماه (۴)، بسیاری از ناظران و تحلیل گران امور جنگ را غافل گیر کرد، زیرا در این مدت، عراقی ها نیروهای

ص: ۱۱۱

-
- ۱- ۴۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۲- ۴۲۰. پیشین.
 - ۳- ۴۲۱. مأخذ ۵۹.
 - ۴- ۴۲۲. مأخذ ۱۸۵، ص ۲۳، خبرگزاری فرانسه، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

ایران را از مناطقی در جنوب بیرون راندند که با فداکاری کم نظیری به دست آمده بود. (۱) به همین دلیل سؤال های بی شماری در محافل دیپلماتیک مطرح شد که به تعبیر خبرگزاری فرانسه، پاسخی برای آنها وجود نداشت ولی همان محافل در این باره که «چرخشی در جنگ پدید آمده بود» - که می توانست سرنوشت ساز باشد - هم سخن بودند - آنان معتقد بودند که در آن هنگام صفحه ای از تاریخ جنگ در حال ورق خوردن بود. (۲) یکی از مهم ترین پرسش هایی که در این باره مطرح شد این بود که «آیا این [به دلیل]، نیروهای تازه عراق است یا شکست و از هم پاشیدگی ارتش ایران که از دو ماه پیش تحت فرماندهی حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در دست بازسازی کامل قرار دارد؟» (۳).

در پاسخ به این پرسش، عراق، ایران و تحلیل گران غربی هر یک تحلیل و نظرات متفاوتی را ارائه کردند. وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق در جلسه ای با نمایندگان رسانه های خبری مدعی شد که ایران از نظر نظامی شکست خورده است. (۴) صدام نیز در تحلیلی گفت:

«شکست هایی که حاصل شد، شکست هایی در نبرد نیست تا آنها را اصلاح کند، بلکه شکست در سطح استراتژیک است... شکست ایران، شکست فنی یا بی نظمی در اداره و یا نقصی در سطح عملیات یا تدارکاتی فنی نیست که اصلاح پذیر باشد» (۵).

صدام در اظهارات خود مدعی شد:

«در برابر ما محمره [خرمشهر]، عبادان [آبادان]، و الاهواز [اهواز] باز شد و هیچ کس نیست، بتواند بگوید، نمی توانستیم این مناطق را اشغال کنیم» (۶).

او همچنین در جمع وزیران جوانان کشورهای عرب ادعا کرد:

«پیروزی، معلول کثرت و اندکی عده در مقایسه میان ارتش های ایران و عراق و یا فراوانی و کمبود جنگ افزار نیست، گرچه این مسائل در کشمکش میان دو

ص: ۱۱۲

۱- ۴۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۰، صص ۱۲ و ۱۳، ۴ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۲۴ و ۲۵، خبرگزاری فرانسه، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۲۵. مأخذ ۲۴۶، صص ۲۵ و ۲۶، منامه، خبرگزاری فرانسه، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۲، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۹، رادیو صوت الجماهير، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، لطیف جاسم.

۴۲۷-۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۵، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۵ و ۶، بخش عربی
رادیو بغداد، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴۲۸-۶. پیشین، ص ۹.

اراده حائز اهمیت می باشد، اما اساس پیروزی ها این است که ایران پایگاه فکری خود را از دست داد و شکست خورد» (۱).

صدام در اثبات نظر خود، پیروزی منافقین در مهران را به عنوان افراد غیر نظامی، دلیل بر ناکامی نظامی ایران ذکر کرد (۲).

تحلیل گران غربی نیز با توجه به ملاحظات موجود، تحلیل های گوناگونی را ارائه کردند. خبرگزاری «رویتر» در گزارش خود بر این نظر بود که تغییر استراتژی عراق و عدم تناسب موقعیت نیروهای مسلح ایران برای یک جنگ دفاعی به شیوه ای که ارتش عراق در ماه های اخیر بر ایران تحمیل کرده است، منجر به ناکامی ایران و موفقیت عراق شده است. (۳) به همین دلیل، عقب نشینی های ایران بیش از آن که تاکتیکی ارزیابی شود، به منزله «شکست نظامی» مورد تأکید قرار گرفت. (۴) روزنامه «لاریوبلیکا»، چاپ ایتالیا نیز نوشت:

«در وضعیت فعلی، ایران نه تنها ابتکار عمل را از دست داده است، بلکه قادر نیست از پیش روی دشمن جلوگیری کند» (۵).

در این حال، خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات های خارجی گزارش داد:

«بعید می نماید که ایرانیان در آینده نزدیک بتوانند به وضع دشواری که با آن روبرو هستند، فائق آیند، زیرا طرز استقرار نیروهای آنها ضعیف است. اسلحه کافی در اختیار ندارند و لجستیک آنها نارسا می باشد» (۶).

سردبیر روزنامه انگلیسی تایمز مالی نیز در مورد علت پیدایش وضعیت جدید نوشت:

«برتری نسبی ایران در جنگ به خاطر روحیه قوی آن در ادامه جنگ بوده است. اکنون با از دست دادن آن (روحیه) توازن جنگ تغییر کرده است.... ایران به خاطر عقب نشینی نظامی اخیر خود قادر نیست از موضع قدرت سخن بگوید و یا در زمینه جنگ امتیازات بیش تری کسب کند.»

وی در مورد شرایط دوگانه ای که در برابر ایران قرار دارد، نوشت:

ص: ۱۱۳

۱- ۴۲۹. مأخذ ۱۰۴، صص ۳ و ۴، خبرگزاری عراق، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۳۰. پیشین.

۳- ۴۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۸، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۱۴ و ۱۵.

۴- ۴۳۲. پیشین، صص ۱۶ و ۱۷، بخش انگلیسی رادیو سوئیس، در مصاحبه با یک کارشناس امور جنگ، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۳۳. مأخذ ۲۵۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۳۴. مأخذ ۲۷۰، رادیو اسرائیل، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

«آنها (ایرانی ها) نه می توانند بر اساس شرایط محدود خود به جنگ ادامه دهند و نه به دست یابی راه حلی بر اساس حداقل شروط خود از جمله شناسایی و مجازات متجاوز یعنی صدام حسین امیدی دارند» (۱).

روزنامه ستاره سرخ چاپ مسکو نیز نوشت:

«حرکت سریع و استراتژیک عراق در بازگرداندن این مناطق دلیل مؤکدی بر توانایی و برتری نیروهای عراقی در جبهه های جنگ است.»

در این مقاله، برتری روحیه نیروهای عراقی مورد تأکید قرار گرفته است (۲).

رخدادهای صحنه جنگ در داخل ایران نیز بازتاب گسترده ای داشت. بر اساس شایعات موجود چنین تحلیل می شد که ایران بر اساس یک توافق محرمانه (۳) و با هدف دست یابی به صلح، به عقب نشینی از مناطق تصرف شده دست زده است ولی تداوم حملات عراق و برخی رخدادهای دیگر نادرستی این شایعات را به اثبات رساند. به موازات آشکار شدن ماهیت غلط این گونه شایعات، سؤالات جدیدی نیز مطرح شد. رئیس جمهور وقت و رئیس شورای عالی دفاع آیت الله خامنه ای، در نماز جمعه تهران در توضیح وضعیت جدید و دلایل پیدایش آن گفت:

«حوادث دو ماهه اخیر سؤالاتی را در ذهن مردم ما و ناظران جهانی به وجود آورد و آن این بود که چرا نیروی اسلام با آن قدرتی که داشتند، عقب نشینی کردند؟ در این مدت، رسانه های استکباری و دشمن هم با تبلیغات خود سلسله حرف هایی را به صورت دقیق مطرح ساختند و جنگ روانی در جامعه به راه انداختند، به نحوی که گویا مسئولین یا رزمندگان از جنگ خسته شده اند... عقب نشینی ما در فاو و شلمچه و غیره دارای عوامل و تحلیل های یکی دو ساله است و یک امر مقطعی نیست... اگر ضعف های ما نبود ابزار جنگی دشمن نمی توانست بر قدرت ایمان نیروهای ما پیروز شود و تنبیه یک یا چند نفر

ص: ۱۱۴

۱- ۴۳۵. مأخذ ۲۶۵، صص ۲۴ و ۲۳، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸/۴/۱۳۶۷.

۲- ۴۳۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ص ۵۴، مسکو، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳/۴/۱۳۶۷، روزنامه ستاره سرخ.

۳- ۴۳۷. مأخذ ۲۵۰، ص ۸، رم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از یک روزنامه ایتالیایی.

مقصر، کار فوق العاده ای نمی باشد اما روش اسلامی ما این نیست، در بعضی از کارها قصور هست اما مقصر، فرد خاصی نیست. عواملی دست به دست هم داده اند تا یک قصوری پیش آمده که باید از این امر جلوگیری شود. یک مقدار از ضعف‌ها مربوط به جبهه و وسایل جبهه است. آمادگی‌ها، سازمان‌دهی خطوط دفاعی و احتیاطات لازم بیش‌تر، باید انجام شود. یک مقدار هم مربوط به پشت جبهه است. یک ملت، با پرداختن به اختلافات و مسایل شخصی و حق‌کشی می‌تواند در جبهه خلل ایجاد کند... اگر عده‌ای هم و غم‌خودشان بر این است که مشکلات را علم‌کنند، این در جبهه اثر خواهد گذاشت و ما نباید غافل باشیم» (۱).

به منظور مقابله با وضعیت جدید، نشانه‌هایی دال بر تغییر استراتژی ایران آشکار شد. آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای رادیو و تلویزیونی گفت:

«ما نباید اجازه دهیم که دشمن در دنیا بتواند ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صلح‌جو معرفی کند» (۲).

وی در جای دیگری، در توضیح این موضوع تأکید کرد:

«این روش ناصحیحی بود که برای جذب نیروهای انقلابی، برای کشورمان دشمن درست می‌کردیم. یعنی کشورهایی که می‌توانستند بی تفاوت باشند، آنها را روبه روی خود و در حال عداوت با خود قرار دادیم. یا حداقل کاری برای جذب آنان نمی‌کردیم.»

آقای هاشمی همچنین در مورد سیاست خارجی جدید ایران گفت:

«سیاست خارجی ما به گونه‌ای خواهد بود که بی‌جهت میدان‌ها را در اختیار دشمن قرار ندهیم. خیلی از دولت‌ها هستند که می‌توانند بی تفاوت باشند که ارتجاع یا عراق [آن] کشورها را جذب کرده‌اند» (۳).

آقای هاشمی چند روز بعد، در نماز جمعه تهران بر ضرورت ادامه جنگ تأکید کرد و گفت:

ص: ۱۱۵

۱- ۴۳۸. مأخذ ۲۳۳، ص ۱۵، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۳۹. روزنامه اطلاعات، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۴.

۳- ۴۴۰. پیشین، ص ۲، ستون نقد حال.

«همه معتقدند که ما باید همان راه را ادامه بدهیم تا حقمان را بگیریم و یا آن راهی را که ما تعیین کرده ایم برای ختم جنگ که اعلام عراق به عنوان متجاوز است» (۱).

وی بر این باور بود که «ما غیر از این دو راه، راه دیگری نداریم»، لذا، ضمن تأکید بر راه حل دیپلماتیک با اعلام عراق به عنوان متجاوز، معتقد بودند، «باید از آمادگی لازم برای ادامه جنگ برخوردار باشیم». (۲) بر اساس همین ملاحظه کلی، بیانیه شورای عالی پشتیبانی جنگ صادر گردید و در آن تلاش مثلث امریکا، شوروی و ارتجاع عرب در واگذاری سلاح به عنوان مهم ترین عامل در پیدایش وضعیت جدید در صحنه نظامی جنگ برشمرده شد. افزون بر این، حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس در حمایت از عراق، به شهرها، حملات شیمیایی به جبهه ها و موشک باران شهرها به وسیله عراق به عنوان بخشی از عوامل تأثیر گذار بر پیدایش روند فعلی جنگ مورد تأکید قرار گرفت (۳).

ص: ۱۱۶

۱- ۴۴۱. مأخذ ۲۲۵.

۲- ۴۴۲. پیشین.

۳- ۴۴۳. مأخذ ۱۸۹، صص ۷ تا ۱۰ خبرگزاری رویتر، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

روند حملات عراق - از سقوط فاو تا تصرف مجدد دهلران - ایران را در برابر وضعیت دشواری قرار داد (۱) که چیره شدن بر این وضعیت بدون اتخاذ استراتژی مناسب امکان پذیر نبود. از سوی دیگر، عراقی بر اساس دو ملاحظه کلی مبنی بر «توانایی نظامی ارتش خود» و همچنین «احتمال (۲) موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸»، در نظر داشتند، در روزهای پایانی جنگ، با تداوم حملات به عمق خاک ایران، از موقعیت برتری به هنگام آغاز مذاکرات صلح بین دو کشور برخوردار شوند. اظهارات مقام های رسمی عراق بیانگر این واقعیت بود؛ نزار حمدون، معاون وزیر خارجه عراق در مورد ادامه فشار به ایران گفته بود:

«ما تمام سعی خود را برای اعمال تمام فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی بر

ص: ۱۱۷

۱- ۴۴۴. رادیو لندن طی تحلیلی در مورد وضعیت ایران گفت: «اوضاع چه در زمینه های سیاسی و چه در جبهه های جنگ بر وفق مراد ایران نیست، در حالی که ایران نمی تواند روی یک موفقیت دیپلماتیک در شورای امنیت حساب کند، در زمینه های نظامی نیز، در داخل کشور توجه از هم پاشیدگی ظاهری هدف های جنگی و استراتژی نظامی خود را امری دشوار یافته است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۲۸ و ۲۹، رادیو لندن، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷).

۲- ۴۴۵. برابر توضیحاتی که در صفحات بعد ارائه خواهد شد، شواهد و قرائن بسیار زیادی وجود داشت که ایران در حال آمادگی و مذاکره برای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ می باشد.

ایران تا قبول صلح جامع از جانب ایران به کار خواهیم بست» (۱).

طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق نیز در مراسم پایانی یازدهمین اجلاس وزیران امور جوانان و ورزش عرب تأکید کرد:

«حمله های بعدی علیه متجاوزین ایرانی شدیدتر خواهد بود.» (۲).

در همین راستا، صدام در مراسم تشویق خلبانان عراقی در اظهارات بسیار مهم خود با تأکید بر استعداد ارتش عراق و نیز تهدید ایران گفت:

«حجم ارتش عراق به پنجاه لشکر و حتی فراتر از آن رسیده است.... عراقی ها می توانند دشمن را در داخل خاکش جهت خدمت به صلح و استرداد سرزمین های ملی درهم کوبند» (۳).

وی در بخش دیگری از سخنان خود به پیش روی منافقین در عمق خاک ایران اشاره کرد و گفت:

«مدتی دیگر می بینید که مجاهدین خلق به عمق بیش تری در دل ایران نفوذ می کنند» (۴).

در این حال، مفسر رادیو لندن با توجه به وضعیت حاکم بر جنگ و تهدیدات عراق، این سؤال را مطرح کرد که «آیا عراق در هفته های آینده فشار بیش تری بر ایران وارد خواهد کرد یا خیر؟» (۵) این رادیو همچنین به نقل از ناظران دیپلماتیک، احتمال تشدید فعالیت های منافقین در داخل خاک ایران را مورد تأکید قرار داد. (۶) یک منبع دیپلماتیک عرب نیز به خبرگزاری کویت گفت:

«استراتژی جنگی عراق در مرحله بعدی، انجام تهاجمات محدود علیه مراکز تجمع نیروهای ایرانی در طول جبهه های جنگ و بازگرداندن نیروهایش به پشت مرزها پس از خاتمه این عملیات است» (۷).

ایران در برابر وضعیت جدید و با توجه به ضرورت مهارت حملات عراق، راه حل هایی فراروی خود داشت، بی شک، ادامه وضع موجود کاملاً به سود

ص: ۱۱۸

۱- ۴۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۳، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳، خبرگزاری عراق، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۱، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲ تا ۵، خبرگزاری عراق، ۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۴۹. پیشین، ص ۵.

۵- ۴۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۶، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۱، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۵۱. پیشین.

۷- ۴۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۸، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۳، پاریس، خبرگزاری کویت، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

عراق بود، زیرا پراکندگی نیروهای ایران در مناطق مختلف و حضور آنها در بخش هایی از خاک عراق و همچنین مخالفت ایران با قطع نامه ۵۹۸ بهانه مناسبی را در اختیار عراق قرار داده بود تا به تهاجمات خود ادامه دهد. ایران نیز به دلیل وضعیت نظامی حاکم بر جبهه ها، قادر به مهار تهاجمات عراق نبود. در همین حال، تغییر اوضاع به سود ایران مستلزم تحولات اساسی بود که بدون گذشت زمان امکان پذیر نبود. بدین ترتیب، ایران با هدف تمرکز نیروها برای رویارویی با حملات احتمالی عراق و همچنین تغییر شرایط بین المللی به سود خود، با اتخاذ استراتژی ای جدید، نخست از مناطق تصرف شده عقب نشینی کرد تا ضمن گرفتن بهانه از دست عراق، نیروهای خود را با سازمان دهی مجدد در برابر تهاجمات آن کشور، به کار گیرد و پس از آن، رسماً قطع نامه ۵۹۸ را - طی نامه رئیس جمهور وقت ایران به دبیر کل سازمان ملل در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ - پذیرفت و دو رخداد یاد شده به عنوان اقدامات ایران در چارچوب استراتژی جدید، روند تحولات را در جبهه های نبرد و صحنه های داخلی، و بین المللی به سود ایران تغییر داد. آن چه در این فصل بررسی خواهد شد، استراتژی جدید جمهوری اسلامی ایران برای مهار حملات عراق و نتایج آن در صحنه سیاسی - نظامی جنگ و داخل کشور خواهد بود.

عقب نشینی از حلبچه

در پی عقب نشینی قوای ایران از جبهه شمالی، حلبچه آخرین منطقه ای بود که تخلیه شد. در ۲۲ تیر ۱۳۶۷ ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ای، عقب نشینی نیروها به مواضع دفاعی جدید را تأیید کرد. (۱) دولت نیز در بیانیه ای با تصریح بر این که «فرماندهی جنگ تصمیم به عقب نشینی از منطقه دشت حلبچه و بسیج قوا برای دفاع از حیاتی ترین نقاط کشور گرفته است»، به برنامه ریزی همه جانبه دشمن در دو سال گذشته و نیز عقب نشینی

ص: ۱۱۹

از حلبچه اشاره کرد و این سؤال را مطرح نمود که «چه باید کرد؟» سپس این بیانیه به پرسش خود پاسخ داد: «با همان شیوه ای که دشمن به ما تعدی کرده است، باید با او مقابله نمود. اگر او به برنامه ریزی گسترده دست زده، ما نیز باید چنین کنیم.» در پایان بیانیه، بر این که این امر به زمان نیاز دارد و دشمن این را می داند، تأکید شد (۱).

آقای هاشمی رفسنجانی نیز عقب نشینی از حلبچه را حاصل تغییرات جدی در «برنامه جنگ و دفاع» خواند و گفت:

«باید توان بیش تری بگذاریم و خودمان را برای دوره طولانی آماده کنیم، حالا، اگر توانستیم این دوره را با جهش هایی، کوتاه تر کنیم، بهتر است و اگر نتوانستیم، باید برای رسیدن به اهداف مان در دراز مدت جنگ را ادامه بدهیم.»

ایشان با اشاره به ضرورت ابعاد فرهنگی، تبلیغاتی و سیاسی به عنوان عوامل تکمیل کننده حرکت نظامی در چارچوب استراتژی جدید ایران گفت:

«استراتژی جدید ما سیاسی، نظامی و فرهنگی است.»

جانشین فرماندهی کل قوا با توجه به احتمال ادامه حملات دشمن تأکید کرد:

«دشمن ممکن است فرصتی داشته باشد تا در این مدت در کار ما اختلال کند و در کوتاه مدت، ما چاره ای جز استفاده از نیروهای داوطلب نداریم» (۲).

نظر به این که عقب نشینی از حلبچه در شرایط خاصی صورت گرفته بود، به عقیده بسیاری، این اقدام می توانست به منزله پایان دادن به جنگ باشد، حال آن که در استراتژی جدید ایران، این حرکت به موازات تلاش های دیپلماتیک برای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ انجام شد. خروج از حلبچه، اساساً برای خارج کردن بهانه از دست عراق و تمرکز قوا برای مقابله با حملات احتمالی دشمن در مناطق دیگر انجام گرفت؛ به همین دلیل، شرایط حساس و سرنوشت ساز کشور در بیانیه یاد شده مهم دولت و ضرورت آمادگی برای گذر

ص: ۱۲۰

۱- ۴۵۴. پیشین، ص ۳.

۲- ۴۵۵. روزنامه کیهان، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

از یک مرحله دشوار و طولانی در اظهارات اخیر جانشین فرماندهی کل قوا مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در اطلاعیه فوق، صادره از ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح نیز از کلیه جوانانی که آمادگی حضور در جبهه ها را داشتند، دعوت شد بدون فوت وقت به سوی جبهه ها بشتابند. مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت نیز با توجه به ضرورت حاکم کردن فضای جنگ بر کشور، گفت:

«امروز همه توجهات باید به جبهه ها باشد و بر رادیو و تلویزیون و روزنامه ها باید فضای جنگی حاکم گردد.... همچنین، سیاست خارجی و داخلی و اقتصاد ما، همه و همه باید برای، پیروزی در جنگ بسیج شود که این مهم ترین مسئله کشور است.»

وی همچنین تأکید کرد:

«آن چه اسلام از ما می خواهد، صبر و مقاومت و روحیه قوی و پایدار در معرکه است» (۱).

بی گمان بدون غلبه بر شرایط بحرانی و وضعیت نامساعد روحی و روانی حاصل از آن، اداره اوضاع امکان پذیر نبود و می توانست به نوعی گسیختگی سیاسی - نظامی - اجتماعی منتهی شود. به عبارت دیگر، مدیریت و هدایت بحران سیاسی - نظامی - روانی موجود شرط اصلی برای چیره شدن بر دشواری های حاکم بر صحنه سیاسی - نظامی کشور بود.

عقب نشینی از حلبچه با توجه به این که عراق هیچ اقدام نظامی انجام نداده بود، در مقایسه با عقب نشینی های پیش از آن مورد توجه کارشناسان و تحلیل گران رسانه های خبری قرار گرفت. مفسر رادیو لندن از این اقدام ایران به عنوان «تازه ترین شکست» نام برد. (۲) رادیو بغداد نیز در واکنش به عقب نشینی ایران از حلبچه، آن را نشانه «فروریختگی نیروهای ایران» خواند و در مورد علت آن گفت:

ص: ۱۲۱

۱- ۴۵۶. روزنامه کیهان، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۵، ص ۸، رادیو لندن، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

«ایران نیروهایش را قبل از این که نیروهای ما با آنها برخورد کنند، به ویژه در دو بخش سپاه اول و سپاه پنجم وادار به ترک مواضع و تجهیزات خود نموده است» (۱).

راديو مونت کارلو نیز در تفسیری گفت:

«عقب نشینی نیروهای ایرانی به مرزهای بین المللی متحقق گردید.»

این راديو سپس پرسید:

«ایران خواستار پایان جنگ است یا از حلبچه به صورت تاکتیکی عقب نشینی نموده تا خود را برای یک حمله بزرگ آماده سازد؟» (۲).

در این حال، عراقی ها بر اساس درکی که از استراتژی جدید ایران و دلایل عقب نشینی از حلبچه داشتند و همچنین، با گمان این که ایران قطع نامه ۵۹۸ را خواهد پذیرفت، شرایط جدیدی را برای پایان دادن به جنگ اعلام کردند:

«۱- مبادله کامل و جامع اسرا، ۲- عدم تعرض به راه آبی و استفاده کامل عراق از آب های شط العرب [اروند رود]، ۳- هم کاری بین المللی و برخورد مسئولانه با امنیت خلیج [فارس] و کشورهای حوزه آن، ۴- عقد قرارداد صلح جدید، ۵- حسن هم جواری و عدم دخالت در امور و حق انتخاب دیگران.» (۳).

عراق اعلام شرایط پنج گانه را بدین منظور انجام داد که، علاوه بر به نمایش گذاردن و تحمیل موقعیت برتر خود بر ایران، زمینه لازم را برای تداوم حملات فراهم کند، در حالی که اگر عراقی ها در پی صلح بودند بایستی در چنین وضعیتی تنها بر موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ تأکید می کردند؛ حال آن که تعیین شرایط جدید که مغایر با مفاد قطع نامه ۵۹۸ بود و به طور طبیعی با مخالف ایران همراه می شد، تنها به زمینه سازی تامین اهداف عراق کمک کرد. چنان که در ۲۵ تیر ۱۳۶۷ نیروهای ارتش عراق پس از اجرای آتش سنگین توپخانه بر منطقه صالح آباد با پیش روی در شمال شرقی مهران، از مرزهای بین المللی عبور کرده و روز شنبه در منطقه «سرکنجان چم» و

ص: ۱۲۲

۱- ۴۵۸. پیشین، ص ۶، راديو بغداد، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۵۹. مأخذ ۵، ص ۱۸.

۳- ۴۶۰. مأخذ ۵، ص ۱۵، خبرگزاری عراق، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

ارتفاعات اطراف آن مستقر شدند. (۱) در پی این حمله، روزنامه عراقی «الجمهوریه» در سر مقاله خود نوشت:

«عراق ضربات خود را به دشمن ایرانی دنبال خواهد کرد تا این رژیم را به طور کامل فلج کند تا جایی که ایران ویران و از داخل متلاشی گردد.»

در ادامه این مقاله تأکید شده بود:

«ایران بایستی منتظر عواقبی بدتر از آن چه تاکنون دیده است باشد!» (۲).

دلایل عقب نشینی ایران و ادامه حملات عراق مورد بررسی تحلیل گران و کارشناسان امور جنگ قرار گرفت. در این بررسی ها، تهاجم عراق به منزله مقابله با تلاش ایران برای بازسازی نیروهایش (۳) و همچنین، اصرار عراق برای دست یابی به صلح پایدار ارزیابی شد. (۴) گزارش گر روزنامه تایمز مالی بر اساس سخنان آقای هاشمی، این اقدام ایران را بخشی از استراتژی این کشور برای یک جنگ طولانی دانست. (۵) «دیوید هرست» نیز در مقاله ای با عنوان «جنگ زده» در روزنامه «گاردین» نوشت:

«آقای هاشمی امیدوار است، با بازسازی سیاست جنگی ایران، ابتکار نظامی را بار دیگر به چنگ آورد. اما این کار در بهترین شرایط، به زمان احتیاج دارد. در حال حاضر، شک و تردید عمیقی نسبت به شعارهای متهورانه در مورد ادامه جنگ به وجود آمده است» (۶).

تحلیل های ارائه شده مبنی بر تغییر استراتژی ایران، تنها عاملی بود که می توانست علت عقب نشینی از حلبچه - بدون درگیری با نیروهای عراقی - را توضیح دهد، و اساساً، این تحلیل ها متأثر از اظهارات آقای هاشمی بودند، زیرا وی آشکارا بر این مسئله تأکید کرد که استراتژی جنگی باید در قالب یک استراتژی کلی سیاسی و فرهنگی قرار داده شود. (۷) رادیو امریکا نیز طی تفسیری در این باره، با اشاره به تغییر استراتژی ایران گفت:

«شکست های نظامی باعث شد که رهبران ایران استراتژی خود را مورد تجدید

ص: ۱۲۳

۱- ۴۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۹، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۶۲. مأخذ ۱۶، ص ۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۶۳. پیشین، ص ۷، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش تایمز مالی.

۴- ۴۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۷، رادیو لندن، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷، مصاحبه با شهرام چوبین از کارشناسان امور ایران و جنگ.

۵- ۴۶۵. مأخذ ۱۶، ص ۱۷، لندن، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

- ۶- ۴۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۱، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۶، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.
- ۷- ۴۶۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳۰، رادیو لندن، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

نظر قرار دهند» (۱).

رادیو لندن نیز به نقل از منابع آگاه برجسته ترین تأثیر استراتژی جدید امریکا را تحکیم موضع این کشور در شورای امنیت سازمان ملل ذکر کرد (۲)، زیرا «در چنین شرایطی، ایران ضرورت و لزوم حمایت بین المللی را درک کرده است» (۳).

افزایش تحرکات دیپلماتیک

واکنش ایران در برابر سرنگون شدن هواپیمای مسافربری «ایرباس» از طریق شکایت به شورای امنیت به جای اقدام تلافی جویانه، بازتاب گسترده ای داشت. آقای هاشمی در مصاحبه ای به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا گفت:

«از همان اول اعلام کردیم که سیاست جمهوری اسلامی ایران در این مقطع فعلا مقابله با این نوع نیست، خوشبختانه اظهارات ما هم انعکاس وسیعی داشت.»

وی معتقد بود:

«نمی توان انتظار معجزه از شورای امنیت داشت، ولی آنجا، جایی است که مردم به حرف ها گوش می دهند و ما می توانیم حرف هایی که با مردم دنیا داریم، از آن تریبون مطرح کنیم» (۴).

تفسیر جدید از نقش و جایگاه سازمان ملل و تغییر روش ایران با تکیه بر تحرکات دیپلماتیک، پی آمدهای مثبتی را در پی داشت. پیش از این، واکنش ایران در برابر قطع نامه ۵۹۸ مانع از هم دردی اعضای شورای امنیت با آن کشور می شد، ولی ماجرای کشته شدن ۲۹۰ تن سرنشین یک هواپیمای مسافربری و نحوه برخورد جمهوری اسلامی باعث شد، ایران از حمایت تازه ای در شورای امنیت برخوردار شود.

جمهوری اسلامی ایران در گزارشی، از اعضای شورای امنیت درخواست

ص: ۱۲۴

۱- ۴۶۸. پیشین، ص ۱۴، رادیو امریکا، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۶۹. مأخذ ۵.

۳- ۴۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۶، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۲۳، رادیو اسرائیل، به نقل از مقاله یدویوت آهارانوت، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۷۱. مأخذ ۱۲، تهران، خبرگزاری رویترا، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از دیپلمات ها.

کرد، ضمن محکوم کردن امریکا به دلیل حمله به هواپیمای غیرنظامی، اقدامات مؤثری برای امنیت و رفت و آمد این نوع هواپیماها اعمال کند. در این گزارش همچنین تأکید شده بود، امریکا را مجبور کنند هر چه زودتر نیروهایش را از آب های خلیج فارس خارج کند (۱).

جلسه شورای امنیت، سرانجام با تأخیر، در ۲۳ تیر ۱۳۶۷ با حضور نمایندگان کشورهای انگلیس، نپال، یوگسلاوی (پیشین)، شوروی (پیشین)، ایتالیا، فرانسه، چین، آرژانتین، ژاپن، آلمان غربی و الجزایر تشکیل شد. (۲) در این نشست، وزیر خارجه وقت ایران به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران و «جرج بوش»، معاون وقت رئیس جمهور امریکا و نامزد حزب جمهوری خواه، به عنوان نماینده دولت امریکا در این اجلاس شرکت کردند. (۳) آقای ولایتی در سخن رانی ۹۰ دقیقه ای خود در این اجلاس، مواضع جمهوری اسلامی را بدون موضع گیری شدید و مستقیم علیه امریکا بیان کرد (۴).

رادیو امریکا در واکنش به سخنان وزیر خارجه ایران گفت:

«سخن رانی ۹۰ دقیقه ای دکتر ولایتی ظاهراً بسیار سخت بود ولی درهای مذاکره را نبست» (۵).

جرج بوش نماینده دولت امریکا نیز در سخنانی کوتاه، با ابراز تأسف شدید از تلفات جانی پرواز ۶۵۵ «ایران ایر»، از ایران خواست، در همین جلسه موافقت خود را با قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت اعلام کند. (۶) این جلسه در ساعت ۱۳:۳۰ پایان یافت و ادامه جلسه به صبح روز جمعه موکول شد.

طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق در واکنش به سخنان جرج بوش گفت:

«در سخن رانی بوش عناصر مثبتی مانند برقراری ارتباط میان اوضاع عمومی منطقه و ادامه جنگ ایران و عراق بود.»

وی بوش را به دلیل این که ایران و عراق را در فراخوان خود برای اتمام جنگ در ردیف مساوی قرار داد، سرزنش کرد (۷).

ص: ۱۲۵

۱- ۴۷۲. پیشین، ص ۳۰، رادیو امریکا، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۷۳. مأخذ ۷، ص ۳۳، رادیو امریکا، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۷۴. روزنامه کیهان، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۷۵. مأخذ ۲۲، صص ۴۱ و ۴۲، تهران خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۷۶. مأخذ ۷، صص ۲۴ و ۲۵، بخش فارسی رادیو امریکا، ۲۴ / ۷ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۷۷. پیشین.

۷- ۴۷۸. مأخذ ۱۶، ص ۱۵، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

روز جمعه ۲۴ تیر ۱۳۶۷ دومین جلسه شورای امنیت درباره سرنگونی هواپیمای «ایران ایر» برگزار شد و در آن نمایندگان کشورهای عضو با ابراز تأسف از بروز این فاجعه، خواستار پایان جنگ عراق و ایران و تضمین هر چه بیش تر ایمنی پروازهای کشوری شدند.

جلسه بعدی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای رسیدگی به این حادثه روز دوشنبه تشکیل شد. (۱) و طی آن، شورای امنیت با صدور قطع نامه ای اندوه عمیق خود را به مناسبت سرنگون شدن هواپیمای مسافربری ایران ابراز داشت. (۲) شورای امنیت در این قطع نامه نه تنها امریکا را محکوم نکرد، بلکه همچون امریکا، فاجعه اخیر را به منزله ضرورت دست یابی به صلح (۳) دانسته و در یکی از بندهای اجرایی آن، لزوم پایان جنگ بر اساس قطع نامه ۵۹۸ را مورد تأکید قرار داد. (۴) در این حال، نماینده وقت ایران در سازمان ملل در واکنش به این قطع نامه گفت:

«هنگام درخواست رسیدگی به اقدام امریکا، ایران نسبت به روند تصمیم گیری در این شورا هیچ توهمی نداشت و ما می دانستیم که طرف مقصر خود در این شورا بر مسند قضاوت خواهد نشست، بنابراین میزان عدالتی که در تصمیم نهایی انتظار داشتیم، بسیار محدود و حساب شده بود.... علی رغم این نقایص، ما به نوبه خود آماده ایم با این قطع نامه کنار بیاییم» (۵).

مناسبات ایران - امریکا و ایران - شوروی در این مرحله قابل توجه بود. امریکایی ها لازمه به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق را موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ می دانستند و جرج بوش نماینده دولت امریکا این

ص: ۱۲۶

۱- ۴۷۹. مأخذ ۷، ص ۳۳، رادیو امریکا، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۸۰. روزنامه کیهان، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۸۱. ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا در یک موضع گیری آشکار اعلام کرد: «تنها نفعی که امریکا در خلیج فارس دارد، برقراری صلح است و این فاجعه انسانی (سرنگونی ایرباس) ضرورت دست یابی به آن هدف را با حداکثر شتاب، دو چندان ساخته است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷).

۴- ۴۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۶۰ و ۶۱، واشنگتن پست، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۸۳. پیشین.

موضوع را رسماً ابراز کرده بود. ضمن این که «آرما کاست»، سخن گوی وزارت خارجه امریکا نیز در گفت و گو با شبکه سراسری «سی.بی.اس» اعتراف کرد:

«ما به طور یک جانبه سعی کردیم بر ایران فشار آورده و او را مجبور به پذیرش قطع نامه نماییم» (۱).

وی همچنین گفته بود:

«از هر گونه انعطاف ایران استقبال می کنیم اما ایران نمی تواند به انتخاب خود بخش هایی از قطع نامه را بپذیرد» (۲).

در این حال، مذاکره پیرامون آزادی گروگان های امریکا در بیروت بیش ترین شایعات را درباره مذاکرات پنهانی ایران و امریکا دامن زد. خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک مجله لبنانی گزارش داد:

«مذاکراتی بین ایران و امریکا در یک کشور اروپایی ادامه داشته و قرار بوده است در قبال تغییر موضع سیاسی امریکا در جنگ خلیج [فارس] و در جهت منافع ایران، تعدادی از گروگان های امریکایی در جنوب آزاد شوند» (۳).

در هر صورت آمادگی ایران برای میانجی گری در آزادی گروگان های غربی شاید تأثیر بسزایی در پیدایش و گسترش این گونه شایعات داشت. در این راستا، «مارلین فینزواتر»، سخن گوی کاخ سفید بر اساس ملاحظات جدید گفت:

«امریکا مدت مدیدی است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد. ما این تمایل را در هر موقعیتی ابراز داشتیم.»

وی هدف مهم امریکا برای تماس مجدد با ایران را علاوه بر کمک به پایان دادن جنگ ایران و عراق، ترغیب ایران به فاصله گرفتن از سیاست های بنیاد گرایانه و پیمودن روش معتدل تر ذکر کرد. (۴) وی مدتی بعد، در سخنانی تأکید کرد:

ص: ۱۲۷

۱- ۴۸۴. مأخذ ۱۲، ص ۳۹، واشنگتن خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۸۵. مأخذ ۲۲، ص ۲۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر.

۳- ۴۸۶. مأخذ ۷، ص ۴۶، بیروت، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷، واشنگتن، خبرگزاری رویتر،

۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

«بر عهده ایران است که نخستین گام را در جهت عادی سازی روابط بردارد.»

وی تصریح نمود:

«از منابع گوناگون پیام هایی دریافت کرده اند که حاکی از آمادگی ایران جهت برقراری تماس بوده است و در حال حاضر نشانه ای دال بر این که ایران آمادگی صحبت با ما را در شرایط فعلی داشته باشد، وجود ندارد» (۱).

در این حال، به نظر می رسد اظهارات دو تن از نظریه پردازان امریکایی نقش بسزایی در توجه امریکا به ایران داشته است. کسینجر، وزیر خارجه سابق امریکا طی مقاله ای در هفته نامه نیوزویک با عنوان «زمان گفت و گو با ایران فرارسیده است»، نوشت:

«کمتر کشورهایی در جهان هستند که مانند ایران و ایالات متحده هیچ دلیلی برای نزاع و همه دلایل را برای دوستی و همکاری داشته باشند.»

در این مقاله آمده است:

«حفظ تمامیت ارضی و پیش رفت اقتصادی ایران یکی از منافع اصلی ایالات متحده می باشد.»

کسینجر در پایان تأکید می کند:

«پرزیدنت ریگان صمیمانه خواهان بهبود مناسبات می باشد» (۲).

برژینسکی، مشاور سابق کارتر در شورای امنیت نیز گفت:

«برای اثبات منطقه در حفظ منافع حیاتی امریکا، استقلال و تمامیت ارضی ایران، اهمیت مشابه پاکستان را دارد.»

وی پیش بینی کرد:

«در حال حاضر و احتمالاً تا هنگامی که جنگ ایران و عراق متوقف نگردد، روابط امریکا و ایران همچنان خصمانه خواهد بود» (۳).

مناسبات ایران و شوروی در مرحله جدید متأثر از عوامل گوناگونی بود. از یک سو، مقامات مسکو برای رهایی از مخمصه افغانستان، به همکاری ایران

ص: ۱۲۸

۲- ۴۸۹. مأخذ ۱۶، ص ۴۴، رادیو اسرائیل، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۹۰. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

نیاز داشتند و از سوی دیگر، برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق، با تحریم تسلیحاتی ایران که امریکا آن را پی گیری می کرد، مخالف بودند. در مورد موضوع نخست، خبرگزاری رویترا از مسکو گزارش داد که «یولی ورنتسف»، معاون اول وزیر خارجه شوروی در دیدارش از تهران از مقام های ایرانی خواسته بود که در عادی شدن اوضاع افغانستان کمک کنند.

برابر گزارش های منتشره، در این دیدار همچنین توافق شده بود که دو کشور به طور سازنده این مسئله را مورد بحث و بررسی قرار دهند. (۱) در تداوم این توافق، سفر معاون وزیر خارجه ایران به شوروی همراه با موافقت هایی صورت گرفت. به گزارش رادیو مسکو، اتحاد شوروی اظهار امیدواری کرد که ایران در آزاد کردن نظامیان شوروی اسیر شده به دست مجاهدان افغانی، همکاری لازم را به عمل آورد (۲).

همان گونه که گفته شد، شوروی با تحریم تسلیحاتی ایران مخالف بود و این امر موجب می شد که عراقی ها در مناسبت های مختلف ناخشنودی خود را از این موضوع ابراز کنند، حتی به هنگام حضور «سعدون حمادی»، عضو شورای فرماندهی انقلاب عراق در مراسم جشن «روزهای دوستی شوروی و عراق» این موضوع بیان شد. با این حال، سخن گوی وزارت خارجه شوروی (پرفیلیف) گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ برای پایان دادن به این خون ریزی کافی است.... و همان طور که می دانید، گنجاندن تحریم های تسلیحاتی در پرونده سازمان ملل مؤثر نبوده و بیش تر در حد حرف است» (۳).

ص: ۱۲۹

۱- ۴۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۶۸، مسکو، خبرگزاری رویترا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۹۲. مأخذ ۲۵، ص ۲۵، رادیو مسکو، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۹۳. مأخذ ۲۲، صص ۲۲ و ۲۳، مسکو، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

رک به: متن قطع نامه ۵۹۸ در پایان همین فصل.

به دلیل اهمیت شرایط و وضعیتی که منجر به تصویب قطع نامه ۵۹۸ شد، این موضوع در کتاب از شلمچه تا حلبچه، جلد چهارم از همین مجموعه مورد بررسی قرار گرفته است.

قطع نامه ۵۹۸ و مواضع جهانی

جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ با ارسال نامه ای به دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل رسماً قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت. این اقدام با توجه به رفتار و مواضع سازمان ملل که در طول جنگ هشت ساله، به غیر از موارد بسیار محدود و غیر اساسی، عملاً به سود عراق رفتار می کرد، پرسش ها و ابهامات فراوانی را مطرح کرد. ضمن این که در آن ایام، با سقوط فاو، روند نظامی جنگ نیز برخلاف سال های گذشته به زیان ایران شد و عمیقاً بر روش جدید سیاسی ایران تأثیر گذاشت.

اکنون که نزدیک به یازده سال از آن ایام سخت و سرنوشت ساز می گذرد و با توجه به تغییراتی که در محیط بین المللی، منطقه و درون ایران صورت گرفته است، شاید بتوان تا اندازه ای اقدام جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یکی از پدیده های بسیار مهم جنگ و انقلاب اسلامی (۱) که علاوه بر تأثیر آن در پایان بخشیدن به جنگ، آثار و نتایجی را بر روند تحولات جامعه ایران بر جای گذاشته و خواهد گذاشت، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. در واقع، آن چه که مورد سؤال است، نحوه پایان دادن به جنگ در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ و علل موافقت جمهوری اسلامی ایران با آن می باشد. بسیار روشن است که هر گونه درگیری و جنگ، با هر میزان شدت و قدمت، سرانجام بر اساس شرایط و عواملی به پایان خواهد رسید. بنابراین، خاتمه یافتن جنگ به عنوان یک رویداد ضروری و اجتناب ناپذیر مورد سؤال نیست و نمی توان انتظار داشت که جنگ میان دو کشور به صورت دائمی تداوم داشته

ص: ۱۳۰

باشد، بلکه آن چه حائز اهمیت است، چگونگی پایان یافتن جنگ است که در خصوص جنگ عراق علیه ایران با اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ تحقق یافت.

بر اساس ملاحظات یاد شده و با توجه به تغییر روش ایران در پایان بخشیدن به جنگ، لازم است که ابعاد این موضوع و روند تحولاتی که طی هشت سال با هدف پایان دادن به جنگ و با تکیه بر راه حل های دیپلماتیک که شخصیت ها، کشورها و مجامع بین المللی مطرح کرده اند و همچنین براساس کلیات مواضع و اقدامات جمهوری اسلامی در حد فاصل تصویب تا پذیرش قطع نامه، بررسی شود تا مواضع ایران در هنگام صدور این قطع نامه آشکار شده و هر گونه شایعه ای مبنی بر مخالفت ایران با راه حل های دیپلماتیک، از جمله صدور قطع نامه ۵۹۸ برای پایان دادن به جنگ، رد شود.

مهم ترین علت تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر، متاثر از این موضوع بود که حامیان جهانی و منطقه ای عراق، پذیرش برتری ایران به عراق و تامین خواسته های بر حق آن کشور را با توجه به پی آمدهایش، به زیان منافع خود و خلاف هدف اصلی وقوع جنگ ارزیابی می کردند. جمهوری اسلامی ایران پس از آزاد سازی مناطق اشغالی و فتح خرمشهر، همواره بر دو موضوع اساسی تأکید می کرد: نخست، «محکوم کردن عراق به عنوان متجاوز و مسئول جنگ» و دوم، «پرداخت غرامت به ایران به عنوان قربانی تجاوز». با آن که خواسته های ایران کاملاً منطقی و عادلانه بود، ولی بنا به ملاحظاتی، هیچ گاه این خواسته ها به طور جدی مورد توجه سازمان ملل قرار نگرفت. امام راحل در پیام خود به حجاج بیت الله الحرام در سال ۱۳۶۶ در این باره فرمودند:

«دنيا از آغاز جنگ تاکنون در تمام مراحل دفاعی ما هیچ گاه با زبان عدالت و با بی طرفی با ما سخن نگفته است» (۱).

بنابراین، تمام تلاش ها و فعالیت های سیاسی - تبلیغاتی و نظامی ایران از

ص: ۱۳۱

۱- ۴۹۵. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد ۲۰، ۱۳۶۹)، صص ۱۰۹ تا ۱۳۳.

فتح خرمشهر تا پذیرش قطع نامه ۵۹۸ با هدف تأمین خواسته های برحق ایران انجام گرفت. کسب پیروزی نظامی با انجام سلسله عملیاتی که در مناطق مختلف صورت گرفت، برای تضمین خواسته های ایران و تحمیل آن به عراق و حامیان جهانی و منطقه ای این کشور بود. در همان حال، تلاش برای بازداشتن ایران از پیروزی نظامی برعراق یا دست یابی به پیروزی سیاسی بر پایه برتری نظامی، باعث شد تا فشارهای گوناگون و همه جانبه ای بر ایران وارد شود. ایران به موازات تشدید این فشارها، در برابر وضعیت کاملاً دوگانه و متضادی قرار گرفت، از یک سو، گسترش دامنه جنگ و تشدید فشارها و دشواری هایی که برای انجام عملیات نظامی گسترده با تضمین پیروزی وجود داشت، بیش از پیش جمهوری اسلامی ایران را در تنگنا قرار می داد و امکان تأمین خواسته هایش را دشوار می ساخت و از سوی دیگر، با توجه به برتری به دست آمده از پیروزی های نظامی ایران بر عراق و خواسته های برحق ایران، چشم پوشی از این خواسته ها برای مسئولان و تصمیم گیرندگان کشور امکان پذیر نبود. همچنین، با توجه به افکار عمومی جامعه که رخدادهای جنگ را با حساسیت زیادی پی گیری می کردند، اقدام به این تصمیم با چرخش از استراتژی پیشین، با هزینه بسیار زیادی در جامعه همراه بود. البته، این مسئله به این معنا نبود که ایران بدون در نظر گرفتن اصول و مصالح، در برابر واقعیات تسلیم شود و یا بدون در نظر گرفتن واقعیات، تنها برخی اصول و مواضع پیشین را مورد تأکید قرار دهد، برخورد ایران با قطع نامه ۵۹۸ و بعدها با فاجعه سقوط هواپیمای «ایرباس» مؤید این موضوع می باشد.

قطع نامه ۵۹۸ تنها یک روز پیش از اولین اقدام امریکا در حفاظت از نفت کش های کویت در ۳۰ تیر ۱۳۶۶ تصویب شد و حضور نظامی امریکا در منطقه هیچ معنایی جز افزایش فشار به ایران به منظور پذیرفتن قطع نامه ۵۹۸ نداشت. با وجود این که قطع نامه در شرایطی تصویب شد که ایران به دلیل در

اختیار داشتن مناطق نسبتاً حساس در خاک عراق، از برتری قابل توجهی برخوردار بود ولی روح قطع نامه برای نجات عراق بود و به گونه ای نسبتاً محسوس، نیم نگاهی نیز به ایران داشت. برابر تمهیداتی که پیش از این صورت گرفته بود چنین پیش بینی شده بود که طرف امتناع کننده از پذیرش قطع نامه، با تحریم تسلیحاتی تنبیه و تحت فشار قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران بر پایه ملاحظاتی که وجود داشت، قطع نامه را رد نکرد و به روند مذاکره با دبیر کل سازمان ملل روی توافق نشان داد و این بدان معنا بود که ایران راه دیپلماتیک را برگزیده است (۱).

آقای هاشمی طی مصاحبه ای، درباره برخورد سازمان ملل با تجاوز گفت:

«سازمان ملل اول متجاوزین را معرفی کند، قدم بعدی این است که با متجاوز چه باید بکنیم؟ این کار را یک دادگاه بکند. حال، این دادگاه بین المللی باشد یا منطقه ای یا اسلامی که اعلام کند، مسئول جنگ کیست؟ وقتی این اعلام شد، ما نیاز زیادی به جنگ نداریم» (۲).

نظر به اهمیت این موضوع یکی از مقام های ترکیه در دیدار خصوصی با یکی از مسئولان ایران گفت:

«شورای امنیت هیچ گاه دادگاهی که عراق را متجاوز اعلام کند، تشکیل نخواهد داد» (۳).

هم زمان با حضور آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران در اجلاس عمومی سازمان ملل در شهریور ۱۳۶۶، ایشان در یک نشست مطبوعاتی با حضور اکثر رسانه های جهانی که در نیویورک برگزار شد، شرکت کردند. ایشان در پاسخ به پرسش یک خبرنگار در مورد چگونگی تنبیه متجاوز فرمودند:

«ما نوع تنبیه را به هیچ وجه از پیش تعیین نمی کنیم، اما اگر محکمه ای عادل برقرار شود، ما احکام آن محکمه را قبول خواهیم کرد.»

ص: ۱۳۳

۱- ۴۹۶. مأخذ ۵، ص ۳۱، رادیو امریکا، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۹۷. حمید فرهادنیا، بررسی تحولات جنگ، نخست وزیری، سال ۱۳۶۶، ص ۷۳، مصاحبه آقای هاشمی با روزنامه تهران تایمز، ۶ / ۶ / ۱۳۶۶.

۳- ۴۹۸. پیشین، ص ۷۴، به نقل از تورگوت اوزال.

ایشان همچنین در پاسخ به پرسش دیگری که عنوان شد «آیا در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ امکان صلح وجود دارد؟» گفتند:

«یقیناً وجود دارد و ما فرمول استفاده از این قطع نامه را برای رسیدن به آتش بس تهیه کرده و در اختیار دبیر کل قرار داده ایم و نکته اصلی، تنبیه متجاوز است که اگر این مسئله حل شود، تمامی مسائل حل خواهد شد» (۱).

این اظهارات به روشنی نشان می‌داد که ایران بر راه حل دیپلماتیک، به موازات سایر راه حل‌ها و نیز پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به صورت مشروط تأکید داشت. این برداشت حتی برای وزیر خارجه کشور غنا که در زمان تصویب قطع نامه ۵۹۸ ریاست شورای امنیت را بر عهده داشت، آشکار شده بود، چنان که پس از دیدار با آیت الله خامنه‌ای، در مصاحبه‌ای با مطبوعات گفت:

«ایران قطع نامه را رد نکرده است» (۲).

ایران ضمن پذیرش مشروط قطع نامه ۵۹۸ با ادامه گفت و گو با دبیر کل سازمان ملل، تمهیداتی را برای تغییر ترتیب برخی از بندهای قطع نامه پی‌گیری کرد. این مسئله باعث شد تا دبیر کل در ادامه تلاش‌های خود و سفر به تهران و گفت و گوی نهایی با آیت الله خامنه‌ای در سازمان ملل بیانیه خود را در یک جلسه مشورتی غیر علنی به اعضای شورای امنیت ارائه کند. در بند ۳ این بیانیه آمده است:

«ایران برای شروع اجرای قطع نامه دو گام هم‌زمان اولیه را ضروری می‌داند: الف- رعایت آتش بس، ب- برقراری یک هیئت بی‌طرف تحقیق.»

همچنین در بند ۴ این بیانیه آمده است:

«به نظر ایران، اولین وظیفه این هیئت، شناسایی متجاوز است و وظیفه دوم این هیئت، تعیین عواقب مسئولیت می‌باشد» (۳).

دبیر کل در این جلسه در مورد نتایج مذاکره با عراق گزارش داد:

«عراق هیچ تغییری در موضع خود ندارد و روی اجرای قطع نامه به ترتیب

ص: ۱۳۴

۱- ۴۹۹. پیشین، ص ۷۶، ۱/۷/۱۳۶۶.

۲- ۵۰۰. پیشین، ص ۷۷.

۳- ۵۰۱. پیشین، ص ۷۸.

پاراگراف های محتوایی اصرار دارد و عراق نسبت به تغییر اجرای مفاد آن مقاومت نموده و آن را رد خواهد کرد» (۱).

با این حال، فعالیت های ایران مؤثر واقع شد و دبیر کل طرحی را تهیه کرد که به «طرح اجرایی دبیرکل» مشهور شد. رئوس کلی این طرح را دبیر کل در نامه مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۷ میلادی (۲۳ مهر ۱۳۶۶) اعلام کرد. (۲) رادیو امریکا در گزارش خبری خود در این باره گفت:

«وی به ایران و عراق ۱۵ روز فرصت داده است تا پاسخ خود را به طرح مبسوط وی درباره برقراری آتش بس ارائه دهند. دبیر کل گفت: «پنج عضو دائمی شورای امنیت، خواستار آتش بس همراه با عقب نشینی نیروها شدند» و مهم ترین نکته طرح دبیر کل، تشکیل کمیته ویژه برای مشخص کردن آغاز کننده جنگ است» (۳).

بعدها، نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این باره گفت:

«دیدگاه مثبت ایران نسبت به قطع نامه ۵۹۸ اساساً به دلیل بندی بود که مهم ترین خواسته ایران را تأمین می کرد، زیرا بند یاد شده دبیرکل را موظف می کرد، کمیته ای را برای تعیین متجاوز تشکیل دهد.»

پس از سفر دبیرکل به تهران، شورای امنیت سازمان ملل به دبیر کل مأموریت داد تا طرحی در زمینه اجرای قطع نامه ۵۹۸ تهیه کند. طرح اجرایی دبیر کل برای قطع نامه ۵۹۸ با جابه جا کردن بعضی از بندهای مستخرج از خود قطع نامه بود که نظرات ایران را تا حدودی تأمین می کرد، زیرا گام نخست در اجرای این طرح، تشکیل کمیته ای برای تعیین متجاوز بود. (۴) عراقی ها که با این اقدام مخالف بودند در یک موضع گیری صریح، اعلام کردند، با هر گونه تفکیک و جا به جایی در بندهای قطع نامه مخالف هستند. (۵) صدام علاوه بر موضع گیری فوق، در دیدار با وزیر خارجه ژاپن گفت:

«موضع ایران را که عراق باید متجاوز شناخته شود و مجازات گردد، نخواهد

ص: ۱۳۵

۱- ۵۰۲. پیشین، ص ۷۸ و ۷۹.

۲- ۵۰۳. پیشین، ص ۷۹.

۳- ۵۰۴. پیشین، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۶.

۴- ۵۰۵. مأخذ ۴۶، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.

۵- ۵۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۴، ۸ / ۶ / ۱۳۶۶، رادیو صوت الجماهير سخنان صدام در جمع دانشگاهیان مقیم عراق، ۷ / ۶ / ۱۳۶۷.

پذیرفت» (۱).

بعدها، طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق نیز اعلام کرد، «عراق هر گونه تلاش برای تجدید نظر در متن و سلسله بندهای قطع نامه ۵۹۸ را رد می کند» (۲).

ادامه درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس در ماه های شهریور، مهر و آبان باعث شد تا امریکایی ها طرح تحریم تسلیحاتی ایران را با مشارکت فعال انگلیس پی گیری کنند. در این حال، شوروی ها نظر به ماهیت تلاش های امریکا، با این اقدام مخالف بودند. در این راستا، «پتروفسکی»، معاون وزارت خارجه شوروی در سفر به سازمان ملل، به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت:

«در حالی که امریکا مصرانه از شورای امنیت و آن کشور (شوروی) خواسته است که یک تحریم تسلیحاتی جهانی علیه ایران را مدنظر قرار دهد، کشورش می خواهد وقت بیش تری به مذاکرات داده شود....ایران و عراق دچار تشریک مساعی با شورای امنیت هستند و ما وضعیت اساسا جدیدی داریم» (۳).

در نیمه آذر ۱۳۶۶ دبیر کل سازمان ملل در پی مذاکره با نمایندگان ایران و عراق، در چکیده گزارش خود در این باره به شورای امنیت اعلام کرد، مذاکرات به بن بست عملی رسیده است. در این گزارش در مورد علل بن بست در مذاکرات آمده است:

«جمهوری اسلامی ایران به خاطر طرح مسئله غرامت و مرتبط کردن آن با مسئله عقب نشینی، از چارچوب قطع نامه ۵۹۸ خارج شده است و عراق به خاطر اعلام لزوم اجرای متوالی و بی وقف آتش بس، عقب نشینی و مبادله کامل اسرا و یا لااقل، انفکاک پذیر نبودن آتش بس و عقب نشینی، از طرح اجرایی دبیر کل فاصله گرفته است» (۴).

بنابراین گزارش، ایران و عراق هر یک به نوعی در ایجاد بن بست در روند

ص: ۱۳۶

۱- ۵۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۸۵، ۳۰ / ۶ / ۱۳۶۶، خبرگزاری «کیودو»، ۲۹ / ۶ / ۱۳۶۶.

۲- ۵۰۸. پیشین، طارق عزیز، نیویورک، خبرگزاری رویتر، ۴ / ۷ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۰۹. مأخذ ۵۴، ص ۸۸ / ۷ / ۹ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۱۰. پیشین، صص ۸۸ و ۸۹، ۱۱ / ۹ / ۱۳۶۷.

مذاکرات مقصر قلمداد می شدند. این در شرایطی است که عراق با فرض این که ایران با قطع نامه ۵۹۸ مخالفت خواهد کرد، برای دست یابی به موضع بهتر سیاسی، پذیرش قطع نامه را اعلام کرده بود ولی در عمل، با وجود این که از موضع ضعیف تری در صحنه نظامی برخوردار بود، به این دلیل که تمام تمهیدات بین المللی و منطقه ای برای نجات آن سازمان دهی شده بود به مخالفت خود ادامه می داد. در همان حال، اگر چه جمهوری اسلامی ایران قطع نامه را به طور رسمی نپذیرفته بود، ولی با عدم رد آن و پذیرش گفت و گو در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ و براساس طرح اجرایی دبیرکل که مصوب شورای امنیت بود. عملاً برای گشایش در روند صلح با هدف تأمین منابع ایران تلاش می کرد. بدیهی بود آن چه که موضع ایران را تقویت می کرد، تنها برتری نظامی بر عراق با استقرار در بخشی محدود ولی حساس در خاک عراق بود. بی گمان اعلام آتش بس و عقب نشینی به مرزهای بین المللی، به منزله خارج کردن برگ برنده ایران برای مذاکرات بود بی آن که هیچ تضمینی برای تأمین خواسته های ایران مبنی بر اعلام عراق به عنوان متجاوز و پرداخت غرامت وجود داشته باشد. مواضع یک سویه سازمان ملل در پشتیبانی از عراق همچون هفت سال گذشته تا تصویب قطع نامه ۵۹۸ و بی اعتمادی ایران به عمل کرد و مواضع این سازمان و همچنین موقعیت برتر نظامی ایران، باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران شرایط خود را برای پایان بخشیدن به جنگ مورد تأکید قرار دهد. بدون تردید اگر جمهوری اسلامی در چنان وضعیتی بدون هیچ تضمینی شرایط سازمان ملل را می پذیرفت، اکنون مهم ترین پرسشی که مطرح می شد، «علل تاخیر در پذیرش قطع نامه» نبود، بلکه این پرسیده می شد که «چرا جمهوری اسلامی در شرایط برتر نظامی قطع نامه ای را پذیرفت که نه تنها خواسته های ایران را تضمین نمی کرد، بلکه منافع طرف متجاوز را تأمین می کرد؟»

تشدید فعالیت اعراب به ویژه پس از برگزاری کنفرانس سران عرب در اردن در آذر سال ۱۳۶۶، سبب گردید دامنه فشار به ایران تا اندازه ای گسترش یابد. وزیر خارجه وقت عراق پس از این اجلاس در مصاحبه با رادیو فالانژهای لبنان گفت:

«کنفرانس سران عرب در اردن، ایران را تکان داد و در تنگنای شدیدی قرار داد و عراق امیدوار است فشارهای جدیدی برای اجرای قطع نامه ۵۹۸ از سوی کشورهای عرب و جهان علیه ایران وارد گردد.»

وی با انتقاد از موضع شوروی گفت:

«کشورهای غربی و امریکا حاضرند تا فشارهای خود را علیه ایران افزایش دهند ولی شوروی با ادامه سیاست های محتاطانه خود هنوز موضع سیاسی خود را در این خصوص اتخاذ نکرده است» (۱).

گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت مبنی بر بن بست در مذاکرات، سبب شد تا در ۳ دی ۱۳۶۶ (۲۴ دسامبر ۱۹۸۸) بر اثر فشار امریکا و اعراب و در حالی که ریاست شورا بر عهده شوروی بود بیانیه ای صادر شود که در آن علاوه بر «لزوم ادامه تلاش های دبیرکل» بر برداشتن قدم هایی از جانب شورا برای اجرای بند ۱۰ قطع نامه - که به تحریم نظامی به ویژه علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره دارد - تأکید شده بود. (۲) پس از انتشار این بیانیه، جمهوری اسلامی نسبت به آن اعتراض و اعلام کرد:

«پذیرفتن طرح دبیرکل از جانب جمهوری اسلامی ایران در واقع گامی فراتر از مسئله پذیرش قطع نامه است. در حالی که قطع نامه از ضعف های اصولی برخوردار است.» (۳).

در شرایطی که انگلیس ریاست شورا را بر عهده گرفته بود، به نمایندگی جمهوری اسلامی اعلام کرد:

«ما به عنوان رئیس به موازات تحرکات دبیر کل، جهت اقدامات دیگر (مقدمات

ص: ۱۳۸

۱- ۵۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۶۱، ۱۲ / ۹ / ۱۳۶۶، ۱۳ / ۹ / ۱۳۶۶.

۲- ۵۱۲. مأخذ ۵۴، ص ۸۹.

۳- ۵۱۳. پیشین، ص ۹۰.

تحریم تسلیحاتی ایران) تلاش می کنیم» (۱).

به موازات احتمال تحریم تسلیحاتی ایران، نمایندگان وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به رؤسای سه قوه پیشنهاد کردند، آقای ولایتی به مسکو سفر کند تا با افزایش حجم تحرکات دیپلماتیک، اقدامات احتمالی برای تحریم تسلیحاتی ایران خنثی شود. سرانجام، پس از بحث هایی که انجام گرفت، قرار شد تا معاون وقت اروپا و امریکای وزارت خارجه، با سفر به مسکو، چین، فرانسه و به ویژه انگلیس، گفت و گو و مذاکرات بیش تری انجام دهد و همچنین مطرح شد که لازم است با کشورهای، چون ژاپن، آلمان و ایتالیا که روابط خوبی با ایران دارند، گفت و گوهایی به عمل آید. در ادامه فعالیت ها مقرر شد، با سفر و ارسال پیام به کشورهای نپال، غنا، آرژانتین، برزیل، زامبیا و سنگال که از اعضای غیردائم وقت شورای امنیت بودند، نیز مذاکره شود (۲).

همچنین، وزیر خارجه وقت ایران در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل، نوشت:

«ایران از اجرای قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت به طور کلی و به هم پیوسته پشتیبانی می کند. تعیین روز (۳) D (اشاره به طرح اجرایی دبیرکل) باید با شروع آتش بس و کار بر روی تعیین هیئت بی طرف همراه باشد» (۴).

با توجه به این که، ریاست ادواری شورای امنیت از اول فوریه (۱۲ بهمن) به امریکا واگذار می شد، احتمال تحریم تسلیحاتی و افزایش فشار بر ایران، قوت می گرفت. در همین حال نماینده شوروی در سازمان ملل در ۳ بهمن ۱۳۶۶ اعلام کرد:

«نامه وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران (مورخ ۲۹ دی ۱۳۶۶) نکات مثبت و خوبی داشته است که مهم ترین آنها قبول رسمی برنامه اجرایی دبیرکل می باشد و جمهوری اسلامی ایران انعطاف پذیری خود را اثبات نموده است» (۵).

در ادامه فعالیت های سیاسی ایران، نماینده جمهوری اسلامی در اسفند

ص: ۱۳۹

۱- ۵۱۴. پیشین.

۲- ۵۱۵. پیشین.

۳- ۵۱۶. D.DAY: روز آتش بس.

۴- ۵۱۷. پیشین، ص ۹۱.

۵- ۵۱۸. پیشین، ص ۹۲.

۱۳۶۶ در گفت و گو با دبیرکل گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ درخواست پذیرش رسمی از طرفین ندارد و قطع نامه فقط به اجرای مفاد خود عنایت دارد و جمهوری اسلامی قبول نموده است که بر اساس طرح دبیرکل، قطع نامه اجرا گردد» (۱).

دبیرکل نیز در پاسخ به اظهارات نماینده جمهوری اسلامی ایران گفت:

«مذاکرات باید در چهارچوب چهار نکته مندرج در دستور جلسه صورت گیرد: ۱- آتش بس ۲- کمیته بی طرف ۳- بازگشت به مرزهای بین المللی ۴- پرداخت غرامت» (۲).

در این دیدار، ایران بار دیگر تأکید کرد:

«جمهوری اسلامی ایران حاضر نیست بازگشت نیروها به مرحله اولیه ارتقا پیدا نماید بازگشت نیروها مهم ترین برگ برنده در دست ما است و حاضر نیستیم بدون دریافت ضمانت های لازم و رسیدن به حقوق خود، آن را از دست بدهیم» (۳).

همچنین در ۳ اسفند ۱۳۶۶ نماینده ایران با سفیر انگلیس در سازمان ملل دیدار کرد که اظهارات طرف انگلیسی با توجه به برداشتی که از مواضع ایران نسبت به قطع نامه ۵۹۸ داشت، بسیار قابل ملاحظه است. وی در این ملاقات گفت:

«ما در عین حال که انعطاف اخیر ایران را در مذاکرات با دبیرکل درک می کنیم، نمی فهمیم چرا حاضر به قبول قطع نامه ۵۹۸ نیست؟... شما انعطاف خود را خیلی به تدریج و ذره ذره خرج کرده اید، در حالی که اگر یک جا می گفتید، اهمیت و انعطاف شما بیش تر روشن می گردید!» (۴).

عراق چون روند اخیر را به زیان خود می دید، علاوه بر مخالفت با طرح اجرایی دبیرکل، از ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ حملات موشکی به مناطق غیرنظامی در تهران را افزایش داد تا فضای هر گونه تحرک دیپلماتیک به شدت مسموم

ص: ۱۴۰

۱- ۵۱۹. پیشین، ص ۹۱ و ۹۲.

۲- ۵۲۰. پیشین، ص ۹۲.

۳- ۵۲۱. پیشین، ص ۹۳.

۴- ۵۲۲. پیشین.

شود. در همان حال بر اثر فعالیت هایی که انجام شد طرح تحریم تسلیحاتی ایران به تعویق افتاد و وزیر خارجه ایران در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل به صراحت اعلام کرد:

«دولتم بر این عقیده بود که طرح دبیر کل بر مبنای جهت اجرای قطع نامه ۵۹۸ تنظیم شده است و بنابراین، پذیرش آن (طرح اجرایی) مساوی با پذیرش قطع نامه ۵۹۸ است» (۱).

برابر این سند ایران اگر نه رسمی ولی عملاً قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفته بود سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در گفت و گو با شبکه تلویزیونی «A.B.C» آمریکا گفت:

«جمهوری اسلامی ایران اجرای قطع نامه ۵۹۸ را می پذیرد و بنابراین، ما آمادگی خود برای همکاری با دبیرکل جهت اجرای آن را اعلام می نمایم» (۲).

این شبکه تلویزیونی به نقل از منابع دیپلماتیک افزود:

«سفیر ایران در سازمان ملل روز ۱۳ اسفند ۱۳۶۶ با تسلیم یادداشتی به رئیس شورای امنیت اعلام نمود که ایران قطع نامه ۵۹۸ درباره آتش بس میان ایران و رژیم بعث، عقب نشینی نیروهای طرفین به مرزهای بین المللی، تبادل اسرا و تشکیل کمیسیون جهت شناسایی آغازگر جنگ را پذیرفته است و پرزده کوئینار را برای ترتیب دادن آن به منطقه دعوت کرد» (۳).

در این حال، دولت عراق در حالی که حملات موشکی به مردم بی دفاع و غیرنظامی را ادامه می داد، در اطلاعیه نظامی خود اعلام کرد:

«حملات علیه ایران تا زمان موافقت رهبران این کشور با استقرار یک آتش بس ادامه خواهد داشت» (۴).

در اوایل سال ۱۳۶۷ در شرایطی که ایران عملیات والفجر ۱ را در منطقه عمومی حلبچه انجام داد آقای «محلّاتی» (سفیر ایران در سازمان ملل)، پس از بازگشت از نیویورک، در نامه ای به معاونت سیاسی نخست وزیر نوشت:

ص: ۱۴۱

۱- ۵۲۳. پیشین، ص ۹۴.

۲- ۵۲۴. پیشین.

۳- ۵۲۵. پیشین.

۴- ۵۲۶. پیشین، ص ۹۶، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

«نفس قبول قطع نامه ۵۹۸ از نظر حقوقی و اجرایی با موضع جمهوری اسلامی نسبت به آمادگی برای اجرای قطع نامه هیچ تفاوتی ندارد.»

وی در مورد ارسال نامه وزیر خارجه و اثرات آن افزود:

«این نامه باعث شد که تصویب قطع نامه تحریم تسلیحاتی از طرف شورای امنیت که قطعی و محرز بود به تعویق افتد و بهانه از دست امریکا گرفته شود» (۱).

بمباران شیمیایی مردم حلبچه و ابعاد این فاجعه انسانی، سازمان ملل را به واکنش واداشت. اعزام یک هیئت کارشناسی و تشکیل جلسه شورای امنیت ۵۰ روز پس از جنایت عراق در حلبچه در ۱۹ خرداد ۱۳۶۷ منجر به صدور قطع نامه ۶۱۲ شد، بدون این که محدودیت عراق در آن تصریح شود! دبیرکل سازمان ملل بدون توجه به حادثه ای که رخ داده بود، طرح جدیدی را ارائه کرد که در رادیو «مونت کارلو» منعکس شد. (۲) هم زمان، حمله عراق به فاو و بازپس گیری این منطقه، مقدمات تغییر شرایط به سود عراق و به زیان ایران را فراهم کرد. به موازات این تحولات، «ورنون والترز»، نماینده دائمی امریکا در سازمان ملل اعلام کرد:

«امریکا، انگلیس و فرانسه مایلند شورای امنیت قطع نامه فوری در مورد اعمال تحریم تسلیحاتی علیه طرفی که از برقراری آتش بس در جنگ خلیج [فارس] سرباز می زند را صادر نماید... چین و شوروی، معتقدند باید فرصت بیش تری به دبیرکل داده شود تا در راه دست یابی به یک حل و فصل مبتنی بر مذاکره تلاش کند» (۳).

دبیرکل سازمان ملل پیشنهاد جدید خود مبنی بر گفت و گو در سطح کارشناسان دو کشور ایران و عراق را ارائه کرد. در این باره رادیو امریکا گفت:

«در طرح جدید به دو کشور پیشنهاد شده است، در خرداد مذاکرات به مدت سه هفته در یک محیط خصوصی برگزار شود و در پایان، دبیرکل تقویم به اجرا گذاردن طرح صلح را آماده خواهد کرد» (۴).

ص: ۱۴۲

۱- ۵۲۷. پیشین.

۲- ۵۲۸. پیشین، ص ۹۸، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۲۹. پیشین، ص ۱۰۰، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۳۰. پیشین، ص ۱۰۰، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

در نخستین واکنش به پیشنهاد دبیر کل، عراقی‌ها که اوضاع را به سود خود ارزیابی می‌کردند در نامه‌ای که طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق به دکوئیار نوشته بود، تصریح کردند:

«عراق معتقد است، گفت و گوها می‌بایست در سطح وزیر ادامه یابد نه در سطح کارشناس، زیرا حل و فصل جنگ یک مسئله کاملاً سیاسی است» (۱).

عراقی‌ها بار دیگر بر شرایط پنج‌گانه خود - که پیش از این صدام اعلام کرده بود - تأکید کردند. ایران نیز در واکنش به پیشنهاد دبیر کل، در نامه‌ای که در ۱۰ خرداد ۱۳۶۷ وزیر خارجه وقت ایران نوشت، تأکید کرد:

«ما از پیشنهاد شما استقبال کرده و آماده‌ایم در مذاکراتی که در نیویورک با اعضای دبیرخانه بر اساس پیشنهاد شما انجام می‌گیرد، شرکت کنیم.»

در این نامه آمده است:

«مهم‌ترین گام اولیه در شروع اجرای طرح شما که همان تشکیل یک کمیته بی‌طرف برای تعیین متجاوز است، هنوز برداشته نشده است و همان‌گونه که ما مکرراً و موکداً در مذاکرات قبلی با شما پافشاری کردیم، مستلزم هرگونه راه‌حل سیاسی، تعیین متجاوز در گام نخست می‌باشد» (۲).

اما دبیر کل معتقد بود، چون در نامه ایران به پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ صریحاً اشاره نشده است، این امر دست و پایش را خواهد بست. (۳) وزیر خارجه ایران نیز در پاسخ به دبیر کل گفت:

«یک سال پیش در سفرتان به تهران که پیشنهاد تشکیل نهاد اعلام متجاوز را آوردید، ما برخورد داشتیم، ولی ادامه این کار از طرف شما متوقف شد که ما دلیل آن را نمی‌دانیم» (۴).

بازتاب مذاکرات و مواضع جدید ایران، برخی انتقادات نسبت به مواضع و عمل کرد وزارت خارجه را در پی داشت. آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه با بیان مواضع ایران، به انتقادات اخیر پاسخ داده و تصریح کردند:

ص: ۱۴۳

۱- ۵۳۱. پیشین، ص ۱۰۲، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۳۲. پیشین، ص ۱۰۴.

۳- ۵۳۳. پیشین.

۴- ۵۳۴. پیشین.

«ما اصراری نداریم بر این که حتما باید با جنگ این مقصود عملی شود. اگر آنها مقاصد ما را برآورده می کردند، ما حرفی نداشتیم. منتهی به تجربه معلوم شده که این ها نمی کنند... البته راه حرکت سیاسی را هم هرگز نمی بندیم. بعضی ها شایعه می کنند که این کارهای سیاسی با جنگ منافات دارد، خیر! ایدا منافات ندارد!»

ایشان در تأیید ضرورت کار سیاسی به موازات کار نظامی گفتند:

«اگر ما قدرت جنگ نداشته باشیم، کار سیاسی ممکن است اثر کند که باز هم نمی گوئیم حتما اثر خواهد کرد، چون واقعا هیچ اطمینانی به این محافل بین المللی نمی شود داشت، چون امریکا و دشمنان ما بر این محافل تسلط دارند. ما به همه گفتیم، قطع نامه ۵۹۸ را امریکا علم کرد، منتهی ما که این قطع نامه را رد نکردیم، چون نکات مثبتی را در آن گنجانده بودند. ما آن نکات مثبت را نگه داشتیم اما قبول هم نکردیم، چون نکات منفی هم دارد» (۱).

«جان لیتل» فرستاده کلیسای «کانتربری» و هیئت همراه در سفر به تهران و پس از مذاکره با مسئولان ایرانی گفت:

«ایران دیگر خواستار سرنگونی صدام نیست و خود را مقید به این تأکید کرده [است] ولی ایران به تضمین های سیاسی احتیاج دارد که رهبر عراق دیگر جنگ را از سر نگیرد.»

وی به نقل از لاریجانی گفت:

«اکنون راه حل سیاسی غالب است و بر ملاحظات نظامی ارجح است» (۲).

آقای هاشمی نیز در مصاحبه ای تلویزیونی مواضع جدید ایران را بیان کرد:

«ما نباید اجازه دهیم که دشمن در دنیا بتواند ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صلح جو معرفی کند... هر گاه سخن از پیروزی در میدان نبرد به میان می آید بر موضوع لزوم جنگ از راه غیرنظامی هم تأکید شود» (۳).

سرنگون شدن هواپیمای ایرباس ایران به وسیله ناو هواپیما بر «وینسنس» در

ص: ۱۴۴

۱- ۵۳۵. پیشین، ص ۱۰۶، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۷، خطبه های نماز جمعه تهران.

۲- ۵۳۶. پیشین، ص ۱۱۰، ۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۳۷. پیشین، ص ۱۱۱، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۱۲ تیر ۱۳۶۶ و درخواست ایران برای تشکیل جلسه فوق العاده شورای امنیت روند گفت و گو درباره اقدام تجاوزکارانه امریکا و همچنین مسئله پایان دادن به جنگ را تسریع کرد (۱). در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ آقای هاشمی طی مصاحبه ای، ضمن اعلام عقب نشینی نیروهای ایران از حلبچه و برخی خطوط دفاعی، به لحاظ شرایط جدید گفت:

«استراتژی جدید ما سیاسی، نظامی و فرهنگی است» (۲).

پاسخ رسمی جمهوری اسلامی ایران به قطع نامه ۵۹۸

پس از عقب نشینی ایران از برخی مناطق همچون حلبچه در ۲۲ تیر ۱۳۶۷، ادامه حمله های عراق و تشدید فشار بین المللی به ایران، سلسله جلساتی در داخل کشور با هدف اتخاذ تصمیم نهایی درباره جنگ تشکیل شد. در نشست مشترک رؤسای سه قوه، مجلس خبرگان و شورای نگهبان شرایط سیاسی - نظامی کشور مورد بررسی قرار گرفت. (۳) امام راحل نیز در روز پنج شنبه و جمعه، ۲۳ و ۲۴ تیرماه مشورت هایی را به صورت جداگانه انجام دادند. ولی نشست اصلی بر اساس دستور امام و با حضور چهل تن از شخصیت های مهم کشور در روز شنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۷، تشکیل شد. امام در پیامی به این جلسه که مرحوم حاج سید احمد خمینی قرائت کرد، ضمن بیان نظرات خود، تصمیم گیری در مورد آینده جنگ را به جلسه واگذار کردند. (۴) چند روز پس از آن آقای هاشمی در این باره گفت:

«طی دو سه روزه گذشته، جلسات متعددی با حضور سران کشور تشکیل شده و جمع بندی تمام این جلسات به حضور امام رسیده است. طی بحث هایی که صورت گرفت، مجموعه شرایط، جمهوری اسلامی را به این نتیجه رساند که برای مصلحت انقلاب قطع نامه ۵۹۸ پذیرفته شود.... ایران تا به حال خواستار

ص: ۱۴۵

۱- ۵۳۸. در صفحات قبل به مواضع ایران و امریکا در سازمان ملل اشاره شد که از تکرار آن در این جا اجتناب می شود.

۲- ۵۳۹. پیشین، ص ۱۱۹.

۳- ۵۴۰. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۴۱. روزنامه رسالت، دکتر حسن روحانی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۷۵.

آن بود که ابتدا کمیته تعیین متجاوز تعیین شود ولی فعلا با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده است، از آن شرط خود صرف نظر کرده ایم... وقتی به ما اطمینان دادند که ترکیب کمیته تعیین متجاوز به گونه ای خواهد بود که واقعا به حق رسیدگی می کند، ما از شرط قبلی خود صرف نظر کردیم» (۱).

بدین ترتیب، در جلسه ای که به ریاست رئیس جمهور وقت، آیت الله خامنه ای و با حضور مسئولان عالی رتبه کشور در ۲۶ تیر ۱۳۶۷ تشکیل شد، پایان جنگ با پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به تصویب رسید (۲) و امام راحل بر آن صحنه گذاشتند و پذیرفتند که قبول قطع نامه به صلاح نظام و انقلاب است. (۳) در پی این تصمیم رئیس جمهور در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل نوشتند:

«ایران تصمیم گرفته است که رسماً قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت را به خاطر اهمیتی که برای حفظ جان انسان ها، برقراری عدالت و صلح و امنیت منطقه و بین المللی قائل است، بپذیرد» (۴).

خاویر پترزکوئیاری، دبیرکل سازمان ملل نیز روز دوشنبه اعلام کرد، ایران قطع نامه ۵۹۸ را رسماً و بدون قید و شرط پذیرفته است. (۵) وی بلافاصله از رئیس شورای امنیت درخواست کرد تا اعضای شورای امنیت را برای مشورت گرد هم آورد. (۶) وی همچنین، اظهار امیدواری کرد که یک هفته تا ده روز دیگر آتش بس برقرار شود. (۷) همچنین، محلاتی، نماینده وقت جمهوری اسلامی در سازمان ملل با خوش بینی اعلام کرد:

«تصور نمی کنم عراقی ها در شرایطی باشند که بتوانند در برابر پایان بخشیدن به جنگ مقاومت کنند» (۸).

بازتاب پذیرش قطع نامه ۵۹۸ در ایران

واحد پخش خیر رادیو در ساعت ۲ بعدازظهر ۲۷ تیر ۱۳۶۷ بدون هیچ

ص: ۱۴۶

۱- ۵۴۲. روزنامه کیهان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۴۳. مأخذ ۹۵.

۳- ۵۴۴. مأخذ ۵۰.

۴- ۵۴۵. مأخذ ۲۱، ص ۱۵، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۵۴۶. پیشین، ص ۱۷، نیویورک، خبرگزاری کویت، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۵۴۷. پیشین، ص ۱۹، لندن، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۷- ۵۴۸. پیشین، ص ۳۱، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۸- ۵۴۹. پیشین، ص ۷۱، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

مقدمه ای اعلام کرد، جمهوری اسلامی ایران قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت را قبول کرده است. مردم، به ویژه رزمندگان و افراد حزب الهی و متدین و تمام کسانی که در داخل و خارج کشور نسبت به نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی تعلق خاطر داشتند، با انتشار این خبر، شگفت زده و کاملاً غافل گیر شدند و موجی از نگرانی در میان مردم پدید آمد. (۱) برابر گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در نخستین ساعات حتی برای بسیاری از مردم این اقدام قابل قبول نبود و قطرات اشک و چهره های برافروخته آنها حکایت از همین مسئله داشت. (۲) همچنین بیش تر کسانی که خبر نیم روزی رادیو را نشنیده بودند، بیانیه جمهوری اسلامی را شایعه ای بی اساس و دور از سیاست مسئولان خواندند. حتی شایعه شده بود که به دلیل فوت امام قطع نامه پذیرفته شده است! (۳).

واکنش اولیه مردم در داخل کشور حکایت از اهمیت موضوع و نشان دهنده احساس ناباوری درباره آن بود. پیش از این نیز، پس از سقوط فاو و بازپس گیری برخی از مناطق تصرف شده به دست ارتش عراق، نوعی ابهام و ناباوری در میان مردم دیده می شد که با اعلام موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ این پدیده در ابعاد گسترده تری بار دیگر آشکار شد. باورهای مردم در خصوص جنگ که حاصل تبلیغات موجود مبنی بر برتری قوای خودی و ضعف دشمن بود باعث شد به تدریج میان درک مردم و واقعیات صحنه جنگ شکاف نسبتاً عمیقی به وجود آید که در نتیجه، برتری نظامی عراق در ماه های پایانی و قبول قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران قابل فهم و هضم نبود.

با توجه به اهمیت تبیین پذیرش قطع نامه ۵۹۸ برای مردم، رهبر فقید انقلاب اسلامی، امام خمینی (رحمه الله علیه) در پیام استقامت که به مناسبت فرارسیدن ایام حج تنظیم شده بود، توضیحاتی را فرمودند که بی شک موجب توجیه و التیام مردم، به ویژه رزمندگان اسلام شد که در غیر این صورت،

ص: ۱۴۷

-
- ۱- ۵۵۰. روزنامه رسالت، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷، «مقاله قبول قطع نامه ۵۹۸ مصلحت اسلام بود و تأمین رضایت خدا».
 - ۲- ۵۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۲، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۸۹، اصفهان، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۳- ۵۵۲. پیشین، صص ۹۰ و ۹۱، اراک، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

امکان مهار اوضاع در داخل کشور و جبهه های جنگ بسیار دشوار می شد. امام در این پیام در مورد علت قبول قطع نامه فرمودند:

«قبول قطع نامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی - نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطع نامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم» (۱).

امام در این پیام علل پذیرش قطع نامه را تغییر شرایط بیان کردند ولی به دلیل مصالحی از ذکر آن خودداری و اظهار امیدواری کردند در آینده روشن شود.

امام در آن وضعیت ملتهب و دشوار برای جلوگیری از تشدید چند دستگی و بحران در کشور، بهترین روش را انتخاب کرده و از بیان مسائلی که بخشی از آنها ریشه در گذشته داشتند، خودداری کردند تا جمهوری اسلامی ایران بتواند استراتژی جدید خود را که ناشی از وضعیت سیاسی - نظامی جدید بود به خوبی پی گیری کرده و به موفقیت برساند و این هدف جز با وحدت و انسجام داخلی دست یافتنی نبود. امام در بخش دیگری از پیام خود با توجه به ضرورت پشت سر نهادن این مرحله حساس، فرمودند:

«در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند که هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست.»

امام بار دیگر با تعبیر دیگری درباره تلخی پذیرش قطع نامه فرمودند:

ص: ۱۴۸

«قبول این مسئله [قطع نامه] برای من از زهر کشنده تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم.»

سپس امام اظهار امیدواری کردند، تلخی این روزها به شیرینی فرج حضرت بقیه الله (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و رسیدن به لقای حق جبران شود (۱).

در این حال، اظهارات برخی از شخصیت ها و مسئولان نظام برای ایجاد اطمینان نسبت به پی آمدهای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ قابل توجه بود. آیت الله خامنه ای در نماز جمعه تهران فرمودند:

«پذیرفتن این قطع نامه معنای برگشت از شعارهای اصولی انقلاب اسلامی نیست» (۲).

حجت الاسلام کروبی، نایب رئیس وقت مجلس شورای اسلامی نیز گفت:

«پذیرش آتش بس برای حفظ انقلاب است و جنگ هم برای حفظ انقلاب می باشد» (۳).

آقای هاشمی، جانشین فرماندهی کل قوا نیز این اقدام را به مصلحت انقلاب و نظام و در جهت مصالح اسلام و امت خواند. وی ابراز امیدواری کرد:

«در صورتی که عراق پس از این از قبول قطع نامه ۵۹۸ خودداری کند، این به نفع ما خواهد بود، زیرا حربه عوام فریبانه ای از عراق گرفته خواهد شد و دنیا نیز دیگر نمی تواند بگوید، ایران قطع نامه را قبول نکرده است.»

آقای هاشمی این اقدام را یک «گام سیاسی مؤثر» عنوان کرد و گفت:

«من امکان رسیدن به صلح و آرامش را بعید نمی دانم، ولی نسبت به آن هم زیاد خوشبین نیستم» (۴).

اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸، علاوه بر داخل، بازتاب نسبتاً گسترده ای در کشورها و رسانه های خبری جهان داشت. سخن گوی وزارت خارجه امریکا با استقبال از اقدام ایران، گفت:

«این اولین گام در راه صلح است.... تأکید ما بر اجرای کامل قطع نامه ۵۹۸

ص: ۱۴۹

۱- ۵۵۴. پیشین، صص ۲۴ و ۲۵.

۲- ۵۵۵. مأخذ ۵۰.

۳- ۵۵۶. مأخذ ۹۶.

۴- ۵۵۷. پیشین، مصاحبه مطبوعاتی، آقای هاشمی رفسنجانی.

است و ایالات متحده در این راه تلاش خواهد کرد» (۱).

امریکایی‌ها که تصمیم ایران را به منزله پیروزی مهم برای سیاست خارجی ریگان ارزیابی می‌کردند (۲)، کارشکنی در اجرای قطع‌نامه را به معنای مقابله با دست‌آوردهای سیاست خارجی امریکا دانسته و در اندیشه تلاش برای سازمان‌دهی فشار بین‌المللی بر طرف‌خاطی و متمرّد بودند. (۳) سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا با توجه به اقدام ایران در پذیرش قطع‌نامه گفت:

«حال که ایران قطع‌نامه آتش‌بس را پذیرفته است، کوشش‌های امریکا برای تحمیل آن بر ایران به کنار گذارده خواهد شد» (۴).

در این حال، «شولتز»، وزیر خارجه امریکا اعلام کرد:

«امریکا مایل به تجدید مناسبات مستقیم با نمایندگان معتبر دولت تهران است» (۵).

مقامات وزارت خارجه امریکا معتقد بودند در عین حالی که قبول قطع‌نامه می‌توانست به رفع موانع در روابط ایران و امریکا کمک نماید ولی سه مسئله همچنان به عنوان موانع اصلی بر سر راه رابطه با تهران وجود داشت که گروگان‌گیری در لبنان یکی از آن مسائل بود (۶).

شوروی‌ها نیز با اعلام رضایت عمیق خود از تصمیم تهران تأکید کردند، رهبران شوروی بارها در سطوح مختلف مسئولان ایران را به قبول قطع‌نامه ۵۹۸ دعوت کرده بودند. (۷) معاون وزیر خارجه انگلیس هم با توجه به واکنش‌های عراق تأکید کرد:

«باید در این زمینه مواظب باشیم و قبل از اتمام بازی، توپ را رها نکنیم... اکنون باید دید که عراق نیز آماده پذیرفتن طرح اجرایی دبیرکل سازمان ملل هست یا نه؟» (۸).

«گنشر»، وزیر خارجه وقت آلمان نیز تصمیم ایران را سرنوشت‌ساز و گامی

ص: ۱۵۰

-
- ۱- ۵۵۸. مأخذ ۱۰۵، صص ۱۱ و ۱۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۲- ۵۵۹. پیشین، ص ۳۲، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۳- ۵۶۰. پیشین، ص ۱۴، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۴- ۵۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۳، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، فیلیپس اوکلی.
 - ۵- ۵۶۲. مأخذ ۴۷، خبرگزاری رویتر، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶-۵۶۳. پیشین.

۷-۵۶۴. مأخذ ۱۰۵، ص ۱۵، مسکو، خبرگزاری فرانسه، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۸-۵۶۵. مأخذ ۲۱، ص ۳۰، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

برای پایان جنگ خواند و در سخنانی گفت:

«شخصاً در مذاکرات مقدماتی برای قبول قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل توسط ایران شرکت داشته است» (۱).

کشورهای منطقه با توجه به روند رو به گسترش جنگ در منطقه خلیج فارس، تصمیم ایران را به منزله یک گام اساسی و جدی برای پایان دادن به جنگ ارزیابی و از آن استقبال کردند و در این میان، بیش از همه دولت های کویت و سعودی از اقدام ایران تسکین یافتند (۲).

«عوامل پذیرش قطع نامه ۵۹۸» از سوی ایران، به صورت گسترده ای مورد تجزیه و تحلیل تحلیل گران و کارشناسان مسائل منطقه و جنگ ایران و عراق قرار گرفت و در رسانه های خبری منعکس شد. آنچه مورد توجه این تحلیل ها بود شامل عوامل نظامی در صحنه جنگ و عوامل مؤثر داخلی ایران می شد. عوامل دیگری نیز وجود داشت که به آنها اشاره خواهد شد.

در میان عوامل نظامی، «استراتژی نیرومند عراق» (۳) در مقایسه با ایران و در نتیجه، شکست های نظامی ایران (۴) در جبهه ها و کاهش روحیه نیروهای نظامی ایران (۵) بیش از همه مؤثر بوده است، زیرا برتری عراق سبب شد تا این احساس در ایران به وجود آید که راه حل نظامی برای پایان جنگ امکان پذیر نیست. همچنین پیروزی های نظامی عراق عملاً یکی از مواد قطع نامه ۵۹۸ مبنی بر عقب نشینی به مرزهای پیش از جنگ را تحقق بخشید (۶) و زمینه های پایان جنگ را فراهم ساخت. افزون بر این، توانایی عراق برای کشاندن جنگ به داخل خاک ایران که با حمله به دهلران صورت گرفت (۷)، موجب نگرانی ایران شده بود. همچنین، عدم دست یابی به نتایج قطعی و تعیین کننده در حملات پر هزینه و پر تلفات سال گذشته آن (۱۳۶۵) به شهر بندری بصره، جمهوری اسلامی ایران را به این نتیجه رساند که قادر به پیروزی در جنگ نیست. (۸) «پدیده جنگ شهرها»، استفاده فزاینده و

ص: ۱۵۱

۱- ۵۶۶. مأخذ ۱۰۵، ص ۳۱، بن، خبرگزاری فرانسه، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۶۷. پیشین، ص ۱۵، ریاض، خبرگزاری رویتر، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۶۸. پیشین، ص ۶۳، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو بی.بی.سی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۶۹. مأخذ ۲۱، ص ۴۵، رادیو امریکا، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، رایین رایت، گزارش گرو صدای امریکا، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۵۷۰. پیشین، خبرگزاری رویتر، به نقل از دیپلمات ها و تحلیل گران.

۶- ۵۷۱. مأخذ ۱۱۵، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، دکتر امیل نخلی، استاد علوم سیاسی در کالج سنت مولی در مریلند.

۷- ۵۷۲. مأخذ ۲۱، صص ۶۵ و ۶۶، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز.

۸- ۵۷۳. پیشین.

موفقیت آمیز عراق از جنگ افزارهای شیمیایی و حملات عراق علیه تأسیسات نفتی و خطوط کشتیرانی ایران که باعث کاهش بنیه اقتصادی ایران شد (۱)، از دیگر عوامل نظامی در پذیرش قطع نامه شورای امنیت از سوی ایران بودند.

آن چه به عنوان عوامل داخلی ایران برای پذیرش قطع نامه ذکر شده است عمدتاً شامل «اوضاع نابسامان و وخیم اقتصادی ایران» (۲)، «انزوای سیاسی ایران» (۳)، «اختلافات داخلی» (۴) و وجود نوعی مبارزه قدرت (۵) و افزایش قدرت میانه روها در دستگاه حکومت ایران (۶) می باشد. برخی از تحلیل گران نیز با توجه به خبرهای موجود مبنی بر تماس های محرمانه میان مقامات ایران و امریکا به منظور دست یابی به «تضمین» در خصوص موافقت رسمی ایران با قطع نامه ۵۹۸، (۷) بر این مسئله پافشاری می کردند که ایران بر اثر فشارهای امریکا قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت. امریکایی ها نیز چنان که پیش از این اشاره شد این رخداد را به منزله پیروزی در سیاست خارجی خود ارزیابی کردند. «هارولد براون»، وزیر دفاع سابق امریکا با توجه به ملاحظات موجود، حضور امریکا را دارای اثر ذکر کرد ولی در همان حال گفت:

«ما در امریکا همواره خود را علت همه چیز می دانیم، اما واقعیت این طور نیست» (۸).

برخی از تحلیل گران علاوه بر تأثیر حضور امریکا در منطقه، پشتیبانی یک جانبه این کشور از عراق و کمک های اطلاعاتی (۹) به آن را در اتخاذ تصمیم ایران مؤثر می دانستند. (۱۰) در مقابل گروهی دیگر از صاحب نظران معتقد بودند که این گونه تحلیل ها اساساً با هدف مخدوش کردن صلح جویی ایران است (۱۱)، زیرا از مدتی قبل، ایران برای یافتن راه پایان دادن به جنگ از طریق میانجی گری به جای یک راه حل نظامی، سرگرم بررسی وسایل و ابزارهای مختلف بوده است. (۱۲) یکی از تحلیل گران پذیرش قطع نامه را در ادامه سیاستی دانست که ایران از تابستان سال گذشته اتخاذ کرد. وی معتقد بود

ص: ۱۵۲

۱- ۵۷۴. مأخذ ۲۱، صص ۲۹ و ۳۰، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۷۵. مأخذ ۱۰۵، ص ۷۱، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۷۶. مأخذ ۱۱۵، ص ۴۷، آنکارا، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۷۷. مأخذ ۲۵، خبرگزاری رویتر، هارولد براون، وزیر دفاع اسبق امریکا.

۵- ۵۷۸. مأخذ ۱۱۵.

۶- ۵۷۹. مأخذ ۱۰۵، ص ۶۳، رادیو بی.بی.سی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، روزنامه تایمز.

۷- ۵۸۰. مأخذ ۱۱۵، صص ۲۸ و ۲۹، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، روزنامه کویتی الانباء.

۸- ۵۸۱. مأخذ ۳۸، خبرگزاری رویتر، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۹- ۵۸۲. مأخذ ۲۵، ص ۳۲، بیروت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، مجله النهار العربی و الدولی.

۱۰- ۵۸۳. مأخذ ۲۱، ص ۲۹ و ۳۰، بحرین، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۱۱- ۵۸۴. مأخذ ۴۷، ص ۴۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۱۲- ۵۸۵. مأخذ ۱۰۵، ص ۷۱، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، رایین رایت، کارشناس بنیاد کارنگی برای صلح بین المللی.

که تمام کردن جنگ از طریق مذاکره صلح با عراق، مسئله ای صددرصد تازه نیست. وی سپس درباره علت اقدام ایران گفت: «فرض کنید، اگر دو مسئله در مقابل ایران بود، یکی ادامه جنگ و دیگری، پایداری انقلاب ایران، برای دولت مردان ایران در حال حاضر مسئله مهم تر این بود که اگر قطع جنگ به نفع انقلاب ایران است، آن اشکالی ندارد» (۱).

خبرگزاری رویتر در تأیید این نظر گزارش داد که برخی از دیپلمات ها و تحلیل گران بر این باور بودند که رهبران ایران بیش از دو راه پیش روی خود نمی دیدند: یکی ادامه جنگی که دیگر نمی توانستند برنده آن باشند، و دیگری حفظ انقلاب اسلامی در شرایطی که تزلزل سیاسی روز افزونی موجودیت آن را به خطر انداخته بود. (۲) به همین دلیل، این تصمیم ایران را به عنوان موفقیت امام خمینی خواندند (۳).

واکنش عراق در برابر پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸

رژیم عراق به دلیل برخورداری از برتر نظامی، خودداری ایران از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ را به سود خود ارزیابی می کرد زیرا به آن کشور امکان می داد تا حملات خود را به داخل خاک ایران ادامه دهد. بنابراین، عراق از تصمیم ایران ناخشنود بود، چنان که چهار ساعت پس از اعلام پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران، رادیو عراق سکوت اختیار کرده و خبرگزاری عراق نیز هیچ گزارشی در این باره منتشر نکرد. (۴) «لطیف نضیف جاسم»، وزیر فرهنگ و اطلاعات وقت عراق در نخستین واکنش رسمی عراق گفت:

«ما و جهانیان خبری را که از رادیو تهران به زبان فارسی پخش شد، دایر بر این که ایران به دبیرکل سازمان ملل رسماً موافقت خود را با قطع نامه ۵۹۸ اعلام داشته است، شنیدیم» (۵).

وی در ادامه سخنان خود تمایل به صلح عادلانه و شرافت مندانه طبق

ص: ۱۵۳

۱- ۵۸۶. مأخذ ۴۷، پرفسور رضانی، استاد علوم بین المللی و دولتی دانشگاه ویرجینیای امریکا.

۲- ۵۸۷. مأخذ ۲۱، ص ۲۹، بحرین، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۸۸. مأخذ ۴۷ ص ۳۴، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۸۹. مأخذ ۲۱، ص ۱۹، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۵۹۰. مأخذ ۱۱۵، ص ۱۰، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

اصولی که در سخنان صدام حسین به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب ۱۷ ژوئیه آمده بود را مورد تأکید قرار داد. (۱) این موضع گیری با تأکید بر پیشنهاد صدام برای تحقق صلح به جای قطع نامه ۵۹۸، نخستین نشانه آشکار و احتیاط آمیز در مخالفت عراق با برقراری آتش بس بود (۲).

پس از آن که معاون وقت خاورمیانه ای وزارت خارجه ایران عقب نشینی نیروهای ایران را به مرزهای شناخته شده بین المللی اعلام کرد، یک سخن گوی نظامی عراق در سخنان تهدید آمیزی گفت:

«بخش هایی از خاک ما همچنان در دست ایران است که باید آنها را تخلیه کند، و آلا ایران را با تحمل تلفات بسیار به این کار وادار خواهیم کرد» (۳).

در همین حال، رادیو عراق تا ۲۴ ساعت پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران، همچنان بر برتری نظامی عراق، و شکست و ضعف ایران و شرایط عراق برای پایان جنگ تأکید می کرد (۴).

عراقی ها ضمن حفظ روحیه جنگی و تأکید بر هوشیاری نظامی، هدف صلح جویانه ایران را در پذیرش قطع نامه مورد تردید قرار می دادند. «عصمت کتانی»، نماینده عراق در سازمان ملل پس از دیدار با دبیر کل وقت، در گفت و گو با خبرنگاران گفت:

«آن چه که واقعا اهمیت دارد، برقراری آتش بس نیست! بلکه آن است که بدانیم آیا ایران مانند عراق واقعا آماده است، یک صلح فراگیر، پایدار و شرافت مندانه را بپذیرد یا خیر؟» (۵).

در همین چارچوب طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق نیز گفت:

«احتمال می رود، تصمیم اخیر ایران یک تصمیم تاکتیکی باشد که به منظور کسب وقت و فریب دادن برای آماده شدن جهت تجاوز بیش تر باشد.»

وی در ادامه تأکید کرد:

«منطق حکم می کند که جنگ را هنوز برقرار بدانیم» (۶).

ص: ۱۵۴

۱- ۵۹۱. پیشین.

۲- ۵۹۲. مأخذ ۲۱، ص ۲۷، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۹۳. مأخذ ۲۱، ص ۲۷، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۹۴. مأخذ ۱۰۵، ص ۷، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۵۹۵. مأخذ ۱۰۵، ص ۱۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶-۵۹۶. مأخذ ۱۰۵، ص ۸، بغداد، خیرگزاری عراق، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

این موضع گیری ها به روشنی مقاصد احتمالی عراق را برای تهاجم به داخل خاک ایران آشکار می ساخت.

در شرایطی که امیدواری بسیار زیادی برای پایان جنگ به وجود آمده بود، عراق با ایجاد تردید در مقاصد صلح جویانه ایران، به منظور زمینه سازی و کسب آمادگی برای اقدام نظامی علیه این کشور، نگرانی های جدیدی را به وجود آورد. روزنامه گاردین چاپ لندن این اقدام عراق را تلاشی آشکار برای به تعویق انداختن آتش بس دانست و افزود:

«دیپلمات ها معتقدند، این امر باعث «تداوم نامحدود جنگ» خواهد شد» (۱).

برخی از نشریات امریکا نیز در سر مقاله های خود با بررسی اوضاع منطقه پیشنهاد کردند هدف اول طراحان سیاست خارجی امریکا باید این باشد که عراق را به پذیرش ابتکار سازمان ملل وادار کنند. (۲) مقام های رسمی امریکا در اظهارات خود تلویحا عراق را در صورت ادامه این روند، تهدید کردند. یک مقام امریکایی در گفت و گو با روزنامه کویتی «القبس» گفت:

«طرفی که تلاش کند در اجرای قطع نامه ۵۹۸ کارشکنی نماید، خود را درگیر مشکلاتی با امریکا خواهد دید و به وسیله جامعه بین المللی زیر فشار قرار خواهد گرفت» (۳).

حتی سفیر وقت امریکا در سازمان ملل عراق را به تحریم تسلیحاتی تهدید کرد و گفت:

«تحریم اسلحه علیه هر کشوری که از تصمیمات شورا سرپیچی کند، اعمال خواهد شد. البته، اگر عراق نیز سرپیچی کند، تحریم اسلحه مطرح خواهد شد» (۴).

عراقی ها با پیش بینی و مشاهده نشانه هایی مبنی بر اعمال فشار (۵) بر این

ص: ۱۵۵

۱- ۵۹۷. مأخذ ۳۸، ص ۴۲، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۹۸. پیشین، ص ۳۷، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۹۹. روزنامه کیهان، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، مصاحبه ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۰۰. مأخذ ۳۸، ص ۱۵، رادیو امریکا، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۰۱. در این مرحله، فشار امریکا بر کشورهای اروپایی و عربستان سعودی برای متقاعد کردن عراق جهت خاتمه جنگ به نحوی آشکار افزایش یافت و در رسانه های خبری نیز منتشر شد.

کشور برای پذیرش آتش بس، ضمن کسب آمادگی نظامی، بر دامنه اقدامات دیپلماتیک خود افزودند. به گزارش روزنامه کویتی «الانباء» یک فرستاده ویژه دولت عراق مأموریت یافت تا در سفر به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که از موافقت رسمی ایران با قطع نامه ۵۹۸ به گرمی استقبال کرده و خواهان برقراری فوری آتش بس و امنیت در منطقه بودند، سیاست جدید عراق مبنی بر لزوم ادامه عملیات نظامی علیه ایران را به تأیید این کشورها برساند. (۱) طارق عزیز نیز در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل، پنج پیشنهاد را در مورد قطع نامه ۵۹۸ به عنوان گام های عملی، به ایران و دبیرکل ارائه کرد. در بند یک این نامه به مذاکره مستقیم میان نمایندگان صلاحیت دار عراق و ایران زیر نظر دبیرکل اشاره شده و در بند دو نیز با توجه به اهمیت مسئله اروندرود پیشنهاد شده بود که جهت فراهم کردن امکان کشتی رانی برای سازمان های متخصص در سازمان ملل این منطقه پاکسازی شود. در بند سه این نامه، تضمین حقوق کامل عراق برای کشتی رانی در آب راه اروندرود، خلیج فارس و تنگه هرمز درخواست شده بود. تأکید بر این مفهوم در واقع، بازگشت به قبل از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود که پیش از این، عراق به صورت یک جانبه آن را ملغی کرده بود. در پایان نامه نیز اظهار امیدواری شده بود که ایران به این پیشنهادها پاسخ مثبت داده و دبیرکل در برداشتن گام های لازم برای اجرای آن، ابتکار عمل را به دست گیرد. (۲) این پیشنهادها همان گونه که از مفاد آن روشن بود نوعی مقابله با قطع نامه ۵۹۸ و اقدامات دبیرکل در اجرای این قطع نامه به شمار می رفت (۳).

در همین روند، سخن گوی وزارت خارجه عراق اعلام کرد، خودداری ایران از مذاکره مستقیم به معنای رد قطع نامه شورای امنیت است. دیگر مقام های عراقی نیز در اظهارات خود بر این موضوع تأکید کردند. همچنین در پی تصمیم دبیرکل برای اعزام یک تیم نظامی به بغداد و تهران، عصمت کتانی،

ص: ۱۵۶

۱- ۶۰۲. مأخذ ۱۱۵، ص ۲۸، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۰۳. مأخذ ۴۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۰۴. مأخذ ۳۸، ص ۷، رادیو لندن، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

نماینده عراق در سازمان ملل مخالفت خود را اعلام کرد و گفت:

«تاریخی که باید توپ ها را ساکت کند، یک تصمیم سیاسی است که به وسیله وزرای خارجه گرفته می شود.... دولت متبوعش بررسی می کند، آیا این تیم را بپذیرد یا نه!» (۱).

در مقابل، نماینده دائمی وقت ایران در سازمان ملل با تحویل نامه وزیر خارجه به دبیرکل آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای پذیرش تیم اعزامی سازمان ملل اعلام کرد. (۲) برخی از دیپلمات ها در نیویورک با مقایسه واکنش ایران و عراق در برابر پیشنهاد دبیرکل برای اعزام تیم نظامی به دو کشور، برخورد عراق را «توسل به نیرنگ» خواندند. (۳) خبرگزاری آلمان غربی نیز با بیان این مطلب که عراق در موقعیت نامطلوب «اجبار به رد کردن آتش بس» قرار داد، درخواست این کشور را برای مذاکره مستقیم صلح با ایران، به شرط قدیمی اسرائیل برای صلح با اعراب تشبیه کرد. (۴) تشدید تحرکات دیپلماتیک دو کشور و تلاش های فریب کارانه عراق برای جلوگیری از برقراری آتش بس باعث شد تا این مفهوم تداعی شود که «جنگ صلح» آغاز شده است (۵).

در این حال، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد، از وزیران امور خارجه دو کشور خواسته است، به نیویورک سفر کنند تا در مورد اجرای قطع نامه ۵۹۸ بحث شود. وی در پاسخ به این پرسش که «آیا مذاکرات مستقیم انجام خواهد شد؟» گفت:

«من مذاکرات را با طرفین انجام خواهم داد و هیئت نظامی در هفته آینده به منطقه اعزام خواهد شد» (۶).

در حالی که دبیرکل سازمان ملل به تلاش های خود برای اجرای قطع نامه همچنان ادامه می داد، هیچ امیدواری برای مقابله با مانع تراشی های عراق و اقدامات احتمالی نظامی این کشور وجود نداشت. عراق با درک این مسئله، به

ص: ۱۵۷

۱- ۶۰۵. مأخذ ۴۷، ص ۳۲، خبرگزاری یونایتدپرس، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۰۶. پیشین، ص ۵۱، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۰۷. پیشین، ص ۳۳، خبرگزاری آلمان، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۰۸. پیشین، صص ۳۴ و ۳۵، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۰۹. پیشین، ص ۵۱، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۱۰. پیشین، ص ۵۲، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

بهبانہ جویی های سیاسی و تبلیغاتی پرداخت تا زمینه را برای آغاز تهاجم مجدد به خاک ایران فراهم کند.

تجاوز مجدد عراق و پاسخ جمهوری اسلامی

تجاوز به مناطق جنوب، میانی و غرب

برگزاری جلسه مشترک شورای فرماندهی انقلاب عراق به ریاست صدام در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۷، (۱) نشان داد که دولت عراق تصمیم گرفته است دست به یک اقدام نسبتاً مهم بزند که نشانه های آن با آغاز پیش روی نیروهای ارتش عراق به خاک ایران و صدور اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۶۹ آشکار شد. ارتش عراق در این اطلاعیه هدف از این عملیات را که عملیات «توکلنا علی الله ۴» نام گذاری شده بود، آزاد کردن باقی مانده سرزمین های عراق، انهدام نیروهای ایران و به اسارت درآوردن تعداد بیش تری از نیروهای ایرانی برای ایجاد برابری با تعداد اسرای عراقی اعلام کرد (۲).

بدین ترتیب، از سحرگاه روز جمعه ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و تنها سه روز پس از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ و در شرایطی که وزیر خارجه وقت ایران در حال مذاکره با دبیرکل سازمان ملل بود (۳)، نیروهای دشمن از دو محور «کوشک» و «شلمچه» به داخل خاک ایران پیش روی کردند. دشمن در محور شلمچه، کانال شهید ادب را تصرف کرد و در محور کوشک با تصرف جاده «المهدی» به حاشیه جاده اهواز - خرمشهر رسید. بنا به گزارش های موجود، عراق حدود ۳۰ کیلومتر از جاده ۱۲۵ کیلومتری اهواز - خرمشهر را از کیلومتر ۶۰ اهواز به سمت خرمشهر به تصرف خود درآورد و با استفاده از نیروهای کماندویی و زرهی تلاش زیادی به عمل آورد تا از محور شلمچه و محور جاده اهواز - خرمشهر شهر خرمشهر را محاصره کند. (۴) در این میان، حجم حملات هوایی دشمن نیز افزایش یافت. در پایان این روز، نیروهای دشمن با پشت سر

ص: ۱۵۸

۱- ۶۱۱. پیشین، ص ۵، بغداد، خبرگزاری عراق، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۱۲. پیشین، ص ۲، بغداد، خبرگزاری عراق، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۱۳. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۲۹۱.

۴- ۶۱۴. مأخذ ۴۷، ص ۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

گذاشتن جاده اهواز - خرمشهر حدود دو کیلومتر از جاده شهید «شرکت» (۱) را تصرف کرده و در پنج کیلومتری قرارگاه کربلا مستقر شدند.

انتشار خبر پیش روی دشمن به سمت جاده اهواز - خرمشهر یادآور رخدادهای آغاز جنگ بود و بازتاب گسترده ای در میان مردم به ویژه اهالی استان خوزستان داشت. در پی این حادثه، مردم بار دیگر احساس خطر کرده و بسیج شدند. نیروهایی که هشت سال در جبهه ها حضور داشته و بسیاری از آنها بارها زخمی شده بودند، دوباره به جبهه ها آمدند. (۲) استاندار خوزستان در گزارشی اعلام کرد:

«با وجود پیش روی دشمن تا آستانه شهر اهواز، اوضاع در تمام محورهای جنگ با توجه به حضور گسترده مردمی، کاملاً دگرگون شده است و وضع عمومی استان خوب است.... برای رفع تهاجم و پیش گیری از هر نوع حمله علیه شهرهای استان، مردم شهرهای سوسنگرد، اهواز، شوش، اندیمشک، دزفول را سازمان دهی و مسلح کرده ایم تا در صورت تهاجم دشمن، از شهرها محافظت کنند» (۳).

در پی دگرگونی در روحیه و نگرش حاکم بر جامعه درباره تجاوز نیروهای ارتش عراق، سپاه نیز خطوط دفاعی را برای مقابله با پیش روی دشمن تشکیل داد. مجموعه این رخدادهای که تا اندازه ای برای عراق غیر قابل پیش بینی بود، زمینه را برای تغییر اوضاع به سود ایران فراهم کرد. در چنین شرایط دشواری که خرمشهر و اهواز در معرض اشغال قرار داشتند، حاج سید احمد خمینی پیام امام را تلفنی برای فرمانده وقت سپاه این چنین قرائت کرد:

«این نقطه حیاتی کفر و اسلام است. یعنی نقطه شکست یا پیروزی، یا اسلام یا کفر است و باید متر به متر جنگید و هیچی از هیچ کس پذیرفته نیست و این جا

ص: ۱۵۹

۱- ۶۱۵. جاده شهید شرکت، دارخوین را به کیلومتر ۸۰ جاده اهواز - خرمشهر (ایستگاه راه آهن حسینیه) متصل می کند از آن جا که در هفت کیلومتری امتداد جاده شهید شرکت، قرارگاه کربلا قرار داشت، دشمن با این پیش روی در فاصله پنج کیلومتری این قرارگاه استقرار یافت.

۲- ۶۱۶. آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت، ۲ / ۷ / ۱۳۷۲، روزنامه های همان روز.

۳- ۶۱۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۳، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

نقطه ای است که یا موجب می شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور و یا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده ای بشود» (۱).

امام در شرایطی دشوار و سرنوشت ساز برای مقابله با استراتژی جدید دشمن، در این پیام، سپاه را مورد خطاب قرار داده. و به یک معنا، سرنوشت حاکمیت اسلام یا کفر را با نتیجه استراتژی جدید دشمن و نیز سرنوشت سپاه را با تلاش های دشمن پیوند داده اند.

پیام امام بلافاصله در میان فرماندهان سپاه، قرارگاه ها و رزمندگان بسیجی و سپاهی منتشر شد و روح مقاومت و حماسه را در آنها احیا کرد. چنان که به تعبیر جانشین فرماندهی کل قوا، بوی نشاط و جهاد در همه جا به مشام می رسید. (۲) از بعد از ظهر روز جمعه، با شکل گیری محورهای مقاومت و ظهور رشادت و حماسه رزمندگان - همانند نخستین روزهای مقاومت در برابر دشمن در سال ۱۳۵۹ - به تدریج خسارات و تلفات فراوانی بر نیروهای دشمن وارد شد. در ادامه این تلاش ها، بعد از ظهر روز شنبه، پادگان حمید از اشغال نیروهای دشمن خارج گردید. (۳) این رخداد نظامی که موجب تقویت روحیه نیروهای خودی شد، آغاز شکست نیروهای دشمن بود. در چنین شرایطی، سخن گوی نظامی عراق آمار اسرای عملیات «توکلنا علی الله» (تهاجم عراق به خاک ایران پس از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸) را در منطقه جنوب (۴) ۱۷۷۲ تن و در منطقه سپاه دوم ۶۸۶۳ تن و در مجموع ۸۶۳۵ تن ذکر کرد. (۵) البته، این سخن گو پس از پذیرش آتش بس به وسیله کشورش آمار و ارقام جدید و قابل تأملی درباره غنائم (۶) عملیات یاد شده ارائه داد که اگر

ص: ۱۶۰

۱- ۶۱۸. سند شماره ۱۷۱۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفترچه ثبت جنگ، قرارگاه نیروی زمینی سپاه، راوی: برادر حمیدرضا فراهانی، ۱/ ۵ / ۱۳۶۷ تا ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۵۳.

۲- ۶۱۹. روزنامه کیهان، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی.

۳- ۶۲۰. مأخذ ۲۵، ص ۸، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۲۱. مسئولیت پدافند منطقه جنوب از فاو تا چزابه بر عهده سپاه و از منطقه چزابه تا قصر شیرین بر عهده ارتش بود. ارتش عراق پس از حمله به منطقه تحت مسئولیت سپاه، به منطقه تحت مسئولیت ارتش حمله کرد.

۵- ۶۲۲. پیشین، صص ۵ و ۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۲۳. آمار و ارقام جدیدی که عراق پس از آتش بس گزارش داد به این شرح است: ۱۴۱ دستگاه مخابراتی، ۸۶ دستگاه تلفن صحرائی، ۵۸ قبضه کلت، ۴۹ قبضه تفنگ منور، ۳ قبضه تفنگ نارنجک انداز، ۴۹ عدد قمقمه، ۸۰۶ عدد کلاه خود نظامی، ۱۹ فروند موشک زمین به زمین، ۵۹ دستگاه موشک انداز، ۲۷۳ دستگاه تانک، ۸۶۷ قبضه خمپاره انداز، ۲۴۱ دستگاه نفربر زرهی، ۳۴۴ عدد موشک ضد تانک، ۵ دستگاه خودروی پل سازی، ۴۸۵ قبضه موشک انداز سبک، ۴۹ قبضه توپ خودکشی، ۱۹۹ قبضه توپ مختلف، ۳۸۴ سکوی پرتاب موشک استریلا، ۱۰۲۴ قبضه تیربار مختلف، ۲۱۴۵۵ قبضه تفنگ، ۸۵۸ عدد دوربین مختلف، ۲۲۵۴ دستگاه بی سیم، ۴۷۵۵ عدد ماسک، ۵۴۶۹ دست لباس ماسک، ۱۱۶۰ دستگاه خودروی مختلف، ۶۸ دستگاه تریلر کمرشکن های مختلف، ۱۵ دستگاه ژنراتور برق مختلف، ۷۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی، ۱۰

دستگاه ماشین آلات کشاورزی، ۱۵ دستگاه موتور سیکلت، ۱۲ دستگاه ماشین تایپ، ۱۱۵ عدد قطب نما، ۳۰۱۳۷ عدد موشک ضد تانک، ۵۷۲ عدد موشک استریلا، ۴۶۴۶۲ عدد گلوله توپ مختلف، ۱۰۴۷۱۲ عدد گلوله خمپاره انداز مختلف، ۱۰۵۳۷۹ عدد نارنجک ضد تانک، ۳۹۸۸۹ عدد نارنجک دستی، ۸۶۸۹ عدد گلوله موشک انداز، ۷۹۶۳۵۶ عدد گلوله ضد هوایی.

درست باشند به روشنی نشان می دهد، دشمن در تأمین اهداف خود که انهدام نیروهای خودی و گرفتن اسیر بود، با شکست مواجه شد. عراقی ها برای تقویت روحیه نیروهای خود و بیان این که آنها در تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران پیروز بوده اند، آمار اسرای ایرانی را اعلام کردند.

عملیات دشمن در جبهه میانی و غرب کشور شامل قصر شیرین، سرپل ذهاب، گیلان غرب و سردشت بیش تر به منظور کاهش تمرکز نیروهای خودی در جبهه های جنوبی صورت گرفت. این عملیات ها در ابتدا با موفقیت هایی همراه بود، ولی به تدریج در اثر مقاومت نیروهای خودی و احتمال گرفتار شدن نیروهای محاصره شده دشمن، زمزمه هایی مبنی بر عقب نشینی عراق از مناطق یاد شده - همانند روزهای نخستین جنگ - به گوش رسید.

در پی ناکامی نیروهای نظامی عراق در جبهه ها و همچنین، تحولات ایجاد شده در داخل ایران و فراخوانی و بسیج نیروها و بازیابی مجدد روحیه مقاومت مردم ایران، دولت عراق تنها ۲۴ ساعت پس از آغاز عملیات توکلنا علی الله ۴ در ساعت ۲۲:۲۵ روز شنبه، از طریق تلویزیون دولتی با قطع برنامه های عادی عقب نشینی نیروهای مسلح خود را از منطقه جنوب رسماً اعلام کرد. (۱) در این میان، سخن گوی نظامی عراق تأکید کرد، نیروهای عراق به منظور دست یابی به صلح و بنا به دستور فرماندهی، عقب نشینی کرده اند! (۲) وزیر فرهنگ و اطلاعات وقت عراق نیز اقدام ایران در فراخوانی و بسیج نیروهای

ص: ۱۶۱

۱- ۶۲۴. پیشین، ص ۹، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۲۵. پیشین، ص ۲، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

داوطلب را بهانه ای برای سرپوش گذاشتن بر حوادث و رخداد‌های پیشین جنگ ذکر کرد (۱).

از سوی دیگر، ارتش عراق در ۳ مرداد ۱۳۶۷ طی اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۷۳ عقب نشینی از جبهه میانی و غرب کشور را اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«در این عملیات، شهرهای قصر شیرین، سرپل ذهاب، گیلان غرب، سومار و صالح آباد، شهرک های گولان، سرنی و امیرآباد اشغال شد که پس از دست یابی به اهداف خود، فردا روز سه شنبه ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی مصادف با ۱۲ ذی الحجه ۱۴۰۸ هجری [قمری] تمام نیروهای ما از این شهرها و شهرک ها خارج خواهند شد» (۲).

عصمت کتانی، نماینده وقت عراق در سازمان ملل نیز در مصاحبه ای با تلویزیون «سی.بی.اس» آمریکا اعلام کرد که: روز سه شنبه کلیه نیروهای عراقی خاک ایران را ترک خواهند کرد. (۳) عراقی ها پیش از این گفته بودند، به دلایل صرفا تاکتیکی تنها برای ۲۴ ساعت تا ۳۶ ساعت در آن سوی مرز (در خاک ایران) مستقر خواهند شد. (۴) حال آن که ارتش عراق برخلاف آن چه اعلام کرده بود، پنج روز بعد، آن هم به دلیل شکست و انهدام نیروهایش، مجبور به عقب نشینی از خاک ایران شد به گونه ای که تنها در منطقه جنوب، ۱۸ تیپ زرهی و مکانیزه که قدرت اصلی نیروهای عراق را تشکیل می دادند، منهدم شدند (۵).

ارتش متجاوز عراق در شرایطی دست به عقب نشینی زد که اوضاع در سطح بین المللی و در صحنه نظامی به زیان این کشور تغییر کرده بود. افزون بر این، تغییر وضعیت درونی ایران و فراخوانی نیروهای مردمی برای رویارویی با تجاوز عراق موجب نگرانی این کشور شده بود، چنان که روزنامه «الجمهوریه» در تحلیلی نوشت:

ص: ۱۶۲

۱- ۶۲۶. پیشین، ص ۳، رادیو صوت الجماهیر، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۲۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۹، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۵، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۲۷، ص ۲۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، عبدالامیر لائیری، سفیر عراق.

۵- ۶۳۰. روزنامه السفیر، ۲۹ / ۸ / ۱۹۸۹ میلادی (۷ / ۶ / ۱۳۶۸ خورشیدی)، احمد زبیدی، سرهنگ سابق ارتش عراق، سفارت جمهوری اسلامی، بیروت.

«ایران با اعلام بسیج عمومی و دعوت مردم جهت اعزام به جبهه‌ها، به بهانه این که عراق بار دیگر تجاوز را آغاز کرده می‌خواهد احساسات ملی‌گرایانه مردم را به هیجان درآورد و روحیه از دست رفته آنان را دوباره زنده نماید» (۱).

تجاوز مجدد عراق به خاک ایران و سپس، عقب‌نشینی به مواضع اولیه، در رسانه‌های خبری جهان بازتاب گسترده‌ای داشت. خبرگزاری فرانسه اقدام عراق را در راستای تشدید فشار نظامی به ایران، برای کسب برتری و برخورداری از موقعیت بهتر به هنگام مذاکره صلح خواند. (۲) برخی از دیپلمات‌ها در بغداد نیز معتقد بودند، عراق قصد دارد از قدرت تازه نظامی خود برای دست یافتن به، صلح آن‌گونه که خود می‌خواهد استفاده کند (۳).

خبرگزاری آلمان به نقل از مطبوعات این کشور گزارش داد که بغداد می‌کوشد، همان‌گونه که جنگ را آغاز کرد، صلح را نیز مطابق شرایط مورد نظر خود به ایران دیکته کند. روزنامه آلمانی «روندشاو» در این باره نوشت:

«صدام فکر می‌کند، هم‌اکنون قادر به دست یافتن به هر چیزی است» (۴).

خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از ناظران سیاسی گزارش داد:

«عراق معتقد است، از طریق اعمال فشار نظامی، ایران را ناگزیر به پذیرش قطع‌نامه مذکور کرده است، لذا با خواستار شدن مذاکرات مستقیم، به‌گونه‌ای مشهود می‌خواهد پا را فراتر از قطع‌نامه مذکور بگذارد» (۵).

همچنین هفته‌نامه انگلیسی «اکونومیست» طی تحلیل نوشت:

«صدام ممکن است خیال کند، اگر به نبرد ادامه دهد، حکومت آیت‌الله‌ها را به کلی ساقط خواهد کرد» (۶).

بازتاب و تأثیرات اقدام عراق در پذیرش آتش‌بس نیز مورد توجه رسانه‌های خبری جهان و تحلیل‌گران قرار گرفت. «گراهام فولر» از کارشناسان برجسته سازمان سیا با تأکید بر نیروی اراده و ایمان ایرانی‌ها می‌نویسد:

«اراده ایران قابل توجه بود و با توجه به کمبودها نیز نحوه پی‌گیری جنگ از

ص: ۱۶۳

۱- ۶۳۱. مأخذ ۱۷۹، ص ۵، بغداد، خبرگزاری عراق، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۳۲. مأخذ ۱۷۹، ص ۷، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۳۳. مأخذ ۱۵۸، ص ۵، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۳۴. مأخذ ۱۳۷، ص ۱۲، هامبورگ، خبرگزاری آلمان، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۳۵. مأخذ ۲۵، صص ۲۸ و ۲۹، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۳۶. پیشین، ص ۱۵، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

سوی ایران بسیار چشم گیر بوده است» (۱).

تجاوز مجدد عراق به خاک ایران اراده و ایمان مردم ایران را بار دیگر زنده کرد و در صحنه جنگ موجب ناکامی دوباره عراق شد. در این حال، رادیو لندن در گزارش خبری خود گفت:

«در ایران بار دیگر حالتی شبیه به پاییز ۱۹۸۰ میلادی، زمان نخستین حمله عراق به خاک ایران زنده شد و دولت ایران می کوشد از این موضع هر چه بیش تر برای استحکام بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند» (۲).

در گزارش دیگری تأکید شده است:

«موج تازه هجوم های عراق، ماشین جنگی ایران را توان تازه ای بخشیده است، یکی از ناظران جنگ در مؤسسه بین المللی تحقیقات لندن معتقد بود اشغال خاک ایران به وسیله عراق از این نظر اشتباه است که مثل آغاز جنگ در سال ۱۹۸۸ میلادی احساسات مذهبی و ملی ایران را تحریک خواهد کرد» (۳).

خرسندی و امیدواری نسبتاً گسترده کشورهای مختلف جهان از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ و پایان جنگ، تا اندازه ای عراق را برای اعلام موافقت با برقراری آتش بس تحت فشار قرار داد. در این خصوص سخن گوی وزارت خارجه انگلیس رسماً اعلام کرد:

«ما بدون شک از طرز رفتار عراق پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران نگرانیم» (۴).

زیرا این اقدامات عملاً باعث اخلال در تلاش های دبیرکل سازمان جهت اجرای آتش بس بود (۵).

بر همین اساس نشریه تایمز مالی نیز به عراق هشدار داد:

«لازم است به پرزیدنت صدام حسین گفته شود، حمایتی از امریکا، شوروی و فرانسه دریافت کرده است، به مثابه یک چک سفید نیست. قطع نامه ۵۹۸ به این منظور تنظیم شده است که هیچ کس در جنگ خلیج فارس برنده یا بازنده

ص: ۱۶۴

۱- ۶۳۷. مأخذ ۱۸۰، ص ۲۲، رادیو امریکا، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷، روزنامه واشنگتن پست.

۲- ۶۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش ویژه»، نشریه شماره ۱۳۱، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۳۹. مأخذ ۲۵، ص ۱۱، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۴۰. پیشین.

۵- ۶۴۱. پیشین.

رادیو لندن در گزارشی به نقل از دیپلمات ها در سازمان ملل گفت:

«این احساس پیش آمد، که شاید فشار بین المللی ضرورت داشته باشد تا «صدام حسین» را به همکاری بیش تر وادارد. دوستان عرب صدام به خصوص عربستان سعودی و کویت و نیز دو ابرقدرت و کشورهای اروپایی [باید] او را متقاعد کنند که اکنون موقعیت گران بهتر از آن است که به خطر انداختن امکان صلح روا باشد» (۲).

تجاوز مشترک ارتش عراق و نیروهای منافقین به غرب

اعضای سازمان مجاهدین خلق که به دلیل مواضع اعتقادی - سیاسی خود، به منافقین مشهور شدند.

در حالی که آخرین تانک های دشمن در ۳ مرداد ۱۳۶۷ در حال عقب نشینی از منطقه جنوب بودند. (۳) و سخن گوی نظامی عراق نیز رسماً اعلام کرد که نیروهای عراق از دو شهر گیلان غرب و صالح آباد عقب نشینی کرده اند (۴)، نیروهای منافقین بر اساس یک برنامه زمان بندی شده ۳۳ ساعته، قصد داشتند، با بهره گیری از ۲۵ تیپ که در مجموع چهار تا پنج هزار نفر را در بر می گرفتند، در پنج مرحله، خود را به تهران رسانند (۵) و نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کنند!

یک سخن گوی نظامی سازمان منافقین در مورد اهداف سازمان اعلام کرد: «استراتژی مجاهدین وارد آوردن هر چه بیش تر تلفات به نیروهای ایران و باز کردن راه برای یک انقلاب عمومی ضد [امام] خمینی است!» (۶).

منافقین بر این باور بودند که ایران در شرایط استیصال مطلق، به پذیرش قطع نامه تن در داده است و این روندی است که به فروپاشی و سرنگونی کامل نظام جمهوری اسلامی سرعت می بخشد. (۷) مسعود رجوی فرمانده سازمان منافقین نیز در اعلامیه ای اعلام کرد:

ص: ۱۶۵

۱- ۶۴۲. مأخذ ۴۷، ص ۱۶، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایمز مالی.

۲- ۶۴۳. مأخذ ۴۷، رادیو لندن، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۴۴. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، راهنمای عملیات ۸ سال جنگ، آبان ۱۳۶۹، ص ۶۱.

۴- ۶۴۵. مأخذ ۱۸۰، ص ۴، خبرگزاری عراق، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۴۶. روزنامه رسالت، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات سردار شبانی، فرمانده سپاه چهارم بعثت از سپاه پاسداران.

۶- ۶۴۷. مأخذ ۱۷۱، دلی تلگراف، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۷- ۶۴۸. مأخذ ۲۱، ص ۴۴، رادیو امریکا، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

«نباید اجازه داد، رژیم ایران فرصت دیگری برای دفع الوقت بیابد و از امضای قرارداد صلح طرفه رود» (۱).

پیش از این، منافقین در تحلیل درون گروهی خود امکان موافقت ایران با قطع نامه را غیر ممکن دانسته و به صراحت اعلام می کردند، تنها در صورتی جمهوری اسلامی قطع نامه را خواهد پذیرفت که به لحاظ سیاسی - نظامی و اقتصادی به بن بست کامل برسد. به عقیده آنان، این اقدام به منزله فروپاشی نظام خواهد بود و با سرنگونی قطعی حکومت ایران، زمینه برای انتقال قدرت به سازمان آنان فراهم خواهد شد. (۲) روند حوادث نظامی این باور را در منافقین تقویت کرده بود که نیروهای نظامی ایران بر اثر حملات عراق متلاشی شده اند و رخدادهای نظامی و اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ آسیب پذیری داخلی را افزایش داده است و در صورت یک ضربه نظامی، رژیم ایران فروخواهد ریخت. بر پایه این تصور، از چند ماه قبل، خروج منافقین از داخل کشور برای سازمان دهی در بیرون، شتاب بیش تری به خود گرفت. در این مرحله (طی مردادماه و پاییز ۱۳۶۶) نیروهای سازمان منافقین به عراق منتقل شدند، در همان حال به تشکیلات درون زندان ها اطلاع داده شد که به زودی نظام جمهوری اسلامی سرنگون خواهد شد بنابراین، از آمادگی برای پیوستن به سازمان و کمک به آزادسازی شهرها برخوردار باشند! (۳).

منافقین در طرح خود برای رسیدن به تهران قصد داشتند طی پنج مرحله، از شهرهای سرپل ذهاب، اسلام آباد، همدان، قزوین، عبور کرده و خود را به تهران برسانند. طبق اطلاعات به دست آمده رجوی فرماندهی کل عملیات را بر عهده داشت و از طریق مسئولان محورها عملیات را هدایت می کرد. در طرح عملیات منافقین، برای هر محور به تناسب اهمیت ماموریت، دو یا چند تیپ در نظر گرفته شده بود. فرماندهان محورها و ماموریت آنها به شرح زیر بود:

ص: ۱۶۶

۱- ۶۴۹. مأخذ ۲۱، ص ۴۴، رادیو امریکا، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۵۰. دفتر سیاسی حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بولتن «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۶، ۲۹ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۶.

۳- ۶۵۱. پیشین، ص ۲۲.

۱- مهدی براتی، فرمانده محور اول و مسئول تسخیر اسلام آباد؛

۲- ابراهیم ذاکری، فرمانده محور دوم و مسئول تسخیر باختران؛

۳- محمود مهدوی، فرمانده محور سوم و مسئول تسخیر همدان؛

۴- مهدی افتخاری، فرمانده محور چهارم و مسئول تسخیر قزوین؛

۵- محمد عطایی با معاونت مهدی ابریشم چی، فرمانده محور پنجم و مسئول تسخیر تهران (۱).

همچنین در این عملیات عراق ۱۲۰ دستگاه تانک، ۴۰۰ دستگاه نفربر، ۹۰ قبضه خمپاره انداز ۸۰ میلی متری، ۳۰ قبضه توپ ۱۲۲ میلی متری، ۱۵۰ قبضه خمپاره ۴۰۰ میلی متری، هزار قبضه تیربار کلاشینکف، ۳۰ قبضه توپ ۱۰۶ میلی متری، و ۱۰۰۰ دستگاه کامیون و خودرو در اختیار منافقین قرار داده بود (۲).

بدین ترتیب، روز دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۶۷ در ساعت ۱۴:۳۰ پس از اجرای آتش سنگین و بی سابقه توپخانه ارتش عراق در محور سرپل ذهاب نیروهای منافقین در ساعت ۱۵:۳۰ با عبور از خط، حمله خود را آغاز کردند (۳).

عملیات منافقین با حملات کامل ارتش عراق همراه بود؛ به موازات پیش روی نیروهای منافقین به سمت شهر «کرد» نیروهای عراقی نیز ضمن اجرای آتش پشتیبانی، از جنوب گردنه «پاطاق» از نزدیکی سرپل ذهاب پیش روی کردند. سرانجام، در ساعت ۱۸:۳۰ نخستین تانک های عراقی با آرم منافقین وارد شهر کردند شدند (۴) و با پیش روی به سمت اسلام آباد، در حدود ساعت ۲۱:۲۰ آن شهر را به تصرف درآوردند. (۵) پس از آن که ایران اعلام کرد، شهر کرد به اشغال نیروهای عراقی درآمده است خبرگزاری عراق در واکنش به این خبر گزارش داد:

«همان طور که در مفاد اطلاعیه نظامی ۳۲۷۳ آمده است، نیروهای عراقی به طور دقیق همچنان در غرب تنگه پاطاق و در شرق شهر سرپل ذهاب و در

ص: ۱۶۷

۱- ۶۵۲. پیشین.

۲- ۶۵۳. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات برادر علی شمخانی، معاونت اطلاعات و عملیات فرماندهی کل قوا.

۳- ۶۵۴. مأخذ ۱۹۸.

۴- ۶۵۵. مأخذ ۲۰۲ ص ۱۷.

۵- ۶۵۶. مأخذ ۱۹۸.

شرق گیلان غرب مستقر هستند» (۱).

پس از انتشار نخستین اطلاعیه نظامی عراق و تأیید تصرف شهرهای کرد و اسلام آباد، رادیو منافقین خطاب به مردم باختران اعلام کرد نیروهای سازمان در حال پیش روی به سمت شهر کرمانشاه هستند و از مردم این شهر خواست، به نیروهای آنان بپیوندند (۲).

بلافاصله پس از تصرف شهرها کرد و اسلام آباد، مردم این دو شهر و روستاهای اطراف شب هنگام همان روز و سحرگاه روز بعد (سه شنبه) به سمت شهر کرمانشاه حرکت کردند. در همان حال، شهر کرمانشاه نیز به حالت نیمه تعطیل در آمد و تنها چند نانوايي و فروشگاه مواد غذایی در شهر مشغول فعالیت بودند. همچنین به دلیل کمبود بنزین در شهر صف های طولی در برابر جایگاه های فروش بنزین تشکیل شده بود (۳).

پس از ورود نیروهای منافقین به کرد و اسلام آباد، درگیری تا چند ساعت در شهر ادامه داشت و شماری از نیروهای مردمی و سپاه با منافقین درگیر بودند، ولی تلاش آنان به دلیل عدم آمادگی، بی ثمر بود. منافقین بلافاصله پس از ورود به اسلام آباد جریان برق و خطوط مخابراتی شهر را قطع کردند. نیروهای منافقین پس از تصرف اسلام آباد، تا منطقه حسن آباد در ۲۰ کیلومتری این شهر پیش روی کردند و برای تجدید سازمان، در همان جا مستقر شدند (۴). بعدها، یکی از نیروهای منافقین که به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی در آمده بود، در مورد این توقف گفت: چون منافقین مطمئن بودند، خط دفاعی ایران را در تنگه «چهارزبر» شکسته و می توانند به کرمانشاه دست یابند، لذا تمام امکانات خود را به صورت یک فنر جمع شده در پشت این تنگه آماده نگه داشتند تا به محض باز شدن راه در مدت ۳۰ دقیقه شهر کرمانشاه را تصرف کنند (۵).

نیروهای خودی بلافاصله پس از آگاهی از پیش روی منافقین، در منطقه

ص: ۱۶۸

۱- ۶۵۷. مأخذ ۱۸۰، ص ۳، خبرگزاری عراق، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۵۸. پیشین، ص ۲۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۵۹. پیشین، ص ۱۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۶۰. مأخذ ۲۰۲، ص ۱۷.

۵- ۶۶۱. مأخذ ۱۷۱، صص ۱۳ و ۱۴، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

حسن آباد در فاصله ۲۰۰ متری نیروهای منافقین روی «ارتفاعات چهارزبر» خط پدافندی تشکیل داده و با نیروهای دشمن که تعدادشان به ۲۰۰۰ تن می رسید - که با هدف هجوم یک باره و سریع به شهر باختران، بدون هیچ گونه امکانات پدافندی در پایین ارتفاعات و پشت تنگه چهارزبر مستقر شده بودند - درگیر شدند. این تجمع بدون پدافند منافقین باعث شد که بسیاری از آنان هلاک شده و بخش وسیعی از تجهیزات شان نیز منهدم شود. همچنین، از بعد از ظهر همان روز، سه راه اسلام آباد - ملاوی با هدف جلوگیری از فرار منافقین مسدود شد (۱).

در بامداد ۵ خرداد ۱۳۶۷، در پی پیش روی نیروهای منافقین بار دیگر درگیری آغاز شد، و در اثر سماجت نیروهای دشمن، سه دستگاه از خودروهای منافقین به مواضع نیروهای خودی نفوذ کردند، ولی پس از تحمل تلفاتی به عقب رانده شدند (۲).

هم زمان با پیش روی نیروهای منافقین در عمق خاک ایران، برای جلوگیری از عملیات هوایی هواپیماها و هلی کوپترهای جمهوری اسلامی علیه آنان، هواپیماهای عراقی، پایگاه های شکاری نوژه همدان، وحدتی دزفول و همچنین پادگان تیپ ۲ سقر و پایگاه هوانیروز در کرمانشاه را بمباران کردند (۳).

در حالی که درگیری در منطقه حسن آباد و ارتفاعات چهارزبر همچنان ادامه داشت، در پی انتشار اطلاعات منافقین مبنی بر قصد ورود به باختران و همچنین ورود مردم شهرهای کرند و اسلام آباد به این شهر، شایعات آن قدر گسترش یافت که نخستین گروه از شهروندان کرمانشاهی، این شهر را به سمت همدان ترک کردند. چنان که، تا نیمه شب روز سه شنبه، بیش از ۹۰ درصد از جمعیت ۹۰۰ هزار نفری باختران از این شهر خارج شده و به سوی «بیستون»، «صحنه»، «هرسین»، «سنقر»، «گلبانی» و همدان و حتی

ص: ۱۶۹

۱- ۶۶۲. پیشین، مأخذ ۲۰۲، ص ۱۷.

۲- ۶۶۳. پیشین.

۳- ۶۶۴. مأخذ ۱۸۰، ص ۷ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

برخی به سمت تهران حرکت کردند. حرکت سیل آسای مردم اعم از پیاده و سواره، ترافیک بسیار سنگینی در بلوار شهید بهشتی کرمانشاه و جاده همدان به وجود آورده بود و مردم نگران و مضطرب با شتاب، از شهر خارج می شدند (۱).

عملیات مرصاد

برخلاف آن چه که در افکار عمومی، عملیات منافقین و مجموعه تحولات در پی آن به نام عملیات مرصاد نامیده می شود، منافقین عملیات خود را «فروغ جاویدان» نامیدند و بعدها مجموعه تلاش نیروهای سپاه، بسیج و هوانیروز برای مقابله با دشمن و آزاد سازی شهرهای اسلام آباد و کرد، «مرصاد» نام گرفت.

پس از مقاومت نیروهای اندک سپاه و بسیج (در حد یک گردان) در دشت حسن آباد، و زمین گیر شدن نیروهای دشمن در پشت ارتفاعات چهارزبر، به تدریج فرماندهی و نیروهای خودی برای آزاد سازی مناطق تصرف شده و انهدام نیروهای منافقین، در منطقه متمرکز شدند. روز پنجشنبه، ۶ مرداد ۱۳۶۷ عملیات «مرصاد» با رمز یا «علی بن ابی طالب علیه السلام»، آغاز شد. (۲) در این عملیات، سه گردان از تیپ نبی اکرم صلی الله علیه و سلم، تیپ مسلم و یک گردان از ایلام از پشت به اسلام آباد حمله کردند. منافقین تصور می کردند، همانند روزهای قبل نیروهای عراقی همچنان در این مناطق حضور دارند، حال آن که عراقی ها عقب نشینی کرده و منطقه در دست نیروهای ایرانی بود. به همین دلیل، نیروهای خودی توانستند به راحتی از این محور وارد اسلام آباد شوند. پیش از این نیروهای یکی از گردان ها که اهالی اسلام آباد بوده و به تمام راه های شهر آشنایی داشتند، با نفوذ به داخل شهر با دشمن درگیر شدند و سازمان دهی منافقین را در داخل شهر برهم زدند. (۳) منافقین برای ترمیم ضربات وارده، دو تیپ از نیروهای خود را از محور حسن آباد فراخواندند تا با پیش روی نیروهای خودی مقابله کنند. همچنین، در این عملیات نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم از سه راهی غرب اسلام آباد و از پشت پمپ بنزین دشمن را

ص: ۱۷۰

۱- ۶۶۵. مأخذ ۱۹۰، صص ۴۹ و ۵۰، باختران، خیرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۶۶. مأخذ ۲۰۲ ص ۱۸.

۳- ۶۶۷. مأخذ ۱۹۸.

دور زده و تلفات زیادی بر آنها وارد ساختند. در اثر پیش روی نیروهای خودی، در ساعت ۲ بعد از ظهر، اسلام آباد از اختیار نیروهای منافقین خارج شد. در این حال خلبانان نیروی هوایی با ۱۲۳ سورتی پرواز، مواضع منافقین را در هم کوبیدند. خلبانان هوانیروز نیز با اجرای آتش پر حجم بر روی دشمن، زمینه فروپاشی مواضع منافقین را فراهم ساختند.

بلافاصله پس از آزاد سازی شهر اسلام آباد، یگان های سپاه پیش روی را به سمت کردند آغاز کردند. قبل از رسیدن نیروهای خودی به این شهر در ساعت سه نیمه شب، ۳ فروند هلی کوپتر ترابری در کردند به زمین نشستند و تعدادی از کادرهای منافقین و رهبری سازمان (۱) را از شهر خارج کردند. این واقعه نشانه آشکاری از شکست منافقین بود، چنان که پس از مدتی با پیش روی نیروهای خودی به سمت کردند و انهدام تانک های زره پوش برزیلی منافقین، دشمن هر آن چه داشت پس از ۴۸ ساعت بر زمین نهاده و متواری شد.

در این عملیات، ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تن از نیروهای منافقین به هلاکت رسیدند و حدود هزار تن زخمی شدند و میان کشته شدگان و اسرا تعدادی از کادرهای سازمان و فرماندهان تپ ها دیده می شدند. (۲) یکی از نیروهای منافقین که در این عملیات به اسارت درآمده بود، در اعترافات خود حرکت منافقین را در منطقه اسلام آباد، متناسب با ذهنیت های غلط قبلی و باعث از دست رفتن توان نظامی و به قول خودشان، اعتبار سیاسی آنها دانست. این حرکت منافقین، آن چنان آنها را آسیب پذیر کرد که حتی باعث اوج گیری اختلافات شدید درونی میان رهبری و باقی مانده اعضای سازمان شد. (۳) بدین ترتیب، منافقین پس از تحمل یک شکست استراتژیک در پشت تنگه «پاطاق» روز جمعه ۷ مرداد ۱۳۶۷ رسماً اعلام کردند که از شهرهای اسلام آباد و کرند عقب نشینی کرده اند! (۴).

ص: ۱۷۱

۱- ۶۶۸. برابر اطلاعات موجود رهبر منافقین و همسرش طی مدت اشغال، در شهر کردند به سر می بردند.

۲- ۶۶۹. مأخذ ۲۰۲، ص ۱۸.

۳- ۶۷۰. مأخذ ۱۹۸.

۴- ۶۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۲، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۲، بغداد، آسوشیتدپرس، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

اقدام مشترک عراق و منافقین در پیش روی به عمق خاک ایران بازتاب گسترده ای یافت و حساسیت های زیادی را برانگیخت، زیرا این تحرکات پس از موافقت ایران با قطع نامه شورای امنیت در حالی انجام گرفت که اراده بین المللی بر پایان جنگ مصمم شده بود، ولی اقدام عراق و منافقین عملاً به معنای ادامه جنگ بود.

«هاروی موریس» از روزنامه «ایندپندنت» طی تحلیلی در مورد اهداف و استراتژی منافقین نوشت:

«استراتژی فعلی مجاهدین و عراق ظاهراً ایجاد یک منطقه آزاد شده در دست مجاهدین است تا از این طریق، سازمان مخالف رژیم ایران، نقشی در توافق نهایی صلح داشته باشد» (۱).

یک نشریه دیگر نیز، اقدام منافقین را، به دلیل نگرانی آنها از سرنوشت خود در صورت موافقت عراق با آتش بس دانست (۲).

پشتیبانی عراق از منافقین و پیوستگی آنها در انجام این عملیات مخالف جمهوری اسلامی مورد بحث محافل خبری قرار گرفت آن چنان که خبرگزاری رویتر در این باره به نقل از یک دیپلمات گزارش داد:

«تحلیل گران معتقدند، این عملیات نمی توانسته بدون پشتیبانی قوی ارتش عراق به ویژه بدون پوشش آتش توپخانه صورت گرفته باشد» (۳).

خبرنگار رادیو لندن نیز در این باره گفت:

«کمتر کسی معتقد است که مجاهدین به تنهایی دارای تجهیزات زرهی، افراد کافی یا حتی نیروی آتش باری باشند که بتوانند بدون پشتیبانی یک ارتش منظم تا این اندازه در داخل خاک ایران مقاومت نشان بدهند» (۴).

روزنامه لوموند حدود یک ماه پیش از عملیات مشترک عراق و منافقین

ص: ۱۷۲

۱- ۶۷۲. مأخذ ۱۹۰، صص ۳۶ و ۳۷، رادیو لندن، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۷۳. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه ۱۳۳۸،

۲۶ / ۵ / ۱۳۶۷، کریستین ساینس مانیفور، اول اوت ۱۹۹۸ (۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷).

۳- ۶۷۴. مأخذ ۲۲۲، ص ۳، خبرگزاری رویتر، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۷۵. مأخذ ۲۲۲، ص ۶، رادیو لندن، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

تصریح کرده بود که «ارتش آزادی بخش ملی ایران» به عنوان جزیی لاینفک از آرایش نظامی ارتش عراق است و هر گونه فعالیت نظامی آن بدون اجازه فرماندهی عالی عراق غیر قابل تصور است. (۱) در همین راستا، خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات‌ها اعلام کرد، با توجه به گفت و گوهای صلح که در مقر سازمان ملل در نیویورک ادامه دارد، دیپلمات‌ها گمان می‌کنند که بغداد از ارتش آزادی بخش ملی برای حفظ فشار نظامی بر تهران استفاده می‌کند (۲).

در این حال، تأثیر و پی آمدهای استقرار منافقین در داخل عراق و همکاری آنها با ارتش عراق برای حمله به خاک ایران مورد توجه تحلیل گران قرار گرفت. رادیو لندن در تحلیلی گفت:

«حمله مجاهدین به هر منظوری که انجام گرفته باشد، در ظاهر تأثیر مطلوبی در داخل ایران نداشته است.»

در این تفسیر همچنین تأکید شده است:

«درباره مقاصد عراق برای حمایت از مجاهدین و حملات آنها به داخل ایران، نظریه های مختلفی وجود دارد که قدرت نمایی در مقابل مجاهدان عراقی طرف دار ایران و نیز ایجاد پایگاهی برای نیروهای مسعود رجوی در داخل ایران از آن جمله است. به عقیده ناظران، اگر رسیدن به اهداف بالا در نظر بوده توفیقی حاصل نشده است زیرا شمار زیادی از مجاهدین در این نبردها کشته شده اند» (۳).

مفسر نشریه گاردین چاپ لندن نیز نوشت:

«طرف داران رجوی قادر نیستند احساس واقعی مردم ایران را درک کنند و نمی دانند که ایرانیان با هر گونه افراطی گری من جمله از نوع منافقین، بیزارند بزرگترین اشتباه رجوی این بوده است که تشکیلاتش را کاملاً به دامان صدام انداخته و اکثر منتقدان رجوی می گویند، این کار خودکشی سیاسی است.»

«دیویدهرست» در پایان مقاله خود آورده است:

ص: ۱۷۳

۱- ۶۷۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۴، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۷، لوموند، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۷۷. مأخذ ۲۲۲، خبرگزاری رویتر، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۷۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۵، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷.

«با این اقدام، روحیه مردم ایران مجددا زنده شد و به جای این که باعث از هم پاشیدگی درونی ایران شود، به تحکیم آن کمک کرد» (۱).

تایمز مالی نیز نوشت:

«مجاهدین در داخل ایران از حمایت گسترده ای برخوردار نیستند» (۲).

برتری ایران در صحنه نظامی که موجب عقیم ماندن طرح مشترک عراق و منافقین شده بود، موضع سیاسی این کشور را که در حال مذاکره با دبیرکل سازمان ملل بود تقویت کرد. بر پایه همین ملاحظه کلی، فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) در خطبه های نماز جمعه تهران گفت:

«اگر عراق به تجاوزات خود ادامه دهد، شاهد پاسخ ما در میدان جنگ خواهد بود» (۳).

امریکایی ها که از تحرکات عراق و منافقین علیه ایران ناخشنود بودند، همراه با اعضای دائمی دیگر شورای امنیت و عربستان سعودی، عراق را تحت فشار قرار داده (۴) و از کشورهای عربی نیز خواستند، به عراق در خصوص پیش روی غیر قابل اداره منافقین هشدار دهند. (۵) در این حال، «چارلز ردمن»، سخن گوی وزارت خارجه آمریکا در موضع گیری آشکاری گفت:

«ارتش آزادی بخش ملی ایران، مستقر در عراق با پشتیبانی عراق عمل می کند و در پی سرنگون ساختن دولت ایران از طریق زور است.»

وی تأکید کرد:

«امریکا از گروه هایی که در پی سرنگون ساختن دولت ایران از طریق زور هستند حمایت نمی کند» (۶).

تغییر اوضاع به سود ایران

عراق و منافقین علاوه بر این که در چارچوب سیاست های منطقه ای شوروی عمل می کردند، از لحاظ نظری و گرایش های فکری نیز متأثر از مبانی فکری

ص: ۱۷۴

۱- ۶۷۹. مأخذ ۲۲۲، رادیو لندن، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۸۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۰، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷، تایمز مالی، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۸۱. مأخذ ۲۲۲، صص ۱۲ و ۱۳، تهران، بغداد، خبرگزاری آلمان، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷، به نقل از دیپلمات های غربی.

۵-۶۸۳. مأخذ ۲۲۲، ص ۸، رادیو امریکا، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست.

۶-۶۸۴. مأخذ ۱۷۱، صص ۴۰ و ۴۱، واشنگتن پست، خیرگزاری فرانسه، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

روس ها بودند. با توجه به نگرش سوسیالیستی روس ها نسبت به ریشه بحران های اجتماعی که معتقد بودند، ناکامی نظامی در ایجاد شورش، قیام و انقلاب مؤثر است، عراق و منافقین نیز می پنداشتند که ناکامی های نظامی ایران می تواند به بحران داخلی اعم از بی انضباطی اجتماعی و یا بحران «مشروعیت» منجر شود و فرصت مناسبی را برای بهره برداری در اختیار آنها قرار دهد. تجربه روسیه پس از شکست از ژاپن در ۱۹۰۵ میلادی و طرح تفکرات سوسیالیستی در سال ۱۹۱۷ میلادی که در میان جنگ اول به پیروزی کمونیست ها منجر شد، حاوی همین تجربه بود. بعدها، «استالین» در نامه ای به «پیشه وری» در توجیه علت عقب نشینی نیروهای شوروی از آذربایجان ایران، از آن به عنوان تاکتیک های «لنین» یاد کرد. استالین در این نامه آورده است:

«ایران درگیر یک جنگ با یک دشمن خارجی نیست که یک ناکامی نظامی بتواند محافل انقلابی ایران را تضعیف کند. نتیجه آن که، در ایران وضعیتی وجود ندارد که بتواند با تاکتیک های لنین در ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ میلادی تطابق داشته باشد» (۱).

آن چه عراق و منافقین را ناکام گذاشت و محاسبات آنها را درهم ریخت در واقع، در نقطه کانونی آن چه که آنها به سود خود، ارزیابی می کردند به وقوع پیوست؛ پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ و ادامه حملات عراق و منافقین، روند تحولات داخلی و سپس، اوضاع نظامی را به سود ایران و به زیان عراق و منافقین دست خوش تغییر کرد. به تدریج فشار بین المللی بر عراق افزایش یافت، به گونه ای که تمام ناظران و تحلیل گران به اقدامات عراق و منافقین با دیده تردید می نگریستند.

تلاش نیروهای عراقی در آستانه اشغال مجدد خرمشهر، پیام امام به سپاه و واکنش مردم نسبت به این رخدادها که حضور در صحنه های جنگ را

ص: ۱۷۵

۱- ۶۸۵. ناتالیا یکوروا، بحران آذربایجان از دیدگاه اسناد نویافته شوروی، مجله گفت و گو، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۲۸، نامه استالین به جعفر پیشه وری.

در پی داشت، وضعیتی همانند روزهای آغاز جنگ به وجود آورد. چنان که آقای هاشمی در ترسیم وضعیت داخلی کشور و روحیه نیروهای داوطلب گفت:

«بوی نشاط و جهاد در همه جا به مشام می رسد» (۱).

مهندس موسوی، نخست وزیر وقت نیز در هیئت دولت گفت:

«جبهه ها امروز فضای غیرقابل وصفی دارد. حماسه آفرینی و دفاع و مقاومت [شما] است که برای دشمن شکست و نابودی را در پی خواهد داشت» (۲).

در این مرحله، در پی فرمان حضرت امام مبنی بر حضور هر چه بیش تر در جبهه ها، ۱۳۰ هزار بسیجی، عازم جبهه های جنگ شدند. (۳) استقبال مردم به قدری گسترده بود که پذیرایی و سازمان دهی نیروهای داوطلب برای مسئولان بسیاری از پادگان های نظامی مشکل آفرین شده بود. به گفته یکی از فرماندهان، در یک پادگان نظامی در محور میانی که حداکثر، گنجایش ۱۰ هزار نیرو را داشت، ۱۶ هزار تن در آن جای گرفته بودند و قرار بود، ۴ هزار تن دیگر به آنان افزوده شوند. کمبود امکانات باعث شد، برخی از نیروها در فضای باز، شب را به صبح برسانند. (۴) به همین دلیل، معاونت نیروی انسانی ستاد فرماندهی کل قوا با درخواست از نیروهای داوطلب برای خودداری از عزیمت انفرادی و مراجعه به مراکز رسمی، تأکید کرد که داوطلبان با توجه به ظرفیت نیروهای رزمی و پشتیبانی یگان ها، در اولویت اعزام نیروهای رزمی ثبت نام کنند. (۵) در این مرحله بسیاری از نیروهایی که تنها در آغاز جنگ عازم جبهه های نبرد شده و یا بنا به دلایلی تاکنون در صحنه جنگ حضور نیافته بودند، به علت وضعیت سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ، برای اعزام و حضور در جبهه ها ثبت نام می کردند. (۶) در این حال، حضور رئیس جمهوری وقت و رئیس شورای عالی دفاع، آیت الله خامنه ای، در جبهه های نبرد جهت تبیین تحولات جنگ برای رزمندگان و بررسی مشکلات آنان، نقش مؤثری داشت.

ص: ۱۷۶

۱- ۶۸۶. مأخذ ۱۷۳.

۲- ۶۸۷. مأخذ ۱۷۳.

۳- ۶۸۸. روزنامه کیهان، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات مسئول بسیج.

۴- ۶۸۹. مأخذ ۱۷۱، ص ۱۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۹۰. روزنامه کیهان، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۹۱. سردار غلامعلی رشید، مصاحبه اختصاصی، آبان ۱۳۶۷.

نادیده انگاشتن خواسته های بر حق جمهوری اسلامی ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و دریافت غرامت از آن موجب تداوم جنگ شده بود و تبلیغات گسترده و هم آهنگ مخالفان جمهوری اسلامی، مشروعیت مقاومت و پایداری مردم ایران را در معرض شک و تردید برخی از جهانیان قرار داده بود، ولی واکنش اخیر عراق و منافقین صلح طلبی دروغین صدام و حقانیت مقاومت ایران را برای دنیا آشکار کرد. آیت الله خامنه ای طی سخن رانی خود در اهواز در این باره فرمودند:

«ما از روز اول می گفتیم، عراق جنگ افروز است. بعضی ها این را قبول می کردند و بعضی ها نمی خواستند قبول کنند. اما امروز حرف ما ثابت شده است» (۱).

فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) نیز در این زمینه گفت:

«تا به حال مظلومانه دفاع می کردیم، اما متهم بودیم که جنگ طلبیم و صلح را نمی خواهیم، هیچ کس توجهی نمی کرد که ملت ما می گوید، تا پیروزی می جنگیم، یعنی تا پیروزی در گرفتن حقمان و نه در گرفتن زمین دیگران. ما الآن مواضع صلح طلب و صاحب حق را داریم و در دنیا صدام، متجاوز، ناحق و انعطاف ناپذیر است» (۲).

رسانه های خارجی و تحلیل گران غربی نیز تغییر اوضاع داخلی و افکار عمومی در ایران را مورد تأکید قرار دادند. رادیو لندن در این باره گفت:

«تهاجم تازه عراق پس از پذیرش آتش بس از سوی ایران، موضع دولت اسلامی را در برابر افکار عمومی تقویت کرده است. در ایران اکنون بار دیگر حالتی شبیه به پاییز ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، زمان نخستین حمله عراق به خاک ایران، زنده شده است. (۳) ... موج تازه هجوم های عراق ماشین جنگی ایران را توان تازه ای بخشیده است. (۴) و فعالیت های بسیج مردم را برای جنگ احیا کرده است» (۵).

«هانس های تو کوبیتس» تحلیل گرانستیتوی بین المللی مطالعات استراتژیک لندن با تغییر روند تبلیغات در رسانه های غربی تأکید کرد:

ص: ۱۷۷

۱- ۶۹۲. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۹۳. مأخذ ۱۷۳.

۳- ۶۹۴. مأخذ ۱۹۰، ص ۴۰، رادیو لندن، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۹۵. پیشین، صص ۳۷ و ۳۸.

۵- ۶۹۶. پیشین، ص ۴۴.

«ایرانیان در مطبوعات غربی پیروزی تبلیغاتی قابل ملاحظه ای به دست آورده اند... و مطبوعات غربی بر ضد عراق چرخش کرده اند» (۱).

بعدها، یکی از نظامیان ارتش عراق طی تحلیلی در روزنامه «السفیر» در مورد نتایج استراتژیک عراق نوشت:

«هنگامی که نیروهای ایرانی با آتش بس موافقت کردند، رهبری عراق ابتکار عمل را در دست داشت و در یک «اشتباه استراتژیک» بزرگ افتاد و شدیداً به ایران حمله کرد. به خصوص در منطقه خوزستان، به نزدیکی های اهواز که رسید، ناگهان تغییری در ایران مشاهده شد و ایرانی که از کمبود نیروهای داوطلب رنج می برد، ناگهان حرکت خروشان ملی را دید که شور و شوقی را در محافل مردمی ایران ایجاد کرد» (۲).

در حالی که ایران بر اثر وضعیتش در صحنه نظامی و پذیرش قطع نامه ۵۹۸ با پرسش ها و دشواری های بسیار پیچیده ای روبه رو بود، اقدام مشترک عراق و منافقین در حمله به خاک ایران، پی آمدهایی را به همراه داشت که وضعیت داخلی ایران و سپس صحنه نظامی را تحت تأثیر قرار داد، بر انسجام درونی ایران افزود، ماهیت تجاوزکارانه دولت عراق و ضرورت مقاومت ایران در برابر این کشور را در دوران جنگ آشکار ساخت، زمینه تحمیل قطع نامه ۵۹۸ را به رژیم عراق که برای پذیرش آن پیش شرطهایی گذاشته بود، فراهم کرد و همچنین مقدمه ای برای برقراری آتش بس به وسیله سازمان ملل در مرزها شد. این وضعیت باعث گردید تا ایران بر مواضع سیاسی خود در قبال مذاکرات صلح تأکید کند، مبنی بر این که پیش از برقراری آتش بس نیز، هیچ شرط یا شرطی را که عراق همچنان بر آنها تأکید می کرد، نمی پذیرد و پس از برقراری آتش بس هیچ مذاکره ای بر سر مرزهای شناخته شده بین المللی با عراق، انجام نخواهد داد (۳).

ص: ۱۷۸

۱- ۶۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۹، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۹۸. روزنامه السفیر، ۲۹ / ۸ / ۱۹۸۹، احمد زبیدی، سرهنگ سابق ارتش عراق، ارسالی از سوی سفارت جمهوری اسلامی در بیروت.

۳- ۶۹۹. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، سخنان آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور.

بی‌اعتمادی نسبت به خط مشی و روش و رفتار عراق به ویژه در واکنش آن کشور پس از موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ و نیز تلاش برای پایان دادن به وضعیتی که اساساً بر پذیرش قطع نامه ۵۹۸ مؤثر بود. موجب شد، جمهوری اسلامی ایران بر اتمام سریع جنگ و اقدام سازمان ملل در اعلان زمان برقراری آتش بس اصرار ورزد. در مقابل، عراقی‌ها که مترصد نهایت بهره‌برداری از شرایط جدید برای تقویت مواضع سیاسی خود و تحمیل آن بر ایران بودند، بلافاصله با ایجاد ابهام در صداقت جمهوری اسلامی ایران و تأکید بر مذاکره مستقیم پیش از برقراری آتش بس، تمهیدات لازم را برای تجاوز نظامی فراهم ساختند. (۱) و تنها ۳۶ ساعت پس از آن که ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت، مجدداً همانند روزهای نخست جنگ، به عمق خاک ایران تجاوز کردند. (۲) در واقع، دو راه حل (دیپلماتیک و نظامی) برای پایان جنگ وجود داشت؛ راه حل دیپلماتیک با مسئولیت سازمان ملل میسر می‌شد که لازمه آن، تلاش دبیرکل سازمان ملل برای فراخوانی وزیران خارجه دو کشور و اعزام هیئت‌های متخصص سازمان ملل برای به اجرا گذاشتن آتش بس و چگونگی نظارت بر آن بود. (۳) عراق بر خلاف ایران، تمایلی به راه حل دیپلماتیک نداشت، لذا راه حل نظامی را برگزید تا علاوه بر تحمیل شرایط خود بر ایران، ابتکار عمل را در صحنه دیپلماتیک نیز از دست سازمان ملل خارج کرده، و در اختیار خود بگیرد. اقدام عراق با آن که عمیقاً موجب ناخرسندی بود، اما غیر از فشار

ص: ۱۷۹

۱- ۷۰۰. «تیم لوئین»، خبرنگار رادیو لندن در مورد ماهیت و اهداف عراق در گزارشی گفت: «عراق می‌خواهد برتری ماشین نظامی خود را به کار گیرد و تلاش می‌کند که ایران را برای مذاکره مستقیم و یک موافقت صلح مناسب هر چه بیش‌تر تحت فشار قرار دهد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۹، رادیو لندن، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷).

۲- ۷۰۱. در صفحات قبل، اقدام نظامی عراق و منافقین توضیح داده شد.

۳- ۷۰۲. مأخذ ۱۷۹، ص ۹، رادیو لندن، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

دیپلماتیک و تبلیغاتی که می توانست علیه عراق اعمال شود، هیچ ساز و کار دیگری برای مقابله با این اقدام پیش بینی نشده بود و وجود نداشت؛ به همین دلیل، سرنوشت جنگ در روزهای پایانی آن به جای روش های دیپلماتیک در صحنه جنگ رقم می خورد. این موضوع، اهمیت مقابله با تهاجم نظامی عراق و نقش تعیین کننده آن بر افزایش تأثیر گذاری فشارهای دیپلماتیک و افکار عمومی را مشخص کرد. امام با هوشمندی و درایت و بر پایه درکی که نسبت به وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی - نظامی جنگ و ضرورت های موجود برای اداره و هدایت روند تحولات تا اخذ نتیجه مطلوب داشتند، در سخنانی، چارچوب و خط مشی تلاش ها و اقدامات سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی را مشخص فرمودند:

«ما در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می کنیم و این، به هیچ وجه تاکتیک نیست، فرزندان انقلابیم! توجه کنید، امروز روز حضور گسترده در جبهه ها است. فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده است. خود را بسیج به سلاح ایمان و جهاد کنید و بر دشمن غدار رحم جایز نیست و این ها تمام حرف هایشان یک فریب است. ما خواستیم به دنیا ثابت کنیم که صدام معتقد به مجامع بین المللی نیست و ما تا قبول قطع نامه از سوی عراق جواب دشمنان را در جبهه ها خواهیم داد» (۱).

در حالی که ابهام و نگرانی زیادی از اقدامات عراق وجود داشت و دبیرکل سازمان ملل تلاش می کرد، با فراخوانی وزیران خارجه ایران و عراق، مذاکرات صلح را آغاز کند، نماینده وقت ایران در سازمان ملل درباره موضع ایران برای پایان دادن به جنگ تصریح کرد:

«ما امروز دیگر اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران آماده است، همین لحظه آتش بس در جنگ را بپذیرد، ولی طی شب گذشته و امروز، عراق به مناطق غیرنظامی و تأسیسات اقتصادی ایران حمله کرده است» (۲).

ص: ۱۸۰

۱- ۷۰۳. مأخذ ۵۰.

۲- ۷۰۴. مأخذ ۳۸، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۱۸ تا ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش خبرنگار بخش صدای امریکا از مقر سازمان ملل در نیویورک.

وزیر خارجه وقت ایران نیز در نامه ای به دبیرکل وقت سازمان ملل نوشت:

«چه تضمینی وجود دارد، رژیمی که در مرحله اولیه برقراری صلح بی اعتنا به تصمیمات مراجع بین المللی و تعهد خود در پذیرش قطع نامه ۵۹۸، کلیه اصول و مقررات بین المللی و حتی قطع نامه پذیرفته شده خود را چنین آشکارا نقض می کند، در مراحل بعدی تعهدات خود را در مورد صلح مجدداً نقض ننماید؟» (۱).

آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران نیز در پیام به ائمه جمعه سراسر کشور با بر شمردن شرایط کشور و ضرورت هوشیاری تأکید فرمودند:

«همان هایی که تا دیروز ریاکارانه از صلح دم می زدند و ما را بر نپذیرفتن قطع نامه ۵۹۸ شمات می کردند، امروز به طمع افتاده اند که ایران اسلامی را به امضای قراردادی خفت بار مجبور کنند» (۲).

در شرایطی که ایران، برگزاری جلسه شورای امنیت را که قرار بود درباره سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرباس ایران تشکیل شود، پی گیری می کرد، واقعه جدیدی، روند فعالیت شورای امنیت و اولویت های ایران را دگرگون کرد. این واقعه، نامه عراق به دبیرکل سازمان ملل درباره قطع نامه ۵۹۸ بود. طارق عزیز در این نامه نوشته بود:

«تا روزی که ما از قصد واقعی ایران اطلاع نیابیم، جنگ ادامه خواهد داشت» (۳).

بدین ترتیب، عراقی ها به موازات تجاوز و پیش روی در عمق خاک ایران، رسماً بر ادامه جنگ تأکید کردند. سفیر وقت جمهوری اسلامی در سازمان ملل با درخواست لغو جلسه شورای امنیت در مورد سقوط هواپیمای ایرباس، در دیدار با دبیرکل رسماً اعلام کرد:

«اگر موضع تهران برای شما روشن نیست، از من توضیح بیش تری بخواهید، اگر روشن است به عراق بگویید که پذیرش صلح از طرف تهران برای شما مبهم نیست» (۴).

ص: ۱۸۱

۱- ۷۰۵. روزنامه کیهان، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۰۶. پیشین.

۳- ۷۰۷. مأخذ ۳۸، صص ۱۸ و ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش خبرنگار بخش فارسی صدای امریکا از مقر سازمان ملل در نیویورک.

۴- ۷۰۸. پیشین.

فشار ایران بر دبیرکل برای اعلام موضع گیری و انتظار این کشور از شورای امنیت که پیش از این در نامه وزیر خارجه وقت ایران به دبیرکل مورد تأکید قرار گرفته بود (۱) باعث شد تا رئیس شورای امنیت بدون این که قطع نامه ای در مورد سقوط هواپیمای ایرباس ایران داشته باشد، در سه شنبه شب (ساعت ۲۰) طی بیانیه ای که برای خبرنگاران قرائت شد، درخواست شورای امنیت را این گونه مطرح کند:

«با توجه به حوادث اخیر به دنبال پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله جمهوری اسلامی ایران، اعضای شورا از دو طرف درگیر مصرانه می خواهند، حداکثر خودداری را از خود نشان دهند تا دبیرکل بتواند قطع نامه ۵۹۸ را به اجرا گذارد» (۲).

شورای امنیت با وجود آگاهی از اقدام عراق و ماهیت آن و در شرایطی که ایران از پی گیری صدور رأی در مورد سرنگونی هواپیمای ایرانی ایرباس صرف نظر کرده بود، تنها به دلیل ابهام نسبت به نتیجه اقدام عراق و نیز فقدان سازوکار مناسب برای مقابله مستقیم با تجاوز عراق به خاک ایران، در بیانیه خود به این عبارت بسنده کرد که: «از دو طرف درگیر درخواست می شود، حداکثر خودداری را نشان دهند». واکنش شورای امنیت به خوبی نشان داد، مسیر تأمین خواسته های ایران و مقابله با تجاوز عراق تنها از جبهه ها می گذرد. و بدین ترتیب امام بر بسیج نیروهای مردمی و فراخوانی آنها برای حضور در جبهه ها و مقابله با دشمن تأکید فرمودند (۳).

در شرایط جدید، جمهوری اسلامی ضمن اعلام موافقت با اعزام تیم سازمان ملل برای سفر به ایران جهت بررسی جزئیات فنی آتش بس، دعوت دبیرکل را برای سفر وزیر خارجه به مقر سازمان ملل در نیویورک پذیرفت. (۴) دبیرکل سازمان ملل نیز در مصاحبه ای اعلام کرد:

«وزرای خارجه با دعوت به نیویورک خواهند آمد تا با هر دو طرف به صورت

ص: ۱۸۲

۱- ۷۰۹. مأخذ ۵۰.

۲- ۷۱۰. مأخذ ۳۸، ص ۱۸ و ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش خبرنگار بخش صدای امریکا در مقر سازمان ملل در نیویورک.

۳- ۷۱۱. مأخذ ۵۰.

۴- ۷۱۲. مأخذ ۲۵، صص ۲۹ و ۳۰، رادیو کلن، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

وی تأکید کرد، هیئتی از کارشناسان سازمان ملل نیز پس از اقامتی چند روزه در تهران، به بغداد خواهند رفت و پس از بازگشت آنها به نیویورک و ارائه گزارش مأموریت، وی خواهد توانست، تاریخ آغاز متارکه جنگ را اعلام کند. (۲) در این حال، دبیرکل سازمان ملل همانند رئیس وقت شورای امنیت - که زمان احتمالی آتش بس را ۱۰ روز بعد اعلام کرده بود (۳) - زمان احتمالی برقراری آتش بس را ۱۰ تا ۱۲ روز دیگر اعلام کرد. (۴) بدین ترتیب، با توجه به سفر هیئت اعزامی سازمان ملل به دو کشور ایران و عراق - به شرط فراهم بودن کلیه مقدمات برای انجام مأموریت - در خوش بینانه ترین وضعیت، دست کم ایران تا دو هفته پس از آغاز تجاوز مجدد عراق، نمی توانست هیچ انتظاری برای برقراری آتش بس داشته باشد.

با سفر آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران به سازمان ملل تلاش ها و اقدامات دیپلماتیک ایران شکل جدیدتری به خود گرفت؛ در حالی که هیچ ساز و کار مشخصی برای مقابله مستقیم با تجاوز عراق - که همچنان در خاک ایران پیش روی می کرد - وجود نداشت و یا اگر موجود بود، بنا به ملاحظاتی به کار گرفته نمی شد، به راحتی می توان دشواری های موجود بر سر راه تلاش های دیپلماتیک ایران در سازمان ملل را ترسیم کرد.

گرچه پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و در اعتراض به نحوه پایان جنگ و ضرورت بررسی علل آن، پرسش ها و ابهاماتی از سوی برخی شخصیت ها، محافل و جریان های داخلی کشور مطرح شد، ولی به دلیل ضرورت برخورداری از انسجام درونی برای گذار از مرحله جدید، امام پاسخ به علل پذیرش قطع نامه را به زمان دیگری واگذار کرد و در دیدار با فرماندهی وقت کل سپاه، مسئولیت مذاکرات صلح را بر عهده وزارت امور خارجه گذاشت و همگان را به سکوت و حمایت از این تصمیم دعوت کرد. بدین ترتیب، در

ص: ۱۸۳

۱- ۷۱۳. مأخذ ۱۸۱، ص ۲۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۱۴. مأخذ ۱۸۱، ص ۲۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۱۵. مأخذ ۱۷۹، صص ۳۰ و ۳۱، نیویورک خبرگزاری فرانسه، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۱۶. مأخذ ۱۸۰، ص ۱۱، واشنگتن، خبرگزاری کویت، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

حالی که موقعیت سیاسی - نظامی ایران عمیقاً در معرض چالش قرار گرفته بود و نیاز به تصمیم‌گیری روشن و قاطع در مذاکرات صلح وجود داشت، سرانجام، با تصمیم‌گیری امام مبنی بر واگذاری اختیارات کامل به وزیر خارجه وقت - که در تلکسی به نقل از مرحوم حاج سید احمد خمینی ارسال شد - عملاً دست وزارت خارجه برای مذاکره باز گذاشته شد. (۱) با این حال، اختلاف نظر در مورد میزان پای بندی به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر موجب شد تا در نخستین دور مذاکرات مربوط به برقراری آتش بس در نیویورک، طی تلکسی از امام در این باره استفسار شود و امام در پاسخ فرمودند که ملاک، قرارداد ۱۹۷۵ میلادی باشد و همین امر مسیر مذاکرات را روشن کرد (۲).

چنان که اشاره شد، حضور وزیر خارجه وقت ایران در سازمان ملل و آغاز نخستین دور مذاکرات با رئیس برزیلی شورای امنیت و ابلاغ تمایل اعضای شورا مبنی بر «تعیین تاریخی برای اعلام آتش بس» (۳) در حالی انجام شد که نیروهای عراق پس از تجاوز مجدد به خاک ایران، همچنان در خاک ایران حضور داشتند و قبل از عقب نشینی نیز، نیروهای منافقین در عملیات مشترک با عراق در منطقه غرب کشور، تجاوز به خاک ایران را آغاز کرده بودند. با وجود قول همکاری رئیس شورا برای برقراری آتش بس و اظهار خشنودی وی نسبت به مواضع ایران، اما، سازمان ملل هیچ سازوکار و یا ابزار قوی و کارآمد برای مقابله با پیش روی منافقین و یا واداشتن عراق به عقب نشینی از خاک ایران و برقراری آتش بس در اختیار نداشت. آن چه که می توانست در آن شرایط سخت و دشوار و سرنوشت ساز کارساز باشد، مقاومت نیروهای خودی و عقیم گذاشتن تلاش های اخیر عراق و منافقین بود.

در حالی که رئیس وقت شورای امنیت در نخستین دور مذاکرات با سفیر عراق در سازمان ملل، به نقل از وی آمادگی عراق برای عقب نشینی را اعلام کرد (۴)، طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه وقت عراق در مصاحبه ای

ص: ۱۸۴

۱- ۷۱۷. مأخذ ۱۶۸، ص ۲۷۶.

۲- ۷۱۸. پیشین، ص ۲۷۶.

۳- ۷۱۹. پیشین.

۴- ۷۲۰. پیشین.

«مذاکره مستقیم» را به عنوان شرط عراق برای دست یابی به هر گونه توافقی در مورد اجرای آتش بس، مورد تأکید قرار داد و گفت:

«اعلام آتش بس کامل، بستگی به توافق طرفین مذاکره کننده به طور مستقیم درباره اجرای مفاد قطع نامه دارد» (۱).

در این مصاحبه، طارق عزیز به این دلیل که ایران در موازات اعلام پای بندی به صلح، دستور بسیج عمومی به جبهه ها را دنبال می کند (۲)، مواضع جمهوری اسلامی را ضد و نقیض خواند. وی بدون اشاره به علت اعلام بسیج عمومی در ایران - که اساسا به دلیل تجاوز و پیش روی ارتش عراق و منافقین در داخل خاک ایران صورت گرفته بود - گفت:

«به دلیل ناشناخته بودن مقاصد ایران، نایستی عجولانه اقدام کنیم» (۳).

وزیر خارجه ایران در نخستین ملاقات خود با دبیرکل سازمان ملل، با توجه به کارشکنی عراق در روند صلح گفت:

«روشن است که اگر آنها در داخل خاک ما باشند، ما با آتش بس موافقت نمی کنیم، مردم ما نمی پذیرند که شهرهای بزرگ آنها در اشغال عراق باشد و آتش بس اعلام کنیم» (۴).

وی سپس در مورد مقاصد عراقی ها گفت:

«آنها می خواهند، وضعیت را به ابتدای جنگ، یعنی ۱۹۸۰ [میلادی] برسانند» (۵).

وی در این دیدار با تأکید بر این موضوع که «اگر فارغ از وضعیت جدید به مذاکره بنشینیم، احتمالا به نتیجه نخواهیم رسید»، از دبیرکل درخواست کرد، جلسه ای خصوصی با وی داشته باشد، که با این درخواست موافقت شد. (۶) دبیرکل در جلسه خصوصی با وزیر خارجه ایران، ضمن گوش فرادادن به سخنان وی در مورد حملات اخیر عراق، در پاسخ گفت:

«قصدم دارم به نحوی، از وضعیت این مسئله باخبر شوم.»

ص: ۱۸۵

۱- ۷۲۱. مأخذ ۱۸۰، صص ۳ و ۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۲۲. پیشین.

۳- ۷۲۳. پیشین.

۴- ۷۲۴. مأخذ ۱۶۸، ص ۲۹۶.

۵- ۷۲۵. پیشین.

۶- ۷۲۶. پیشین.

دبیرکل سپس تلاش کرد با استفاده از اطلاعات ماهواره ای امریکایی ها از صحت اظهارات آقای ولایتی در مورد عراق آگاه شود. (۱) وی سپس در جلسه بعدی اظهار داشت:

«اخباری از ماهواره ها توسط مقامات آمریکا به دست من رسیده است، نظر ایران را تأیید می کند.»

وی در این جلسه با اعلام خبر آغاز فشار اعضای دائمی شورای امنیت بر عراق، گفت:

«عراق نمی تواند فشار افکار عمومی و شورای امنیت را نادیده بگیرد» (۲).

همچنین، در این جلسه، دبیرکل از قول امریکایی ها، تمایل آنها را برای گشودن باب مذاکرات مطرح ساخت که مورد موافقت نماینده ایران قرار نگرفت (۳).

در شرایطی که مذاکرات در سازمان ملل ادامه داشت و هیچ چشم انداز روشنی برای پیش رفت در روند صلح و برقراری آتش بس وجود نداشت، موقعیت ایران در پی تلاش نیروهای سپاه و بسیج در انهدام و عقب راندن نیروهای عراق و منافقین از جبهه های جنوب و غرب، به تدریج بهبود یافت و به موازات تغییر اوضاع در جبهه ها به زیان عراق، در عرصه دیپلماتیک نیز شرایط برای بهبود اوضاع به سود ایران فراهم شد و وزیر خارجه ایران پس از چند روز مذاکره، در مصاحبه ای با روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» در مورد مرزهای دو کشور گفت:

«هیچ مستمسک حقوقی برای نقض قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر وجود ندارد» (۴).

از سوی دیگر، با آشکار شدن نشانه های شکست تلاش های نظامی عراق، نمایندگی دائم این کشور در نیویورک طی بیانیه ای اعلام کرد:

«عقب نشینی نیروهای عراقی آغاز شده است» (۵).

ص: ۱۸۶

۱- ۷۲۷. مأخذ ۱۶۸، ص ۲۹۷.

۲- ۷۲۸. پیشین.

۳- ۷۲۹. پیشین.

۴- ۷۳۰. مأخذ ۱۹۰، ص ۳۸، رادیو امریکا، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۷۳۱. مأخذ ۲۲۲، ص ۲۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

در چهارمین جلسه دبیرکل با هیئت ایرانی که در روز جمعه ۷ مرداد ۱۳۶۷ برگزار شد، دبیرکل با اشاره به سفر تیم کارشناسان نظامی به بغداد که در روز سه شنبه گزارش خود را به وی تسلیم خواهند کرد، طرح اجرایی خود را برای برقراری آتش بس قرائت کرد. در این طرح پیش بینی شده بود، برابر بند ۱ قطع نامه به عنوان نخستین گام، ایران و عراق باید برای برقراری آتش بس، عقب نشینی به مرزهای شناخته شده بین المللی را بپذیرند و در مراحل بعد، با عقب نشینی کامل و اعزام گروه ناظران، همکاری دو کشور با کمیته بین المللی صلیب سرخ آغاز شود. (۱) در این جلسه قرار شد نماینده ایران در جلسه بعدی نظر نهایی خود را درباره طرح ۱۲ بندی دبیرکل اعلام کند (۲).

با وجود ناکامی نظامی، عراق در مواضع سیاسی خود همچنان بر مذاکره مستقیم پافشاری داشت. در این باره، سعدون حمادی، وزیر مشاور در امور خارجه عراق تأکید کرد:

«ما انجام مذاکرات مستقیم را آغاز صحیحی بر اجرای مفاد قطع نامه می دانیم» (۳).

رادیو صوت الجماهیر نیز در تفسیری اعلام کرد:

«آتش بس پیش از انجام مذاکرات مستقیم ممکن است [موجب شود که] جریان مذاکره در نیمه راه و [با اجرای] بخشی از مفاد قطع نامه که در حال حاضر خواست ایران است و به اجرا در [نیامدن] بخشی که خواست ایران نیست، رها شود» (۴).

همین امر سبب شد حتی در برخی از رسانه های خبری پافشاری عراق به مذاکره مستقیم به عنوان بزرگ ترین مانع برای دست یابی به توافق آتش بس مورد تأکید قرار گیرد. (۵) روزنامه «گاردین» در این باره نوشت:

ص: ۱۸۷

۱- ۷۳۲. برای آگاهی بیش تر نگاه کنید به: کتاب «تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران»، نوشته علی اکبر ولایتی، ص ۳۰۴.

۲- ۷۳۳. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۰۶.

۳- ۷۳۴. مأخذ ۱۷۱، ص ۶، رادیو صوت الجماهیر، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۳۵. پیشین.

۵- ۷۳۶. پیشین، ص ۱۹، به نقل از خبرگزاری یوگسلاوی.

«دبیرکل نه تنها در حال حاضر به هدف تحقق آتش بس نزدیک نشده، بلکه از آن فاصله گرفته است» (۱).

نماینده امریکا در سازمان ملل نیز با توجه به شرایط به وجود آمده از عمل کرد عراق، اعلام کرد:

«برقراری آتش بس طی ۱۰ روز آینده خیلی خوش بینانه است» (۲).

در پی بازتاب روند مذاکرات، دبیرکل سازمان ملل طی مصاحبه ای در پاسخ به پرسش خبرنگاران در مورد بن بست مذاکرات گفت:

«برعکس، ما داریم به گونه ای بسیار مثبت کار می کنیم، من بسیار، بسیار خوشنودم، چون فکر می کنم کارها در جریان است و در جهت درست پیش می رود» (۳).

در همین حال، خبرگزاری جمهوری اسلامی از اهواز گزارش داد:

«تدریجا روند تبلیغاتی رادیو عراق که بیش تر در ستایش صدام و «قادسیه» بود، قطع شد و تنها به جز بیانیه های گاه بی گاه نظامی، هیچ تبلیغ یا تحلیلی علیه ایران پخش نمی شود» (۴).

در ادامه مذاکرات ایران با دبیرکل سازمان ملل و پس از اعلام نظر درباره طرح پیشنهادی دبیرکل، ششمین نشست دو طرف در ساعت ۵ بعد از ظهر روز دهم مرداد ۱۳۶۷ تشکیل شد و دبیرکل نظرات خود را در مورد پیشنهادهای ایران بیان کرد. در جلسه ای خصوصی که در همین روز با دبیرکل برگزار شد، وی پیشنهاد کرد که متن مشترکی تهیه و اعلام شود و وزیران خارجه دو کشور نیز با وی ملاقات کنند؛ این پیشنهاد را وزیر خارجه ایران بنا به ملاحظاتی رد کرد. (۵) در مذاکرات خصوصی دبیرکل با آقای ولایتی، وی از ایران خواست، صبر و خویشتن داری نشان داده و در نیویورک بماند. (۶) در این حال، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل (محمد جعفر محلاتی) با رئیس شورای امنیت دیدار و گفت و گو

ص: ۱۸۸

۱- ۷۳۷. مأخذ ۲۲۲، ص ۳۲، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷/۵/۱۳۶۷.

۲- ۷۳۸. مأخذ ۲۳۳، ص ۸، رادیو امریکا، ۸/۵/۱۳۶۷.

۳- ۷۳۹. مأخذ ۱۷۱، ص ۳۱، خبرگزاری رویتر، ۷/۵/۱۳۶۷.

۴- ۷۴۰. مأخذ ۲۳۳، ص ۴، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹/۵/۱۳۶۷.

۵- ۷۴۱. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۱۳.

۶- ۷۴۲. پیشین، ص ۳۲۰.

کرد. رئیس شورا در این دیدار گفت:

«دبیرکل گزارشی به شورا ارائه کرده است و امروز طارق عزیز با دبیرکل صحبت داشته و موضع وی بیش از اندازه مثبت بوده است.»

وی در این ملاقات گوشه ای از گزارش خود به شورا را برای آقای محلاتی خواند. در این گزارش آمده بود:

«من با همه اعضای شورا صحبت کردم. هیچ کس مخالف نبود که روز (۱)، D-Day اعلام شود.»

وی در این گزارش پیشنهاد کرده بود:

«چند روز صبر کنید. ما در حال حاضر با طارق عزیز و کشورهای منطقه مانند عربستان مشورت می کنیم و می خواهیم زمانی که D-Day را اعلام می نمایم، دیگر کسی پشتیبان صدام نباشد» (۲).

در حالی که بسیاری از ناظران بر این باور بودند که اجرای آتش بس بدون موافقت دو طرف درگیر عملیات غیر ممکن است (۳)، دبیرکل در سخنانی اعلام کرد، حتی بدون موافقت دو کشور ایران و عراق، تاریخی برای اجرای آتش بس اعلام خواهد کرد. (۴) محافل دیپلماتیک در سازمان ملل، این موضع گیری را به معنای «فشار بر عراق» دانستند (۵) در این حال، سعدون حمادی در مصاحبه با خبرنگاران، در مورد فشارهای بین المللی به عراق گفت:

«ما معتقدیم، برخی از کشورهای بزرگ در بازی مسابقه کسب نفوذ در داخل ایران به ویژه پس از پایان جنگ یا بعد از [امام] خمینی وارد شده اند... اگر هدف آن باشد که به ایران جایزه ای به زیان عراق داده شود و خسارت ایران در جنگ جبران و این امر به زیان عراق تمام شود، این امر مردود و قابل قبول نیست و در برابر آن مقاومت می کنیم» (۶).

با پیدایش شرایط جدید در صحنه سیاسی - نظامی جنگ، برخی شواهد

ص: ۱۸۹

۱- ۷۴۳. اعلام آتش بس.

۲- ۷۴۴. پیشین.

۳- ۷۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۶، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۴۶. پیشین.

۵- ۷۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۷، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۷۴۸. مأخذ ۲۹۲، صص ۱۹ و ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

آشکارا نشان می داد که عراق آماده پذیرش برقراری آتش بس است. در این راستا، معاون اول نخست وزیر عراق طه یاسین رمضان به دستور صدام به پنج کشور عرب شامل بحرین، عربستان، کویت، یمن شمالی و اردن سفر کرد. (۱) با آن که رمضان در بازگشت از سفر خود اعلام کرد، کشورهای عرب از موضع عراق مبنی بر مذاکره مستقیم حمایت می کنند (۲)، ولی منابع عرب گزارش دادند، کشورهای «شورای همکاری» از صدام خواسته اند تا قبل از هر چیز، آتش بس را بپذیرد. (۳) ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی نیز وزیر امور خارجه خود را به بغداد فرستاد و سفیر عربستان در واشنگتن (بندر بن سلطان) با سفرای پنج کشور عضو دائم و مقام های عراقی دیدار و گفت و گو کرد تا موافقت خود با تضمین آتش بس و حمایت از مذاکرات مستقیم پس از اعلام و برقراری آتش بس را اعلام کند (۴).

روزنامه نیویورک تایمز که بیش تر، مواضع وزارت خارجه امریکا را منعکس می کند در مقاله ای نوشت:

«امریکا به عراق فشار می آورد تا آتش بس را قبول کند.»

در این مقاله تأکید شده است:

«یک مقام وزارت خارجه امریکا گفته این اشتباه است که تصور بشود، امریکا قادر است، عراق را به قبول امری که نمی خواهد وادار سازد.»

در بخش دیگری از همین مقاله آمده است:

«سعودن حمادی، مشاور وزارت خارجه عراق گفته است، علت این که امریکا می خواهد هر چه زودتر جنگ تمام شود، این است که نفوذ خود را بار دیگر در ایران برقرار سازد» (۵).

سرانجام، با تغییر اوضاع به زیان عراق و بر اثر فشارهایی که بر آن وارد می شد، این کشور در ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ طی نامه ای به دبیرکل اعلام کرد، در صورتی که ایران موافقت خود را با مذاکرات مستقیم به صورت آشکار بدون

ص: ۱۹۰

۱- ۷۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۸، ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۳۸، ص ۵، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۵۰. پیشین.

۳- ۷۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۰، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۴۰، ص ۲۱، رادیو لندن، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۵۲. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۲۹.

۵- ۷۵۳. مأخذ ۲۹۸، ص ۱۳، رادیو امریکا، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

ابهام و رسماً اعلام کند، عراق نیز با آتش بس موافقت می کند. (۱) [صدام](#) نیز در سخنانی، رسماً اعلام کرد:

«ما آمادگی خویش را با آتش بس اعلام می کنیم... پس از مشورت با برادران عرب و تشکیل جلسه های متعدد از سوی شورای فرماندهی انقلاب و فرماندهی کشوری، حزب بعث آمادگی خویش را با آتش بس اعلام می نماید» (۲).

دبیرکل سازمان ملل در هشتمین نشست خود با وزیر خارجه وقت ایران در روز شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ پس از قرائت بخشی از سخنان صدام، گفت:

«اگر در قبال پیشنهاد عراق نظر شما مثبت باشد، با طرف عراقی و شورا درباره آتش بس و D-Day صحبت خواهم کرد» (۳).

وزیر خارجه ایران نیز با تأکید بر این موضوع که شروع مذاکرات مستقیم پس از D-Day است و نه مسائل دیگر - که باید در جای خود حل و فصل شوند - قول مساعد داد که روز بعد، به اظهارات حکومت عراق پاسخ دقیق خواهد داد. (۴) سرانجام نهمین جلسه ملاقات با دبیرکل که در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۷ برگزار شد، وزیر خارجه وقت ایران پاسخ جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر قبول برقراری آتش بس اعلام کرد. (۵) پس از این جلسه وزیر خارجه ایران به خبرنگاران گفت:

«ما پیشنهاد دبیرکل سازمان ملل متحد را قبول می کنیم که مذاکرات مستقیم پس از اعلام آتش بس صورت بگیرد» (۶).

قرار شد دبیرکل سازمان ملل در گزارشی به اعضای شورای امنیت، زمان برقراری آتش بس را اعلام کند. در همین روند، در نشستی غیر رسمی با اعضای شورای امنیت، دکویار پیشنهاد کرد، تیم ناظر بر آتش بس که آن را «یونیمگ» (گروه نظامی ناظر سازمان ملل در جنگ ایران و عراق) نامیده بود متشکل از ۳۵۰ تن: یک هیئت پشتیبانی کننده نظامی، یک واحد هوایی و احتمالاً یک واحد کوچک دریایی در مرحله اول، به مدت شش ماه در منطقه

ص: ۱۹۱

۱- ۷۵۴. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۲۹.

۲- ۷۵۵. مأخذ ۲۹۸، ص ۸، رادیو بغداد، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۵۶. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۲۱.

۴- ۷۵۷. پیشین، ص ۳۲۲.

۵- ۷۵۸. پیشین، ص ۳۲۴.

۶- ۷۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۲، ۱۸ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۸، رادیو کلن، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

مستقر شود. (۱) سرانجام، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد، تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۸۷ میلادی (۲۹ مرداد ۱۳۶۷) زمان برقراری آتش بس خواهد بود. (۲) و پس از آن، اقدامات لازم برای اجرای بندهای ۷، ۶، ۴ و ۸ قطع نامه انجام خواهد شد (۳) (۴).

در پی اعلام زمان برقراری آتش بس، آقای هاشمی رفسنجانی، جانشین فرماندهی کل قوا در پیامی اعلام کرد:

«نیروهای مسلح از امروز نباید شروع کننده هیچ گونه حرکت نظامی و مسلحانه باشند، ولی وظیفه دارند، آماده و هوشیار بمانند و هر گونه شرارت دشمن را در هوا، دریا و زمین به طور شایسته جواب دهند» (۵).

در همین حال، سرفرماندهی ارتش عراق نیز بیانیه ای صادر کرد، صدام در جشن و پایکوبی مردم عراق شرکت جست، تلویزیون بغداد با قطع برنامه های عادی خود، خبر زمان برقراری آتش بس را اعلان کرد و سه روز تعطیل عمومی در این کشور اعلام شد. چند روز پس از آن، صدام در جلسه هیئت دولت عراق درباره روند تحولاتی که منجر به پایان جنگ شد و در توجیه علل پذیرش آتش بس، پیش از مذاکره مستقیم، صحبت کرد. وی گفت:

«عراق از لحاظ نظامی پیروز شد و تمامی جهان به انتظار شنیدن تصمیم صلح از بغداد و نه از تهران و شورای امنیت و سازمان ملل بودند. از نظر قانونی، قطع نامه ۵۹۸ مرده بود و آن چیزی که قطع نامه را احیا کرد، ایران بود» (۶).

وی درباره وضعیتی که ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت، گفت:

«اگر در آن روز ایران موافقت خود را با قطع نامه اعلام نمی کرد، حداکثر تا دو ماه پس از آن هر چیزی که شما [عراقی ها] حتی در کاغذ می نوشتید، از سوی ایران مورد قبول واقع می شد. این دو ماه را به عنوان حداکثر مدت محاسبه شده در برنامه ها و توانایی و قدرتی که در اختیار داشتیم، تعیین کرده بودیم» (۷).

سرانجام، در فاصله کمتر از دو هفته از تعیین زمان برقراری آتش بس در

ص: ۱۹۲

۱- ۷۶۰. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۶۱. روزنامه کیهان، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۶۲. برای آگاهی بیش تر از بندهای یاد شده، به متن کامل قطع نامه در پایان همین فصل مراجعه شود.

۴- ۷۶۳. پیشین.

۵- ۷۶۴. مأخذ ۳۰۸.

۶- ۷۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۸، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۴۸، ص ۲، بخش عربی

رادیو بغداد، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۷- ۷۶۶. پیشین.

۲۰ اوت ۱۹۸۷ (۲۹ مرداد ۱۳۶۷) تا اجرای آن، کلیه تلاش های دبیرکل سازمان ملل برای استقرار نیروهای «یونیمگ» در تهران و عراق انجام گرفت و بدین ترتیب، جنگ ایران و عراق پس از گذشت هشت سال از زمان تجاوز عراق به ایران به پایان رسید در حالی که هیچ دست آورد سیاسی یا نظامی برای عراق در بر نداشت و همین امر، زمینه جنگ دیگری (تجاوز عراق به کویت) را در منطقه فراهم ساخت.

پیوست:

متن کامل قطع نامه ۵۹۸

شورای امنیت با تأیید مجدد قطع نامه (۱۹۸۶) ۵۸۲ خود؛ با ابراز نگرانی عمیق از این که علی رغم درخواست هایش برای آتش بس، منازعه بین ایران و عراق به شدت سابق با تلفات شدید انسانی و تخریب مادی ادامه دارد؛ با ابراز تأسف از آغاز و ادامه منازعه، همچنین با ابراز تأسف از بمباران مراکز صرفاً مسکونی غیر نظامی، حملات به کشتی رانی بی طرف با هواپیماهای کشوری، نقض قوانین بین المللی انسان دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه، به ویژه کاربرد سلاح های شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو؛ با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیش تر منازعه، مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد.

معتقد گردید که باید یک راه حل جامع، عادلانه، شرافت مندانه و پایدار بین ایران و عراق به دست آید؛ با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، به ویژه تعهد همه دول عضو به حل اختلافات بین المللی خود از راه های مسالمت آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به مخاطره نیفتد؛ با حکم به این که در منازعه بین ایران و عراق نقض صلح حادث شده است؛ با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد،

ص: ۱۹۳

۱- خواستار آن است که به عنوان قدم اولیه جهت حل و فصل (مناقشه) از راه مذاکره، ایران و عراق یک آتش بس فوری را رعایت کرده، به تمام عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا خاتمه داده و تمام نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

۲- از دبیرکل درخواست می کند که یک تیم ناظر ملل متحد برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیرکل درخواست می نماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.

۳- مصرانه می خواهد اسرای جنگی آزاد شده و پس از قطع مخاصمات فعال کنونی، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹، بدون تأخیر به کشور خود بازگردانده شوند.

۴- از ایران و عراق می خواهد با دبیرکل در اجرای قطع نامه و در تلاش های میانجی گرایانه برای حصول یک راه حل جامع، عادلانه و شرافت مندانه مورد قبول دو طرف در خصوص تمام موضوعات موجود، منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.

۵- از تمام کشورهای دیگر می خواهد که حداکثر خویشتن داری را مبذول دارند و از هر گونه اقدامی که می تواند منجر به تشدید و گسترش بیش تر منازعه گردد، احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قطع نامه را تسهیل نمایند.

۶- از دبیرکل درخواست می نماید که با مشورت با ایران و عراق، مسئله تفویض اختیار به هیئتی بی طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.

۷- ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاش های بازسازی با کمک های مناسب بین المللی پس از خاتمه درگیری تصدیق می گردد و در این خصوص از دبیرکل درخواست می کند که یک هیئت کارشناسان

برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت، تعیین نماید.

۸- همچنین از دبیرکل درخواست می‌کند که با مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، راه‌های افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مذاقه قرار دهد.

۹- از دبیرکل درخواست می‌کند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطع‌نامه مطلع نماید.

۱۰- مصمم است برای بررسی اقدامات بیش‌تر جهت رعایت و اجرای این قطع‌نامه، در صورت ضرورت جلسات دیگری مجدداً تشکیل دهد (۱).

ص: ۱۹۵

۱- ۷۶۷. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۴، صص ۱۴۰ تا ۱۴۲.

پایان جنگ ایران و عراق گذشته از دورنمای مبهم حل اختلافات دو طرف در پشت میز مذاکره، از دو نظر با اهمیت بود؛ نخست، پایان درگیری نظامی هشت ساله در منطقه استراتژیک خلیج فارس و احتمال آغاز دوران ثبات و آرامش در منطقه و دوم، تأثیر پی آمدها و نتایج ناشی از پایان جنگ در ایجاد توازن در منطقه و تعیین رفتارهای احتمالی دو بازیگر منطقه، یعنی ایران و عراق. تمام تحولاتی که پس از پایان جنگ ایران و عراق تا اشغال کویت به دست عراق روی دادند، متأثر از این ملاحظات بودند.

در این فصل، برای توصیف و تحلیل روند تحولات، مباحث، در چهار محور کلی شامل «بازتاب پی آمدهای احتمالی پایان جنگ»، «آغاز مذاکرات بی حاصل تحت نظر دبیرکل سازمان ملل»، «تلاش عراق برای به دست گرفتن ابتکار عمل» (۱) و «اشغال کویت به وسیله عراق و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر»، ارائه شده اند. نظر به این که هدف اصلی در این فصل، تجزیه و تحلیل رخدادهایی است که در فاصله زمانی از برقراری آتش بس تا موافقت مجدد عراق با قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر اتفاق افتاده اند، لذا پی آمدهای اقدام عراق در

ص: ۱۹۶

۱- ۷۶۸. باید توجه داشت که ابتکار عراق در ارسال نامه های صلح طلبانه برای رئیس جمهوری اسلامی ایران به قصد زمینه سازی برای تجاوزی دیگر به همسایه ای دیگر انجام شد.

اشغال کویت و حمله نظامی امریکا به عراق و آزاد سازی کویت مورد بحث و بررسی قرار نگرفته اند.

بازتاب پی آمدهای احتمالی پایان جنگ

اشاره

حوادث و رخدادهای ماه های پایانی جنگ ایران و عراق، گرچه بر شدت و دامنه جنگ افزود، اما اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و در مقابل، ناتوانی نظامی عراق برای دست یابی به پیروزی نظامی و یا ادامه جنگ، شمارش معکوسی برای پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق بود. این مسئله به دلیل آن که سرانجام جنگ میان دو بازیگر منطقه خلیج فارس به پایان می رسید، حائز اهمیت بود و به این دلیل بازتاب نسبتاً گسترده ای در رسانه های خبری داشت و توجه کارشناسان و تحلیل گران امور منطقه و ایران را جلب کرد.

با توجه به این موضوع که تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران منجر به تغییر موازنه حاکم بر منطقه شد، همواره در سال های قبل (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) این هدف به وسیله قدرت های بزرگ و برخی کشورهای منطقه دنبال می شد که علاوه بر مهار و اداره ی تحولات متأثر از این رخداد بزرگ در داخل ایران و منطقه، نظم (سیاسی - نظامی) پیشین نیز به منطقه بازگردانده شود. در راستای همین هدف بود که جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی به عنوان ابزاری برای مهار اثرات انقلاب اسلامی به وسیله مخالفان آن مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین بررسی پی آمدهای پایان چنین جنگی - که ابزار مهار انقلاب اسلامی قلمداد می شد - بسیار پر اهمیت است و آن را می توان در این سه بخش دسته بندی و مورد بررسی قرار داد: الف- ارزیابی دست آوردهای جنگ، ب- فرآیند تحولات و توازن منطقه ای، ج- تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران.

با توجه به ابعاد گسترده بازتاب پایان جنگ، مسائل دیگری وجود دارد که

حائز اهمیت بوده و بررسی آنها لازم است، اما در این فصل تنها رخدادهای و مسائلی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرند که به اشغال کویت و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق منجر شد؛ به همین دلیل است که بررسی بازتاب پیآمدهای جنگ تنها در سه محور یاد شده محدود گردیده است.

ارزیابی دست آوردهای جنگ

ارزیابی دست آوردهای پایان جنگ برای دو کشور ایران و عراق اساساً، نوعی ارزیابی از پیروزی یا شکست دو طرف یا یکی از آنها در جنگ می‌باشد. علاوه بر آن، این موضوع دامنه تحولات پایانی جنگ را نیز در بر گرفته است. چنین نگرش و برخوردی، نوعی مفهوم سازی برای تعیین درس‌های جنگ ایران و عراق و تفهیم آن به عنوان «یک جنگ بی‌معنا و بی‌حاصل» می‌باشد. در این باره، در مرداد ۱۳۶۷ رادیو آمریکا در گفتاری سیاسی با عنوان «نظرات رسمی دولت آمریکا» تأکید کرد:

«پایان گرفتن این جنگ فقط به سبب تحلیل رفتن بنیه دو طرف و یا آگاهی ایران و عراق از عدم امکان دست‌یابی به پیروزی نظامی نیست، بلکه پایان گرفتن این جنگ همچنین بدان سبب است که قطع‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل یک راه حل سیاسی و عادلانه برای برقراری صلح را ممکن ساخته است» (۱).

در این گفتار سیاسی علاوه بر راه حل سیاسی برای پایان جنگ، بر نقش آمریکا نیز تأکید شد.

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز نیز در ارزیابی موقعیت دو طرف جنگ و بررسی ادعا و تبلیغات عراق مبنی بر دست‌یابی به پیروزی نوشت:

«این تفاهم کلی وجود دارد که هر گونه ادعایی که عراق به هنگام پایان پذیرفتن جنگ درباره پیروزی می‌کند، ادعایی بی‌اساس است. پس از هشت سال شکست و پیروزی، پیش‌روی و عقب‌نشینی، اشغال و تخلیه مواضع، اکنون

ص: ۱۹۸

۱- ۷۶۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۴، ۲۰ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۳۶، رادیو آمریکا، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

نیروهای عراقی در جایی قرار گرفته اند که در آستانه جنگ در سپتامبر سال ۱۹۸۰ میلادی (شهریور ۱۳۵۹ خورشیدی) قرار داشته اند، یعنی «مرزهای بین المللی» (۱).

هفته نامه «داناس» چاپ «زاگرب» طی تحلیلی درباره پایان جنگ نوشت:

«در این جا غالب یا مغلوب وجود ندارد و هر دو کشور در همان جایی هستند که هشت سال قبل بودند، هیچ یک از آن دو به هدف هایی که در سال ۱۹۸۰ میلادی تعیین شده بود، نرسیدند. بغداد انقلاب اسلامی را از پای دریاورد، هر چند که ضربه محکمی به آن وارد کرد و جلوی صدور آن را گرفت و از طرف دیگر، تهران نیز نتوانست رژیم بی خدای عراق را سرنگون کند» (۲).

روزنامه لبنانی السفير نیز در خصوص پیروزی عراق و علت تصمیم گیری ایران این چنین تفسیر کرد:

«پیروزی عراق به مثابه شکست عراق در جنگ نمی باشد. چرا که ایران به خاطر عوامل و رویدادهای بین المللی و منطقه ای که انقلاب اسلامی از نظر سیاسی و نظامی با آن روبه رو شد، این تصمیم را اتخاذ کرد» (۳).

روزنامه «کوریره دلا سرا» چاپ ایتالیا نیز ماهیت جنگ را از نظر «مبارزه امام خمینی با غرب» مورد بررسی قرار داد و بدون ذکر دلایل خود نوشت:

«السلام گرای» موجب شکست جنگ شده است» (۴).

آنتونی کردزمن یکی از کارشناسان جنگ در امور ایران و عراق در کنفرانس ویژه ای که «انستیتو تحقیقاتی بین المللی بروکینز» در شهر واشنگتن برگزار شد، گفت:

«جنگ از چند نظر برای هر دو کشور یک شکست محسوب می شود، زیرا هیچ یک به هدف های سیاسی خود نرسیده و به عنوان قدرت مسلط بر منطقه ظهور نکرد. هیچ یک قادر به خروج از نفوذ قدرت های بزرگ نیست و هنوز آینده امنیتی ایران و عراق نامعلوم مانده است و هیچ یک قادر به تضمین امنیت خود با

ص: ۱۹۹

۱- ۷۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳۵، رادیو امریکا، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۰، ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۲۸، به گزارش خبرگزاری تانیوگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۷۲. مأخذ ۱، صص ۱۳ و ۱۴، بیروت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۷۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۱۱ و ۱۲، رم،

روزنامه نیویورک تایمز در مقاله ای تحلیلی، به ارزیابی عراق از «شرایط انقلابی» در ایران و امکان بهره برداری از آن برای تصرف خوزستان و اداره راه آبی بسیار مهم اروندرود و در پیآمد آن، سرنگون شدن حکومت انقلابی ایران و جایگزین شدن صدام به عنوان قدرت منطقه ای، نوشت:

«تجاوز صدام یکی از بزرگ ترین شکست های تاریخ معاصر بود. زیرا این تجاوز، ایرانی ها را پشت سر رژیم اسلامی آیت الله خمینی متحد کرد و منجر به یک جنگ هشت ساله گردید» (۲).

در این تحلیل ها، دست آوردهای جنگ و ارزیابی پیروزی یا شکست، از دیدگاه های گوناگونی مورد بررسی و توجه قرار گرفته است. نظر به این که عراق به عنوان آغازگر جنگ و با هدف های مشخص، از جمله: سرنگونی نظام انقلابی حاکم بر ایران، تصرف و تجزیه خوزستان و لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر به ایران تجاوز کرد، لذا آخرین موقعیت نیروهای عراقی پس از گذشت هشت سال از آغاز جنگ، می تواند یکی از برجسته ترین شاخص ها برای ارزیابی پیروزی یا شکست حکومت عراق در جنگ باشد. بر پایه این ملاحظه، نه تنها عراق نتوانست اهداف خود را تأمین کند، بلکه در طول هشت سال جنگ تنها با پشتیبانی همه جانبه بین المللی و منطقه ای نتوانست به حیات سیاسی، نظامی و اقتصادی خود ادامه دهد و همین مسئله ابعاد وابستگی عراق را به قدرت های بزرگ تعمیق بخشید. در همان حال، اگر چه با وجود تمهیدات قدرت های استکباری و تمام حامیان عراق، جمهوری اسلامی ایران نتوانست به پیروزی نظامی قطعی دست یابد، ولی تنها با حمایت و پشتیبانی مردمی، دفاع هشت ساله را اداره و نظام سیاسی خود را با شاخص های انقلابی - دینی تثبیت کرد.

ص: ۲۰۰

۱- ۷۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۶، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۰، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۵، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۶، واشنگتن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷.

نخستین و مهم ترین پرسش که با پایان جنگ برای ناظران و تحلیل گران و نیز تصمیم گیرندگان منطقه ای و بین المللی مطرح شد، این بود که «ایران و عراقی که از این جنگ سر بر می آورند، چگونه ایران و عراقی خواهند بود؟»

با وجود تلاش دو کشور برای پر کردن خلاء قدرت در منطقه، در طول هشت سال جنگ، این خلاء نسبت به گذشته گسترده تر شده بود. (۱) با پایان گرفتن جنگ، ابهام های زیادی نسبت به توانایی ها و مناسبات دو کشور همچنان خودنمایی می کرد و فرض و گمان های زیادی در این باره وجود داشت. برخی از تحلیل ها بیانگر این معنا بود که ایران به سوی اعتدال گرایش یافته و عراق نیز ملایم تر و عاقل تر شده است. در این حال، تأکید می شد، تنها گذر زمان محک آزمایش برای فرض ها و گمان ها خواهد بود. ولی واقعیت ها حاکی از این بود که دو کشور منافع فوق العاده ای برای ایفای نقش گسترده تر در منطقه دارند (۲).

با توجه به برتری عراق در توان نظامی - به دلیل حمایت های همه جانبه بین المللی - رفتار این کشور به دلیل احساس غرور پیروزی و در عین حال احساس عدم امنیت، قابل پیش بینی نبود (۳) آمار و ارقام مربوط به افزایش توان نظامی عراق نیز قابل ملاحظه بود. کردمن بر این باور بود که عراق، تنها برای نگهداری ماشین جنگی اش سالانه به بیست میلیارد دلار نیاز دارد. (۴) اسرائیلی ها نیز بر این باور بودند که عراق دارای ۵۵ لشکر، ۵۰۰۰ دستگاه تانک و یک نیروی هوایی مدرن و موشک های دوربرد مجهز به کلاهک های شیمیایی است. (۵) «شیمون پرز» نیز با توجه به برتری نظامی عراق، این سؤال را مطرح کرد که آیا عراق پس از جنگ تمام نیروی خود را برای بازسازی به کار خواهد گرفت و یا این که برای رهبری در جهان عرب تلاش خواهد کرد؟ (۶).

ص: ۲۰۱

۱- ۷۷۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۳، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۴۷، رادیو امریکا، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷، گزارش تحلیلی از کریستین ساینس مانیتور.

۲- ۷۷۷. پیشین.

۳- ۷۷۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۷، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۸، گزیده ای از سخن رانی های کنفرانس انقلاب در ده سال بعد، شهرام چوبین، بهمن ۱۳۶۷.

۴- ۷۷۹. مأخذ ۶، صص ۱۰ و ۱۱، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۷۸۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۳، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۰، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، اوپهو بین نون، سرلشکر نیروی هوایی اسرائیل.

۶- ۷۸۱. پیشین.

یکی از کارشناسان مسائل جنگ در بررسی خود از آینده خلیج فارس معتقد بود که ایران به عراق فرصت خواهد داد تا نقشی را که پیش تر داشته است، در منطقه ایفا کند. با این حال، دشمنی میان ایران و عراق باقی خواهد ماند و در یک مسابقه تسلیحاتی شدید درگیر خواهند شد. (۱) سایر تحلیل گران نیز مناسبات ایران و عراق را همچنان خصومت آمیز ارزیابی می کردند. (۲) بدهی بالغ بر ۹۰ میلیارد دلاری (۳) عراق در مقایسه با بدهی ایران، نقطه ضعف عراق محسوب می شد و در مقابل، نقطه قوتی برای ایران بود. لذا بر اساس همین ملاحظه، برخی از تحلیل گران در پاسخ به این پرسش که زمان به نفع کیست؟ معتقد بودند، در کوتاه مدت، زمان به نفع عراق و در دراز مدت به نفع ایران است و با بازسازی اقتصادی، ارتش و روابط با سایر دولت ها، توازن قدرت به نفع ایران تجدید شده و برتری عراق همچون برف زمستانی محو خواهد شد. (۴) در این حال، با توجه به موقعیت ایران و عراق و تأکید بر ادامه دشمنی میان آنها به عنوان یک واقعیت، توازن منطقه ای نیز در یک نگاه کوتاه مدت و دراز مدت، حول محور این دو کشور ارزیابی می شد. به همین دلیل، برخی تحلیل گران با توجه به ضعیف بودن کشورهای منطقه، بر این باور بودند که امنیت منطقه خلیج فارس در صورتی تضمین می شود که بین ایران و عراق توازن برقرار شود. (۵) و بر پایه همین ملاحظه، ضرورت توجه به ایران و متقابلاً بهبود روابط با سایر کشورها را گوشزد می کردند.

پایان جنگ ضمن این که نیروهای ایران و عراق را از درگیری آزاد کرد، محور ثقل توجه کشورهای منطقه را از جنگ ایران و عراق به سایر مسائل منطقه ای از جمله مسئله اعراب و اسرائیل سوق داد. در این باره رادیو لندن یکی از پیامدهای احتمالی پایان جنگ ایران و عراق را تمرکز بر اختلاف های اعراب و اسرائیل ذکر کرد. (۶) بی گمان این تغییر و تحول خوشایند اسرائیلی ها نبود؛ برابر اظهارات «دان شومردن»، اسرائیلی ها از آغاز جنگ همواره تحولات

ص: ۲۰۲

۱- ۷۸۲. مأخذ ۶، صص ۱۱ و ۱۲، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷، کردزمن.

۲- ۷۸۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۲۶ و ۲۷، رادیو بی.بی.سی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۸۴. مأخذ ۶، صص ۴ و ۵، رادیو کلن، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۸۵. مأخذ ۱۰.

۵- ۷۸۶. رادیو بی.بی.سی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، شیرین هانتر، محقق و تحلیل گر دانشگاه جرج تاون امریکا.

۶- ۷۸۷. مأخذ ۱۵.

آن را زیر نظر داشته و بر این عقیده بودند که نتیجه جنگ بر امنیت و درگیری اعراب - اسرائیل اثر مهمی خواهد داشت. (۱) به همین دلیل، پس از آن که ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت و علائم پایان جنگ ایران و عراق آشکار شد، «اسحاق شامیر»، نخست وزیر وقت اسرائیل گفت:

«این ممکن است به معنای آغاز یک دوره جدید در سراسر منطقه باشد» (۲).

حتی، برخی از تحلیل گران نظامی در «تل آویو»، در آن هنگام بر این مسئله تأکید داشتند که «امنیت اسرائیل دچار دگرگونی های اساسی شده و ممکن است از این هم وخیم تر شود، زیرا ناآرامی های چند ماه اخیر در اراضی اشغالی، به موازات احتمال برقراری صلح میان ایران و عراق، می تواند منجر به تمرکز توجهات به قیام فلسطینی ها شود.» (۳) با این که اسرائیلی ها بعید می دانستند عراق پس از جنگ ایران و عراق تمایلی برای حمله به اسرائیل داشته باشد (۴)، ولی از اعتماد به نفس ارتش عراق و تشویق این کشور به انجام عملیات خارج از مرزهای عراق نگران بودند. (۵) در این حال، مرکز تحقیقاتی اسرائیل در تل آویو (۶) و دانشگاه «جافا» (۷) در بررسی منطقه ای، احتمال شکل گیری جبهه جدیدی در شرق علیه اسرائیل را پیش بینی کردند.

بدین ترتیب، آینده ایران و عراق و تأثیر آن در توازن منطقه خلیج فارس، موضع گیری و رفتار دو کشور در خصوص تحولات منطقه خاورمیانه، اختلاف های اعراب و اسرائیل و احتمال تغییر توازن منطقه به زیان اسرائیل از جمله مسائلی بودند که پس از پایان جنگ ایران و عراق مورد توجه اسرائیلی ها و حامیان جهانی آنها (امریکا و انگلیس) قرار داشت و موجب نگرانی آنها شده بود.

تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران

در آن هنگام اظهار نظر و پیش بینی درباره روند تحولات داخلی ایران اساساً بر

ص: ۲۰۳

۱- ۷۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۵، ۲۱ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۲۸ و ۲۹، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۰ / ۵ / ۱۳۶۷، به نقل از تلویزیون اسرائیل.

۲- ۷۸۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۲، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۵۸، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۹۰. مأخذ ۱۲، ص ۹، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۹۱. پیشین، ص ۸، بیت المقدس، خبرگزاری فرانسه، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، اسحاق رابین، وزیر جنگ وقت اسرائیل.

۵- ۷۹۲. مأخذ ۲۱، ص ۵۷، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۷۹۳. مأخذ ۶، ص ۵، رادیو کلن، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۷- ۷۹۴. مأخذ ۸، ص ۹، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

پایه تأثیراتی که پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و نحوه پایان جنگ بر جامعه ایران و انقلاب اسلامی داشت، صورت می گرفت. «بروس لنیکن»، کاردار پیشین امریکا در تهران ضمن تأکید بر ضرورت توجه به اقدام ایران در پذیرش قطع نامه، بر این باور بود که تاکنون، ادامه جنگ با هدف اعلام شده ایران مبنی بر سرنگونی حکومت مرتد در بغداد بوده است و پیروزی در این راه می توانست نشانه نیروی انقلابی و جاذبه آن برای جامعه بزرگ تر اسلامی باشد. (۱) به همین دلیل، پایان جنگ، در غرب این امید را به وجود آورد که ایران فرصتی پیدا خواهد کرد تا به الگوی سنتی خود بازگردد و انقلاب فقط در بر گیرنده سقوط شاه باشد. (۲) لذا، اقدام ایران به دلیل نتایج احتمالی آن به منزله ایجاد امید برای تغییر شیوه تفکر در تهران ارزیابی می شد (۳)

برخی از تحلیل گران نیز تصمیم ایران را برای پایان دادن به جنگ، در چارچوب ضرورت حفظ انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می دادند. به عقیده رایین رایت، یکی از کارشناسان منطقه خاورمیانه اقدام ایران نخستین گام از اجرای استراتژی گسترده تری برای آغاز مرحله ای جدید در انقلاب است. هدف از این استراتژی آن است که بقای انقلاب اسلامی اهمیت بیش تری یافته است. (۴) تحلیلی که صدام بلافاصله پس از موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ انجام داد بر اهمیت تحلیل بالا می افزاید. وی در تحلیل خود در توجیه دست یافتن به اهداف خود در مقابله با انقلاب اسلامی، اجرای اهداف عراق مبنی بر مقابله با انقلاب اسلامی گفته بود:

«مهم ترین نتیجه پیروزی های عراق شکست کامل بنیان ایدئولوژیکی دولت ایران بوده است» (۵).

در مورد روند تحولات داخلی ایران همچنان نظرات متفاوتی ارائه می شد، برخی از تحلیل گران بر این باور بودند که چون ایران با پذیرش قطع نامه در حقیقت آمادگی خود را برای بازگشت به جامعه جهانی اعلام داشته است (۶).

ص: ۲۰۴

۱- ۷۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۱، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۳۳، رادیو امریکا، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۹۶. بازنشاسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، مرداد ۱۳۶۷، مقاله مسئله تجاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق، ص ۳۰۰، ژوهانس ریسنر.

۳- ۷۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۶، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۳۴، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۹۸. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بولتن «رادیوهای بیگانه»، ۳۰ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۷۹۹. مأخذ ۸، ص ۴۰، بغداد، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۸۰۰. مأخذ ۵، ص ۸، رادیو امریکا، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷، رایین رایت.

در نتیجه، مجبور می شود توجه خود را به داخل کشور معطوف کند و بدین ترتیب خط تروریسم و شورش های اسلامی کاهش خواهد یافت (۱) البته، این مسئله به معنای پایان انقلاب نیست (۲)، زیرا اراده امام خمینی کماکان فائق است. هر چند دوره او در حال گذر است و کشمکش، میان افراد امیدوار برای به دست گرفتن قدرت پس از رفتن او، تشدید یافته است (۳) «گراهام فولر»، از کارشناسان سازمان سیا طی مقاله ای که در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسید، نوشت:

«در ایران ترک انقلاب مطرح نیست بلکه صحبت از چگونگی دنبال کردن آن است.... با وجود بحث و حدس های زیادی که در مورد جنگ صورت می گیرد، جنگ، آزمایش نهایی برای اعتبار انقلاب محسوب نمی شود، بلکه اکنون نیز چون دوران مناظرات «استالین» و «تروتسکی» در سال های دهه ۱۹۲۰ میلادی در شوروی، صحبت از تحکیم مبانی انقلاب در داخل و مسئله صدور انقلاب به دیگر کشورها است. در ایران مسئله پایان جنگ به منزله اعتدال در رویه ایران تلقی نمی شود، بلکه مسئله منافع دراز مدت حکومت انقلابی است.... البته شکست های اخیر ایران اتخاذ این تصمیم را تسریع کرد» (۴).

همچنین بخشی از تحلیل کارشناسان رسانه های خارجی بر ظهور گرایش به غرب در ایران به دلیل ابراز تمایل این کشور به برقراری روابط گسترده با جهان (۵)، ضرورت تلاش غرب برای نزدیک شدن به ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک حاضر، میزان جمعیت، بازار مناسب و هم جواری آن با شوروی و نیز ناتوانی اعراب در رسیدن به ائتلافی که بتواند بلوک قدرتمند و بااهمیتی به وجود آورد (۶)، تأکید داشت. سفیر اسبق آمریکا در تهران (ریچارد هلمز) بر این باور بود که «ایران در دراز مدت مایل به کار کردن با آمریکا بوده و با تغییر دستگاه رهبری ایران، مصلحت اندیشی بیش تری به کار خواهد بست و آمریکا نیز بازیگر اصلی در ایران خواهد بود» (۷).

ص: ۲۰۵

-
- ۱- ۸۰۱. مأخذ ۲۷، ص ۳۳، رادیو آمریکا، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۷، بروس لنینگن.
 - ۲- ۸۰۲. مأخذ ۳، ص ۳۵، رادیو آمریکا، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۷، وال استریت ژورنال، شائول بخاش، نویسنده کتاب «ردای پیامبر».
 - ۳- ۸۰۳. مأخذ ۲۹، ص ۳۶، رادیو آمریکا، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، بررسی مطبوعات آمریکا.
 - ۴- ۸۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۲۲ و ۲۳، رادیو آمریکا، ۱۳۶۷ / ۵ / ۳.
 - ۵- ۸۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۳، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۴۴ و ۴۵، رادیو اسرائیل، ۱۸ / ۵ / ۱۳۶۷.
 - ۶- ۸۰۶. رادیو آمریکا، ۳ / ۷ / ۱۳۶۷، فیلیپ رابین، پژوهش گر برنامه خاورمیانه در مؤسسه سلطنتی مسائل بین المللی لندن.
 - ۷- ۸۰۷. روزنامه وال استریت ژورنال، ۳ دسامبر ۱۹۸۸ (۱۲ / ۹ / ۱۳۶۷).

نویسنده کتاب «عقاب و شیر» نیز طی سخن رانی خود در کنفرانس «انقلاب اسلامی ایران ده سال بعد»، درباره ایران گفت:

«دو موضع کلیدی در مورد ایران وجود دارد؛ نخست موضعی که مرکز اصلی آن عربستان سعودی بود و در سال های ۸۳ - ۱۹۸۲ به شدت به صورت برجسته بروز کرد، که واگذاری ایران و عراق [به حال خود] در دو سال اول جنگ و سیاست حفظ فشار بر ایران و در منگنه قرار دادن این کشور از خطوط برجسته این سیاست بود. موضع دوم، [مربوط به] عمل گرایان طرفدار جغرافیای استراتژیک بود که به ایران به عنوان یک ابرقدرت منطقه ای می نگرد؛ کشوری با منابع سرشار، موقعیتی بسیار مهم و جمعیتی عظیم. آنها استدلال می کنند که ایران باید ایفای نقش کند و این نقش عاملی خواهد بود در حل آن چه که در افغانستان می گذرد. عمل گرایان می گویند، امریکا و ایران در دراز مدت به هم نیاز دارند. این دو کشور دارای مشترکات زیادی هستند که می توانند با یکدیگر کار کنند. خط مشی این عمل گرایان آن بوده است که برای هموار کردن راه، اندکی به ایران فشار آورند و نگذارند که از طریق طرف های ثالث عالی رتبه ژاپنی و آلمانی مسائل حل نشود» (۱).

فرض اصلی در تحلیل های ارائه شده - گذشته از درستی و نادرستی آنها - بر پایه دو ملاحظه کلی صورت می گرفت. نخست: تأثیر پایان جنگ پس از موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ در سیاست های داخلی و خارجی این کشور و ایجاد تغییرهایی در این سیاست ها و دوم: ضرورت برقراری ارتباط امریکا و غرب با ایران - با در نظر گرفتن ملاحظه اول - به منظور موازنه جدید در منطقه و نیز مهار بحران های احتمالی منطقه ای که اساسا می توانند از برتری غیرقابل تردید عراق ناشی شوند.

ص: ۲۰۶

۱- ۸۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۸، برگزیده ای از سخن رانی های کنفرانس انقلاب ایران ده سال بعد، بهمن ۱۳۶۷، «جیمز آی بیل».

انتشار متن مذاکرات در غیر از رسانه های خبری که جنبه های تبلیغاتی و تحلیلی در آنها غلبه دارند، برای نخستین بار در کتاب «تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران» نوشته آقای علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران - منتشر شد. نظر به اهمیت و ضرورت طرح این بحث و به دلیل دسترسی نداشتن به سایر منابع، گزارش این مذاکرات عمدتاً با اتکاء به کتاب یاد شده تنظیم و تدوین شده است. لذا برای آگاهی بیش تر، خوانندگان محترم برای اطلاع بیش تر می توانند به این کتاب مراجعه کنند.

نخستین مذاکرات در ژنو

با وجود دشواری های فراوان، سرانجام در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ آتش بس میان دو کشور ایران و عراق برقرار شد، اما با توجه به وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی و جبهه های نظامی، به نظر می رسید، اوضاع به نحو آشکاری شکننده است و هر گونه حادثه یا واکنش نامناسب می تواند منجر به از سرگیری درگیری ها شود. بنابراین، برای «تحکیم آتش بس»، اجرای بند ۱ قطع نامه ۵۹۸ مبنی بر عقب نشینی به مرزهای بین المللی الزامی بود ولی این امر بدون انجام مذاکره میان دو کشور ایران و عراق، تحقق نمی یافت. بدین منظور، دبیرکل سازمان ملل بلافاصله پس از پایان مذاکرات آتش بس و با استناد به موافقت دو کشور برای انجام مذاکرات مستقیم، طی نامه ای از وزیران خارجه ایران و عراق خواست، در مذاکرات شرکت کنند. (۱) با وجود مخالفت عراق برای شرکت در جلسات که موجب تأخیر در برگزاری آن شد، سرانجام، با اعلام آمادگی این کشور و سفر وزیران خارجه ایران و عراق به ژنو، سوم شهریور ۱۳۶۷ نخستین دور مذاکرات آغاز شد. (۲) در این مذاکرات، «عقب نشینی به مرزهای بین المللی» مورد اهتمام ایران بود، در حالی که عراقی ها لایروبی اروند و آزادی کشتی رانی را با آتش بس مرتبط دانسته و حتی تلویحاً، تهدید می کردند، در صورت عدم پذیرش لایروبی و آزادی کشتی رانی، آتش بس در خطر است. (۳).

ضرورت مقابله با تلاش های جدید عراق که به منزله آغاز «جنگ صلح»

ص: ۲۰۷

۱- ۸۰۹. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۳۳.

۲- ۸۱۰. پیشین، ص ۳۳۴.

۳- ۸۱۱. پیشین، ص ۳۳۶.

بود، باعث شد وزیر خارجه وقت ایران طرحی را برای مقابله با پیشنهادهای خارج از دستور جلسه تهیه کند. وی در ملاقات با دبیرکل ضمن ارائه طرح خود تأکید کرد:

«ما مخالف هر صحبتی یا طرحی هستیم که عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر را مخدوش نماید، ولو این که مذاکرات به بن بست برسد، این، از تعلیمات مستقیم رهبر انقلاب امام خمینی به این جانب است.»

آقای ولایتی سپس افزود:

«لایروبی قاعده خاصی دارد که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مندرج است» (۱).

در واقع، با انجام نخستین دوره مذاکرات کاملاً آشکار شد که عراقی‌ها به هیچ وجه مایل به پیش رفت مذاکرات نیستند و با مطرح کردن مسئله لایروبی به جای عقب نشینی عملاً تلاش می‌کردند که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را نادیده بگیرند. در این حال بود که دبیرکل سازمان ملل ژنو را ترک کرده و آقای «الیاسون» را به عنوان نماینده خود در مذاکرات معرفی نمود (۲) و در پی آن دومین دور مذاکرات به ریاست نماینده دبیرکل آغاز شد. تداوم سرسختی عراق در مذاکرات سبب شد تا آقای «پیکو» یکی از دستیاران دبیرکل در ملاقاتی بگوید:

«نظر عراقی‌ها این است که نقش سازمان ملل حفظ شود» (۳).

سفیر وقت ایران در ژنو نیز برای توضیح وضعیت موجود با دبیرکل ملاقات کرد. در این دیدار، دبیرکل با اعلام حمایت از نظرات و برنامه‌های ایران، گفت:

«عراقی‌ها در کار خود سرسخت و یک‌دنده هستند... آتش بس در حال حاضر شکننده است» (۴).

بدین ترتیب و پس از پایان دومین دور مذاکرات بدون دستیابی به نتیجه‌ای مفید، الیاسون اعلام کرد، از طرف دبیرکل به او دستور داده شده است که به مذاکرات پایان دهد. ایران نیز با آگاهی از ماهیت رفتارهای عراق

ص: ۲۰۸

۱- ۸۱۲. پیشین، ص ۳۳۷.

۲- ۸۱۳. پیشین، ص ۳۴۱.

۳- ۸۱۴. پیشین، ص ۳۴۳.

۴- ۸۱۵. پیشین، ص ۳۴۴.

مبنی بر انجام مذاکرات دو جانبه و حذف نظارت بین المللی، تلاش کرد مذاکرات در نیویورک و تحت نظر دبیرکل ادامه یابد. بر همین اساس، آقای الیاسون، نماینده دبیرکل پس از قرائت بیانیه دبیرکل و تأکید بر «اجرای بند ۱ قطع نامه» بدون هیچ گونه تأخیر (۱)، از وزیران خارجه دو کشور دعوت کرد، در سپتامبر ۱۹۸۸ میلادی (شهریور - مهر ۱۳۶۷) در نیویورک به مذاکرات ادامه دهند. (۲) ولی وزیر خارجه عراق ضمن مخالفت با تعلیق مذاکرات، عدم موافقت کشورش را برای ادامه مذاکرات در نیویورک، به این دلیل که نیویورک شهر بی طرفی نیست، اعلام کرد. سرانجام پس از مشورت دبیرکل با ۱۵ عضو شورای امنیت و حمایت آنان از ادامه مذاکرات در نیویورک، آقای الیاسون طی بیانیه ای پیشنهاد دبیرکل را برای ادامه مذاکرات در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ (۳۱ شهریور ۱۳۶۷) تکرار کرد. (۳) طارق عزیز در این باره اعلام کرد:

«ما نظر دبیرکل را برای تشکیل یک جلسه در نیویورک می پذیریم، اما تاریخ آن مناسب نیست» (۴).

عراقی ها مایل بودند پس از مذاکره ای یک جلسه ای در نیویورک، جلسات بعدی در ژنو تشکیل شود. به همین دلیل، طارق عزیز گفت:

«تا تاریخ مذاکرات مجدد در ژنو تعیین نشود، مذاکرات فعلی را ما تمام شده نمی دانیم» (۵).

ادامه مذاکرات در نیویورک

پس از حضور وزیران خارجه دو کشور در نیویورک، نخستین جلسه مذاکرات سه جانبه با حضور دبیرکل در ۹ مهر ۱۳۶۷ (اول اکتبر ۱۹۸۸) آغاز شد. عراقی ها در این جلسه علاوه بر خواسته های پیشین، خواهان تغییر محل مذاکرات بودند. نظر به این که در بند ۱ قطع نامه تصریح شده بود، پس از برقراری آتش بس در زمین، هوا و دریا، عقب نشینی بدون تأخیر انجام پذیرد،

ص: ۲۰۹

۱- ۸۱۶. پیشین، ص ۳۴۶.

۲- ۸۱۷. پیشین، ص ۳۴۷.

۳- ۸۱۸. پیشین، ص ۳۴۸.

۴- ۸۱۹. پیشین، ص ۳۴۸.

۵- ۸۲۰. پیشین، ص ۳۴۸.

این اقدام عراق به منزله کارشکنی در انجام مذاکرات و ممانعت از بحث محتوایی بود. به همین دلیل، عراقی‌ها ضمن کارشکنی و اخلال در روند مذاکرات، تلاش می‌کردند که از چنین اتهامی رهایی یابند. بر پایه همین ملاحظات وزیر خارجه عراق در این جلسه گفت:

«نیویورک شهر بی طرفی نیست، عراق در مورد مسائل محتوایی در ایالات متحده نمی‌تواند صحبت کند» (۱).

بدین ترتیب، نخستین دور مذاکرات در نیویورک به دلیل دست نیافتن به توافقی در مورد محل مذاکرات و شروع بحث محتوایی، به پایان رسید. در حد فاصل زمان باقی مانده تا آغاز دومین دور مذاکرات، الیاسون با توجه به پذیرش مواضع مثبت ایران و کارشکنی عراق به سفیر وقت ایران در نیویورک گفت:

«ما در بعضی اوقات می‌توانیم رأساً عمل کنیم ولی در بعضی اوقات دیگر، نیاز به همکاری دو طرف داریم و نمی‌خواهیم بر عراق فشار زیادی بیاید که آتش بس شکننده شود» (۲).

این اظهارات نشان می‌داد که سازمان ملل با وجود آگاهی از کارشکنی عراق، به دلیل نگرانی از رفتار احتمالی عراق و شرایط شکننده‌ای که وجود داشت، مایل به اعمال فشار بر این کشور نبود.

دومین دور مذاکرات با حضور دبیرکل در ۱۴ مهر ۱۳۶۷ (۶ اکتبر ۱۹۸۸) آغاز شد. در این جلسه، دبیرکل گفت:

«ما قادر نبوده‌ایم، چیزی را که مایلیم به دست آوریم که آن مسئله نیت رسمی دو طرف به اجرای کامل «بند ۱» در همین زمان و مکان است.... جریان مذاکرات باید ادامه یابد، راه دیگری نیست» (۳).

در این جلسه، وزیر خارجه ایران بار دیگر تأکید کرد، به دلیل کارشکنی‌های عراق نتیجه‌ای حاصل نشده است. (۴) بدین ترتیب، دبیرکل پس از پایان دومین

ص: ۲۱۰

۱- ۸۲۱. پیشین، ص ۳۵۲.

۲- ۸۲۲. پیشین، ص ۳۵۵.

۳- ۸۲۳. پیشین، ص ۳۵۷.

۴- ۸۲۴. پیشین، ص ۳۵۷.

دور مذاکرات که همچنان بی نتیجه مانده بود، در گزارشی به شورای امنیت، با ایجاد اطمینان مبنی بر «عدم خطر جدی برای شکستن آتش بس» و تأکید بر «ضرورت عقب نشینی به عنوان تنها راه برای مستحکم ساختن آتش بس» (۱)، زمان دور جدید مذاکرات را در ژنو اعلام کرد.

در همین حال، جمهوری اسلامی ایران در ادامه تلاش های دیپلماتیک خود، ضمن اعزام هیئت های به کشورهای عضو سازمان ملل و بعضی کشورهای مؤثر و ذی نفوذ، در ۲۵ مهر ۱۳۶۷ برای توجیه نمایندگان دیگر کشورهای مقیم تهران، تمام سفیران را به موازات امور خارجه دعوت کرد (۲).

ادامه مذاکرات در ژنو

در مجموع هفت دوره مذاکرات با حضور دبیرکل در ژنو انجام شد که در مقایسه با مذاکراتی که پیش از این در ژنو و سپس نیویورک صورت گرفته بود، این دور از مذاکرات از نتایج چشم گیری برخوردار بود. نخستین دور مذاکرات مستقیم که زیر نظر دبیرکل در روز سه شنبه، دهم آبان ۱۳۶۷ برگزار شد، دکوئیا اظهار امیدواری کرد، بر خلاف مذاکرات نیویورک، دو طرف در ژنو وارد بحث های ماهوی شوند. (۳) وزیر خارجه ایران در این جلسه مجدداً تأکید بر ضرورت اجرای بند ۱ قطع نامه مبنی بر عقب نشینی به مرزهای بین المللی (۴)، تصریح کرد، نقشه ها و مدارک، همان اسناد و نقشه های عهدنامه ۱۹۷۵ میلادی هستند که در سازمان ملل ثبت شده است وزیر خارجه عراق نیز مواضع پیشین را بار دیگر تکرار کرد.

دومین دور مذاکرات روز بعد (۱۱ آبان ۱۳۶۷) آغاز شد. دبیرکل با توجه به موافقت ایران و عراق با طرح چهار ماده ای دبیرکل که مورد حمایت شورای امنیت قرار داشت، تصریح کرد، دو کشور توافق کرده اند، نیروهای خود را به مرزهای شناخته شده بین المللی عقب بکشند و این اقدام، طی دو هفته

ص: ۲۱۱

۱- ۸۲۵. پیشین، صص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۲- ۸۲۶. پیشین، ص ۳۵۹.

۳- ۸۲۷. پیشین، ص ۳۶۲.

۴- ۸۲۸. پیشین، ص ۳۶۳.

انجام خواهد گرفت و دو طرف متعهد شده اند از اقداماتی که منجر به تغییر آرایش نظامی آنان شود، خودداری کنند. در حالی که طارق عزیز مجدداً مواضع پیشین کشورش را تکرار می کرد، وزیر خارجه ایران در این جلسه نیز، موافقت خود را با متن ارائه شده در سخنان مقدماتی دبیرکل اعلام کرد. (۱) وی پیشنهاد کرد، اسناد مربوط به تأیید و تکمیل عقب نشینی که همان عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر هستند، در اختیار گروه های ناظر بر آتش بس قرار گیرند. (۲) طارق عزیز نیز در این مذاکرات گفت:

«آزادی کشتی رانی و لایروبی شط العرب [اروندرو] آتش بس را کامل می کند و اگر این ها درست شود، قطع نامه نیز اجرا خواهد شد» (۳).

وی سپس تهدید کرد:

«اگر وزیر خارجه ایران به عقب نشینی تقدم می دهد، باید بداند که ما آتش بس را مستحکم نکرده ایم. بنابراین، حالت آتش بس نمی تواند خیلی زیاد دوام بیاورد و باید آن را تحکیم کرد» (۴).

با وجود این مجادلات، به تدریج دبیرکل سازمان ملل سایر بندهای توافق چهار ماده ای را قرائت کرد.

عدم تمایل عراق به پیش رفت مذاکرات و تکرار مواضع پیشین در مقابل پاسخ های وزیر خارجه ایران، محتوای مذاکرات را به مباحث تکراری تبدیل کرده بود و با وجود تلاش های دبیرکل در مذاکرات سه جانبه و دو جانبه با دو طرف، هیچ گونه گشایش قابل ملاحظه ای در گفت و گوها حاصل نمی شد. در همان حال، نگرانی نسبت به احتمال درگیری مجدد سبب شده بود، مذاکرات تحت نظر دبیرکل ادامه یابد. بدین ترتیب، سومین دور مذاکرات سه جانبه روز ۱۴ آبان ۱۳۶۷ آغاز شد. دبیرکل در آغاز این مذاکرات، بر پایه تجارب به دست آمده از مذاکرات پیشین، گفت:

«در صورتی که موضوعات را به طور انفرادی بحث کنیم، هیچ یک از طرفین

ص: ۲۱۲

۱- ۸۲۹. پیشین، ص ۳۷۲.

۲- ۸۳۰. پیشین، ص ۳۷۳.

۳- ۸۳۱. پیشین، ص ۳۷۳.

۴- ۸۳۲. پیشین، ص ۳۷۴.

دبیرکل که معتقد بود برای رسیدن به تفاهم مشترک، باید مسائل را در یک مجموعه (Package) بررسی کرد (۱) و افزود:

«فرض من بر این است که برای دست یابی به صلح به ژنو آمده ایم، پیش رفت ما بستگی به تصمیم سیاسی و اراده طرفین دارد. تفاهم سیاسی کلید رسیدن به صلح است و هیچ یک از پیشنهادها جایگزین اراده سیاسی نخواهد شد» (۲).

دبیرکل در ادامه اظهارات خود، دو طرف را ترغیب کرد تا گفت و گوها را زیر نظر الیاسون ادامه دهند. (۳) بدین ترتیب، دور سوم مذاکرات بدون دست یابی به نتیجه مشخصی پایان یافت و دبیرکل با برداشتی که نسبتاً به ماهیت مذاکرات داشت، مسئولیت مذاکرات را بر عهده نماینده خود، الیاسون گذاشت و ژنو را به مقصد نیویورک ترک کرد.

چهارمین دور مذاکرات با ریاست الیاسون در ۱۶ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. الیاسون در این نشست، با توجه به این که دبیرکل پیش از رفتن به نیویورک، بر ایجاد کمیته مشترک نظامی و برداشتن گام های اولیه برای آزادی اسرای معلول و بیمار تأکید کرده بود (۴)، اظهار امیدواری کرد مذاکرات از روند سازنده ای برخوردار شود. در این دور از مذاکرات نیز هر یک از وزیران خارجه ایران و عراق بار دیگر مواضع و دیدگاه های خود را تکرار کردند. الیاسون پس از گوش دادن به سخنان دو طرف تأکید کرد:

«ما مشتاق به ادامه مذاکرات سازنده هستیم» (۵).

وی ابراز تمایل کرد که در جلسات کارشناسان که روز بعد برگزار خواهد شد، موضوعات مورد علاقه دو طرف برای نیل به اهداف قطع نامه مورد بررسی قرار گیرد.

پنجمین دور مذاکرات نیز در ۱۷ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. در این جلسه، الیاسون با بیان نظریات دو طرف در پنج بند که در مذاکرات قبلی تاکنون

ص: ۲۱۳

۱- ۸۳۳. پیشین، ص ۳۷۹.

۲- ۸۳۴. پیشین، ص ۳۸۰.

۳- ۸۳۵. پیشین، ص ۳۸۱.

۴- ۸۳۶. پیشین، ص ۳۸۲.

۵- ۸۳۷. پیشین، ص ۳۹۲.

مطرح شده بود (۱) گفت:

«به نظر من، این تفاوت‌ها غیر قابل حل نیستند، ما نیاز به فرمول‌های عملی داریم و اگر نتوانیم، با ابتکار این راه‌ها را به اتمام برسانیم، تا خیر بیش‌تری را سبب خواهیم شد.»

وی دو طرف را به ارائه ایده‌ها و فرمول‌های اجرایی دعوت کرد. (۲) الیاسون در پایان جلسه پس از بیان مواضع دو طرف به این دلیل که مسیر بحث‌ها سازنده می‌شود، تشکر کرد و بار دیگر بر اهمیت ادامه بحث سازنده تأکید کرد (۳).

ششمین دور مذاکرات در فضایی مشابه گذشته، در ۱۹ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. الیاسون در آغاز این جلسات گفت:

«باید درک کنیم که نیازی به پیش‌رفت در کارمان وجود دارد و گزینه محتمل است که جریان صلح در خطر قرار گیرد.»

وی در ادامه، با اشاره به گفت‌وگوی جداگانه با وزیران خارجه ایران و عراق و بیان این که اراده ایجاد حسن هم‌جواری و روابط صلح‌آمیز در دو طرف وجود دارد گفت:

«هر چند که از مذاکرات برمی‌آید، سوءظن متقابل از نیت طرفین هم وجود دارد» (۴).

وزیر خارجه ایران در این جلسه پس از توضیحاتی درباره خودداری از پراکنده‌گویی و تشتت‌آفرینی در اظهارنظرها، گفت:

«عقب‌نشینی ارتباطی به پیش‌رفت مسائل مختلف ندارد و باید هر چه زودتر انجام شود» (۵).

وی تأکید کرد:

«چیزی که آتش بس را تهدید می‌کند، عقب‌نشینی نکردن است» (۶).

الیاسون در پایان این دور از مذاکرات، با ابراز خرسندی از مطالبی که بیان

ص: ۲۱۴

۱- ۸۳۸. پیشین، ص ۳۹۴.

۲- ۸۳۹. پیشین، ص ۳۹۴.

۳- ۸۴۰. پیشین، ص ۳۹۹.

۴- ۸۴۱. پیشین، ص ۴۰۰.

۵- ۸۴۲. پیشین، ص ۴۰۱.

۶- ۸۴۳. پیشین، ص ۴۰۳.

شد، گفت:

«ما به جهتی می رویم که آمادگی برای ایجاد کمیون مشترک نظامی بیش تر شده است.»

وی سپس پیشنهاد کرد که روز بعد، مجدداً جلسه مذاکرات با حضور وزیران خارجه دو کشور برگزار شود. (۱).

الیاسون در ابتدای هفتمین دور از مذاکرات که در ۲۰ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد، گفت:

«به پایان دو هفته مذاکره در ژنو می رسیم و قدم های مثبتی در خصوص کمیته بین المللی صلیب سرخ و حل مسئله اسرا و شروع کار گروه نظامی برداشته شد.... به هر حال آنچه گفته شد، گام های کوچکی است که در راه پیش رفت برداشته شده است» (۲).

وی سپس پیام دبیرکل را قرائت کرد. در این پیام تصریح شده بود:

«اگر قرار است که پیش رفت قابل توجهی در نشست های آینده داشته باشیم، اتخاذ تصمیم سیاسی در این مورد ضروری است.»

در بخش دیگری از این پیام اظهار تأسف شده بود که دبیرکل نمی تواند در گزارش به شورای امنیت از پیش رفت مذاکرات صحبت کند (۳).

بدین ترتیب، مذاکرات در ژنو به پایان رسید و دبیرکل نیز در گزارش خود به شورای امنیت، ضمن مختصر خواندن پیش رفت در گفت و گوها، تأکید کرد، در تفسیر از آتش بس، زمان خروج نیروها و لایروبی اروندرود [شط العرب] اختلافاتی وجود دارد. (۴) ادامه مجادلات در مذاکرات موجب یأس و سرخوردگی دبیرکل سازمان ملل و شورای امنیت شد، به گونه ای که گمان می رفت، دبیرکل و شورای امنیت، موضوع مذاکرات را رها کنند (۵) و این به زیان ایران و برابر خواسته و خط مشی عراق بود.

ص: ۲۱۵

۱- ۸۴۴. پیشین، ص ۴۰۴.

۲- ۸۴۵. پیشین، ص ۴۰۴.

۳- ۸۴۶. پیشین، ص ۴۰۵.

۴- ۸۴۷. پیشین، ص ۴۰۵.

۵- ۸۴۸. پیشین، ص ۴۱۰.

در پی اقداماتی که پس از پایان مذاکرات ژنو تا دور جدید مذاکرات انجام گرفت و نیز سفر نماینده ویژه دبیرکل به بغداد و ارسال نامه های وزیران خارجه ایران و عراق به دبیرکل، مجددا در ۲۸ بهمن ۱۳۶۷ ملاقات سه جانبه ای در نیویورک با حضور دبیرکل انجام گرفت. در این جلسه، دبیرکل با توجه به دیدگاه های دو طرف گفت:

«دو طرف نیاز دارند که از مذاکرات صلح، محترمانه و سربلند و سرافراز بیرون آیند و برای این که به یک صلح پایدار و بلند مدت برسیم، باید در این جریان پیروز و یا بازنده ای وجود نداشته باشد» (۱).

پس از سخنان دبیرکل طارق عزیز ضمن اعلام موافقت با اظهارات دبیرکل گفت:

«دیدارهای گذشته ما بیش تر شبیه به مجادله و جنگ تبلیغی بود و به مذاکره شباهت نداشت» (۲).

آقای ولایتی هم در ابتدای اظهارات خود تصریح کرد:

«در سه نوبت مذاکرات گذشته، ما به هیچ نتیجه مطلوب و ملموس نرسیده ایم.»

وی خطاب به دبیرکل افزود:

«بنا به دعوت شما به نیویورک آمدیم، به رغم این که هیچ قرینه ای جدی از تغییر اوضاع نداریم» (۳).

پس از اظهارات وزیران خارجه دو کشور، اجلاس نیویورک به پایان رسید و مقرر شد ادامه مذاکرات بار دیگر در ژنو انجام شود. در فروردین ۱۳۶۸ دبیرکل با انتشار بیانیه ای ضمن اشاره به مذاکرات کارشناسی اعلام کرد که دو طرف توافق کرده اند، دور جدیدی از مذاکرات مستقیم در سطح وزیران زیر نظر دبیرکل از ۲۰ آوریل ۱۹۸۹ (۳۱ فروردین ۱۳۶۸) در ژنو برگزار شود (۴).

ص: ۲۱۶

۱- ۸۴۹. پیشین، ص ۴۱۴.

۲- ۸۵۰. پیشین، ص ۴۱۵.

۳- ۸۵۱. پیشین، ص ۴۱۶.

۴- ۸۵۲. پیشین، ص ۴۱۹.

قبل از برگزاری نخستین دور مذاکرات جدید در ژنو، الیاسون در ملاقات با وزیر خارجه ایران گفت:

«ما مشکلی اساسی و جدی با عراق نداریم» (۱).

مذاکرات جدید در ژنو

در نخستین دور مذاکرات که در ۳۱ فروردین ۱۳۶۸ در ژنو برگزار شد، پس از سخنان دبیرکل، طارق عزیز گفت که از آغاز مذاکرات هشت ماه می گذرد، ولی نتیجه ای به دست نیامده است. و سپس ایران را به برخورد غیر منطقی متهم کرد. آقای ولایتی نیز در پاسخ به این اظهارات و تمایل ایران به صلح سؤال کرد:

«چگونه می شود که از حسن هم جواری و آینده خوب و سازنده روابط صحبت کرد در حالی که خاک این کشور توسط دیگری اشغال شده است؟»

وی همچنین گفت:

«پس از برقراری آتش بس هیچ پیش رفت جدی در مسیر اجرای قطع نامه حاصل نشده است و این مغایر با هدف ما است» (۲).

طارق عزیز در ادامه اظهارات خود همانند وزیر خارجه ایران تصریح کرد:

«هر دو طرف به این نتیجه رسیده ایم که پیش رفت نداشته و به نتایج ملموسی دست نیافته ایم.»

دبیرکل در پایان، در واکنش به اظهارات وزیران خارجه دو کشور گفت:

«این موجب نگرانی و ناراحتی من است» (۳).

در دومین مذاکرات که روز دوم اردیبهشت ۱۳۶۸ برگزار شد، دبیرکل با صراحت اعلام کرد:

«این حرکت نامطلوبی است که ما پس از یک سال به چیزی جز همان آتش بس و استقرار نیروهای ناظر صلح سازمان ملل نرسیم.... عدم اجرای

ص: ۲۱۷

۱- ۸۵۳. پیشین، ص ۴۲۰.

۲- ۸۵۴. پیشین، ص ۴۲۳.

۳- ۸۵۵. پیشین، ص ۴۲۳.

قطع نامه بدون آثار نخواهد بود» (۱).

دبیرکل سازمان ملل در پایان اظهارات خود خطاب به وزیران خارجه دو کشور درخواست کرد:

«به جای تکرار مواضع گذشته، مذاکرات را در جهت اجرای مفاد قطع نامه به پیش ببرید» (۲).

با وجود درخواست دبیرکل، نه تنها در این جلسه بلکه در سومین دور مذاکرات که یک روز بعد و در ۳ اردیبهشت ۱۳۶۸ برگزار شد، هیچ نتیجه و پیش رفتی حاصل نشد و عملاً، روند مذاکرات در حد فاصل اردیبهشت تا آبان سال ۱۳۶۸ بیش از شش ماه متوقف ماند (۳).

در هر صورت این مرحله از مذاکرات با وجود صرف وقت، نتیجه مشخصی دربر نداشت و همین امر، منجر به یأس و سرخوردگی دبیرکل و اعتراف تلویحی وی به شکست مذاکرات شد. وی پس از شنیدن سخنان وزیرای ایران و عراق گفت:

«غلبه بر مشکلات و موانع موجود، جز با عزم جزم از سوی دو طرف میسر نخواهد شد» (۴).

در این حال، در صحنه بین المللی از یک سو، «صلح طلبی ایران» و در مقابل، کارشکنی های عراق در روند صلح آشکار شد. همچنین سازمان ملل و شورای امنیت نشان دادند، تمایلی به اجرای قطع نامه در شرایط خاص حاکم بر آتش بس نداشتند (۵) و اگر هم می داشتند، ابزار لازم را برای اعمال فشار بر عراق و اجرای قطع نامه ۵۹۸ در اختیار نداشتند. بدین ترتیب، در این مرحله از مذاکرات، ایران مانند دوران جنگ، تنها و غریب در صحنه مذاکرات برای احقاق حق خود به تلاش پرداخت و با هوشیاری و مقاومت، امید گرفتن امتیاز را از دشمن سلب کرد و به استعمارگران اجازه سوء استفاده از وضع نه جنگ و نه صلح را نداد (۶).

ص: ۲۱۸

۱- ۸۵۶. پیشین، ص ۴۲۴.

۲- ۸۵۷. پیشین، ص ۴۲۵.

۳- ۸۵۸. پیشین، ص ۴۳۱.

۴- ۸۵۹. پیشین، ص ۴۴۵.

۵- ۸۶۰. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، متن نامه های مبادله شده بین رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۴، مقدمه آقای هاشمی رفسنجانی.

۶- ۸۶۱. پیشین.

با وجود توقف در روند مذاکرات وزیران خارجه ایران و عراق، تحرکات سیاسی دیگری انجام شد. از جمله می توان به سفیر الیاسون، نماینده دبیرکل سازمان ملل در آبان ۱۳۶۸ به تهران و بغداد اشاره کرد. وی ملاقات های متعددی را در سطوح مختلف انجام داد. پس از آن دبیرکل گزارش نتایج این سفر را در ۱۷ آذر ۱۳۶۸ در جلسه ای خصوصی به اطلاع اعضای شورای امنیت رساند. (۱) به موازات بن بست در مذاکرات، دو جریان دیگر در حال شکل گیری بود که به تدریج تأثیر و نتایج این جریان ها بر روند مذاکرات ایران و عراق مناسبات و عراق با برخی از کشورهای منطقه، امریکا و اسرائیل آشکار شد. جریان اول، تهدیدات عراق علیه ایران و جریان دوم، افزایش تنش میان عراق و برخی کشورها بود. طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق در ۱۳ آذر ۱۳۶۸ طی مصاحبه ای اختصاصی با مجله «التضامن» گفت:

«همه شهروندان عراق می دانند که شط العرب [اروند رود] در طول تاریخ به عراق تعلق داشته و بایستی دیر یا زود به این کشور بازگردانده شود.... عراق هنوز از جانب ایران تهدید می شود و ما هنوز در وضعیت نه صلح و نه جنگ به سر می بریم.»

رمضان سپس تهدید کرد:

«اگر ایران شرایط جدیدی فراهم آورد، این امر ادامه شرایط جنگی سابق نیست، بلکه جنگ تازه ای با شیوه و تاکتیک جدید خواهد بود.»

وی در توضیح جنگ تازه گفت:

«مقصودم این است، از نظر شیوه رزمی و حجم خسارات احتمالا- جنگی تازه خواهد بود، زیرا ما دیگر جنگ هشت ساله به ملتیمان تحمیل نخواهیم کرد» (۲).

ص: ۲۱۹

۱- ۸۶۲. مأخذ ۴۱، ص ۴۳۵.

۲- ۸۶۳. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه ۱۴۴۴، ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۶۸، به نقل از التضامن، ۱۳ / ۹ / ۱۳۶۸.

پس از رحلت امام خمینی رحمت الله علیه در خرداد ۱۳۶۸ عراقی ها - با توجه به تبلیغات رسانه های خارجی - با این فرض که کشمکش تازه ای در عرصه قدرت سیاسی روی خواهد داد، تحولات داخل ایران را با دقت زیر نظر داشتند. رمضان در همین مصاحبه گفت:

«هنوز مراکز تصمیم گیری در ایران مشخص نشده و احتمال بروز تحولات تازه ای وجود دارد» (۱).

این اظهارات به خوبی نشان می دهد که عراقی ها پس از رحلت امام و با این تصور که روند بی ثباتی سیاسی در ایران آغاز شده است، نخست از انجام مذاکرات سه جانبه خودداری کردند و با اعلام مواضع جدید، دست به تهدیدات ایران زدند. آزمایش موشک ۴۸ تنی سه مرحله ای عراق و پرتاب آن به فضا در آذر ۱۳۶۸ در واقع نشان دادن قدرت مندی عراق و پشتوانه اظهارات جدید مقام های این کشور بود. طارق عزیز، وزیر خارجه عراق پس از آزمایش موفقیت آمیز این موشک، در سخنانی گفت:

«کشورش قادر است هر نقطه ای در جهان را مورد حمله قرار دهد.... عراق همچنان مورد تهدید ایران است، لذا باید قدرت دفاعی خود را افزایش دهد تا طرف مقابل را از هر گونه اقدامی بازدارد» (۲).

طارق عزیز در مورد دلیل کاربرد موشک جدید نیز گفت:

«اگر هر کشوری در منطقه یا خارج از منطقه به عراق حمله کند، این کشور حق دارد که در مقابل متجاوز از خود دفاع کند» (۳).

افزایش قدرت موشکی و تهدید عراق مبنی بر مقابله با هر کشوری در منطقه یا خارج از منطقه، حاوی مفاهیم بسیار گسترده ای بود که جریان جدیدی را در رسانه های غربی بر علیه عراق شکل داد و به تدریج زمینه های افزایش تنش در روابط عراق با امریکا و اسرائیل و برخی از کشورهای منطقه از جمله عربستان و کویت را فراهم ساخت و سرانجام، با اقدام عراق در اشغال

ص: ۲۲۰

۱- ۸۶۴. پیشین.

۲- ۸۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۷۲، ۲۶ / ۹ / ۱۳۶۸، طارق عزیز، ۲۵ / ۹ / ۱۳۶۸.

۳- ۸۶۶. پیشین.

کویت، بحران گسترده ای منطقه را فراگرفت.

عراقی ها با درکی که نسبت به اوضاع داخلی ایران پس از رحلت امام و منطقه داشتند، از این پس ادامه شرایط نه جنگ و نه صلح را به زیان خود ارزیابی می کردند، لذا در مرحله نخست، تلاش کردند، با تهدید ایران، این کشور را به نادیده انگاشتن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و پذیرش صلح تحمیلی وادار کنند، لیکن مقاومت ایران منجر به ارائه طرح پیشنهادی (۱) صدام در ۱۵ دی ۱۳۶۸ شد. صدام به مناسبت شصت و نهمین سالگرد تأسیس ارتش عراق، طرح صلح خود را مطرح کرد که شامل موارد زیر بود:

۱- مبادله کلیه اسرای مجروح و معلول و نیز کلیه اسرای که تا سال ۱۹۸۲ میلادی اسیر شده اند.

۲- ملاقات مقام های ایرانی و عراقی در تهران و بغداد به منظور حل اختلافات و درک بهتر دیدگاه های طرفین در زمینه اجرای قطع نامه ۵۹۸.

۳- گشودن مرزهای دو کشور و افتتاح دفاتر هواپیمایی ایران و عراق در بغداد و تهران و فراهم آوردن تمهیدات لازم برای مشتاقان زیارت اماکن متبرکه در دو کشور (۲).

محتوای این پیشنهاد گرچه بیانگر خط مشی عراق مبنی بر حذف سازمان ملل و دبیرکل از روند مذاکرات یا تأکید بر مذاکرات مستقیم میان دو کشور بود و در گذشته صدام چند بار از طریق نمایندگی های عراق در آلمان و سوئیس و جاهای دیگر پیام خود را برای مقام های ایرانی ارسال کرده بود (۳).

اما محتوای این پیام ها با توجه به اقدامات بعدی عراق، و همچنین محتوای نامه صدام به رئیس جمهور ایران نشان دهنده ی تلاش عراق برای به دست

ص: ۲۲۱

۱- ۸۶۷. صدام در نخستین نامه ای که برای رهبران ایران در اردیبهشت ۱۳۶۹ ارسال کرد به این پیشنهاد اشاره داشته.

۲- ۸۶۸. مأخذ ۴۱، ص ۴۳۸.

۳- ۸۶۹. مأخذ ۹۳.

گرفتن ابتکار عمل و پایان دادن به شرایط نه جنگ و نه صلح بود.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل بی‌اعتمادی نسبت به فعالیت‌های عراق و نگرانی از تهدیدات این کشور علیه خود، ضمن نادیده گرفتن پیشنهاد جدید عراق، در جبهه‌های جنگ نیز آمادگی نظامی خود را آشکار ساخت. در این خصوص، مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، با توجه به نامه آقای ولایتی که در آن نگرانی خود را از اقدام نظامی عراق ابراز کرده بود، نیز ضمن دستور اعزام تیم بازرسی از ستاد کل نیروهای مسلح، به خطوط مقدم و بررسی وضعیت منطقه، به نیروهای سپاه و ارتش ابلاغ فرمودند که از آمادگی و هوشیاری لازم برخوردار شوند.

بن بست حاکم بر مذاکرات در یک نگاه کلی، متأثر از عوامل گوناگونی بود، از یک سو عراق در نظر داشت، آنچه را که در جبهه‌های جنگ و متکی بر توان نظامی در ماه‌های پایانی جنگ به دست نیاورده بود در پشت میز مذاکره کسب کند و در سوی دیگر میز مذاکره، جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم دست نیافتن به پیروزی قطعی نظامی، به دلیل هشت سال مقاومت جنگ در برابر توسعه طلبی و اقدامات تجاوزکارانه عراق و تأکید بر تحقق خواسته‌های برحق خود، نمی‌توانست، شرایط عراق را بپذیرد. همچنین، ایران، با تعیین اولویت‌های جدید و با تأکید بر بازسازی و توسعه اقتصادی، روند تازه‌ای را پس از جنگ، در پیش گرفته بود. علاوه بر آن دورنمای روشنی برای تحمیل اراده سیاسی و خواسته‌های ایران بر عراق با تأکید بر راه‌های غیر دیپلماتیک وجود نداشت، زیرا ایران از نظر نظامی در موقعیتی قرار نداشت که به اهداف خود با ابتکار عمل نظامی دست یابد. در همین حال آمریکا، غرب و سازمان ملل نیز فاقد انگیزه، اراده و ابزار لازم برای اعمال فشار بر عراق بودند. در نتیجه به نظر می‌رسید، ادامه وضعیت «نه جنگ نه صلح» با توجه به دورنمای مبهم روند صلح و به دلیل خطرات موجود، موجب نگرانی کشورهای منطقه و تا اندازه‌ای

ایران و عراق شده بود. ریشه این مسئله - صرف نظر از هر گونه ملاحظاتی - اساساً به این موضوع بازمی‌گشت که ایران و عراق هیچ‌یک به شکلی تعیین‌کننده، در جنگ پیروز نشده بودند، بنابراین، قادر نبودند راه حل موردنظر خود را بر دیگری تحمیل کنند. در عین حال، هیچ‌یک از دو طرف در موقعیتی قرار نداشت که بتواند شکست را بپذیرد (۱).

تلاش صلح جویانه

در حالی که مذاکرات و روش صلح جویانه به صورتی اجتناب‌ناپذیر بر دو طرف تحمیل شده بود و عملاً امکان گشایش بن بست و پیش‌رفت در مذاکرات بسیار ضعیف به نظر می‌رسید، سه راه کار کلی برای پشت سر نهادن این وضعیت وجود داشت:

۱- اعمال فشار بین‌المللی بر عراق به منظور ایجاد تمکین در آن کشور برای پذیرش راه حل مسالمت‌آمیز زیر نظر سازمان ملل و دبیرکل، برخی از تحلیل‌گران معتقد بودند که بدون وارد آوردن فشار از خارج، چشم‌اندازی برای تحرک وجود ندارد؛ همان‌گونه که بدون فشار، امکان برقراری آتش‌بس وجود نداشت. (۲) این روش، به دلیل نبود ابزار و تمایل همراه با وحدت اراده در اعضای شورای امنیت، نمی‌توانست نتیجه مطلوبی داشته باشد، چرا که در این برهه زمانی روس‌ها از موضع عراق حمایت کرده و خواستار مذاکره مستقیم میان دو طرف درگیر و یا میانجی‌گری مسکو بودند.

۲- آغاز مجدد درگیری نظامی به وسیله یکی از دو طرف علیه دیگری با هدف کسب برتری و تحمیل خواسته‌های خود بر طرف مقابل؛ بر پایه نظر برخی منابع، احتمال داشت عراق با توجه به پیش‌رفت‌هایش در تهیه و ساخت تسلیحات شیمیایی، میکروبی و موشکی، از آنها استفاده کند. چنان‌که، برخی از مقام‌های رسمی عراق صریحاً به این مسئله اشاره کرده بودند. به نظر

ص: ۲۲۳

۱- ۸۷۰. مأخذ ۱۰.

۲- ۸۷۱. پیشین.

می رسید، ظرفیت لازم برای شروع جنگی دیگر در منطقه، تا اندازه ای در داخل ایران و احتمالاً در داخل عراق وجود نداشت. با این حال وضعیت به گونه ای بود که معاون وزارت خارجه امریکا در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آن کشور گفت:

«طرفین از آتش بس راضی نیستند و هر دو طرف تهدید به از سرگیری فعالیت نظامی کرده اند. هیچ حرکتی در جهت اجرای قطع نامه ۵۹۸ وجود نداشته و هیچ حادثه خاصی وجود ندارد که ما را متقاعد کند که احتمال آغاز جنگ از شش ماه پیش تر است» (۱).

۳- تلاش دیپلماتیک دو طرف درگیر جهت به دست گرفتن ابتکار عمل برای خروج مذاکرات از بن بست؛ این راه کار که می توانست در روند مذاکرات گشایشی به وجود آورد، به وسیله عراق - نظر به اهداف و شرایطی که داشت - با ارسال نامه برای رئیس جمهور ایران آغاز شد و سرانجام، به پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق و عقب نشینی نیروهای این کشور از خاک ایران و آزادی دو جانبه اسرا منجر شد.

زمینه های تلاش صلح جویانه

شرایط و عواملی که به ابتکار عمل عراق در انتخاب روش صلح جویانه منجر گردید زمینه های متفاوتی داشت که به تدریج نشانه های آن آشکار شد. اما به طور مشخص، می توان گفت، موافقت جمهوری اسلامی با قطع نامه ۵۹۸، رحلت امام خمینی در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تعیین اولویت های سیاست خارجی و داخلی ایران با تأکید بر توسعه اقتصادی و ابراز تمایل ایران به تنش زدایی و بهبود مناسبات با همسایگان (۲) و در مقابل ادامه سیاست توسعه طلبانه عراق

ص: ۲۲۴

۱- ۸۷۲. بولتن وزارت اطلاعات، ۲۸ / ۹ / ۱۳۶۸.

۲- ۸۷۳. تمایل ایران به تنش زدایی و بهبود مناسبات با همسایگان با اقدام در میانجی گری برای حل مناقشات آسیای میانه و قفقاز آشکار شد.

در منطقه و اعمال تهدید و ارباب علیه همسایگان و قدرت نمایی با آزمایش پرتاب موشک ۴۸ تنی سه مرحله ای به فضا، زمینه آغاز رویکرد جدید منطقه ای امریکا و غرب را فراهم ساخت. بر اساس این رویکرد جدید، به نظر می رسد، از این پس مأموریت صدام برای مقابله با انقلاب اسلامی به پایان رسیده است. روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از یک هفته نامه چاپ لندن در این باره نوشت:

«بغداد دیگر نمی تواند ادعا کند که در حال ایفای نقش مهمی در جلوگیری از انقلاب ایران است. بلکه تاکنون تنها خود را درگیر مداخله در مناقشه اعراب و اسرائیل کرده است. جنگ علیه ایران از یک جنبه، مأموریتی برای نشان دادن برتری استراتژیک عراق بود و صدام مأموریت داشت، جلوی انقلاب ایران را بگیرد و از گسترش بنیادگرایی اسلامی به سراسر منطقه جلوگیری کند» (۱).

بعدها، پس از اشغال کویت، صدام نیز در مصاحبه با شبکه تلویزیونی فرانسه، به مأموریت عراق در جهت منافع غرب اشاره کرد و گفت:

«عراق برای منافع غرب با ایران جنگید و اگر کشورش موفق نمی شد جلوی پیش روی نیروهای ایرانی را بگیرد، وضعیت کنونی غرب نامعلوم بود» (۲).

در همین راستا، به تدریج موج جدیدی در رسانه های خارجی با ابراز نگرانی نسبت به افزایش توان نظامی عراق و ضرورت مهار آن، مطرح شد. به طور طبیعی این مسئله از نظر مسئولان و تصمیم گیرندگان عراق پوشیده نبود و می توان بخشی از ریشه های ابتکار عمل عراق برای صلح با ایران را در همین نگرش جست و جو کرد.

قدرت نظامی عراق با پرتاب احتمالا موفقیت آمیز نخستین موشک ماهواره ای دوربرد به فضا و پرتاب دو فروند موشک زمین به زمین دیگر با برد دو هزار کیلومتر خطری برای تمام منطقه مدیترانه و اروپای غربی - حداقل در بخش جنوبی آن - ارزیابی می شد. (۳) روزنامه اشپگل، چاپ آلمان طی

ص: ۲۲۵

۱- ۸۷۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۹.

۲- ۸۷۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۹.

۳- ۸۷۶. ستاد مشترک ارتش (سماجا)، بولتن اخبار و گزارشات روزانه ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۸، شماره ۹۳.

«دهه جدید، عصر رسیدن عراق به تکنولوژی مدرن می باشد و برای اولین بار، خطر در تیررس قرار گرفتن قاهره، آتن، استامبول و تمام نقاط ایران و اسرائیل و منطقه خاورمیانه توسط عراق وجود دارد» (۱).

احتمال دست یابی عراق به بمب اتمی با کمک چین و برخی کشورهای دیگر و همچنین، گسترش تسلیحات شیمیایی، این کشور را قادر می ساخت با استفاده از موشک کندور ۲، با برد ۲۰۰۰ کیلومتر حتی بتواند، به عنوان یک قدرت نظامی برتر در منطقه، خودنمایی کند و با بهره برداری از این قدرت، بر فشار خود به کشورهای منطقه بیفزاید. (۲) بر مبنای این تحلیل ها برخی کارشناسان توصیه می کردند، باید کاری کرد که محاسبات بغداد به هم خورده و عراقی ها پی ببرند که تلاش های دست رسی به سلاح های هسته ای مقرون به صرفه نخواهد بود (۳).

در این راستا، امریکایی ها در ادامه فشار تبلیغاتی و روانی علیه عراق، پرداخت وام یک میلیارد دلاری به این کشور را لغو کردند (۴) و انگلیسی ها نیز پس از اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی انگلیس و عراق در لندن، اعتبار صادراتی عراق طی سال ۱۹۹۰ میلادی را بیش از ۳۰ درصد کاهش دادند (۵).

افزایش تنش در روابط عراق و امریکا و همچنین تهدیدهای عراق و اسرائیل علیه یکدیگر در این مرحله قابل ملاحظه بود. صدام طی سخنانی، از حضور امریکا در منطقه با توجه به برقراری آتش بس، انتقاد کرد و تکرار این مطلب از سوی امریکایی ها که «قصدها دارند در منطقه بمانند» را سؤال برانگیز دانست. (۶) روزنامه القادسیه، ارگان ارتش عراق نیز سیاست امریکا در جهان عرب را با توطئه چینی و تهدیدات دانست و شعار «یانکی به خانه ات برگرد» را به عنوان شعار مردم جهان مورد استقبال قرار داد. (۷) صدام در این مرحله به

ص: ۲۲۶

۱- ۸۷۷. مأخذ ۹۶، دی ولت، چاپ آلمان غربی، ۱۰ دسامبر ۱۹۸۹ (۱۹ / ۹ / ۱۳۶۸).

۲- ۸۷۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۹، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۹، رادیو امریکا، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۹، لئونارد اسپکنر، کارشناس امور هسته ای در بنیاد مطالعاتی صلح کارنگی در واشنگتن. ۳- ۸۷۹. پیشین.

۴- ۸۸۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۸، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۹، رادیو بین المللی فرانسه.

۵- ۸۸۱. هفته نامه آدینه، شماره ۵، ۹ / ۱۰ / ۱۳۶۸، روابط اقتصادی عراق و انگلیس.

۶- ۸۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۳۷، ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۸، صدام حسین در ملاقات جان کلی معاون وزارت امور خارجه امریکا، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۸.

۷- ۸۸۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۳۶، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۸، بغداد، آسوشیتدپرس، ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۸.

صورت تلویحی از موضع برخی کشورهای میانه رو عرب مانند کشورهای ثروتمند خلیج فارس و طرف دار امریکا انتقاد کرد. (۱) صدام در گفت و گو با مبارک، رئیس جمهور مصر در مورد مواضع اخیر خود گفت:

«عراق در برخورد با قدرت های بزرگ جهانی به شیوه «سرزیر خاک بردن همچون شتر مرغ» اعتقاد ندارد و پس از پیروزی در جنگ با ایران، روش عقب نشینی در صحنه سیاست جهانی را نمی پذیرد» (۲).

در پی نگرانی عراق از اقدام ناگهانی اسرائیل علیه این کشور - همانند حمله اسرائیل به دو مرکز اتمی عراق در سال ۱۹۸۱ میلادی، پس از تجاوزش به ایران - اسرائیل را به مقابله به مثل تهدید کرد. صدام در دیدار با پنج سناتور امریکایی از جمله؛ «رابرت دال» رئیس اقلیت جمهوری خواه سنا که در موصل انجام گرفت، تصریح کرد:

«من دستور خودم را برای فرماندهان نیروی هوایی و فرماندهان موشکی عراق در مورد این که به محض اطلاع از حمله اسرائیل با بمب اتمی، به کمک سلاح شیمیایی دوگانه پاسخ دهند را صادر کرده ام.... احتمال دارد، روزی به هنگام گردهمایی فرماندهان نظامی، اسرائیل یک بمب اتمی به بغداد شلیک کند، از این رو، به فرماندهان برای پاسخ گویی به چنین حمله ای دستور واضح صادر کرده ام» (۳).

در این حال، ولیعهد بحرین در مصاحبه با مجله «السیاسه» در تداوم مواضع عراق گفت:

«اگر اسرائیل اشتباه کند و به عراق حمله کند، پاسخ عراق سخت خواهد بود» (۴).

واکنش عمومی اعراب نیز نسبت به هشدارهای صدام مثبت و قابل ملاحظه بود، حتی حافظ اسد از مواضع بغداد پشتیبانی کرد. در حالی که عراقی ها نگران حمله ناگهانی اسرائیل بودند و نسبت به آن هشدار می دادند،

ص: ۲۲۷

۱- ۸۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۴۴، ۸ / ۱۲ / ۱۳۶۸، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۱۲ / ۱۳۶۸، مقاله روزنامه تایمز مالی.

۲- ۸۸۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۱، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۹، روزنامه السیاسه، چاپ کویت.

۳- ۸۸۶. مأخذ ۱۱۱، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۴- ۸۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۶، ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی.

وزیر دفاع اسرائیل (موشه آرنز) گفت:

«عراق ممکن است بدون تحریک قبلی به اسرائیل حمله کند. ما بیانیه های عراق را خصمانه تلقی می کنیم» (۱).

آغاز صلح جویی با فرستادن نامه برای رهبران ایران

نخستین نامه رئیس جمهور عراق

در حالی که فضای بین المللی به شدت علیه عراق شکل می گرفت و تهدیدهای متقابل عراق و اسرائیل علیه یکدیگر احتمال وقوع درگیری مجدد در منطقه را افزایش داده بود، در ۵ اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه سربسته ای از رئیس جمهور عراق و آقای یاسر عرفات برای مقام معظم رهبری و رئیس جمهور ایران ارسال شد. به منظور بررسی مضامین نامه و همچنین تهیه جواب و برخورد مناسب با این موضوع، در ۸ اردیبهشت ۱۳۶۹ جلسه ای در محضر مقام معظم رهبری و با شرکت اعضای شورای عالی امنیت و مشاوران سیاسی رهبری و رئیس جمهور تشکیل شد. (۲) در این نشست، با توجه به شرایط حاکم بر منطقه، احتمالات زیادی در مورد انگیزه و علت اصلی اقدام عراق مطرح شد. در حالی که وضعیت عراق از نظر اقتصادی، مشکلات سیاسی اش با همسایگان و طلب کاران به ویژه امریکا و فرانسه، توجهات را به خود معطوف کرده بود، کمتر احتمال داده می شد که جنگی بین عراق و حامیان دیروز و آن روزش به وجود آید (۳).

صدام در نخستین نامه خود ضمن اشاره به ابتکار پنجم ژانویه ۱۹۹۰ میلادی، تصریح می کند:

«تاکنون متقابلاً به صلح مورد علاقه دو کشورمان راه نیافته ایم تا با هم از بلایای جنگ و امکان شعله ور شدن مجدد آن فاصله بگیریم» (۴).

وی می افزاید:

ص: ۲۲۸

۱- ۸۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۳، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۹، بیت المقدس، خبرگزاری

آسوشیتدپرس، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۹.

۲- ۸۸۹. مأخذ ۱۰۱.

۳- ۱۹۰. پیشین، ص ۱۵.

۴- ۱۹۱. پیشین، ص ۲۱.

«بدیهی است که امر خیر و آنچه می تواند پایه و اساسی برای آمال و آرزوها باشد، ممکن است در هاله ای از حدس و گمان ها و تفسیرهای شک برانگیز قرار گیرد.» (۱).

در این نامه، ضمن اشاره به احتمال شعله ور شدن مجدد جنگ امکان حدس و گمان ها و تفسیرهای شک برانگیز نسبت به اقدام غیرقابل پیش بینی عراق ابراز شده است. صدام در ادامه نامه خود، به اخبار مربوط به تهدیدهای صهیونیسم و برخی ابرقدرت ها اشاره کرده و احتمال «از سرگیری ستیز مسلحانه و خونین، بین ایران از یک طرف و امت عربی از طرف دیگر» را مورد بررسی قرار می دهد. همچنین، وی در این نامه پیشنهاد ملاقات مستقیم در مکه مکرمه یا هر مکان دیگری را مطرح و اظهار امیدواری می کند:

«بدین ترتیب، خون هایی را که چه بسا بار دیگر به هر علت بر زمین ریخته شود، محفوظ بداریم، زیرا از جمله احتمالات مترتب بر وضع موجود این که عوامل دست اندرکار وقوع فتنه میان ایران و عراق در گذشته، بار دیگر برای شروع مجدد جنگ به نحوی که صلح را از دو کشورمان دور سازد، تلاش کنند» (۲).

در نخستین نامه رئیس جمهوری عراق، کلیه کلمات و عبارات، ابهام برانگیز و نگران کننده بودند و حتی از این عبارات نوعی تهدید قابل استنباط بود؛ با این حال، در یک نگاه کلی و با توجه به فضای تنش زا در منطقه، نفس اقدام عراق مثبت ارزیابی می شد. طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق در سخنانی، با تأیید ارسال نامه صدام به ایران گفت:

«این نامه، نامه صلح بوده است» (۳).

رادیو لندن طی تفسیری در این باره گفت:

«دوران ما و عمل غرب با عراق به پایان رسیده است و همه این واقعیات برای تغییر و تفسیر علل اقدام سازش کارانه اخیر صدام جهت حل اختلافات با ایران کمک می کنند» (۴).

ص: ۲۲۹

۱- ۸۹۲. پیشین، صص ۲۱ و ۲۲.

۲- ۸۹۳. پیشین، ص ۲۳.

۳- ۸۹۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۴۵، ۱۴ / ۲ / ۱۳۶۹، بخش عربی رادیو بغداد، ۱۳ / ۲ / ۱۳۶۹.

۴- ۸۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۳، ۲۲ / ۲ / ۱۳۶۹، رادیو لندن، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۹.

نگرانی برخی از محافل نسبت به ماهیت اقدام اخیر عراق و پی آمدهای احتمالی آن، منجر به ایجاد ابهام نسبت به ابتکار عمل جدید عراق شد.

رادیو اسرائیل طی تفسیری، هدف عراق از این اقدام را حذف سازمان ملل از دور مذاکرات دانست. (۱) رادیو مسکو نیز در تفسیری گفت:

«علائم سازش احتمالی روز به روز آشکار می شود» (۲).

روزنامه الدستور نیز نوشت:

«این ابتکار، به خودی خود مسئله مهمی است و برای اولین بار برای شکستن بن بست مذاکرات، دو طرف به مبادله مستقیم نظریات خود پرداخته اند. این اقدام نشانه خرسندی رهبری عراق است، زیرا این کار به عراق فرصت می دهد، در صورت هر گونه مقابله احتمالی با اسرائیل از جانب ایران آسوده خاطر باشد» (۳).

پاسخ رئیس جمهور ایران به نامه رئیس جمهور عراق

با توجه به اقدامات اخلاص گرانه عراق در مذاکرات صلح وجود ابهاماتی در خصوص انگیزه صدام حسین از ارسال نامه به رئیس جمهور ایران و همچنین، محتوای این نامه، سرانجام پس از بحث و بررسی های انجام شده، به وسیله رهبران جمهوری اسلامی آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت ایران در پاسخ به نامه صدام می نویسد:

«به راستی اگر مطالبی که در این پیام آمده [است] هشت سال پیش مورد توجه واقع می شد و ارسال پیام جای اعزام سرباز را می گرفت، امروز دو کشور ایران و عراق و شاید همه امت اسلامی با این همه خسارات و ضایعات مواجه نبود» (۴).

در ادامه نامه نوشته شده است:

«در همان آغاز انقلاب اسلامی جنگی ناخواسته و ویرانگر بر ما تحمیل شد و بخش بزرگی از سرزمین ها در مرزهای غربی کشور اشغال گردید» (۵).

ص: ۲۳۰

۱- ۸۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۶، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۹، رادیو اسرائیل، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۹.

۲- ۸۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۷، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۹، رادیو مسکو، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۹.

۳- ۸۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۸، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۹، امان، خبرگزاری کویت، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۹.

۴- ۸۹۹. مأخذ ۱۰۱، ص ۳۰.

۵- ۹۰۰. پیشین، ص ۳۰.

با توجه به برداشتی که نسبت به ماهیت تهدید آمیز نامه صدام وجود داشت در نامه آقای هاشمی تصریح شده است:

«ادامه وضع نه صلح نه جنگ و یا تجدید جنگ برای هر دو کشور و هر دو ملت عراق و ایران، ویرانی بیش تر و برای امت اسلامی، ناتوانی و برای کفر جهانی، شادمانی و فرصت کسب امتیاز به بار خواهد آورد.»

آقای هاشمی (فرمانده عالی جنگ در سال های پایانی مقاومت هشت ساله) با اشاره به تجربه جنگ، به صدام یادآوری می کند:

«تجربه جنگ تحمیلی به دیرباوران هم فهماند که تهاجم نظامی قادر نخواهد بود که پایه های انقلاب اسلامی متکی بر اراده مردم مسلمان را متزلزل سازد» (۱).

وی در بخش دیگری از نامه خود نوشت:

«ما از هر گونه ابتکار و پیشنهادی که دو کشور را به صلح جامع برساند استقبال می کنیم و وضعیت نه جنگ و نه صلح را مطلوب نمی دانیم» (۲).

همچنین در این نامه تصریح شده است:

«ادامه اشغال بخشی از سرزمین ما می تواند حرکت ما را در راه تحصیل صلح جامع، کند و یا بی ثمر کند.»

رئیس جمهور اسلامی ایران در ادامه تأکید می کند:

«قبل از تماس رؤسای جمهوری، نمایندگان بحث های کارشناسی را انجام دهند و شیوه اقدام به گونه ای باشد که خللی به اعتبار قطع نامه ۵۹۸ که چارچوب مناسبی برای حل و فصل اختلافات است، وارد نشود» (۳).

همان گونه که از محتوای این نامه روشن است، پاسخ ارائه شده کاملاً احتیاط آمیز بود. در این نامه ضمن استقبال از صلح، به تهدیدهای احتمالی پاسخ داده شده و تلاش شده است، حقانیت مواضع و اقدامات ایران با توجه به ماهیت رفتار تجاوزکارانه عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اثبات شود.

ص: ۲۳۱

۱- ۹۰۱. پیشین، صص ۳۰ و ۳۱.

۲- ۹۰۲. پیشین، ص ۳۱.

۳- ۹۰۳. پیشین، ص ۳۲.

نماینده خبرگزاری فرانسه واکنش اخیر ایران را که به مبادله نامه میان رؤسای جمهوری دو کشور ایران و عراق منجر شد، به منزله عقب نشینی این کشور از مواضع قبلی خود ارزیابی کرد، همچنین خبرنگار شبکه «سی.بی.اس» آمریکا در آستانه شکل گیری مرحله جدیدی از مناسبات ایران و عراق این سؤال را طرح کرد که «چگونه می شود به عراق اطمینان کرد؟» (۱).

دومین نامه رئیس جمهور عراق

در نامه دوم صدام که در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹ نوشته شد، آمده است:

«برداشت ما این بود که شما با پیشنهاد ما در زمینه برگزاری «ملاقاتی در سطح سران» برای حل و فصل قاطع و نهایی مشکلات موجود بین دو کشور که علت کشمکش و یا نتیجه آن بوده [است]، موافقت دارید و ما از این امر خوشحال شدیم» (۲).

صدام در این نامه اشاره کرده است:

«روح پیام شما آن چنان که ما امیدوار بودیم نبود» (۳).

وی در مورد علت مکاتبه مستقیم به عنوان روشی مفیدتر برای ایران و عراق و همچنین، مفهوم صلح و نحوه تحقق آن می نویسد:

«صلح بین دو کشور نمی تواند بر این اساس که مقرون به باور طرف دیگر باشد، تحقق یابد و عنایت یک طرف به صلح بدون آن که به موازات آن اندیشه ها، مفاهیم و روش ها توسط طرف مقابل نیز مورد عنایت قرار گیرد، مفید فایده نخواهد بود» (۴).

صدام با گلایه از به کارگیری برخی عبارات از جمله «جنگ تحمیلی» و «والسلام علی من اتبع الهدی» به جای «والسلام علیکم» می افزاید:

«به کارگیری الفاظ و عبارات زمان جنگ این توهم را به وجود نمی آورد که به کار برنده آن الفاظ به قدرتی افزون بر قدرت شناخته شده آن در زمان جنگ،

ص: ۲۳۲

۱- ۹۰۴. مأخذ ۱۲۷، سازمان ملل، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۰۵. مأخذ ۱۰۱، ص ۳۵.

۳- ۹۰۶. پیشین، ص ۳۵.

۴- ۹۰۷. پیشین، ص ۳۶.

دست یافته است؟» (۱).

در ادامه نامه درخواست شده است:

«هیچ یک از طرفین به گذشته نپردازد تا بدین وسیله به آینده لطمه نزنند. (۲)... [زیرا] هر یک از طرفین نزاع برای آغاز جنگ، تاریخ خاص خود را دارد» (۳).

«در این نامه تأکید شده است: هیچ یک از دو طرف کشمکش شایسته نیست که پیش بهایی برای دیدار مستقیم غیر از تمایل جدی به تحقق صلح، نپردازد» (۴).

این درخواست، بیش تر در پاسخ به درخواست ایران مبنی بر عقب نشینی از مناطق اشغالی بود. زیرا در ادامه همین عبارات، توضیحاتی در مورد زمان عقب نشینی نیروهای عراقی در سال ۱۹۸۲ میلادی در مقایسه آن با شرایط عقب نشینی ایران از حلبچه آمده است.

دیدار نمایندگان دو کشور

در پی موافقت با پیشنهاد آقای هاشمی مبنی بر دیدار نمایندگان دو کشور قبل از ملاقات سران، «برزان ابراهیم التکریتی» و آقای «سیروس ناصری» به عنوان نمایندگان دو کشور، مذاکرات را آغاز کردند و در مورد تعیین مکان، از ایران درخواست شد نظر خود را به طور صریح بیان کند.

به تدریج، مندرجات نامه های سران دو کشور منجر به نوعی مجادله شد، همان گونه که در مذاکرات صلح، بین وزیران خارجه ایران و عراق چنین بحث های بی نتیجه ای مطرح شده بود. در واقع، این اظهارات بخشی از دیدگاه ها، حقایق و واقعیت های گذشته را مطرح می ساخت و به لحاظ تاریخی ارزشمند بود، اما به هیچ وجه به گشایش در بن بست مذاکرات و رهایی از وضعیت «نه جنگ نه صلح» کمک نمی کرد.

ص: ۲۳۳

۱- ۹۰۸. پیشین، ص ۳۷.

۲- ۹۰۹. پیشین، ص ۳۸.

۳- ۹۱۰. پیشین، ص ۳۸.

۴- ۹۱۱. پیشین، ص ۳۹.

رئیس جمهور ایران در نامه دوم خود که در ۲۸ خرداد ۱۳۶۹ نوشته شد، تصریح می کند:

«جواب نامه دوم را هم می دهیم ولی انتظار داریم، بعد از این وقت را با مبادله نامه ها تلف نکنیم» (۱).

در این نامه در پاسخ به گله های رئیس جمهور عراق آمده است:

«در نامه شما آداب معمول در مکاتبات رسمی و رایج رعایت نشده (۲)، ولی بهتر است که بگذاریم و بگذریم» (۳).

در ابتدای این نامه، تصریح شده است، برخلاف انتظار و درخواست صدام، حضرت آیت الله خامنه ای در مذاکرات شرکت نکرده و رئیس جمهور با اختیارات کامل عمل خواهد کرد. همچنین، در این نامه به بخشی از بحث های مطرح شده در نامه صدام در مورد عقب نشینی پاسخ داده شده و سپس در نامه ای سیروس ناصری به عنوان نماینده رئیس جمهور در مذاکرات معرفی می شود. (۴) در این نامه، شهر مکه به عنوان محل مذاکرات - به خاطر نقش سعودی در زمان جنگ - پذیرفته نشده و مقرر می شود، در آستانه شروع مذاکرات، محل مشخص شود. در این نامه، آقای هاشمی بر این مسئله تأکید می کند که دبیرکل در جریان مذاکرات قرار گیرد تا از ابتکارهای ایشان در راه تحکیم صلح استفاده شود (۵).

صدام در سومین نامه خود در ۲۵ تیر ماه ۱۳۶۹ (۱۶ ژوئیه ۱۹۹۰) درخواست اعزام نماینده به تهران را مطرح می کند که به آن پاسخ داده نمی شود. چهارمین نامه عراق نیز که آخرین نامه آن کشور پیش از تهاجم به کویت است، در ۸ مرداد ۱۳۶۹ (۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰) نوشته شد. این نامه به لحاظ محتوایی با نامه های قبلی کاملاً تفاوت داشت، صدام در این نامه، نظرات

ص: ۲۳۴

۱- ۹۱۲. پیشین، ص ۴۳.

۲- ۹۱۳. پیشین، ص ۴۴.

۳- ۹۱۴. پیشین، ص ۴۵.

۴- ۹۱۵. پیشین، ص ۴۶.

۵- ۹۱۶. پیشین، ص ۴۷.

خود را در ۱۳ بند درباره دست یابی به صلح ارائه می کند. در مقدمه ی این نامه آمده است:

«پس از بررسی دقیق تحول روابط و وضعیت فعلی میان عراق و ایران و خطراتی که منطقه را در بر گرفته و محیط بر آن شده [است] و... خود را در موقعیت ارائه پیشنهاد تازه ای یافتیم» (۱).

در این نامه بار دیگر به نیروهای اهریمنی اشاره شده و آمده است:

«[آنها می خواهند] با استناد به این واقعیت که جنگ بین دو کشور از نظر حقوقی پایان نیافته است، دو کشور را به سوی آنچه مجددا جرقه جنگ را بزند، سوق دهند» (۲).

صدام در این نامه به جبهه خشکی (مرز زمینی) ایران و عراق به طول ۱۲۰۰ کیلومتر و مرز آبی در دریا به طول ۸۰۰ کیلومتر اشاره می کند. (۳) استفاده از عبارت ۸۰۰ کیلومتر مرز دریایی که شامل سواحل کویت، عربستان، بحرین، قطر و امارات متحده عربی نیز می شود، ابهامات زیادی را به هنگام مطالعه نامه برانگیخت. شاید این عبارت، صریح ترین عبارتی باشد که صدام در این نامه به کار برده است و بدین وسیله، در واقع، به اهداف خود مبنی بر تصرف کویت و گسترش مرز دریایی اشاره می کند. نظر به این که چنین احتمالی پیش از اشغال کویت داده نمی شد لذا، مقام های ایرانی این عبارات را به منزله نوعی تهدید ارزیابی کردند، زیرا صدام در این نامه بار دیگر به احتمال از سرگیری جنگ ایران با بهانه های ساده اشاره می کند (۴).

در بند ۳ این نامه به اصل توافق برای آغاز مذاکرات اشاره شده و در بند ۴ بر عقب نشینی نیروهای دو کشور در مدت دو ماه پس از تصویب نهایی توافق های همه جانبه دو طرف تأکید شده است. در بند ۵ نیز آمده است، آزادی اسرا همانند عقب نشینی و هم زمان با آن (برابر بند ۴) قابل اجرا می باشد. در سایر بندها نیز به موضوعاتی مانند نحوه تصمیم گیری در مورد

ص: ۲۳۵

۱- ۹۱۷. پیشین، ص ۵۱.

۲- ۹۱۸. پیشین، ص ۵۲.

۳- ۹۱۹. پیشین، ص ۵۲.

۴- ۹۲۰. پیشین، ص ۵۲.

اروندرو، تضمین اجرای قطع نامه از سوی یک مرجع بین المللی، نحوه تقسیم کمک های بین المللی برای بازسازی دو کشور و گشایش سفارت خانه ها در تهران و بغداد اشاره شده است. در آخرین بخش این نامه آمده است:

«پیشنهاد فوق فراگیر بوده و اجزای آن به هم پیوسته و غیر قابل تفکیک است و رسیدن به آن با استمداد از تجربه و نیز گفت و گوی نمایندگان ما در ژنو، آقایان ناصری و برزان، ممکن گشته است» (۱).

به موازات تبادل نامه میان رؤسای جمهوری ایران و عراق و مذاکرات نمایندگان دو کشور در ژنو، کم کم نشانه هایی مبنی بر حل تدریجی اختلافات ایران و عراق آشکار شد. رادیو مسکو طی تحلیلی در این باره گفت:

«در حال حاضر پایه و اساس خوبی برای رفع نهایی حالت جنگ میان دو کشور فراهم شده است و مسکو در حال حاضر از کوشش های خود برای حل و فصل مسائل مورد اختلاف میان ایران و عراق دست بر نمی دارد» (۲).

رادیو مسکو در تحلیل دیگری در مورد فرآیند این مذاکرات گفت:

«بازی دیپلماتیک میان ایران و عراق ممکن است برای آینده مناسبات ایران و عراق اهمیت قاطعی داشته باشد» (۳).

روزنامه القادسیه چاپ عراق نیز نوشت:

«عراق مشتاق است که از راه گفت و گو به حالت نه جنگ و نه صلح با ایران پایان دهد، قرارداد صلح را امضا کند و موجبات تقویت مناسبات آینده با ایران را بر شالوده احترام متقابل و علاقه بر امنیت و صلح منطقه ای فراهم آورد» (۴).

با ادامه گفت و گوی نمایندگان ایران و عراق در ژنو، بخش فارسی رادیو امریکا گفت:

«برای نخستین بار از زمان انقلاب اسلامی تاکنون، نمایندگان ایران و عراق بدون حضور نمایندگان سازمان ملل متحد، یکدیگر را ملاقات می کنند».

رادیو امریکا در ادامه گفتار خود به نقل از دیپلمات ها، ملاقات نمایندگان

ص: ۲۳۶

۱- ۹۲۱. پیشین، صص ۵۳ تا ۵۷.

۲- ۹۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۹، ۷ / ۳ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، رادیو مسکو، ۶ / ۳ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۰، ۱۸ / ۳ / ۱۳۶۹، رادیو مسکو، ۱۷ / ۳ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۳، ۲۱ / ۳ / ۱۳۶۹، رادیو امریکا، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۹.

دو کشور را قدمی مثبت و مهم در راه رسیدن به صلح خواند.

روزنامه نیویورک تایمز نیز درباره تأثیر موافقت ایران و عراق در تحولات منطقه نوشت:

«این می تواند توازن منطقه را برهم بزند و تأثیر مهمی بر حوادث خاورمیانه و در نتیجه خصومت بین اعراب و اسرائیل بر جای بگذارد» (۱).

در این حال، اسرائیل با نگرانی از روند تحولات اخیر، تلاش می کرد، در روابط ایران و عراق خراب کاری کند و شکاف دیدگاه های میان دو کشور را عمیق تر سازد (۲).

پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در پی اشغال کویت

اشغال کویت و بازتاب های آن

ماشین جنگی عراق در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ (دوم اوت ۱۹۹۰ میلادی) با حرکتی برق آسا از ساعت ۲ نیمه شب تا ساعت ۸ صبح (در مدت هشت ساعت) کویت را اشغال کرد (۳)، و بدین ترتیب، نطفه یکی از مهم ترین رخدادهای تعیین کننده و تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه در چند دهه اخیر بسته شد. استعداد ارتش عراق در این عملیات بالغ بر ۹۵ هزار تن شامل یگان های پیاده و زرهی بود و در مقابل، ارتش کوچک کویت با ۲۰ هزار نیرو مقاومت قابل توجهی در برابر این حمله از خود نشان نداد. عراق با متصرفات جدید از توانائی های تاکتیکی و استراتژیکی جدیدی برخوردار شد که به دلیل پی آمدهای، آن برای قدرت های منطقه ای و بین المللی قابل هضم و پذیرش نبود. ارزش اولیه تسلیحات کویت که طی این حمله در اختیار ارتش عراق قرار گرفت حدود ۳۰ میلیارد دلار بود که در آن میان، ۱۳۰ فروند هواپیما، ۱۰۰ فروند هلی کوپتر، ۷۰ فروند انواع شناورهای نظامی، ۱۰۰ سکوی متحرک پرتاب موشک ضد هوایی با بیش از ۵۰۰ فروند موشک، ۱۰۰

ص: ۲۳۷

۱- ۹۲۵. دفتر سیاسی نمایندگی امام در سپاه، «رویدادها»، نشریه شماره ۲۹۷، نیویورک تایمز، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۴، ۱ / ۴ / ۱۳۶۹، کویت، خبرگزاری کویت، به نقل از یک روزنامه کویتی، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۲۷. عباس عطاری کرمانی، روز شمار جنگ نفت، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۰.

دستگاه تانک و نفربر تنها بخشی از این تسلیحات بودند. اعلام الحاق کویت و هفت جزیره این کشور به خاک عراق که در واقع سرزمینی برابر با بیش از ۱۷ هزار کیلومتر مربع و ساحلی به طول ۲۵۰ کیلومتر با ۹ پاسگاه بندر دریایی را شامل می شد، عراق را از موقعیت ژئواستراتژیکی مناسبی برخوردار کرد و مناطق تحت نفوذ این کشور تا نزدیکی های تنگه هرمز گسترش داد. همچنین با توجه به ذخایر نفتی کویت که ۱۰۹ میلیارد بشکه تخمین زده می شد، به اضافه ذخایر نفتی خود عراق که حدود ۷۵ میلیارد بشکه بود، عراق را به ثروتمندترین (۱) کشور منطقه تبدیل کرد (۲).

سرعت عمل عراق و در مقابل، غافل گیری کویت و حامیان آن موجب به بار آمدن خسارت های زیادی از جمله اشغال کویت شد. امیر کویت با وجود استقرار نیروهای نظامی عراق در مرز کویت و فضای تنش زا میان دو کشور، با اعتماد به سرویس اطلاعاتی امریکا و نیروهای نظامی این کشور، از اطمینان خاطر مبالغه آمیزی برخوردار بود و لذا هیچ گونه تمهیداتی برای مقابله و یا فرار فراهم نکرده بود، به همین دلیل امیر کویت بلافاصله پس از آغاز پیش روی ارتش عراق در خاک کویت، در نیمه های شب سراسیمه درخواست و خود را به سفارت امریکا رساند و با هلی کوپتر به عربستان رفت و وزیران او نیز جاده ۵۰ کیلومتری کویت تا عربستان را با ماشین پیمودند و تنها برادر کوچک امیر تا آخرین لحظه مقاومت کرد و کشته شد (۳).

ریچارد مورفی، معاون وقت وزیر خارجه ریگان در نخستین واکنش به حمله عراق در گفت و گو با برنامه صبح شبکه تلویزیونی سی.ان.ان گفت:

«حرکت صدام همه را غافل گیر کرد.... در دوران بعد از جنگ جهانی دوم این نخستین بار است که یک کشور عربی مورد تجاوز یک کشور عربی دیگر قرار

ص: ۲۳۸

۱- ۹۲۸. ذخایر نفتی عربستان ۱۶۴ میلیارد بشکه نفت است ولی عراق در این مرحله صاحب ۱۸۴ میلیارد بشکه نفت می شد.

۲- ۹۲۹. معاونت اطلاعات سپاه، شهریور ۱۳۶۹، گزارش های نوبه ای، صص ۷ تا ۱۹.

۳- ۹۳۰. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۱.

«میچل دوار»، یکی از کارشناسان و تحلیل‌گران نیز گفت:

«۲۴ ساعت پیش از حمله عراق به کویت در مصاحبه‌ای با بی.بی.سی اعلام کردم که حضور نظامی عراق در مرز کویت صرفاً یک تهدید به شمار می‌رود و اصلاً تصور نمی‌کردم که صدام این چنین بی‌رحمانه به این کشور تجاوز کند» (۲).

البته، آمریکایی‌ها پس از تجاوز عراق به کویت، سعی کردند، غفلت خود را چنین توجیه کنند که به دوستان منطقه‌ای خود اتکا کرده بودند و تصور می‌کردند، آنها پیشاپیش مخاطرات سیاسی منطقه را تشخیص می‌دهند. (۳) در این میان اسرائیلی‌ها، که به شدت نسبت به افزایش توان نظامی عراق به ویژه گسترش سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای و موشکی این کشور و اتحاد نظامی اردن و عراق نگران بوده و با دستگاه‌های اطلاعاتی خود، عراق را به دقت زیر نظر داشتند، در برابر این تهاجم غافل‌گیر شدند، حال آن‌که، تمرکز قوای عراق در امتداد مرز کویت از چشم آنها دور نمانده بود، اما سازمان‌های اطلاعاتی نتوانسته بودند تهاجم عراق را پیش‌بینی کنند (۴).

این غافل‌گیری همه‌گیر می‌تواند متأثر از عوامل مختلفی باشد، از جمله:

۱- عدم احتمال حمله یک کشور عربی به کشور عربی دیگر به ویژه کویت که علاوه بر پشتیبانی همه‌جانبه از عراق در جنگ علیه ایران، مورد حمایت کامل آمریکا نیز قرار داشت.

۲- ظرفیت منطقه پس از تحمل یک جنگ هشت ساله به آن میزان نبود که بتواند برای یک جنگ دیگر، آن هم در محدوده خلیج فارس آماده شود.

۳- گرایش عراق به سمت غرب و وابستگی‌های اقتصادی به گونه‌ای بود که تحلیل‌گران از رفتار عاقلانه و متعادل تر صدام سخن می‌گفتند.

ص: ۲۳۹

۱- ۹۳۱. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن «بازتاب حمله عراق به کویت»، شماره ۱، مرداد ۱۳۶۹، ص ۷.

۲- ۹۳۲. پیشین.

۳- ۹۳۳. الکسی و نجف وان کوهن، دیدگاه‌های بین‌المللی درباره جنگ خلیج فارس، ترجمه محمد حسین آریا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۲، مقاله سیاست‌های منطقه‌ای جنگ، شهرام چوبین.

۴- ۹۳۴. پیشین، ص ۸۷، مقاله اسرائیل و جنگ، نوشته: آوای اسلیم.

۴- مشکلات داخلی عراق پس از یک جنگ هشت ساله و تعهدات مالی این کشور به گونه ای نبود که عراق بتواند برای نبردی جدید آماده شود.

۵- تداوم وضعیت «نه جنگ نه صلح» بین ایران و عراق و عدم دست یابی به توافق نهایی با توجه به شکنندگی این وضعیت، ایجاب می کرد اهتمام اصلی عراق بر پایان بخشیدن به اختلافات با ایران متمرکز باشد.

البته، دلایل قابل بررسی دیگری هم وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. نظر به آن که از زمان پایان جنگ ایران و عراق در مرداد ۱۳۶۷ تا آغاز حمله عراق به کویت در مرداد ۱۳۶۹ (به مدت دو سال) سمت و سوی تهدیدات عراق همچنان علیه ایران بود، تحرکات کاملاً آشکار نظامی عراق بیش تر به عنوان نوعی «قدرت نمایی رعب انگیز» و «تهدیدهای باج گیرانه» از شیوخ ثروتمند خلیج فارس ارزیابی می شد لذا احتمال حمله نظامی عراق به کویت مورد توجه سازمان های اطلاعاتی قرار نگرفته بود به گونه ای که در برابر تجاوز عراق به کویت کاملاً غافل گیر شدند.

نظر به اهمیت تجاوز عراق به کویت و آثار و پی آمدهای اشغال این کشور، بحث و بررسی های بسیار زیادی درباره ریشه ها و علل اصلی اقدام عراق انجام گرفت که می توان آنها را به دو نظریه برجسته و عمده تقسیم کرد: در نظریه نخست - که به عنوان نظریه ای نسبتاً رایج بازتاب گسترده ای یافت - عراق در قالب یک «تئوری توطئه» که صحنه پرداز اصلی آن امریکا بود، با چراغ سبز این کشور وارد عمل شد و به کویت حمله کرد. بر اساس نظریه دوم، تهاجم عراق به کویت در اثر تصمیم مستقل سیاسی و بدون دخالت و صحنه پردازی قدرت های خارجی و تنها در چارچوب اهداف استراتژیک حکومت عراق و بر مبنای الزامات این حکومت و تصور صدام از صحنه بین المللی و منطقه و با

زمینه سازی این کشور انجام شد. (۱) به عقیده طرف داران نظریه دوم، تهاجم عراق تلفیقی از مسائل تاریخی، اقتصادی، ژئوپلتیک و استراتژیک است (۲).

در این میان، گرچه طرف داران هر دو نظریه دلایل، شواهد و قرائن گوناگونی را برای اثبات نظر خود ارائه می کنند، اما به نظر می رسد، نظریه دوم با واقعیات تطبیق بیش تری داشته باشد. این مسئله با این توضیح بیش تر روشن می شود که طرف داران نظریه اول بر این باورند که صدام مزدور امریکا و در نتیجه، همواره در خدمت منافع امریکا بوده است. افزون بر این آرایش ۹۵ هزار نیروی نظامی عراق در مرز کویت نمی توانسته از دید دستگاه های اطلاعاتی و همچنین، تحلیل گران و تصمیم گیرندگان امریکایی پنهان مانده باشد. با توجه به آن که این فرضیات قابل اثبات نیست و مقام های امریکایی نیز در اظهارات علنی خود بر غافل گیری در برابر اشغال کویت اعتراف کرده اند، لذا دلیلی وجود ندارد که موضوع حمله عراق به کویت را بر پایه «تئوری توطئه» توجیه کرد. البته، این مسئله قابل انکار نیست که برخورد متناقض امریکایی ها در برابر عراق، که بی شباهت با برخورد تردید آمیز دستگاه دیپلماسی و امنیتی امریکا با شاه و پدیده انقلاب اسلامی نبود، به توهمات صدام و ارزیابی های نادرست وی از اوضاع منطقه دامن زده باشد، ولی این موضوع دلایل دیگری دارد که به هیچ وجه نمی تواند مبنای استدلال برای اثبات «تئوری توطئه» قرار گیرد.

در این میان، اظهارات شخصیت های رسمی عراق در مورد علت و انگیزه عراق از اشغال کویت بیش تر به نظریه اول نزدیک است، با این تفاوت که عراقی ها بر این باور بودند که در معرض توطئه ای قرار گرفتند که امریکا و اسرائیل با کمک عربستان سعودی و کویت به صورت مشترک آن را طراحی کرده بودند و لذا برای خنثی سازی و غلبه بر آن، به چنین اقدامی دست زده اند. سعدون حمادی، از شخصیت های سیاسی عراق که در دی ماه ۱۳۶۹

ص: ۲۴۱

۱- ۹۳۵. سردار سلامی، پروژه علل شکست نظامی عراق و پیروزی متحدین، ۱۳۷۶، بخش بحث و بررسی ادبیات و منابع موجود، اظهارات سردار غلامعلی رشید، ص ۱۰.

۲- ۹۳۶. پیشین.

به تهران سفر کرد، در دیدار با چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ضمن اشاره به تاریخ پیدایش کویت و نقش انگلیسی ها در جدا کردن این کشور از عراق به دلیل وجود چاه های نفت آن و قصد حکام عربستان سعودی و کویت برای ضربه زدن به عراق، گفت:

«ما درست پس از خاتمه جنگ [با ایران] احساس کردیم که توطئه ای علیه ما در شرف انجام است.»

وی اقدام کنگره امریکا در لغو فروش گندم به عراق و حملات تبلیغاتی این کشور در مورد سلاح های شیمیایی و همچنین اعدام «بازیافت» را به اتهام جاسوسی، از دلایل این توطئه ذکر کرد و افزود:

«برای خرید وسائل [تجهیزات مورد نیاز] متوجه شدیم که C.I.A در پشت سر ما است تا قرارداد را افشا کرده و برهم زند.»

وی همچنین به طرح ترور صدام اشاره کرد و گفت:

«اطلاعاتی به دست مأمورین امنیتی ما رسید که جان رئیس جمهور ما در خطر است. شاه حسین [شاه اردن] شخصا نامه ای به بوش نوشت و به او این مطلب را گفت که سیستم دستگاه های اطلاعاتی امریکا می خواهند این عمل را انجام دهند و بوش آن را تکذیب نکرد.»

این مقام عراقی ادامه داد:

«به ما اطلاعاتی رسید که اسرائیل طی توطئه ای قصد دارد برای ضربه زدن به تأسیسات علمی در عراق، از طریق هوایی اقدام کند و اگر نگفته بودیم که ضربه را پاسخ خواهیم داد، این اتفاق افتاده بود» (۱).

وی در پایان اظهارات خود بار دیگر تأکید کرد:

«احساس کردیم که امریکا قصد دارد عراق را تضعیف کرده و به آن ضربه بزند.»

صدام نیز پیش از حمله به کویت، طی سخنانی، به طرح گسترده امریکا برای سقوط قیمت نفت اشاره کرد که به کمک برخی کشورهای منطقه انجام

ص: ۲۴۲

گرفت و باعث شد که عراق در نیمه سال ۱۹۹۰ حدود ۱۴ میلیارد دلار زیان کند. (۱) بعدها، لطیف جاسم، وزیر وقت اطلاعات عراق در مصاحبه با نشریه آلمانی اشپیگل گفت:

«همه امیدوار بودند بعد از جنگ با ایران ما از پای درآئیم، خواه از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا نظامی.... کویت نقش صهیونیست ها را به عهده گرفت و از طریق افزایش میزان تولید نفت، قیمت را در سطح بسیار پایینی نگه داشت، به طوری که ما میلیاردها دلار ضرر کردیم و اقتصادمان دچار مخاطره گردید. به این ترتیب، آن خبیث کویتی می خواست ما را به زانو درآورد. در این رابطه، امارات نیز با او همکاری داشت» (۲).

عراقی ها برای اثبات ادعای خود مبنی بر نقش کویت در طرح امریکا برای تضعیف عراق، پس از اشغال کویت، نامه محرمانه اداره امنیت کویت به شیخ «سالم الصباح»، وزیر کشور کویت را منتشر ساختند. در بند پنجم این سند که حاوی توافق مدیر کل اداره کل امنیت کویت (سرهنگ فهد احمد الفهد) و مدیر سرویس اطلاعاتی استان الاحمدی، پس از بازدید از مقر سازمان سیا در ۱۲ تا ۱۸ نوامبر ۱۹۸۹ و دیدار با «ویلیام وبستر»، مدیر کل سازمان سیا می باشد، آمده است:

«ما با طرف امریکایی به توافق رسیدیم که بهره برداری از وخامت اوضاع اقتصادی عراق جهت اعمال فشار بر دولت آن و تعیین رسمی مرزهای ما، اهمیت دارد.» (۳).

بنابراین برخلاف تبلیغات امریکایی ها مبنی بر این که عراق برای «برتری بر منطقه خلیج فارس و رهبری جهان عرب» (۴) به کویت حمله کرد، به نظر می رسد این مسائل می توانست به عنوان نتایج و پی آمد اشغال کویت، موقعیت استراتژیکی عراق را ارتقا دهد، ولی به گفته «افرایم کارش»، استاد بخش مطالعاتی جنگ کالج «کلینگ» لندن انگیزه عراق چیز دیگری بود. وی

ص: ۲۴۳

۱- ۹۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۹، بغداد، خبرگزاری رویترا، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۳۹. روزنامه اشپیگل، ۲۶ / ۷ / ۱۳۶۹، مصاحبه با لطیف جاسم، وزیر اطلاعات عراق.

۳- ۹۴۰. این سند بعدها در سال ۱۹۹۰ به وسیله «ژون آفریک» چاپ پاریس منتشر شد.

۴- ۹۴۱. مأخذ ۱۶۲، ص ۸، مصاحبه سی.ان.ان با گری سیک، مشاور امنیتی کارتر.

«اوضاع در عراق قبل از جنگ بسیار دشوار بود به همین دلیل صدام برای آن که از نظر اقتصادی زنده بماند، به کویت حمله کرد» (۱).

صرف نظر از ملاحظاتی که در مورد ریشه یابی اقدام عراق وجود داشت، بدون تردید، نتایج و پی آمدهای احتمالی این واقعه یکی از مهم ترین انگیزه های شکل گیری رخدادهای بعدی در منطقه، از جمله اقدام نظامی امریکا علیه عراق و همچنین، موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر بود. در واقع، اشغال کویت، عراق را در موقعیت جدیدی قرار داد که از یک سو، برای امریکایی ها قابل هضم و پذیرش نبود و به همین دلیل، مقدمات ایجاد ائتلاف جهانی برای اقدام نظامی علیه عراق را فراهم کرد و از سوی دیگر، عراق با دست یابی به کویت و برخورداری از امتیازات ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک جدید، نیازی به لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر و در نتیجه، پافشاری روی مواضع خود در مذاکرات صلح با ایران نداشت و لذا، به راحتی از مواضع خود در این مذاکرات عقب نشینی کرد و این قرارداد را پذیرفت.

از نظر امریکایی ها، عراق با اشغال کویت طرح استراتژیکی امریکا را مغشوش و موقعیت استراتژیکی عربستان سعودی را به مخاطره انداخته بود، زیرا با این حادثه، ترکیب قدرت در منطقه به هم خورد (۲) و در نتیجه «تعادل قوا» در خلیج فارس از میان رفت. (۳) فرآیند این تحولات نه تنها ثبات کشورهای هم پیمان امریکا در منطقه را دست خوش تحولات اساسی می کرد، بلکه مهم ترین عنصر اساسی برای منافع حیاتی امریکا و غرب یعنی نفت را در معرض چالش های بنیادین قرار می داد. به گفته برژینسکی عراق در موقعیت جدید از این امکان برخوردار بود که در تعیین قیمت نفت نقش فعال تری ایفا کند (۴) و به بازیگر نهایی در سیاست های اوپک تبدیل شود (۵).

امریکایی ها در برابر پیدایش وضعیت جدید دو راه کلی فرا روی خود

ص: ۲۴۴

۱- ۹۴۲. روزنامه اطلاعات، ۳۱ / ۱ / ۱۳۷۰.

۲- ۹۴۳. مأخذ ۱۶۲، «میچل هاونس»، رئیس مرکز مطالعات جهانی عرب وابسته به دانشگاه جرج تاون در گفت و گو با سی.ان.ان.

۳- ۹۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۶، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۹، رادیو بی.بی.سی، ۲۱ / ۵ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۱، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۹، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۹، روزنامه تایمز لندن.

۵- ۹۴۶. مأخذ ۱۶۲، مرداد ۱۳۶۹، روزنامه نیویورک تایمز، به نقل از گری سیک.

داشتند: نخست آن که، با اقدام به تقسیم پیروزی با عراق، سرانجام واقعیات جدید را پذیرفته و با عراق به گفت و گو و تفاهم برسند. برابر شواهد و قرائنی که وجود داشت، عراقی ها تصور می کردند، امریکایی ها به دلیل عدم تمایل به اقدام نظامی و سایر ملاحظات و محدودیت هایی که در برابر خود داشتند، سرانجام این راه حل را خواهند پذیرفت. به عبارت دیگر، از نظر عراقی ها، امریکایی ها در نهایت نفت می خواستند که عراق برای آنها تأمین می کرد. شاید یکی از علل اصلی شکست عراق ناشی از همین محاسبه نادرست و عدم آمادگی عراق برای اقدام نظامی بود. به عبارت دیگر، عراق تصور می کرد، پس از اشغال کویت و اندکی کشمکش و جنگ سیاسی - تبلیغاتی، امریکا با آنها مصالحه خواهد کرد.

راه حل دوم، امریکایی ها تصمیم گیری برای اقدام نظامی بود، شرایط بین المللی در آستانه پایان جنگ سرد و تحولات اروپای شرقی و همچنین، اوضاع حساس و آسیب پذیر منطقه و مهم تر از همه، آثار روانی جنگ ویتنام در افکار عمومی مردم امریکا و اختلاف نظر در میان متحدان جهانی امریکا، از جمله موانعی بود که امریکایی ها باید برای فائق آمدن بر آنها تلاش می کردند. طرف داران راه حل دوم چنین استدلال می کردند که امکان مصالحه بر سر منافع حیاتی امریکا وجود ندارد و صدام قابل اعتماد نیست و پی آمدهای تسلط صدام بر منطقه، موجی از بی ثباتی و افزایش قیمت نفت را در پی خواهد داشت. در این میان، اسرائیلی ها نقش تعیین کننده ای در مجاب کردن امریکا به اقدام نظامی داشتند. «آوای اشلیم» در تبیین دیدگاه اسرائیلی ها نسبت به جنگ و نقش آنها در ترغیب امریکا به اقدام نظامی علیه عراق می گوید:

«اسرائیلی ها در فعالیت های پشت پرده خود و اعمال نفوذ بر سیاست مداران امریکا، می کوشیدند، که این کشور را برای انجام عملیات نظامی کوبنده، قانع کنند.»

وی در توضیح این مسئله می افزاید:

«پاتریک بوچانان» نویسنده امریکایی نوشت: «فقط دو گروه هستند که بر طبل جنگ در خاورمیانه می کوبند، یکی وزارت دفاع اسرائیل و دیگری، آمین گویانش در امریکا؛ دوستان اسرائیل در واشنگتن و «هنری کسینجر» در رأس آنان به تقویت و هم آهنگی موضع تندروها یا طرف داران شدت عمل پرداختند» (۱).

کسینجر به عنوان یک نظریه پرداز صهیونیست در تبیین مواضع و اقدامات ضروری امریکا در مرحله جدید، نقش غیرقابل انکاری داشت. وی بر این باور بود که «نباید بگذاریم اکنون که ارتش عراق وارد کویت شده است، سالم و با مصالحه خارج شود، زیرا در وضعیت دیگری، ارتش عراق بار دیگر بحران ایجاد خواهد کرد.» وی توصیه می کرد: «امریکا باید با استفاده از فرصت، اکنون که ارتش عراق گرفتار شده است، آن را منهدم کند». کسینجر در توضیح نظرات خود در روزنامه لوس آنجلس تایمز نوشت:

«اگر تحریم ها بیش از حد نامؤثر، و دیپلماسی ناموفق بماند، برای ایالات متحده لازم است تا انهدام قاطع تجهیزات نظامی عراق را مدنظر قرار دهد، مخصوصا اگر نتیجه تحریم ها و فعالیت های دیپلماسی، صدام حسین را بر جای خود و ماشین جنگی او را بدون صدمه باقی بگذارد، ممکن است این امر به یک میان پرده یا تنفس بین دو تجاوز بدل شود» (۲).

افزون بر توصیه هایی که به منظور مجاب کردن امریکا برای اقدام نظامی علیه عراق صورت می گرفت، نظرات دیگری نیز به عنوان الزامات جدید در سیاست منطقه ای امریکا مورد توجه قرار داشت که اساس آنها مبتنی بر دو مسئله بود: نخست، این فرض مورد تأکید قرار می گرفت که منشاء مسائل در منطقه بر هم خوردن توازن استراتژیک است (۳) و دیگر آن که، این بحران یک بحران دراز مدت در منطقه است. (۴) بر پایه این ملاحظات، برخی توصیه

ص: ۲۴۶

۱- ۹۴۷. مأخذ ۱۶۴، ص ۹۲، مقاله اسرائیل و جنگ آوای اسلیم.

۲- ۹۴۸. پیشین.

۳- ۹۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۷، ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۹، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه، ۱۹ / ۶ / ۱۳۶۹، اسحاق رابین.

۴- ۹۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۲، ۱۸ / ۵ / ۱۳۶۹، خبرگزاری رویتر، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۹، جودیت کیپر کارشناس انیستیتو برولینگر.

می کردند، امریکا با طرح ریزی نظامی - امنیتی جدید در منطقه، در درازمدت باید احیای دوباره ایران را به عنوان یک ضد ضربه علیه قدرت عراق در نظر بگیرد و در صورت تغییر رفتار ایران، مسلح کردن مجدد ایران به برهم زدن توان قدرت عراق کمک خواهد کرد. (۱) اساس این تحلیل بر پایه موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و قابل این کشور برای برخورداری از یک نقش کلیدی و تعیین کننده، استوار بود (۲).

پنجمین نامه صدام و پاسخ رئیس جمهور ایران

به عقیده بسیاری از تحلیل گران مسائل منطقه، جنگ عراق با ایران علت زیربنایی دومین جنگ خلیج فارس بود (۳) و مجموعه شرایط، صدام را برای آغاز دومین جنگ در طول یک دهه برانگیخت. در واقع، بن بست در پایان یافتن یک سره جنگ و ناکامی عراق در تجاوز به ایران و ناتوانی آشکار آن کشور در تحمیل بازگشایی اروندرود - گذرگاه اصلی عراق به خلیج فارس - بر جمهوری اسلامی ایران به صورت یک مانع عمده استراتژیکی و پریشانی سیاسی برای عراقی ها درآمد. (۴) بنابراین، اگر این فرض را بپذیریم که جنگ دوم ریشه در جنگ اول و تبعات ناشی از آن دارد، می توانیم این مسئله را به آن اضافه کنیم که نتیجه جنگ دوم، منجر به موافقت مجدد عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، و عقب نشینی این کشور از مناطق اشغال شده ایران و آزادی اسرا و در نتیجه موجب گشایی در بن بست ناشی از جنگ اول شد که پیروزی سیاسی ایران در پی داشت.

بر پایه این ملاحظه کلی، با پی گیری روندی که در تبادل نامه ها میان رئیس‌ان جمهور عراق و ایران وجود داشت، می توان چگونگی موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. با وجود آن که جمهوری اسلامی ایران به نامه های سوم و چهارم رئیس جمهور عراق که در

ص: ۲۴۷

۱- ۹۵۱. پیشین.

۲- ۹۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۸۶، ۳۱ / ۶ / ۱۳۶۹، رم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۶ / ۱۳۶۹، روزنامه ایل مساجرو.

۳- ۹۵۳. مأخذ ۱۶۴، ص ۷.

۴- ۹۵۴. مأخذ ۱۶۴، ص ۳۵، مقاله ارزیابی های غلط در بغداد، آماتزیا بارام.

۲۵ تیر و ۸ مرداد ۱۳۶۹ ارسال شده بود - بنا به دلایلی - پاسخ نداد، ولی رئیس جمهور عراق تنها یک روز پس از اشغال کویت، پنجمین نامه خود را در ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور ایران ارسال کرد. محتوای این نامه اساساً با در نظر گرفتن مواضع جدید و احتمالی ایران بود. البته جمهوری اسلامی ایران بلافاصله، اشغال کویت را محکوم و بعدها ضمن اعلام حمایت از قطع نامه سازمان ملل، در خصوص اشغال کویت مخالفت خود را با هر گونه تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه اعلام کرد. در ابتدای نامه جدید صدام آمده است:

«از خلاصه فعالیت سیاسی شما شمه ای از آنچه از سوی دولت ایران صادر شد، آگاهی یافتیم» (۱).

وی پس از اشاره به مندرجات آخرین نامه رئیس جمهوری ایران نوشت:

«اینک پس از قضیه کویت، علائم بحران در افق پدیدار گشته و ممکن است، کسانی را که به اندازه کافی تأمل و بردباری از خود نشان ندهند، به مسیر کشمکش بکشاند» (۲).

در ادامه نامه، صدام ضمن تأکید بر این مسئله که «دریافته ایم که شما خواهان صلحید»، اظهار امیدواری می کند:

«پس از انجام گفت و گو با شما رئیس جمهور ایران و با کسانی که معرفی می نمایید، در آستانه مرحله سرنوشت ساز صلح قرار بگیریم» (۳).

و سپس می افزاید:

«آرزو ندارم افرادی همچون شما و برادران شما در کادر رهبری ایران که یک جنگ هشت ساله را آزموده اند، متزلزل شده، به امری که نه به مصلحت ایران و نه جزو هدف های مردم ایران است، روی آورند» (۴).

رئیس جمهور عراق ضمن تهدید ایران مبنی بر خودداری از مداخله و یا بهره برداری از شرایط موجود برای انجام حرکت جدیدی علیه عراق می افزاید:

ص: ۲۴۸

۱- ۹۵۵. مأخذ ۱۰۱، ص ۶۰.

۲- ۹۵۶. پیشین، ص ۶۰.

۳- ۹۵۷. پیشین، ص ۶۱.

۴- ۹۵۸. پیشین، صص ۶۱ و ۶۲.

«اگر عراق و ایران هر یک از آنها از موضع صحیح خود منحرف شود، ملت خویش را از یک فرصت تاریخی برای نیل به صلح و نیز تثبیت حقوق مشروع خود، محروم خواهد ساخت» (۱).

آقای هاشمی در پاسخ به نامه پنجم رئیس جمهوری عراق طی نامه ای که در ۱۷ مرداد ۱۳۶۹ نوشته شد، ابتدا در اعلام وصول نامه ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ صدام با گلایه از محتوای تهدید آمیز نامه صدام می نویسد:

«با آن که اصل نامه علی الظاهر به منظور پیش برد مذاکرات صلح تنظیم شده، لیکن، بخشی از مضامین آن تأسف آور است» (۲).

نامه رئیس جمهور ایران، ضمن تأکید بر «حرکت صادقانه» ایران برای «تأمین حقوق مشروع و تغییر ناپذیر ملت ایران» (۳)، در هفت بند تنظیم شده است. در بند اول نامه همچون گذشته، ملاقات سران، به مذاکرات محتوایی نمایندگان دو کشور و حل و روشن شدن مسائل مهم و کلیدی مشروط شده است. در بند دوم، با صراحت اعلام شده است:

«پیشنهاد مشخص با مبنا قرار گرفتن معاهده ۱۹۷۵ برای مذاکرات صلح می باشد» (۴).

در بند سوم نیز سقف زمانی دو ماه برای عقب نشینی غیر قابل توجیه قلمداد شده و تأکید شده است که این کار در مدت یکی دو روز قابل انجام است. (۵) در سایر بندها نیز نوعی مجادله نسبت به مواضع و اقدامات جدید عراق در اشغال کویت صورت گرفته است. در بند پنجم این نامه آمده است:

«تهاجم غیرقابل تصور به یک کشور همسایه بدون کوچک ترین اطلاع و هم آهنگی، آن هم با آثار و تبعات فوق العاده آن در رابطه با ما، می تواند اعتماد ما را سست سازد و تردید جدی در انگیزه های مذاکرات چند ماهه اخیر ایجاد نماید» (۶).

همچنین، در بند ششم آمده است:

ص: ۲۴۹

۱- ۹۵۹. پیشین، ص ۶۲.

۲- ۹۶۰. پیشین، ص ۶۶.

۳- ۹۶۱. پیشین، ص ۶۶.

۴- ۹۶۲. پیشین، ص ۶۷.

۵- ۹۶۳. پیشین، ص ۶۷.

۶- ۹۶۴. پیشین، ص ۶۸.

«لحن نامه اخیرتان مناسب با حالت لازم در جریان مذاکره نیست. لحن و زبانی به کار گرفته اید که در گذشته عدم کارآیی آن در رابطه با ملت مسلمان و انقلابی ما آزموده شده [است]» (۱).

در ادامه همین بند تصریح شده است:

«ما به دنبال استفاده از شرایط فعلی نیستیم و جز حقوق مشروع و قانونی خود، چیز دیگری نمی خواهیم» (۲).

آقای هاشمی در بند هفتم نامه، بار دیگر بر قرارداد ۱۹۷۵ میلادی برای مشخص کردن مرزهای در زمین و رودخانه تأکید کرد (۳).

پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ در ششمین نامه رئیس جمهور عراق

صدام در ششمین و آخرین نامه خود به رئیس جمهوری ایران که در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) نوشته شد، رسماً پیشنهاد آقای هاشمی را مبنی بر لزوم مبنا قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، پذیرفت. وی علت این اقدام را در مقدمه نامه خود که در چهار بند تنظیم شده است، چنین ذکر می کند:

«به خاطر آن که هیچ یک از توانایی های عراق در خارج از میدان نبرد بزرگ بلااستفاده باقی نماند و به جهت بسیج این توانایی ها در جهت اهدافی که مسلمانان و اعراب شرافت مند بر حقانیت آنها اتفاق نظر دارند و برای جلوگیری از تداخل سنگرها و دور ساختن گمان ها و تردیدها تا آن که خیراندیشان راه خود را برای برقراری روابط طبیعی میان عراق و ایران بیابند، تصمیمات زیر را اتخاذ نمودیم.»

در بند یک این نامه لزوم مبنا قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر پذیرفته شده است و در بند سوم آن آمده است:

«ما عقب نشینی خود را از روز جمعه هفدهم اوت ۱۹۹۰ (۲۶ مرداد

ص: ۲۵۰

۱- ۹۶۵. پیشین، ص ۶۹.

۲- ۹۶۶. پیشین، ص ۶۹.

۳- ۹۶۷. پیشین، ص ۷۲.

۱۳۶۹) آغاز می کنیم.»

در بند چهارم نیز اعلام شده است:

«ما به عنوان آغازگر آزادی اسرا، روز جمعه ۱۷ اوت اقدام خواهیم کرد.»

در آخرین بخش نامه نیز رئیس جمهور عراق صدام ضمن پذیرش خواسته های ایران، اظهار کرد:

«با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب، همه آنچه را که می خواستید و بر آن تکیه می کردید، تحقق می یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی ماند.»

در چند خط آخر نامه به صورت تلویحی به این موضوع اشاره کرد که «عراق انتظار دارد، ایران در این بحران در کنار عراق قرار گیرد!»، و در ادامه نوشت:

«بدین وسیله کسانی را که سعی می کنند از آب گل آلود ماهی بگیرند، از سواحل خود دور کنیم و چه بسا در جهاتی همکاری کنیم که در نتیجه آن، خلیج [فارس] به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگان ها و نیروهای بیگانه که در کمین ما نشسته اند، مبدل شود، مضافاً آن که، همکاری مزبور می تواند شامل جنبه های دیگر زندگی شود» (۱).

عراق در شرایطی به پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تن داد و از خاک جمهوری اسلامی ایران عقب نشینی کرد که به یک اعتبار، به دلیل مقاومت مردم ایران چاره ای جز این نداشت و به اعتبار دیگر، با اشغال کویت موقعیت ممتازی کسب کرده بود که نیازی به پافشاری بر لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نداشت. در هر حال به نظر می رسد این اقدام عراق بر اساس چند دلیل صورت گرفته باشد که از آن جمله است:

۱- اهمیت قرارداد ۱۹۷۵ که عمدتاً به منظور راه یابی عراق به شمال خلیج فارس بود با تصرف کویت کاهش یافت، و در ضمن پیروزی

ص: ۲۵۱

به دست آمده، نیز پی آمدهای ناشی از پذیرش قراردادی که به علت آن عراق جنگ را شروع کرده بود، را تحت شعاع قرار می گرفت.

۲- جلوگیری از بهره مندی احتمالی امریکا از ایران علیه عراق به خاطر شرایط نه جنگ نه صلح و خصومت های دیرینه بین ایران و عراق.

۳- عدم تجزیه توان عراق در صورت تداوم و شدت درگیری نظامی در کویت، چرا که عراق بیش از ۳۰ لشکر در مرز ایران داشت که با پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ توانست آنها را به کویت و به مرز عربستان و همچنین ترکیه گسیل کند.

۴- تمایل عراق برای نزدیک شدن به ایران به لحاظ موضع ضد امریکایی این کشور، و اشتراک موضع در مسئله نفت کسب حمایت این کشور در شرایط بحرانی در صورت تداوم محاصره سیاسی و اقتصادی و یا درگیری نظامی.

در واقع بین پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر با موقعیت آینده عراق در کویت - به عنوان مهم ترین عامل - ارتباط تنگاتنگی وجود داشت که حتی عراقی ها و برخی تحلیل گران و ناظران امور سیاسی بر آن تأکید داشتند.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت تجاوزکارانه حمله عراق به کویت و پی آمدهای احتمالی آن برای منطقه و منافع ایران، چند راه کلی فرا روی خود داشت که برای دو طرف جنگ و حامیان و متحدان آنها حائز اهمیت بود. متحدین به رهبری امریکا در وهله نخست با هدف اداره و مهار دامنه بحران مایل بودند، ایران نیز در جبهه آنان قرار گیرد، تا در کنار سوریه، ترکیه و عربستان سعودی محاصره عراق تکمیل شود. این اقدام بدترین وضعیت را برای عراق به وجود می آورد، زیرا به جز برقراری آتش بس شکننده میان ایران و عراق که امکان از سرگیری مجدد درگیری نیز وجود داشت، هیچ گونه قراردادی برای برقراری صلح و حل و فصل اختلافات امضا نشده بود. لذا، این

وضعیت می توانست با گشایش جبهه جدید برای عراق، قوای نظامی این کشور را تجزیه کند. روزنامه نیویورک تایمز که بیش تر موضع وزارت خارجه امریکا را بیان می کند، با توجه به تحولات جدید، در مورد موضع گیری ایران و انتخاب های احتمالی این کشور نوشت:

«تهران با یکی از اساسی ترین پرسش هایی که در برابر انقلاب اسلامی اش قرار گرفته، روبه رو شده است و آن آن که، از این موضع جدید قدرت برای تضعیف عراق استفاده کند یا آن که با پیوستن به عراق در بیرون راندن ایالات متحده، یعنی دشمن مشترک دو کشور از منطقه بکوشد» (۱).

متقابلاً- وضعیت مطلوب برای عراق این بود که جمهوری اسلامی در کنار عراق با گشایش جبهه جدید در برابر امریکا دامنه بحران را وسعت بخشد و تا آن سوی تنگه هرمز و تا دریای عمان گسترش دهد. عراقی ها از ایران همین انتظار را داشتند و طارق عزیز طی اظهارات خود، ابراز تمایل کرد، ایران برای رویارویی با تجاوز امریکا علیه عراق با این کشور همکاری کرده و با حضور بیگانگان در خلیج فارس مخالفت کند. (۲) وزیر خارجه عراق طی سفر به تهران، در مذاکرات خود با مقام های ایرانی این درخواست را به گونه ای دیگر هم راه با تقاضای کمک برای شکستن محاصره اقتصادی عراق عنوان کرد. در این راستا، سفیر عراق در سازمان ملل توافق اخیر ایران و عراق را به مراتب مهم تر از تحولات خلیج فارس و تأثیرگذار بر کل منطقه دانست و گفت:

«ما خواستار دخالت ایران در زمینه امنیت خلیج [فارس] هستیم و برای آن که آنها بیش از این خود را در انزوا احساس نکنند، از نقش سازنده ایران در تأمین امنیت و ثبات منطقه استقبال می کنیم» (۳).

در همین چارچوب، سعدون حمادی در سفر به تهران در دی ۱۳۶۹ این خواسته ها را اعلام کرد. وی در یکی از این مذاکرات با اشاره به انقلاب اسلامی ایران و شعارهای این کشور علیه استعمار ویژه امریکا و اسرائیل گفت:

ص: ۲۵۳

۱- ۹۶۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۲، ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹، رادیو امریکا، ۲۷ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۷، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۹، رادیو امان.

۳- ۹۷۱. اداره امور بین المللی مجلس شورای اسلامی، ملاقات سعدون حمادی با تنی چند از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۹، ص ۳.

«الان این شعارها در منطقه مطرح هستند» (۱).

وی که به «هم پایی و تشریک مساعی» مایل بود، گفت:

«اگر از من سؤال کنید که نظر ما [عراق] چیست؟ با کمال صراحت می گوئیم، اگر به جای شما [ایران] بودیم علیه ایالات متحده وارد عمل می شدیم» (۲).

وی در ادامه اظهار کرد:

«از گذشته امریکا هم از ما و هم از شما به خاطر جلوگیری از نفوذ کمونیسم حمایت می کرد، این وضعیت از بین رفته و امریکا در آینده نه از ما و نه از شما برای دفع کمونیسم حمایت نخواهد کرد و اگر خدای ناکرده ایالات متحده در منطقه پیروز شود، حتی یک رژیم ملی در منطقه باقی نخواهد ماند» (۳).

پس از سخنان سعدون حمادی، آقای رجایی خراسانی، نماینده سابق ایران در سازمان ملل با بیان مطالبی که پاسخ نسبتاً جامع، همراه با ظرافت های دیپلماتیک بود گفت:

«اگر به جای ما بودید کاری را می کردید که الآن از ما می خواهید، من فکر می کنم شعار مبارزه با امریکا یکی از شعارهای اساسی انقلاب ما بوده است. به هر حال، فرصتی که شما بتوانید با ما همکاری کنید بوده است و لذا آن را نمی خواهیم زیاد تجزیه و تحلیل کنیم. اجمالا عرض کنم، روزگاری شما در این فرصت بودید که کاری را بکنید که الآن از ما می خواهید» (۴).

جمهوری اسلامی ایران نظر به دشواری و نتیجه گیری های موجود، راه حل دیگری را برگزید و با محکومیت اشغال کویت و حمایت از قطع نامه سازمان ملل در این باره و رعایت عراق و همچنین اعلام مخالفت با تغییر جغرافیای منطقه، مواضع خود را با عنوان «منافع ملی» برای افکار عمومی جامعه ایران - که به دلیل روحیه ضد امریکایی تمایل به هم سوئی با عراق علیه امریکا داشتند - توضیح داد.

در چنین شرایطی، همان گونه که منطق تحولات جدید، پذیرش

ص: ۲۵۴

۱- ۹۷۲. مأخذ ۲۰۰، سازمان ملل، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۷۳. مأخذ ۲۰۱.

۳- ۹۷۴. پیشین، ص ۳.

۴- ۹۷۵. پیشین، ص ۵.

قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و صلح با ایران را به عراق تحمیل کرد، همین منوط ایجاب می کرد، جمهوری اسلامی ایران با اغتنام فرصت، به تحکیم صلح با عراق و قطعی کردن آن با مبادله اسناد مبادرت کند. بدیهی است، به همان میزان که اشغال کویت برای منافع ایران زیان آور بود، پیروزی امریکا بر عراق نیز همین نتایج را با ابعاد گسترده تر و عمیق تری در بر داشت. بنابراین، تداوم مناقشه امریکا و عراق می توانست نقش بی بدیل و تعیین کننده ایران را برای ایجاد موازنه و تأمین ثبات در منطقه برای کشورهای منطقه و خارج از منطقه بیش از گذشته روشن و اثبات کند.

بازتاب پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در رسانه های خبری

در پی ارسال نامه صدام در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) مبنی بر پذیرش عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، سه روز بعد در ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ (۱۷ اوت ۱۹۹۰) و همزمان با عقب نشینی نیروهای نظامی از مناطق اشغالی، آزادی اسرا آغاز شد. آقای هاشمی یک روز پس از آن (۲۷ مرداد ۱۳۶۹)، در پاسخ به آخرین نامه صدام نوشت:

«شروع عقب نشینی نیروهای شما از اراضی اشغالی ایران را دلیل صداقت و جدی بودن شما در راه صلح با جمهوری اسلامی ایران به حساب می آوریم و خوشبختانه موعد مقرر آزادی اسرا هم آغاز گردید» (۱).

در پایان نامه ضمن اعلام آمادگی برای پذیرش نمایندگان عراق در تهران و با عبارت «والسلام علیکم»، برقراری صلح میان دو کشور اعلام شد (۲).

نظر به نگرانی هایی که همچنان نسبت به رفتار عراق وجود داشت، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران هم زمان با آغاز عقب نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی، طی نامه ای به دبیرکل با هدف «ثبات و ضبط تحولات جدید» این موضوع را به آگاهی وی رساند. (۳) در پی آزادی نخستین گروه هزار

ص: ۲۵۵

۱- ۹۷۶. مأخذ ۱۰۱، ص ۷۵.

۲- ۹۷۷. پیشین، ص ۷۶.

۳- ۹۷۸. مأخذ ۴۱، ص ۴۷۷.

نفری اسرای ثبت نام شده ایرانی از مرز خسروی، به لحاظ وضعیت بحرانی منطقه، تلاش شد تبادل روزانه اسرا تا حد ممکن افزایش یابد، که در پی این هم آهنگی و توافق دو طرف، سقف تبادل اسرا به سه هزار نفر در روز رسید (۱).

هم زمان، عقب نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی به مرزهای زمینی شناخته شده بین المللی که بر اساس عهدنامه ۱۹۷۵ مشخص بود، در مدت پنج روز از ۱۷ تا ۲۱ اوت ۱۹۹۰ (۲۶ تا ۳۰ مرداد ۱۳۶۹) انجام گرفت و تکمیل شد و این در حالی بود که گروه ناظر نظامی سازمان ملل متحد میان ایران و عراق (یونیمگ) بر این عقب نشینی نظارت می کرد (۲).

متعاقب این تحولات، طارق عزیز، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق در رأس هیئتی در ۱۸ شهریور ۱۳۶۹ به تهران آمد و در ۲۳ آبان ۱۳۶۹ نیز، وزیر خارجه ایران (علی اکبر ولایتی) عازم عراق شد. (۳) در این میان، سفرهای دیگری نیز انجام شد که تمامی آنها، دلالت بر بهبود مناسبات ایران و عراق و خارج شدن از وضعیت نه جنگ نه صلح داشتند. پیدایش این وضعیت بازتاب نسبتاً گسترده ای در رسانه های خبری داشت.

دبیرکل سازمان ملل که در جریان تمام مراحل تصویب قطع نامه ۵۹۸ در تیر ۱۳۶۶ و موافقت ایران با آن در تیر ۱۳۶۹ قرار داشت و از پیچیدگی و دشواری های دو سال مذاکره میان ایران و عراق در وضعیت شکننده نه جنگ نه صلح کاملاً آگاه بود، پس از اقدام عراق گفت:

«تصمیم عراق کاری را که من برای دو سال قادر به دست یابی به آن و اجرای قطع نامه ۵۹۸ نشدم، عملی ساخت» (۴).

واکنش امریکایی ها که در مسئله اشغال کویت با عراق درگیر بودند، با توجه به این که حرکت های جدید عراق در خصوص ایران، ارتباط عمیقی با اشغال کویت داشت، قابل ملاحظه بود. بوش، رئیس جمهور وقت امریکا طی سخنانی گفت:

ص: ۲۵۶

۱- ۹۷۹. پیشین، ص ۴۷۹.

۲- ۹۸۰. پیشین، ص ۴۸۱.

۳- ۹۸۱. پیشین، ص ۴۸۶.

۴- ۹۸۲. خیرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۱، ۶ / ۶ / ۱۳۶۹، مصاحبه دکوئیار با شبکه سی.ان.ان.

موافقت عراق با تمام شرایط ایران برای من تعجب آور است. پیش بینی این توافق بر وضعیت منطقه در شرایط فعلی برایم ممکن نیست» (۱).

سخن گوی وزارت خارجه امریکا نیز اظهار امیدواری کرد، این اقدام عراق یک بازی تبلیغاتی دیگر نباشد. (۲) رادیو امریکا طی گفتاری با عنوان «نظرات رسمی دولت امریکا در مورد انجام این اقدام»، گفت:

«صدام حسین این امتیاز شگفت انگیز را در پاسخ به تقبیح شدید و همگانی جهانیان از تجاوز بی دلیل عراق علیه کویت داد» (۳).

مواضع کویتی ها و همچنین مقام ها و نشریات عربستان سعودی، به دلیل آن که در وضعیت جدید، به صورت مستقیم با عراق درگیر بودند، از اهمیت زیادی برخوردار بود. «شاهزاده بندر»، سفیر عربستان در امریکا در یک نشست مطبوعاتی با اشاره به دوران جنگ ایران و عراق و درخواست مکرر عراق از عربستان برای آن که این کشور از امریکا و سایر قدرت های غربی بخواهد که عراق را یاری کنند، شعارهای ضد امریکایی اخیر عراق را به باد تمسخر گرفت و گفت:

«واقعیت امر این است که اگر ما نبودیم، عراق نمی توانست از نیروهای امریکایی و یا امپریالیستی در جنگ علیه ایران بهره مند شود» (۴).

وزیر کشور عربستان سعودی، «نایف عبدالعزیز» نیز ضمن توضیح مواضع پیشین کشور خود گفت:

«ما فرصت نداشتیم که به ایران بگوییم، حد و مرز خود را بشناسد، ولی عراق این امکان را داشت که از مقاصد ایران جلوگیری کند.»

وی سپس افزود:

«به نظر ما آنچه که ایران خواسته بود، تحقق یافت» (۵).

اظهارات مقام های کویتی در مقایسه با مقام های سعودی از ندامت و شرم ساری بیش تری برخوردار بود. آنها نیز برای نفی بهانه های صدام مبنی بر

ص: ۲۵۷

۱- ۹۸۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۸۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۸۵. محسن صفری، ما اعتراف می کنیم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۰، به نقل از رادیو امریکا، ۲۳ / ۸ / ۱۳۶۹، نوامبر ۱۹۹۰.

۴- ۹۸۶. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن «بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا»، شماره ۳ و

۲، ص ۲، از بخش سوم، کنفرانس مطبوعاتی سیزدهم اوت ۱۹۹۰، در سفارت عربستان در واشنگتن.
۵-۹۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۷، ۱۲ / ۶ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۶ / ۱۳۶۹.

نقش کویت در توطئه علیه عراق برای کاهش قیمت نفت و فشار برای دریافت بدهی های عراق، مسائلی را مطرح کردند. از جمله: «تولید بیش از نیاز به منظور تأمین اقتصاد عراق»، «اقدام سعودی ها و کویت در فروش نفت برای عراق» (۱) و «کمک های نقدی کویت به عراق بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار که با احتساب سایر کمک ها این رقم از مرز ۳۰ میلیارد دلار هم می گذرد» (۲).

بعدها، در سفر «جابر الاحمد الصباح»، وزیر خارجه کویت به ایران، وی در دیدار با رئیس جمهور وقت ایران، آقای هاشمی رفسنجانی، دست یابی ایران به حقوق حقه خود و بازپس گرفتن سرزمین هایش بر اساس عهدنامه مشروع و ثابت ۱۹۷۵ میلادی الجزایر و همچنین آزادی اسرای ایرانی را صمیمانه تبریک گفت. (۳) وزیر کار و امور اجتماعی کویت نیز در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی گفت:

«صدام از جمهوری اسلامی ایران شکست خورد و برای توجیه مردمش کویت را اشغال کرد تا شکست خود را جبران کند» (۴).

در این حال، «عبدالله بشاره»، دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس نیز موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را شکست بزرگ سیاسی، روحی و فرهنگی برای این کشور خواند (۵).

هدف عراق از پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، مورد توجه برخی رسانه ها قرار گرفت. در این میان، تحلیل های مختلفی از جمله: «عقیم گذاشتن تلاش های تهران برای بهره برداری از بحران جاری» (۶) و در نتیجه «خنثی کردن ایران و آرامش در جبهه شرقی» (۷) و همچنین ایجاد «خط تأمین نیازهای عراق به ویژه مواد غذایی» (۸) و احتمالاً در هم شکستن صفوف اعراب با جهان اسلام که علیه عراق متحد شده اند (۹) به عنوان بخشی از اهداف و انگیزه های عراق ذکر شده است. توضیحات سفیر عراق در پاریس علت تصمیم گیری عراق را تا اندازه ای روشن می کند. وی می گوید:

ص: ۲۵۸

۱- ۹۸۸. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن «بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا»، شماره ۵، ص ۳، به نقل از مسعود ناصر الصباح، سفیر کویت در واشنگتن.

۲- ۹۸۹. پیشین.

۳- ۹۹۰. مأخذ ۲۱۵، ص ۱۸۲، ۱ / ۶ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۹۱. پیشین، ص ۱۹۱، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹.

۵- ۹۹۲. پیشین، ص ۱۸۳.

۶- ۹۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۹، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۹، قاهره، خبرگزاری یونایتد پرس، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹، به نقل از دیپلمات های غربی مستقر در خلیج فارس.

۷- ۹۹۴. پیشین، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، رادیو اسرائیل، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹.

۸- ۹۹۵. پیشین، رادیو امریکا، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹، مناشه امیر، کارشناس اسرائیل در مستهل ایران.

۹-۹۹۶. پیشین، رادیو امریکا، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹، یوسف دولمرت، استاد دانشگاه اسرائیل در مسائل خاورمیانه.

«عراق به عنوان یک دولت و یک حزب با مسائل و موقعیت‌ها از دید استراتژیک و علمی نگاه می‌کند و این تصمیم سلامت امنیت و آینده عراق را تضمین می‌کند و این چیز مهمی است و این تصمیم با آینده عراق هم آهنگی دارد» (۱).

نتایج اقدام عراق مبنی بر پیروزی ایران و شکست عراق، حجم گسترده‌ای از تحلیل رسانه‌های خبری جهان را به خود اختصاص داد. «آنتونی پارسونز»، سفیر سابق انگلیس در ایران معتقد بود که «صدام در تجاوز به ایران به دلیل مقاومت ایران شکست خورد و هنگامی که متوجه شد نمی‌تواند بر ایران سلطه پیدا کند، از شرایط خود صرف نظر کرد» (۲). روزنامه «الیوم» چاپ عربستان نیز پیروزی ایران را آسان خواند و نوشت:

«ایران بدون آن که حتی یک گلوله شلیک کند، به تمام خواسته‌های خود دست یافت» (۳).

یک کارشناس مسائل منطقه و ایران از پیروی ایران به عنوان یک پیروزی اخلاقی نام برد، زیرا عراق با این اقدام، در واقع مسئولیت شروع جنگ را پذیرفت و دنیا این مسئله را قبول کرد. (۴) روزنامه «الاتحاد» چاپ ابوظبی در این باره نوشت:

«با پذیرش قرارداد الجزایر از سوی عراق، بزرگ‌ترین پیروزی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران تحقق یافت و عراق تسلیم خواسته‌های ایران شد» (۵).

رادیو مسکو نیز طی تحلیلی گفت:

«ایران پس از دو سال چانه زدن با عراق و خودداری از هر گونه عقب‌نشینی، بالاخره توانست به اهداف خود دست یابد (۶).

بدیهی است که تأکید بر پیروزی ایران معنای شکست عراق را در درون خود جای داده است، ولی در عین حال، تأکید بر شکست بزرگ صدام از جمله عبارتی بود که به چشم می‌خورد، با توجه به آن که پیروزی ایران و شکست عراق، بر اثر موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر متأثر از اشغال

ص: ۲۵۹

۱- ۹۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۰، ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۹، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹ / ۵ / ۲۵.

۲- ۹۹۸. اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، ۲ / ۸ / ۱۳۶۹، الشرق الاوسط، ۱۳ / ۷ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۹۹. مأخذ ۲۱۵، ص ۱۹۰، رادیو ریاض، به نقل از روزنامه الیوم، ۴ / ۹ / ۱۳۶۹.

۴- ۱۰۰۰. پیشین، ص ۱۸۷، رادیو امریکا، ۲ / ۷ / ۱۳۶۹.

۵- ۱۰۰۱. پیشین، ص ۱۷۹.

۶- ۱۰۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۲، ۷ / ۶ / ۱۳۶۹، رادیو مسکو، ۶ / ۶ / ۱۳۶۹.

کویت بود (۱)، به نظر می‌رسید، عراق شکست در این صحنه را با پیروزی در اشغال کویت معاوضه کرده است و از آن پس، مواضع سرسختانه تری اتخاذ خواهد کرد و این احتمال که عراق برای خروج نیروهای نظامی خود از کویت مصالحه کند وجود نداشت.

ص: ۲۶۰

۱-۱۰۰۳. مأخذ ۲۱۵، گری سیک، رادیو امریکا، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

